









هنرمندی

# مردم‌شناسی ایران

Checked  
1987

ترجمه دکتر عبد الله فریار



از انتشارات کتابخانه ابن سینا

باهمکاری مؤسسه انتشارات فرانکلین

This is an authorized translation of  
**CONTRIBUTIONS TO THE ANTHROPOLOGY OF IRAN**  
by Henry Field.  
Anthropological Series, Field Museum of Natural History  
(Chicago Natural History Museum),  
Volume 29, Numbers 1 & 2, December 15, 1939.

چاپ این کتاب در دهرارسخه به تاریخ اسفند ماه یکهزار و سیصد و چهل و سه  
هجری خورشیدی در چاپخانه بانک باررگابی ایران به پایان رسید.  
حق طبع محفوظ است

# فهرست مندرجات این کتاب

دوره اول :

۱	سر آغاز	
۲	مقدمه	۰.۱
۱۳	سرزمین و مردم ایران	۰.۲
۳۷	اشارات تاریخی درباره مردم ایران	۰.۳
۱۹۱	مردم ایران	۰.۴
۱۹۱	ایالات شمال و شمال غربی	
۱۹۷	گروههای بژادی	
۲۰۰	ماره‌دان	
۲۰۱	کیلان	
۲۰۳	حمسه	
۲۰۴	قروین	
۲۰۶	آذربایجان	
۲۰۶	کاشان	
۲۰۶	لرستان	
۲۱۹	حوزستان	

۲۳۸	بختیاری گرمسیر
۲۴۴	اصفهان
۲۴۵	فارس و بنادر خلیج
۲۶۹	لارستان و بندرعباس
۲۷۴	کرمان
۲۸۱	بلوچستان
۲۹۰	سیستان
۲۹۳	یرد
۲۹۴	خراسان
۳۰۱	سمنان و دامغان
۳۰۵	تقسیمات جدید ایران

۳۰۵	۵. مردم شناسی جسمانی ایران
۳۰۱	مطالب مربوط باستخوان بندی
۳۳۶	روش و تکنیک اندازه گیری
۳۴۷	بررسی آماری
۳۵۰	یهودیهای اصفهان
۴۰۵	اطلاعات تطبیقی درباره یهودیهای آسیای جنوب غربی و قفقاز
۴۲۳	روستائیان یزدخواست
۴۵۶	نه نشینان کناره
۴۹۳	لرهای پشت کوه
۵۲۴	کارگران ری و افراد متفرقه
۵۳۶	مقایسه چهار گروه ایران
۵۶۲	تحزیه نژادی حمیت ایران
۶۸۹	موقیعت نژادی ساکنین معاصر ایران

## سر آغاز

در تاریخ اول آوریل سال ۱۹۳۴ هیئت اکتشافی مردم شناسی موزه فیلد بخواورمیانته تحت رهبری اینجانب در بغداد عملیات خود را شروع کرد . مخارج این هیئت از طرف آقای مارشال فیلد<sup>۱</sup> تقبل گردید . هدف عمده آن عبارت بود از ادامه تحقیقات و بررسی در مورد اندازه گیری بدن انسانی<sup>۲</sup> در ناحیه آسیای جنوب غربی که نویسنده بعنوان یکی از افراد هیئت اکتشافی فیلد و دانشگاه اکسفورد در کیش در عراق انجام داده بود . شرح این بررسی در مورد ۳۹۸ عرب ساکن کیش و ۲۳۱ سرباز عراقی و ۳۸ بدوی بائیچ در سال ۱۹۳۵ تحت عنوان « اعراب ناحیه مرکزی عراق - تاریخیچه و خصوصیات جسمانی و نژادی آنها » بچاپ رسید . ( رجوع شود به نشریه مردم شناسی شماره ۱۷ - موزه تاریخ طبیعی فیلد ) چهارماه و نیم اول دوره بررسی در عراق صرف شد و در آنجا علاوه بر عملیات مربوط بامور مردم شناسی نمونه های مربوط به گیاه شناسی و زمین شناسی و حیوان شناسی جمع آوری گردید . در طی شش هفته بعد تحقیقات مشابه در ایران نیز بعمل آمد . آقای ریچارد مارتین<sup>۳</sup> که اکنون متصدی قسمت باستان شناسی خاور نزدیک در موزه فیلد میباشد مأمور جمع آوری نمونه های حیوان شناسی بود و در تمام مدت سفر اکتشافی بعنوان عکاس همراه اینجانب مسافرت کرد . عکسهای عالی و ذیقیمتی که این کتاب را مزین کرده نتیجه مهارت و حوصله او است که در مورد موضوعهای نامساعد و همچنین در چاپ فیلم در وضع مشکل بکار برده است . دکتر والتر کندی<sup>۴</sup> از دانشکده

1. Marshall Field 2. anthropometric 3 Richard A. Martin  
4 Dr. Walter P. Kennedy

پزشکی بغداد از میان گروه یهودیهای اصفهان نمونه خون بدست آورد و نیز در جمع آوری مطالب مربوط به علم طب در تهران و اصفهان کمک کرد. آقای یوسف لازار که خود آسوری است متصدی جمع آوری نمونه های حشره و گیاه بود. مسائل فنی مربوط به اندازه گیری بدن انسانی و ملاحظات و مطالب دیگر با آقای دکتر هوتن<sup>۱</sup> در هاروارد و با سر آرثر کیث<sup>۲</sup> و دکتر دادلی بکستون<sup>۳</sup> در انگلستان مورد بحث و مذاکره واقع شد. جمع آوری اطلاعات مخصوصی بویژه در مورد مسائل طبی بدستور رئیس سابق اینجانب دکتر برنولد لوفر<sup>۴</sup> فقیه بعمل آمد.

قبل از عزیمت از امریکا آقای والاس مری<sup>۵</sup> رئیس اداره امور ناز و نزدیک در وزارت خارجه لطفاً آقای ویلیام هورنی بروک<sup>۶</sup> وزیر مختار امریکا در ایران را از منظور و هدف هیئت علمی مطلع کرد. با مساعدت آقای هورنی بروک اینجانب موفق شد افتخار ملاقات با نخست وزیر و وزیر کشور و رئیس کل شهربانی را حاصل کند. در نتیجه این ملاقاتها پروانه مخصوصی بنام اعضای هیئت صادر گردید که حاوی اجازه مسافرت و رفت و آمد به شیراز و انجام مطالعات و تحقیقات اندازه گیری بدن انسانی و جمع آوری نمونه های گیاه شناسی و حیوان شناسی و عکسبرداری لازم بود. مدت سه هفته که تشریفات سدور پروانه مخصوص بطول انجامید، مهمان دکتر اریک اشمت و جاننش<sup>۷</sup> در ری بودیم. در این مدت بسا کمک دکتر جرج مایلز<sup>۸</sup> یکی از اعضای هیئت اکتشافی ری و دکتر والتر کندی، اینجانب فرصت انجام یکی از اموریتهای دکتر لوفر را پیدا کرد و بجمع آوری نسخه های طبی و نمونه گیاههای مفید و داروها و اسامی محلی آنها پرداخت. در اصفهان میرزا محمد علی خان (لوحه ۱۴ شکل ۲) طبیب ۹۵ ساله لطفاً حاضر شد نسخه داروی امراض مختلفه را دیکته کرده در تحت اختیار اینجانب قرار دهد. دکتر لوفر در نظر داشت این یسارداشته را در کتابی که در باره مطالب طبی ایران<sup>۹</sup> مینوشت بکار برد. ولی متأسفانه این کتاب تا قبل از وفات وی در ۱۹۳۴ تمام نشد. مطالبی که اینجانب جمع

1. Dr. E. A. Hooton 2. Sir Arthur Keith 3. Dr. L. H. Dudley Buxton  
4. Dr. Berthold Laufer 5. Mr. Wallace Murray 6. William H. Hornbrook  
7. Dr. & Mrs. Erich F. Schmidt 8. Dr. George Miles  
9. Materia Medica Iranica

آوری کرده بود با فهرست نمونه‌های از ایران و عراق در ۱۹۳۷ در گزارش تحت عنوان «گیاهها و داروهای مفید ایران و عراق» بکار رفت. این گزارش توسط دکتر داوید هوپر<sup>۱</sup> (ص ۷۳-۲۴۱) عضو موزه تاریخ طب و لکام<sup>۲</sup> لندن با همکاری اینجانب تهیه شد.

در اصفهان مهمان دکتر مایرون اسمیث<sup>۳</sup> و خانمش بودیم. در اینجا لازم است از فرماندار و رئیس شهربانی اصفهان تشکر کنم زیرا بدون مساعدت و همکاری آنها مطالعه و اندازه‌گیری افراد محله یهودیان امکان پذیر نبود. همچنین باید از کمک شخصی آقای جوزف کوهن مدیر آلیانس اسرائیلی تشکر کنیم که ترتیبات لازم را برای تحقیق و مطالعه افراد یهودی داد و عمارت مدرسه را برای این منظور در اختیار ما گذاشت.

آقای مایرون اسمیث، آقای مارتین و یوسف لازار و اینجانب را از اصفهان با اتومبیل به تخت جمشید برد. در بین راه پنج روز در ویزد خواست<sup>۴</sup> ماندیم و از تعدادی افراد آن شهر اندازه‌گیری کرده و نمونه‌های گیاه شناسی و حیوان شناسی جمع نمودیم. خانم اسمیث وظیفه ثبت یادداشتها را به عهده گرفت. در تخت جمشید مهمان دکتر ارنست هرتسفلد رئیس هیئت اکتشافی مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو بودیم. دکتر هرتسفلد دو نفر از اعضای هیئت اکتشافی تخت جمشید یعنی آقای دونالد مکون<sup>۵</sup> و آقای برگنر<sup>۵</sup> را مأمور راهنمایی ما به قریه کناره نمود و در آنجا از عده‌ای اندازه‌گیری و ملاحظه و عکسبرداری شد. در شیراز در موقعیکه مهمان آقای بسرون و خانم بودیم از ساحل دریاچه مهارلو دیدن کردیم و بجستجوی آثار عصر حجر قدیم وجدید پرداختیم.

پس از مراجعت به تهران آقای دکتر علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ و آقای اندره گدار دربارهٔ بررسی کامل مردم شناسی ایران پیشنهادهایی کردند و اینجانب امیدوار است که این پروژه در آینده نزدیکی جامه عمل بپوشد. آقای غلامحسین ابتهاج اجازه نقل مطالب مربوط بقبایل را از کتاب راهنمای ایران دادند. آقای ناصرقلی سرداری رئیس اداره انگشتنگاری شهربانی کل لطفاً وظیفه مترجمی را بعهده گرفته و در امر تهیه پروانه تسهیلات لازم را فراهم کردند.

1. Dr. David Hooper 2. Wellcome Historical Medical Museum  
3. Mr. & Mrs. Myron B. Smith 4. Mr. Donald Mc Cown  
5. Mr. K. Bergner



در خاتمه وظیفه خود میدانم مراتب امتنان و حق شناسی خود را نسبت باعلیحضرت همایون رضاشاه پهلوی و وزیران او که این مطالعات مقدماتی در باره خصوصیات جسمانی مردم وساکنین فعلی ایران را امکان پذیر ساختند تقدیم دارم .

بوسیله سفارت اتحاد جملہیر شوروی سوسیالیستی در شیران روادید جهت اینجانب و آقای مادرتین برای مسافرت به باکو اخذ شد و در تاریخ ۱۲ سپتامبر از بندر انزلی از ایران خارج شدیم .

پس از مراجعت بهشیکاگو در دسامبر ۱۹۳۴ مطالب و نتیجه مطالعات مربوط باندازه گیری بدن انسانی را برای چاپ و انتشار آماده نمودیم . در نوشتن این گزارش اینجانب در قسمت ترتیب کلی مطالب بسا دکتر پسال مادرتین مدیر قسمت مردم شناسی موزه فیلد مشورت کرده و از اظهار نظر ایشان استفاده نمودم .

از آنجائیکه در ایران و عراق و قفقاز متجاوز از ۲۵۰۰ نفر مورد مطالعه و آزمایش قرار گرفته بودند تصمیم گرفته شد دعوت دکتر هوتن را برای جدول بندی آمار روی فیش قبول شود تا مطالب مربوطه بوسیله دستگاه هولریث در آزمایشگاه اندازه گیری بدن انسانی موزه پیبادی<sup>۲</sup> هاروارد بدقت طبقه بندی گردد . تمام سال ۱۹۳۵ و قسمتی از سال ۱۹۳۶ صرف آماده کردن مطالب برای دستگاه مزبور و نوشتن قسمتهای مقدمه گردید . از سپتامبر ۱۹۳۶ تاژوئن ۱۹۳۷ در موزه پیبادی مشغول مطالعه و بررسی مطالب بودم . دکتر دونالد اسکات مدیر موزه همه گونه تسهیلات لازم برای کار اینجانب فراهم کرد .

در تمام مدت از مشورت با دکتر هوتن که تهیه مطالب این گزارش را نظری صورت میگرفت و گاه گاه پیشنهادهای سودمند بخصوص در مورد طریقه تنظیم و عرضه مطالب میداد استفاده شایان بردم .

همچنین مراتب امتنان خود را از دکتر کارلتون کون<sup>۳</sup> و دکتر کارل سلتزر<sup>۴</sup> که جدولهای آمار را حساب کرده و در باره مسائل متعدد بسا ایشان مشورت کردم ابراز میدارم .

در فوریه ۱۹۳۸ به هاروارد برگشتم و تحت نظر دکتر هوتن مدت سه هفته به طبقه بندی وجدول سازی مطالب مربوط به اندازه گیری بدن انسانی پرداختم و سعی کردم عناصر اصلی جمعیت ایران را معین کنم. در بررسی و تجزیه آمار و تفسیر طبقه بندی دستگاه ماشین هولریت دکتر سلترز کمک زیادی بمن کرد.

دکتر گوردن بولز ا عضو موزه پیبادی در سال ۱۹۳۷ از مسافرتی که طی آن از مشرق افغانستان تا ایالات شان در برمه بررسی اندازه گیری بدن انسانی بعمل آورده بود مراجعت کرد. مشارالیه عکسهای ما را که از ایران گرفته بودیم بدقت مشاهده کرد و اظهار داشت که این نوع افراد در افغانستان و شمال شرقی هندوستان وجود دارند.

آقای جیمز گل ۲ عضو موزه پیبادی با کمال سخاوت مندی اجازه داد مشاهدات و اندازه گیری اسکلت انسانی را که در ری تحت نظر دکتر ادیک اشمیت ۳ بعمل آورده بود نقل کنم. دکتر فردریک ولسین ۴ نیز اجازه داد اندازه گیری هشت اسکلت تورنگ تپه را در این کتاب بکار برم.

در جمع آوری و تهیه مطالب مربوط با اسکلت از ایران از کمک و مساعدت افراد زیر برخوردار بودم: دکتر هوتن - موزه پیبادی - هاروارد؛ آقای هوراس جین ۵ - موزه دانشگاه فیلادلفی؛ دکتر ویلتون کروگمان ۶ - دانشگاه شیکاگو؛ دکتر آرن ۷ - موزه تاریخ طبیعی استکهلم؛ دکتر بکمان ۸ - مؤسسه اناتومی - لوند؛ دکتر والوا ۹ - دانشگاه تولوز؛ و دکتر ادیک اشمیت - مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو.

در اینجا باید از زحمات خانم المیزابت رنیف ۱۰ دستیار سابق خود که مدت سه سال در موزه قیلد و در هاروارد روی این گزارش کار کرد تشکر کنم و همچنین از اتل برایدی ۱۱ که قسمت عمده این کتاب را ماشین کرد و در قسمت غلط گیری کمک نمود تشکر میکنم. از دکتر ایدیث وایر ۱۲ که مدت یکسال در اصلاح عبارتی کتاب مساعدت کرد ممنونم. دوشیزه دروئی پدرسین ۱۳

1. Dr. Gordon T. Bowles 2. Mr. James H. Gaul 3. Dr. Erich F. Schmidt
4. Dr. Frederick R. Wulsin 5. Mr. Horace H. F. Jayne 6. Dr. Wilton M. Krogman 7. Dr. T. J. Arne 8. Dr. G. V. Backman 9. Dr. H. V. Vallois 10. Miss Elizabeth Reniff 11. Miss Ethel Brady 12. Dr. Edith W. Ware 13. Miss Dorothy Pedersen

غلطگیری نهائی کتاب و تهیه فهرست اعلام و صورت منابع بدکتر ویرک مک کرد .

از کمک دوشیزه لیلیان راس<sup>۱</sup> سر دبیر قسمت چاپ که کتاب را از چاپ بیرون آورد تشکر میکنم . زن من در کار دشوار غلطگیری مطبوعه زحمات فوق العاده کشید .

متون روسی توسط آقای ریمسکی کورساکف<sup>۲</sup> عضو موره پیبادی و آقای یوجین پرستوف<sup>۳</sup> کارمند کتابخانه دانشکده آیوا در ایما<sup>۴</sup> ترجمه و طرز نوشتن کلمات روسی از طرف آنها کنترل شد .

دوشیزه اتل الکینزه<sup>۵</sup> استفاده از منابع کتابخانه مؤسسه امریکائی صنایع و باستانشناسی ایران در نیویورک را برای من فراهم کرد و توجه اینجانب را بگزارشهای سر ارنولد ویلسون جلب نمود .

در کتابخانه نیویورک دوشیزه ایدا پرات<sup>۶</sup> لطفاً صورت کشید و بواسطه ایران را که توسط آقای الوان ایستمن<sup>۷</sup> تهیه ولی چاپ شده بود در دسترس من قرار داد .

معلم سابق من دکتر دوگلاس<sup>۸</sup> که اخیراً باستادی رئیس شناسی دانشگاه اسکسفورد ناآمل آمده است و در رشته زمین شناسی ایران تخصص دارد پیشنهادهایی نمود که در متن یا در حاشیه آن گنجانیده شده است .

در ماه ژوئیه ۱۹۳۷ موقعیکه در لندن بودم له دکترم مدیر سر کب نفت انگلیس و ایران بوسیله سر هنک دلزل هائتر<sup>۹</sup> رئیس بهداری بعضی اطلاعات مربوط به پزشکی و آب و هوای ایران را در اختیار اینجانب گذاشت که در این کتاب از آن استفاده شده است . از جمله گزارش دکتر یانک<sup>۱۰</sup> درباره وسیع بهداشتی مغرب ایران است . این یادداشتهای طبی در ضمیمه I<sup>۱۱</sup> بچاپ رسیده است .

سر ارنولد ویلسون لطفاً اجازه داد قسمتی از گزارش من بواسطه لرستان را نقل کنم . پروفیسور اولمستد<sup>۱۲</sup> از مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو و پروفیسور

1. Mrs. Lilian A. Ross 2. Mr. V. Rimsky-Korsakoff 3. Mr. Eugene Prostov 4. Am. 5. Miss Ethel C. Elkins 6. Miss Ida M. Pratt 7. Mr. Alvan C. Eastman 8. Dr. J. A. Douglas 9. Col. J. B. Dalzell Hunter 10. Dr. M. Y. Young

مینورسکی از مدرسه السنه شرقیه لندن منابع مربوط باین رشته و اشارات تاریخی را در اختیار من گذاشتند .

در ۱۹۳۳ خانم هومر توماس<sup>۱</sup> که قبلاً دوشیزه وینفرد اسمیت<sup>۲</sup> نام داشت در موزه فیلد اطلاعات تطبیقی مربوط باندازه گیری بدن انسانی را در جنوب غربی آسیا جمع آوری کرد که در فصل پنجم بکار رفته است .  
آقای ارثر دوبوا<sup>۳</sup> اجازه داد قسمتی از یادداشتهای او را در باره لرها نقل کنم .

شش نقشه (یکی در آغاز کتاب و بقیه در شکل ۱ - ۳ و ۸ و ۱۹) توسط دکتر اروین رایز<sup>۴</sup> نقشه کش مؤسسه تفحصات جغرافیائی هاروارد برای این کتاب کشیده شد نقشه صحرای نمک در جنوب طهران (شکل ۲۲) و دریاچه مهارلو (شکل ۲۳) و نقشه کاروانسرای یزد خواست (شکل ۱۶) و جدول بزرگ قبائل عراق که از منابع مختلف موجود گرفته شد بوسیله آقای ریچارد مارتین<sup>۵</sup> در موزه فیلد کشیده شد . جدول بزرگ قبائل مغرب ایران که از نقشه های (مقیاس ۱ در یک میلیون) چاپ اداره نقشه برداری هندوستان در کلکته و مطالب فصل چهارم و متخصصینی که میل دارند گمنام بمانند اخذ شده توسط آقای پیتر گرهارد<sup>۶</sup> در موزه فیلد تهیه شد . از آقای گرهارد ممنونم که علاوه بر اینها پنج نقشه کوچک قبائلی و نقشه توزیع جمعیت را بر اساس مطالب دائرة المعارف ایتالیائی جلد ۲۶ صفحه ۸۱۱ چاپ میلان مورخ ۱۹۳۵ برای چاپ آماده کرد .

سه نقشه و دو شکل (اشکال ۵ و ۶ و ۷ و ۲۰ و ۲۱) توسط آقای کارل گرونمان<sup>۷</sup> نقاش اداره کشیده شد .

دکتر ریچارد اتینگهاوزن از مؤسسه صنایع ظریفه دانشگاه میشیگان کتیبه کاروانسرای یزد خواست را ترجمه و شرح مختصری در باره آن نگاشت (ضمیمه I' ) .

۱ Mrs. Homer Thomas ۲ Miss Winifred Smeaton ۳ Mr. Arthur W. Du Bois ۴ Dr. Erwin Raisz ۵ Mr. Richard A. Martin ۶ Mr. Peter Gerhard ۷ Carl F. Gronemann

نام امکانه طبق طریقه اتخاذ شده از طرف کمیته دائمی اسامی جغرافیائی  
انجمن سلطنتی جغرافیائی لندن نوشته شده است. چون مسئله طرز املا  
اسامی بطور کلی حل نشده و اسامی بسیاری هنوز در فهرست انجمن مرموز  
نیست از رویه اینکه نقشه کشان انگلیس بکار برده اند استفاده شده است  
در فهرست اسامی قبائل که در فصل سوم دیده میشود آقای دکتر ساسانی  
دانشجوی اعزامی دولت ایران در دانشگاه شیکاگو پیشنهادهایی در باره  
یکنواخت ساختن املاهای اسامی جدید قبائل داده و پس از ملاحظه و اطلاع  
و معلومات کافی در این رشته یکنواخت کردن همه اسامی امکان پذیر بود  
بنابراین وجود بعضی اختلافات و تضادها غیر قابل اعتناست پس ارسال  
نسخه این کتاب به مطبعه چند منبع و تألیف مهم در متن کتاب و در صورت  
نیاز اضافه شده است.

هری وولد

اول ماه مه ۱۹۳۸

## ۱. مقدمه

این گزارش که بر پایه اطلاعات مربوط باندازه گیری بدن انسانی که در ماه اوت و سپتامبر ۱۹۳۴ کسب گردید قرار دارد، خصوصیات جسمانی ساکنین عصر معاصر ایران را مورد بحث قرار میدهد.

قبل از آنکه نتایج بررسی اندازه گیری بدن انسانی عرضه شود کوشش شده است وضع ایرانیان عصر حاضر در مقام مقایسه با اقوام آسیای جنوب غربی روشن گردد. در فصل دوم اطلاعات مختصری در باره موقعیت جغرافیایی ایران و وضع آب و هوا و زمین شناسی و گیاه و گل و غیره و همچنین مختصری در باره تاریخ کشور که از کتاب ( ایرانیان ) تألیف سر دنيسن راس<sup>۱</sup> اخذ شده داده شده است.

امواج مهاجرت و تاحث و تاز گروههای مختلف که بسرزمین ایران حمله کردند و بفلات ایران دست یافتند بدون شك اثر خود را بر ساکنین فعلی ایران گذاشته اند ولی ترکیب نژادی عناصر اولیه جمعیت ایران در آغاز عصر تاریخی بقدری نامعلوم و مبهم است که صلاح نیست بیش از مختصری در باره آن بحث شود. وقتی در آینده بررسی و تحقیق مفصل در داخله مرزهای ایران بعمل آید و وقتی بقایای اسکلت انسانی در ردههای مختلف باستانشناسی در نواحی مختلف ایران بدست آمده و مورد مطالعه دقیق قرار گیرد امکان آن خواهد بود که اطلاعات حاصله تلفیق شده و در باره عناصر متشکله خصوصیات جسمانی ساکنین ایران قدیم وسدید نظر دقیقتری داده شود.

در طی دوهر از سال گذشته مورخان و سیاحان مشاهدات خود را در باره ایرانیان بر سته تحریر در آورده اند ولی این گزارشهای مختلف تلفیق و ترکیب نشده و در يك جا در دسترس اهل تحقیق قرار ندارد. بدینجهت نویسنده این کتاب سعی کرده است منتخبی از منابع مختلف گرد آورد و در فصل سوم این

مطالب به ترتیب تاریخ عرضه شده و برای اینکه کار خواننده ساده تر و آسانتر شود فهرستی داده شده که منابع مختلف زیر نام قبائل بهولت پیدا میشود .

اینجانب سادت آنرا داشت که بمطالب چاپ نشده پانزده سال گذشته در باره وضع قبائل ایران دسترسی پیدا کند . اگرچه نویسندگان این مطالب ترجیح داده اند گمنام بمانند اینجانب با اجازه آنان قسمتی از مشاهدات آنها را نقل کرده و در فصل چهارم خلاصه این مطالب استان به استان داده شده است .

در طی پنج سال گذشته اعلیحضرت پادشاه ایران تمییرات رسادی در اسکان و پخش قبائل ایران در سراسر کشور داده اند . بطور کلی زندگی بدوی و عشایری با نظر مساعد تلتی نمیشود و سیاست اسکان قبائل بهیسه نقشه قبائلی ایران را تسهیل میکند ولی مشکل انجام این کار اینست که گروه های منعددی از عشایر در نقاط مختلف نفل مکان یافته اند .

در ۱۹۳۸ دستور اعلیحضرت پادشاه بغیراب عمده ای در تقسیمات داخلی کشور داده شده و مرزهای شمالی این تقسیم بندی جدید هنوز هنوز قطعی تعیین نگردیده است .

آقای دکتر محمد حسین گنجی در دسامبر ۱۹۳۸ یادداشت هایی در باره تقسیم بندی جدید ایران با صورتی از تمییرات جدید در اسامی جغرافیائی جدید از تهران برای اینجانب ارسال داشت ( برای تمییرات قبلی مراجعه شود به نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی - جلد ۸۰ - صفحه ۲۶۸ - مورخ ۱۹۳۲ ) .

فصل پنجم اختصاص داده شده است شرح مفصل چهار رشته مطالعات شخصی نویسنده که متضمن تأثیرات و نتایج زیادی این مطالعه میباشد . - این مطالعه اطلاعات آماری تطبیقی گنجانیده شده است با وسیع ۲۹۹ ردیف . این که بوسیله نویسنده مورد آزمایش قرار گرفتند در مقام مقایسه با ساکنین - و مجاور ایران مورد دقت واقع شود . - به ای اینکه از مسئله دبی مطالعه زیاد دور نشویم مطالب تطبیقی محدود گردیده است ، به عده محدودی از ای و عربستان و اردن و فلسطین و سوریه و آناتولی و قفقاز و ترکستان و افغانستان و بلوچستان و هندوستان . اگر چه در این مطالعه حتی برای یک فرد ساده واضح و آشکار است که سلاخ بررسی وجود دارد مع هذا نمایلات کلی را مینه اس

مورد مطالعه قرار داد .

گزارشهای مربوط به فعالیت‌های دیگر که تا حدی مربوط به هدف هیئت اعرامی بود ولی در درجه فرعی قرارداد در آخر کتاب در ضمیمه الف تا ح در جلد دوم این کتاب چاپ شده است .

دو نقشه قبائلی بزرگ ایران ( B ) و عراق ( A ) که جداگانه چاپ و توزیع می‌شود نتیجه ترکیب و تنظیم اطلاعاتی است که اینجانب طی یازده سال گذشته بدست آورده است . منابع و اشخاصی که قسمت عمده اطلاعات مربوطه از آنها کسب شده ترجیح داده اند که نام آنها برده نشود .

از آنجائیکه مطالب این دو نقشه بهم مربوط است صلاح دیده شد که نقشه قبائلی ایران و عراق در يك زمان منتشر و توزیع گردد در حالیکه گزارش اینجانب در باره عراق تا سال ۱۹۴۰ چاپ نخواهد شد . در مورد جمع‌آوری اطلاعات در باره عشایر مشرق ایران کوششهایی بعمل آمد ولی بجز چند ناحیه کوچک ( شکل ۱۰ و ۱۲ و ۱۳ ) اطلاعات و مطالب کافی بدست نیامد . آقای مارتین برای کتاب « مردم شناسی قفقاز » اینجانب نقشه قبائلی بزرگی از ناحیه قفقاز تهیه کرد که بر اساس اطلاعات مکتسبه در تفلیس و اورد ژونی کیدزه و مسکو در سال ۱۹۳۴ قرار دارد . مرزهای جنوبی این نقشه ( شماره C ) در مجاورت مرزهای شمالی نقشه ایران و نقشه عراق ( شماره A و B ) است .

صورت اسامی قبائل به ترتیب الفبا روی نقشه‌های ( A ) و ( B ) توسط خانم دروئی پدرسن و آقای پیتر گرهارد تهیه گردیده است .

این گزارش فعلی در باره ایران نتیجه تحقیقات مقدماتی است که میتوان نتایج مهمی در آینده برای آن پیش بینی کرد بشرط آنکه همکاری صمیمانه از طرف دولت ایران ادامه یابد . آقای علی اصغر حکمت وزیر سابق فرهنگ در تهران موزه مردم شناسی و موزه ایران باستان تأسیس کردند . ولی در هر حال لازم است علما و متخصصین خارجی در ایران بکار خود ادامه دهند تا وقتیکه متخصصین باستانشناسی و مردم شناسی ایران تربیت شوند و بتوانند بکار ادامه داده و نتیجه تحقیقات خود را بچاپ برسانند .

خدمات و پیشرفتهای بزرگ فرهنگی و هنری ایرانیان طی شش هزار



سال گذشته حاکی از اهمیت تمدنی است که در فلات ایران به خود آمد . رابطه حقیقی نژادی مردم و ساکنین قدیم و جدید ایران با مردم اروپا و آفریقا و آسیا مسئله ایست که پاسخ آن باید پیدا شود .

## ۲. سرزمین و مردم ایران

کشور ایران یا پرشیا محدود است از شمال بدریای خزر و اتحادیهٔ ماوراء قفقاز و ناحیهٔ ماوراء دریای خزر اتحاد جماهیر شوروی و از سمت مشرق به ترکستان و افغانستان و بلوچستان و از سمت جنوب به خلیج فارس و بحر عمان و از سمت مغرب به آناتولی ( رجوع شود بمقالهٔ بقلم رایدن در نشریهٔ انجمن شاهسی جغرافیائی جلد ۶۶ ص ۲۲۷ ) و عراق ( رجوع شود بکتاب « عراق » تألیف فیلیپ ایرلند ) .

کلمهٔ پرشیا یا پارس اطلاق میشود بکشوری که ساکنین آن پارسیها نامیده میشوند و این ناحیه در ایران باستان پارس نامیده میشد که امروز فارس یا پارس خوانده میشود . کلمهٔ پرشیا یا پارس قرنهای برای همهٔ فلات ایران بکار برده میشد . در ماه مارس ۱۹۳۵ اعلیحضرت پادشاه ایران بموجب فرمانی دستور دادند که از آن تاریخ ببعد بجای کلمهٔ پرشیا که در مغرب زمین بکار می رفت کلمهٔ ایران بکار برده شود . در این کتاب همه جا بجای پرشیا ایران بکار رفته و اعمال کشور ایران خوانده شده اند . فقط در مواردی که کلمهٔ ایران از نظر تاریخی غیر مناسب است کلمهٔ پرشیا بکار برده شده است .

مساحت ایران بنا بگفتهٔ دادلی اسمانپ تقریباً ۶۲۸ هزار میل مربع است که مساوی یک پنجم مساحت خاک کشور ایالات متحدهٔ امریکا یا بزرگتر از مجموع مساحت - ایر بریتانیا و فرانسه و سوئیس و باریک و هلند و آلمان میباشد . طول و عرض کشور عبارتست از ۱۴۰۰ میل از شمال غربی تا جنوب شرقی و ۸۷۵ میل از شمال بجنوب . از نظر زمین شناسی ایران در حلقهٔ آلپ - بزرگ قرار دارد.<sup>۱</sup>

در دستهای ایران سنگ آهک و سنگ سیاه و گچ متعلق به عصر سوم و گچ ۲ بصورت افقی و نا شده زیاد است . این سنگها در سلسله حواشی کاملاً تاسده هستند و سنگ سخت و سنگ خارا دارند . در ناحیهٔ شمال غربی مواد

۱. «A. F. Stahl' Persien' Handb. d. Reg. Geol.

۲. Tertiary and Cretaceous ag.

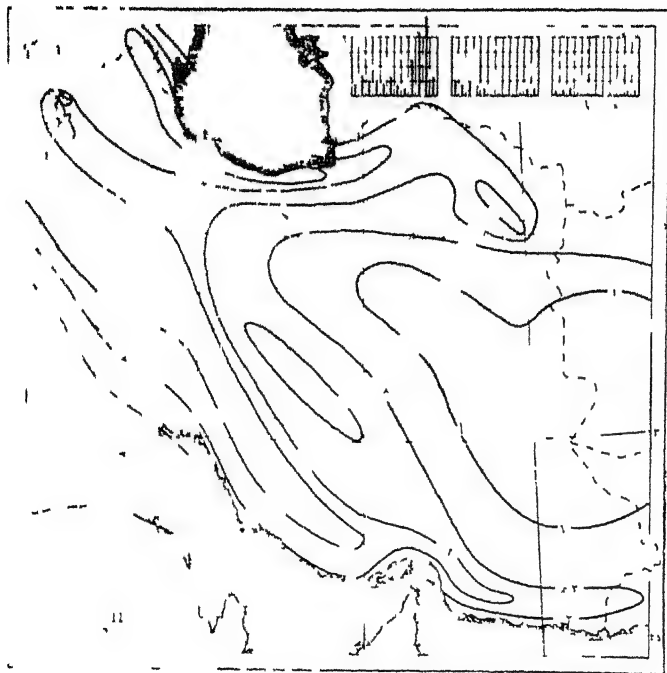


بموارات رشته کوههای مرری است قلعه قلعه سده است فقط در سمت مشرق است که خصوصیت عمده آن صحرا و کویر است دستها و دره‌های بین این رشته کوهها وسیله آب در ف کوهستان مشروب میشود و اگر این آب وجود نداشته کاملاً خشک و بی حاصل میماند. در نواحی ساحلی جنوب کوهستان بطور کلی خیلی بزرگ دریا است و ناحیه ساحلی باریک و خشک و بی حاصل است به - در نواحی معدودی که آب کافی برای آبیاری محصول وجود دارد. کوههای سواحل شمالی بلندتر و با علمبر هستند بخصوص کوه البرز. حال البرز دارای قله آتشفشانی - اموس دماوند است که در شمال شرقی تهران قرار دارد و بلندی آن به نود و هشت هزار پا میرسد ارتفاع دره‌های کوهپایه بین ۲ و ۵ هزار پا است و قله رشته های مختلف کوههای شمال شرقی ایران به ۸ هزار پا ارتفاع دارد

فلورکلی رسته‌های کوه از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده‌اند .  
 رسته اصلی که تقریباً ۸۰۰ میل طول آن است و از آذربایجان به باکو حستان  
 امتداد دارد در حقیقت رسته کوه مرکزی ایران است . مساری از قلل آن به  
 ۹ سده هزار پامیر رسد و کوه هزار در جنوب کوهان ۱۴,۷۰۰ پا ارتفاع دارد  
 ( رجوع شود به جغرافیای طبیعی ایران - تألیف سرپرستی کاکس ص ۵۴۹ ) .  
 از مجاری سطحی فلات ایران بیس از یک درم بحارح جاری است .  
 اگر مساحت ایران را ۶۲۸,۰۰۰ میل مربع بدانیم مجاری ده ترتیب زیر  
 تقسیم می‌شود : بدخل خلیج فارس و بحر عربی ۱۳۵,۰۰۰ میل مربع ، بدخل  
 دریای حزر ۱۰۰,۰۰۰ میل مربع ، به فرورفتگی سیستان ۴۳,۰۰۰ میل  
 مربع ، بدریاحه ارومیه ۲۰,۰۰۰ میل مربع و در داخله حاک ایران  
 ۳۳۰,۰۰۰ میل مربع ناحیه ساحلی دریای حزر توسط چهار رودخانه  
 آبیاری می‌شود که عبارتند از سفید رود یا قزل ورن در جنوب غربی و هزار  
 در جنوب و گرگان و اسرک در گوشه جنوب شرقی دریاحه رودخانه هائیکه  
 بدریا می‌ریزد تشکیل دریاحه های داخلی می‌دهند که اغلب مشکل باطلاق در  
 مسر آید و بالاخره به صحراهای نمک بدیسل می‌رسد ( کتاب سرپرستی

کاکس ص ۵۴۹).

ناحیه بزرگ صحرا که عرض آن از ۱۰۰ تا ۲۰۰ میل است در سر  
سر فلات از شمال غربی به جنوب غربی همسایه دهر با ۱۰۰ میل گسسته  
شده است.



شکل ۱- همسایه های ایران

مانند سایر قسمتهای آسیای جنوب غربی آب و هوای گرم و مرطوب است و  
حسک و بیه حسک است (رجوع شود به کتاب دروگر آب و هوا -  
مورخ ۱۹۲۶ صفحه ۷۴ - ۷۹ ، کتاب آب و هوای قاره - نامت -  
صفحه ۱۲۸-۱۵۴ و کتاب علم آب و هوا تالیف میلر - ۲۴ - ۲۹  
استامب میگوید نوع آب و هوای ایران را میتوان بدین روش در دست  
آورد آب و هوای فرورفتگی های داخلی در ارتفاعات قابل توجه است و در

گرم در رومستان هوا بسبب سرد میسود و حد وسط درجه حرارت در ماه  
ژانویه کمی از صفر یعنی پنج پندان سالانه است. شب یخ می بندد و درجه  
حرارت بریز صفر میرسد. در رومستان آسمان صاف و بی ابر و هوا خشک و  
صاف است. بطوریکه اسفند آفتاب بحد اعلا قوی است و در نتیجه ناحیه فلاط با  
وجود ارباعی که دارد خشک بر اردسب عراق بیست

«د وسط درجه حرارت طهران در ماه ژانویه ۱۷/۵ فارنهایت و در ماه  
روبه ۲۷/۹ درجه است. بطور متوسط حداکثر درجه حرارت ۱۰۴ و حد  
اول ۱۹ است ولی گاهی این حد به ۱۱۱ و مینهای ۵ میر می رسد. حد وسط  
درجه رطوبت در ژانویه ۶۹ و در ژوئیه ۴۳ است. میران براکم ابر در ژانویه  
۴ و در ژوئیه ۹۰/۹ میباشد، برف و رعد و برق در بهران نادر است ولی بطور  
معمول در سال ۲۷ باران وجود دارد

مجموعه بارانها را در بعضی از شهرهای ایران و نواحی

مجاور نشان میدهد

رتبه سائمانه باران نهانچ

(از کتاب سرپرستی کاکس صفحه ۵۵۰)

نام محل	عرض جغرافیه	طول جغرافیه	ارتفاع به فوت	شماره	رتبه سالانه باران نهانچ
ایران	۳۸°۴۶'	۴۸°۵۱'	۶۶-	۵۰	۴۱/۶۲
مرز	۳۷°۳۵'	۶۱°۴۷'	۶۸۶	۱	۶/۳۶
اومیه	۳۷°۲۸'	۴۵°۰۸'	۶۲۲۵	۱	۲۱/۵۱
رشت	۳۷°۱۷'	۴۹°۳۵'	۵۰-	۲	۵۶/۴۵
آشوراده	۳۶°۵۴'	۵۳°۵۵'	۸۰-	۱۹	۱۷/۰۷
	۳۶°۵۲'	۵۴°۲۶'	۷۰-	۷-۸	۱۶/۲۸
	۳۶°۱۶'	۵۹°۳۵'	۳۱۰۴	۲۶	۹/۲۲
اصفهان	۳۲°۴۰'	۵۱°۴۴'	۵۸۱۷	۲۷	۴/۴۹
سیستان	۳۱°۰'	۶۲°۰'	۲۰۰۰	۹	۱/۸۸
سمرقند	۳۰°۵۲'	۶۱°۲۳'	۱۶۰۰	۳-۵	۲/۲۰
بوسه	۲۸°۵۹'	۵۰°۵۳'	۱۴	۴۴	۱۰/۳۹

ایران مانند ممالک اطراف مدیترانه بحد بسود و سار هوای پست است  
که در قسمت شمالی کشور در فصل رومستان از غرب بشرق عبور میکند. پس  
سار هوای پست اغلب با باران توأم است ولی در قسمت عمده سال باد از شمال



می‌وزد. بنابراین هوا از عرض جغرافیائی بالا که سردتر است بعرض جغرافیائی پایین‌تر که گرم‌تر است جریان دارد و ظرفیت رطوبت آن افزایش می‌یابد. بعلاوه جریان هوا قبل از آنکه بداخله کشور برسد از عرض جغرافیائی بالاتر به پایین‌تر جریان دارد ( رجوع شود به کتاب جغرافیای اقتصادی ایران، تألیف برگزمارک، مورخ ۱۹۳۵ ).

در نیمه سال تابستان باد تقریباً دائماً از سمت شمال میوزد بخصوص در سه چهارم ناحیه شمال ایران در ماه ژویه، ناحیه ساحلی خلیج عمان تحت تأثیر برسات جنوب غربی قرار دارد.

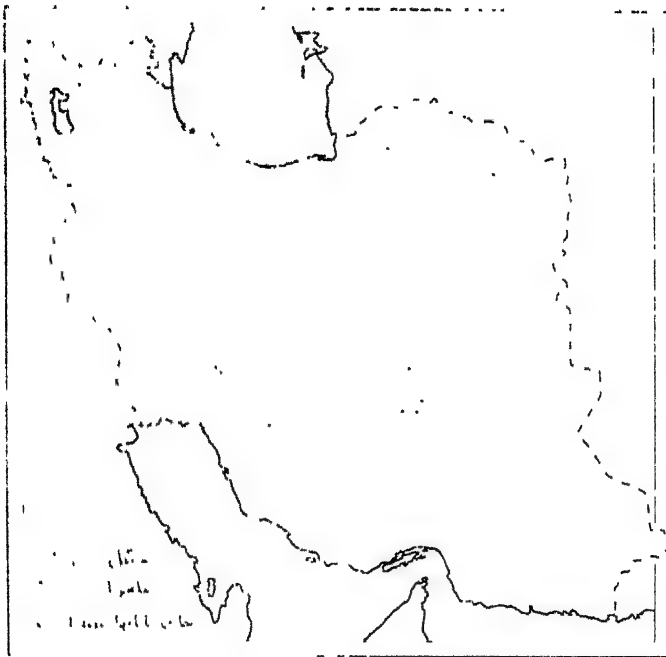
آب و هوای هر کشور بر مردم و دولت و تاریخ آن تأثیر خود را باقی میگذارد. بنابراین، این مطلب که آیدر طی تاریخ بشری تغییراتی در آب و هوای ایران رخ داده یا نه حالب توجه و مطالعه است. سایکس و هانتینگتون معتقدند از اطلاعات موجود میتوان نتیجه گرفت که در زمان قدیم ایران حاصلخیزتر از زمان فعلی بوده است. بنابراین در اثر قطع جنگلها و لشکرکشی‌ها و عوامل طبیعی، سرزمین ایران خشک‌تر و کم حاصلتر شده است. نمونه‌های ابن تغییرات در آب و هوا در ناحیه بین آسیای مرکزی و مدیترانه بخوبی مشهود است. ( رجوع شود بکتاب « ساکنین قدیم و جدید عربستان » بقلم فیلد، مورخ ۱۹۳۲ صفحه ۸۵۲ - ۸۴۸ و مقاله مندرج در نشریه انجمن جغرافیائی ایتالیا، مورخ ۱۹۳۴ صفحه ۹-۸ ).

بطور کلی رویش نباتات و سبزه و درخت محدود است ( رجوع شود به کتاب رالینسون جلد سوم صفحه ۱۴۱ - ۱۴۰ و صفحه ۱۵۸ - ۱۵۵ و کتاب الاسایکس صفحه ۲۵۹ - ۲۵۷ و کتاب الیس فولرتون در باره گلهای ایران ). در مازندران و گیلان و استرآباد از کناره خزر تا ارتفاعات ۳,۰۰۰ فیت گل و گیاه شبیه ناحیه مدیترانه است. در جنگلهای وسیع این ناحیه درختان مختلف از قبیل توسه و زبان گنجشگ و آتش و شمشاد و نارون و مرز و عرعر و افرا و بلوط و گردو و تبریزی و بید وجود دارد.

درختان دیگری که در ایران پیدا میشود عبارتند از قراب و توت جنگلی ( طرفه ) و بید و درخت گز و سوسن.

طبق گفته ب. اون در جنوب شیراز دورشته جنگل وجود دارد که در کوه -





س ۲- حملتیا و تلی رارخا و سحر اخی ایران

کلو بهم ملحق و متصل میسوند . يك رسته از دعدسب و کازرون و فی. و آبداد میگذرد و رشته دیگر بموازات رسته اول از سیوند عبور میکنند . و ادامه بین دو رسته جنگل در حدود ۲۴ میل است. در میان عمده ادس و - جنگل عبارتند از درخت کتیرا که از آن صمغ کتیرا گرفته میشود و - نمد نوع - نار و - ابراج مختلف بلوط و حلر. در رسته جنوبی بلوط دیده نمیشود ولی در ناحیه دوده گاه اغلب درختان از فامیل بلوط هستند .

محصولات کشاورزی ایران شامل گندم و - و برنج است که در تمام نواحی بدست می آید و ذرت و بذرک و عدس و پنبه و ارزن و کنجد و - سحاس و بریاک و نوتون و نیل است . حاصل عمده زمستانی که در ماه دسامبر کاشته و در ماه آوریل برداشته میشود عبارتند از گندم و جو و - سحاس و حاصل باستان

عبارتند از برنج و ذرت و بذرك و نخود و ارزن و پنبه . گندم در ماه ژویه و اوت در ارتفاعات و در ماه مارس در نواحی ساحلی و بین این دو ماه در سایر نواحی طبق ارتفاع از سطح دریا برداشت میشود .

چونکه از جو هندی درشت تر است بعنوان غذای حیوانات بکار برده میشود و معمولاً نه خرد و نه خیس میشود . فصل درو طبق ارتفاع از سطح دریا فرق دارد . در نواحی ساحلی در حدود مارس و آوریل و در شیراز در ماه ژویه است . ذرت (بال) بمصرف غذای انسانی میرسد و فصل درو آن ژویه و اوت است . دو نوع ارزن وجود دارد که ذرت كلك و الم نامیده میشود . اولی که شبیه حواری ولی ریز تر است با گندم مخلوط و بعنوان غذای مرغ بکار میرود و دومی تیره و ریز است و شبیه بحری Bufrی میباشد .

مهمترین محصول غذائی ایران بعد از گندم برنج است . در شیراز دو نوع برنج وجود دارد که عبارتند از شهری و حمپا که هر دو از لحاظ جنس خوب و معمولاً سفید تر از برنج هندوستان هستند . بذر برنج را در ماه در قلمستان میکارند و پس از يك ماه وقتی قلمه ها به بلندی پنج اینچ میرسد آنها را با دست در مرعه قرار میدهند . دو هفته پس از این کار و حین آغاز میشود . در این و حین کاری علفها را در نمی آورند بلکه با پالکد میکنند و این عمل پر زحمت و از لحاظ بهداشت خطرناک است و معمولاً بوسیله زنهار انجام میشود . این طرز نشاکاری طرز حینی خوانده میشود که بر خلاف طرز ایتالیائی است که مانند کست گندم و حو بذر روی زمین پراکنده میشود .

مزرعه برنج باید برای مدت دوازده ماه کاملاً زیر آب باشد تا ساقه های برنج به بلندی پنج پا برسد . در موقع درو باداس بریده میشود و باندازه يك پسا ساقه کاهبن باقی گذاشته میشود . بعد از حرمن کوبی دانه برنج ممکن است زیر آفتاب خشک شود ولی معمولاً آتش ملایمی زیر آن در انبار روشن میکنند و چهار یا پنج روز طول میکشد تا خشک شود و سپس برنج برای آسیا آماده است . برنج بداحل سوراخ استوانه شکل سنگی که قطر آن چهار پا و نیم است ریخته میشود . برنج بوسیله قلععه حوبی که به تیر درازی وصل است و با حرخ آبی کار میکند و مثل حکس بلند میشود و می افتد کوبیده میشود و پوست خشک را جدا میکنند . بعداً برنج را برداشته و در آبکش پاك و تمیز میکنند .



### سرزمین و مردم ایران - ۲۳

قبل از آسیا کردن، برنج شالی یا جو نامیده میشود و بعد از آنکه از پوست جدا شد برنج خوانده می شود. جو برای آنکه از شالی فرق داشته باشد جو کوهی نامیده میشود. در نواحی حاصلخیز که زمین غنی است ممکن است برنج هر سال در همان قطعه زمین کاشته شود ولی معمولاً در یک قطعه زمین دو یا سه سال پشت سرهم برنج کاشته میشود و برای همان مدت بعنوان آیش نگاهداشته میشود. در مازندران در زمین های شیب دار که آب در آن باقی نمی ماند هر سه سال یک مرتبه جو کاشته میشود. کشت برنج کار بسیار پرمزحمتی است ولی چون قیمت آن گرانتر و حاصل آن زیادتر یعنی هر نخم بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ تخم میدهد از گندم و جو پر منفعت تر است و بهمین جهت در نقاطی که گندم و برنج هر دو قابل کشت است برنج محصول متداول تری است.

دو نوع دال وجود دارد. معمولی ترین آن عدس نامیده میشود که سبیه عدس آلمانی است. نوع دیگر ماشک است که گیاه شناسان آنرا از همان فامیل نمیدانند و شبیه مونگ هندی است ولی نرمتر و ارزانتر از عدس است. از این حبوبات نخود بیش از همه مورد توجه مردم ایران است و نخود از حیث جنس از نخود یا باقلای هندی بهتر است و بعنوان غذای حیوانات بکار نمیرود.

سزیجات که محصول زمستانی و بایستانی است که معمولاً در حوالی شهرها کاشته میشود، عمده ترین آنها عبارتند از: باقلا - لوبیا - حنظل - بادنجان - کلم - هویج - بالنگ - خیار - کاهو - نخود - کدو - اسفناج - گوجه فرنگی - و سلنم. لوفر (Laufer) نویسنده کتاب (مهاجرت نباتات امریکائی - قسمت اول سیب زمینی - مورخ ۱۹۳۸ - صفحه ۸۸) می نویسد: «سیب زمینی را سرخان ملک (۱۷۶۹-۱۸۳۳) به ایران آورد و خود او در (جلد دوم صفحه ۵۱۴) کتابش میگوید: من برای معمول کردن سیب زمینی در ایران زحمت بسیار کشیدم و زمین در بسیاری نقاط برای کشت آن مناسب درآمد. «سیب زمینی در بعضی نقاط (آلوی ملک) نامیده میشود. سرخان ملک در دربار ایران وزیر مختار حکومت هندوستان بود و اول در ۱۸۰۰ و مجدداً در ۱۸۰۸ و ۱۸۱۰ باین سمت فرستاده شد. این نبات در ایران سیب زمینی و یا سیب زیرزمینی نامیده میشود.

میوه های زیر نیز در ایران یافت میشود: حرما - لیمو - لیموسیرین -

پرتقال - انار - زرد آلو - انگور - خربزه - آلو - سیب - انجیر - به - لیموترش - گلابی - بادام . کشمش و انجیر و خرما و تا حد کمتری زرد آلو و هلو خشک قسمت عمده ای از غذای ملی ایران را تشکیل میدهد .

نیل محصول گیاه بنشنی ناحیه دزفول است که در اواسط ماه مارس کاشته و ۱۲۰ روز بعد وقتی بیلندی ۵ پا رسید بریده میشود ؛ چهل روز بعد مجدداً آنرا می برند . بهترین نوع نیل آبی روشن است ولی قسمت زیادی از حاصل زرد رنگ میشود .

پنبه در نقاط مختلف عمل می آید ولی این محصول اغلب بوسیله ملخ از بین میرود .

سه نوع علف عمده ایران عبارتند از : شوریب و فلوپه و یونجه که هم بازه و هم خشک بکار برده میشود . فلوپه که اهالی بومی آنرا بسیار معنی میداند شبیه دوب dhub هندی خشک است . این علفها در فصل بهار در زمینهای پست میروند ، در ماه آوریل محصول به بهترین صورت است و در ماه مه پرودی خشک میشود . هیچگونه کوشش برای چیدن آن در فصل بهار بعمل نمی آید و علف روی زمین خشک میشود و هر موقع به آن احتیاج است آنرا بر میدارند و بدینوسیله طبیعی است که مقدار زیادی از ارزش غذایی آن از بین میرود .

گی که در ایران به آن روغن میگویند از حیث جنس اعلا اسب و مراب بهتر از گی هندی میباشد . روغن از شیر گوسفند و بر ساخته شده و ارگی که از سیر گاو است سفید تر است .

سکر و حای و زنجبیل و زردچوبه که ارهندوستان وارد میشود قسمت عمده ادویه را تشکیل میدهد . در ۱۹۱۴ درمازندران مقداری سکر بدست آمد ( رجوع

۱۰ آلونس دوکاندل Alphonse de Candolle در کتاب ( اصل نبات کاشته شده ) میگوید Medicago sativa در ایران بطور وحش پیدا شده و علماء آنرا نباتات بومی آن کشور است . لوپ ( در کتاب چین و ایران نشر شده ۱۵۰۰ موزه تاریخ طبیعی ویلد - مورخ ۱۹۱۹ ) بجای کامه Incerne نام alfalfa را بکار میبرد که مرسوم وزارت کشاورزی دولت آمریکا اسب و مردم آمریکا آنرا نبات برده و درك میکنند . این کلمه از عربی اسب به آسیائیانها آنرا اعتبار رسیده و در قرن شانزدهم در مکزیک و آمریکای جنوبی سلف معروف ، ال مالدو اردند ( رجوع شود به کتاب لوپ ، مورخ ۱۹۱۹ ، صفحه ۲۰۸ - ۲۱۹ و خوروه ۱۱۰ ص ۱۳۹ ) .

شود به مقاله و کاشت نیشکر در مازندران، در مجله عالم اسلام چاپ پاریس مجله ۲۸ بقلم رابینو و لافونت).

نمک از دریاچه های متعدد نمک بدست می آید و فراوان و خوب است. نمک معدنی در تپه های کماریج و سرستان بدست می آید.

زمینهای آبیاری شده بطبقات زیر تقسیم میگردد: زمینهاییکه بوسیله باران آبیاری و دیمی خوانده میشود. زمینهاییکه بوسیله قنات و جوی آبیاری و فاریاب خوانده میشود و زمینهاییکه بوسیله آب مشک که در مجاری کوچک ریخته میشود آبیاری میشود (رحوع سواد به کتاب لوفر، مورخ ۱۹۳۴ و مقایسه شود با جرید در ساحل دجله و فرات) اسباب و لوازم زراعت در ایران عبارتست از: حیث که بوسیله یک یا دو گاو کشیده شده و شامل دونیر است که در انتهای آن یک قطعه منحنی چوبی و سر آهنی بشکل تیر منحنی قرار دارد؛ اره منحنی بادیسته چوبی یا داس؛ جنگال چوبی پنج دندانه یا هوشن برای باد افشانی کردن حو؛ بیل دسته بلند و کلنگ.

قسمت عمده چهارپایان و حیوانات اهلی ایران متعلق بقبائل است و بنا بر این همیشه در حرکت هستند و تعداد آنها در یک ناحیه معین بدرستی معلوم نیست. قبائل و عشایر ایران در ماه مارس و آوریل و محدوداً در سپتامبر تا اکتبر به بیلاق میروند و گله وحش خود را همراه میبرند.

گوسفند زیاد است و در استانهای شمالی بخصوص گوسفندان خوب وجود دارد. گفته میشود بهترین گوسفندان ایران در استان خوزستان پیدا میشود ولی در حقیقت بهترین گوسفند در ناحیه رامهرمز و از نژاد گوسفندان قشقایی هستند و نه خوزستانی. بهترین گاوها در قلاویه و بهترین گاو میشها در هویزه پیدا میشود. الاغ از زویر وارد میشود. دزفول برای قاطر مشهور است و بهترین قاطرها در قبیله سگوند بدست می آید.

با کتون بررسی کاملی از حیوانات و جانوران ایران بعمل نیامده است

۱۰۱ رجوع شود به کتاب رالنسون جلد سوم صفحات ۱۴۱-۱۴۳ و ۱۴۵ و ۱۴۸-۱۵۰ و کتاب گوبتر صفحه ۳۴۵-۴۵۳ و کتاب ولن صفحه ۵۰۱-۵۱۳ و کتاب وار، مورخ ۱۸۹۳ صفحه ۱۱۴-۱۱۵ و کتاب چاپ ۱۸۹۶ صفحه ۳۱ و کتاب الا ساکس صفحه ۲۳۸-۲۴۸. درباره اسب رجوع شود به کتاب امجار. برای منابع رجوع شود به کتاب کسی دود، مورخ ۱۹۳۱.

ولی گاه بگاه بعضی از موزه‌های امریکائی در اثر کوشش افراد نمونه‌هایی بدست آورده‌اند. در «بررسی حیوانات و جانوران عراق توسط اعضای نیروی اهرامی بین‌النهرین ۱۹۱۵-۱۹۱۸» مقالائی در باره پستانداران و ماکیان و خزندگان و خرچنگان و هزار پایان و پشیر بالان و پرده بالان و نرم تنان و حود دارد. در مقدمه این مقالات نویسندگان اطلاعات قبلی در باره موضوع را جمع آوری کرده‌اند و این مقالات خدمت سودمندی نسبت به معلومات ما درباره حیوانات ایران بشمار می‌آید.

علاوه بر منابع فوق‌الذکر نقل مطالب زیر را مناسب دانستم، طبق نظر بلانفورد W.T. Blanford (۱۸۷۲)؛ همچنین مراجعه شود به کتاب کاکس صفحه ۵۵۰) ایران را میتوان به پنج ناحیه حیوانشناسی تقسیم کرد که عبارتند از: فلات ایران، استانهای جنوب و جنوب غربی دریای خزر، مغرب شیراز، حوزستان، و ناحیه ساحلی خلیج فارس. بلانفورد حیوانات فلات ایران را «شمالی یا قطبی قدیم» Palaearctic میخواند که اشکال صحرائی در میان آنها زیاد است یا بطور صحیح‌تر از نوع صحرائی میباشد که انواع قطبی قدیم در نواحی حاصلخیز تر وجود دارد. در استانهای مجاور دریای خزر حیوانات شبیه حیوانات جنوب شرقی اروپا هستند. در نواحی کوهستانی قوچ کوهی و بز کوهی پیدا میشود و گرگ و پلنگ فراوان است. ببر هنوز در مازندران دیده میشود. خر وحشی در صحرای نمک پیدا میشود و در جبال البرز و زاگرس هنوز خرس وجود دارد. حیوانات دیگر عبارتند از گراز و روباه و شغال و گورکن و خرگوش. پرندگان شکاری در تمام کشور فراوان است و متجاوز از ۴۰۰ نوع پرندۀ از ایران نام برده شده. قوئش بازی هنوز در ایران مرسوم است.

الکساندر فین در کتاب خود<sup>۱</sup> (ص ۳۵) راجع به پرندگان میگوید: «در سمت شمالی البرز یعنی طرف بحر خزر پرندگانی از قبیل نوبک دراز و آبیار و قرقاو و اردک فراوان است.

۱ رجوع شود بمقاله «پرندگان جنوب ایران» بمجله پنا (Pill) در مجله نفت مورخ نوامبر ۱۹۳۵ و مقاله یادداشتی در باره پرندگان جنوب غربی ایران بمقام کاپیتو (Capito) در مجله نفت مورخ نوامبر ۱۹۳۲. همچنین رجوع شود به کتاب معاملات کاپیتو (۱۹۳۱) و اسکات (۱۹۳۸) و آلسا، کس. ص ۲۴۸ - ۲۵۲ و آلسون جلد سوم ص ۱۴۲، ۱۴۹ - ۱۵۰ و آلسون و آلسون ۱۹۳۱.

و تا آنجا که من میدانم در ایران فقط دو نوع پرندۀ است که در اروپا وجود ندارد. یکی کبک کوچکی است که تیهو خوانده میشود و علمای حیوانشناسی آنرا *Perdrix bonhamensis* می نامند زیرا اولین نمونه آنرا مستر بونهام که در آن موقع سرکنسول در تبریز بود آورد. دیگری کبک پاقرمز بزرگی است که تقریباً با اندازه یک غاز کوچک است ولی این پرندۀ بندرت بدست می آید زیرا از حد برف در کوه پائین تر زندگی نمیکند. آقای الکساندر قین اضافه میکند: «حیوانات دیگر ایران عبارتند از دگرگ، پلنگ، بزکوهی، گوسفند، گراز، آهو، روباه، خرگوش و گاهی ببر و در جنوب شیر نیز بندرت پیدا میشود.»

هوتم - شیندلر Houtum-Schindler در کتاب خود (ص ۲۹) درباره خزندگان و ذو حیاتین می نویسد: «انواع ذو حیاتین در ایران محدود است بچند نوع قورباغه که با سامی مختلف از قبیل غوک و وزغ و قورباغه خوانده میشوند. «خزندگان عبارتند از کاسه پشت، سنگ پشت، لاک پشت و انواع مختلف سوسمار یا مارمولک، بز دوش، بز مچۀ ۳، جلیاسه، ململی و چند نوع مار که بین آنها مار بی زهر واقعی را میتوان نام برد. من یک مار شاخ دار (*Cerastes*) دیدم که در ورامین جنوب شرقی تهران گرفته شده بود.»

سرآرنولد ویلسون در کتاب خود (مورخ ۱۹۳۲ صفحه ۷۱-۷۲) شرح کلی ذیل را میدهد: «ایران بهشت شکارچی و اهل ورزش نیست. شیر که پنجاه سال قبل فراوان بود اکنون از بین رفته و پلنگ و خرس و حود دارند ولی بجز در ناحیۀ بختیاری و کوه گلو بندرت یافت میشود. بزکوهی (که شاید *Capra hircus aegagrus* باشد) و گوسفند کوهی زیاد تر است ولی این حیوانات محدودند به بی آب ترین و نازیباترین نواحی ایران. دراج در جنوب غربی ایران نسبتاً فراوان است ولی برای شکار مناسب نیست زیرا بستختی بلند میشود. اهالی محل که کوهنوردان قابلی هستند در کوهستان بختجوی هر چیزی که در فصل یا غیر فصل حود باتیر بشود زد میردازند. نر و ماده و بچه و هر حانداری را

۱. همچنین رجوع شود بکتاب راللسون جلد سوم ص ۱۴۳ - ۱۴۴ و

۱۵۱-۱۵۵ و کتاب گو ترص ۳۷۸-۳۸۱.

۲. پالاس (Pallas) معتقد است سنگ پش *Emys orbicularis* L. میباشد

۳. گفته شده است ده شیر نر را می مکد و شاید *Uromastix asmussi* باشد



شکار میکنند و باتیر می‌زنند. حیوانات از هر طرف کمین میشوند و حدودی برای شکار آنها شناخته نمیشود و اغلب يك پرندۀ زخمی باعث نزاع بین شکارچیان و گاهی آغاز دشمنی بین قبائل قرار می‌گیرد.

اعضای هیئت اعزامی<sup>۱</sup> در ایران برای قسمت حیوانشناسی موزه فیلد نمونه‌هایی از پستانداران و ذو حیاتین و خزندگان و حشرات و ماهی<sup>۲</sup> جمع‌آوری کردند و گزارش مربوط بهريك از این مجموعه‌ها در دست تهیه است. نگاه مختصری بتاريخ ایران تأثیر مهاجمین را بر مردم فعلی ایران آشکار می‌سازد.

در دوره عصر حجر جدید آب و هوای ایران با آب و هوای عصر حاضر فرق داشت. در جنوب غربی آسیا مقدار ریزش باران زیادتر و در نتیجه مناطق صحرا و بی‌حاصل کمتر بود. با وجود اینکه اسباب و ادوات عصر حجر فقط در نزدیکی دریاچهٔ نیریز و مهارلو پیدا شده میتوان گفت که بشر قبل از تاریخ از آسیای مرکزی به ایران مهاجرت کرده است. حفريات و اکتشافات در سوش توسط داورگان و دیگران و در آنای (Anau) توسط پامپلی و در تخت جمشید توسط هرتسفلد و در دامغان وری توسط اشمیدت ترتیب کلی وقایع تاریخی ایران را در طی شش هزار سال گذشته معین کرده است. ارتباط فرهنگی بین ایران و بین‌النهرین در سمت مغرب و درهٔ سند در سمت مشرق بتدریج آشکار می‌شود.

بعقیدهٔ سردنيسن راس تاریخ ایران ۳ و طبقاً بدو دوره مشخص میشود که دوره قبل از اسلام و دوره بعد از اسلام باشد و حد تقسیم انقراض سلسله ساسانی بدست اعراب در دههٔ سوم قرن هفتم میلادی است. این دو دوره هر کدام نقریباً ۱۲۹۰ سال را شامل میشود یعنی از کوروش تا حمله اعراب ۵۵۰ قبل از میلاد تا ۶۴۱ میلادی از حمله اعراب تا سال حاضر یعنی ۱۹۳۰ ... تا آنجا که

۱. دکتر والتر کندی در مقاله خود در نشریه انجمن تاریخ طبیعی ده منی راجع به حیوانات عراق، نرم تنان و راسب بالان و ماهیان و خزندگان و پستانداران سخن میگوید و بعضی از آنها را در دریای ایران و قسمی از آنها را در شاخ فارس و مکران ملحق شد بدست آورد این نمونه‌ها در دانشکده پزشکی بهادامه وجود است.

۲. این گزارشها توسط موزه فیلد در ۱۹۳۸ به چاپ و از ادارۀ چاپ به چاپ رسیده است.

۳. مقدمه شود در کتاب براون ۱۹۰۹ و در مجله علمی و تحقیقاتی.

کتاب کر بستمن

میدانیم قدیمی‌ترین ایرانیانی که در کشور امروز ایران سکنی گزیدند مادی‌ها بودند که از ناحیهٔ ماوراءالنهر یا ترکستان مهاجرت کردند و در ناحیه بین ری و اکباتان ( همدان ) در شمال غربی در حدود قرن هشتم قبل از میلاد ساکن شدند .... قدیمی‌ترین پیغمبر مذهب ایران باستان ... زرتشت بود که در قرن ششم قبل از میلاد در زمان سلطنت کوروش و کامبیز و داریوش اول میزیست. « مذهب زرتشت سعی میکند همزیستی نیکی و بدی را میسر سازد . پیروانش آفتاب و آتش را میپرستند . «مورخین اسلامی میگویند در میان عوامل و عناصری که در موقع تولد حضرت محمد اتفاق افتاد یکی آن بود که آتش مقدس زرتشتیان ناگهان خاموش شد . « در نقش رستم يك حفت آتشگاه ( لوحه ۹۹ شکل ۱ ) وجود دارد که از سنگ تراشیده شده و احتمال می‌رود که قدیم‌تر از دوره هخامنشی باشد . مقبره زرتشت ( لوحه ۹۸ ) در نزدیکی همین محل است ( کتاب اشپرنگلینگ ص ۱۲۶ - ۱۴۴ ) . در باره مردگان زرتشتیان معتقدند که « دفن مرده زمین پاک را که از موهبت‌های اهورامزدا است پلید میکند و سوزاندن آن آتش مقدس را که از علائم اهورامزدا است ناپاک میگرداند . بنابراین اموات را روی برجهائی بنام دخمه که برای این منظور ساخته شده قرار میدهند تا خوراک پرندگان قرار گیرد . روحانیون زرتشتی را مغ میگویند . « نوشته‌های مقدس مغ‌ها در کتاب اوستا جمع آوری شده است .

« در اوائل قرن هفتم قبل از میلاد گروه دیگری از ایرانیان از همان ترکستان در قسمتی از مملکت در جنوب ماد در محلی موسوم به پاروسا سکنی گزیدند و از این محل است که نام پارسا و بنونه خود نام استان پارس یا فارس امروز اخذ شده است که سابقاً انشان نامیده میشد . هخامنش که در زبان یونانی اکامنس خوانده شده در پاروسا اولین رئیس قبیله بود . ته ایسپس اولین پادشاه سلسله هخامنشی مردم خود را به انشان یکی از نواحی عیلام قدیم که بوسیله آسوربانیپال پادشاه آسور در سال ۶۴۵ قبل از میلاد منهدم شده بود هدایت کرد . شاید این حادثه باشد که بطریق زیر در کتاب ارمیا XLIX: ۳۴-۳۹) شرح داده شده است :

« کلام خداوند در باره عیلام که بر ارمیا نبی در ابتدای سلطنت صدقیا پادشاه یهودانازل شده گفت : یهوه صبا یوت چنین میگوید اینک من کمان عیلام

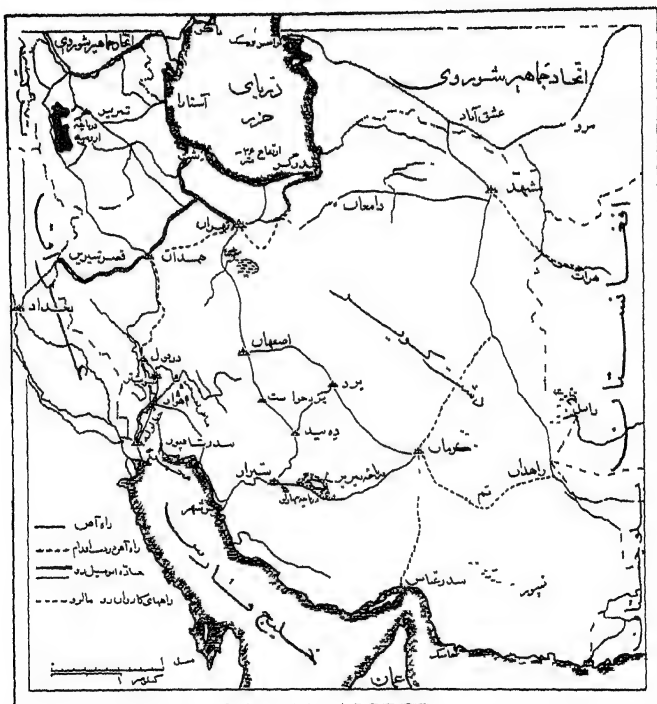
ومایه قوت ایشانرا خواهم شکست . و چهار باد را از چهار سمت آسمان بر عیلام خواهم وزانید و ایشانرا بسوی همه این بادهای پراکنده خواهم ساخت بعدیکه هیچ امتی نباشد که پراکندگان عیلام نزد آنها نیایند . و اهل عیلام را بحضور دشمنان ایشان و بحضور آنانیکه قصد جان ایشان دارند مشوش خواهم ساخت . و خداوند میگوید که بر ایشان بلا یعنی حدت خشم حویشرا وارد خواهم آورد و شمشیر را در عقب ایشان خواهم فرستاد تا ایشانرا بالکل هلاک سازم . و خداوند میگوید من کرسی خود را در عیلام برپا خواهم نمود و پادشاه و سرورانرا از آنجا نابود خواهم ساخت . لیکن خداوند میگوید درایام آخر اسیران عیلام را باز خواهم آورد .»

بنیاد ایران جدید توسط کوروش دوم که در سال ۵۵۹ قبل از میلاد بتخت سلطنت پارس نشست نهاده شد. نه سال بعد ازدهاک پادشاه ماد را کاملاً مغلوب و قلمرو هخامنشی را با قلمرو ماد توأم کرد . امپراطوری ایران را تشکیل داد . در سال ۵۴۶ قبل از میلاد کوروش، کوروس پادشاه مدیارا مغلوب کرد و طی شش سال بعد مشغول مبارزه با سیتها بود. در ۵۳۸ قبل از میلاد بابل را بتصرف آورد . کشوری که کوروش بر آن سلطنت میکرد حنین یا بتخت داشت که عبارت بود از پارارگاد، بابل ، شوش و اکباتان . بدین ترتیب روح وحدت ملی بوجود آمد که هنوز از بین نرفته است . در زمان سلطنت کوروش اسارت بنی اسرائیل - اتمه پذیرفت و نهضت صهیونی آغاز گردید . بموجب نوشته عزرا نبی ( فصل ۲ آیه ۶۴ ) « کلیۀ جماعت باهم چهل و دو هزار و سیصد و شصت نفر بود .»

در سال ۵۲۹ قبل از میلاد کوروش در جنگ وفات یافت و در پارارگاد دفن گردید و قبر او هنوز باقی است ( لوحه ۹۹ - شکل ۲ ) . کامبیز یا کمبوجیه پسرش جانشین او شد و وی مصر و حبشه را به متصرفات امپراطوری هخامنشی اضافه کرد . بعد از کمبوجیه داریوش اول بسلطنت رسید و در طی سی و پنج سال سلطنت حدود در سال ۵۱۲ قبل از میلاد از تنگه بوسفور عبور کرد و حدود را بهرود دانونب رسانید ولی پس از تلفات بسیار در طی سفر دراز و جنگ با قبائل سیت مجبور به مراجعت گردید . در سال ۴۹۰ قبل از میلاد میلنیاد در جنگ ماراتن ارتش ایران را شکست داد . پنج سال بعد داریوش وفات یافت و پسرش خشایارشا یعنی همان کسی که در تورات ( عزرا باب ۴ آیه ۶ - دانیال باب ۹ آیه اوستر )

بنام احاسوروس یا اخشویروش خوانده شده جانشین وی گردید. ایرانیان در سالامیس و پلاتیا بدست یونانیان مغلوب شدند. در سال ۳۳۹ قبل از میلاد اردشیر سوم به سلطنت رسید و مجدداً کشورهای بسیاری را تحت تسلط ایران درآورد. فیلیپ مقدونی در جنگ کرونیا در سال ۳۳۸ قبل از میلاد اتحادیه ایالت یونان را شکست داد و در سال ۳۳۴ قبل از میلاد پسرش اسکندر از هلسپونت گذشت و قشون داریوش را شکست داد و خود را فرمانروای ناحیه بزرگ بین دره نیل و تخت جمشید نمود.

تاریخ ایران را در طی پانصد سال بعد از سلسله هخامنشی میتوان بدو



شکل ۳ - اردباطات داخلی ایران

سلسله تقسیم کرد؛ اول سلسله سلوکیده‌ها یعنی جانشینان اسکندر که از سال ۳۲۳ قبل از میلاد تا ۱۴۰ قبل از میلاد سلطنت کردند و دوم سلسله اشکانیان<sup>۱</sup> یا پارتها که از سال ۲۵۶ قبل از میلاد تا ۲۲۶ میلادی سلطنت کردند. چند سال بعد مانی مؤسس مذهب دوگانه مانوی بدینا آمد. اردشیر بابکان که خود را از اولاد هخامنش میدانست سلسله ساسانی را تشکیل داد و این سلسله در حدود چهارصد سال یعنی تازمان حمله اعراب بر ایران سلطنت کرد.

در طی هزار سال بعد ایران دستخوش تاخت و تاز و تهاجم متعدد از سمت آسیای مرکزی و بین‌النهرین و ترکیه قرار گرفت. حمله چنگیز خان و نواده‌اش هلاکو خان که در سال ۱۲۵۶ میلادی پادشاهی انتخاب شد و همچنین حمله تیمور در سال ۱۳۸۰ مغولها را به ایران آورد. بدین ترتیب میتوان نتیجه گرفت که هر مهاجمی اثر دائمی خود را بر خصوصیات جسمانی مردم ایران باقی گذاشته است.

در سال ۱۵۰۲ میلادی شاه اسماعیل سلسله صفوی را در ایران تأسیس کرد و این سلسله تا اواسط قرن هجدهم بر ایران سلطنت کرد. در سال ۱۷۳۶ پس از حمله افغانها نادر افشار بر ایران تسلط یافت و در طی یازده سال سلطنت قلمرو امپراطوری ایران را از قفقاز تا رود سند بسط داد. در سال ۱۷۷۹ آغا محمد خان سلسله قاجاریه را تشکیل داد که تا زمان جنگ جهانی اول دوام یافت. در آوریل ۱۹۲۶ رضا خان پادشاهی ایران انتخاب گردید و از آن زمان تا کنون (موقع تحریر این کتاب) بالیاق و هو قیقت بنام رضا شاه پهلوی زمام ایران را بدست دارد.

در میان موفقیتهای بیشمار و اصلاحات متعدد که توسط اعلیحضرت رضا شاه بعمل آمده میتوان خلع سلاح اهالی و عشایر ایران را نام برد که نتیجه آن ایجاد وحدت ملی و فراهم آوردن تسهیلات در مسافرت و حمل و نقل و ارتباطات کشور است. بنا بر این از نظر علم مردم شناسی لازم است قبل از آنکه پیشرفت تمدن مغرب زمین رسوم و آداب و سنن باستانی و قدیمی ایران را از بین ببرد مطالعات و تحقیقات در باره مردم ایران بعمل آید.

از آنجائیکه ارقام سرشماری دقیق و صحیح در باره ایران کمیاب است نویسنده چندین برآورد مختلف را جمع آوری کرده که البته بین آنها اختلافانی وجود دارد ولی رویهمرفته حد کلی احتمالات هر ناحیه را نشان میدهد.<sup>۱</sup>

هانری ماسه ( صفحه ۲۴ - ۳۸ ) یادداشت‌هایی که در تهران در سال ۱۹۲۲-۱۹۲۳ در مورد موالید و ازدواج و متوفیات و غیره بدست آورده بود بچاپ رسانید .

در ۱۹۳۴ باذیل نیکیتین ارقام زیر را درباره جمعیت ایران ( به هزار ) در تهران بدست آورد .

محل	جمعیت	محل
آبادان	۱۳۰	تنکا پین
آپاده	۶۳	تویسرکان ( ← ملایر )
اراک	۲۵۰	تهران ۵۵۰
اردبیل	۸۵	چندق ( ← سمنان )
ارونک	۱۴۰	جهرم ( ← قصر )
استرآباد و صحنه	۲۷۰	خوی و شاپور ( سلماس سابق ) ۳۰۵
اشرف ( ← ساری )		خلخال ۴۴
اصطهبانات ( ← نیریز )		رامهرمز ( ← ناصری )
اصفهان	۵۷۰	رشت و پهلوی ۲۶۰
آمل و نور	۷۰	رضائیه ( ارومیه ) ۱۲۰
بارفروش	۱۲۰	زنجان ۲۷۰
بجنورد	۷۰	داراب و سابه ۸۸
بروجرد و لرستان	۱۷۵	دامغان ۴۰
بلوچستان	۲۰۰	دزفول ۱۱۵
بوشهر	۱۲۱	دشتی و دشتستان ۹۱
بهبهان	۷۸	دهخوارقان ۶۵
بیجار	۵۹	ساری و اشرف ۱۴۰
پهلوی ( ← رشت )		ساوه ۱۱۰
تبریز	۳۱۰	سابه ( ← داراب )
ترت حیدری	۶۰	سبزوار ۱۳۰
ترت شیخ جام	۳۵	سراب ۶۵
ترشیز	۵۵	سمنان و حنّده ۰

محل	جمعیت	محل
سیستان	۴۰	کرمانشاه و قصر
شاهرود	۶۲	گرمرو
شاپور ( ← خوی )		گلپایگان
شوشتر	۳۸	گناباد
شیراز و هفت ناحیه همچنین بلوک		لار
سبعه	۲۵۰	لاهیجان ( انزلی ) <sup>۱</sup>
صامین قلعه ( شاهین دژ )	۴۵	لرستان ( ← بروجرد )
صحنه ( ← استرآباد )		ماکو
طیس	۶۴	محلات
فیروزآباد و توابع	۶۱	محمره
قائنات	۷۳	مراغه
قراجه داغ	۶۵	مشهد
قزوین	۲۵۰	مالایرو توپسرکان
قصر ( ← کرمانشاه )		ممسنی ( ← کازرون )
قم	۱۲۰	ناصری و رامهرمز
قوچان	۵۷	نور ( ← آمل )
قصیر و جهرم	۸۴	نیریز و اصطهبانات
کازرون و ممسنی	۷۲	نیشابور
کاشان	۱۰۰	هشترو
کردستان ( صحنه )	۱۴۶	یاخرز - خواف
کرمان	۵۷۹	یزد
		جمع کل
		۱۰,۰۰۰,۰۰۰

طبق نظر ابتهاج ( ص ۲۷۰ ) جمعیت ایران از زمان سلطنت قاجاریه -

شاه بتدریج رو به نقصان گذاشته . در آن موقع جمعیت ایران در حدود ۵۰ میلیون

۱ \* طبق نظر انجمن پادشاهی جغرافیائی و کمیته دائمی آن درباره اسامی

جغرافیائی انزلی نام سابق بندر پهلوی است و بنظر میرسد که بین رقم مربوط به

رشت و پهلوی و لاهیجان ( انزلی ) اشتباهی رخ داده باشد .

تخمین زده میشد که با انتزاع قفقاز و ترکستان و بلوچستان از ایران پنجاه درصد تقلیل یافت. در ۱۹۳۵ دائرة المعارف ایتالیا جمعیت ایران را ۱۵,۰۵۵,۱۵۵ نفر ذکر کرده است.<sup>۱</sup> شهرهای عمده با جمعیت آنها به طریق زیر ذکر شده است.

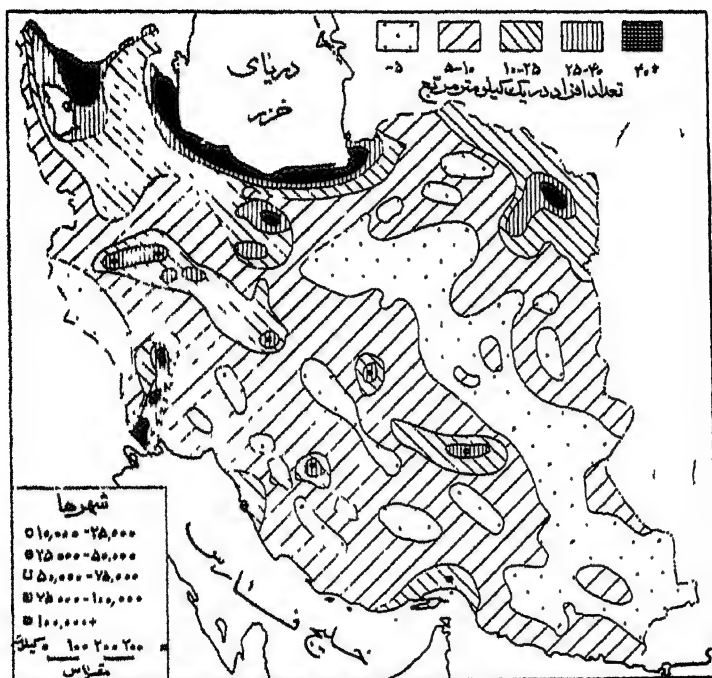
محل	جمعیت	محل	جمعیت
آبادان	۴۰,۰۵۵	سلطان آباد	۵۴,۹۸۷
اردبیل	۴۴,۸۰۸	شیراز	۱۱۹,۸۵۰
ارومیه	۴۹,۸۴۳	قزوین	۶۰,۰۱۳
اصفهان	۱۰۰,۱۴۰	کرمان	۵۹,۵۲۵
پهلوی	۴۱,۹۹۷	کرمانشاه	۷۰,۱۵۹
تبریز	۲۱۹,۹۴۹	مرآغه	۴۵,۳۷۲
تهران	۳۶۰,۲۵۱	مشهد	۱۳۹,۳۵۰
رشت	۸۹,۸۷۶	همدان	۹۹,۸۵۲
زنجان	۴۵,۶۱۲		

بنا بر گفته ابتهاج (ص ۲۸) در حدود ۱۴ میلیون نفر از جمعیت ایران مسلمان شیعه هستند که بموجب قانون اساسی مذهب رسمی مملکت اعلام شده است. تقریباً یک میلیون نفر که اغلب کردهای شمال غربی ایران باشند پیرو فرقه سنی میباشند. یکی دیگر از فرق عمده شافعی است که در حدود ۷۰۰ هزار نفر از کردها پیرو آنند. یک فرقه دیگر اسلام یعنی حنفی در میان ترکمانها و قبائل دیگر خراسان در هزاره و جمشیدیه پیروان دارد. اسمعیلیها تحت رهبری آقاخان تعداد قابل ملاحظه ای طرفدار و پیرو در خراسان دارند. پیروان سایر مذاهب عبارتند از مسیحیها (ارامنه-آسوریها- طرفدار ارتدوکس یونانی- کاتولیک- پرستان) که در حدود ۱۲۰ هزار نفرند؛ ۴۵ هزار یهودی و ۱۴ هزار نفر زرتشتی. پیروان مذهب بهائی در حدود صد هزار نفر هستند. منابع موثق در باره ایران از قبیل کرزن و سایکس و ویلسون شرح

۱. سیموندز (ص ۷) که در ۱۹۳۵ کتاب خود را نوشت جمعیت ایران را در حدود ۱۲ میلیون نفر تخمین میزند و حد وسط تراکم جمعیت را ۱۹ نفر در میل مربع میداند



کاملی در باره مذاهب و عقاید مذهبی در ایران داده اند ولی چون کتاب ابتهاج جدیدترین آنها است ارقام فوق از کتاب او اقتباس شده است .



شکل ۴ پخش جمعیت ( اقتباس از دائرة المعارف ایبائی )

سیموندز ( صفحه ۷ ) میگوید در سالهای اخیر تعداد مدارس بطور قابل ملاحظه زیاد شده است و در ۱۹۳۵ تعداد مدارس ۸۵۵،۴ در تمام مملکت میباشد در حالیکه ده سال قبل کمتر از ۲ هزار مدرسه وجود داشت. در اثر تشویق وزارت فرهنگ در تمام کشور مدارس جدید باز شده و وسائل و تسهیلات تحصیل و تعلیم و تربیت روبهزونی است. <sup>۱</sup> همچنین بهرمان شاهنشاه اصلاحات زیادی در وسائل حمل و نقل و ارتباطات و بهداشت عمومی با کمال سرعت بعمل آمده بطوریکه وضع عمومی مردم ایران روبه بهبودی نهاده است .

۱۰ رجوع شود به کتاب دکتر صدیق ( ص ۴۴-۱۲۳ ) و مقاله شادمان در مجله آسیائی ۱۹۳۷ و کتاب گری ( ص ۲۸ ) .

## ۳. اشارات تاریخی درباره مردم ایران

در طی جستجو برای اطلاعات تطبیقی مردم شناسی در آثار نویسندگان و محققین قدیم و جدید معلوم شد فقط معدودی از نویسندگان در مورد منشأ و وابستگی جسمانی مردم ایران ملاحظات خود را ثبت کرده و نظریه خود را داده اند. ولی معهذا بعضی از نویسندگان قسمتی از جمعیت ایران را به تفصیل شرح داده اند و چون فقدان تلفیق و جمع آوری اشارات مهم تاریخی درباره مسائل مردم شناسی برای محققین و اهل مطالعه درباره ایران نقص بزرگی محسوب میشود نویسنده این کتاب مناسب دانست از این منابع مختلف به تفصیل نقل کند. برای منابع اصلی دیگر در باره ایران خواننده می تواند به فهرست منابعی که کرزن داده مراجعه نماید (کتاب ایران و مسئله ایران چاپ ۱۸۹۲ا - جلد اول - ص ۱۶-۱۸) . فهرست منابع نقل شده در زیر داده میشود .

تاریخ نویسنده	تاریخ نویسنده
۴۴۵ ق. م هرودت	۱۸۶۳ ۰۱ دوهوسه
۳۶۰ ب. م امیانوس مارسلینوس	۱۸۶۶ نیکلادو خانیکف
۹۵۰ الاستخری	۱۸۷۵ گ. ر. ابری-ماکی
۱۵۹۹ انتونی شرلی	۱۸۸۰ جرج رالینسون
۱۶۵۰ پیتر و دلاواله	۱۸۸۰ ۰۵ و. و. بلیو
۱۶۸۴ پاترانجلوس (لابروس)	۱۸۸۷ فردریک هوسی
۱۶۸۶ سر جان شاردن	۱۸۸۹ ث. ر. کندر
۱۸۱۵ سر جان ملکم	۱۸۹۱ ایزابلال. بیشاپ
۱۸۲۸ فردریک شوبرل	۱۸۹۲ جرج ن. کرزن
۱۸۴۳ ج. ث. پریچارد	۱۸۹۴ ن. پ. دانیلف
۱۸۴۶ آستن هنری لی یارد	۱۸۹۵ دانیل گ. برینتون
۱۸۵۸ اندرز رتزیوس	۱۸۹۵ شارل دو اوژ فالوی

تاریخ	نویسنده	تاریخ	نویسنده
۱۸۹۶	۱۰ هوتوم - شیندلر	۱۹۲۹	ل. ۵۰ دادلی بکستون
۱۸۹۹	ویلیام ز. ریپلی	۱۹۲۹	سر جرج ماکمون
۱۹۰۲	پرسی. م. سایکس	۱۹۳۰	سردار اقبال علی شاه
۱۹۱۴	الکساندر فین	۱۹۳۰	برنارد. ا. رید
۱۹۱۵	سر پرسی. م. سایکس	۱۹۳۲	سر آرنولد. ت. ویلسون
۱۹۱۹	جیوانچی جمشیدچی مدی	۱۹۳۵	ارنست هرتسفلد
۱۹۱۹	برتولد لوفر	۱۹۳۶	جرج ج. کامرون
۱۹۲۴	ث. هادون	۱۹۳۶	سر ادل استین
۱۹۲۵	۵۰۱. سایس	۱۹۳۷	۴۰۱. تالکرن
۱۹۲۶	جوزف دنیگر	۱۹۳۷	و. و. گینزبورگه
۱۹۲۶	و. ایوانف	۱۹۳۷	الکساندر باشماکف
۱۹۲۷	ویلیام ه. ورل	۱۹۳۸	{ ارنست هرتسفلد سر آرنولد رکیث         }
۱۹۲۸	هادی حسن		
۲۱۹۸	فیلیپ ک. هیتی		

برای نقل مطالب و ترتیب و تقدم آنها چندین طریق به نظر رسید. لکن بعد از وقت بسیار و مشورت با دکتر هوتن تصمیم گرفتیم مطالب منتخب را به ترتیب تاریخ عرضه داریم. فهرست مفصل قبائل که داده شده به خواننده برای پیدا کردن مطالب مخصوص مردم شناسی کمک میکند.

هر جا مطالب منتخب بصورت ترجمه نقل شده بخصوص در مورد خانیکی و هوسی با وجودی که ترجمه آزاد است مع هذا علامت نقل قول بکار رفته تا اینکه در باره اصل آنها تردیدی در بین نباشد. برای یکنواخت کردن املا در منتخباتی که مستقیماً از نویسندگان انگلیسی نقل نشده بعضی کلمات مختصری تغییر داده شده تا با سبک انتشارات موزه قیلد تطبیق کند. این تغییرات بخصوص در مورد املاي نام مکانها صدق میکند و هر جا که ممکن بوده از سبک و نظریه کمیته دائمی اسامی جغرافیائی انجمن پادشاهی جغرافیائی لندن پیروی شده است. هر جا که نام مکان در نقل قول سهولت قابل تشخیص نیست کلماتی در پرانتز اضافه شده تا فهم مطلب را آسان سازد. در فهرست اعلام همه انواع مختلف املاء اسامی امکان

بشکل مورد قبول ارجاع شده است .

در حدود ۴۴۵ قبل از میلاد - برای قدیمی ترین اظهار عقیده دربارهٔ ایرانیان توسط هرودت ترجمهٔ رالینسون را بکار برده‌ام . این ترجمه توسط ۱۰۰ لارنس (برادر کلنل ۱۰۰ لارنس) تنظیم و با یادداشت‌های دقیق آراسته شده است

هرودت (IV - ۳۷) می‌نویسد: «ایرانیان ساکن مملکتی هستند که تا دریای اریتره (Erythraean) یا دریای جنوبی امتداد دارد . در بالای آنان در سمت شمال مادها هستند. آن‌سوی مادها ساسپریها (Saspeirians) هستند و آن‌سوی آنان کولچی‌ها (Colchians) که بدریای شمالی (دریای سیاه) میرسند که فاسیس (Phasis) در آن خالی میشود . این چهار ملت همهٔ ناحیه را از یک دریا به دریای دیگر پر کرده‌اند.»

در مورد قبائل هرودت (I-۱۲۵) میگوید: «ملت ایران از قبائل بسیار تشکیل یافته است . آنها تیراکه کوروش جمع‌آوری و به طغیان علیه مادها واداشت قبائل عمده بودند که همهٔ قبائل دیگر به آنها بستگی دارند. اینها عبارتند از پاسارگاده - مرافی‌ها (Maraphians) - ماسپی‌ها (Maspians) و ازبین‌ها پاسارگاده‌ها از همه شریف‌ترند. هخامنشی‌ها که سلاطین ایران از آنها هستند یکی از طایفه‌های آن قبیله است . قبائل دیگر ایران عبارتند از : پنتیاله‌ها Panthialaeans - دروسیاه‌ها Derusiaeans - جرمانی‌ها Germanians که بکشاورزی اشتغال داشتند و دانها Daans - ماردیانها Mardians دروپیک‌ها Dropicans - وساگاریت‌ها Sagartians که بادیه نشین بودند .»

لارنس یادداشت زیر را در بارهٔ مطلب بالا نوشته است: «قبائل ایران مانند قبائل سایر اقوام مشرق زمین دائماً در حال انحلال و تشکیل بودند . از جمله گزنفون تعداد قبائل را بجای ده، دوازده ذکر کرده است و دسته‌های جداگانهٔ بعضی از این قبائل بعدها در همهٔ نقاط خاورمیانه پیدا شد (رجوع شود به کتاب نژاد شناسی و جغرافیای مشرق قدیم تألیف هومل مورخ ۱۹۲۶ ص ۱۹۷) . بعضی از رؤسای قبائل در دربار هخامنشی مقام عمده داشتند و خود قبائل در آن موقع دارای درجه و امتیازات معمول بودند . ساگاریت‌ها یگانه قبیله‌ای هستند که در بین اقوام خراجگذار نام آنها برده شده است (III - ۹۳) این عده شاید

رشته جدا گانه بوده‌اند ولی احتمال می‌رود که قبائل بدوی از دادن خراج معاف نبوده‌اند.

یونانیان پازادگاد را پاسارگاد نیز خوانده‌اند و این نامی است که بعداً بیکى از قبائل کارمانیا اطلاق شده است (بطلمیوس VI- ۱۲۵۸- هر تسفند و کلیو VIII- ۱۹۰۸- ۱۹۰۹). پایتخت کوروش در هفتاد میلی شمال شرقی شیراز بهمین نام خوانده می‌شد و معلوم نیست یونانیان در تصور اینکه قبیله‌ای باین نام وجود داشته اشتباه نکرده باشند. داریوش خود را پارسا یعنی ایرانی خالص می‌خواند و ممکن است آن نام صحیح قبیله باشد. (رجوع شود به اندراس Andreas ص ۹۶).

«هر دو رشته فامیل سلطنتی یعنی رشته کوروش و داریوش از هخامنشی بودند که ظاهراً از اولاد هخامنش می‌باشند.

«جرمانی‌ها معمولاً کارمانیها نامیده می‌شدند و در کرمان و حوالی آن سکنی داشتند. با اینکه نویسندگان قدیم طریقه زندگی و مذهب آنان را شبیه سایر قبائل ایران دانسته‌اند آنها را باید قوم مشخص و متفاوت بشمار آورد. واضح است که تمدن و فرهنگ بدوی تر و اولیه تر داشته‌اند، بشکار سر اشتغال می‌ورزیدند (IV- ۶۴) و مراسم برادری خون را حفظ کرده بودند. (I- ۷۴ - یادداشت ۵). داناها Daans یا دهانه‌ها در نقاط دیگر ایران مخصوصاً در مشرق دریای خزر (I- ۲۰۱ - یادداشت) وجود داشتند. این نام بصورت ایرانی آن در اوستا دها آورده شده که ممکن است چیزی شبیه بربری معنی داشته بشرط آنکه از کلمه داهو یعنی ده مشتق شده باشد (کتاب کریستنسن ص ۲۱۷ و ۲۳۶). ماردیها نیز نام زشتی داشتند زیرا کلمه مارد را می‌توان اراذل ترجمه کرد و این نام در جاهای دیگر نیز دیده شده است. در واقع معلوم نیست آیا کلمه دها یا ماردیها معنی نژادی داشته یا نه. پادشاهان هخامنشی به ماردیها یا اماردیهای شمال ایران (نزدیک تهران) مقرر می‌دادند تا باعث اغتشاش نشوند و داناها را «قبیله جنگجو که دارای مراسم و آداب زننده بودند خوانده‌اند» در کوهستان غار هائی می‌کنند و خود و زنها و اطفال خود را در آن مدفون می‌سازند. از گوشت گله یا حیوانات وحشی تغذیه می‌کنند. زنان آنها از مردان ظرفتر و لطیف تر نیستند. موی آنها پشمالو است و لباس آنها بزانو نمیرسد.

پیشانی را با فلاخن و زنجیر میبندند و از اسلحه آلت زینت میسازند.» (کرتیوس V-۶۱-۲۱).

« ستفانس بیزانتینوس Dropici را Derbicci نوشته است . بطلمیوس میگوید در بیسیسها Dribyces در کنار دریای خزر بودند در حالیکه در بیکاها Derbiccae یا Derbices یا Terlissi در مشرق ترکستان زندگی میکردند این اسامی ممکن است از کلمه دریگویادیوی ایرانی آمده باشد که معنی آن بیچاره است و ممکن است بهمه گونه نژادها اطلاق شود ( کتاب مارکهارت I ص ۳۱ یادداشت ۱۳۱-139 ص ۱۳۹ یادداشت ۱-۱۴۲ و ۱۷۰ یادداشت ۲ : کتاب کریستنسن ص ۲۳۶ و ۲۵۳ یادداشت ۴ ). در زبان فارسی باستان ساگاریت ها را آساگارتا Aṣagarta نوشته اند که ممکن است معنی آن « سر زمین غارها » باشد و ممکن است بموطن عشایری شمال کوه زاگرس اطلاق شود. عده دیگری از ساگاریتها در حوالی مرکز ایران جدید زندگی میکردند و اینها قبائلی بودند که مانند مردم جنوب شرقی ایران مالیات میدادند ( III-۹۳ : زاره و هرتسفلد - ایران . نقوش برجسته ص ۲۳ ).

« در دوره آسوریها قوم کوچکی بنام سمیت ذیکیرتو Semites Zikirtu در پارسوا Parsua در زاگرس شمالی سکنی داشتند ولی ارتباط بین این قوم و آساگارتا را نمیتوان بدرستی معین کرد ( کتاب استرک XIV ص ۱۴۶ ). این اسامی را با کردها نیز ارتباط داده اند که در یونانی و لاتینی با گرد Gord و Kord - شروع میشود ( I-۱۸۹ - یادداشت ۲ ). کسرتیها Cyrtians که طبق گفته استرابو کنار دریای خزر و در میان ایرانیان میزیسته اند بعنوان کرد شناخته شده اند، و این ارتباط بیشتر از نظر لغت شناسی است تا از نظر جغرافیایی ( XI ۵۲۳ ؛ XIV ۷۲۷ ). استرابو در میان قبائل ایران از پاتیثوریها نام میبرد و اینها ساکنین ناحیه ای بودند بنام پاتیثووارا Patishuvara . گویریاس Gobryas حامل نیزه پادشاه روی قبر داریوش پاتیثواری خوانده شده است . هرودت ادامه میدهد و میگوید ( I ۱۰۱ ) : « دئیوس Deioeces مادها را بصورت يك ملت گرد آورد و تنها بر آنان حکمرانی کرد و اینها هستند قبائلی

که آن ملته‌ا تشکیل میداد<sup>۱</sup>: بوسائی Busae - پارتاسنی Paretaceni - استروچات Struchates - اریزانتی Arizanti - بودنی Budii - مگی Magi .  
 کلانی جئه در زمان باستان معجزه‌آسا بشمار می‌آمد . هرودت (VII - ۱۱۷) یک پهلوان ایرانی را با این کلمات شرح میدهد: «در اینجا بود که آرتاچائیس Artachaees که ریاست بر کالالها را داشت مریض شد و مرد . او مورد توجه خشایارشا و از فامیل هخامنشی‌ها بود . بعلاوه بلند قدترین همه ایرانیان بود<sup>۲</sup>. فقط چهار انگشت از پنج ذراع (Cubit) که قد سلطنتی بود<sup>۳</sup> کوتاه‌تر بود و صدائی داشت قوی‌تر از صدای هر مرد دیگری در دنیا .»

قدیم‌ترین اشاره به حجمه ایرانی از هرودت است (III, ۱۲۰) راجع به پلوس Peluse که میگوید: «در میدانی که این نبرد انجام یافت من چیز بسیار عجیبی دیدم که بومیان بمن نشان دادند . استخوان کشتگان در میدان در دو کومه پراکنده بود . استخوان ایرانیان در یک محل با خودشان همانطور که در اول تقسیم شده بودند و استخوان مصریان در محل دیگر جدا از آنها؛ اگر حجمه ایرانی‌را حتی یک سنگ کوچک به آن بزنیید بقدری ضعیف است که سوراخی در آن بوجود می‌آید . ولی حجمه مصریان بقدری سخت و قوی است که اگر سنگ هم بآن بکوبید بندرت می‌شکند . دلیل زیر را برای این اختلاف بمن گفتند که منطلق بنظر من میرسد: گفتند مصریها از طفولیت سرخود را می‌تراشند و بهمین جهت

۱ . لارنس میگوید: «طوایف و قبائل ماد در آن موقع مانند حالا شامل مردم بادیه نشین و شهر نشین بوده ولی در حال حاضر نسبت بادیه نشین در این محل از قسمت جنوب که قبائل بدوی ایران زندگی میکردند کمتر است .»  
 ۲ . در سپتامبر ۱۹۳۴ اطلاع یافتم که در شیراز مرد درازی بنام سیاه کوه (کوه مرد) زندگی میکرد که قد او از هفت پا زیاده بود (مقصود سیاه خان شیرازی است . م . م)

۳ . لارنس میگوید: «ذراع شاهی (Royal Cubit) ۲۰ اینچ است (I, ۱۷۸) . یادداشت (۳) بدین ترتیب آرتاچائیس کمی بلند تر از ۸ پا بوده است .»

بقیه پا و ورقی از صفحه قبل

نوشته شده است: «مسلم است که بانبان این امپراطوری یعنی مادیه‌ا و ایرانیها ساکنین اصلی این کشور نبودند بلکه به نژاد آریین تعلق دارند .»

دراث آفتاب جمجمه ضخیم و سخت میشود و همین باعث جلوگیری از کچلی در مصر است و در آنجا کمتر از هر سرزمین دیگر سرتاس وجود دارد. بنابراین این دلیل آنست که جمجمه مصریان تا آن حد قوی است. ایرانیان از طرف دیگر جمجمه ضعیف دارند زیرا از اول عمر با گذاشتن کلاه سرخود را در سایه نگاه میدارند. آنچه در اینجا گفتیم با چشم خود دیدم و همین مطلب را در پاپرمیس Papremis در مورد ایرانیانی که با هخامنش پسر داریوش بدست ایناروس Inarus اهل لیبی کشته شده بودند مشاهده کردم. »

در حدود ۳۶۰ میلادی- امیانوس مارسلینوس Ammianus Marcellinus (XXIII و ۶ و ۷۵ و ۸۰) شرح زیر را از ایرانیان همزمان خود میدهد:<sup>۱</sup>  
« تقریباً همه دارای جثه کوچک و رنگ گندمگون با رخسار رنگ پریده هستند. قیافه خشمگین با چشمانی مانند چشمان بز و پروان پیوسته و هلالی و ریش آراسته و موی پهل و دارند. . . . چنان شل قدم بر میدارند و با چنان راحتی و آزادی حرکت میکنند که تصور می رود زن صفت باشند اگر چه ازدور مهیب بنظر میرسند. کلمات تو خالی قراوان دارند و خود سرانه و سبانه سخن میگویند. حرف بزرگ میزنند و مغرور و رام نشدنی هستند، در کامیابی و در سختی هر دو تهدید آمیزند. مکار و پرمدها و بیرحم میباشند و بر بردگان خود و همه مردم پست عامی قدرت مرگ و زندگی اعمال میکنند. »

در جای دیگر (XXIV - ۱۴) میگوید :

« ex virginibus , quae speciosae captae sunt , ut in

Perside, ubi feminarum pulchritudo excellit »

برای اشارات دوره قدیم درباره ایران مراجعه شود به کتاب رالینسون

جلد دوم ص ۳۰۸ .

در حدود ۹۵۰- ابواسحق الاستخری سیاح و جغرافیدان معروف اسلام درباره خوزستان مینویسد « فارسی و عربی و خوزی صحبت میشود . وضع ظاهری ساکنین این ایالت عبارت است از رنگ زرد و لاغر و ریش کم پشت و بطور کلی از

۱ . در یادداشتی به هروودت (I - ۱۲۵) لارنس اضافه میکند « شرح کلی

در باره ایرانیان ۴۰۰ میلادی رویهمرفته بایرانیان زمان هخامنشی نیز اطالع

می شود . »



مردمان دیگر کمتر مودارند. « (هوسی ص ۱۲۷) .

۱۵۹۹ - اتنونی شرلی سردهسته سفارت هلند پایران شاه عباس را شرح داده (ص ۱۰) و میگوید شاههیکل عالی داشت ولی درباره رنگه قهوه اومینویسد: «مثل اینکه بوسیله آفتاب رنگه اوسپاه شده بود. »

۱۶۵۰ - پیتر و دلاواله ( ص ۱۰۵ - ۱۰۶ ) مینویسد : « این مردم (گبرها) <sup>۲</sup> مانند ایرانیان امروز نسبتاً از نوع خشن هستند . »

۱۶۸۴ - پاترا نژولوس Pater Anglus که نامش لا بروس است Labrosse مینویسد ( ص ۱۳۶ ) « میتوان نوع قیافه قدیمی آنها را در میان گبرها یا آتش پرستان که بزشتی میمون میباشند دید . » <sup>۳</sup>

۱۶۸۶ - سر جان شاردن Sir John Chardin ( طبع فرانسه ۱۷۱۱ ص ۳۴ ) که دوسفر بایران کرد یکی در ۱۶۶۴ - ۱۶۷۰ و دیگری در ۱۶۷۱ - ۱۶۷۷ مینویسد : « نژاد ایران طبیعتاً خشن است . این مطلب در میان گبرها که از نسل ایرانیان باستان هستند بخوبی مشهود است . » و اضافه میکند : « ایرانیان قدیم زشت و بد شکل شبیه مغولها بودند و نوع زیبایی که در میان ایرانیان عصر حاضر دیده میشود میراثی است که از زنان چرکسی و قفقازی بآنها برده اند . » و پریچارد میگوید این عقیده شاید بر اساس اشتباهی که بین ایلات با ایرانیان بعمل آمده قرار دارد و دو خانیکف این نظر را رد کرده و آنرا غیر ممکن میدانند .

کرزن ( ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ ) مینویسد : « شاردن .. قلت جمعیت را در اثر چهار علت فرعی میدانند که عبارتند از فسق و فجور غیر طبیعی - افراط در زندگی تجملی - ازدواج در سن جوانی - و مهاجرت دائمی به هند . ملکم در اوائل قرن حاضر جمعیت ایران را در حدود ۶ میلیون تخمین زده و موانع ازدیاد جمعیت را که تقریباً همانها نیست که شاردن ذکر نموده در مقابل فوائد زیر

۱ . این قسمت توسط آقای داوید گستاوسن David Gustafson از هلند ترجمه شده است . علامت نقل قول ترجمه تحت اللفظی را میرساند .

۲ . این ها گبرها یا زردشیان هستند که اکثر آنها اکنون در یسزد زندگی میکنند .

۳ . « این مطلب مبالغه آمیز توسط اوزلی Ouseley در جلد سوم سفرنامه اش ص ۳۵۵ یادداشت ۱۳ مورد انتقاد قرار گرفته است . » ( دو خانیکف . ص ۴۸ )

با هم مقایسه میکند. این فوائد را عوامل زیر میداند: سازگاری آب و هوا - ارزانی آذوقه - نادر بودن قحطی<sup>۱</sup> و کمی خونریزی در جنگ‌های داخلی - تمایل مردم بازدواج و تعداد بسیار کم فحشاء. »

کرزن سپس در یادداشت ذیل صفحه تفصیل بیشتری داده مینویسد: «دکتر پولک J.E. Polak در گزارش خود در باره ایران در ۱۸۷۳ علل عمده انحطاط جمعیت را عوامل زیر میداند: (۱) وضع نامساعد زنان که شامل سهولت طلاق - ازدواج در سنین جوانی و زود پیر شدن آنان و دوره طولانی بچه شیر دادن و کوتاه شدن دوره بارداری؛ (۲) فقدان وسائل بهداشتی که نتیجه آن شیوع و تلفات از امراضی مانند تیفوس و اسهال و وبا و طاعون و بخصوص آبله بعلت نبودن وسائل تلقیح، مرگ و میر اطفال در سن دوسالگی عامل مهمی محسوب میشود؛ (۳) جنگ‌های نابودکننده تاتارها و منول‌ها و افغانها و حملات ترکمن‌ها به ایالات شرقی و فروش اهالی بعنوان برده در بازارهای خیوه و بخارا و جنگ‌های داخلی و کثرت متوفیات بین سربازان که قبل از اینکه بزندگی سرپازی و ساختن عادت کنند تعداد کثیری از آنها از بین میروند؛ (۴) مهاجرت عناصر و افراد غیرمسلمان از قبیل گبرها و مسیحیان و یهودیه‌ها به هندوستان و قفقاز و ترکیه؛ (۵) وقوع قحطی بعلت کمی باران و برف و شدت آن بعلت فقدان وسائل نقلیه و ارتباطات و تعصب نسبت به تجارت گندم و بدی وضع قنوات و سوء اداره امور مملکت. »

کرزن در همان کتاب ص ۹۲۴ ادامه میدهد و میگوید: «رالیسون در ۱۸۵۰ جمعیت ایران را ده میلیون نفر تخمین زده است و لسی در ۱۸۷۳ در اثر بلایه و باوقحطی، جمعیت به شش میلیون نفر تقلیل یافت. نویسندگان دیگر در طی بیست سال اخیر جمعیت ایران را بین پنج میلیون و ده میلیون ذکر کرده‌اند. در حقیقت هیچیک از این ارقام بر اساس منابع علمی و قابل اعتماد نیست. تا کنون در ایران سرشماری نشده و وسیله و دستگاه لازم برای این کار وجود نداشته و فکر سرشماری مورد قبول روحانیون و علمای مذهبی نیست.

۱۸۱۵- از کتاب (تاریخ ایران) بقلم سرجان ملکم مطالبی مربوط به

۱. گرز (۱۸۹۳ا جلد ۲ ص ۴۹۲) ذیل صفحه اظهار نظر میکند:

«نظر من این مطلب با حقیقت وفق نمیدهد. در نیمه دوم قرن حاضر قحطی‌های

شدید و غیرشدید در فواصل در حدود ده سال رخ داده است.»

جمعیت و متناسب با مطلب این گزارش استخراج و ذیلاً نقل شده است .

در مورد تخمین جمعیت ملکم ( در جلد دوم ص ۵۱۸-۵۲۱) مینویسد:  
 « در يك كتاب خطی كه ادعا شده است از اسناد و مدارك دولتی زمان سلطنت  
 شاه سلطان حسین گرفته شده و تعداد قبائل مختلف و رعایای سلطان را با همه  
 جزئیات نقل کرده جمع كل رعایای سلطان ایران متجاوز از دوست میلیون نفر  
 ذكر گردیده است ۱ يك سیاح اروپائی ( شاردن ) كه تقریباً يك قرن قبل تخمین  
 زده معتقد است كه تعداد ساكنین این كشور در حدود چهار میلیون میباشد؛ ولی  
 یکی از جغرافیدانان معروف (پینکرتن) باین نتیجه میرسد كه جمعیت ایران و  
 قندهار از جمعیت تركیه آسیا زیادتر نیست و تعداد جمعیت ایران را در حدود  
 ده میلیون نفر تخمین میزند و از این عده چهار میلیون نفر را سهم قندهار و  
 شش میلیون نفر را سهم ایران غربی یا بعبارت دیگر جمعیت ایران فعلی میداند.  
 احتمال میرود این تخمین از حقیقت زیاد دور نباشد . این جمعیت در حدود صد  
 نفر بهر میل مربع تقسیم میشود و اگر چه در بعضی نقاط جمعیت در هر میل  
 مربع زیادتر از این رقم است ولی قسمتهای عمده كشور بیابان لم یزرع و غیر  
 قابل سکونت است ... در طی دوازده سال اخیر تعداد جمعیت اصفهان تقریباً  
 دو برابر شده است ۱ و این امر در نتیجه نظم و ترتیب حكومت محلی است كه  
 باعث شده است ساكنین سابق از قراء و قصبات كوهستانی كه در اثر جنگ و ظلم  
 بآن پناه برده بودند بشهر مراجعت كنند ...

« اگر چه جمعیت ایران از زمان حمله افغانه بطور قابل ملاحظه‌ای  
 تقلیل یافت شك نیست كه در طی بیست سال اخیر افزایش یافته و میتوان گمت  
 كه در حال حاضر روبا افزایش است. ولی این مطلب فقط در مورد ساكنین مسلمان  
 آن كشور صدق میکند در حاليكه تعداد یهودیان تقلیل یافته وعده گبره ( زرتشتیان)  
 كه محل سکونت آنان محدود بیک محله شهر یسزد است شاید در چهار هزار  
 فامیل مبالغه آمیز باشد . كلنی ارامنه كه در خارج شهر اصفهان سکونت دارند و

۱ . اگر بتوان گفته سیاحان اروپائی را مستند دانست جمعیت ایسن شهر

در موقی كه پایتخت سلاطین صفوی بوده بین ششصد و هفتصد هزار نفر بوده است .  
 وقتی در سال ۱۸۰۰ نویسنده از آن شهر بدین كبد از يكصد هزار نفر زیادتر نبود  
 واكنون جمعیت آن شهر در حدود دوست هزار نفر تخمین زده میشود .

سابقاً در حدود دو هزار و پانصد فامیل بودند و بعضی ثروت سرشار داشتند اکنون به پانصد فامیل نمیرسد و هیچیک از آنها ثروتی ندارد. تعداد ارامنه در سایر نقاط ایران نیز تقلیل یافته است.

بموجب تخمینی که بدستور اسقف جلفا زده شده است تعداد کل ارامنه ایران دوازده هزار و سیصد و هشتاد و سه نفر میباشد که ظاهراً يك ششم جمعیت ارامنه قبل از حمله افغان است<sup>۱</sup> بنا بقول ملکم (جلد ۲ ص ۶۳۰): «همه افراد این اقلیت (در قزوین و تبریز و همدان و شیراز و یزد و قم و کاشان و اصفهان) از لحاظ شکل و ظاهر نژاد عالی میباشد. قد آنان بلند نیست ولی افراد کوتاه قد و ناقص الخلقه در بین آنان نادر است و بطور کلی قوی و فعال هستند. رنگه چهره آنها از گندم گون تا سفید است و بعضی از آنها بسفیدی اهالی اروپای شمالی میباشد و اگر طراوت اروپائیان را نداشته باشند قیافه گلگون و سالم آنها آنان را زیبایی مخصوصی بخشیده است.» سر بازان رومی مدت کوتاهی (جلد ۲ ص ۲۰۷ - ۲۱۰) قسمتی از کردستان را تحت اشغال داشتند ولی شاید ناحیه اشغالی آنها محدود به مواضع نظامی بود. تعجب در این است که هیچیک از قبائل تاتار که ایران را مسخر کردند در این استان بطور دائم نماندند<sup>۲</sup> و این ناحیه هنوز نژاد اصلی و خشن اولیه خود را دارد که با اینکه مذهب اصلی خود را از دست داده اند آداب و رسوم اجداد خود را حفظ کرده اند و یکی از لهجه های زبان باستانی ایران حرف میزنند.

«علت اینکه این مردم توانسته اند که خاك خود را از وجود بیگانه حفظ کنند واضح است. محل سکونت آنها کوهستانی و بایراست و دره های معدود زیبا و حاصلخیز که در بین گروه تپه های کوهستانی قرار دارد ارزش آنها را ندارد که برای اشغال آنها کوشش بعمل آید، زیرا ساکنین جنگجو و نیرومند آن بسر زمین خود علاقمند هستند و تسخیر این ناحیه کوهستانی نه تنها مشکل است بلکه حفظ و نگاهداری آن نیز سهولت میدهد

- ۱ «تعداد و رقم جمعیت ارامنه ایران را مدیون سروان فردریک میباشم که از اسقف جلفا گرفته بود. مطلب اسقف مشخص و احتمال می رود که صحیح باشد».
- ۲ در این ناحیه بعضی از قبائل عرب وجود دارند و بعضی از رؤسای قبائل کرد افتخار میکنند که از اولاد قبائل عرب میباشند.

«نواحی کردستان که نزدیک رود دجله و در حوالی بنداد واقع شده تحت نفوذ و استیلای حکومت ترك است در حالیکه نواحی واقع در شمال و مشرق تحت تسلط و حمایت پادشاه ایران است . از رؤسای قبیله این قسمت والی یا شاهزاده اردلان از همه مهمتر و قویتر است . سرزمین او که هم مرز عراق و آذربایجان است تقریباً دویست میل طول و در حدود یکصد و شصت میل عرض آنست . عوالم این سرزمین زیاد نیست ولی شاهزادگان آن که تقریباً دستگاه سلطنت دارند خود را از اولاد صلاح‌الدین معروف میدانند .»<sup>۱</sup>

ملکم (جلد ۲ - ص ۲۳۱) سپس مینویسد : «در شمال مشهد در امتداد نواحی کوهستانی خراسان (که هم مرز محل سکونت ترکمانها و سرزمین سابق خوارزم میباشند) دو نفر از رؤسای کرد که مورد توجه و در خدمت نادر شاه و جانشینان او بودند قبائل خود را در آن ناحیه مستقر نمودند .»

وی اضافه میکند (ص ۲۱۶) : «خراسان محل سکونت مردمان نژادهای مختلف است . ساکنین جنگجوی آن افتخار میکنند که اولاد قبائل عرب و کرد و ترك<sup>۲</sup> و افغان میباشند که در ادوار مختلف باین ایالت آمده و آنرا مسخر یا حفاظت کردند ...»

ملکم (جلد ۲ - ص ۶۱۷) میگوید : «قبائل عرب که تحت اطاعت ایران و در سواحل خلیج فارس زندگی میکنند از نظر آداب و رسوم و طرز زندگی بیشتر شبیه مردم هم نژاد خود میباشند تا شبیه مردمی که در میان آنها سکنی گزیده‌اند . زبان آنها عربی و همه آداب و رسوم مملکت اصلی خود را حفظ کرده‌اند . مانند مردم عربستان لباس میپوشند و بجای کلاه ایرانی عمامه سبک بسر و عبا بزرگ بتن دارند . طرز رفتار آنان اگرچه بخشونت سایر قبائل ایران نیست سرکشی و استقلال اجداد آنها را دارد .»

۱ . این نام صلاح‌الدین ایوبی دشمن صلیبیون است که اروپائیان آنرا تحریف کرده و صلاح‌الدین خواندند . فامیل اردلان از سمت مادر خود را اولاد او میدانند ولی در تاریخ کردستان نوشته شده است که این فامیل مدت چهار قرن و بوسیله ۲۵ نسل اولاد ذکور این ناحیه را در اشغال داشتند .

۲ . کلمه ترك همیشه بساکنین تركستان و پاكستان که اصل آنها از آن مملکت بوده و بزبان تركی حرف میزنند اطلاق میشود .

وی اضافه کرده میگوید (جلد ۱ - ص ۲۷۷) : « پشرفت قاتحین (حمله خلفای عرب) سریع و عجیب بود . مردمان صحرای سوزان عربستان تا نواحی سردسیر خراسان و بلخ دست یافتند و در این نقاط سکنی گزیدند و در این سرزمین جدید نشو و نما نمودند . اولاد و اخلاف آنان نژاد مشخص باقی ماندند و با اینکه بزبان اجداد خود صحبت نمیکنند ظاهر و رفتار و آداب آنانرا حفظ کرده اند .<sup>۱</sup>

ملکم (جلد ۲ - ص ۵۹۶ - ذیل صفحه) مینویسد : « در ایران و بخصوص در آذربایجان غالباً گروههای کوچک کولی دیده میشود . طرز زندگی و شغل فامیلهای کولی که در آن کشور دیدیم با طرز زندگی قبائل سیار کولی که در انگلیس دیده میشوند فرق زیادی ندارد . ایرانیان آنها را « غاراجی » مینامند که کلمه ترکی و معنی آن « مردم سیاه پوست » است و این نام از این جهت بآنان داده شده که چهره آنان تاریکتر از رنگه چهره مردم بومی است . »

۱۸۲۸ - فردریک شوبرل (Frederic Shoberl) ص ۲۰ اطلاعات آماری مربوط بزبان و تعداد جمعیت گروههای مختلف بر اساس تقسیمات زبانی ذیل منتشر کرده است :

۱» - تعداد افراد ترك زبان از همه زیاد تر است و شامل ۴۱ قبیله و ۲۸,۰۰۰ نفر میشود . قویترین این قبائل افشار و قاجار میباشد . افراد قبیله افشار در تمام ایران پراکنده اند و مخصوصاً در آذربایجان و تعداد آنان ۲۸,۰۰۰ نفر است . افراد قبیله قاجار در مازندران و تهران و مرو و در خراسان و ایروان و گنجه سکنی دارند و تعداد آنها در حدود ۴۰,۰۰۰ است . فتحعلی شاه که هم اکنون

۱۰ من بامردی که از قبیله بن شیانی (شیبانی) و متعلق بیکى از شعب آن قبیله بود صحبت داشتم این شخص در محلی که بمسافت چهار روز راه پیمائی با بخارا فاصله داشت زندگی میکرد . شکل و رفتار او کاملاً عربی و شبیه ساکنین یمن بود و علت آنرا این مطلب میدانست که هیچیک از افراد قبیله او با سایر ساکنین محل ازدواج نکرده بودند . در خراسان و بلخ و حتی در نواحی مجاور بخارا هنوز تعداد اعراب زیاد است ولی بجز خراسان رؤسای برجسته ندارند زیرا سیاست تاتارها و افغانه آن بود که آنها را ضعیف و پراکنده نمایند . اگرچه بسیاری از این قبائل نام و ظواهر عربی خود را حفظ کرده اند، زبان اصلی و زبان کشور قدیمی خود را کاملاً از دست داده اند .

پادشاه ایران است از قبیله قاجاریه است و اغلب رؤسا و افسران عالیرتبه کشور نیز از همان قبیله هستند .

۲ - تعداد افراد کردی زبان ۹ قبیله و در حدود ۷۹,۰۰۰ نفر است . کریم خان معروف از این گروه است و قبیله زندگی قبیله مخصوص کریم خان بود پس از سرنوشت رقت بار لطفعلی خان بکلی از بین برده شد و محدودی که جان سلامت بردند چون موردخشم سلسله قاجاریه قرار گرفتند در داخل ایران خود را پنهان کردند یا از کشور خارج شدند .

۳ - کسانی که بزبان لری حرف میزنند شش قبیله و ۸۴۵۰۰ نفر هستند . قبائل فائیلی و بختیاری از این گروهند . بهترین افراد پیاده قشون از بختیاریها هستند ولی چون مانند قبائل دیگر در نواحی کوهستانی مرزی بین ایران و ترکیه زندگی میکنند استقلال خود را حفظ کرده و به هیچیک از دو دولت سر اطاعت تسلیم نمی نمایند

۴ - زبان عربی . متکلمان باین زبان از نژاد عرب هستند . در اثر طول زمان و سکونت ممتد در یک کشور خارجی زبان اصلی اجداد خود را تا حدی از دست داده و عربی ناقص که مخلوط با کلمات و لغات فارسی است سخن میگویند ، این عده شامل ۸ قبیله و ۹۳۵۰۰ نفرند .

۱۸۴۳ - پریچارد (ص - ۱۷۱) مینویسد : « تاجیکهای معاصر ایرانیان اصلی هستند و ترکها آنها را قزلباش مینامند . اینان مردمی زیبا هستند که صورت بیضی شکل و ابروان سیاه و چشمان مشکی دارند ...

» در کشور های مجاور و هم مرز ایران مردمانی از نژاد های مختلف ساکنند که ایرانی نیستند ولی از هر قوم دیگر آسیا ب مردم ایران نزدیکترند و بعقیده من باید آنها را از نژاد آریان دانست . اینها عبارتند از افغانه و بلوچها و براهوئیها و هایکانها یا آرامنه و استیها .

» قسمت عمده ایران را مردم بادیه نشین اشغال کرده اند که اغلب در حرکتند و با کمک غلامان و خدمه خود زراعت میکنند . . . اغلب آنها از نژاد ایرانی نیستند . بعضی ترکند و بعضی به مغول و افغانه تعلق دارند در حالیکه اصل و نژاد برخی قابل تعیین نیست . شهرها و نواحی مجاور محل سکونت ایرانیان اصلی است که در همه جا آنها را تاجیک خطاب میکنند و نه ایرانی . تاجیکها در

## اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۵۱

واقع قوم معروف و مشخصی هستند که در سراسر مشرق زمین پراکنده اند و نه تنها در شهرهای ایران بلکه در شهرهای ماورالنهر و همه نواحی تحت تسلط ازبکها سکنی دارند . بعضی ادعا دارند که این مردم تامرزه‌های چین و یا لاقل تا نزدیکی تبت گسترده شده اند .»

در ۱۸۴۳ وسترگارد<sup>۱</sup> Westergaard برای اثبات و تأیید گفته هرودت مبنی بر اینکه جمجمه ایرانیان ترد است و زود میشکند داخل دخمه‌ای نزدیک یزد شد و آزمایشهایی بعمل آورد و بهمان نتیجه رسید که هرودت گفته بود ولی دوخانیکیف در این باره بادونویسنده فوق موافقت ندارد (ص - ۶۴) .

۱۸۴۶ - لایارد<sup>۲</sup> Layard (ص - ۷) معتقد است که بندونیها که یکی از طوایف کوچکتر بختیاریه‌ها هستند از بومیان اولیه محل میباشند و روایت براینست که این طایفه به بختیاریه‌ها که از سوریه بایران مهاجرت کردند ملحق شدند .

طایفه دینارونی یکی دیگر از انشعابات بختیاری از اصفهان آمدند . طایفه گندوزلو از قبیله ترك افشارند که در زمان صفویه یاحتی قبل از آن جدا شدند . جانکی گرمسیر و جانکی سردسیر نیز در اصل ترك هستند ... از آنجائیکه نه استخری و نه ابن حوقل و نه حتی یاقوت ... نامی از بختیاری نبرده اند احتمال قوی میرود که مهاجرت آنان بایران بعد از قرن سیزدهم شاید در زمان تیمور صورت گرفته باشد .

۱۸۵۸ - رتزیوس Retzius (ص ۱۱۲) در میان مردم واقوام آسیا از وجود دو شکل سر ناممیرد و در صورت مردمان درازسر dolichocephals آسیایک طبقه را که از هندوها و ایرانیهای آریائی و اعراب و یهودیها تشکیل شده ذکر میکند و این چهار دسته در عین حال دارای فك صاف میباشند (orthognathous) .

۱۸۶۳ - دوهوسه Duhousset (ص ۲۳-۲۴) که يك نوع را در سلطانیه مورد مطالعه قرار داده مینویسد : «مردان قد متوسط دارند خیلی قوی هستند و قدرت تحمل خستگی زیاد دارند . پوست آنها قهوه و موی آنها مشکی و مجعد و

۱۰ برنامه‌ای از پرفسور وسترگارد به دکتر ویلسون که در ۱۸۴۳ نوشته

شده و در نشریه انجمن آسیائی بریتانیای کبیر و ایرلند چاپ لندن مورخ ۱۸۴۶ مجلد ۸ ص ۳۵۰ منتشر شده است. نقل از خانیکیف ص - ۶۴ .



دارای چشمان کوچک میباشند که زیر ابروان سنگین قرار گرفته، بینی آنها بزرگ و عقابی و لب آنها فرو رفته است. فک آنها مربع شکل و بزرگ و گونه برجسته دارند. قیافه آنان سبب و گردن آنها باریک است. . . . جمجمه آنان دارای خصوصیات غیر معمولی است بطوریکه آنها از نوع جمجمه آریایی ها جدا میکند زیرا پیشانی فرو رفته و قسمت عقب سر برجسته است. طول سر یک جمجمه ۱۸۰ بود ولی وقتی ۳ میلیمتر بالاتر اندازه گیری شد فقط به ۱۵۰ میرسید. . . . محیط پایه بین ۵۶۰ و ۵۷۰ میلیمتر است و قطر بین دالانهای سمعی بن ۳۲۰ و ۳۴۰ است و ارتفاع سر از حد فوقانی دالان سمعی ۱۱۰ میلیمتر میباشد. ۴۰

دوخانیکیف این ارقام را با ارقام ضمیمه کتاب خود (ص ۱۲۷ - ۱۴۰) مقایسه میکند (ص ۱۰۹) و اظهار میدارد که جمجمه بختیاری شباهت زیادی به جمجمههایی دارد که وی تحت عنوان طهرانی جمع آوری کرده است و اضافه میکند که تردیدی نیست که جمجمههای تحت عنوان طهرانی نماینده جمجمههای ایرانی است که با اختلاط بانوع ترک تغییر یافته، همین امر در مورد جمجمههای بختیاری صدق میکند با این فرق که قطر عمودی بزرگ که تاحدی مصنوعی است نفوذ قوی سامی را نشان میدهد. . . . طول سر دارای خصوصیت ایرانی و عرض ترکی و ارتفاع سامی است. ۴۰

دوخانیکیف میگوید که اوما لیوس دهالوی (malius d'Hallay) (ص ۳۶) نژاد ایرانی رایه شعبه آرامائی نسبت داده و خصوصیات کلی آنها را ببلریق زیر شرح میدهد: «مردمی که تحت نام شعبه آرامائی قرار میدهم بطور کلی دارای موی سیاه و چشم سیاه است و رنگ پوست آنها بیشتر از پوست اروپائیان تحت تائید آفتاب واقع میشود. قیافه آنها دارای حالت و قد آنها متوسط است.

دوخانیکیف خاطر نشان میسازد که از طرف دیگر پرتی (Perty) (ص ۷۰) ایرانیان را در گروه آریائی قرار میدهد که دارای خصوصیات زیر میباشد: «در بعضی شکل - پیشانی پهن - بینی برجسته - گونه های نسبتاً برجسته - چشمان افقی اغلب آبی - موی طلایی یا قهوه یا سیاه و ریش انبوه. «پرتی اضافه میکند (ص ۸۲ - ۸۳) و ایرانیان یا تاجیکها جمعیتی را تشکیل میدهند که در آسیا پراکنده است. فلات ایران را تا رود سند اشغال کرده اند و حتی در توران و در سمت غربی آسیای مرکزی دیده میشوند. در روسیه و سیبری نیز کلتی هایی تشکیل داده اند. ۴۰

۱۸۶۶ - اینجانب قطعاتی از « یادداشت در باره مردم شناسی ایران »

تألیف نیکلادوخانیف که در ۱۸۵۸ تحت ریاست هیئتی بایران مسافرت کرد انتخاب و ترجمه کرده ام که در زیر از نظر خوانندگان میگذرد :

« میدانیم که نقطه اوج دنیای باستان یعنی هیمالیا که رودخانه های حیات بخش چهار رکن قاره آسیا از آن سرچشمه میگیرد چهار قوم مختلف را نیز از هم جدا میکرد که عبارت بودند از چینی ها در سمت مشرق و تورانیان در سمت شمال و هندوها در سمت جنوب و ایرانیان در سمت مغرب . . . . و نیز میدانیم که سنن باستانی هر يك از این اقوام از آسیای مرکزی آغاز گردیده و اصل و منشأ مشترك آریانه های ایران و هندوها مورد قبول همه دانشمندان است (ص-۳۵) .

« برای اثبات اینکه قوم ایرانی در تاریخ نسبتاً دیرتری بسمت مغرب رسیدند توجه خوانندگان را باین نکته جلب میکنم (ص ۴۳) که در فصل آفرینش کتاب مقدس (X-۱۱ - ۳۱) در صورت اقوامی که بنی اسرائیل با آنها آشنا بودند ذکری از ایرانیان نشده است . تنها قوم ایرانی که نامی از آنها در کتاب مقدس برده شده مادیها میباشد. »<sup>۱</sup>

دوخانیف در اثر تحقیقات دوهوسه در مورد اندازه گیری سر و جمجمه اظهار نظر نموده و ارقام دوهوسه را نقل کرده است . در جدول زیر اندازه گیری سر عناصر مختلف اقوام ایرانی داده شده است و این ارقام از صفحات ۵۹ و ۶۳ کتاب دوخانیف نقل شده است .

نام قوم	شماره	طول پشانی تا پشت سر	حد اکثر عرض	بلندی سر	شاخص سر	محیط سر
گبر	۳	۱۹۸	۱۳۹	۱۰۴	۷۰/۲	۵۵۵
هندو	۸	۱۹۶	۱۴۶	۱۰۰	۷۴/۵	۵۶۵
افغان	۷	۱۸۹	۱۴۴	۱۰۳	۷۶/۲	۵۵۹
گیلانی و مازندرانی	۵	۱۸۳	۱۵۴	۱۰۶	۸۴/۲	۵۵۸
کرد	۵	۱۸۲	۱۵۷	۱۰۱	۸۶/۳	۵۶۰

۱. ارتباط نزدیک بین مادیها و پارسی ها از نزدیکی دائمی بین آنان آشکار

نود (مراجعة شود به دانیال فصل ۵ آیه ۲۸ - فصل ۶ آیه ۸ و ۱۵) - کتاب

استر فصل ۱ آیه ۱۴ و فصل ۱۰ آیه ۲ و مقایسه شود با هرودت I و ۱۰۲ و ۱۳۰ .

همچنین مراجعه شود به کتاب رالینسون جلد ۲ ص ۳۰۶ (ذیل صفحه) .

نام قوم	شماره	طول پیشانی	تأیست سر	حد اکثر عرض	بلندی سر	شاخص سر	محیط سر
بختیاری	۴	۱۸۱	۱۶۴	۱۰۷	۹۰/۶	۵۷۱	
سامی	-	۱۷۵	۱۳۷	۱۲۶	۷۸/۳	-	
تورانی	-	۱۹۳	۱۵۳	۱۰۸	۷۹/۳	-	

در جدول فوق شاخص سر بوسیله نویسنده محاسبه و داده شده است .

دو خانیکف نوع شکل سر ایرانی را بطریق زیر توصیف میکند: دظرفیت جمجمه نسبتاً زیاد - طول تقریباً یک برابر و نیم عرض - بلندی آن کمتر از سامی ولی بیشتر از تورانی - استخوان پیشانی کم رشد - خطوط نیمه دایره گیجگاه کاملاً جدا - جمجمه از بالا نسبتاً صاف و قسمت عقب سر خیلی صاف .

دو خانیکف (ص ۷۰) جدول زیر را از کتاب پرور - بی (Pruner-Bey) برای نشان دادن شکل سراقوام سامی نقل میکند .

محل	نام قوم	شماره	جنس	طول پیشانی	حد اکثر عرض	شاخص سر	محیط سر
آفریقا	عرب	۱۱	م	۱۷۸	۱۳۵/۲	۷۶	۵۰۵/۶
آفریقا	عرب	۳	ز	۱۷۶/۵	۱۳۴	۷۵/۹	۴۹۹/۷
آفریقا	یهودی	۳	م	۱۷۵/۳	۱۳۱/۶	۷۵/۱	۴۸۶/۶
آفریقا	یهودی	۲	ز	۱۷۰	۱۳۲	۷۷/۷	۴۷۳/۵
هندوستان	سامی	۴	م	۱۸۱/۷	۱۳۴/۲	۷۳/۹	۴۹۷/۵
اهالی فنیقیه و اتروریا		۷	م	۱۸۸/۴	۱۴۳	۷۵/۹	۵۲۹/۸

در جدول فوق ارقام هر بوط به شاخص سر نوبط نویسنده محاسبه شده

است

دو خانیکف در موزه تاریخ طبیعی پاریس جمجمه ده عرب و یهودی را اندازه گرفت و به نتیجه زیر رسید (ص ۷۱) .

شماره	افراد	طول بن پیشانی دا است سر	حد اکثر عرض	طول سر	شاخص سر	محیط سر
۱	مارابوت کبیل- الجزیره	۱۸۴۱	۱۷۶	۱۳۴	۱۲۶	۷۶/۱
۲	یهودی - قبل از قرن ۱۲ - پاریس	۱۷۱	۱۴۵	۱۰۳	۸۴/۱	۴۹۰
۳	یهودی - قبل از قرن ۱۲ - پاریس	۱۶۹	۱۵۰	۱۱۰	۸۸/۸	۵۰۶
۴	عرب- تلمسن- الجزیره شماره ۲۲۳	۱۹۱	۱۳۷	۱۴۶	۷۱/۷	۵۲۸

## اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۵۵

شماره	افراد	طول بین پيشانی	حد اکثر	طول شاخص	محيط
			عرض	سر	سر
۵	عرب - بن - الجزيره شماره ۲۲۷	۱۶۸	۱۳۸	۱۴۱	۸۳/۱ ۴۹۴
۶	موزابيت (موزب) شماره ۲۶۵	۱۸۸	۱۴۵	۱۱۲	۷۷/۱ ۵۳۰
۷	عرب - صحرا - شماره ۲۴۱	۱۷۰	۱۲۴	۱۴۰	۷۲/۹ ۴۸۰
۸	عرب - صحرا - ۱۸۴۱ شماره ۲۵۹	۱۸۱	۱۳۲	۱۳۵	۷۲/۹ ۵۰۵
۹	عرب - بلیده - الجزيره « ۲۳۸	۱۶۶	۱۳۳	۱۲۹	۸۰/۱ ۴۷۹
۱۰	عرب - بلیده - الجزيره « ۳۰۳	۱۷۵	۱۲۷	۱۱۷	۷۲/۶ ۴۹۱
	معدل	۱۷۵	۱۳۷	۱۲۶	۷۸/۳ ۵۰۰

در جدول فوق ارقام مربوط بشاخص سر توسط نویسنده محاسبه شده

است .

دوخانیکیف (ص ۷۱) باین نتیجه میرسد که جمجمه سامی در مقام مقایسه با جمجمه ایرانی ظاهراً دارای ظرفیت کمتر و از لحاظ طول و عرض کوچکتر ولی از لحاظ بلندی بزرگتر است. وی اضافه میکند که گلیدون (Gliddon) به جمجمه ای اشاره میکند که توسط لایارد<sup>۱</sup> از تلی در بابل بدست آمد و دارای اندازه های زیر است : طول بین پیشانی تا پشت سر ۱۹۷ - حد اکثر عرض ۱۳۷ - بلندی سر ۱۳۳ - شاخص سر ۶۹/۵ .

دوخانیکیف بنا بر این اظهار می دارد که :

- ۱ - مهد نژاد ایرانی میبایست در مشرق ایران باشد .
- ۲ - تازمان حاضر بین جمعیت و مردم شرقی و غربی امپراطوری اختلاف مشخص وجود دارد .
- ۳ - این اختلاف مدت متمادی احساس شده و اثر آن در مدارك باستانی

۱ . در کتاب «انواع بشر» ص ۴۲۶-۴۲۷ از روی تصویر ترسیمی که دیویس J.B.Davis یکی از مؤلفین کتاب «نوع سراهالی بریتانیا» فرستاده بوده است ... گلیدون اضافه می کند که در مجموعه بزرگ مصری مورتن فقط دو جمجمه دارای اندازه های مشابه وجود دارد که تحت نام پلاسیان Pelasgian ثبت شده است (دوخانیکیف ص ۷۱-۷۲)

مربوط به مردم‌شناسی وجود دارد پس از اذعان به نفوذ تصرف بین‌النهرین (عراق) توسط ایرانیان دوخانیکیک اظهار میدارد (ص ۷۴ - ۷۶) که از زمان هخامنشی پدید ایران تحت سلطه اقوام زیر بوده است :

سال	قوم	سال	قوم
۴۲۵	ایرانی	۱۵۰۰	آرامی و سامی
۴۰۰	سامی	۲۰۰	یونانی و سامی
۶۰۰	تورانی		یونانی و سامی
۲۲۰	ارمنی و گرجی	۵۰۰	آرامی و تورانی

در مورد تاجیکها دوخانیکیک مینویسد (ص ۷۷) که این نام یکی از گروههاییست که در ایالات شرقی ایران سکنی داشتند و این نام هرگز درست مغرب‌کشور بکار نرفته است بلکه به یک طبقه از اهالی ساکن حراسان شرقی و هرات در افغانستان اطلاق شده است. بعدها پهرکس که از خون و نژاد ایرانی بود و در سواحل سیحون و ماوراء آن زندگی میکرد اطلاق گردید. مردمان باحتر.... شکل مختصرتری از آنرا بکار برده‌اند.... در شمال غربی ایران مردم بومی را که تحت استیلای ترکان درآمدند تات خواندند. اولین نویسنده اروپائی که کلمه تات را بکار برده پیترو دل‌واله است (جلد دوم ص ۴۶۸-۴۶۹ ترجمه فرانسه مورخ ۱۶۶۳).

در مورد کلمه تاجیک نظریات مختلف وجود دارد و دو-انینکف میگوید (ص - ۷۸) که این نام از کلمه تاج فارسی مشتق است ولی در متون باستانی یا کتیبه‌های هخامنشی دیده نمیشود. بعضی از منابع که دوخانیکیک نقل کرده (ص ۸۷) سعی کرده‌اند در لغت هزوارش تازی که فارسی جدید آن نازی است مترادفی برای کلمه تاجیک بیابند درحالیکه دلیلی وجود ندارد که کلمه تاج و مشتقات آن از قبیل تاجیک و تاجدار و تاجور که جدیدتر از کلماتی مانند ناز و نازی و باربان و غیره است با هم اشتباه شوند. وی اضافه میکند که پروان زردست تاج را مانند سلب می‌چنان یا عمامه مسلمین علامتی میدانستند که آنان را از پیران مذاهب دیگر مشخص میکرد. دوخانیکیک (ص ۸۷ - ۸۸) میگوید وود Wood معتقد است که تاجیکها ایرانی هستند سپس قطعه‌ای از نوشته وی (ص ۲۵۹) نقل میکنند که بقرار زیر است: «ولی خود تاجیکها عربستان و ناحیه بغداد را موطن اصلی

اجداد خود می‌دانند، و چون این مورد قبول عده زیادی است سزاوار توجه و تحقیق میباشد. میگویند نام آنها از کلمه تاج که زینت سراسر گرفته شده و وجه تسمیه آن آنست که اجداد آنان متهم بودند به آنکه این علامت سلطنت را از سر محمد برداشتند. ولی عده آنان زیاد تر از آنست که بتوان آنها را اولاد جنگجویان عرب که در قرن اول هجری این قسمت آسیا را مسخر کردند دانست. »

دو خانیکف درباره این قطعه نقل شده اظهار نظر میکنند (ص ۸۸-۸۹) و میگویند: «در بیست و پنج سال آخر قرن اول هجری ظلم و جور که بوسیله حجاج با اولاد پیغمبر وارد میشد عده زیادی از سادات کوفه و بغداد و بصره و غیره را مجبور کرد که بماورالنهر پناه بیاورند ..... این آوارگان با تاجیکها آمیزش کردند و مخلوط شدند ..... بقرار نوشته میسون (Masson) (جلد اول - ص - ۲۱۷) «تاجیکهای باجر خود را از اولاد قهرمانان عصر کیانیان میدانند.»

بعلاوه (ص ۹۳ - ۹۴) بمسئله موجب گفته مونستواتر الفینستون Mountstuart Elphinstone (فصل ۱۲) که در سال ۱۸۰۹ با مقام سفیری به پشاور رفت: «تاجیکها يك قوم و ملت واحد نیستند. . . در قسمتهای مجزا در ناحیه بزرگی در آسیا پراکنده هستند ... ساکنین شهر نشین ایران نیز تاجیک نامیده می‌شوند تا از فاتحین تاتار آن کشور و همچنین از افراد بادیه نشین و عشایر که در اصل ایرانی نژادند مشخص باشند. حتی در ترکستان چپن نیز یافت میشوند. . . » از اینجا بعد الفینستون به بحث در باره تاجیکهای افغانستان میپردازد.

خود دو خانیکف تاجیکها را بدین طریق توصیف میکند (ص ۱۰۳-۱۰۵):  
قد بلند و چشم و موی مشکی - سر دراز مانند سر ایرانیان ولی استخوان پیشانی بین خطوط نیمه دایره گیتگاهها بزرگتر است و بهمین جهت صورت آنها از صورت ایرانیان سمت مغرب بیضی شکل تر است. بینی و دهان و چشم مشخص است ولی بینی آنها منحنی نیست. شکل آن معمولاً صاف و برجسته تر از بینی نژاد مغول است ولی به برجستگی ایرانیان سمت مغرب نیست .... مقدار موی سر شبیه ایرانیان است و نه تنها ریش انبوه دارند بلکه سینه و بازوان آنها از مو پوشیده است. اسکلت مردم تاجیک ضخیمتر و بزرگتر از اسکلت ایرانیان است و در افراد زنده ظاهر درشتی نشان میدهد ... گبرها که تقریباً کاملاً شبیه تاجیکها هستند يك

اختلاف با آنها دارند و آن اینکه در میان آنان بینی عقابی شکل نادر نیست . . .  
حد متوسط قد ۱۴۰۰ - ۱۵۰۰ در میان هندوها و افغانها و ایرانیهای مغرب و  
مرکز کشور عادی و معمولی تر است از ۱۷۰۰ و ۱۶۰۰ که توسط وود Wood در  
واخان ثبت گردیده است .

و از میان ۸۷۰، ۱۴ نفر که در سال ۱۸۵۷ از سرکنسولگری روسیه در تبریز  
تقاضای روادید نمودند بیش از ۷۵ درصد مردم دارای چشم مشکی و قد متوسط  
یعنی ۱۳۰۰ - ۱۵۰۰ بودند . جمجمه در ناحیه برجسته جلو باریکتر میشود .  
صورت بینی شکل دراز تر و چشم ها درشت تر و خوش ترکیب تر و مژه ها دراز تر  
است . گوش کوچکتر است و همچنین است دهان و پا . در واقع مانند زمان هرودت  
همه اقوام نژاد ایرانی پرموهستند . رنگ مو مشکی است و در مقطع معمولاً بینی  
شکل است . در ایران و افغانستان افراد زال Albino بندرت دیده میشود . در طی  
پانزده سال و سه مسافرت با ایران نویسنده فقط دو یا سه نفر زال سفید پوست  
مشاهده کرد و میسون که سالها در افغانستان میزیست فقط یک نفر اشاره میکند  
و آن زنی بود که بعنوان یک موجود عجیب اورانشان داده و میگفتند باید فرنگی  
یا اروپایی باشد . چنین است وضع کلی تغییراتی که در نوع افراد ایرانی نژاد  
بعمل آمده ولی این تغییرات بتدریج صورت گرفته است .

دو خاتیکف ادامه داده می گویند (ص، ۱۰۷-۱۰۸) : « بعد از تاجیکها  
و گبرها ساکنین ناحیه خراسان بیش از هر گروه دیگر خصایای اولیه و بدوی را  
حفظ کرده اند . » از لحاظ قد کوتاهتر از تاجیکها هستند ولی - شوش - سا - و  
باریکتر و ظریفتر از تاجیکها می باشند . « نفوذ نوع جمعیت مغرب ایران در  
خصائص جسمانی در مردم یزد و کرمان مشهود است ؛ بدن اینان باریک و چشمان  
بادامی بینی عقابی و برجسته و اغلب دارای صورت دراز و بینی شکل میباشند .  
در سمت مغرب شیراز و اصفهان نفوذ نژاد سامی بخصوص در سر بیشتر مشاهده  
میشود ... »

« بطور کلی چشم کردها سیاه و درشت تر از چشم افغانهاست و مربعتر از  
ایرانیان غربی و تاجیکها و پشتوها میباشد . ولی در عین حال شباهت آنان به  
پشتوها جالب توجه است . » وی بعلاوه شباهت بین بلوچها و بختیاریها را متذکر  
می شود (ص ۱۰۸) .

دوخانیکیف اظهار میدارد (ص ۱۱۰) که نسطوریا و کلدانیهای نزدیک ارومیه و سلماس و کوهستان سرچشمه رود زاب و بدون شك از اقوام سامی هستند که به لهجه قدیم آسوری صحبت میکنند. زبان آنها در اثر فقدان بعضی خصوصیات دستوری و دخول کلمات فارسی و ترکی و عربی و کردی تغییر یافته است. «دوخانیکیف سپس میگوید (ص ۱۱۱-۱۱۲): «نسطوریا و کلدانیها يك قوم واحد هستند و نام اخیر پدیده جدید است و فرمان پاپ به آن قسمت از نسطوریا اطلاق شده که در قرن ۱۸ بوسیله مبلغین ژزویت بدین کاتولیک گرویدند. شکل جمجمه آنان بدون تردید سامی است بخصوص در میان قباثل دز، جلو، بوسی، چوب و تیاری که بیش از ساکنین دشتها محدود و منزوی زیسته اند. نفوذ نژاد ایرانی در آنها از چشمان درشت آنان آشکار است. چشم آنان مانند چشم ایرانیها خوش شکل است یعنی قطر عمودی آن تقریباً نصف قطر افقی آن است ولی از لحاظ فاصله بین دو چشم شبیه کردها هستند. برخلاف اغلب افراد سامی که چشمشان در کاسه سرفرو رفته چشم نسطوریا هم سطح افق چهره است.

بینی آنها معمولاً صاف و برجسته ولی کوتاه است. صورت آنها بیضی شکل و بزرگتر از صورت ایرانیان غرب کشور است. گردن آنها دراز و گوش و دست و پای آنان کوچک و ظریف است. این مردم دارای قد بلند و هیكلی متناسب و عضلات قوی هستند و از راه پیمائی خسته نمیشوند. رنگ مو و چشم آنها قهوه و روشن تر از رنگ ایرانیان است. از قرادیکه شنیده ام در بین مردم کوهستانی افراد مو بور و مو قرمز نیز یافت میشود. شباهت بین نسطوریا و ایرانیان در مدت زمان کوتاه صورت نگرفته بلکه سالها قبل از حمله مغول انجام یافته است.

در شمال محل سکونت کردها و نسطوریا (ص ۱۱۲) يك قوم باستانی یعنی ارمنی ها زندگی میکنند که بدون هیچ تردید از نژاد ایرانی هستند. . . . ولی در اثر رابطه و آمیزش طولانی با افراد نژاد سامی و ترك تغییراتی در آنها پیدا شده است. برای پیدا کردن نوع صحیح ارمنی باید مردم ساکن استرخان

۱. بنظر اینجانب سه نام آخر مربوط بقباثل آسوری باز و تخومه و . . .

است. برای توصیف آسوریا رجوع شود به کتاب یزفل نبی فصل XXXI از آیه



را مطالعه کرد و اینها آوارگان و پناهندگان شمال خزر هستند که در قرن چهاردهم در زمان ابوسعید پادشاه سلسله هولاکو در ایران مهاجرت کردند . قد بلند و هیكل متناسب و متمایل بچاقی دارند . سر آنها محققاً شکل سر ایرانی و دراز است . چشمها درشت و سیاه و فرو رفته تر از چشم ایرانیان است . پیشانی آنها کوتاه و بینی آنها بدون استئنا برجسته و عقابی شکل و بزرگه است . صورت بیضی شکل آنها دراز تر از صورت ایرانیها است . گردن آنها دراز و باریک ولی دهان و دست و گوش و پای آنها معمولاً بزرگه و بکوچکی ایرانیان نیست .

درخاتمہ دو خانیکف ملاحظات و مشاهدات خود را درباره مردم مازندران و تاتها و افغانها و اوستها برشته تحریر در آورده است .

مازندرانها ( ص ، ۱۱۶ - ۱۱۷ ) متعلق به نوع اصیل ایرانی هستند و دارای قد متوسط و موی مشکی و ژولیده و ریش انبوه که اغلب روی گونه تازیچشم روئیده و چشمان سیاه و درشت و مژگان بلند و ابروان پر پشت میباشد . . . اغلب دارای بینی عقابی شکل و نوک تیز می باشد و دهان انسان کوچک و دندان سفید و مرتب دارند . مازندرانها با اینکه مانند سایر ایرانیان قوی نیستند ولی برهه پیمائی علاقه دارند .

دو خانیکف می گوید ( ص ۱۱۴ ) احتمال مرود که تاتها در زمان ساسانیان از آذربایجان آورده شده باشند و بیش از هر گروه دیگر فامیل ایرانی تحت نفوذ ترکها قرار گرفته بودند و مدت پانزده قرن در میان آنها سکنی داشتند . تاتها دارای قد متوسط و صورت گرد و چشمان سیاه هستند که کوچکتر از چشم ایرانیها است . گردن آنها کوتاه و کلفت و بدن آنها قوی و متمایل بچاقی و دست و پای آنان نسبتاً کوچک و رنگه چهره آنها تاریک می باشد . موی آنها سیاه و پر - پشت ولی به انبوهی موی ایرانیان و تاجیکها نیست .

دو خانیکف اظهار می دارد ( ص ۵۵ - ۵۶ ) که اگرچه افغانها تحت نفوذ هندی و ایرانی واقع شده اند آنها را باید بن تر کمانها و منول قرار داد زیرا نه تنها دارای سر کوتاه و پهن هستند ( brachycephalic ) بلکه فك آنها جلو تر از قسمت فوقانی صورت است ( prognathous ) .

بالاخره دو خانیکف باین نتیجه میرسد ( ص ۱۱۳ - ۱۱۴ ) که : « قدری که بیشتر بطرف شمال برویم یعنی بحد شمال غربی ناحیه مسکونی اقوام ایرانی

اوستها<sup>۱</sup> زندگی میکنند. پس از قرن‌ها ارتباط و تماس با لز گیها داشتن خصوصیات مشابه با آنها از لحاظ چهره و قیافه تغییرات عمده در استها بعمل آمده است. استهایمیکه در دشت شمال قفقاز مستقر بودند بنظر میرسد نسبتاً زود نوع ایرانی بخود گرفتند و بخوبی مشاهده می‌شود که در نسل دوم بینی عقابی شکل در بین آنها نادر تر از بینی استهای دیگر است و بینی صاف تاجیکها در بین آنها دوباره ظاهر می‌شود.

دوخانیکف می‌گوید (ص ۱۱۳) «چون از زمان کودکی به تحمل سختی زندگی ناحیه کوهستانی عادت کرده اند قادرند که به آسانی از سخت‌ترین کوهها بالا روند ... بدون هیچ تردید محیطی که آنها را احاطه کرده تأثیر قابل ملاحظه در آنان داشته است.»

دوخانیکف خاطر نشان میکند (ص ۱۱۳) «که در استها هیچ چیز که ارتباط آنان با ایرانیهای جنوب باشد دیده نمی‌شود. آنان قوی و چهارشانه و سنگین و اغلب دارای موی بور یا قرمز هستند. چشمان آنها کوچک و غالباً آبی است و بینی آنها عقابی و نوک تیز است. گوش و دست و پای آنها بزرگ است. معهدا خود را (ایرون) می‌نامند و در زبان آنها آثار مشهود از اصل زبان ایرانی دیده می‌شود. با اینکه معمولاً قد متوسط دارند افراد بلند قد و قوی هیکل در بین آنها نادر نیست. با اینکه طرز زندگی آنها معتدل است میتوانند پحد اقراط بخورند و بنوشند حتی بمقادیری که برای افراد عادی خطرناک است. مردهای آنان بندرت خوشکل هستند ولی زنان آنها در زیبایی نظیر ندارند. همه گونه مشکلات و سختی را به آسانی تحمل میکنند.»

در ضمیمه کتاب (ص ۱۲۷ - ۱۴۰) دوخانیکف مطالب و ارقام تطبیقی سودمندی نقل کرده که خلاصه آن در زیر داده میشود.

علائم اختصاری.

C.S. مجموعه هانتر - کالج پادشاهی جراحی انگلستان.

۱. نویسنده در ماه سپتامبر ۱۹۳۴ در اردوونیکیدزه (ولادیققاز سابق) در ناحیه چرکس اتحاد جماهیر شوروی ۱۰۷ مرد و ۵۰ زن را مورد آزمایش و اندازه گیری قرارداد. و مطالب مربوطه را به ثبت رسانید. نتایج این مطالعه بزودی در یکی از انتشارات موزه فیلد چاپ خواهد شد.

موزه بریتانیا	B.M.
بیمارستان قتلی - سوئهمپتون	N.
موزه تاریخ طبیعی پاریس	M.N.
مجموعه بلو من باخ - گوتینگن	Bl.
موزه آکادمی علوم سنت پترزبورگ (که اکنون انستیتوی مردم شناسی لنینگراد است)	P.

اندازه گیریهای ذیل از طرف دو خانیکف بعمل آمده که بعداً بوسیله شماره آنها در جدول زیر مشخص میگردد :

- ۱ - طول سر
- ۲ - عرض سر
- ۳ - ارتفاع از سوراخ جمجمه محل دخول ستون فقرات تا نوک سر .
- ۴ - حد اکثر محیط اقی .
- ۵ - قوس وسطی طولی یا مسافت بین محل اتصال بینی تا مرز سوراخ جمجمه محل ستون فقرات .
- ۶ - قوس عمودی یا مسافت بین يك سوراخ گوش تا سوراخ دیگر که از دیواره وسط میگردد .
- ۷ - نزدیکترین مسافت قوس بین خطوط نیم دایره دو گیجگاه .
- ۸ - ارتفاع قوس استخوان پیشانی .

این اندازه گیریها در مورد سی و هفت جمجمه بعمل آمد . فن بائر ؛ (Von Baer) پنج جمجمه افراد گبر را در موزه سنت پترزبورگ (لنین گراد فعلی اندازه گیری کرد . دو خانیکف ( ص ۱۳۱ ) مجموعه جمجمه های سامی موزه تاریخ طبیعی پاریس را که شامل جمجمه اعراب و یهودیهای شمال آفریقا در قرون وسطی است و در مجموعه های اروپائی نادر است در بین حداقل خود آورده است .

سامیها

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱۷۵	۱۳۷	۱۲۶	۵۰۰	۳۵۹	۳۲۳	۱۰۴	۱۲۷
۱۸۶	۱۴۰	۱۳۷	۵۲۰	۳۷۲	۳۲۲	۱۰۱	۱۲۵
۱۸۳	۱۴۱	۱۳۷	۵۰۸	۳۶۷	۳۱۸	۱۱۰	۱۲۰

میانگین ۶ در M.N. ۱۷۵ ۱۳۷ ۱۲۶ ۵۰۰ ۳۵۹ ۳۲۳ ۱۰۴ ۱۲۷  
 آسوری در B.M. ۱۸۶ ۱۴۰ ۱۳۷ ۵۲۰ ۳۷۲ ۳۲۲ ۱۰۱ ۱۲۵  
 عرب C.S. شماره ۵۵۶۲ ۱۸۳ ۱۴۱ ۱۳۷ ۵۰۸ ۳۶۷ ۳۱۸ ۱۱۰ ۱۲۰

### اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۶۳

دوخانیف معتقد است ( ص . ۱۳۲ ) که جمجمه آسوری همان است که  
Leyard در کاخ آسوریا پیداکرده و گلیدون ۱ Gliddoa در اندازه  
گیری آن اشتباه نموده زیرا از روی طرح آن اندازه گرفته است .

تورانیان								
منبع	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
ترك آسیائی C.S. شماره ۵۵۶۳	۱۷۸	۱۵۰	۱۴۰	۵۲۴	۳۶۷	۳۴۱	۱۱۸	۱۳۸
ترك ادجاکف ، Bl.	۱۸۱	۱۴۱	۱۴۳	۵۰۸	۳۶۴	۳۰۹/۵	۱۰۲	۱۲۹
ترك ، Bl.	۱۶۳	۱۴۳/۵	۱۵۵	۴۸۲	۳۵۰	۳۴۴	۱۰۱	۱۲۹
ترك، ناقص معلول (مستچی)	۱۷۵	۱۴۰	۱۵۳	۵۰۰	۳۶۸	۳۵۲	۱۰۵	۱۲۹
ترك از قریستان آتن ، Bl.	۱۶۵	۱۳۸	۱۴۳	۴۸۳	۳۴۱	۳۱۶/۵	۱۱۶	۱۱۸
قزاق، قریز ، Bl.	۱۷۰	۱۳۷	۱۴۵	۵۰۶	۳۵۱	۳۲۲	۹۹	۱۲۴
قزاق، قریز ، Bl.	۱۸۸	۱۵۲	۱۴۵	۵۲۹	۳۵۷	۳۲۹	۱۰۰	۱۲۷

دقبل از آنکه اندازه گیری جمجمه ایرانیان را بدهم باین نکته برخوردیم  
که در هیچ مجموعه اروپائی نمونه حقیقی جمجمه ایرانی وجود ندارد مگر ۵ جمجمه  
افراد گبر که اندازه های آنرا ذیل نقل میکنیم (ص. ۱۳۲) - رجوع شود بجدول زیر)  
جلد اول زیر از کتاب دوخانیف نقل شده است ( ص. ۱۳۳ - ۱۳۹ )

#### گبر

( اندازه گیری توسط فن بائر در ۱۷۶۳ در موزه سنت پترزبورگ )

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
یزد	۱۸۹	۱۲۹	۱۴۴	۵۲۴	۳۸۲	۲۶۵	۱۰۴	۱۳۷
یزد	۱۷۷	۱۳۵/۵	۱۴۷	۵۱۴	۳۷۵	۳۴۵	۱۰۱	۱۳۲
یزد	۱۹۳	۱۲۹	۱۴۰	۵۳۰	۳۸۸	۳۴۵	۹۶/۵	۱۳۷
کرمان	۱۸۴	۱۲۹	۱۴۵/۵	۵۲۰	۳۷۸	۳۵۰	۹۷/۵	۱۱۶
کرمان	۱۸۵	۱۲۶	۱۳۹	۵۱۴	۳۷۷	۳۴۲	۱۰۰	۱۱۵

فن بائر در نامه بتاریخ اول اکتبر ۱۸۶۳ مینویسد : « اندازه گیری  
شماره ۲ را کمی زیر دالان گوش گرفتم .

این محل همیشه حداکثر مسافت نیست . در اولین جمجمه از کرمان  
این مسافت در پشت سوراخ خیلی زیادتر است و حداقل ۱۳۳ میلیمتر است . . .

صورت بین جمجمه‌های کرمان بر جسته‌تر است بطوریکه میتوان آنرا در ردیف جمجمه‌های دارای فك پیش آمده قرار داد. در بین جمجمه‌های یزد شماره ۱ و ۳ شبیه یکدیگرند ولی شماره ۲ بزرگتر و بلندتر و باریکتر است.

### هندوها

(از هندوستان)

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۲۰	۱۰۰	۳۱۲	۳۵۲	۴۷۴	۱۳۹	۱۲۹	۱۷۰	C.S. شماره ۵۵۴۱
۱۲۰	۱۰۰	۳۰۰	۳۴۴	۴۶۶	۱۴۰	۱۲۷	۱۶۵	C.S. شماره ۵۵۴۲
۱۳۷	۹۹	۳۴۳	۳۸۲	۵۲۱	۱۴۴	۱۴۷	۱۸۰	C.S. شماره ۵۵۴۳ (شرقی)
۱۱۸	۱۰۸	۳۲۰	۳۴۵	۴۷۹	۱۳۶	۱۴۰	۱۶۳	C.S. شماره ۵۵۴۴ (دختر)
۱۲۳	۱۰۳	۲۸۹	۳۶۱	۴۹۰	۱۳۹	۱۲۵	۱۸۰	N. شماره ۲۲۳
۱۳۵	۱۰۳	۳۵۲	۳۹۵	۵۳۴	۱۴۰	۱۴۵	۱۸۷	جیلووالی N.
۱۲۰	۱۰۳	۳۴۰	۳۲۲	۴۷۰	۱۴۵	۱۲۵	۱۶۷	N. شماره ۲۳۴ (شرقی)
۱۲۷	۱۰۹	۳۱۰	۳۶۲	۵۰۰	۱۴۳	۱۳۲	۱۷۹	N. شماره ۲۴۹ (باریا)

### افغانها

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۲۰	۱۰۸	۳۱۶	۳۲۷	۴۸۳	۱۴۳	۱۳۴	۱۶۵	C.S. شماره ۵۵۴۰
۱۲۷	۱۱۰	۳۰۸	۳۷۰	۵۰۰	۱۴۲	۱۳۷	۱۷۷	N. شماره ۲۲۳، خلیجی
۱۲۰	۱۱۸	۳۰۸	۳۵۱	۵۴۹	۱۳۷	۱۳۵	۱۷۵	N. شماره ۲۲۴، خلیجی
۱۲۹	۱۱۰	۳۲۰	۳۸۵	۵۵۵	۱۴۰	۱۳۸	۱۷۸	N. شماره ۲۲۵، خلیجی
۱۲۲	۱۰۰	۳۱۶	۳۳۹	۴۸۰	۱۲۹	۱۴۰	۱۶۵	N. شماره ۲۳۵، ملا
۱۲۲	۱۲۲	۳۲۹	۳۷۰	۵۱۰	۱۴۵	۱۴۰	۱۸۲	N. شماره ۲۲۹

### گروه‌های مختلف

۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱۲۴	۱۱۲	۳۲۰	۳۶۸	۵۱۰	۱۳۲	۱۳۰	۱۸۴	N. شماره ۲۱۸، بلوچی
۱۱۸	۱۰۰	۲۹۷	۳۵۰	۵۰۷	۱۳۸	۱۲۷	۱۷۶	ارمنی (۶۷ ساله) B.I.
۱۲۶	۱۰۲	۳۰۵	۳۶۷	۵۱۰	۱۳۳	۱۲۵	۱۸۷	S.C. شماره ۵۵۵۹، مسلمان بهار
۱۲۰	۱۱۰	۳۱۷	۳۴۹	۴۷۳	۱۳۶	۱۳۰	۱۶۹	C.S. شماره ۵۵۶۰، مسلمان دهلی

# اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۶۵

## میانگین نژادهای مختلف

۱۲۴	۱۰۵	۳۲۱	۳۶۶	۵۰۹/۳	۱۳۳/۳	۱۳۹/۳	۱۸۱/۳
۱۲۷/۷	۱۰۵/۹	۳۳۲	۳۵۶/۱	۵۱۶	۱۴۶/۳	۱۴۳/۱	۱۷۴/۳
۱۲۷/۴	۹۹/۸	۳۴۹/۴	۳۸۰	۵۲۰/۴	۱۴۳/۱	۱۲۹/۷	۱۸۵/۶
۱۲۵	۱۰۳/۷	۳۳۳/۲	۳۵۲/۸	۴۹۱/۷	۱۴۰/۷	۱۳۳/۸	۱۷۳/۹
۱۲۳/۳	۱۱۱/۳	۳۱۶/۷	۳۵۸/۷	۵۱۲/۸	۱۳۹/۳	۱۳۷/۲	۱۷۳/۷

گیر

هند \*

افغان

\* در بین این سری يك مجموعه زن حساب شده است .

دو خانیکف جدول اندازه گیری که توسط دوهوسه تهیه شده بودن نقل میکنند

که در زیر از اوقباس شده است و میانگین آن قبلا در صفحه ۴۹ نقل شده است .

قوم	سال	طول پیشانی تا پشت سر	حداکثر طول بلندی سر	شاخص سر
هندو	مولتان	۲۲	۱۹۵	۱۴۹
	دهلی	۴۰	۱۹۵	۱۴۰
	مولتان	۲۰	۱۹۵	۱۵۰
	لکنو	۴۰	۲۰۳	۱۵۰
	لاهور	۳۵	۲۱۰	۱۴۴
	پبشاور	۲۸	۱۹۷	۱۵۳
	حیدرآباد	۲۰	۱۷۹	۱۴۷
افغان	حیدرآباد	۴۰	۱۹۵	۱۳۶
	کابل	۳۵	۱۸۵	۱۴۱
	قندهار	۲۵	۱۹۱	۱۵۰
	قندهار	۲۰	۱۸۲	۱۳۷
	قندهار	۲۶	۱۹۰	۱۴۸
	قندهار	۲۰	۱۸۵	۱۳۷
	قندهار	۳۵	۱۹۳	۱۴۷
	کابل	۲۵	۱۹۵	۱۵۲

قوم	منبع	سال	طول پیشانی تا پشت سر	حداکثر طول	بلندی سر	شخص سر
گیل	یزد	۳۵	۱۹۸	۱۳۸	۱۰۰	۶۹/۷
	یزد	۲۲	۲۰۰	۱۳۶	۱۰۳	۶۸
	یزد	۳۰	۱۹۵	۱۴۲	۱۱۰	۷۲/۸
ایران (نواحی داخلی)	آمل (مازندران)	۴۰	۱۷۶	۱۵۲	۱۰۲	۸۶/۴
	سوادکوه	۲۵	۱۷۵	۱۵۵	۱۱۰	۸۶/۶
	رشت	۵۰	۱۹۷	۱۵۲	۱۱۰	۷۷/۱
	استرآباد	۴۵	۱۸۳	۱۵۱	۱۰۷	۸۲/۵
	خرم‌آباد	۳۰	۱۸۲	۱۶۰	۱۰۹	۸۷/۹
کرد	ارومیه	۷۰	۱۸۵	۱۶۵	۱۰۵	۸۹/۲
	ساوجبلاغ	۳۱	۱۹۳	۱۵۶	۹۸	۸۰/۸
	کردستان (ایران)	۲۰	۱۷۱	۱۶۰	۱۰۳	۹۳/۶
	ساوجبلاغ	۴۰	۱۷۵	۱۵۷	۱۰۳	۸۹/۷
بختیاری	سلطان‌آباد	۲۰	۱۸۸	۱۵۰	۹۴	۷۹/۸
	شوشتر	۰۰	۱۷۰	۱۵۰	۱۱۰	۸۸/۲
	بختیاری	۰۰	۱۷۹	۱۶۵	۱۰۰	۹۲/۲
	زردکوه	۳۰	۱۸۰	۱۶۵	۱۰۰	۹۱/۷
تهرانی	لرستان	۰۰	۱۹۳	۱۶۳	۱۱۰	۸۴/۵
	تهران	۰۰	۱۹۰	۱۵۴	۱۰۹	۸۱/۱
	تهران	۰۰	۲۰۰	۱۶۴	۱۲۸	۸۲
	کوکلان	۵۶	۱۸۷	۱۵۵	۱۰۱	۸۲/۹
ترك	کوکلان	۳۰	۲۰۰	۱۶۹	۱۱۳	۸۴/۵
	ترکمن (خیوه)	۰۰	۱۹۲	۱۵۲	۱۱۰	۷۹/۲
	خوی	۵۰	۱۹۷	۱۴۲	۱۱۶	۷۲/۱
	خوی	۲۵	۱۸۷	۱۵۲	۱۱۶	۸۱/۳
	مرند	۶۰	۱۹۴	۱۴۵	۹۰	۷۴/۷

در جدول فوق ارقام مربوط به شاخص سر توسط نویسنده محاسبه شده

است‌ها (زنده)

سن	قد	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۸
۲۴	....	۱۸۸	۱۵۴	۱۴۶	۵۷۶	۳۹۰	۳۷۹	۱۲۹/۵
۳۹	۱۶۳۴	۱۷۸	۱۶۲	۱۴۱	۵۶۰	۳۲۷/۵	۳۷۱	۱۲۵
۳۵	۱۵۵۶	۲۰۱	۱۵۵	۱۳۵	۵۸۸	۳۵۴	۳۷۴	۱۲۱
۲۴	....	۱۸۵	۱۵۹	۱۵۴	۵۷۰	۳۶۲	۳۹۴	۱۲۹
میانگین		۱۸۸	۱۵۷/۵	۱۴۴	۵۷۳/۵	۳۵۸/۴	۳۷۹/۵	۱۲۶/۱

«بطورکلی يك فرد است دارای سردراز و پشت سرصاف است . پیشانی او برجسته و ناحیه پشت سر بزرگ و صاف است بطوریکه وقتی از نیمرخ مشاهده شود محیط مرعی این نوع سرها بشکل متوازی الاضلاعهای دراز جلوه میکند .»

۱۸۷۵ - ابری - مکی Aberigh - Mackay ( یادداشت ص ۱۶ )

ترکمنها را بدین طریق توصیف میکند «قومی از نژاد ترك که در قرن ۱۱ و ۱۲ بخارا را تسخیر کرده و در سمت مغرب دریای خزر بارمنستان و گرجستان و شیروان و داغستان دست یافتند. زندگی بادیه نشینی دارند و قسمت عمده جمعیت این نواحی را تشکیل می دهند و آنها را تراکمه و ترکمن و قزلباش میخوانند . ایرانیان وجهه تسمیه ترکمان را بدین طریق شرح میدهند و میگویند که قبائل ترك در موقع حمله بخراسان با زنان آن سامان ازدواج کردند و اولاد آنان ترکمان یعنی مانند ترك نامیده شدند . این وجه تسمیه ظاهراً موجه نادرست و متناقض بنظر میرسد زیرا عده زیادی از افراد این قوم که ترکی حرف میزنند و در آن سمت جیحون باقی مانده اند خود را ترکمن میخوانند . بعقیده من این نام از کلمه ترك و کومن ترکیب یافته و بآن قسمت از قوم کومن که در سمت شرقی دریای خزر تحت استیلای ترکان آلتای باقی ماندند اطلاق شده است . يك قسمت مستقل دیگر آمده و در سمت غربی دریای خزر و در سمت شمال دریای آرزوف استقرار یافتند و بعد ها بسوی مجارستان رانندند . ازبك ها ( که بنام یکی از خوانین خود خوانده شده اند ) عده ای از قبائل ترك مغول و شاید از نژاد قنیک باشند که بشکل يك قوم در آمدند ولی تفوق ترکها زیاد تر بود . ازبك ها که اکنون ماوراالنهر را در تصرف دارند و ترکمن ها چه در سواحل سیحون و چه در



آسیای صغیر و قبائل بادیه نشین شمال ایران و ترکان عثمانی همه ترك هستند و نیز قسمت عمده قشون تیمور ترك بودند . . . بین ترکمنها و ازبکها من فقط اختلاف قبیله می بینم و لاغیر . از لحاظ نوع و شکل مشابه هستند . صورت صاف که در قسمت چانه نوک تیز و بزرگ است . ریش آنها زرد رنگ و کم پشت و نامنظم است . سر آنها اغلب برای بدن آنها که قوی و عضلانی است کوچک بنظر می آید . صورت آنها دارای دوسوراخ کوچک است که شکل آنها چشمان چینی را بخاطر می آورد . ولی يك اختلاف بین این دو وجود دارد و آن اینکه ترکمنها بادیه نشین و ازبکها ده نشین هستند . »

۱۸۸۰ - جرج رالینسون (جلد ۲ - ص ۳۰۷) خصوصیات کلی جسمانی نژاد باستانی آریان را از روی مجسمه های پادشاهان هخامنشی بطریق زیر شرح میدهد : «هیكلی بلند و خوش اندام و با وقار و قیافه خوشگل و جذاب که اغلب شبیه قیافه یونانی ها است . ( دکتر پریچارد در تاریخ طبیعی بشر ص ۱۷۳ راجع باین نوع چنین اظهار عقیده می کند : «محیط مرعی صورت و قیافه در اینها كاملا یونانی نیست ولی باوقار و شریف است . اگر سیما و حالت صورت باروح و قریحه نیست ولی خردمندانه و دارای نشانه عقل و تفکر است . شکل سر كاملا هند و اروپائی و هیچگونه اثری از تاتار و مغول در آن دیده نمیشود . ) پیشانی صاف و بلند و بینی در همان خط و بلند و خوش ترکیب و گاهی عقابی شکل است . لب بالا کوتاه و اغلب با سبیل پوشیده شده و چانه گرد و معمولاً باریش پوشیده شده است . ظاهراً موی تن آنها فراوان بود و بان افتخار می کردند . . . از زنان ماد روی حیارها نمونه ای دیده نمی شود ولی گزنفون میگوید که آنها بلند قد و زیبا بودند ( III - ۲ - ۲۵ ) . طبق این گفته گزنفون دختر سیاکرار را که باز دو اوج کورس کبیر در آمد از زنان زیبا بشمار می آورد . چنانکه پلوتارک ( در زندگی اسکندر ص ۶۷۶ ) و آمیانوس مارسلینوس ( Ammianus Marcellinus (xxiv-۱۴) و دیگران از قبیل کوینتوس کرتیوس ( Quintus Curtius ( III - ۱۱ ) و آریان Arrian نوشته اند همان خصایص در زنان فارسی مشهود بود . »

رالینسون اظهار می دارد که « شاید کردها و لرهای امروزی از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تر به مادیهای باستان باشند تا ساکنین لطیف فلات بزرگ . »

۱۸۸۰ - قطعاتی از نوشته بلیو H.W.Bellew در باره نژادهای ساکن افغانستان که در مورد اهالی ایران نیز صدق میکند ذیلا نقل میشود .  
 بلیو ( ص ۱۳ ) می نویسد : « اقوام عمده که ساکنین افغانستان را تشکیل می دهند عبارتند از افغانها - پاتانها - قزاقها - تاجیکها و هزاره . بغیر از آنها اقوام کوچکتر دیگری نیز وجود دارند که عبارتند از چهارآیمک که در مرز غربی در حدود هرات ساکنند و از بکها که در سواحل جنوبی سیحون و کافر ها که در نواحی جنوب کوه هندوکش سکنی دارند .»

وی ادامه داده ( ص ۱۵-۱۶ ) می گوید که « بموجب روایات این قوم (افغانها) را بخت النصر در موقعی که در سوریه سکنی داشتند با سارت درآورد و آنانرا در نقاط مختلف ماد و پارس پخش کرد . در ادوار بعد از این نقاط بسوی مشرق و نواحی کوهستانی گر مهاجرت کردند و در آن جا اقوام مجاور آنانرا «بنی افغان» و «بنی اسرائیل» می نامیدند . برای تأیید این نظریه گواهی عزرائیلی را نقل میکنیم که گفته است ده قبیله اسرائیل که با سارت برده شدند بعدها فرار کردند و به ناحیه ارسارث ( Arsareth ) پناه بردند . از قرا معلوم این محل با هزاره فعلی که گر قسمتی از آنست یکسان است . همچنین در طبقات ناصری که از کتب تاریخ است و شرح حمله چنگیز خان به تفصیل در آن شرح داده شده ذکر شده است که در زمان سلطنت سلسله بومی شناسایی قومی بنام بنی اسرائیل در آن کشور سکنی داشتند و عده زیادی از آنان به تجارت و داد و ستد با کشورهای مجاور اشتغال داشتند .»

بلیو در شرح قبائل مختلفی که با مردم ایران ارتباط فرهنگی و مادی و معنوی داشتند مطالب زیر را در مورد مردم هزاره و سیستان و تاجیک و ترکمان و خلجی ذکر میکند :

« این مردم (هزاره) (ص ۱۱۳-۱۱۴) با همه نژادهای دیگر افغانستان فرق دارند و قسمت بزرگی از مملکت را اشغال کرده اند که از یک سمت از مرز کابل و غزنه تا هرات و از نواحی مجاور قندهار تا بلخ امتداد دارد. در واقع کلیه ناحیه ای که در زمان باستان تشکیل کشور پاروپامیس (Paropamisus) را میداد در اختیار دارند و از تمام اقوام دیگر افغانستان مجزا هستند و تماس و ارتباط آنها فقط در نواحی مرزی است ... در مورد اصل و منشأ قوم هزاره تردیدی وجود ندارد

زیرا قیافه و خصوصیات دیگر می‌رساند که آنها از تاتارهای حمله مغول می‌باشند . ولی درباره تاریخ و زمان استقرار در این نواحی اطلاع کاملی وجود ندارد و خود آنان نیز روایاتی در این مورد ندارند . نامی که بآن شناخته می‌شوند هیچگونه مفتاحی نیست زیرا کلمه بومی نیست و از يك واژه خارجی مشتق است . نظر عمومی درباره کلمه هزاره اینست که از کلمه فارسی هزار می‌آید و همسایگان آنها این اسم را بر آنها گذاشتند باین جهت که در ربع اول قرن سیزدهم چنگیز خان واحد های مرکب از هزار نفر در نقاط مختلف این ناحیه مستقر کرد . گفته شده است که چنگیز خان ده واحد هزار نفره در اینجا استقرار داد که نه واحد در هزاره کابل و واحد دهم در هزاره پالکی در مشرق سند ماندند .

بلیو میگوید ( ص ۱۰۹-۱۱۰ ) : « تاجیک‌ها یا پارسیانها قسمت عمده وعده زیادی از ساکنین افغانستان را تشکیل می‌دهند و از حیث زبان و حکومت داخلی و آداب و رسوم با افغانها فرق دارند . اینها نماینده اولاد ساکنین ایرانی این کشور می‌باشند در حالیکه افغانها از اولاد ساکنین هندی افغانستان هستند . چنین بنظر می‌رسد که بهمان طرز که افغانها ( که موطن اصلی آنان قندهار و دره‌های ارغنداب است ) با مردم هند که تحت استیلای خود در آوردند آمیزش کرده و ازدواج نمودند و نام خود را بر نژاد مخلوط اطلاق کردند ، اعراب نیز همین عمل را در مورد ایرانیان نمودند و نام خود را بر اولاد و اجداد مخلوط باقی گذاشتند . یعنی نامی که ایرانیان بآنها داده بودند . گفته شده است که کلمه تاجیک از کلمه و نام فارسی باستان که با اعراب داده شده بود . نویسندگان ایران باستان و دشمنان موروثی خود را در سمت شمال و جنوب ترك و تاز یا تاج می‌خواندند . باین ترتیب و دلیل است که کلمه تاز فقط با عرابی که در ایران بودند اطلاق میشد و هر چه که مربوط بآنها و ناشی از آنها بود ایرانیان تازی و تازیک یا تاجی و تاجیک می‌خواندند . در طول زمان این اصطلاحات محدود و مختص کلیه افراد و چیزهایی که از اسل و نژاد عرب در ایران بودند گردید تا با کلیه چیزهای اصلی و بومی ایرانی مشخص باشد . يك فرد عرب که در ایران سکنی میکرد و با اهالی مملکت ازدواج نمی نمود در طی قرون نام و عنوان ملی خود را حفظ می کرد . ولی عربی که با مردم مملکت ازدواج میکرد ملیت خود را از دست میداد و در طی زمان از طرف ایرانیان تاجیک خوانده میشد . اسب یا سگ عربی که بداخل کشور آورده میشد تازی

خوانده نمیشد بلکه عربی خطاب میشد ولی بجای آنها از مادیان یا سگ ماده ایرانی تازی نامیده میشد و نه عربی . ولی بعضی معتقدند که معنی این کلمه یعنی ایرانی وحتى میتوان تصور کرد که کلمه تاوچی (Taochi) چینی از همان کلمه تاجیک باشد. اگر چنین باشد و بنظر میرسد که مطلب اخیر صحیح است مطالب فوق را باید مردود دانست و کلمه تاجیک را نام باستانی و قدیمی روستائی یا زارع ایرانی دانست . این کلمه در حقیقت در اصل فارسی است و مختص و محدود بنواحی است که در قدیم تحت حاکمیت ایران بودند و به همین جهت در هندوستان با این کلمه مواجه نمی شویم در حالیکه در ترکستان بکار برده میشود . تاجیکها در ناحیه بزرگی در افغانستان که اذهرات تاخیر و ازقندهار تا سیحون وحتى تا کاشغر ممتد است سکنی دارند و کلمه تاجیک در این ایام بطور کلی به همه مردم فارسی زبان آن کشور غیر از هزاره و افغان و سید اطلاق میشود . از جمله مردم نژادهای هندی در کوپاپه - های جنوبی هندو کش که بدین اسلام گزاینده اند و علاوه بر زبان بومی خود بفارسی نیز سخن میگویند معمولاً تاجیک نامیده میشوند. ساکنین ایرانی بدخشان و دره های کوهستانی آن نیز تاجیک خوانده میشوند . »

بلیو (ص ۱۷ - ۱۸) نمیتواند تصمیم بگیرد در چه دوره ای افغانهای گز پیش آمده و در ناحیه قندهار که نام خود را بآن دادند مستقر گردیدند و میگوید : «از نوشته های مورخین اولیه دوره اسلامی چنین بنظر میرسد که در قرن اول هجری یعنی قرن هفتم و هشتم میلادی ایالت سیستان مقر سکونت یکی از اقوام هندی بود. در آن موقع حدود مرزی ایالت سیستان خیلی وسیعتر از حدود استان فعلی بود و سیستان آن زمان یا بنا بنوشته کتب بومی سجستان عبارت بود از همه نواحی بین رودخانه های ترناک و ارغسان و سلسله تپه های طوبا در سمت مشرق و به سلسله جبال نه بندان و دشت نو مید در سمت مغرب و از دره های رودخانه های هیرمند و ارغنداب در سمت شمال و جبال خواجه عمران و صحرای بلوچستان در سمت جنوب. سیستان در حقیقت شامل نواحی بود که یونان قدیم درانگیانا ( Drangiana ) و اراکوسیا ( Arachosia ) می خواندند . ناحیه اولی بعد ها از روی کلمه ساکاسیتیان - ( Saka Seythian ) سجستان خوانده شد و ساگاسیت ها در قرن اول میلادی آنرا اشغال کردند و ناحیه دوم بعدها قندهار نامیده شد زیرا مردم موسوم به (گندهار) در زمان بعد از حمله یونانیان آن محل را بتصرف خود درآوردند .

دکدام قوم هندی درموقع حمله اعراب این ناحیه را دراختیار داشتند مطلبی است که بعداً ذکر خواهد شد ولی واضح است که آنها یگانه ساکنین این مرز و بوم نبودند و با ایرانیان اصلی و مهاجرین دیگر قبایل نژادسیت شریک بودند. و این ایالت که به تواتر سگستان و سجستان و ساجیستان و سیستان خوانده شده از نام قوم ساکا اخذ شده که با احتمال قوی همان قومی هستند که در الواح داریوش ساکاها مووارگا (رجوع شود به هرودت در کتاب رالینسون) خوانده شده اند یعنی ساکای ساکن هاموکه از زمان باستان نام قسمت علیای رود سیحون یا آمودریا بوده است ...

«محمّل است که در طی لشکرکشی های مکرر اعراب از ایران به ناحیه سند انواع مختلف نژاد های جدید به ناحیه جنوبی کشور امروزی افغانستان آورده شدند و در توزیع و پخش ساکنین آن ناحیه تغییرات عمده بعمل آمد.»

بلیو ( ص ۱۰۰ ) معتقد است که کلمه خلیج بمعنی شمشیر است و خلیجی یعنی شمشیر زن و طبق رسم ترک ها قبیله را در اثر یکی از خصائص فردی آن نام می گذاردند مانند قزاق که معنی آن دزد و چرکس که معنی آن سرگردان و ازبک که معنی آن مستقل و قره کلک که معنی آن کلاه سیاه و قزلباش که معنی آن موقرمر است . خلیجی یا قلیجی وقتی وارد گر شدند شاید فقط شامل طوایف ترک هوتک و توخوی و اندر و ترکی و تولار و پولار بودند ( دوطایفه آخری در حساب افغانها بشمار نیامده است ) و بزور نیرو و سلاح در میان ساکنین مخلوط از یهودی و اسرائیلی و افغان و هندی و ایرانی برای خود جا باز کرده و در آن محل مستقر گردیدند .

بلیو متذکر میشود ( ص ۹۷ ) که «قلجائی ( که جمع آن قلجی است ) یا قلزائی قومی هستند کثیر و پراکنده که از جلال آباد در مشرق تا کلات قلجی در مغرب ساکنند و کوهپایه های سفید کوه و سلیمان کوه و گل کوه ( مغرب غر نه ) را نیز اشغال کرده اند .»

بلیو میگوید ( ص ۲۸ ) : « در اوائل قرن گذشته افغانستان که در آن زمان خراسان نامیده میشد ( کلمه فارسی که پناحیه مشرقی ایران اطلاق میشود ) بطور تساوای بین امپراطوری مغول و امپراطوری ایران تقسیم شده بود یا بمبارت دیگر نژده و کابل به مغول و هرات و قندهار با ایران تعلّق داشت .»

### اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۷۳

۱۸۸۷ - هوسه (Houssay) در طی اقامت ۱۸ ماهه در ایران اطلاعات ذیقیمتی درباره اندازه گیری جمجمه افراد جمع آوری کرد (ص ۱۰۱ - ۱۴۸). وی دو فصل زمستان در شوش و تابستانها را در راه بین شوش و تهران و شیراز صرف کرد و فرصت یافت مردم ایران را بدقت مشاهده کند و آنها را بگروههای زیر تقسیم نماید :

- ۱ - آریان : فارسها و لرها .
  - ۲ - مغول : ترکمنها و آذربایجانیها .
  - ۳ - آریان و مغول : ارامنه - عجمیها - تاجیکها و ایلات .
  - ۴ - مغول و سامی : پختیاریها .
  - ۵ - سامی : اعراب - سیدها - یهودیهها .
  - ۶ - آریان و سیاه : اهالی جدید شوش .
- وی متذکر میشود که گبرها (زردشتیان) يك گروه مذهبی و نژاد مخلوط از تاجیک و عجمی هستند .

#### آریانیها

(اندازه گیری پنج نفر از افراد بالغ لر مرد)

میانگین	۵	۴	۳	۲	۱	
قد	۱۶۸۰	۱۷۱۰	۱۵۷۰	۱۶۷۰	۱۷۰۰	۱۷۵۰
طول سر	۱۹۳	۱۸۸	۲۰۰	۱۹۷	۱۹۰	۱۹۰
عرض سر	۱۴۲	۱۳۵	۱۴۰	۱۴۷	۱۵۰	۱۴۰
شاخص سر	۷۳/۶	۷۱/۸	۷۰	۷۴/۶	۷۸/۹	۷۳/۷
ارتفاع بینی	۵۷	۶۰	۵۴	۶۳	۵۵	۵۵
عرض بینی	۳۸	۴۰	۴۰	۳۵	۳۶	۴۰
شاخص بینی	۶۶/۷	۶۶/۷	۷۴/۱	۵۵/۶	۶۵/۵	۷۲/۷

در جدول فوق (هوسی، ص ۱۱۱) ارقام مربوط به شاخص سر و شاخص

بینی توسط نویسنده محاسبه شده است .

#### اطلاعات تطبیقی (ص ۱۱۰)

نام قوم	شاخص سر	نویسنده
لر (۵)	۷۳/۵۷	هوسی
		Houssay

### اطلاعات تطبیقی (ص ۱۹۰)

نام قوم	شاخص سر	نویسنده
افغان	۷۶/۱۹	Duhousset دوهوسه
هندو	۷۴/۴۸	Duhousset دوهوسه
هندو	۷۲/۲۸	Quatrefage کاترفاژ
افغان	۷۳/۱۵	Quatrefage کاترفاژ
ایرانی	۸۴/۶۱	Ujfalvy اوژفالوی
تاجیک	۸۲/۳۱	L'jfalvy اوژفالوی
مغول	۸۵/۴	
چودی	۸۴	
کلموک	۸۳/۸	

### مغول

هوسی (Houssay) میگوید قبائل ترکمن اسیل در مازندران و گیلان سکنی دارند. ناحیه بین قم و خط بین اصفهان و آبادیه محل سکونت اهالی عراق عجم که مخلوطی از ترکمن و آریانه‌های مادی و پارسی هستند و خود را عجمی می‌نامند.

نام قوم	شاخص سر	نویسنده
ترکمن	۸۲	دو-ایکف
مازندانی (۴)	۸۶/۳۱	دوهوسه
گوکلان (۲)	۸۱/۴۵	دوهوسه

### آریان و مغول

۱ - عجمی: این گروه قسمت عمده جمعیت ایران را تشکیل میدهد و چون حدود آن از طهران تاده‌بید و از لرستان تا خراسان امتداد دارد ساکنین طهران و اصفهان و قم و قمشه (شاه‌رضای فعلی) متعلق باین گروه هستند.

قوم	شاخص سر	نویسنده
عجمی	۸۴/۶۱	دوهوسه
عجمی (۲، تهران)	۸۱/۵۴	دوهوسه

عده‌ای از ساکنین شهر قم (ص ۱۱۵) دارای استخوان پیشانی صاف میباشند.





موی سر خود را میزنند و معمولاً صورت خود بجز سبیل را میتراشند. بینی آنها نه مثل بینی لرها بزرگ و دراز است و نه مثل بینی فارسها عقابی و نه مثل بینی مغولها کوتاه و پهن است بلکه کوچک و ظریف است.

### مردهای پروچرد

شماره	قد	طول پیشانی تا پشت سر	حد اکثر عرض سر	شاخص سر	بلندی بینی	عرض بینی	شاخص بینی
۱	۱۵۶	۱۸۰	۱۴۰	۷۷/۸	۵۷	۳۷	۶۴/۹
۲	۱۶۷	۱۹۰	۱۴۰	۷۳/۷	۵۹	۳۹	۶۶/۱

در جدول فوق شاخص سروبینی توسط نویسنده محاسبه شده است.

۲ - تاجیک - تاجیکها در سمت شرقی ایران در خراسان و بین افغانستان و فارس زندگی میکنند و از حیث خصوصیات جسمانی شبیه عجمیها هستند.

۳ - ایلات - بموجب نوشته پولک (Polak) کلمه ایلات به معنی عشایر ایران اطلاق میشود. هوسی (ص ۱۱۹) با این وجه تسمیه موافقت ندارد و میگوید این کلمه توسط لرها و بختیاریها و عربها بکار برده نمی شود. ایلات در تابستان بسمت شمال یعنی اصفهان حُرکت میکنند و در فصل زمستان بین ناحیه جنوبی فارس و خلیج فارس زندگی میکنند. بعضی از آنها ترک و بعضی عرب هستند و یک قبیله ممکن است شامل چند چادر یا چند هزار فامیل باشد. وی اضافه میکند که ظاهراً اینان از نژاد عرب هستند که در حال حاضر با مردم فارس مخلوط شده اند.

۴ - ارامنه - هوسی (ص ۱۲۰) در جلفای نزدیک اصفهان افراد ارامنه را که از اولاد آنهائی هستند که شاه عباس در ۱۶۰۵ بحوالی اصفهان کوچ داد مشاهده کرده است و درباره آنان میگوید که سر آنها با مقایسه با سر عجمیها کوتاه تر است. در جمجمه آنها قوس استخوانی گونه بزرگتر است (zygomatic arch) و قفسه سینه (Thorax) قوی و پهن است. بینی کوتاه و برجسته است. ساق سر آنها طبق نظر شانتر (Chantre) (۱۸۸۳ - ص ۴۵) بین ۸۴ و ۸۶ است که آنها را از حیث درازی سر در ردیف ترکمنهای اصلی قرار میدهد.

### مغول و سامی

طوایف بختیاری در ناحیه کوهستانی بین لرستان و فارس زندگی میکنند.

دوهوسه باین نتیجه رسیده است که اقوام بختیاری از امتزاج و اختلاط بین تورانیان و سیتها با مردم سامی نژاد بابل و آسور بوجود آمده اند . غیر از درازی سر دوهوسه یکی از مشخصات آنها را شکل قسمت عقب جمجمه میداند که بطور عمودی به پشت گردن وصل میشود . وی میگوید : « این شکل کلی جمجمه بختیاریها را از مشاهده افرادی که در اردوگاه سلطانیه یکهنگ تشکیل میدادند بدست آورده ام . در این محل در سال ۱۸۵۹ بیست هزار نفر تحت فرماندهی افسری که من زیر نظر او بودم اجتماع کرده بودند . »

در این باره هوسی چنین اظهار نظر میکند (ص ۱۲۱) : « صافی پشت سر بدون تردید در اثر نقص مصنوعی است که در ایام کودکی بوجود میآید اگرچه خود من قادر بدیدن آن نبوده ام . ولی هر چه باشد نویسنده (یعنی دوهوسه) آنرا یک نوع خاص می داند و میگوید : « این شکل سر در هیچیک از نژادهای آسیای مرکزی دیده نمیشود » ولی کافیت تصاویر ترسیمی که او از افراد بختیاری و ترکمن و آذربایجانی میدهد با هم مقایسه کرد تا تشخیص داد که در بین گروه آذربایجانی نیز این شکل وجود دارد . در اینصورت میتوان آنرا یکی از خصوصیات نژاد مغولی دانست . در سایر مکانها از جمله در آسیای مرکزی و سوریه این تقیصه مصنوعی است . »

هوسی (ص ۱۲۲) معتقد است که قبائل بختیاری یک گروه نژادی واحد نیستند و گفته لایارد را نقل می کند که میگوید قبائل مختلف دارای اصل نژادی واحد نیستند . طبق نظر لایارد قبیله بندونی مخلوطی از اهالی سورینه و اهالی بومی است . دیناروینها در حدود سال ۱۸۳۰ از اصفهان به ملایر آمدند . گندوزلوها از ترکان افشارند و جانیکی ها که بین ملایر و رامهرمز زندگی میکنند نیز ترك هستند .

هوسی چنین ادامه میدهد (ص ۱۲۲ - ۱۲۶) : « احتمال میرود که در این ناحیه عناصر دیگر نیز وجود داشته باشد . . . سلسله جبال که محل و پناهگاه اجباری قبائل مختلف بوده مرکز اختلاط و امتزاج معتد قباایل آریائی و تورانی و سامی میباشد . بنظر میرسد که در بعضی نقاط عناصر تورانی تفوق داشته اند و در نقاط دیگر ابداً وجود ندارند .

و ما دوازده روز در میان قبائل بختیاری مساندیم ولی چون نتوانستیم

اطمینان خاطر آنها را جلب کنیم و بعلمت وجود سوء ظن و مسرافه روزانه من توانستم بطور دلخواه و باندازه کافی اندازه گیری کنم . درمیدوید یکی از قبائل جانکی سبعیت کمتری از خود نشان داد و من از موقعیت استفاده کرده و اندازه گیریهای زیر را بدست آوردم :

شماره	قد	طول بین پیشانی تا پشت سر	حد اکثر عرض	شاخص سر	بلندی بینی	عرض بینی	شاخص بینی
۱	۱۷۰	۱۸۵	۱۶۰	۸۶/۵	۶۵	۴۲	۶۴/۶
۲	۱۷۵	۱۷۲	۱۴۵	۸۴/۳	۷۰	۴۳	۶۱/۴
۳	۱۷۰	۱۷۷	۱۴۲	۸۰/۲	۶۰	۳۲	۵۳/۳

درجدول فوق ارقام مربوط به شاخص سر و شاخص بینی توسط نویسنده محاسبه شده است .

هوسی خاطر نشان میکند (ص ۱۲۲) که این ارقام فقط در مورد افراد جانکی صدق میکند و نه درمورد همه بختیارها . « مردان این قبیله که لایارآنها را ترک نژاد دانسته برعکس دارای خصوصیات جسمانی لرها هستند و دارای همان قد بلند و بدن قوی و عضلانی و مووریش مجعد و براق خیلی بلند و خیمایی سیاه و بینی بلند و راست میباشند . با وجودیکه درنواحی نسبتاً گرم کوهستان زندگی میکنند پوست بدن آنها روشن و سفید است .

« ارقام اندازه گیری نفوذ نژاد ترکمن را درآنها نشان میدهد . میانگین شاخص سرآنها ۸۳/۷ است . اگرچه این رقم کمتر از حد معمولی بختیارها است معهذا نسبتاً زیاد است . رقم شاخص کردن و پیشانی که ۷۴/۵ است نیز نسبتاً زیاد است .

« بنابراین این قبیله از نظر اینکه سرآنها کمتر دراز است و تعداد بیشتری از خاصه‌های آریائی دارند با سایر قبائل بختیاری فرق دارند .

« احتمال قوی می‌رود که یکی از قبائل ترک در ناحیه لر نشین مستقر شده و با آنها مخلوط شده باشند . اولین کسی که اندازه گیری شد شیخ اردوگاه بود . در او بیش از دیگران اثر نفوذ غربی مشهود بود زیرا رقم شاخص سر در او به ۸۶/۴۸ میرسید . دربین مردان قبیله ... افراد دارای موی زرد مانند ساکنین فارس زیاد دیده شد . دیگران دارای مو و ریش سیاه و چشمان آبی بودند و این

از خصوصیات است که در بین لر ها دیده بودم .

« يك مطلب دیگر فرضیه اشغال این ناحیه را از طرف آریانیها تأیید میکند . در فاصله يك روز راه از میدوید .. در نقطه ای که این رودخانه از کوهستان وارد دشت رامهرمز میشود با يك قبیله کوچکی مواجه شدیم که امکان ندارد با فارس ها و لر ها ارتباطی داشته باشند .

افراد این قبیله حتی دارای چادر نبودند . . . . مردمی بودند خوش قیافه و بلند بالا و سفید پوست با موی زرد یا بور . اظهار آنها چیزی که مبنی بر مخلوط بودن با ترکمن ها باشد دیده نمیشد .

« بزبان فارسی صحبت نمیکردند و ما نتوانستیم يك کلمه از حرف آنها را درک کنیم . ولی با دقت و توجه بسیار در صحبت آنها شکل جمله فارسی مخصوصاً در ریشه افعال نمایان بود . آیا این زبان پهلوی بود ؟ شاید این قبیله کوچک فقیر که در گوشه دور دستی زندگی کرده و از جریان و حرکت کلی دور بودند پاکی و اصالت نژادی و زبان باستانی خود را حفظ کرده اند ؟ این حقیقت امکان پذیر است .

« این ملاحظات مختصر بر معلومات درباره بختیارها چیزی اضافه نمیکند بجز آنکه نشان دهد که این مسئله بفرنجتر از آنست که معمولاً تصور میشود . لازم است که کلیه اردو گاهها و چادر نشین ها جدا گانه و دره های دور دست میان کوهستان باز دید و تحت دقت قرار گیرد . در آن صورت امکان دارد که قبائل اصیل ترکمن و شاید سامی و آریائی و شوشی و قبائل مختلط به تناسب متفاوت پیدا شود . چنین مطالعه و هیئت اکتشافی مشکل و خطرناک خواهد بود ولی از نظر تاریخی و مردم شناسی نتایج مهم خواهد داشت .

### آریائی و سیاه پوست

شوشیهای باستانی — طبق نظر کوتر فاژ (Quatrefage) و حامی (Hamy) (در Crania ethnica ص ۱۵۲ و ۱۶۶ نقل از هوسی ص ۱۲۶) نوع سیاه-پوست که در کیونجیک (Küyükjik) دیده میشود نماینده عناصر اصلی و بدوی شوش است که ساکنین آن شاید مخلوطی از کوچیت (Kuchite) و سیاهپوست بوده اند . بینی آنها نسبتاً صاف و سوراخ بینی گشاد است . استخوان گونه برجسته و لبها کلفت است . ممکن است بین آنها و نوع حبشی مکران و لارستان

که همیلتون سمیت (Hamilton Smith) در باره آنها مطالعه کرده ارتباطی وجود داشته باشد. معلوم نیست که آیا همین قوم بودند که نوع بودای سیاهپوست را به هندوستان آوردند یا نه؟

شوشیهای معاصر - هوسی (ص - ۱۲۷) میگویند که ساکنین فعلی شوش از سایر انواع دیگر مردم ایران مشخص هستند. هوسی در دزفول (ص ۱۲۹ - ۱۳۲) یازده مرد (شماره ۱-۱۱) و یک نفر بختیاری که پدرش از اهالی شوشتر و مادرش از اهالی ساحل شرقی آفریقا بود (A) و دو بچه یعنی یک دختر (B) و یک پسر (C) را اندازه گیری کرد.

در جدول زیر ارقام مربوط به شاخص سر و شاخص بینی توسط نویسنده محاسبه شده است. بلندی بینی فرد شماره ۷ که ظاهراً اشتباه است در رقم میانگین اثر کرده است. میانگین شاخص سر که ۷۸/۳۵ است و توسط هوسی حساب شده است از میانگین دو اندازه گیری پدست آمده است.

شماره	قد	فاصله بین پیشانی تا پشت سر	حد اکثر عرض	شاخص سر	ارتفاع بینی	عرض بینی	شاخص بینی
۱	۱۷۱۰	۱۸۰	۱۶۰	۸۸/۹	۵۰	۴۰	۸۰
۲	۱۶۷۰	۱۷۰	۱۳۰	۷۶/۵	۵۶	۴۰	۷۱/۴
۳	۱۷۴۰	۱۸۰	۱۳۰	۷۲/۲	۶۰	۴۰	۶۶/۶
۴	۱۶۳۰	۱۸۲	۱۳۶	۷۴/۷	۵۵	۳۶	۶۵/۵
۵	۱۶۵۰	۱۸۵	۱۳۲	۷۱/۴	۵۰	۴۰	۸۰
۶	۱۷۲۰	۱۸۶	۱۵۰	۸۰/۶	۵۰	۳۹	۷۸
۷	۱۵۷۰	۱۷۸	۱۴۵	۸۲/۶	۲۶	۳۷	۱۴۲/۳
۸	۱۴۰۰	۱۷۸	۱۴۹	۸۳/۷	۴۱	۴۱	۱۰۰
۹	۱۶۲۰	۱۸۲	۱۴۷	۸۰/۸	۶۰	۳۵	۵۸/۳
۱۰	۱۵۷۰	۱۸۴	۱۳۵	۷۳/۴	۴۸	۳۵	۷۲/۹
۱۱	۱۶۸۰	۱۹۶	۱۴۵	۷۴/۰	۶۲	۳۷	۵۹/۷
میانگین ۱۶۳۳							
A	۱۵۸۰	۲۰۵	۱۶۰	۷۸	۴۷	۴۳	۹۱/۵
B	۱۱۷۰	۱۷۰	۱۳۰	۷۶/۵	۴۰	۳۵	۸۷/۵
C	۱۳۹۰	۱۸۰	۱۲۵	۶۹/۴	۴۵	۳۵	۷۷/۸

# اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۸۱

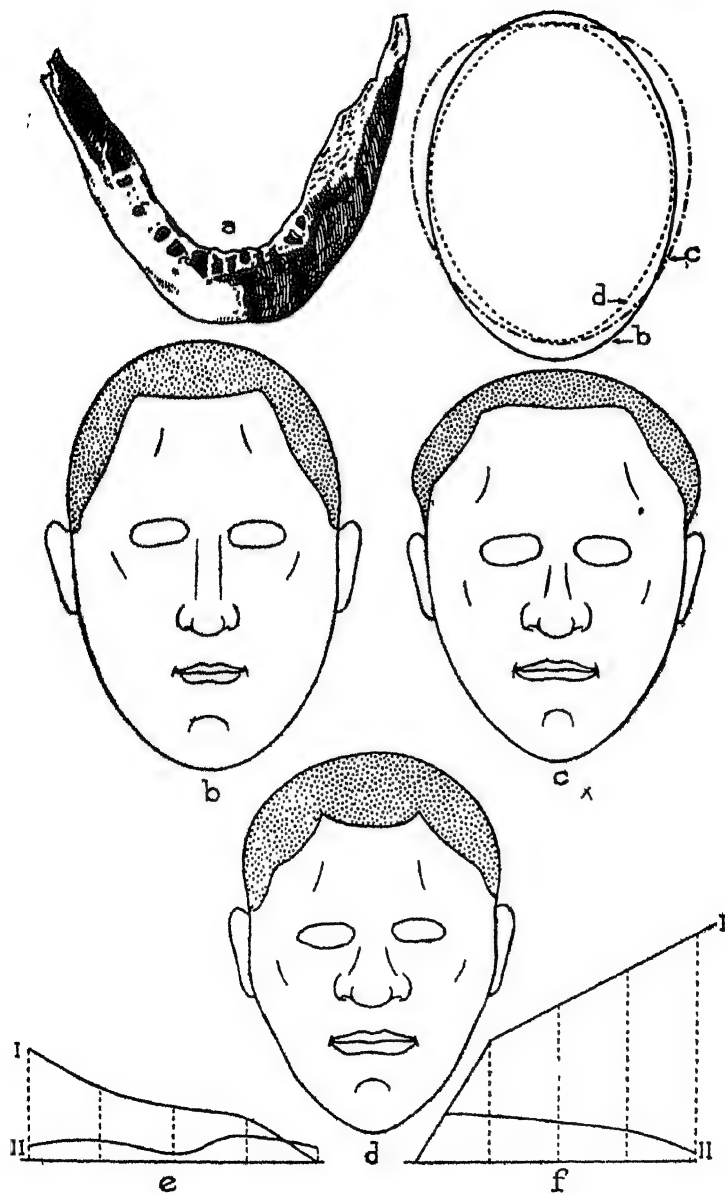
شماره	قد	فاصله بین پیشانی تا پشت سر	حداکثر عرض سر	شاخص سر	بلندی بینی	عرض بینی	شاخص بینی
۱	۱۷۱۰	۱۸۰	۱۶۰	۸۸/۹	۵۰	۴۰	۸۰/۰
۲	۱۶۷۰	۱۷۰	۱۳۰	۷۶/۵	۵۶	۴۰	۷۱/۴
۳	۱۷۴۰	۱۸۰	۱۳۰	۷۲/۲	۶۰	۴۰	۶۶/۶
۴	۱۶۳۰	۱۸۲	۱۳۶	۷۴/۷	۵۵	۳۶	۶۵/۵
۵	۱۶۵۰	۱۸۵	۱۳۲	۷۱/۴	۵۰	۴۰	۸۰
۶	۱۷۲۰	۱۸۶	۱۵۰	۸۰/۶	۵۰	۳۹	۷۸
۷	۱۵۷۰	۱۷۸	۱۴۵	۸۲/۶	۲۶	۳۷	۱۴۲/۳
۸	۱۴۰۰	۱۷۸	۱۴۹	۸۳/۷	۴۱	۴۱	۱۰۰
۹	۱۶۲۰	۱۸۲	۱۴۷	۸۰/۸	۶۰	۳۵	۵۸/۳
۱۰	۱۵۷۰	۱۸۴	۱۳۵	۷۳/۴	۴۸	۳۵	۷۲/۹
۱۱	۱۶۸۰	۱۹۶	۱۴۵	۷۴/۰	۶۲	۳۷	۵۹/۷
میانگین	۱۶۳۳	۱۸۲	۱۴۳	۷۸/۶	۵۰	۴۰	۸۰/۰
A	۱۵۸۰	۲۰۵	۱۶۰	۷۸	۴۷	۴۳	۹۱/۵
B	۱۱۷۰	۱۷۰	۱۳۰	۷۶/۵	۴۰	۳۵	۸۷/۵
C	۱۳۹۰	۱۸۰	۱۲۵	۶۹/۴	۴۵	۳۵	۷۷/۸

باین مطالب آماری هوسی (ص- ۱۳۳) خصوصیات جسمانی زیر را اضافه میکند : پیشانی کوتاه و باریک - چشم بزرگ و آرام و اغلب مبتلا بمرض - بینی کوتاه و بزرگ و گوشه‌تالو - برای تشخیص اختلافات در شکل و تناسب بینی مقایسه زیر بعمل آمده است .

قوم	طول بینی	عرض بینی	شاخص بینی
شوشی	۵۰	۴۰	۸۰
بختیاری (جانکی)	۶۵	۳۹	۶۰
عجمی	۵۷	۳۸	۶۶/۷
لر	۵۷	۳۸	۶۶/۷

در جدول فوق ارقام مربوط به شاخص بینی توسط نویسنده محاسبه شده است .

شوشی‌ها کوتاه‌ترین و پهن‌ترین بینی را در ایران دارند و اطفال آنها



شرح عکس در صفحه روبرو





(ص ۱۳۷-۱۳۸) میگوید بین آنها ارتباط مستقیم وجود ندارد.

قد	۱۴۰۰	۱۵۷۰	۱۵۷۰	۱۶۲۰	۱۶۳۰
شاخص سر	۸۲/۷۰	۸۱/۴۶	۷۳/۳۷	۸۰/۷۶	۷۴/۷۲
قد	۱۶۵۰	۱۶۷۰	۱۶۸۰	۱۷۱۰	۱۷۴۰
شاخص سر	۷۱/۳۵	۷۶/۴۷	۷۳/۹۷	۸۸/۸۸	۸۰/۶۴

۵ رقم شاخص سر این فرد از ۷۳/۲۶ به ۷۳/۳۷ تغییر داده شده زیرا استاندارد گیری هوسی (ص ۱۳۰) نشان میدهد که رقم جدید صحیح تر است.

هوسی میگوید علت اینکه باین نتیجه میرسیم آنستکه اهالی شوش مخلوطی از سه عنصر مختلف هستند. با انتخاب افرادی که حد وسط تناسب سر آنها تقریباً ۸۰ است و قرار دادن آنها به ترتیب قد هوسی (ص ۱۳۸) يك گروه شوشی سیاهپوست با مشخصات زیر پیدا میکند.

قد	۱۴۰۰	۱۵۷۰	۱۶۲۰	۱۶۷۰	۱۷۲۰
شاخص سر	۸۳/۷۰	۸۱/۴۶	۸۰/۷۶	۷۶/۴۷	۸۰/۶۴

و میگوید: «این دفعه تناسب و انطباق مثبتی بین دو خصوصیت دیده میشود.»<sup>۱</sup>  
هوسی میگوید که افراد ایرانی اهالی شوش دارای تناسب سر در حدود ۷۳ میباشد. این افراد را نیز میتوان به ترتیب قد و شاخص سر بدین شکل نشان داد.

قد	۱۵۷۰	۱۶۳۰	۱۶۵۰	۱۶۸۰	۱۷۴۰
شاخص سر	۷۳/۳۷	۷۴/۷۲	۷۱/۳۵	۷۳/۹۷	۷۲/۲۲

بدین ترتیب دیده میشود که در میان یازده فرد جدول پنج نفر دارای خصوصیات ایرانی و پنج نفر دارای خصوصیات سیاهپوست میباشد در حالیکه تأثیر تورانی در یک فرد دارای سر کوتاه آشکار است و شاخص افقی افراد سیاهپوست را تا حدی بالا برده است.

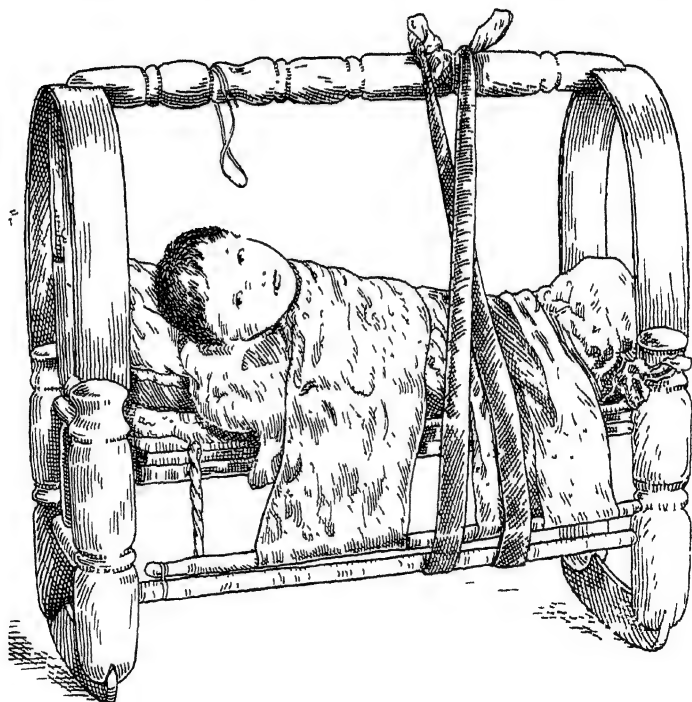
هوسی میگوید (ص ۱۴۰-۱۴۳) پنج جمجمه که تصور میرود متعلق به

۰۱ در این جدول رقم دو شاخص سر را تغییر داده ام تا با جدول میلی مطابقت داشته باشد زیرا در اینجا اشتباه مطبعه رخ داده بود در صورتیکه رقم چاپ شده ائمان نظر به را سشتر تأیید میکرد.

پارته‌ها باشد دراکتشافات شوش بدست آمد که عبارتند از جمجمه سه فرد کلان سال و دو خردسال.

جمجمه شماره ۱ - رقم شاخص سر که ۷۷/۱۹ است رقم شاخص سر سیاهپوست خالص نیست خصوصیات زیر در آن مشهود است: (الف) طرح خارجی پنج گوشه . (ب) وسط فرو رفتگی گیجگاه تعمیری دارد که تا حتماً وسط ادامه دارد و شکل دو برگه بآن میدهد .

این دو خصوصیت علامت اختلاط با نژاد سیاهپوست است . هوسی (ص ۱۴۲) اضافه میکند که این جمجمه پارتی و سیاهپوست حیلی شبیه جمجمه ژاپنی و سیاهپوست است که در کتاب کواترفاژ و حامی (لوحه xvi) از آن بحث شده است.



شکل ۷ - نوع گهواره ارمنی (مقلاد بی‌شاپ Bishop)

جمجمه شماره ۲ - برگشت از جمجمه شماره ۱ ولی ناقص . این جمجمه

بيك مرد مسن تعلق داشته . شكل آن بيضی شكل و مركب از نوك كله مرتفع و شاخص سر ۷۴/۱۷ می باشد و از روی خصوصیات آن میتوان آنرا جمجمه ایرانی دانست

جمجمه شماره ۳ - این جمجمه يك فرد جوان است كه رقم شاخص سر او ۷۷/۹۳ می باشد وضع از هم پاجیده آن اجازه اندازه گیری دیگر نمیدهد و در خود جمجمه آثار نقص مغز سر مشهود است. این نقیصه مغز سر كه در گهواره بوجود آمده هنوز در قفاز و در سوریه و در میان بختیارها وجود دارد هوسی (ص ۱۴۳) معتقد است كه این رسم وعادت از توران سرچشمه گرفته است . نقص این جمجمه را میتوان دوائر رسم وعادتی دانست كه پارتیها از توران با خود آورده اند .

### بجمجمه‌های شوش

III	II	I	
۱۴۵	۱۸۲	۱۷۱	طول سر
۱۱۳	۱۳۵	۱۳۲	عرض سر
۷۷/۹	۷۴/۲	۷۷/۲	شاخص سر
.....	.....	۱۲۲۶	ظرفیت جمجمه

در جدول فوق ارقام مربوط به شاخص سر توسط نویسنده محاسبه شده است.

هوسی نتیجه میگیرد كه ناحیه شوش در زمان قدیم توسط سیاهپوستان اشغال شده بود و اینها اجداد سیاهپوستان هندوستان بودند كه در اثر فشار مردم سفیدپوست باین نقاط كوهستانی دور دست پناه آورده بودند . این سیاهپوستان از نوع سیاهان کوتاه قد بودند .

از نظر حدجغرافیائی مردم شوش ناحیه‌ای را كه از سواحل حلیج فارس تا كوهپایه های سلسله جبال ادامه داشت تحت تصرف داشتند . مركز آنها دزفول بود كه در بیست میلی شهر شوش است.

۱۸۸۹- كندر (Conder) (ص ۳۰-۵۱) كوشش کرده است عناصر نژادی و زبانی میان نژادهای اولیه آسیای غربی را تعیین و تعریف كند . فامیل السنه تورانی آسیای مركزی شامل دلهجه‌های تركی و زبان منولی والسنه مختلف فین‌ها

و چنانکه تحقیقات جدید نشان میدهد زبان نژاد حاکمه تاتار درچین میباشد.»  
 خصوصیات جسمانی يك تاتار قرقیز و يك تاتار ازبك و دو آكادی (Akkadians) و يك خان هیتی و يك فرد كپادوچی و يك فرد اتروسكائی و يك زن مقایسه شده است (رجوع شود به نشریه مؤسسه مردم شناسی بریتانیا - مجلد ۱۹، لوحه ۱۸).  
 ۱۸۹۱ - ایزابلا بیسپ (Isabella L. Bishop) که شرح جالب توجهی از مسافرت خود در ایران و کردستان نوشته بختیارها را چنین توصیف میکند (جلد اول - ص ۳۱۶): «زیبایی این زنان بسبك مگك مرلیس (Meg Merrilees) است که تا حدی مرموز و عجیب است. چشمان درشت و دراز سیاه و ابروان مشخص که مصنوعاً دراز شده و بینی صاف برجسته و دهان گشاد و لبان بازك و چانه دراز صاف و گیسوان انبوه سیاه که ازدوسوی صورت ریخته داشتند.»

درجای دیگر می گویند (جلد اول - ص ۳۸-۳۹) «اگر چه بعضی از دختران ارامنه زیبا هستند همه دارای يك یا چند فرورفتگی که شبیه جای زخم است در صورت خود دارند که باندازه هسته خرما است. این نقص تقریباً در همه افراد جمعیت وجود دارد. این علامت در بین دختران سفیدروی ارامنه بقدری عمومیت دارد که نه تنها عیب و نقص بشمار نمآید بلکه وجود آن يك نوع زیبایی محسوب میشود و گفته میشود که هیچ جوانی دختری را خواستگاری نمیکند مگر آنکه این علامت در صورت وی وجود داشته باشد.»

و این جای سالك که معمولاً (خوش خرما) یا (جوش بغداد) نامیده میشود محدود باهالی بومی نیست و اروپائیان از آن مصون نیستند و کمتر کسی در طی اقامت خود بآن مبتلا نمیشود. چون علت این زخم را پیدا نکرده اند علاجی برای آن نیز نیافته اند. معالجات مختلف که شامل داغ کردن و سوزاندن باشد مورد آزمایش قرار گرفته است ولی هیچکدام سودمند واقع نشده است و اکنون تصور میشود عاقلانه ترین راه آن است که هیچگونه مداوا نشود و زخم بحال خود باقی مانده و فقط تمیز نگاهداشته شود تا سیر طبیعی خود را که در حدود یکسال است کرده و از بین برود. خوشبختانه زخم سالك برخلاف زخم وجوش معمولی دردناك نیست.

این مرض در وهله اول بصورت يك نقطه سفید که باندازه سر سوزن است آشکار میشود و مدت سه ماه بهمین اندازه باقی میماند. بعد گوشت باد میکند و

قرمز وسخت میشود وچرك ميكند ودر زیر قشر سختی بوجود میآید که بتدریج میپوسد واذین میرود . درمورد بعضی خارجیها این زخم چند روز بعد ازورود ظاهر میشود. «مقایسه شود باشرح شلیمر Schlummer ص ۸۱ - ۹۲ و منس - ( . Mense

۱۸۹۲ - ازدو کتاب مهم کرزن در باره ایران مطالب مربوط بموضوع نقل ودر زیر آورده شده است . بطور کلی مطالب کرزن جنبه جغرافیائی دارد و اول ازملاحظات وی درباره اطلاعات آماری درباره جمعیت ایران شروع کرده و سپس قطعاتی درباره نواحی شمال غربی و غرب و جنوب غرب و جنوب و جنوب شرقی و شمال شرقی و شمال به ترتیب نقل شده است . اظهار نظری در باره قوم یهود در صفحه ۲۸۹ - ۲۹۰ کتاب مورد استفاده قرار گرفته است .

کرزن (چاپ ۱۸۹۲ A - جلد دوم ص ۴۹۲ - ۴۹۴) ارقام مربوط به جمعیت ایران را با اظهار نظر زیر آغاز میکند : « نه ممیزی برای مالیات... و نه صورت افراد جهت خدمت نظام هیچکدام اساس محاسبه نمیتواند قرار گیرد زیرا در هر حال بیش و کم از روی حدس و گمان است . در تخمینی که من اخیراً دیده ام باندازه تخمین های سابق با هم اختلاف دارند . یکی از آنها را ژنرال شیندلر General Schindler تهیه کرده است و هیچکس بهتر از او شایستگی و صلاحیت این کار را ندارد زیرا کمتر کسی باندازه او با مملکت ایران در سال ۱۸۸۴ آشنائی و اطلاع داشته است .

میل مربع

\*۶۲۸/۰۰۰

مساحت تقریبی ایران

نفر	فامیل	شهرها (۹۹) شامل دهکده ها و بخش ها
۱۹۶۳۰۰۰	۳۶۳۶۳۰	ایلات و عشایر
۳۷۸۰۰۰۰	۵۲۰۲۰	اعراب
	۱۴۴۰۰۰	ترکها
	۱۳۵۰۰۰	کردها و لکها

ارقام تخمینی دیگر (چاپ A ۱۸۹۲ - جلد ۲) عبارتند از ۶۱۰۰۰۰ و ۶۳۶۰۰۰۰ و ۶۶۰۰۰۰۰ میل مربع .

۴۱۴۰	بلوچی و کولی
۴۶۸۰۰	بختیاری و لر
۳۸۱۹۶۰	جمع
۱۹۰۹۸۰۰	جمع کل جمعیت ایران
۷۶۵۳۶۰۰	این تعداد را کززن برحسب مذهب بطریق زیر تقسیم بندی میکند :
۶۸۶۰۶۰۰	شیعه
۷۰۰۰۰۰	سنی و فرق دیگر اسلام
۸۰۰۰	پارسی و زردشتی
۱۹۰۰۰	یهودی
۴۳۰۰۰	ارمنی
۲۳۰۰۰	نسطوری و کلدانی
۷۶۵۳۶۰۰	جمع

د واضح است که ارقام فوق از جهات بسیار حدس و گمان بیش نیست و تجربه خود من می‌رساند که جمعیت چندین شهر در جدول شیندلر<sup>۱</sup> زیادتر از جمعیت حقیقی و ارقام جدول دوم یعنی ارقام مربوط به یهودیها و نسطوریها و کلدانیها کمتر از تعداد حقیقی است. در هر حال اگر رقم کل جمعیت را نزدیکترین رقم به حقیقت تصور کنیم و بآن  $\frac{۳}{۴}$  درصد یعنی افزایش سالیانه سالهای بعد را که از قحطی و جنگ دور بودند

بیافزاییم جمعیت ایران در سال ۱۸۹۱ به ۸۰۵۵۵۰۰ میرسد .

د از طرف دیگر ذلوتارف Zolotaref در گزارش انجمن جغرافیائی روسیه مورخ ۱۸۸۸ ( شماره ۲ - ص . ۱۲ ) رقم کمتری ذکر می‌کند و جمعیت کلی ایران را بطریق ذیل تخمین می‌زند :

۳،۰۰۰،۰۰۰	ایرانی
۱،۰۰۰،۰۰۰	ترک و تاتار

۱ . کرزن ( ۱۸۹۲A ) جلد دوم - ص ۴۹۳ ) این جدول را از ده گزارش

بازرگانی وزارت خارجه ، شماره ۷ مورخ ۱۸۸۵ نقل کرده است .

۷۸۰,۰۰۰	لر
۶۰۰,۰۰۰	کرد
۳۰۰,۰۰۰	عرب
۳۲۰,۰۰۰	ترکمن و جمشیدی و غیره
۶,۰۰۰,۰۰۰	جمع کل

د این ارقام چه از حیث جمع و چه از حیث ترکیب بقدری با ارقام ژنرال شیندلر فرق دارد که نشان می‌دهد تخمین جمعیت ایران با اطلاعات موجود تا چه حد مشکل و غیر قابل اعتماد است. نظر خود من که چون اغلب نقاط پر جمعیت را بازدید نکرده‌ام یا تردید و عدم اطمینان ذکر می‌شود اینست که شیندلر و زلوتارف هر دو اشتباه کرده و جمعیت ایران را کمتر از آنچه هست تخمین زده‌اند. اشتباه شیندلر کمتر و اشتباه زلوتارف زیادتر است. جاده‌های مشخص ایران که محل عبور سیاحان است شهرهای عمده را بهم وصل میکند ولی از بسیاری از نواحی حاصلخیز نمی‌گذرد و بعلت وحشت و هراس از عبور لشکرها حتی ترس از سر راه بودن پادشاه یا حکمرانان مردم از زندگی نزدیک جاده احتراز کرده و حتی المقدور خود را از آن دور نگاهداشته‌اند. درممالک مترقی عکس این عمل مشاهده میشود و جاده‌های اصلی از نقاط پر جمعیت عبور میکند. \*

کرزن (۱۸۹۲a - جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۰) جمعیت را به عناصر متشکله تقسیم کرده میگوید: «قبائل ایران ۱ بطور تقریب قابل تقسیم به چهار طبقه میباشد که عبارتند از ترک (یعنی از نواد ترک و ترکمن و تاتار و نباید با اشخاصی که از ترکان عثمانی هستند اشتباه شود) - عرب - بلوچی - و یک طبقه بزرگ بی نام که گاهی از طرف کسانی که اصل ایرانی خود را حفظ کرده‌اند لك خوانده شده‌اند و

۱. از معدودی از نویسندگان که درباره قبائل ایران اظهار نظر کرده‌اند کرزن (۱۸۹۲a جلد ۲ - ص ۲۶۹) از اشخاص زیر نام میبرد و شرح آنها را رضایت بخش نمیداند: تاریخ سر جان ملکم (۱۸۰۰ - ۱۸۱۰) جلد ۲ - فصل ۱۳ - سفر بایران بقلم دوپره (۱۸۰۸) Dupré - شرح موریه در نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی جلد ۷ ص ۲۳۰-۲۴۲ شرح بقلم ریتزر Ritter (۱۸۳۸ - ۱۸۴۰) - جلد ۶ - یادداشت به لیدی شیل بقلم سرح. شیل - خاطرات کنت روزه شوار (۱۸۶۵) فصل ۴ و کتاب اسپیکل جلد ۱۰ شرح ریتزر همه کاملتر و بیشتر با وضع حقیقی منطبق است.

معمولاً با سامی عناصر متشکله خود نامیده میشوند که عمده ترین آنها عبارتند از کرد و لر که قبائل فیلی و بختیاری و ممسنی از تقسیمات و عناصر گروه لر میباشند . همه این قبائل کم و بیش شامل جمعیت شهر نشین و اسکان یافته میباشند . که در مورد ترکها شامل اکثریت عمده و در مورد اعراب و بلوچها شامل اکثریت معین و در مورد کردها و لرها شامل اقلیت معینی است . مردم اسکان یافته شهر نشین یا ده نشین و مردم بدوی صحرا نشین نامیده میشوند همه مردم صحرا نشین را میتوان بنام ایلات خواند . این کلمه ترکی و جمع ایل بمعنی فامیل یا قبیله است از همه جمعیت ایران چنین حدس زده میشود که ربع آن یا متجاوز از ۲ میلیون در حال صحرائنشینی هستند . « در مورد این قسمت از جمعیت کرزن در یادداشت این صفحه مینویسد : « تخمین علمی تعداد جمعیت بادیه نشین غیر ممکن است . هیچگونه آماریانیت موالد وجود ندارد و سهمیه قبیله به قشون را نمیتوان راهنما محسوب داشت و محاسبه تقریبی فقط از تعداد فامیل و خانوار بعمل میآید و این تعداد از طرف رئیس قبیله بمنظور جمع آوری درآمد معین میشود . تحقیق در تاریخ گذشته آنها نیز بهمان اندازه مشکل است . ظاهراً قبائل بادیه نشین هرگز کتابی بوجود نیآورده و مورخی در بین آنها پیدا نشده و اغلب دارای فلکلور نیستند . جزئیات تاریخی که در این فصل فراهم شده بزحمت زیاد از منابع مختلف که بعضی نوشته و برخی شفاهی است جمع آوری شده است . »

کرزن (۱۸۹۲a - جلد ۲ - ص ۲۷۰) میگوید : « در میان قبائل ترک ایران که بیشتر در شمال و شمال غربی کشور سکنی دارند از همه معروفتر قبیله قاجار است (که شاه از آن قبیله است) و قبائل افشار (که نادر شاه از آنان بود) و قره گوزلو همدان و شاهسون اردبیل (که افراد گارد سلطنتی از آنها تشکیل یافته است) و قبائل ترکمن گرگان و دره های اترک و قبائل قشقائی ساکن فارس و لرستان . از بین این قبائل سه قبیله آخری طرز زندگی بادیه نشینی را حفظ کرده و طبق اقتضای فصل محل سکونت خود را تغییر و بیلاق و قشلاق میکنند . » در بحث درباره نواحی جغرافیائی اول اطلاعات کرزن (۱۸۹۲a) جلد اول - ص ۵۴۹ - ۵۵۱ را در مورد ناحیه شمال غربی ایران و ساکنین آن نقل میکنیم : « کردستان ۱ .... اصطلاح مناسب جغرافیائی است که به کلیه ناحیه کرد



نشین که در حدود ۵۰ هزار میل مربع است اطلاق می شود. این ناحیه دارای مرز طبیعی و سیاسی نیست و شامل نواحی واقع در ترکیه و ایران می باشد و در بین ساکنین آن عناصر دیگر از قبیل ترك و ایرانی و کلدانی و ارمنی نیز وجود دارد. بطور کلی حدود آنرا می توان از ارمنستان ترکیه در شمال تا دشت دجله وسطی و کوه های لرستان در جنوب دانست و قسمت عمده این ناحیه با اراضی مرزی ایران منطبق است.

مسئله اصل و منشاء کردها بقدری پیچیده و نامعین است که در اینجا بطور تفصیل نمیتوان آنرا مورد بحث قرارداد. اینکه کردها از نژاد ایرانی یا تورانی یا از اولاد مدیها یا پارتها هستند و یا اینکه از قبایل گارد و یا گورد و یا گوتو میباشند که در زمان بزرگی هیتی ها و آکادیها جبال شمال آسور را تحت تسلط داشتند و بعد از سقوط نینوا در اثر مهاجرت قوم آریایی تحت نفوذ آنان قرار گرفته و تا حدی آریایی شدند همه مسأله ای است که تا بحال بطور قطع حل نشده است... میتوان برای اقوام کرد قدمت قابل ملاحظه ای قائل شد اگر آنها را با کاردوچی های گزنون (احتمال میرود که همان کورد راها Kudraha کتیبه های میخی باشد) یکسان بدانیم و اینها همان کسانی بودند که در این ناحیه مزاحم برگشت ده هزار نفر میشدند. وقتی محل و خصوصیات و نام آنها را در نظر بگیریم این دو قوم با هم انطباق پیدا میکنند... با اینکه اینها جزو امپراطوری های متوالی این ناحیه مانند مقدونیها و رومیها و پارتیها و تاتارها و ایرانیان و ترکان بودند هیچوقت در بین این امپراطوری ها مستهلك نشده و همیشه خاری در پهلوی هر سلطان و هر حکومت بودند. طبق گفته بوالفدا صلاح - الدین ایوبی که با صلیبیون مبارزه کرد از نژاد کرد بود. ادریسی مورخ نیز کرد بود و او کسی بود که وقتی سلطان سلیم اول این ناحیه را از ید تصرف شاه اسمعیل اولین پادشاه سلسله صفویه در ایران در سال ۱۵۱۴ خارج کرد او را مأمور کرد این ناحیه را اداره کند و هموطنان خود را تحت اطاعت سلطان در آورد.

۱. کردستان ناحیه ایست در مغرب آسیا که قسمت عمده آن در ترکیه و بقیه آن در قسمت شمال و شمال شرقی عراق و شمال غربی ایران واقع شده است. عرض جغرافیائی آن عبارتست از ۳۵ - ۴۰ درجه شمالی و طول جغرافیائی آن عبارتست از ۳۸ - ۴۷ درجه شرقی و مساحت آن ۷۴۰۰۰ میل مربع و جمعیت آن ۲ میلیون و نیم میباشد. پایتخت کردستان ایران سنه و جمعیت آن دوست هزار نفر است.

متجاوز از يك قرن بعد در سال ۱۶۳۹ میلادی بموجب عهد نامه بین سلطان مراد چهارم عثمانی و شاه صفی پادشاه ایران خط مرزی بین دو مملکت تعیین گردید که تاکنون تقریباً بهمان طرز باقیمانده است و از این تاریخ است که قبائل کرد وفاداری دو گانه و مجزا از خود نشان میدهند. از آن زمان ببعد تاریخ کردها در دو طرف مرز روشن نیست . . . احساسات قبیله در بین آنها همیشه قوی بود و بعلمت عدم مداخله حکومت مرکزی که بیشتر ناشی از ترس از کردها بود رؤسای قبیله اغلب موقعیتی پیدا میکردند که کمتر از استقلال و حکومت مستبده نبود. در حدود شصت سال قبل یعنی از ۱۸۳۴ ترکان عثمانی تحت هدایت رشید محمد پاشا سعی کردند این سیستم حکومت نیمه مستقل کردها را از بین ببرند و کردستان عثمانی را بصورت يك ولایت تحت نظر والی درآوردند. در ضمن در کردستان ایران که بعلمت قلت تعداد مسئله کوچکتر و بآن وخامت نبود سلسله قاجاریه بخصوص پادشاه فعلی سیاست معمولی قاجاریه را تعقیب میکنند که عبارت باشد از قطع پیوستگی و اتحاد طبقات حاکمه قبائل خطرناک و استقرار قدرت حکومت مرکزی طهران. بنابراین در حال حاضر کردها اگر چه هنوز طغیان و سرکشی میکنند ولی در هر دو ناحیه بیش از هر دوره دیگر تاریخ خود تحت انضباط درآمدند.

کرزن (۱۸۹۲۵ — جلد اول — ص ۵۵۴ — ۵۵۵) می افزاید: «تعداد افراد کرد تحت فرمان حکومت عثمانی بین يك تا يك میلیون و نیم تخمین زده میشود. تعداد کردهای ایران (بغیر از آنهایی که در خراسان اسکان یافته اند) از این قرار است :

کردهای مرزی و کردهای آذربایجان	۲۵۰۰۰۰
کردهای ایالت کردستان یعنی سنه و اردلان	۱۲۰۰۰۰
کردهای کرمانشاه	۲۳۰۰۰۰

جمع کل ۶۰۰۰۰۰

و از طرف دیگر سرهنگ استوارت در آخرین گزارش خود در سال ۱۸۹۰ تعداد کردهای آذربایجان را ۴۵۰۰۰۰ نفر ذکر میکند . . . ولی در ایران هیچیک از ارقام و محاسبه ها را با اعتماد نمیتوان قبول کرد. در هر حال جدول فوق از این جهت قابل استفاده است که طبقه بندی کردهای ایران را نسبتاً بطور

صحیح نشان میدهد .

کربزن در توصیف کردها میگوید (۱۸۹۲a) - جلد اول ص - ۵۵۳ : و آنها چشم سیاه و موی مشکی و رنگ تیره و عبوس متکبرانیه (که از خصوصیات افغانها نیز میباشد) دارند که معمولا با و باش نسبت داده میشود و سیاحان و مسافران بر حسب نظر خود که در اثر خوش رفتاری یا ترس ناشی شده آنها را خوش قیافه یا زشت و مهیب جلوه گر ساخته اند .

در باره کردهای آذربایجان و قبایل بدوی مرزی آخرین ارقامی که دریافت کرده ام از قرار ذیل است (۱۸۹۲a) جلد اول ص ۵۵۵ - ۵۵۷ : تعداد چادریا خانوار

شکاک - نیمه ترك و نیمه ایرانی . . سنی از قرقه شافعی ۱۵۰۰

هرکی - تابستان بایران میآیند و زمستان بدشت موصل میروند ۲۰۰۰

اورامر - بعضی از آنها در فصل تابستان از مرز ایران میگذرند . . . .

قره پاپک - ده نشینان دشت سلدوز و پیراندوز - شیعه ۳۰۰۰

مکری - مشرق و شمال شرقی ساوجبلاغ - سنی و ده نشین ۲۰۰۰

منکوری - جنوب ساوجبلاغ - سنی و ده نشین ۵۰۰۰

مامش - در ناحیه لاهیجان - مغرب و جنوب ساوجبلاغ - سنی و ده نشین ۳۰۰۰

ززا - در کوهستان شمال غربی اشنو - سنی ۱۰۰۰

چیدرانلو - قبیله پزرگ نزدیک مرز خوی . . .

ساوجبلاغ که جمعیت آن ۱۵۰۰۰ نفر است پایتخت محلی کردهای

آذربایجان میباشد بین ایالت آذربایجان و ایالت کرمانشاه شهرستان اردلان یا کردستان ایران واقع است، که محل سکونت کردهای غیر مهاجر می باشد. پایتخت آن سنه در دره باز و حاصلخیز واقع است. فقط در دوره سلطنت پادشاه قلی است که این ایالت کاملا تحت اقتیاد دولت مرکزی درآمده است . این ایالت قرنهای تحت فرمان رؤسای گوران از خانواده بنی اردلان بود که خود را از نواده های صلاح الدین دانسته و عنوان والی اردلان اختیار کرده بودند .

وقتی ریچ Rcih در ۱۸۲۰ از این ناحیه دیدن کرد والی را کاملا مستقل

از تهران یافت و ایالت خود را مانند يك کشور مستقل اداره میکرد . پس از مرگ آخرین اولاد ذکور در حدود سی سال قبل پادشاه سایر اقوام ذکور را از ارث محروم کرد و با تعیین عموی خود بحکومت آن ناحیه حاکمیت خود را بر آن

## اشارات تاریخی درباره مردم ایران- ۹۵

مسلم گردانید. جدول زیر صورت کردهای اردلان است که برای من فرستاده شده است ولی من صحت آنرا نمیتوانم تأیید کنم .

کردها	محل	تعداد خانوار یا چادر
کلهر	سغز	۳۰۰
تیلاکو	هواتو	۶۰۰
گلباکو	هواتو	۵۰۰
شیخ اسمعیل*	اسفندآباد	۳۰۰
پورپیشاه*	اسفندآباد	۳۰۰
مندامی	حسن آباد	۵۰۰
مامون - جیراچی	بلاور	۳۰۰
گوشکی	پلاور	۴۰۰
گورگای	لیلاق	۳۰۰
لک	لیلاق	۱۰۰۰
شمشیری*	در مرز	۴۰۰

\*قبائلی که در فصل زمستان برای قشلاق بخاک ترکیه میروند.

و آخر از همه کردهای کرمانشاه هستند که پایتخت آن کرمانشاهان است.

از این ناحیه و از پایتخت آن .... راه کاروان روبین طهران و بغداد میگذرد... این ایالت از سمت مغرب مجاور خاک ترکیه و از سمت جنوب هم مرز ایالت لرستان است و میتوان آنرا حد واسط بین ایران شمالی و جنوبی محسوب داشت . قبائل کرد کرمانشاه از اینقرارند :

خانوار یا چادر

کلهر\* - نیمه ده نشین و نیمه بدوی ( ییلاق تابستانی آنها کوههای سمت شمال غربی پشت کوه و قشلاق آنها دشت زهاب و قصر شیرین تا مرز ترکیه است. باقوال مختلف اینها علی الهی و شیعه هستند . ۵۰۰۰

\* رالینسون از قیافه و شکل صورت آنها که شبیه به یهودیها است تصور کرد که اینها باید از اولاد اسرای سامری باشند که در شهر آسوری کلهر هاله ( سر پل زهب) قرار داده شدند .

سامی؟ هر سه نظریه مورد بحث قرار گرفته است بنظر میرسد که از لحاظ مردم‌شناسی از گروه نژادی کردها که همسایه شمالی آنها هستند باشند و بزبان آنان که یکی از لهجه های فارسی است با زبان کردها فرقی زیادی ندارد<sup>۱</sup> از طرف دیگر خود آنها کرد بودن را توهین بخود میدانند و کردها را لك می‌نامند. اغلب نویسندگان بر این قول متفقند که لرها از ایرانیان قدیم و از نژاد آریان هستند که قبل از عرب و ترک و تاتار در این محل سکنی داشتند. رالینسون میگوید زبان آنها از فارسی قدیم آمده است که هم زمان با زبان پهلوی دوره ساسانی است ولی از آن مشخص است. اگرچه این اظهار عقیده را بعنوان نظریه محتمل ممکن است قبول کنیم..... مجبور نیستیم رابطه تصویری بختیاری را با باختر (باکتریا) که بعضی نویسندگان<sup>۲</sup> پیشنهاد کرده‌اند تأیید نمائیم. همینقدر کافی است بساور کنیم که از نژاد آریان هستند و بدانیم که قرن‌ها است در همین کوهستان و ناحیه کوهستانی سکنی دارند. کلمه فیلی بمعنی یاغی آمده است و لغت لور در بین ایرانیان دوره معاصر مترادف با دهاتی و بی‌تربیت است.

لر کوچک یا لرستان کوچک شامل ناحیه ایست بین دزفول در جنوب و کرمانشاه در شمال و بین آب دز در مشرق و مرز ترکیه در مغرب. این ناحیه بدو قسمت تقسیم شده که پیش کوه پشت کوه نامیده میشود و خط تقسیم آن ناحیه سلسله جبال زاگرس است که در محل کبیر کوه خوانده میشود. تا پیدایش سلسله فاجاریه بین این دو قسمت از لحاظ سیاسی فرقی وجود نداشت ولی آقا محمد خان قاجار پیش کوه را از والی لرستان گرفت و والی از آن زمان ببعد مجبور شد بداشتن پشت کوه اکتفا کند. بهمین جهت است که نام فیلی که سابقاً بهمه ناحیه لر کوچک اطلاق میشد اکنون محدود به ناحیه پشت کوه شده و فیلی‌های اصلی کسانی هستند که قسمت عمده ساکنین این ناحیه را تشکیل میدهند. پیش کوه که قسمت شرقی ایالت لرستان را تشکیل میدهد محدود است به کرمانشاه در شمال و آب دیز و

۱. ریچ Rich (جلد اول ص ۱۳۰) اظهار میدارد که بختیارپها کردها هستند.

۲. بعضی تا آن حد رفته اند که از روی این شباهت میگویند بختیارپها از اولاد یکی از کلنی‌های یونانی هستند که اسکندر در آسیا باقی گذاشت و این نظر به‌را با دلیل دیگری که شباهت بین رقص‌های ملی یونانی و بختیاری موجود است تأیید میکنند. »

بختیاری در مشرق و جنوب ورود کرخه در مغرب . این ناحیه هم از لحاظ تشکیلات سیاسی و هم از حیث خصوصیات مردم با پشت کوه فرق دارد .<sup>۲</sup>

کرزن ( ۱۸۹۲۵ جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲ ) سپس بشرح دشت ساحلی و جمعیت عرب آن میپردازد و میگوید : « عنوان اداری عربستان (خوزستان) که معنی تحت اللفظی آن سرزمین سرگردان است بناحیه اطلاق میشود که وسیعتر از دشت های آن است و عده زیادی از بختیارها تحت نظر حاکم خوزستان قرار میگیرند . مقر اقامت رسمی حاکم شوشتر است . مع هذا نام این ایالت بطور صحیح سطوح رسوبی بین نواحی کوهستانی و دریا را شرح میدهد و آن شامل دشتهای دزفول و شوشتر و حویزه و رامهرمز میباشد . حدود آنرا میتوان خطی از رود کرخه تا محصره در مغرب و کوههای بختیاری در شمال و شط العرب و خلیج فارس در جنوب و رود هندیان در مشرق دانست ؛ این ایالت با اعلام باستان و سوزیانا قدیم و خوزستان جدید یکسان است . ظاهراً نام اخیر فعلاً زیاد بکار برده نمیشود »<sup>۱</sup>

« جمعیت این ناحیه یا عرب خالص هستند یا بیشتر مخلوطی از نژاد ایرانی و عرب میباشند . مردم عرب نژاد پس از تسخیر ایران در ۶۴۱ میلادی شروع به آمدن باین ناحیه کردند و از آن زمان بعد مهاجرت از آن سوی دجله و خلیج فارس همیشه ادامه داشته است ؛ علاوه گفته شده است که شاه اسمعیل عده زیادی عرب را از ناحیه نجد برای سکونت در این ناحیه وارد کرد ....

« در بین اقوام عرب مهمترین اعراب کعب (یا شعب) هستند که در اصل هفتاد و دو قبیله بودند . قسمت عمده آنها مرده یا ناپدید شده اند ولی این قوم در عربستان هنوز از لحاظ تعداد از همه بیشترند . لایارد در ۱۸۴۱ جدولی از تقسیمات و طبقه بندی قبایل مختلف آن داده که بسیاری از آنها اکنون شناخته نمیشوند . اینجانب اسامی قبایل عرب این ایالت را از صورتی که رابرتسون کنسول انگلیس در بصره تهیه کرده بود اقتباس کرده و در زیر بنظر خوانندگان میرساند و اینها تنها از اعراب کعب

۱ . « کلمه خوزستان را بعضی مشتق از اوaja (Uwaja) می دانند که معنی آن سکنه بومی است و این کلمه در کتیبه های میخی ظاهر میشود و شاید منشاء کلمه اوخی Uxii باشد که در استرابو پلینی ذکر شده است . از طرف دیگر مورتن Mordtmann خوزستان را مشتق از کلمه فارسی که معنی آن نیشکر است میداند »

که هنوز تعداد آنها متجاوز از ۵۰۰ نفر است نیستند. این قبائل عبارتند از :  
 البوقبیش - عساکره - خنافره - باویه - بیت‌الحاج - بنی رشید - بنی صالح -  
 بنی طرف - حمودی - حمید - کندزلی - جرف - کثیر - معاسن - نمیسبه -  
 نصاره - شرافت - شرفا - سواری - سودان - سلیمان . تعداد قبائل کوچکتر  
 خیلی زیاد است . در مرز شرقی ایالت قبائل دیگر عرب هستند که در صورت بالانام  
 آنها نیامده است از جمله منتفق حویزه و ... بنی لام . قسمت عمده آنها مخصوصاً  
 قبیله بنی لام در خاک ترکیه هستند و از اینها دیگر سخنی نخواهد رفت . قبائل  
 عرب و نیمه عرب در این ایالت را بین ۱۷۰ هزار و دو یست هزار نفر تخمین زده‌اند  
 و عدد اخیر مشکل است از :

۶۲،۰۰۰

اعراب کعب

مخلوط ایرانی و عرب

۲۷،۰۰۰

رامهرمز

۱۱،۰۰۰۰

شوشتر و دزفول و حویزه

۱۹۹،۰۰۰

جمع کل

«تاریخ اعراب کعب که شبیه تاریخ اغلب همسایگان آنها است از این قرار  
 است گفته شده است که در اصل از ساحل عربی خلیج فارس به باطلاقهای نزدیک  
 النقای دجله و فرات مهاجرت کرده و به تبعیت ترکیه درآمدند و پشگل گاو میش  
 چرانی اشتغال داشتند تا اینکه در اثر خشکسالی یادر اثر فشار یک قبیله دیگر  
 عرب بطرف جنوب مهاجرت کرده و درباریکه از کارون که کبان یا گبان نامیدند  
 استقرار یافتند و از آنجا بسمت مشرق بطرف رود جراحی شتافتند و در آنجا با  
 قبیله افشار که مرکز آنها در دراک کنار آن رودخانه بود تصادم کردند . « کرزن  
 (۱۸۹۲۸ جلد ۲ ص ۳۲۷ - ۳۲۸) ادامه داده می گوید : « اعراب کعب کلیه  
 ناحیه بین محمره و رود کارون بسوی مشرق تارودهندیان که متجاوز از یکصد میل

۱ - رجوع شود به مسافرت به عربستان تألیف نیبور (Niebuhr) جلد ۲ - ص

۱۶۰ - مقاله لایارد در نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی - جلد ۱۶ ص ۳۶ - ۴۵

مقاله رالینسون در نشریه انجمن پادشاهی جغرافیای جلد ۲۷ ص ۱۸۵ - و شرح

هیئت اکتشافی فرات بقلم اینزورث Ainsworth جلد ۲ ص ۲۰۷ - ۲۱۸ و شرح

مسافرت بارون دوبد جلد ۲ ص ۱۱۰ - ۱۲۰

است در اشغال دارند. ثروت طبیعی این ناحیه بسیار زیاد است... در اثر اقامت طولانی در خاک ایران اعراب کعب بسیاری از خصوصیات ملی خود را ازدست داده اند و با ایرانیان ازدواج کرده و مذهب شیعه و طرز لباس ایرانی را اقتباس کرده اند...

در میان سایر قبایل عرب فقط قبیله منتفق حویزه که در منتهی الیه جنوب غربی مرز ایران ساکنند مشاهده کردم. بنظر میرسد که این قبیله در سال ۱۸۱۲ از خاک ترکیه باین محل مهاجرت کرده و آن عده از افراد قبیله کعب را که ساکن این ناحیه بودند از آنجا راندند.

زمانی حویزه محل مهمی بود و جمعیت آن در موقعیکه پایتخت والی عربستان بود به ۲۴ هزار نفر میرسید... در سال ۱۸۳۲ سد عمده رود کرخه شکست و آب رود کرخه در باطلایهای بی مصرف بهدر رفت و حویزه از یک شهر بزرگ به ده کوچکی تقلیل یافت. هنوز شیخی از فامیل حاکمه سابق بر آن حکومت میکند و طبق قدرت یا ضعفی که از خود نشان میدهد وفاداری تعداد زیاد یاکمی از قبایل را بخود جلب میکند. اکثریت مردم سنی هستند و چون ناحیه مسکونی آنها را با طلاق احاطه کرده از تعرض دیگران نسبتاً در امان هستند.

بختیارها در ناحیه مجاور سکنی دارند و کرزن (۱۸۹۲ا جلد ۲ ص ۳۰۰) درباره آنها مینویسد: «بختیارها از لحاظ قیافه و لباس یکسانند و رنگ تیره، رنگ مشخص آنها است. موی سر آنها سیاه است و پشت هر گوش یکدسته موی نبوده مجعد وجود دارد. ابروان آنها پر پشت و سیاه و زیر آن چشمان درخشان دیده میشود. ریش و سیل آنها سیاه و روی سر کلاه کوچک گرد بسر دارند. مردها کت سیاه و زنان لباس نیلی بتن دارند. مردها ظاهر قوی و عضلانی و رفتار مردانه دارند... زنها بلند و باریک و تیره رنگ هستند... متأسفانه در میان قبایل بدوی نظافت کمتر دیده میشود و نتیجه آن امراض پوست و چشم است که در میان آنها فراوان است. تشعشع شدید آفتاب که از کوه و شن منعکس میشود و عدم حفاظت چشم که از کلاه بی لبه ناشی میشود بر شدت امراض چشم می افزاید (مقایسه شود با شرح بی شاپ).

در ایالت باستانی فارس در ناحیه جنوب و مشرق ناحیه بختیاری مردمانی ساکنند که کرزن (۱۸۹۲ا ص ۱۰۳) میگوید «به حالت منشاء خود و درستی و



پاکی زبان وزیر کی خود افتخار میکنند. بدون شك در اینجا با نومی از ایرانیان که کمتر از سایر جاها نژاد مختلط هستند برخورد میکنیم و این مطلب از چهره تیره و قیافه مشخص تر آنها آشکاراست و موی قهوه‌ای یا چشم آبی مردم ایالت شمالی در جنوب بندرت دیده میشود.»

قبائل کوچنده فارس و لرستان بعقیده کرزن ( ۱۸۹۲۵ جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴) «بدو طبقه عمده تقسیم میشوند که عبارتند از لرهای ترك و عرب. قبیله عمده ترك، قشقایی است. من آنها را ترك نامیده‌ام زیرا از نژاد ترك هستند و روایت بر اینست که از اولاد کسانی میباشد که هولاکوخان از قفقاز باین ناحیه کوچ داده‌است و همچنین آنها را لر خوانده‌ام زیرا آنها را از فامیل لر دانسته‌اند و از لحاظ رفتار و ادب و رسوم با بختیارها و کوهگلوها فرق زیادی ندارند. قشقایی‌ها در کوچ دو گانه خود مسافت زیادی طی میکنند. در فصل زمستان در قشلاق خود هستند که گرمسیر یا ناحیه گرم ساحلی است موسوم به دشتان و لرستان و همینکه بهار نزدیک میشود بسمت شمال یا بیلاق خود که نواحی کوهستانی باشد حرکت میکنند»

«این قبایل مانند آنهاست که بعدا شرح خواهم داد تحت فرمان رؤسا و خوانینی هستند که از فامیل حاکمه می‌آیند. مقام حاکمه آنها عبارتست از ایلخانی و ایلبگی ...»

«قشقاییها زمانی از لحاظ تعداد کثیر و قدرت زیاد داشتند ولی در اواخر قحطی سالهای ۱۸۷۱-۱۸۷۲ از تعداد آنها بطور قابل ملاحظه کاسته شد و نیز هر سال عمده زیادی از آنان زندگی باده نشینی را ترك کرده و اسکان می‌یابند. علل دیگر انحطاط این قبیله در نامه که بمن نوشته شده بطریق زیر شرح داده شده است:

«همه قبائل قشقایی اکنون تحت ایلبگی داراب خان میباشند. بیست سال پیش تعداد خانوار این قبائل متجاوز از ۶۰ هزار بود و همه تحت فرمان

۱. منابع موقوع مربوط به قبائل قشقایی عبارتند از: دیت ابوت Keith Abbott

(نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی جلد ۲۷) و دو بده De Bode

(سیاحتنامه - جلد اول ص ۲۵۶) و استاک F. Stack

(ششماه در میان ایرانیان - جلد اول فصل ۵ و ۶) و اندریاس F.C. Andreas

استاک اشتباه نام آنها را مشتق از کلمه قشماق ترکی بمعنی فرار کردن میداند.

محمد قلی خان پدر ایلخان فعلی بودند.

در آن زمان میتوانستند ۱۲۰ هزار اسب بمیدان بیاورند ولی بعد از مرگ داراب خان اداره امور بدست خانهای کوچکتر افتاد و نفاق و جدایی بین آنها بوجود آمد. در نتیجه در حدود ۵ هزار خانوار به بختیاریها و در حدود همین عده به ایلات خمره ملحق شدند و در حدود ۴ هزار خانوار خود را در دهات مختلف پخش کردند. باین جهت تعداد خانواده های قشقایی به ۲۵ هزار یعنی تعداد فعلی تقلیل یافت. باید اضافه کنم که این تعداد تقلیل یافته نیز مورد قبول من نیست و مطابق آخرین اطلاعاتی که دارم حتی تردید است بر اینکه تعداد افراد قبیله بیش از ۱۰ تا ۱۲ هزار چادر باشد...

جدول زیر از ایلات قشقایی و عرب فارس متشکل از طوایف مختلف که منابع جداگانه در سالهای اخیر ذکر کرده اند داده میشود. قبائل عرب که تحت نام دسته جمعی خمره شناخته میشوند از لحاظ تعداد از قبائل ترك كمترند و گفته شده است که از سه هزار چادر زیادتر نیستند. همه آنها در همان ناحیه پراکنده هستند و ادعا میکنند که از اولاد قبیله پنی شریان عربستان باشند...

### قبائل فارس و لارستان

قبائل خمره (عرب)

قبائل قشقایی (ترك)

کرزن	سرهنك راس	۱۸۹۰	۱۸۷۵
۱۸۹۰	۱۸۸۹	۱۸۷۵	۱- چادر نشین
باسری	عرب	باسری	کشکولی
نفر	بجری	نپار	دره شولی
بهارلو	نوفر	بهارلو	شش بلوکی
آینه لو	بهارلو	آریالو	فارسی مدان
شیوانی	اپتلو	ابوالوردی	صفی خانی
سفری		عمله شاهی	ایگدار
جباره	ممسنی	علا کوینی	علیقلی خانی
	(ترك)	گلازان	گلازان
		حاجی مسیح خان	کرونی
		ارکپان	قره چائی

دادا قائی	بولی
رحیمی	قزلی
کوره شولی	خوانین
ارده شیری	نوکر باب
جعفر بیگی	۲ - ساکن
امامقلی خانی	چهار پنجه
داراب خانی	پابلیسی
عمله ایلخانی	زنگن
بهادر خانی	الله بیگلو
قبادخانی	

از لارستان که پسوی مشرق برویم می‌بینیم کرزن ( ۱۸۹۲ a - جلد ۲ ص ۲۴۴ ) جمعیت کرمان را در حدود ۴۰ هزار نفر تخمین می‌زند<sup>۱</sup> و میگوید : « در ۱۸۱۰ پاتینگر Pottinger در آنجا یهودی وارمنی و هندو نیافت ولی اکنون از هر سه ملیت تعدادی وجود دارد. هندوها در حدود چهل نفرند که از لحاظ لباس و ظاهر نیمه ایرانی شده‌اند و اینها بازرگانان شکار پور و سند میباشند »

در مورد سیستان کرزن میگوید ( ۱۸۹۲ a - جلد اول - ص ۲۲۸ ) : این ناحیه در زمان اسکندر کبیر از نظر تاریخ وضع روشنی پیدا کرد و در آن موقع در انگیان Drangiana ( که همان سرزمین سرانگیان Sarangian هردوت باشد ) نامیده میشد احتمال می‌رود که اسکندر در موقع حمله به هندوستان از این ناحیه گذشته باشد در حالیکه در مراجعت خودش از ناحیه جنوبی تریعنی از گدروسیا Gedrosia ( یا مکران ) به کرمانیا ( کرمان ) آمد و ستون سبکتری تحت فرماندهی کراتروس Craterus از آراچوتیا Arachotia و در انگیان فرستاد<sup>۲</sup>. در زمان سلاطین ساسانی سیستان مرکز مذهبی زردشتیان بود. درباره ایالت بلوچستان ایران کرزن اظهار میدارد ( ۱۸۹۲ a - جلد ۲ ص ۲۵۸-۲۵۹ ) : « مساحت این ایالت ۶۰ هزار میل مربع تخمین زده شده است ... در این مساحت تقریباً همه گونه

۱- در ۱۸۷۸ سرشماری دقیقی توسط حاکم وقت بعمل آمده نشان داد جمعیت این ناحیه عبارتست از ۳۹،۷۱۸ مسلمان - ۱۳۴۱ زردشتی - ۸۵ یهودی و ۲۶ هندو که جمع کل آن ۴۱،۱۷۰ نفر میشد. پاورقی ۲ در صفحه ۱۰۵ است.

منظره آب و هوا مشاهده میشود . ۴ بغیر از صحرای مکران که از ذرات کوچک شن باد آورده تشکیل یافته در بلوچستان « رودخانه های قابل ملاحظه و کوههای بلند و در بعضی نواحی کشتکاری و گیاه و نبات دیده میشود . کوه و رود و درخت در بعضی نقاط به پرتگاههای خشک و دره های پایرتبديل میشود در نواحی ساحلی حرارت گاهی غیر قابل تحمل است ... در فلات کوهستانی آب و هوا ملایم و مطلوب است ... اکثر ساکنین این ناحیه از قبائل بلوچ میباشد که این ایالت نام خود را از آنها گرفته است و ادعا میکنند از نژاد عرب و از قبیله قریش هستند و میگویند در اواخر قرن هفتم میلادی اجداد آنان از حوالی حلب مهاجرت کردند و طبق روایات یزید خلیفه اموی، بعلت آنکه از امام حسین شهید طرفداری کردند، آنها را اخراج کرد و مجبور بمهاجرت شدند . ولی از مهاجرت و مسافرت آنان و یا از مردمیکه در موقع ورود خود باین ناحیه یافتند هیچگونه سند تاریخی وجود ندارد، ولی شواهد متعدد از قبیل قیافه و زبان آنها که آریائی و شبیه پهلوی و فارسی باستان است دال بر آنستکه نظریه عرب بودن آنها را باید مردود و آنها را غیر عرب دانست<sup>۱</sup> . از طرف دیگر پاتینگر Pottinger

۱ . دکتر بلیو در ( تحقیق درباره نژاد شناسی افغانستان مورخ ۱۸۹۱ ) بلوچها را با بالچا Balaecha قبیله چوهان راجپوت که در اصل ساکن ناحیه نوشکی بودند یکسان میداند . قبیله که با سامی مختلف از قبیل کروش و کریش و بقیه پاورقی در صفحه بعد

پاورقی صفحه ۱۰۴

۲ . مهتر بن منبع تاریخ اولیه و ساکنین سیستان مقاله رالینسون تحت عنوان ( یادداشت های سیستان ) میباشد که در نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی ( جلد ۶۳ - ص ۲۷۲ - ۲۹۴ مورخ ۱۸۷۳ ) چاپ شده است . همچنین رجوع شود بشرح مختصر و عالی بقلم دکتر بلیو Dr. Bellew تحت عنوان ( از سند تادچله ) ص ۲۴۸ - ۲۶۲ و ( تحقیق در نژاد شناسی افغانستان ) مورخ ۱۸۹۱ . ساکنین عمده فعلی سیستان ایران عبارتند از سیستانیها که در میان قبایل مختلف ناحیه حالت بردگی و فرمانبرداری دارند . این قبایل عبارتند از کیانی ها که خود را از اولاد سلسله کیانی کوروش میدانند - و کردگالی ها که طایفه ای از کردهای کردستانند که باین ناحیه مهاجرت کرده و سلسله ملک کردگور را تشکیل دادند . ۱۲۴۵ - ۱۳۸۳ میلادی ؛ و عناصر ایرانی مانند تاجیکها و بلوچها که قبایل عمده ساکن سیستان آنها سربندی و شاهرگی میباشدند . سرپندیها را تیمور به همدان انتقال داد ولی نادرشاه آنها را برگردانید - رجوع شود به کرزن ( ۱۸۹۲ ) - جلد اول - ص ۳۷۹ - ۵۹۱ و ۶۱۲ .

آنها را از نژاد ترکمن یا ترک سلجوق میدانند . اگرچه از لحاظ تعداد مهمترین قبیله بلوچستان هستند از حیث تفوق سیاسی و اخلاقی از قبائل کوچکتر کسرد و نوشیروانی عقب ترند . نوشیروانیها ادعا دارند که از اولاد انوشیروان پادشاه ساسانی هستند ولی در واقع نام آنها از ناحیه نزدیک اسفهان که از آنجا به بلوچستان مهاجرت کردند گرفته شده است . در حالیکه مثلاً در دشتیاری قومی وجود دارد که از نژاد هندو هستند و اجداد آنها بدون آنکه خود آنها اطلاع داشته باشند از سندن آمده‌اند و زبان آنها شامل کلمات هندی است . در تمام این ناحیه عده زیادی هستند که با عناصر افریقائی مخلوطند و علت آن ورود عده قابل ملاحظه‌ای برده و غلام از مسقط و زنگبار است . یک فرد بلوچی معمولی... باندازه افغان وحشتناک و قوی نیست ولی مانند افغانها هوی سیاه بلند معجم دارد که باروغن آنرا چرب میکند. در بعضی قسمتهای این ناحیه بلوچها در حال عقب ماندگی عجیب که دست کمی از حال وحشیگری بدوی ندارد زندگی میکنند... از نظر سیاسی دو احساس قوی دارند یکی تمایل شدید با استقلال‌عشایری و دیگری نفرت و انزجار ناگفته از ایرانیها که آنها را قاجار که نام سلسله فعلی ایران است مینامند .

کرزن ( ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۶۰ ) از یک منبع ایرانی نقل کرده و میگوید که جمعیت بلوچستان ایران در حدود ۲۵۰ هزار نفر است که بعقیده او تخمین نسبتاً صحیحی است.

کرزن ( ۱۸۹۲ا - جلد ۲ - ص ۲۶۲-۲۶۳ ) میگوید سروان جنینگز Jennings « سرحد ، در شمال بلوچستان را ، ساکن از قبائل بلوچی و کسرد و بقیه پاورقی صفحه قبل

قوریش و قریش نامیده شده‌اند و در حوالی سند پراکنده‌اند همان قبیله راجپوت شاهی کروچ یا کروچ یا کرش هستند . وقتی این قبایل بدین اسلام مشرف شدند نام خود را به قریش تبدیل کردند ، خود را از نژاد عرب دانستند تا حقیقت را پنهان دارند . بنابراین بلیو بلوچها را از راجپوت‌های هندوستان میدانند و زبان آنها را زبان هندی مخلوط بفارسی میخواند ، رندها Rinds که شمه‌ای از نژاد بلوچ شناخته میشوند در حقیقت از قبیله‌ای هستند که بلوچها یکی از شعبات آن میباشند و نام آنها از رن یا رون کوچ مشتق است که همان آریانای سنسکریته ، بمعنی بیابان است .

براهوئی یافت و جمعیت آنرا ۱۳۵۰۰ خانوار گفت<sup>۱</sup> که همه سنی بودند ... سرحد تعداد زیادی گوسفند و بز بوجود میآورد و در آنجا مقادیر زیادی درخت گز و علف ترنجبین یا خاراشتر و انغوزه میروید مرکز عمده آن دشت است که قریه بزرگی است که ساکنین آن کرد هستند.

بعقیده کرزن ( ۱۸۹۲a - جلد ۲ - ص ۲۴۰-۲۴۱ ) جمعیت یزد « که از قرار معلوم در اوایل قرن صد هزار نفر بود و در دهه ۱۸۶۰-۱۸۷۰ به ۴۰ هزار نفر تقلیل یافت اکنون اگر حوالی شهر بحساب گذاشته شود رو بازیداد گذاشته و برقم اوایل قرن رسیده است جمعیت خود شهر بین ۷۰ تا ۸۰ هزار نفر تخمین زده میشود . این جمعیت شامل عناصر مختلف است . جمعیت یهودی شهر به دو هزار نفر تخمین زده میشود ( یهودیها مجبورند وصله ای جلوی کت خود قرار دهند و بوسیله این علامت مشخص میشوند ) . عده ای هندو در شهر وجود دارند که به تجارت مشغولند و عده آنان کم و زیاد میشود ( سرف - اشمیت در ۱۸۶۶ هفده نفر و در ۱۸۷۱ پنج نفر هندو یافت ) و نیز عده نسبتاً زیادی گبر یا پارسی وجود دارد... تعداد آنها را بروایات مختلف بین ۳۵۰۰ تا ۷۰۰۰ نفر در دوره های مختلف قرن تخمین زده اند و ساکنین شهر و نواحی روستائی و جمعیت کل هر دو به تناوب جزء جمعیت شهر محسوب شده است.<sup>۲</sup> در داخل شهر پارسیها یازردشتیان دارای مدارس مخصوص بخود و موبد موبدان و رئیس غیر مذهبی و چهارآتشکده هستند که در اختفا و خانه های خصوصی خود شعله جاویدان را زنده نگاه میدارند<sup>۳</sup> و چندین برج خاموشان یا قرارگاه مردگان در تپه های مجاور دارند.

در مورد خراسان کرزن میگوید ( ۱۸۹۲a جلد ۱ - ص ۱۷۹ ) جمعیت این ایالت مانند خصوصیات طبیعی آن مختلف و متنوع است . امواج متوالی حملات اقوام مختلف

۱ . این رقم البته اشتباه است . از طرف دیگر تخمین میرزا مهدی خان ۱۴۲۵ خانوار است.

۲ . در ۱۸۷۹ ژنرال شیندلر جمعیت پارسی شهر را ۱۲۴۰ نفر و ۲۶ دهات اطراف را ۵۲۴۰ نفر یافت که جمعاً ۶۴۸۰ نفر میشوند - رجوع شود به « پارسی های ایران » در Zeit. d. M.G. مورخ ۱۸۸۲ .

۳ . این اشاره ایست به « آتشکده جاویدان » که در نوشته مور Mooie

مشاهده میکنیم که از لحاظ نژاد و مذهب متعلق بقباایل چهار ایلمک یا قباایل سرگردان مرزافغان میباشد<sup>۱</sup> و اینها جمشیدیها و هزارها هستند. جمشیدیها در اصل ایرانی هستند ولی قسمت عمده آنان سالها پیش خاک ایران را ترک کرده و در افغانستان سکنی گزیدند. بقیه بعد از محاصره هرات در سال ۱۸۵۷ مراجعت داده شده و در خانه گشائز دیک مشهد مستقر گردیدند و مقرر گردید تعدادی سر باز به قشون ایران بدهند... اینها از نژاد ایرانی هستند و بزبان فارسی تکلم میکنند... ولی هزارها از نژاد ایرانی نیستند و از فامیل تورانیانند و قیافه مغولی آنها و چشمان کج و ریش کوسه آنها دال بر این مطلب است. بعضی از آنها در حوالی مشهد سکونت دارند ولی اکثر آنها در ناحیه جنوبی تردد در محسن آباد در ناحیه باخزر زندگی میکنند. از خصوصیات جالب توجه آنان اینکه اگر چه از حیث خون و مذهب با ایرانیان فرق دارند زبان آنها فارسی است مذهب آنها سنی است. . .

در کلات نادر که در ۸۰ کیلومتری شمال مشهد است بقعیده کرزن (۱۸۹۲a - جلد ۱ - ص ۱۳۹) ساکنین آن ترک هستند که بقباایل جلایر و بنجت تعلق دارند و تعداد کمی عرب و کرد نیز در میان آنها دیده میشود. تعداد کل آنها از ۱۰۰۰ متجاوز نیست و در دوره که در دره که جو بیاری در آن جاری است و از کلات میگذرد و درش دهکده کوچک بر فراز تپه زندگی میکنند.

طبق نظر کرزن (۱۸۹۲a - جلد ۱ - ص ۳۹۲) طایفه قاجار<sup>۲</sup> در ناحیه استرآباد مسکن دارند و آنها قومی هستند که اصل و منشاء خود را از جغت پسر نوح میدانند. حتی اگر صحت این ادعا را مورد تردید بدانیم نمیتوان انکار

۱. «چهار ایلمک چنانکه از نام آن پیداست در اصل از چهار قبیله جمشیدی و

فیروزکوهی و تیموری و تیمونی متشکل بود بعداً دو قبیله دیگری یعنی هزاره و کیچک با آنها اضافه شد. قباایل فیروزکوهی و تیمونی و کیچک که دوتای اول گفته میشود از نژاد ایرانی هستند اکنون در ایران وجود ندارند ولی افراد چهار شنبه دیگر یمندا میشوند. طبقه بندی دکتر بلیوفرق دارد. او چهار ایلمک اصلی را متشکل از تیموری و تیمونی و داهی و سوری میداند و جمشیدی و فیروزکوهی را از شعبات تیموری بحساب میآورد و هزاره را مترادف با داهی میداند.

۲. (سلسله قاجار) ترجمه از نسخه خطی فارسی توسط سرهارفورد جونز

بریجز Sir Harford Jones Brydges مورخ ۱۸۳۳ - مقایسه شود با شرح بقلم

موریه در نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی جلد ۷ - ص ۲۳۱ .

کرد که در طی ۷۰۰ سال از قاجارها در تاریخ نام برده شده است .  
یکی از رؤسای این قبیله بعنوان عامل اولادچنگیزخان بر ناحیه وسیعی  
ازری گرفته تا رود جیحون حکومت میکرد گفته شده است که تیمور آنها را به  
سوریه تبعید کرد ولی بعداً آنها را مجبور به مراجعت نمود . قیائل قاجار بعدها  
بطرفداری سلاطین صفوی برخاستند و در گرفتن تاج و تخت بآنها کمک کردند و  
در عوض جزو قزلباشها در آمدند . بیک روایت مادر شاه اسمعیل از قاجار  
بود<sup>۱</sup> .

رومغرب که حرکت کنیم به طهران پایتخت کشور میرسیم که بعقیده کرزن  
(۱۸۹۲a - جلد ۱ - ص ۳۳۳) جمعیت آن بین ۱۷۵۰۰۰ تا ۲۲۰۰۰۰ تخمین  
زده میشود . وی میگوید در بین آنها ۴،۰۰۰ یهودی و یک هزار ارمنی وجود  
دارد .

در سمت شمال ایالات ساحلی مازندران<sup>۲</sup> و گیلان<sup>۳</sup> قرار دارد و این  
دو ایالت محل سکونت بعضی از جالب توجه ترین مردم ایران است . احتمال  
میرود که در دهکده های کوچک این ایالات حتی در حال حاضر باقیمانده مهاجرین  
دوره باستان که از آسیای مرکزی آمدند وجود داشته باشد . کرزن (۱۸۹۲a - جلد  
۱ - ص ۳۶۴) جمعیت این دو ایالت را بین ۱۵۰،۰۰۰ تا ۲۵۰،۰۰۰ میداند  
و میگوید فریزر Fraser ساکنین این ناحیه را مردمانی «قوی هیکل و خوش اندام  
توصیف کرده و کودکان آنها را مخصوصاً زیبا میداند . از بین دو قوم مازندرانیهاتیره  
تر و سیاه ترند ... مازندرانیها را معمولاً کم هوش و کند ذهن دانسته اند... گفته  
میشود که اهالی بومی این ناحیه از نژاد مادهای باستانی هستند و لهجه فارسی

۱- مسترو اتسون در کتاب تاریخ ایران این عقیده را اظهار میدارد ولی من  
همیشه اینطور شنیده ام که مادر شاه اسمعیل مارتادختر ازون حسن رئیس قبیله آق قوینلو  
وزن مسیحی وی دسپوینا Despoina دختر کالویو هانس امپراطور طرابوزان بود .  
۲- کلمه مازندران مشتق است از ماز که بزبان پهلوی بمعنی کوهستان است  
و اندرون یعنی ناحیه گود بین کوه و دریا (رجوع شود به کرزن - ۱۸۹۲a - جلد ۱ -  
ص ۳۵۴-۳۵۵) .

۳ - مارکوپولو (فصل چهارم) دریای خزر را Mer de Gheluchelan  
(یعنی گل یاگلان) نامید کرزن . (کرزن - ۱۸۹۲a - جلد ۱ - ص ۳۵۵) .



آنها درهرایالت کمی با هم فرق دارد و يك لهجهٔ سومی که بیش از دولهجهٔ دیگر دارای کلمات پهلوی است و درادواتعالش بآن تکلم میشود<sup>۱</sup>.

قطعات منتخبه ازکرزن که به ترتیب جغرافیائی قرارداد شده تا بیشتر مورد استفاده مردم شناسان طبیعی قرارگیرد در اینجا خاتمه می یابد. فهرست اعلام فصل سوم (ص ۶۰۱-۶۵۱) خواننده را دریافتن اشارات به نواحی و قبائل مختلف کمک خواهد کرد.

۱۸۹۴- ن. پ. دانیلو N. P. Danilov مدت پنج سال بعنوان پزشك سفارت کبری روس در ایران بسربرد. قطعاتی از گزارش مفصل و جالب توجه وی نقل میشود که دارای اطلاعات مردم شناسی و اندازه گیری جمجمهٔ انسانی است که اغلب ازسربازان گرفته است. متن گزارش وی که از کتابخانهٔ موزه پیمادی دانشگاه هاروارد بامانت گرفته شد توسط ریمسکی کورساکف برای منتخبات مربوط باین کتاب ترجمه و تلخیص شده است.

دانیلو (ستون ۱۰-۱۹ و ۲۶-۲۸) دربدو امر متذکر میشود که در ازمئهٔ ماقبل تاریخ آریانیها در نقاط مختلف ایران با مردمانی روبرو شدند که از لحاظ خصوصیات جسمانی با آنها فرق داشتند. مثلاً در ناحیهٔ جنوبی ایران پوست تیره و لب کلفت تر و موی مجعدتر از مردمان ناحیهٔ شمالی داشتند. دردوره های بعد آریائیها با مردمان نژاد سامی مانند آسوریها و عربها و یهودها و با مردمان ساکن آسیای صغیر و یونان و همچنین با افراد قبائل ترك و مغول مخلوط شدند.

بعلاوه بدون شك محیط در خصوصیات جسمانی آنان اثر خود را باقی گذاشت. درموارد بسیار اختلافات زبان و آداب و رسوم و مذهب با اختلافات جسمانی و مردم شناسی ارتباط ندارد. دانیلودادن صورت و فهرست همهٔ قبائل بادیه نشین را زائد دانسته و بشرح طبقات عمده اکتفا میکند.

ساکنین آذربایجان بزراعت و گل کاری و حشم دارای اشتغال دارند. مردمانی هستند قوی بنیه و بلند قد دارای چشم سیاه و موی مشکی و بلهجهٔ ترکی آذربایجانی تکلم میکنند و بهمین جهت آنها را تاتارهای آذربایجانی خوانده اند، ولی با تاتارهای آسیائی شباهت زیادی ندارند و حتی میتوان گفت که نوع جسمانی

۱ - در قرن دهم میلادی الاستحری نوشت: درطبرستان لهجهٔ مخصوصی دارند که نه فارسی و نه عربی است و در بعضی نقاط دیلم زبان آنها قابل فهم نیست.

خالصتر و متحدالشکلتراز سایر قبایل دارند و این خصوصیات را بیش از دیگران حفظ کرده اند . مذهب آنها شیعه است .

ایلات خمه محل سکونت قبایلی است که دارای خصوصیات معمولی ایرانی میباشند و همچنین قبایل نیمه بادیه نشین که دارای بعضی صفات و خصوصیات منوول هستند که در عرض صورت و عرض پره بینی دیده میشود و عرض سر آنها با مقایسه با طول آن زیادتر است . دانیلو فقط عده کمی از افراد قبایل بابلی را اندازه گیری کرده است .

مردم طالش که در ناحیه ساحلی دریای خزر زندگی میکنند به لهجه ایرانی تکلم مینمایند . بین گیلانیها و مازندرانها از لحاظ زبان و خصوصیات جسمانی اختلاف زیادی وجود ندارد . قذآنها متوسط و رنگ مو چشم آنها روشن تر از ساکنین فلات ایران است . از خصوصیات دیگر آنها رنگ پریدگی و تنبلی است که شاید در اثر زندگی در نواحی ناسالم باطلاقی و مزارع برنج آن ناحیه است . در ناحیه کوهستانی مازندران دو نوع مردم بومی وجود دارد . یکی قوی و دارای موی ناصاف و دیگری باریک و دارای صورت لاغر و بینی منحنی و چانه نوک تیز و موی فروان و چشم سیاه . باید خاطر نشان کرد که در این ناحیه در ادوار مختلف مردمان از نژاد یهود و ارمنی و کرد و افغان ساکن بوده اند . علاوه بر بعضی قبایل بادیه نشین گروه اصلی ساکن خراسان تاجیک هستند که شاخص سر آنها با شاخص سر ایرانیان کاملاً فرق دارد زیرا نوع سر آنها کوتاه و پهن است و از این حیث بیشتر شبیه ارمنه و یهودیها و آسوریها و منوولها میباشد .

ایلات یا قبایل بادیه نشین بین جمعیت اسکان یافته ایران پخش هستند . کردها را که در ایالت کرمانشاه و کردستان ساکنند باید به علت تشابه زبان و شکل سر از ایرانیان دانست . کردهای مرکز ایران از لحاظ نخوت و سر بلندی و بینی عقابی و گونه برجسته با سایر قبایل فرق دارند و نماینده دوره تحول بین بادیه نشینی و شهر نشینی میباشد .

تا آنجائی که میتوان از مشاهده تعداد کمی از افراد لر قضاوت کرد مذهب و نوع خصوصیات جسمانی میرساند که لرها از خالصترین قبایل ایرانی میباشند . بختیاری ها که نژاد مخلوطی هستند سر کوتاه دارند و از این حیث بعد از تاجیکها واقع میشوند . شوشیها که نیمه سیاه هستند در ناحیه شمال غربی شیراز سکنی دارند .

آسوریا و کلدانیا و ارمنه مغرب ایران دارای سرکوتاه و پهن هستند در حالیکه گبرها یا آتش پرستان منسوب به پارسیهای هند سردراز دارند . قبائل ترك بهدی با نژادهای دیگر مخلوط شده اند که با شکل میتوان آنها را در يك گروه مردم شناسی جدا قرارداد و شعبات آنها با هم اختلاف فراوان دارند . احتمال میرود که بعضی از قبائل ترك جنوب ایران با سیاهپوستان مخلوط شده و بعضی از خصائص آنها را مانند بینی کوتاه و پهن و چهره تاريك و قد کوتاه بخود گرفته اند . آنها خودشان را سیاه میخوانند ( رجوع شود به کتاب ویلسون ۱۹۳۲a - ص ۳۴ ) .

یکی دیگر از قبایل ترك که نام تركی خلیج را حفظ کرده در ناحیه مزلقان در نزدیکی طهران سکنی دارند و اسم آنها در فهرست قبایل تحت نام مزلقانی ثبت شده است . اغلب آنها سردراز دارند . از آنجائیکه در بین آنها سرکوتاه تقریباً بکلی از ازیبن رفته است گفته شده است که افراد این قبیله بطور قابل ملاحظه با ایرانیان مخلوط شده اند . بطور کلی میتوان گفت که قبائل اسکان یافته مرکز ایران بهمان نوع تعلق دارند که در آن عناصر و خصوصیات ایرانی تنوع دارد ولی در ناحیه شمالی عناصر و خصوصیات ترك و مغولی و در جنوب خصوصیات سیاهپوستان را کسب کرده و در بعضی نقاط با انواع دیگر مخلوط شده اند . اندازه گیریه شامل يك گروه مخصوص یعنی اشتهاردیه نیز میباشد که بیک لهجه قدیمی فارسی تکلم میکنند که قبائل مجاور از درك آن عاجزند . نسبتاً قد بلند دارند و در ناحیه اطراف اشتهارد که در ۶۵ کیلومتری جنوب شرقی قزوین واقع است سکونت دارند . نویسنده اضافه میکند در نام قبائل که از طرف نویسندگان مختلف ذکر شده تضادهای و اختلافاتی دیده میشود . مثلاً قبیله ای بنام عجمی اصلاً وجود ندارد . در زبان عربی کلمه عجم یعنی بیگانه و اعراب این کلمه را بهمه کسانی که عرب نبودند اطلاق میکردند و عجمی یعنی ایرانی یا جمعیت شهر نشین ایران .

در بین ۱۵۲ فرد که مورد مشاهده واقع شدند رنگ پوست آنها قهوه متمایل به زرد بود . افرادی که تحت تأثیر نور شدید آفتاب قرار نگرفته بودند مانند زندانیان یا بیماران بیمارستان رنگ پریده تر داشتند ، همین مطلب در مورد زنان شهر فشین صدق میکند زیرا بیش از مردان از تابش نور آفتاب درامان بودند . دانیلو مشاهدات خود را طبق مقیاس بروکا Broca<sup>۱</sup> قرار داده و به نتیجه زیر میرسد .

شرح پاورقی صفحه ۱۱۴ را در صفحه ۱۱۵ بخوانید

شماره	تعداد افراد
۲۳ + ۳۳ ، ۴۰ ، ۴۵	۸۲
۴۶ + ۴۷ ، ۴۷	۳۴
۳۳ + ۴۷ ، ۴۶	۶
۲۳ ، ۵۴	۲۳
۴۴	۱
۳۹	۱
جمع	۱۴۷

مشاهدات مزبور در قسمتهای پوشیده بدن بعمل آمد و قسمتهای باز و در معرض آفتاب قدری تیره تر است. تا آنجا که ممکن بود شماره ها به ترتیب گروه داده شده است .

رنگ حقیقی موی سروریش فقط در مورد ۵۴ نفر قابل تشخیص بود زیرا اغلب افراد موی خود را با حنا رنگ میکنند بجز يك استثنا موی سرسیاه بودو بین شماره ۴۳ و شماره ۴۸ قرار میگرفت و اکثریت بطبقه اخیر تعلق داشتند. پنج نفر دارای موی سراز طبقه ۴۳ بودند که کمی متمایل بقرمز بود. يك فردا شتهاردی دارای موی سر شماره ۴۳ و ریش قرمز رنگ شماره ۴۴ بود . افراد دارای موی بور بندرت دیده شد فقط يك زال دیده شد که اهالی محل با احترام با او رفتار میکردند .

در مورد مقدار مو ۶۹/۱ درصد موی بدنشان زیاد بود . در بین افراد کمتر ازی سال مقدار مو از حد متوسط کمتر بود و موی سفید بندرت قبل ازیان سال ظاهر میشد . روی بازو و ساق پا مقدار مو کم بود .

#### شرح پاورقی صفحه قبل

۱ - بموجب «اندازه گیری مردم شناسی» بقلم هردلیشکا A.Hrdlicka یاد داشت صفحه ۵۹ مقیاس بروکا Broca برای مقایسه رنگ پوست برای اولین بار در مقاله تحت عنوان «دستورهای کلی برای تحقیقات مردم شناسی» (نشریه انجمن مردم شناسی - پاریس - مورخ ۱۸۶۴ - جلد ۲ - چاپ دوم) چاپ شد و بعداً بمقیاس بزرگتر در «دستورات برای جمع آوری اطلاعات و نمونه های مردم شناسی طبیعی» در نشریه موزه تاریخ طبیعی آمریکا شماره ۳۹ واشنگتن مورخ ۱۹۰۴ تجدید چاپ گردید .

مقدار مو	تعداد افراد	درصد
کمتر از متوسط	۴۷	۳۰/۹
متوسط	۹۸	۶۴/۵
زیاد	۷	۴/۶
جمع	۱۵۲	۱۰۰

طبق مشاهدات وی کرد ها (۸۴/۲ درصد) و مزلقانیها ( ۸۱/۸ درصد )  
پرموتر از همه ایرانیان (۶۰/۹ درصد) کم مو تر از همه بودند .

موی ریش را فقط بعد از سی سالگی میشد متوسط محسوب داشت. معمولاً در سن  
۵۰ سالگی افراد بومی ریش بلند پیدا میکردند. مقدار ریش بطریق زیر ثبت شده است:  
بدون ریش ( ۲۱/۱ درصد ) کمتر از متوسط تا متوسط (۲۳/۹ درصد) و زیاد  
(۵۵ درصد) . سیل نمود را معمولاً اصلاح میکردند اطفال بذر درت موی سر خود را اصلاح  
مینمودند و بزرگسالان سر خود را بجز کنار سر که آنرا زلف می نامند میتراشیدند  
و جوانان بزلف خود توجه مخصوص مبذول میداشتند. این قسمت زلف تا حدی شبیه  
زلف یهودیان ولی کوتاهتر است .

در اکثر افراد (۸۷/۵ درصد) موی سر موجدار و در ۱۰/۴ درصد صاف  
و فقط در ۲/۱ درصد مجعد است و این خصوصیت در بین آذربایجانیها و آشتیاردیها  
دیده نمیشود . جدول زیر شکل موی را از لحاظ سه طبقه بندی فوق نشان میدهد .

گروه	صاف	موجدار	مجعد
آذربایجانی	۲۰/۶	۷۹/۴ درصد	...
آشتیاردی	...	۱۰۰ درصد	...
کرد	...	۹۴/۷ درصد	۵/۳ درصد
مزلقانی	۱۰ درصد	۸۵ درصد	۵/۳ درصد
ایرانی	۱۴/۶ درصد	۸۲/۹ درصد	۲/۵ درصد

در رنگ چشم بیش از رنگ مو تنوع وجود دارد . دانیلو افراد دارای  
چشم آبی روشن یا تیره مشاهده نکرد و در اغلب موارد (۹۴/۷ درصد) چشم دارای  
انواع مختلف رنگ قهوه ای بود . در مورد ۷۹/۵ درصد افراد رنگ چشم بمقیاس  
بروکا Broca شماره ۱ یا شماره ۲ بود و ۱۳/۲ درصد چشم قهوه ای روشن و ۲-  
درصد ( ۳ نفر ) چشم خاکستری رنگ و ۳/۳ درصد چشم متمایل بسبز و یک نفر

## اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۱۱۲

(۰/۷ درصد) چشم سبز داشت. در بین ۱/۳ درصد افراد دارای چشم قهوه‌ای، دایره تاریکتری مشاهده میشد.

کلفتی لب بطریق زیر ثبت شده است: کمتر از متوسط (۱۳/۲ درصد)، متوسط (۵۷/۹ درصد) و کلفت (۲۸/۹ درصد) و از لحاظ گروه‌های مختلف در جدول زیر نمایانده میشود.

گروه	کمتر از متوسط	متوسط	کلفت
آذربایجانی	۲۳/۵ درصد	۵۲ درصد	۲۳/۵ درصد
ایرانی	۶/۵	۵۲/۲	۴۱/۳
کرد	۵/۳	۶۸/۴	۲۶/۳
اشتهاردی *	۱۲/۹	۶۸/۴	۲۲/۶
مزلقانی	۱۸/۲	۵۹/۱	۲۲/۷

\* جمع این درصد ۱۰۳/۹ میشود.

### دندان \*

گروه	اندازه			وضع			بمبستگی	
	بزرگ	متوسط	کوچک	خوب	متوسط	بد	له تاله	رابطه
	%	%	%	%	%	%	%	%
کرد	۵/۶	۷۲/۲	۲۳/۲	۴۷/۴	۳۶/۸	۱۵/۸	۷۷/۸	۲۲/۳
آذربایجانی	۲۳/۵	۵۸/۸	۱۷/۶	۵۸/۸	۲۳/۵	۱۷/۶	۷۹/۴	۲۰/۶
اشتهاردی	۱۶/۱	۵۴/۸	۳۹/۰	۵۸/۱	۲۲/۶	۱۹/۴	۸۳/۹	۱۶/۱
مزلقانی	۱۸/۲	۴۰/۹	۴۰/۹	۳۱/۸	۴۰/۹	۲۷/۳	۸۶/۴	۱۳/۶
ایرانی	۳۱/۱	۶۶/۷	۱/۲	۶۷/۴	۱۷/۴	۱۵/۲	۹۱/۱	۸/۹
همه گروهها	۲۱/۳	۵۹/۳	۱۶/۳	۵۵/۹	۲۵/۷	۱۸/۴	۸۴/۷	۱۵/۳

\* چون دانیلو در هر طبقه تعداد افراد را ذکر کرده برای مطابقت با

سایر جدولها ارقام درصد محاسبه گردید.

مشاهدات آشکار کرد که ۲۱/۳ درصد افراد دندان درشت و ۵۹/۳ درصد

دندان متوسط و ۱۹/۳ درصد دندان ریز داشتند. دندانهای ایرانیها از همه درشت‌تر و

دندانهای مزلقانیها از همه ریزتر بود و در بین مزلقانیها فاصله بین دندانها نیز زیاد است.

وضع دندان در ۵۵/۹ درصد افراد خوب و در ۲۵/۷ درصد متوسط و در ۱۸/۴ درصد

معیوب و کرم خورده است. علت عمده خرابی دندان ایرانیان بیماری فساد خون میباشد

که احتمال میرود در اثر زندگی در نقطه مرتفعتر از سطح دریا حادث شود. در

6.

[illegible]

تغییر

• **تجارت**

• **تجارت**

• **تجارت**





مورد بهم پیوستگی یا گاز دندان ۸۴/۷ درصد لبه تالیه ۱۵/۳ در صد کمی شدیدتر است. در هیچ مورد بهم پیوستگی مغرط دیده نشد.<sup>۱</sup>

در مورد چاقی و لاغری، ایرانیها معمولاً در طبقه متوسط قرار میگیرند در حالی که افراد طبقه کارگر و کسانیکه در رشته سوار نظام هستند نسبتاً لاغر و حد متوسط کمترینند. افراد چاق و فربه در افراد طبقه متمول بیشتر دیده میشوند.

گروه	کمتر از متوسط	متوسط	سنگین
	%	%	%
آذربایجانی	۱۴/۴۷	۷۹/۶۳	۵/۹
اشتهاردی	۱۹/۴۰	۸۰/۶۰	...
کرد	۲۱/۱۰	۷۸/۹۰	...
مزلقانی	۲۷/۳۰	۶۳/۷۰	۹
ایرانی	۳۴/۸۰	۶۵/۲۰	...

در فصل مربوط به قد دانیلو همه اطلاعاتی که در منابع مختلف بدست آورده بود بکار برده است و نتایجی که بدست آورده بر اساس اندازه گیری ۴۶۳ فرد ایرانی و آذربایجانی و کرد که اشخاص زیر ثبت کرده اند قرار دارد: دانیلو (۱۵۲)، شانتر Chantre (۲۱۵)، پانتیوکف Pantiukhov (۵۱)، ناسونف Nasonov (۱۸)، هوسی Houssay (۲۱)، و فدچنکف Fedchenko (۶). از ستونهای جدولهای صفحات (۱۱۸ - ۱۱۹) که عده کل افراد هر طبقه را نشان میدهند معلوم میشود که اکثریت مردها در طبقه متوسط قرار گرفته اند ولی بین دو حد، اختلاف قابل ملاحظه دیده میشود یعنی حد اکثر ۱۹۱ (که آذربایجانی است) و حداقل ۱۴۰ (که يك ایرانی شوشی است). بطور کلی تقابلی از ارقام متوسط به حد منتهی الیه کاملاً طبیعی و عادی است. ولی بخش کلی در مورد حد بالا منظم تر از حد پائین است که در آن بعلا کتواته بودن قد همه ایرانیان بآن اندازه منظم

۱ - علت اینکه تعداد افراد دارای دندانهای لبه به لبه پیوسته آنقدر زیاد است اینست که دانیلو مقیاسی بکار برده است که با مقیاس مورد استعمال حال حاضر فرق زیاد دارد.

## اشارات تاریخی درباره مردم ایران - ۱۳۱

درمورد ارقام مربوط به شاخص سردانیلو (ستون ۴۵) اطلاعات خود را درباره ۱۵۲ فرد با اطلاعات محققین دیگر تکمیل کرد بطوریکه رویهم رفته در باره ۵۶۱ فرد ارقام مربوطه را جمع آوری کرد.

شاخص سرد		آذربایجانی		اشتهاردی		مزلقانی		ایرانی		جمع	
شماره	درصد	شماره	درصد	شماره	درصد	شماره	درصد	شماره	درصد	شماره	درصد
۷۱۱۲-۶۹/۲	۰۰	۰۰۰۰	۲	۵/۹	۰۰	۰۰۰۰	۰۰	۱	۲۲	۳	۲
۷۳۳-۷۱/۳	۲	۱۰/۵	۷	۲۰/۶	۰۰	۰۰۰۰	۰۰	۲	۹/۱	۱۳	۸/۶
۷۵/۴-۷۳/۴	۲	۱۰/۵	۹	۲۶/۵	۲	۶/۴	۵	۱۱	۲۳/۹	۲۹	۱۹/۱
۷۷۱۵-۷۵/۵	۷	۳۶/۸	۶	۱۷/۶	۳	۹/۷	۶	۱۰	۲۷/۳	۳۲	۲۱/۱
۷۹/۶-۷۷/۶	۴	۲۱/۱	۵	۱۴/۷	۱۱	۳۵/۵	۸	۸	۳۶/۴	۳۶	۲۳/۷
۸۱/۷-۷۹/۷	۲	۱۰/۵	۱	۲/۹	۷	۲۲/۶	۱	۴	۳/۵	۱۵	۹/۹
۸۳/۸-۸۱/۸	۱	۵/۱۳	۲	۵/۹	۲	۶/۴	۰۰	۳	۶/۵	۸	۵/۲
۸۵/۹-۸۳/۹	۰۰	۰۰۰۰	۱	۲/۹	۳	۹/۷	۰۰	۴	۸/۷	۸	۵/۲
۸۸/۰-۸۶/۰	۰۰	۰۰۰۰	۱	۲/۹	۳	۹/۷	۰۰	۲	۴/۳	۶	۳/۹
۸۹/۰-۸۸/۱	۱	۵/۳	۰۰	۰۰۰۰	۰۰	۰۰۰۰	۰۰	۱	۲/۲	۲	۱/۳
جمع	۱۹	۱۰۰	۳۴	۹۹/۹	۳۱	۱۰۰	۲۲	۴۶	۹۹/۹	۱۵۲	۱۰۰

۷۷/۹	۷۸/۴	۷۶/۵	۸۰/۴	۷۶/۰	۷۷/۷	میانگین
۸۹/۰	۸۸/۴	۷۹/۸	۸۷/۸	۸۷/۸	۸۹/۰	حداکثر
۶۹/۲	۶۹/۲	۷۲/۴	۷۵/۰	۶۹/۵	۷۲/۸	حداقل
۱۹/۸	۱۹/۲	۷/۴	۱۲/۸	۱۸/۳	۱۶/۲	تغییر

نویسنده	شاخص سرد	طبقه
—	۷۰/۱	نیمه سردراز (x-۷۵/۰۰)
—	۷۳/۶	گبر
		لر
		سردراز (۷۷/۷۷-۷۵/۰۱)
هوسی	۷۵/۷	ایرانی
پانتیوکف	۷۵/۷	ایرانی
دانیلو	۷۶/۰	آذربایجانی
—	۷۶/۵	مزلقانی
فدچنکف	۷۶/۸	ایرانی

پانتیوکف	۷۷/۶	کرد
دانیلو	۷۷/۷	کرد
شانتز	۷۷/۷	کرد
سر بامدازه متوسط (۷۷/۷۸-۸۰/۰۰)		
شانتز	۷۷/۸	ایرانی
شانتز	۷۸/۱	آذربایجانی
—	۷۸/۱	کرد
—	۷۸/۱	آذربایجانی
—	۷۸/۴	ایرانی
ناسونف	۷۸/۵	کرد
فن ارکرت	۷۹/۴	آذربایجانی
نیمه سر کوتاه (۸۰/۰۱-۸۳/۳۳)		
—	۸۰/۴	اشتهاردی
پانتیوکف	۸۰/۶	آذربایجانی
سر کوتاه (۸۳/۳۴-X)		
دوهوسه	۸۳/۵	ایرانی
دوهوسه	۸۶/۷	کرد
دوهوسه	۸۸/۴	بختیاری

میانگین شاخص سر ۵۶۱ فرد ۷۸/۲ است درحالیکه همین رقم درمورد کردها و آذربایجانیها ۷۸/۱ میباشد.

اکثریت گروه ایرانیها در طبقه سرمتوسط می افتند ولی تمایل زیادتری به سردرازی دارند تا پسر کوتاهی. از جمع کل این گروه یعنی ۵۶۱ نفر فقط ۱۴۴ نفر یا ۲۵/۷ درصد نیمه سر کوتاه یا سر کوتاه هستند در حالی که ۲۷۲ نفر یا ۴۸/۵ درصد سردراز یا نیمه سردراز هستند.

مطالعه و دقت در گروههای مختلف نشان میدهد که در میان طبقات سر-دراز تنوع و اختلاف کمتر است و در میان طبقات سر کوتاه عکس آن مشاهده میشود و بطور خلاصه میتوان گفت:

۱ - همه قبائل که جمجمه آنها اندازه گیری شده در گروه افراد سر-

## اشارات تاریخی در باره مردم ایران - ۱۲۳

متوسط ۱ قرار میگیرند و علت آن اختلاط با عناصر سر کوتاه میباشد .

۲ - قبائل دور دست و مجزاکه با سایر عناصر مخلوط نشده یا کمتر مخلوط شده اند کم و بیش نوع سردراز خود را حفظ کرده اند .

۳ - منظم بودن و حدود گروههای سردراز در مقابل گروههای سر کوتاه نشانه آنست که نوع اساسی شکل سر در میان جمعیت ایران سردراز است و عناصر سر کوتاه در نتیجه اختلاط با کسانی که بعداً با مردم ایران تماس پیدا کردند بوجود آمده است . جمعیت و مردم اصلی ایران تا حدودی بعنوان موجودیت جداگانه مردم شناسی باقیمانده ولی اختلافات نژادی آنها از بین رفته است . همه افرادی که اندازه گیری شدند (ستون ۵۹) دارای قطر پیشانی پهن - اقل بودند که میانگین آن ۱۰۵ (بین ۹۰-۱۲۰) باشد .

اندازه	شماره	شماره %	آذربایجانی	شماره %	اشتهاردی	شماره %	مزلانی	شماره %	ایرانی	شماره %	جمع
۹۰ - ۹۲	۱	۰/۳	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۲/۱	۱	۰/۷
۹۳ - ۹۵	۱	۵/۳	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰/۷
۹۶ - ۹۸	۱	۵/۳	۲	۵/۹	۱	۳/۲	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۲/۷
۹۹ - ۱۰۶	۲	۱۰/۵	۱	۲/۹	۳	۱۶/۱	۶	۱۳/۱	۱۷	۱۳/۱	۱۱/۲
۱۰۷ - ۱۰۹	۵	۲۶/۳	۱۲	۳۵/۱۲	۱۵	۳۸/۷	۸	۲۸/۳	۱۳	۳۸/۳	۳۲/۹
۱۰۵ - ۱۰۷	۶	۳۱/۵	۶	۱۷/۷	۱۱	۳۵/۶	۴	۱۸/۲	۱۲	۳۶/۱	۲۵/۷
۱۰۸ - ۱۱۰	۲	۲۱/۱	۹	۲۶/۵	۱	۳/۲	۳	۱۳/۶	۱۱	۳۳/۹	۱۸/۴
۱۱۱ - ۱۱۳	۰۰	۰۰	۱	۲/۹	۰۰	۰۰	۱	۲/۶	۳	۶/۵	۳/۲
۱۱۴ - ۱۱۶	۰۰	۱	۲	۵/۹	۱	۳/۲	۲	۹/۱	۰۰	۰۰	۳/۲
۱۱۷ - ۱۲۰	۰۰	۰۰	۱	۲/۹	۰۰	۰۰	۱	۴/۶	۰۰	۰۰	۱/۳
میانگین	۱۹	۳۴	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۲۲	۱۰۰	۴۶	۱۰۰	۱۵۲	۱۰۰
میانگین	۱۰۴	۱۰۶	۱۰۴	۱۰۶	۱۰۴	۱۰۶	۱۰۶	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۵	۱۰۵
حداکثر	۱۱۰	۱۲۰	۱۱۲	۱۲۰	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۱۲	۱۲۰	۱۲۰
حداقل	۹۵	۹۷	۹۶	۹۷	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۶	۹۰	۹۰
نمود	۱۵	۲۳	۱۸	۲۳	۱۸	۱۸	۱۸	۲۲	۲۲	۳۰	۳۰

اکثریت یا ۵۸/۶ درصد در بین ریف ۱۰۲-۱۰۷ قرار میگیرند و تعداد افراد بتدریج و بطور منظم در هر دو نهایت روبه تقلیل میرود . فذچنکف در مورد ۶ ایرانی ارقام زیر را بدست آورد . میانگین ۱۰۷ ( اندازه بین ۱۰۲-۱۰۹) . هوسی برای حداقل قطر پیشانی افراد ریز ارقام عجیبی ذکر میکنند . ۵ (۵۷) ۲ عجمی (۷۵) ۳ بختیاری (۷۶) و ۱۱ شوشی (۶۰) . باشکال میتوان فهمید که

۱ - این مطلب با ارقام جدول صفحه گذشته مطابقت ندارد .

چگونه ارقام باین کمی در مورد افراد عادی بزرگسال بدست آورده است  
درمورد عرض استخوان گونه‌ها جدول زیر را ازدانیلو نقل میکنیم (ستون ۹۳)

مرض استخوان گونه

اندره	کرد	آذربایجانی	اشتهاردی	مزلانی	ایرانی	جمع
شماره %	شماره %	شماره %	شماره %	شماره %	شماره %	شماره %
۱۲۴-۱۲۲	—	—	—	—	۲	۲/۷
۱۲۷-۱۲۵	۱	—	—	۱	۲	۲/۱۰
۱۳۰-۱۲۸	—	۲	—	—	—	۱/۴
۱۳۳-۱۳۱	۱	۳	۴	۱	۴	۸/۸
۱۳۶-۱۳۴	۵	۳	۱۰	۲	۱۳	۲۵/۷
۱۳۹-۱۳۷	۴	۵	۱۹/۴	۴	۸	۱۸/۲
۱۴۲-۱۴۰	۶	۹	۲۹/۰	۲	۹	۲۳/۶
۱۴۵-۱۴۳	—	۷	۲۲/۵	۲	۵	۱۰/۲
۱۴۸-۱۴۶	۱	—	—	۳	۲	۴/۷
۱۵۰-۱۴۹	—	۱	۳/۲	۲	۲	۲/۷
جمع	۱۸	۳۱	۳۱	۲۲	۴۶	۱۰۰

میانگین	۱۳۸	۱۳۹	۱۳۸	۱۳۹	۱۳۷	۱۳۸
حداکثر	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۱	۱۵۰	۱۴۶	۱۵۱
حداقل	۱۲۷	۱۳۰	۱۳۱	۱۲۶	۱۲۲	۱۲۲
تفاوت	۲۱	۱۹	۲۰	۲۴	۲۴	۲۹

میانگین ۱۳۸ بود با حداکثر ۱۵۱ (اشتهاردی) و حداقل ۱۲۲ (ایرانی).  
اکثریت افراد یا ۶۷/۶ درصد آنها در طبقه متوسط واقع میشوند یعنی بین ۱۳۴-۱۴۲. در حالیکه تقلیل در هر دو حد آشکار است بطور نا منظم صورت میگيرد و این مطلب نشانه اختلاط نوع افراد دارای صورت پهن و صورت باریک میباشد. دانیلو اندازه گیریهای خود را مخصوصاً میانگین کلی ایرانیان را با میانگین جدول ایوانوسکی که قبلاً مختلف کلموک را بعنوان نمونه نوع منولی اندازه گیری کرده مقایسه میکند و باین نتیجه میرسد که میانگین افراد کلموک یعنی ۱۵۸ تقریباً ۲۰ میلیمتر زیاد تر از ارقام وی میباشد.

نام قوم	شماره	عرض صورت با استخوان گونه ها	نویسنده
ایرانی	۱۰	۱۳۸	
آذربایجانی	۱۰	۱۴۲	۲ پانتیو کف
کرد	۷	۱۴۰	
ایرانی	۶	۱۲۷	فد چنکف

## اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۱۳۵

دانیلومیگوید تفاوت قابل ملاحظه‌ای که در عرض صورت شش ایرانی که از طرف فذ چنگف اندازه گیری شده با ارقام فوق ممکن است در اثر اختلاف طریقه اندازه گیری باشد .

اندازه	کرد	آذربایجانی	عرض چانه یا فذ		مزلقانی	ایرانی	جمع
			شماره	٪	شماره	٪	٪
۸۵-۸۸	۰۰	۰۰	۰۰۰۰	۲	۶/۵	۰۰	۴
۸۹-۹۲	۲	۱	۲/۹	۲	۶/۵	۰۰	۷
۹۳-۹۶	۵	۶	۹۷/۷	۵	۱۶/۱	۴	۳۱
۹۷-۱۰۰	۴	۳	۸/۸	۵	۱۶/۱	۳	۲۱
۱۰۱-۱۰۴	۳	۴	۱۱/۸	۵	۱۶/۱	۶	۲۸
۱۰۵-۱۰۸	۱	۱۲	۳۵/۳	۵	۱۶/۱	۳	۲۸
۱۰۹-۱۱۲	۳	۳	۸/۸	۵	۱۶/۱	۳	۲۰
۱۱۳-۱۱۶	۰۰	۵	۱۴/۷	۲	۶/۵	۲	۱۲
۱۱۷	۱	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۰۰	۱
جمع	۱۹	۳۴	۱۰۰	۳۱	۱۰۰	۲۲	۱۵۲
میانگین	۱۰۱/۵	۱۰۴/۲	۱۰۱/۷	۱۰۳/۱	۱۰۱/۰	۱۰۲/۲	۱۰۲/۲
حد اکثر	۱۱۷	۱۱۶	۱۱۶	۱۱۳	۱۱۶	۱۲۷	۱۲۷
حد ادنی	۹۰	۹۰	۸۶	۹۴	۸۵	۸۵	۸۵
تفاوت	۳۷	۲۶	۳۰	۱۹	۳۰	۴۲	۴۲

مطابق معمول گروه میانگین دارای تعداد زیاد تری از سایر گروهها است .

نام قوم	شماره	عرض چانه	نویسنده
ایرانی	۶	۱۰۷	فد چنگف
ایرانی	۱۰	۱۱۰	{ پانتیوکف
کرد	۷	۱۱۱	
آذربایجانی	۱۰	۱۱۴	

دانیلو نتیجه میگیرد (ستون ۱۳۵): مردم ایران از لحاظ قد کمی بلندتر از متوسط (۱۶۸/۸) هستند و این مطلب در نتیجه اندازه گیری از ۶۳ نفر بدست آمده است . سر آنها از نظر اندازه مطلق و از نظر نسبت آن به قد متوسط است و شکل آن بیضی دراز که طول آن از پیشانی تا پشت سر متوسط و عرض آن نسبتاً کم است . میانگین رقم شاخص سر در مورد ۵۶۱ فرد ۷۸/۲ میباشد . افراد دارای سر کوتاه نسبتاً نادرند و اکثریت ایرانیان یا دارای سر متوسط و یا سردراز هستند . پیشانی آنها کوتاه و باریک است . صورت آنها دراز و بیضی شکل و چانه

آنها كوچك و عرض بين دو استخوان گونه كم و باريك است . اندازه بينی آنها متوسط است و قسمت سفلی صورت خوش شكل است .

چشمان آنها كه نزديك بهم قرار دارند درشت و رنگه تخم چشم تيره و معمولا قهوه‌ای است . موی سر آنها معمولا موجدار و رنگه آن بلوطی یا مشکی است . موی بدن آنها نسبة زیاد است . بطور کلی ایرانیها مردمانی عضلانی و قوی هستند و سينه پهن دارند . كمتر باريك دارند و بدن و بازو و پای آنها نسبت به قد آنها نسبة دراز است .

درمیان اقوام ديگر كه در نواحی مجاور زندگی میکنند افغانها و كولیهای آسیائی از لحاظ اندازه سر و اعراب و يهودیها از حیث اندازه بازو و پا شبیه ساكنین ایران میباشند .

در بعضی افراد عرض سر و عرض صورت نسبة زیاد است و وقتی با قد کوتاه توأم باشد چنین بنظر میرسد كه آن افراد با عناصر ترك و مغولی مخلوطند . از طرف ديگر در نواحی جنوبی ایران افرادی دیده میشوند كه قد آنها از متوسط كمتر و پوست تاریكتر و موی موجدارتر و بینی کوتاهتر و عرضتر دارند و احتمال می رود كه در اثر اختلاط با شوشیها بوجود آمده اند كه خود با سیاهپوستان و نیمه سیاهپوستان نسبت داشتند . چون دانیلو فقط ۱۵۲ نفر از افراد قبائل شمالی مملكت را اندازه گیری کرده اظهار میدارد كه مطالب و نتایج حاصله غیر كافی است و مشكل است درباره اختلافات بین قبائل مختلف ساكن ایران و تأثیر وضع جغرافیائی و طبیعی محلی بدرستی قضاوت كرد .

در ضمیمه كتاب خود دانیلو در باره جمجمه افراد گبر و ایرانی مینویسد كه در كتب مربوط به مردم شناسی ارقام اندازه گیری درباره سرائرانیان وجود ندارد و علت عمده آن اینست كه تقریباً غیر ممكن است جمجمه اینگونه افراد را بدست آورد زیرا ایرانیها اجساد اجداد خود را با نظر احترام میگرد و هر كس كه آنها را جابجا كند مورد تنبیه شدید قرار میگیرد . در نتیجه در موزه های اروپا بیش از ده تا پانزده جمجمه ایرانی وجود ندارد .

دانیلو موفق شد از قبرستان قلعه گبری در كوهستان جنوب شرقی طهران پنج جمجمه بدست آورد . این جمجمه ها روی سطح زمین پیدا شد و فقط یکی از آنها از داخل غار زیر زمینی كه مدخل آن با تخته سنگهای بزرگ پوشیده شد . بود

بدست آمد. بدنی که این جمجمه بآن تعلق داشت فقط نیمه فاسد شده بود. این جمجمه ها بموزه مردم شناسی دانشگاه مسکو اهدا شد. مطالعات جمجمه شناسی درباره این جمجمه ها که توسط ایوانوسکی A.A. Ivanovskii یکی از کارمندان موزه مردم شناسی بعمل آمد نشان داد که یکی از این جمجمه ها (یعنی جمجمه شماره ۱ بیک زن و جمجمه دیگر (یعنی شماره ۲) بیک جوان و سه جمجمه دیگر (یعنی ۳ و ۴ و ۵) پسه مرد بزرگ سال تعلق داشته است.

بر اساس اطلاعاتی که دانیلو (ستون ۱۳۹-۱۴۴) داده است جمجمه های مزبور بدین طریق توصیف شده است: دراز - عرض متوسط و بلند و محیط افقی و عمودی آنها متوسط و قسمت گیجگاه بزرگتر از قسمت جلو و محیط محوری آنها کوچک. این جمجمه ها همه از نوع سردراز هستند. در میان گیرها عرض سر و عرض قسمت فوقانی صورت نسبتاً زیاد است ولی بطور کلی عرض صورت کم و کمی در قسمت فوقانی پهن تر و دراز است. گردن بخصوص در ناحیه عضلات پشت گردن کلفت است. عرض بین حدقه چشم متوسط و نسبت بین طول حفره چشم و ارتفاع آن megalosome بینی باریک و سق متوسط است و فک یک کمی جلوتر از قسمت بالای صورت میباشد. هیچگونه نقص و عیب مصنوعی در جمجمه ها مشاهده نشد. وقتی این جمجمه ها با جمجمه های ترکمن و ترکی (ایوانوسکی ۱۸۹۱-۱۸۹۳-۱۹۳۰) و ۲۰۰ جمجمه مغولی که ایوانوسکی شرح داده (۱۸۹۲-۱۸۹۳-۳۲۵) مقایسه شوند معلوم میشود که جمجمه گیرها تا حدی شبیه به جمجمه های ترکمنی است ولی ظاهراً هیچگونه خصوصیات مغولی در آنها مشاهده نمیشود. ایوانوسکی (۱۸۹۱b- ص ۱۰۰-۲۲۴) مطالب و ارقام مربوط به اندازه گیری جمجمه ساکنین قدیم و فعلی قفقاز را خلاصه کرده و باین نتیجه رسیده است که در میان جمجمه ساکنین قدیم ارقام شاخص سربارت بوده است از: ۵۹/۹ درصد سردراز و ۱۶/۴ درصد متوسط و ۲۳/۷ درصد سر کوتاه. اکثر جمجمه ها دارای تاج بلند و پیشانی عریض متوسط و عضله پشت گردن است و سق پهن و صورت باریک و حفره چشم بلند و بینی باریک میباشد. جمجمه گیرها تقریباً دارای همین خصوصیات است.

دانیلو (ستون ۱۴۵) مینویسد که اندازه گیری ۸۷۳ نفر از جمعیت فعلی قفقاز متعلق به ۱۵ قبیله مختلف نشان میدهد که ۱۱ درصد دارای سردراز و ۱۶ درصد سر متوسط و ۲۳ درصد سر کوتاه هستند. ناتو خائیت ها دارای سر دراز و



کردها و اوست ها<sup>۱</sup> طبق اندازه گیری فن ارکرت دارای سر متوسط و همه قبائل دیگر قفقاز دارای سر کوتاه هستند . بنابراین جمجمه گبرها شبیه جمجمه ساکنین قدیم قفقاز است . طبق نظر کواترفاژ و حامی جمجمه افغانها و هندوها نیز تا حدی شبیه است .

دانیلو میگوید که واضح است که بر اساس این مطالعات مختصر نمی توان راجع به خصوصیات جمجمه های ایرانی بطور قطع اظهار نظر کرد . ولی بادر نظر گرفتن مطالب محققین دیگر و مشاهدات شخصی خود در باره افراد زنده دانیلو معتقد است که میتوان فرض کرد که جمجمه ایرانیان بخصوص گبرها دارای خصوصیات زیر است : سردراز و نیمه دراز و گونه كوچك و بینی باریك و صورت دراز . دانیلو (ستون ۵۳-۵۵) فهرست مفصالی از ارقام شاخص سر میدهد و آنها را طبق دلخواه خود بگروه های نیمه سردراز و سر متوسط و نیمه سر کوتاه و سر کوتاه تقسیم بندی میکند . دانیلو نام همه محققین و نویسندگان را ذکر نمی نماید . جدول منتخب زیر بمنظور مقایسه نقل شده است .

شاخص سر

سر کوتاه (۸۳/۳۴) بیالا

۸۹/۶	آسوری
۸۶/۰	گرچی
۸۶/۰	ازبك ساكن فرغانه
۸۵/۶	ارمنی
۸۵/۵	تاجيك ساكن فرغانه
۸۵/۵	ازبك ساكن زرافشان
۸۴/۵	گرچی
۸۴/۰	ازبك ساكن كولدژا
۸۴/۰	ازبك ساكن سمرقند
۸۴/۰	تاجيك ساكن زرافشان

۱ - این مطلب با اندازه گیری ۱۰۷ نفر از افراد اوست شمالی که دارای سر کوتاه هستند وفق نمیدهد .

نیمه سرکوتاه (۸۰/۰۱-۸۳/۳۳)

۸۳/۰

ازبک ساکن زرافشان

۸۳/۰

ترکمن

۸۳/۰

تاجیک ساکن سمرقند

سرمقوسط (۷۷/۷۸-۸۰)

۷۹/۵

تاتار ساکن کریمه

۷۸/۷

تات داغستانی

۷۸/۴

ایرانی

۷۸/۱

کرد

۷۸/۱

آذربایجانی

۱۸۹۵ - قطعات منتخب زیر از نوشته برینتون Brinton درباره نژاد-

شناسی آسیا در ناحیه بین سی و چهل درجه عرض جغرافیائی شمالی و مغرب پنجاهمین درجه شرق گرینویچ اقتباس شده است.

برینتون (ص ۲) معتقد است که افراد نژاد راوید یا سیاهپوست که در آثار تاریخی شوش نقش آنها دیده میشود احتمال میرود تصویر بردگان یا اسرا باشد و نه تصویر ساکنین قدیم آن و این عامل روشن میکند که منشأ بعضی خصوصیات نژاد سیاهپوست در میان اهائی معاصر شوش از کجا است. وی اضافه میکند (ص ۱۳) که «حبشی‌های آسیائی، که هرودت و بعضی از نویسندگان دیگر ذکر کرده اند سیاهپوست حقیقی نیستند. بطوریکه گفته شده است این مردم دارای موی صاف بودند. ژورژ راد (George Radet) (در نشریه باستان شناسی - جلد ۲۲ مورخ ۱۸۹۳ ص ۲۰۹ بعد) نشان میدهد که لااقل بعضی از آنها از نژاد سامی بودند.

وی نظریه قرار دادن افراد یکی از قبائل حامی (کوتیه‌ها) را در مغرب

آسیا نظری که از کتاب سفر آفرینش فصل دهم اخذ شده قابل قبول نمیداند.

۱۸۹۵ - برینتون (ص ۴ - ۵) نظریه مبنی بر اینکه در ازمنه ماقبل

تاریخ نژاد تورانی سیبری یا سینیتی (Sibirie or Sinitic) در آسیای غربی و اروپای جنوبی و مرکزی سکونت داشتند مورد تردید قرار میدهد. تنها گروه‌های مغولی که در حال حاضر در ناحیه ایران باستان ساکنند یعنی هزاره ها و ایمکها و بعضی دیگر «در موقع حملات چنگیز خان در قرن چهاردهم میلادی باین ناحیه

آمدند . « برینتون ( ص ۵ ) میگوید : « از نظر خصوصیات جسمانی مردم لااقل عصر تاریخی مغرب آسیا در هیچ مورد خصوصیات مشخص نژاد سیبری را نشان نمیدهند . بطوریکه از تصاویر یا بقایای جمجمه های قدیمترین قبرستانها میتوان استنباط کرد آن افراد دارای سرم توسط یاسر دراز و چشم صاف و صورت بیضی باریک و پل بینی مشخص و غیره بودند . »

برینتون ( ص ۱۱-۱۷ ) معتقد است که افراد نژاد قفقازی و آریایی و سامی سه طبقه عمده نژاد سفید را تشکیل میدهند که در ازمنه ما قبل و اوایل تاریخ در مغرب آسیا سکنی داشتند. برینتون ( ص ۳۲ ) به نتایج کلی زیر میرسد :

« ۱ - دلیل و شاهی مبنی بر وجود نژاد غیر آفریقائی و اروپائی در مغرب آسیا در دست نیست، این سر زمین همیشه در تملک شعب قفقازی و سامی یا آریایی نژاد سفید بوده است .

« ۲ - علائم مشخصی وجود دارد مبنی بر اینکه درازمنه ما قبل تاریخ نژاد قفقازی در نواحی وسیع جنوب موطن فعلی خود سکنی داشتند و در اثر حملات آریانها و سامیها بسمت شمال رانده شدند .

« ۳ - سلسله جبال امانوس *Amanus* در سمت مغرب و ماسیوس *Masius* در شمال و زاگرس در مشرق از ازمنه بسیار قدیم محل تأثیر ثابت نژاد سامی بوده است .

« ۴ - نژاد آریان در اوایل عصر تاریخی ناحیه بین زاگرس تا پامیر را تحت تملک داشت و مادیها و مادیهای اولیه از آریانها بودند .

« ۵ - تمدن بابل از بعضی از شعب نژاد سفید و یوحد آمد و نه از قبائل آسیائی یا قبائل نژاد زردونه بوسیله افراد نژاد دراویدی یا سیاهپوست .

« ۶ - گروه اناطولی آسیای صغیر با قبائل گال و سلطه اروپای مرکزی منسوب بودند و چندین هزار سال قبل از مهاجرت یونانیها با آسیا در آن ناحیه سکونت داشتند . »

۱۸۹۵ - شارل دو اوژف الوی *Charles de Ujfalvy* میگوید کلمه ارانیان و ایرانیان موجب سوء تفاهم میشود و در نتیجه بین اربابان شمال شرق و ارانیان فلات ایران با ایرانیان فرق و تفاوت قائل میشود. وی میگوید این تفاوت لازم است تا اهالی بومی باختر و ماوراءالنهر و سعدیان و فرغانه را از ایرانیان یعنی

اهالی ایران و افغان و غیره جدا کنند و می افزایند که در میان ایرانیان فقط يك نوع سبزه یا تاریك رنگه وجود دارد در حالیکه در میان سایرین نوع موبور و سفید بدون شك در ترکیب آنان نقش عمده بازی کرده است. ۱. در ذیل (ص ۴۴) مشارالیه اضافه میکند: «ایرانیان باکتریا و قبائل کالتچای پامیر و شمال هندو کش را ادانی مینامیم.»

کوشش شده که ارقام مربوط به قد و شاخص سر که اوژفالوی داده است مورد استفاده قرار گیرد ولی بعلت کثرت اشتباهات و اغلاط در متن و جدول ها از این کار صرف نظر شد.

۱۸۹۶ - طبق نظر ژنرال هتوم شیندلر Houtum - Schindler (رجوع شود به ص ۴۸) «از اندازه گیری چند جمجمه که توسط دوهوسه و خانیکیف و هوسی و دیگران بعمل آمده کوشش شده است که ساکنین ایران به نژادهای آریائی و ترک و مغول و آریان و مغول و سامی و غیره طبقه بندی شوند ولی بقول کواتر فائز ارقام مربوط به شاخص سر را در طبقه بندی نژادهای بشری نمیتوان مورد استفاده قرار داد و همه کوششها برای مشخص کردن نژاد قبائل مختلف بوسیله تاب سر با عدم موفقیت روبرو شده است. اگر زبان را اساس طبقه بندی قرار دهیم میتوان گفت که اغلب ساکنین قسمت شرقی عراق ایران ایرانی هستند و اهالی ساکن نواحی کوهستانی دارای نژاد پاك میباشند. در شهرها بخصوص در طهران اختلاط با خون ترك قابل ملاحظه است. بعضی فامیلهای ساکن قم و کاشان خود را عرب میدانند ولی اکنون خون سامی در آنها خیلی کم است. آرامنه در طهران و جلفای اصفهان سکونت دارند و یهودیها در طهران و کاشان، و اصفهان تعداد کمی از زردشتیان که در ایران آنها را گبر مینامند ساکن طهرانند. بعلت کمیابی آب و قلت نباتات تعداد افراد قبایل بادیه نشین در این ناحیه زیاد نیست. قبایل ترك خلع و شاهسون و بیات که بهلجه ترکی آذربایجانی تکلم میکنند در فصل زمستان در دشتهای اطراف طهران و قم و آوه و ساوه و قبایل خواجه وند و بعضی دیگر از لك ها در دشت های شمال شرقی طهران و قبائل لرزند نزدیک قم و قبيله پازکی کرد قبيله شاهسون قبيله

نسبتاً جدیدی است که در هیچ اول قرن هفتم توسط شاه عباس اول تشکیل گردید تا از قنبر، سی و دو قبیله قزلباش که رؤسای آنان در سال ۱۵۰۰ میلادی مقامات مهم قشونی و کشوری را در اختیار داشتند کاسته شود. بسیاری از افراد قزلباش به قبیله جدید ملحق شده و در بعضی موارد باعث شدند قبیله اصلی آنها کاملاً از بین برود. قبیله جدید شاهسون یعنی دوستدار شاه خوانده شد زیرا این قبیله از محافظین مخصوص تاج و تخت بشمار میرفت. مهمترین قبائل قزلباش که همه ترک بودند عبارت بودند از استاجالو - شاملو - قاجار - افشار - ذوالقدر - اینانلو - تکالو - بیات و خلج. از قبائل استاجالو و ذوالقدر اکنون عدد بسیار کمی باقی مانده که در آذربایجان سکونت دارند.

شاملوها که سوریهای هستند و در قرن چهاردهم توسط تیمور از سوریه که پس از حمله جنگیزخان بآنجا مهاجرت کرده بودند بایران عودت داده شدند اکنون یکی از شعب شاهسون محسوب میشوند و بعضی از آنها قبیله جداگانه شده اند بنام بهارلو. قبیله بهارلو در اصل شعبه ای از قبیله شاملو بود و همینکه شاملوها هویت خود را ازدست دادند قبیله جداگانه تشکیل دادند. تعداد آنها اکنون در حدود دوهزار و پانصد خانوار است که نیمی در فارس و نیمی در آذربایجان سکنی دارند. در فارس آنها را عرب مینامند شاید بعلمت آنکه در اصل از سوریه آمده اند. قبیله قاجار قبیله شاه ایران و افراد قایل سلطنتی است و دوازده شعبه میشود که در شمال ایران بخصوص در مازندران و استرآباد ساکنند. قبایل افشار در حدود ۱۲ هزار خانوارند که در آذربایجان سکونت دارند. . . احتمال میرود که افشارها در قرن یازدهم بایران آمده باشند. اینانلوهامهمترین قبیله شاهسون هستند و رئیس آنها معمولاً رئیس کل قبیله محسوب میشود. قبیله تکالو در سال ۱۵۳۱ میلادی توسط شاه طهماسب منحل و افراد آن به قبائل دیگر ملحق شدند. معدودی قایل نام خود را حفظ کردند ولی قبیله آنها از صفحه تاریخ محو شد. درجدول سلسله نسب که در کتاب رشیدالدین (که در اوایل قرن چهاردهم نوشته شده - رشیدالدین در سال ۱۳۱۸ فوت کرد) درج شده نام قبیله خلج، خلج یا قلیچ آورده شده است. خلجهای ایران از همان نژاد خلج - خلجی - قلیچ یا قلزائی افغانستان هستند ولی قبیله اخیر چندین قرن قبل برادران ایرانی خود در آسیای مرکزی را ترک کردند و نویسندگان مشرق زمین ذکر آنها را کرده

گفته اند که در اوایل قرن دهم در افغانستان زندگی میکردند و همچنین نوشته اند که آنها یکی از قبائل ترك از اولاد اغوزحان میباشد. این قبیله در حدود سال ۱۲۰۰ میلادی بقشون چنگیز خان ملحق شده و در هجوم بممالك مغرب خود شرکت کرده و بعداً در آسیای صغیر استقرار یافتند. قسمتی از آنها بعداً در ایران مستقر شدند و در سال ۱۴۰۴ میلادی آنها را در حوالی ساوه میبایم، تیمور بآنها امر کرد که به قوای امیر شاه ملك و پیر علی سلدوز در ری ملحق شوند (روضه الصفا) قسمتی از افراد این قبیله در فارس و کرمان و آذربایجان سکونت دارند. در جداول رشید الدین قبائل بیات تحت عنوان قبایل تاتار ذکر شده اند. بیاتها ترك هستند و با چنگیز خان بایران آمدند و بعضی از آنها در ایران و برخی در آسیای صغیر استقرار یافتند.

در پایان سلطنت شجاع الدین خورشید اتابك لرستان كوچك (متوفی ۱۲۲۴ میلادی) ناحیه شمال بروجرد و خرم آباد را در اشغال داشتند (اكرادنامه تألیف شریف الدین) و اکنون هم در همان ناحیه سكنی دارند. بعضی از آنها در فارس و کرمان هستند و برخی به قبیله قاجار ملحق شده و شعبه شامبیاتلو را تشکیل داده اند.

«حجائوندها و سایر قبائل لكماندنا ناكلی و كله كوه در مشرق اراك ایران از قبائل بومی ایران محسوب میشوند و عجب آنستكه اغلب آنها تركی یا صبیح تر گفته شود مخلوطی از تركی و فارسی حرف میزنند. سایر قبائل لك به لهجه ای شبیه كردی تكلم میکنند.

«زندها از قبیله لرنند و قبل از کریم خان زند که از سال ۱۷۵۷ تا ۱۷۷۹ پادشاه ایران بود نامی از آنها در میان نبود. سلسله زند بادستگیری لطفعلی خان در سال ۱۷۹۵ بوسیله آغا محمد خان قاجار منقرض شد و قبیله زند از هم پاشید. در حال حاضر در حدود صد و پنجاه تا دویست خانوار قبیله زند در نواحی قم و همدان و ملایر و بختیاری سکونت دارند و همه مقامهای فرعی را اشغال کرده اند.

«پازکی یا پازوکی زمانی قبیله مقتدری بود که در نزدیکی ارض روم سكنی داشتند و نام بعضی از روسای آنها در کتاب اكرادنامه شرف الدین ذکر شده است. این قبیله در اواخر قرن شانزدهم از هم پاشید و بعضی از آنها بایران

مهاجرت کردند و در حدود هزار خانوار در خوار و ورامین و دهرمهرق و جنوب شرقی طهران ساکنند. بعضی از آنها ترکی و برخی به کردی تکلم میکنند.»  
 در مورد جمعیت هتوم شیندلر (۱۱۷-۱۱۹) مینویسد: «شهر اصفهان متشکل است از خود شهر در ساحل چپ رود خانه زاینده رود و باغات حوالی آن ... جمعیت شهر کم و بیش در حدود ۸۰ هزار نفر است (حضرت والا شاهزاده ظل السلطان لطفاً کتابی حاوی آمار مربوط به ایالت اصفهان تحت اختیار نویسنده گذاشتند). از این آمار چنین مستفاد میشود که در سال ۱۸۸۲ از جمعیت شهر و همه دهات و قصبات آن سرشماری شده است. مردم شهر دوبار سرشماری شدند یکبار توسط کارمندانی که برای این کار به خصوص تعیین شده بودند و بار دیگر مستقلاً و در آن واحد بوسیله روسای محلات و قراء و قصبات. ارقامی که باین ترتیب بدست آمد تقریباً یکسان بود از جمله در مورد شهر اصفهان بدون بشمار آوردن ارامنه جلفا در ساحل راست رودخانه ارقام دو سرشماری بدین قرار است: سرشماری اول ۹۶۱۶ خانه با ۳۷۵۹۷ مرد و ۳۶۱۸۸ زن که جمع کل آن ۷۳۷۸۵ نفر میشود. سرشماری دوم ۹۵۷۲- خانه با ۳۷۴۶۲ مرد و ۳۶۰۶۴ زن و جمع کل ۷۳۵۲۶ نفر...»

#### میانگین سرشماری ۲۰۱

۹۵۹۴		خانه
۳۴۵۹۹	مرد	} مسلمان
۳۳۱۷۲	زن	
۶۷۷۷۱		
۲۹۳۰	مرد	} یهودی
۲۹۵۳	زن	
۵۸۸۳		
۷۳۶۵۴		جمع کل جمعیت اصفهان

بر فرض اینکه افزایش جمعیت  $\frac{۳}{۴}$  درصد در سال باشد و این تناسب

در سایر جاها صدق میکند جمعیت فعلی یعنی یازده سال بعد از سرشماری فوق ۷۹۷۲۶ نفر خواهد بود ولی چون عدد زیادی در طی ده سال اخیر از نواحی

مجاور بشهر مهاجرت کرده اند جمعیت اصفهان را میتوان نزدیک به ۸۲۰۰۰ هزار نفر دانست .

۱۸۹۹- رپلی Ripley که در سال ۱۸۹۹ نوشته درباره نژادهای مختلف جنوب غربی آسیا و تأثیر آنها در مردم ایران مفصلاً بحث کرده است (ص ۴۴۲ - ۴۵۲) میگوید :

« واضح است که در مطالعه مردمان شرقی اروپا نمیتوان آسیای صغیر و بین النهرین و ایران را نا دیده گرفت و بحساب نیاورد ... سیل مهاجرین و مهاجمین از همه سمت باین ناحیه روی آوردند که عبارت بودند از ترك و تاتار از مرکز آسیا - اروپائی از یونان و آفریقای ازمصر . تمرکز این اقوام در این نقطه البته در تشکیل و ایجاد تمدن آن و مقام آنها در تمدن عالم موثر بوده است و اشکال تشخیص عناصر مختلف نژادی یکی از آثار همین تمرکز و ورود اقوام مختلف است . تقسیم بندی زبان بطور قطع بحل مسئله كمك نمیکند . تاتارهای آذربایجانی که از عناصر عمده جمعیت ایران هستند از هر جهت و هر حیث ایرانی میباشد و لولاینکه بزبان ترکی تکلم میکنند ... در حالیکه زبان شناس چاره ای ندارد جز آنکه آنها را تحت عنوان ترك طبقه بندی کند. از طرف دیگر کردها اصولاً ساکن ترکیه آسیا هستند ولی از حیث زبان و خصوصیات جسمانی و غیره با ایرانیها نسبت دارند . ارامنه اگر بوسیله زبانشان که ایرانی است قضاوت شوند<sup>۱</sup> میتوان آنها را بین یونانی و ایرانی قرار داد . در حقیقت از لحاظ خصوصیات جسمانی با ترکمنها نزدیکی بیشتری دارند تا اقوام آریائی زبان. وضع نژادی را بهیچوجه نمیتوان از روی زبان معین کرد . ، امروز این ناحیه وسیع از طرف دو نوع مشخص نژادی اشغال شده است<sup>۲</sup> نوع اول نژادی این قسمت دنیا را میتوان ایرانی خواند که شامل ایرانیان و کردها و شاید اوستهای قفقاز و درزتر. در سمت مشرق شامل تعداد زیادی از قبائل آسیائی از افغانها گرفته

۱- مقایسه شود با یادداشت در کتاب نژاد شناسی کین Kean زبان ارمنی سامی یا خاص باشد بطور قطع آریائی است.

۲- منبع موثق ما در این باره کتاب مفصل شانتر تحت عنوان تحقیقات در آسیای غربی است چاپ لیون مورخ ۱۸۹۵ . خصوصاً مراجعه شود بخلاصه در صفحات ۲۳۴-۲۴۴ .



نه هندوها میشود. همه این اقوام در دوجۀ اول دارای سر دراز و موی و چهره تیره میباشند. اگر چه ازلحاظ قد درجات مختلف دارند، متمایل به لاغری هستند، در آنها فوراً شباهت و نسبت بدون تردید با اقوام ساکن مدیترانه اروپا مشاهده میشود. ناحیه بسط آنها از راه مصر بافریقا کشیده میشود و مصریان از همان نژاد هستند. نه تنها ساکنین عصر حاضر مصر بلکه مصریان عهد باستان و قبیله‌های نیز بهمان نژاد نسبت دارند. قسمت عمده این ناحیه آسیای غربی را مردم شبه شرقی نژاد مدیترانه اشغال کرده‌اند.

نوع دومی نژادی این ناحیه مرزی بین اروپا و آسیا را میتوان طبق نظر شاتنر منسوب به ارامنه دانست زیرا بهترین نمونه‌ها ارامنه عصر فعلی میباشند. اینها مانند نوع نژاد ایرانی کمتر پخش و پراکنده هستند، بغیر از آسیای صغیر تعداد خیلی ازیابقیمانده نژادی آنها در سوریه و بین‌النهرین یافت میشود. در تمام شبه جزیرۀ آناتولی طبقه زیرجمعیت را تشکیل میدهند و بدوی‌تر از ترکها میباشند. این نوع نژادی دارای شکل سر عجیب میباشند که علمای علم مطالعه تطبیقی ساختمان و وظایف و نمو بدن انسانی *Somatology* آنرا - *hypsi brachycephaly* می‌نامند... سر آنها برخلاف معمول در پشت سر صاف است از گردن صاف بالا می‌آید در حالیکه بلندی جمجمه بطور زیادی افزایش می‌یابد. البته این مطلب عرض حقیقی صورت را که برخلاف ایرانیان مخصوص این نوع است پنهان میدارد. این نوع شکل سر علامت فشار و پهن شدن مصنوعی است و آن بدون شك یا عمداً بوجود آمده و یا در اثر سختی و فشار گهواره پدید آمده است. جای تردید نیست که کوتاهی سر کاملاً مصنوعی نیست و الا می‌بایست آنرا در اثر خصوصیات مکتسبه موروثی دانست. زیرا حتی در موردی که چنین نقص دیده نمی‌شود همان شکل کله قندی سر وجود دارد (شاتنر مورخ ۱۸۹۵ ص ۳۷-۶۷). علاوه بر این خصوصیت شکل سر خصوصیات جسمانی دیگری وجود دارد که این مردم را از نوع ایرانی مشخص می‌سازد. بدن آنها سنگینتر و در بین ارامنه تمایل بجاقی در آنها مشاهده می‌شود بین این دو نوع نژاد از لحاظ رنگ پوست بدن اختلاف زیادی وجود ندارد. هر دو تیره رنگ هستند. در این نواحی اشخاص موپور خیلی بندرت دیده می‌شود. ولی شاتنر در بین آنها یازده درصد افراد موپور یافت که اکثر آنها چهره تاریک داشتند. فقط وقتی بارتفاعات

هیمالیا در میان قباصل گلپاس میرسیم افراد دارای موی بور و چشم برنگه روشن زیاد دیده می‌شوند.

برای تملک و تفوق بر قسمت شرقی آسیای صغیر بین ارامنه و کردها رقابت وجود دارد. کردها را از نظر فرهنگ و تمدن باشکال می‌توان طبقه بندی کرد. طبقات پست تر آنها در نشین هستند و در قراء و قصبات سکونت دارند در حالی که طبقه حاکمه و رؤسای آنها چادر نشین و بدلخواه خود در حرکتند. جمعیت کل آنها در حدود دویلیون است که دوسوم آنها در سمت آسیای ترکیه و بقیه در ایران و چند هزار نفر در قفقاز ساکنند. ارامنه میگویند که این کردها از اولاد مادها هستند ولی نظر صحیح تر آنها را از نژاد کلدانی میدانند. نسبت آنها را به اعراب سوریه نمیتوان مورد تردید قرار داد (شائر ۱۸۸۵ جلد ۲ ص ۲۱۴). کوههای صعب العبور کردستان این اکراد را از حملات مغول و ترك نسبتاً مصون نگاهداشته است. هم از لحاظ زبان و هم از حیث خصوصیات جسمانی ایرانی هستند. شائتر اکردهای آسیای صغیر را مورد مطالعه قرار داده و درباره قیافه خشن و رفتار سبع آمیز آنها بحث میکند. کلمه کرد از واژه که معنی آن عالی است مشتق است ولی مترادف ترکی آن که بمعنی گرگ است اخلاق و صفات آنها را بهتر تعریف می‌نماید. رنگه چهره آنها تیره و چشم آنها گود و برنگه قهوه‌ای تیره است. زنها معمولاً تیره تر از مردها هستند... بینی آنها صاف یا محدب است و بینی مقعر بندرت دیده میشود. سینه آنها دراز و خیلی باریک است (رقم شاخص سر آنها ۷۸/۵ است) و صورت آنها دارای ابعاد متناسب با سر آنها است در تصویری که از آنها داده‌ایم اثر فشار در کنار سر و جمجمه بخوبی آشکار است. قد آنها متوسط است. رویهم رفته بعلت پراکنده بودن وعادات بادیه نشینی و فقدان بهم پیوستگی اجتماعی کردها قومی نامتجانس هستند.

« جمعیت کل ارامنه در حدود پنج ملیون نفر است که متجاوز از نصف آنها ساکن ترکیه و بقیه ساکن قفقاز روسیه و ایران میباشند. از نظر مردم شناسی ارامنه دارای اهمیت شایان هستند زیرا بعلت بهم پیوستگی مذهبی و اجتماعی نمونه نوع خالص و پاک نژادی میباشد و از این حیث با قوم یهود رقابت میکنند.

۱- در کتاب چاپ ۱۸۹۵ ص ۷۵ بعداً با مطالب مربوط به ۳۳۳ فر. کتاب ناسونف (۱۸۹۰) نیز خوب است.

إفرياج. نقاد ارمني را همیشه ميتوان از شكل مخصوص سر آنها تشخيص داد ... حتى در نقاطی که قرن‌ها از قسمت عمده قوم خود منزوی بوده‌اند اين خصوصيت و نوع بدوی خود را ازدست نداده‌اند<sup>۱</sup>.

در اینکه نوع نژادی ارمني آسیای صغیر يك مسئله انتخاب مصنوعی نیست از وجود آنها در نقاط دور دست سرتاسر آسیای صغیر آشکار است... فن لو شان اين نوع را در میان عده‌ای از قبایل بدوی اناطولی بخصوص در میان آنهايکه بنام تاجتاوسکی معروفند پیدا می‌کند<sup>۲</sup>. اين مردم که تعداد آنها زیاد نیست اکنون در نواحی کوهستانی و دوردست لیسیا زندگی می‌کنند. نام آنها که چوب- بر معنی می‌دهد علامت شغل آنها است که اغلب بآن اشتغال دارند.

يك قوم دیگر بنام بکتاش یا نیمه مسیحی که اهالی شهر نشین بعضی نواحی را تشکیل میدهند از نظر خصوصیات جسمانی کاملاً شبیه تاجتاوسکی ها هستند . در کوهستان شمال سوریه همان طبقات جمعیت در میان انصاریه (نصارا) یا مسیحیان کوچک دیده می‌شوند . طبق نظر شانتز ( ۱۸۹۵- ص ۱۳۹-۱۴۸ ) اين مردم از نظر مردم شناسی با سایر انواع نژاد ارمني فرقی نداشته و قابل تشخيص نیستند . بطور کلی همه این مردم فقط در نواحی منزوی و دوردست مانند نواحی کوهستانی و باطلای پیدا میشوند . در نقاط ساحلی و در شهرهای بزرگتر نوعی که شبیه و منسوب به یونان سر دراز است بیشتر دیده می‌شود. باین دلایل فن - لو شان باین نتیجه مرسد که نوع ارمني بدوی تر و قدیمتر است و نماینده قدیمی- ترین ساکنین این شبه جزیره میباشد. ولی باید با سرجی ( اصل پخش نوع مدیترانه ص ۵۸ مورخ ۱۸۹۵ ) هم عقیده بود که می‌گوید اين امر مستلزم آن نیست که اینها قدیمی‌ترین مردمان اين ناحیه باشند. در حقیقت شواهدی در دست است که نشان دهد نوع باستانی‌تری مانند آنهايکه در گورستانهای یونانی پیدا

۱- در مورد ارامنه ریپلی بمنابع زیر مراجعه میدهد : شانتز ( ۱۸۹۵ )

ص ۳۷ به بعد- فن اوشان F. Von Luschan و پیترسون E. Petersen در کتاب سفر به لیکین و میلپاس و کیبریاتیس - ص ۲۱۲ چاپ وینه ۱۸۸۹ خانیکف مورخ ۱۸۶۶ ص ۱۱۲- تاواریانوویچ TvaryAnovitch در کتاب مطالب مردم‌شناسی آرمیان مورخ ۱۸۹۷ .

۲ - رجوع شود بکتاب وی مورخ ۱۸۸۹ ص ۱۹۸ - ۲۱۳ . مقایسه شود با کتاب وامبری Vambéry مورخ ۱۸۸۵ - ص ۶۰۷ .

می شود وجود داشته است. این نوع در خصوصیات نژادی کاملاً از نوع مدیترانه است و شاید منشأ آنها همان منشأ ایرانیان سردراز باشد که هنوز در جنوب و مغرب سکنی دارند .

وقتی تاریخ مردم شناسی آسیای صغیر را خلاصه می کنیم به نتایج زیر میرسیم : اول آنکه نوع نژادی مدیترانه یا ایرانی نماینده قدیمی ترین طبقه جمعیت این قسمت دنیا است . این مطلب درباره اروپا نیز صدق می کند . نوع نژادی دوم که بعداً منطبق می شود عبارتست از نوع ارمنی یا سرکوتاه . . . و بالاخره علاوه بر همه اینها طبقه جدید مهاجرین و ترکهای که کم و بیش بایدیم نشین هستند وجود دارد امکان ارتباط یکی از اینها یعنی نوع ارمنی با هیتی های باستانی بناچار بنظر میرسد و شاید پلاسجی باشند . فن لوشان این نظر را اظهار میدارد و سرجی معتقد است که پلاسجی ها و هیتی ها هر دو در اصل آسیائی هستند چه کسی میداند ؟ . . . از نظر مقصود و منظور فردی ما اهمیت گروه ارمنی در اینست که توأم با نوع قفقازی یگانه حلقه ارتباطی بین نوع نژادی آلپ اروپای غربی و یا بهتر گفته شود همجنس آن در کوهستان غربی آسیا می باشد . نازکی حلقه ارتباطی بین این دو در این نقطه از همه جا زیادتر است . اگر برای تأثیر قوی مذهبی نبود در اثر حمله ترك و تاتار گسیختگی کامل بوجود می آمد ولی در حال حاضر پیوستگی نژاد آلپ در آسیای صغیر نمیتواند مورد تردید واقع شود .

در ایران این نوع جدائی آشکار بین انواع نژادی که بین ارمنی و کرد مشاهده می شود وجود ندارد . اختلاط بین کرد و ارمنی غیر ممکن است . . . فلات بزرگ ایران دارای خصوصیات جغرافیائی برجسته نیست و در نتیجه در بین مردم ایران انواع مختلف نژادی با هم مخلوط شده اند . معذرتاً نوع تأثیر مشخص نژادی در کار بوده که از ایرانیان خالص نوعهای فرعی متنوع بوجود آورده است . نوع ایرانی خالص فقط در دوناخیه محدود پیدا می شود . یکی در میان مردم فارس اطراف تخت جمشید در شمال شرقی خلیج فارس و دیگری در میان لر ها یا کوه نشینان سمت مغرب . از این دونوع فارسی ها آریانه های ایده آلی لغت شناسان اولیه می باشند . پوست آنها سفید و قامت آنها باریک و خوش ترکیب است و وقتی با ترکمن ها و تاتارها مقایسه شوند این خصوصیات جلوه بیشتری

نادر. موی سر و ریش آنها زیاد و برنگ بلوطی است و بدین ترتیب با مقامیسه با همسایگان تیره رفکتر خود بور جلوه می کنند. بور حقیقی با چشم آبی خیلی بندرت دیده می شود و این مطلب را از قول هوسی نقل می کنیم. لرها بلندتر و تیره رنگترند و موی آنها مشکی است. باید اضافه کرد که آنها از نوع سردراز هستند و صورت بیضی شکل و قیافه منظم دارند و همه خصوصیات آنها با خصوصیات افراد ساکن حوالی مدیترانه تطبیق می کند.

سه نوع فرعی این نوع ایرانی خالص در چندین جهت آفریقا و آسیای مرکزی و هندوستان قرار دارد. اولین آنها سامی ها هستند که در امتداد کلیه خط تماس با اعراب دیده می شوند و طبیعتاً مردم تیره رنگتری بسمت جنوب غربی بوجود آورده اند. نوع فرعی دوم توده عظیم ملت را تشکیل میدهد و از اختلاط با ایرانیان دارای خصوصیات ترکمن یا تاتار بوجود می آید از جمله حاجمی ها و تاحیک ها که در مشرق و شمال شرقی ساکنند از این قبیل هستند. تاتارهای آذربایجان نیز در این طبقه قرار می گیرند و اگرچه بزبان ترکی تکلم می کنند در حقیقت بطور مشخص نژاد ایرانی هستند... موی سر آنان خشن تر و متمایل به سیاه است و صورت آنها پهن تر و استخوان های گونه برجسته تر از ایرانیان خالص است. در ضمن سر آنها بخصوص در میان ساکنین شمال شرقی عریض تر است و بقول برایس «Bryce» ایرانی باریک و چابک و گربه مانند، به ترکمن تویتر و درشت تر تبدیل می یابد. آیا میتوان گفت که بحای ترکمن در اینجا اثر خون نژاد مردمان آلپ آشکار است؟... سومین نوع فرعی ایرانی در سمت جنوب شرقی در میان سوزی ها در دهانه خلیج فارس یافت می شود... آیا در اینجا اثر خون نژاد سایه پوست بلافاصله آشکار نیست؟ بینی پهن و گشاد و لب کلفت و چشم و موی سیاه آثار آن است. اکنون بحدود هند رسیده ایم. در اینجا با اولین آثار جمعیت بومی مواجه می شویم که شامل همه قبائل کوهستانی هند می شود و از ماوراء دریا تا اهالی ساکن جزایر ملانزی امتداد می یابد. در مشرق ایران چندین نوع نژادی که بدون اینکه ظاهراً معلوم باشد مخلوط شده و مردم فعلی آن ناحیه را تشکیل میدهند در پایه غربی کوهستان آسیای مرکزی تقسیم می شوند. این مانع بزرگ چنانکه در فصل مربوط بشکل سر شرح دادیم یکی از ناگهانی ترین تحولات نژادی دنیا محسوب می شود. در انتهای شرقی آن یعنی در امتداد

هیما لیا مغول های خالص تبت را از هندوها و قبایل سیاه پوست کوهستانی هند جدا می کنند. در سمت مغرب جبال هندو کش افغانستان دو نوع نژادی را که از اروپا تا این ناحیه تعقیب کرده ایم از هم جدا می نماید. در شمال جبال در ترکستان يك نوع نژادی یعنی نوع منتسب بآلپ در میان ترکمن ها دیده می شود. باز باید تأیید و تأکید کنیم که این مردم در ناحیه بین اورال و دریای خزر رو به مرسته بهیچوجه مغولی نیستند. در جنوب هندو کش در میان افغان ها و هندوها شاخه شرقی نژاد مدیترانه قرار دارد ...

« نکته جالب توجه اینکه در میان مردم شمال هندو کش هر چه بیشتر به سوی کوهستان میرویم افراد سر کوتاه زیاده تر می شوند در حالی که در قسمت جنوبی کوه عکس این قضیه صدق می کند. بنابراین از هر طرف گرفته شود خالص بودن و پاکی نوع که خود باقسام مختلف است به سمت رودخانه که بین آنها قرار دارد افزایش می یابد و مشاهده می شود که این عامل با تحول تدریجی نوع نژادی در فلات ایران تا چه حد فرق دارد. آیا هنوز میتوان گفت که هر چه به کوهستانها و ارتفاعات آسیا نزدیکتر شویم بهتر میتوانیم نوع نژادی اروپائی خود را به مثلاً مشترک برسانیم ؟ حقایق این فرضیه را تأیید نمیکند. از عناصر نژادی مردم اروپا لااقل دو عنصر در اینجا بهمان اندازه فرق دارند که در مرکز اروپا. عبارت دیگر در پیشرفت از اروپا بسوی مشرق بجای آنکه رو به مثلاً مشترک برسیم مشاهده میشود که بدورترین شاخه دو نژاد مشخص بشری می رسم که اصولاً باهم فرق دارند. »

۱۹۰۲ - سایکس P.M. Sykes (c ۱۹۰۲ - ص ۳۴۲-۳۴۳) می نویسد :

« درهمه نقاط غیر مرتفع بخصوص در قسمت های دوردست مردمی از نژاد تیره رنگ مسکن دارند. در این مورد بشاگرد و پس کوه و دره کلاگان بخصوص جلب توجه می نماید. در بدو امر در اثر عدم اطلاع این امر را مربوط بورود بردگان سیاه پوست میدانستم ولی درهمه نقاط گرمسیر از این نوع مردم دیده میشود بجز نقاطی که در زمان نسبتاً اخیر بوسیله قبائلی که زمین های حاصلخیز را اشغال کرده اند مورد تهاجم قرار گرفته است. این قبائل در فصل تابستان بنقاط مرتفع مهاجرت میکنند.

« دیولافوا که حاشیه کتیبه معروف تیر اندازان سیاه پوست شوش را که به

زمان سلسله‌هخامنشیان تعلق دارد کشف کرد وجود مجموعه‌های متعلق به نواد سباهیوست را در قبرستان پارتی‌ها ذکر میکند و این مطلب نوشته نویسنده‌گان باستان را تأیید می‌نماید.

« هرودوت البته سرآمد این نویسندگان است و این نکته جالب توجه است که هفدهمین استان یا ساتراپی داریوش شامل حبشی‌های آسیا بود که ازقرار معلوم بجای موی مجعد موی صاف داشتند.

« هفدهمین ساتراپی تقریباً بلوچستان امروز میشود و در آنجا آریا‌ن‌ها مهاجرت کرده‌اند که بعداً شرح آنرا خواهیم داد و همچنین قبائل تیره رنگه براهوئی که ازحیث زبان از دراویدی‌ها هستند باین نقطه آمدند.

« افراد براهوئی از بلوچها تیره رنگتر و کوتاه‌تر و چهارشانه ترند طبق افسانه‌های خودشان شبانان فقیری بودند که در قرن هفدهم بمکه راجه هندوی خود آمدند و بالاخره این ناحیه را مسخر نمودند.

« بدرستی معلوم نیست که آیا این حبشی‌های موصاف همین براهوئی‌ها بودند و اینکه آیا نژاد دراویدی از هندوستان تا شط‌العرب بسط داشته ولی احتمال میرود که این نظریه چنانکه نویسندگان قدیم و قرون وسطی تأیید کس کرده‌اند درست باشد. در میان این نویسندگان جغرافیدان بزرگه یا قوت از خوزی‌ها بعنوان نژاد پست سیاه یا قه‌وای پوست که ساکن عربستان یا خوزستان فعلی بودند سخن میگوید. »

در مورد کولی‌ها سایکس مینویسد (ص ۳۳۴) : « مسئله اصل نژادی آنها بقدری پیچیده است که من فقط بذکر اطلاعاتی که درباره این قوم جالب توجه کسب کرده‌ام اکتفا میکنم. در ایران در ایالات مختلف دارای نام مختلف هستند و بطور کلی آنها را فیوج مینامند که میگویند کلمه عربی است. در کرمان آنها را لولی ۱ و در بلوچستان آنها را لوری میخوانند.

۱ - برای معنی لغات به ص ۳۴۵-۳۴۹ مراجعه شود. همچنین مراجعه شود به نشریه انجمن پادشاهی آسیائی جلد ۳۰ ص ۳۰۲-۳۱۱ مورخ ۱۹۰۶. در آسیای مرکزی این کلمه لیوئی است. رجوع شود بکتاب سال مورخ ۱۹۰۲ ص ۱۲۶.

در فارس کلمه کولی که از کابلی گرفته شده و همچنین کلمه غربتی بکار برده میشود. در آذربایجان بانام قراچی و در خراسان باغ شمال که از غیر شمار (یعنی بی حساب) گرفته شده بر میخوریم. قدری که پیشتر رویم در ترکیه کلمه ای نزدیک به یاصل کلمه اروپائی زنگاری بکار برده میشود. «سایکس میگوید» بطور قطع قیافه آنها قیافه روستائیان ایرانی نیست.

۱۹۱۴ - الکساندر فین Alexander Finn سر کنسول سابق بریتانیا در ایران در مقاله ای که برای انجمن ایران تهیه کرد. (ص ۳۲-۳۳) مردم ساکن ایران را بطبقات زیر تقسیم میکند:

۱ - اولاد ایرانیان باستان که شامل پارسی یعنی نماینده مادها هستند (رویه گرفته در حدود ده هزار نفر از این زرتشتیان در تمام مملکت هستند وعده معدودی در تهران بشل باغبانی اشتغال دارند).

۲ - ترک و ترکمن که از اولاد پارتیها هستند.

۳ - اعراب که در زمان حمله اسلام بایران آمدند.

۴ - اقوام دیگر مانند هندیها و ارمنه و یهودیها و افغانها و غیره.

۱۹۱۵ - خواننده عزیز بکتاب تاریخ ایران تألیف سرپرسی سایکس که مشحون از اطلاعات و مطالب دقیق است مراجعه میشود. منتخباتی از این کتاب که مسائل مردم شناسی را روشن میکند در زیر نقل شده است و این قطعات از چاپ دوم کتاب مورخ ۱۹۲۱ اخذ شده است.

طبق نظر سایکس (۱۹۲۱ حلد اول - ص ۱۳-۱۴) «جمعیت فعلی ایران

۱ - فین میگوید (ص ۳۲): «وقتی مقاله خود را در مقابل انجمن ایران خواندم پرسوهرها کوپیان بصحت اظهارات من درباره این که ترکمنها از اولاد پارتیها هستند ایراد گرفت و گفت که قوم او یعنی ارمنه از اولاد پارتیها هستند» پس از مراجعه بتاریخ جهان بمطالب زیر برخوردیم

«ارمنه IV ص ۵۸۸ در نیمه دوم دومین هزار سال قبل از میلاد قبایل فریقی و تراسی باسیا مهاجرت کردند و اینها اجداد ارمنه هستند.

«پارتیها VI ص ۱۲۸ - تاسیتوس میگوید که بین ۳۷ و ۱۴ میلادی تیریوس،

ارمنه را گرفتار پارتیها کرد.

«ترکمن XVIII - ص ۶۱۵ ماوراء خزر - این ناحیه محل سکونت

ترکمنها که شاخه ای از نژاد ترکند و با پارتیهای قدیم یکسانند میباشد.»



در حدود ده میلیون تخمین زده میشود که تقسیم میشوند به ۹ میلیون شهرو، ۹۰۰ هزار سنی، ۸۰ هزار مسیحی (ارمنی - نسطوری - پروان کلیسای ارتدوکس یونانی - کاتولیک و پروتستان) - سی و شش هزار یهودی، ده هزار زردشتی. «ممکن است در حدود دو میلیون ایرانی در روسیه و ترکیه و هندوستان ساکن باشند. شک نیست که شهرهای ایران قبل از آغاز عصر حمل و نقل دریائی بزرگتر و معمور تر از حال حاضر بود زیرا در آن زمان عبور کاروانهای تجارتی برای ساکنین عرض راه کاروان رو و طبقات زارع حوالی آن ممرعایدی و ممرار معاش بود. بعلاوه . . . ممکن است که در ادوار قبل ریزش باران زیاد تر و امکانات زراعتی و کشاورزی کشور بیشتر از امروز بوده است. و نیز بعضی از نواحی مانند استر آباد هنوز از حمله و یورش قبایل بادیه نشین رنج میبرند. پس از در نظر گرفتن همه عوامل مشکل است تصور کرد که فلات ایران در هیچ زمان دارای جمعیت زیاد بوده است و بعقیده من اشتباه است اگر تصور شود که این ناحیه از لحاظ جمعیت شبیه اروپا بوده است. البته غیر ممکن است بطور دقیق تخمین زد ولی با در نظر گرفتن تجارت و حمل و نقل، بیشتر از راه ایران قبل از عصر حمل و نقل دریائی و این مسئله که ایران معمولاً مرکز یک امپراطوری بزرگ بوده و با اینکه پایتخت آن بندرت در خود فلات ایران قرار داشته بنظر من میتوان گفت که پانزده میلیون نفر در این مملکت سکونت داشتند که اکنون فقط دو نلک آن عده در آن زندگی میکنند.

سایکس میگوید (۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۱۴۰) «افراد هفت فامیل اشرافی که در میان آنها هخامنشیها مقام اول را داشتند بر ایرانیان حکومت میکردند. هخامنشیها در طی زمان فامیل سلطنتی ایران شدند. رؤسای دیگر تحت فرمان پادشاه درآمدند ولی بعضی از مزایای خود از جمله حق دسترسی داشتن پادشاه را حفظ کردند و اعضای شورای سلطنتی شدند.»

سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲) اضافه میکند: «هیچگونه تصویری از ایران کامل نیست مگر آنکه قبائل ایران که تقریباً یک چهارم جمعیت آنرا تشکیل میدهند در نظر گرفته شوند. از نظر نژاد شناسی قبائل مخلوط عجیبی نشان میدهند زیرا فقط در خراسان از کرد و ترکمن و تیموری (از نژاد عرب) و هزاره و بلوچی و ترک و عرب تشکیل یافته اند ولی اگر چه این قبایل از نژاد مختلف و در بسیاری موارد زبان مختلف دارند رسوم و عادات آنها شبیه است. معمولاً در چادر که از

موی بز بافته شده زندگی میکنند و در فصل بهار گله خود را بسمت کوهستان بچرا-  
گاه میرانند و در فصل پاییز بدشت مراجعت می نمایند . عملاً هر گز باخارج از  
قبیله ازدواج نمیکنند و در نتیجه نژاد آنها خالص مانده و آداب و رسوم آنها تغییر  
نمی پذیرد . اسماً مسلمان هستند و این آزاد مردان دشت بجز از رئیس خود از  
کسی اطاعت نمیکنند رئیس قبیله در مواقع مهم شورائی از پیران قبیله تشکیل  
میدهد

سایکس (۱۹۲۱ جلد اول - ص ۱۷۰-۱۷۱) نقل میکند که «طی سفرهای  
خود در ایران اغلب بار دو گاهائی مرکب از ده تا ۱۲ چادر مواجه شده ام...  
این مردم چادر نشین که زندگی و معاش آنها به گله بستگی دارد مجبورند و طی  
نسل های متمادی همیشه مجبور بوده اند که در جستجوی چراگاه از يك ناحیه بیک  
ناحیه دیگر در حرکت باشند . مراتع و چراگاهها در اثر قلت باران همیشه کم  
حاصل است . در فصل زمستان حتی وقتی اردوی بادیه نشینان در ناحیه حفاظ-  
داری برپا شده اغلب گله آنها صدمه زیاد می بینند . باقرا رسیدن بهار ایلات که با  
وجود ترکی بودن آن به قبائل اطلاق میشود رو بکوهستان حرکت میکنند و در  
آنجا در نقاط مرتفع در تابستان گله خود را بچرا وامیدارند و در فصل پاییز بسمت  
قشلاق حرکت کرده و در آنجا بکشت محصول میپردازند ....

«میتوان تصور کرد که مادها و پارسهای عهد باستان زندگی شبیه زندگی  
قبائل امروز داشتند . از آنجائی که آب و هوا و وضع اجتماعی بطور قابل ملاحظه  
تغییر نکرده اگر تصور کنیم که آنها مانند بادیه نشینان امروز آزاد و جنگجو و  
مردانه بودند راه خطانه نبوده ایم . در هر حال بعضی از قبایل امروز از اولاد  
آنانند این نظر درباره صفات و اخلاق ایرانیان مورد قبول یونانیان بود و اگر  
یونانیان در دفاع از هلاس مردانه جنگیده و نام و شهرت یافتند ایرانیان شجاع  
نیز از شهرت سهمی میبرند .»<sup>۱</sup>

درباره قبائل قشقائی و خمسه و قاجار سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۷-۴۷۸)

۱ - سایکس از قول هرودوت (IX-۶۲) میگوید : «اقوام وحشی پارها  
نیزه یونانیان را گرفته و آنها را در هم شکستند زیرا در شهادت و روح جنگجویی  
ایرانیان بهیچوجه از یونانیان کمتر نبودند » . رجوع شود به ویلسون مورخ  
۱۹۲۹ - ص ۱۱ .

اطلاعات زیر را میدهد. قشقایها که از نژاد ترکمن هستند زبان ترکی خود را حفظ کرده اند. تعداد افراد آن قبیله فعلا در حدود ۱۳۰ هزار نفر است. قشقایها در مهاجرت سالیانه خود از بیلاق به قشلاق از هر قبیله دیگر دور تر میروند. قشلاق آنها در فصل زمستان تا گله دار نزدیک خلیج فارس میرسد و بیلاق آنها در تابستان بیش از ۲۰۰ میل دورتر است و بحوالی قمشه نزدیک محل بختیاریها میرسد. تعدادی از بلوک فارس تماماً بدست قشقایها است و بدینوسیله جمعیتی متجاوز از ۱۰۰ هزار نفر را تحت کنترل و نظارت خود دارند... قبائل عمده آنها عبارتند از دره شوری - کشکولی - فارسی مدان - شش بلوکی - صفی خانی و گلزلان اقری».

سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۴۷۹) ادامه داده میگوید: «بعد از قشقایها قبائل خمسه در درجه اول اهمیت قرار دارند و این قبائل در ناحیه وسیعی در مشرق ناحیه قشقای زندگی کرده و بیلاق و قشلاق میکنند و در فصل زمستان بحوالی بندر عباس ولار میروند. و در فصل تابستان روپشمال حرکت کرده بحوالی نیریز و ده بیرسند. نام قبائل پنجگانه عبارتست از عرب - عینلو - بهارلو - باصری و نفر. قبیله عرب که بیش از نیمی از افراد قبایل خمسه را تشکیل میدهند بدوشاخه موسوم به شیبانی و جبارة تقسیم میشوند که در اصل از نجد و عمان مهاجرت کرده اند. چهار قبیله دیگر از نژاد ترک هستند. زبان مشترک آنان عربی مخلوط با فارسی و ترکی ولری است و تعداد افراد قبایل خمسه ۷۰ هزار نفر است.

سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۷۷) سومین قبیله عمده یعنی قاجار را مورد بحث قرار داده و میگوید که آنها از نژاد ترکند. «قبیله قاجار که مدتهای مدید در ارمنستان بودند بوسیله تیمورلنگ بایران آورده شدند. چنانکه گفته شد یکی از قبائل قزلباش بودند که از سلسله صفویه حمایت مینمودند شاه عباس قبیله قاجار را به قسمت کرد و یکی را در مرو و دومی را در گرجستان استقرار داد و سومی را که به یوخاری باش و آشا قباش یعنی شاخه بالا و شاخه پائین تقسیم میشد در اطراف رود گرگان مستقر کرد».

در بین گروههای کوچکتر از کولیها باید نام برد. سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۱۱) طغیان جات را بدین طریق شرح میدهد: «در اوائل قرن هشتم

میلادی بفرمان ولید اول عده زیادی ازجاتها یا بقول عربها زتها باخدم و حشم خود ازسند سفلی به باطلاقیهای دجله<sup>۱</sup> انتقال داده شدند . بمجردیکه دراین ناحیه استقرار یافتند به قتل و غارت و دزدی شروع کردند . . . سران لشکر مأمون ازجولوگیری ازآنها عاجز ماندند واولین اقدام معتمد خلیفه این بودکه یکی ازسرداران قابل اعتماد عرب یعنی عجیف را مأمور سرکوبی آنان نماید. بالاخره درسال ۲۲۰ هجری یا ۸۳۴ میلادی عجیف با قطع خطوط ارتباطی آنها درمأموریت خود توفیق حاصل کرد قبائل زت تسلیم شدند وپس ازآنکه درقایقها در معرض نمایش مردم بغداد قرار گرفتند به خائفین در مرز ترکیه ویمرزهای سوریه تبعید شدند و گاهمیشهای خود را همراه بردند .

درباره مرز و نواحی مرزی خراسان سایکس درباره گروه قبائل دیگری مینویسد (۱۹۲۱- جلد ۲ - ص ۱۷۴) «عباس هزارها کرد را بافامیل وگله خود ازکردستان بشمال خراسان کوچ داد و درآنجا بعنوان محافظ باطلاقیها گماشته شدند . تازه واردین درسرمینهای حاصلخیز شمال نتوانستند درمقابل مهاجمین مقاومت کنند ... ولی در دره اترک ترکان گرائیلی را بیرون کرده و موقعیت خود را مستحکم نمودند . امروز یک جامعه آباد و معمور تشکیل میدهند و هنوز بزبان خود تکلم میکنند و معمولاً تحت اطاعت رؤسای خود هستند . »

سایکس (۱۹۲۱- جلد ۲ ص ۷۰-۷۲) حمله مغول را بایران که اثرآن هنوز در قسمتی از جمعیت فعلی ایران باقیمانده به تفصیل شرح میدهد و بقول نویسنده تاریخ جهانگشا : آمدند و گشتند و سوختند و بردند و رفتند.

«از حیث خونخواری و وحشت و خرابی هیچ حمله‌ای در تاریخ باهجوم قبایل مغول<sup>۲</sup> که تمام عرض آسیا را طی کرد و ملل و تمدنها را از بین برد قابل مقایسه

۱ - مراجعه شود به شرح بسیار جالب توجه پرفسور دو گوچ de Goeje در (یادداشت درباره مهاجرت زیگانه در سراسر آسیا) . چند سال قبل در ایالات کرمان و خراسان کلمات و لغات زبان کولی‌ها را جمع آوری کردم . رجوع شود به نشریه انستیتوی مردم شناسی جلد XXXII مورخ ۱۹۰۲ ص ۳۳۹ و جلد XXXVI مورخ ژوئیه - دسامبر ۱۹۰۶ .

۲ - منابع موثق و مخصوص این دوره عبارتند از : تساریخ مغول بقلم دهسون D'ohsson و تاریخ مغول بقلم سرهنری هوورث Sir Henry Howorth . کتاب اولی بر اساس منابع معتمد اسلامی از قبیل ابن اثیر و تاریخ جهانگشا قرارداد شده است .

نیست . مشرق اروپا از این حمله جان سلامت نبرد . . . آسیای مرکزی،  
و ایران ۱ و تاحدی روسیه هنوز از این مصیبت هفت قرن گذشته بکلی بهبودی حاصل  
نکرده‌اند . . .

منگولها یا بطوریکه معمولاً نامیده شدند تاتارها ۲ را نویسندگان چینی  
بسه طبقه تقسیم کرده‌اند که عبارتند از تاتارهای سفید و سیاه و وحشی و هرچه مسکن  
و مقرر آنها دورتر از تأثیر تمدن بخش چینی بود کمتر تحت تأثیر عوامل شهرنشینی  
و تمدن قرار گرفته بودند . . .

«منگولان اصلی دارای چشم بادامی شکل هستند . ریش ندارند و معمولاً  
قد آنها کوتاه است ولی قوی هستند و اگرچه پیاده ناهنجار جلوه مینمایند از حیث  
سواری نظیر ندارند . »

سایکس ( ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۶ - ۲۱۸ ) جزئیاتی درباره مردم  
افغانستان می‌دهد و می‌گوید این کشور و بعثت خصوصیات طبیعی محل و پناهگاه  
قبایل بومی بود که از دشمنهای حاصلخیز رانده می‌شدند . . . جمعیت عمده آن پاتان  
یعنی سخنگویان بزبان پشتو هستند که در حوالی مرز هند ساکنند و افغان یسا  
اوغان در سمت مغرب زندگی میکنند . ریشه کلمه افغان پدرستی معلوم نیست .  
لانگورث دیمز ( Longworth Dames ) متذکر می‌شود که نام حقیقی  
آنها پاتان است . و کلمه افغان اولین بار توسط خارجیها اطلاق شده واصل ادبی

۱ - صفات و مشخصات مغولی در میان ساکنین فعلی فلات ایران مشاهده  
میشود ( رجوع شود به لوحه ۱۱ اشکال ۱-۴ ) .

۲ - من کلمه تاتار بکار برده‌ام ولی سایکس تارتار ذکر کرده است و در ذیل  
صفحه تذکر میدهد :

« که شکل صحیح این کلمه تاتا نام قدیمی منگولان است . ولی این لنت  
بقدری از حیث صوت شبیه به تارتاروس است که کسانی مانند ماتیو پاریس و امپراطور  
فردریک دوم و یساپ انوسان چهارم و سنت لویی بصورت تجانس لفظی از آن  
استفاده کرده‌اند و بهمین جهت کلمه تارتار مورد قبول واقع شد . خود منگولها نام  
خود را از کلمه مونگ به معنی شجاع میدادند و این کلمه یعنی مغول را نویسندگان  
اسلامی بکار برده بیشتر بسلسله بزرگ که در هندوستان تأسیس کردند اطلاق  
می‌شود .

دارد و اکنون کلمه مؤدبانه است که بطبقه عالی اجتماع اطلاق میشود<sup>۱</sup>.  
دوقبیله عمده افغانستان عبارتند از درانی که دستگاه حاکمه فعلی را تشکیل می دهند و قیلزائی یا صحیح تر قلزائی (که بلیو آنرا قلیچ خوانده) . . . میتوان گفت که این قبایل به ترتیب در مشرق و جنوب افغانستان ساکنند. در شمال هندوکش مردم بیشتر از آبکها هستند. در قلب مملکت قبائل مغول هزاره و تیمانی و پهار ایمک و در ایالت هرات تاجیکهای آریائی سکنی دارند. در حالیکه در مشرق کابل دروخان و روشن و در کافرستان یک عده مردمانی وجود دارند که بسیار جالب توجه اند و شامل قبائل قدیم آریین و فامیلها می که در دره های کوهستانی دور دست این ناحیه پناه آورده اند میباشند. جمعیت افغانستان که در حدود پنج میلیون نفر است بدو طبقه مساوی افغان و غیر افغان قابل تقسیم است . . . افغانها آریائی نژاد و هندوستان را از مشرق بایران در مغرب وصل میکند. افغانها و آبکها سنی و ایرانیها و هرا راها شیعه هستند و نیز چون پشتو حکم یک لحجه دارد و نه زبان خاص زبان نوشتنی و ادبی فارسی است که اغلب افغانهای تربیت شده بآن تکام میکنند.

در مورد قلزائیها سایکس مینویسد (۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۸) که آنها از نژاد مخلوط هستند<sup>۲</sup> و اکنون تعداد آنها شاید در حدود یکصد هزار فامیل باشند ولی زمانی قویترین قبائل ایالت قندهار بودند.

قطعات منتخبه مربوط ب مردم شناسی در اینجا خاتمه می یابد ولی نظریات مختلف مسئله شناسائی ساکنین اولیه عیلام و سومر و اکاد باقی میماند.

سایکس (۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۵۰-۵۳) درباره منشاء و ارتباط متقابل این اقوام باستانی نظریاتی دارد و بحث خود را با اشاره به اسامی مختلف عیلام یا الامنو (Elamtu) که شکل باستانی آن الیمائیس (Elymais) یعنی کوهستان

۱ - پشتویا پختونام زبان است. مردم آن ناحیه بطور مفرد پشتون یا پختون نامیده میشوند. جمع این کلمه که پشتانی یا پختستانی است موجب شده است که کلمه باتان از آن ساخته شود.

۲ - عقیده عمومی بر آنست که قلزائیها با خلیج ها که ادریسی از آنها نام برده یکسان هستند ولی لانگورث دیمن Long worth Dames این مطلب را مورد تردید میدانند ( رجوع شود به مقاله تحت عنوان قلزائی در قسمت XX دائرة المعارف اسلامی ).

می باشد آغاز میکند و میگوید :

«آسوریها در نواحی کوهستانی با عیلام تماس گرفتند و چون در زمان باستان دشتهای این ناحیه بوسعت امروز نبود و نواحی کوهستانی تفوق داشت نام این ناحیه محتاج به بحث بیشتری نیست .

« مردم شوش مملکت خود را انزان - سوسونکا ( Anzan-Susunka ) می نامیدند و قبائل مختلف زیر را بطور مشخص می شناختند . استرابو و مورخین اسکندر نیز بین سوزیانا ( Susiana ) یا سوسیسیس ( Susis ) که در دشت واقع بود و کوهستان و جبال کسیا ( Cossia ) یا کیسیا ( Kissia ) و پارا تا کین ( Paraetakine ) و مردیا ( Mardia ) و الیمائیس ( Elymais ) و اوکسیا ( Uxia ) فرق قائل می شدند .

کتاب عزرا نیز بین شوشنکیان ( Susanechians ) یا ساکنین دشت اطراف شوش و عیلامیان یا ساکنین نواحی کوهستانی فرق می گذارد ( کتاب عزرا - باب چهارم - آیه ۹ ) شوشنکیان و دهائیان و عیلامیان در زمان تسلط ایرانیان این ایالت او اجا ( Ouaja ) شناخته میشد و بالاخره در قرون وسطی خوزستان یا مملکت خوزها یا هوزها نامیده می شد و این نام هنوز روی نقشه دیده می شود در حالیکه این ایالت اکنون عربستان خوانده می شود .

« دیولافوا و دومرگان که هر دو پریاست هیئت اکتشافی به عیلام رفتند و در محل این مسئله را مورد مطالعه قرار دادند در این مطلب متفق الرأیند که دشت شوش درازمنه بسیار قدیم تحت اشغال سیاهپوستان بود و تا آنجا که می دانیم این مردم ساکنین اولیه این ناحیه بودند . . . و همچنین باید در نظر داشت که در قدیمترین نقوش برجسته اشکال مردم نژاد سیاهپوست مکرر دیده می شود و بخصوص در مورد تخته سنگ معروف نارامسین ( Naramsin ) دیده می شود که پادشاه که از نوع نژاد سامی است رهبر گروهی مردم سیاهپوست است که بفتح و پیروزی نائل شده اند . چندین سال قبل در طی سفرهای خود با کمال تعجب مشاهده کردم که مردم بشاجرد و سرحد که نواحی کوهستانی و دور دست مرزی بلوچستان ایران است دارای چهره بسیار تاریک هستند . علت شاید آن باشد که تمام این ناحیه در اصل در اشغال مردم سیاهپوست آناریاکوی ( Anariakoi ) یا غیراریان بود که در کلیه نواحی ساحلی خلیج فارس تا هندوستان وجود داشتند و اولاد آنها در آن

نواحی باقیمانده اند ... هال (Hall) معتقد است که مردم سیاهپوست عیلام و سومر از این نژادند و بعقیده من این صحیح ترین نظریه است که درباره این مسئله بسیار مشکل می توان قبول کرد .

دولی عیلام علاوه بردشت حاصلخیز غنی شامل نواحی کوهستانی شمال و مشرق نیز می شود و در این قسمت مسئله نژاد سیاهپوست وجود ندارد. بنا بر این عیلام در واقع محل سکونت دو نژاد یعنی سیاهپوستان دشت و سفیدپوستان نواحی کوهستانی بوده است . ظاهراً یونانیان باین نکته وقوف داشته اند ۱ و بهمین جهت ممنن (Memnon) را که بکمک تروی آمد و اولادیک زن سفیدپوست ناحیه کوهستانی کیسیا (Kissia) و تیتونوس ( Tithonos ) سیاهپوست می دانستند . تیتونوس که همان دیدون ( Didun ) خدای حبشه است بسر داری ارتشی متشکل از شوشی ها و حبشی ها بکمک پرام می شتابد ... دریک قطعه دیگر ( ادیسه XI: ۵۲۲-IV : ۱۸۸ ) ممنن سیاه چهره شرح داده شده است ... وقتی یونانیان در عیلام مردمان سیاهپوست یافتند طبعاً آنها را با حبشی ها که از منابع مصری می شناختند مقایسه می کردند و انتقال تیتونوس بایران بهمین دلیل است .

و بتدریج در ادوار بعد اول سومریها و بعداً عده زیادی از سامی ها باین خطه روی آوردند و در طی زمان مانند بابل بر ساکنین اولیه تفوق یافته و آنها را در خود مستهلك نمودند . در مورد بابل هجوم مردم سامی مسالمت آمیز بود و شاید آنرا باید نفوذ گفت ونه هجوم ولی در مورد عیلام شاید وجود کوهستان تسخیر دائمی توسط پادشاهان ساسی اکاد صورت نگرفت و عیلام تا زمان تشکیل دومین امپراطوری سومر بدست پادشاهان اور U<sub>۲</sub> تحت اطاعت سومریها در نیامد و در آن موقع هم تسلط به عیلام زیاد طول نکشید .

علاوه بر طبقات کلی مردم شناسی که در بالا شرح داده شد عیلام محل و موطن چندین قبیله بود که عبارت بودند از هوسی (Hussi) یا اوکسیان (Uxians) و هاپارتیپ (Hapartip) و اوملیاش ( Umliyash ) که در ناحیه بین کرخه و دجله سکونت داشتند و مردم یا موتبال ( Yamutbal ) و یاتبور (Yathbur) که

۱ - رجوع شود به استرابو XV و ۳-۲ و همچنین هرودوت V ۵۴ که در

آن شوش را شهر ممنن ذکر کرده است هسیود Hesiod او را پادشاه حبشه میخواند .



محل سکونت آنها بین باطلاقیهای دجله و کوهستان قرار داشت .

د هوسی یا کوسی همان اوکسیان یونانیان هستند . . . نام آنها در کلمه خوزستان باقی مانده است نام هاپارتیپ یا هاپرتیپ در حجارهای مال امیر ذکر شده و شاید امر دیان و مردمان یونانی باشند که هرودوت بعنوان قبایل بسادیه نشین ایرانی ذکر می کند و آنها را در ردیف دهائی و دروپینی (Dropini) و سگارتی زیر پرچم کوروش قرار می دهد .

سایکس (جلد ۱ - ص ۶۱-۶۲) پس از آنکه ارتباط نزدیک عیلام را با سومر و اکاد شرح می دهد به بیان نمو و ترقی این سه دولت پرداخته و پیشرفت عیلام و رابطه آنرا با بابل بطور اختصار شرح می دهد . «اکنون معلوم شده است که در سومر و اکاد دوازده مختلف سکونت داشتند که نه تنها از حیث نژاد و زبان بلکه از حیث ظواهر مشخص باهم فرق داشتند .

سومریها سر و ریش خود را می تراشیدند در حالی که سامی ها موی سر و ریش خود را نگاه می داشتند ...»

«درباره اینکه سومریها یا سامیها ساکنین اولیه بابل بودند بحث زیاد شده است ولی اکنون می توان این مشکل را بنفع سومریها حل شده دانست<sup>۱</sup> ولی شاید قبل از خود آنها نژادی مانند مردمان اولیه عیلام در آن ناحیه سکونت داشتند که سفال زمان آنها شبیه ظروف سفالی قدیم شوش است . تا آنجا که شواهد و مدارک نشان می دهد بنظر می رسد که در قدیمترین ایامی که از آن مدرک وجود دارد سامیها در شمال مملکت در سر زمین اکاد در کنار سومریها استقرار داشتند . . .

د این افسانه را (یعنی افسانه اوانس Oannes) معمولاً نشانه ورود نژاد عالی تری از راه دریا می دانند و چون بالاخره سامیها تفوق یافتند استدلال می شود که آنها بودند که از سمت شمال به بابل آمدند . ولی کینگه از این افسانه فقط این نکته را درک می کند که سواحل خلیج فارس قدیمترین مرکز تمدن سومری بود

۱ - من با این نظریه کاملاً مخالفم . شواهد باستانشناسی از صحرای شمال عربستان و از کیش نشان می دهد که ساکنین اولیه بین النهرین افراد سردراز و بنابر این تصور می رود از نژاد سامی زبان و شاید از اولاد اهالی اولیه مدیترانه بودند .

و معتقد است چون در ادوار قدیم از نفوذ سامی اثر بسیار کمی دیده می شود سامی ها از سمت شمال غربی آمدند و نه از سمت جنوب و این نظریه فعلا مورد قبول است .

د درباره خود سومریها و اینکه از کجا آمده اند تا این اواخر قدیمترین آثار فرهنگ و تمدن آنان شامل بقایا و آثار تمدن عصر برنز بود و بنابر این تصور می شد که ورود سومریها بده فرات ناگهانی بود . و آنان مظاهر تمدن خود را از ناحیه جنوب شرقی دریای خزر که در آنجا گنجینه از اشکال و سفال سومری کشف شده با خود آوردند ... ولی اکتشافات امریکاییها در نیپور اطلاعات جدیدی درباره این موضوع مهم داده و چاپ لوحه های جدید صورت ده سلسله سلطنتی را می دهد که همه قدیمتر از سلسله های تاکنون شناخته شده می باشند . بنابراین باید در نظر سابق خود تجدید نظر کنیم زیرا اکنون دلیلی در دست داریم که قبل از پایان هزاره سوم سومریها دارای رسوم و میراث قوی بودند که نشان می دهد در اوائل عصر تاریخی بابل را درید قدرت خود داشتند . بعبارت دیگر مهد تمدن را می توان در بابل جستجو کرد ( مقایسه شود با شرح تألیف گینگ و فرانکفورت ) .

مسئله بعد مربوط به اصل و منشأ تمدن و رسوم آریانیهای ایران است . طبق نوشته و نندیداد ( فصل اول ) و اولین سرزمین خوب و کشوری که آفریدم آریانم- وائجو ( Aryanem-Vaejo ) بود ( رجوع شود به رالینسون - جلد ۳ - ص ۱۶۵ - یادداشت شماره ۲ ) . سایکس ( ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵-۹۹ ) درباره مسئله آریانیها شرح زیر را می دهد : « وقتی این دشتها را با تمدن نسبتاً کهنه ورشد کرده خود گذاشته به فلات ایران میرسیم مشاهده میکنیم که هم ساکنین آن وهم خصوصیات طبیعی آن فرق دارد . در رسیدن بفلات ایران از نواحی که تحت نفوذ اقوام سامی بوده گذشته بمملکتی می رسیم که اگرچه تحت نفوذ تمدن بابل و آسور بوده آریائیها نژاد حاکمه آن هستند . از این پبعد تاریخ دنیای قدیم مبارزه بین اقوام سامی جنوب و اقوام آریائی شمال است که بالاخره به پیروزی کامل نژادهای شمالی منتهی می شود ( برسته - ص ۱۷۲ ) مسئله هندوآروپائی که معمولا مسئله آریان نامیده می شود ( اگرچه کلمه آریان فقط بگروه هند و ایرانی اطلاق می شود ) درموقی که تحقیق در این پاره درمر احل اولیه خود بود مورد بحث

شدید و متعدد قرار گرفت. عقیده و نظر اولی این بود که از یک مرکز بدوی گروه‌های مردم آریائی نواحی غیر مسکون نیمه کره شمالی را اشغال کرده و در آن نقاط سکنی گزیدند. از آن عقاید و نظریات اولیه اکنون بسیار جلوتر رفته‌ایم و می‌دانیم در زمانی که از آن صحبت می‌کنیم دنیا و نقاط مختلف آن محل سکونت نژادهای دیگر بود. بنا بر این اکنون مورد قبول همه است که صحیح تر آنست که از (فامیل زبانهای آریائی) و شاید از (تمدن آریائی بدوی) صحبت شود که قبل از جدا شدن لهجه‌های مختلف آریائی از زبان اصلی وجود داشته است (رجوع شود به دینکر - ص ۳۱۸). شناسائی و پیدا کردن مرکزی که اقوام آریائی از آن آمدند نکته‌ایست که عقاید و نظریات مختلف درباره آن اظهار شده‌است و نشانه‌هایی برای راهنمایی ما وجود دارد. از قرار معلوم آریانه ساکن سرزمینی بودند که آب و هوای آن شبیه آب و هوای قاره بوده زیرا فقط دو یاسه فصل را تشخیص می‌دادند و می‌شناختند. زبان آنها نشان می‌دهد که آنها ساکن سرزمین صاف بودند که کوه و جنگل نداشته و درختان آن منحصر بوده‌است به غان و بید. حالا می‌دانیم که آریانه از شمال آمده‌اند و چون قبایل بادیه نشین در ناحیه وسیع پسرانگنده می‌شدند نظر بعضی بر آنست که موطن آنها در ناحیه وسیع استپ‌های شمال خراسان که در آن زمان احتمال مبرود حاصلخیزتر بوده است و دشت‌های مشابه و مجاور و پر آب تر جنوب روسیه بوده است. بعضی دیگر ناحیه جنوب غربی دریای خزر را موطن اصلی آنها می‌دانند. در هر حال در این باره نمی‌توان بطور قطع اظهار نظر کرد.

آریانه‌های شاخه ایرانی که در اینجا با آنها سروکار داریم اولین شعبه‌ای بودند که تمدن شدند و بخدای یگانه ایمان آوردند و بنا بر این باید مورد توجه مخصوص ما قرار گیرند. یکی از روایات و افسانه‌های آنها آنست که آنها مجبور شدند موطن خود را ترک گویند بعلت آنکه نیروی شیطانی محل سکونت آنها را منجمد و یخ بندان و غیر قابل سکونت کرد. شاید این مطلب حاکی از آن باشد که تغییر آب و هوا باعث حرکت و مهاجرت آنان شده باشد همانطور که خشکی و بی‌بارانی سبب شد اقوام مغول رو بسمت مغرب هجوم آورده و تمدن ممالک تسخیر شده را سرنگون سازند. « بعضی روایات و افسانه‌ها<sup>۱</sup> بر سرزمین مفقود موسوم به آریانم -

۱- سایکس (۱۹۲۱- جلد ۱ - ص ۹۷) توجه ما را به فرجند او ندید ا دحلل مسکند.

وائجو (Aryanem-Vaejo) <sup>۱</sup> اشاره میکند . وقتی سرما آنها را مجبور به ترک این فردوس زمینی کرده سندا ( Sughda ) ومورو (Muru) (سغدیها ناومارگیانای باستان) که اولی بخارا ودومی مروامرو زاست حرکت کردند . هجوم ملخ آنها را از سندا راند و قبائل مخاصم آنها را مجبور کرد به بخدی (Bakhdhi) سر- زمین پرچمهای بلند که بعداً بلخ نامیده شد روی آورند . از بلخ بسوی نیسیا ( Nisaya ) که با شتابه نیشابور امروزی شناخته شده روی آوردند . ناحیه ناسا- تانیسا که در جنوب اسک آباد واقع شده صحیحتر بنظر میرسد . در مراحل اخری مهاجرت به هارویو (Haroyu) یعنی هرات و واکرتا (Vaakereta) یعنی کابل رسیدند . بعدها مورخین و وقایع نویسان این ممالک را بدو گروه تقسیم کردند که عبارت باشد از آرا هوایتی (Arahvaiti) (آراکوسیا) و هاتومان (Haetumant) (هلمند) و هاتپا- هندو (پنجاب) در سمت مشرق واورا (Urva (طوس) و وهر- کانا Vehr-Kana (گرگان) و راگا Rhaga (ری) <sup>۲</sup> و وارنا Varena (گیلان) ونواحی دیگر سمت مغرب. ممکن است این طبقه بندی برای توجیه تقسیم آریاها بایرانی وهندی بعمل آمده باشد .

محل آریانم - وائجو در قسمت شمالی ایالت فعلی آذربایجان تصور شده است ولی دومرگان با منطق صحیح میگوید اگر قسمت شمالی یا هر نقطه دیگر آذربایجان محل اصلی آریانم و وائجو بوده باشد آریاها را با قبائل ساکن ارمنستان فعلی که نسبة متمدن بودند و با هنر کتابت آشنائی داشتند مقابل میکرده است . حقیقت آن است که این نقطه را بدقت نمیتوان تعیین کرد ولی در نتیجه کشت تو- حاریک <sup>۳</sup> قدیمترین شکل هندو اروپائی در سیریه قسمت جنوب غربی آن سرزمین وسیع را می توان بعنوان محل اصلی آریانم - وائجو مورد ملاحظه دقیق قرار داد . همه این افسانه بصورتی که بدست ما رسیده حاوی جزئیات و مفصلتر از

۱ - برای اشاره زند و اوستا به آریانم - وائجو رجوع شود به رالینسون

جلد ۳- ص ۱۶۵- یادداشت ۰۲

۲ - مقصود ری جدید نزدیک شاه عبدالعظیم طهران است .

۳ - سایکس ( ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۷ ) بکتاب مایر H.Meyer

مراجعه میکند .

آتشکده بتوان آنرا خیلی قدیمی دانست و کاملاً امکان دارد که موقعی که به شکل نهائی خود درآمد آذربایجان همان آریان نام - وائجوشناخته می شد و موطن اصلی واقع در شمال فراموش شده بود. مع هذا محققین اوستا آنرا ذیقیمت و مفید می دانند زیرا تردیدی نیست که بر اساس روایات و سنن ادوار بسیار گذشته قرار دارد. « بعضی را عقیده بر آنست که مادها از جنوب روسیه بایران مهاجرت کردند و چون سلطنت او را در توپا آراغات را قویتر از آن دیدند که بتوانند بآن حمله کنند از هجوم بآن احتراز کرده و بتدریج قسمت غربی فلات ایران را اشغال نمودند. یکی دیگر از شعب آریائیا یعنی ایرانیان یا پارسیها از استپ های شمال خراسان وارد سمت شرقی ایران شدند و از ایالت کرمان گذشته و از مهاجرت دره زنده رود ایالت پارس را که شاید در آن زمان در دست مادها بود اشغال کردند. مرزهای شرقی آنها با محل سکونت قبائلی که تحت نفوذ عیلام بودند متصل میشد. مهاجرت سوم از آریا یا باکتریا جهت جنوب شرقی را پیش گرفت و مهاجمین از هندوکش گذشته نواحی پنجاب را اشغال نمودند و در ماورای این سه مهاجرت بزرگ هیرکانیا در نواحی استرآباد جدید سکونت یافتند و در عقب پارسیها کارمانیان آمدند که ایالت کرمان نام خود را از آنها می گیرد و گدروسیان Gedrosians که در نواحی ساحلی بلوچستان و درانگیان Drangians و آراکوسیان Arachosians که در نواحی شمال بلوچستان و قسمت جنوبی افغانستان ساکن شدند و بعد از آنها مارگیان مرو باختریان بلخ هستند.

« در کتیبه های میخی که اخیراً در یغز کیوی Boghaz kyoï یا پتریای - Pteria باستان و پایتخت هیتی ها کشف شده حاوی عهد نامه های بین هیتی ها و می تانیها Mitannians که طبقه اشراف آنها از نژاد آریان بودند می باشد. روی یکی از آنها سوگند خوردن به خدایان و دیک یعنی ایندرا Indra و وارونا - Varuna و آساتیا Nasatya دو قلو (Asvins) بطور وضوح نشان می دهد که نه تنها می تانیها این خدایان را محترم می شمردند بلکه تا سال ۱۳۵۰ قبل از میلاد که تاریخ این اسناد است عناصر ایرانی و هندی آریائی هنوز بطور مشخص از هم جدا نشده بودند.

« و مرگان معتقد است که حمله آریانها به باکتریا قبل از سال ۲۵۰۰ قبل از میلاد صورت گرفت و مادها در حدود سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد وارد شمال

غربی ایران شدند. این نکته که کاسیتها *Kassites* قوم آریایی بودند که در حدود سال ۱۹۰۰ قبل از میلاد تشکیل سلسله داد و در زمان اولین سلسله بابل نام آنها شنیده شده بود بطور قطعی تر تاریخ این مهاجرت را مشخص میکند تا هویت کاسیتها که شاید از قبائل ماد بودند مسلم شود.

د احتمال میرود که فاتحین یاسا کین قدیم رفتار مختلف کرده باشند. بعضی از آنها را بکوهستانها راندند. از بعضی سلب مالکیت کردند و بعضی اجازه دادند در کنار مردم تازه وارد بزندگی خود ادامه دهند. اگر تلفات سنگین قبائل مدافع و وسعت نواحی مورد حمله و کوهستانی بودن آن در نظر گرفته شود بنظر میرسد که این فرضیه درست باشد و تاریخ نشان می دهد که طرز عمل اغلب ملل فاتح تقریباً همین گونه بوده است. هرودوت نیز این مطلب را تأیید میکند و نام قبائلی که بهم ملحق شده و تشکیل ملت دادند می دهند که بقول او عبارت بودند از بوساس *Busae* پراتاسنی *Paraetaceni* - استرکات *Struchates* آریزانتی *Arizanti*، بودئی *Budii* و ماگی *Magi* (هرودوت ۱۰-۱۰۱) ممکن است که چهار قبیله اول آریایی و دو قبیله آخر تورانی بوده باشند. قبیله آخری یعنی ماگی ها دارای نوعی مذهب بودند که با مذهب آریانها ممزوج شد و تحت نفوذ مذهب زردشتی بصورت مذهبی بهمین نام درآمد.

د مهاجمین آریایی زندگی شبانی و بدوی داشتند و مالک اسب و گاو و گوسفند و بز و سگ محافظ بودند... بتدریج مستقر شده و کشاورزی آموختند و ده و شهر بنا کردند و مدتها مدید بصورت قبیله یا گروه طوایف مستقل از یکدیگر زندگی میکردند و در موقع خطر باهم متحد میشدند.

۱۹۱۹ - در ۲۴ ماه ژوئن ۱۹۱۹ حیوانچی جمشید جی مدی در مقابل انجمن مردم شناسی بمبی مقاله قرائت کرد که در آن خصوصیات جسمانی اعراب و ارتباط آنها با اقوام قدیم ایران شرح داده شده بود. این مقاله شامل بحث گزارش سلیمان *Seligman* (ص ۷۲۴-۷۳۱) درباره اعراب بود و خلاصه ای از رابطه بین ایرانیان و اعراب زمان باستان که آنها را بسه دوره تقسیم کرده داده شد. این سه دوره عبارتست از:

۱ - دوره ماقبل تاریخ.<sup>۱</sup>

۲ - دوره ماقبل اسلام.

۳ - دوره بعد از تسلط عرب بر ایران .

مدی از مسعودی<sup>۱</sup> (جلد ۲ - ص ۱۴۲) نقل کرده (۱۹۱۹ - ص ۷۳۳) میگوید: بعضی از اعراب نسب خود را از کحطان می‌دانند و بعضی دیگر بخصوص شعرای قبیله Nizar خود را از کحطانیهای یمنی بالاتر دانسته و سبب خود را از ایران می‌دانند .

«بند هش پهلوی ظاهراً این نظریه را درباره رابطه بین اعراب و ایرانیان تأیید میکند در این کتاب نظر ایرانیان باستان در باره آفرینش دنیا شرح داده شده است ... اولین موجود انسانی کسی بود بنام کیومرث Gayomard که جنس نداشت و اولین اولاد او (ماشی و ماشیانی) هر دو جنسیت را در یک بدن توأم داشتند. از این جفت هفت جفت بوجود آمد که میانگین سن آنها صد سال بود . از این هفت جفت پانزده نژاد<sup>۲</sup> بوجود آمد . رویهمرفته اول بیست و پنج نوع بشر یک پدیدار شد . از فراو که از اولاد اولین موجود بشری یعنی کیومرث بود دو شخص یکی تاز و دیگری هوشنگ<sup>۳</sup> بوجود آمد . اولی یعنی تاز جد و منشأ تازیها یا اعراب است و دومی جد ایرانیان و چون وی پیشداد خوانده میشد سلسله سلاطینی که از او بوجود آمد بنام پیشدادیان موسوم گشت . بدین طریق از روایت و افسانه قدیم ایران مشاهده میکنیم که اعراب و ایرانیان یعنی سامیها و آریانیها در بدو امر از یک منشأ مشترك در مغرب آسیا سرچشمه گرفته اند .

مدی ( ۱۹۱۹ - ص ۷۳۴) در بحث در باره اعراب با اشتقاق کلمه عراق اشاره کرده و می‌گوید این کلمه از عراق که معنی آن دوزش دو گانه ته مشک است آمده است و علت آن اینست که آن کشور از آب رود دجله و فرات و رودخانه‌های

۱ - مدی ترجمه بوسیله می‌نارد B.de Meynard و کورتی - P.de Cour

teille را نقل میکند .

۲ - بند هش پهلوی فصل XV برای جزئیات نظر ایرانیان در باره آفرینش طبق بند هش رجوع شود به مقاله اینجانب تحت عنوان (قدمت بشر) در مقابل این انجمن (نشریه انجمن - جلد X - ص ۵۷۷ - ۵۹۲) و همچنین بمقالات مربوط بمردم شناسی اینجانب - قسمت دوم - از صفحه ۲۲۹ ببعد .

دیگر سیراب می شود و در ذیل صفحه اضافه می کند که عراق عجم یعنی عراق ایران همان کشور ماد و ناحیه کردستان و اطراف آن است. عراق عرب شامل بابل و کلدیه و غیره است .

« اولین اشاره فردوسی به عربستان ( مدی - ص ۷۳۷ و ۷۳۸ ) حاکی از آنست که هنر خط و کتابت از خارج بایران آمد. گفته شده است که طهمورث پادشاه بوسیله دیوها چندین زبان آموخت و مقصود از دیو بیگانگان است که در بین زبانهاییکه تدریس کردند خط زبان تازی را نیز آموختند . در اوائل شاهنامه فردوسی اعراب را تازی و زبان آنها را زبان تازی می خواند . . .

« می دانیم که اعراب از ازمه خیلی قدیم همیشه بعنوان دریا نوردان خوب شناخته شده اند و در تجارت بین مشرق و مغرب نقش عمده بازی کرده اند . فردوسی در شرح سلطنت فریدون بدریا نوردی اعراب اشاره میکند . وقتی فریدون می خواست که ازدجله بگذرد از ملاحان عرب خواست برای او وسر بازشان کشتی تهیه کنند .

بناباه گفته مدی ( ص ۷۵۵ ) فردوسی می نویسد: « وقتی اسکندر بزرگ پس از غلبه بر ایران بسوی هند که دارا پادشاه ایران از آنان کمک خواسته بود شتافت و با پروس Porus جنگید در میان لشکریانش عده ای از اعراب سوریه و حجاز و یمن خدمت میکردند .

مدی ادامه داده می گوید ( ص ۷۳۹ ) : « بنابراین در اوائل دوره مسیحیت اعراب یمن کشور خود را ترک کرده و در جستجوی نان و آب بسوی شمال رفتند . بعضی از آنها یعنی ازدیتها Azdites در کنار رود فرات شهرهای هیرا Hira و انبار Anbar را تأسیس کرده و بر دمشق حکومت کردند .

مدی سپس می افزاید ( ۱۹۱۹ - ص ۷۴۷-۷۴۸ ) : « تاجیک ها که امروز گروه مخصوصی تشکیل می دهند و یکی دو گروه نژادی عمده ی ایرانند از اولاد این اعراب ایرانی شده و زردشتی شده می باشند . دکتر لوشن Luschan آنها را از ایرانیان قدیم می داند .

دکتر بلیو می گوید در افغانستان حتی در حال حاضر تاجیکها را پارسیوان می خوانند و خود این نام را بطنه و نسبت آنها را با ایرانیان قدیم نشان می دهد .



در بالا گفته شد که بعضی از تاجیکها یا اعراب به پیروی از بت محسراب  
 بمذهب مزدیسنان گرویدند. در یکی از ادعیه جدید پارسی‌ها (نیرنگه سروش‌یشت)  
 در بین اقوام زردشتی که عنایت خداوند برای آنها طلب می‌شود نام تاجیکها برده  
 شده ولی از آنها بخصوص بنام تازیان بستاگستیان یعنی تازمانیکه بخ مقدس زردشتی  
 پوشیده‌اند نام برده شده است. رابطه آنها حتی در يك دعای زردشتی میرساند  
 که بعضی از اعراب تماس نزدیکتری با ایرانیان داریم داشته‌اند بنابراین عجب نیست  
 که از حیث خصوصیات جسمانی نیز تاحدی تحت تأثیر واقع شده باشند.

۱۹۱۹ - لوفر در «چین و ایران» می‌نویسد (ص ۱۸۵): «اکثون میدانیم  
 که مردم ایران زمانی سرزمین عظیمی که شامل ترکستان چین بود در اختیار  
 داشتند و بچین مهاجرت کرده و با مردم چین تماس گرفته و تأثیر عمیقی به ملل  
 نژاد دیگر بخصوص به ترکها و چینی‌ها باقی گذاشتند. ایرانیها بین شرق و غرب  
 نقش میانجی بازی کرده و افکار و عقاید یونان را با سیای شرقی و مرکزی انتقال  
 دادند و امتعه و گیاههای پرارزش چین را بناحیه مدیترانه بردند. فعالیت آنها  
 اهمیت تاریخی دارد ولی بدون اسناد و مدارک چین نمی‌توانیم بطور کامل از این  
 فعالیت اطلاع حاصل کنیم. مردم چین مردمی حقیقت بین و علاقمند به مطالب  
 حقیقی بودند و مقدار زیادی اطلاعات سودمند درباره نباتات و محصولات و حیوانات  
 و معدنیات و آداب و رسوم و مؤسسات ایرانیان برای ما باقی گذاشته‌اند که بدون  
 شک مورد استفاده اهل علم قرار می‌گیرد.

لوفر (ص ۱۸۸-۱۸۹) ادامه داده می‌گوید: «وظیفه عمده من آنست که  
 ردو اثر تاریخی همه اشیاء وابسته به تمدن و فرهنگ را بخصوص نباتات و ادویه و  
 محصولات و معدنیات و فلزات و احجار کریمه و منسوجات را در انتقال از ایران  
 به چین و آنهاییکه از چین بایران منتقل شده پیدا کنم<sup>۱</sup>. . . در مورد گیاهان  
 ایرانی که چینی‌ها از آن نام برده و درباره آنها نوشته‌اند گروه‌های زیر را میتوان  
 مشخص کرد:

۱ - گیاههای کشت شده که از ایران بخواک چین منتقل شده‌اند.

۱ - لوفر در یادداشت‌های چاپ نشده خود مینویسد که «از سال ۷۲۲ -

۷۴۷ قبل از میلاد در حدود ده سفارت باهدایا از ایران بچین رفت.

۲ - گیاههای کشت شده و وحشی ایران که درچین مشاهده و توسط نویسندگان چینی شرح داده شده اند.

۳ - اودیو و سیز پجات خوشبو که از ایران به چین وارد شده اند (رجوع شود به پروفیلد).

۱۹۲۴ - چند قطعه که مربوط به بحث ما میباشد از هدون Haddon (ص ۱۴۳) نقل میکنیم: «نظری به نقشه آسیای غربی نشان میدهد که در مشرق سیاه کوه و مغرب کوههای پروپامیس Paropamisus در سلسله کوههای شرقی به غرب دره هائی وجود دارد که عبور از جنوب بشمال را آسان میکند. در دوره ای یخ بندان حلقه طوفانها استپهای فعلی را بنواحی جنگل تبدیل کرده و استپهای فقیر فعلی تبدیل به مراتع و چمنزار شده و صحراها و باتلاقهای نمک زار دریاچه های بزرگ آب شیرین بوده است. تحت این شرایط حتی قسمت شرقی و مرکزی ایران سرزمین مطلوب و قابل سکونت محسوب میشده است.

درباره جمعیت فعلی هدون (ص ۱۰۲-۱۰۳) مینویسد: «بغیر از گریه های کوچک کرد و عرب و ارمنی که باین ناحیه آمدند و گروه بزرگ نژادی در ایران وجود دارند که عبارتند از تاجیکهای نوع قدیم که نمونه آنها پارسی هائی هستند که در سال ۶۴ میلادی به هندوستان مهاجرت کردند و ایرانیها. تاجیکهای سرزمینهای پست مخلوط تر و دورنگ چهره آنها از ساکنین نواحی مرتفع یا گاجاها Gelcha سفیدتر است اینها را میتوان ساکنین اولیه محسوب داشت ولی در شوش اثر مردمان سیاه پوست دیده میشود که از روی آثار و ابنیه تاریخی میتوان آنها را مردمان قبل از درآویدی و شاید از نژاد الوتریک Ulotrichous دانست. نوردیک های اولیه از نواحی بین اروپا و آسیا آمدند که در تاریخ بعنوان مادو پارسی شناخته شدند ولی مهاجرت افراد سامی نژاد مانند عربها و قبائل ترک در نوع ایرانی تغییراتی بوجود آورده است. دو گروه ایرانی قابل تشخیص عبارتند از:

۱ - فارسیهای باریک اندام سردراز اطراف تخت جمشید که رنگ چهره آنها روشن و مو ریش انبوه بلوطی رنگ دارند. افراد بسور دارای چشم آبی بندرت دیده می شوند و بنظر میرسد از نوردیک های اولیه باشند.

۲ - لرهایا لریها که بلند قدتر و تیره رنگ تر هستند و موی مشکی و سر خیلی دراز و صورت بیضی شکل و قیافه منظم دارند و بنظر میرسد که شاخه ای از

نژادمدیترانه یا نژادی شبیه آن تعلق دارند. ایلات ترکمن هستند که در اثر ازدواج متقابل با ایرانیها در طی زمان انواع مختلف نژادی از قبیل قاجارها بوجود آورده اند.

هدن (ص ۸۶) متذکر میشود که «یک گروه نسبتاً غیر معینی که می توان آنرا ایران و مدیترانه گفت قابل تشخیص است که دارای سرم توسط وینی باریک و قد متوسط تا بلند میباشند. این شاخه شامل ایرانیان بطور کلی و آذربایجانی - های ایران و قفقاز که کم و بیش با ترکها و عجمی های ایران و شوشیها و یزیدیهای عراق و فلاحین فلسطین و سامریها و بعضی یهودیها و غیره مخلوط شده اند میباشد در این گروه اختلاط و امتزاج زیاد صورت گرفته است مثلاً شوشیها دارای دماغ پهن هستند ولی این امر ممکن است در اثر اختلاط با یک نژاد غریبه باستانی باشد. سامریها دارای باریکترین سرو بینی و بلندترین قد هستند و تصور میرود که اثر نژاد شمالی نوردیک در آنها باقی مانده باشد. دلیلی برای تردید نیست که یک طبقه فرعی در این گروه دارای رقم شاخص سر در حدود ۷۶ و وینی بین ۶۱-۶۳ و قد در حدود ۱/۶۳۳ متر ( $\frac{1}{4}$  ۶۴ اینچ) میباشد و این خصوصیات را میتوان خصوصیات نژاد مدیترانه نامید. این افراد نماینده گروهی هستند که بسمت مغرب حرکت کردند.

در خلاصه کردن عناصر سر کوتاه جمعیت هدن (ص ۲۷) مینویسد:

«پامیری (ایرانی) نوع بشر کوهستانی از لاپوژ. موی قهوه تارک و گاهی روشن همیشه انبوه و موجودار یا مجعد. ریش انبوه قهوه ای متمایل به قرمز یا حتی روشن. پوست سرخ و سفید یا برنگ برنز - قد بلندتر از متوسط بین ۱/۶۶ تا ۱/۷۰۷ متر ( $\frac{1}{4}$  ۶۵ -  $\frac{1}{4}$  ۶۷ اینچ): شاخص سر کوتاه ۸۵ بیال - صورت بیضی دراز - بینی کوتاه و باریک (شاخص ۶۲/۶-۷۲) و برجسته - عقابی ناصاف - چشم صاف و رنگ متوسط بعضی روشن و گاهی آبی.

«گلجا - تاجیک - واخی و غیره ایران و پامیر و نواحی مجاور که در جهت شمال شرقی تا منجوریه بسط پیدا میکند علاوه بر توصیف نوع ایرانی هدن (ص ۱۰۳-۱۰۴) رابطه بین اقوام ترکستان و افغانستان و بلوچستان را شرح میدهد. دو آب ترکستان کشوری است بین آمودریا (جیحون) و سیردریا (سیحون)

## اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۱۶۳

که تا پامیر بسط دارد . قسمت عمده جمعیت آن تشکیل میشود از سارتهای Sarts قومی که از مخلوط از ازبک و قرقیز و تاجیک و عناصر دیگر بوجود آمده اند . از افراد بادیه نشین قرقیز نمونه و نماینده وجود دارد . ازبک خالص بسیار کم است و عده قلیلی که وجود دارند که يك قسم طبقه اشرافی نژادی تشکیل میدهند . ترکمنها که ناحیه بین دو آب دریای خزر را در اشغال دارند تا دو آب امتداد دارند تاجیکها مخلوطند ولی کم و بیش از زمان آخرین حمله ازبک موجودیت خود را حفظ کرده اند .

گلچاها که از خالصترین پامیرها هستند در نواحی کوهستانی زندگی میکنند . نوعی از یهودیهای خالص و قدیمی در اغلب شهرها پیدا میشود . نمونه های قبائل آسیای مرکزی و کولی نیز وجود دارند .

هدن (ص ۹۷) نیز متذکر میشود که « تسلط ترکها بر ناحیه مجاور جیحون در اواسط قرن ششم میلادی سبب شد که قبائل ترک از راه شمال ایران با آسیای صغیر مهاجرت کنند . ترکان سلجوقی در اواخر قرن یازدهم آن ناحیه را بطور دائم اشغال کردند و بعداً ترکان عثمانی در آنجا تسلط یافتند و پس از مرگ اورخان در ۱۳۵۹ تسلط خود را بر شبه جزیره بالکان بسط دادند . سپس دستجات ترکمن بادیه نشین در پی ترکها آمدند و در قرون بعد نوبت ترکمنها و افشارها و کردها رسید . باید بخاطر داشت که کلمه ترک در آسیای صغیر و در اروپا مستلزم آن نیست که حتماً از اصل ترک باشد و افراد نژادهای دیگر که در ادوار مختلف با جبار یا با اختیار بدین اسلام گرائیدند نیز اطلاق میشود .

از مردم Leiotrichi سر کوتاه هدن (ص ۳۱) شرح مختصر زیر را میدهد : « ترکی . موی تیره رنگ - روی صورت زیاد . چهره سفید متمایل بزردها تمایل مختصری به قهوه ای - قدم توسط تا بلند ۱/۶۷۵ متر (۱۶۶ اینچ) با تمایل بجاقی - سرمکبب شکل کوتاه - (شاخص سر بین ۸۵ - ۸۷) - صورت بیضی شکل دراز - استخوان گونه پهن - بینی صاف نسبتاً برجسته - چشم تاریک غیر مغولی ولی اغلب قسمت خارجی حاشیه مژه تا شده است - لب کلفت .

» موطن اصلی آسیای مرکزی غربی . يك گروه شرقی شامل یا کوتهای اطراف رود لننا و بعضی تاتارها میشود . گروه مرکزی مرکب از قرقیزها و قزاقها و ازبکها و غیره که اغلب از ترکستان روسیه هستند . گفته میشود که گروه قرقیز

مخلوطی از پاروئی Pareoean و ترک است (شاخص سر ۸۴-۸۸ - شاخص بینی

۶۹-۷۸) - قد ۱/۶۳۸-۱/۶۷۶ متر (۶۴-۶۶ اینچ) گروه غربی متشکل است

از ترکمنهای مشرق خزر و عثمانیهای آسیای صغیر و ترکیه ادوپا.

درباره افغانستان هدن (ص ۱۰۳) میگوید این مملکت «اصولا موطن نژاد

هندو افغان است ولی در شمال پاروپامیها Paropamisus یا هزاره های بلندقد هستند

شاخص سر ۸۵ - شاخص بینی ۸۰/۵. طبق نظر هدن (ص ۳۱-۳۲) هزاره ها

متعلق به سنترالی Centralis از شعب سر کوتاه با ترانچی Taranchi ترکستان

شرقی و ترگد Torgod یا ترکت Torgut زنگاریا و تلنگت Telenget ناحیه

التای میباشد

هدن (ص ۲۲) مردم هندو افغان را باین ترتیب طبقه بندی میکند. موی سیاه

موجود در چهره شفاف قهوه ای بسیار روشن - قدم تفاوت بین ۱/۶۱۰-۱/۷۴۸ متر ۶۷-۷۰

۳  
۴ ۱۶۸ اینچ

سر دراز و متوسط (شاخص سر ۷۱/۳ - ۷۷/۵). صورت دراز - قیافه

منظم - بین برجسته صاف یا محدب که اغلب باریک و کوچک است و چشمان تاریک

درباره مردم بلوچستان هدن (ص ۱۰۳) مینویسد: «معمولا بلوچی ها را با

افغانها منسوب میدانند ولی افغانها اصولا از نوع مردم سر دراز هستند در حالیکه

بلوچی ها در مرز بین سر کوتاه و سر متوسط میباشد. بنا بر این بهتر آنستکه آنها

را از نوع هندو ایرانی دانست. قبیله براهوئی بیک نوع لهجه زبان دراویدی حرف

میزنند ولی ظاهر و اندازه گیری جسمانی آنها نشان میدهد که از بلوچی ها هستند:

(براهوئی سراوان - شاخص سر ۸۱/۵ - شاخص بینی ۷۰/۹ - قد ۱/۶۵۹ متر).

اقوام چوتا Chuta و بندیا Bandiya حتی از هزاره ها سر کوتاه ترند ولی شاخص

بینی آنها به ترتیب عبارتست از ۵۸/۹ و ۵۸/۹ و بنا بر این در جزء گروه بینی باریک

میباشند و آنها را بنا بر این باید از نژاد پامیری دانست در میان افراد دارای سر کوتاه

و متوسط آسیائی که لکه های سفید روی پوست سفید آن مشاهده میشود هدن (ص ۸۶)

هندو ایرانی را طبقه بندی میکند که « مرکب هستند از بلوچی - اچکزائی -

پانی - کاکسر پاتان - تارن - وهوار و براهوئی که در مرز بین سر متوسط و سر

## اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۱۶۵

کوتاه یعنی دارای شاخص سر بین ۸۰-۸۲/۸ و بینی متوسط و باریک یعنی دارای شاخص بینی بین ۶۷/۸-۷۴/۳ میباشند. قد آنها بین متوسط و بلند یعنی بین ۱/۶۴۲ و ۱/۷۲۲ متر میباشد. این طبقه را میتوان طبقه وسط یا نوع مخلوط دانست. «

۱۹۲۵ - سیس A.H. Sayce دانشمند اسوری شناس معروف آکسفورد اظهار عقیده میکند (ص ۷۳-۷۴) که «مادائی‌ها Madai شاید همان ماده‌ها<sup>۱</sup> یا مادا Mada آسوری‌ها باشند. نام آنها را اولین بار در اسناد خط میخی در حوالی سال ۸۴۰ قبل از میلاد تحت عنوان آمادا Amada می‌بینیم و آن زمانی است که کشور آنها توسط یکی از سلاطین آسوری مورد حمله قرار گرفت. در آن زمان در کوه‌های کردستان در مشرق دریاچه ارومیه سکنی داشتند. ولی پنجاه سال بعد آنها را در مدیاراجیانا Media Rhagiana می‌یابیم که دیگر آمادا خوانده نمی‌شوند بلکه مادا نام دارند. از این کلمه بود که یونانیان کلمه مدیاماد را اخذ کردند. مدیها یا مادهای اصلی يك قوم آریائی بودند که خود را منسوب به آریانهای شمال هندوستان و آریانهای اروپا میدانستند و یکی از قبائل آنها پارسها بودند که در جنوب در سواحل شرقی خلیج فارس مستقر شده بودند. ولی در زمان باستان ساکنین اولیه این ناحیه که مادها با نجا هجرت کرده بودند تحت عنوان ماد طبقه بندی میشدند و نام ماد عنوان نژاد خاصی محسوب نمیشد. تردید نیست که شباهت بین نام آسوری مادا و مندا بمعنی قبیله نیز به این تحریف و اختلاف کمک کرده است. نام مندا Manda در اصل به قبائل سانسکریت زبان آسیای صغیر اطلاق میشده و اولین بار در متون هیتی هزاره دوم قبل از میلاد بآن برخورد میکنیم. بابلی‌ها همه اقوام شمالی را که در ادوار مختلف به بین‌النهرین حمله کردند باین نام میخواندند و بعدها نه تنها آنها را مادها بلکه به سیت‌ها نیز اطلاق نمودند.

سیس Sayce ادامه داده میگوید (ص ۱۰۷-۱۰۸ و ۱۲۰-۱۲۱) «هرگونه دلیلی برای بحث دربارهٔ زبانهای فامیل سامی باشد دلیلی برای صحبت از نژاد سامی نیست و اگر چنین بحثی بمیان آید زبان و نژاد باهم اشتباه میشود

۱- راجرز R.W. Rogers (ص ۱۲) مندارا با مادائی یا ماد یکسان میدانند. همچنین رجوع شود بکتاب دروور E. S. Drower («E. S. Stevens») (ص ۱۱-۱۳).

واشبهه قدیمی که بین این دو فرق نمیگذاشت تکرار میشود «... سامی حقیقی دارای موی مشکی و موجددار و قوی است و روی سر و صورت وی زیاد است. جمجمه وی از نوع سر دراز است. عجب آنستکه در اروپای مرکزی مطالعه و تحقیق درباره یهودیها نشان میدهد که درحالیکه ۱۵ درصد آنها پور هستند فقط ۲۵ درصد تیره رنگ میباشند و بقیه از نوع حد وسط هستند و نوع سر کوتاهی فقط درمیان افراد تیره رنگ پیدا میشود. علت این امر بدرستی معلوم نیست مگر آنکه آنها در نتیجه اختلاط و امتزاج خون بدانیم<sup>۱</sup> هر موقع که افراد خالص نژاد پیدا میشوند بینی آنها برجسته و متمایل به عقابی شکل و لب کلفت و صورت بیضی شکل است. رنگ پوست آنها سفید تیره است که وقتی در معرض آفتاب قرار گیرد سیاه میشود و نه قرمز. ولی معمولاً گونه و لب آنها رنگ دارد. چشم آنها مانند موی آنان

بزر

سیس (ص ۱۱۵-۱۱۶ و ۱۲۲) میگوید «حتی درازمنه کتاب مقدس نژاد یهود بهیچوجه نژاد خالص نبود. گفته شده است که داود سفید رو و مو قرمز بود<sup>۲</sup> که ممکن است نشانه اختلاط باخون خارجی باشد. در حال محافظین وی از اهل جزیره کرت<sup>۳</sup> بودند و در بین افسران عمده او افرادی از نژاد آمونی Ammonite و عرب و سوریه ماچا Maachah وجود داشتند<sup>۴</sup>...

«یهودیها جسماً قوی و خوش بنیه هستند و در شهرهای اروپا در قرون وسطی تحت بدترین شرایط بهداشتی زندگی کرده و بر تعداد جمعیت خود افزودند

- ۱- رجوع شود بمقاله «مردم شناسی سامی ها» بقلم فلیجیر Fligier در قفقاز یهودیها از نوع افراد دارای سرخیلی کوتاه هستند ولی چون سر کوتاهی از خواص مردم قفقاز است دلیل آنها اختلاط میتوان دانست. رکلوس Reclus (VI- ص ۲۲۵) معتقد است که کلنیهای سوایی در دره کورا Kura طی دو قرن با همسایگان قفقازی خود که مو و چشم سباه داشتند مخلوط شدند، از طرف دیگر روسهایی که در زمان کاترین بسواحل دریاچه جیگا نزدیک سارد آمدند تغییر نکردند و قد بلند و روی سفید و چشم آبی و موی زرد یا پور خود را حفظ کردند.
- ۲- مراجعه شود به کتاب اول سموئیل نبی - باب هفدهم - آیه ۴۲ و مقایسه شود با کتاب روت باب اول آیه ۴ و باب چهارم آیه ۱۳.
- ۳- سنارکرب می گوید محافظین حزقیال که در مقابل آسوریها از اورشلیم دفاع کردند شامل عوربی یا عربی بودند.

- ۴- رجوع شود به کتاب دوم سموئیل نبی باب بیست و سوم آیه ۳۴ و ۳۵ و ۳۷.

## اشارات تاریخی درباره مردم ایران-۱۶۷

و اگر بتاریخ گذشته نظر افکنیم می بینیم که دوران سلطنت سلاطین آسوری نسبتاً طولانی بوده است. امرای که موجب هلاک سایر نژادها میشود معمولاً به یهودیان صدمه نرسانیده است و مانند بومیان عربستان قوه مقاومت آنان در مقابل مالاریا زیاد بوده است.

«گفته شده است که اولاد شم عبارت بودند از عیلام و آشور و ارفاخذ Arphaxad و لود Lud و آرام. عیلام یا سرزمین مرتفع نواحی کوهستانی مشرق بابل بود که پایتخت آن شوش یا سوشن نام داشت. جمعیت آن غیر سامی و زبان آنها از نوع زبانهایست که کلمات مرکب آن شکل و معنی اجزاء متشکله خود را از دست نمیدهد (Agglutinative).»

سیس (ص ۹۵) با صراحت و اطمینان بیش از حد مینویسد: «از آنجائیکه سومریها از سمت شمال شرقی به بابل آمدند و این مطلب علاوه بر دلایل دیگر از علامات آنها یعنی کوهستان و جلگه نشان داده میشود بنابراین برای یافتن آثار زبانهای متصل باید در آن سمت جستجو کرد. منشأ و مبدأ فرهنگ و تمدن کلدی این اقوام قبل از سامی ها بودند و نه مهاجمین سامی نژاد.

۱۹۲۶- از «نژادها و اقوام روی زمین» بقلم دنیکر Deniker قطعات زیر را انتخاب و ترجمه کرده ام.

ایرانیان فلات ایران و نواحی مجاور آن بخصوص سمت مشرق را اشغال کرده اند. از لحاظ جسمانی نژاد آنها متشکل است از نژاد آسوری مخلوط با عناصر ترکی در ایران و ترك با عناصر هند و افغانی در افغانستان و با عرب و عناصر سیاهپوست در جنوب ایران و جنوب بلوچستان.

در میان اقوام ایرانی مهمترین آنها چه از لحاظ تعداد و چه از حیث جنبه تاریخی ایرانیان هستند که میتوان آنها را پسه گروه جغرافیائی تقسیم کرد. اگر خطی از استرآباد به یزد و از آنجا به کرمان کشیده شود تاجیکها در مشرق آن و عجمیها<sup>۱</sup> در مغرب آن بین طهران و اصفهان قرار میگیرند و فارسیها بین اصفهان و خلیج فارس واقع میشوند. در مغرب افغانستان و شمال غربی بلوچستان و ترکستان افغانستان و تا ماوراء پامیر نیز تاجیکها ساکنند. از لحاظ خصوصیات جسمانی

۱- عجمی های ساکن کناره دریای خزر طالش و مازندرانی خوانده

می شوند.



کسانیکه شبیه تاجیکها هستند عبارتند از پولوس Polus ساکن شمال کوئن لون Kuen-Lun و سادتهای ساکن ترکستان شوروی و در حدود دومیلیون آذربایجانی ساکن قفقاز که در قرن هفدهم ایرانیها آنها را بآن محل کوچ دادند (ص ۵۰۵-۵۰۶).

تاجیکهایی که از نوع سر کوتاه هستند (۸۴/۹) وقد بلندتر از متوسط (۱۶۹) دارند اثر اختلاط با ترکها در آنان مشاهده میشود.<sup>۱</sup> عجمی ها و قسمتی از پارسیها که از نوع سرداز (۷۷/۹) وقد متوسط (۱۶۵) هستند آسوری یا از نوع هند و افغانند<sup>۲</sup> (ص ۵۰۷).

دنیگر مینوید (ص ۵۰۸) که بلوچی ها به نژاد هند و افغان تعلق دارند ولی در جنوب با اعراب و در مشرق با جاتها و هندوها و در شمال غربی با ترکها و در جنوب غربی با سیاهپوستها مخلوط شده اند. مکرانی ها مخلوطی از نژادهای افغانی و آسوری و سیاهپوستند. افراد رند مکران که گفته میشود بلوچی خالص هستند در واقع اعراب از قبیلۀ کترتان میباشند<sup>۳</sup> براهوئی های ناحیه شرقی بخصوص نزدیک کلات شبیه ایرانیانند.

۱۹۲۶ - ایوانو W. Ivanov (ص ۱۴۸) روستائیان خراسان را بدین طریق توصیف میکند: «معمولا بلند قد و خوش هیكل و از نوع سر کوتاه هستند و موی انبوه و چهره سفیدرو دارند. مردمی قوی و بردبارند زاویه صورت آنها خیلی بلند است ولی بآن زیبایی که در مشرق ایران نادر نیست یعنی صورت منظم خوش برش شبیه حجاجاریهای یونان باستان نمیرسد.

وی فهرستی از قبائل کرد و شعبات آنها را میدهد و میگوید «کردهای خراسانی بلندتر و قویترند ولی قیافه آنها خوش برش نیست و زاویه صورت آنها به بلندی مردمان

۱- تاجیکها چندین نوعند. مقایسه شود با شرح بقلم شانتس تحت عنوان «تحقیق درباره مردم شناسی ماوراء قفقاز و آسیای صغیر و سوریه» چاپ لیون مورخ ۱۸۹۵. شانتس از ۳۲ فرد اندازه گیری کرد که حد متوسط قد آنها ۱۷۵ و شاخص سر ۷۹ بود.

۲- رجوع شود به نوشته دالمانی H. d'Allemagne تحت عنوان از خراسان تا ناحیۀ بختیاری - پارس- ۱۹۱۲.

۳- رجوع شود به منشأ بلوچها بقلم مککلر Möckle در نشریه انجمن آسیائی بنگال ۱۸۹۳ ص ۱۵۹.

## اشارات تاریخی درباره مردم ایران- ۱۶۹

سمت مغرب نیست. از لحاظ جسمانی بیشتر شبیه لرها هستند تا کرد های مغرب اگر چه افرامو بوورد میان آنها بندرت یافت میشود.، در یادداشت ذیل صفحه (ص ۱۵۲) اضافه میکند «که این نظریه ممکن است صحیح نباشد زیرا اغلب افراد موی سر خود را با حنارنگ میکنند و سر خود را همیشه پوشیده نگاه میدارند ولی بنظر میرسد که در کردستان اصلی پیش از خراسان اطفال موپور وجود دارد. در سمت مغرب ممکن است با اروپائیان اشتباه شوند.»

ایوانو معتقد است که بلوچهای بادیه نشین که از اصال ایرانی هستند از لحاظ خصوصیات جسمانی با ایرانیها و کردها فرق دارند. معمولا بلند قد ترند و قیافه و صورت آنها خیلی منظم نیست و زاویه صورت آنها اغلب باریک است.

ایوانو (ص ۱۵۳-۱۵۷) شش قبیله را بشرح زیر توصیف میکند:

تیموریها که نزدیک مرز افغانستان ساکنند و به هشت قبیله عمده تقسیم میشوند.

ترکها که از لحاظ شاخص سراز نوع سر کوتاه هستند و قد متوسط دارند و زاویه صورت آنها باریک و قیافه آنها نامنظم است.

بربرها که از نژاد مغولند و از افغانستان مهاجرت کرده اند. در نوشته های اروپائی آنها را هزاره میخوانند. ایوانو میگوید که آنها «از لحاظ خصوصیات جسمانی مغول خالصند و کلمولها و قرقیزها و سایر اقوام آسیای مرکزی را بخاطر میآورند. مردمانی هستند کوتاه قد و قوی یننه و سفید رو که در مواقع نادری که شستشو میکنند بخوبی آشکار میشود. قیافه آنها مغولی است و ریش آنها کم پشت و خشن است.

یهودیها که اکنون فقط در مشهد وجود دارند و از گروههای بزرگ یهودی که در ادوار گذشته در شهر های خراسان زندگی میکردند کسی باقی نمانده است.

اعراب که بادیه نشین هستند و امروز از خالص ترین نژادهای ایرانند... احتمال دارد که از اولاد اعرابی که در محل استقرار یافتند باشند... از خصوصیات جسمانی آنها نمیتوان فهمید که عرب هستند و افراد این قبائل همیشه با ایرانیان اشتباه میشوند.

کولی‌ها<sup>۱</sup> که بنام غر شمال یا جات یا کزنکی و قبیله خوانده می‌شوند و بادیه نشین هستند و از لحاظ خصوصیات جسمانی اختلاف و تنوع زیاد میان آنها مشاهده

۱۹۲۷ - ویلیام ورل William H. Worrell (ص ۲۰-۲۱) درباره کشور و مردمان آن چنین اظهار نظر می‌کند: «ایران لااقل در وضع فعلی کشوری نیست که مهاجرین را بخود جلب کند. وقتی در ادوار مختلف اقوام آریان و تورانی از سمت شمال شرق بآن روی آوردند به علت آن نبود که حاصلخیزی آن آنها را جلب میکرد و یا اینکه سرزمین ایران مرطوب تر از جلگه های آسیای مرکزی بشمار میرفت. علت حرکت و مهاجرت آنها ممکن است خشکسالی و یا کثرت جمعیت بود که آنها را بدون قصد حرکت واداشته بود. از این حیث با بادیه نشینان سامی نژاد که گاه بگاه از عربستان به بین النهرین هجوم می‌آوردند فرق داشتند زیرا همیشه از وضع بهتر سرزمین شیر و عسل داستانهای شنیدند. آریانیها و تورانیان همیشه از راه ایران به نواحی حاصلخیز بین النهرین می‌آمدند و گاهی يك قوم و زمانی قوم دیگر و گاهی هر دو متفقاً هجوم می‌آوردند.

درباره ورود آریانیها ورل (ص ۱۲۱- ۱۲۲ و ۱۲۴) می‌نویسد که آریانیها قبل از ۲۰۰۰ قبل از میلاد باین خطه آمدند و «پس از آنکه مدتی در ایران و ترکستان مستقر شدند شعبه ای از آنان که بمعنی جامعتری آریان نامیده میشدند به دو گروه تقسیم شدند يك گروه یعنی ایرانیان در ایران ماندند و گروه دیگر هندیها از کوهستانها گذشته خود را به هندوستان رسانیدند و در آنجا با نژاد غیر مشخصی یعنی دراویدیها مخلوط گردیدند. در همان مواقع رؤسا یا بارونهای آریائی میتانی Mitanni خود را در این منستان مستقر کردند. در اواسط قرن هیجدهم سلسله آریائی کاسیت بابل را متصرف شده بودند.

«اقوام بادیه نشین آریائی زبان شمالی در جلگه های روسیه و اقوام بادیه نشین مغولی تورانی زبان در سرزمینهای سبز و مراتع غربی سیبری سکنی داشتند و سلسله جبال اورال مانع طبیعی بوده و بین آنها قرارداد داشت از ازمنه قدیم این دو قوم

۱- برای نژادشناسی زبان آنها مراجعه شود به نشریه انجمن مردم شناسی

بمبی- جلد ۱۰ مورخ ۱۹۱۴ ص ۴۳۹ - ۴۵۵ و جلد ۱۶ مورخ ۱۹۲۰ ص ۲۸۱ -

۲۹۱ و جلد ۱۸ مورخ ۱۹۲۲ ص ۳۷۵ - ۳۸۳.

با یکدیگر تماس داشتند و در میان قوم فینی - اوگریانی *Finno ugrians* این دو قوم از لحاظ نژاد و زبان بخوبی باهم آمیخته و مخلوط شده اند. مردم ایران و زبان آنها از این تماس بدون تأثیر نمانده است و با وجودیکه اختلاف دائمی که ایرانیان بین ایرانی و توراتی قائل میشوند این دو قوم باهم مخلوط شده اند.

ورل (ص ۴۴) معتقد است که تماس بین اقوام مغول و قفقازی سابقه دراز دارد. در حالیکه ایرانیان آریائی زبان در امتیاز و اختلاف بیسن ایران و توران هشیاری نژادی قوی نشان میدهند تردیدی نیست که بکرات خون توراتی دریافت داشته اند. مهاجمین زرد پوست همیشه از راه ایران آمدند بعضی از این اقوام مهاجم بنظر میرسد مخلوط مستهلك نشده قبائل سفید و زرد (سیت و پارتی) باشند. ممکن است سومرهای و عیلامیها از این نژاد مخلوط باشند.

ورل اضافه میکند (ص ۱۲۵-۱۲۶) که «در قرن نهم قبل از میلاد بادیه نشینان ایرانی در آن زمان که بعداً مدیا خوانده شد ظاهر شدند. تیگلاس پیلسه *Tiglath Pileser* (۱۱۰۰ قبل از میلاد) پایتخت آنان اکباتانا (هگمتانه - همدان) را بعنوان ناحیه تحت انقیاد خود ذکر کرد ولی ظاهراً این گفته صحت ندارد. پس از اشارات مکرر بآنهادر کتیبه های آشوری قرن هشتم و هفتم و یک اشاره در کتاب دوم پادشاهان باب هفدهم آیه ۶ می شنویم که یکی از رؤسای مدی بنام فراورتس *Phraortes* یا فراورتیش در سال ۶۷۴ قبل از میلاد پس از قیام علیه آشور قبایل مدی و پارسی را متحد کرد... در ۶۱۴ سیاکزار (هوخشاتارا) به نینوا حمله برد ولی توفیق نیافت و در سال ۶۱۲ با کیم نبوپولاسار *Nebopolassar* آنرا تصرف کرد. در سال ۵۸۵ پسرش آستیاگک جانشین وی شد و در ۵۵۰ قبل از میلاد کوروش او را از سلطنت برانداخت. از این تاریخ بیست و دو سال بعد مقرر شد که ایران را در شمال غربی به جنوب غربی ایران انتقال یافت...

«پارس ایالتی است در سمت غربی خلیج فارس که نام پرسیا یا پارس از آن گرفته شده و سلسله هخامنشی و ساسانی از آنجا برخاسته اند. در حدود سال ۶۳۰ قبل از میلاد مردم پارس از این ایالت حرکت کرده و سلطنت آنشان را در محلکیه سابقاً عیلام بود تأسیس کردند.

۱۹۲۸ - برای نشان دادن بسط نفوذ ایران قطعاتی از کتاب (تاریخ

دریا نوردی ایران) بقلم هادی حسن نقل میکنم . هادی حسن (ص ۷۹ - ذیل صفحه) از کتاب (ختن و راه بان) تألیف یول Yule (جلد اول - ص ۸۸ چاپ لندن مورخ ۱۹۱۵) نقل میکند.

«چینی‌ها اعراب را بنام تازی یا تاشی (تاشی یک نوع نوشته تازی یا تاجیک فارسی است) میخواندند و ایرانی‌ها بودند که اعراب را بچینی‌ها شناختند و از این مطلب معلوم میشود که ایرانیان در سفر بچین مقدم بوده‌اند . هادی حسن ضمناً اظهار عقیده میکند که این حق تقدم شامل سفر از راه دریا نمیشود . هادی حسن (ص ۸۰ - ۸۱ - ذیل صفحه) اضافه میکند که «ایرانیان غربی یا ایرانیان اصلی در همه آسیای مرکزی تاجیک و در سمت غرب تات که تحریفی از همان کلمه است خوانده میشوند» «تاجیک شکل فارسی وسط کلمه آرامائی تای یایه taiyāye که احتمال دارد از نام قبیله عرب طائی باشد میباشد»<sup>۲</sup>. علت تغییر معنی این کلمه اینست که زمانی عربهای طائی مسلمان را بعضی از ایرانیان نماینده همه عربها محسوب میداشتند و این نام را بهمه اعراب اطلاق کرده و آنرا بمعنی عرب یا مسلمان استعمال نمودند ...

دولون D'Ollone از ذکر کلمه اعراب تاشی که بمسلمانان تحت سلسله تانگ T'ang و هوئی - هو Hui-ho تحت سلسله لیاو Liao و چین Chin اطلاق میشد نتیجه میگیرد و این مطلب نشانه اطلاع از حال مسلمانان مغرب است و دلیل بر مهاجرت آنان نمیشد»<sup>۳</sup>

۱۹۲۸ - هیتی Hitti (ص ۱۸ - ۲۳) مدارک مربوط بمنشأ و ایرانی بودن دروز را خلاصه کرده و در شرح زیر (ص ۲۲ - ۲۳) به قبایل ایرانی که به سوریه

پاورقی صفحه قبل

۱ - و همچنین مراجعه شود به نوشته پلیو P. Pelliot تحت عنوان «تاثیر نفوذ ایران بر آسیای مرکزی و خاور دور» چاپ پاریس مورخ ۱۹۱۱ - بر تولد لوفر «اشکال گلی چینی» قسمت اول - موزه تاریخ طبیعی فیلد، شیکاگو - ۱۹۱۳ بوگدانف Bogdanov و رید Read و اسناین Stein ۱۹۳۷ و ۱۹۳۸ - گردن و چایلند مورخ ۱۹۳۳ و پوپ ۱۹۳۳ و مودی ۱۹۱۶

۱ - کین A.H. Keane آسیا - جلد ۲ - ص ۴۹۰ - لندن مورخ ۱۹۰۹ .  
۲ - در حال حاضر محمدا بوطائی هو بطله دراران زندی می کند و قبر او در الجعفر چهل مبلی مشرق معان است.

۳ - مارتین هارتمن Martin Hartmann مقاله در باره چین در دائرة المعارف اسلامی.

انتقال داده شدند اشاره مینماید. این مطلب که عناصر هندو ایرانی درخون قبائل دروز متنوع و زیاد است قابل قبول است نه تنها بعلمت آغاز احتمالی و اختلاط و ازدواج در سر زمین اولیه آنها یعنی در بین النهرین بلکه بعلمت اختلاط احتمالی در خود سوریه که قبل از دروزها محل سکونت عده زیادی از ایرانیان بود. یکی از مطلبترین ۹۰۰-خین دوره اولیه عرب یعنی البلدهوری میگوید که علاوه بر سایر خلفای اموی معاویه (۶۶۰-۶۸۰ میلادی) در موارد مختلف عده زیادی از افراد قبائل بین النهرین و ایران را به نواحی بعلبك و حمص و سور و غیره کوچ داد و ظاهراً منظور آن بود که این افراد جای مردمان بیزانلیین را که پس از حمله عرب و اسلام خاک سوریه را تخلیه کرده بودند بگیرند. در نقل و انتقالاتی که بعدها در سوریه بعمل آمد و شامل حال این قبائل ایرانی گردید احتمال دارد که بعضی قبائل به ناحیه وادی الطیم آمده باشند. بموجب نوشته ابن اثیر تحت وقایع سال ۵۲۳ هجری (۱۱۲۸ میلادی) این ناحیه از توابع بعلبك بشمار میآمده است. طبق همان نوشته در آن موقع در وادی الطیم مردمان از هر حیث مختلف از قبیل نصیری و دروزیه و مجوس (یکی از فرق زردشتی) زندگی میکردند. افراد شیعه سوریه که معمولاً متوله نامیده میشوند ممکن است از یکی از قبایل انتقال یافته ایرانی باشند از نقل نژادی بنا بر این دروزها مخلوطی هستند از ایرانیان و عراقیها و اعراب ایرانی شده و بهمین جهت برای دریافت اصول و عقاید دروز کاملاً متناسب بودند.

هیتی در جای دیگر (ص ۱۵) میگوید که فن لوشان Von Luschan دروزها و مارونیتها و نصیری و سوریه را با آرامنه و تاهتاجی و بکتاشی و علی الهی و یزیدی آسیای صغیر و ایران را با سر بسیار بلند و کوچك و بینی باریك و بلند افراد نماینده هیتیهای سابق میداند.

۱۹۲۹ - دادلی باکستون L H. Dudley Buxton مینویسد (ص ۶۲۳) ترکمنها عبارتند از گروهی از ترکان ایرانی که در ایران و خویوه و بخارا و در قفقاز و مارا و خزر ریافت میشوند و تعداد آنها در حدود يك میلیون نفر است و شامل خانوارهای زیر میباشد: چودر - یموت - کو گلان - اخال - مرو تکه - سارك - سالور و اساری ... همه آنها مسلمانند. بعضی از ترکمنهای استپ ظاهراً خصائص جسمانی افراد شمالی (نوردیک) را حفظ کرده اند ولی در اغلب نقاط نوع جسمانی و فرهنگ و آداب و رسوم مردمانی که میان آنها زندگی میکنند کسب نموده اند.

۱۹۲۹ - سر جرج مکمن Sir George Macmunn (ص ۷) می‌نویسد در بلوچستان قبائل بادیه نشین پراکنده‌اند که بنام‌ریگی معروفند و قبیلۀ که تعداد افراد آن از همه بیشتر است محمدانی است. احتمال دارد که از نژاد عرب باشند. نو شیروانیها که از ایرانیان خالص هستند درازمنه تاریخی به بلوچستان آمدند. از حیث ظاهر به تاهوکی یا تاهوکانیها که در بلوچستان ایران وجود دارند خیلی شباهت دارند و مردمانی خوش‌هیکل و مردانه هستند ... تقریباً در همه جا جمعیت ایرانی با تاجیک‌ها قابل تشخیص می‌باشند که گاهی بوسیله یکی از قبائل مهم مرکزی و اغلب در بین کشاورزان نمونه آنها دیده میشود. از این قبیل هستند دهوارها یا دهقانها و دورزاده‌ها که در تمام نقاط مکران وجود دارند طبیعی است که اعراب تأثیر خود را بر مسئله نژادی بلوچستان باقی گذاشته‌اند. از آنجائی که همه جنوب بلوچستان و سیستان را از زمانهای قدیم در اشغال داشتند و بعداً در دره سند پخش شده تا قرن دوازدهم در آنجا باقی ماندند مدارك مربوط به سلسله نسب آنها کاملاً روشن نیست. در اویدیها (پراوهی‌ها) که قنبرائی‌ها و منگلیها (که بدون شك از نژاد تاتارند) نمونه آنها می‌باشند در نواحی جنوبی بلوچستان و نواحی کوهستانی شرقی پخش شده و اکنون در کوهستان خاران پراکنده هستند. مردمانی از نژاد عرب با افراد از نژاد دراویدی و ایرانی مخلوط شدند و همه تحت نام کلی بلوچ شناخته میشوند.

۱۹۳۰ - سردار اقبال علی‌شاه (ص ۲۰-۲۱) درباره مردم خود می‌گوید:

کلیۀ جمعیت در حدود ده میلیون نفر است که به دو گروه و طبقۀ عمده تقسیم میشوند: ساکنین شهرها و دهات و افراد بادیه نشین یا چادر نشین که مرکب هستند از افراد قبائل عرب و کرد و لر و کولی و ترک. نود درصد جمعیت مسلمان و پیر و فرقه شیعه می‌باشند.

طهران که جمعیت آن در حدود ۲۲۰ هزار نفر است در سال ۱۷۸۸ پایتخت کشور شد و در جلگۀ بدون رودخانه در کوهپایه جنوبی سلسله جبال البرز با فاصلۀ ۷۰ میل از بحر خزر قرار دارد. تبریز که جمعیت آن در حدود ۲۲۰ هزار نفر تخمین زده میشود و در شمال غربی نزدیک مرز ترکیه و شوروی قرار گرفته شهر تجارتي ایران است. اصفهان که جمعیت آن ۹۰ هزار نفر و پایتخت سابق است در وسط جلگۀ حاصلخیزی در مرکز ایران قرار گرفته و دومین شهر بازرگانی کشور است. مشهد با ۷۵ هزار نفر جمعیت پایتخت ایالت خراسان و زیارتگاه

واز امکنه مقدسه مسلمانان است. یزد با ۴۵ هزار جمعیت در مرکز مملکت قرار دارد و محل سکونت پارسی‌ها و گبرها است. کرمان (جمعیت ۷۰ هزار نفر) در داخله کشور و محل تلاقی راههای بازرگانی بین خلیج فارس و آسیای مرکزی است. شیراز در جنوب غربی شهری است که برای گل سرخ و شراب و بلبل معروف است.

وی اضافه میکند (ص ۱۵۲) که سومریها از نژاد مغول بودند<sup>۱</sup> و احتمال میرود که امروز بقایای آنانرا بتوان در قسمتی از ترکیه و افغانستان یافت.

۱۹۳۰- برنارد رید Bernard E. Read (ص ۵۹) ارتباط بین ایران و خاور دور را بدین طریق شرح میدهد: «مردم ایران که در آسیای مرکزی زندگی میکنند تا آنجا که اطلاع داریم اولین گروهی هستند که بین چین و مغرب زمین ارتباط قابل ملاحظه برقرار کردند. از اکتشافات سرادل اشتین Aurel Stein شواهدی بدست آمده که نشان میدهد بین تمدن چین و فرهنگ یونانی ارتباط وجود داشته است. از منابع چین اسناد و مدارک آشکار مبنی بر اعزام هیئت‌هایی بسمت مغرب که ذیلاً ذکر میشود وجود دارد.

۱- ۱۳۸ قبل از میلاد. در زمان سلسله هان در دوره سلطنت امپراطور ووتی Wuti يك هیئت نظامی برای انقیاد و سرکوبی هانها Huns توسط چانگ‌چی‌ان Chang Ch'ien اعزام شد. این امر بعدها به بسط تجارت با ناحیه جیحون در باکتریا (باختر) که امروز شامل بخارا و سمرقند و فرغانه میشود منتهی گردید. ابریشم چین از راه پارتیا و سوریه دریونان و روم ظاهر گردید...

۲- ۹۸ میلادی پان چائو Pan Ch'ao موفق به برقراری ارتباط با سوریه و خلیج فارس گردید.<sup>۲</sup>

۱۹۳۲- از کتاب سر ارنولد ویلسون قطعاتی مربوط بمشاهدات وی درباره مسائل مردم شناسی نقل میشود. ویلسون (۱۹۳۲a- ص ۳۶۰) ارقام زیر را درباره جمعیت شهرهای عمده ایران ذکر میکند:

۱- این نظریه بنظر من خیلی عجیب می‌آید. از طرف دیگر امکان دارد که افراد نژاد سومری درمازندران و گیلان سکونت داشته باشند.

۲- مقایسه شود با شرح بقلم آرن Arne - ۱۹۳۴ و ۱۹۳۸b.



نام شهر	جمعیت	نام شهر	جمعیت
طهران	۳۲۰۰۰۰	شیراز	۵۴۰۰۰
تبریز	۲۴۰۰۰۰	کرمانشاه	۵۰۰۰۰
مشهد	۱۵۲۰۰۰	همدان	۵۰۰۰۰
اصفهان	۱۲۷۰۰۰	کاشان	۵۰۰۰۰
رشت	۷۰۰۰۰	قزوین	۵۰۰۰۰
آبادان	۷۰۰۰۰	یزد	۵۰۰۰۰

ویلسون میگوید (۱۹۳۲a - ص ۲۸) که «از سنن و موارد مشترک نژادی اثری در ایران نیست و یک فرد که نوع مشخص ایرانی را نشان دهد وجود ندارد زیرا در داخل حدود امپراطوری ایران انواع مشخص بسیار وجود دارد که اگر چه در اصل از نواحی جغرافیائی آب و هوائی دیگر ولی نه از اصل نژادی مختلف هستند بخوبی شناخته میشوند. مع هذا بجز شاید انگلیسها نژاد دیگری وجود ندارد که در رگهای افراد آن تا این حد اختلاط خون وجود داشته باشد. ساکنین اولیه ایران که اولاد آنان هنوز در گیلان و مازندران در سواحل بحر خزر و نواحی جنگل آن یافت میشوند در بعضی نواحی بوسیله اقوام بادیه نشین آریائی زبان از مشرق روسیه و اقوام مغولی تورانی زبان مغرب سیبری رانده یا مستهلك و مخلوط شدند. این امر در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد آغاز شد و قرنها ادامه یافت (مقایسه شود با شرح ورل Worrell)

ویلسون معتقد است (۱۹۳۲a - ص ۶۹ - ۷۰) که «عناصر مهاجر نتیجه چهار حرکت بزرگ قبائلی در طی چهارده قرن گذشته است. اولین آن اعراب در قرن هفتم بودند و دوم ترکها که در قرن هشتم از مغولستان بحرکت بسمت مغرب شروع کردند. سوم حرکت مشایبه بود توسط سلاجقه<sup>۱</sup> در قرن یازدهم،

۱- سایکس مینویسد (۱۹۲۱ جلد ۲- ص ۲۸) : «سلاجقه شعبه ای از ترکان غز هستند که از آنها خود را جدا نگاه میداشتند مؤسس آنها شخصی بود بنام تورک (یعنی کمان) پدر سلجوق که یاقبیلۀ خود از ترکستان به ماوراءالنهر آمد و بدین اسلام مشرف شد.

## اشارات تاریخی در باره مردم ایران - ۱۷۷

چهارمین و بزرگترین آنها هجوم مغول، تحت فرماندهی چنگیزخان و اولاد او بود که در قرن سیزدهم صورت گرفت علاوه بر این مهاجرت و حرکتها گاه بگاه حملات فرعی یا نفوذتدریجی نیز بعمل میآمد. از جمله احتمال میرود که مهاجرت و کوچ قبائل عرب در فارس و خوزستان مستقلاً و در زمان بعد از حمله اولی اعراب بایران در قرن ششم صورت گرفته است. تردیدی نیست که طی ده قرن گذشته عناصر بلوچ به بسط بسمت مغرب در گوشه جنوب شرقی ایران ادامه داده اند، بنظر میرسد که در قرن پانزدهم و قرون بعد اعراب در کوهستانهای جنوب غربی بطور مسالمت آمیز نفوذ کردند و نفوذ و شدت کردها از اراضی فعلی ترکیه و ترکها از نواحی کوهستانی مغرب زاگرس به آذربایجان يك امر تاریخی است.»

برای نشان دادن اینکه چگونه عناصر خارجی نفوذ کرده و با انواع نژادی ایرانی مخلوط میشدند ویلسون شرح میدهد (a ۱۹۳۲ - ص ۳۳-۳۴) که چگونه پادشاه وقت را رسم بر آن بود که بر رؤسای قبائل که خدماتی انجام داده بودند در نواحی دور دست و گاهی چندین میل دورتر از موطن خود زمین اعطاء میکرد نتیجه این عمل در هر ایالت و ناحیه دیده میشود از جمله بعضی از قبائل عمده لرستان و فارس عرب هستند و قبائل کرد در لرستان و فارس و خراسان وجود دارند و قبائل ترك در لرستان و فارس دیده میشوند. فامیلهای افغانی در کرمانشاه و اصفهان و کرمان و سرحد بلوچستان ریشه گرفته اند. پادشاه فعلی شیوه پیشینیان خود را ادامه میدهد و گروهی از افراد قبائل از لرستان و آذربایجان بسمت مشرق تا خراسان انتقال داده شده اند.

«اگر چه بردگان افریقائی هرگز بتعداد زیاد بایران آورده نشدند مع هذا بین کرمانشاه و کرمان هزارها فامیل وجود دارند که اجداد آنها (کاکالیاه) بودند و این افراد اول غلام و بعداً از معتمدین رؤسای محلی درآمدند اگر چه تعداد بردگان اناث بسیار کم بود مع هذا تأثیر نژاد سیاه پوست بر جمعیت خلیج باقی مانده است .

«همچنین رسم جاری دادن عروسی در مقابل رفع نزاع و یا تأمین روابط دوستانه بین قبائل که غالباً از نژادهای مختلف بودند در واقع يك نوع اختلاط خون و ازدواج خارج از فامیل و قبیله است که معمولاً بیشتر از طرف فامیلهای

درجه اول در تمام نقاط ایران عمل میشود و بدون شك تأثیر آن این بوده است که در میان رهبران ملت درجه هوش و ذکاوت همیشه بمقیاس عالی باقی مانده است. این رسم از زمان بسیار قدیم وجود داشته است. حتی سلاطین سلسله صفوی که از نژاد ایرانی بودند اغلب علاوه بر دختران ایرانی دختران ترك و عرب را باز دواج خود در میآوردند. در واقع هیچ نوع تعصب بر ضد ازدواجهای مخلوط در ایران وجود نداشته است.

ویلسون (۱۹۳۲ - ص ۳۱۵-۳۱۶) خاطر نشان میکند که «اسکندر بارزش نظامی ایرانیان تنها نژادی که حاضر بود با آنها معامله نژادی مساوی بکند واقف بود. خود وی دختر جوان یکی از نجیبای ایرانی را که نامش رخسانه<sup>۱</sup> بود و بنا به قضاوت مصاحبین وی بعد از زن داریوش زیباترین زنی بود که در آسیا دیده بودند باز دواج خود درآورد...

«اسکندر ازدواج بین مقدونیها و زنان ایرانی را تشویق کرد و به ده هزار نفر از سربازان خود که بدون دستور قبلی باین امر اقدام کرده بودند هدیه عروسی داد. هشتاد نفر از نجیبای دربار خود را واداشت با شاهزاده خانمهای ایرانی و دختران بزرگان ایران طبق رسوم زردشتی در شوش ازدواج کنند تحت این شرایط عجب نیست که موفق شد قشونی از جوانان ایرانی که epigoni خوانده میشدند و تعداد آنها متجاوز از سی هزار نفر بود تشکیل دهد. در بدو امر واحدهای ایرانی و مقدونی جدا بودند ولی بعداً واحدهای مخلوط متشکل از سربازان هر دو نژاد تشکیل داد و حتی ایرانیان را در بین افراد گارد سلطنتی خود قبول کرد.

ویلسون میگوید (۱۹۳۲ - ص ۳۷۸) «اگر چه سومین مرکز تکاملی ها کسلی یعنی مغولها در یک دوره تاریخ در ایران قرار داشت اکنون دیگر از خصایص قابل ملاحظه نژادی ایران محسوب نمیشود. بیماری منگولیزم Mongolism و اکندروپلاسیا Achondroplasia نادر است و منظاهر عمل تحرینی غده تیروئید و اندوکرین Endocrine یا دستگاه هورمونی خیلی بندرت توسط پزشکان مشاهده شده است.<sup>۲</sup> لاقول شش هزار سال است که جدائی نژادی در ایران

۱ - بعضی منابع رخسانه را یک شاهزاده خانم سندی دانسته اند.

۲ - رجوع شود به صفحه ۳۹ که نشان میدهد هرودوت بیماری gigantism را ثبت کرده است.

بموقع اجرا گذاشته نشده است و از زمان هخامنشی ها موانع طبیعی هرگز اهمیتی نداشته و همیشه مهاجرت صورت گرفته است. کیت Keith میگوید «تعصبات انسانی (یعنی تعصبات نژادی) معمولاً علت و اهمیت زیست شناسی دارد.» در ایران سرچشمه احساس یا تعصب نژادی اصولاً مسئله اقتصادی بوده و اختلافات و تعصبات نژادی بسرعت از بین می‌رود و حس ملیت پرستی جانشین آن می‌گردد.»

ویلسون (a ۱۹۳۲ - ص ۲۹) میگوید در حال حاضر شش زبان مختلف در ایران مورد استفاده است که عبارتند از ترکی و کردی و عربی و لری و براهوئی و فارسی که هر کدام بتعدادی لهجه های مختلف از قبیل سدهی و سمنانی و لری و غیره تقسیم میشود .

زبان و اختلاف بین اقصاد دارای زبان مختلف در ایران مسائلی پیش می‌آورد و ویلسون (a ۱۹۳۲ - ص ۶۸-۶۹) در این مورد عقیده زیر را بیان میکند. « قبائل بادیه نشین آذربایجان ترکی حرف میزنند و قبائل کردستان چندین لهجه مختلف دارند. قبائل لرستان بزبانی تکلم میکنند که در آن آثار زبان پهلوی ماقبل اسلام مشاهده میشود . بعضی از قبائل فارس ترکی و برخی به لهجه ای صحبت میکنند که کلمات عربی آن زیاد است. ترکمنهای خراسان ترکی و ترکمنهای بلوچستان براهوئی حرف میزنند...»

بعضی از عربستان و برخی از ترکستان مهاجرت کرده اند معدودی از قفقازند و بعضی از اراضی ترکیه آمده اند ولی اکثریت با احتمال قوی بومی هستند و ویلسون اضافه میکند (a ۱۹۳۲ - ص ۲۹-۳۰) اگر چه اکثریت عمده مردم شیعه هستند عناصر پیرو و فرقه سنی در کردستان و آذربایجان و همچنین در بلوچستان ایران وجود دارد که جمعاً شاید در حدود ۸۰۰ هزار نفر میشوند و همچنین اقلیت قابل ملاحظه از پیروان مذهب مسیح و زردشتی ها وجود دارند در حالیکه در میان طبقه تحصیل کرده نفوذ صوفیگری و بهائیگری زمانی خیلی قوی بود و در مذهب اسلام که برخلاف عربستان در زندگی ملی همان نقش را بازی نکرده تأثیر خود را باقی گذاشته است .

تمدن زردشتی ایران در قرن هفتم با موفقیت از مستهلک شدن در میان اعراب مهاجم خودداری و در مقابل آن مقاومت کرد . . . یکی از دلایل شاید آن بود که قشون عرب و مهاجمین عرب زنان خود را همراه نیاورده بودند و مرد ها در ایران با اهالی

مملکت ازدواج کرده و اولاد آنها متماایل به قبول سنن و رسوم مادری بارآمدند. بدون تردید نوع جدیدی که نه شبیه فاتح و نه شبیه مغلوب بود بوجود آمد.

۱۹۳۵- هر تسفلد (۱۹۳۵-۶-۱۰) متذکر میشود که «در ترکیب جمعیت ایران بعد از آغاز هزاره اول تغییر مؤثر و بزرگی صورت میگیرد و با آن نقش تاریخی ایران در مقابل وضع ماقبل تاریخ تمدن گذشته شروع میشود. قوم جدیدی که این تغییر را انجام میدهند اریاها هستند و با اولین اثر در آنها در بین النهرین در حدود ۱۴۵۰ قبل از میلاد بر خورده میکنیم و ملاحظه میشود که کشور پادشاهی میتانی Mitanni که بزبان بومی سخن میگویند و می نویسند پادشاهان نشان مطابق نامی که دارند هند و اریایی هستند کمی بعد از طرف آنها عهدنامه های سیاسی هیتی نه تنها بنام خدایان هیتی و میتانی و خدایان ملل ذینفع دیگر بلکه بنام خدایان میترا و اورو نا و ایندرا و ناسا تیا س سوگند یاد میشود.

«اول تصور میشد که آنها اجداد هندو آریائی و ایرانیان و خود آریاها باشند ولی معلوم شد که زبان آنها نه تنها هند و آریائی ولی حتی برخلاف انتظار شامل عناصر پراکریته قدیم است. اکنون موطن اصلی آریاها معلوم است و آن را Franvoj سرزمین دورودخانه سیحون و جیحون یا خوارزم و سمرقند میباشند. یگانه راه رسیدن به بین النهرین از این محل از ایران است و تنها امکان توصیف وقایع مقایسه آن با موازین معلوم تاریخی یعنی مهاجرت سکاها در حدود ۱۳۰ قبل از میلاد میباشد. اینها نیز آریایی بودند و آخرین باقیمانده آنها که موارد اولیه مهاجرت نکردند از زمان بسیار قدیم تا اواسط قرن دوم قبل از میلاد در همان سرزمین سکنی داشتند تا وقتی که جنبش بزرگ که در آسیای مرکزی روی داد آنها را مجبور کرد موطن و سر زمین خود را ترک گویند. بنا بر این همان وقایع سه بار تکرار شد.

اولین گروه آریایی که مجبور به مهاجرت شدند هندو آریائی و دومین گروه ایرانیان و سومین گروه سکاها بودند. پس از یک دوره مهاجرت کوتاه در محلی که امروز ترکستان روس خوانده میشود از دروازه طبیعی شمالی نزدیک سرخس وارد ایران شدند. کمی قبل از آن میترا داول امپراطوری اشکانی را در ایران تشکیل داده بود که در آن موقع فراتس دوم اشک ثنوپاتور که با انتیوک هفتم مشغول نبرد بود بر آن ناحیه سلطنت میکرد. سکاها تمام خاک امپراطوری جدید را زیر پای گذاشتند و گروهی از آنان از واحد عمده جدا شده و سلسله سلاطین سگای ادیاپن را که پایتخت آن کرکوک بود

شاید در همان مواقع بین ۱۲۵۰ و ۱۲۸۰ قبل از میلاد و همچنین سلسله چراکن - محمره را تشکیل دادند. پس از یک دوره کوتاه هرج و مرج در ایران میترا د دوم یا میترا د کبیر کشور را تحت نظم درآورد و به سکاها اجازه داد در جنوب شرقی درآراکوسیا مستقر شوند و خود میترا د را شاید در سال ۱۱۱۰ قبل از میلاد عنوان شاهنشاه بزرگ را اختیار کرد. اسم سکا در کلمه سیستان امروز که سکاستان بوده و قسمت کوچکی از حیطه اقتدار آنها را تشکیل میداد حفظ شده است. سکاها از آراکوسیا از گردنه بولان وارد هند شدند و برای مدت کوتاهی امپراطوری که تا دروازه دهلی و تا بمبئی بسط داشت تشکیل دادند.

« از این شباهت میتوان طرز ظهور هندوآریانها را در بین النهرین بتصور آورد. از همان سرزمین راه افتادند و مانند آنها در آراکوسیا توقف کردند و بالاخره در یک محل بحرکت خود خاتمه دادند. بنا بر این سلسله میتانی نیز میبایست گروهی بوده باشند که با موفقیت از واحد اصلی خود در موقع عبور از مشرق ایران بسمت هندوستان جدا شدند. تاریخ اولیه تشکیل سلسله شامل تاریخ مهاجرت اقوام هندوآریائی نیز می- میشود. سکاها پیش از چند سال معدود سرگردان نبودند. این جنبشها باید با سرعت و ناگهانی انجام گیرد زیرا افراد مهاجر با گله و حشم خود حرکت میکنند و مجبورند هر چه زودتر مرا تع جدید پیدا کنند. تا آنجائی که میتوان تشخیص داد سلسله میتانی Mitanni در حدود سال ۱۴۵۰ قبل از میلاد آغاز گردید و مهاجرت قباا هند و آریائی میبایست بین ۱۴۵۰ و ۱۴۰۰ قبل از میلاد صورت گرفته باشد. بیش از این از آنها خبری نیست و در هندوستان ناپدید میشوند. اصطلاح هندوآریائی اصطلاح انتظاری است زیرا در آن موقع دیگر زبان آریائی حرف نمی زدند ولی ضمناً هنوز در هندوستان مستقر نشده بودند.

« نام ایرانیان یعنی نزدیکترین خویشان آنها نیز باید بهمان طریق بصورت انتظاری بکار برده شود این نام از نام جغرافیائی و سیاسی ( آریا نام خشاترام ) یعنی امپراطوری آریاها اقتباس شده و کلمه جدیدارانی از آن مشتق شده است. در کتیبه های فارسی باستان این کلمه ذکر نشده است ولی کلمه که بعدها بکار رفته یعنی کلمه ایران شهر شامل کلمه است و در نوشته های اوستائی بکار برده شده و مترادف با کلمه شاعرانه تر خشاترام بکار رفته است. اولین باری که این کلمه بصورت سیاسی بکار رفته در آریانای اراتستن Eratosthenes است. این جغرافیادان کتابدار بزرگ اسکندریه تحت این نام در نیمه دوم قرن سوم قبل از میلاد همه قسمتهای امپراطوری

قدیم را که در آن موقع استقلال یافته بودند شامل میدانند.

ایرانیان برای اولین بار در سالنامه‌های آشوری سلیمان سوم ۸۳۶-۸۳۵ قبل از میلاد ظاهر میشوند و این موقعی بود که بین دریاچه ارومیه و جلگه بلند همدان با دو قبیله از پنج قبیله بزرگ ایرانیان که بعدها دوساتراپی بزرگ هخامنشی را تشکیل دادند روبرو میشود. این دو قبیله آمادائی - مادا یعنی مدها و پارسواس - پارسا یعنی پارسی‌ها بودند. پارتا و ایا پارتها بعدها شناخته شدند ولی قبائل شرقی با کتیرا در شمال و آراکوسیان یا سامانی‌ها در جنوب افغانستان فقط بعد از زمان داریوش آشکار میشوند.

«آشوریها بین مدیها و پارسی‌ها فرقی تشخیص نمیدادند و همچنین بین آنها و پارتیها که برای اولین بار در زمان سناکریب و اسارهاون با آنان آشنا شدند فرقی قائل نبودند. مانند یونانیان همه آنها را مادائی - مدی میخواندند. اطلاق نام فرد که برای اولین بار در افق ملتی ظاهر میشود به همه گروه امر عادی است پاراسواس Parasues بطور دقیق نام ناحیه است. نوشته‌ای که وضع را کاملاً روشن مینماید جایی است که سارگون sargon بدین ترتیب ذکر میکند.

۱- الپ Ellip یعنی عراق ایران

۲- بیت همبان bit-Hamban یعنی کامپاندا - بیستون

۳- پارسوا

۴- مانائیا Mannaia جنوب دریاچه ارومیه

۵- اوراد تو Urartu در غرب و شمال دریاچه. پاراسوس رامیتوان ناحیه اردلان و گروس فلی و شهرهای سهنه و بیجار دانست. بنظر میرسد که در حدود سال ۷۵۵ قبل از میلاد یکی از ایالات آشور شد ولی مدت زمان آن محل تردید است<sup>۱</sup>

۱- فورر Forrer در کتاب خود مورخ ۱۹۲۱ ص ۸۹ معتقد است که بموجب نامه‌ها رپر شماره ۱۶۵ بل ابن Bél-Ibni نویسنده فرماندار پاراسواس بود و چون بعد از ۶۴۸ بعنوان rab-rési ظاهر میشود همه رب رشد در عین فرماندار پاراسوس بودند و این مبتنی بر این فرضیه است که پاراسوس بعد از ۶۴۸ قبل از مبلاد هنوز یکی از ایالات آشور محسوب میشده است. ابن

قبائل ایرانی در آن زمان هنوز بطور معین استقرار نیافته و در حرکت بودند و مشابه با مسئله تاریخ مهاجرت قدیمی تر هند و آریائی ها این وضع نشان میدهد که مهاجرت آنها در زمانی خیلی دور تر صورت نگرفته باشد.

هرتسفلد (۱۹۳۵ - ص ۲) اضافه میکند که « اگر چه بطور عموم اذعان نشده بمعینه من عیلامیها و همسایگان شمالی آنها کاسه - کوسائیان Kasse-Kos-saeans در سمت شرقی تر الیپی Ellipi و لولوبی Lullubi و گوتی Guti در شمال واورارتو Urartu در مجاورت آنها که شامل همه اقوام مرز غربی ارتفاعات میشوند و از شواهد و دلائل باستانشناسی لاقط قسمت عمده ساکنین خود آن ناحیه متعلق بیک گروه نژادی و زبانی هستند و این گروه مربوط و منسوب با ساکنین بومی بین النهرین (شامل عراق نمیشود) و قسمتی از آسیای صغیر میباشند و فرق نمیکند که چه نامی بآنها داده شود میتانی هوری Hurri سوبارائیان Subaraeans یا هیتی (این نظریه هنوز بطور دقیق قابل اثبات نیست و مورد قبول واقع نشده است).

اگر بخواهیم برای جمعیت ایران قبل از ورود ایرانیان نامی پیدا کنیم بهتر آنست که آنها را کاسپیان Caspian یا خزر بخوانیم. این کلمه درادوار باستان به قسمتهای زیاد فلات اتلاق میشده و هنوز در نام دریای خزر و دروازه خزر زنده است<sup>۱</sup>.

۱۹۳۶ - جرج کامرون George G. Cameron (ص ۱۵-۱۹) شواهد مربوط بساکنین قدیم ایران را بطرز بسیار شایسته خلاصه میکند و مینویسد :

دنباله پاورقی صفحه قبل

استنتاج زیاد قابل قبول نیست. در یکی از نوشته های مربوط بلشکر کشی سنا کریب چنین مستفاد میشود که پاراسوس در آن موقع یعنی در ۶۹۰ قبل از میلاد از دست رفته بود. در هر حال در اوائل سلطنت اسار هادون چنین بود.

۱ - این مطلب نیز قابل بحث است ولی بنظر من نام کاسپین Caspian و کوسائیان Kossaeon یکسان است Kossaioi تحریف یونانی کلمه آرامی Qussayé میباشد که در کلمه Ba - gsa حفظ شده است ، کلمه Kassé - Kassyé آکادمی است که از آن Kissioi اخذ شده و کلماتیست که آخر آنها آکادی است . همه دارای ریشه Kas میباشد که جمع حقیقی آن Kasip میشود و کلمه یونانی Kasπioi این مطلب را ثابت میکند



« برای يك عالم مردم شناسی جدید اگر غير ممكن نباشد مشكل است تصور كنند كه ساكنين فعلی ايران يك فاميل نژادی واحد تشكيل میدهند. از ازمئه بسیار قدیم فلات ايران دستخوش حملات و تهاجم بود زیرا با وجود مشكلات وموانع مرزی باید بخاطر داشت كه ايران بهمان اندازه بين خاور دور و سرزمین دو رودخانه حكم پل را داشته كه فلسطين بين آسيا وافريقا دارد در نتیجه مردمان نژادهای مختلف در ايران تحت يك سقف يا چادر زبان واحد پناه آورده‌اند و ناحیه جنوبی اين سرزمین امروزمانند دوره باستان از نظر نژادی هم رنگه است. فقدان مدارك ومنايع باستان شناسی ومردم شناسی باندازه کافی موجب شده است كه درباره مردمی كه در آغاز دوره تاريخی ساكن ايران بوده اند حدسهای متعدد زده شود بعضی از اين حدسيات مبتنی بر زبان شناسی ولغت شناسی است كه اغلب راهنمای خطرناك و گمراه كننده است. حدسيات ديگر بر اساس خصوصيات فرهنگی وتمدن قرار دارد و اغلب تأثير وامگیری مردم ساكن حاشیه خارجی ناحیه فرهنگی و تغييراتی كه در نتیجه اخذ تمدن بومی توسط مهاجرین وتازه واردین حاصل میشود در نظر گرفته نمیشود. يگانه کاری كه میشود كرد اينست كه از اشتباهات آشكار اجتناب وبه بيان مطالب وحقایقی كه قابل ثبوت است پرداخته شود.

دانشمندان علم مردم شناسی طبیعی يقين دارند كه بين النهرين - Mesopotamia مرز شرقی محل سكونت افراد نوع سامی بود و اين سامی ها كه آنها را مردم قهوه رنگ مدیترانه میدانیم و از عربستان به بين النهرين حمله كردند در دوره های اولیه ساكن ايران نبودند<sup>۱</sup> بنا بر این وقتی نویسنده باب دهم سفر پیدایش عیلام را پسر سام یعنی سامی میخواند از نظر مردم شناسی نیست بلکه بمعنی جغرافیائی و فرهنگی است. و همچنین اقوام نوردیک Nordie كه بزبان هند وایرانی تكلم میکردند در ازمئه قدیم ساكن ايران نبودند. قدیمی ترین شواهد مبنی بر ورود آنها را میتوان در اوائل هزاره دوم قبل از میلاد دانست وبر اساس ذكر نام خدایان هند وایرانی در میان خدایان كاسیت قرار دارد.

« شواهد ومداركی مبنی بر اینکه مردمان سیاه پوست زمانی از هندوستان

۱- چون در آئزمان بين ايران و بين النهرين مرزهای جغرافیائی وجود نداشت این مطلب را نمیتوانم بطور مثبت تأیید كنم بخصوص كه مطالب و اطلاعات باستان شناسی ومردم شناسی در این باره باندازه کافی وجود ندارد.

پسوی مغرب در امتداد سواحل خلیج فارس سکنی داشتند وجود دارد . تصویر افرادی از این گروه در نقوش برجسته یکی از سلاطین آشور<sup>۱</sup> در قرن هفتم قبل از میلاد دیده میشود .

نویسندگان یونانی از حبشی‌ها در قسمت جنوب شرقی این سرزمین سخن میگویند<sup>۲</sup> افراد از نژاد آنان اکنون دارای پوست مسی رنگ و موی صاف و مجمله گرد میباشد (مقایسه شود با شرح دیولافوا - ص ۲۸) ولی یجرات میتوان گفت که این مردم هرگز قسمت عمده و بزرگ جمعیت ایران را تشکیل نمیدادند . تا آنجا که میتوان یقین کرد در ازمنه قدیم قبل از اقوام نوردیک مردم نژادهای سر دراز در ایران سکونت داشتند . این عقیده ناشی از وجود يك نوع مردم قهوه‌ای رنگه آفریقا و اروپائی است که در بین‌النهرین دیده شده‌اند . مدارك فعلی مربوط باین نوع مردم بسیار کم و ناقص است ولی بنظر میرسد که ارتباط دوری با هندوستان داشته باشد<sup>۳</sup> . ممکن است که این مردم سر دراز خودشان سومری یا منسوب بآنها بوده اند زیرا گفته شده است که میتوان هنوز اثر قیافه سومریهای قدیم را در سمت مشرق در میان مردم افغانستان و بلوچستان و حتی در میان مردم دره سند پیدا کرد<sup>۴</sup> .

- ۱ - مقایسه شود با قسمت فوقانی نقش آشوربانیپال در کتاب آشوریهای باستانی بقلم پوتیه E. Pottier (موزه لوور) چاپ پاریس مورخ ۱۹۱۷ - لوحه ۲۳ . برای جزئیات آن رجوع شود به کتاب نینوا و آشور بقلم ویکتور یلاس جلد ۸ لوحه شماره ۵۹ شماره ۱ یا مراجعه شود به ( حجاریهای بابل و آشور در موزه بریتانیا ) بقلم هال - پاریس و بروکسل مورخ ۱۹۲۸ لوحه XLIV و بالاخره مقایسه شود با نقوش برجسته هخامنشی در نقوش در کتاب دیولافوا لوحه ۷ و VI .
- ۲ - هرودوت VII ۷۰ - استرابو XV - ۱ و ۱۳ و ۲۴ .
- ۳ - رجوع شود به نوشته باکستون در «گزارش اجساد بشری که در کیش پیدا شده» بقلم دادلی باکستون و تالپوت ریس در نشریه انستیتوی سلطنتی مردمشناسی بریتانیا و ایرلند - لندن LXXI (۱۹۳۱) ص ۵۷ - ۱۱۹ و بخصوص از ص ۸۴ به بعد .
- ۴ - رجوع شود به شرح سرآرشی کیت در (العبد) هال و وولی (اکتشافات اور جلد اول . اکسفورد ۱۹۲۲) ص ۲۱۶ . در این مورد مقایسه شود با مقاله تحت عنوان (باستانشناسی مسئله سومریها) بقلم فرانکفورت در نشریه مطالعات در تمدن شرق قدیم - انستیتوی شرقی - دانشگاه شیکاگو شماره ۴ - ص ۴۰ - ۴۷ .

ولی بنظر میرسد که مهمترین عناصر افراد سرگرد باشند. در جمعیت فعلی فلات لاقل در قسمت شرقی آن يك عده افراد سرگرد برجسته و جالب توجه هستند که عده آنها در ارتفاعات، زیاد تر از جلگه است.<sup>۱</sup> بعضی از آنها ممکن است به درویدیهای هندوستان نسبت داشته باشد مخصوصاً به مردم تمیل زبان که در میان آنها عناصر سرکوتاه و سرگرد زیاد است. قد بقیه اغلب نسیه<sup>۲</sup> بلند و اغلب تناسبی مستقیم بین قد و سفیدی صورت وجود دارد. این قیافه ها نشانه و علامت اختلاط با مردم نوردویک است ولی وقتی سفیدروئی بعضی از آلپی های اروپائی در نظر گرفته شود میتوان حدس زد که این مردم فعلی ممکن است بازمانده يك نژاد آلپی اولیه باشند اگر این پیشنهاد و نظریه بی باکانه<sup>۳</sup> که نژاد ارمنی از ترکستان سرچشمه گرفته اند مورد قبول واقع شود فرضیه مبنی بر اینکه ساکنین اولیه ایران از این نژاد بوده اند تقویت میشود.

لغت شناسی با اینکه قبول شواهد آن ممکن است خطرناک باشد این فرضیه را تأیید میکند و چنین میرساند که بسط عناصر زبانی قفقازی از هندوستان دور در سمت مشرق از راه عیلام و زاگرس به اناطولی در سمت مغرب شاید بدون اهمیت خاص نباشد

« مع هذا این عقیده با نظریه که بیان و مورد قبول واقع شده مبنی بر اینکه انواع مختلف مردم قهوه رنگ اروپا و افریقائی سردراز درین النهرین واحد عمده جمعیت اولیه ایران را تشکیل میداده متناقض است. اگر این مطلب را قبول کنیم باید تصور کرد و در واقع اشکالی هم ندارد که شباهت و نسبت زبانی قفقازی بالاتر از نژاد اقوام است زیرا هم مردم سرگرد اصلی آسیای صغیر و هم اقوام سردراز ایران بآن زبان تکلم میکردند.

«معلومات فعلی مادر حال حاضر بحل مسئله کمک نمیکند. هیچ نظریه هر قدر هم جالب باشد قابل قبول نیست فقط با کمک علم مردم شناسی طبیعی ممکن

۱ - مقایسه شود با باکستون - ۱۹۲۵ - ص ۱۱۲ ببیند - ر. پیللی -  
نژادهای اروپا (نیویورک ۱۹۱۹) ص ۴۵۰ ببعد و کتاب دیکسون ص ۳۰۹-۳۱۲.  
۲ - الیوت اسمیت G Elliot Smith ( تاریخ بشر ) لندن ۱۹۳۰ -  
ص ۱۶۷ ببعد و ( مصریهای قدیم ) چاپ جدید - لندن ۱۹۲۳ ص ۱۰۲ - ۱۰۵ -  
و کتاب باکستون ( ۱۹۲۵ ) ص ۱۰۷ - ۱۱۳ .

است این مسئله راحل کرده، ۱۹۳۶ - سر اورل استاین (۱۹۳۶) - لوحه I و II و (III) عکسهایی از افراد قبائل توروالی و هونزا چاپ کرده که امکان نسبت با مردم شمال غربی ایران و شمال شرقی عراق را نشان میدهد. بعضی از افراد توروالی و هونزا را میتوان باکردها اشتباه کرد و بر اساس آزمایش عکاسی و اندازه گیری جسمانی بنظر میرسد نسبت وارتباط وجود داشته باشد. بعلاوه مورانت G. M. Morant در همین مقاله (ص ۲۱) اظهار میدارد که «مردم شناسی جسمانی این اقوام ساکن دره های جنوب و شمال هندو کش شایان توجه مخصوص است زیرا گفته میشود دارای صفات و خصوصیات هستند که آنها را از بعضی از افراد نژادهای اروپایی غیر قابل تشخیص میسازد. این خصوصیات و فرق آنها باهمه نژادهای دیگر آسیا منتهی به تصورات عجیب درباره آنها شده است از جمله اینکه آنان از نوع نژاد آلپ میباشند».

۱۹۳۷ - تالگرن Tallgren (ص ۹۰) مینویسد: «در حوزه رودخانه تاریم نه تنها از طرف افراد هندوسیت که از شهر تاکسیلا در هند از راه کوهستانها با سیای مرکزی فرار کرده و مذهب بودائی را در آنجا انتشار داده بودند بلکه از طرف عناصر قوی ایرانی تأثیر و نفوذ شدید باقی گذاشته شده بود. نفوذ هند و ایرانی از ایران و باکتریا بسمت مشرق بسط یافت و تردیدی نیست که عناصر ایرانی در یسنی علیا Upper Yenissey در آخرین عصر بر نواحیه مینوسینکس Minusinsk جای پا پیدا کرده بودند».

۱۹۳۷ - گینزبورگ V.V. Ginzburg (ص ۶۳/۵۶) عقاید قبلی در باره اصل و منشأ و خصوصیات جسمانی تاجیکها را خلاصه میکند<sup>۱</sup> و مطالعات طبی و اندازه گیری اشخاص زیر را نقل میکند اوشانین Oshanin - ایاسویچ Iasevich - زیمرمن Zimmerman - ایارکو Iarkho ویشنوسکی Vishnevskii کورونیکف - Korovnikov - گاگایوا - ویشنوسکایا Vishnevskaya - گاگایوا - ویشنوسکایا - دیگران. گینزبورگ (ص ۷۴ - ۷۵) میگوید که میانگین قد تاجیکهای کوهستانی ۱۶۵/۸۳ و قد نشسته آنها ۱۶۶/۴۴ است و رقم شاخص قد نشسته آنها ۵۲/۱۸ میباشد. عرض سر آنها ۱۵۲/۵۰ و رقم شاخص سر آنها ۸۳/۴۰ و متمایل به سر کوتاهی شدید است

---

۱- این قسمت توسط مستر اوژین پرستوف Eugene Prostov از متن روسی ترجمه شده است.

که در اثر عیب مصنوعی سر بوجود آمده است. صورت آنها باریک و باندازه متوسط و فك آنها صاف است. در نیمرخ ۶۴/۵ درصد صاف و از لحاظ قعر و تحدب ۱۱/۴۷ درصد مقعر و ۲۴/۰۳ محدب است بعضی از مطالب و اطلاعات تطبیقی در جدولها (ص ۴۳۶ - ۴۸۹) گنجانده شده است.

۱۹۳۷ - الکساندر باشماکف Alexandre Baschmakoff (ص ۲۱ و ۲۳) سه گروه زبانی در میان مردم جدید قفقاز محسوب میدارد که آخرین آنها بیک زبان هند و ایرانی تکلم میکنند. در حالیکه از نظر مردم شناسی این عناصر را نمیتوان ایرانی خالص بشمار آورد ولی بقیه یعنی طالش (۹۱۰۰۰ نفر) و تات (۷۴۰۰۰ نفر) و ارانی (۵۰۰۰۰) همه به لهجه حرف میزنند که بطور وضوح ایرانی است. از طرف دیگر تعداد افرادی که این لهجهها را بعنوان زبان مادری میدانند بیش از دودرصد جمع کل اهالی قفقاز نیست.

ایرانیهایک واحد نژادی نیستند بلکه يك گروه سیاسی میباشند. در ماواء قفقاز بیگانگانی تحت حکومت ایران هستند که بهلجه آذربایجانی تاتار تکلم میکنند و در میان آنها اقلیتی به زبان فارسی که زبان مادری آنهاست حرف میزنند. بنابه نوشته زاگورسکی Zagurski در شمال و جنوب سلسله جبال قفقاز بطریق زیر تقسیم شده اند.

تعداد ایرانیها	ناحیه
۳۵۰۰۰	باکو
۹۰۰۰	داغستان
۲۰۰۰	تفلیس
۲۰۰۰	ترك
۱۵۰۰	باطوم
۴۹۵۰۰	جمع

۱۹۳۸ - ارنست هرتسفلد و سر آرثر کیث در کتاب (بررسی صنایع ایران) که در سال ۱۹۳۸ - ۱۹۳۹ منتشر خواهد شد قسمتی نوشته اند تحت عنوان (ایران بعنوان مرکز ماقبل تاریخ). بلطف پرفسور اپهام پوپ اینجانب این قسمت را مطالعه کرده و قطعه مختصر زیر را از نوشته آنها نقل میکنم.

نام نژادی ایرانی<sup>۱</sup> به مردم آریائی پس از استقرار آنها در فلات ایران اطلاق میشود و نمیتوان آنرا برای ساکنین قبلی این ناحیه بکار برد. استعمال انتظاری ایران بعنوان کلمه جنرافیائی که شامل ارمنستان جدید و افغانستان و بلوچستان میشود قابل عفو است ولی برای اینکه دقیق باشیم احتیاج به نامی برای ساکنین قبل آریائی این ناحیه داریم. بعلم زیاد کلمه کاسپیان یعنی خزر نام قابل قبولی برای اهالی بومی و همچنین فلات ایران قبل از ورود آریاها میباشد.

هرتسفلد و کیث میگویند: «بنا بر این اگرچه دلیل و شواهد مستقیم درباره کشتکاری در ایران قبل از پادشاه عصر حجر بدست نیامده شواهد فرضی قوی برای این فرضیه وجود دارد که کاسپیانهای اوائل هزاره چهارم و پنجم کشاورز بودند و حتی آنان کشاورزان اصلی بوده و علم کشاورزی از فلات کسپیان بسرزمینهای کنار دریا و اطراف رودخانههای سند و سیردریا و امو دریا و دجله و فرات سرایت کرد و پخش گردید».

درباره خصوصیات آریانهای تخت جمشید مینویسند که: «سر و صورت آنها نسبتاً پهن و موی انبوه، مجعد سیاه و چشمان درشت و پیشانی بلند و گونه برجسته دارند. بینی آنها منحنی و باریک است و نوک آن فرورفته و پره نسبتاً بزرگ دارد و کاملاً بانواع سامی که در بابل دیده میشود و نوع ارمنی که در حجازی آشوری پیداست فرق دارد».

خلاصه اشارات تاریخی درباره مردم ایران و همسایگان مجاور آنها که اصل نژادی ساکنین فعلی ایران را روشن میسازد در اینجا خاتمه مییابد. خواننده عزیز میتواند به فهرست مخصوص در باره این فصل (ص ۶۰۱) - ۶۵۱ مراجعه کند در فصل آینده درباره پخش قبائل و شعب آنها و مردمان شهر نشین در تمامی مملکت در دورههای اخیر بحث خواهیم کرد.

۱- کلمه ایران (که بفارسی وسط اران و بفارسی قدیم آریا نام - خسترام میباشد) بمعنی سرزمین آریانها است. از کلمه اران در فارسی وسط صفت ارانی مشتق شده است که جای کلمه فارسی باستانی آریا - Arya ér را گرفته است.

۲- مقایسه شود با نوشته تامپسون W.T. Thomson و اینزورث Ainsworth



## ۴. مردم ایران

فصل گذشته عبارت بود از جمع آوری مطالب و اطلاعات درباره مردم ایران که نویسندگان مختلف از هرودت گرفته تا معاصرین درباره ایرانیان نوشته اند. ولی تاکنون کسی بجز کرزن مطالب جدیدی درباره مردم ایران انتشار نداده و برای اینکه جدیدترین مطالب درباره ایلات و عشایر ایران را جمع آوری کنیم اطلاعات و منابع رسمی و غیر رسمی پانزده سال اخیر را که ناچار اغلب باید بدون ذکر نام باشند بصورت بررسی کامل مملکت استان به استان در این فصل نقل میکنیم. سیاست و روش اعلیحضرت رضاشاه پهلوی آنست که ایلات و عشایر اسکان داده شوند و بنا بر این مدت مدیدی نخواهد گذشت که طبقه بندی و تقسیمات عشایری از بین خواهد رفت و امکان یافتن ارتباط متقابل بین آنها آسان نخواهد بود. بنا بر این ثبت تعداد و طبقه بندی و پخش آنها در حال حاضر واجد اهمیت بسیار است. ارقام و آمار قابل اعتماد درباره قبایل و عشایر وجود ندارد و تاکنون کوشش جدیدی در این مورد بعمل نیامده است. بدین منظور در این فصل شرح مختصری درباره هر ناحیه از نظر جغرافیای طبیعی و زمین شناسی و مردم شناسی جغرافیائی با صورت و فهرست قبائل و انشعابات آنها داده میشود. استانها به ترتیب زیر توصیف شده است: استانهای شمالی و شمال غربی - کاشان - لرستان - خوزستان - اصفهان - فارس - لارستان و بندرعباس - کرمان - یزد - خراسان و سمنان و دامغان. ناحیه گرمسیر بختیاری و بلوچستان و سیستان نیز جداگانه مورد بحث قرار گرفته است.

### ایالات شمال و شمال غربی

این قسمت شامل ایالات و ولایات زیر میگردد: تهران - استراباد - مازندران - گیلان - خمسه - قزوین - آذربایجان - اردلان یا کردستان - کرمانشاه - همدان.

در مشرق سفیدرود زیر منجیل در محل تلاقی ولایات گیلان و خمسه و قزوین جبال بزرگ البرز قرار دارد که مرتفعترین قله آن دماوند است که ارتفاع آن ۱۸۶۰۰ پا است و ارتفاعات فرعی آن بسمت دریای خزر امتداد می یابد. این سلسله جبال بخوبی روی نقشه در اول کتاب دیده میشود و در اینجا محتاج بشرح بیشتر نیست.



از جبال البرز رودخانه‌ها و جویبارهای بیشماری سرانیر میشود و آنها یکبه در سمت جنوب رو بفلات ایران سرانیر میشوند اگرچه از نظر کشاورزی واجد اهمیت حیاتی هستند بعلت کمی باران در سمت جنوبی کوه "کوچک" میباشند . تنها رودخانه‌هایی که در فصل تابستان مقدار قابل ملاحظه آب دارند حبله رود و جاجرود و کرج است . در فصل زمستان آب زیادی آنها بدریاچه قم سرانیر میشود ولی در تابستان برای آبیاری دشت‌های کوهپایه البرز بکار میرود .

اکثر رودخانه‌های البرز بسمت شمال سرانیر میشوند و از دربندها و دره‌های تنگ گذشته به دریای خزر می‌ریزند و در طرفین آنها اراضی حاصلخیز تشکیل شده که بزرگترین آنها دشت مازندران و گیلان است . درازترین رودخانه‌ها هراز است که ۱۲۰ میل طول دارد .

رود قزل‌اوزن که نزدیک منجیل سلسله جبال البرز را سوراخ کرده در کوهستان اردلان (کردستان) سرچشمه میگردد و ناحیه‌ای به بزرگی ۲۵۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ میل مربع را آبیاری میکند .

ناحیه ایالات شمال و شمال غربی را میتوان بدو قسمت نامشابه تقسیم کرد که عبارتند از ناحیه کوه البرز که شامل ناحیه ساحلی خزر میشود و فلات ایران که تشکیل مثلثی میدهد که قاعده آن خط بین میانه و منجیل و قزوین و طهران است . از تقسیم آب تا ارتفاع ۹ هزار پا زمین متشکل است از سنگ و سنگ رستی که در فصل تابستان روی آن گیاههای کوهستانی و علف میروید . در این ارتفاع تك تك درختان كوچك بلوط دیده میشود و دره‌ها و کوهپایه‌های بین دو هزار پا و زمین‌های پست از جنگل انبوه پوشیده شده و معمولاً زیر درختان شمشاد و سرخس و خار میروید . در اثر کشت برنج و ساختن مخزن‌های بزرگ آب و نی که در زمستان پر و برای استفاده کشت برنج در فصل تابستان بکار میرود اغلب اراضی پست بشکل باطلای درآمده است . خاک که نه سنگ دارد و نه شن روی سطح زمین زهکشی نمیشود و وقتی آب آنرا میگیرد بصورت مرداب درمیآید .

در همه این ناحیه بجز اراضی پست خزر که آب فراوان دارد و برنج کاری میشود گندم و جو و یونجه با موفقیت زراعت میشود . مقدار زیادی برنج صادر میگردد . در بعضی نواحی ارزن نیز کاشته میشود . نخود و لوبیا و عدس و سیب زمینی ، کاه و خیار و کدو و خربزه در همه این ناحیه تولید میشود و انواع و اقسام میوه

فراوان است .

افراد قبائل بخصوص در قزوین شراب میگیرند و همچنین از کشمش عرق درست میکنند . در بعضی قسمتهای فلات کارگاه روغن کرچک و روغن بزرک وجود دارد و در دره سفیدرود زیتون نشو و نما میکند . در اغلب نواحی تا ارتفاع ۵ هزار پا پنبه بعمل میآید . توتون و تنباکو که در سال ۱۸۷۵ به گیلان آورده شد هر سال برکشت آن افزوده میشود . ممکن است توتون گیلان از نوع مخصوص باشد ، اگرچه کلمه توتون بزبان عربی به تنباکو اطلاق میشود . در گیلان و مازندران ابریشم نیز بوجود میآید .

در بسیاری دهکدهها زنبورعسل نگاهداشته میشود . اهالی ده عسل را مصرف و مقدار مختصری از آنرا بشهر صادر میکنند .

در همه نقاط بخصوص در خمسه و ناحیه البرز و مازندران گوسفند عالی بعمل میآید که بجز در مازندران از نوع دنبه دار است . در مازندران تعداد زیادی گاو نگاهداشته میشود که کوچک و شاخدار هستند و محصول لبنیات خوب میدهند . در اراضی پست کنار دریای خزر گاومیش آبی نیز وجود دارد .

هیچ دریاچه ای مانند بحر خزر از لحاظ ماهی غنی نیست . انواع عمده ماهی دریای خزر عبارتند از : سگ ماهی یا ماهی خاویار و سفید ماهی و کپور و ماهی سیم و ماهی آزاد . این ماهیها در دهانه رودخانه فراوانند و در آنجا تخم گذاری میکنند . سگ ماهی و آزاد ماهی در پاییز و بهار در دهانه رودخانه های کوهستانی و سفید ماهی و کپور ماهی و غیره در زمستان در دهانه جویبارهای باطلاق . خصوصیات آب و هوای ایالات ساحلی بحر خزر عبارت است از : ۱- درجه حرارت متوسط . در فصل تابستان به ندرت درجه حرارت به ۹۰ درجه فارنهایت میرسد و در فصل زمستان یخ بنندان غیر عادی است ؛ ۲- میزان ریزش باران از شمال غربی به جنوب شرقی بتدریج تقلیل می یابد بطوریکه میزان ریزش باران سالیانه در رشت بطور متوسط از ۵۰ تا ۶۰ اینچ و در استرآباد قدری کمتر از ۲۰ اینچ است ؛ ۳- از ماه خرداد تا اواخر شهریور رطوبت بحد اکثر و شب نم زیاد است و علت آن تبخیر هوا و تزئید وضع طبیعی باطلاقی در اثر آبیاری مزارع برنج است

در کوهستان البرز ابرهای بحر خزر که بادهای شمال شرقی آنها را به



در منتهی‌الیه شرقی دریای خزر در دشت به ندرت برف می‌آید ولی در گیلان در فصل زمستان معمولاً چند اینچ برف می‌آید و گاهی نیز سنگین‌تر می‌شود. کوهستان البرز این ناحیه را از بادهای زمینی حفظ می‌کند و معمولاً پادها از سمت شمال می‌وزند. بین آبان و اواسط خرداد در دشت امتداد ساحل‌گاه بگاہ باد گرم می‌وزد. باد شرقی که دشت بادناמידه می‌شود مخصوصاً در فصل بهار هوای خوب همراه می‌آورد و باد شمال‌غربی که گل‌باد خوانده می‌شود و معمولاً در پائیز و زمستان می‌وزد باران می‌آورد. گل‌باد کمتر از باد خزری طوفانی است. باد خزری که معمولاً بین آبان و بهمن می‌وزد مستقیماً از دریا می‌آید و به علت کم عمق بودن دریا بفاصله یکی دو ساعت امواج عظیم بلند می‌کند و وقتی باد می‌ایستد ناگهان دریا آرام می‌شود. وضع مخصوص ایالات ساحلی خزر در آب و هوای ناحیه فلات ایران تأثیر ندارد و چون فلات بین ۳۸ و ۳۵ درجه عرض جغرافیائی واقع شده از لحاظ آب و هوا در طبقه زیر حاره قرار می‌گیرد ولی در واقع به علت ارتفاعی که دارد اغلب خنک‌تر از هوای این طبقه بندی است.

وضع کلی آب و هوای این منطقه از این قرار است : ۱- میزان ریزش باران کم است. هوای صاف و بسیار خشک دارد که رو به مرطوب و سالم است ؛ ۲- فصول آن منظم و مرتب است ولی تغییر از بهار به تابستان و از تابستان به پائیز ناگهان صورت می‌گیرد ؛ ۳- به علت وضع و موقعیت قاره میزان درجه حرارت زیاد است ؛ ۴- در همه ارتفاعات آفتاب قوی جنوبی می‌تابد. این خصوصیات در تمام منطقه فلات وجود دارد و هوا از لحاظ درجه حرارت و جزئیات نسبت به ارتفاع خیلی کم فرق می‌کند.

وضع بهداشتی که اکنون سرعت رو به بهبودی است بسیار ابتدائی است. در ۱۹۱۸ قحطی و در پس آن حصه موجب مرگ در حدود صد هزار نفر در شهر طهران شد در حالیکه درمازندران و پاکه بیماری محلی نیست و از ناحیه ولگا آورده شده بود و همچنین حصه عده زیادی از جمعیت را تلف کرد. در این ناحیه میزان متوفیات اطفال در حدود ۶۵ درصد تخمین زده می‌شود. آبله فراوان است ولی اخیراً در اثر تلقیح واکسن رو به تقلیل می‌رود. در خمسه و آذربایجان تیفوس و یک نوع تب مسری که بوسیله شپش انتقال می‌یابد وجود دارد. یک نوع تب دیگر بوسیله شپش میانه یا غریب گز منتقل می‌شود. امراض دیگر از قبیل اسهال

واسهال خونی وسل وامراض چشم فراوان است . گفته شده است که قریب ۸۰ درصد مردم مبتلا به سوزاك وسفلیس میباشند. ولی خوشبختانه تحت هدایت رژیم فعلی اصلاح وضع بهداشتی انتظار میرود .

طبعاً امراض مناطق حاره در ناحیه بحر خزر بیشتر از منطقه فلات ایران است . پشه مالاریا تا ارتفاع ۵ تا ۶ هزار پا وجود دارد . تب پشه نیز زیاد است و زخمی که سالک نامیده میشود در تمام این ناحیه دیده میشود.<sup>۱</sup>

طهران در ارتفاع ۳۸۱۰ پا از سطح دریا در دشت جنوب جبال البرز که فاصله در حدود ۱۰ میل است قرار دارد . شهر نزدیک منتهی الیه جنوبی بسترشنی که از پای کوه روپائین امتداد دارد و شب خود شهر از شمال بجنوب ۲۸۲ پا است . در سمت شمال در امتداد کوهپایه که شب آن زیاد میشود و جویبارها از آن سرازیر میگردد تعدادی قریه و دهکده وجود دارد که همه را بطور دسته جمعی شمیران میخوانند و محل اقامت تابستان اهالی است .

نام طهران در ۱۱۷۹ میلادی در کتب و نوشته ها ذکر شده است ولی اهمیت آن از زمانی شروع میشود که آغامحمدخان قاجار مؤسس سلسله قاجاریه در سال ۱۷۸۸ شهر تهران را بر اصفهان و شیراز ترجیح داده و آنرا بعنوان پایتخت کشور انتخاب کرد. علت انتخاب طهران نزدیکی آن به مازندران بود که آغامحمد خان فتوحات خود را از آنجا آغاز کرد و تصمیم کرد در صورت عدم موفقیت بآنجا پناه برد. انتخاب طهران بیشتر علت سیاسی و سوق الجیشی داشت تا تناسب آن برای پایه گذاری یک شهر بزرگ در آن موقع طهران یک شهر کوچک شرقی معمولی بود که در داخل دیوارهای گلی قرار داشت و محیط آن از دو میل تجاوز نمیکرد . جمعیت آن در حدود ۱۵ هزار نفر بود . پس از پایتخت شدن بتدریج کسب اهمیت کرد بطوریکه در سال ۱۸۰۷ جمعیت آن به ۵۰ هزار نفر و در ۱۸۷۰ به ۱۲۰ هزار نفر رسید . شهر فعلی طهران از سال ۱۸۶۹ وقتی ناصرالدین شاه تصمیم گرفت آنرا توسعه داده و ظاهر آنرا جالب تر کند آغاز میشود. دیوار گلی دور شهر برداشته و جای آن خندقی کنده و برج و بارو برای آن بنا شد و محیط آن به ۱۲ میل رسید. این اصلاحات در سال ۱۸۷۴ با تمام رسید . برج و باروها بتدریج از بین رفت و خاك

۱- سالک گاهی جوش دهلی یا جوش بغداد نامیده میشود . رجوع شود به

آن برای ساختن آجر بکار رفته است. آماري که در سال ۱۹۱۹ گرفته شد جمعيت طهران را ۲۵۰ هزار نفر تخمين ميزند. ابتهاج جمعيت شهر را در سال ۱۹۳۶ در حدود ۳۶۰۲۵۱ نفر ميداند. ميزان مواليد ۷۸۰ نفر در ماه و متوفيات ۵۸۰ نفر تخمين زده شده است. در داخل شهر سابقاً ۲۳۴۲۸ خانه وجود داشته است.

طهران و ولايات اطراف آن برخلاف نواحی صحرای نمک جنوبی پر - جمعيت است و با مقایسه با سایر نواحی ایران جمعيت آن زیاد و شامل يك ربع و يك پنجم كل جمعيت ایران ميشود.

اغلب دهات این ناحیه دارای کشت و زرع و گاو و گوسفند هستند. تناسب تعداد جمعيت که کاملاً روستائی باشند بجز در میان قبائل اپنانلو و بنگادی خرقانی کم است. تعداد قابل ملاحظه ای از مردم ساکن نواحی مرتفع در زمستان به دشت - های کنار دریای خزر مهاجرت میکنند و برعکس عدد زیادی مازندران و گیلانی در فصل تابستان بنواحی مرتفع می آیند.

بخش جمعيت در نقاط مختلف این ناحیه متفاوت و بستگی بعلل مختلف که مهمترين آن وجود آب باشد دارد.

### گروههای نژادی

سه گروه نژادی عمده در ایالات شمال و شمال غربی از این قرارند :

۱- ایرانیها یا فارسها که در کوهستان البرز در جنوب مقسم شمالی و فلات تاسفیدرود سکونت دارند. اکثریت ساکنین طهران و قزوین از این گروهند. زبانی که به آن تکلم میکنند از لحاظ لهجه با زبان سایر ساکنین فارسی زبان ایران فرق زیادی ندارد.

۲- ترکها که کلیه جمعيت گرمرو و خلخال در آذربایجان و خمسه و طارم سفلی و قسمتهای دیگر ولایت قزوین در مغرب خطی از منجیل تا سیاه دهن و شمال غربی سیاه دهن و جاده همدان را تشکیل میدهند. در جنوب شرقی این جاده و جنوب غربی خطی از سیاه دهن تا رباط کریم که شامل خرقان میشود مخلوطی از فارسها وجود دارند ولی اکثریت با ترکها است. نهر ساوه کاملاً فارس نشین است ولی دهات اطراف آن تا چند میل ترک هستند. در حدود یک سوم جمعيت قزوین و قسمت کوچکی از جمعيت طهران ترک میباشدند. در باریکه بین قاعده البرز و خطی از سیاه دهن تا

رباط کریم یعنی ناحیه بین فارسها و ترکها و درو رامین و خوار در جنوب شرقی طهران در اغلب دهات ترکها و فارسها باهم مخلوط شده اند . فارسهایمی ساکنین اصلی بیشترند، عناصر ترک که معمولاً از اولاد کسانی هستند که آمده و در بین آنها استقرار یافته اند .

ترکها از اولاد مهاجمین آسیای مرکزی بخصوص قبایل غز میباشند که در زمان سلجوقیان در قرن یازدهم و دوازدهم بایران حمله کردند . بعد از سلاجقه منولها آمدند و سلسله سلاطین ایلخان را که پایتخت آن در مراغه و تبریز و سلطانیه بود تشکیل دادند.<sup>۱</sup>

روایات محلی حاکی از آنست که اجداد ترکان خلیج و بیات در ناحیه ساوه در اواخر قرن چهاردهم بالشکریان تیمورلنگه باین ناحیه آمدند . درباره اصل و منشأ ترکهای ایران دو نظریه وجود دارد : اول آنکه از اولاد ترکها و منولها هستند . دوم آنکه از اولاد ساکنین اولیه ایرانند که مهاجمین زبان خود را بر آنان تحمیل نمودند .

بنبر از اختلاف زبان فرق بزرگ خصوصیات وصفات فکری و جسمانی بین ترکها و ایرانیها نشانه آنست که لااقل بین ترکها اختلاط زیاد خون وجود دارد . این نواحی دایر حتمات مهاجمین ویران گردید و جمعیت آن از بین رفت و احتمال می رود که بازماندگان ساکنین اولیه با فاتحین ازدواج و در بین آنها مستهک شدند .

مالکین و زارعین ترک هر دو قوی هیکل و صورت پهن تر و هیکل درشت تر از فارسها دارند . ساکنین منطقه ترک شمال به ترکی تکلم میکنند و بجز طبقه اشراف و عده ای از جمعیت زنجان هیچ زبان دیگری نمیدانند . کمی جنوبی تر در نقاطی که جمعیت مخلوط دارد فارسی فهمیده میشود ولی معمولاً فارسها هستند که کمی ترکی میدانند و نه برعکس . زبان ترکی این نواحی با ترکی عثمانی فرق زیاد دارد و بین ترکی آذربایجانی و ترکی اطراف ساوه نیز اختلافاتی موجود است .

۳- مازندرانها و گیلانها در ولایات ساحلی بحر حرر که بوسیله تقسیم آب شمالی البرز از جمعیت فارسی دره های البرز و از ترکهای دره قزل اوزن

۱- خرابه مقبره سلطان محمد خدا بنده پادشاه ایلخان ۵۰ در سال ۱۳۰۵

میلادی شهر سلطانیه را بنایهادر هنوز وجود دارد

جدا هستند .

مازندرانها و گیلانیها هر دو از اصل ایرانی هستند و اختلاف بین آنها و فارسها در اثر جدائی آنها در آنسوی البرز و همچنین در اثر وضع آب و هوا و جغرافیائی است و نه نژادی.

این مردم دارای قدمتوسط و قیافه تیره رنگ پریده و چشمان مشکی و مو و ریش سیاه انبوه میباشد. لهجه مازندرانی و گیلکی در نقاط مختلف ولایات ساحلی بحر خزر باهم اختلاف دارد. در اصل شبیه فارسی است ولی اکنون بقدری فرق کرده که برای فارسی زبانان قابل فهم نیست. در اثر ارتباط دائم بین مردم ولایات خزر و مردم فلان زبان نواحی مجاور البرز و فلات معمولاً بوسیله اهالی مازندران و گیلان فهمیده میشود. بدین ترتیب از استرآباد تا سفیدرود در گیلان میتوان زبان فارسی بکاربرد ولی در ناحیه شمال غربی این دره در جائیکه ترکها با اهالی طارم تماس پیدا میکنند ترکی جای فارسی را میگیرد و در طالش فارسی خیلی کم فهمیده میشود.

۴- علاوه بر گروههای نژادی فوق عدهای ارمنی و یهودی و کلدانی در شهرها مخصوصاً در طهران و قزوین و بارفروش زندگی میکنند و در نواحی فارسی و گیلکی و مازندرانی زبان گروههای کوچک افراد قبائل ترك و كرد و لر وجود دارند .

در شمال غربی ایران قبائل بومی نبودند و بجز بعضی از قبائل ترك در حرقان و ساوه در سالهای اخیر از موطن اصلی خود در آذربایجان و كردستان و لرستان توسط شاه عباس و نادر شاه و آغامحمدخان باین نواحی انتقال داده شده اند. آغامحمدخان در اواخر قرن هجدهم برای دفاع در مقابل حملات ترکمنها چندین قبیله را در استرآباد و مشرق مازندران مستقر گردانید . شاهسونهایکه در آذربایجان یافت میشوند و در خمسه و خرقان تا ساوه پراکنده اند ترکیبی از ترکان آذربایجانی هستند که شاه عباس در ربع اول قرن هفدهم در مقابل قزلباشهای ساکن آن ناحیه متحد گردانید . بهمین ترتیب قبائل خواجه و ند کرد در کجور و پل و کلاردشت در مغرب مازندران برای ارباب ساکنین اصلی به آن ناحیه کوچ داده شدند . نادر شاه بعضی از قبائل ترك و كرد و لك را در حوالی قزوین در نزدیکی طهران مستقر کرد تا بتواند قدرت آنها را در محل خودشان درهم شکند. در زیر اطلاعات و مطالبی در باره این قبائل در ایالات شمال و شمال غربی که از نظر مردم شناسی شایان توجه هست ذکر



میشود. مهمترین آنها عبارتند از شطرانلو خلخال واپنانلو و شاهسونهای بقدادی خرقان و ساوه. در ده سال اخیر بسیاری از افراد این قبائل اسکان یافته و بعضی قبائل، کوچکتر بنواحی جدید منتقل شده اند.

### مازندران

از مشرق بمغرب سه گروه قبائل عمده عبارتند از عبدالملکی و کرد و ترک و خواجهوند. این سه قبیله ده نشین کم و بیش در بین اهالی مازندران مستهلک شده اند. افراد قبائل عبدالملکی و کرد و ترک در اثر آب و هوای ناسالم دشت مازندران همکلی و نیروی جسمانی خود را تاحدی از دست داده اند. خواجه و ندها که در نواحی کوهستانی زندگی میکنند نیرومندترند ولی غذای عمده آنها برنج است و اگر بفلات منتقل شوند ناخوش میشوند.

۱- قبیله عبدالملکی (ترک) بین اشرف و فرح آباد در گوشه غربی خلیج استرآباد سکونت دارند. بموجب گزارشی در ۱۹۲۰ این قبیله به شعب زیر تقسیم میشود که هر کدام از ۱۳۰ خانوار متشکلند: فراوند - کلوند - شیخ وند - زین وند.

اصلاً عبدالملکی ها یکی از قبائل قشقایی بودند که در حدود سال ۱۷۹۰ بوسیله آغامحمدخان در شهر یار نزدیک طهران انتقال یافتند و سال بعد به نور و کجور حرکت کردند و در سال ۱۸۵۰ برای مقابله با مهاجمین ترکمن به محل فعلی منتقل گردیدند. طبق روایات خودشان در آن موقع چهار هزار خانوار بودند ولی در اثر آب و هوای مازندران تعداد آنها به ۶۰۰ خانوار تقلیل یافت. بامازندرانها مخلوط نشده و ازدواج نکردند. به کشت برنج و پنبه و کمی گندم و جو اشتغال داشتند و گفته شده است که گاوها و گوسفند زیاد واسب نگاه میداشتند.

۲- قبیله ای، که بنام کرد و ترک معروفند از نژاد مخلوطند و آغامحمدخان قاجار برای مقابله با ترکمنها آنها را با هم مستقر کرد. اینها شامل کردهای ساوجبلاغ آذربایجان و ترکان خراسان و ورامین و افغانهای که از راه خراسان آمدند میباشند. در ۱۹۲۰ به کشت پنبه و برنج اشتغال داشتند و مالک گاو و گوسفند و اسب بودند ولی نه باندازه عبدالملکی ها. کردها که متشکل بودند

از مدانلو و جهانگلو در دهات شمال ساری سکنی داشتند<sup>۱</sup>. ترکها عبارت بودند از اصلانوها که نزدیک ساری زندگی میکردند و گیرالیلی که در دهات نیکا و بلوک بالا یجن و افرار و تولان دره، قشغ و زرگر سکونت داشتند. افغانها نزدیک قره تپه و توريجن زندگی میکردند.

۳ - خواجه وند (کرد) در ناحیه تنگابن زندگی میکردند. در ۱۹۲۰ در دشت کلاردشت به پنج شعبه تقسیم میشدند که عبارت بود از سلطان قلیخانی، کاکاوند، لك، خواجه وند و دلفن مالك ۱۵۰۰ خانه بودند در پل و کجور که به ترتیب ۱۴۰۰ و ۱۰۰۰ خانه داشتند خواجه وندا تقسیم میشدند به سه گروه یعنی دلفن، کاکاوند، خواجه وند.

این قبیله در اصل توسط نادرشاه از گروس و کردستان آورده شدند. عده‌ای از آنها در پایان سلطنت کریم خان زند ب‌موطن خود بازگشتند ولی آغا محمدخان آنها را برگردانید تا ساکنین سرکش این نواحی را تحت انقیاد درآورد.

این ناحیه یکی از حاصلخیز ترین نقاط البرز است و ساکنین آن مالك گاو و گوسفند بسیار هستند و گندم و جو و ارزن تولید میکنند و به نقاط اطراف می‌فرستند.

## گیلان

تنها قبایل گیلان در سال ۱۹۲۰ عبارت بود از عمارلو (کرد) و خ طوالش که اغلب طالش گفته میشود. جنگلیها بهیچوجه عشایری نیستند.

۱ - قبائل عمارلو ساکن ۵۰ دهکده میباشد که بین منجیل و پیر کوه یعنی

۱ - برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به نوشته نیکیتین B. Nikitine (ص ۷۳ - ۸۰) در نشریه ایران لیک جلد ۴ - مورخ اکتبر ۱۹۳۳ شماره ۱ - ص ۳۱ - ۴۱ و ۱۴۷ - ۱۵۸ و مقاله تحت عنوان کردها در دائرة المعارف اسلامی - و مقاله دهن بهرام گورانگلساریا تحت عنوان «کردها تاریخ و زبان و آداب و رسوم آنها» ترجمه دکتر بلج شیرگو. مقاله مندرج در ایران لیک جمعیت کردهای کردستان ایران راسه میلیون و سیصد هزار نفر میداند ولی کمیسیون که تحت ریاست کنت تلکی رئیس الوزراء هنگری در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۲۵ گزارش خود را بجامعه ملل تقدیم داشت جمعیت کردهای ایران را هفتصد هزار نفر ذکر کرده است.

ناحیه محصور بین شاهرود و سفید رود و سیاه رود و چکه رود و در سمت مشرق بوسیله خطی از شاهرود تا چکه رود از راه جرینده و پیرکوه می باشد . همچنین چند دهکده واقع در شمال چکه رود مجاور دیلمان از جمله دیارجن و گلک را در اختیار داشتند . اینها قبائل نیمه بادیه نشین بودند و دهات قشلاق آنها دره های کنار شمال شاهرود و ده بیلاق آنها دمش و اردوی چادرسیاه ارتفاعات بین شاهرود و سیاهرود و چکه رود بود .

تقریباً مالک ۱۶۰۰ خانه بودند . در اوائل قرن هیجدهم بوسیله نادر شاه از کردستان آورده شدند و نادرشاه قسمتی از آنها را در نیشاپور خراسان مستقر کرد . زبان آنها لهجه کرمانجی ، کردی و فارسی و گیلکی است .  
قبیله عمارلو بشعب زیر تقسیم میشود :

نام	قشلاق	بیلاق
شاه قولانو	خرقام	دلفک
بایشانلو	جرینده	دمش
شامکانلو	منجیل و ناحیه لوشان	
بهادولو	منجیل و ناحیه لوشان	
استاجانلو	ده نشین در پیرکوه	

دوسوم جمعیت این ناحیه را عمارلو تشکیل میداد و یک سوم آنرا رعیت . زمین متعلق به ایل بود و توسط رعیت کشت و زرع میشد که نصف یا دوسوم محصول را بعنوان حق اجاره به ایل میدادند . ایل زندگی روستائی داشت و مالک گله های بزرگ گاو و گوسفند بود . با افراد رعیت ازدواج نکرده و بهمین جهت هیکل و قیافه و خصوصیات اصلی خود را حفظ کرده بودند .

۲- افراد طالش تا حدی از اصل ترک بودند . در ۱۹۱۹ تعداد قبائل و جمعیت آنها را به طریق زیر ثبت کرده اند .

بلوک	جمعیت	مذهب
طالش دولاب	۱۲۵۰۰	سنی یا / شیعه
اصلیم	۴۰۰۰	سنی
شندرمین	۶۰۰۰	شیعه
مسل	۶۰۰۰	شیعه
کرگانرود	۱۵۰۰۰	شیعه / سنی

### خمسه

قبائل خمس که همه ترك هستند از نژاد مخلوطند ولی بنظر میرسد از اردبیل و سایر نقاط آذربایجان آورده شده و با قبائل قزلباش که درخمس بودند مخلوط شده و اتحادیه شاهسون را تشکیل داده باشند. در حدود بیست سال قبل چند قبیله کوچک یعنی ذالقعه و قره برگلو و رشوند در طارم زندگی میکردند ولی ایلات عمده خمس عبارت بود از دویران و افشار که افشاردویرانی خوانده میشدند تا با افشار صائین قلعه در آذربایجان و خرقان قزوین فرق داشته باشند.

۱ - گروه ایلات دویران که به ۱۵ شعبه تقسیم میشدند در دره قزل اوزن از گروس بالای ینگی کند تا پل قافلان کوه زندگی میکردند. تعداد خانه آنها بین ۱۵۰۰ و ۳۰۰۰ و تعداد دهات آنها بین ۱۲۰ تا ۳۰۰ تخمین زده شده است.

دویرانها یکی از قبائل نیرومند شاهسون بودند که فتحعلیشاه آنها را از مغان و اردبیل آورد و در دره حاصلخیز قزل اوزن بعنوان محل شلاقی و در ارتفاعات مغرب دره مجاور ناحیه افشار آذربایجان بعنوان محل ییلاقی استقرار یافتند.

۲ - ایل افشاردویرانی بین ابهر رود و گروس زندگی میکنند. شامل قبائل زیر میباشد: بدیرلو، جها نشاهلو، جمعهلو، قراسانلو. در حدود ۱۰۰۰ خانه داشتند. قبیله افشار که در یک زمان با دویرانها از آذربایجان حرکت کردند به شعبه مستقل زیر تقسیم میشوند. (الف) افشار صائین قلعه آذربایجان (ب) افشار (دویران) خمس (ج) افشار خرقان (قزوین) شعبه افشاردویرانی ضعیفترین آنها بود ولی گفته شده است که در اصل تعداد خانوار آنها به ۵ هزار میرسید. قبلا برای ییلاق به بالای سلطانیه و شمال شرقی بکوهستان طارم مغرب قزل اوزن میرفتند این نواحی ییلاقی بعنوان املاک خصوصی تصرف شد و ایلات ده نشین و کشاورز شدند، بعضی از آنها مالک شتر نیز بودند ولی در نتیجه جنگ و قحطی تعداد شترها بتدریج تقلیل یافت.

## قزوین

۱ - دولت ایران ایلات مختلف چگینی، غیاثوند، کاکاوند، جلیلود، بهتویی رشوند و معافی همه را باهم تحت عنوان ایلات قزوین نام برده است. باستانیای رشوند و معافی قشلاق این قبائل در طارم در دره شاهرود و قزل‌اوزن واقع بود و ییلاق آنها در تپه‌های جنوب غربی این دره‌ها بین جاده قزوین - منجیل و جاده قزوین - سیاه‌دهن و سلطانیه قرار داشت.

(۱) چگینی (لر) که متشکل از شش قسمت بود بادیه‌نشین و بین قشلاق در دره شاهرود و ییلاق در کوهستان جنوب غربی در حرکت بودند. در حدود ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ خانوار بودند و بزبان لری و ترکی تکلم می‌کردند. قبیله اصلی آنها هنوز در لرستان است. در دره شاهرود به کشت برنج و گندم و جو و در ییلاق به کشت گندم و جو اشتغال داشتند و گاو و گوسفند و بز نیز نگاه می‌داشتند.

(۲) ایل غیاثوند که همسایه چگینی می‌باشند از قشلاق خود در دره قزل‌اوزن و شاهرود به ییلاق بالای یوزباشی‌چای حرکت می‌کنند. در ۱۹۲۰ تعداد خانه‌های آنها بین ۶۰۰ تا ۱۲۰۰ تخمین زده می‌شد. بشغل زراعت و گلهداری اشتغال داشتند.

(۳) ایل کاکاوند به دو دسته تقسیم می‌شود: مسیح‌خانی و نامدارخانی که در قریه‌های نزدیک و شمال غروه در مرز بین خمسه و قزوین در جاده سیاه‌دهن و زنجان سکنی داشتند و قشلاق آنها دهکده‌های طارم بود. در حدود ۳۵۰ خانوار بودند. زبان آنها لک است ولی به ترکی نیز تکلم می‌کنند. گندم و جو تولید می‌کردند و بز و گوسفند نگاه می‌داشتند. در فصل زمستان عده زیادی از آنها در گیلان کار می‌کردند، مرکز اصلی قبیله آنها نزدیک کرمانشاه بود.

(۴) ایل رشوند بیشتر در نشین و در ناحیه رودبار و الموت سکونت داشتند و دهات آنها عبارت بود از ده دوشاب، حسن‌آباد، شهرستان، معادآباد، درالحق، چرش‌دره، و دهکده‌های دیگر در رودبار و بدشت، دزدکسار، محمودآباد، شترخان، مدن، هرانک، سفیدر، و آوج در الموت. ایل مرکب بود از ۱۵۰ خانوار در الموت و ۴۰۰ خانوار در رودبار. در الموت ترکی و در رودبار کرمانجی حرف می‌زدند. گفته می‌شود که این قبیله در اواخر قرن هفدهم از بلخ و بخارا مهاجرت کردند و یک

شعبه از آنها در خراسان استقرار یافت .

(۵) ایل معافی از ۶۰۰ خانوار متشکل بود و در حوالی جاده بین قزوین و طهران سکونت داشتند .

۲- قبائل شاهسون اینانلو و بغدادی بزرگترین قبائل ناحیه خرقان و ساوه میباشند . هر دو از نژاد ترك هستند و در اواخر قرن هیجدهم باین ناحیه آمدند از قرا معلوم آغامحمدخان قاجار قبائل اینانلورا از دشت مغان باین ناحیه کوچ داده ، گفته میشود که ایل بغدادی در دوره صفوی از ایران به نزدیکی بغداد مهاجرت کرده و در زمان سلطنت نادرشاه به شیراز مراجعت کردند. در زمان کریم خان زند محل معینی نداشتند تا اینکه بقوای آغامحمدخان قاجار ملحق شدند و وی آنها را در محل فعلی سکونت داد .

قبیله اینانلو شامل دو قسمت عمده یعنی ینگه چك و گوکبر بودند و تعداد خانوار آنها بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ بود قشلاق آنها در اطراف گداغ و قلعه محمد علی خان نزدیک جاده طهران و قم نواحی مجاور ساوجبلاغ (طهران) و زرند (ساوه) زهرا (قزوین) و بیلاق آنها در خرقان مخصوصاً نزدیک گمیشلو در ناحیه قتالو بود. چهار تا شش هزار خانوار بغدادی شاهسون تا بستان را در خرقان و خجستان (همدان) تا مرزهای خمسه میگذرانند و زمستان به اطراف طهران و جاده قم و سلطان آباد و طهران و ساوه می آمدند. در سال ۱۹۲۰ بغدادیها شامل دو قسمت لك و ارخلو بودند که اولی ۲۰۵۰ خانوار و دومی ۱۷۲۰ خانوار داشت .

قبیله لك چندین شعبه داشت که با ذکر تعداد خانوار ازین قرارند :  
کوسه لر (۵۰۰) ، یاریچانلو (۴۰۰) ، قره قوینلو (۳۵۰) ، یارامیشلو (۳۰۰) ، علی قورتلو (۲۰۰) ، احمدلو (۲۰۰) ، و ستلو و قتلو و دولتوند (۱۰۰) .

قبیله ارخلو از ۱۶ شعبه تشکیل میشود که بزرگترین آنها کلایوند بود با ۶۳۰ خانوار که تقسیم میشد به بزلو ، بروچلو ، اسکندرلو ، جلاللو ، محمدلو ، موسی لو ، شیخلو ، زغل . یکی دیگر از طبقات ارخلو قبیله قاسملو بود که تقسیم میشد به حاجیلو ، علمارد شلو ، زیارلو که ۵۰۰ خانوار بودند ولی اغلب آنها در دهات ساکن شدند . بقیه با ذکر تعداد خانوار عبارتند از : الوارلو با کارونلو (۱۰۰) ، اتکبسانلو (۱۰) ، دوگر (۶۰) ، غریکلو (۳۰) ، حسنلو (۳۰) ، حسین خانلو (۲۰۰) ، خدلو (۵۰) ، مدحیلو (۳۰) ، مهربلو (۳۰) ،

نیلگز (۷۰) ، قره‌لو (۵۰) ، سلدوز (۲۵۰) ، زلفلو (۳۰).

### آذربایجان

قبائل خلخال آذربایجان در سال ۱۹۲۰ متشکل بود از شطرانلو و قلق‌جانلو و این قبیله دومی از ۱۵۰ خانوار تشکیل می‌شد.

ایل شطرانلو که دو هزار خانوارند درباریکه زمینی در چند میلی شمال قزل‌اوزن که در حدود ۷۵ میل از سنجا باد بسمت مشرق بطرف تپه‌های ارپاچای و مصداقی امتداد دارد سکنی گزیده‌اند. زمانی از حدود اصلی خود خارج شده و در چهار ناحیه خلخال در شمال قزل‌اوزن پخش شدند. شطرانلوه‌ها اصلا کردند ولی ترکی صحبت می‌کنند. اگرچه خود آنها شاهسون نیستند با شاهسون‌ها همسایه و متحداند.

برای اطلاعات بیشتر در باره آذربایجان به کتب کرزن و سایکس و ویلسون و همچنین به نوشته‌های پرایس (۱۹۱۳) و مینورسکی (۱۹۳۲) مراجعه کنید.

### کاشان

ابتهاج مینویسد (ص ۲۹۹-۳۰۰) که شهر کاشان که مقر حکومت ناحیه کاشان و نطنز است در ارتفاع ۳۷۰۷ پا قرار دارد و جمعیت آن ۳۹۹۹۴ نفر است. آجر معروف کاشی در اصل از این شهر شروع شده است. جمعیت نطنز در حدود سه هزار نفر و جمعیت اردستان که ارتفاع آن ۳۹۹۴ پا است در حدود چهار هزار نفر است. چون اطلاعات اضافی جدیدی درباره جمعیت این شهرستان در دست نیست باید به کتب کرزن و سایکس و ویلسون و منابع دیگر رجوع کرد.

### لرستان<sup>۱</sup>

لرها لرستان را متشکل از سه قسمت عمده یعنی پشت‌کوه، پیش‌کوه و بالاقریه میدانند که با تقسیم‌بندی قبائلی مطابقت دارد. این سه قسمت موجودیت جغرافیائی ندارند ولی برای تشریح وضع لرستان مناسب است و مرزهای طبقه -

۱- این قسمت از یادداشتهای ویلسون تحت عنوان لرستان مورخ ۱۹۱۲ (سیملا) خلاصه شده و با اجازه سارنولد ویلسون در اینجا نقل گردیده است.

بندی قبائل نسبتاً مشخص می‌باشد .

پشت کوه در سمت شمال غربی و جنوبی شرقی در امتداد مرز غربی لرستان قرار دارد. در سمت مشرق بوسیلهٔ سلسله جبال معروف به کبیر کوه از پیش کوه جدا شده است . پشت کوه محدود است از شمال شرق و شرق به کشفان رود و سرزمین مسکونی پیرانه‌وند (از بالاقریه)، معمولاً بالاقریه شامل بقیهٔ لرستان شرقی می‌شود . قسمت شرقی این سه منطقه دارای منظرهٔ مخصوص به خود می‌باشد و دربارهٔ کلیه لرستان بطور کلی نمیتوان شرحی نوشت .

در پشت کوه قلل مرتفع که یکی بر روی دیگری و در موازات یکدیگر قرار دارند کوتاه‌تر و کم‌شیب‌تر از سایر نقاط لرستان است . سنگ سیاه و سنگ آهک در این منطقه زیاد است . تپه‌های سنگ آهک مناطق جدا هستند و در فاصله بین آنها توده عظیم gypsum که رنگ خاکستری دارد وجود دارد که در مقابل رنگ قرمز سنگ سمباده تضاد مشخصی ایجاد می‌نماید . رودخانه‌های این قسمت اغلب در فصل تابستان قابل آشامیدن نیست و سمت دشت بین النهرین سرازیر می‌شوند . این ناحیه دارای درخت زیاد نیست ، مراتع آن بخوبی مراتع لرستان شمالی نمی‌باشد .

در پیش کوه سنگ سمباده و سنگ آهک ناپدید می‌شود و بندرت در شمال دره سیمره بنظر می‌رسد . در مشرق و جنوب خطی که از تهران تا مادیان رود کشیده شده رشته تپه‌های سنگ آهک بدون درخت دیده می‌شود . این سلسله بطور متحدالشکل از شمال غربی به جنوب شرقی قرار دارد و در فواصل بین آنها دره‌های سرسبز وجود دارد و ارتفاع آنها تا ۶ هزار پا می‌رسد . یکی از خصوصیات این ناحیه وجود دشتهای حاصلخیز بین کوهها است مانند کوه دشت ، رومیشگان ، حلیلان ، و تهران که میتوانند جمعیت زیادی را نگاه دارند .

ناحیهٔ بالاقریه چنانکه از نام آن پیداست سخت‌ترین نقطهٔ لرستان است . صخره‌های سنگی آن بلند و شیب دار تر از صخره‌های کشفان است درحالیکه دره‌های بین آنها باریک‌تر است و یا تپه‌های سنگ سیاه و سنگ آهک پر شده است و صاف نیست . این ناحیه پر آب تر است و آن قسمتی که بوسیلهٔ خط مستقیمی از خرم‌آباد تا دزفول جدا می‌شود مرتفع‌ترین منطقهٔ لرستان و قلل آن همیشه از برف پوشیده است . ناحیهٔ بالاقریه جنوب خرم‌آباد و شمال کوه دالچ جنگل درخت بلوط است .

در لرستان سرما و گرما بحد اشد می‌رسد و همین امر سبب حرکت و بادیه-



نشینی ساکنین آن می باشد. دره سیمره در فصل تابستان بگرمی خوزستان است و هوای آن شباهت زیادی به هوای گرمسیر بختیاری دارد. نقاط مرتفع لرستان خنک تر است و خرم آباد بندرت گرمای نامطبوع پیدا میکند. معهذا در باغات آن مانند شیراز درخت سرو میروید. این درخت در هیچ شهر دیگر جنوب غرب ایران یافت نمیشود زیرا طاقت سرمای شدید ندارد. معمولاً دشت خرم آباد بین بیست تا چهل روز پوشیده از برف است ولی در سال ۱۹۱۱ برف در حدود ده هفته وجود داشت. خط برف در ماه فروردین ۵۰۰۰ پا و در اردیبهشت ۶۰۰۰ پا و در خرداد ۷۰۰۰ پا است.

در لرستان زمستان فصل بیکاری و بی فعالیتی است. مردم دوماه و گاهی بیشتر در خانه خود میمانند. گله گاو و گوسفند در اصطبل نگهداشته میشود و علوفه چهار تا پنج ماه در فصل تابستان برای گله جمع آوری میشود. گندم کاری معمولاً پائیز انجام میگردد و بعد از آنکه برف آب شد سبز میشود.

با اینکه لرستان از ناحیه بختیاری حاصلخیز تر است ولی جمعیت آن کمتر میباشد. راه کاروان روآن از هر راه دیگری که از خلیج فارس به مرکز ایران منتهی میشود بجز راههای بندر عباس و شیراز آسانتر است. در بحث درباره قبائل و ایلات لرستان سه قسمت عمده که لرستان بآن تقسیم شده میتواند توسل جست. پشت کوه محل سکونت قبائل فیلی است ولی افراد قبائل کرد و دیناروند و سگوند که در زمانهای مختلف باین ناحیه آمده و با ساکنین اولیه ازدواج و آمیزش کرده اند نیز وجود دارند. پیش کوه از زمان بسیار قدیم محل سکونت قبائل سلسله و دلفان بود که ظاهراً بنام دو بار در خوانده شده اند. سرآرنولد ویلسون عقیده دارد که این قبائل لك هستند ولی درست شرقی این ناحیه عده زیادی لر ساکنند که با همسایگان لك خود هیچگونه فرقی ندارند بجز آنکه به لهجه مخصوصی تکلم میکنند. قبائل بالا جره همه لر هستند. این افراد رئیس یار هبری نمی شناسند و دائماً باهم نزاع دارند. مردم شهر نشین بروجرد و خرم آباد لر هستند و تعدادی تجار یهودی و ایرانی نیز در آن دو شهر سکونت دارند.

در این ایالت قبائل ترك نژاد یافت نمیشوند و قبائل عرب معروف به گاو میش که در ناحیه بختیاری دیده میشوند در لرستان وجود ندارد<sup>۱</sup> ولی بعضی از قبائل

۱- باید بخاطر داشت که این مطالب در سال ۱۹۱۲ چاپ و منتشر شده

مانند سگوند خود را از اولاد مهاجرین عرب میدانند. قبائل کرد مانند ایل کلهر درمرز این ایالت زندگی میکنند ولی تحت اداره حکومت کرمانشاه هستند و بنا بر این در اینجا از آنها بحث نمیشود.

حدیدین لر ها و لك ها اکنون فقط از نظر زبانشناسی است. احتمال میرود كه لر ها از اولاد آریا نیا و نژاد بومی محلی باشند و تردیدی نیست كه قریها است زندگی بادیه نشینی و ایلاتی داشته اند. كرز (a ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۸۵) نقل میکند كه «قبائل عیلام سلطه و قدرت مادها و پارسها را قبول نداشتند و در مقابل اسکندر مقاومت کردند و از انتیوك فرمانبرداری نداشتند» ولی مدارك موجود دال بر آنست كه تا دوره قرون وسطی لرستان جمعیت ده نشین داشت و رودخانه ها و تپه های متعدد مغرب كشفا ن و دره سیمره دال بر آن است.

موریه، لك ها را قبیله بادیه نشین میدانند كه در تمام ایران پراکنده اند و مراکز عمده آنها نزدیك قزوین و در ایالات فارس و مازندران بود و عقیده دارد كه قبیله بزرگی بودند كه بشعب و خانوارهای مختلف تقسیم شده و از نژاد ایرانی بودند.

رایینو اظهار میدارد كه ممكن است دلفان و سلسله ویرانه و ندها از قبائل لك باشند<sup>۱</sup> درین لك ها و كردها پیروان فرقه علی الهی زیاد است. شرح مفصل عقاید و مراسم آنها در كتاب ویلسون داده شده است. افراد سلسله و دلفان اغلب در اصل علی الهی بودند ولی بتدریج شیعه شده اند.

درین افراد بالا جره منظره كسی كه به نماز ایستاده باشد غیر عادی است و پیر مردان با اصول مذهب شیعه و مراسم نماز آشنائی ندارند ولی قسم بقرآن را محترم می شمارند.

لر ها در چادرهای سیاه ازمو ی بز بافته شده زندگی میکنند كه دور آن دیواره ندارد و بجای دیواره از پته و درختان كوچك استفاده میکنند. برعكس اعراب كه عده زیادی در يك اردوگاه جمع میشوند لر ها چادرهای خود متفرق و پراكنده میزنند و معمولاً سه یا چهار چادر باهم در يك نقطه دیده میشود و هر فامیل یارئیس خانوار يك اردوگاه جدا گانه دارد. در اوائل تابستان چادرها را ترك کرده و در الو نكهائیکه از شاخه درخت ساخته شده زندگی میکنند.

قبائل لرستان<sup>۱</sup>

عمله - سابقاً عمله کریم خان نامیده میشد : این قبیله کوچک منزوی لر پشت کوه دراصل درچند دهکده دیوار دار جنوب غربی دزفول زندگی میکردند. زمین زراعتی آنان بوسیله کانال هرموش و دهداری که از رود کرخه منشعب میشود آبیاری میگردد .

بهاروند - این قبیله که از هزار خانوار متجاوز است ازقرار معلوم تحت فرمان میرعباس خان بود که بابرادرش میرعلی خان زمانی قدرت دیرک وند را بین خود تقسیم کرده بودند ولی بالاخره آنها را ازقسمتهای مختلف دیرک وند بیرون کردند ولی موفق شدند هر کدام قبیله جداگانه تشکیل دهند که به میرعباس خانی (میربهاروند) و میرعلیخانی (میرقلعهوند) نامیده شدند .

بغر از میربهاروند تنها قسمتی را که باید مورد توجه قرار دهیم قسمت کدخدا و نجفان است . نجفانها قبیله کوچک وضعیفی بودند که ازقسمت عمده قبیله جدا زندگی میکردند و زمستان رادر قلعه حسینی و تابستان رادرسمت شمالی کوه گرد بسر میآوردند و بین این دو نقطه از راه منتهی الیه شرقی سلسله چناره و کوه کر قیشان عبور میکردند . با افراد میرقلعهوند آمیزش و ازدواج میکردند .

درفصل زمستان چادرهای افراد قبیله بهاروند همه جا از پل آب زال تا چند میلی دزفول در سمت غربی بالا رود دیده میشود . در تابستان درکناره کوه هفت پهل و با وی و دره شوراب و کوه تف و دره نصاب و تنگه بهرام رش و آب سیواک زندگی مینمایند . مهاجرت و حرکت آنها معمولا از راه کیلان است ولی وقتی رابطه آنها با میرها بد باشد از راه چول میروند .

در نزدیکی آب لیلیم و آب فانی در دره نصاب گندم و جو کاشته میشود و همچنین در نقاط دیگر نزدیک محل تابستانی آنها . این قبیله قویترین قسمتهای دیرک وند است که گلههای بزرگ واسب و مادبان زیاد و عده زیادی قاطر دارند .

میربهاروند - این قبیله بنام اولاد میر عباس خان و بستگان آنها معروف است . ادmondz (۱۹۲۲ - ص ۳۴۴ و ۳۴۷) درباره این گروه شرح

۱ - این صورت براساس مطالعات مقدماتی سرانولد ویلسون قرار دارد. به صورت رابینو (۱۹۱۶) و ادmondz (۱۹۲۲) نیز اشاره شده است .

جالب توجهی نوشته و آنها را میر عباسخانی می نامد .

بیرانه‌وند - معمولاً آنها را از طبقه بالاقریه میدانند ولی را بینو آنها را لك میخواند و این قبیله قویترین قبائل لرستان و متجاوز از هزار خانوار بودند و در الیشتر و خاوه و در تابستان در کوه چهل و نیلیگان و گرو سکونت داشتند قسمتی از آنها که سال بسال فرق میکرد در فصل پائیز به پشت کوه مهاجرت میکردند و معمولاً از راه کل حصار و چول و پل تنگ میگذشتند .

ویلسون بیرانوندها را بشعب زیر تقسیم بندی میکند : استان مرز، اولاد علی محمود، اولاد اسدخان، چکالوندتاری، جلیبی، چرمرنگ، دلیران، فراش، گر، جوجه‌وند، مال اسعد، متاش، محراب، مصطفی‌وند، پیرداده، سبزل علی، شاهون، شاهوردی، شمس، یاراحمد، زین علی .

بجولوند - درباره این قبیله اطلاع زیادی در دست نیست . معمولاً یکی از قبائل بالاقریه طبقه بندی میشد ولی در حوالی جلنچولان ده نشین شده و خود را بایاراحمدی سیالخور یکی میدانستند .

بالاقریه - این نام که ساکنین کوههای بلند معنی میدهد به قبائل زیر که بین رودخانه‌های کشفان و دز زندگی میکردند اطلاق میشد : بیرانوند، چگینی، دیرکوند، جودکی، پاپی، سگوند، که بعضی از آنها زیر نام قبیله جداگانه شرح داده میشود . وجه تشابه و تجانس آنها این بود که هرگز حکومت يك فرد را بر خود قبول نکرده‌اند ولی بیرانوندها و سگوندها کاملاً از بقیه جدا بودند . رالینسون در سال ۱۸۳۶ افراد قبائل بالاقریه را ۶ هزار خانوار تخمین زده بود . لایارد در سال ۱۸۴۶ نیز همین نظر را تأیید کرد و اگر بیرانوندها را بحساب نیاوریم چنانکه دونویستده فوق بحساب نیاورده بودند تعداد این قبائل تا آنجا که امکان تعیین باشد در سال ۱۹۱۲ نیز همانقدر بود . در ۱۹۱۲ قبیله مکلان - علی شناخته نمیشد و از قرار معلوم سالها قبل به قبیله سگوند ملحق شده بود . قبیله بجولوند نیز بعنوان يك واحد مستقل موجودیت خود را اذ دست داده است . بالاوند - این گروه گاهی بعنوان دلفان طبقه بندی میشود و متشکل است از بالاوند و کشوند . پلودن Plowden تعداد آنها را هزار خانوار تخمین زده است .

چگینی - افراد این قبیله بین خرم‌آباد و رودکشفان درپای کوه سفید

زندگی میکردند و شعب عمده آنها عبارت بود از فتح‌اللهی، حاجیها، حاتم‌خانی، و طهماسب‌خانی، قبیله میرزاوند که اکنون ازین رفته جزئی از حاتم‌خانی‌ها بود. شعب طهماسب‌خانی‌ها عبارت بود از فتح‌اله جمعت کریم، حاجی، حاتم‌وند، سبزواری، بوداغ، شکاروند، وایس‌کاره. شعب حاتم‌خانی عبارت بود از درویش، حمام، حسیوند، جوار، میرزاوند، شرف. گفته شده است که تعداد آنها ۲ هزار خانوار بود.<sup>۱</sup>

دالوند - این قبیله که زمانی بایرانوندها یکی بودند در تمام سال در دره هروند زندگی کرده و کم و بیش ده نشین بودند.

دلفان - این اتحادیه قبائل از ایلات مختلف و جداگانه تشکیل میشد که عبارت بودند از:

علی، اولاد قباد، بالاوند (که گاهی بحساب نمی‌آمدند)، باواری، بیجاوند، چاری، ایتاوند، کاکاوند، کلاین، خیرغلام، مومیانوند (میر بیگ)، نورعلی، پادروند.

اغلب این قبائل چادر نشین بودند ولی محل سکونت آنها متصل بهم بود و از مرکز کرمانشاه شروع و تا سیمره و کشفان امتداد داشت. مهاجرت این گروه با مهاجرت دیگران مانند سگوندها فرق داشت.

دیرکوند - این نام به مجموعه‌ای از قبائل که در کوهستان بین خرم‌آباد و دزفول ساکن بودند اطلاق میشد. حدود آنها از سمت مشرق بحوالی آب‌دز که از رسیدن بآن بعلت مداخله قبیله پاپی محروم بودند و از سمت مغرب بحوالی راه عمده کاروان روکه از بادامک تا دادآباد خاگ قبیله جودکی بود امتداد داشت.

دیرکوند یکی از قبائل عمده گروه بالاقریه است. ویلسون در سال ۱۹۱۲ این قبیله را متشکل از شعب زیر میدانست: بهاروند، میر بهاروند، کرد علیوند، کرکی، میر علیوند، میرزاوند، منگری، قلعه‌وند، منگره‌میر، رضاوند.

قبیله زینوند که در پشت‌کوه نزدیک قلعه سیمره زندگی میکردند از نژاد

۱ - در شرح درباره چگینی از صورت ویلسون پیروی شده است. مقایسه شود با شرح ادموندز (۱۹۲۲) ص ۳۴۴ که در آن گروه بندی دیگری داده شده

دیر کوند بودند .

تعداد افراد دیر کوند اصلی زیاد نبود و شاید از سه هزار نفر تجاوز نمی کرد ولی عناصر بیگانه قوی مانند افراد سگوند و حسناوند و بیرانوند در بین آنها وجود داشت . ویلسون عقیده داشت که سالها تعداد افراد آنها در حدود همین عدد باقی مانده بود .

فیلی - بعضی نویسندگان ادعا می کنند که این کلمه بهمه لره های لرستان (لر کوچک) اطلاق میشود ولی کرزن (۱۸۹۲ هـ - جلد ۲ - ص ۲۷۵) میگوید «این نام محدود شده است به پشت کوه و فیلی های اصلی قسمت عمده جمعیت آن ناحیه را تشکیل میدهند» درخوزستان والی پشت کوه را فیلی ویا بنام فامیل ابر- غداره که از طرف همسایگان عرب وی بنامیل او داده شده بود می شناختند . هنوز خرم آباد را رسماً خرم آباد فیلی می خوانند و این اسم از آثار روزگاری است که جد وی حسین خان رئیس قبیله فیلی را شاه عباس بجای شاهوردی خان نشانید و بجای اتابك لقب والی بوی داد و باو قدرت نامحدود در خطه لرستان عطا کرد . پس از نقصان قدرت جانشینان و اولاد وی که اکنون بناحیه پشت کوه محدود شده است نام فیلی نیز محدود گردید .

فلك الدین - این گروه که یکی از قبائل کوچک و غیر مهم سلسله هستند از دوشنبه لرامیر و تجامیر تشکیل میشود .

حسنوند - این قبیله بزرگ بادیه نشین بتدریج تقلیل یافت تا اینکه در ۱۹۱۲ تعداد آن به سه هزار خانوار تخمین زده میشد . مقر زمستانی آنها در جیدروگیشان درسیمره بود و به سر زمین شمال و مشرق رود کشفان ادعا داشتند ولی قبائل دیر کوند وجود کی بمرز شرقی آنها تجاوز کردند . در تابستان بنواحی مرتفع الیستر میرفتند .

شعب حسنوند عبارت بود از : باباصنم ، پستان ، دولت شاه ، فولاد ، گرجای ، حز عبدالملی ، حز خدائی ، جوانمند ، کاکولوند ، خمسه ، محمد ریزه ، رحمن شاه ، سالار ، ذهابی (ویلسون ۱۹۱۲) .

جودکی - این قبیله را گاهی از نژاد بجولوند میدانند و سر زمین بین کشفان و راه عمده کاروان رو بین دزفول و خرم آباد را در اشغال دارند و جیدرو و بادامک و شمشک و ریخان را مال خود میدانند ولی مرکز آنها در چول هول

است. از لحاظ آداب و رسوم شیبه دیر کوند هستند و زمستان را در جیدر بسر میبرند. کاکاوند - در نزدیکی هرسین در مرز ایالت زندگی میکنند و اسماً قسمتی از دلفان هستند و تعداد آنها در حدود ۸۰۰ خانوار است. مقر زمستانی آنها بین پل تنگ و آب فانی و در پشت کوه نزدیک منتهی الیه جنوب شرقی کبیر کوه قرار دارد و مقر تابستانی آنها در کراغه و در فلات بادی است. در این حرکت و مهاجرت از همان راه بهاروند که بآنها شیهات نزدیک دارند استفاده میکنند.

لر بزرگ - این عنوان مانند لر کوچک دیگر بکار برده نمیشود. سابقاً بنواحی لر نشین خارج مرز لرستان اطلاق میشد که شامل نواحی بختیاری و فارس بود. هرگز یک واحد اداری نبود و در ۱۸۴۱ بختیارهای هفت لنگ تحت اداره بوجود و بختیارهای کوهگلو تحت اداره بهبهان و قشقائیه تحت نظر استاندار فارس در شیراز بودند.

لر کوچک - این عنوان که اکنون قدیمی و متروک است به ایالت لرستان اطلاق میشد و سابقاً تقسیم میشد به گولک که شامل عمله و بالاقریه بود و صله و رزی که شامل دلفان و سلسله بود تقسیم میشد ولی این تقسیم بندی اکنون شناخته نمیشود.

و نیز یک قبیله کم شناخته شده که در مشرق خرم آباد بین دیر کوند و دزدنگی میکردند اطلاق میشد اگرچه آنها بادیه نشین بودند ولی هرگز این ناحیه را که پر آب و پر درخت است ترك نکردند. محل سکونت آنها سیاه چادر بود که علامت بادیه نشینی است.

قائد رحمت - یک قبیله کوچکی هستند که با بیرانوندها بستگی دارند و در قسمت علیای هرود ساکنند.

قلاوند - شاید در اصل قلاب وند بوده. تعداد آنها در حدود هزار خانوار است. در زمستان محل سکونت آنها از قلاب تا چند میلی دزفول ادامه داشت و در سمت شرقی بالا رود می ماندند، در تابستان در دره ها و کناره کوه هفت پهلوی و کوه آسیاباد و تیری کوه زندگی کرده و بندرت بخرم آباد می آمدند.

در ناحیه قلاب منطقه بزرگی را زراعت میکردند و قطعات کوچکی از زمین های سرچشمه زاب را آبیاری و کشت و زرع مینمودند.

میر قلاوند - که میرهای منگوه و اولاد میر علیخان نیز نامیده میشدند.

میرهای قلاوند سابقاً رؤسای قلاوند بودند که درساهای قبل تبعید شدند. درمنگره وکل اسپید نزدیک سرچشمه زال زندگی می کردند. ادموندز (۱۹۲۲-۱۹۳۶-۳۶) به تفصیل درباره سفر خود به ناحیه میرهای قلاوند یا میرعلیخانی نوشته است. قلیوند- زمانی يك قبیله عمده سلسله بودند. سابقاً زمستان را در دره سیمره بسر میبردند ولی بعداً یادرا لیشر می ماندند یا فقط تاکوه دشت در جنوب بیشتر نمی ماندند.

رازانی- گاهی رازانی ها را ازبچولوند وازاصل بالاقریه میدانند و درسه قریه نزدیک رازانی درجاده عمده بین خرم آباد وبروجرد زندگی می کردند. سگوند (رحیمخانی)- قبیله سگوند نمونه قبیله لر بادیه نشین است. در فصل تابستان گاهی قسمتی ازاین قبیله درنواحی سنجر باقی می ماند ودرکنار شور یا کرخه چادر میزد. گاهی تابستان را بصالج آباد میرفتند. این قبیله بدو گروه موسوم به رحیمخانی وعلیخانی تقسیم میشد. علیخانی ها درحوالی سال ۱۹۰۰ درارتفاعات باقی ماندند. رحیمخانی ها ظاهراً در حدود پانصد خانوار بودند.

سگوند (علیخانی)- ازاین قبیله که سالیان دراز درتپه های نزدیک خرم- آباد ودردشت آستان مشرق کراغه زندگی می کردند چیزی دیده نمیشود. ازلحاظ تعداد باندازه پایی ها نبودند ولی ازآنان متحدتربودند.

سلسله- این اسم مانند دلفان به مجموعه ای ازقبائل اطلاق میشود. در این اتحادیه سه گروه معمولاً شناخته میشوند و مشخص هستند: (۱) حسوند و دودولشاه و خمسه از نژاد حسوند؛ (۲) یوسفوند و قلیوند؛ (۳) کرم علی و فلك الدین. قبائل دیگر آن عبارتند از گاوکش، امیر و مؤمن.

ترهان- این قبیله بشعب زیر تقسیم میشود: عمرائی، آزاد بخش عیناوند، بزوند، گرمائی، گراوند کرد عیلوند، کلونی کوشکی، پادروند، رماوند، رومیانی، سیری، زیرونی.

بارا احمدی- این قبیله ده نشین بود ودر سیالخور زندگی میکرد. یوسفوند- این قبیله که از گروه سلسله است تابستان را درالیشر وکوه گرو بسر میبرد. زمستان معمولاً به کشفان میروند ولی درشمال جیدرمی ماندند. زمانی قبیله بزرگی بود ولی بعدها پراکنده شدند و کاکاوند های دلفان زمین و املاک آنها



را گرفتند .

زیناوند - در پشت کوه .

بررسی صورت قبائل لرستان جمع کل افراد آنها را ۱۲۵۰۰ نفر نشان میدهد. اگر جمعیت خرم آباد را که ۱۵،۰۰۰ نفر و بروجرد را که ۳۰،۰۰۰ نفر است به آن اضافه کنیم جمعیت لرستان و بروجرد در سال ۱۹۲۰ بالغ بر ۲۵۰،۰۰۰ نفر میشده است . این درست مساوی جمعیت تحت نظارت خوانین بختیاری در همان تاریخ است .

این ارقام تقریباً با ارقام سرگرد بل Major Bell که تعداد لرهای فیلی را ۲۱۰،۰۰۰ نفر و کلیه جمعیت جنوب خط اصفهان - بروجرد را ۷۰۰،۰۰۰ نفر تخمین زده بود مطابقت دارد . اگر جمعیت خوزستان و فارس را نیز در نظر بگیریم رقم یک میلیون درست بنظر میرسد . (مقایسه شود با نوشته دورانند - لوریمر [۱۹۰۷] و سایر )

### ملاحظات درباره قبائل لرستان ۱۹۲۸ - ۱۹۳۳

از آنجائیکه یاد داشتهای سرآرنولد ویلسون درباره لرستان تقریباً متعلق به بیست و پنج سال قبل است سعی کردم اطلاعات جدیدتری درباره قبائل این منطقه که از نظر باستانشناسی و مردم شناسی شایان توجه است بدست آورم. در طی سالهای ۱۹۲۸-۱۹۳۲ آقای آرثر دو بو Arthur W. Du Bois گزارشی درباره لرها تهیه کرد و لطفاً بمن اجازه داد که مطالب زیر را از آن نقل کنم .

اگر چه امروز کلمه لر به قبائل لر داخل مرز ایالت لرستان اطلاق میشود ، دو قبیله کوچکتر لر در فارس در جنوب غربی شیراز یعنی ممسنی و کوه گلو زندگی میکنند . همچنین قبائل بختیاری که سرزمین آنها این لرستان و اصفهان و فارس قرار دارد از نظر نژادی لر شناخته میشوند<sup>۱</sup>

۱ - مراجعه شود به منابع فصل پنجم و یادداشت های در آخر فصل از خلاصه بعبد . بعضی نویسندگان بختیاری ها را با لرها با هم مورد مطالعه قرار داده اند اگرچه من موفق نشدم مطالب مربوط به اندازه گیری قسمتهای مختلف بدن را در مورد بختیاری پیدا کنم شواهد و مدارك حاکی از آنست که آنها متعلق بگروه سرپهنی می باشند که با لرها کاملاً فرق دارند ( همچنین رجوع شود به فصل پنجم لرهای پشت کوه ) ،

گفته شده است که لرها باکردها که در منطقه شمال لرستان ساکنند نسبت دارند. عملاً میتوان خط بین لرستان و کردستان را جاده اتومبیل روین قصر شیرین و همدان دانست.

از لحاظ سیاسی کلمه لرستان محدود است بآن قسمت از لرستان که اکنون تحت حکومت فرماندار لرستان یعنی ناحیه پیشکوه قرار دارد و مرکز آن شهر خرمآباد است. ناحیه پشتکوه تحت نفوذ والی پشتکوه است و جزو ناحیه تحت اداره حاکم خرمآباد حساب نمیشود.

اصل و منشأ لرها بدرستی معلوم نیست. بعضی آنها را قسمتی از نژاد اصلی ایرانی میدانند که در نیمه اول هزاره اول قبل از میلاد از ناحیه مشرق دریای خزر باین منطقه مهاجرت کردند. ولی در آنها خون عرب نیز وجود دارد و این امر در نتیجه نفوذ قبائل عرب از ناحیه خوزستان در جنوب و عراق در مغرب صورت گرفته است.

بجز معدودی از افراد لرها شهر نشین و ده نشین شده اند لرها معمولاً افراد بادیه نشین هستند<sup>۱</sup> شغل آنها حشم داری است که شامل قاطر و گوسفند و گاو و اسب و بز میباشد. با اینکه کشاورز خوب نیستند در مناطق تابستانی خود زراعت میکنند. کتیرا جمع آوری و ذغال تهیه میکنند و هر دو کالا را بقیمت خوب بفروش میرسانند. جمعیت لرستان به تناوب از ۱۸۰ هزار تا ۴۵۰ هزار نفر تخمین زده میشود. فرماندار نظامی سابق لرستان (۱۹۲۷-۱۹۳۰) سپهبد احمد آقاخان تعداد لرهای پیشکوه را ۲۵۰،۰۰۰ نفر و پشتکوه را ۱۰۰،۰۰۰ نفر ذکر کرده است و هر دو رقم ممکن است زیاده تر از حقیقت باشد.

لرهای پیشکوه تقسیم میشوند به سلسله، دلفان، بالاقریه و طهرانی. (۱) قبیله سلسله که گفته میشود از نژاد عرب هستند ناحیه شمال خرمآباد و دشت لیشترا در اشغال دارند. تقسیمات فرعی آنها عبارت است از حسنوند، یوسفوند، قلی و ند که جمعاً در حدود ۳۵۰۰۰ هزار نفر میشوند. افراد بادیه نشین آنها در فصل زمستان بسمت جنوب تا رودخانه سیمره میروند.

(۲) دلفان که گفته میشود از نژاد عرب هستند ناحیه نزدیک نهاوند بسمت

---

۱- سیاست فعلی پادشاه ایران اینست که بادیه نشینی را بحد اقل تقلیل دهد.

کرمانشاه و قروه و مادبان رود را در اشغال دارند. این قبیله که تعداد آنها به ۳۲۰۰۰ نفر تخمین زده شده به قبائل زیر تقسیم میشوند: کاکوند، ایتاوند، ومو میا نوند.

(۳) بالاقریه شامل هشت قبیله عمده و چند قبیله کوچک میباشد و ناحیه مشرق و جنوب خرم آباد را در اشغال دارند. معمولاً حدود منطقه آنها عبارت است از بروجرد و سزار رود و دره های آب دز در سمت مشرق و دشت خوزستان در جنوب و کبیر کوه و کشفان رود در مغرب و دره های شمال خرم آباد در سمت شمال. جمعیت آنها در حدود ۷۰۰۰۰ نفر است.

قبائل عمده بالاقریه عبارتند از قائد رحمت، دلوند، بیرانوند، سگوند، تولایی، پایی، جودکی، و دیرکوند. شعب کوچک عبارتند از: گرزگری، گلنداس، رومیانی، و روح روک.

هزار نفر افراد قائد رحمت در ناحیه جنوب و مشرق بروجرد مالک دهات هستند. دلوندها که در حدود پنجاه هزار نفرند زاغه واقع در سی و پنج میلی مشرق خرم-آباد در امتداد جاده خرم آباد بروجرد را در اشغال دارند. بیرانوند ها که شاید قویترین و پرجمعیت ترین قبائل لرند در فصل تابستان در نزدیکی خرم آباد استقرار می یابند و در زمستان به سیمره و کبیر کوه میروند. جمعیت بیرانوند متجاوز از ۲۵ هزار نفر تخمین زده شده است. در حدود پنجاه هزار نفر از اقبااال اخیر ادرحوالی قزوین و ورامین و خوار استقرار یافته اند. در زمان نادر شاه همه آنها به حوالی شیراز منتقل شدند ولی به زودی از آن ناحیه فرار کرده و به لرستان مراجعت کردند.

سگوندها که در حدود ده هزار نفرند تابستان را در سی میلی مشرق خرم آباد در اطراف ایستان بسر میبرند و زمستان را در دشتهای جنوب تا حوالی دزفول و شوش میروند. این قبیله ثروتمندی بشمار می آید و برای پرورش قاطر معروف هستند. تولایی ها که در حدود هزار نفرند در دهات دشت خرم آباد زندگی میکنند. پایی ها که تقریباً ۲۵۰۰ نفرند تابستان در کوههای مغرب سزار رود در چهل میلی مشرق خرم آباد و زمستان در دره های جنوب در امتداد شعب رود آب ریز زندگی میکنند. جودکی ها که جمعیت آنها ۳۵۰۰ نفر است در جنوب خرم آباد و دره کشفان ساکنند.

ایل دیرکوند ناحیه کوهستانی جنوب رود خرم آباد مشرق کشفان تارود سیمره و آب زال در جنوب و مشرق محل سکونت پایی ها را در اشغال دارند. جمعیت آنها بین ۸ تا ده هزار نفر است. دیرکوندها بدو قبیله عمده یعنی بهاروند و قلاوند

تقسیم میشوند. بهاروندها ازسزده قبیله و قلاوندها ازدواذه قبیله متشکلند که معروفترین آنها قبیله میرزاوند است که در شمال آب زاب زندگی میکنند. قبائل کوچک دیگر از قبیل گرزگزری، گلنداس ورومیانی وروح روک مهم نیستند و جمعیت آنها از ۲ هزار نفر متجاوز نیست.

(۴) طهرانیها (ترهان) متشکل است از عجینی، عمراتی، سوری، چراری، بوالی، و سنجانی که جمع کل آنها ۱۱ هزار نفر است و در ناحیه مغرب خرم آباد و رود کشفان جنوب سیمه سکونت دارند.

قبائل پشت کوه در جنوب غربی لرستان بادیه نشین و به لرهای فیلی معروفند. به والی پشت کوه تاحدی وفاداری دارند. تعداد آنها بین ۵۰ هزار تا ۶۰ هزار نفر است و تقسیم میشوند به: کردها ۲۰ هزار نفر، مپاکی ۲۵ هزار نفر، وابسته ۵ هزار نفر و اعراب.

در تاریخ ثبت شده است که هخامنشیان (در حدود ۵۵۰-۳۳۰ قبل از میلاد) به لرها خراج میدادند. در زمان شاه عباس بزرگ (۱۵۸۷-۱۶۲۹) دولت مجبور شد برای سرکوبی لرها نیروی نظامی بآن ناحیه اعزام دارد. تا زمان حکومت اعلیحضرت رضاشاه پهلوی ناحیه لرستان در واقع مستقل بود و از دولت مرکزی فرمانبرداری نداشت. پس از فتح لرستان خرم آباد رسماً مرکز حکومت ناحیه پیش کوه شده است.

### خوزستان<sup>۱</sup>

خوزستان یا عربستان قسمتی از عیلام قدیم است که در کتاب مقدس ذکر آن رفته و بطور کلی باشوش باستان مطابقت دارد. قسمت عمده این ایالت مسطح است بجز در یک نقطه که یک سلسله تپه از مغرب بشمال غربی کشیده شده و رود کارون در یک زاویه قائمه نزدیک اهواز آنرا سوراخ کرده است. این تپه های سنگی قرمز با ارتفاع ۲۰۰ پا میرسد. طول کلیه سلسله از ۳۰ میل تجاوز نمیکند. دشت مسطح باز در اغلب نقاط بایر است و فقط گیاههای صحرائی در آن میروید ولی بعضی قسمتها سرسبز است و در فصل بهار در قطعاتی گندم و جو کاشته میشود. در سمت جنوب شرقی

۱- از آنجائیکه اطلاعات جدید درباره قبائل و جمعیت خوزستان درست نیست نویسنده بمنابع درسه ده گذشته مراجعه کرده و مطالبی از بین آنها انتخاب و برای مطالعه تطبیقی در اینجا نقل میکند.

نواحی فلاحیه و معشور در زمستان به باطلاق نمک تبدیل میشود در حالیکه در مغرب زمینهای مجاور هویزه صورت مرداب و باطلاق پیدا میکند. در سواحل شط العرب و قسمت علیای بهمن شیر و کارون تابیست میلی شمال محمره نخلستان است. در نواحی دیگر درخت بندرت وجود دارد و فقط کمر بندی از درختان پید و بته های دیگر در سواحل رودخانه دیده میشود.

تنها رودخانه های دائمی آب جرار و شطیط که از شعب کارون بشمار می آیند و همچنین آب دیز با شعب آن و کرخه میباشد فقط کارون قابل کشتی رانی است. رود جراحی در شمالی ترین نقطه خلیج فارس در خور وسطی بآن دریا می ریزد. در حدود بیست میل پائین تر رود هندیان نیز در جهت جنوب و جنوب غربی بخلیج می ریزد. رود کارون و جراحی بین سواحل شیب دار عمیق جاری است.

ارتفاع خوزستان از سطح دریا در ساحل خلیج فارس تا ۱۲۰۰ پاد رکوه فداک میرسد. آب و هوای خوزستان بطور کلی سالم است و درجه حرارت با ارتفاع و نزدیکی به خلیج تغییر میکند. فصل زمستان که از ماه آذر آغاز و در اوایل اسفند پایان می یابد بسیار مطبوع است. در ماه دی باران می بارد و به تناوب تا ماه فروردین ادامه دارد. معمولاً ماه اسفند باران می آید و بدینوسیله فصل بارندگی را بدو قسمت تقسیم میکند که از نظر زراعت دارای اهمیت است. گرمترین ماههای سال خرداد و تیر و مرداد است. معمولاً درجه حرارت در ماه تیر بحد اکثر میرسد و بندرت از ۱۲۰ درجه بالاتر میرود در حالیکه شبها درجه حرارت تا ۸۰ پائین می آید.

باد که در قسمت عمده سال از شمال غربی میوزد تا ماه خرداد نسه خنک است و بعد از آن ماه روزها گرم و شبها ملایم است. حد وسط ریزش سالیانه باران بین ۱۲ و ۱۵ اینچ است. در ۱۹۳۵ شرکت نفت انگلیس و ایران ریزش باران را در نقاط زیر به این طریق ثبت کرد: مسجد سلیمان ۲۶/۰۴ آبدان ۹/۱۹، نفت خانه ۸/۵۴.

۱- رجوع شود به گزارش سالیانه شرکت - ص ۸۰ مورخ ۱۹۳۶. این ارقام در اثر لطف لرد کدمن و سرهنگ دلزل هانتز و سرهنگ هال شرکت نفت انگلیس و ایران نقل گردیده است. در پرونده های خود مطالب هواشناسی مربوط بقسمتی از سالهای ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ موجود است.

## حد وسط درجه حرارت در آبادان (۱۹۳۵)

به فارسی

توسط کارمندان آزمایشگاه شیمی تصفیه خانه ثبت شده است

درجه در سایه					ماه
حد اکثر	میانگین	میانگین	میانگین	حد اقل	
درجه حرارت در سایه	هوای	هوای	ماهیانه	حد اقل	
۶۳/۷	۴۳/۷	۵۳/۷	۵۱/۹	۴۸/۱	ژانویه
۶۶/۳	۴۸/۴	۵۷/۴	۵۶/۵	۵۲/۱	فوریه
۸۱/۵	۵۷/۵	۶۹/۵	۶۱/۵	۵۸/۴	مارس
۸۶/۹	۶۳/۲	۷۵/۱	۷۵/۹	۶۱/۱	آوریل
۹۹/۹	۷۴/۳	۸۷/۱	۸۶/۹	۶۹/۴	مه
۱۱۰/۱	۷۹/۸	۹۴/۹	۹۸/۴	۷۰/۱	ژوئن
۱۱۳/۹	۸۲/۹	۹۸/۴	۹۸/۱	۷۰/۱	ژوئیه
۱۱۳/۵	۸۳/۳	۹۸/۴	۹۶/۲	۷۳/۸	اوت
۱۱۰/۳	۷۵/۲	۹۲/۸	۹۲/۷	۷۰/۴	سپتامبر
۹۸/۴	۶۷/۲	۸۲/۸	۸۲/۵	۶۵/۵	اکتبر
۷۸/۲	۵۷/۵	۶۷/۹	۶۶/۹	۶۰/۵	نوامبر
۵۱/۹	۶۶/۵	۵۹/۲	۵۷/۶	۵۵/۵	دسامبر

در نتیجه اقدامات بهداشتی و پزشکی اطباء شرکت نفت انگلیس و ایران امراض قسمتی از ایالت خوزستان بدقت مورد مطالعه قرار گرفت. گزارشهای آنها درباره تعداد افراد مبتلا به مالاریا در هر ماه و اقداماتی که در مبارزه با پشه مالاریا بعمل آمده جالب توجه است. در این کتاب احتیاج به جزئیات بیشتر نیست و خواننده میتواند به منابع مهم اطلاعات طبی که در ضمیمه نقل شده مراجعه نماید.

شهر دزفول در شمال خوزستان در ساحل چپ آب دز واقع شده است. این شهر مرتفع و ارتفاع آن تا حدی نامنظم است و در سمت رودخانه ارتفاع آن در مجموعه از صخره‌های به بلندی ۱۰۰ پا تقلیل می‌یابد و پایه این صخره‌ها را در موقع طغیان رودخانه آب فرا میگیرد. جمعیت این شهر بین ۵۰ تا ۶۰ هزار

تخمین زده شده است این شهر بسیاری عناصر نامتجانس را در خود مستهلك کرده و بعضی گروهها دارای اسامی هستند که از ریشه خارجی است. مع هذا همه دريك جامعه مشترك که زبان و آداب و رسوم و لباس آنها یکسان است مخلوط شده اند و میتوان گفت که يك نوع مخصوص بخود تشکیل داده اند. سالهای متمادی هیچيك از افراد قبائل کرد و لر و عرب در این شهر زندگی نمیکرد و یگانه مذهب آنها شیعه بود.

شوشتر در منتهی‌الیه شمالی «میان آب» در زاویه‌ای که از تقسیم کارون بشعب آن و شطیط و گرگر تشکیل میشود واقع شده است. اکثریت اهالی که در حدود ۲۰ هزار نفرند از نوع بومی میباشند که معمولاً تصور میشود آشوری باشند ولی منشأ آنها مخلوط است و شوشتری خوانده میشوند. بزبان فارسی اما بالهجه مخصوصی که شبیه لهجه دزفولی ولی مشخص از آن است صحبت میکنند. مذهب آنها شیعه است. در خود شهر افراد عرب وجود ندارد ولی عده‌ای بختیاری در آنجا سکونت دارند.

بندر ناصری در ساحل چپ کارون اهواز و در فاصله يك میلی شهر واقع است. جمعیت بعد از جنگ آن در حدود ۷ هزار نفر تخمین زده میشود که متشکل است از افراد شوشتری و اصفهانی و دزفولی و بوشهری و عرب و لر. خود اهواز که سالهای قبل قریه بزرگی بود با جمعیت در حدود هزار نفر قدیمی تر از دوشهر است ولی این ناحیه بنام اهواز نامیده شده است ولی بعلمت موقعیت آن در بالای رودخانه اهمیت سابق خود را ازدست داده و شهر ناصری که بزرگتر و سرعتر نمو میکند جای آن را گرفته است. در داخل شهر در حدود ۲۵۰ خانه گلی وجود دارد. اکثریت جمعیت شهر اعراب از قبائل مخلوط هستند ولی عده‌ای ایرانی نیز در این شهر سکونت دارند. و اغلب بشغل زراعت اشتغال دارند.

حویزه که زمانی شهر عمده‌ای در جنوب خوزستان بود در جهل میلی مغرب و شمال بندر ناصری در مرکز ناحیه حویزه که پایتخت آن است واقع است. ساکنین آن که سابقاً در حدود ۷۰۰ نفر تخمین زده میشد پیر و اصول مذهب شیعه

رامهرمز شهر عمده ناحیه‌ای بهمین نام در ۱۶۰ میلی شمال شرقی محمره

قرار دارد. تپه‌های بختیاری از دوسه میلی شمال شهر شروع میشود و جمعیت آن سابقاً در حدود ده هزار نفر تخمین زده شده بود که متشکل بودند از بختیارها و بهبهانی‌ها و عربها و ایرانی‌ها که اهل الهرمز نامیده میشدند.

محمره پایتخت و مهم‌ترین بندر دریایی جنوب خوزستان در سمت راست و ساحل شمالی کانال حفار که ادامه رود کارون است قرار دارد. ساکنین آن اغلب از اعراب محلی هستند که به شعب هلاله و بیت چنان و موطر محسین تعلق دارند. ولی عده زیادی از اعراب پناهنده گان بحرین و اهالی دزفول و شوشتر و عده‌ای از تجار سایر نقاط ایران و چند صد فامیل مسیحی و یهودی نیز در شهر زندگی میکنند. هندیان در جنوب شرقی خوزستان هر دو طرف ساحل رود هندیان را در شانزده میلی شمال غربی دهانه رودخانه اشغال کرده است. ساکنین این شهر بطور کلی عبارتند از افراد قبیله فتواتی شعبه‌ای از بنی تمیم که از ناحیه کارون و چاب باین محل مهاجرت کرده‌اند و شغل آنها قایق‌رانی و زراعت و تجارت است. تعداد زیادی گاو و گوسفند و معدودی اسب دارند.

فالاحیه که شهر عمده ناحیه‌ای به همین نام است پایتخت قبیله جاب بود و ساکنین آن اغلب از شعبه حنافه قبیله جاب و تعداد آنها به دوهزار نفر میرسد. قریه بندر معشور که معمولاً بندر خوانده میشود در ۹۵ میلی شمال شرقی محمره و یک میل شمال منته‌الیه داخلی شاخه‌خور معشور خور موسی واقع است. طبق روایات محلی قریه اصلی معشور در مکانی موسوم به تل کافران واقع بود که بنظر میرسد در ساحل جنوب شرقی خور معشور تقریباً در سه میلی سر آن باشد. در میان ۱۵۰۰ نفر ساکنین احتمالی آن سابقاً عده زیادی بندری یا بندریه بودند که اصل و منشأ آنها برای خودشان نیز نامعلوم است. اگر چه احتمال مبرود که شعبه بندریه به ایل جاب مربوط باشند بقیه اهالی فتواتی و از بهبهان میباشند. همه اهالی دوزبانه هستند. و به عربی و فارسی تکلم میکنند.

ساکنین خوزستان از نوع مختلط هستند، بخصوص در قسمت شمالی استان که تعداد لرها زیاد است، در حالیکه شهرهای دزفول و شوشتر جمعیتی دارند که اصل آنها نامعلوم است و ممکن است از نژاد آشوریهای قدیم باشند که با ایرانیان مخلوط شده‌اند. در قسمت جنوبی استان بجز شهر محمره و دهات بزرگ کنار هندیان که عده زیادی ایرانی دارد و اطراف جراحی که لرها سکونت دارند اکثریت مردم



عرب هستند که خون ایرانی نیز دارند .

ارقام و آمار سرشماری وجود ندارد ولی جمعیت شمال خوزستان طبق نظر منابع مختلف در حدود ۲۰۰۸۰۰ و جمعیت جنوب خوزستان ۲۰۶۴۰۰ نفر تخمین زده شده است .

مانند عراق مردم این ناحیه را میتوان بچهار طبقه تقسیم کرد : اول بادیه نشین که صاحب گاو و گوسفند هستند و در چادر زندگی میکنند و برای بدست آوردن بهترین مرتع قوم مهاجر و اغلب از نژاد لر میباشند . دوم نیمه بادیه نشین که هم زراعت میکنند و هم حشم نگاه میدارند و بهترین نمونه آنها قبائل بنی تمیم و بنی لام است . سوم کشاورزان که در سواحل رودخانه یا نواحی آبیاری شده سکونت دائمی دارند و بزراعت مشغولند و اغلب در چاب فلاحیه و محاسین زندگی مینمایند . چهارم شهر نشینان یعنی کسانیکه به کارهای بازرگانی و صنعتی یا کار دولتی اشتغال دارند . در سال ۶۴۰ میلادی هر زمان ساتراپ خوزستان در دامهرمز شکست خورد و شهر اهواز تسلیم اعراب شد . ظاهراً این اولین تاریخ استقرار اعراب خالص در ناحیه خوزستان است . بجز چند مورد استثنائی قبائلی که اکنون در خوزستان زندگی میکنند از عربستان مرکزی آمده اند و یا مستقیماً بخوزستان مهاجرت کردند و یا اول بعراق رفتند و بعداً در جستجوی زمین و کار باین ناحیه آمدند . بجز در نواحی جنوب شرق هندیان و زیدان بین ایرانیان و اعراب ازدواج متقابل صورت نمیگیرد . تعداد ایرانیان در خوزستان خیلی کم است و ازدواج متقابل و شغل دولتی و تجارت عده کمی را به این استان کشیده است .

در فصل زمستان لر ها در نواحی شوشتر و دزفول چادر میزنند در حالیکه در اطراف جراحی همیشه عده ای از افراد قبائل دیده میشوند . اصل و منشأ آنها تاحدی مشکوک است ولی بنظر میرسد از نژاد کردها که همسایه شمالی آنها هستند باشند و اگر آنها را با کردها اشتباه کنید عصبانی میشوند<sup>۱</sup> اغلب نویسندگان معتقدند که اینها از نژاد بومی یعنی آریائی قدیم یا ایرانی قدیم هستند که قبل از ترك و عرب و تاتار باین سرزمین آمده اند . با عربها ازدواج نمیکند و معمولاً با آنها رابطه خوبی ندارند .

۱ - در گزارش آینده انجباب یعنی مردم شناسی عراق مقایسه آماری بین لر های بشت کوه و کردهای شمال و شمال شرقی عراق داده خواهد شد .

اکثریت اهالی خوزستان شیعه هستند وعده‌ای سنی در ناحیه هندیان زندگی

میکند. مدودی مسیحی و یهودی دربندر ناصری و محمره یافت میشود . طبق روایات محلی طی ۱۵۰۰ سال گذشته سبائیان<sup>۱</sup> این ناحیه را اشغال کرده بودند. در ازمنه نسبتاً اخیر آتش پرستان و آفتاب پرستان آنها را رانده و مجبور شدند در چهار ریز که بین بندر بازرگان در ساحل چپ تیب و پشت کوه قرار دارد استقرار یابند . در اینجا نیز ایرانیان مزاحم آنها شدند و ناچار شدند بعضی به حویزه و بعضی به نواحی باطلاقی فرات در ناحیه سوق الشیوخ عراق فرار کنند . ایرانیان سعی کردند همه آثار مذهب سبائیان را از بین ببرند و بهمین جهت کتب مقدس آنان را در چهار ریز آتش زدند . در حدود پانصد سال بعد معلوم شد یکی از این کتباها ازین نرفته بوده و همه کتب فعلی سبائیان از این يك سند باقیمانده اخذ شده است .

زبان قسمت شمال این استان از لهجه‌های مختلف عربی و لری تشکیل میشود وعلاوه بر آن لهجه مخصوص دزفولی و شوشتری وجو دارد . در قسمت جنوب، عربی که کلمات فارسی در آن زیاد بکار برده میشود بکار میرود . خارج از سرزمین قبائل لر و شهر دزفول و شوشتر عربی و فارسی در تمام استان مفهوم است . ویلسون می نویسد که قبائل مختلف از عربستان و عراق و لرستان در جستجوی زمین برای زراعت و مرتع برای گله به خوزستان مهاجرت کردند .

### قبائل خوزستان

#### نقل از سر آرنولد ویلسون

عمله - در اصل یکی از قبائل لر پشت کوه بودند که در حدود صد سال قبل از دست والی فرار کرده و در شوش سکونت اختیار کردند و بکشت و زرع گندم وجو و برنج مشغولند . تعداد آنها ۸۰۰ خانوار است .  
عناقجه - عناقجه که گاهی بیت زندی خوانده میشوند یکی از قبائل عرب

---

۱- سبائیان یکی از اقوام باستانی هستند که قبل از هیماریت ها Himyarites در عربستان جنوبی که پایتخت آن سبا بود سلطنتی داشتند و در حدود اواسط هزاره اول قبل از میلاد باوج قدرت خود رسیدند . برای شرح مفصل راجع به تشکیلات اجتماعی و آداب و رسوم و روایات آنها مراجعه شود به نوشته خانم درور - Mrs. Drower تحت عنوان «هندا ئیهای عراق و ایران» .

منسوب به الکثیر بودند که زمانی درخوزستان جنوبی اهمیت فراوان داشتند ولی اخیراً تعداد نقصان یافته و با آنها بیت سعد الکثیر مربوط میباشند. تعداد آنها ۶۰ خانوار و در ساحل راست کارون بین بند قیرو وائیس سکونت داشتند و عده ای دردمیان آب « پراکنده بودند. حالت نیمه بادیه نشین داشتند و به نگاهداری اسب و شتر و الاغ و گوسفند اشتغال داشته و بزراعت گندم و جو نیز میپرداختند.

این قبیله دارای شعب زیر میباشد. تعداد خانوار در پراکنش داده شده است: بیت علوان (۳۰)؛ برپوطی (۳۰)؛ برکن یابیت دیوان (۲۰)؛ ديلم (۱۰۰)؛ دققله که بعداً قبیله جداگانه شدند؛ دلقیه (۸۰) که دراصل از قبیله حماد بودند؛ حماد یا بیت طرفه (۶۰)؛ جراه (۶۰)؛ بیت خشکوری (۵۰)؛ میاح (۴۰)؛ هوامنه (۳۰) که مالک گوسفند و گاو و گاو میش هستند و دراصل از نائیس ناحیه حویزه هستند؛ و نائیس.

بالاقریه - قبائل لر که در فصل زمستان برای استفاده از مراتع در دشتهای شمال خوزستان چادر میزنند همه از این اتحادیه قبائل هستند که از لحاظ تعداد (ده هزار خانوار) قویترین چهار گروه قبائل عمده لر میباشند.

این اتحادیه متشکل است از ۵ هزار خانوار قبیله بیرانوند که زمستان را در پل تنگ بسر میبرند و هزار خانوار دیرکوند که زمستان در شمال غربی دزفول زندگی میکنند و برای پرورش قاطر شهرت دارند و ۸۰۰ خانوار پاپی در شمال دزفول و سه هزار خانوار سگوند که بعضی از آنها در ناحیه شوش استقرار دارند. در حقیقت سگوندها قبیله جداگانه هستند که با قبائل لر منسوب میباشند. این قبائل شعب مختلف دارند که عبارتند از بهاروند، کردعلیوند، مرادعلیوند، میرها، وقلایوند که در شمال و مغرب دزفول بسر میبرند.

باویه - این قبیله که زمانی قوی بود (۲۳۲۰ خانوار) و در جنوب خوزستان استقرار دارد ادعا میکند که اولاد محلحل قهرمان عرب میباشد و نسب خود را عالیتراز چاب میدانند. این قبیله که هم بادیه نشین و هم دره نشین است بزراعت گندم و جو اشتغال دارند و گوسفند و بز و شتر و الاغ و گاو خود را بین رود جراحی و کارون در اراضی شمال مرید چرامیدهند. محل تلاقی هدام و آب گرگر مرز شمالی این ناحیه است.

شعب این قبیله با ذکر تعداد خانوار از قرار زیر است: البوکردان (۳۰۰)

که در اصل بختیاری بودند؛ آمور (۲۰۰)؛ البواطوی (۲۰۰)؛ ال بوبلید (۲۰۰)؛  
 بوریه یا ال بوبری (۱۰۰)؛ فراتسه (۴۰)؛ هواشیم (۲۰)؛ جامه (۳۰)؛  
 الجابره (۱۵۰) که ایرانی هستند؛ بنی خالد (۸۰)؛ معاویه (۱۵۰)؛ بیت نصیر  
 (۵۰)؛ بیت نواصر (۵۰۰). بیت نواصر بشعب زیر تقسیم میشوند: عجاجة،  
 اوده، بیت حنظل، آل بو حسین، ال بومصبی، غزایه، ال بورومی، شعایمه.  
 شعب اضافی دیگر عبارتند از: بیت رحمان (۱۰۰)، بیت سونهیر (۱۰۰)  
 و بیت زهرا.

چب الگبان- این قبیله بزرگ که زمانی قوی بود در اواخر قرن شانزدهم  
 یا اوائل قرن هفدهم بجنوب خوزستان مهاجرت کردند. در موقع ورود آنها بین  
 ایران و عثمانی در باره خوزستان اختلاف نظر وجود داشت و این قبیله قبلاً از  
 رعایای دولت عثمانی بودند. وقتی بسمت مشرق بسط پیدا کردند خود را مجبور  
 دیدند بشاه ایران خراج بدهند. در طی دو قرن افراد قبائل چب بدزدی دریائی  
 اشتغال داشتند و چندین بار کمپانی هند شرقی بعملیات نیروی دریائی برضد آنها  
 اقدام کرد ولی بسرکوبی آنها توفیق نیافت. در اوائل قرن نوزدهم قبیله محیسن  
 بر قابت با قبیله چب ظاهر شد و تصمیم گرفت خود را از یوغ اطاعت چب خلاص  
 کند ولی فقط در ۱۸۹۸ بود که شیخ نشین چب بالاخره از بین رفت و محیسن ها  
 موفق شدند متصرفات آنها را از کارون تا هند بان ضبط نمایند.

افراد قبائل چب بطور قطع اسکان نیافته و ضمناً بادیه نشین کامل هم  
 نبودند. هر جا مالک زمین زراعتی بودند گندم و جو و برنج میکاشتند و نیز گاو میش  
 و گاو و گوسفند والاغ نگاه میداشتند. در امتداد سواحل کانال ها نخلستانهای  
 متعدد داشتند و در نواحی مرداب با قایق ماهیگیری میکردند.

این قبیله بسه گروه عمده تقسیم میشد: دریس یا عساکره (۱۶۴۰ خانوار)،  
 ال بوقبیش (۱۷۲۰ خانوار) و خنافره (۲۴۹۰ خانوار) و شعب فرعی این قبائل  
 بقرار زیر است:

دریس یا عا کره	خانوار	آل بوقبیش	خانوار	خنافره	خانوار
آل بو عبادی	۸۰	آل بولعد	۱۰	اکریس	۶۰
بیت افصیل	۳۰	العامره	۴۰	عامره	۱۰۰
آل بوعلی	۱۰۰	بیت عقار	۰۰۰	آل بو عشیره	۷۰
عتقیه	۵۰	آل بو بدر	۶۰	درداشه	۵۰
بیت عزیز	۵۰	بندریه	۳۰	دواریشه	۱۵۰
آل بو بنیدر	۱۰۰	دیالم یا خویصف	۵۰	بیت دوپ	۵۰
آل بودهاله	۱۰۰	بیت فرهود	۱۵۰	آل بو غنام	۸۰
آل بودالی	۱۰۰	حیاش	۷۰	آل بو حمدی	۵۰
بیت قضبان	۱۰۰	هالیل	۱۰۰	حزبه	۵۰۰
آل بوحمادی	۳۰	بیت اثامنه	۵۰	آل بو کریم	۵۰
آل بوحمود	۸۰	آل بو جبار	۱۰۰	کوامیل	۱۰۰
آل بو حردان	۱۰۰	جویرین	۳۰	آل بو خزایر	۱۰۰
آل بو مسعود	۵۰	بیت خواطر	۱۵۰	آل بو حنفر	۱۵۰
آل بو مسید	۵۰	آل بو معیری	۵۰	مکاسبه	۱۰۰
متارده	۵۰	بیت محیدی	۳۰	مقدم	۵۰۰
آل بو نعیم	۵۰	مقاطف	۶۰	ریبجه	۵۰
بیت رها یا المطرود	۳۰	آل بو نسا	۸۰	شواردیه	۵۰
بنی رشید	۱۰۰	القوام	۴۰	سوالیم	۲۰۰
صلایه	۵۰	بنی رشید	۵۰	ثور	۵۰
آل بو شرهان	۳۰	بیت رجب	۲۰	آل بو زمبر	۳۰
آل بو شلاقه	۵۰	بنی صالح	۱۰		
آل بوسویه	۵۰	آل بو شمال	۶۰		
شیاخنه	۳۰	شیاخنه	۳۰		
آل بو صوف	۵۰	بیت شریفه	۱۵۰		
ثوامیر	۱۰۰	بیت صویر	۴۰		
آل بو عبید	۳۰	آل بو طاهه	۴۰		
		آل بو طریچی	۳۰		
		امیدر فاجی	۱۰۰		
		ام طایر الناصری	۱۰		
		بیت زباد	۸۰		

بعلاوه شعبه‌ای مرکب از ۶۰۰ خانوار نصار که از جوده و مغالیه تشکیل میشود در جزیره آبادان سکونت داشتند و کم و بیش از چپ الگبان جدا بوده و محیسن آنها را از خود میدانستند و نیز ۴۰۰ خانوار سده و چهل خانوار بیت - خلف وجود داشتند.

بیت قضبان و آل بوحمود با بیت افصایل ارتباط دارند. فقط نیمی از شیاخته با آل بوقیشر زندگی میکنند. بندریه ها سابقاً با عامره بودند. جوارین با بیت ائامنه و نیمی از آل بوشمال با دریس منسوب بودند. حربه و مقدم گاهی قبائل جدا گانه بشمار می آمدند.

دغاغله - دغاغله سابقاً يك قبیله بادیه نشین عرب بودند که کنار کرخه در چادر زندگی میکردند و از شعب حویزه بشمار می آمدند. بهدا شعبه‌ای از عافجه محسوب میشدند تا اینکه شیخ محمره فرمان داد که افراد این قبیله در مهاجرت استحقرار یابند و ارتباط خود را با عافجه قطع نمایند. این افراد که تعداد آنها ۱۵۰ خانوار بود بکشاورزی اشتغال داشتند.

حماید - این قبیله نیمی بادیه نشین و نیمی ده نشین و با قبیله باویه منسوب و متحداند. زندگی آنها از گشت گندم و جو تأمین میشود و افراد قبیله گاوو گوسفند و شتر نیز نگاه میدارند. سابقاً در میان عافجه نزدیک ندقیه در کنار رود کارون و پانزده میل بسمت مشرق مستقر بودند. در حدود ۷۵۰ خانوار حماید که بیت - عوامیر خوانده میشدند به شعب زیر تقسیم میشوند: آل بوعلوان (۶۰)؛ عطب (۲۵۰)؛ آل بودوارج (۶۰)؛ آل بوخالد (۶۰)؛ خرامیره (۵۰)؛ آل بومحیسن (۱۰۰)؛ مراتسه (۷۰)؛ سعید (۶۰)؛ شویب (۶۰).

علاوه بر اینها ۱۵۰ خانوار از بیت مواجد در ناحیه جراحی سکونت دارند که حمائد را ترک کرده و در این نقطه بکشاورزی اشتغال دارند. در جنوب آب - دز نزدیک ابوجزیره در حدود شش خانوار حماید الطرفه زندگی میکنند.

بنی هردن - این قبیله کوچک که از ۵۰۰ خانوار متشکل است در کوت - نهراشم کنار کرخه و در لایمی کنار کارون و همچنین در نواحی داخلی از ساحل چپ گرگر در شرایف و شاخه استحقرار دارند. اگرچه تاحدی بادیه نشین هستند گندم و جو نیز میکارند. قبیله بنی هردن از شعب زیر که تعداد خانوار آنها در پراکنش داده شده متشکل است: بیت عبوده (۱۰۰)؛ آل بوحاجی (۱۰۰)؛ بنی نمه یا

شطیط (۵۰)؛ بیت شیاه (۰۰)؛ شجریه (۸۰)؛ بنی تمیم (۱۰۰).

هندیان، زیدان، بندر معشور و نواحی جراحی- باستانیای نیمی از ناحیه جراحی که قسمتی از قبیله چپ در آن زندگی میکنند این چهار ناحیه محل سکونت قسمتی از قبائل لر و ایرانی و عرب است که به علل مختلف از سرزمین خود مهاجرت و در نواحی جنوب شرقی خوزستان مستقر شدند. از آنجائی که مدتها قبل از قبائل و اتحادیه قبائل خود جدا شده و ملحق به قبائل شیخ محمره شده اند بعنوان قبائل این نواحی بحساب آمده اند. جمعیت این چهار ناحیه که تعداد آن در حدود ۴۰۰ خانوار است قسمتی ده نشین و کشاورز و قسمتی بادیه نشین میباشند. قسمت عمده افراد این قبایل در ناحیه هندیان سکونت دارند. در طی صدسال اخیر ۱۵۰ خانوار از قبیله عباد از ناحیه کوهگلو به قراپه مهاجرت کرده اند. هشتاد خانوار از قبیله اوشار که گفته میشود پس از مرگ کریم خان شیراز را ترک گفتند در چم تنگو و فیلی و سرخاره مستقر شده اند. سابقاً بای بودند ولی اکنون بدین اسلام برگشته اند. چراسی ها که ۵۰ خانوار آنها در جابر آباد زندگی می کنند گفته می شود ایرانی هستند و در اصل از ناحیه بین و شهر و بهبهان آمده اند. در حدود دویست خانوار از قبیله گشتیل که از شمال بهبهان میباشند در غازی علی، چم- تنگو و غزال شاپون و چم رحمون زندگی میکنند. گرگی ها که گفته میشود ایرانی هستند و سابقاً ۲۰۰ خانوار بودند در طی صد سال گذشته در شاه آباد هندیان و چم کنار استقرار یافته اند. حیدریها که ۳۰۰ خانوارند و اگر چه میگویند شیعه هستند ولی سنی میباشند. در ۱۸۴۵ از ناحیه روزیله بناحیه جبری مهاجرت کردند. قبیله هیئت که از ۷۰ خانوار متشکل است ایرانی هستند که همیشه در هندیان بخصوص در چم- کالک و پوز سفید سکونت داشتند. در حدود ۵۰ خانوار جعفری در تمام ناحیه پراکنده هستند که به رعیتی و بعضی بشغل حمالی در آبادان اشتغال دارند. جعفری ها سابقاً قبیله بزرگی بودند که در ۱۸۴۵ به علت خرابی محصول از کوهگلو جدا شده و استقلال خود را از دست دادند. قبیله مطور که ۱۵۰ خانوارند و در ده ملا زندگی میکنند از چپ الگبان میباشند و گفته میشود که همیشه در هندیان بودند. قبیله نظارت که معروف است باینکه در اوائل قرن هفدهم از آسیای مرکزی به بندر ریگ مهاجرت کرده و در شط بنی تمیم زندگی میکردند در حدود صد سال قبل به هندیان آمدند و در حدود ده سال قبل ۱۵۰ خانوار آنها در کوت محنا و بوزیه یافت میشدند. بموجب روایات

موطن اصلی قبیله قنواتی که قبیله عمده این ناحیه میباشد کوفه بوده است. در قرن نوزدهم قسمتی از این قبیله از بهبهان به جنوب خوزستان مهاجرت کرد و ۲۵۰ خانوار در هندیان و ۱۵۰ خانوار در بندر معشور و ۱۰۰ خانوار در ناحیه جراحی ساکن شدند. شعبانی‌ها که در حدود ۳۰۰ خانوارند ایرانی و آن قسمت از هندیان نزدیک بدریا را اشغال کرده‌اند. قبیله شریفه که قبلاً قبیله بزرگی بود و تحت حمایت چپ‌الگبان قرار داشت گفته میشود از بنی تمیم هستند و از ۵ قبیله فرعی تشکیل می‌شوند یکی از آنها رجیبه است که ۲۵۰ خانوار آنها در صویره و شیریه در هندیان زندگی میکنند.

قبایل ناحیه جراحی شامل چهار قبیله فرعی شریفه است که عبارتند از : بنی چولان در خلف‌آباد (۲۰۰ خانوار) و جباره در بنو نور (۱۰۰ خانوار) و مقاطف و موالی در دراهه هر کدام ۱۰۰ خانوار.

ناحیه زیدان شرقی‌ترین سمت چهار ناحیه مورد بحث جنوب خوزستان میباشد. در اینجا در چشمه مراد و شهر زیدان ۳۰۰ خانوار ایرانی آغاچاری که از بهبهان مهاجرت کرده‌اند زندگی میکنند. یکصد خانوار چروم در چم‌چراطه نیز از بهبهان آمده و در اصل از کوه‌گلوها بودند. لکی‌ها که ۲۰۰ خانوار و در شیریه هستند ایرانی هستند و گفته میشود در حدود سال ۱۸۰۰ از خرم‌آباد مهاجرت کرده‌اند. زمانی بنام لکی نادر شاه معروف بودند و نیز ۱۵۰ خانوار شیخ‌مامود در دارونک از کوه‌گلو هستند. شیرعلی‌ها گفته میشود بختیاری هستند که در حدود ۱۸۹۹ از بهبهان آمده‌اند و در حدود ۳۰۰ خانوار در کشیری و بوضیط و شیرآباد و گرگاری زندگی میکنند.

در ناحیه بندر معشور چنانکه گفته‌شد قسمتی از قنواتی‌ها و ۱۵۰ خانوار بندری‌ها که ممکن است سابقاً شعبه‌ای از چپ‌الگبان بودند زندگی میکنند.

الکثیر — الکثیر یکی از قبائل عمده عرب و تعداد آنها ۶۰۰ خانوار است که در ناحیه بین شطیط شعبه کارون و رود کر خه زندگی میکنند. از آنجائی که بغیر از این دورودخانه رود کر و دز و شور در سرزمین الکثیر جاری است اراضی آنها همیشه تحت کشت و زرع بوده و گاوها و گوسفند و گاو میش فراوان دارند.

این قبیله در اصل به دو گروه بیت‌سعد و بیت کریم تقسیم میشد که اغلب هر کدام را قبیله جداگانه محسوب میداشتند. این قبائل بعدها بنام شعب و شعب فرعی خود



خوانده شدند. تعداد خانوار هریک از آنها در پراقتز داده میشود. آن شعبی که سابقاً قسمتی از بیت سعد بودند عبارتند از: آواره (۱۰۰)؛ چب السطاطله (۵۰۰) که در اصل از بنی لام بوده و به بیت فرج الله و بیت کرم الله تقسیم میشدند؛ الحیه (۱۰۰) که آنها هم از بنی لام بودند و بعدها از بیت عمیر پیروی کردند. میزراه در شعبیه (۲۰۰)؛ و در طریفی (۳۰۰)؛ المساحنه (۱۰۰)؛ نائیس (۱۰۰)؛ بیت عمیر (۶۰۰) از نژاد بنی لام. شعبه بیت کریم متشکل است از: شعاب دویی (۸۰۰) از نژاد بنی لام؛ دیلم (۶۰۰)، الحزمه (۲۰۰)؛ زغیب (۳۰۰). بعلاوه ۴۰۰ خانوار از قبیله دباط که از چب السطاطله پیروی میکنند و ۳۰۰ خانوار آل بو حمدان که از نژاد بنی لام و زمانی قسمتی از شعاب دویی بودند وجود دارند.

الخیمس - الخیمس یعنی اولاد پنج نفر از قبائل عرب است که اهمیت زیادی ندارند و در ناحیه راموز و فلاحیه زندگی میکنند. در حدود سال ۱۸۴۰ افراد این قبیله بین حویزه و کارون مهاجرت کردند ولی بعداً بمحل اولیه خود مراجعت نمودند. این قبیله که هم بادیه نشین و هم کشاورز میباشند بشعب زیر تقسیم میشوند: آل ابو عباد (۲۰)، احمدیه (۵۰)، جنام (۲۰۰)، منصور (۱۰۰)، محسن (۵۰)، بنی رشید (۲۰۰)، رضایح السفیح (۵۰)، رضایح السلطان (۵۰)، سورقی (۲۰)، زبیدی (۴۰)، ظهاریه (۵۰).

بنی لام - بنی لام که قبیله بزرگ و قوی هستند در اماره لوا عراق بیشتر معر وفند. این قبیله ادعا میکند که با بنی طرف ارتباط و خویشاوندی نزدیک دارد و هر دو قبیله نسب خود را از حاتم طائی حجاز که برای مهمانوازی خود شهره آفاق بود میدانند و شجره خود را بدین طریق تصور میکنند.

حاتم

نوار

طرف

لام

علاوه بر شعبی که در صفحه بعد ذکر شده تعداد زیادی از قبایل بعدی خوزستان از نژاد بنی لام میباشند از جمله چب الدویی، چب السطاطله و شعب دیگر الكثير و

مراونه والروین و قبایل کوچک دیگر که در ظاهر ارتباطی با بنی لام ندارند. ازین شعبی که در فهرست قبایل بنی لام ذکر شده اکثر بتدریج از آن جدا شده و قبائل مستقل محسوب میشوند. فقط قبیله چنانه و خصرج را بطه نزدیک با بنی لام را حفظ کرده اند. ۵۷۰۰ خانوار بنی لام ده نشین و نیمه بادیه نشین هستند و اکثر در امتداد

رود کرخه زندگی میکنند و بشعب زیر تقسیم میشوند: (۱) بین کرخه و کارون ۱۵۰ خانوار آل بجی استقرار یافته و بکشاورزی مشغولند. (۲) چنانه که از ۱۷۵۰ چادر افراد بادیه نشین در دویرج، کرخه و هویزه متشکل میباشند و در تابستان معمولاً بناحیه اماره میروند. چنانه دارای دو شعبه فرعی است که عبارتند از: الدورید (۷۸۰ خانوار) از نژاد بنی ربیع که در ازمنه قدیم بعنوان یکی از قبائل ساکن رود دجله به بنی لام ملحق شدند و السنوات (۹۷۰ خانوار). (۳) الدوحیمی که یک گروه غیر مهم متشکل از ۴۰۰ خانوارند که در اصل از زیبد آمده و در امتداد کرخه استقرار یافته اند. (۴) عبدالخان (۱۳۰۰ خانوار) در سرزمین بین رود شور و کرخه در خیر آباد زراعت میکنند. از آنجائیکه این قبیله مدتهای مدید در ایران بوده قبیله مستقل جدا گانه محسوب میشود. (۵) خصرج که تقریباً ۱۲۵۰ خانوارند و در امتداد کرخه سکنی دارند و گاهی در تابستان به اماره میروند. اینهایکی از شعب نیمه بادیه نشین قبیله بنی خصرج هستند که از بنی ربیع به بنی لام آمدند. بیش از هشتاد سال قبل بنی لام عراق را ترک کردند و از آن تاریخ بحد معمولاً با چنانه حرکت میکنند اگر چه بناحیه اماره نمیروند. (۶) سرخه نیمه بادیه نشین هستند و نیمی از آنان در عراق زندگی میکنند و نیمه دیگر (۸۵۰ خانوار) با چنانه در امتداد کرخه سکنی دارند. این قسمت بشعب فرعی زیر تقسیم میشود: گمان (۲۰۰)؛ آل حمید (۱۰۰) که اخیراً عراق را ترک کرده اند؛ رواشید (۳۰۰) که اغلب در عراق هستند؛ شهاب (۱۰۰) و شوی شاه (۱۵۰).

چندین شعبه عمده بنی لام بشعبات و گروههای فرعی تقسیم میشوند. صورت زیر شعب مختلف چنانه و عبدالخان و خصرج را نشان میدهد.

## عبدالخان

بیت	خانوار	بیت	خانوار
نصایری	۱۰۰	عیقان	
الشوای	۳۰۰	بنادل	
بنی عقبه	۳۰۰	چاف	
		درویش	
		جادر	
		مائیه	

## خصرج

آل بولتلیف	خانوار	بیت	آل طرفی
..	۱۳۰	آل عبدالله	۱۰۰
ادهب	۷۰	علاگونه	۰۰۰
عمار	۳۰۰	آل بو عید	۱۰۰
سقور	۵۰	جناده	۲۰۰
عثوق	۱۰۰		
آل بوویس			

## چنانچه

آل دوریت	خانوار	بیت	آل صناون
بیت	۱۰۰	درویش	۳۰
عمه نان	۸۰	حجاج	۲۵۰
عطایوی	۱۵۰	لقویمت	۲۰۰
بریسام	۱۰۰	بیت نصاری یا اسد	۳۰
شلهان	۲۰۰	بیت سه	۳۰
طلا بیت	۱۵۰	بیت شیب السلیم	۵۰
ذرایت		بیت شایه	۱۰۰
		شمار	۱۵۰
		صناید	۸۰
		ذیل یا ذومد	۵۰

مراونه- مراونه درکنار رودکارون در شمال غربی و یس بزراعت گندم و نگاهداری حشم اشتغال داشتند و ادعا میکردند که از اولاد بنی لام در ناحیه عماره میباشند .

محسین- محسین که از قبائل اسکان یافته جنوب خوزستانند در ساحل شط العرب قسمتی درخاک ایران و بعضی درخاک عراق سکونت دارند و از نخلستان و محصول خرما زندگی میکنند .

گفته میشود که این قبیله از اولاد محسین و پسرش قصب میباشند. روایت بر این است که این افراد بیکی از قبایل ناحیه محمره تعلق داشتند که در اثر تجاوز چپ مجبور به مهاجرت شدند . تحت رهبری محسین و قصب این افراد در امتداد رود دجله سکونت و نام الحسین پاشا اختیار کردند . قصب و محسین با بعضی از پیروان خود در ناحیه محمره جدید از قبیلۀ چپ زمین خریداری کردند و بالاخره به محل صلی قبیله مراجعت نمودند و ریاست قبیله که تأسیس کردند در فامیل قصب باقی ماند . در نتیجۀ ۹۰۰ خانوار در ساحل راست رودکارون از قاجاریه تا محمره در دو سمت شط العرب بین بصره و فائو و در جزیره آبادان مستقر گردیدند .

این قبیله بشعب متعدد تقسیم گردید که نام آنها از این قرار است . تعداد خانوار هر شعبه در پراکنش ذکر گردیده است : عیدان (۴۰۰) که یک سوم آنها در عراق زندگی میکنند ؛ اهل العرایض (۴۰۰) ؛ آل عتب (۴۰۰) ؛ بقلانیه (۳۰۰) ؛ بیت چنان (۳۰۰) ؛ بخاخ (۲۰۰) ؛ دریس (۳۰۰) ؛ آل بوفر حان (۴۰۰) ؛ بیت غنیم (۴۰۰) ؛ که شامل شاخه های فرعی آل بو خطیر و آل بو غنام و آل بو عیسی و میر ازیه و دوالم و آل بوسودی میباشد ؛ هلال (۳۰۰) که طبق روایات محلی از مستط آمدند و در آنجا بنام میرایزق نام داشتند ؛ آل بو معاریف (۲۰۰) ؛ میخصیه (۱۰۰) ؛ مطور (۴۰۰) ؛ آل قوطا قته (۲۰۰) ؛ نصار (۶۰۰) که در اصل چپال گبان بوده و از شاخه های فرعی جوده و مقالیه تشکیل یافتند ، ثوامیر (۲۰۰) ؛ زویدت (۲۰۰) .  
الرویان- این قبیله کوچکی است مرکب از ۱۰۰ خانوار در قریه که خود را از نسل بنی لام میدانستند . اگر چه افراد این قبیله معمولاً ده نشین بودند در موقع کمی محصول بسرزمین حاصلخیز تر نقل مکان می کردند .

سدوند- شعبه لره های سگوند خوزستان که به رحیم خانی معروفند از ۴۰۰ خانوار شعبه ترکیب یافته و در فصل زمستان در دآعچی در جنوب دز قتل سکونت داشتند

و تابستان در کوهستان خرم آباد بسر میبردند. علاوه بر این شعبه سگوندها شامل ۱۵۰۰ خانوار عزیز الله در پشت کوه و ۲۰۰۰ خانوار علی خانی در لرستان میباشند. هیچک از دو قبیله اخیر بخوزستان نیامد.

سلامت - ۲۰۰ خانوار قبیله سلامت در مرکز خوزستان مشرق آب گرگر بین حدام و آب گونجی استقرار داشتند و به کشت محصول و پرورش شتر و الاغ و اسب و گوسفند و گاو و گاو میش اشتغال داشتند. این قبیله به شعبه تقسیم میشدند که عبارتند از حمید السلیم، مسخ و آل بویس.

بنی صالح - در ناحیه شمال شویب و بین این شهر و حویزه در مغرب خوزستان ۲۱۰۰ کلبه قبیله ده نشین بنی صالح وجود داشت و از تعداد زیادی شعب اصلی و فرعی ترکیب می یافت که نام آنها با تعداد خانوار ذیلا داده میشود: آل بو اذهر (۴۰۰)؛ بیراهنه (۱۰۰)؛ آل بو غنیمه (۱۵۰)؛ مناصیر (۱۵۰) و آل بوسوت که همه به کشت گندم و جو اشتغال داشتند و حلف (۸۰۰) که قسمت عمده آنها در ناحیه باطلاتی زندگی میکردند و به شعب زیر تقسیم میشدند: آل بو عبید، برایچا، آل بو قره، حیادیر، بنی سکاین، سودان و حمودی (۴۰۰) که ده نشین نبودند و به شعب هویشم و زهاریه تقسیم میشدند.

شرافه - شرافه قبیله ای بود مرکب از ۹۰۰ خانوار که در ناحیه حویزه نزدیک شویب سکونت داشتند و گندم و جو و کمی برنج میکاشتند و گوسفند و گاو و الاغ و شتر نگاه میداشتند. دو شعبه عمده آنها عبارت بود از بیت رزیج و بیت شهاب که هر کدام ۴۵۰ خانوار بودند. بیت رزیج تقسیم میشد به بیت حبیشیه و بیت زهاریه. بیت شهاب تقسیم میشد به بتولیه، بنی نعمه، بیت شمس، بیت شمو خلیه.

بنی تمیم (بنی ملک) - بطور کلی قبیله بنی تمیم (۲۲۵۰ خانوار) بادیه نشین و بین حویزه و اهواز در حرکت بودند و ناحیه آنها در سمت جنوب کنار رود کارون تا قاجاریه امتداد می یافت. عده ای در سواحل کارون سکنی گزیدند و گندم و جو میکاشتند علاوه مالک گوسفند و گاو و اسب و شتر و الاغ نیز بودند. شعب مختلف قبیله با تعداد خانوار آنها از این قرار است: ابودا (۱۰۰)؛ عیدان (۱۵۰)؛ عیشام (۲۰۰)؛ عوانیت (۱۰۰)؛ بسراجیه (۵۰)؛ غزیوی (۱۵۰)؛ غزالی (۱۰۰)؛ حمودی (۲۰۰)؛ هواشیم (۲۰۰)؛ بیت حسین فیض (۵۰)؛ مقاسیس (۱۰۰)؛ آل ثیتی (۱۵۰)؛ آل صغر، بنی سکاین (۲۵۰)؛ شاهمن (۱۰۰)؛ شریفه (۲۰۰)؛

وسلیمان (۱۰۰) .

بنی طرف - افراد قبائل بنی طرف در ناحیه حویزه در پنج جنوبی رود کرخه نزدیک بیساتین درمرز غربی و خفاجیه مالک ۸۰۰۰ خانه یا کلبه بودند واز دو شعبه عمده تشکیل می یافتند یکی بیت سعید (۶۲۵ خانوار) و دیگری بیت سیاح (۳۳۷۵ خانوار) و گاو میش و گاو و تعدادی گوسفند نگاه میداشتند . برنج و قدری گندم و جو بعمل می آوردند .

شعب مختلف دو شاخه عمده ازقرار زیر است :

بیت سعید		بیت سیاح	
شعبه	خانوار	شعبه	خانوار
بیت عباس	۶۰۰	بیت العباس	۵۰
بیت شیخ احمد	۲۵	آل بو عبد نبی	۵۰
بین علویه	۲۵	بیت ابوالسعید	۲۰۰
عطشناه	۲۰	آل بو عفری	۱۰۰
عبید	۳۰۰	بیت اخواین	۲۵
آل بو عبید	۲۰۰	بیت عثایب	۵۰
سوق البسیتین	۲۰۰	بیت سمید بدر	۱۰۰
بیت دغیر	۲۵	باویه	۱۰۰
آل غره	۱۰۰	علی بلول	۵۰
آل غوا بیش	۲۰۰	آل بو چلنده	۱۰۰
حلف	۵۰	قرا یصت	۳۰۰
بیت حمدی	۱۰۰	آل بو فندی	۲۵
بیت حرب	۲۵	بیت حمدی	۱۵۰
آل بو حردان	۱۵۰	آل هواس	۲۵۰
آل بو حریز	۱۵۰	حیادیر	۱۵۰
بیت جده	۱۰۰	اهل العراق	۱۰۰
سوق الخفاجیه	۱۵۰	آل بو جلال	۳۰۰
منا بیح	۱۵۰	بیت منایشید	۱۰
بیت مزراء	۲۵	آل بو متینم	۱۰

### ۲۳- مردم شناسی ایران

۱۰۰	بیت محاو	۲۵	بیت سید مهدی
۱۰۰	آل بونا حی	۳۰۰	مهرمه
۵۰	اهل النقره	۲۰	نوحیره
۵۰	بیت حاحی سلیم	۱۰۰	قروشات
۲۵	بیت صندل	۱۵۰	آل سعدون
۵۰	بیت شاهینه	۵۰	بیت صفی
۱۵۰	اهل الشاخه	۱۵۰	بیت سحر
۱۰۰	بیت سلطان	۵۰	بیت شخالی
۱۰۰	سوید السلطان	۲۵	بیت شیب
۲۵۰	سوید	۱۰۰	بیت سدا
۱۰۰	بیت سید علی طلقانی	۵۰	سوالی
سواری			
		۳۰۰	بیت نصار
		۵۰۰	بیت عواجه
		۵۰	طوایره
		۱۰۰	بیت وشاش
		۵۰	زه دیت

ضرغان - این قبیله (۴۰۰ خانوار) که نیمه بادیه نشین و روستائی بودند از دوشعبه تشکیل یافتند . یکی قبایل آل بو فضل و بیت محارب و بیت ثبتی و زهاریه که از ۳۰۰ خانوار تشکیل یافته و در ساحل چپ رود کارون در سه میلی شمال اهواز سکونت داشتند و دیگری ۱۰۰ خانوار معمه و بیت سمک در ناحیه جراحی در جنوب شرقی چم الصبی زندگی میکردند .

### بختیاری گرمسیر<sup>۱</sup>

۱ - همچنین مراجعه شود به نوشته بیشاپ Bishop و دوبد Bode و کرزن (۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۸۳ - ۳۰۳) و هریسون و فالکون (۱۹۳۲) بخصوص نقشه مقابل صفحه ۲۷۲) و لایارد (۱۸۸۷) و ویلسون (۱۹۲۶) . مقایسه شود با ضمیمه E .

مغرب اصفهان زندگی میکنند. قل از تقسیم‌بندی استانهای ایران در ۱۹۳۸ ناحیه بختیاری در قسمت غربی ایالت اصفهان و قسمتی در شمال شرقی خوزستان قرار داشت. بموجب يك روايت قبیله بختیاری در اصل از سوریه آمده‌اند. باید بخاطر داشت که قبائل دروز سوریه و بختیارها هر دو از طبقه سرپهن هستند.

درباره این گروه مهم تاکنون ارقام اندازه‌گیری قسمتهای مختلف بدن بقدر کافی گرفته و ثبت نشده است.<sup>۱</sup> شرح‌زیر درباره گرمسیر که در حدود بیست و پنج سال قبل توسط سر آرنولد ویلسون نوشته شده است با اجازه وی در اینجا نقل میشود.

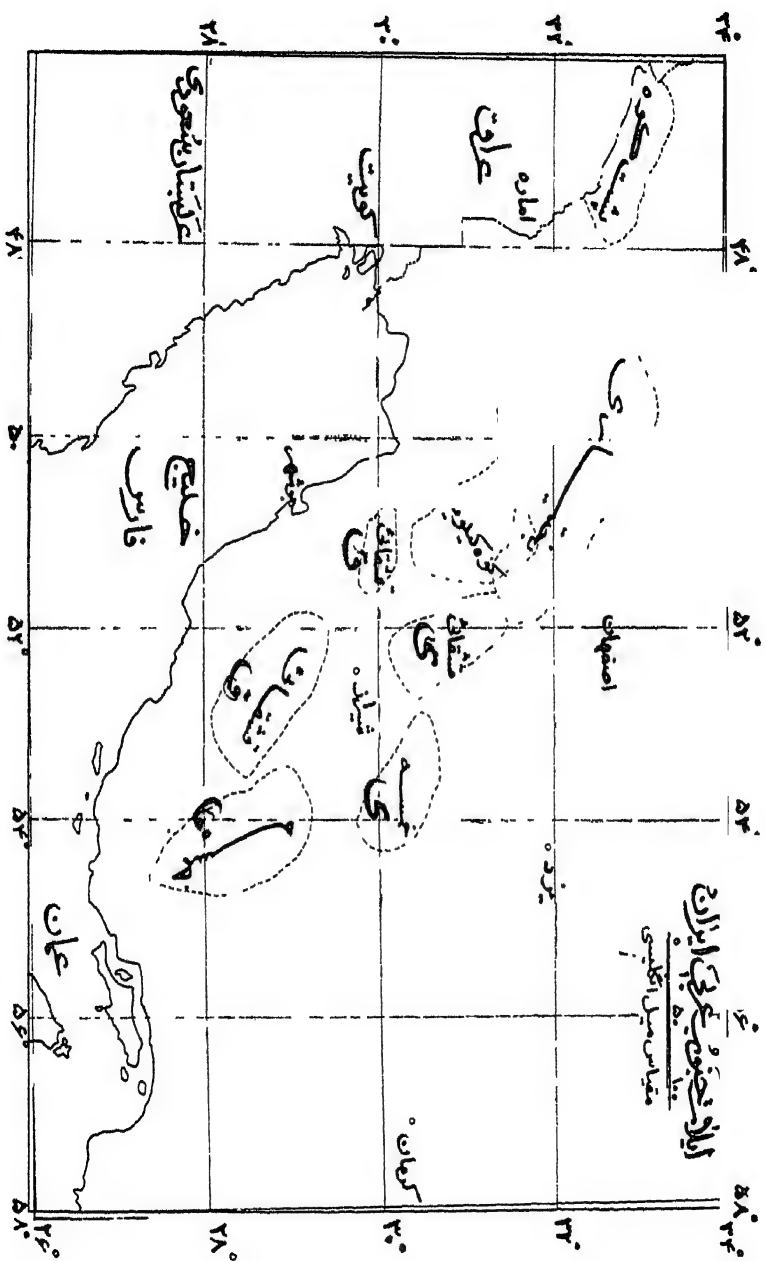
گرمسیر بختیاری شامل ناحیه ای است در حدود ۲۰۰۰ میل مربع در جنوب رود کارون. این ناحیه محدود است از سمت شمال و مغرب و شمال شرقی به رود کارون و از سمت جنوب شرقی بکوهستان منگشت و از سمت جنوب به مرز کوهگلو.

این ناحیه کوهستانی و دارای تپه و در سمت مشرق دارای دره‌های باریک حاصلخیز است و در اینجا برف کوهستان رودخانه‌ها را پر آب میکند. از نظر جغرافیای کوهستان برجسته‌ترین خصایص این منطقه وجود نواحی بزرگ گچ است که در اثر فرسودگی و تغییرات جوی يك سلسله تپه‌های کوتاه نامنظم تشکیل داده است. این تپه‌ها درخت ندارند ولی علف روی آنها سبز میشود. اغلب آنها غیر قابل سکونت است زیرا آب که از آنها جاری میشود معمولاً تلخ است و با مواد معدنی و نمک مخلوط است. این خاصیت در اغلب رودهای این ناحیه که به کارون میریزند وجود دارد ولی در آب شعب رود را مزیاورد زرد مشهود نیست.

منتهی الیه غربی کوهستان منگشت که در گوشه شرقی این ناحیه واقع است تا اواخر اردیبهشت پوشیده از برف است این ناحیه ییلاق بعضی خانوارهای قبیله بهمائی و چهارلنگ است. کوه اسماری از نظر موقعیت برجسته‌ای که دارد

۱- مراجعه شود به منابع فصل پنجم و یادداشت‌های ذیل صفحات آن از خلاصه ۴ بعد. بعضی نویسندگان بختیارها را با لرها باهم مورد مطالعه قرار داده‌اند. اگرچه من موفق نشده‌ام مطالب مربوط باندازه‌گیری قسمتهای مختلف بدن را در مورد بختیارها پیدا کنم شواهد و مدارك حاکم از آنستکه آنها متعلق بگروه سرپهن میباشند که بالرها کاملاً فرق دارند. (ص ۳۶۷ - ۳۸۲).





شایان توجه است زیرا در میان تپه‌های گچ که ارتفاع آنها بیش از ۲۵۰۰ پا نیست به بلندی ۵۰۰ پامیرسد. بعلاوه برخلاف نواحی مجاور که از سنگ‌رستی قرمز تشکیل یافته از سنگ آهک Nummulitic متشکل است.

شط ملامیر در وسط دشتی بهمین نام يك قطعه آب نمك كم عمق باطلاقی است. در فصل زمستان ناحیه‌ای در حدود ۱۲ میل مربع را اشغال میکند و تعداد زیادی پرندگان آبی جلب مینماید.

ناحیه کوهپایه که گرمسیر بختیاری نامیده میشود از بسیاری جهات شبیه بقیه ناحیه کوهستانی مرز دشت عراق است و شامل يك سلسله پشته تقریباً موازی که در جهت شمال غربی و جنوب شرقی قرار دارد و هرچه بکوهستان زاگرس نزدیک میشود بتدریج ارتفاع آن زیادت‌تر میگردد. در این منطقه صخره‌وسنگ و گردیزی وجود ندارد. ته‌نشین سومین دوره طبقات الارضی و گچ و آثار دوره Nummulitic و دوره بعداز آن به ترتیب از شمال بجنوب این ناحیه را تشکیل داده‌است. طبقه عمده این ناحیه گچ خیز است واز فاصله خیلی دور بوسیله رنگ خاکستری و انحنای نامنظم توده تپه‌های سنگ گچ تشخیص داده میشود. این ناحیه از نزدیک شوشتر تا آن سمت رامهرمز بصورت يك کمربند ادامه دارد و در بعضی نقاط از سنگ رست و خاک قرمز رنگ پوشیده شده است.

مهمترین کتاب درباره حیوانشناسی و جانورشناسی ایران نوشته بلانفورد W.T. Blanford است که در کتاب ایران شرقی تألیف گلدسمید Goldsmid جلد دوم چاپ ۱۸۷۶ چاپ شده است ولی باید ب خاطر داشت که بعد از چاپ آن کتاب اطلاعات زیادت‌ری کشف و به رشته تحریر درآمده است.

بطور کلی میتوان گفت که گرمسیر بختیاری از نظر حیوانشناسی وزمین‌شناسی در منطقه کوهستان زاگرس قرار دارد و برخلاف آنچه در نقشه حیوان‌شناسی بلانفورد نشان داده شده در منطقه بین‌النهرین ایران نیست.

وقتی دشت رسوبی خوزستان را ترك کرده وارد ناحیه تپه‌های کوتاه نزدیک شوشتر و رامهرمز شویم انواع مخصوص دشت دیده نشده و جانوران و حیوانات کوهستانی جای آنها را میگیرد. خرس خاکستری ایران Ursus Syriacus گاهی در تپه‌های کوتاه ناحیه پیدا میشود. در سال ۱۹۰۷ در ممتین يك نوع عالی پلنگه Falx pardus با تیر زده شد. در تپه‌های جنوب رود کارون بزکوهی acgagrus

Capra فراوان است. حیوانات جالب توجه دیگر این ناحیه<sup>۱</sup> عبارتند از جوجه تینی و آهو (فقط نزدیک دشت خوزستان) و گراز و *urial*.<sup>۲</sup> گراز وحشی را برای ورزش‌شکار میکنند ولی ایلات از روده آن دارویی بدست می‌آورند که در بعضی معالجات بکار می‌رود. مسترووسنام *Woodsnam* غصو موزه بریتانیا در ۱۹۰۵ در شوش‌گربه وحشی موسوم به سیاه‌گوش و در را مهرمزیک گورکن بدست آورد. در این ناحیه روباه پیدا میشود که *Vulpes Persica* خوانده میشود و بلا نفورد این نوع روباه را که در تپه‌های نزدیک شیراز (ارتفاع ۶۰۰۰ پا) بدست آمده شرح داده است. تا این اواخر در باطلاقیهای نزدیک رودخانه در شیر وجود داشته ولی احتمال نمیرود دیگر باقی مانده باشند. در واقع تا آنجا که معلوم است از زمان لایارد بعد شیر در این ناحیه دیده نشده است و در آن موقع در را- مهرمز و قلعه تول دیده شده بود.

حیوانات اهلی نوشخوارکننده عبارتند از گاو میش که نسبتاً زیاد است و قسمت عمده آنها در اختیار اعراب گاو میش است. این قبائل ظاهراً از خوزستان مهاجرت کرده و خود را به بختیاری متصل کرده‌اند همانطور که در فارس نیز به قبائل آن منطقه ملحق شده‌اند.

حیوانات دیگر اهلی نوشخوارکننده بختیاری عبارتند از گوسفند دنبه دار و گاو و شتریک کوهانه اسب ایرانی که در همه اردوگاههای بختیاری وجود دارد تندرو نیست ولی میتواند مسافت زیاد را با گام نسبتاً تند طی کند. این نوع اسب مانند قاطر استقامت دارد و با علوفه کم زندگی میکند. قاطر نیز فراوان و مورد توجه است و الاغ نیز بتعداد زیاد وجود دارد. شواهد حاکی از آنست که قسمت مرکزی ناحیه کوهستانی بین شوشتر و اصفهان از زمان بسیار قدیم محل زندگی قبائل بختیاری و اولاد آنها بوده است ولی برای منشأ دو شاخه

۱- برای جزئیات بیشتر درباره حیوانات ایران رجوع شود به «بررسی حیوانشناسی عراق توسط اعضای نیروی اعزامی به بین‌النهرین ۱۹۱۵-۱۹۱۹» که از طرف انجمن تاریخ طبیعی بمبی بچاپ رسیده است. بمبی ۱۹۲۳.

۲- *urial* افغانی *ovis vignei cycloceros* از ۱۲ میلی جنوب شرقی شیراز در ارتفاع ۵۰۰۰ پادیده شده است. رجوع شود به نشریه انجمن تاریخ طبیعی انگلیس جلد ۲۷ شماره ۳ ص ۴۱ و ۴۸ مورخ ۱۹۲۱.

عمده قبیله یعنی هفت لنگ و چهار لنگ نمیتوان تاریخ معین کرد.

تا ازمنه اخیر شاخه هفت لنگ بادیه نشین بودند و چهار لنگ که قبلاً بادیه نشین بودند تا حد زیادی اسکان یافته و بوسیله زراعت زندگی خود را اداره میکردند و در حقیقت همه جمعیت ثابت این ناحیه را آنها تشکیل میدادند. ولی در فصل زمستان تعداد افراد هفت لنگ که وارد این منطقه میشدند با احتمال قوی ۸ برابر افراد ثابت ناحیه بود. در اواخر بهار گروههای بادیه نشین این منطقه را ترک کرده و با ارتفاعات بلندتر برای چراگاه میرفتند (در باره شرح این مهاجرت مراجعه شود به نوشته کوپر و نوشته سکویل وست درباره سفر در کوهستان و بختیاری - دو بوشمن درباره نوع چادر آنها ص ۱۱۶-۱۰۸).

حس انفرادیت و استقلال طبع این قبائل در میان هفت لنگ بیش از چهار لنگ مشهود است. تا اواسط قرن نوزدهم تفوق و برتری این قبائل با چهار لنگ بود ولی در اثر انحطاط و سقوط خانواده محمد تقی خان این وضع تغییر کرد و قدرت بدست فامیل برجسته هفت لنگ افتاد و آنان تا چندین نسل این اقتدار را حفظ کردند. هفت لنگها تسلط شعب و شاخه های خود را استوار کردند و رقبای خود را وادار باطاعت و انقیاد نمودند. در سال ۱۹۱۲ و سالهای بعد رؤسای هفت لنگ بوسیله سه فامیل از قوم محمد تقی خان بر چهار لنگ حکومت میکردند.

یک حکایت بختیاری راجع بیک گروه قبائل بختیاری اطلاعات زیر را میدهد (کتاب لوریمر جاب ۱۹۳۰ صفحه ۳۶۴) و میگوید: «اکنون در حدود هزار خانوار از قبیله دینارونی وجود دارد ۷۰۰۰ مردم قبیله خود را علی محمدی میخوانند. در حال حاضر قشلاق آنها در سوسین و بیلاق آنها در پای توه دو و رار (پای تپه دو برادر) است»

پس از قرائت مقاله عالی هریسن (۱۹۳۲) درباره بختیاری در افغانستان پادشاهی جغرافیائی (۳۰ نوامبر ۱۹۳۱) سر آرنولد ویلسون (ص ۲۱۰) بشرح زیر اظهار نظر نمود: «در قسمت مردم شناسی تحقیقات زیاد بعمل نیامده ولی نسبتاً آشکار است که افراد قبائل بختیاری را میتوان تقریباً به دو طبقه تقسیم کرد که عبارت باشند از سردراز و سر کوتاه. گروه اولی بیشتر از مهاجرین سمت جنوب که بتدریج آمدند تشکیل میشود و گروه سر کوتاه با احتمال قوی از بومیان اصلی محل میباشد».

در ۱۹۳۴ يك مسافر ایرانی که نمیخواهد نام او برده شود به ناحیه کوهگلو مسافرت کرد و مدتی در میان قبائل لرستان و فارس زندگی نمود. وی اطلاعات زیر را بدست آورده و لطفاً برای استفاده و درج در این کتاب در اختیار نویسنده گذارده است. در کوهگلو قبائل زیر را دید: بوی احمدی، طیبی، بهمائی، دشمن زیاری. عده‌ای سید در میان این قبائل زندگی میکنند که بنام سادات باب و محمودی و اسامی دیگر خوانده میشوند. مسافر مزبور معتقد است که از لحاظ شکل سروسورت لرها و بختیارها و کوهگلوئی‌ها با سانی از یک دیگر تشخیص داده میشوند.

### اصفهان

درباره وسعت و تعداد دقیق جمعیت این استان اطلاعات تازه و اخیر در دست نیست و بهمین جهت خواننده باید به کتب تألیف کرزن و سایکس و ویلسون و دیگران درباره ایران مراجعه نماید.

در قسمت غربی و شمال غربی استان اصفهان قبائل بختیاری زندگی میکنند و عده‌ای از آنها بناحیه مجاور خوزستان بیلاق و قشلاق می‌نمایند. در شهرضا که سابقاً قمشه نامیده میشد مسافری که بشمال میرود ناحیه قشقایی را ترك کرده و وارد بختیاری میشود.

اصفهان که ۵۶۸۹ پا ارتفاع آن است در دشتی قرار دارد که در پائین بیابان و در بهار سبز و خرم است و کوههای بلند از همه طرف آنرا احاطه کرده است. (ابتهاج (ص ۳۴۰) جمعیت آنرا ۱۰۰۱۴۰ نفر تخمین میزند و مینویسد که در زمان شاه عباس صفوی (۱۵۸۷-۱۶۲۹ میلادی) يك میلیون جمعیت داشته است. بنیر از اقلیت یهودی (رجوع شود به فصل پنجم یهودیان اصفهان بیعد) عده نسبتاً زیادی ارمنی در جلغا زندگی میکنند. شهرهای نزدیک آن عبارتند از شهرضا که جمعیت آن ۱۷۲۵۱ نفر و مورچه خورت (ارتفاع ۶۲۱۰) که جمعیت آن ۲۵۰۰ نفر است.

### فارس و بنادر خلیج<sup>۱</sup>

فارس را که یکی از بزرگترین ایالات ایران بود از نظر آب و هوا و تاحدی از نظر طبیعی میتوان به سه ناحیه تقسیم کرد. اول سرد سیر یا سرحد که قسمتی از فلات مرکزی ایران است. دوم گرمسیر که ناحیه تپه‌های کوتاه است و راه عبور از دریا به فلات ایران از آن میگذرد سوم ناحیه ساحلی که عرض آن از ۱۲ میل نزدیک بندر دیلم تا متجاوز از ۳۰ میل در حوالی بوشهر و ققط يك يادو میل وحتى کمتر در طاهری تغییر میکند. سرحد که تقریباً کلیه ایالت فارس را تشکیل میدهد در شمال خطی که از میان کتل و فیروز آباد و جهرم و داراب میگذرد قرار دارد.

کوهها از سمت دریا از ناحیه شیراز تشکیل يك سلسله ارتفاعات میدهد که تقریباً به موازات ساحل هستند. در بین این ارتفاعات دره‌هایی قرار دارد که عرض آنها بین چهار تا ده میل است بطور کلی دره‌ها بسیار حاصلخیز است و چراگاه خوب میباشد حتی در گرمسیر در عمق کم آب بدست می‌آید. از شیراز بیلاا کوهستان شکل نامنظم‌تری دارد و دره‌ها معمولاً تموج بیشتر دارند ولی اغلب حاصلخیز هستند. تپه‌ها اغلب بایر میباشند. در فارس جنگلهای درخت بلوط وجود دارد ولی فقط در امتداد کمر بندباریکی بعرض ۱۵ میل نزدیک میان کتل زیاد است. در شمال شیراز جنگل زیاد نیست. کوهها بندرت بیش از ۴۰۰ پا ارتفاع دارند. از سمت دریا بسوی شمال طبقه طبقه روی هم قرار گرفته و ارتفاع آنها بتدریج زیاد میشود و ارتفاع دره‌ها به نسبت کوهها زیاد میشود.

کلمه گرمسیر در این ایالت بهمه نواحی که بین دریا و سردسیر واقع است اطلاق میشود ولی ناحیه ساحلی را میتوان بخش جداگانه محسوب داشت. گرمسیر فارس در حال حاضر جمعیت زیاد ندارد ولی خرابه‌ها و آثار قدیم شاهد بر آنست که زمانی این ناحیه جمعیت زیادی داشته‌است. دره‌ها و دشتهای پر درخت نیستند و روی تپه‌های بلند بادام وحشی فراوان است. نخل خرما در همه جا حتی در بعضی نواحی شمالی فراوان است. هر دهکده بهر کوچکی که باشد قطعه‌ای کشت زار در اطراف

۱- مطالب این فصل بر اساس گزارشهای قبل از تغییرات اخیر در بندی ایران قرار دارد و در اینجا برای مطالعه تطبیقی گنج‌انیده شده است (رجوع شود به کتاب تألیف استاین ۱۹۳۵ و کتاب لوسترانج).

خود دارد ولی فواصل بین دهکده‌های بایان است. چراگاه معمولاً خوب است ولی بعد از ماه خرداد خشک می‌شود.

قبائل بادیه نشین از ماه آبان تا اردیبهشت باین ناحیه می‌آیند و بقیه سال را در سرد سیر می‌گذرانند. ناحیه ساحلی صاف و رسوبی و شن‌زار است که بین دریا و رشته کوهستان جنوبی فارس قرار دارد. ارتفاع این ناحیه معمولاً یکسان است و در قسمتهای مختلف نخلستان دارد ولی درخت دیگر زیاد نیست. جمعیت آن نسیه<sup>۱</sup> زیاد و متجاوز از یکصد هزار نفر می‌باشد. ناحیه مسکونی از نقطه‌ای در حدود سیزده میلی شمال بندر دیلم که فاصله آن از دریا تا کوهستان ساحلی بیش از ۱۵۰ میل نیست شروع می‌شود و تا تقریباً ۱۵۰ میل بسمت جنوب به مرز جنوبی دشتی که دوباره فاصله دریا و کوهستان کم شده و بیش از چند میل نیست امتداد می‌یابد.

قسمت عمده رودخانه‌های فارس بخلیج فارس می‌ریزد. خورخلیل بندرگاه کشتی‌های بادی و حمل و نقل دریائی دهکده‌های گناوه است. رودشور که معمولاً شوریدو نامیده می‌شود رودشوری است که در چند میلی جنوب شرقی بندر ریگ بدریا می‌ریزد. در زمستان بعد از بارانهای ماه آذر آب رودشور بالا می‌آید و توام با هیله رود ناحیه بین دو رودخانه را فرا می‌گیرد.

هیله رود دهانه رودخانه ایست که از اتصال رود شاپور و دلکی که در درودیکاه در حدود سی میلی شمال دهانه هیله بهم می‌پیوندند تشکیل یافته است. رود شاپور از تپه‌های رینجون پشت تنگه چکان سرچشمه می‌گیرد. رود دلکی از دره جیره می‌گذرد و پس از گذشتن از کوهستان جمیله در چند میلی بالای پل دلکی ظاهر می‌شود.

رود چاه کوتاه از رود کوچکی که دره خوین را آبیاری می‌کند جدا می‌شود. چاه کوتاه در بعضی نقاط عمیق است ولی در طی مسیر خود تا اهرم عرض زیاد پیدا نمی‌کند.

رودمند که در قسمتهای بالا و از قره آغاچ خوانده می‌شود از کوهستان شمال خان زنیان در محلی بنام بن رود شروع می‌شود. در دشت دزگاه رود کوچک کرده به مند ملحق می‌شود و همچنین علامرو دشت و فداش که یک شعبه آن در چند میلی جنوب لار بالا می‌آید و شعبه دیگر به تنگ خور جاری می‌شود و رود شور که در ناحیه خواجه شمال فیروزآباد ظاهر می‌شود و جام وزیر که آب شیرین

دارند ولی هشت ماه در سال خشك هستند . از شرح فوق دیده میشود که رودمند و شعب آن ناحیه بزرگی را آبیاری میکند . مقدار نسبتاً قلیل آب رودمند در اثر آن است که حوزه آن بجز کوه سفیدر شامل سلسله کوههای بلند نیست . بعضی از رودخانه‌های فارس بدریا نمیرسند . مهمترین رودخانه در داخل فارس خوریا بند امیر و شعبه آن پولور است که در ناحیه چهار دانگه برمیخیزد و یک شعبه آن از تپه‌های شمال ده بید می‌آید . از ناحیه باستانی پارسارگاده میگذرد (رجوع شود به صفحه ۵۴۹-۵۵۱) . رود عمده موسوم به کمر در دره اوجان برمیخیزد و بدریاچه نیریز جاری میشود .

فارس دارای چندین دریاچه آب شور است که از مختصات ایران میباشد : دریاچه فمور در ناحیه کازرون يك ورقه باریك آب است که در جهت شمال غربی و جنوب شرقی قرار دارد و سه میل و نیم طول و نیم میل تا يك میل عرض آن است . سواحل باطلای آن برای چرا و ماهیگیری و شکار خوب است . دریاچه دشت ارژن در دشتی بهمین نام در فصل تابستان کاملاً خشك میشود و سواحل آن باطلای است . دریاچه مهارلو (ص ۵۵۳-۵۵۵) که کوچکترین سه دریاچه نمك فارس است در دشت شیراز واقع است و تپه‌های کوتاه اطراف آنرا فرا گرفته است . رود شیراز و سرستان بآن می‌ریزد . سمت شمالی آن باطلای است که تا حدود يك میل عمق کم دارد . دریاچه تشك که دومین دریاچه شور فارس است در شمال دریاچه نیریز (یا دریاچه بختگان) که بطور کلی بآن شباهت دارد قرار دارد . این دریاچه‌ها بوسیله نهر یا مجرا بهم متصل هستند . دریاچه نیریز (ص ۵۵۲-۵۵۳) که بزرگترین دریاچه‌های نمك فارس است شصت میل طول و بین سه تا پنج میل عرض آنست . چند جزیره بیشه دار در سطح آن قرار دارد . در فصل خشك تابستان آب آن کاملاً بخار میشود و میتوان از بستر آن پیاده گذشت . نمکی که در ته دریاچه باقی میماند جمع آوری میشود زیرا جنس آن عالی است و در تمام فارس طالب دارد . در حوالی دریاچه مرغان آبی مانند قو و مرغابی و اردك فراوان است .

خارک جزیره‌ای در شمال غربی بوشهر در حدود چهار میل طول و بطور متوسط دو میل عرض دارد . قسمت عمده جزیره شامل تپه‌های تقریباً بایراست که در وسط جزیره و انتهای جنبه بی آن حداکثر ارتفاع دارند و به ۲۵۰ پامیرسند . حداکثر درجه حرارت در فصل گرما بندرت به ۹۵ درجه فahrenهایت میرسد .



قریه خارک شامل متجاوز از صدخانه است که ۶۰۰ نفر عرب در آن زندگی میکنند و بزبانی مخلوط از عربی و فارسی تکلم مینمایند. هفت هشتم جمعیت سنی هستند و یگانه شغل آنها ماهیگیری است.

خارک که جزیره پست و سفید و شن زار است در دو میل و نیمی شمال جزیره خارک قرار دارد. طول آن از شمال بجنوب سه میل و عرض آن فقط نیم میل است. اگر چه ظاهرا در زمان قدیم ساکنینی داشته ولی فعلا غیر مسکونی و بایرو متروک است.

در ایالت فارس گرما و سرما بحد اشد یافت میشود. جاده اصلی به اصفهان از دشتهاییکه ۷۰۰ پا از سطح دریا ارتفاع دارد میگذرد. در زمستان این دشتهای از برف پوشیده است و درجه حرارت به ۱۵ درجه فرانهایت میرسد. ولی در تابستان درجه حرارت در سایه به ۹۰ میرسد. در اواسط آبان بارانهای سنگین شروع میشود و تا ماه خرداد به تناوب باید انتظار باران را داشت. در ارتفاع از ۵۰۰۰ پا بیابا از ماه آذر برف میآید.

در شیراز سالیانه امراض واگیردار دیفتری و آبله و حصه و آبله مرغان و سرخک متداول است ولی تلفات زیادی نمیدهد. این بیماریها معمولا در بهار و پائیز فراوان است و اسهال در وسط تابستان شدت دارد. ولی در فواصل دهساله یا بیشتر دیده میشود. امراض مسری مخصوص از قبیل تیفوس و سرخچه و مخمک و تب استخوان و تب زرد و بری بری طاعون و گزیدگی سگ ها تقریبا وجود ندارد ولی موارد سیاه زخم و کزاز و جذام بندرت دیده است. مطلب برجسته وضع بهداشتی شیراز وجود مواردی از امراض قرینه و غشاء ملتحمه و سوء هاضمه و استسقا و امراض مقاربتی است.<sup>۱</sup>

در بوشهر گرمترین ماهها شهریور و سردترین ماهها دی و بهمن است. در تابستان درجه حرارت به ۱۱۵/۵ رسیده و در ماههای شهریور و مهر درجه رطوبت بحد اکثر میرسد. ماههای بارانی عبارتند از آذر (۱۷۲ اینچ)، دی (۲۵۸ اینچ)، بهمن (۱۷۳ اینچ) و اسفند (۱۰۷۳ اینچ). در این چهار ماه هوا طوفانی و سرد و دریا منقلب است. اگر چه بندرت یخ بندان میشود ولی

۱- این مطالب مربوط بوضع بیست و پنج سال قبل است و اکنون تحت توجهات شاهنشاه شیراز یکی از سالمترین شهرهای ایران شده است.

گاهی درجه حرارت تقریباً به نقطه انجماد میرسد.

بادها عبارتند از باد شمال غربی موسوم به شمال و جنوب شرقی موسوم به کوس. شمال برای مدت ۹ ماه سال در دریا وجود دارد و در ماههای زمستان سرد و شدید است.

جدول زیر تقسیمات سابق ایالت فارس و جمعیت تقریبی شهرهای عمده

آنها نشان میدهد.

ناحیه	موقعیت	جمعیت مقیم	شهر عمده
آباد اقلید	شمال فارس	۲۵۰۰۰	آباد
آباد تشك	نزدیک دریاچه - تشك	۶۵۰۰ (لشانی و - چهارراهی)	آباد تشك
ابراج	مغرب مهین	۱۰۰۰	۰۰۰۰
افرز	جنوب غربی جهرم	۳۰۰۰ (ترك و - ایرانی)	آب گرم
علامرودشت	جنوب فارس	۴۰۰۰	علامرودشت
انگالی	شمال شرقی پوشهر	۲۷۰۰ (بهپانی - و لر و عرب)	محمودشاهی
اربعة محل	جنوب فیروزآباد	۲۰۰۰	هنگام
اردکان	شمال غربی شیراز	۵۰۰۰	اردکان
ارسنجان	شمال شرقی شیراز	۰۰۰۰	ارسنجان
اثر	اکنون جزو علا -		
	مرودشت محسوب میشود	۵۰۰۰	اثر
بیضا - دشت	شمال غربی شیراز	۹۰۰۰	۰۰۰۰
بندر دیلم	ساحل شمال غربی فارس	۱ یا ۲۰۰۰	بندر دیلم
بوانات	شمال شرقی فارس	ترکهای سماکانی	بوانات
بید شهر (یا جند -			
بید شهر)	جنوب جهرم	۰۰۰۰	بید شهر

## ۲۵۰- مردم شناسی ایران

برازجان	۶۵۰۰	شمال شرقی بوشهر	برازجان
چاه کوتاه	۱۵۰۰	مشرق بوشهر	چاه کوتاه
اسوپاس	۳۰۰۰	شمال فارس	چهار دنگه سرحدی
دالکی	۰۰۰۰	شمال شرقی بوشهر	دالکی
داراب	۱۰۰۰۰	جنوب شرقی فارس	داراب
خورمج	۲۰۰۰۰	جنوب شرقی بوشهر	دشتی
برازجان	۱۵۰۰۰	مشرق بوشهر	دشتستان
	دشتی یا شیراز		
۰۰۰۰	۵۰۰	شمال غربی فارس	دزکرد
فراش بند	۲۰۰۰	مشرق بوشهر	فراش بند
فسا	۱۳۰۰۰	شمال جهرم	فسا
فیروز آباد	۷۰۰۰	شمال غربی جهرم	فیروز آباد
گیله در	۴۵۰۰	جنوب شرقی فارس	گیله در
بندر ریگ	۱۲۰۰۰	ساحل شمال غربی - اغلب لر -	حیات داود
	بهبهانی	فارس	
اصطهبانات	۴۰۰۰	جنوب نیریز	اصطهبانات
جهرم	۷۵۰۰	جنوب مرکزی فارس	جهرم
جیره	۲۵۰۰	مشرق بوشهر	جیره
کامرچ	۱۰۰۰	شمال شرقی بوشهر	کامرچ
خانمان	۳۵۰۰	شمال شیراز	کام فیروز
....	۴۰۰۰	شمال شرقی بوشهر	کمین
کاور	۲۵۰۰	مرکز فارس - جنوب شیراز	کود (کاور)
کازرون	۲۰۰۰۰	مغرب شیراز	کازرون
خفر	۸۰۰۰	مغرب جهرم	خفر
۰۰۰۰	۴۰۰۰	مرکز فارس	خفرك
خشت	۰۰۰۰	شمال شرقی بوشهر	خشت
خنج	۵۰۰۰	جنوب شرقی فارس	خنج

## مردم ایران - ۲۵۱

خواجه	شمال فیروزآباد	۲۰۰۰	۰۰۰۰
کوه مره	جنوب شیراز	۳۰۰۰	۰۰۰۰ ترك و لر
کوروبال	شمال شرقی شیراز	۱۰۰۰۰	گوکان
لیراوی	جنوب شرقی بندرديلم	۶۰۰۰	شامل اها لی حصار
	بندرديلم؛ عرب لر و شیعه		
مهین	جنوب شرقی شیراز	۲۵۰۰	مهین
ماه ورمیلاتی	جنوب شرقی بوشهر	۱۰۰۰	۰۰۰۰
میمند	جنوب شیراز	۱۰۰۰	از قبيله میمند
	گورگی		
مرودشت	شمال شرقی شیراز	۰۰۰۰	۰۰۰۰
مشهد مرغاب	شمال شیراز	۳۵۰۰	مشهد مرغاب
مزارعه	ناحیه ساحلی و قسمتی از دشتستان در کنار رود شاپور		
	۳۰۰۰ ایرانی		مزارعه
نیدون	شمال شرقی کازرون	۰۰۰۰	نیدون
قبر و کرزین	جنوب غربی جهرم	۶۰۰۰	قبر
قنقری	شمال فارس	۱۲۵۰۰	بیلاق- ده بید
	غرب خمسه و باصری و چهارراهی		
رامجرد	شمال شیراز	۴۰۰۰	رامجر
رودهیله	شمال بوشهر	۴۰۰۰	
سروستان (یا برزو)	فارس مرکزی	۸۰۰	سروستان
شبانکاره	شمال بوشهر	۱۰۰۰۰	ده کمند
شیراز	مرکز فارس	۷۰۰۰۰	۰۱
شش دانکه	شمال غربی فارس	۳۰۰۰	بیلاق قشقائی و کوهگلو
شولستان	غرب شیراز	۸۰۰۰	همسنی

سیاح	جنوب شیراز	۳۰۰۰	....
سیمکن	شمال غربی جهرم	۸۰۰۰	....
تنگستان	جنوب شرقی بوشهر	۱۰۰۰۰	اهرم
زیره	شمال شرقی بوشهر	۴۰۰۰	سعدآباد

شهرهای عمده فارس عبارتند از شیراز پایتخت فارس که ارتفاع آن ۵۱۰۰ پا میباشد و کنار رود کوچکی در دشت حاصلخیز پر آب واقع شده و دور آنرا کوهستان فرا گرفته است . درحوالی شهر باغهای مصفا و موستان وجود دارد. در پنج میلی جنوب شیراز دره بوسیله تپه‌های کوتاه از باطلاق جدا شده است آباده که ارتفاع آن ۶۱۰۰ پا است و در نیمه راه بین شیراز و اصفهان قرار دارد و جمعیت آن در حدود ۸۰۰۰ نفر است. اکثر خانه‌های این شهر از خشت و بقیه از گاه گل است . صنایع عمده آن عبارتست از مملکی ( کفش پارچه ایرانی) اسباب خانه ، خاتم کاری، نمذوقالی . قسمت عمده ساکنین آن بزراعت اشتغال دارند و محصول عمده آن گندم و جو و تریاک و کشمش و انگور و بادام است . مردم آباده صنعت منبت کاری را پدرجه اعلا رسا نیده اند.

ارسنجان در شصت میلی مشرق شیراز در دره‌ای که دور آنرا کوه فرا گرفته قرار دارد. جمعیت تقریبی آن ۴۰۰۰ نفر است و محصول آن عبارتست از پنبه و برنج و تریاک و گندم.

نیریز که ارتفاع آن ۴۲۸۰ پا میباشد نام شهر و ناحیه‌ای در منتهایله جنوبی دریاچه نیریز است . خود شهر در میان باغستان و بیشه پخش شده و اطراف آن کشتزار حبوبات و تریاک میباشد، در ۱۹۰۳ نیریز دارای ۲۵۰ خانه و چهار کاروانسرا بود. جمعیت آن در حدود ۴۰۰۰ نفر تخمین زده می‌شود. گفته میشود که مردم آن ایرانی خالص هستند و با افراد قبائل ساکن ساحل رودخانه کاملا فرق دارند. این افراد قبائل با اینکه ییلاق و قشلاق نمیکند بادیه نشین محسوب میشوند.

چون آمار و سرشماری درباره فارس در دست نبود ارقام و مطالب زیر از روی جدولهای تعداد خانه در هر دهکده و ناحیه مشابه و وضع ظاهری جمعیت هر قسمت تهیه شده است. تعداد افراد هر خانه را ۵ نفر محسوب داشتیم و در عمل معلوم شد که این رقم در مورد دهات و قصبات نسبتاً درست است. قبائل بادیه نشین را نیز بر اساس ۵ نفر به هر چادر حساب کرده ایم.

بر طبق این محاسبه تعداد افراد قبایل بادیه نشین و نیمه بادیه نشین از قرار زیر است.<sup>۱</sup>

قبیله	تعداد خانوار	قبیله	تعداد خانوار
قشقای	۳۳۰۴۵	دشمن زیاری	۲۰۰۰
خمسه	۱۸۳۳۰	لشانی	۱۵۰۰
بویر احمدی	۶۱۰۰	میشماست	۳۰۰
ممسنی	۲۷۰۰	قبائل کوچک مختلف دیگر	۱۲۰۳۰
جمع کل ۷۶۰۰۵			

ارقام فوق وهمه تخمین‌های تعداد قبائل در تاریخی قبل از شیوع بیماری آنفلوآنزا که در اکتبر و نوامبر ۱۹۱۸ بوقوع پیوست و ۲۰ درصد از افراد قبائل را هلاک کرد تهیه شده است.

جمعیت مقیم فارس در حدود ۵۰۰ هزار نفر تخمین زده شده است. نواحی پر جمعیت عبارتند از ناحیه ساحلی ازدیلم تا دهانه رودمند و قسمت شمالی ایالت و قسمت شمال شرقی و مشرق و جنوب شرقی شیراز در شعاع شصت میلی آن شهر. ساکنین ایالت فارس و لارستان از چند نوع متشکل است. از کنگان بسمت مشرق در امتداد خلیج و تا مسافتی در داخل گروههای عرب از ساحل مقابل زندگی میکنند. بعضی از آنها نسبتاً تازه وارد و برخی در زمان قدیم آمده‌اند در ناحیه حیات داود و سمت مشرق آن گروههای عرب که اغلب سنی هستند و عده‌ای شیعه ازهندیان سکنی دارند.

اگرچه جمعیت و ساکنین ناحیه ساحلی اغلب ایرانی هستند ولی این افراد با ساکنین مرکزی ایران تفاوت دارند. این مردم جسماً قوی هستند و آنها تیکه در داخله زندگی میکنند زارعین خوبی میشوند. آنها تیکه در کنار بندر گاهها هستند و حتی در بنادر دور از قبیل کراچی و بصره کارگر بندری و باربر هستند و بر سایرین ترجیح داده میشوند. بسیاری از آنها بعنوان ملاح ماهر و ماهی گیر استخدام میگرددند. قبائل ساحلی که بنام ناحیه خود نامیده میشوند، قی آنها است موجودیت

۱ - مقایسه شود با شرح دهرگنی Demorgny صفحه ۸۸ - ۱۳۴ و همچنین

جداگانه خود را حفظ کرده‌اند. آنها به طوایف مختلف تقسیم شده‌اند که شبیه طوایف اسکاتلند قبل از قرن هیجدهم است. بعضی نواحی و قبایل بایکدیگر اختلاف و دشمنی دارند که نسلها طول کشیده در حالیکه بعضی با همسایگان خود را بطه و دوستانه دارند و همیشه در مقابل دشمن مشترک بصورت قبیله واحد متحد میشوند.

علاقه محلی رؤسای قبایل و اشتغال افراد قبیله و زارعین نواحی ساحل بسه طبقه طبیعی تقسیم شده‌اند. ساکنین لبروای و حیات داود و رود هیله و شبانکاره در شمال بطور کلی بکشاورزی اشتغال دارند و آنها یکیکه نزدیک بکوهستان زندگی میکنند مالک گله‌های بزرگ حیوانات اهلی می‌باشند. دیلم و ریگ و گناوه بندر هستند و بندر دیلم احتیاجات افراد قبایل کوهگلو و بازار داخلی بهبهان را رفع میکند و اهالی بندر ریگ و گناوه بقبائل بادیه نشین آنطرف کوهستان جنس می‌فروشند. در برازجان و چاه کوتاه و انگالی مقدار قابل ملاحظه غله کشت میشود. طبقه سوم اهالی ساحلی مردم تنگستان و دشتی هستند و دشتی ناحیه وسیعی است که تا مسافت دوری آنسوی رشته جبال بسط دارد. در تنگستان همیشه قبائل مختلف زندگی می‌کرده‌اند.

گفته شده است که ساکنین شهر شیراز کمتر از نواحی دیگر مخلوط شده و ایرانی خالص هستند ولی باسانی نمی‌توان خصوصیات برجسته و مشخصی برای آنها تعیین کرد. در بین اهالی شهر عده‌ای ارمنی نیز دیده میشود در شمال شیراز ساکنین مقیم بیشتر نژاد ایرانی هستند و این مطلب درباره مردم فسا و سرستان و کواردخفر نیز صدق میکند. در جنوب جهرم و شیراز اهالی دهات و قصبات با افراد قبائل مخلوط شده‌اند.

جمعیت بوشهر (در حدود ۱۵ هزار نفر) مخلوط هستند و در اینجا اعراب و ایرانیها و لرها و قبائل مخلوط از قبیل بهبهانی‌ها در بوشهر سکنی گزیده و با یکدیگر ازدواج نموده و یکنوع نژادی خاصی بوجود آورده‌اند. قبائل بادیه نشین عمده فارس (رجوع شود به کتاب لین Lane صفحه ۲۰۹-۲۳۱) عبارتند از قشقایی و خمسه که اولی ترک و دومی قسمتی عرب و مخلوط می‌باشند. در درجه دوم مسنیها و لسانی و میش‌ماست و بویر احمدی و دشمن زیاری هستند. خمسه: (عربی = پنج) - قبائل بادیه نشین. در ۱۹۱۸ تعداد خانوار شعب مختلف آن عبارت بود از: عرب ۱۱۱۳۰ - آئین لو ۱۲۰۰ - بهارلو ۱۲۰۰ - باصری ۴۵۰۰ و نفر ۳۰۰.

قبیله نفر در اصل از ۱۰۰۰ خانوار تشکیل می‌شد ولی افراد این قبیله متفرق شده وعده زیادی در بختیاری سکنی گزیدند. قسمتی از این قبیله باقی مانده و یکی از واحدهای قبائل خمه محسوب می‌شود.

از قبائل خمه تنها عرب و باصری بادیه نشین و بیلاق و قشلاق میکنند . آئین لو و بهارلو و نفر از نژاد ترك هستند و همچنین باصریها بجز تر بور چهار- بانچه که زبانشان فارسی است .

اعراب در اصل از نجد و عمان و یمن در قرن هفتم بایران آمدند . آنهائیکه بفارس رسیدند و اکنون اعراب خمه شناخته میشوند بادیه نشین هستند . بیلاق آنها در بوانات و قفقوری و سرچاهان و قشلاق آنها در بلوک سبه یعنی فسا و داراب و فرغ و حرم وجودن تا تنگه دالان در جنوب شرقی میباشد . اعراب بدو شعبه عمده تقسیم میشوند یکی جباره که عرب کوچی نیز نامیده میشوند و دیگری شبیانی. تعداد افراد جباره ۶۶۳۰ و شبیانی ۴۵۰۰ میباشد . این قبائل در اصل بربری خالص تکلم میکردند ولی اکنون بزبانی صحبت می‌کنند که مخلوطی از عربی و فارسی و ترکی ولری است . اعراب جباره بشتب مختلف تقسیم میشوند . قبیله لپو محمدی که از ۱۲۰۰ خانوار متشکل است شامل تقسیمات زیر میباشد : ابو حسینی که سرد سیر آنها در دره بوانات و گرمسیر آنها در طارم است : اولاد محمد که سرد سیر آنها در دره بوانات ولی گرمسیر آنها در آب شور و داراب است به اولاد سبار - بل حسینی - کریم - خان احمدی - لر - نقد علی که سرد سیرشان در ده پیدو گرمسیرشان در فسا است و پیر اسلامی . اعراب جانی خانی که ۱۷۳۰ خانوارند و سرد سیرشان در قفقوری و گرمسیرشان در یزد خواست و جون است از شعب زیر تشکیل میشوند . (تعداد خانوار آنها در پراتنز داده شده است) : اولاد رستم خان - اولاد زین العابدین - عزیزی ( ۱۵۰ ) - پهلوی ( ۱۱۰ ) - چیکینی ( ۱۵۰ ) - هندی ( ۱۰۰ ) - جابری ( ۱۰۰ ) - لبوغنی ( ۸۰۰ ) - لوردانی ( ۲۰۰ ) - قنبری ( ۱۲۰ ) و یار احمدی .

۶۵۰ خانوار شیری سرد سیر را در قفقوری و گرمسیر را در داراب و آب شور و بینارد بسر میبرند . ۱۲۰۰ خانوار مزیدی سرد سیر را در قفقوری و باغ سیاه و گرمسیر را در هرمز و لار میگذرانند .



عبدالرضائی و علمیرادی و لر عبدالرضائی که رویهم رفته ۵۰۰ خانوار را تشکیل میدهند سردسیرشان در ده پیدو گرمسیرشان در جهرم و بینارو است . ۳۵۰ خانوار صفاری سردسیرشان در دالونظر و موشفان و گرمسیرشان در بینارو است . ۳۰۰ خانوار غرائی و ۳۰۰ خانوار تربور و ۴۰۰ خانوار اردبیزوتاتی مقیم چاه حق هستند . بعلاوه يك گروه عرب نیز بنام مقطجات وجود دارد . اعراب شبیانی نیز بقبائل و گروههای مختلف تقسیم میشوند . عبدالیوسفی و اهل سعدی و چهار باغچه و میرگی و پلنگی و ولی‌شاهی که ۱۰۵۰ خانوار هستند سردسیرشان در قنقوری و گرمسیرشان در فساوکردیان است ، ۲۰۰ خانوار عمادی نیز سردسیر را در قنقوری و گرمسیر را در کردیان میگذرانند . بنی‌اللهی وحنائی که در ۱۹۱۸، ۳۰۰ خانوار بودند سردسیرشان در خفرک و گرمسیرشان در خفر است . ۴۰۰ خانوار الوانی و خسروئی و تکرینی و حسنی سردسیرشان در خفرک و گرمسیرشان در رودخانه و شور جهرم است . لبوحاجی که تقریباً ۳۰۰ خانوارند سردسیرشان در مرودشت و گرمسیرشان در هکان است . عامله با ۶۰۰ خانوارند سردسیرشان در قنقوری و گرمسیرشان در بینارو است . درازی با ۵۰۰ خانوار سردسیرشان در مرودشت و گرمسیرشان در سیستان جهرم است . فارسی با ۱۱۰۰ خانوار سردسیرشان در قنقوری و گرمسیرشان در کردیان است .

قبیله آئینه لودر اصل از ترکستان آمده‌اند و در قرن سیزدهم در فارس مستقر شدند . زمانی بادیه‌نشین بوده و بیلاق آنها درحوالی رامجرود و مرودشت بود . زبان آنها ترکی است . قبیله کوچکی از آنها بنام دیندارلودر دره دوده درسی میلی شمال‌شیراز زندگی میکنند و بکشاورزی اشتغال دارند . دره دوده بازار محصولات کشاورزی و سبزیجات شیراز است .

در ۱۹۱۸ شعب مختلف آئین‌لو از این قرار بود:

نام قبیله	محل سکونت	نام قبیله	محل سکونت
افشار اوشاگی	قره‌بلاغ	ایران‌شاهی	وصل به کلانتر
امیر جاجیلو	قره‌بلاغ	جرگه	قره‌بلاغ
بیات	قره‌بلاغ	نقدعلی اوشاگی	درکو
بولانی	آنبارک	قرت	پی‌مراد

جایان	قره بلاغ	رئیس بیگلو	رودبال
اخلاصلو	فسا	سکز	فسا
غلباش	قره بلاغ	زنکته	قره بلاغ

قبیله بهارلو که از نژاد ترك هستند در قرن دوازده و سیزده میلادی در فارس مستقر شدند . در اصل بادیه نشین بوده و بیلاق آنها در ناحیه را مجرد و مرودشت و قشلاق آنها نزدیک سروستان و داراب است . اکنون سالها است که اسکان یافته و درسواحل رود داراب زندگی میکنند . زبان آنها ترکی است .

در جدول زیر شعب مختلف قبیله بهارلو را در سال ۱۹۱۸ ذکر شده است .

ابوالقاسملو	حاجی عطارلو	مشهدلو
احمدلو	حاجی برانی	محمدخانی
علمدار	حاجی خانلو	نظر بیگلو
عمله	حیدرلو	قره خانلو
امینه	حسن بیگلو	قره خاصلو
امینلو	ابراهیم خانی	کاظم پسو
امیر حاجیلو	اسمعیل خانی	رسولخانی
عاشقلو	عیسی بیگلو	صدیقلو
اشورلو	جامه بزرگی	سفیدخانی
اولادی	کاکاخانلو	سکزلو
عزیز بیگلو	کمانلو	شکاری
عزیزی	کریملو	سلیمان
چهارده چریک	خسرولو	تلکه
دره شور	لر	زرگر

با صریها معتقدند که از اولاد اعراب بصره هستند . زبان آنها عربی تحریف شده و مخلوط است . منبع عمده در آمد آنها تعداد زیاد حیوانات باربر است که کرایه میدهند و بهمین جهت است که بنقاط دوردست مهاجرت نکرده اند . باستانیای رئسی بیلاق و قشلاق آنها در شاع پنجاه میلی شیراز و نزدیک راههای کاروان رواست .



باصریها از دو قبیله عمده تشکیل میشوند که عبارتند از وائسی و علی میرزائی. وائسی که از ۳۰۰ خانوار متشکل و سردسیر آنها در احمدآباد و نمدان و گرمسیرشان در هرم و بیدشهر است شامل شعب زیر میباشد: عبدالیوسفی - علیمردی - علی شاهقلی - پهلولی - حنائی - جوچین - لیوموسی - میر احمدی - میرکی - میری - میرسیمی - سرو دری - شاه حسینی - ولی شاهی. علی میرزائی ۱۵۰۰ خانوار و متشکل هستند از کرمی که سردسیرشان در اسوپاس و گرمسیرشان در مرو دشت است. و حسین احمدی که سردسیرشان در پاج گاه و گرمسیرشان در سروستان است و علی قنبری و میری که سردسیرشان در اسوپاس و گرمسیرشان در سروستان است و قوگی که سردسیرشان در اسوپاس و گرمسیرشان در سرگاه است و صلاحی که اسکان یافته و حرکت نمیکند.

قبیله نفر که از اصل ترك هستند در حدود ۳۰۰ چادر دارند و در ناحیه گراش زندگی میکنند قبیله مقاطعجات ( از مقاطعه بمعنی قرار داد ) گروهی از قبائل عرب هستند که چون از خود کلاتر نداشتند در سال ۱۸۲۰ و ۱۸۵۵ از طرف قوام الملك رئیس قبائل خمسه بشخصی بنام حاجی جعفر بيك مقاطعه داده شدند. در اصل در حدود ده تا پانزده قبیله بزرگ و کوچک بودند که در نقاط مختلف ناحیه قبائل خمسه زندگی میکردند. بتدریج عده آنها تقلیل یافت و بالاخره چند فامیل بیشتر باقی نماند که در بلوک سروستان زندگی میکردند و بنام ذغالی معروف بودند زیرا شغل عمده آنها تهیه و انتقال ذغال بود. ممکن است چند خانوار از آنها در بین قبائل بزرگ خمسه پیدا شوند. گفته شده است که قبائل غرائی وارد بیزوتائی و تربور متعلق به مقاطعجات میباشد.

قشقائی - قبائل قشقائی از نژاد ترك هستند از نظر جسمانی شاید باستانیای ممسنیها بهترین قبائل جنوب غربی ایران باشند. روایت بر اینست که در موقع حمله مغول وقتی ترکمنها بایالت عراق عجم رسیدند گروهی از آنان فرار کردند و در فارس مستقر گردیدند و ترکمنها این گروه را قشقائی یعنی آنهائیکه فرار کرده اند نامیده اند ( قشماک - یعنی فرار کردن). بعداً تغییر و تحول در تلفظ کلمه نام آنها قشقائی شد. زبان قشقائیهما تا امروز ترکی است و اهالی فارس در موقع صحبت معمولاً آنها را ترك می نامند.

در طی زمان گروه اصلی بدو دسته تقسیم شدند زیرا قسمت بزرگی از

آنها رسم بادیه نشینی بیلاق و قشلاق را حفظ کردند . يك گروه كلمه ترکمنی خلیج را حفظ نمودند و بقیه قشقائی نامیده شدند که هر کدام دارای شعب مختلف بودند و امروزه آنها قشقائی شناخته میشوند. در میان تیره های زمان اخیرش بلوکی و فارسی مدانی از گروه های خیلی کمی هستند که گفته میشود از دسته اصلی خلیج میباشد . شاید اهل قشقائی خیلی زیادتر از ۳۰۰۰ خانوار نباشد و این رقم فقط شامل ایلات میشود و بآن باید دهکده هاییکه تحت حکومت ایلخانی هستند اضافه نمود . این دهکده ها شاید شامل ۳۰ هزار تا ۲۵ هزار خانوار باشند . بنابراین ایلخانی بر ۳۰ هزار خانوار ایلات و ۲۰ تا ۲۵ هزار ده نشین در سرد سیر و گرمسیر که مجموعاً ۵۰ تا ۵۵ هزار خانوار میشوند حکومت میکند . بدین طریق قسمت بزرگی از فارس تحت تسلط یا مربوط به قشقائی ها هستند.

قشقایها بادیه نشین هستند نه تنها بعلت سنن و عادت بلکه بعلت آنکه ثروت ایلاتی و معیشت آنها تا حد زیادی بستگی دارد به گله های حیوانات اهلی و لازم است که قبل از آنکه علفزارهای دره ها در اثر آفتاب سوزان بهار جنوب فارس خشک شود به مرتع های فلات بلندتر حرکت کنند . و برعکس آب و هوای سردسیر در فصل زمستان بسیار سرد میشود و در تپه های گرمسیر هم هوای کمتر است و هم چوب برای آتش بیشتر پیدا میشود . گوسفند و بز نه تنها شیر و گوشت و روغن که غذای عمده آنها است فراهم میکند بلکه پشم آنها برای بافتن قالی و پارچه چادر بکار برده میشود . قالی و قالیچه آنها بفروش میرسد و منبع عایدی سالیانه آنها است. فقیرترین افراد قبیله صاحب چند صد حیوان است . گوسفند آنها در فصل زمستان به اهالی مقیم جنوب فارس فروخته میشود.

آن گروه قبائل که عده زیادی اسب و سایر حیوانات دارند در هر فصل زمستان در دره های گرمسیر غله میکاوند که پس از مراجعت از سردسیر آماده درو کردن و مصرف میباشد . از جمله دره فراش بند کلا بوسیله شش بلوکی ها زراعت میشود و هر فصل بهار ۲۰۰ تا ۳۰۰ تن غله از آن ناحیه بدست می آید.

عادت قشقائیها بر اینست که دره ها و دربندهای دور دست را پیدا میکنند که تاحدی آنها را در فصل زمستان محافظت میکند و همچنین نزدیک آب باشد .

در اینگونه نقاط چهارپایه یا بیست چادر نزدیک هم دیده میشود .

بطور کلی قشائیها شبیه قبائل لر جنوب غربی ایران هستند ولی زبان آنها يك لهجه ترکی است و اغلب افراد فارسی نیز میدانند . از حیث شکل و قیافه از لر ها چیزی کم ندارند . رویهمرفته از بختیاریها و لر ها سفید روتر و بلندقدترند . از حیث معتقدات مذهبی از همسایگان لر خود بیشتر اصولی و کمتر خرافاتی هستند .

مهاجرت ، الیانه و حرکت ایل قشائیه کمی با سایر قبائل بادیه نشین فرق دارد . وسیله نقلیه آنها بطور کلی شتر و الاغ است . قاطر زیاد ندارند و فقط خانها قاطر بکار میبرند و از گاو برای حمل زیاد استفاده نمیکند . باستانی اعراب تنها قبائل جنوب ایران هستند که برای حمل و نقل از شتر استفاده میکنند (مقایسه شود با شرح هریسون [۱۹۳۶ صفحه ۳۶] .

در حدود نوزده یعنی اول بهار قشائیه چادر سیاه خود را زده و بتدریج شروع به حرکت بطرف شمال مینمایند و در حدود اواسط سپتامبر یعنی اواخر پاییز مراتع شمالی را ترك کرده و به محل سکونت زمستانی خود مراجعت مینمایند . در این مهاجرت سالیانه قشائیها از هر قبیله دیگر دورتر میروند . ییلاق آنها تا مرز شمالی فارس مغرب شهرضا و یزد خواست و تا حوالی گردنه شرقی کوه دینار بسط دارد . قبائل کوه گلودر سمت جنوب غربی این کوه هستند . قشلاق آنها در نواحی گرم فارس است که از حوالی بهبهان تا نزدیک لار بسط دارد ولی هیچوقت به جنوب سلسله جبال نزدیک ساحل نمیرسد .

بطور کلی مهاجرت روپائین همه ایل معمولاً متوجه بیضا و جوی شمال شیراز است . سپس از اینجاست منقسم میشوند و دره شوری و کَشکولی و فارسیندان بسمت شاپور و دشت ارژن میروند در حالیکه شش بلوکی وعده زیادی از تیره های کوچکتر با ایلحانی و ملتزمین او از راه جیره و فراش بند و خواجه و فیروز آباد بسمت جنوب حرکت میکنند .

طبق روایات و سنن ایل قشائیه از بدو امر از عتیره متشکل بوده است . بعضی از آنها کاملاً از بین رفته و برخی بچند چادر تقلیل یافته اند . در نتیجه بعضی حوادث و موقع سختی قسمتی از ایل قشائیه به بختیاری رفتند و عده کمتری به خمسه و تیره های کوچکتر بهم محلق شدند . از طرف دیگر بعضی

تیره، مرکب از عناصری هستند که شاید از نژاد اصلی قشقایی نباشد. شرح زیر تحول بعضی از تیره‌ها و قبائل را نشان میدهد.

دره شورپها در اصل از ترکستان آمدند و در بلوک گرم آباد در دره شور مستقر شدند. از نظر نیرومند و ثروت ایلی دره شورپها اولین قبیله قشقایی میباشد. گرمسیر آنها در مشرق و جنوب شرقی بهبهان و سردسیرشان در وردشت و گرم آباد نزدیک سمارون میباشد (هریسون b ۱۹۳۶ صفحه ۲۱-۲۳) صورت تیره‌های فرعی و تعداد خانوار آنها از این قرار است: ابولکرلو (۱۵۰)- ابولسلیمانلو (۲۰)- آهنگر (۲۵۰)- ایوبلو (۳۰)- علی‌مردانلو (۵۰)- عمله (۴۰۰)- عربلو (۲۰۰)- آشورلو (۱۰۰)- بولوری (۱۵۰)- شاهرخلو (۵۰)- چهارده چریک (۱۰۰)- دندولو (۳۰۰)- گوگجالو (۵۰)- حاجی‌دولو (۴۰۰)- حاجی محمدلو (۲۰۰)- ایمانلو (۱۰۰)- اسلاملو (۵۰)- جبرانلو (۵۰)- جانبازلو (۲۰۰)- قره‌قانلو (۳۰۰)- کرجولو (۱۰۰)- کریملو (۴۰۰)- کرخلو (۱۰۰)- قاسملو (۵۰)- کرمشی (۱۰۰)- خیراتلو (۴۰۰)- کاظم‌لو (۳۰۰)- قربوکش (۱۰۰)- نادرلو (۲۰۰)- نارهی (۴۰۰)- عثمانلو (۵۰)- سهمینی (۱۰۰)- شاک (۳۰)- طلب‌ازلو (۱۰۰)- یعقوب‌اشاندرلو (۵۰)- جمع کل ۵۶۳۰ خانوار.

اگر چه در زمانهای مختلف عده قابل ملاحظه‌ای از ممسنی‌ها به کشکولی‌ها ملحق شده‌اند کشکولیا اصلاً یک قبیله فارس هستند و قشلاق آنها بین جهرم و لار بود. بعداً گرمسیرشان بین ماهورمیلاتون و خشت تبدیل یافت و سردسیر آنها در ناحیه کوه میروکاگان واردکان و هفت‌برم میباشد.

تیره‌های ریز که تعداد آنها ۲۰۰۰ خانوار است قبائل اصلی کشکولی را تشکیل میدهند: عروقلی- دزجونی- مصالح- قره‌چائی- پاگیر- یادکوری.

گفته شده است که وقتی قبیله فارسیمدان از ترکستان به فارس آمدند زبان فارسی ننمیدانستند و بهمین جهت بنام فارسیمدان نامیده شدند. گرمسیر آنها در حسین‌آباد و سرمشهد و جبره و کوه کیاگیساگان شرق برازجان است. سردسیرشان در ناحیه پدینه در پای کوه دینار است و تا ارتفاعات شرقی این سلسله جبال که قسمت غربی آن محل سکونت بویراحمدی است بسط دارد. قبائل فرعی آنها عبارت است از: اولاد- دوغمالو- قره‌مشاملو- مچانلو- قلدر- توا- به- تنبانلو- پندرانلو.

وجه تسمیه شش بلوکیها آنستکه در اصل از شش بلوک خلیجستان آمده اند .  
 سردسیرشان در کوشك زرد-اسوپاس- اقلید-وآباده است . گرمسیرشان در فراش-  
 بندودشتی و دشتستان میباشد. قبائل فرعی آنها عبارت است از آهنگر- علمدار- الغیا بلو-  
 عرب چارپا نلو- چنکی- دغز لو- کلاهلو- کوهی- قره یار لو- شور پخو رلو .

گلازن ها بسه شعبه تقسیم می شوند : گلازن نمدی (۶۰۰ خانوار) که  
 گرمسیرشان در نرک بین فیروزآباد و فراش بند و سردسیرشان در شاه جعفری در شمال  
 سیمرون است . گلازن اقری (۵۰۰ خانوار) که شیعه هستند و به قرآن احترام بسیار  
 دارند و بهمین جهت از قسم خوردن به قرآن اجتناب میکنند . قسمتی از این قبیله  
 ده نشین و در سماکن زندگی میکنند و قسمتی به ایلخانی عمله تعلق دارند. گلازن  
 میچک (۱۰۰ خانوار) سابقاً قسمتی از ایلگی عامله بودند و بعداً به ایلخانی ملحق  
 شدند .

قبیله بولی یا بولواز سه شعبه متشکل هستند: بولی هاشمخانی (۵۰۰ خانوار)  
 که در گیله دروعلامرود دشت زندگی میکنند و بولی زیرک (۱۰۰ خانوار) که به ایلخانی  
 عمله تعلق دارند و بولی حاجی طهماسبخانی (۲۵۰ خانوار) که گرمسیرشان در اربعه  
 و هنگام و فیروزآباد و فراش بند و سردسیرشان در خسرو شیرین است .

قبیله صفیخانی یا صفیخانلو در اصل از لرستان آمده و در فارس سکونت اختیار  
 کردند. گرمسیر آنها از جنوب غربی فراش بند تا مرز دشتی و سردسیرشان در دزکرد  
 و خسرو شیرین و سه ده رودخانه سفید است .

قبیله قره چاهی شاید اولین قبیله ایل قشقائی باشند که از ترکستان مهاجرت  
 کردند. گرمسیرشان در فراش بند و جیره و سردسیرشان در کوه میر و مورک و ناحیه  
 پدینه است .

قبیله رحیمی که زمانی از مهمترین قبائل قشقائی بودند گرمسیرشان در  
 دره های دشتی مغرب فراشبند و سردسیرشان در سواحل رود خانه رحیمی  
 جنوب غربی شهرضا است که شمالی ترین نقطه سردسیر قشقائی میباشد .

۷۰۰ خانوار قبیله اکدیر که اصلاً از ترکستان هستند گرمسیرشان در  
 حسین آباد و خنج و سردسیر را در گرم آباد میگذرانند . ۵۰ خانوار عراقی با آنها  
 حرکت میکنند و قبائل فرعی آنها عبارت است از قره خانلو- جراکائی- شکارلو .

علاوه بر قبائل، عمده قشقائی که از آنها نام برده شد شعب و تیره های کوچکتر



متعدد وجود دارند . از جمله قبیله پالمه مرکب ازسرفراز ( ۳۰۰ خانوار ) و ایوالفنی ( ۱۰۰ خانوار ) است که گرمسیرشان سماکن و سردسیرشان در وردشت و خرم آباد است وپاگیر و اوخیلو ( ۴۰۰ خانوار ) که گرمسیرشان در هنگام و ظاهر و سردسیرشان در کاکان است و جعفر بیگلو ( ۴۰۰ خانوار ) که گرمسیرشان در دشت پلنگ و سردسیرشان در خواجه است . ۱۰۰ خانوار وندا پادره شوری زندگی میکنند ولی از شعب و تیره های دره شوری نیستند . زنگنه و وندا و کرانی ( ۳۰۰ خانوار ) گرمسیرشان در کازرون و سردسیرشان در کوه مره است . غرا ده علی ها ( ۵۰ خانوار ) با گل از نمدی حرکت میکنند ۷۰۰ خانوار کوهواده زمستان از ده پید و اریعه حرکت و تابستان را در خسرو شیرین میگذرانند . ۳۰۰ خانوار جرکانی زمستان را در خفر و سماکن صرف میکنند . صد خانوار از بوگرو باصری در زمستان با کشکولی ها حرکت میکنند و سردسیرشان در دزکراست . مغانلوا ( ۱۵۰ خانوار ) زمستان در دشتی هستند و تابستان با همسایگان خود رحیمی ها به رودخانه میروند .

قبیله عمله یا خدمتگذاران شخصی ایلخانی شامل ۱۹۰۰ خانوارند . قباایل زیر با عمله حرکت میکنند تعداد خانوار آنها در پرا تنز داده شده است : عبدالرحمانلو ( ۱۰۰ ) عینکلو ( ۷۰ ) - آحرلو ( ۴۰ ) - عقبهی وقره بیی ( ۱۰۰ ) - اردکیان ( ۲۰۰ ) - اصانلو ( ۱۰۰ ) - بهلولی ( ۱۰۰ ) - بهمن بیگلو ( ۱۰۰ ) - چگینی ( ۳۰۰ ) - دمیر چماقلو ( ۶۰ ) - غرائی ( ۱۵۰ ) - کلاه سیاه ( ۶۰ ) - کردشولی ( ۴۰۰ ) - سردسیر در چهار دنگه - لر ( ۱۰۰ ) - محمد زمانلو ( ۸۰ ) - نگاهدارلو ( ۲۰ ) - قانددلو ( ۵۰ ) - قره قاجلو ( ۳۰ ) - قزخلو ( ۱۰۰ ) - قزلو ( ۱۵۰ ) - قوجه بیگلو ( ۱۵۰ ) - قورت ( ۱۰۰ ) - قوتلو ( ۱۰۰ ) - سهمدینلو ( ۷۰ ) - ساروئی ( ۱۵۰ ) - طیبی ( ۲۰۰ ) - توللی ( ۵۰ ) - اوریات ( ۱۵۰ ) . در میان قباائل قشقایی عده زیادی اسکان یافته و ده نشین هستند . نام آنها با تعداد خانوار و محل اقامت در زیر داده میشود : اغچه قیانلو ( ۵۰۰ ) که از اردبیل آمده و نزدیک فیروز آباد زندگی میکنند - اخرملو ( ۱۰۰ ) در اسوپاس - علی بیگلو و مرگ و ماری ( ۳۰۰ ) در قبر و قرزن - علی کردلو ( ۶۰ ) در کوه مره - عرب ذاخرو و بکر ذاخرو ( ۷۰ ) در اخرزن - بیات ( ۳۰۰ ) نزدیک شیراز - چطنز ( ۳۰ ) در مرودشت - دادخهی ( ۴۰۰ ) در دهرام - فیلی ( ۱۰۰ ) در شیراز - گوشهی ( ۱۵ ) در بیضا - هنو - گانلو ( ۱۰۰ ) در نهرضا - جامه بزگی ( ۱۰۰ ) در جیره - خلیج ( ۳۰۰ ) در شیراز -

لیراوی (۵۰) درجیره - متقنی (۲۰) درسماکن - پیاتی (۴۰) درکودبال - سارو ؛  
(۵۰) درمرو دشت و تربور (۴۰) دربندامیر .

اسامی دیگری که با ایل قشقائی ارتباط پیدا میکنند عبارتند از : ایل -  
چهارپنجه - و ملبله وند .

ممسنی - کلمه ممسنی از ادغام اسم محمد حسنی مؤسس قبیله سائنه شده است . بعضی از افراد قبیله معتقدند که اوازعرستان آمده و برخی عقیده دارند اهل دشتستان بوده است . ممسنی ها از حیث نژاد مخلوط هستند و از بهبهان و پشت کوه و خوزستان و از شمال تاحمد محل پویرا حمدیها میباشند . این ایل سه شاه عمده داشت که عبارت بود از یاکش - جاویدی (جوی) ورستم که نام سه رئیس اصلی قبیله میباشند . پس از آنکه هر یک از این شاخه بزرگ شدند به تقسیمات فرعی و تیره های مختلف منقسم گردیدند .

ناحیه ممسنی محدود است از طرف شمال بناحیه بشت و از طرف جنوب به محل دشمن زیاریها و از طرف مشرق باردکان و از طرف مغرب به مرگ و گورسپید . ممسنی ها به لهجه فارسی لری صحبت میکنند که با صحبت عامیانه فارسی فرق زیادی ندارد . کلاترها و کدخداهای فارسی صحبت حرف میزنند مانند قشقائی ها ممسنی ها تیره چهره هستند و قد بلند و هیکل خوب دارند و مدتها است که اسکان یافته و ده نشین میباشند .

قبائل جاویدی ورستم در تاپستان به فاصله کوتاهی بدهاتی که آب و هوای بهتر دارد میروند ولی مدتی است که مهاجرت قبیله منظم را ترک کرده اند . مذهب آنها شیعه است و این قبیله معروف باینکه مراسم مذهبی بحد امکان بجا میآورند .

قبیله بکش (۲۰۰ خانوار) از شعب زیر تشکیل میشود : عالیوند - عاطونی - علی همتی - علی لرامیری - با بردانگهی - با برسالار - برمکی - گوجر - هزارسی - غرائی - خلفی - پیردینی - شیخ شهر و شیر مراد (سید هستند) - شیرسپاری - زین الدین - شعب جاویدی که ۷۰۰ خانوار عبارت است از : احمد هارون - عمویی - گوجا - جاویدی دانگه - جوگون - خلیفه هارون - حاصل - خیرا - لاله مدوئی - مهرنگون - موسی عربی - پیر حسن عبدالله - سالادی - سورنا بادی - وال قائد - زیر زردی . قبیله ورستم که ۸۰۰ خانوار است ازدو گروه قبیله فرعی تشکیل میشود . یکی خان علی خان که

مرکب است از باقری- بهیاری- منگودرز- مسیری- شاه-حسنی- شاه جهان احمدی (که همه سیده هستند) وضامنی. گروه دوم امام قلیخان است که مرکب است از بردنگان- دشتی- ده نانی- ده طوطی- غلویی- گیوه کش- گل باکن- بهرین- سورنه- تیران- گن- توگاگ- اروچی.

لشانی- لشانیها که تا سال ۱۸۷۴ یکی از قبائل ایل قشقایی بودند به دده سته تقسیم میشوند که هر دو ده نشین هستند و یک دسته در خفرک و دسته دیگر در آباده تشک زندگی میکنند وعده زیادی مقیم ساحل شمالی دریاچه هستند. تعداد آنها ۱۵۰۰ خانوار است و قبائل فرعی آنها عبارت است از: خفرکی (۵۰۰ خانوار) مرکب از نبوسر- بازوند- خلیلوند- شاهوند- توتکی- آباده تشکی (۱۰۰۰ خانوار) مرکب از ایروند- عبداللهوند- الیاسوند- خفروند- مرادوند- نجم الدینوند- یزدانوند- بهمنوند- اولاد شیخ علی- اولاد امیر آقا- تیره های مولهک- تولامکی- کوشکائی بعدها به بهمنوند ملحق شدند.

میش ماست- قبیله میش ماست که از قبایل بومی هستند همه در چادر نزدیک ارسنجان زندگی میکنند. قسمتی از آنها گاهی در فصل زمستان به دشت سعادت آباد وسیدون میروند مرکز اقامت آنها در قریه فیجان و پنیان در پنج میلی ارسنجان است.

بویراحمدی- ایل بویراحمدی مهمترین گروه چهار بانچه قبائل کوهگلو است که شامل چورام و نوئی- وباوی که همه متعلق به گروه پشت کوه کوهگلو محسوب میشوند میباشد. اگر چه بعضی از بویراحمدیها نزدیک بهبهان نیز دیده میشوند. بجز گروه ملا قبادی که ده نشین و مقیم هستند سردیس و گرمسیر آنها عبارت است از:

سردیس- تل خسرو- سررود- سی سخت- خپار دشت روم- سفیددر- کوه دل و وزک گرمسیر بار ناحیه مشرق بهبهان و شمال غربی ناحیه ممسنی در سنگر آباد کلات- ده دشت و سوک جنگلور.

در ۱۹۱۷ تعداد بویراحمدیها در حدود ۶۱۰۰ خانوار تخمین زده میشد- بازار آنها شهر بهبهان و اردکان بود.

قبائل فرعی آنها عبارتند از: عملجات- آقائی- اولاد میر زاعلی- بدلونی- دشت مرادی- جوزری- گگاوائی- کهرائی- محمدی- نرائی- سرچوتی- سرکوهکی-

سردکی - سید بابا - شیخ ایل - شیخ مموم - سی سختی - تاحمدی - تامرادی - تارمچی .  
دشمن زیاری - تا سال ۱۹۱۷ این قبیله از شعب مسمی محسوب میشد . بعد  
از آنکه اسکان یافته و مقیم شدند تیره ها بنام ده مسکونی نامیده شدند که عبارتند از:

ده	تعداد خانوار	ده	تعداد خانوار
اردشیری	۳۰۰	سهمدینی	۱۸۰
بابائی	۱۰۰	سربخلاکی	۷۰
بهاءالدینی	۲۰۰	تنگک نودیانی	۱۵۰
ده بیدی	۸۰	تیکولی بالا	۱۵۰
ده گابی	۱۰۰	تیکولی پایین	۱۰۰
هریجان	۲۰۰	تیر تاج وحسنی	۱۵۰
کلاه سیاه و سرخی	۱۲۰		
رودبالی	۱۰۰	جمع کل	۲۰۰۰

بغیر از ایلات و قبایل نامبرده قبائل مستقل کوچک دیگر در فارس هستند  
که در جدول زیر نام و تعداد خانوار و محل اقامت آنها ذکر شده و مطالب زیر تقریباً  
صحیح است .

نام قبیله	تعداد خانوار	محل اقامت
ابولوردی	۴۰۰	اسوپاس و دهات ابولوردی نزدیک شیراز
امیرسالاری	۱۵۰	میمنه
عرب گومیش	۴۰۰	کازرون و شاهپور
ارندی	۱۰۰	کوه مره
عاشق	۳۰۰	موسیقی زن های میان ایل قشقایی و خمسه
بهاءالدین	۱۵۰	بین فیروز آباد و قرآش بند
بکاهدانی	۱۵۰	ارسنجان
بیماکی	۶۰۰	فسا
بورکی	۲۰۰۰	ناحیه کاور
چنگی	۱۲۰۰	پراکنده میان خمسه و قشقایی
چهارراهی	۱۲۰۰	تاپستان در چهارراه درقنقوری . زمستان در قشاقن جزایر دریاچه تشک

مسجد بردی	۷۰	چوگی
ده بزرگ (بیرون دروازه اصفهان در شیراز)	۱۵۰	ده بزرگی
بین فارس و کرمان مسافرت میکنند و گاو میخرند	۱۰۰	گاوباز
اوجان	۲۰۰	گرائی سرحد
دوره گرد و آهنگرند و در تمام ایران مسافرت میکنند ولی در فارس مالیات میدهند	۱۰۰۰	غریت
اردکان	۱۰۰	غوری
سرچاهان	۳۰۰	حسامی
احمدآباد (شش میلی مغرب شیراز)	۸۰	اسلاملو
شتربان هستند و بین قشقای و خمسه پراکنده اند	۳۰۰	جد
بین سعدآباد و بهارلو نزدیک داراب زمستان در قسا- تاپستان نزدیک شیراز و شمال بیضا	۲۲۰۰	کوهستانی کولو
بیضا	۳۰۰	کورونی
شتربان که میان قشقای و خمسه پراکنده اند	۳۰۰	کوروش
آباد تشك	۵۰	کوشکاکي
نعلبند و آهنگر که بس میان قشقای و خمسه پراکنده اند	۳۰۰	لرگر
بیضا	۱۵۰	قره گوزلو
گردنه با با حاجی نزدیک شیراز	۵۰	قره بیات
در دره جنوب شرقی شیراز	۲۰۰	شاهسون
کومره	۴۰۰	سوقلمچی
رامجرد	۲۰۰	سولو کلو

دره سرخی در جنوب شرقی شیراز	۴۰۰	سرخی
خضر	۱۰۰	تات بیگلو
سه پرده (۱۵ میلی شرقی شیراز)	۳۰۰	توللی
آباد تشک	۳۰	تولاییکی
مقیم در قنقوری و بوانات	۱۰۰	توتکی

### لارستان و بندرعباس

لارستان که در حدود ۲۰۰ میل کناره دریا دارد محدود است از سمت جنوب به ساحل شمالی خلیج فارس<sup>۱</sup> سطح این ناحیه از دشت و کوهستان تشکیل یافته و کوهها از شمال - شمال غربی به جنوب - جنوب شرقی تمایل دارند ولی سلسله جبال این ناحیه بزیادی کوههای سایر نقاط جنوب ایران نیست و ارتفاع آنها نیز کمتر است و بندرت از ۶۰۰۰ پا تجاوز میکند. در امتداد ساحل کوهستان وجود دارد و بعضی از قلل آن بعنوان راهنما برای کشتی رانی بکار میرود. رودخانههای این ناحیه اهمیت زیادی ندارند بجز رودخانه شور که به تنگه کلارنس. نزدیک خمیر می ریزد ولی مانند سایر رودخانه ها رودشور بعلت نمک قابل استفاده نیست.

ناحیه بندر عباس<sup>۲</sup> شامل شهر و بندر بهمین نام و نواحی بیابان و شلیل و میناب و جزائر قشم و هنگام و هرمز و لارک میباشد. ناحیه احمدی سابقاً جزو این قسمت محسوب میشد.

لارستان از فقیرترین و کم حاصلترین نواحی ایران است و از این لحاظ فقط از ناحیه بشاجرد یک قدم جلوتر است. و علت آن وجود اراضی خشک و بیابانی و تپهها و درههای شن و نمک زار است. مهمترین محصول آن خرما است که در همه نقاط بعمل میآید. در نواحی لار و بستک مقدار کمی گندم و جو زراعت میشود و در این نواحی گلههای گوسفند و بز و تعداد کمتری گاو و الاغ و شتر وجود دارد.

آب و هوای لارستان برای اروپائیکها سخت است. در ناحیه بین ساحل خلیج و سلسله جبال داخلی گرمای تابستان بسیار شدید است که در اثر دشتهای

۱- رجوع شود به کتاب فریزر و Fraser و پری Parry.

۲- چون تقسیمات اداری جدید اخیر اعلام شده مناسبتر بنظر رسید که اسامی سابق بکار برده شود.

بایروشن زار که آنرا احاطه کرده تشدید میشود . در دوماه تابستان در تمام این ناحیه باد شدید شمال شرقی می وزد و گاهی بقدری شدید است که ابری ازشن همراه می آورد. در فصل پاییز تحمل گرما سخت تر است ولی در زمستان و بهار هوا مطبوع است . سرما هرگز شدید نیست و برف بندرت می بارد . در زمستان و اوائل بهار بارانهای سبک می بارد و باد جنوب شرقی به همراه دارد که اگر چه گاهی شدید است ولی هر دفعه بیش از سه یا چهار روز بیشتر طول نمیکشد . بندر عباس برای آب و هوای گرم و ناسالم آن معروف است . در زمستان درجه حرارت هرگز به انجماد نمیرسد . ژانویه و فوریه هوا خنک و گاهی رگبار سنگین و باران می بارد . در ماه مارس و آوریل و مه نواحی اطراف بندر عباس خشک میشود و مالاریا زیاد است . از ماه ژوئن تا سپتامبر گرما بقدری شدید است که اغلب اهالی شهر را ترك می کنند ولی تب مالاریا کمتر است . اگر چه درجه حرارت بندرت از ۱۰۰ درجه فارنهایت در سایه بالاتر میرود ولی رطوبت هوا گرما را غیر قابل تحمل میسازد . از اکتبر تا دسامبر گرما تخفیف می یابد ولی مالاریا زیادتر میشود .

علاوه بر مالاریا که از نوع روی آن است امراض معمولی دیگر عبارتند از آبله که تقریباً هر تابستان بروز میکند و اسهال که در پایان فصل گرما زیادتر میشود و امراض چشم مخصوصاً تراخم و امراض مقاربتی که زمانی ۸۰ در صد مردم بآن مبتلا بودند و امراض کلیه .

لار که پایتخت لارستان است در پایه تپه های کوتاه سنگ آهک قرار دارد . این تپه ها منتهی الیه غربی دره را از مشرق بجنوب مسدود کرده است . ارتفاع لار ۲۹۷۵ پا است . مساحت شهر در حدود یک میل مربع و جمعیت آن در حدود ۸۰۰۰ نفر تخمین زده شده است . اهمیت لار آنست که مرکز تجارت و محل توقف کاروانهای بازرگانی بوده است . بعضی از راههای کاروان روقدیم تبدیل به جاده های موتوری گردیده است .

ناحیه بیابان که پنجاه میل طول و از ده تا بیست میل عرض آن است از طرف مغرب محدود بدریا و از سمت مشرق بگردنه ای سلسله تپه ها محدود است . این تپه ها بمسافتی بین ده تا پانزده میل در داخل خاک بموازا دریا قرار دارند و ناحیه بیابان را از بشاجرد و رودبار در کرمان جدا میکنند در شمال بیابان ناحیه میناب است

و در سمت جنوب کوه مبارک بیابان را از جاسک و مکران جدا میکنند. نواحی شلیل و میناب در سمت شمال غربی حلقه که از تلاقی خلیج فارس و خلیج عمان تشکیل میشود قرار دارد و شامل بندرعباس میشود.

قسمت اعظم شلیل در مشرق بندرعباس قرار دارد و بشکل متوازی الاضلاع درازی است که گوشه شمال غربی آن نزدیک مغرب شهر است. این ناحیه یک دشت دریائی است که بین دریا و سلسله جبال که ارتفاع آنها معمولاً از ۳۰۰۰ پا متجاوز است قرار دارد. نقطه برجسته این ناحیه کوه گیناواست که ارتفاع قله آن در نقطه در ۱۸ میلی شمال - شمال غربی بندرعباس به ۷۷۸۳ پامیرسد. کوههای سمت شمال با شیب زیاد بالا رفته اند و در کوه نمک در منتهی الیه غربی به ۴۴۸۱ پا و در کولنیان در سمت شرق به ۶۰۵۷ پا میرسند. بین این دو نقطه چهار فاصله است که محل دره های بزرگ بسوی دشت است و کوهستان شکل نا منظم و غیره متصل بخود گرفته است. سلسله کوه زندان که تپه های و دبار نیز خوانده میشوند در سمت مشرق این ناحیه در همه جا تقریباً ارتفاع یکسان در حدود ۳۰۰۰ پا دارد. کوه بزرگی که خارج از این ناحیه است ولی از خلیج فارس دیده میشود کوه فرغون است که در ۴۲ میلی شمال بندر عباس واقع و ارتفاع آن ۱۰۷۵۸ پا است و در فصل زمستان از برف پوشیده شده است.

یک تپه یا پشته کوتاه از سنگ سیاه بموازات ساحل بفاصله سه تا ده میل وجود دارد و این ناحیه را بدو قسمت که خصوصیات مختلف دارند تقسیم میکند. بطور کلی ارتفاع این پشته در حدود ۲۰۰ پا است ولی در نقطه در سیزده میلی مغرب و شمال بندرعباس و در فاصله شش میل از دریا ارتفاع آن به ۱۶۴۵ پا میرسد. دشت حاصلخیزی بسمت مشرق تا کوه وجود دارد و بین پشته و ساحل قطعه باریکی است که نمک زار است و در بعضی نقاط نخلستان و کشت زار کوچک در آن دیده میشود. از این پشته تعدادی مسیل های عمیق که بجز در فصل باران خشک است بسمت ساحل کشیده شده است.

محصول عمده نواحی ساحلی خرما و جو است که غذای عمده اهالی را تشکیل میدهد و در بعضی نقاط گندم و تنباکو نیز بعمل می آید.

شهر میناب که در ساحل چپ رودخانه میناب قرار دارد در سمت مشرق تپه هایی که ارتفاعشان تا ۶۴۰ پا میرسد آنرا احاطه کرده. در سمت جنوب



شهر کشت زارها و باغهای متعدد است و در اینجا منطقه نخلستان که شش میل عرض آن است شروع میشود و در امتداد رود میناب تا ۱۳ میلی دریا امتداد می یابد . بطوری که تخمین زده شده است در این نقطه در حدود ۲۰۰۰ خانه وجود دارد که جمعیت آن تقریباً ۱۰۰۰۰ نفر میشود .

بندر عباس در کنار خلیج کوچک قرار دارد و شامل يك هزار خانه خشتی سقف مسطح است و در حدود یازده میل و نیم در امتداد ساحل و نیم میل در داخله خاک امتداد دارد.

بزرگترین و مهمترین جزیره خلیج فارس در این قسمت جزیره قشم است که در مقابل ساحل قرار دارد و از لنگه تا بندر عباس امتداد دارد . جزائر لارک و هنگام را میتوان از نظر جغرافیائی از ضنائم قشم محسوب داشت . طول جزیره قشم در درازترین نقطه شصت و هشت میل و حد متوسط عرض آن ده میل است . تقریباً تمام جزیره را تپه های کوتاه پوشانده و ارتفاعات جالب توجهی دیده نمیشود مگر کشکوه که مرتفعترین قله جزیره است و تقریباً در وسط جزیره در هفده میلی بصیدو قرار دارد و ارتفاع آن ۱۳۰۰ پا است . بجز دهکده ها جزیره قشم متروک و بی جمعیت است ولی در تپه های آن بعضی حیوانات زندگی میکنند . بعضی تپه ها از جمله نمکدان نزدیک ساحل در قسمت جنوب غربی جزیره دارای معدن نمک بسیار خوب است و بمقدار زیاد صادر میشود .

جمع کل جمعیت این جزیره در حدود ۱۳۵۰۰ نفر تخمین زده شده که نژاد مخلوطی از عرب و ایرانی هستند ولی اعراب نفوذ دارند . اکثریت آن ها سنی هستند . در سال ۱۸۹۸ زلزله شدیدی عده زیادی از دهات را منهدم کرد . زبان آنها مخلوطی از عربی و فارسی است .

در این جزیره سی و سه دهکده وجود دارد و قشم که در منتهی الیه شرقی است دهکده عمده محسوب میشود . در سمت پشت و جنوب آن زمین بتدریج ارتفاع پیدا میکند تا شمال غربی شیب آن تند میگردد آب و هوای آن خنک تر از بندر عباس است . جمعیت قشم طبق ارقام موحود ۳۵۰۰ نفر است و اکثر آنها عرب هستند .

جمعیت همه لارستان در حدود ۹۰،۰۰۰ نفر تخمین زده شده است . آنها نیکه کنار دریا زندگی میکنند بیشتر عرب و زارعین و کشاورزان اغلب

علاوه بر دوطبقه نامبرده عده زیادی افراد بادیه نشین عرب را باید بحساب آورد که گرمسیرشان در لارستان است. اینها اغلب از اعراب جباره هستند که گرمسیرشان در این ایالت است ولی قسمتی از قبائل شیپانی نیز در فصل زمستان باین ناحیه میآیند. برای جزئیات شعب مختلف و محل سکونت آنها مراجعه شود به صفحات ۲۴۴ - ۲۶۸.

جمعیت بندر شیب کوه (مغرب رأس بوستانه) اغلب عرب هستند که اکثر سنی و عده قلیلی شیعه میباشند. بهر دو زبان فارسی و عربی تکلم میکنند ولی بتدریج در بین افراد ایرانی اطراف خود مستهلك میشوند اگرچه سعی میکنند طرز لباس عربی خود را حفظ کرده و بین خود بربی صحبت میکنند. از قیافه و خصوصیات جسمانی آنها پیدا است که با همسایه های ایرانی خود از لحاظ نژاد فرق دارند. جمعیت بندر عباس در حدود ۱۲۰۰۰ نفر تخمین زده شده است و در فصل تابستان این عده به کمتر از یک چهارم تقلیل می یابد و اکثر اهالی به ناحیه میناب میروند که نخلستان فراوان دارد و هوا نسبتاً بهتر است. اهالی بندر عباس مخلوطی از ایرانی و بلوچی و عرب و افراد از اولاد سیاهپوستان هستند که عباسی نامیده میشوند. زبان رسمی فارسی است ولی اغلب اهالی یک نوع لهجه مخصوصی حرف میزنند که فقط در بین خودشان فهمیده میشود. جمعیت بیابان در ۸۰۰۰ نفر است که اغلب بلوچی و از قبائل رئیس و هات بوده و مذهب آنها سنی است.

اهالی شمل ایرانی هستند که بمقدار قابل ملاحظه با اعراب و بلوچی-ها مخلوط شده اند. زبان عمومی این ناحیه فارسی است که هرچه از بندر عباس دورتر میشود خالصتر میگردد. باستثنای در حدود ۱۲ دهکده که همه از بندر عباس غربی هستند و اکثراً سنی میباشند مردم این ناحیه بطور کلی شیعه هستند. در حدود ده تا پانزده سال قبل تعداد جمعیت این ناحیه بغیر از بندر عباس و میناب تقریباً ۲۵ هزار نفر بود.

جمعیت میناب در تابستان ۱۰ هزار و در زمستان ۷ هزار نفر است و شامل عده زیادی عرب و سیاهپوست و عده قلیلی تاجر هند و می باشد. در تابستان بعلت آمدن عده زیادی از بندر عباس و جزیره قشم که برای کار در نخلستانهای ناحیه

میناب و فرار از گرما و بی آبی بندرعباس و جزیره قشم می آیند جمعیت آن افزایش می یابد. قسمت عمده ساکنین دائمی مهاجرین از لار و جهرم و بحرین هستند که در میناب استقرار یافته اند. هندوها اغلب از قایمیل های حیدرآبادی بندر عباس میباشند که املاک عمده دارند. جمعیت احمدی در حدود یک هزار نفر است.

### کرمان

ایالت کرمان بسیار کوهستانی است و بعضی از قلل آن متجاوز از ۱۵ هزار پا از سطح دریا ارتفاع دارد سلسله جبال عمده قسمتی از سلسله کوهستان های شمال غربی و جنوب شرقی در ایران قرار دارد و در این ایالت نیز سمت کوهستان بهمین ترتیب است. در سمت مغرب کوهستانها شامل یک سلسله ارتفاعات میباشد که از لوت تا ساحل خلیج فارس بسط دارند. در سمت مشرق این سلسله بتدریج باریک میشود تا به سلسله جبل باریز میرسد که دشت بمپور را از دشت لوت جدا میکند.

دره های حاصلخیز زیادی که در بین کوهها قرار گرفته اند محل کشت و زرع و باغ و بوستان است. تپه ها پر از درخت و بته است و درختان آن عبارتند از بلوط و انجیر و سرو. حیوانات شکار در این تپه ها زیاد است.

قدری جنوب تر سلسله جبال بشاگرد دشت بمپور را از دریا جدا میکند و شامل یک سلسله عمده است که تقریباً از مشرق بمغرب امتداد دارد و سرچشمه رودخانه هائست که به خلیج عمان یا هامون موریان می ریزد. دامنه ها از اشجار و نباتات کوتاه معمول اینگونه نواحی پوشیده شده و هر جا نقاط مسطح باشد معمولا درختان خار دار از قبیل بو و انواع مختلف فامیل اقاقی و درخت گل ابریشم دیده میشود که اغلب به بلندی چهل تا پنجاه پا وضخامت شش پا میرسند. جویبارها نسبتاً آب جاری دارند. در نواحی بیابانی و خشک سمت مغرب و جنوب و مشرق کرمان آب مورد مصرف دهکده ها باید از تپه ها که مسافت زیاد دارند بوسیله قنات آورده شود. نرماشیر و جیرفت کمتر از سایر نقاط این ایالت خشک هستند ولی در این جا نیز بخصوص در قسمت نرماشیر صحرا روز بروز نزدیکتر میشود. اکنون کمتر کوهستانی است که کاملاً از درختان جنگلی پوشیده باشد و جنگلها بتدریج از بین میروند و علت عمده آن عدم توجه اهالی و کسانی است که درختان را کننده و ذغال تهیه میکنند و هر چه از جنگل کم میشود باران نقصان می یابد.

ناحیه گرمسیر عبارتست از آن قسمت که بین کوهستان و دریا واقع شده است و در این ناحیه مرکب از شن و نمک زار است و تادشت رودبار و جیرفت بسط دارد . در این ناحیه نخلستان وجود دارد و خرما بعمل می آید .

رود هلیری یا هلیل تنها رودخانه مهم ایالت کرمان است . از کوهستان مغرب سر دویه سرچشمه میگیرد و پس از جریان بسمت جنوب شرقی از جیرفت و رودبار گذشته و به رود بمپور و هامون جزموریان ملحق میشود . گفته میشود که آب آن فقط تا بیژن آباد جاری است .

قسمتی از صحرای لوت داخل ایالت کرمان قرار دارد . کلمه لوت به صحرای لم یزرع اطلاق میشود و فرق آن با کویر اینست که ممکن است سطح آن گله گله از شن پوشیده باشد . ( رجوع شود به کتاب گابریل مورخ ۱۹۳۹ ) . هامون جزموریان بین بمپور و خانو قرار دارد . در مواقع باران کلیه ناحیه بین کلانراو در مشرق زه کلات در مغرب را آب فرا میگیرد . این دو نقطه حداصلی باطلاق است که در حدود پنجاه در بیست میل میباشد .

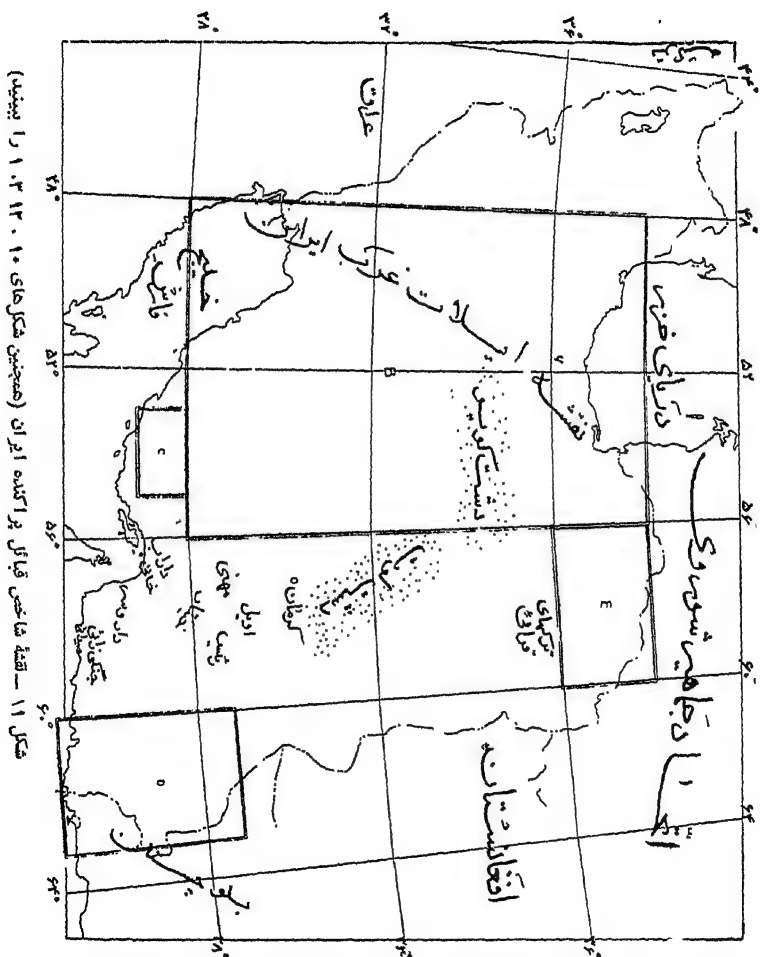
قبل از ماه آذر و بعد از فروردین باران بندرت می بارد . حدمتوسط باران شهر کرمان فقط ۵/۶ اینچ است در فلات گرما و سرما هرگز شدید نیست . فصل بین آذر و فروردین بخصوص در ماه دی و بهمن سرد است و درجه حرارت درست در این ماه معمولاً ۹ تا ۱۰ درجه زیر یخبندان است . درجه زیر صفر گاهی در ماه اسفند نیز مشاهده شده است . در ماه دی و بهمن برف می بارد ولی بنیر از فلات بندرت در نقاط دیگر برف دیده میشود .

در شهر کرمان از ماه اردیبهشت تا آبان تقریباً هر روز باد غربی می وزد و طوفان شن و خاک با خود می آورد . در دشت سروستان از شهر وردتا اباریق در تمام زمستان باد بسیار سرد می وزد . در تابستان در قسمت فلات نسیم خنک می وزد ولی قدری پایین تر باد گرم است و در لوت به حد شدید و خطرناک گرم میشود .

ایالت کرمان سابقاً به چندین ناحیه تقسیم شده بود که مهمترین آنها عبارت بود از : کرمان - خیش - رفسنجان - سیرجان - بم - نرماشیر - جیرفت - رودبار و پشاجرد . قسمتهای دیگر اغلب کوهستانی و کم جمعیت است .

۱ - ناحیه کرمان شامل شهر و ناحیه اطراف آن میباشد .

۲ - خبیس ناحیه کوچکی است که در پنجاه میلی شرقی کرمان واقع و



بوسیله يك رشته تپه از آن جدا شده است . این ناحیه محدود است از سمت مشرق و شمال شرقی بدلت بزرگ و جاده عمده کاروان روین کرمان و خراسان از کویر لوت از میان آن میگذرد .

۳ - رفسنجان که شهر عمده آن بهرام آباد است شامل دشتی است در حدود ۸۰ میل طول و ۲۰ میل عرض که تقریباً در جهت شرقی غربی قرارداد و در سمت شمال آب کوهستان کوه بدامان و در سمت جنوب آب رشنه کوهی که شمال پاریز و سعید آباد قرارداد بآن میریزد . این دشت از گل سخت تشکیل یافته و لم یزرع است و در سواره کرمان و یزد واقع شده است . از سمت مشرق بتدریج بر ارتفاع آن افزوده میشود و تا ۷۰۰ تا ۵۵۰۰ پامیرسد . این ناحیه از نود قریه متشکل است و جمعیت آن در حدود ۶۰ هزار نفر تخمین زده شده است که اغلب به کشت پنبه و تولید پشم اشتغال دارند .

۴ - سیرجان که محل عمده آن سعید آباد است ۸۰ میل طول و ۷۰ میل عرض آن میباشد و در حدود ۱۰۰ میلی جنوب غربی کرمان واقع شده است . اطراف سیرجان کوهستان است و بوسیله جویبارهای جاری از تپه های شمالی و شرقی آبیاری میشود . قسمت غربی آن کویر است .

۵ - بم و نرماشیر شامل دشت صاف و حاصلخیزی است که ۱۰۰ میل طول و بین ۳۵ و ۸۵ میل عرض آنست . عریضترین قسمت آن در شمال غربی بمپور است این ناحیه آب فراوان دارد و محصول آن غلات است .

۶ - جیرفت تقریباً در نیمه راه بین کرمان و بندرعباس قرار دارد . این ناحیه که ۵۰ میل طول و ۲۲ میل عرض آنست دارای جمعیت متشکل از ۲ هزار خانوار بوده است . این ناحیه در حدود ۳۰۰ پا از سطح دریا ارتفاع دارد و بوسیله هلیری رود آبیاری میشود و میزان باران و برف آن معمولی است در فصولی که برف و باران کم است در قسمت علیای این ناحیه آب برای کشت و زرع کافی نیست و بهمین جهت هر چهار سال یکمرتبه خشکسالی میشود و حتی در آنموقع نیز اهالی بوسیله آب قنوات مزارع خود را آبیاری کرده و دوسوم محصول عادی بدست میآورند . جمعیت آن کم است و در ماههای تیر و خرداد و شهریور همه کسانی که میتوانند بکوهستان میروند و در فصل زمستان که هواخنک میشود عده زیادی از افراد قبائل باین ناحیه میآیند و گله های خود را برای چرا باین قسمت میآورند .

۷ - رودبار ناحیه غنی است که شمالی بشاجرد واقع شده است ، مانند جبرفت آب آن فراوان ولی جمعیت آن کم است .

۸ - ناحیه بشاجرد از قسمتهای کوهستانی و بیابانی جنوب رودبار و هامون جزموریان تشکیل گردیده ساکنین آن منسوب به رودباریها هستند ولی خون سیاهپوست نیز در آنها است .

جمعیت کرمان بوسیله سایکس (۱۹۰۲b) ۷۵۰ هزار نفر و توسط نیوکمب (۱۹۰۵) يك میلیون نفر تخمین زده شده است که به خانه نشین و بادیه نشین تقسیم میشوند و بادیه نشین قسمت عمده ای از جمعیت را تشکیل میدهد . شهرنشین ها اغلب ایرانی هستند و گروههای متوالی مهاجمین در هر مورد بزندگی طبیعی و متحرک خود ادامه دادند .

کرمان پایتخت ایالت که ارتفاع آن ۵۶۸۰ پا است شهری است که دور آنرا صحرا فرا گرفته ولی چون محل تلاقی راههای بازرگانی است همیشه مرکز تجارتی مهمی بوده است .

جمعیت شهر کرمان بطور کلی از ایرانیهای مسلمان (شیعه و سنی) تشکیل میشود و عده ای فامیل غیر محلی اشراف شهر را تشکیل میدهند و بقیه به تجارت و دکانداری و قالی بافی مشغولند . عده ای ترك تبریزی نیز وجود داشتند که قبل از آمدن شرکتهای اروپائی صنعت قالی بافی در اختیار آنان بود ، چند فامیل ارمنی که بشغل منشی گری و نجاری مشغول هستند نیز در کرمان وجود دارند . در سال ۱۹۰۲ - ۱۹۰۳ جمعیت شهر کرمان در حدود ۵۰ هزار نفر تخمین زده میشد که از حیث آئین مذهبی از قرار ذیل بودند :

شیعه	۳۷۰۰۰	صوفی	۱۲۰۰
سنی	۷۰	یهودی	۱۶۰
بابی (بهائی)	۳۰۰۰	زردشتی	۱۷۰۰
بابی (ازلی)	۶۰	هندو	۲۰
شیخی	۶۰۰۰	جمع کل	۴۹۲۱۰

خبیس که ارتفاع آن ۱۸۶۰ پا است در ۵۶ میلی مشرق کرمان و در نقطه ایست که راه کاروان رواز کرمان بخراسان وارد لوت میشود . جمعیت آن در حدود ۵۰۰۰ نفر تخمین زده شده است که اغلب به تولید خرما و حنا اشتغال دارند .

خبیس و 'حۃ نسبۃ' پر آبی است ولی در تابستان گرمای آن بحدی شدید است که اکثریت ساکنین شهر را ترک کرده و به تپه‌های مجاور پناه می‌برند .

بهرام آباد که ارتفاع آن ۵۰۹۰ پا است در ۷۵ مایلی مغرب کرمان سر راه بین - کرمان و یزد واقع شده است . شهر عمده ناحیه رفسنجان اس و جمعیت آن در حدود ۵۰۰۰ نفر تخمین زده شده است .

سعید آباد که ارتفاع آن ۵۴۹۰ پا است در حدود ۹ هزار نفر جمعیت دارد . دور شهر را دیوار بلندی فرا گرفته و شهر در نزدیکی منتهی الیه جنوبی کویس بزرگ در دشت حاصلخیزی که درختان عالی دارد قرار گرفته است . سعید آباد سر راه بندر عباس و کرمان و یزد واقع است . بافت که ارتفاع آن ۷۲۹۰ پا است شهر عمده ناحیه اقطا بود و ۲۰۰ خانه و ۲۰۰ نفر جمعیت داشت . این شهر در سر راه جاده بین بندر عباس به کرمان قرار دارد .

هم که ارتفاع آن ۳۵۰۰ پا است در ۱۲۰ مایلی جنوب شرقی کرمان تقریباً در ۸ مایلی لبه لوت در ناحیه حاصلخیز و غنی هم - نرماشیر قرار دارد . جمعیت آن تقریباً ۱۳ هزار نفر است . در زیر نام و تعداد خانوار قبائل بادیه نشین که در نقاط مختلف کرمان زندگی می‌کنند داده میشود .

هم و نرماشیر : گورگندی (۳۰۰) - هوت (۱۵۰) - میررکی (۵۰) - محمد غلامی (۵۰) - نداتی (۱۰۰) - پلنگی (۴۰) - رئیس (۷۰۰) - سرحدی (۴۰) - شیخی (۳۰۰) .

بلوچی و سوخته (۵۰) .

خبیس: مسافری (۵۰) .

راور : غرنخمی (۵۰) .

زرنند : سنگچولی (۲۰) - عیدوچی - محمد رضاخانی - حسنخانی - زلاغی - سوکی - مکاراری گذر (۱۰۰۰) .

رفسنجان : خفاجائی (۶۰) .

سیرجان: افشار (۱۰۰۰) - ارشلو و سعیدو (۱۰۰) - عطاءاللهی (۱۰۰) -

بیگزاده (۲۰) - باوردی (۱۰) - بیچاره (۱۵) - بوچکچی انکالی (۴۰) -

بوچکچی قره‌علی (۵۰) بوچکچی خرو و سعلی (۳۰) - بوچکچی نوکی (۲۵) -

بوچکچی سرسیدعلی (۵۰) - دراگاهی (۲۰۰۰) - فارسی و نعمت‌اللهی (۲۰) -



جلوایی (۲۵) - خواجوئی (۱۰۰) - کرائی (۶۰۰) - خراسانی (۷۰۰) - سرزنده (۱۰) - شول ترکی (۹۰) - سیا (۱۰) - طایری (۱۵) - یعقوبی (۲۰) .  
 بردسیر : افشار عموئی (۲۵۰) - افشار میرحبیبی (۲۵) - احمد نظری (۲۰) - عسکر سیرجانی (۲۰) - بداوی کوه پنج (۱۰۰) - بدوئی (۲۵۰) - بدوئی حاجی خان (۲۰۰) - بلوچ (۳۰۰) - چرا به (۱۳۰) - غیاثی (۱۰) - قدری (۶۰) - (حافظی) ۲۰ - ایلاقی (۵۰) - اذاجا (۷) - کوماچای (۱۰) - کتلو (۶۵۰) - لری کوه پنج (۱۲۰۰) - مستانی (۱۰) - معصومی پنج (۱۰۰) - مزنگ (۵۰) - نوشادی (۲۵۰) - پشت گدزی (۱۰) - پشت کوهی (۸۰) - سرگدزی (۲۰) - شیخ کوه سفیدی (۷۰) - سیاه جل (۸۰) - سرخی عرب خان (۲۵۰) - یاکودی (۱۰) - یونسی (۱۰) - زلاله (۲۰) .  
 پاریز : عرب حاجی حسین (۲۰۰) - بدوئی (۶۰) - لکو (۱۰) - لری (۲۰۰) رودخانه فریدونی (۱۰) .

اقطار و افشار : جمال بازاری (۵۰) - قره قوینلو (۱۵۰) - سیوندی (۱۰۰) - تکالو (۳۰۰) - علی غزالو - فاسملو - جالو - عموئی - پیر مرادلو - جان کولی عشاقی - فارسیمدان (۳۰۰) - بنك (ناحیه رمبر) : دره مرادی - گودعلی - الیاسی - میرزائی - یارقائی (۱۰۰۰) - درویشی - گداری - جارچی - خدور - خواجه داعی - نمازی - شهبواری - سهرابی - تهرانی - ضرابی - زردشتی (۱۰۰۰) .  
 اسفنداقه : عنائی (۲۰) .

رائین : آقا رضا (۲۰) - حبیب (۳۰) - نوشادی (۷۰) - مقبلی (۱۰۰) جمال بریز : آقامدادی (۵۰) - امجدخان (۴۰۰) - دمانی (۳۰) - درم چنی یا محمد ناصری (۱۰۰) - دومر (۵۰) - فیوج یا لولی (۱۰۰) - کچکوهی یا خوجه (۱۰۰) - قائد (۴۰) - مشکونی - (۱۵۰) - میجان (۳۰) - پهلوان (۲۰۰) - سنجر بلوچ (۴۰۰) - شیخ (۵۰) - صلائی و میرشکار (۱۵۰) .  
 سر دویه : اردلو (۱۰) - بزسخ (۱۰) - ده کنا (۱۰) - دیگوئی (۱۵) - فراشی (۴۰) - گروی (۱۵) - کناشی (۴۵) - غرائی (۱۰) - کشیمو (۱۰) - کردز (۲۰) - مقبولی (۵۰) - میرصلاحی - کوچامی (۱۰۰) - سلندری (۱۲) - سر بزائی (۷) - سرحدی (۲۵) - شیخ (۱۲) - تیرگر (۱۵) .  
 جیرفت : ولی عشاقی .

رودبار : دهخانی - گرکی - گولاشی کردی - گورجندی - جینی - جولا -

جری- کله مرزی- قندری- کوه شهری- کوه سرانی- لار- لرك- منوجان- مرادی-  
نوذرائی- روحانائی- سرباغی- سرحدی- شاه ولی- بر- شمبویه- ترکی .  
بین رهبر ویزنجان : عنائی (۲۰)- بره بهارلو- (۴۰)- فیوج یالولی  
(۳۰۰)- خالو (۵۰)- میرو (۳۰) .

هرودوت (III-۹۴) از قبيله كوهنورد پرچان باريز نام ميبرد. اولابمناسبت  
محاسبه ماليات پريكانيها و ثانياً در مورد « آسيائيها چهره سوخته » در ارتش  
خشايارشا (VII-۸۶۹۶۸) ممكن است اينها طبق نظر بعضی از نويسندگان عرب  
قفهای عمان ويمن باشند. بعضی از سياحان معتقدند كه قفها ممكن است مغربي ترين  
عناصر دراويدهای هندوستان باشند .

### بلوچستان

بلوچستان<sup>۱</sup> ایران به قطعه وسیع و کم جمعیت که در امتداد سرحد شرقی  
ایران در کنار بلوچستان انگلیس واقع است اطلاق میشود . طول آن از گواتر در  
جنوب تا کوه ملک سیاه در شمال تقریباً ۳۵۰ میل و عرض آن از کوهك در مشرق تا نزدیکی  
کلانز او در مغرب در حدود ۲۵۰ میل است اکثریت جمعیت آن بلوچی هستند .  
تشکیلات اجتماعی بلوچستان ملوک الطوائفی است و قدرت در دست رؤسای محلی که  
سردار یا امیر نامیده میشوند و مالک عده زیادی غلام و برده هستند میباشد . در حدود  
یک هزار خانوار آنها به سیستان (زابلستان) وقایع مهاجرت کرده و ۳۰۰ خانوار  
دیگر به نقاط دیگر خراسان رفته اند ولی اغلب با اقوام و خویشان خود ارتباط دارند.  
بسیاری از آنها خود را از نژاد عرب میدانند و ایرانیها را قاجار می نامند و بیشتر سنی هستند.  
بلوچستان- چهار ناحیه اداری که مرزهای آن چندان مشخص نیست تقسیم  
شده است . از نظر بحث این کتاب لازم است که این تقسیم بندی مورد استفاده واقع  
شود . این تقسیم بندی عبارت است از : مکران ایران که شامل همه ناحیه کم ارتفاع  
از ساحل تا آبریز کوههای لشر میباشد - بمپور در شمال سلسله لشر که کرمان در  
مغرب آن واقع میشود- دیزك در مشرق بمپور و هم مرز با بلوچستان انگلیس- سرحد

---

۱- بلوچستان ایران سابقاً جزئی از ایالت کرمان محسوب می شد ولی بعد از  
شکست برانزائیها ولایت بلوچستان توسط فرماندار نظامی مقيم اداره شد. برای  
اطلاعات بیشتر درباره این ناحیه رجوع شود به نوشته اسکرین (Skrine ۱۹۳۱)  
و گابریل (۱۹۳۹).

در شمال دیز که بلوچستان انگلیس سمت مشرق آن قرار دارد بعلت وسعت خاک آب و هوای بلوچستان ایران متنوع است. ناحیه ساحلی مکران بسیار گرم و مرطوب و ناسالم است در حالیکه هر چه بطرف شمال و رو بارتفاعات برویم هوا خنک تر و سالم تر میشود. دره های ناحیه بمپور در فصل تابستان خفه کننده است و شهر بمپور از نظر بد آب و هوایی ناسالمی معروف است. در ارتفاعات سرحد وضع کاملاً فرق میکند. در اینجا هوا خشک و مطلوب است و در فصل زمستان برف و یخبندان وجود دارد. در حقیقت در ماه فوریه طوفان برف حتی در بمپور هم دیده شده است. در قسمت کوهستان چهار فصل مشخص است ولی سمت جنوب فقط دو فصل دارد فصل گرما و فصل سرما.

در مکران فصل سرما از آبان تا اردیبهشت طول میکشد و گرما از خرداد تا آبان. درجه حرارت در زمستان در سواحل بین ۸۷ و ۹۴ و حداکثر درجه حرارت در تابستان از ۹۴ تا ۱۱۰ درجه است. باران نامعین است ولی معمولاً بین آذر و بهمن و گاهی تا اسفند نیز ادامه مییابد. در متوسط میزان سالیانه باران بین شش و هفت اینچ است ولی در امتداد ساحل هیچوقت از سه یا چهار اینچ زیادتر نیست.

قصر قند از حیث پشه معروف است و در نتیجه مالاریا در این نقطه شیوع دارد. در گه که فاصله زیادی با آن ندارد بین اردیبهشت و آبان گرما بسیار شدید است ولی این ناحیه ناسالم بنظر نمیرسد و مردم آن از مالاریا مصون هستند.

آب و هوای بمپور حتی برای بلوچستان بد است. در اثر آبیاری اراضی در امتداد رودخانه و صحرای شن سوزان آنسوی آن درجه حرارت بطور ناگهان تنبیر میکند و گاهی بسیار خشک و گاهی سخت مرطوب میشود. در زمستان هوا مطلوب است ولی در آن فصل نیز اختلاف گرما و سرما نیز شدید است. در اسفند هوا شروع میکند بگرما و در فروردین معمولاً گرم و ناسالم میشود. در سرحد ماههای تابستان گرم و خشک است و شبها درجه حرارت پایین میآید و باد و طوفان شن زیاد است. باستانی ماه شهریور که گاهی باران میبارد فصل تابستان باران ندارد. طوفانهای زمستانی از خلیج فارس از سرحد میگذرد و مرکز این طوفانها معمولاً رو بسمت جنوب است ولی کوه تفتان هر چه رطوبت در هوا است بخود جذب میکند و در نتیجه نواحی اطراف کوهستان در سالهای عادی باران کافی دارد. بادهای زمستانی گاهی سخت سرد است و در قله

کوه تفتان معمولاً تا آخر خرداد برف دیده میشود . ارتفاع آن ۱۳۰۳۴ پا است . مکران از ساحل به داخل خاک تا آبریز اولین رشته تپهها امتداد دارد و شامل سرزمینی است که حد متوسط عرض آن از شمال بجنوب شصت میل است بجز سمت مغرب . در اینجای تپههای بشاجرد بدریچ نزدیک ساحل میشوند و ناحیه جاسک را باریک کرده و بعرض کمتر از بیست میل میرساند . از ساحل تا بیست میل دشت شن زاری است که چند رودخانه از آن عبور میکنند و اغلب نقاط از درخت یابسته گز پوشیده شده است . بعد از این دشت يك رشته تپه است که حد متوسط ارتفاع آنها بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ پا است این تپهها از خاک رس تشکیل یافته و بالای آنها سنگ سیاه است .

بعد از این رشته تپهها سلسله کوههای سنگ آهك لشركوه و كوه بم پشت است که در واقع خارج از حیطه مکران است ولی سرچشمه رود های این ناحیه میباشد . در جنوب همه رودخانهها بدریامیریزد که عبارتند از رودخانههای نهنگ و سرباز و کاجو و گه و ریچ .

اغلب رودخانهها بجز بعد از فصل باران فقط قسمتی در سطح زمین هستند و بیشتر زیر زمین جاری هستند و این مطلب مانع از تبخیر آب میشود . خاک این ناحیه نسبتاً خوب و آب بقدر کفایت است و در بعضی نقاط مراتع عالی وجود دارد .

دهکده های مکران عبارتند از: گه (ارتفاع ۱۵۰۴ پا ) دهکده بزرگ و مهمی است که شامل ۵۰۰ خانه است . بت (ارتفاع ۱۴۰۰ پا ) ده بزرگی است که اهالی آن اغلب بلوچی و عدهای غلام هستند و تعداد آنها در حدود ۲۰۰۰ نفر است . از محصول خرما که در این ناحیه بعمل میآید زندگی میکنند . مذهب در اینجا و سایر دهات و قصبات در بین اهالی بجز در میان بادیه - نشینها نقش عمده دارد . مالاها خود را سنی معرفی میکنند ولی در حقیقت صوفی هستند . قصر قند (ارتفاع ۱۷۷۰ پا) دارای ۱۸۸۰ نفر جمعیت است که اغلب بلوچی هستند . باهوکلالت دهی که اهالی آن ۱۰۰۰ نفرند در ۳۸ میلی

۱ - رجوع شود به نوشته سایکس در نشریه انجمن جغرافیائی جلد ۱۰ ص ۵۸۶ - ۵۸۸ و کتاب چاپ ۱۹۰۲ صفحه ۱۳۲ - ۱۳۴ و ۳۵۴ - ۳۵۵ . همچنین اسکرین Skrine .

شمال گواتر قرار دارد. چیر در مغرب گواتر مهمترین شهر ساحلی است. زبان اهالی مکرانی است که يك لهجه بلوچی میباشد. زبان هندوستانی محولا فهمیده میشود ولی زبان فارسی بندرت بکار میرود. جمعیت آن در حدود سه هزار نفر است که اغلب بلوچ وعده کمی سیاهپوست هستند. در سالهای اخیر در حدود ۳۰۰ نفر حیدر آبادی و ۲۰۰ نفر خوجه که تاجرو دکاندار هستند و تجارت شهر در دست آنها است در این شهر دیده میشوند.

مکران محل سکونت قبائل مختلف است که اغلب بلوچ هستند و اکثر آنها خود را از نژاد عرب میدانند. جمعیت مکران در حدود ۱۴۰ هزار نفر تخمین زده شده است.

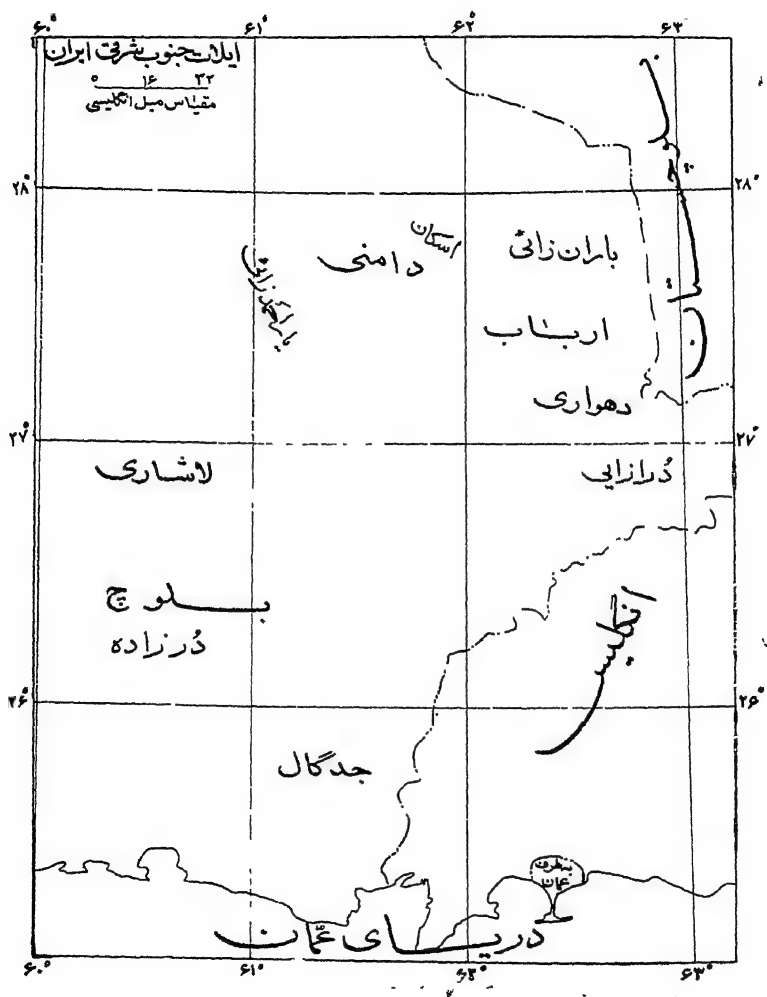
قبائل عمده مکران از قرار زیر است.

بلوچ- افراد این قبیله که از حیث تعداد بزرگترین قبیله مکران است در همه جا از لشر گرفته تا جنوب بمپور و سراسر مکران تاجاه بهار و سواحل دیده میشوند. این افراد مردمی خوش بنیه و طاقت دار هستند و بسیاری از آنان بادیه نشین میباشند.

شیرخانزائی نهروئی- این مردم در اصل از رود بار آمده اند و در اوایل قرن در حوالی بمپور سکونت اختیار کردند. مدت دو قرن بمپور در تسلط آنان بود تا اینکه ایرانیان آنها را از آن ناحیه راندند و سپس در فنوچ و گه مستقر شدند.

بولدی- بولدیها افتخار میکنند که قدیمیترین فامیل بلوچستان ایرانند ولی قسمت عمده املاک خود را از دست دادند و در اثر ازدواج در قبائل دیگر بخصوص شیرخانزائی مستهلك شدند. عده ای از آنها بالاخره جاسک و قصرقند و فنوچ را اشغال نمودند.

(۲) دشت بمپور که حد متوسط ارتفاع آن ۱۹۰۰ پا است بین رشته جبال بارز در شمال و تپه های بشاجردو کوه لشر در جنوب قرار دارد. قسمت عمده این دشت صحرای شن است و پشته های شن در بعضی نقاط تاکوهپایه بسط دارد. در مرکز دشت در قسمت غربی آن باطلاق ها-ن جزموریان است که آب رود هلیری در سمت مغرب و رود بمپور در سمت مشرق و جویبارهای جاری از کوهستانهای شمال و جنوب را جذب میکند. در امتداد رود بمپور و شعب



شکل ۱۲ قبائل جنوبی ایران

آن باریکه زمین حاصلخیز و پسر درختی است که با سایر نقاط صحرائی دشت فرق دارد.

شهرهای عمده ناحیه بمپور عبارتند از بمپور و فهرج. بمپور با ارتفاع ۱۹۰۶ پا اکنون ده کوچک خرابی است و دیگر پایتخت ناحیه محسوب نمیشود. پایتخت فعلی این ناحیه فهرج است که اکنون ایران شهر نام دارد و در هفده میلی مشرق بمپور واقع شده است<sup>۱</sup>. جمعیت فهرج بین ۱۲ هزار تا ۱۵ هزار نفر تخمین زده شده است.

تازمان فوت بهرام خان برانزائی در ۱۹۲۱ هم بمپور و دیزک و ناحیه سرباز تحت تسلط خانواده برانزائی بود که اصلا از دیزک آمده و این ناحیه را اشغال کرده بودند.

اهالی بمپور اکثراً بلوچی و از قبائل مختلف هستند و تخمین تعداد آنها مشکل است. اهالی شهر بمپور از نژادهای مختلف میباشند و نفوذ سیاهپوستان در آنها مشاهده میشود. زبان آنها بلوچی مکران است. فهرست و صورت قبائل بلوچ بمپور در زیر داده میشود:

برانزائی - این افراد اصلا از نژاد افغانی هستند و اولین بار در جلق و دره دیزک مستقر شدند. بتدریج آنقدر قوت یافتند که فامیل حاکمه یزرگزاده را انداختند و تحت رهبری بهرام خان برهمه بمپور تسلط یافتند.

بلوچی - مراجعه شود به صورت هر بوط به مکران.

بلوچ لشری - درباره بلوچهای لشری در جنوب دشت بمپور بین پپی و کوه اپوران زندگی میکنند اطلاع زیادی در دست نیست. از بلوچهای معمولی بلندتر و قوی هیکل ترند. اگر چه بادیه نشین هستند در فصل خرما به دهات بر میگرددند.

(۳) دیزک بین بمپور و سرحد بلوچستان انگلیس قرار دارد و در شمال آن ناحیه سرحد و در جنوب آن مکران است. ناحیه کوهستانی است که بوسیله یک رشته کوههای بلند که مهمترین آنها کوه بم پشت است از هم جدا شده است. رود مشکل از وسط آن از مغرب بمشرق جاری است. بعضی از

۱- رجوع شود به نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی جلد ۸۰ صفحه ۲۶۸ و مقایسه شود با نوشته اسکراین ص ۳۲۴ یادداشت ۲ ذیل صفحه.

قسمتهای این ناحیه از حاصلخیزترین نقاط بلوچستان ایران محسوب میشود . فقط دو شهر مهم در این ناحیه وجود دارد . دیزک که قلعه‌ایست در دره‌ای در حدود ۱۵ میل در ده میل قرار دارد و ارتفاع آن در حدود ۴۰۰ پا است و بوسیله شعب رود مشکل آبیاری میشود . این دره بادره سیب و مگس از حیث حاصلخیزی شهرت دارد . سیب بارتفاع ۳۶۵۰ پا شهری است در حدود ۱۵۰۰ خانوار و در کنار یکی از شعب رود مشکل واقع شده است . عرض دره سیب در حدود هشت میل است .

دیزک که سابقاً در اختیار بزرگزاده‌ها بود به تسلط برانزائی‌ها درآمد . برانزائی‌ها بطور کلی در حوالی دیزک و حلق و ایران‌شان زندگی میکنند . قبائل دیگر ناحیه دیزک از این قرارند :

بزرگزاده - اینها از نژاد کردند و اصلاً از بخارا در ترکستان شوروی آمده‌اند . نسلها فامیل حاکمه این ناحیه بودند ولی همینکه بتدریج بر نفوذ برانزائی‌ها افزوده شد بزرگزاده‌ها از اهمیت افتادند .

کرد - بازماندگان کرد هائیکه سابقاً به سرحد تسلط داشتند به دیزک آمدند . تعداد خیلی از آنها در مگس وجود داشتند ولی بتدریج از بین رفته‌اند . نوشیروانی - قسمت کوچکی از رندها بودند که در اصل در بلوچستان انگلیس زندگی میکردند و بایران آمده نزدیک کوهک استقرار یافتند .

(۴) سرحد محدود است از طرف شمال به سیستان و جنوب افغانستان در خطی از دهانه باغی تا کوه ملک سیاه . ناحیه کوهستانی است که دره‌های مرتفع که تا ۴۰۰ تا ۵۰۰ پا از سطح دریا ارتفاع دارند در آن وجود دارد . از مشخصات عمده این ناحیه کوه تفتان است که درست در مرکز آن واقع شده است . بغیر از آن ظاهر این ناحیه بیابان بی آب و علفی است که دشت و دره‌های آن فاقد سبزی و درخت است و چشم چیزی نمی‌بیند بجز خاک قهوه رنگ فرسوده و گرده باد در آن فراوان است . آب جاری از کوه تفتان بعضی نقاط را آباد کرده است . دره عمده آن یعنی دره وشت در حدود سی میل طول دارد و در جهت جنوب شرقی واقع شده است تردیدی نیست که زمانی این دره حاصلخیز بوده ولی قبائل دمانی آنرا به صحرا تبدیل کرده‌اند و فقط نقاط کوچک پراکنده کشت میشود .



جمعیت ناحیه سرحد بطور کلی بادیه نشین هستند و بر حسب دست یابی به مراتع محل خود را تغییر میدهند. غله مورد احتیاج خود را از سیستان و نرماشیر وارد میکنند.

شهرهای عمده آن عبارتند از: دشت (خاش) ۱ بارتفاع ۴۵۰۰ پا محلی است که بعلت خاک حاصلخیز و وجود آب امکان توسعه و آبادی آن زیاد است. دزداب (زاهدان) واحه کوچکی است بارتفاع ۴۵۰۰ پا که بعلت واقع شدن در انتهای راه آهن کویت اهمیت پیدا کرده است - گوشت بارتفاع ۴۸۰۰ پا در شست میلی جنوب وشت در مرز جنوبی سرحد قرار دارد.

این ناحیه بین ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۶ کاملاً تحت تسلط دمانیها قرار داشت.

قبائل عمده آن عبارتند از:

ریکی - قبائل ریکی در ناحیه‌ای بین دامنه شمالی کوه تفتان تا هلمند سکونت دارند و بسه شعبه عمده تقسیم میشوند که فقط ناتوزائیها ساکن دائمی سرحد میباشند. این گروه از ۵۰۰ تا ۶۰۰ خانوار متشکل است و مالک گله‌های بزرگ گوسفند و بز میباشند. مرکز عمده آنها لدیس است که حدود آن عبارتست از سمت مغرب خط دزداب - شورگزر و از سمت جنوب خط شورگزر - کوه تفتان - ریگ ملک و از شمال شرقی به بلوچستان انگلیس.

اسمعیل زائی - اسمعیل زائیها در مغرب ریگیها در تپه‌های جنوب خط دهانه باغی - کوه ملک سیاه و از جنوب تا کوه مرغک زندگی میکنند. از قبیلہ توخی هستند و گفته میشود که در اصل تحت تسلط سنجرائیها بودند. اساساً بادیه نشین هستند و مستقل تراز ریگیها میباشند. تعداد آنها در حدود ۴۰۰ خانوار و متشکلند از: اله بخش زائی (۱۰) - بلوزائی (۱۰) - درازائی (۵۰) - فقیر زائی (۵۰) - هادی زائی (۲۰) - کمر زائی اسمعیل زائی (۶۰) - جمشیر زائی (۱۵) و رادوزائی (۳۰). قبائل زیر را که اسمعیل زائی خالص نیستند ولی سالها است بین آنها زندگی میکنند میتوان با آنها اضافه کرد: گورکیچ (۲۰) - حسن زائی (۳۰) - کمر زائی محمد زائی (۵۰) - محمد زائی (۱۲) -

۱- اسکر این (ص ۳۲۶ - ذیل صفحه) این کلمه را خواش یا خاش ذکر

کرده است. گفته میشود که در ۱۹۱۶ و ۱۹۲۹ سنگهای شهابی در این ناحیه افتاده است.

شاهوزائی (۲۰) - تاتوزائی (۲۰) - دمانی - دو تیره مشخص دمانی وجود دارد یکی یار احمد زائی و دیگری گمشادزائی . (اسکراین صفحه ۳۲۶) . دسته اول همیشه در حوالی خاش و سمت بمپور زندگی کرده اند و دسته دوم بیشتر سمت جنوب و جنوب شرقی بودند و مرکز آنها در گوشت و جلق است و به تناوب مراتع سفیدکوه و نوکداردره را مورد استفاده قرار میدهند .

یاراحمدزائی ها کاملاً با نیه نشین و افراد خوش هیکل میباشند . تعداد آنها در حدود ۲۵۰ خانوار و متشکلند از : میرغولزائی - محمدغولزائی - روشن - زائی - شیرازائی - سهرابزائی - باینها گروههای کم اهمیت زیر را که اگر چه یاراحمد زائی نیستند ولی با آنها رابطه نزدیک دارند میتوان اضافه کرد : بورانزائی - جمشیرزائی - محمد زائی - دهرزائی ، تعداد گمشادزائی ها ۳۰۰ تا ۳۵۰ خانوار و شامل شعب زیر میباشند . عرضه زائی گوشت (۴۰) - دادخدا - زائی (۷۰) - کرم زائی گوشت (۲۰) - حهانگیر زائی (۳۰) - مزار زائی سیب (۶۰) - مراد زائی (۵۰) - محمدزائی گوشت (۲۰) . باینها میتوان گیسادزائی - هارا (۳۰) که در جلق زندگی میکنند اضافه کرد .

کرد - کردها در حوالی کوشا و خاش و تمین هستند و تعداد آنها قلیل و از باقیمانده گان آنهائی هستند که زمانی سرحد را در اختیار داشتند .

میربلوزائی - این يك قبیله زارع و مالك و از نژاد کرد هستند . در نقاط مختلف حاصلخیز سرحد زندگی میکنند . عده زیادی از آنها در دره نراب میباشند .

هاشم زائی - گروه کوچکی (۴۵ خانوار) زارع و گله دار هستند که زمانی میان قبیله ریگی بودند و از هاشم زائی های سیستان و بلوچ میباشند .

تمیندانی - تمیندانی ها که اصلاً پارسی هستند در حدود ۶۰ خانوارند . در ارتفاعات کوه تفتان زندگی میکنند و مردمانی قوی و سالم میباشند و همه احتیاجات خود را خود فراهم مینمایند .

براهوئی - این قبیله که از ۳۰ خانوار متشکل است نزدیک دجینک زندگی کرده و رهبری ریگی ها را قبول دارند . براهوئی ها مردمان قوی و خوش هیکل هستند .

خواشی - قبیله کوچکی متشکل از ۱۵۰ خانوار است که ظاهراً از بومیان اصلی هستند و در دره خاش زندگی میکردند . بادهورها که در جنوب درسیب و

بمپور زندگی میکنند نسبت دارند . هم آنها و هم براهوئی ها خود را اربابی میخوانند . یا بلوچها ازدواج نمیکند ولی در اثر سختی معیشت بسیاری از آنها مجبور شدند دختران خود را به یاراحمدزائی ها بدهند . قد آنها کوتاه است . در دیزک و تاحدکمتری در بمپور و سرحد اربابی ها و دهوورها زندگی می کنند که ظاهراً از اهالی اصلی و بومی این ناحیه میباشند . زارعین و کشاورزان خوبی هستند ولی درهمه جا تحت تسلط دیگران واقع شده اند .

ساکنین جاسک اغلب مکرانی که يك لهجه بلوچی است و کمی فارسی حرف میزنند . در سالهای اخیر ده ایرانی شامل ۲۸ خانه سنگی و ۷۵ خانه حصیری بود . جمعیت آن ۴۰۰ نفر شامل بلوچی و سیاهپوست میباشد که بماهیکیری و کشاورزی اشتغال دارند .

### سیستان

ناحیه سیستان که گاهی از ایران و افغانستان هر دو مجزا و مستقل بوده زمانی شامل کلیه سرزمینی که توسط هیرمند مشروب میشد میگردید . در اینجا در این کتاب سیستان بناحیه داخل خاک ایران اطلاق میشود و شامل چخانسور که در افغانستان است نیست .

هیرمند و فرح رود و هرود رود و خاش رود در سیستان جاری میشوند و در موقع سیل دریاچه بزرگ هامون را تشکیل میدهند . چون هیرمند دائماً تغییر مسیر میدهد مصب رودخانه از سه قسمت تشکیل میشود . اولی شامل قسمت جنوبی سیستان است که چون قرن ها است رودخانه آنرا ترك کرده تبدیل بسرزمین بی آب و غیرمسکونی گردیده است . دومی کاملاً در خاک افغانستان قرار دارد و بعلت انحراف رودخانه بیابان بی آب و غیرمسکونی شده است . سومی که شامل سیستان و چخانسور است از آب هیرمند و سه شعبه آن آبیاری میشود . بین این سه مصب دشتهای سنگلاخ است که هرگز آبیاری

قسمت جنوبی سیستان قطعه زمین بی آبی است که فاقد هر گونه نباتات است در سمت مغرب از سائیندک در جنوب تا بندان در شمال کوهستان است . در شمال دشت يك سلسله صخره خاتمه می یابد که ۳۰ تا ۱۵۰ پا ارتفاع آنهاست و از هیرمند مقابل کوهك شروع شده و از کنار جنوب قسمت مسکونی سیستان تا نزدیک حوضدار میرسد .

کوه خواجه بارتفاع ۲۰۳۷ پا یک تپه مجزای سر صاف سنگ سیاه است و یگانه نقطه مشخص طبیعی این ناحیه است .

درداخل و قسمت پر جمعیت رود سیستان درخت وجود ندارد ولی در سواحل هیرمند درخت گز فراوان است. دشتهای مصب در همه جا از بته خارونی پوشیده شده و منظره سبز باین ناحیه میدهد. وقتی در موقع سیل به هیرمند نزدیک شویم چیزی بجز یک منطقه وسیع آب دیده نمیشود . در سایر مواقع نیز اراها بقدری متراکم و بلند هستند که از سواحل زمین آب رودخانه بندرت دیده میشود .

آب و هوای سیستان بسیار متغیر و متنوع است . فقط دو فصل وجود دارد زیرا بهار و پاییز در حقیقت ندارد. خرداد و تیر ماه سخت گرم و طاقت فرسا است و درجه حرارت به ۱۱۶ میرسد . از اواخر خرداد باد معروف به صد ویست روز آغاز میشود و مدام میوزد تا اواسط مهر اگر چه شن و صدای آن ناراحت کننده است ولی در ضمن حشرات را دور میکند و از گرما میکاهد و این ناحیه را از امراض تیفوس و آبله و بیماریهای دیگر که در ماه خرداد و تیر وجود دارد حفظ مینماید .

در زمستان این ناحیه تحت تأثیر طوفان برف واقع میشود و در فواصل سه یا چهار هفته میآید و هر دفعه دو تا سه روز طول میکشد .

میزان باران کم است و در سالهای معمولی حد متوسط دو اینچ و نیم است . سیستان شاید یکی از سالترین نقاط مشرق ایران باشد و این امر را میتوان به وزش باد که در بالا نام برده شد نسبت داد . امراض اختصاصی این ناحیه عبارتند از : تیفوس - آبله - حصبه و امراض مقاربتی .

شهرهای عمده سیستان عبارتند از : علی آباد که قصبه ای است شامل ۲۵۰ خانه و دارای آب جاری و باغات زیاد است و جمعیت آن در حدود ۱۵۰۰ نفر است . بیرجند که در شیب شمالی یک دره سنگی ساخته شده و جمعیت آن در حدود ۱۰ هزار نفر است از اولاد کردهای شاهد لو هستند ولی در بازار بزرگ آن عده ای ایرانی و ترک دیده میشوند .

دولت آباد که جمعیت آن ۲ هزار نفر است . نصرت آباد پایتخت سیستان که دوازده هزار نفر جمعیت دارد . نه ، که در دشت مرتفع بایری واقع و دور آنرا تپه فرا گرفته است .

قافن که جمعیت آن ۴ هزار نفر است که يك چهارم آنها سید و بقیه بزرگ ایرانی هستند. طبق نظریهٔ حکمت (۱۹۰۲-۱۹۰۵) جمعیت سیستان ۱۳۶۵۹۱ و این تعداد بعثت مهاجرت دائم اهالی بین خاك ایران و افغانستان همیشه تغییر میکند.

ساکنین سیستان ایران و افغانستان از حیث ترکیب جمعیت و قبایل نژادهای مختلف شبیه یکدیگرند و متشکل هستند از ایرانی و عرب و ترك و بلوچ و براهوئی و افغانی و غیره. بعضی از قبایل عمده از قرار زیر میباشند.

سنجرائی بلوچی- این قبیله در اصل در حدود سال ۱۸۰۰ میلادی از بلوچستان آمدند. در اینکه این قبیله شاخه از بلوچهای توخی باشد تردید است ولی شك نیست که سایر قبایل توخی سیستان ظاهراً نسبت باین قبیله اظهار وفاداری مینمایند. نوری بلوچی- این قبیله که متشکل از ۴۰۰ خانوار است در دهات خواجه احمد و جلال آباد سکونت دارند.

توخی بلوچی- همه قبایل بلوچی سیستان متعلق به توخی هستند که عمده ترین آنها سارونی ۴۵۰ خانوار و جمالزائی ۳۰۰ خانوار و گرگيه ۴۰۰ خانوار می باشند.

براهوئی- این قبیله که دو شعبه محمد حسنی آن یعنی یاغی زائی و زرکاری با ۸۰۰ خانوار میباشند در نزدیکی لوتک زندگی میکنند.

سربندی- این قبیله که قبیله عمده فارسیوان سیستان و شیعه هستند مرکب از ۳۰۰۰ خانوار و در سراسر سیستان پراکنده هستند.

شاهرگی فارسیوان- این گروه مرکب از ۱۰۰۰ خانوار است.

خیمر فارسیوان- این قبیله مرکب از ۲۵۰ خانوار است.

زرکرائی بلوچی- این قبیله بادیه نشین مرکب از ۳۰۰ خانوار است و شترهای خود را در امتداد مرز بین هامون و درود چرا میدهند.

شېك- يك شاخه این قبیله شیعه مرکب از ۱۰۰ خانوار بین نهوسفید او و شاخه دیگر در شمال قائنات زندگی میکنند.

مودائی- این يك قبیله كوچك بلوچ و مرکب از ۱۰۰ خانوار است که در دامنه کوه پلنگان سکونت دارند.

هراتی- هراتی ها که از قبایل فارسیوان و متشکل از ۱۰۰ خانوارند ادعا

میکنند که در اصل ازهرات آمده‌اند .

میر عرب - این‌عهده که شیعه هستند از ۰۴ خانوار متشکلند .

سیاد - عبارتند از عده ماهیگیر و شکارچی مرغان وحشی که در کنار هامون زندگی میکنند .

این افراد قد کوتاه و سیاه‌چهره هستند و بلهجه مخصوصی حرف میزنند و معمولاً آنها را از اهالی بومی محل میدانند .

سیدها - این افراد نسبت خود را از طریق حضرت امام حسین به حضرت پیغمبر میرسانند .

تعداد آنها در سیستان در حدود ۲۰۰ فامیل است و در نقاط و دهات مختلف پراکنده هستند و رؤسای آنها شغل ملای ده را بعهده دارند .

علاوه بر آنچه در بالا ذکر شد دو قبیله دیگر هستند که از بلوچستان مهاجرت کرده‌اند .

یکی مکاکی که سنی هستند و تعداد آنها ۱۰۰ خانوار است و دیگری خود بدانی است که از ۳۰۰ خانوار متشکلند . بطور کلی بلوچی‌ها و براهوئی‌ها و افغانها و تاجیکها و عربها سنی (در حدود ۳۰ هزار نفر) و بقیه شیعه هستند .

## یزد

ایالت یزد هم از نظر جغرافیائی و هم از حیث بازرگانی در ایران موقعیت مرکزی دارد . خود ایالت جمعیت زیادی ندارد و از تعدادی دهات و قصبات در شمال شرقی و شمال غربی و جنوب شرقی و جنوب غربی شهر یزد که کلاً ۹۵۱ دهکده میشود تشکیل گردیده است . جمعیت آن در سال ۱۹۰۰ در حدود بیست هزار نفر تخمین زده میشد و در مدت سی سال به ۸۰ هزار نفر رسید که ۷ هزار نفر زردشتی هستند .

چون آب فقط در عمق ۲۰۰ متری ببعد پیدا میشود آب و هوای آن خیلی خشک است . در بهار و تابستان از سمت شمال و مشرق بادهای سخت میوزد و چنان طوفانی از شن به همراه می‌آورد که هوا مثل شب تاریک میشود و گرمای خشک کننده همه چیز را در راه خود میسوزاند . دشتهای اطراف پایراست و هیچگونه سایه درخت وجود ندارد ولی در حوالی شهر یزد باغهای بزرگ یافت میشود . در دره‌های کوهستان مغرب یزد و در تفت که در ۱۶ میلی شمال غربی شهر است اشجار و نباتات زیاد است .

درجه حرارت از چند درجه انجماد در تابستان تا ۹۰ و ۱۰۵ درجه تغییر میکند. وقتی هوا در یزد ایراست معمولاً بر فراز کوهستان باران یا برف می‌آید. در دشت‌ها میزان ریزش باران کم است و برف قابل ملاحظه نیست زیرا بمحض افتادن آب میشود ولی در نقاط محفوظ کوهستان برف باقی میماند و در فصل تابستان مورد استفاده اهالی شهر قرار میگیرد. ارتفاع یزد از سطح دریا ۴۰۷۵ پا است. دشت‌های بزرگ بسمت شمال و جنوب امتداد دارند ولی در حدود یک میل خارج از شهر باغات بر شن صحرا تفوق حاصل کرده است. جمعیت آن بین ۵۰ هزار تا ۶۰ هزار نفر تخمین زده شده است و در بین آنان زردشتی‌ها اقلیت مهمی تشکیل میدهند و در حدود هزار نفر آنها در خود شهر زندگی میکنند. یک هزار نفر یهودی نیز وجود دارد. شهر یزد از لحاظ بازرگانی مهمترین نقطه راه کاروان روهزار میلی بین بندرعباس و مشهد است و از این شهر بسایر نقاط و شهرهای عمده جاده ساخته شده است.

### خراسان

خراسان که بزرگترین ایالات ایران است بین ۱۵۰ هزار تا ۲۰۰ هزار میل مربع وسعت دارد، بطور کلی کوهستانی است ولی در سمت شمال حاصلخیز و پر آب است.

سلسله جبال خراسان که حلقه بین البرز و پامیر را تشکیل میدهد مانع طبیعی قابل ملاحظه‌ای برای قبایل بادیه‌نشین مهاجم ترکستان شوروی میباشد. چند رشته متوازی در جناح دره‌های وسیع بجنورد و قوچان و مشهد واقع شده است. قسمت شمالی که شامل دورشته متوازی است کوهستانی پر شیب است که بدون انقطاع خط مرزی بین گیفان در مغرب و سرخس در مشرق را تشکیل میدهد. کوه شاهجهان که گفته میشود مرتفعترین قلل خراسان از ۱۰ هزار پا متجاوز است در بین کوهستان و تپه‌ها و دره‌های دوردست و دهکده‌های کوچک پنهان است که محل مزارع حاصلخیز و بوستان و درختان سرسبز است.

خراسان سه رودخانه عمده دارد: اترک مهمترین آنها مرز بین چات اترک تا حسنقلی را تشکیل میدهد- گرگان که از فلات ارموتلی سرچشمه گرفته و بدریای خزر میریزد و هریرود که مرز از کافرکلا تا کشوت کلا را تشکیل میدهد.

دو صحرای بزرگ یعنی دشت کویر و دشت لوت داخل این ایالت شده اند<sup>۱</sup> اولی که عرض آن بین ۸۰ تا ۱۵۰ میل است از نزدیکی قم شروع شده و بمسافت ۴۰۰ میل تا مرز ترشیز امتداد دارد. میانگین ارتفاع این صحرا از سطح دریاقط ۵۰۰ تا ۶۰۰ پا است. دشت لوت قسمت بزرگی از ناحیه جنوب شرقی را اشغال کرده و آنرا میتوان متوازی الاضلاع دانست که زوایای آنرا شهرهای نه و طبس و یزد و کرمان تشکیل میدهند.

آب و هوای این ایالت بین ۱۰ درجه فارنهایت در زمستان و ۱۱۰ درجه در تابستان متغیر است، حد متوسط ریزش باران ۷/۸۲ اینچ است و حد متوسط برف در سال ۱۸ اینچ است که در رقم باران بحساب نیامده است. ماههای بارانی عبارتند از: فروردین، اردیبهشت، آذر و دی.

بررسی وضع بهداشتی نشان میدهد که انواع مختلف تب در این ایالت وجود دارد. پشه مالاریا تا ارتفاع ۴۰۰ پا نمومیکند و مالاریا و تب پشه خاکی زیاد است مرض سالك فراوان است. وبا گاهی در خراسان بروز میکند و سیاه زخم چه در انسان و چه در حیوان معمولی است. امراض مقاربتی نیز فراوان است.

اینک شرح مختصری درباره شهرهای عمده خراسان داده میشود. بجنورد بار ارتفاع ۳۳۰۰ پا در دشت حاصلخیزی قرار گرفته، دور آنرا کوهستان احاطه کرده. این دشت پراز درخت و باغات و مزارع سرسبز است. جمعیت آن در حدود ۱۰ هزار نفر است که اغلب از کردهای شاهدلو هستند و بزبان کردی تکلم میکنند. اکثریت آنها شیعه و معدودی بهائی هستند. چنانان در سر راه بین مشهد و قوچان واقع شده و جمعیت آن در حدود سه هزار نفر است که اغلب کردهای زعفرانلومیباشند. قوچان بار ارتفاع ۴۲۸۰ پا و جمعیت آن ۱۵ هزار نفر است که از کرد و ترک و ایرانی متشکلند. مشهد پایتخت خراسان بار ارتفاع ۳۱۹۷ پا دارای ۱۲ هزار نفر جمعیت است، هر سال هزاران نفر از شیعیان آسیای مرکزی و افغانستان و هندوستان و ایران برای زیارت به مشهد مقدس مسافرت میکنند. سرخس در سال ۱۹۲۹ دارای ۴۰۰ نفر جمعیت بود که مرکب بودند از ترک و بلوچ و کرد و ایرانی و عده مهاجر تر کمن از روسیه شوروی.

۱ - برای وجهه تیه کویر رجوع شود به کرزن a ۱۸۹۲ جلد ۲ صفحه



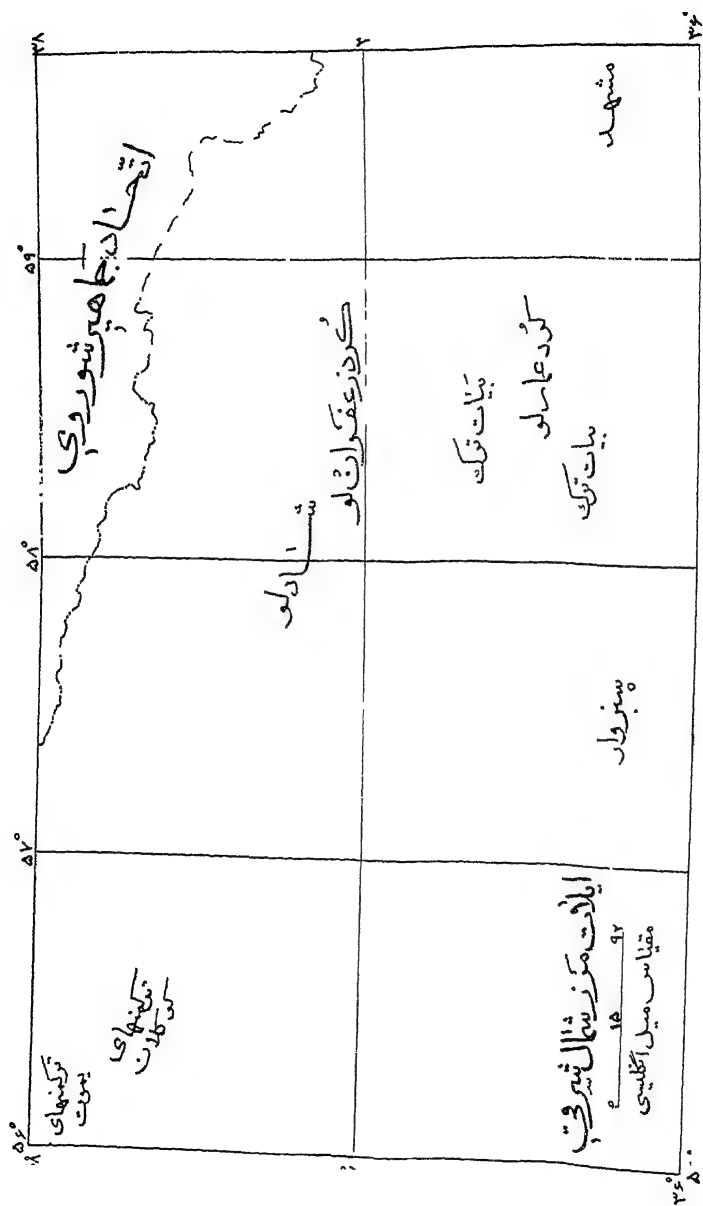
جمعیت خراسان که تقریباً سه میلیون نفر است بسیار مخلوط است ولی ایرانی‌ها بیشتر در نواحی شمالی هستند (رجوع شود به نوشته ایوانف ۱۹۲۶). ترکمنهای از قبائل گوکلان و یاموت در نواحی سرحدی شمال شرقی سکونت دارند. در قوچان و بجنورد و دره گز بیشتر قبائل کرد هستند. مرز شمالی بخصوص ناحیه کلات نادری محل سکونت ترکها است که در تمام قسمت شمالی ایالت خراسان پراکنده هستند. مرکز آنها را میتوان دره جام دانست و در آنجا عمده‌ای تیموری و بلوچی نیز وجود دارد که حتی از آن نقطه فراتر رفته و تا سرخس و داخله شوروی پراکنده شدند. در ترشیز وقائن و فردوس و طیس سابقاً افراد قبائل از نژاد عرب دیده میشدند.

ترکمنهای گوکلان - که در مراتع دره‌های سومبر و چندر زندگی می‌کنند قبیله بادیه نشینی هستند مرکب از ۲۰۰۰ خانوار. دوشاخه عمده ترکمنهای گوکلان و محل سکونت آنها در زیر شرح داده شده است و ایسن مطالب مربوط بسال ۱۹۲۹ میباشد.

(۱) قره‌قل با ۲۰۰ خانوار در دره جرگلان در پانزده میلی آق دره زندگی میکردند. بعلاوه ۴۰ خانوار در بچه دره و کوهستان اشک نزدیک مرز شوروی و ۴۰ خانوار در آمندو و ۵۰ خانوار در اگری کبا نزدیک مرز فعلی شوروی و ۷۰ خانوار در حصارچه و نواحی آن زندگی میکنند.

(۲) نخولی متشکل از ۱۰۰ خانوار در قسمت شرقی و شمالی دره جرگلان زندگی میکنند. قبائل فرعی بگی و ملامحمد در گند عدلی ۳۴ میلی مشرق حصارچه سکونت دارند.

ترکمنهای یاموت - سواحل رود اترک و رود گرگان تا بلکان و کراسنو - و دسک محل سکونت ترکمنهای یاموت است. رویه مرفته ۳۰ هزار خانوارند که ۷ هزار خانوار آنها در خراسان هستند. شعب عمده آنها در ۱۹۲۰ از این قرار بود:



شکل ۳: نیاقل موز شمال شرقی

نام	محل سکونت
کوجوک	بین گنبد قابوس و رامیان
ایکدر	بین گنبد قابوس و کتول
قره‌چای	نزدیک گنبد قابوس
کنیا کمز	بین گنبد قابوس و خجیده
جعفر بائی	بین گنبد قابوس و خجیده (تاجیک‌شلیار)
چرپا	از راه آهن در خاک شوروی تا گنبد قابوس
دونجی	نزدیک مرز بجنورد و گنبد قابوس
در ۱۹۲۹ قبائل فرعی ترکمنهای یاموت در نواحی زیر سکونت داشتند .	
(۱) قبیله دوچی متشکل از ۵۰۰ خانوار در ناحیه چناران - مراوه تپه و چت . این قبیله تقسیم میشد به کزکانلی با ۲۵۰ خانوار در ناحیه چناران و چت نزدیک رود اترک - کرد اقلی با ۲۵۰ خانوار در ناحیه مراوه تپه و ساحل شرقی رود اترک - قبیله قربان نیاز در چناران .	
(۲) قبیله غروی متشکل از ۴۰۰ خانوار بین مراوه تپه و کوشا تپه در ساحل رود اترک .	
(۳) قبیله آق ترکمن متشکل از ۷۰ خانوار در ناحیه سوقه .	
(۴) قبیله چنغر متشکل از ۴۰۰ خانوار پراکنده در نواحی کوهستانی .	
کردها - تعداد کردها در خراسان در حدود ۱۵۰ هزار نفر است و اینها از اولاد کسانی هستند که بفرمان شاه عباس برای جلوگیری از نفوذ ترکمنها باین ناحیه کوچ داده شدند . تقسیمات قبائلی آنها از این قرار است :	
(۱) عمارلو متشکل از ۵۰۰ خانوار که در دشت مروش در شمال غربی نیشابور زندگی میکنند . شیعه هستند و زبان خود را حفظ کرده‌اند .	
(۲) شاه‌دلو در قوچان و بجنورد زندگی میکنند . افرادی خوش هیكل هستند و تعداد آنها ۷۵۰۰۰ نفر است .	
(۳) زعفرانلو در قوچان و شیروان زندگی میکنند و تعداد آنها ۵۰ هزار در قوچان و ۱۲ هزار در شیروان است . مردمی خوش هیكل و قوی و خوش لباس میباشند و خانه‌های خوب دارند . از آنها ۴۹ هزار نفر اسکان یافته و ۱۳ هزار نفر بادیه‌نشین هستند .	

(۴) کیوانلوها قبیله کرد هستند که شاه عباس در سال ۱۶۰۰ میلادی آنها را با زعفرانلوهای قوچان و شاهدلوهای بجنورد از کردستان بخراسان کوچ داد. دسته‌های پراکنده این قبیله در دره گز و قوچان و جوین و نواحی دیگر دیده می‌شود ولی مرکز آنها در رادکان است. کیوانلوها سابقاً مانند سایر قبائل کرد که بخراسان کوچ داده شده بودند بادیه نشین بودند ولی بالاخره استقرار یافته و کشاورزی مشغول شدند و فقط عده قلیلی در حدود ۸ هزار نفر به بادیه نشینی ادامه دادند.

چهارایمک - این نام مخصوصاً به هزاره‌های هرات و بعضی دیگر از قبائل مرز ایران و افغانستان مانند تیموریها اطلاق می‌شود ( رجوع شود به نوشته استورات صفحه ۱۴۸ و هاکین صفحه ۳۶۱ ) تیموریها که سنی هستند از لحاظ قیافه شبیه عربها هستند ولی سیاه چهره‌ترند. این قبیله از ۶ هزار خانوار متشکل است که در تربت شیخ جام باخزر و روی خاف پراکنده هستند. عده زیادی از آنها چادر نشین هستند و گله‌های بزرگ گوسفند و بز دارند و بقیه به زراعت مشغولند: تیره می‌شماست شیعه هستند.

هزاره - هزاره‌ها از هزارجات افغانستان بایران مهاجرت کرده و شیعه هستند. ۱۸۹۱۹ امیر عبدالرحمن خان آنها را منکوب کرد و املاک آنها را تصاحب نمود. عده‌ای از آنها بخراسان آمدند و برخی به بلوچستان رفتند. ایرانیها آنها را بربری نامیدند زیرا از بند بربر در هزارجات آمده بودند. این نام آنها را از هزاره های سنی که قسمتی در هرات و قسمتی در خراسان زندگی کرده و اصل آنها از هزارجات نبود متمایز می‌کرد. هزارهای کوهستانی در ناحیه بزرگی از خراسان تا بجنورد و شیروان و دره گز و سرخس و دره جام و کشف رود پراکنده هستند. عده‌ای از آنها در واحد مرو در جهوری ترکمن شوروی وجود دارد. دو شاخه عمده این قبیله یعنی دزنگی و جنور به شعب کوچک بسیار تقسیم بندی میشوند. هزاره‌ها در اصل از بقایای هزار فامیل هستند که چنگیز خان بعنوان يك کلتی در نزدیکی رود سیحون باقی گذاشت. شغل عمده قبیله کشاورزی است ولی عده زیادی به آهنگری و نجاری و زین‌دوزی اشتغال دارند.

ترکها - ترکها در تمام خراسان پراکنده هستند. علاوه بر عده زیادی

ترك قفقازی و تبریزی که به تجارت و کارهای حمل و نقل اشتغال دارند تیره - های عمده ترك عبارتند از قبائل افشار و چولائی و غرائی - قزلباشهای دره جام که اغلب در حوالی تربت شیخ جام زندگی میکنند نیز ترك هستند و گفته میشود از همان قبایلی هستند که در چند اول کابل زندگی میکنند و قوم و خویشان آنها در پشاور هستند .

غرائی - غرائی‌ها در ترشیز و تربت حیدری زندگی میکنند و تمام آنها به زراعت مشغولند . عده آنها چهل هزار خانوار است .

بلوچی - در فصول مختلف سال چند قبیله بادیه نشین بلوچی از سرخس به قیصور مهاجرت میکنند مهمتر آنها عبارتند از :

(۱) سالارخانی متشکل از ۵۰۰ خانوار در ناحیه خواف .

(۲) ابراهیم خانی که در فصل زمستان در حوالی جنگل و باغ بخشی و قیصوراردو میزنند و در تابستان در شاهان بالا و علیک جمع میشوند .

(۳) قبیله زرداد خانی .

(۴) قبیله جان بیگی که در فصل زمستان پراکنده هستند و در تابستان نزدیک سرخس ظهرآباد زندگی میکنند .

(۵) قبیله مرادخانی که متشکل از ۱۰۰ خانوار است .

عرب - طبق روایات قبائل عرب در حدود هفت قرن قبل از عربستان مهاجرت کرده و در ناحیه قائنات و خواف استقرار یافتند . در حدود دو سوم آنها سنی هستند و بقیه (۸۰۰) شیعه هستند که در اطراف خور و چاهک و محمد آباد زندگی میکنند . سنی‌ها در ناحیه سنی‌خانه و در ناحیه خواف نزدیک شهر نوسکونت دارند .

قبائل دیگر عبارتند از مروآقا و غولا در ناحیه شوسب و بلوی در ناحیه سریش . عده کمی از قبائل تاجیک و زنگنه و مالدار که بادیه نشین هستند در ناحیه رود خواف زندگی میکنند . اکثریت مردم ایران شیعه هستند در حالیکه کردها و ترکمنها که زمانی يك پنجم جمعیت را تشکیل میدادند و در ناحیه باخرز و بجنورد زندگی میکردند سنی هستند . در حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ بهائی در خراسان وجود دارد .

جدیدالاسلام‌ها یهودیانی هستند که برای احتراز از آزار در ظاهر دین

اسلام را قبول کردند در حالیکه عملاً اصول مذهب یهودی را پیروی میکنند . از جمله روز شنبه را تعطیل میکنند و ششم اکتبر را روز سال نو محسوب میدارند و شب جمعه در خانه خود چراغ روشن میکنند و عید فطر را رعایت مینمایند . در ظاهر و در پیش مردم خود را مسلمان جلوه میدهند . يك چهارم تجار و بازرگانان یهودی هستند و در کار تجارت موفقیت قابل ملاحظه دارند . عده زردستی‌ها بسیار کم است . در مشهد عده قلیلی هستند که بدین مسیح درآمدند .

### سمنان و دامغان

این ایالت که قسمتی از آن دشت کویر است طبعاً دارای شهر زیاد نیست . ابتهاج (صفحه ۲۸۶ و ۲۸۸ و ۲۹۷) شهرهای زیر را ذکر میکند : سمنان به ارتفاع ۴۳۷۳ پا که جمعیت آن ۲۳۳۸۸ نفر است . دامغان (تپه حصار) بارتفاع ۴۲۶۵ پا که جمعیت آن در حدود ۱۰,۰۰۰ نفر است . شاهرود بارتفاع ۴۸۳۲ پا که جمعیت آن ۱۴ هزار نفر است . اقده بارتفاع ۴۲۵۳ پا و نائین بارتفاع ۴۰۲۲ پا که جمعیت آن در حدود ۵ هزار نفر است . فصل مربوط به خصوصیات طبیعی ایران و توزیع جمعیت در اینجا پایان می پذیرد . مطالب مربوطه از منابع مختلف از سال ۱۹۲۰ بیعد اقتباس شده است .

### تقسیمات جدید ایران

در اواخر سال ۱۹۳۸ شاهنشاه ایران تغییرات عمده‌ای در تقسیم بندی ایران داد . برای اینکه مطالب این کتاب شامل آخرین اطلاعات باشد نویسنده از آقای دکتر محمد حسن گنجی تقاضا کرد که اطلاعات لازم را برای نویسنده بفرستد . آقای گنجی اخیراً از دانشگاه منچستر که زیر نظر پرفسور فلور در رشته جنرافیا کار میکرد به طهران مراجعت نمود . در نامه‌ی صدرخ ۵ نوامبر ۱۹۳۸ آقای گنجی ترجمه‌ی آزاد قانون تقسیمات ایران را فرستاد . در حال حاضر با سانی

۱- از آقای دکتر گنجی متشکرم که اجازه دادند متن رساله تحت عنوان تغییرات جدید اقتصادی در ایران را که برای اخذ درجه لیسانس خود نوشته بودند مطالعه کنم .

نمی‌توان نقشه تقسیم بندی جدید را تهیه کرد زیرا جزئیات حدود استانها تعیین نشده و خود طرح تحت مطالعه و تجدید نظر است. نقشه ایران براساس تقسیم بندی جدید در اواخر سال ۱۹۳۹ چاپ خواهد شد.

در مورد نام اماکن جغرافیائی تمایل براینست که اسامی عربی و ترکی بفارسی خالص تبدیل گردد و نام عده زیادی از شهرها تغییر داده شده است. آقای گنجی تغییرات عمده زیر را گزارش داده است.

### تقسیم بندی داخلی ایران

در سال ۱۹۳۷ قانونی در مجلس شورای ملی درباره تقسیمات اداری ایران بتصویب رسید. هدف این قانون اینست که کشور ایران از نظر اداری بطریقی تقسیم شود که از نظر طبیعی و اقتصادی و خصوصیات جغرافیائی مناسبتر باشد.

ماده اول قانون مزبور میگوید: کشور ایران طبق نقشه و طرحهای ضمیمه بده استان که هر کدام شامل چندین شهرستان و شهرستان منقسم به چند بخش و هر بخش منقسم به چند دهستان و هر دهستان متشکل از چند ده و قصبه است تقسیم میشود.

ماده دوم، حدود استانها را بطریق زیر تعیین مینماید.

استان ۱، شامل شهرستانهای زنجان و قزوین و ساوه و سلطان آباد (اراک) و رشت و شمسوار.

استان ۲، شامل شهرستانهای قم و کاشان و طهران و سمنان و ساری و گرگان.

استان ۳، شامل شهرستانهای تبریز و اردبیل.

استان ۴، شامل شهرستانهای خوی و رضائیه و مهاباد و مراغه و بیجار.

استان ۵، شامل شهرستانهای ایلام و شاه آباد و کرمانشاهان و سنندج و ملایر و همدان.

استان ۶، شامل شهرستانهای خرم آباد و گلپایگان و اهواز و خرمشهر.

استان ۷، شامل شهرستانهای بهبهان و شیراز و بوشهر و فسا و آباده.

و لار.

استان ۸ ، شامل شهرستانهای کرمان و بم و بندر عباس و خاش و زابل .  
استان ۹ ، شامل شهرستانهای بیرجند و تربت حیدری و مشهد و قوچان  
و بجنورد و گناباد و سبزوار .

استان ۱۰ ، شامل شهرستانهای اصفهان و یزد .

کلمه استان بزبان فارسی بمعنی ایالت است و باستان و استان بمعنی سرزمین يك قوم مانند عربستان و کردستان و افغانستان و بلوچستان فرق دارد .  
شهر نام مرکز ناحیه و شهرستان ناحیه ای است که شهر مرکز آن است .  
باید بخاطر داشت که این تقسیم بندی تقریباً مطابق دارد با تقسیم بندی فرانسه که مرکب است از استان Province شهرستان dipartment و بخش Canton .  
استانها معمولاً بوسیله شماره خوانده میشوند و نه بنام . اسامی جدید بعضی از شهر های ایران از این قرار است<sup>۱</sup> اقتباس از نوشته گنجی .

نام قدیم	نام جدید	نام قدیم	نام جدید
طیس	گلشن	میانج	میا نه
طون	فردوس	قرل اوزن	سفیدرود
خبیس	شهداد	فلاحیه	شادگان
محمره	خرمشهر	استرآباد	گرگان
بارفروش	بابل	ده نو	نوشهر
علی آباد	شاهی	گمش تپه	گویشان
اشرف	بهشهر	بندر جز	بندر گز
سلطان آباد	اراک	گنبد قابوس	گنبد کاوس
آجی چای	تلخه رود	ارومیه	رضائیه
صائن قلعه	شاهین دژ	بلوچستان	مکران
ساجبلاغ	مهاباد	خورموسی	بندر شاهپور
قرجه داغ	ارسباران		

۱- برای تغییرات سابق مراجعه شود به نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی





## ۵. مردم شناسی جسمانی ایران

در فصول گذشته مطالبی که مورد بحث قرار گرفت عبارت بود از جغرافیا و جغرافیای مردم شناسی و اشارات تاریخی در مورد خصوصیات جسمانی و طبیعی ساکنین ایران در طی بیست قرن گذشته و پخش جمعیت ایران در عصر حاضر . وظیفه بعدی بررسی مطالب تن پیمائی یا اندازه گیری خصوصیات جسمانی است که در سال ۱۹۳۴ بوسیله عکسبرداری و تجزیه آماری برای تعیین و تعریف عناصر نژادی در جمعیت فعلی ایران بدست آمده است . در این فصل حقایق مسلم جای حدس و گمان را میگیرد . قبل از آنکه به بحث درباره آمار تن پیمائی و اندازه گیری و مشاهدات علمی پردازیم باید مطالب مربوط به استخوان بندی را که در نتیجه حفاریات و اکتشافات بدست آمده مورد بررسی قرار دهیم .

### مطالب مربوط با استخوان بندی

کوشش درباره تشخیص صفات نژادی جداگانه در بین مردم ایران عصر حاضر باسانی به نتیجه نرسد مگر آنکه شواهد و مدارک قدیمترین اصل و نسب اجدادی در دست باشد . بطور کلی متأسفانه از ساکنین قدیم فلات ایران بقایای استخوان بندی زیادی بدست نیامده است . علمای علم مردم شناسی که این قسمت دنیا را مورد مطالعه قرار می دهند مدیون کسانی هستند که اطلاعاتی در این زمینه عرضه داشته اند . بهمین جهت با حق شناسی بسیار محصول مطالعات ذیقیمت دانشمندان زیر را در اینجا نقل می کنیم . کروگمن (Krogman) ، اشمیت (Schmidt) ، لبلز لتر (Lebzelter) ، آرن (Arne) ، و آلوا (Vallois) ، ولسین (Wulsin) ، نیومن (Newman) ، لاکارد (Lockard) ، گال (Gaul) . همچنین بطالب و اکتشافات قدیمی تر توسط دانیلف (Danilov) و دیگران که در فصل دوم مورد مطالعه قرار گرفت اشاره خواهد شد .

در این قسمت مطالب مربوط با استخوان بندی که اخیراً در تپه حصار و شاه تپه و لرستان و ترنگ تپه وری بدست آمده بررسی خواهد شد . مطالبی مبنی بر مقایسه و تطبیق با اکتشافات چنهو دارو Chanh-Daro نیز نقل شده است زیرا

احتمال ارتباط و نسبت بین تمدن ایران و دره سند در هزاره سوم قبل از میلاد موجود است .

دکتر ویلتون کروگمن عضو قسمت مردم‌شناسی دانشگاه شیکاگو گزارشی مربوط بمطالب استخوان بندی محلی ماقبل تاریخی تپه حصار نزدیک دامغان برای چاپ آماده کرده است . این بقایای استخوان بندی بوسیله هیئت ازدانشگاه پنسیلوانیا وموزه هنر فیلادلفی تحت هدایت دکتر اریک اشمیت بدست آمده است . دکتر دروالاکارد که اکنون درموزه هاروارد کار می‌کند سمت مردم‌شناسی جسمانی هیئت را بهعهده داشت .

### استخوان بندی در تپه حصار

دکتر کروگمن لطفاً بنویسنده اجازه دادند نسخه کتاب خود را که قرار است در سال ۱۹۴۰ به چاپ برسد مطالعه کنم . مطلب مختصر زیر بخصوص از فصل نتایج با اجازه وتصویب آقای هوراس جین رئیس موزه دانشگاه فیلادلفی نقل شده است .

تعداد افراد بالغ باتاریخ ترتیبی از قرار زیر است :

سطح	تاریخ	جمعیه	آرواره
حصار I	قبل از سه هزار تا تقریباً ۲۵۰۰ ق.م	۴	۴
حصار II	از ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م	۱۶	۱۳
حصار III	از ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م	۱۳۸	۹۳
پارتی ، ساسانی ، اسلامی	۳۵۰ ق.م	۵	۵
نامعلوم	نامعلوم	۳	۲

طبقه حصار I دو نوع سر دراز عرضه میدارد . یکی نوع کوچک باریک مدیترانه و دیگری نوع بزرگ و خوشن نوردیک اولیه .

از حصار II هفت نوع مدیترانه مرد وهفت زن ودو نوع نوردیک اولیه مرد پیدا شد . این نوع اخیر ممکن است از خارج آمده و بانوع بومی مدیترانه مخلوط شده باشد .

از حصار III انواع اضافی دیگر پیدا شد که در جدول زیر با ذکر تعداد نژاد و جنس نشان داده میشود .

نژاد	مرد	زن
مدیترانه	۵۱	۳۲
نوردیک اولیه	۳۹	۱
وابسته به آلپ	۳	۰
آسیائی (باخانه آلپ ؟)	۱	۰
سیاه پوست	۱۱	۰

در جدول فوق کروگمن آسیائی را به نوع صورت پهن سر کوتاه که در مشرق مغولستان هستند اطلاق میکند .

نکته بسیار مهم دیگر اینست که شش جمجمه بعنوان استرالیائی نامطبقه بندی شده است . در حالیکه از لحاظ تناسب جمجمه شبیه به نوردیک های اولیه میباشد . صورت آنها پهن تر و کاسه چشم پائین تر و سوراخ بینی عریضتر است . نوع سیاه پوست در آنها وجود دارد و احتمال قوی میرود که از برده ها بوده باشند . طبقه سر کوتاه ها که همیشه در اقلیت هستند از این سطح و یا ازدوره اسلامی است . کروگمن نوعهای آلپی و ارمنی و آسیائی یا مغولی را تشخیص داده است . از آنجائیکه در تعریف خصوصیات جمجمه و قیافه انواع مختلف اختلاف نظر وجود دارد لازم بنظر میرسد که نظر کروگمن را درباره این نکات نقل کنیم . «اگر بخواهیم بطور خلاصه نوع کلی مدیترانه اولیه را تعریف کنیم بدین طریق می شود: سردراز - جمجمه صاف - ارتفاع قبه سرم توسط - صورت باریک - حدقه چشم باندازه متوسط - سوراخ بینی به عرض متوسط - در مقام مقایسه جمجمه از چنهودادو (همین فصل بسمت جمجمه از چنهودادو، هندوستان مراجعه کنید) دارای سر دراز صورت عریض و کاسه چشم پست و سوراخ بینی عریض است . »

### خصوصیات جمجمه

اروپائی جنوبی (مدیترانه)	اروپائی شمالی (نوردیک)
سردراز	شکل نیمه سردراز تا سرد متوسط
	محیط صاف در طرفین - منحنی بیکانی
منحنی بیکانی کامل - ارتفاع متوسط	قوس بلند
باریک - صاف و مدور	پیشانی عرض متوسط - قوسی
محدب - عرض متوسط تا باریک	پشت سر پرولی نامشخص - عرض متوسط
برآمدگی عضله کم	برآمدگی عضله سنگین
متوسط	ظرفیت بزرگ

### خصوصیات صورت

اروپائی جنوبی (مدیترانه)	اروپائی شمالی (نوردیک)
عرض و ارتفاع متوسط - بیضی شکل	محیط باریک - دراز - نوک تیز
باریک - قوسی	گونه باریک - فشرده
بررگ - صاف - زاویه دار	کاسه چشم متوسط - صاف - مدور
باریک تا متوسط	بینی باریک تا متوسط
کم	برآمدگی بالای کاسه چشم مشخص
کوحک - زاویه گوشه فك صاف	آرواره بزرگ - زاویه گوشه فك برگشته
چانه متوسط - برآمدگی رویالا	یا صاف - چانه برجسته - برآمدگی
عریض - ناک کم عمق	رویالا متوسط عمق ناک متوسط

مردم شناسی جسمانی ایران - ۳۰۹

محل و طبقه	نوع	شماره	طول	عرض	تناسیب	شاخص
حصار اول	مرد	۱	۱۹۸/۰۰	۱۳۱/۰۰	۶۶/۱۶	
حصار اول	زن	۱	۱۷۵	۱۳۱	۷۴/۸۵	
حصار دوم	مرد مدیترانه	۷	۱۸۹/۱۴	۱۳۰/۵۷	۶۹/۲۶	
حصار دوم	زن مدیترانه	۷	۱۷۸/۲۹	۱۳۲/۱۴	۷۴/۱۰	
حصار دوم	مرد نوردیک اصلی	۲	۱۸۲/۵۰	۱۳۷	۷۳/۱۴	
حصار سوم	مرد مدیترانه	۵۱	۱۸۶/۲۵	۱۳۳/۱۲	۷۱/۶۵	
حصار سوم	زن مدیترانه	۳۲	۱۸۰/۳۳	۱۳۱/۵۸	۷۲/۹۷	
حصار سوم	مرد نوردیک اصلی	۳۹	۱۹۱/۶۷	۱۳۵/۹۵	۷۰/۸۵	
حصار سوم	زن نوردیک اصلی	۱	۱۷۵/۰۰	۱۳۹/۰۰	۷۹/۴۳	
حصار سوم	مرد استرالیائی نما	۶	۱۹۲/۰۰	۱۳۵/۸۳	۷۰/۸۰	
حصار سوم	زن و مرد مدیترانه و					
	مرد نوردیک اصلی	۱۲۴	۱۸۶/۳۸	۱۳۳/۶۰	۷۱/۷۵	
حصار سوم	مرد سیاهپوست	۱۱	۱۸۸/۶۴	۱۳۱/۴۵	۶۹/۶۶	
حصار سوم						
دوره اسلامی ... سرکوتاه						
	مرد آلیی		۱۷۷/۴۰	۱۳۶/۲۰	۷۶/۷۷	
	زن نوع ارمنی		۱۶۳/۰۰	۱۴۴/۰۰	۸۸/۳۴	
	مرد مغولی		۱۸۵/۰۰	۱۴۰/۰۰	۷۵/۶۸	
	زن مغولی		۱۷۱/۰۰	۱۳۷/۵۰	۸۰/۴۵	
کلیه کلانسالان		۱۶۱	۱۸۵/۶۴	۱۳۳/۵۸	۷۲/۰۶	

## انواع مجموعه نوع مدیترانه

محل و طبقه	نوع	شماره	طول	عرض	شاخص تناسب سر
حصار اول	زن	۱	۱۷۵/۰۰	۱۳۱/۰۰	۷۴/۸۵
حصار دوم	مرد	۷	۱۸۹/۱۴	۱۳۰/۵۷	۶۹/۲۶
حصار دوم	زن	۷	۱۷۸/۲۹	۱۳۲/۱۴	۷۴/۱۰
حصار سوم	مرد	۵۱	۱۸۶/۲۵	۱۳۳/۱۲	۷۱/۶۵
حصار سوم	زن	۳۲	۱۸۰/۳۳	۱۳۱/۵۸	۷۲/۹۷
مهنجودارو	مرد	۲	۱۷۸/۵۰	۱۲۸/۰۰	۷۱/۷۱
مهنجودارو	زن	۴	۱۸۰/۱۷	۱۱۸/۳۳	۶۳/۴۵
نال	مرد	۱	۱۸۸/۵۰	۱۳۲/۰۰	۷۰/۰۲
سیالکوت	زن	۱	.....	.....	۷۱/۱۰
بیانا	مرد؟	۱	.....	.....	۷۱/۳۰
العبد	مرد	۸	۱۹۲/۸۰	۱۴۰/۱۰	۷۲/۶۰
کیش A	مرد	۲	۱۸۶/۵۰	۱۳۱/۰۰	۷۰/۲۳
کیش A	زن	۱	۱۷۶/۰۰	۱۲۴/۰۰	۷۰/۴۵
اور	مرد	۳	۱۹۳/۶۷	۱۳۵/۰۰	۶۹/۸۰
اور	زن	۴	۱۸۴/۷۵	۱۳۱/۵۰	۷۱/۲۵
آناو	زن	۱	۱۸۵/۰۰	۱۴۱/۰۰	۷۶/۲۰
الیشر(عصر)					
حجروبنج	زن	۱	۱۷۵/۰۰	۱۳۰/۰۰	۷۲/۶۰
الیشر(عصرمس)	مرد	۷	۱۸۲/۱۰	۱۳۵/۰۰	۷۳/۴۰
الیشر(عصرمس)	زن	۱	۱۷۷/۰۰	۱۳۷/۰۰	۷۷/۴۰
حصارلك سوم	مرد	۲	۱۹۲/۰۰	۱۳۶/۷۵	۷۱/۲۰
حنائی تپه ب	رن	۱	۱۷۹/۰۰	۱۲۸/۰۰	۷۱/۵۰
نوع مدیترانه	.....	...	۱۹۰/۰۰	۱۳۵/۰۰	۷۱/۱۰
(دیكسون)					

### نوع جمجمه نوردیک اصلی

۶۶/۱۶	۱۳۱/۰۰	۱۹۸/۰۰	۱	مرد	حصار اول
۷۳/۱۴	۱۳۷/۰۰	۱۸۷/۵۰	۲	مرد	حصار دوم
۷۰/۸۵	۱۳۵/۹۵	۱۹۱/۶۷	۳۹	مرد	حصار سوم
۷۹/۴۲	۱۳۹/۰۰	۱۷۵/۰۰	۱	زن	حصار سوم
۶۶/۰۲	۱۳۰/۰۰	۱۹۷/۰۰	۳۳	مرد	مهنجودارو
۷۲/۶۰	.....	.....	۵	مرد	العبيد
۷۰/۰۰	۱۳۷/۰۰	۱۹۶/۰۰	۱	مرد	کیش الف
۷۰/۹۰	۱۳۶/۰۰	۱۹۲/۰۰	۱	مرد	الیشر (عصر مس)
۶۶/۰۰	۱۳۲/۰۰	۲۰۰/۰۰	۱	مرد	کمه کاپل
۷۴/۲۳	۱۴۴/۰۰	۱۹۴/۰۰	۱	مرد	اوبر کاسل
۷۲/۶۰	۱۳۳/۰۰	۱۸۳/۰۰	..	..	خزر (دیکسون) ..

### نوع شبیه استرالیائی

۷۰/۸۰	۱۳۵/۸۳	۱۹۲/۰۰	۶	مرد	حصار سوم (شبه استرالیائی)
۶۶/۰۲	۱۳۰/۰۰	۱۹۷/۰۰	۳	مرد	مهنجودارو
۷۰/۸۰	۱۳۲/۲۰	۱۸۷/۸۰	۱	مرد	ادیتا فالور الف
۶۷/۸۰	۱۲۴/۰۰	۱۸۳/۰۰	۱	مرد	ادیتا فالور الف
۶۹/۵۰	۱۳۲/۰۰	۱۹۰/۰۰	..	..	شبه استرالیائی اولیه (دیکسون) ..

### نوع آبی

۷۵/۳۲	۱۳۳/۶۷	۱۷۷/۰۰	۳	مرد	حصار سوم
۷۶/۱۶	۱۳۱/۰۰	۱۷۲/۰۰	۱	مرد	مهنجودارو
۷۹/۱۰	۱۴۲/۵۰	۱۸۰/۵۰	۲	مرد	الیشر (عصر مفرغ قدیم)
۷۹/۲۰	۱۴۴/۶۰	۱۸۲/۹۰	۸	مرد	الیشر (امپراطوری هیتی)
۸۰/۷۰	۱۴۱/۰۰	۱۷۴/۳۰	۳	زن	الیشر (امپراطوری هیتی)



کروگمن مینویسد که «جمعیت تپه حصار سردراز و ازدو نوع مختلف بودند يك نوع جمجمه بزرگ و خشن و حجیم و نوع دیگر جمجمه كوچك و صاف و باریك داشتند. این نوع را به ترتیب نوردیک اولیه و مدیترانه نام گذارده اند. اگر از لحاظ تعداد ملاحظه شود نوع مدیترانه اصلی و قدیمی تر بوده و نوردیک اخیر تر و تازه تر است. ولی باید بخاطر داشت که در نمونه های بسیار کم حصار اول هر دو نوع وجود دارند. ممکن است که این دو نوع همصربوده باشند ولی تاحصار سوم نوع مدیترانه در اکثریت بوده است.

«استعمال اصطلاحات مدیترانه و نوردیک تاحدی بعلت وجود و پخش این دو نوع عمده یعنی سفیدپوستان سردراز در اروپا است که عبارتند از اروپائیان شمالی و اروپائیان جنوبی که اولی را نوردیک یعنی شمالی و دومی را مدیترانه می خوانند و نماینده تقسیم بدو دسته امروزه هستند که انواع تباین جمجمه های تپه حصار این اختلاف را تأیید میکند.

«احتمال کلی میرود که نوردیک های تپه حصار نماینده حرکت نوع مردی عصر حجر شمال بسمت جنوب و جنوب غربی باشد که نوع اروپائی شمالی نیز از آن بوجود آمده است. از نظر زنان سردراز آن تپه حصار نزدیکتر به ریشه نژادی اصلی هستند. بنا بر این آنها اصولاً از حیث جسمانی و همچنین از نظر ارتباط زبانی از مردان شمالی اولیه میباشند.

«بنظر اینجانب ارتباط جسمانی شکل نوع مردم شمالی اولیه را در اماکن معاصر تحت اسامی مختلف بیان میکنند از آنجائیکه اکنون عقیده کلی بر این است که نوع مردم جلگه روسیه نماینده اوج مردمان عصر حجر در مرحله تکامل برخی انواع عصر حجر صیقلی میباشند که عبارت باشند از کمبه کاپل Combe Capelle کاملاً احتمال دارد و ممکن است که مردمان اولیه که از یک ریشه سرچشمه گرفته اند خصائص نژادی اجدادی خود را بیشتر نشان میدهند. بدین معنی است که اصطلاحات از قبیل نوردیک اصلی و خزر و افریقائی اروپائی و اسامی شبیه آنها با هم برآمده می شوند. بطور کلی در مرحله آخری هر اصطلاح و نامی چه از حیث جغرافیائی و چه از حیث زبان شناسی چیزی نیست بجز وسیله مناسبی که بتوان نماینده افکار و مطالب مربوطه باشد. اصطلاحات نوردیک اصلی یا شمالی اولیه فقط به تطابق اسلوب مدرن کمک میکند.

«و نیز باید خاطر نشان ساخت در مورد نوع نوردیک اصلی که ظهور در حصار سوم از لحاظ زمان با تحول کلی نژادی که منتج به حرکت آریاها و اروپائیان و آریائی‌ها گردید تطبیق میکند. یکبار دیگر باید گفت که این اصطلاحات مربوط به حرکت‌های فرهنگی است و نه به انواع جسمانی. مردم دارای سربلند و بزرگ تپه حصار از لحاظ نوع مشابه هستند با پیشقدمان موج فرهنگی و از این جنبه و باین معنی از نوردیک اصلی میباشند. نوع مدیترانه در تپه حصار نماینده اجزاء نوع سر دراز باریک خاورمیانه هستند که در عصر حجر قدیم از انگلستان گرفته تا اندونزی یافت میشدند. آنان نیز نماینده نوعی هستند که در عصر حجر بطور قطع از نژاد سیاهپوست گریمالدی سهم بردند. با این ریشه بعنوان میراث عجب نیست که انواع و اشکال بدرجات مختلف اختلاط و امتزاج نشان میدهند. در تپه حصار نوع مدیترانه نسبتاً خالص است و دارای عناصر ممکنه نژاد سیاهپوست نیست و بطور کلی مردمان از نوع سر دراز سفیدپوست هستند که واجد کلیه خصوصیات مردم ناحیه مدیترانه میباشند. وجود نادر و اتفاقی افراد از نژاد مخلوط مدیترانه و سیاهپوست مستلزم آن نیست که آنها را از نژاد حامی (این کلمه به خصوصیات فرهنگی و زبانی اطلاق میشود) یادراویدی یا استرالی دانست.

«انواع دیگر که در دوره ماقبل تاریخ تپه حصار پیدا شده از قبیل سیاهپوست یا آلبی نقش حقیقی در ترکیب جمعیت نداشته‌اند. وجود نوع سیاهپوست را میتوان بر اساس تماس اتفاقی با کاروانها و پیردگان آنها توجیه نمود. نوع آلبی نیز شاید بر حسب تصادف از آسیای مرکزی (مغول حقیقی) یا از قفقاز آمده‌اند. نوع مغول آسیائی فقط در یک مورد مشکوک دیده شده است.»

### مدارك مربوط باستخوان بندی درموزه تاریخ طبیعی وینه

ویکتور لبلتر Viktor Lebzelter یازده جمجمه را (نه‌تا از همدان و دوتا از بصره عراق) که درموزه تاریخ طبیعی وینه وجود دارد، مورد مطالعه قرار داده و شرح میدهد. شرح مبسوط و اندازه گیریهای کامل را میتوان در مقاله مربوط بررسی کرد. در اینجا نتایج حاصله بطور خلاصه ذکر میشود و بعضی از اندازه گیریها از نظر تطبیق با اندازه گیریهای دیگر این کتاب نقل میگردد. شماره‌ها مربوط به کارت‌های فهرست انفرادی است.

شماره‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ متعلق به ایرانیهای بصره است.

## جمعه‌های درموزه تاریخ طبیعی وینده

شماره	ظرفیت	طول پیشانی	عرض	حداقل قطر	عرض استخوان گونگه	عرض فای پائین	بلندی پیشی	عرض پیشی	شاخص	تناسب پیشی
۳۵۱۴	۲۵۰	۸۹	۱۴۵	۱۰۴	۱۳۵	۹۵	۵۱	۲۸	۷۴/۰۷	۵۴/۹۰
۳۵۱۶	۰۰۰	۹۰	۱۳۶	۹۵					۷۱/۵۸	۰۰۰۰
۳۵۱۷	۰۰۰	۷۵	۱۲۴	۸۹					۷۰/۸۶	۰۰۰۰
۱۹۵۰	۴۶۰	۸۲	۱۳۶	۹۳					۷۴/۳۳	۴۱/۶۷
۳۵۰۹	۱۴۰	۶۴	۱۲۷	۹۴					۷۷/۴۴	۵۶/۰۰
۳۵۱۴	۲۶۰	۸۱	۱۳۶	۹۷	۲۰	۸۹	۴۶	۲۴	۷۵/۱۴	۵۲/۱۷
۱۹۵۱	۳۰۰	۶۹	۱۴۱	۹۷	۳۰	۹۵	۵۰	۲۵	۸۳/۴۱	۵۰/۰۰
۳۵۱۰	۳۱۰	۶۲	۱۲۷	۹۴	۱۶	۸۵	۵۰	۲۸	۸۴/۵۷	۵۶/۰۰
۳۵۱۱	۱۶۰	۵۹	۱۳۵	۹۵	۲۳	۹۰	۴۶	۲۶	۸۴/۹۱	۵۶/۶۲
۳۵۱۲	۳۳۰	۶۶	۱۳۶	۹۲	۲۲	۸۸	۵۰	۲۲	۸۱/۹۳	۴۴/۰۰
۳۵۱۵		۶۹	۱۳۶	۹۲					۸۰/۴۷	

لبز لثر انواع زیر را مشاهده میکند: (۱) اروپائی افریقائی شاید شمالی؛ (۲) نوع سر کوتاه بینی پهن؛ (۳) نوع سر دراز با قیافه ابتدائی و بینی پهن و پیشانی و پشت کله بشکل نوع اروپائی افریقائی با خصوصیات شکلی نوع استرالیائی.

### مدارك استخوان بندی از شاه تپه نزدیک استرآباد

اطلاعات زیر از ت. ج. آرن T.J. Arne کسب شده است: ۱  
ناحیه استرآباد در ۱۷۹۰ بوسیله دو مرگان و در همان سال بوسیله سون هدین Sven Hedin بازدید شد. سرهنگ بیت Yate در ۱۸۹۴ از این محل گذشت. آرن که در ۱۹۳۳ در شاه تپه حفاری کرد میگوید (ص ۴۱ - ۴۲) مردمی که در عصر مفرغ در این ناحیه زندگی میکردند از نژاد متجانس و دارای سردراز یا سرمتوسط بودند و این مطلب از اندازه گیری های جمجمه های زیر توسط فورست Furst ثابت میشود.

سطح	زمان	مرد	زن	کودک
I	۷۰۰-۹۰۰ م.	۱۰	۶	۳
II	در حدود ۲۰۰۰ ق.م	۴	-	۱
III	۲۰۰۰-۳۰۰۰ ق.م	۳	۲	-

قطعات دیگری از اسکلت انسان به مؤسسه تشریح لونند Anatomiska Institution واقع در جنوب سوئد منتقل گردید. دکتر ج. و. بکمن Backman قسمتی از این اطلاعات را بر مبنای نوشته فورست انتشار داده است که در ۱۹۳۹ در سلسله انتشارات تحت عنوان «گزارش هیئت علمی اعزامی به ایالات شمال غربی چین تحت هدایت سون هدین» (سری VII باستانشناسی و مردم شناسی) منتشر میشود.

نتایج کلی هیئت اعزامی آرن در ۱۹۳۵ منتشر شد.

در طی ۲۵۰ سال فاصله بین زمان اشتغال ماقبل تاریخی و ساکنین مسلمان این ناحیه احتمال کلی میرود که مردمی در این قسمت سکونت داشتند که کم و بیش بادیه نشین و مانند مردم عصر حاضر این ناحیه چادر نشین بودند.

۱- این اطلاعات در ژوئیه ۱۹۳۸ توسط آرن Arne و هدین Hedin در استکهلم بدست آمد.

در عصر مفرغ دشت ترکمن یکی از مراکز پرجمعیت دنیا بود. آرن (ص ۴۲) اضافه میکند که تمایل شخص بر آن است که مردمان این دوره را هند و اروپائی بشمار آوریم؛ ولی بطور قطع نمیدانیم که این مردمی که بزبان هندواروپائی تکلم میکردند یا در موقع تهاجم به ایران این زبان را رایج کردند در واقع مانند ساکنین ماقبل تاریخ شاه تپه سردرازیاس متوسط بودند. از وضع جسمانی و زبان و فرهنگ مهاجمین که در مقابل مردم شمالی ایران مبارزه کردند اطلاعی نداریم. مردم شمالی ایران ظروف سیاه و خاکستری بعنوان نشانه اقامت خود باقی گذاشته‌اند. امکان دارد که قدیمی‌ترین هندواروپائیهای ناحیه ایران غارتگران بادیه‌نشین بودند و الا باید چنین نتیجه گرفت که دوج مردم هند و اروپائی باین ناحیه آمدند.

فرانکفورت<sup>۱</sup> (ص ۳۱-۳۳) اناطولی و ماوراء قفقاز را مرکز پخش ظروف خاکستری و سیاه میدانند. در ضمن در آن محل اثر جمعیت سرکوتاه از نژاد ارمنی می‌یابد. ولی در هزاره سوم قبل از میلاد مردم ساکن دشت ارتباط نزدیک با گروه نژاد ارمنی نداشته‌اند. بعلاوه اطلاع بوضع متقابل معاصر در ایران و آسیای صغیر بقدری مبهم است که نمی‌توان بطور قطعی گفت که تمدن و فرهنگ اناطولی و قفقاز قدیمی‌تر است.

### جمعیه های لرستان

بعلت فقدان اطلاعات مربوط به جمعیه شناسی ساکنین اولیه ایران نویسنده قطعه کامل زیر را از نوشته اخیر آقای والوا H.V. Vallois (ص ۱۱۹-۱۳۴) درباره دو جمعیه که آقای گرشن بدست آورده ترجمه و نقل میکنم.

(۱) در يك قبر ساده یعنی مقبره شماره ۴ در تپه جمشیدی در شمال لرستان اسکلتی پیدا شد که با ظروف سفالی نقاشی شده و به نیمه اول هزاره دوم قبل از میلاد بستگی دارد. خصوصیات آن عبارتست از جنس مذکر - سن ۲۰ - ۳۰، جمعیه از لحاظ گودی و رابطه بین ارتفاع و عرض متوسط. ظرفیت ۱۳۸۵ سانتیمتر مکعب. در حال عمودی جمعیه بیضی شکل است. پیشانی باریک و پشت سر نا- آشکار بنظر میرسد. برآمدگیهای جداری نسبتاً مشخص و قوس استخوان‌گونه

۱- چون این مطلب مهم بجای رسیده و در دسترس علاقمندان قرار دارد از نقل آن در اینجا خودداری میشود.

مختصر مرئی است. درزهای کله خیلی پیچیده است. درحال افقی پیشانی‌منحنی بنظر می‌آید در بدو امر عمودی سپس متدرجاً متمایل به‌رأس. ناحیه پشت رأس ناگهان به‌قسمت علیای استخوان پشت سر سقوط میکند. از پس سر جمجمه حالت عادی خود را دارد.

صورت کم عمق و عریض و پهن است و آرواره رامت است... شکاف بینی پهن و گشاد ولی بهیچوجه شبیه بینی سیاهپوست نیست... حدقه چشم میانه و عرض بین دو حدقه باریک است... سق کوتاه... و چانه برجسته است... وضع دندانها بجز ناحیه کوچک کرم خوردگی در هر یک از سومین دندان آسیاب فك پائین خوب است.

(۲) در قبر شماره ۲ در تپه بدهره واقع در دشت اسدآباد پای کوه الوند اسکلتی که کودکی در آغوش داشت پیدا شد. این تدفین وابستگی دارد با سفال رنگی از نوع متعلق به نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد. جنسیت بطور تحقیق مؤنث و سن بین ۲۰ و ۳۰ و جمجمه از نوع سر متوسط با تمایل به سر کوتاه ارتفاع سر کوتاه و ظرفیت آن ۱۲۳۶ سانتیمتر مکعب.

در حال عمودی این جمجمه بیضی شکل ولی مدور تر از جمجمه شماره ۱ و پیشانی بزرگتر است. پس سر جمجمه کاملاً گرد و قوس استخوان گونه نامرئی است. در حال افقی پیشانی مورب و قبه دراز است و قسمت عقب کمتر آشکار است... از پس سر شکل مانند سر اطفال کروی است. شاخص تناسب پیشانی و طرفین صورت از نوع پهن پیشانی است.

صورت که بلندتر و کم عرض تر از جمجمه شماره ۱ است از نوع کوچک صورت میباشد و شاخص تناسب کلی از نوع خیلی کوچک صورت میباشد. آرواره‌ها راست و شکاف بینی که نسبتاً باریک از نوع متوسط و بطور کلی شبیه بینی معمولی افراد نژاد سامی است. کاسه های چشم مربع و نیمه گرد و در زیر و خارج مورب هستند. فاصله بین دو حدقه چشم خیلی باریک است. سق پهن و کوتاه است... چانه خیلی برجسته است... شاخص تناسب دندانهای بالا دندان متوسط و دندانهای پائین دندان بزرگ است... کرم خوردگی فقط در یکی از دندانهای انیاب و دو دندان آسیاب بالا وجود دارد و دو دندان آسیاب بالا کاملاً فاسد شده است.

در تشریح روابط عمومی نژادی و فرهنگی بین ایران باستان و ماوراءالنهر

والوا Vallois نتایج حاصله از مطالعه اسکلت‌های کیش<sup>۱</sup> و اور وکلده<sup>۲</sup> را نقل می‌کند. نکته جالب توجه اینست که این مردمان مدیترانه که عناصر اصلی جمعیت امپراطوریهای ماوراءالنهر را تشکیل می‌دهند بنظر میرسد که در همان زمان اجزاء متشکله عمده ممالک واقع در مشرق و شمال ایران باشند. س. سیول Sewell اخیراً در نل در جنوب بلوچستان جمجمه<sup>۳</sup> پیدا کرده است که متعلق بعصر مفرغ اولیه است و از لحاظ شکل مشابه باجمجمه سومریهای اور میباشد<sup>۴</sup>. همچنین در اکتشافات اخیر مهنجودارو در دره سند بقایای اسکلت انسانی که همزمان با اوروکیش میباشد بدست آمده است<sup>۵</sup>. پس از مطالعه دقیق یازده جمجمه سیول و گوها<sup>۶</sup> و بعداً فردریکز و مولر چندنوع مختلف تشخیص دادند<sup>۷</sup> اولی مغولی و دومی طبق نظر سیول و گوها استرالیائی ولی طبق نظر برخی علمای مردم‌شناسی متعلق به ساکنین اولیه سیلان است. سومی مطابقت دارد با نوع مدیترانه (حامی از نظر فردریکز و مولر) و نشانه بسط نوع سومری به دره سند است. باید اضافه کرد که در میان جمجمه‌های مهنجودارو نوع ارمنی یافت نشد ولی فردریکز و مولر دو جمجمه از نوع ارمنی دره‌راپا Harappa که نزدیکی مهنجودارو است پیدا کردند.

در نزدیکی عشق‌آباد در ترکستان شوروی شش جمجمه مدتها قبل از يك تپه عصر حجر صیقلی جدید پیدا شده که تاریخ آن نامعلوم است و ممکن است بین ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد باشد. سرجی<sup>۸</sup> G. Sergi که آنها را مورد

۱ - مقایسه شود با شرح باکستون و رایس مورخ ۱۹۳۱ - همچنین نوشته باکستون در کتاب لنگدن Langdon ۱۹۲۴ ص ۱۱۵.

۲ - رجوع شود به نوشته سر آرتور کیت در «العین» - قبرستان (حفاریات اور جلد اول قیمت ۲ اکسفورد ۱۹۲۷).

۳ - سیول و گوها: گزارش درباره استخوانهای حفاری شده در نل (بررسی باستان‌شناسی هند ۱۹۲۹) ص ۳۵

۴ - این نکته دارای اهمیت است زیرا ایران در نیمه راه بین بین‌النهرین (عراق) و دره سند واقع شده و در اثر حفاریهای اخیر مدارک روابط فرهنگی بین دو گروه آشکار میشود.

۵ - «بقایای انسانی» از سرجان مارشال «مهنجودارو» لندن - ۱۹۳۱.

۶ - «شرح چند جمجمه از شمال گرگان، آناودر روسیه» (پمپلی Pumpelly) حفاریات در ترکستان با سرجی درباره حوزه شرق ایران و سیستان - هیئت اکتشافی ۱۹۰۳ واشنگتن ۱۹۰۵.

بررسی قرار داده معتقد است که از نوع سردراز یا کمی سرمعتوسط میباشند و میگویند متعلق به گروه مدیترانه هستند که حتی در آن دوره قدیم همه جا پراکنده شده بودند .

والوا درباره جمجمه شماره ۱ میگوید که از لحاظ شکل بطور کلی شبیه افراد نژاد مدیترانه است ولی قسمت صورت فرق دارد و شبیه ارمنی است و پس سر قدری صاف است .

در جمجمه شماره ۲ نیز نفوذ نوع مدیترانه و ارمنی دیده میشود ولی نفوذ ارمنی آن زیادتر است . در هیچیک از این دو جمجمه اثر قرابت اروپائی و افریقائی مشهود نیست . والوا باین نتیجه میرسد که در هزاره دوم قبل از میلاد مسیح لرستان دارای همان عناصر مردم‌شناسی بوده که در نواحی مجاور آسیای غربی وجود داشته است . در آنجا مانند اینجا مردمان از نوع مردم مدیترانه وجود داشته‌اند که بطور قابل ملاحظه‌ای پراکنده شدند و در این سمت ایران و در بین النهرین و حتی تاتارکستان و بلوچستان و هندوستان یافت میشوند<sup>۱</sup> یقین است که این نژاد نقش اساسی در پیدایش و نمو تمدنهای بزرگ مشرق زمین داشته است . علاوه بر این‌ها عناصر ارمنی در همان زمان وجود داشته که احتمال می‌رود از کوهستانهای ارمنستان و اناطولی آمده باشند ولی این مردم در لرستان نفوذ بیشتری داشته‌اند تا در بین النهرین .

عجب است که این دو دسته بزرگ نژادی در آژمنه جدید در این نواحی وجود دارند . باکستون و رایس مشاهده کردند که در جمعیت حاضر با بابل نژاد مدیترانه و ارمنی کنار هم وجود دارند ولی اکثریت با افراد نژاد مدیترانه است . تحقیقات دو هوسه ( ۱۸۶۳ ) و هوسی ( ۱۸۸۷ ) و دیگران بخصوص آقای هالد کریچنر و خانمش ( ۱۹۳۲ ) در ایران وجود دو نوع اساسی را ثابت میکنند . یکی نوع سردراز ( شاخص تناسب سر ۷۳ تا ۷۵ ) که بخصوص در جنوب شرقی ایران که محل اقامت ایرانیان باستانی بوده و بدون شك متعلق به نژاد مدیترانه میباشد . دوم نوع سرمعتوسط که متمایل بسر کوتاه هستند ( شاخص تناسب سر ۷۸- )

۱ - بنظر اینجانب قدیمیترین ساکنین بین النهرین از نژاد مدیترانه اولیه بودند که بعلت تغییرات آب و هوا از بیابانهای مرتفع سمت مغرب رانده شدند . مراجعه شود به کتاب فیلد چاپ ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ .



۷۹) و در محل امپراطوری ماد قدیم واقع در مرکز و قسمت شمالی ایران سکونت داشتند و شامل عنصر ارمنی قابل ملاحظه میباشند.

والوا باین نتایج نکات زیر را اضافه میکند: اولاً کلیه بقایای انسانی که در بین‌النهرین و ایران پیدا شده بطور وضوح متعلق به نژادهای اروپائی و سفید است. در هیچ‌جمجمه خصوصیات مغولی از قبیل صورت پهن و عریض دیده نمی‌شود. بنابراین نظر بعضی از نویسندگان بخصوص بال و لا کوپری مبنی بر اینکه سومریها دارای خصوصیات نژادی مغولی بودند پایه و اساس ندارد زیرا نتایج مطالعات مردم‌شناسی جسمانی با چنین عقاید و نظریات مبیئت دارد.

ثانیاً مشاهده میشود که عنصر سیاهپوست مطلقاً وجود نداشته و بخصوص در هیچ‌جمجمه‌ای اثری از پیش‌آمدگی آرواره دیده نشده است. این مطلب کاملاً مخالف عقیده و نظر نویسندگانی مانند هامی Himy و کاترفاژ Quatrefages و هوسی و غیره و نویسندگان جدید بخصوص هال و هوسینگ میباشند که معتقدند زمانی در بین‌النهرین و ایران جمعیت سیاهپوست وجود داشته که رابطه و حلقه بین سیاهپوستان آفریقا و مردم هند و اقیانوسیه را تشکیل میدادند. ولی خصوصیات سیاهپوستی که تصور میشد در میان جمعیت معاصر شوش و جنوب بلوچستان وجود داشته نشانه وجود عناصر مردم از نژاد سیلان است که غیر سیاهپوست بودند (فن‌آیکشتد Von Eickstedt صفحه ۳۱۱ - ۳۱۲).

نتیجه اینکه دو جمجمه لرستان وابستگی به مردم شمالی ندارند. بعلاوه موقعیت ایران بین‌هندوستان و اروپا بعضی از نویسندگان ایران را مرکز اصلی نژاد هند و اروپائی و باین ترتیب نژاد شمالی (نوردیک) دانسته‌اند و آنان را حامل تمدن آریان بشمار آورده‌اند.

بررسی و مطالعه ایرانیان عصر حاضر ثابت میکند که عنصر شمالی یا ابداً وجود ندارد یا اینکه اثر آن بسیار قلیل است. مطالعه این دو جمجمه این فقدان را تأیید میکند یا لاقلاً برای این ناحیه بخصوص و زمانی که بآن تعلق دارند تأیید مینماید. بدون آنکه به بحث درباره مبدأ مردمان شمالی بپردازیم آشکار است که مطالعات مردم‌شناسی ایران هیچگونه دلیل و سندی برای اثبات این نظریه که ایران مرکز و مهد مردم موبور سردراز اروپای شمالی است بدست نمیدهد.

---

۱ - در عراق در بعضی افراد ساکنین فعلی خصوصیات چهره مغولی دیده‌شد، بحث درباره این موارد در گزارش مربوط بعراق داده شده است. (فیلد ۱۹۳۵)

## آمار اندازه گیری بدن انسانی

اندازه	شماره ۱	شماره ۲	
ظرفیت	۱۳۸۵	۱۲۳۶	Capacity
قوس افقی	۵۰۵	۴۸۳	Horizontal Arc
قوس درز پیشانی	۱۲۵	۱۲۰	Sagittal frontal arc
قوس درز آهیانه	۱۲۳	۱۲۹	Sagittal Parietal arc
قوس درز استخوان پس سر	۱۱۹	۱۰۷	Sagittal Occipital arc
جمع کل قوس درزی	۳۶۷	۳۵۶	Total Sagittal arc
حداکثر طول استخوان			
پس سر	۱۷۸	۱۶۹/۵	Greatest Occipital length
حداکثر عرض	۱۳۷	۱۳۳	Greatest breadth
ارتفاع فرق سر	۱۲۹/۵	۱۱۸/۵	Basi_bregmatic height
بلندی مجری نخاع و بینی	۹۸/۵	۸۹	Basion _ nasion height
حداقل قطر پیشانی	۸۹	۹۲	Minimum frontal diameter
حداکثر قطر پیشانی	۱۱۴	(۱۱۲)*	Maximum frontal diameter
شاخص تناسب سر	۸۶/۹	۷۸/۴	Cephalic index
شاخص طول و ارتفاع	۷۲/۷	۶۹/۹	Length _ height index
شاخص عرض و ارتفاع	۹۴/۵	۸۹	Breadth _ height index
شاخص پیشانی و			
استخوان آهیانه	۶۴/۹	۶۹/۱	Fronto _ parietal index
شاخص پیشانی	۷۸	(۸۲/۱)	Frontal index
قطر بیخ بینی تا			
دندانهای جلو	۵۵	۶۶	Nasion _ prosthion diameter
قطر بیخ بینی تا			
استخوان چانه	(۹۷)	۱۱۲	Nasion _ gnathion diameter
عرض استخوان گونه ها	۱۲۳	۱۱۷	Bizygomatic breadth
قطر مغز تا			
دندانهای جلو	۹۶	۸۴	Basion _ prosthion diameter

## قطر بین حدقه‌های

۱۸	۱۸	Interorbital diameter (Anterior)	چشم (جلو)
۴۸	۴۱	Nasal length	طول بینی
۲۴	۲۱/۵	Nasal breadth	عرض بینی
۳۱/۵-۳۸	۳۸-۳۰/۵	Orbital breadth	عرض حدقه چشم
۴۰/۴۰	۴۲/۳۸	Palatal breadth	عرض سق
۳۹	۳۸	Upper molar length	طول دندانهای آسیاب بالا
۵۶/۴	۴۴/۷	Upper facial index	شاخص قسمت علیای صورت
۹۵/۷	(۷۸/۸)	Total facial index	شاخص کل صورت
۵۰	۵۹/۷	Nasal index	شاخص بینی
۸۲/۸	۸۰/۲	Orbital index	شاخص حدقه چشم
۱۰۰	۹۰/۴	Palatal index	شاخص سق
۹۴/۳	۹۷/۴	Prognathic index	شاخص آرواره
۴۳/۸	۳۸/۵	Upper dental index	شاخص دندانهای بالا
۹۰	۹۴	Total angle of profile	زاویه کل نیمرخ
(۹۶)	۹۸	Mandibular length	طول فك سفلی
۱۰۸	۰۰۰	Bicondilar breadth	عرض مهره‌های مفصل
۸۲	۹۲	Bigonial breadth	عرض زاویه فك سفلی
۴۲	۴۴/۵	Lower molar length	طول دندانهای آسیاب پائین
			شاخص عرض و طول
(۸۵/۴)*	۹۳/۸	Length-breadth bigonial index	زاویه فك پایین
۵۷/۷	۴۳/۸	Ascending ramus index	شاخص خاص فك
۴۷/۱	۴۵/۱	Dental index	شاخص دندان

در موقعیکه شرح فوق تحت چاپ بود والوا فرصت آنرا پیدا کرد که سه  
 مجموعه دیگر و چند قطعه استخوان فك را که در تپه ژیان در دره نهاوند در شمال  
 لرستان پیدا شده بود مورد بررسی قرار دهد. قطعات این مجموعه‌ها بوسیله حروف  
 C و B, A مشخص شده است و در زیر شرح داده میشود.  
 \* ارقام در پرانتز بطور دقیق معین نشده است.

A. ازقبری درسطح III بدست آمده . در این قبر حاوی همان ظروف سفالی حجمه شماره ۱ میباشد که تصور می‌رود با آن همزمان باشند . این کاملترین حجمه‌ها است و متعلق به مرد نسبتاً قوی در حدود چهل سال میباشد . در حال عمودی حجمه بیضی شکل است . برآمدگی بالای حذقه چشم و برآمدگی پیشانی میان دوا برو (glabella) کاملاً مشخص و خودپیشانی مورب است بعضی از اندازه‌گیریهای آن عبارتند از : طول پیشانی تا پشت سر ۱۹۰، حداکثر عرض ۱۳۲ یا کمی بیشتر، شاخص سر ۶۹/۴ یا شاید ۷۰ - ۷۲؛ شاخص پیشانی ۷۷/۴.

B. از سطح I پیدا شده و به پایان هزاره دوم نسبت داده میشود. حجمه یعنی قسمت پس‌سر متعلق بفردی است بسن ۲۰ تا ۳۰ و از نوع سردراز یا سرمتوسط میباشد . این حجمه با قسمتی از فك زیرین زنی بدست آمده که همه دندانهایش درآمده و کم استعمال شده و اثری از کرم‌خوردگی ندارد . چانه آن خوش شکل

C. از سطح I پیدا شده و به پایان هزاره دوم نسبت داده میشود. این حجمه متعلق بفرد کلا نسانی بسن ۳۰ تا ۴۰ است و از لحاظ شکل شبیه حجمه A میباشد. بیضی شکل و بدون شک از نوع سردراز است ولی شاخص تناسب سر را نمیتوان معین کرد. از آنجائیکه قسمت سفلی استخوان پیشانی از بین رفته در باره برآمدگی‌های فوق حذقه اظهار نظر نمیتوان کرد. منسوب با این حجمه فك سفلی بزرگی است که خوب باقی‌نمانده و دندانها از بین رفته ولی اثر کرم‌خوردگی در آن نیست. سومین دندان آسیاب مدتها قبل از بین رفته بوده است. چانه خوب مشخص است همراه با آن استخوان سق پیدا شده که همه دندانها از بین رفته و اثر غانقریا و اِسه در قسمت حفره دندان آشکار است. . . .

مطلب جالب توجه اینکه این سه حجمه نشان میدهند که اثر نوع سردراز در لرستان در زمان مورد بحث قویتر از زمان حجمه شماره ۱ و ۲ بوده است. طبیعی است که عنصر مدیترانه همیشه وجود داشته و در حجمه A میتوان یقین داشت که آن نمونه اولین نوع کیش یعنی نوع اروپا و آفریقائی سرجی است .

والو امینو یسد که در آزمایشگاه مردم‌شناسی دانشکده طب تولوز حجمه‌های

ایرانی زیر وجود دارد .

### مجمعه‌هایی از گورستان سیالک نزدیک کاشان

تعداد	هراره	دوره
۶	۵	مس
۱۰	۴	برنز
۳	۳	برنز
۲	۲	آهن
۱۸	۱	آهن
۳۹		جمع

### مجمعه‌هایی از گورستان شوش

تعداد	دوره
۱	۲۴۰۰ - ۲۳۰۰ ق.م
۴	۲۲۰۰ - ۲۳۰۰ د
۳	۱۹۰۰ - ۲۰۰۰ د
۲	۱۵۰۰ - ۱۴۰۰ (عیلامی) ق.م
۴	دوره ساسانی
$\frac{1}{15}$	۴۰۰ - ۵۰۰ م
	جمع

پنج مجموعه‌ای که در بالا شرح داده شد اکنون در مؤسسه دیرین شناسی انسانی پاریس وجود دارد. والوا اضافه میکنند که بیدک سری مجموعه‌های آسوری و مجموعه‌های متعلق به عصر حجر و دوره فینیقی سوریه دسترسی دارد.

### مجمعه‌های تورنگک تپه نزدیک استراباد

دکتر فردریک ولسین Frederick R. Wulsin که از طرف مؤسسه ویلیام راکهیل نلسون کانساسیتی در تورنگک تپه به عملیات باستان شناسی اشتغال داشت هشت مجموعه در آن نقطه پیدا کرد. این مجموعه‌ها بدست موزه دانشگاه فیلادلفیا افتاد و از طرف مدیر موزه دکتر هوراس جین به موزه پیبادی دانشگاه هاروارد تقدیم

گردید. با اجازه پرفسور هوتن اینجانب اندازه‌گیریها و ملاحظات آقای نیومن را در اینجا نقل می‌کنم شماره‌ها مربوط به کاتولگ موزه پیبادی است ولی اسناد تدفین در موزه دانشگاه فیلادلفی است.

دکتر ولسین در نامه مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۳۸ چنین مینویسد: «این جمجمه‌ها از یک محل مسکونی که بعضی مس یا عصر برنز نسبت داده میشود بدست آمده‌است. در این محل سه سطح تدفین وجود داشت. اولی تقریباً در سطح زمین قرار داشت و نشانه آن بود که تپه کوچک از زمان دفن کردن مردگان بتدریج پایین رفته. دو سطح تدفین دیگر چندین متر زیر زمین بوده این هشت جمجمه از سطح بالا بدست آمد از نظر طبقه ممکن است به هر زمانی تعلق داشته باشند. جایگاهی که در آن قرار داشتند قدیمی بود ولی تدفین جدید هم در همان جایگاه بعمل می‌آمد. بنظر من اینها متعلق به چندین قرن پیش است زیرا استخوانها آنقدر نزدیک بریشه گیاهها است که نمیتواند متعلق به عصر حاضر باشد. سطح زمین لااقل پنجاه سانتیمتر و شاید ۷۵ سانتیمتر پایین رفته است. از طرف دیگر یقین دارم که این جمجمه‌ها متعلق به عصر مس و برنز نیست زیرا تدفین‌های آن دوره فشرده تر و همراه جسد هدا یا و تقدیمی‌ها قرار میدادند در صورتیکه قبرهای جدید بسیط‌تر است. در سطح بالا هم هدایائی مشاهده میشود ولی نادر است و از حیث نوع با قبور سطح زیرین فرق دارد. اغلب بجای ظروف سفالی پارچه و لباس است. چنین بنظر میرسد که این تدفین‌ها در زمانی بین ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد و ۱۲۰۰ میلادی صورت گرفته باشد: بنظر من متعلق بزمانهای مختلف در این فاصله میباشد. بعضی از آنها از جمله شماره ۶۴۹ که متعلق به مرد جنگجوی بود حاوی اسلحه آهنین است و در یک قبر دیگر تابوت میخ آهنی دارد.

# اندازه گیری و شاخص ها

اندازه ها	N/۶۴۸	N/۶۴۹	N/۶۵۱	N/۶۵۲	N/۶۵۴	N/۶۵۵	N/۶۵۶	N/۶۵۸
طول بین برآمدگی Glabello-occipital length	۱۷۹	۱۷۵	۱۷۶	۱۶۶	۱۶۳	۱۷۵	۱۷۹	۱۷۰
بیشانی و پس سر Greatest breadth	۱۴۰	۱۴۹	۱۴۵	۱۴۴	۱۴۴	۱۴۴	۱۴۹	۱۳۹
ارتفاع فرق سر Basic-bregmatic height	۱۳۸	۱۳۱	۱۳۷	۱۳۹	۱۲۴	...	۱۳۵	۱۳۵
ضخامت آهیانه چپ Left parietal thickness	۷	۶	۶	۵	۶	۵	۶/۳۸	۶
Minimum frontal diameter	۹۹	۱۰۱	۹۶	۸۹	۹۷	۹۳	۱۰۰	۹۸
ارتفاع لاله گوش Auricular height	۱۲۰	۱۱۷ <sup>b</sup>	۱۱۸	۱۱۶	۱۱۲	۱۱۹	...	۱۲۱
Frontal height	۱۱۱	۱۱۰	۱۱۵	۱۱۵	۱۰۸	۱۰۴	۱۱۹	۱۰۳
زاویه پیشانی Frontal angle	۵۱	۵۰	۴۹	۴۹	۴۹	۵۳	...	۵۶
Total facial angle	۹۰	۸۴	۸۲	۸۴	...	...	...	۸۳
زاویه نیمه صورت Mid-facial angle	۱۰۱	۸۹	۹۲	۸۸	...	...	...	۹۲
Alveolar angle	۶۲	۶۸	۵۶	(۷۱)	...	...	...	۶۱
Bizygomatic breadth	۱۳۴	۱۲۶	۱۳۴	(۱۳۱)	۱۳۴	...	(۱۴۳)	۱۱۹

اندازه ۵							
N/۶۵۸	N/۶۵۶	N/۶۵۵	N/۶۵۴	N/۶۵۲	N/۶۵۱	N/۶۴۹	N/۶۴۸
۰۰۰	۱۳۴ <sup>g</sup>	۰۰۰	۰۰۰	۱۰۴ <sup>f</sup>	۱۳۳ <sup>e</sup>	۱۲۲ <sup>c</sup>	۱۲۷ <sup>e</sup>
۷۵	۸۴	۰۰۰	۰۰۰	۶۴	۷۷	۷۷	۷۸
۹۸	۱۰۳	۰۰۰	۹۵	۹۶	۱۰۴	۱۰۲	۱۰۵
۹۶	۱۰۷	۰۰۰	۰۰۰	۹۵	۱۰۵	۱۰۳	۹۶
۵۲	۵۹	۰۰۰	۰۰۰	۵۴	۵۵/۶	۵۴	۵۴/۵
۳۳	۳۵/۵	(۳۴/۲)	۰۰۰	...	۳۳/۲	۳۴	۳۴/۳
۴۲	(۴۲)	۰۰۰	...	...	۳۹	۴۲	۴۰
۳۳	۳۶/۲	۰۰۰	۳۴	۳۴	۳۳	۳۴/۴	۳۵
۴۳	۴۳	۰۰۰	۴۰	۳۸	۳۹/۳	۴۲/۴	۴۰
۱۳	۱۳/۳	۰۰۰	۱۴	۱۱	۱۲	۱۴/۴	۱۳
۱۶	۲۰/۴	۰۰۰	۰۰۰	۱۵	۱۶/۵	۱۸	...
۲۳	۲۴	۰۰۰	۲۰	۱۹/۳	۲۰	۲۲	۲۰/۵
۱۰۳	۱۰۸	۰۰۰	۰۰۰	...	۹۶	۱۰۴	۹۶
۵۶	۶۰	۰۰۰	۰۰۰	۴۸	۵۸	۵۷	۵۷

۴c. میلیمتر برای سائیدگی دندانان.

۲d. میلیمتر برای سائیدگی دندانان اضافه شده است.

۳c. و و و و و

۲f. میلیمتر برای سائیدگی دندانان اضافه شده است.

۲g. و و و و و

و و و و و



## اندازه ها

	N/۱۶۵۱	N/۱۶۵۰	N/۱۶۵۰	N/۱۶۵۰	N/۱۶۵۱	N/۱۶۴۹	N/۱۶۴۸
عرض خارجی سق	۶۹	...	...	۵۷	۶۹	۶۸	۶۶
External palatal breadth							
طول مهره استخوان چانه	۱۱۲	۱۰۷	۹۰	۹۷	۸۸	۱۱۰	۱۰۳ (۱۰۲)
Condylar - Symphyseal length							
عرض دو مهره استخوان	۱۱۸	۱۳۷	۱۲۰	۱۲۸	۱۱۵	۱۱۸	۱۱۳
Bicondylar breadth							
ارتفاع استخوان چانه	۳۶	۳۸/۱	۴۴	(۳۱)	۲۷	...	۳۳/۳
Symphysial height							
عرض دو زاویه فک پایین	۹۸	۱۱۵	۹۶	(۹۷)	۹۰	۹۹	۹۸
Bigonial breadth							
حداقل عرض قسمت عقبی فک سفلی	۷۷	۳۹	۴۲	۳۴/۲	۴۱	۳۷/۴	۳۵
Ascending ramus minimum breadth							
زاویه فک سفلی	۱۳۳	۱۱۶	۱۰۶	۱۱۵	۱۰۶	۱۱۳	۱۲۶ (۱۱۵)
Mean angle mandible							
محیط افقی	۴۹۱	...	۵۱۶	۴۸۷	۴۹۴	۵۰۸	۵۲۲
Horizontal circumference							
بین بینی تا مرز عقبه چترای نخاع	۳۵۶	۳۷۰	۳۶۳	۳۳۸	۳۵۹	۳۵۹	(۳۶۷)
Nasion opisthion							
قوس متقاطع	۳۱۵	...	۳۲۱	۳۱۰	۳۲۰	۳۲۲	...
Transverse arc indices							
سر	۸۱/۸	۸۴	۸۲/۳	۸۹	۸۶/۷	۸۲/۵	۸۵
Cephalic							
طول و ارتفاع	۷۹/۵	۷۵/۵	...	۷۶	۸۳/۷	۷۸	۷۵
Height - length							
عرض و ارتفاع	۹۷	۹۰	...	۸۵/۵	۹۶/۵	۹۴/۵	۸۸
Height - breadth							
پیشانی - آهیانه	۷۰/۵	۶۶/۶	۶۹/۵	۶۷	۶۱/۸	۶۶	۶۸
Fronto - porietal							

## اندازه ها

N/۶۵۸	N/۶۵۶	N/۶۵۵	N/۶۵۴	N/۶۵۲	N/۶۵۱	N/۶۴۹	N/۶۴۸	اندازه ها
۷۱/۳	...	۶۸	۶۸/۸	۶۹/۹	۶۷	۶۷	۶۷	Auricular height-length طول و ارتفاع لاله گوش
۱۴۸	۱۵۵	...	۱۴۴	۱۵۰	۱۵۳	۱۵۲	۱۵۲	Cranial module اندازه سر
...	۹۳/۸	...	...	۷۹/۴	۹۹/۳	۹۰/۵	۹۴/۸	Facial صورت
۵۸	۵۸/۷	...	...	۴۸/۸	۵۷/۵	۵۶/۶	۵۸	Upper facial قسمت بالای صورت
۹۲/۸	۹۵/۵	...	۹۲/۵	۹۱	۹۲/۵	۹۱	۹۵/۷	Cranio-Facial سر - صورت
۵۱	۴۹	...	...	۵۲/۸	۴۵/۲	۴۳/۴	۴۴/۲	Nasal بینی
۷۸/۵	۸۲/۵	۸۲	...	...	۸۵/۷	۸۱	۸۶/۵	Left orbital حدقه چپ
۸۱/۳	۶۵	...	...	۹۶	۷۲/۸	۸۰	...	Nasalia-transverse بینی از عرض
۲۲/۱	۲۲	...	...	...	۲۰/۸	۲۱	۲۱/۳	interorbital بین دو حدقه
۱۱۲/۵	۱۱۵	...	...	۱۰۸	۱۱۹	۱۱۹	۱۱۵/۸	External palatal سق خارجی
۹۵	۷۸	۷۵	۷۵/۷	۶۱	۹۳	۹۱	۷۹	Mandibular فک سفلی
۷۶	۸۰/۵	...	۷۲/۵	۶۹/۵	۷۴	۷۲	۷۵/۴	Zygo gonial گونه و فک سفلی
۱۰۰	۱۱۵	۱۰۳	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۳	۹۷	۱۰۲	Fronto gonial پیشانی و فک سفلی
۷۶	۷۰	...	۷۲/۵	۶۸	۷۱/۶	۷۴	۷۳/۹	Zygo-frontal گونه و پیشانی

### مجموعه‌های ری ۱۹۳۶

با اجازه و لطف آقای هوراس جین Horace H.F. Jayne مدیر موزه دانشگاه فیلادلفی و دکتر اریک اشمیدت رئیس هیئت اکتشافی ری یساده‌های زیر برای اولین بار منتشر می‌شود. این یادداشتها توسط آقای جیمز گال که فعلا در موزه پیبادی دانشگاه هاروارد کار میکند در ۱۹۳۶ موقعیکه عضو هیئت اکتشافی ری بود تهیه شده است.

مجموعه‌های زیر در یک تقارخانه در یک برج دوره سلجوقی در حوالی ری اندازه‌گیری شده است. این محل چندین میل مربع مساحت دارد و در نزدیکی شاه عبدالعظیم که در چند میلی جنوب طهران قرار دارد واقع شده است.

اندازه‌گیری زیر از مجموعه‌ای مرد بزرگسال است بجز شماره ۴ - x که متعلق بزن است.

اندازه	شماره ۵ - x	شماره ۴ - x	شماره ۱۰ - x
طول سر	۱۶۵	۱۶۱	۱۷۶
عرض سر	۱۴۳	۱۳۹	۱۴۷
ارتفاع سر	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۶
محیط	۴۹۵	۴۷۸	۵۱۴
حداقل قطر پیشانی	۹۳	۹۵	۹۹
ارتفاع پیشانی	۱۰۵	۱۰۱	۱۱۶
عرض دو گونه	۱۳۰	۱۲۰	۱۲۳
ارتفاع بیخ بینی تا چانه	۱۱۱	۱۱۶	۱۱۷
ارتفاع بیخ بینی تا حفره دندانهای جلو	۶۸	۷۲	۶۷
ارتفاع نوک سر تا حفره دندانهای جلو	۹۷	۹۲	۱۰۰
طول نوک سر تا بیخ بینی	۹۴	۹۹	۱۰۶
ارتفاع بینی	۴۸	۵۰	۵۱
عرض بینی	۲۶	۲۲	۲۲
تحریف	جزئی	جزئی	...
	برآمدگی	برآمدگی	
	آهینه‌چپ	آهینه‌چپ	

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۳۳۱

عرض مهره‌های استخوان چانه	۱۲۰	۱۰۴	۰۰۰
ارتفاع استخوان چانه	۳۲	۳۰	۳۳
قطر دوزاویه فك پایین	۹۸	۸۶	۹۴
شاخص‌ها			
عرض سر	۸۶/۶۶	۸۶/۱۴	۸۲/۵۲
ارتفاع - طول	۸۱/۲۱	۸۳/۲۳	۷۷/۲۷
ارتفاع - عرض	۹۳/۷۰	۹۵/۶۸	۹۲/۵۱
صورت	۸۵/۳۸	۹۶/۶۶	۹۵/۱۲
قسمت علیای صورت	۵۲/۳۰	۶۰/۰۰	۵۴/۴۷
سر و صورت	۹۱/۲۵	۸۶/۳۳	۸۳/۶۷
بینی	۵۴/۱۶	۴۴/۰۰	۴۳/۱۳
پیشانی - آهینه	۷۰/۸۰	۶۸/۳۴	۶۷/۳۴

طبقه‌بندی بر حسب شاخص سر

شماره	جنسیت	سر	بینی	صورت	ارتفاع سر
۱	مرد	دراز	متوسط	دراز	کوتاه
۴	مرد	دراز	متوسط	عریض	بلند
۶	مرد	دراز	پهن	عریض	کوتاه
۳	مرد	متوسط	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۰	زن	متوسط	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۵	مرد	متوسط	دراز	دراز	بلند
۲	زن	عریض	متوسط	متوسط	متوسط
۵	مرد	عریض	متوسط	متوسط	۰۰۰
۷	مرد	عریض	۰۰۰	۰۰۰	بلند
۸	زن	عریض	کوتاه و پهن	۰۰۰	بلند متوسط
۹	مرد	عریض	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۲	زن	عریض	دراز	دراز	بلند
۱۳	مرد	عریض	دراز	۰۰۰	بلند
۱۴	مرد	عریض	۰۰۰	۰۰۰	متوسط
۱۶	مرد	عریض	کوچک و باریک	متوسط	متوسط

- ۱ - جمجمه معمولی و دندانها خوب است .
- ۲ - آهیانه‌چپ شکسته ولی دندانها خوب است .
- ۳ - درباره این کاسه سر معمولی اظهارنظر نشده است .
- ۴ - در محل الثقای درز استخوان آهیانه و پس‌س یک استخوان ورمیان Wormian وجود دارد .
- ۵ - استخوان نوکس و حفره نخاع از بین رفته و بنا بر این ارتفاع جمجمه تقریبی احتساب شده است .
- قسمت پس‌س صاف است و در نتیجه سر بظاهر بلند و عریض جلوه میکند .
- آهیانه‌راست قدری برآمدگی دارد .
- ۶ - درز آهیانه فرو رفته - هیچگونه قفس و انحراف مشهود نیست .
- ۷ - قسمت چپ استخوان پیشانی و فك چپ بالا از بین رفته . استخوان پس‌س صاف شده است .
- ۸ - نیمی از آهیانه راست از بین رفته . بینی خیلی کوتاه و پایه جمجمه کوتاه است و بنظر فشرده میرسد که ممکن است نتیجه عدم رشد باشد . برآمدگی آهیانه چپ نتیجه بیماری بوده و این شخص درزندگی احتمال میرود ناقص عقل بوده است . دکتر ماکداول رئیس بیمارستان امریکائی طهران میگوید ممکن است بیماری Ostia malasia در این جمجمه اثر گذاشته باشد .
- ۹ - روی این جمجمه در آهیانه‌چپ برآمدگی مشاهده میشود و پس‌س صاف شده است . این قطعه جمجمه بقدری نامنظم است که تصور میرود غیر عادی باشد .
- ۱۰ - استخوان فك چپ بالا و استخوان سمت چپ پیشانی مفقود است . پس‌س برآمده است .
- ۱۱ - در این جمجمه که در جدول بالا محسوب نشده است در امتداد درز استخوانهای پس‌س و آهیانه استخوان Wormian دیده میشود . پس‌س پیش آمده است .
- ۱۲ - نیمی از آهیانه راست مفقود است . باید در نظر داشت که با اینکه این جمجمه یک سالمنده است درز پیشانی بسته نشده است . مهره بزرگ بینی مشهود است در امتداد درز پس‌س و آهیانه استخوانهای Wormian دیده میشود .
- ۱۳ - قسمت عمده آهیانه راست از بین رفته . سومین دندان آسیاب فك بالا در

نیامده، درحالیکه درفک پائین درآمده است. اولین دندان آسیاب چپ پائین دونم است و شاید در زمان حیات صاحب آن دو واحد جداگانه بوده. دندانها بطور کلی خوب است. در درز بین پس‌سرو آهیانه استخوانهای Wormian دیده می‌شود.

۱۴ - درزهای بین آهیانه و پس‌سر فرو رفته و پس‌سر برآمده است.

۱۵ - جمجمه خوب مانده. سومین دندان آسیا درفک بالا در نیامده ولی درفک پایین درآمده. از وضع استخوانها و میزان فرسودگی دندانها و ظاهر کلی احتمال می‌رود که این جمجمه متعلق به سالمند جوان باشد ولی درز بین استخوان آهیانه مسدود شده و از بین رفته است. وضع دندانها خوب است. این اسکلت در چاهی در RTH پیدا شد؛ تاریخ آن دوره اسلامی II است و قسمت عمده اسکلت بوضع خوبی باقی مانده است.

اندازه گیریهای زیر بدست آمد: حداکثر طول استخوان ران ۰/۴۷۳ - طول مهره‌های مفصل ۰/۴۷۱ - طول قصبه کبری ۰/۳۹۱

پس از بکار بردن فورمول پیرسون برای قد گال قد این شخص را از ۱۷۱ سانتیمتر یا ۵ پا و ۷ اینچ تشخیص داد.

۱۶ - قسمت چپ استخوان پیشانی از بین رفته. در آهیانه چپ برآمدگی مختصری وجود دارد. در درز آهیانه و استخوان پس‌سر استخوان Wormian دیده می‌شود وضع دندانها بد نیست.

وقتی شاخص‌ها را مورد بررسی قرار دهیم ملاحظه می‌شود که بین این جمجمه‌ها هم‌آهنگی و تجانس وجود دارد. شماره ۸ و ۹ را بعلاوه غیر عادی بودن نباید بحساب آورد. اکثر جمجمه‌ها از نوع سر کوتاه هستند که عبارت باشند از شماره‌های ۲ و ۵ و ۷ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶. از طرف دیگر شماره‌های ۱ و ۴ و ۶ از نوع سر دراز و شماره‌های ۳ و ۱۰ و ۱۵ از نوع سر متوسط می‌باشند.

جمجمه‌های بالا متعلق بدوره اسلامی I (قرن ۷ تا ۱۰ میلادی) می‌باشد ولی شماره‌های ۱۴ و ۱۵ بدوره اسلامی II یعنی قرن ده تا دوازده میلادی نسبت داده می‌شود.

### جمجمه‌های درموزه‌های آمریکا

علاوه بر جمجمه‌های درموزه‌های آمریکا که تا کنون شرح داده شده دو جمجمه

دیگرا باید مورد مطالعه قرارداد که میگز Meigs ذکر کرده است . اول شماره ۷۳۱ پارسی یا ایرانی آتش‌پرست از برج سکوت در بمبئی- هندوستان- زن، سن ۴۰ شاخص سر ۷۵ .

دوم شماره ۷۴۳ پارسی یا ایرانی آتش‌پرست - از برج سکوت نزدیک بمبئی- زن، سن ۵۰ شاخص سر ۸۹ .

در سال ۱۹۳۴ نویسنده چندین مجسمه متعلق به دوره "نسبه" اخیر درری و تخت جمشید مشاهده کرد گزارش درباره این مجسمه‌ها و استخوانهاییکه اخیراً پیدا شده است بزودی منتشر خواهد شد .

قبل از شرکت در کنفرانس بین‌المللی علوم مردم‌شناسی و نژادشناسی که در ماه اوت ۱۹۳۸ در کپنهاگ تشکیل گردید اینجانب نامه‌ای به مدیران موزه‌ها و مؤسسات مختلف نوشت و سؤال کرد آیا اسکلت یا مجسمه انسانی در مؤسسه خود دارند یا نه . برای اینکه مردم‌شناسان دیگر زحمت تحقیق و پرسش نداشته باشند در زیر نام موزه‌ها و مؤسسات اروپایی را که آثار اسکلت یا مجسمه از ایران ندارند نقل میکنیم .

کنور	محل	مؤسسه
بلژیک	بروکسل	موزه سلطنتی هنر و تاریخ
انگلیس	کمبریج	موزه باستان‌شناسی و نژادشناسی
انگلیس	اکسفورد	موزه دانشگاه
فنلاند	هلسینکی	موزه کانالیس
آلمان	برلین	
آلمان	برلین	موزه
هلند	آمستردام	مؤسسه تشریح- دانشگاه آمستردام
هلند	لیدن	موزه تاریخ طبیعی
هلند	اوترخت	آزمایشگاه تشریح- دانشگاه
ایتالیا	فلورانس	موزه ملی مردم‌شناسی و نژادشناسی
ایتالیا	رم	مؤسسه مردم‌شناسی- شهر دانشگاه
نروژ	اوسلو	موزه حیوان‌شناسی
لهستان	کراکو	موزه مردم‌شناسی دانشگاه
لهستان	لوی	مؤسسه مردم‌شناسی و نژادشناسی

لهستان	ورشو	مؤسسه مردم‌شناسی
لهستان	ورشو	موزه حیوان‌شناسی
سوئیس	زوریخ	مؤسسه مردم‌شناسی دانشگاه زوریخ
روسیه شوروی	مسکو	موزه مردم‌شناسی - دانشگاه دولتی

علاوه بر گزارش تپه‌حصار کروکمن اسکلت و استخوانهای علیشر مویوئک در ناطولی را در جلد ۳۰ نشریه مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو مورخ ۱۹۳۸ شرح داده‌است. چون این گزارش قابل دسترسی است از نقل آن در اینجا صرف نظر میشود.

از آنجائیکه بین ایران و دره سند در زمانهای قدیم ارتباط فرهنگی وجود داشته (رجوع شود به استاین ص ۳۸-۶۴ و همچنین فرانکفورت) بی‌مناسبت نیست بطور خلاصه شرح يك جمعیه قدیمی را که در شمال غربی هندوستان پیدا شده در اینجا نقل کنیم.

### جمعیه از چنهودارو - هندوستان

دکتر ویلتون کروگمن Wilton M. Krogman و ویلیام ساسمان William H. Sassaman عضو آزمایشگاه کالبدشناسی و مردم‌شناسی جسمانی دانشگاه وسترن رزرو واقع در کلیولند اوهایو جمعیه‌ها را (شماره ۳۳۲۴ ك) که در چنهودارو در ناحیه نواب‌شاه‌سند در هندوستان پیدا شده و منسوب به تمدن‌ها را پا مورخ ۳۰۰۰ تا ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد است شرح داده‌اند.

در ۳۶ - ۱۹۳۵ هیئت اکتشافی آموزشگاه آمریکائی مطالعات هند و ایران و موزه هنرهای زیبای بوستن تحت رهبری دکتر ارنست مکی Mackay<sup>۱</sup> در تپه II چنهودارو واقع در ۱۲ میلی‌مشرق بستر فعلی رود سند و در ۸۰ میلی‌جنوب-جنوب شرقی مهنجو دارو تحقیقات بعمل آوردند. در زیر شرح يك جمعیه که در این محل پیدا شد داده میشود.

این جمعیه دراز و در پیشانی کوتاه و پهن است. صورت عریض و کوتاه و پهن است و مختصری پیش‌آمدگی دارد بینی وسق عریض هستند و حده‌ها پایین است. جمعیه دراز (حداکثر طول استخوان پس‌سر ۱۷۸ - حداکثر عرض ۱۲۶/۵ - ۱ - مدر عملیات میدانی هیئت اکتشافی موزه فیلد و دانشگاه اکسفورد به کیش عراق ۱۹۲۳-۱۹۲۶.



شاخص سر ۷۰/۰۷) و صورت پهن (عرض استخوان گونه‌ها ۱۲۴) خصوصیات غیر متجانس است.

نتایج حاصله از این قرار است: جمجمه چنودارو متعلق بزنی است بسن ۲۵-۲۲ این جمجمه از یک کوزه بزرگ بدست آمد و هیچگونه قسمت دیگر اسکلت وجود نداشت ولی همراه صدف حلزونی و اشیاء کوچک فلزی بود. این جمجمه نماینده نوع مدیترانه اولیه است که در آن آثار نژاد سیاهپوستی اجدادی آشکار است. صورت غیر متجانس تنوع و اختلاف فردی است و نه اختلاط با نوع نژادی آسیای شرقی. فقط از یک لحاظ یعنی تناسب طول و عرض فرق سر جمجمه چنودارو با نوع ایده‌آلی مدیترانه اولیه تطبیق میکند<sup>۱</sup>.

اکنون به بحث درباره روش و تکنیک ثبت اندازه گیری اجزاء استخوانی بدن که در این کتاب بکار رفته میپردازیم.

### روش و تکنیک اندازه گیری

در فصول گذشته سرزمین و مردم ایران مورد بحث قرار گرفت و اشارات تاریخی مربوط به مردم نقل گردید و جمعیت ایران عصر حاضر استان باستان بررسی شد.

شک نیست که موجهای مهاجرت اقوام مختلف در طول تاریخ طول در خصوصیات جسمانی ساکنین این کشور اثر گذاشته است. تحقیقات اندازه گیری اجزاء بدن انسانی در دره نیل و دره بین‌النهرین نشان میدهد که با وجود مهاجمین متعددی که بازو اسلحه این ممالک را مسخر کردند اصل جمعیت این نواحی در طی شش هزار سال گذشته از نظر جسمانی تغییرات زیادی ننمودند در اثر مشکلات مسافرت و خصوصیت عشایر مسلح تحقیقات کامل اندازه گیری در ایران تاکنون بعمل نیامده است. تشکیل حکومت قوی مرکزی در طهران و خلع سلاح عشایر بسیاری از مشکلات را از بین برده است. بعلاوه معمولاً مردم با رضایت خاطر حاضر نمیشوند اندازه گیری شده و عکس آنها برداشته شود و نمونه مو و خون آنها گرفته شود. بغیر از ناراحتی جسمانی خرافات و تعصباتی درباره قدرت یک فرد خارجی که عکس یا مو یا نمونه خون اشخاص را در اختیار دارد موجود است. بعلاوه بعضی عوامل

۱- مراجعه شود به تعریف کروگمن در صفحه ۳۰۶-۳۰۷ این کتاب.

مذهبی و سیاسی اغلب سبب سوءتفاهم درباره منظور این مطالعات می‌گردد . ترس از اینکه فرد غریبه ازطرف حکومت مأموریت دارد گزارشی دربارۀ وضع جسمانی و سلامتی افراد جهت خدمت نظام وظیفه تهیه کند پیدامیشود و چون عالم مردم‌شناس به‌ثبت کلیه خصوصیات جسمانی حتی جای‌زخم‌وخال کوبی و علائم دیگر می‌پردازد اغلب مورد سوءظن واقع میشود که مبادا ازطرف اولیای امور مأمور پیدا کردن يك جانی باشد . و نیز چون خارجی‌ها مسیحی هستند در اغلب نقاط بخصوص درحوالی اما مزاده‌ها و قبور مقدسین موردقبول مردم نیستند . در نتیجه باوجودپخش چندپول خرد اشتیاقی بدیدن مردم شناس وجود ندارد .

قبل از آنکه عالم و مأمور مردم شناسی با این مشکلات روبرو شود باید از طرف دولت کسب اجازه کند . قبل از حرکت از آمریکا اینجانب بوزارت خارجه آمریکا رفته و با آقای والاس مری رئیس قسمت امور خاور میانه در باره کار هیئت اکتشافی ملاقات و مذاکره کردم آقای مری بوزیر مختار آمریکا در ایران آقای ویلیام هورنی بروك نامه نوشت و ورود و منظور هیئت اعزامی موزه فیلد را باو اطلاع داد و از او خواهش کرد تسهیلاتی برای کار ما در ایران فراهم کند . آقای وزیر مختار وسیله ملاقات ما را بانخست وزیر و وزیر کشور و رئیس شهربانی فراهم کرد .

برای عکسبرداری در ایران باید از شهربانی کل کشور در طهران اجازه گرفت . این اجازه نامه حاوی عکس حامل و اجازه عکسبرداری بزبان فارسی و مههور بهمیر افسر مربوطه است . و نیز برای انجام مطالعات و تحقیقات مردم شناسی و اندازه گیری اجازه مخصوص لازم بود .

علاوه بر این جوازها اجازه کتبی داده شد که اعضای هیئت اکتشافی بتوانند برای موزه فیلد نمونه های حیوانشناسی و گیاه شناسی جمع‌آوری کنند . این اجازه روی يك صفحه کاغذ تحریر گردید و عکس اینجانب بآن الصاق شد و نام اعضای هیئت در آن ذکر گردید . این سند بامضای نخست وزیر و وزیر کشور و رئیس کل شهربانی رسید . از طرف وزیر کشور نامه باستاندار و فرماندار نواحی مورد بررسی هیئت نوشته و رونوشت این نامه ها باینجانب داده شد تا شخصاً باستانداران و فرمانداران تسلیم گردد .

برای خروج از طهران مسافر باید جواز بگیرد زیرا درامتداد جاده

ها پست پلیس یا ژاندارم وجود دارد که در موقع ورود و خروج جواز مزبور بازرسی و ثبت میگردد .

پس از سه هفته کلیه اجازه نامه ها و جوازها صادر شد و در طی دوره عملیات خود در ایران منتهای همکاری و مساعدت از همه طرف نسبت بما بعمل آمد .

هیئت اعزامی عبارت بود از ریچارد مارتین که اکنون مدیر باستانشناسی خاور نزدیک در موزه قیلاست که مأمور عکسبرداری و جمع آوری نمونه های حیوان شناسی بود و اینجناب بعلاوه آقای یوسف لازار همراه ما بود که وظایف متعدد خود را به نحو احسن انجام میداد . از اکتبر ۱۹۳۴ با اینجناب در جمع آوری نمونه ها در عراق کمک کرد و در اثر کوشش او نمونه های اضافی حیوانشناسی و گیاه شناسی برای موزه جمع آوری شده است .

کمک يك نفر که مأمور ثبت مطالب باشد بسیار مفید است . بیش از دو اندازه گیری و ثبت ارقام روی ورقه مخصوص در آن واحد مصلحت نیست زیرا از دقت و صحت ارقام کاسته میشود . و نیز اتلاف وقت برای ثبت ارقام باعث ناراحتی و بیقراری فرد مورد بررسی میشود . بعلاوه مأمور ثبت هر عدد را تکرار میکند بطوریکه شانس اشتباه تقلیل می یابد . در مسافرت ایران اینجناب خوشبختانه از کمک افراد زیر برخوردار بود دکتر جرج مایلز درری - خانم مایرون اسمیت در یزد خواست - يك محصل آلبانسی اسرائیلی در اصفهان - مستر دونالد ماکن McCown در کنار آقای سی . ی . شوکت برای لره های بغداد - ثبت مطالب را همیشه خود اینجناب انجام میدهم ولی گاهی اوقات و در بعضی موارد آنها را دیکته میکنم .

لازم است که با هر گروه کسانی که اندازه گیری میشوند يك نفر مترجم قابل باشد که در موقع لزوم به ثبت مطالب نیز بپردازد . بهمین دلیل آقای شوکت در عراق کمک بزرگی بود زیرا نه تنها در مسافرت های سابق با من کار کرده بود بلکه زبانهای انگلیسی و عربی و ترکی و کردی و کلدی را بخوبی تکلم میکنند . بعلاوه از میان هر گروه دو نفر عاقل مرد با هوش انتخاب میشوند که برای سایرین سرمشق قرار گیرند و جلب اعتماد کنند و در اندازه گیری قد و حال نشسته کمک نمایند و سن افراد و آمار مربوطه را کنترل نمایند . برای

مثال یکی از افراد در جواب تعداد برادر زنده یا مرده جواب می‌دهد که سه برادر زنده دارد و برادر مرده ندارد. در این موقع یکی از عاقل‌مردها حرف او را قطع کرده و می‌گوید پس آن برادر جوان که پنج سال قبل مرد بحساب نمی‌آید. فرد تقریباً همیشه جواب می‌دهد آن برادر مرده است و واجد اهمیت نیست. یکی دیگر از وظایف معاونین بومی گرفتن نمونه موی افراد است. هر نمونه مو در پاکتی قرار داده می‌شود و مأمور ثبت سر پاکت را می‌چسباند و روی پاکت شماره فرد را می‌نویسد و روی ورقه مربوطه به فرد ثبت می‌کند که نمونه موی وی گرفته شده است. اگر نمونه خون گرفته می‌شود دو نفر از افراد محلی به دکتر کمک می‌کنند و افراد را برای این عمل جزئی حاضر می‌کنند. بطور خلاصه می‌توان گفت که کمک افراد محلی ضروری و سودمند است.

اندازه‌گیری اجزاء بدن انسان عملی است که بوسیله آن می‌توان از روی ارقام شکل بدن انسان را معین کرد. تعداد اندازه‌گیری مختلف بمنظور طبقه‌بندی نژادی محدود است به میل و ابتکار فرد اندازه‌گیر. مثلاً در اروپا من یک عالم مردم‌شناس را دیدم که از هر جمجمه هزار اندازه‌گیری بعمل آورده بود. در نتیجه موافقت بین المللی یک سلسله اندازه‌گیری‌های معین بعمل می‌آید تا نتایج از نظر آمار قابل مقایسه باشد. تجربه علمی بمن‌آموخته است که در خاور میانه افراد فقط تا حد معینی حاضر به اندازه‌گیری و مشاهده بدن خود هستند. به همین جهت من با دکتروتن و سرادترکیت و دکتر دادلی بکستن درباره تعداد و انتخاب اندازه‌گیری مشورت کردم و لیست ضمیمه نتیجه توافق فی مابین و حدودی است که وضع محلی اجازه می‌دهد. آلات و ادوات زیر که از هرمان وریکنباک در زوریخ گرفته شد مورد استفاده قرار گرفت.

(۱) یک انتروپومتر Anthropometer برای اندازه‌گیری قد و قد در حال نشسته بکار برده شد. این آلت عبارتست از میله مدرج فلزی که بپایه فلزی وصل است و یک قطعه افقی متحرک دارد.

(۲) پرگار (Tasterzirkel) با دو شاخه مانند دایره کش که با شاخه‌ای که در کف دست قرار می‌گیرد بوضع مناسب درمی‌آید. انگشت سپاه انتهای فلزی پرگار را هدایت می‌کند و به نقطه مورد لزوم قرار می‌دهد که برای خواندن ارقام مناسب باشد.

(۳) پرگار (Gleitzirkel) مدرج باشاخه متحرك .

(۴) متر فولادی مدرج .

تعیین نقاطی که دوميله پرگار باید قرار گیرد از روی موافقت نامه بین المللی مربوط بیک نواخت نمودن اندازه گیریهای بدن انسانی بطور دقیق معین شده است . این موافقت نامه در گزارش کمیسیون که از طرف چهاردهمین کنگره بین المللی مردم شناسی و باستان شناسی ماقبل تاریخ درژنو (۱۹۱۲) برای تکمیل کار سیزدهمین کنگره در مناکو (۱۹۰۶) تعیین شده بود یافت میشود . این گزارش که توسط آقای داکورث Duckworth ترجمه شده در کتاب Anthropometry (ص ۲۵-۳۱) تألیف A.Hrdleicka نقل شده است . در موقع بکار بردن آلات اندازه گیری نوك شاخه پرگار روی نقطه معین قرار داده میشود بدون آنکه فشاری روی پوست وارد آید بجز در مورد اندازه گیری عرض زاویه فك سفلی . موارد اختلاف عمده قابل اندازه گیری در افراد نژاد های مختلف بشر عبارتند از قد - طول بدن و شکل سرو صورت و بینی - اندازه گیریهای زیر به ثبت رسیده است .

۱ - قد - فرد بدون کفش صاف می ایستد و پاشنه های خود را بحالت نظامی بهم قرار میدهد میله اندازه گیری بحال عمودی قرار داده میشود . دو بازو و دست آویزان و كف دست رو بداخل و انگشت ها رو بیابین و محور دید افقی است . در این حالت بلندی رأس سر از زمین اندازه گیری میشود . در موقعیکه موی سر انبوه باشد شاخه آلت اندازه گیری تاحدی که ممکن است نزدیک بد پوست سر قرار داده میشود . برای اینکه از تمایل کلی بر اینکه سر خود را زیاد به عقب نگاهدارند جلوگیری بعمل آید به فرد گفته میشود که چشم خود را بعلامتی که در دیوار مقابل تقریباً محاذی چشم بدوزد . اگر فرد حاضر نشود کفش خود را در آورد ارتفاع کفش از قد کاسته میشود . در مورد افرادی که هیچگونه آشنائی با این کار ندارند این اندازه گیری بعلت اشتباهات ممکنه مشکل است . قد اشخاص قوزی یا ناقص الخلقه در معدل اندازه گیریها بحساب نیامده است .

۲ - قد نشسته - برای این اندازه گیری فرد یا روی پیت چهارگالنی بنزینی که ۲۵ سانتیمتر بلندی دارد یا روی چهار پایه یا جعبه می نشیند . زانوها خم . ستون فقرات با میله اندازه گیری در ناحیه استخوان خاجی و استخوانهای

شانه تماس دارد . محور دید افقی باقی می ماند . در این حالت رأس سر از زمین اندازه گیری میشود و بعداً ارتفاع چهار پایه یا پیت بنزین از آن کسر میشود تا ارتفاع صحیح حالت نشسته بدست آید . بهتر است يك چهار پایه یا پیت بنزین معین بکار برده شود زیرا چهار پایه های محلی اندازه های مختلف دارد و آسانتر است که همیشه يك ارتفاع معین از اندازه قد نشسته کسر شود . دقت لازم بعمل آمده که افراد روی برآمدگی ورك بنشینند و نه روی عضلات ران و نیز حالت راست بخود بگیرند و ستون فقرات در حال عادی باشد شانه ها زیاد بعقب برده نشود و جناغ سینه زیاد جلو آمده نباشد .

۳ - طول سر (از وسط پیشانی تا پشت سر) بوسیله قرار دادن يك سرپر - گار بر برجسته ترین نقطه وسط دوا بر و سر دیگر بر دورترین نقطه پس سر اندازه گیری میشود . این دو نقطه در خط میانگین گرفته شده و بر هر شاخه پرگار جزئی فشار وارد میشود .

۴ - عرض سر (از گوش تا گوش) بوسیله شاخه های پرگار از عرضترین نقطه بالای استخوان پشت گوش و استخوان گونه اندازه گرفته میشود . نوک شاخه پرگار بکنار سر مختصر فشار وارد میکند و از جلو بعقب چرخانده میشود تا حد اکثر رقم خوانده شود که معمولاً بالا و پشت نوک گوش میباشد .

۵ - حداقل قطر پیشانی بوسیله اندازه گرفتن کوتاهترین قطار افقی بین دو استخوان شقیقه روی استخوان پیشانی بدست می آید . شاخه های پرگار هر کدام با انگشت سبابه به عمیقترین قسمت انحناى خط گیجگاه بالای برآمدگی جناحی استخوان پیشانی هدایت میشود .

۶ - عرض استخوان گونه ها با قرار دادن شاخه های پرگار در سطح افقی بر دورترین نقاط سطح خارجی استخوانهای گونه بدست می آید بدون آنکه نوک پرگار فشار وارد آورد .

۷ - عرض دو زاویه فك پائین با قرار دادن شاخه های پرگار در سطح افقی بین برجسته ترین نقاط روی سطح خارجی زاویه های فك پایین بدست می آید . شاخه پرگار تا حد ممکن با استخوان تماس داده میشود و بهمین جهت فشار وارد میشود ولی نه بحدی که باعث اذیت فرد گردد . مناسب اینطور تشخیص داده شد که انگشت سبابه روی گوشه فك قرار داده شده و از فرد سؤال شود که آیا فشار

آلت دردناک است یا نه وقتی جواب میدهد حرکت گوشه فك نقطه صحیح را معین می‌کند. باید توجه کرد که عضله گوشتی احتراز شود و خود فرد روی آن فشار نیاورد.

۸ - ارتفاع کل صورت (چانه تا بیخ بینی) با گستردن شاخه‌های پرگار از زیرترین قسمت وسط استخوان چانه تا نقطه در خط درزی که استخوان بینی با استخوان پیشانی وصل میشود اندازه گیری میشود. نقطه بیخ بینی Nasion که فرادترین نشانه کالبد شناسی است بوسیله لمس، کردن پیدا میشود و وقتی بدین طریق عملی نبود محل آن تخمین زده میشود زیرا معمولا بالای خط عمودی که دویخ چشم داخلی را بهم وصل می‌کند قرار دارد (رجوع شود به کتاب اشلی - مونتاکیو صفحه ۴۷۳-۴۷۶). سر بحد امکان در سطح فرانکفورت نگاهداشته میشود.

۹ - ارتفاع قسمت بالای صورت (ببخ بینی تا دهان) بوسیله گستردن پرگار از استخوان ببخ بینی تا نقطه بین دودندان پیشین جائیکه در فك بالا داخل لثه میشوند اندازه گیری میشود. اگر شاخه زیری پرگار در موقع اندازه گیری به لب یا لثه خورده باشد ضد عفونی میشود.

۱۰ - ارتفاع بینی (ببخ بینی تا استخوان بینی) با گستردن پرگار از ببخ بینی تا نقطه که پره بینی بلب بالا متصل میشود اندازه گیری میشود فشار وارد نمی‌آید. این اندازه گیری طول است و نه تصویر از این نقاط بسطح عمودی.

۱۱ - عرض بینی با گستردن پرگار در حال افقی برای تعیین حداکثر عرض خارجی عادی پره بینی بدون هیچگونه فشار اندازه گیری میشود.

۱۲ - طول گوش - لاله گوش چپ یا پرگار مدرج اندازه گیری میشود تا حد اکثر طول بدست آید. میله محاذی محور دراز گوش قرار میگیرد. اگر گوش لاله نداشته باشد نقطه اتصال پره گوش به گونه حساب میشود، در بعضی موارد که لاله گوش بلند است بزرگترین وتر اندازه گرفته میشود.

۱۳ - عرض گوش - با اندازه گیری فاصله بین دو خط محاذی با محور بلند گوش که یکی از آنها مماس با حاشیه پیشین و دیگری مماس با حاشیه پسین پیچ گوش باشد بدست می‌آید. در مورد مشاهدات بصری جزئیات زیادی می‌توان ذکر کرد ولی پس از انتخاب دقیق حداقلی را میتوان مورد استفاده قرار داد که در جدولهای بعد و تقسیمات آنها ذکر خواهد شد.

از آنجائیکه در ایران و عراق فقط ارتش است که رقبه تخمین سن افراد را دارد در این گزارش سن اشخاص به نزدیکترین واحد پنچ داده میشود و بهمین دلیل سن هر گروه مورد بررسی ۳۵ و ۳۰ و ۲۵ و غیره ذکر شده است. اگر برای مثال سن شخص ۲۳ ثبت شده که خارج از گروه‌های پنج‌است دال بر آنست که درصحت بیان سن شخص مزبور تردیدی وجود نداشته است.

با پیروی از روش هر دلچکا (Hrdlicka - ۱۹۲۰ ص ۴۴) در تخمین زدن ارقام و اطلاعات وضع ظاهری کلی فرد مورد بررسی مورد توجه قرار میگردد و این عوامل عبارتند از: درآمدن بعضی ازدندانها بخصوص دندانهای آسیا - علائم بلوغ - علائم پیری مانند موی سفید و چین صورت و خم شدن ستون فقرات - سایش و فقدان دندان - تغییرات در قوه باصره و سامعه - کلفتی انگشتان - سفیدی دور قرنیه در اشخاص مسنی که در اثر وجود سلولهای دارای چربی و کولسترول -  $\text{Cholesterol (C}_{27}\text{H}_{46}\text{OH} + \text{H}_2\text{O})$  بوجود میآید. البته باید بخاطر داشت که هیچیک از عوامل مذکور بطور فردی یا جمعی نمیتواند شاخص دقیق پیری و سن باشد زیرا در اشخاص مختلف در سنین مختلف ظاهر میشود. و حتی در یک شخص نیز عوامل پیری ممکن است بطور غیر منظم ظاهر گردد از جمله موی سفید و بعضی تغییرات دیگر در چشم و گوش ممکن است در سن جوانی پیدا شود. عبارت دیگر مسئله تخمین سن کمتر از پنجاه سال بالا و پائین بآسانی میسر نیست. برای منظور آماری این تخمین کافی است زیرا افراد کمتر از هیجده سال و زیاد تر از هفتاد و یک در تعیین معدل بحساب آورده نشده‌اند. بعقیده من اندازه‌گیری و مشاهده تعداد معینی افراد متجاوز از سنین هفتاد سال از نظر مردم‌شناسی قابل ارزش است و تغییرات نمو و موارد دیگر را با مقایسه این افراد وحد وسط کلی را می‌توان مورد مطالعه قرار داد. در نتیجه در مطالب اولیه اینجانب چند نفر را که سن آنها از حد معینی تجاوز میکرد گنجانیده‌ام.

اگرچه طبقات درجه بندی در جدولها تحت هر گروه ایران دیده میشود طریقه مخصوص اینجانب در ثبت مشاهدات دیگر محتاج به توضیح است.

اختلافات شکل و نسج موکاملاً واضح است. در مورد رنگ مو طبقه بندی موی بور حذف شد زیرا هیچ نمونه‌ای از آن ثبت نشده بود. از لحاظ مقدار موی سر و صورت یا بدن شش تقسیم بندی در نظر گرفته شده است که میان مثلاً حد



متوسط موی صورت وریش سنگین (بعلاوه) وریش خیلی سنگین (بعلاوه دوبرابر) و مقدار خیلی زیاد موی صورت (بعلاوه سه برابر) تشخیص داده شود علامت منها نشانه کمتر از حد وسط و منها دو برابر نشانه تقریباً فقدان مو است .

زیر طبقه بندی رنگ چشم فرق قائل شده ایم بین قهوه‌ای آبی و آبی قهوه‌ای زیرا دومی آبی تر و کم رنگ تر است. این مطلب درباره قهوه‌ای سبز و سبز قهوه‌ای نیز صدق میکند. طبقه بندی عنبیه و سفیده چشم واضح و محتاج توضیح نیست. حلقه‌ها نوار باریک لبه خارجی مردمک چشم است که ظاهراً برنگ آبی و خاکستری هستند و نمونه ضعف چشم در اثر پیری نمایا شد .

نیمرخ بینی در هر مورد در اصل پچهار طبقه تقسیم شده بود . اصطلاح مقعر کاملاً مفهوم است . اصطلاح محدب اطلاق میشود بهر بینی منحنی چه انحناى آن کم یا زیاد باشد . در مشاهده بینی راست مواردی دیده شد که اگر چه بطور کلی بینی راست بنظر میرسد زیر بالا ترین نقطه پل فرو رفتگی کمی وجود دارد . این نوع بینی را میتوان راست طبقه بندی کرد ولی بنظر ما این اختلاف را باید مورد توجه قرار داد و ما این نوع بینی را تحت عنوان موجودار طبقه بندی کردیم . اصطلاح محدب مقعر اطلاق شده است بآن نوع بینی که گودی پل به نوك پهن و کوتاه ختم میشود . بطور کلی این نوع بینی محدب طبقه بندی میشود .

تقسیم بندی نوك بینی عبارت است از نازك - متوسط - كلفت (بعلاوه) - خیلی كلفت - و پیاپی (بعلاوه دوبرابر) .

طبقه بندی پره بینی آشکار است زیرا متشکل است از فشرده تا سوراخ بینی فراخ از نوع بینی مردم سیاه پوست .

در مورد دندان باید خاطر نشان کرد که اصطلاح *under-bite* اطلاق میشود به افرادی که فك پائین آنها جلو آمده است بطوریکه دندانهای پائین جلوتر از دندانهای بالا است و این مطلب بدون آنکه افراد دهان خود را باز کنند مشهود است . موارد اینگونه دندان نادر است زیرا اغلب مردم برعکس دندانهای پائین آنها جلوتر است .

فقدان دندان بطور کامل ثبت گردید و افراد بعداً به شش طبقه تقسیم شدند . در آمدن ناقص بخصوص در مورد دندان سوم آسیاب و همچنین موارد نامنظمی و رویهم قرار گرفتن و لکه دار بودن مورد توجه قرار گرفت . برای اینکه این

جزئیات کتاب را مفصل نکند ارقام و اعداد مربوط باین اختلافات داده نشده ولی در پرونده‌های اینجانب موجود است .

علاوه بر وضع دندان که طبقه بندیهای آن کاملاً مفهوم است سعی کردیم درجه استعمال دندان هر فرد را نیز حساب کنیم . استعمال کم بندرت محسوس است . بعلاوه نشانه استعمال عادی و بعلاوه دو برابر نشانه استعمال زیاد و بعلاوه سه برابر نشانه از بین رفتن دندان در اثر کثرت استعمال است . هر جا که کرم خوردگی دیده شد ثبت گردید .

اگر چه در موقع بررسی افراد لخت نمیشدند مع هذا نظریه کلی در مورد عضلات بدن و سلامتی عمومی ثبت شده است . موارد علامت آبله - کچلی - تب - سردرد - دل درد - تراخم - آب مروارید - سالک و غیره هر موقع مشاهده شد یا از طرف افراد گزارشی داده شده ثبت گردیده است . موارد تب و سردرد و دل درد در خاورمیانه عمومیت دارد و ماداماً باین اشکال مواجه بودیم که افراد یا مایل نبودند یا قادر نبودند به پرسشهای ما جواب دهند .

علاوه بر مطالب و اطلاعات فوق اطلاعات مربوط بخال کوبی از نظر طرح و منظور و محل خال روی بدن و جای داغ و استعمال حنا جمع آوری و ثبت گردید که برای کتاب مربوط علامت گذاری روی بدن در آسیای جنوب غربی که بعداً تهیه خواهد شد مورد استفاده قرار گیرد .

هر موقع نقص مصنوعی در استخوان جمجمه مشاهده شد در ستون ملاحظات ثبت گردید . معمولی ترین نوع نقص مصنوعی بوسیله گاهواره ارمنی بوجود می آید زیرا در اینگونه گاهواره بچه را می بندند و پس سر روی بالش سفت قرار داده میشود (شکل ۷) . همچنین در کتاب وان گنپ ص ۷۷ شکل ۴) اگر مادر عاقل باشد و محل گاهواره را گاه بگاه عوض کند نقصی تولید نمیشود و الا پس سر بچه صاف میشود زیرا کودک يك وضع خوابیدن را ترجیح میدهد و یا بدتر باز نگاه میکند و اگر چشم اضعیف باشد سر خود را از در بر میگرداند .

برای کمک در طبقه بندی نژادی و بدست آوردن مدارك دائمی در باره جمعیت که بسرعت تغییر میکند يك سلسله کامل عکسبرداری از هر گروه تهیه شد . تصاویر این افراد با شماره هویت در آخر این گزارش به ترتیب گروه و سن داده شده است . این عمل طبق پیشنهاد دکتر ا. هردلیشکا Dr. Ales Hrdlicka انجام گرفت. اگر

خواننده بخواهد تصویر فردی را که شماره اش داده شده پیدا کند میتواند به فهرست تصاویر که شماره افراد به ترتیب داده شده مراجعه نماید . در بررسی خصوصیات صورت در تصویر نیم رخ باید توجه داشت که عکسی که در آن خط میانگین افقی سر نسبت به دوربین عکاسی در جهت زاویه قائمه قرار نگرفته نباید مورد استفاده قرار گیرد .

دوربینی که در چهاردهم ارتین بکار میبرد  $9 \times 12$  سانتیمتر بود . برای اینکه سلسله عکس افراد يك نواخت در آید افراد در فاصله معینی از دوربین عکسبرداری شده اند . پشت سر آنها پارچه سفید قرار داده شد تا زمینه عکس از لحاظ رنگه خنثی باشد و وقتی عکسها بموزه رسید احتیاجی به پاک کردن و محو کردن زمینه نباشد .

در بعضی از صورت ها لکه مشاهده میشود که به علت لکه روی فیلم عکاسی است (مانند عکس ۷۶- در شکل ۴) . از طرف دیگر جای زخم روی گردن شماره ۳۲۹۹ (عکس ۱۰۵- شکل ۲) بخوبی در عکس دیده میشود .

در صورت امکان نمونه خون و موی سر افراد گرفته شد و نتیجه آزمایش آنها در نشریات دیگر توسط کارشناسان منتشر خواهد شد .

بطوریکه ملاحظه میشود افراد با شماره که بلباس آنها الصاق شده عکس- برداری شدند . این شماره ۲ فقط برای استفاده در حوزة عملیات بکار گرفته و هیچ گونه ارتباطی با شماره های فردی که در سراسر کتاب بکار گرفته و زیر تصویر افراد گذاشته شده ندارد .

در طی ماه اوت و سپتامبر اینجانب از ۲۹۹ نفر اندازه گیری کرد که در قسمت مربوطه خود از نظر آماری و نظریات دیگر مورد بررسی قرار گرفته اند . جدول زیر گروههای کامل را قبل از حذف افرادی که بعلت صغریا کبر سن و یا نقص بدن مورد بررسی قرار نگرفتند نشان میدهد .

محل	اشخاص	تعداد افراد	گروه نهائی
اصفهان	یهودی	۹۹	۸۷
یزد خواست	دهاتی	۴۸	۴۶
کناره	دهاتی	۷۴	۷۴

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۳۴۷

۵۲	۵۳	لر	پشت کوه
۱۴	۱۸	کارگر حفاری	ری
۷	۷	مختلف	متفرقه
۲۸۰	۲۹۹	جمع	

### بررسی آماری

در بررسی مطالب ارقامی يك نوع طبقه بندی اختیاری باید در نظر گرفت . مثلاً در مورد قد مناسب آنست که به بلند و متوسط و کوتاه طبقه بندی شود . برای اینکه با سیستم آزمایشگاهی اندازه گیری هاوارد مطابقت داشته باشد تقسیم بندیهای زیر بکار رفته است .

شاخص کلی صورت	قد
پهن صورت	۱۶۰/۵ - X
متوسط صورت	۱۶۹/۴ - ۱۶۰/۶
باریک صورت	X - ۱۶۹/۵
	کوتاه
	متوسط
	بلند

شاخص پینی	شاخص سر
بینی باریک	X - ۷۶/۵
بینی متوسط	۵۲/۵ - ۷۶/۶
بینی پهن	X - ۸۲/۶
	سردراز
	سر متوسط
	سر کوتاه

وقتی ارقام مربوطه طبق سیستم فوق جدول بندی گردید مناسب بنظر رسید که تقسیمات و طبقه بندی که از طرف سرارتزکیث در مقدمه گزارش اینجانب درباره عراق (ص ۷۶-۱۱) بکار رفته اضافه شود تا تناسب و درصد ارقام مربوط بایران مستقیماً با ارقام مربوط به عراق قابل مقایسه باشد .  
بدین جهت به منظور مقایسه جدولهای زیر اضافه شده است :

قد در حال نشسته	قد
خیلی کوتاه	۱۵۹۹ - X
کوتاه	۱۶۹۹ - ۱۶۰۰
متوسط	۷۴۹ - X
کوتاه	۷۹۹ - ۷۵۰

## ۳۴۸- مردم‌شناسی ایران

متوسط	۸۴۹-۸۰۰	بلند	۱۷۹۹-۱۷۰۰
بلند	۸۹۹-۸۵۰	خیلی بلند	x-۱۸۰۰
خیلی بلند	x-۹۰۰		

### اندازه سر

### عرض سر

کوچک	cc ۱۳۰۰ یا کمتر	خیلی باریک	۱۲۹-۱۲۰
متوسط	۱۴۴۹-۱۳۰۱	باریک	۱۳۹-۱۳۰
بزرگ	۱۴۵۰ بی‌الا	پهن	۱۴۹-۱۴۰
		خیلی پهن	x-۱۵۰

### شاخص سر

### خیلی سردراز

x-۷۰

### سردراز

۷۵-۷۰/۱

### سر متوسط

۷۹/۹-۷۵/۱

### سر کوتاه

۸۴/۹-۸۰

### خیلی سر کوتاه

x-۸۵

### عرض استخوان گونه

### حد اقل قطر پیشانی

باریک	x-۱۲۴	خیلی باریک	x-۹۹
متوسط	۱۳۴-۱۲۵	باریک	۱۰۹-۱۰۰
عریض	x-۱۳۵	پهن	۱۱۹-۱۱۰
		خیلی پهن	x-۱۲۰

### طول قسمت علیای صورت

### طول کل صورت

کوتاه	x-۶۳	کوتاه	x-۱۰۹
نسبة کوتاه	۶۹-۶۴	نسبة کوتاه	۱۱۹-۱۱۰
نسبة دراز	۷۵-۷۰	نسبة دراز	۱۲۹-۱۲۰
دراز	x-۷۶	دراز	x-۱۳۰

### عرض بینی

### ارتفاع بینی

خیلی باریک	x-۲۹	کوتاه	x-۴۹
------------	------	-------	------

۵۹-۵۰	متوسط	۳۵-۳۰	باریک متوسط
۸-۶۰	دراز	۴۱-۳۶	پهن متوسط
		۴۲-۴۰	پهن

## یهودیهای ایران

قبل از بررسی دقیق گروه یهودیهائیکه در اصفهان اندازه گیری و مطالعه شده اند لازم است که شرحی از کتاب کرزن ( a ۱۸۹۲ - جلد اول ص ۵۱۰ - ۵۱۱) درباره جمعیت یهودی و سازمان اجتماعی آنان در ایران در اینجا نقل گردد. «پنج سال پیش (یعنی در سال ۱۸۸۷) تعداد یهودیهای ایران بطور حدس ۱۹ هزار نفر تخمین زده میشد ولی من متمایل باین عقیده هستم که این تعداد کمتر از جمعیت حقیقی یهودیان است. در واقع جدولی در اختیار من قرار داده شده است که در آن تعداد آنها ۶۵ هزار نفر ذکر گردیده ولی این رقم نیز مبالغه آمیز بنظر میرسد. مراکز عمده اقامت یهودیان عبارتست از طهران (۴۰۰۰) همدان (۲۰۰۰) اصفهان (۳۷۰۰) شیراز (۳۰۰۰) و ارومیه و مشهد و کاشان و ساوه و کرمانشاه و بوشهر.

«یهودیان ایران در فقر و جهالت بسر میبرند. از خود مدرسه ندارند بجز کنیسه که در آن فقط تکرار ادعیه آموخته میشود که اغلب معنی آنرا نمی فهمند. بجز در طهران و همدان و کاشان و خوانسار و گلپایگان فقط عبری یاد داده میشود و نه فارسی...»

«در تمام ممالك مسلمان مشرق زمین این قوم بدبخت مورد زجر و آزار واقع میشوند و عادت بآنان و سایر مردم دنیا چنین آموخته است که سرنوشت آنان اینست. معمولاً در محله جدا زندگی میکنند و از زمان قدیم مجبور به لباس و عادات و شغل مخصوص بوده اند که آنها را منفور جامعه و سایر ابناء بشر نمایانده است. اکثر یهودیان ایران اشتغال دارند به تجارت جواهر و شراب و ساخت تریاک و موسیقی ورقاصی و سپوری و دوره گردی و مشاغلی که زیاد مورد احترام مردم نیست. خیلی بندرت در امور تجارت و بازرگانی مقام عمده بدست میآورند. در اصفهان که تعداد آنها در حدود ۳۷۰۰ نفر است و از سایر نقاط ایران با آنها بهتر رفتار میشود و مقام نسبتاً بهتری دارند بآنها اجازه داده شده است کلاه ایرانی

بزرگوارند و در بازار دکان داشته باشند و دیوارخانه آنان به بلندی دیوار همسایه مسلمان باشد و در خیابانها سواره حرکت کنند . تعداد آنها در طهران و کاشان نیز زیاد است و وضع نسبتاً بهتری دارند. در شیراز وضع آنها خیلی بد است . در بوشهر کار آنها خوب است و مورد آزار واقع نمیشوند . ولی بمحض اینکه موج تعصب در هر نقطه ایران یا سایر نقاط برخیزد یهودیها اولین کسانی هستند که مورد زجر و شکنجه قرار میگیرند . »

الکساندر کشیش اهل رودز Rhodes در ۱۶۵۹ چنین نوشت : یهودیها را مجبور میکردند علناً قول دهند که اگر قبل از سی سال دیگر مسیح آنها طبق ادعیه و اذکار روزانه ظاهر نشود همه آنها بمذهب اسلام بگروند . . . این قول انجام گرفت . . . پادشاه از راه لطف برای اینکه یهودیها فرمان را اطاعت کنند بهر مرد یهودی سی غروش و بهر زن پانزده غروش انعام داد .

دائرة المعارف یهود (نیویورک - ۱۹۰۵) مینویسد : بطور کافی نشان داده شده است که در ایران از زمان باستان یهودیها سکونت داشتند<sup>۱</sup> و تاریخ یهود در بسیاری جهات با ایران بستگی دارد. اشارات تورات به اماکنی مانند راجس (Ragha فارسی قدیم Rhaga) و اکباتانی (فارسی قدیم Hagmatana) فارسی جدید همدان) و شوش برای اثبات این موضوع دلائل دیگری میباشد . وجود اسرائیلیها در ایران ممکن است در اصل در اثر اخراج از ممالك دیگر و استثمار و تصرف نواحی و علل سیاسی بوده باشد ولی کسب و تجارت نیز در این امر سهم بزرگی داشته است .

### یهودیهای اصفهان

در اصفهان يك محله یهودی بزرگی است که طبق روایات در حدود ۲۵۰۰ سال قبل تأسیس شد از آنجائیکه یهودیهای کهدر عراق مورد مطالعه قرار دادیم بسیار جالب توجه بودند تصمیم گرفتیم بررسی اندازه گیری مردم شناسی را با يك عده ساکنین محله یهودیهای اصفهان آغاز کنیم .

۱- در دربار ایران خواجه های یهودی متعدد وجود داشت . نحμία Nehemia اگر خواجه نبود نمیتوانست ساقی اردشیر باشد ( Neh II . 6 ) همچنین در حضور ملکه پیشخدمتی پادشاه را میکرد (استر IV ۸-۶)

طبق نظر دائرة المعارف یهود (ص ۶۵۹-۶۶۰) یهودیها ادعا دارند که اصفهان را آنها بنا کردند و میگویند این شهر بوسیله اسرائیکه بخت النصر از اورشلیم آورده بود ساخته شد. برای اثبات این امر شواهد و منابع زیر را ذکر میکنند: موسی چورن و نویسندگان عرب مانند ابن القتیبه - استخری - ابن هیکل - المقدسی - یاقوت - ابوالفدا و ابن خلدون. گفته شده است که یهودیها از اورشلیم آب و خاک همراه خود میآوردند و بهر نقطه میرسیدند آب و خاک آن محل را وزن مینمودند. وقتی بشهر جی (شهرستان) در ایران رسیدند آب و خاک آن با نمونه آب و خاک اورشلیم مطابقت داشت. در نتیجه در يك یا دو میلی جی کلنی تشکیل داده سکونت اختیار کردند و آن محل را الیهودیة نامیدند که بعدها اصفهان خوانده شد.

تأسیس کلنی یهود ممکن است در قرن سوم در زمان سلطنت شاپور دوم صورت گرفته باشد. میگویند منصور ابن بضان گفته است اگر درباره موسی و بانی هریک از فامیلهای متمول بازرگان اصفهان تحقیق شود معلوم میشود که یهودی یا بت پرست بوده است. در زمان سلطنت پرویز (۴۵۷-۴۸۴) جامعه یهودی متهم شد بقتل دو نفر از زنان و در نتیجه پادشاه دستور قتل نیمی از یهودیان اصفهان را صادر کرد و امر داد که اطفال یهودی در معبد هوروم آتش پرست باریابند.

در چند قرن اولیه یهودیها موقعیت و کامیابی زیاد حاصل کردند. بنیامین اهل تودله Tudela که در قرن دوازدهم سفر کرد گزارش میدهد که در آن موقع در اصفهان ۱۵ هزار نفر یهودی وجود داشت شاهزاده اسارت که در بغداد ساکن بود سرشالوم SarShalom را بعنوان خاخام شهرهای اصفهان در کشور شاهنشاهی ایران انتخاب کرد. در زمان سلسله صفوی که اصفهان را پایتخت و مقر حکومت خود قرار دادند یهودیها مورد آزار مسلمانان واقع شدند. شاردن مینویسد که یهودیها مجبور بودند علامتی بلباس خود الصاق کنند تا از مسلمانان شناخته شوند. کلاه آنها با کلاه مسلمانان فرق داشت و اجازه نداشتند جوراب پارچه بپاکنند ولی اجازه داشتند يك کنیسه بزرگ و چند کنیسه کوچک دیگر داشته باشند. وی اضافه میکند که شاه عباس اول (۱۵۹۵-۱۶۲۸) بهر مردی که بدین اسلام میگریزد ۴۰۰ فرانك و بهر زن ۳۰۰ فرانك میداد. این هدیه در زمان شاه عباس دوم (۱۶۳۹ - ۱۶۶۶) داده میشد. بابای بن لطف کاشانی که از شرای یهودی -



ایرانی است شرح آزار یهودیهای اصفهان در زمان شاه عباس اول را بنظم درآورده است و اراکل تبریزی مورخ ارمنی يك فصل تمام در این موضوع یعنی در آزار یهودیان در زمان شاه عباس دوم نوشته است .

در زمان سلطنت قتلعلی شاه (۱۷۹۸-۱۸۳۴) یهودیان بیش از هر دوره دیگر آزار و شکنجه شدند عشایر و قبائل ایران دائماً به محله یهودیها حمله می کردند و مردان را میکشند و بناموس زنان دست درازی میکردند و خانهها را غارت مینمودند آنچه که قابل حمل نبود مصدوم میکردند. بنیامین I. J. Benjamin در ۱۸۵۰ در اصفهان ۴۰۰ فامیل یهود و سه کنیسه و هشت خاخام یافت . بابائی میگوید که کنیسه عمده که مورد احترام و تقدیس بود صراط بت عشر نامیده میشد . این عبادتگاه که در موقع آتش زدن کنیسه ها توسط میرزا مسعودی در زمان شاه عباس دوم جان سلامت برد زیارتگاه یهودیها است زیرا روایت است که سارا دختر عشر در آنجا مدفون است . کنفینو Confino در کتاب خود (ص ۳۳۹) مینویسد که تعداد یهودیان در اصفهان ۶۵۰۰ نفر بود ، در این شهر بود که پیغمبر کاذب بنام ابو عیسی یا محمد بن عیسی الاصفهانی ظاهر شد . فرقه الاصفهانی که الاعمیه یا عسویه نیز نامیده میشوند از او آغاز شده است . احتمال میرود که مسلمانان عقیده داشتند که مسیح کاذب در اصفهان که محل سکونت عده زیادی یهودی بود ظاهر میشود .

بر طبق دائرة المعارف اسلامی (جلد ۲ - ص ۵۲۹-۵۳۰) اصفهان سابقاً متشکل بود از دو شهر مجاور هم یکی جی محل شهرستان آینده و دیگری یهودیه یا محل یهودیها که در زمان بخت النصر ۱ یا زمان یزدگرد اول بخواهش زن یهودی وی شوشن دخت تأسیس شده بود (بلوشه - قسمت ۵۴) .

کرزن (a ۱۸۹۲ جلد ۲ ص ۲۱) مینویسد در اوائل دوره اسلامی در حدود سال ۹۳۱ میلادی شهر اصفهان بدست ساسله آل بویه یا دیلمی افتاد که شاهزادگان آن در فارس اراک حکومت میکردند . در آن موقع اصفهان شامل دو قسمت بود یکی یهودیه یا محله یهودیها و دیگری شهرستان یا مدینه که قسمت اصلی شهر محسوب میشد . این دو قسمت توسط حسین رکن الدوله دیلمی پدر

۱- مقایسه شود با نوشته شرایتر Schreiner در نشریه مطالعات یهودی جلد

علاء الدوله معروف در داخل يك ديوار قرار داده شد و بهم وصل گردید .

هرتسفلد (۱۹۳۵- ص ۱۰۶) از يك رساله پهلوی بنام شهرهای ایران چنین نقل می‌کند : «در جزء ۲۶ . . . گفته شده است که همدان را یزگرد اول (۳۹۹-۴۲۰) بنا نهاد . البته همدان خیلی قدیمی تر است و علت این بیان در جزء دیگری (۴۷) آشکار می‌شود که می‌گوید :

شوش و شوشتر (واضح است که این اشتقاق غلط است) توسط شاه بانو شوشن دخت ملکه یزدگرد و مادر بهرام پنجم و دختر پادشاه یهود رس گلو تاک Res - galutak ساخته شد . این مطلب يك امر مهم تاریخی است . بیان سوم در جزء ۵۳ است که می‌گوید : گویا توسط یزدگرد بخواجهش زنش شوشن دخت که يك کثی یهودی در آنجا تأسیس کرد ساخته شد . گویا بعدها الیهودیه یا محله یهودیه نامیده شد آن محله اصفهان است که بازار بزرگ دارد . تقریباً همه اماکن مقدسه اسلامی این محله سابقاً ابنیه متعلق به یهودیه بوده است . این مطلب که هشتاد سال بعد از واقعه ذکر شده درباره همدان نیز صدق می‌کند . کثی- های یهودی همدان و اصفهان برخلاف آنچه تصور شده بعصر آسوریه و بابلی ها بر نمی‌گردد بلکه اوایل قرن چهارم میلادی شروع می‌شود . این پیوستگی کاملاً واضح است . محلی که مقبره استر نامیده می‌شود در واقع قبر ملکه سوسن است که کثی یهودی را در آنجا تأسیس کرد . ملکه استر افسانه ای در وجود شوشن دخت حقیقت پیدا کرد و بعد از ۸۰۰ سال نام وی فراموش شد ولی عملی که انجام داده بود از بین رفت .

وقتی که اعضای هیئت اکتشافی موزه فیلد در ۱۹۳۴ با اصفهان مسافرت کردند با اینجانب اطلاع داده شد که در حدود ۴۰۰۰ نفر یهودی در محله زندگی می‌کنند . با اجازه استاندار و موافقت رئیس شهر بانی اینجانب آلیانس اسرائیلی را بازدید کرد و مدیر آن آقای جوزف کوهن لطفاً قبول کرد که در بررسی و اندازه گیری گروهی از یهودیه های اصفهان با اینجانب کمک کند .

يك روز عصر عرابه كهنه سوار شده و بمحله یهودیه ها که در حدود يك میلی میدان است رفتیم . وقتی از خیابان عمده پیچ خوردیم وارد کوچه باریکی شدیم که در طرفین آن دیوارهای گلی کوتاه قرار داشت . در حدود هزار قدم دورتر از يك طاقی گذشتیم و بیک کوچه باریکتری رسیدیم و در آنجا کنار در سیاه زنده ای

توقف کردیم . در بین راه قیافه های دارای خصوصیات مخصوص یهودی زیاد دیدیم و تصور ما در پیدا کردن خصوصیات نژادی این قوم مجزا در مرکز ایران تأیید گردید . سپس بمدرسه آلیانس اسرائیلی رفته و برای انجام کار خود تریبات لازم را دادیم .

ساعت ۷ روز ۲۰ اوت ۱۹۳۴ بمدرسه برگشته و مطالعات اندازه گیری مردم شناسی را که شامل عکسبرداری از نیم رخ و روبرو افراد بود آغاز کردیم . دکتر والتر کندی از پنجاه و چهار نفر نمونه خون گرفت (فیلد - ۱۹۳۵ b - ص ۶۱) . در بعضی موارد اجازه نمونه خون گرفتن داده نشد و در برخی بعلت احترام بسن افراد کوششی برای گرفتن نمونه خون بعمل نیامد . فرد شماره ۳۵۴۰ چنان بشدت پائین عمل اعتراض کرد که نزدیک بود شورش برپا کند وبه همین جهت از این آزمایش صرف نظر کردیم .

با وجود گرمای شدید هوا و عدم نظافت افراد من موفق شدم بین طلوع و غروب آفتاب از صد نفر اندازه گیری کنم . لازم بود از تقریباً صد نفر جهودا ایرانی برای مقایسه با یهودیان عراق و سایر نقاط آسیای جنوب غربی اندازه گیری بعمل آید . از عجایب اینکه يك نفر مسلمان خود را بین یهودیان داخل کرد ولی وقتی برای بار دوم از او سؤال شد اقرار کرد که یهودی نیست . بعداً در موقع گردآوری آمار لازم شد که يك نفر را که بعلت نقص کار غده ها از حد معمولی کوتاه قدتر بود و سه نفر را که در اصفهان متولد نشده بودند و هشت نفر را که متجاوز از هفتاد سال داشتند از صورت حذف کنیم . بنابراین تعداد افراد یهودیهای اصفهان که در آمار مربوطه بکار برده شده است ۸۷ نفر میباشد .

سن = حد متوسط سن گروه ۲۹/۳۰ سال بود و ۶۰ در صد افراد از چهل کمتر داشتند . این حد متوسط نسبتاً بالا است زیرا متقاعد کردن مردان جوانتر که از کار خود دست کشیده برای اندازه گیری حاضر شوند مشکلتر بود .

طبقه بندی بر حسب سن

سن	تعداد	درصد	سن	تعداد	درصد
۱۹-۱۸	۵	۵/۷۵	۴۵-۴۹	۱۰	۱۱/۴۹
۲۴-۲۰	۱۵	۱۷/۲۴	۵۰-۵۴	۹	۱۰/۳۴
۲۹-۲۵	۱۰	۱۱/۴۹	۵۵-۵۹	۳	۳/۴۵
۳۴-۳۰	۱۳	۱۴/۹۴	۶۰-۶۴	۴	۴/۶۰
۳۹-۳۵	۸	۹/۲۰	۶۵-۶۹	۴	۴/۶۰
۴۴-۴۰	۶	۴/۶۰	۷۰-۷۴	۲	۲/۳۰

پوست = رنگ صورت آنها سفیدتر از حد متوسط ساکنین اصفهان بود بطور فردی از نوع معمولی اروپائی شمالی تا قهوه ای متوسط وجود داشت . در اثر هوا و آفتاب و عدم نظافت کلی افراد میان سال و پیر صورت سوخته و شکسته پیدا کرده اند . رنگ قسمتهای مختلف بدن عادی بود ولی قسمتهاییکه در معرض آفتاب قرار داشته تاریکتر از قسمتهای پوشیده میباشد . روی سر که معمولاً پوشیده است در بسیاری موارد پوست کم رنگتر و به سفیدی پوست اروپائیهما است .

در موارد مخصوص جزئیات زیر در باره رنگ صورت مشاهده گردید :

شماره ۳۵۱۲ (تصویر ۲۰ شکل ۳ و ۴) خیلی سرخ و سفید ؛ شماره ۳۵۳۳ خیلی روشن ؛ شماره ۳۴۷۹ (تصویر ۳۳ شکل ۳ و ۴) و ۳۴۹۷ (تصویر ۱۹ شکل ۳ و ۴) سفید متمایل بقرمز ؛ شماره ۳۴۹۰ (سن ۳۶- تصویر ۲۱- شکل ۳ و ۴) و ۳۵۱۳ (سن ۲۲- تصویر ۱۵- شکل ۳ و ۴) زرد و پریده رنگ ؛ شماره ۳۵۰۸ (تصویر ۲۰- شکل ۱ و ۲) گندمه و کک مک متعدد در صورت داشت که در اثر اشعه آفتاب بوجود آمده . طبق گفته یکی از افراد در محله یهودیهی اصفهان بیست نفر یهودی دارای موی سر قرمز رنگ میباشد. ریبلی (a ۱۸۹۹- ص ۳۸۶) خاطر نشان میکند که واین باخ Weisbach (ص- ۲۱۴) شرح میدهد که یهودی های از اولاد یهودیان اسپانیول ساکن قسطنطنیه دارای مو و چشم سیاه بود و گاهی موی سر آنها متمایل به بورقرمز رنگ میباشد . این تمایل به رنگ قرمز در میان یهودیهای مشرق زمین بکرات مشاهده شده است . دکتر بدو Beddoe بهمان اندازه که در انگلستان در بین یهودیهای موی قرمز دید در میان یهودیهای

مشرق زمین مشاهده نمود ولی مطالعات بعدی این مطلب را تأیید نمیکند . این وصف موی قرمز از نوع شرقی با تمثال نقاشی شده مسیح در اوایل دوره مسیحیت مطابقت دارد و نوع آن در خصوصیات قیافه و نه مو در نقاشی های رامبراند دیده میشود زیرا یهودیهای Sephardim ( یهودیهای از اولاد ساکنین شبه جزیره اسپانیا ) را زیاد دیده بود و به ذوق صنعتی او بر نوع اشکنازیم Ashkenazim ( یهودیهای اروپای مرکزی و شمالی ) ترجیح داشت . این نوع دوم دارای خصوصیات خشن تر میباشد . دهان آنها بزرگتر و بینی آنها کلفت تر و اغلب کمتر شبیه بینی یهودی است . لب ها پر و شهبانی و برعکس لب نازک یهودیهای سیاردیم است . رنگ صورت اغلب تاریک و مو و چشم ها سیاه هستند و تمایل به قرمز رنگی در آنها دیده نمیشود . ضمناً صورت پرتو و عرض آن مطابقت دارد با نوع سر کوتاه و مدور .

#### خصوصیات شکل شناسی یهودیهای اصفهان

مو = موسیاه یا قهوه ای تیره که گاهی موی خرمایی متمایل به قرمز در آن دیده میشود . از لحاظ نسج حد متوسط و متمایل به نازکی است . از لحاظ شکل مو کمی مجعد است ولی نشانه موی فری و پیچیده نیز وجود دارد . قبل از سن چهل سالگی موی خاکستری بمقدار زیاد بندرت مشاهده میشود ولی از سن پنجاه ببعد موی خاکستری زیاد است . چهار نفر از افراد ( ۴/۵۵ در صد ) برای پنهان داشتن موی سفید حنا بسته بودند . از این گروه ۷۲ نمونه مو گردآوری شد .

رنگ	تعداد	درصد	مو	شکل	تعداد	درصد
سیاه	۳۶	۴۴/۴۴		صاف	-	-
قهوه ای خیلی تیره	۱	۱/۲۳		مجعد خیلی کم	۲	۲/۶۷
قهوه ای تیره	۱۸	۲۲/۲۲		مجعد کم	۶۳	۸۴/۰۰
قهوه ای	-	-		فردار	۸	۱۰/۶۷
قهوه ای قرمز						
رنگ	۲	۲/۴۷		فر فری	۲	۲/۶۷
قهوه ای روشن	-	-		کرکی	-	-
قرمز	-	-		جمع	۷۵	۱۰۰/۰۱

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۳۵۲

سیاه و خاکستری ۱۳	۱۶/۰۵	نچ	تعداد	درصد
قهوه ای تیره و				
خاکستری ۶	۷/۴۱	خشن	۱۱	۱۵/۰۲
قهوه ای روشن و				
خاکستری -	-	خشن متوسط	۱	۱/۳۷
خاکستری ۴	۴/۹۴	متوسط	۴۱	۵۶/۱۶
سفید ۱	۱/۲۳	نرم متوسط	۵	۶/۸۵
جمع ۸۱	۹۹/۹۹	نرم	۱۵	۲۰/۵۵
جمع ۷۳		جمع	۷۳	۱۰۰/۰۰

موی سر معمولا زیاد بود ولی در بعضی موارد صرف نظر از سن که موجب قلت موی سر میشود کم موئی و نیمه کچلی دیده شد. شش نفر بیماری پوست سر داشتند.

تنها افرادی که موی صورت نداشتند چند نفر از جوانها بودند. ازمیان پنجاه و پنج نفر هفت یهودی ریش نداشتند یا خیلی کم داشتند و بست و سه نفر کم و یازده نفر زیاد و چهارده نفر ریش انبوه داشتند. همه افراد بجز سه نفر جوان سپیل گذاشته بودند.

میزان غیرعادی موی بدن نگردید ولی نظر کلی این بود که این گروه یهودیها از گروه های ساکن عراق کمتر موی بدن داشتند.

چشم = بطور کلی رنگ چشم اکثر افراد قهوه ای بود ولی نفوذ عناصر کم رنگ تر مانند قهوه ای آبی - و قهوه ای سبز و خاکستری سبز وجود داشت که با رنگ قیافه سرخ رنگ ارتباط پیدا میکرد. هفتاد و پنج درصد عنبیه ها یک جور بود و با در نظر گرفتن میزان چشمهای مخلوط تعداد زیادی است. سفیده چشم در ۷۱ درصد صاف و در ۲۶ درصد لک دار بود.

### چشم

عنبیه	تعداد	درصد	رنگ	تعداد	درصد
یک جور ۶۰	۷۵/۰۰	سیاه	-	-	-
۶	۷/۵۰	قهوه ای تیره	۶۴	۷۳/۵۶	
۱۴	۱۷/۵۰	قهوه ای آبی	۴	۴/۶۰	

۱۰۰/۰

جمع

۱/۱۵	۱	آبی قهوه‌ای	تعداد	درصد	مقیده
۹/۲۰	۸	قهوه‌ای سبز	۶۲	۷۱/۲۶	صاف
۵/۷۵	۵	سبز قهوه‌ای	—	—	زرد
۳/۴۵	۳	قهوه‌ای خاکستری	۲۳	۲۶/۴۴	لک‌دار
—	—	آبی	۲	۲/۳۰	لک‌دار خونی
—	—	خاکستری	—	—	لک‌دار زرد
۱/۱۵	۱	آبی خاکستری	۸۷	۱۰۰/۰۰	جمع
۱/۱۵	۱	آبی سبز			
۱۰۰/۱	۸۷	جمع			

بطور کلی چشمها افقی مانند چشم اروپائیان است ولی در بعضی موارد مانند فرد شماره ۳۴۹۶ (تصویر ۲۹ شکل ۴۳) کمی اریب و کج است و گوشه چشم بالاتر است و در مورد فرد شماره ۳۸۸۷ چشم کمی کج (تصویر ۳۰ - شکل ۱ و ۲) و گوشه چشم کمی پائین‌تر است.

عدم بهداشت و فقدان وسائل نظافت در محله مسکونی یهودیها در چشم موثر است و چشم نه تنها مبتلا به بیماری‌های مختلف میشود بلکه درخشندگی آفتاب و گرد و خاک کوچه‌های باریک سبب ناراحتی و زحمت چشم میگردد. پنج مورد تاری چشم و موارد زیاری آماس ملتحمه و بیماری عنبیه و آب‌مروارید و سه مورد که از یک چشم یا هر دو چشم کور بودند.

بینی = بینی در قسمت عمده افراد محدب و در یک سوم آنان صاف است. پره‌های بینی از لحاظ عرض متوسط و کمی متمایل به پهنی است. بطور کلی نوک بینی باریک و تمایل مختصری بسمت پائین دارد و پرها بطرف عقب برگشته و در نتیجه دیوار میانه پرها آشکار است.

بینی

بیمرخ	تعداد	درصد	پره‌ها	تعداد	درصد
موجدار	۱	۱/۱۵	فشرده	۷	۸/۰۵
صاف	۲۸	۳۲/۱۸	فشرده-متوسط	۴	۴/۶۰
مقعر	۱۳	۱۴/۹۴	متوسط	۴۹	۵۶/۳۲
محدب	۴۱	۴۷/۱۳	متوسط-باز	۲۳	۲۶/۴۴
مقعر-محدب	۴	۴/۶۰	باز	۲	۲/۳۰
جمع	۸۷	۱۰۰	باز+	۲	۲/۳۰
			جمع	۸۷	۱۰۰/۰۱

ضخامت نوک	تعداد	درصد
باریک	۴۲	۵۱/۲۲
متوسط	۲۲	۲۶/۸۳
بعلاوه	۱۴	۱۷/۰۷
بعلاوه دو برابر	۴	۴/۸۸
جمع	۸۲	۱۰۰

دهان = در اکثر افراد لب‌ها کلفت‌تر از لب معمولی اروپائیان است و در ۳/۴۱ در صد افراد لب برگشتگی مشاهده میشود و ۴/۵۴ در صد لب باریک دارند. ده نفر یعنی ۱۱/۳۶ در صد از دهان تنفس میکردند.

دندان = وضعیت کلی دندانها متوسط تا خوب است و در واقع ازدندان یهودیهای عراق بمراتب بهتر است. در یک سوم فرسودگی قابل ملاحظه وجود دارد. فرد شماره ۳۵۳۴ کرم‌خوردگی شدید داشت ولی بعلت کمی وقت فرصت ثبت وضع دندان از نظر علم امراض در مورد همه افراد بدست نیامد. هفت نفر یعنی ۷/۹۶ درصد دارای دندان لکه‌دار و عده‌ای دارای دندان رنگه رفته بودند.



## دندان

سایدهی	تعداد	درصد	وضع	تعداد	درصد
هیچ	۵۹	۶۷/۸۲	خیلی بد	۹	۱۲/۶۸
کم	۱	۱/۱۵	بد	۱۱	۱۵/۴۹
زیاد	۱۳	۱۴/۹۴	متوسط	۱۴	۱۹/۷۲
خیلی زیاد	۱۴	۱۶/۰۹	خوب	۳۰	۴۲/۲۵
خیلی خیلی زیاد	—	—	خیلی خوب	۷	۹/۸۶
جمع	۸۷	۱۰۰	جمع	۷۱	۱۰۰
افتادگی	تعداد	درصد	غیردندان	تعداد	درصد
هیچ	۶	۱۲/۷۷	ریز	۲	۲/۴۴
۱-۴	۱۷	۳۶/۱۷	لب بلب	۱	۱/۲۲
۵-۸	۲	۴/۲۶	کمی زیاد	۶۷	۸۱/۷۱
۹-۱۶	۱۸	۳۸/۳۰	خیلی زیاد	۱۲	۱۴/۶۳
۱۷+	۴	۸/۵۱	جمع	۸۲	۱۰۰
جمع	۴۷	۱۰۰/۰۱			

با مقایسه با سایر گروههای مشاهده شده بهم جفت شدگی دندانها کمی زیاد در بعضی موارد و تمایل عمومی به خیلی زیاد بود. دندان ناقص درآمده در شش نفر (۶/۸۲ درصد) و رویهم افتادگی دندان در سه نفر (۳/۴۱ درصد) مشاهده شد. پنج مورد (۵/۷۰ درصد) دندان غیر منظم دیده شد.

## وضع عضله ها

وضع عضلات بدن بطور کلی خوب بود اگرچه موارد آشکار کمی و سوء تغذیه دیده شد. کار و فعالیت یهودیها به پرورش عضله کمک میکند و موارد فربهی و چاقی در محله یهودیها وجود نداشت و این امر کاملاً عکس وضع فروشندگان و کسبه ایرانی در بازار است که در اواسط جوانی چاق میشوند. ریپلی مینویسد (۸ - ۱۸۹۹ - ص ۳۸۲): «این قوم (یهودیها) از نظر مردم شناسی و بطور مشهور دارای سینه باریک و ریه کم ظرفیت هستند. در حال عادی محیط سینه يك فرد بالغ باید مساوی یا متجاوز از نیمی از قدش باشد ولی در مورد یهودیها هرگز باین اندازه نمیرسد».

وضع عضلات	تعداد	درصد	سلامتی	تعداد	درصد
بد	-	-	بد	-	-
متوسط	۱۱	۱۲/۶۴	متوسط	۱۰	۱۱/۴۹
خوب	۶۶	۷۵/۸۶	خوب	۷۷	۸۸/۵۱
خیلی خوب	۱۰	۱۱/۴۹	خیلی خوب	-	-
جمع	۸۷	۹۹/۹۹	جمع	۸۷	۱۰۰

وضع سلامتی و بهداشت یهودیها خوب است. مبارزه بقا و تعداد کثیر متوفیات اطفال از تعداد افراد ضعیف قبل از سن بلوغ می‌کاهد. شش نفر در این گروه (۶/۸۲ درصد) علامت بیماری آبله داشتند.

چندین مورد غیر عادی بیماری شناسی وجود داشت. فرد شماره ۳۵۲۴ شاید بعلت بیماری فلج اطفال قادر بایستادن نبود. تکان زانو وجود نداشت و مردمک چشم او درست واکنش از خود بروز نمی‌داد. دکتر کندی عقیده داشت که این امر در اثر بیماری سفلیس نیست. فرد شماره ۳۵۲۹ که در اثر نقص غده های مربوطه رشد نکرده و کوتوله باقی مانده بود از سری حذف گردید. سوراخیلی بزرگ بود و استخوان ران او مبتلا به نرمی استخوان بود ولی بیماری ها چنین دردندان وجود نداشت. يك نوع نقص دودندان ثنایای بالا که در کسانی که سفلیس بارث برده اند دیده میشود برای اولین بار توسط هاچینسن Hutchinson شرح داده شد و بنام او خوانده میشود. فرد شماره ۳۵۵۲ دارای دست و پا و صورت بزرگتر از حد عادی بود که در اثر نقص بعضی غده ها بوجود می‌آید.

فرد شماره ۳۴۹۳ (تصویر ۳۹ - شکل ۱ و ۲) که از سری حذف گردید دارای دمل شحمی و غده یا آماس بزرگ کیسه ای باندازه يك تخم مرغ در سمت راست استخوان پس سر بود.

در بین یهودیها هیچگونه خال کوبی دیده شد. بعضیها نه تنها حنا به موی سر خود می‌زنند بلکه روی ناخن‌ها نیز با حنا رنگ شده بود. فرد شماره ۳۴۹۰ (تصویر ۲۱ - و شکل ۳ و ۴) علت آنرا جشن ازدواج خود ذکر کرد و دیگری فرد شماره ۳۵۲۵ ناخن‌های خود را حنا زده بود تا مچ او قه‌ری شود (مقایسه شود با نوشته فیلد - ۱۹۳۵ - ص ۸۸ - ۴۴۰-۴۴۴).

## تجزیه آماری

قد = پنجاه و هفت درصد یهودیهای اصفهان قد متوسط و تقریباً تعداد مساوی در ردیف قد کوتاه و قد بلند قرار میگیرند . (رجوع شود به ص ۳۰۹) . اینکه ۱۸ نفر (۲۱ درصد) این گروه بلند قد بودند باعث تعجب است زیرا طبق مشاهدات اینجانب تعداد کسانی که از حد اکثر طبقه متوسط بلند تر بودند خیلی کم بود .

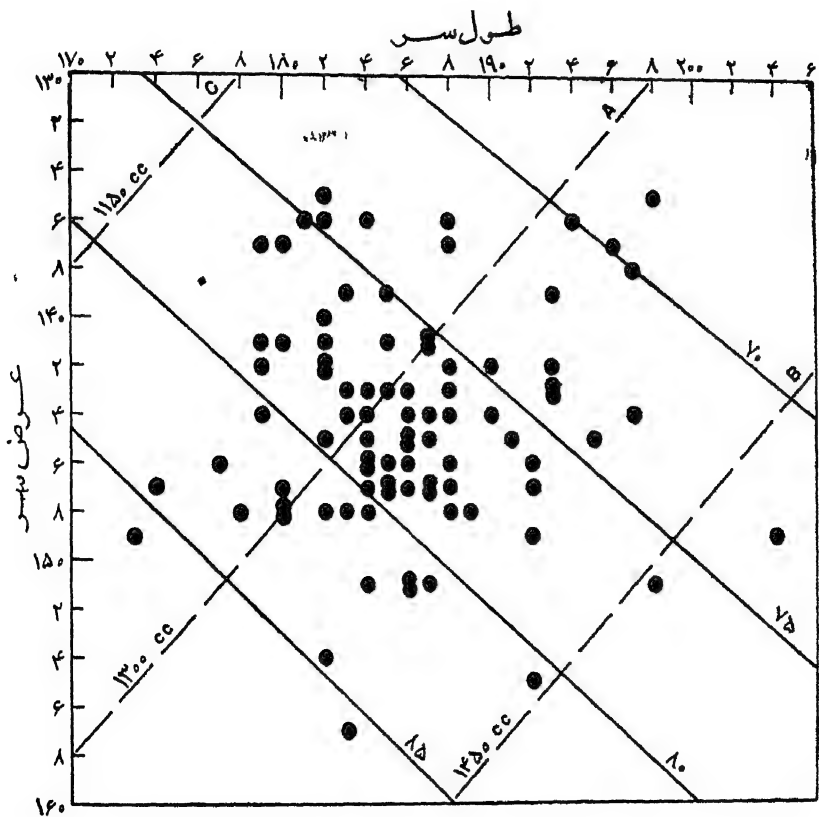
میزان قد یعنی  $۱۶۴/۹۴$  از حد وسط قد همه این ناحیه کمتر است و قد در حال نشسته یعنی  $۸۰/۸۴$  تقریباً در پائین جدول قرار دارد . وقتی ارقام مربوطه طبق تقسیم بندی کیت جمع آوری شود جدول صفحه ۳۶۳ بدست میآید . این جدول نشان میدهد که فقط دو مرد ( $۲/۳۳$  درصد) در طبقه قد بلند ( $۱۸۰-۱۸۵$  cm) قرار دارند و در مورد هر کدام طول تنه و پا به تناسب مساوی است . سه نفر در کوتاهترین طبقه قرار گرفته اند و طول تنه اینها کوتاه بوده است . چهل و دو نفر ( $۴۸/۸۳$  درصد) طول تنه متوسط و ۵۲ نفر ( $۶۰/۴۵$  درصد) دارای قد متوسط هستند . ۳۲۰ نفر ( $۳۷/۲۰$  درصد) تنه کوتاه دارند و ۳۱ نفر آنها ( $۴۶/۰۴$  درصد) قد کوتاه میباشند اینها بنا بر این در حال نشسته و در حال ایستاده هر دو طبقه متوسط هستند و در هر دو اندازه ها متمایل به کوتاهی میباشند . شماره ۳۵۲ از سری حذف گردید .

تا آنجائیکه میشد از روی لباس درک کرد نمو بدنی آنها متوسط می باشد . هیچگونه فرق مخصوصی در نقاط مختلف بدن بین آنها و افراد معمولی اروپایی مشاهده نشد . دست ها و پاها معمولاً خوش شکل و خیلی بزرگ نیست . فرد شماره ۳۴۸۲ (تصویر ۳۵ شکل ۴) در هر دست شش انگشت داشت . هیچگونه موارد غیر عادی دیگر مشاهده نشد . انگشت دست و پا بلند نبود ولی انگشت های پا در اثر نبوشیدن کفش کلفت شده بود .

بررسی اندازه های سر و صورت اختلاف نسبتاً زیادی در مورد طول سر ( $۱۷۳-۲۰۵$  - میانگین  $۱۸۶/۰۶$ ) و عرض سر ( $۱۳۵-۱۵۸$  - میانگین  $۱۴۴/۲۸$ ) آشکار میسازد که ممکن است از اثر نقصی باشد که از خوابانیدن اطفال در گهواره ارمنی حادث میشود (شکل ۷) . دو نمونه بارز نقص طبیعی یا مصنوعی مجموعه دیده شد . فرد شماره ۳۴۷۴ که از سری حذف شده است و فرد شماره ۳۴۶۷ (تصویر ۳۵ - شکل ۳) پس سرو گردن صاف داشتند .

## قدردر حال نشسته (طول تنه)

جمع	X-۷۴۹	۷۵۰-۷۹۹	۸۰۰-۸۴۹	۸۵۰-۸۹۹	X-۹۰۰	شماره %	شماره %	شماره %	شماره %	قد	
۶۵/۵۶	۶۷	۳/۳۳	۱۸/۶۰	۲۹	۳۸/۳۶	۴۲	۱۱/۶۳	۱۰	۲/۳۳	۲	جمع
۲۰/۹۳	۱۸	۳/۴۹	۳	۱۳/۹۵	۱۲	۳/۴۹	۸	-	-	-	۱۵۹۹-X
۶۰/۴۵	۵۲	-	۱۶/۲۸	۱۶	۳۸/۳۶	۳۳	۳/۴۹	۳	-	-	۱۶۰۰-۱۶۹۹
۲۰/۹۳	۱۸	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۷۰۰-۱۷۹۹
۶۰/۴۵	۵۲	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۸۰۰-X



«شکل ۱۴- طول و عرض و ظرفیت سر هشتاد و شش یهودی اصفهان»



اندازه های سر = اندازه سراز کوچک تا متوسط و جمجمه مغز خوب پر است . وقتی شاخص اندازه سر (میانگین ۷۷/۴۳) را طبق اندازه سر به پنج دسته طبقه بندی کنیم جدول صفحه بعد بدست می آید .

این جدول دو یهودی سر متوسط در طبقه خیلی سر دراز و دونفر دارای سر بزرگ یکی در طبقه سر متوسط و دیگری در طبقه سر دراز قرار میگیرند . پنجاه نفر (۵۸ درصد) دارای سربا اندازه متوسط و پنجاه و یک نفر دارای شاخص سر متوسط هستند . شانزده نفر (۱۸/۶۰ درصد) دارای شاخص سر کوتاه هستند که نه نفر آنها دارای سر متوسط و هفت نفر دارای سر کوچک میباشند . دو نفر دارای شاخص خیلی سر دراز و در طرف دیگر جدول دو نفر دارای شاخص خیلی سر کوتاه میباشند . در میان این افراد سه نفر دارای سر با اندازه متوسط و یک نفر دارای سر کوچک است .

بطور کلی این گروه یهودی دارای سر متوسط تا کوچک و شاخص سر متوسط (۵۹/۳۰ درصد) بودند و تعداد افراد بالا و زیر این گروه تقریباً متساوی است اگرچه طبق طبقه بندی هاروارد (ص ۳۷۹) تعداد سر دراز نسبتاً زیادتر است .

پیشانی که اغلب چین دار است خوب رشد کرده و شیار بالای حدقه چشم اغلب بعلت وجود استخوان زیاد در ناحیه بین دواپرو و ادامه آن در امتداد پشت به بالای چشم برجسته بنظر میرسد . استخوان بیخ بینی معمولاً مشخص و قوس بینی از پایه آن شروع میشود . در قسمت پیشانی تنوع زیاد مشاهده میشود ولی پشت پیشانی هرگز با اندازه گروه بعلاوه دو برابر نمیرسد .

حد اکثر عرض سر (۱۴۴/۲۸) و حداقل قطر پیشانی (۱۱۱/۹۰) شایان توجه است زیرا از چهار گروهی که من مورد بررسی قرار دادم گروه یهودیها دارای عرضترین سرو باریکترین حد اقل قطر پیشانی میباشند . این امر کاملاً بر عکس وضع لرها است . جدول مربوط به یهودیها در صفحه بعد داده میشود .

### حداقل قطر پیشانی

X-۱۲۰		۱۱۹-۱۱۰		۱۰۹-۱۰۰		۹۹-X		جمع	سر
تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%		
-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۲۹-۱۲۰
۱۷/۶۵	۹۵	۱۱/۷۷	۱۰	۵/۸۸	۵	-	-	-	۱۳۹-۱۳۰
۷۸/۸۲	۶۲	۵۱/۷۶	۴۴	۲۰/۰۰	۱۷	-	-	-	۱۴۹-۱۴۰
۹/۴۱	۸	۷/۰۶	۶	-	-	-	-	-	X-۱۵۰
۹۹/۹۹	۸۵	۷۰/۵۹	۶۰	۲۵/۸۸	۲۲	-	-	-	جمع

در باریکترین طبقه هریک از اندازه گیریهای فوق یهودی وجود نداشت در حالیکه هشت نفر (۹/۴۱ درصد) سرخیلی عریض (X-۱۵۰) داشتند فقط سه نفر دارای قطر پیشانی خیلی عریض (X-۱۲۰) بودند و دو نفر یهودی (۷۲/۹۳ درصد) سر عریض و شصت نفر حداقل قطر پیشانی داشتند.

جای تعجب است که بیست و دو نفر (۲۵/۸۸ درصد) در گروه پیشانی باریک واقع شوند زیرا سرها حداکثر قطر خیلی عریض داشت. بنظر میرسد که در ناحیه پیشانی چنانکه از اندازه حداقل قطر پیشانی معلوم میشود انقباض یا جمع شدگی وجود داشته باشد بخصوص در مورد رشد حداکثر عرض سر.

افراد شماره ۳۵۶۵ و ۳۴۸۱ (تصویر ۲۲ - شکل ۱ و ۲) از سری حذف شدند.

اندازه های صورت = بهترین طرز مطالعه صورت مقایسه رابطه عرض و طول و بعداً طول مطلق و نسبی صورت است.



## عرض استخوان گونه ها

۱۲۴-X		۱۲۵-۱۲۴		X-۱۳۵		جمع	
تعداد	/	تعداد	/	تعداد	/	تعداد	%
-	-	۵	۶/۰۲	۱	۱/۲۰	۶	۷/۲۲
۱	۱/۲۰	۲۷	۳۳/۴۳	۱۷	۲۰/۴۸	۴۵	۵۴/۲۱
-	-	۱۴	۱۶/۸۷	۱۸	۲۱/۶۹	۳۲	۳۸/۵۶
۱	۱/۲۰	۲۶	۵۵/۴۲	۳۶	۴۲/۳۷	۸۳	۹۹/۹۹
جمع							

طول کلی صورت (میانگین ۱۲۳/۴۵) و عرض استخوان گونه ها (میانگین ۱۳۴/۲۰) اختلاف فاحشی در هر دو اندازه ها نشان میدهد. این مطلب از حدود اندازه که در اولی بین ۱۱۵ و ۱۴۴ و دومی بین ۱۲۵ و ۱۴۲ میباشد نیز آشکار میشود. ولی فقط يك نفر (شماره ۳۵۴۷) در گروه صورت باریک (X-۱۲۴) است و شش نفر در گروه صورت کوتاه. جهل و شش نفر (۵۵/۴۲) از حیث عرض صورت متوسط و چهل و پنج نفر از لحاظ طول صورت در گروه متوسط قرار میگیرند. اگرچه میزان درصد افراد صورت عریض کمی زیاده‌تر از افراد صورت دراز است تمایل قابل ملاحظه صورت کوچکی از جدول شاخص های کلی صورت در صفحه ۳۰۹ پیدا است. افراد شماره های ۳۴۸۱ (تصویر ۲۲ - شکل ۱ و ۲) و ۳۴۹۴ (تصویر ۳۶ و ۳۷) و ۳۴۹۵ (تصویر ۲۸ - شکل ۱ و ۲) و ۳۵۳۰ از سری حذف گردیدند.

طبق طبقه بندی سه گانه ۶۹/۸۸ درصد کوچک صورت و فقط چهار نفر یعنی ۴/۸۲ درصد از افراد بزرگ صورت میباشد.

طرح شکل صورت تقریباً مثلثی است که در اثر برجسته بودن نسبی گونه‌ها که اغلب با جانه پهن نسبت داده میشود بوجود آمده است. افرادی که عضلات فك سفلی آنها خوب نمو ورشد کرده صورت تقریباً مستطیلی شکل دارند. بطور کلی عرض زوایای فك کم است و حد متوسط ۸۶ نفر آنها ۱۰۷/۸۶ و حد آن بین

چون اغلب افراد دارای ریش بودند مطالعه و بررسی چانه بطور دقیق میسر نشد . درموقع اندازه گیری ارتفاع صورت مشاهده شد که در بسیاری موارد چانه خوب نمو کرده و اغلب گوشه دار و بندرت رو ب عقب رفته است اگرچه در مورد افراد جوانتر مانند فرد شماره ۳۴۷۵ (تصویر ۲۲ - شکل ۳ و ۴) نوع معمولی است . ماهیچه پس گردن نسبتاً برجسته بنظر میآید .

نسبت بین ارتفاع کلی صورت (۱۲۳/۴۵) و ارتفاع قسمت علیای صورت (۷۲/۴۰) در بررسی طبقه بندی نژادمیترانه دارای اهمیت زیاد است زیرا تنوع و اختلاف در شاخص ها حاکی از اختلافات قابل توجه نژادی است . از این لحاظ گروه مورد بحث بدین طریق بنظر میرسد .

### ارتفاع قسمت علیای صورت

۶۳-X		۶۹-۶۴		۷۵-۷۰		X-۷۶		جمع	
تعداد	/	تعداد	/	تعداد	/	تعداد	/	تعداد	/
۱۰۹-X	-	۹	۱/۱۹	-	-	-	-	۱	۱/۱۹
۱۱۹-۱۱۰	۱	۹۱	۱۳/۰۹	۸	۹/۵۲	۱	۱/۱۹	۲۱	۲۴/۹۹
۱۲۹-۱۲۰	۱	۷	۸/۳۳	۲۷	۳۲/۱۴	۱۲	۱۴/۲۹	۴۷	۵۵/۹۵
X-۱۳۰	-	-	-	۲	۲/۲۸	۱۳	۱۵/۴۸	۱۵	۱۷/۸۶
جمع	۱	۱۹	۲۲/۶۱	۳۷	۴۴/۰۴	۲۶	۳۰/۹۶	۸۴	۹۹/۹۹

در مورد دو نفر قسمت علیای صورت کوتاهتر و فقط يك نفر ارتفاع کلی صورت کوتاه بود . در حالیکه ۳۰/۹۶ درصد گروه قسمت علیای صورت دراز داشتند فقط ۱۷/۸۶ درصد کلی صورتشان دراز بود . بطور کلی طول صورت متوسط با تمایل به کوتاهی است با وجود اینکه قسمت علیای صورت بین متوسط و دراز است . فقط نه نفر (۱۰/۷۱ درصد) از نوع صورت گوسفندی بودند . افراد شماره های ۳۴۹۴ (تصویر ۳۶ و ۳۷) و ۳۴۹۵ (تصویر ۲۸ شکل ۱ و ۲) و ۳۵۳۰ حذف گردیدند .

موارد افراد دارای فك جلوتر از قسمت علیای صورت در بین این گروه زیادتر از بین اروپائیان است اگرچه اندازه بینی ظاهر غیرمتعادل بصورت میدهد وقتی از پهلو بآن نظر شود. بینی که بزرگ و عقابی است بطور قابل ملاحظه باریک است. بیست و سه نفر (۶/۲۷ درصد) دارای بینی متوسط و فرد بینی پهن در بین آنها وجود نداشت. در نیمرخ بینی تنوع قابل ملاحظه مشاهده شد اگرچه تعدادی در حدود ۱۳/۴۷ درصد دارای بینی محدب هستند. پره بینی در اغلب موارد متمایل بپائین است. در بسیاری موارد برگشتگی پره بینی در حال نیمرخ جداری بینی را آشکار میسازد. ازدیاد اندازه های بینی تا حدی مربوط به بالا رفتن سن است و میتوان آنرا تا میزانی با تغییرات رشد منطبق کرد. طول بینی (۸۲/۵۳) و عرض بینی (۱۹/۳۴) شاخص ۸۶/۶۳ را بدست میدهد. در طبقه بندی افراد جدول زیر بدست میآید.

### عرض بینی

طول بینی	۲۹-X	۳۰-۳۵	۳۶-۴۰	۴۱-۴۶	X-۴۲	جمع
تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد
۴۹-X	-	۱۱	۱۲/۹۴	۴	۴/۷۱	-
۵۰-۵۹	۲	۲/۴۵	۴۱	۴۸/۴۳	۱۸	۲۱/۱۸
X-۶۰	-	۲	۲/۲۵	۴	۴/۷۱	-
جمع	۲	۲/۴۵	۵۴	۶۳/۵۲	۲۶	۳۰/۶۰

همچنین دو نفر هستند که دارای بینی خیلی باریک دراز متوسط میباشد و شش نفر (۶/۷۰ درصد) دارای بینی دراز (۶۰-X) و سه نفر دارای بینی پهن دراز متوسط میباشد. شصت و چهار نفر یهودیها (۲۸/۷۵ درصد) بینی دارای طول متوسط و پنجاه و چهار نفر (۵۲/۶۳ درصد) دارای بینی نسبتاً باریک میباشد. بطور کلی بینی بین متوسط و کوتاه و نسبتاً باریک تا نسبتاً عریض میباشد. شاخص ها که طبق طبقه بندی ها موارد تهیه شده نشان میدهد که سه چهارم گروه دارای بینی کوچک هستند.

گوش آنها نسبتاً خوش ترکیب است و بطور عادی کنار سر قرار دارد ولی

گاهی لبه گوش افتاده که شاید در اثر استعمال يك نوع كلاه نمدی باشد . چنین بنظر میرسد که طول گوش با ازدیاد سن بطور قابل ملاحظه افزایش میابد .  
در بین گروهی که مورد مطالعه قرار گرفت هیچگونه عدم تناسب در صورت مشاهده نشد . گردن معمولاً معمولی و استوانه شکل بود . تمایل کلی بر گردن کوتاه بود تا بر گردن بلند .

در پایان این اطلاعات ارقامی و مشاهدات این مسئله پیش میآید که چگونه با کلمات خصوصیات قیافه و صورت را که یهودیهای اصفهان را از سه گروه دیگر که مورد بررسی قرار گرفتند مشخص میسازد شرح داد .

مثلاً کدام يك از این افراد را میتوان بدون تردید تشخیص داد که یهودی هستند ؟ وقتی خود را در بازار عمده اصفهان تصور میکنم بخوبی می بینم که این افراد در میان جمعیت میگذرند . ولی در چنان وضعی شناختن عناصر یهودی جمعیت آسانتر است زیرا ظاهر کلی و حرکات و طرز نگاهداشتن سر و صورت ممکن است بآسانی نشان دهد که صاحب آن یهودی یا غیرمسلمان است .

اولین قدم آنست که عکس آن افرادی که بطور قطع یهودی بنظر میرسند انتخاب کنم . افراد زیر در این طبقه قرار میگیرند .

۳۴۷۵	تصویر	۲۲	شکل	۴۰۳	۳۴۹۵*	تصویر	۲۸	شکل	۲۹۱
* ۳۴۷۶	«	۱۰	«	۴۰۳	* ۳۴۹۶	«	۲۹	«	۴۰۳
«	«	۳۲	«	۲۹۱	۳۵۰۰	«	۲۱	«	۲۹۱
۳۴۷۷	«	۳۵	«	۳	۳۵۰۱	«	۳۲	«	۴۰۳
* ۳۴۷۸	«	۲۸	«	۴۰۳	۳۵۰۲	«	۲۵	«	۴۰۳
۳۴۸۰	«	۳۳	«	۲۹۱	۳۵۰۳	«	۳۴	«	۴۰۳
* ۳۴۸۱	«	۲۲	«	۲۹۱	۳۵۰۷	«	۲۴	«	۲۹۱
* ۳۴۸۳	«	۳۴	«	۲۹۱	۳۵۰۸	«	۳۰	«	۲۹۱
۳۴۸۴	«	۳۵	«	۲۹۱	۳۵۱۷	«	۲۷	«	۴۰۳
۳۴۸۷	«	۳۰	«	۲۹۱	۳۵۲۱	«	۲۷	«	۲۹۱
+ ۳۴۹۴	«	۳۶ و ۳۷							

\* افرادی که بیش از دیگران دارای خصوصیات یهودیهای اصفهان هستند .

+ افرادی که آقای جوزف کوهن بعنوان تیپ یهودی گروه انتخاب

کرده است .

قدم بعد تجزیه دلائل انتخاب این گروه افراد است . در بعضی موارد مثلاً فرد شماره ۳۴۷۶ (تصویر ۱۰ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۳۲ شکل ۱ و ۲) نیمرخ بدون قریدیه نیمرخ یهودی است . شکل مجعنه بنظر نمیرسد اهمیت زیادی داشته باشد و عمده خصوصیات در ناحیه صورت واقع شده است . از سمت جلو بعضی از این خصوصیات عبارتند از : زاویه حدقه چشم - تمرکز استخوان در ناحیه بالای حدقه و شیار مربوطه در بالا - خمیدگی زیر گونه ها و بالاخره صورت بیضی شکل .

طبق بررسی و تجزیه شاخص و اندازه های يك گروه منتخب بیست نفری یهودی چنین بنظر میرسد که اختلافات اندازه گیری با سری کلی تاحدی مربوط بسن باشد . میانگین سن آنها ۵۱ بوده که ۱۱/۷۰ سال زیادت از میانگین سن همه گروه میباشد . افراد منتخب دارای گوش درازتر و بینی بزرگتر میباشد که مربوط به کبر سن و تغییرات مربوط به پیری است . ولی باید در نظر داشت که سن گروه منتخب بین ۳۰ و ۶۹ در صورتیکه سن گروه کلی بین ۱۸ و ۷۰ بود . وقتی گروه بیست نفری منتخب را با کلیه افراد مقایسه میکنیم معلوم میشود که اختلافات زیر در اندازه های مختلف وجود دارد . گروه بیست نفری از لحاظ قد ۱۹/۲ کوتاhter - طول بدنه ۱۷/۲۴ کسوتاتر - طول سر ۰/۲۴ دراز تر و عرض سر ۰/۵۷ عریضتر - حد اقل قطر پیشانی ۱/۳۲ زیاد تر - عرض استخوان گونه ها ۲/۵۵ زیاد تر - عرض فك ۲/۳۶ عریضتر - طول کلی صورت ۳/۸۵ درازتر - قسمت علیای صورت ۲/۶۰ درازتر - طول بینی ۲/۰۸ زیادتر - عرض بینی ۲/۱۶ زیادتر - طول گوش ۰/۹۲ زیادتر و عرض گوش ۰/۳۹ باریکتر .

بطوریکه ملاحظه میشود بیست یهودی منتخب از لحاظ طول بدنه و پا کوتاhterند و از اندازه های سرفرق زیادی ندارند ولی صورت درازتر و عریضتر دارند و به تناسب طول صورت از عرض آن بیشتر افزایش یافته است . بینی آنها دراز تر و پهن تر است .

احتمال میرود که در این گروه عنصر سر کوتاهی وجود داشته باشد که کمی قویتر از گروه کلی است . بطور کلی در میان نمونه ها و افراد منتخب خصوصیات مسلم یهودی آشکار است ولی نمیتوان گفت وجود ریش تاجچه حد باعث سوء تفاهم میشود . بهترین شرایط برای این نوع طبقه بندی اخذ نتیجه کلی سریع همه خصوصیات است و این عمل بوسیله نگاه فوری صورت میگردد و درمغز

مردم شناس معین میکند که آیا يك فرد متعلق بگروه مخصوصی است یا نه .  
در میان افرادی که دارای خصوصیات مخصوص یهودیها نبوده و در انتخاب اولین کنار گذاشته شدند اشخاص جوان هستند که بطور وضوح خصوصیات مخصوصی را بخوبی سالمندان نشان نمیدهند زیرا خصوصیات کودکی و جوانی در بین آنها کمتر اختلاف دارد تا در بین سالمندان . در بین جوانان بعضی دارای خصوصیات یهودی هستند و بعضی نیستند ، در مورد دسته اول احتیاجی به بحث نیست ولی سه نفر از افراد که بطور آشکار از نوع یهودی جدا هستند شایسته دقت و ملاحظه مخصوصی است .

شماره ۳۵۰۶ (تصویر ۲۳ شکل ۴۳) از نوع مدیترانه اولیه است که دارای صورت کوتاه و عریض و بینی مقعر میباشد .

شماره ۳۴۸۲ (تصویر ۳۵- شکل ۴) سرخیلی بلند دارد و قیافه او بعضی خصوصیات مغولی را نشان میدهد که ریش صاف و تنك او آنرا تأیید مینماید . عرض قوس استخوانهای گونه ۱۳۹ و پهنای فکین ۱۱۵ است که مربوط به صورت دراز میشود بطوریکه طول کلی صورت ۱۲۹ میباشد ، شاخص سر ۷۸/۶ است و بامقایسه با سایر افراد گروه قد بلند است قد او ۱۶۹/۶ است در صورتیکه حد متوسط قد گروه ۱۶۴/۹۴ است در واقع میتوان او را یکی از ساکنین بخارا در ترکستان شوروی بحساب آورد .

شماره ۳۴۹۹ (تصویر ۱۰- شکل ۲۱ و تصویر ۲۹ شکل ۲۱) را میتوان بایک فرد اروپائی شمالی اشتباه کرد . قد او کوتاه است (۱۵۹/۷) و گونه‌های متوسط دارد (۱۳۶) و عرض فکین باریک (۱۰۲) صورت او بعلت کمی قسمت سفلی باریک و شاخص تناسب سر او ۷۶/۲ است . شماره ۳۵۰۶ (تصویر ۲۳ شکل ۴۳) نیز دارای قد کوتاه (۱۵۷/۶) و گونه متوسط (۱۳۱) و عرض فکین باریک (۱۰۲) و صورت خیلی کوچک میباشد بطوریکه طول کلی صورت ۱۱۳ و طول قسمت علیای صورت ۶۵ است و شاخص تناسب سر او ۷۴/۲ است .

بعضی دیگر از افرادی که از صورت حذف شدند در یکی از این سه طبقه یا مخلوطی از آنها قرار میگیرند ولی میتوان گفت که در بین این گروه یهودیهای اصفهان عده‌ای وجود دارند که صرف نظر از سن یا اختلافات جزئی نمیتوان آنها را از روی ملاحظه و تجزیه عکس یهودی طبقه بندی کرد . این مسئله علیرغم اینکه

بایک گروه مجزا که برحسب روایات در طی ۲۵۰۰ سال در يك منطقه كوچك زندگی کرده‌اند سروکار داریم غیرعادی نیست. با اینکه از يك نوع بخصوص نوع بخصوصی بوجود می‌آید باید بخاطر داشت اختلاط و امتزاج کروموسم‌ها بدون شك باعث تنوع و گاهی افراد کاملاً خارج از نوع میشود. بدین ترتیب در يك گروه یا جمع ثابت اختلافات فردی زیاد در داخل گروه ممکن است تولید شود حتی اگر خصوصیات خارجی بوسیله ازدواج با غیر داخل جمع نشده باشد درحالی‌که ازدواج با غیر در اصفهان چه بصورت طبیعی چه بعزت تمایل شخصی یا زور که در نتیجه فرمان مبنی بر آزار و اذیت یهودیها صورت گرفته ممکن است واقع شده باشد.

درست‌تر بالا درباره افرادی که ظاهراً با نوع مخصوصی یهودی فرق دارند بحث مفصل شده است ولی باید بخاطر داشت که یهودیهای اصفهان بسیاری از خصوصیات جسمانی که آنها را از بقیه جمعیت شهر جدا میکند و درعین حال شبیه سایر گروههای یهودی آسیای جنوب غربی است حفظ کرده‌اند. در کتاب اینجانب تحت عنوان (مردم شناسی عراق) که بزودی منتشر میشود اندازه گیری و مشاهدات درباره ۱۰۶ یهودی عراقی که در سال ۱۹۳۴ بعمل آمد داده شده است. قسمتی از این سری (۴۷) از قریه كوچك سندر بین دهوك و عمادیه در شمال عراق میباشد.

### افرادی که از سری آماری حذف شده‌اند

۱ - فرد شماره ۳۴۷۴ متولد همدان اکباتانا باستان و اختمای کتاب مقدس پایتخت ماد این شخص دارای نقص مصنوعی جمجمه و قسمت پس سر اوصاف شده بود. در مورد یهودیهای همدان طبق نوشته دوبو Dubeux این شهر در سال ۱۸۱۸ دارای ۹ هزار خانه و بین چهل تا پنجاه هزار جمعیت بود که ۶۰۰ خانوار آن یهودی بودند. در ایام اخیر تعداد یهودیهای همدان پنج هزار نفر تخمین زده میشد.

۲ - فرد شماره ۳۵۲۹ که شغل کلاه‌دوزی داشت کوتوله بود. سراو که مبتلا به بیماری پوستی بود بسیار بزرگ و نسبت بسایر اعضای بدن از تناسب خارج بود. اندازه های بدن او عبارت است از: قد ۱۸/۵ - قد در حال

نشسته ۷۹۰ - طول سر ۱۷۵ - عرض سر ۱۶۰ شاخص سر ۹۱/۴ .

۳ - فرد شماره ۳۵۷۱ متولد سقز در کردستان ایران . اگرچه این پیر مرد يك نمونه عالی یهودی بخصوص از نیمرخ بنظر میآید بانوع یهودیهای اصفهان فرق داشت . مثلاً شاخص تناسب سروی که ۸۹/۹ بود او را در طبقه خیلی سر کوتاه قرار میداد . بدست آوردن اندازه های یهودیهای سقز بمنظور مقایسه بسیار جالب توجه است .

۴ - فرد شماره ۳۵۷۲ متولد شیراز است وبهین جهت نمیتوان او را در ردیف یهودیهای اصفهان قرار داد . موی ناحیه پیشانی حلقه حلقه بود .  
۵ - افراد زیر از یهودیهای اصفهان که اندازه ها و مشاهدات مربوط به آنها در مرحله اول گرفته شد از سری آماری بعلت کبر سن یعنی متجاوز از ۷۰ حذف شده اند . فرد شماره ۳۴۸۶ ( تصویر ۳۹ - شکل ۳ و ۴ ) شماره ۳۴۹۳ ( تصویر ۳۹ شکل ۱ و ۲ ) - شماره ۳۴۹۸ ( تصویر ۳۸ شکل ۱ و ۲ ) - شماره ۳۵۱۵ ( تصویر ۳۸ شکل ۳ و ۴ ) - شماره های ۳۵۵۰ - ۳۵۵۴ - و ۶۰۳۵۶۰ - ۶ - فرد شماره ۳۵۱۰ نیز حذف گردید و عکسی از او گرفته نشده بود .



## اندازه ها و شاخص های بیست نفر یهودی اصفهانی

Coefficient of Variation / Standard Deviation

اندازه	تعداد	حد	میانگین	S. D.	C. V.
سن	۲۰	۶۹-۳۰	$1/82 \pm 51/00$	$1/29 \pm 12/10$	$2/53 \pm 22/72$
قد	۲۰	۱۷۵-۱۵۲	$0/97 \pm 162/75$	$0/78 \pm 7/42$	$0/42 \pm 2/94$
قد در حال نشسته	۲۰	۸۹-۷۲	$0/55 \pm 79/70$	$0/39 \pm 2/73$	$0/49 \pm 4/51$
طول سر	۲۰	۲۰۵-۱۷۳	$1/00 \pm 187/30$	$0/71 \pm 7/77$	$0/38 \pm 3/57$
عرض سر	۲۰	۱۵۵-۱۳۸	$0/54 \pm 144/85$	$0/38 \pm 3/70$	$0/27 \pm 2/49$
حد اقل قطر پیشانی	۱۹	۱۲۰-۱۰۵	$0/45 \pm 112/22$	$0/32 \pm 2/92$	$0/28 \pm 2/58$
قطر استخوان دو گونه	۱۹	۱44-۱۲۵	$0/78 \pm 136/75$	$0/55 \pm 5/05$	$0/40 \pm 3/79$
قطر فکین	۱۹	۱۲۱-۹۸	$0/83 \pm 110/22$	$0/59 \pm 5/36$	$0/53 \pm 4/87$
ارتفاع کلی صورت	۱۸	۱44-۱۱۵	$1/01 \pm 127/30$	$0/71 \pm 7/35$	$0/56 \pm 4/99$
ارتفاع قیمت علیای صورت	۲۰	۸4-۶۰	$0/73 \pm 75/00$	$0/52 \pm 4/85$	$0/69 \pm 7/47$
ارتفاع بینی	۲۰	۶۷-4۸	$0/56 \pm 55/90$	$0/39 \pm 3/78$	$0/70 \pm 7/58$
عرض بینی	۲۰	4۸-۳۱	$0/63 \pm 36/25$	$0/45 \pm 4/20$	$1/23 \pm 11/55$
طول گوش	۲۰	۷۱-4۸	$0/80 \pm 59/90$	$0/56 \pm 5/28$	$0/94 \pm 8/81$
عرض گوش	۲۰	43-29	$0/53 \pm 35/40$	$0/37 \pm 2/51$	$1/07 \pm 9/92$

# شاخص ها

اندازه	میانگین	حد	تعداد	شاخص ها
ارتفاع نشسته نسبی	$0.48 \pm 0.08$	۵۳-۴۴	۲۰	سر
پیشانی و استخوان آهیانه	$0.48 \pm 0.08$	۸۸-۷۱	۲۰	پیشانی و پیشانی
گونه و پیشانی	$0.47 \pm 0.01$	۸۳-۷۲	۱۹	گونه و پیشانی
گونه و فک سفلی	$0.47 \pm 0.04$	۹۱-۷۶	۱۹	گونه و فک سفلی
کل صورت	$0.47 \pm 0.04$	۸۶-۷۲	۱۸	کل صورت
قسمت علیای صورت	$0.47 \pm 0.05$	۱۰۴-۸۵	۱۷	قسمت علیای صورت
بینی	$0.47 \pm 0.04$	۶۰-۴۶	۱۹	بینی
گوش	$0.49 \pm 0.04$	۸۳-۵۲	۲۰	گوش
	$0.49 \pm 0.04$	۷۶-۴۵	۲۰	

## اندازه ها و شاخص های زیست‌پیرای اصفهانی

### اندازه‌ها

سن	$0.76 \pm 0.14$	$0.76 \pm 0.14$	۷۰-۱۸	۸۷
قد	$0.32 \pm 0.03$	$0.32 \pm 0.03$	۱۸۴-۱۵۲	۸۶
قد در حال نشسته	$0.18 \pm 0.03$	$0.18 \pm 0.03$	۹۲-۷۲	۸۷
طول سر	$0.15 \pm 0.02$	$0.15 \pm 0.02$	۲۰۵-۱۷۳	۸۷

# اندازه

عرض سر

حد اقل قطر پیشانی

قطر دو گونه

قطر فکین

طول کل صورت

طول قسمت علیای صورت

طول بینی

عرض بینی

طول گوش

عرض گوش

## شاخص ها

قد نسبی در حال نشسته

سر

پیشانی و آهانه

گونه و پیشانی

گونه و فک

کل صورت

قسمت علیای صورت

بینی

گوش

## میانگین

$۳۴ \pm ۱۴۴/۲۸$

$۲۹ \pm ۱۱۱/۹۰$

$۳۷ \pm ۱۳۴/۲۰$

$۳۸ \pm ۱۰۷/۸۶$

$۴۹ \pm ۱۲۳/۴۵$

$۳۶ \pm ۷۲/۴۰$

$۳۳ \pm ۵۲/۸۲$

$۲۶ \pm ۳۴/۱۹$

$۴۰ \pm ۵۸/۹۸$

$۲۷ \pm ۲۵/۷۹$

$۱۰ \pm ۴۹/۲۰$

$۲۶ \pm ۷۷/۴۳$

$۲۳ \pm ۷۷/۷۷$

$۲۴ \pm ۸۴/۰۲$

$۲۵ \pm ۸۰/۷۷$

$۳۹ \pm ۹۲/۳۰$

$۲۸ \pm ۵۴/۱۱$

$۵۶ \pm ۶۳/۸۶$

$۵۱ \pm ۶۱/۱۴$

## i. D.

$۲۴ \pm ۴/۶۸$

$۲۱ \pm ۴/۰۴$

$۲۶ \pm ۵/۱۰$

$۲۷ \pm ۵/۲۴$

$۳۵ \pm ۶/۶۵$

$۲۰ \pm ۴/۹۵$

$۲۳ \pm ۴/۵۲$

$۱۹ \pm ۳/۶۰$

$۲۸ \pm ۵/۴۸$

$۱۹ \pm ۳/۶۹$

$۱۰۷ \pm ۱/۴۲$

$۱۹۴ \pm ۳/۶۰$

$۱۱۶ \pm ۳/۱۵$

$۱۱۷ \pm ۳/۴۴$

$۱۱۸ \pm ۳/۴۵$

$۲۷ \pm ۵/۲۵$

$۲۰ \pm ۳/۸۵$

$۴۰ \pm ۷/۹۸$

$۳۶ \pm ۷/۰۴$

## C. V.

$۱/۷ \pm ۲/۲۴$

$۱/۹ \pm ۳/۶۱$

$۲/۰ \pm ۳/۸۰$

$۲/۵ \pm ۴/۸۶$

$۲/۸ \pm ۵/۲۹$

$۲/۸ \pm ۶/۸۴$

$۴/۳ \pm ۸/۴۰$

$۱/۵۴ \pm ۱۰/۵۳$

$۴/۸ \pm ۹/۲۹$

$۱/۵۳ \pm ۱۰/۳۱$

$۱/۵ \pm ۲/۸۹$

$۲/۴ \pm ۴/۶۵$

$۲/۱ \pm ۴/۰۵$

$۲/۰ \pm ۳/۸۶$

$۲/۲ \pm ۴/۲۷$

$۳/۰ \pm ۵/۶۹$

$۲/۷ \pm ۷/۱۰$

$۲/۲ \pm ۱۲/۰۳$

$۵۹ \pm ۱۱/۵۱$

## مردم‌شناسی جسمانی ایران-۳۷۹

ارقام اندازه گیری گروه بیست نفر یهودی منتخب را بر اساس تجزیه تصویری مورد بررسی قرار دادیم برای مقایسه مستقیم اندازه ها و شاخص های این گروه منتخب و افراد کلیه سری یهودیهای اصفهان در بالا داده شده است . اکنون باید کلیه افراد یهودیهای اصفهان را طبق سیستم طبقه بندی هاروارد از حیث قد و شاخص تناسب سر و شاخص کل صورت و شاخص بینی گروه بندی کنیم:

قد			
کوتاه	متوسط	بلند	جمع
$(X-160/5)$	$(169/4-160/6)$	$(X-169/5)$	
۱۹	۴۹	۱۸	۸۶
۲۲/۰۹	۵۶/۹۸	۲۰/۹۳	۱۰۰/۰۰

### شاخص سر

سردراز	سرم متوسط	سر کوتاه	جمع
$(X-76/5)$	$(82/5-76/6)$	$(X-82/6)$	
۳۲	۴۹	۵	۸۶
۳۷/۲۱	۵۶/۹۸	۵/۸۱	۱۰۰/۰۰

### شاخص کل صورت

پهن صورت	متوسط صورت	باریک صورت	جمع
$(X-84/5)$	$(89/4-84/6)$	$(X-89/5)$	
۴	۲۱	۵۸	۸۳
۴/۸۲	۲۵/۳۰	۶۹/۸۸	۱۰۰/۰۰

### شاخص بینی

باریک بینی	متوسط بینی	پهن بینی	جمع
$(X-67/4)$	$(83/4-67/5)$	$(X-83/5)$	
۶۲	۲۳	—	۸۵
۷۲/۹۴	۲۷/۰۶	—	۱۰۰/۰۰

از جدولهای فوق مشاهده میشود که یهودیهای اصفهان از حیث قد متوسط و تعداد نسبی افراد از لحاظ بلندی و کوتاهی و تناسب سر از متوسط تادراز و صورت باریک و بینی باریک تقریباً متساوی است برای تسهیل کار آن عده از علمای مردم شناسی که مایلند از روی ارقام من محاسبه ها و تناسب و ارتباط دیگری بدست آورند ارقام و اندازه های اولیه جدول بندی شده است بطوریکه اندازه ها و شاخص ها در صفحات مقابل هم قرار گرفته است .  
در همه جدولها اندازه ها و شاخص هایی که با علامت ستاره مشخص شده از معدل حذف شده است .

## بیازہ

عرض تیم	طول تیم	طول قسمت	عرض تیم	عرض دوگانه	حداقل قطر	عرض سر و پش سر	عرض برآمدگی و پش سر	فد نشسته	فد	سن	شماره	
۳۳	۵۵	۶۴	۱۱۶	۱۱۵	۱۳۴	۱۱۰	۱۴۷	۱۶۷	۸۴۳	۱۶۹/۳	۵۰	۳۴۷۴*
۳۳	۵۹	۷۳	۱۲۷	۱۹	۱۴۲	۱۱۶	۱۴۵	۱۸۲	۷۵۲	۱۶۹/۵	۳۸	۳۴۷۵
۳۵	۵۵	۷۷	۱۳۱	۱۳	۱۳۵	۱۱۵	۱۴۲	۱۸۲	۷۶۷	۱۶۳/۰	۵۵	۳۴۷۶
۳۵	۵۵	۷۸	۱۲۵	۱۰	۱۳۵	۱۰۹	۱۴۹	۱۷۳	۸۰۶	۱۵۲/۱	۶۰	۳۴۷۷
۳۶	۵۵	۷۹	۱۳۲	۱۵	۱۳۴	۱۱۳	۱۳۹	۱۸۵	۷۹۷	۱۶۳/۰	۵۰	۳۴۷۸
۳۸	۵۹	۶۶	۱۲۵	۰۶	۱۴۶	۱۱۶	۱۵۷	۱۸۳	۸۲۲	۱۷۲/۰	۶۰	۳۴۷۹
۳۹	۵۸	۷۸	۱۳۳	۱۶	۱۳۶	۱۱	۱۴۵	۱۹۱	۸۷۰	۱۶۹/۲	۶۰	۳۴۸۰
۳۳	۵۹	۷۸	۱۲۱	۰۰	۱۲۵	۰۰	۱۴۴	۱۸۷	۷۶۰	۱۵۷/۲	۳۷	۳۴۸۱
۴۰	۵۴	۷۵	۱۲۹	۵	۱۳۹	۶	۱۴۷	۱۸۷	۸۲۰	۱۶۷/۶	۵۱	۳۴۸۲
۴۴	۵۹	۷۶	۱۳۳	۳	۱۴۱	۱۴	۱۴۷	۱۸۸	۸۱۰	۱۶۹/۶	۶۵	۳۴۸۳
۴۴	۵۳	۷۰	۱۲۴	۷	۴۰	۳	۱۴۳	۱۸۴	۸۰۴	۱۶۱/۱	۶۸	۳۴۸۴
۴۰	۵۴	۷۶	۱۲۴	۳	۳۸	۰	۱۴۱	۱۸۲	۸۱۳	۱۶۵/۲	۵۲	۳۴۸۵
۳۶	۵۰	۶۱	۱۱۳	۴	۳۵	۳	۱۴۱	۱۷۸	۷۶۶	۵۸/۵	۸۰	۳۴۸۶*
۳۶	۶۰	۸۳	۱۳۹	۴۱	۴۱	۸	۱۴۷	۸۷	۷۸۰	۵۴/۴	۵۲	۳۴۸۷

شاخص ها

طول گوش	عرض گوش	قد نشسته نسبی	پیشانی و آهیهاته	صورت	فصاحت علیای صورت	بینی	گوش	گوشه فکین	گوشه و پیشانی
۶۱	۳۷	۴۹/۹	۸۸/۰	۷۴/۸	۸۶/۶	۴۷/۱	۶۰/۷	۸۵/۸	۸۲/۱
۵۴	۳۵	۴۴/۴	۷۹/۷	۸۰/۰	۸۹/۴	۵۱/۴	۶۴/۸	۸۳/۸	۸۱/۷
۵۸	۳۴	۴۷/۰	۷۸/۰	۸۱/۰	۹۷/۰	۵۷/۰	۶۳/۶	۸۳/۷	۸۵/۲
۶۲	۳۵	۵۳/۰	۸۶/۱	۷۳/۲	۹۲/۶	۵۷/۸	۶۳/۶	۸۱/۵	۸۰/۷
۶۱	۳۴	۴۸/۹	۷۵/۱	۸۱/۳	۹۸/۵	۵۸/۹	۶۵/۵	۸۵/۸	۸۴/۳
۷۵	۴۰	۴۷/۸	۸۵/۸	۷۳/۹	۸۵/۶	۴۵/۲	۶۴/۴	۷۲/۶	۷۹/۵
۶۸	۳۸	۵۱/۴	۷۵/۹	۷۸/۶	۹۷/۸	۵۷/۴	۶۲/۱	۸۵/۳	۸۳/۸
۴۸	۳۳	۴۸/۳	۷۷/۰	۸۶/۸	...	...	۵۵/۹	...	...
۶۴	۴۲	۴۸/۹	۷۸/۶	۷۸/۹	۹۲/۸	۵۴/۰	۷۴/۱	۸۲/۷	۸۳/۵
۶۲	۴۳	۴۷/۸	۷۸/۲	۷۷/۶	۹۴/۳	۵۳/۹	۶۹/۴	۷۳/۱	۸۰/۹
۷۰	۳۶	۴۸/۹	۷۷/۷	۷۹/۰	۸۸/۶	۵۰/۰	۵۱/۴	۷۶/۴	۸۰/۷
۷۰	۴۳	۴۹/۲	۷۷/۵	۷۸/۰	۸۹/۹	۵۵/۱	۶۱/۴	۸۱/۹	۷۹/۷
۶۲	۳۲	۴۸/۴	۷۹/۲	۸۰/۱	۸۳/۷	۴۵/۲	۷۲/۰	۷۷/۰	۸۳/۷
۶۱	۳۵	۵۰/۵	۷۸/۶	۸۰/۳	۹۸/۶	۵۸/۹	۵۷/۴	۸۰/۱	۸۳/۷

## اندازه ها

عرض بین	عرض سر	حداقل قطر	عرض دوگانه	عرض فکین	طول صورت	طول قدامی	طول بینی	عرض بینی
طول بین بر اساس بینایی و پس سر	عرض سر	قطر بینایی	عرض دوگانه	فکین	طول صورت	طول قدامی	طول بینی	عرض بینی
قد نشسته	قد	سن	شماره					
۸۱۷	۶۴/۰	۵۳	۳۴۸۸	۶	۱۲۳	۷۶	۵۸	۳۳
۸۱۴	۶۴/۵	۴۵	۳۴۸۹	۸	۱۲۸	۷۱	۵۲	۳۶
۷۹۸	۶۰/۱	۳۶	۳۴۹۰	۷	۱۲۲	۷۱	۵۳	۳۰
۷۹۰	۶۴/۰	۵۵	۳۴۹۱	۶	۱۳۲	۷۶	۵۷	۳۲
۸۳۰	۶۹/۰	۴۵	۳۴۹۲	۵	۱۳۴	۸۳	۵۳	۳۲
۷۷۳	۱۵۰/۳	۸۰	۳۴۹۳	۰	۱۲۵	۷۳	۵۵	۳۸
۸۴۴	۶۴/۱	۶۵	۳۴۹۴	۶	۱۴۲	۷۹	۶۰	۳۲
۷۷۷	۶۱/۲	۴۹	۳۴۹۵	۵	۱۳۳	۶۴	۵۵	۴۳
۸۱۷	۶۷/۵	۵۰	۳۴۹۶	۸	۱۲۷	۷۷	۵۳	۳۴
۸۲۲	۶۴/۸	۳۲	۳۴۹۷	۵	۱۲۷	۷۳	۵۶	۳۲
۷۶۵	۶۳/۵	۷۲	۳۴۹۸	۸	۱۲۹	۷۳	۶۱	۴۴
۷۶۲	۵۹/۷	۵۰	۳۴۹۹	۲	۱۱۹	۷۸	۵۴	۰۰
۸۴۲	۷۵/۲	۳۵	۳۵۰۰	۱	۱۲۴	۶۷	۵۹	۳۷

## شاخص ها

گوشه و پیشانی	فکین	گوش	بینی	عابای صورت	صورت	پیشانی و آهیانه	تناسب سر	قد نسبت به نسبی	عرض گوش	طول گوش	
۸۴/۱	۷۶/۸	۴۶/۲	۵۶/۱	۵۵/۱	۸۹/۱	۷۸/۴	۸۰/۹	۴۹/۷	۳۰	۶۵	۳۴۸۸
۸۱/۸	۸۱/۸	۴۸/۳	۶۹/۱	۵۳/۸	۹۷/۰	۷۳/۵	۷۹/۵	۴۹/۴	۲۸	۵۸	۳۴۸۹
۸۵/۳	۷۸/۷	۶۶/۰	۵۶/۶	۵۲/۲	۸۹/۷	۸۰/۶	۷۸/۳	۴۹/۸	۳۳	۵۰	۳۴۹۰
۸۷/۱	۸۰/۳	۵۶/۷	۵۶/۱	۵۷/۶	۱۰۰/۰	۷۹/۹	۷۸/۷	۴۸/۲	۳۴	۶۰	۳۴۹۱
۷۸/۸	۷۶/۶	۶۳/۳	۶۰/۴	۶۰/۶	۹۷/۸	۷۷/۷	۷۲/۰	۴۹/۱	۳۸	۶۰	۳۴۹۲
۸۰/۸	۷۶/۹	۵۵/۷	۴۹/۱	۵۶/۲	۹۶/۲	۷۱/۴	۸۰/۳	۵۱/۴	۳۹	۷۰	۳۴۹۳
۷۸/۲	۸۱/۷	۵۶/۷	۵۳/۳	۵۵/۶	۸۱/۷	۷۵/۰	۸۲/۲	۵۱/۴	۳۴	۶۰	۳۴۹۴
۸۱/۲	۸۶/۵	۶۶/۷	۷۸/۲	۴۸/۱	۸۱/۹	۷۵/۵	۷۴/۱	۴۸/۲	۴۰	۶۰	۳۴۹۵
۸۲/۵	۷۵/۵	۵۹/۶	۶۳/۲	۵۳/۸	۸۸/۸	۷۶/۱	۸۰/۷	۴۸/۸	۳۱	۵۲	۳۴۹۶
۸۵/۲	۷۷/۸	۵۲/۵	۵۷/۱	۵۵/۱	۹۴/۱	۷۹/۳	۷۸/۸	۴۹/۹	۳۷	۶۱	۳۴۹۷
۸۲/۷	۷۷/۷	۶۰/۶		۵۲/۱	۹۲/۸	۷۸/۵	۸۲/۵	۴۶/۸	۴۰	۶۶	۳۴۹۸
۸۱/۶	۷۵/۰	۶۰/۷		۵۷/۱	۸۷/۵	۷۸/۷	۷۶/۲	۴۷/۷	۳۷	۶۱	۳۴۹۹
۸۱/۱	۸۶/۴	۶۹/۵	۶	۷۴/۱		۷۷/۲	۷۷/۶	۴۸/۱	۴۱	۵۹	۳۵



# اندازه ها

عرض	طول	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دو گوشه	مداخل قعر پیشانی	عرض سر	طول این برآمدگی پیشانی و پس سر	قد	شما		
۳۹	۵۴	۷۳	۱۲۴	۱۱۳	۱۳۲	۱۱۵	۱۴۶	۱۸۴	۸۰۳	۱۶۱	۶۰	۳۵۰۱
۳۱	۵۲	۷۱	۱۲۰	۱۰۷	۱۲۹	۱۱۰	۱۴۶	۱۷۷	۷۹۰	۱۵۲/۷	۴۲	۳۵۰۲
۴۱	۵۹	۸۲	۱۴۱	۱۱۳	۱۳۹	۱۱۵	۱۴۹	۲۰۴	۸۳۲	۱۶۶/۴	۶۵	۳۵۰۳
۳۱	۴۷	۶۳	۱۲۱	۱۰۷	۳۸	۱۰۹	۱۴۱	۱۸۷	۸۲۶	۱۶۵/۰	۳۳	۳۵۰۴
۳۳	۴۵	۶۲	۱۱۰	۱۰۷	۳۰	۱۰۶	۱۴۳	۱۸۵	۸۳۱	۱۶۴/۱	۲۶	۳۵۰۵
۳۶	۴۵	۶۵	۱۱۳	۱۰۲	۳۱	۱۱۳	۱۳۵	۱۸۲	۷۷۶	۱۵۷/۶	۳۸	۳۵۰۶
۳۷	۴۸	۷۰	۱۲۲	۱۰۵	۳۱	۱۰۹	۱۴۲	۱۸۸	۷۴۰	۱۵۲/۲	۴۰	۳۵۰۷
۳۱	۵۵	۷۶	۱۲۱	۱۱۱	۳۵	۱۱۰	۱۴۲	۱۹۰	۷۹۲	۱۶۱/۸	۳۳	۳۵۰۸
۳۲	۵۰	۷۰	۱۲۲	۱۰۴	۴۰	۱۱۰	۱۴۱	۱۷۹	۸۰۸	۱۶۷/۹	۳۶	۳۵۰۹
۳۲	۵۵	۷۵	۱۲۴	۱۰۲	۲۵	۱۰۸	۱۳۸	۱۸۱	۷۴۰	۱۵۴/۲	۳۴	۳۵۱۰
۳۲	۵۴	۷۴	۱۲۲	۱۰۴	۲۷	۱۱۰	۱۴۸	۱۸۴	۷۹۷	۵۹/۷	۴۰	۳۵۱۱
۳۰	۴۶	۶۹	۱۲۰	۹۴	۲۶	۱۰۷	۱۳۶	۱۸۲	۸۲۴	۶۱/۴	۳۴	۳۵۱۲
۳۸	۵۵	۷۲	۱۲۷	۱۰۸	۳۱	۱۰۷	۱۴۴	۱۹۷	۸۰۴	۶۷/	۲۲	۳۵۱۳

## شاخص‌ها

طول گوش	عرض گوش	قد نسبی	تناسب سر	پیشانی و آهیا نه	صورت	علیای صورت	بینی	گوشه و فکین	گوشه و پیشانی
۳۵	۶۰	۴۹/۹	۷۹/	۷۸/۸	۹۳/۹	۵۵/۳	۷۲/۲	۴۸۳	۸۵/۶
۳۵	۶۳	۵۱/۷	۸۲/	۷۵/۳	۹۳/۰	۵۵/۰	۵۹/۶	۴۶/۰	۸۳/۰
۳۵	۶۱	۵۰/۰	۷۳/	۷۷/۲	۰/۱	۵۹/۰	۷۸/۰	۵۹/۰	۸۱/۳
۳۵	۶۱	۵۰/۰	۷۵/:	۷۷/۳	۸۷/۷	۴۵/۷	۶۵/۹	۶۵/۶	۷۷/۵
۳۵	۶۰	۵۰/۶	۷۷/۱	۷۴/۱	۸۴/۶	۴۷/۷	۸۳/۳	۵۵/۰	۸۲/۳
۳۵	۵۶	۴۹/۲	۷۴/	۸۳/۷	۸۶/۳	۴۹/۶	۸۰/۰	۶۸/۰	۷۷/۹
۳۵	۴۸	۴۸/۶	۷۵/:	۷۶/۸	۹۳/۱	۵۳/۴	۷۷/۱	۷۲/۹	۸۰/۲
۳۵	۵۸	۴۸/۹	۷۴/	۷۷/۵	۸۹/۶	۵۶/۳	۵۶/۴	۵۸/۶	۸۲/۲
۳۵	۵۷	۴۸/۰	۷۸/:	۷۸/۰	۹۳/	۵۲/۱	۶۴/۰	۶۳/۲	۸۰/۰
۳۵	۵۶	۴۸/۰	۷۶/۶	۷۸/۳	۹۹/	۶۰/۰	۵۸/۲	۶۲/۵	۸۱/۶
۳۵	۵۴	۴۹/۹	۸۰/:	۷۴/۳	۹۶/	۵۸/۳	۵۹/۳	۵۹/۳	۸۱/۹
۳۵	۵۴	۵۱/	۷۴/	۷۸/۷	۹۵/	۵۴/۸	۶۵/۲	۶۳/۰	۷۴/۶
۳۵	۵۶	۴۸/	۷۳/۱	۷۴/۳	۹۷/	۵۵/۰	۶۹/۱	۶۰/۷	۸۲/۴

## اندازه‌ها

عرض پیشی	طول پیشی	سرسن قسمت علیای صورت	طول سورت	عرض فکین	عرض دوجوئه	حد اقل قطر پیشانی	عرض پیشانی و برآیند سر	قد نشسته	قد	سن	شماره	
۳۱	۵۵	۶۷	۱۲۱	۹۹	۱۳۰	۱۱۵	۱۴۷	۱۸۰	۸۸۲	۱۷۳/۱	۲۱	۳۵۱۴
۴۳	۵۸	۷۱	۱۱۹	۱۱۱	۱۳۴	۱۱۲	۱۵۹	۱۸۹	۷۹۲	۱۶۰/۴	۷۳	۳۵۱۵
۲۹	۵۸	۷۶	۱۲۰	۱۰۲	۱۳۰	۱۰۵	۱۴۵	۱۸۷	۸۴۷	۱۷۳/۰	۲۳	۳۵۱۶*
۳۶	۶۷	۸۲	۱۳۰	۱۰۴	۱۳۷	۱۱۳	۱۴۳	۱۸۳	۷۷۰	۱۶۲/۷	۴۶	۳۵۱۷
۳۱	۵۲	۷۰	۱۲۲	۹۹	۱۳۲	۱۱۳	۱۴۴	۱۸۸	۷۷۳	۱۵۹/۲	۲۷	۳۵۱۸
۳۶	۵۵	۷۳	۱۲۸	۱۰۰	۱۲۹	۱۰۵	۱۴۲	۱۸۲	۸۱۰	۱۶۵/۰	۴۰	۳۵۱۹
۳۲	۵۴	۷۵	۱۲۶	۱۰۶	۱۲۹	۱۱۰	۱۳۷	۱۹۶	۸۴۷	۱۷۲/۲	۳۰	۳۵۲۰
۳۷	۵۲	۷۲	۱۱۸	۱۰۸	۱۲۸	۱۷۲	۴۰	۸۲	۷۷۲	۱۷۰/۳	۴۵	۳۵۲۱
۳۲	۴۵	۶۵	۱۱۵	۱۰۲	۱۳۰	۱۰۸	۱۴۷	۱۸۰	۸۰۳	۶۳/۰	۳۰	۳۵۲۲
۳۳	۴۴	۷۰	۱۲۵	۱۱۳	۱۳۵	۱۱۶	۴۷	۹۲	۸۱۲	۶۳/۳	۲۸	۳۵۲۳
۳۳	۵۷	۷۰	۱۱۶	۱۰۹	۱۳۴		۴۷	۸۶	۸۰۳	...	۲۶	۳۵۲۴
۳۴	۵۵	۷۳	۱۲۰	۳	۱۲۹		۴۵	۹۸	۸۵۰	۷۲/۲	۴۵	۳۵۲۵
۳۶	۴۸	۶۷	۱۰۸	۹۹	۱۲۵		۴۵	۸۶	۸۰۰	۵۷/۰	۲۲	۳۵۲۶
۳۳	۵۸	۷۶		۴	۱۳۱		۳۶	۸۸	۷۶۴	۶۷/۳	۲۰	۳۵۲۷

## شاخص‌ها

قسمت	علائی صورت	پیشانی و آه پاه	رت.	نسبت سر	قد نشسته نسبی	عرض گوش	طول گوش				
گوشه و پیشانی	گوشه و فکین	گوش	بینی								
۸۸/۵	۷۶/۲	۶۴/۹	۵۶/	۵۱/۵	۹۳،	۷۸/۲	۸۱/۷	۵۱/۰	۳۷	۵۷	۳۵۱۴
۸۳/۶	۸۳/۸	۶۸/۳	۷۴/	۵۳/۰	۸۸/۸	۷۰/۴	۸۴/۱	۴۹/۴	۴۱	۶۰	۳۵۱۵*
۸۰/۸	۷۸/۵	۶۸/۴	۵۰/	۵۸/۸	۹۲/۳	۷۲/۴	۷۷/۵	۴۹/۰	۳۹	۵۷	۳۵۱۶
۸۲/۵	۷۵/۹	۶۵/۰	۵۳/	۵۹/۹	۹۴/۹	۷۹/۰	۷۸/۱	۴۷/۳	۳۹	۶۰	۳۵۱۷
۸۵/۶	۷۵/۰	۵۰/۰	۵۸/۱	۵۳/۰	۹۲/۴	۷۸/۵	۷۶/۶	۴۸/۵	۳۰	۶۰	۳۵۱۸
۸۱/	۷۷/۵	۷۲/۴	۶۵/۱	۵۶/۶	۹۹/۲	۷۳/۹	۷۸/۰	۴۹/۱	۴۲	۵۸	۳۵۱۹
۸۵/	۸۲/۲	۷۱/۴	۵۹/	۵۸/۱	۹۷/۷	۸۰/۳	۶۹/۹	۴۹/۲	۴۰	۵۶	۳۵۲۰
۸۷/	۸۴/۴	۵۶/۱	۷۱/	۵۶/۳	۹۲/۲	۸۰/۰	۷۶/۹	۴۵/۳	۳۷	۶۶	۳۵۲۱
۸۳/	۷۸/۵	۶۱/۷	۷۱/	۵۰/۰	۸۸/۵	۷۶/۶	۷۸/۳	۴۹/۳	۳۷	۶۰	۳۵۲۲
۸۵/	۸۳/۷	۵۶/۹	۷۵/	۵۱/۹	۹۲/۶	۷۸/۹	۷۶/۶	۴۹/۷	۳۷	۶۵	۳۵۲۳
۸۳/	۸۱/۳	۶۵/۵	۵۷/	۵۲/۲	۸۲/۶	۷۶/۲	۷۹/۰	.....	۳۶	۵۵	۳۵۲۴
۸۶/	۷۹/۸	۵۶/۵	۶۱/	۵۶/۶	۹۳/۰	۸۲/۲	۶۸/۲	۴۹/۴	۳۵	۶۲	۳۵۲۵
۹۲	۷۹/۲	۵۸/۵	۷۵/	۵۳/۶	۸۶/۴	۷۹/۳	۷۸/۰	۵۱/۰	۳۱	۵۳	۳۵۲۶
۸۴	۷۹/۴	۵۶/۳	۵۶/	۵۸/۰	۲/۳	۸۱/۶	۷۲/۳	۴۵/۷	۴۰		۳۵۲۷



شماره	طول	عرض	قد نسبی	پیشانی و آهانه	صورت	علیای صورت	گوش	گوشه	پیشانی	گوشه و پیشانی
۲۵۲۸	۶۰	۳۸	۰/۲	۷۵/۸	۹۳/۴	۹۲/۳	۵۸,	۶۳/۳	۸۹,	۸۳/
۲۵۲۹:	۵۹	۳۵	۶۶/۷	۹۱/۴	۸۰/۵	۷۵/۱	۷۵/۱	۵۹/۳	۷۸,	۸۹/
۲۵۳۰	۵۵	۴۲	۴۹/۴	۷۸/۳	۷۵/۰	۰۰۰	۴۹,	۸۰/۸	۸۱/	۸۰/
۲۵۳۱	۴۸	۳۴	۵۰/۸	۸۱/۲	۸۷/۹	۵۰/	۵۹,	۷۰/۸	۸۰/	۸۳/
۲۵۳۲	۵۴	۳۷	۴۷/۸	۸۴/۶	۷۶/۰	۸۵/۸	۵۱/	۶۲/	۷۹,	۸۳/
۲۵۳۳	۶۳	۳۷	۴۹/۷	۷۳/۶	۷۶/۱	۹۱/۵	۵۶/	۵۸/۷	۸۳/	۸۳/
۲۵۳۴	۵۵	۳۲	۴۹/۳	۷۹/۵	۷۴/۸	۹۱/۲	۵۱/	۵۸/۲	۸۵/	۸۰/
۲۵۳۵	۶۱	۴۲	۴۹/۵	۷۶/۰	۷۳/۳	۸۶/۵	۵۶/	۶۸/۹	۷۵/	۸۰/
۲۵۳۶	۵۶	۳۸	۴۸/۵	۷۶/۱	۷۴/۸	۹۲/۱	۵۳/	۶۷/۹	۸۱/	۸۴/
۲۵۳۷	۵۰	۳۳	۴۸/۳	۷۵/۱	۷۷/۲	۹۰/۸	۵۴/	۶۶/۰	۷۶/	۸۰/
۲۵۳۸	۶۳	۳۸	۴۸/۶	۷۵/۴	۷۶/۶	۹۶/۰	۵۵/	۶۰/۳	۸۳/	۸۵/
۲۵۳۹	۵۴	۳۵	۴۹/۵	۷۸/۹	۷۶/۰	۹۱/۷	۴۸/	۶۴/۸	۷۹/	۸۳/
۲۵۴۰	۶۱	۳۴	۴۸/۴		۸۱/۱	۸۵/۸	۵۳/	۵۵/۷	۸۵/	۸۵/

# فندازه ه

عرض پایه	طول پایه	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دوجوا	حداقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نشسته	قد	شماره	
۳۱	۵۴	۶۸	۱۱۹	۱۱۱	۱۴۱	۱۰۸	۱۴۸	۱۸۸	۷۳۵	۱۵۴/۸	۴	۳۵۴۱
۳۱	۵۰	۶۸	۱۱۸	۱۱۰	۱۴۱	۱۱۵	۱۵۱	۱۸۶	۸۰۰	۱۶۳/۰	۵	۳۵۴۲
۳۵	۵۷	۷۳	۱۲۴	۱۱۳	۱۴۱	۱۲۰	۱۵۱	۱۹۸	۸۴۶	۱۷۱/۶	۲۳	۳۵۴۳
۳۲	۵۵	۷۷	۱۳۲	۱۰۴	۱۲۸	۱۰۸	۱۴۳	۱۹۳	۸۱۰	۱۶۸/۸	۲	۳۵۴۴
۳۵	۵۶	۷۸	۱۲۳	۱۱۰	۱۴۰	۱۱۲	۱۴۸	۱۸۰	۹۲۲	۱۸۳/۲	۳	۳۵۴۵
۳۳	۵۳	۶۶	۱۱۸	۱۱۸	۱۳۰	۱۱۵	۱۴۳	۱۸۸	۷۸۷	۱۵۸/۰	۲	۳۵۴۶
۳۲	۵۳	۷۷	۱۲۳	۱۰۶	۱۲۴	۱۱۴	۱۳۶	۱۸۴	۸۱۰	۱۶۶/۸	۳	۳۵۴۷
۳۱	۶۴	۷۸	۱۲۶	۱۰۸	۱۳۲	۱۱۶	۱۴۴	۱۷۹	۸۲۲	۱۷۱/۲	۳۴	۳۵۴۸
۳۲	۴۸	۶۵	۱۱۴	۱۰۲	۱۲۸	۱۱۱	۱۴۷	۱۷۴	۷۸۱	۰۵۳/	۱۸	۳۵۴۹
۳۸	۶۱	۷۶	۱۲۹	۱۰۷	۱۳۳	۱۱۰	۱۳۸	۱۸۸	۷۵۰	۶۴/	۸۰	۳۵۵۰*
۴۱	۵۷	۷۱	۱۱۷	۴	۱۳۱	۱۰۸	۱۴۶	۱۸۸	۷۸۵	۶۹/	۲۶	۳۵۵۱
۳۸	۵۷	۸۰	۱۴۱	۲	۳۱	۱۱۲	۱۳۶	۱۹۴	۸۵۸	۷۳/۵	۳۰	۳۵۵۲
۳۳	۵۷	۷۳	۱۲۳	۶	۳۵	۱۱۶	۱۴۵	۱۹۵	۸۲۳	۶۷/۳	۲۰	۳۵۵۳

## شاخص ها

محو له و پیشانی	محو هو فکین	گوش	بینی	قسمت		پیشانی و آنها له	تناسب سر	قد نشسته نسبی	عرض گوش	طول گوش	شماره
				علیای صورت	صورت						
۷۶/۶	۷۸/۷	۵۰/۸	۵۷/۰	۴۸/۰	۸۴/۴	۷۳/۰	۷۸/۷	۱/۵	۳۱	۶۱	۳۵۴۱
۸۱/۶	۷۸/۰	۶۲/۵	۶۲/۰	۴۸/۲	۸۳/۷	۷۶/۲	۸۱/۲	۴۹/۱	۳۵	۵۶	۳۵۴۲
۸۵/۱	۸۰/۱	۵۵/۲	۶۱/۴	۵۱/۸	۸۷/۹	۷۹/۵	۷۶/۰	۴۹/۳	۳۲	۵۸	۳۵۴۳
۸۳/۳	۸۰/۵	۶۳/۳	۵۸/۲	۶۰/۲	۱۰۳/۱	۷۵/۵	۷۴/۰	۴۸/۰	۳۸	۶۰	۳۵۴۴
۸۰/۰	۷۸/۶	۶۵/۶	۶۲/۵	۵۵/۷	۸۷/۹	۷۵/۷	۸۲/۰	۵۰/۳	۴۰	۶۱	۳۵۴۵
۸۸/۵	۹۰/۸	۶۱/۱	۶۲/۳	۷۰/۸	۹۰/۸	۸۰/۴	۷۶/۰	۴۹/۸	۳۳	۵۴	۳۵۴۶
۹۱/۹	۸۵/۵	۵۰/۹	۶۰/۴	۶۲/۱	۹۹/۲	۸۳/۸	۷۳/۰	۴۸/۶	۲۸	۵۵	۳۵۴۷
۸۷/۹	۸۱/۸	۶۴/۴	۴۸/۴	۵۹/۱	۹۵/۵	۸۰/۶	۸۰/۰	۴۸/۰	۳۸	۵۹	۳۵۴۸
۸۶/۷	۷۹/۷	۶/۴۰	۶/۶۷	۵۰/۸	۸۹/۱	۷۵/۵	۸۴/۰	۵۱/۰	۳۲	۵۰	۳۵۴۹
۸۲/۷	۸۰/۵	۶۷/۲	۶۲/۳	۵۷/۱	۹۷/۰	۷۹/۷	۷۳/۰	۴۵/۷	۴۱	۶۱	۳۵۵۰*
۸۲/۴	۷۹/۴	۰۰۰۰	۷۱/۹	۵۴/۲	۸۹/۳	۷۴/۰	۷۷/۰	۴۷/۶	۳۶	۰۰	۳۵۵۱
۸۶/۳	۸۵/۵	۵۹/۳	۶۶/۷	۶۱/۱	۱۰۷/۶	۸۳/۱	۷۰/۰	۴۹/۵	۳۵	۵۹	۳۵۵۲
۸۵/۹	۷۸/۵	۶۵/۲	۵۷/۹	۵۴/۰			۷۴/۰	۴۹/۲	۴۳	۶۶	۳۵۵۳



## اندازه‌ها

عرض پیشی	طول پیشی	طول قسمت		عرض فکین	عرض دورقوئه	حداقل		طول بین نژادمدنی و پیش سر	تند نسته	قد	سن	شماره
		عمای	طول صورت			قطر پیشانی	عرض سر					
۳۷	۶۴	۸۲	۱۳۴	۱۰۰	۱۳۴	۱۱۲	۱۴۶	۱۸۶	۷۳۸	۱۵۴/۸	۹۰	۳۵۵۴*
۳۵	۵۳	۷۴	۱۳۳	۱۰۶	۱۳۲	۱۱۲	۱۴۶	۱۸۶	۷۸۲	۱۶۳/۷	۵۰	۳۵۵۵
۳۴	۵۲	۷۰	۱۱۷	۱۱۳	۱۳۰	۱۱۲	۱۳۸	۱۹۷	۸۶۲	۱۷۱/۸	۰۰	۳۵۵۶
۳۷	۶۰	۷۴	۱۲۲	۱۱۶	۱۴۳	۱۲۱	۱۵۱	۱۸۴	۸۰۷	۱۶۳/۸	۳۰	۳۵۵۷
۳۶	۴۹	۷۴	۱۲۷	۱۱۲	۱۳۲	۱۱۳	۱۳۷	۱۸۸	۷۹۴	۱۶۱/۳	۲۸	۳۵۵۸
۳۳	۵۰	۶۷	۱۱۴	۱۰۷	۱۲۸	۱۱۹	۱۳۷	۱۸۰	۷۸۸	۱۵۸/۸	۱۸	۳۵۵۹
۳۳	۶۰	۸۱	۱۳۱	۱۱۳	۱۳۵	۱۱۵	۱۴۲	۱۸۴	۷۸۳	۱۶۳/۳	۷۵	۳۵۶۰*
۳۰	۵۸	۷۷	۱۲۶	۱۰۹	۱۳۵	۱۱۲	۱۴۸	۱۷۸	۸۳۳	۱۶۶/۸	۱۸	۳۵۶۱
۳۸	۵۶	۷۸	۱۲۷	۱۱۲	۱۳۸	۱۱۷	۱۴۴	۱۸۶	۷۷۷	۱۶۰/۴	۴۵	۳۵۶۲
۳۲	۴۹	۷۰	۱۹	۱۰۴	۱۳۰	۱۱۱	۱۴۷	۱۸۴	۸۰۷	۱۶۲/۳	۲۰	۳۵۶۳
۳۲	۵۸	۷۷	۳۷	۱۰۹	۱۳۷	۱۱۶	۱۴۲	۱۷۹	۷۷۲	۵۹/۳	۳۴	۳۵۶۴
۲۹	۵۰	۶۸	۴۴	۱۰۴	۱۰۴	۱۳۲	۱۱۳	۱۸۴	۸۱۸	۶۷/۲	۲۵	۳۵۶۵
۳۰	۴۳	۶۴	۱۴	۱۰۸	۱۳۵	۱۱۷	۱۴۶	۸۴	۷۹۷	۶۵/۷	۲۸	۳۵۶۶

## شاخص‌ها

گروه و پیشانی	گروه و فکین	گوش	بینی	علایی صورت	صورت	پیشانی و نهیه	قد نسبتا نسبی	عرض گوش	طول گوش	شماره
۸۳/۶	۷۴/۶	۵۶/۳	۵۷/۸	۶۱/۲	۱۰۰/۰	۷۶/۱	۴۷/۷	۴۰	۷۱	۳۵۵۴*
۸۴/۹	۸۰/۳	۶۷/۳	۶۶/۰	۵۶/۱	۱۰۰/۱	۷۶/۱	۴۷/۸	۳۷	۵۵	۳۵۵۵
۸۶/۲	۸۶/۹	۵۵/۴	۵۳/۴	۵۳/۹	۹۰/۰	۸۱/۱	۵۰/۲	۳۱	۵۶	۳۵۵۶
۸۴/۶	۸۱/۰	۵۵/۱	۶۱/۷	۵۱/۷	۸۵/۱	۸۰/۱	۴۹/۳	۳۸	۶۹	۳۵۵۷
۸۵/۶	۸۴/۰	۷۶/۱	۷۳/۵	۵۶/۱	۹۶/۱	۸۲/۴	۴۹/۲	۳۵	۴۶	۳۵۵۸
۹۳/۰	۸۳/۰	۶۳/۵	۶۶/۰	۵۲/۳	۸۹/۱	۸۶/۵	۴۹/۶	۳۳	۵۲	۳۵۵۹
۸۵/۲	۸۳/۰	۷۰/۰	۵۵/۰	۶۰/۰	۹۷/۰	۸۱/۰	۴۷/۹	۴۲	۶۰	۳۵۶۰*
۸۳/۰	۸۰/۰	۵۰/۸	۵۱/۷	۵۷/۰	۹۳/۱	۷۵/۱	۴۹/۴	۳۲	۶۳	۳۵۶۱
۸۴/۸	۸۱/۰	۶۱/۸	۶۷/۹	۵۶/۵	۹۲/۰	۸۱/۰	۴۸/۳	۴۲	۶۸	۳۵۶۲
۸۵/۴	۸۰/۰	۶۸/۵	۶۵/۳	۵۳/۹	۹۱/۰	۷۵/۴	۴۹/۷	۳۷	۵۴	۳۵۶۳
۸۴/۷	۷۹/۰	۶۴/۲	۵۵/۲	۵۶/۲	۱۰۰/۰		۴۸/۵	۳۴	۵۳	۳۵۶۴
۸۵/۶	۷۸/۰	۶۳/۳	۵۸/۰	۵۱/۵	۹۳/۱		۴۸/۹	۳۸	۶۰	۳۵۶۵
۸۶/۷		۶۳/۶	۷۲/۱	۴۷/۴	۸۴/۰		۴۸/۱	۳۵	۵۵	۳۵۶۶

## اندازه ها

عرض بینی	طول بینی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دوگوشه	حد اقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نشسته	قد	سن	شماره
۴۷	۴۲	۶۴	۱۱۵	۱۰۸	۱۲۷	۱۰۴	۱۳۷	۱۷۹	۸۲۲	۱۶۵/۰	۱۵	۳۵۶۷
۳۰	۴۵	۶۹	۱۲۶	۱۰۴	۱۳۲	۱۰۳	۱۳۹	۱۸۳	۸۱۳	۱۵۷/۴	۳۵	۳۵۶۸
۳۶	۵۴	۷۳	۱۲۱	۱۱۲	۱۳۳	۱۱۴	۱۵۱	۱۸۷	۹۰۵	۱۸۱/۰	۱۸	۳۵۶۹
۳۸	۵۴	۷۳	۱۳۲	۱۰۶	۱۳۰	۱۱۱	۱۴۵	۱۸۶	۸۵۳	۱۶۹/۰	۲۴	۳۵۷۰
۳۱	۶۱	۸۰	۱۲۴	۱۱۶	۱۴۵	۱۱۶	۱۶۰	۱۷۸	۷۸۲	۱۶۰/۸	۶۰	۳۵۷۱
۳۴	۴۶	۶۳	۱۱۸	۱۱۶	۱۴۰	۱۱۸	۱۴۹	۱۹۵	۸۰۶	۱۶۱/۰	۲۷	۳۵۷۲

## شاخص‌ها

شماره	طول گوش	عرض گوش	قد نشسته نسبی	اناسب سر	پیشانی آهیه	صورت	قسمت علیای صورت	بینی	گوش	گوش فکین	گونه و پیشانی
۲۵۶۷	۵۶	۴۰	۴۹,۱	۷۶/	۷۵,۹	۹۰,۶	۵۰/۴	۸۹/۴	۷۱/۴	۸۵/۰	۸۱/۹
۳۵۶۸	۵۸	۳۴	۵۱,۱	۷۶/	۷۴,۱	۹۵	۵۲/۳	۶۶/۷	۵۸/۶	۷۸/۸	۷۸/۰
۳۵۶۹	۶۵	۳۸	۵۰,۱	۸۰/	۷۵,۵	۹۱,	۵۴/۹	۶۶/۷	۵۸/۵	۸۴/۲	۸۵/۷
۳۵۷۰	۶۲	۳۸	۵۰,۱	۷۸/	۷۶,۶	۱۰۱	۵۶/۲	۷۰/۴	۶۱/۳	۸۱/۵	۸۵/۴
۳۵۷۱	۵۵	۴۳	۴۸,۱	۸۹/	۷۲,۵	۸۵	۵۵/۲	۵۰/۸	۷۸/۲	۸۰/۰	۸۰/۰
۳۵۷۲	۵۲	۲		۷۶/	۷۹	۸۴	۴۵/۰	۷۳/۹	۶۱/۵	۸۰/۰	۸۴/۳

## خصوصیات شکل شناسی پیرودیز برای اصفهانیان

بینی

چشم

دو

شماره	شکل	بافت	رنگ	رنگ	سفیده	سیاهی	پره	
							لیوحت	منوسط
۳۴۷۴	مجمد درشت	متوسط	قهوه‌ای‌خاکستری	سبز قهوه ای	لک دار	خط دار	محدب	منوسط
۳۴۷۵	و	خشن	قهوه سیر	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	و	و
۳۴۷۶	و	منوسط	خاکستری	قهوه‌خاکستری	و	حلقه دار	و	و
۳۴۷۷	و	و	و	قهوه سیر	و	یکنواخت	صاف	منوسط
۳۴۷۸	مجمد درشت	نرم	خاکستری	و	و	و	محدب	فشرده متوسط
۳۴۷۹	و	متوسط	قرمزخاکستری	و	و	و	و	باز متوسط
۳۴۸۰	و	نرم	سیاه خاکستری	و	و	و	صاف	و
۳۴۸۱	و	و	قهوه سیر	آبی - قهوه	لک دار	حلقه دار	و	منوسط
۳۴۸۲	و	و	و	و	و	و	و	باز متوسط
۳۴۸۳	مجمد درشت	متوسط	قهوه-خاکستری	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	محدب	فشرده
۳۴۸۴	و	نرم	خاکستری-قهوه	و	و	و	صاف	باز

شماره	شکل	بافت	رنگ	رنگ	سپیده	سیاهی	نیبرخ	بیره
۳۴۸۵	مجمد درشت	متوسط	قهوه-خاکستری	قهوه‌سبز	صاف	یکگواخت	مقعر	باز متوسط
۳۴۸۶	.....	.....	.....	.....	.....	.....	محدب	،
۳۴۸۷	مجمد ریز	متوسط	میاه-خاکستری	قهوه سبز	صاف	یکگواخت	محدب	باز متوسط
۳۴۸۸	مجمد درشت	نرم متوسط	خاکستری-سیاه	،	،	،	،	فشرده متوسط
۳۴۸۹	مجمد درشت	متوسط	سیاه	قهوه‌سبز	صاف	یکگواخت	محدب	متوسط
۳۴۹۰	،	،	،	،	،	،	صاف	،
۳۴۹۱	،	خشن	،	،	،	،	محدب	باز
۳۴۹۲	،	متوسط	،	سبز قهوه	لک‌دار	خط‌دار	صاف	متوسط
۳۴۹۳	.....	.....	.....	آبی قهوه	،	.....	.....	باز
۳۴۹۴	.....	.....	.....	خاکستری قهوه	صاف	خط‌دار	صاف	متوسط
۳۴۹۵	مجمد درشت	.....	قهوه-خاکستری	آبی سبز	لک‌دار	،	محدب	باز
۳۴۹۶	،	متوسط	سیاه-خاکستری	قهوه سبز	صاف	یکگواخت	،	فشرده متوسط

شماره	مو			چشم			بافت		رنگ	رنگ	رنگ	شکل	شماره
	نرم	متوسط	سبک	سبک	متوسط	سبک	نرم	متوسط					
۳۴۹۷	مجدد درشت	نرم	قهوه سبز	صاف	یکدخت	سیاهی	نرم	متوسط	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	مجدد درشت	۳۴۹۷
۳۴۹۸	.....	.....	آبی قهوه	.....	.....	.....	نرم	متوسط	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	مجدد درشت	۳۴۹۸
۳۴۹۹	مجدد درشت	نرم	خاکستری سیاه	لک دار	خط دار	صاف	نرم	متوسط	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	مجدد درشت	۳۴۹۹
۳۵۰۰	.....	نرم متوسط	قهوه سبز	.....	حلقه دار	محدب	نرم	متوسط	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	.....	۳۵۰۰
۳۵۰۱	مجدد ریز	متوسط	د	صاف	یکدخت	د	نرم	متوسط	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	مجدد ریز	۳۵۰۱
۳۵۰۲	مجدد درشت	د	سیاه	د	یکدخت	د	نرم	متوسط	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	مجدد درشت	۳۵۰۲
۳۵۰۳	.....	د	خاکستری	د	د	صاف	نرم	متوسط	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	.....	۳۵۰۳
۳۵۰۴	.....	د	سیاه	د	د	محدب	نرم	متوسط	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	.....	۳۵۰۴
۳۵۰۵	.....	د	د	د	د	د	نرم	متوسط	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	.....	۳۵۰۵
۳۵۰۶	.....	د	قهوه خاکستری	د	حلقه دار	د	نرم	متوسط	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	.....	۳۵۰۶
۳۵۰۷	.....	نرم	سیاه خاکستری	.....	.....	.....	نرم	متوسط	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	.....	۳۵۰۷
۳۵۰۸	.....	د	قهوه قرمز	صاف	یکدخت	د	نرم	متوسط	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	رنگ قهوه سبز	.....	۳۵۰۸

شماره	شکل	بافت	رنگت	رنگ	سفیده	سیاهی	لیمرخ	بزه
۳۵۰۹	مجمد درشت	متوسط	سیاه	قهوه سیر	صاف	بکدواخت	صاف	متوسط
۳۵۱۰	د	د	سیاه خاکستری	سبز قهوه ای	لک دار	حلقه دار	د	د
۳۵۱۱	د	د	سیاه	قهوه سیر	د	حلقه دار	موج دار	باز متوسط
۳۵۱۲	د	د	قهوه خاکستری	سبز قهوه ای	د	د	مقعر	متوسط
۳۵۱۳	د	د	سیاه	قهوه سیر	د	...	محدب مقعر	باز متوسط
۳۵۱۴	د	د	قهوه قرمز سیر	آبی خاکستری	د	...	محدب	متوسط
۳۵۱۵	...	...	...	قهوه خاکستری	...	خط دار	د	باز متوسط
۳۵۱۶	مجمد ریز	خشن	سیاه	قهوه سیر	صاف	بکدواخت	صاف	فشرده
۳۵۱۷	مجمد درشت	د	سیاه خاکستری	د	د	د	محدب	متوسط
۳۵۱۸	د	متوسط	سیاه	قهوه سیر	د	بکدواخت	صاف	د
۳۵۱۹	...	...	سیاه خاکستری	قهوه آبی	خونین	...	مقعر	باز متوسط
۳۵۲۰	مجمد درشت	متوسط	سیاه	قهوه سبز	لک دار	حلقه دار	صاف	متوسط



شماره	چشم		رنگ	رنگ	بافت	شکل	پیری	
	سیاهی	سبیده	رنگ	رنگ	بافت	شکل	نیمرخ	پره
۳۵۲۱	مجدد درشت	متوسط سیاه خاکستری	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	محدب	متوسط	
۳۵۲۲	د	د	قهوه سیر	د	د	مقر	د	
۳۵۲۳	مجدد ریز	خشخ	د	لثدار	...	د	د	
۳۵۲۴	د	متوسط سیاه	د	خط دار	خط دار	مقر	محدب	د
۳۵۲۵	...	...	سبز قهوه	خوفین	...	مقر	د	
۳۵۲۶	مجدد درشت	متوسط قهوه سیر	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	محدب	باز متوسط	
۳۵۲۷	د	نرم	د	د	د	صاف	د	
۳۵۲۸	مجدد درشت	نرم متوسط قهوه سیر	سبز قهوه ای	لثدار	حلقه دار	د	متوسط	
۳۵۲۹*	...	...	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	مقر	د	
۳۵۳۰	مجدد درشت	نرم	د	د	د	صاف	د	
۳۵۳۱	مجدد ریز	خشخ متوسط سیاه	د	صاف	د	مقر	د	
۳۵۳۲	...	...	د	د	د	محدب	د	

شماره	شکل	بافت	رنگ	رنگ	سپیده	سیاهی	لیبرخ	بزه
۲۵۳۳	مجدد درشت	متوسط	قهوه سیر	قهوه سیر	صاف	پکنواخت	محدب	باز متوسط
۲۵۳۴	د	خشن	د	د	د	د	محدب مقعر	متوسط
۲۵۳۵	د	متوسط	سیاه خا کستری	قهوه سیر	لک دار	حلقه دار	مقعر	باز متوسط
۲۵۳۶	د	نرم	د	قهوه سیر	صاف	پکنواخت	محدب	متوسط
۲۵۳۷	د	متوسط	قهوه سیر	د	د	د	د	فشرده
۲۵۳۸	د	د	د	د	د	د	مقعر	متوسط
۲۵۳۹	د	د	د	د	د	د	محدب	د
۲۵۴۰	د	د	سیاه	د	د	د	د	د
۲۵۴۱	د	خشن	سیاه خا کستری	د	د	د	د	د
۲۵۴۲	د	د	د	قهوه سیر	صاف	د	مقعر	د
۲۵۴۳	مجدد درشت	متوسط	قهوه سیر	د	د	د	محدب	د
۲۵۴۴	د	د	د	سبز قهوه	د	د	د	د

نمونه	تیمخت	سیاهی	چشم سفیده	رنگ	رنگ	بافت	حکال
باز متوسط	صاف	حلقه دار	لک دار	سبز قهوه‌ای	سیاه	متوسط	چمدن فری
متوسط	محدب	یک‌گنواخت	صاف	قهوه سیر	د	د	چمدن درشت
د	صاف	د	...	قهوه بی	د	د	د
فشرده	محدب	د	صاف	قهوه سیر	د	د	د
متوسط	صاف	د	د	د	د	نرم متوسط	چمدن ریز
باز متوسط	محدب	...	...	د	خاکستری سیاه	...	...
د	د	یک‌گنواخت	صاف	د	سیاه	خشن	چمدن ریز
د	صاف	د	د	د	نرم متوسط	...	چمدن درشت
متوسط	محدب	د	د	د	د	...	...
باز متوسط	د	...	...	...	...	...	...
متوسط	صاف	حلقه دار	لک دار	د	سیاه	...	چمدن درشت
باز متوسط	د	یک‌گنواخت	صاف	د	...	...	...

۳۵۴۵  
۳۵۴۶  
۳۵۴۷  
۳۵۴۸  
۳۵۴۹  
۳۵۵۰  
۳۵۵۱  
۳۵۵۲  
۳۵۵۳  
۳۵۵۴  
۳۵۵۵  
۳۵۵۶

شکل	بافت	نفت	سفیده	سیاهی	نیم رخ	باز متوسط
۳۵۵۷	مجمددرشت نرم	سیاه	لثه دار	حلقه دار	محدب	باز متوسط
۳۵۵۸	مجمد فوری خشن	د	صاف	یکنواخت	صاف	متوسط
۳۵۵۹	مجمددرشت متوسط	د	د	د	محدب	د
۳۵۶۰	د	خاکستری	لثه دار	حلقه دار	صاف	فشرده متوسط
۳۵۶۱	د نرم	سیاه	صاف	یکنواخت	د	متوسط
۳۵۶۲	۰۰۰۰	۰۰۰۰	لثه دار	حلقه دار	محدب	باز متوسط
۳۵۶۳	مجمددرشت متوسط	سیاه	صاف	یکنواخت	صاف	متوسط
۳۵۶۴	د خشن	د	د	د	د	د
۳۵۶۵	د	د	د	د	صاف	د
۳۵۶۶	د نرم	د	د	محدب	محدب	فشرده
۳۵۶۷	۰۰۰۰	۰۰۰۰	د	دبیه	صاف	متوسط
۳۵۶۸	مجمددرشت متوسط	سیاه	د	د	صاف	د

شماره	شکل	مو بافت	رنگی	رنگ	چشم سفیده	سیاهی	پیشانی پیشخ	پره
۳۵۶۹	عدد درشت	نرم	سیاه	قهوه‌سیر	صاف	یکنواخت	محدب	باز متوسط
۳۵۷۰	,	متوسط	قهوه‌سیر	سبز قهوه	لک‌دار	حلقه‌دار	مقعر	,
۳۵۷۱	.	...	...	قهوه‌سیر	,	خط‌دار	محدب	فشرده متوسط
۳۵۷۲	.	...	سیاه	,	صاف	یکنواخت	مقعر	باز

قد کوتا ز معدل حذف گردید

## اطلاعات تطبیقی درباره یهودیه‌های آسیای جنوب غربی و قفقاز

برای نشان دادن فرق خصوصیات جسمانی یهودیه‌های اصفهان و یهودیه‌های نواحی آسیای جنوب غربی و قفقاز آمار و اطلاعات تطبیقی چندی اضافه شده است. اگرچه کمی تعداد بعضی سری‌ها مانع از یافتن تطبیق آماری دقیق است مع هذا بنظر اینجانب مطالب موجود باید جدول‌بندی شود تا تمایلات جسمانی و نژادی آشکار گردد. در کتاب آینده خود که مربوط به مردم شناسی عراق است این مطالب بطور مفصل‌تر مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ارقام مربوط به یهودیه‌های فلسطین حذف شده و مورد بحث قرار نکرده است زیرا مطلب را پیچیده و مشکل می‌سازد. قبل از جنگ جهانی ۱۹۱۴ و پس‌ترگه (Weissenberg) از گروه‌های مختلف یهودیه‌های آسیای جنوب غربی اندازه‌گیری کرد و برای مقایسه مقدماتی این ارقام و اطلاعات ایوانوسکی را در اینجا مورد استفاده قرار داده‌ایم. ویسنبرگ معتقد است (۱۹۱۱) که پس از غلبه آشوری‌ها بر سلطنت شمالی در ۷۲۲ قبل از میلاد و پراکندگی بنی اسرائیل یهودیه‌ها با مردمانی که در میان آنها مجبور بودند گی بودند مخلوط شدند و اختلافاتی که در خصوصیات جسمانی یهودیه‌های آسیای جنوب غربی دیده می‌شود از این جهت است. ویسنبرگ اظهار می‌دارد (۱۹۰۹) که در سال ۱۹۰۹ تقریباً چهل هزار یهودی در یمن و سه هزار یهودی در شهر عدن سکونت داشتند. شاخص تناسب سر یک گروه پنجاه نفری مرد یهودی  $74/3$  و حد اکثر  $83/1$  بود. حد متوسط شاخص سر چهارده زن  $76/7$  بود که حد اقل  $71/3$  و حد اکثر  $87/2$  بود. در میان این دو گروه مو بور وجود نداشت. بطور کلی این یهودیه‌ها از بسیاری جهات با سایر یهودیه‌های آسیای جنوب غربی فرق دارند. در واقع هرمان برچارد معتقد است که یهودیه‌های یمن از بنی اسرائیل نیستند بلکه اعرابی هستند که بدین یهود در آمدند.

در جدول اول اندازه‌ها و شاخص‌های یهودیه‌ای که توسط ویسنبرگ مورد مطالعه قرار گرفتند داده شده است. از آنجائیکه در اینجا میانگین ارقام داده شده است در جدول‌های بعدی که اندازه‌ها و شاخص‌ها طبقه‌بندی شده این ارقام تکرار نشده است. برای نشان دادن اختلافات جزئی این سری‌ها به بیش از سه طبقه‌بندی مورد استعمال در این کتاب طبقه‌بندی شده‌اند.

در جدولهای زیر گروه ۱ و ۵ توسط فیلد و گروه ۲ و ۳ و ۴ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ توسط ویسبرگ و گروه ۱۱ و ۱۲ توسط فیلد و اسمیتون مورد بررسی قرار گرفتند. در گروه فیلد و اسمیتون میس اسمیتون (که اکنون خانم همرتامس است) ۹ نفر را در گروه ۹ و سه نفر را در گروه ۱۰ و دو نفر را در گروه ۱۱ و ۲ نفر را در گروه ۱۲ اندازه گیری کرده است.

### یهودیهای اندازه گیری شده توسط ویسبرگ

نام	طول پیشانی و پس سر	طول سر	عرض مورتها	طول کل صورت	طول پیشانی	عرض پیشانی	شاخص سر	شاخص صورت	شاخص پیشانی
آرومیه	۱۶۵/۴	۱۸۱	۱۴۹	۱۳۸	۱۲۴	۵۶	۲۳	۸۲/۳	۸۹/۹
مشهد	۱۶۱/۲	۱۷۹	۱۴۷	۱۳۴	۱۱۸	۵۴	۳۴	۸۲/۱	۸۸/۱
شیراز	۱۶۴/۰	۱۸۳	۱۴۴	۱۳۶	۱۲۶	۵۶	۳۴	۷۸/۷	۹۲/۶
عرفه	۱۶۵/۰	۱۸۴	۱۴۳	۱۳۲	۱۲۲	۵۶	۳۴	۷۷/۷	۹۲/۴
کردستان	۱۶۳/۸	۱۸۲	۱۴۵	۱۳۴	۱۲۴	۵۷	۳۵	۷۹/۷	۹۲/۵
بغداد	۱۶۱/۸	۱۸۶	۱۴۵	۱۳۶	۱۲۸	۵۵	۳۴	۷۸/۰	۹۴/۱
گرچنان	۱۶۳/۶	۱۸۴	۱۵۸	۱۴۲	۱۲۵	۵۸	۲۴	۸۵/۹	۸۸/۰
کوهستان	۱۶۴/۰	۱۸۳	۱۵۵	۱۴۱	۱۲۵	۵۷	۳۵	۸۴/۷	۸۸/۶
جنوب رومیه	۱۶۵/۱	۱۸۳	۱۵۱	۱۳۸	۱۱۹	۵۴	۳۴	۸۲/۵	۸۶/۲
يمن	۱۵۹/۴	۱۸۷	۱۳۹	۱۳۰	۱۱۸	۵۴	۳۳	۷۴/۳	۹۰/۸

ارقام فوق بر اساس اندازه گیری از یهودیهای زیر بدست آمده است :

آرومیه ۳۰ نفر - مشهد ۱۰ نفر - شیراز ۷ نفر - بغداد ۵ نفر - کردستان ۱۴ نفر  
چند نفر از عرفه - یمن ۵۰ نفر - سری کردستان شامل افراد زیر است : موصل  
۷ نفر - عمادیه ۱ نفر - دیاربکر ۳ نفر و چوموک ترکیه ۳ نفر .

قد = در کل گروه ۳۹۵ یهودی حدود قد عبارتست از ۱۴۶/۰ (یمن)

تا ۱۸۳/۲ (اصفهان) که اختلاف زیادی نشان میدهد در صورتیکه ۸۴/۸۱ درصد

افراد کمتر از ۱۷۰/۰ بودند . در گروه بین ۱۶۰ - ۱۶۹/۹ ، ۲۳۶ مرد

(۵۹/۷۵ درصد) دیده میشوند و ۹۹ نفر (۲۵/۰۶ درصد) در کوتاهترین گروه

(x - ۱۵۹/۹) میباشند . در منتهی الیه دیگر یعنی بلند ترین ( ۱۸۰/۰ بیالا)

فقط چهار نفر (۱/۰۱ درصد) وجود دارند . بدین طریق یهودیهای آسیای جنوب

غربی از لحاظ قد متمایل به کوتاهی هستند و احتمال کلی میرود که حد متوسط قد

آنها کمتر از حد متوسط سایر ساکنین آسیای جنوب غربی باشد. صرف نظر از خصوصیت نژادی احتمال می رود که مبارزه دائمی زندگی و کمی غذای صحیح و کافی و فقدان نور آفتاب در مساکن آنها همه عواملی باشند که در این مسئله مؤثر واقع شده اند. ریپلی (۱۸۹۹ ص ۳۸۲) مینویسد: «اینکه کوتاهی قد یهودیان از خصوصیات اکتسابی است که موروثی شده است مسئله ایست قابل بحث. آنچه میتوان گفت اینست که افراد سامی نژاد عربستان و آفریقا همه دارای قد نسبتاً بلند هستند و حد متوسط از یهودیها بلندترند. این مطلب مارا متمایل باین فکر میسازد که تجربیات سخت گذشته چند واحد از قد مردم بنی اسرائیل کاسته است. برای دفاع از خود باید بگوئیم که گناه این نقص جسمانی تنها بکردن افراد مسیحی نیست و میتوان تاحدی آنها در نتیجه رسم ازدواج در سنین جوانی دانست.

ریپلی اضافه میکند که (۱۸۹۹ ص ۳۷۷) که: «یهودیهای اروپائی همه کوتاه قد هستند نه فقط این بلکه اغلب کوتوله میباشند. در لندن یهودیها در حدود سه اینچ از حد متوسط مردم کوتاهترند. آیا اینها همیشه کوتاه قد بوده اند بطوریکه در کتاب اعداد (۳۳/۱۱۱) شرح داده شده است و آنها را در چشم خود در مقام مقایسه با آموریها 'ولاد اناک' باندازه ملخ خوانده مسئله ایست که بآن پاسخ نمیتوان داد. در مورد زمان حاضر بطور قطع میدانیم که در میان یهودیهای اروپا قد افراد بالغ یهودی در حدود ۵ پا و ۴ اینچ یعنی ۱/۶۳ متر میباشد.

طول سر = در میان ۳۹۰ یهودی حدود اندازه طول سر (۱۶۴ - ۲۰۴) پخش بزرگه بین این دوحده را نشان میدهد. سه چهارم افراد در طبقه ۱۷۶ - ۱۹۰ قرار دارند و فقط ۱۳/۵۹ درصد از ۱۹۰ بالاتر وعده کمتری (۱۰/۲۵) در صد) از ۱۷۶ پائین ترند. در پائین ترین طبقه ۱۷۰ پائین فقط ۵ نفر (۱/۲۸ درصد) است در حالیکه در انتهای دیگر جدول در طبقه ۱۹۶ ببالا ۱۵ نفرند (۳/۸۵ درصد). میانگین کلیه گروه ۱۸۲/۸۱ است که تقریباً ۳ میلیمتر از اندازه یهودیهای اصفهان کمتر است. بطور کلی یهودیهای آسیای جنوب غربی دارای سر کوتاه میباشد بخصوص یهودیهای سلیمانیه (۱۷۶/۰) و یهودیهای مشهد (۱۷۹/۰). شاخص سر = در مورد ۳۸۹ یهودی ملاحظات زیر شایان توجه است.



X—۱۸۰					۱۷۹/۹—۱۷۰					۱۶۹/۹—۱۶۰					۱۵۹/۹—X				
مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق	مناطق
۱۶۴/۹۴	۱۸۳/۲	۱۵۱/۶	۸۷	۲/۳۰	۲	۱۶۰/۹	۱۴	۵۹/۷۷	۵۲	۲۱/۸۴	۱۹	ن	۲	۱۷/۶۵	۳	۳	۳	۳	۳
۱۶۴/۰	۱۷۸/۰	۱۵۶/۰	۱۷	...	۰	۵/۸۷	۱	۷۶/۴۷	۱۳	۱۷/۶۵	۳	۲	۲	۱۷/۶۵	۳	۳	۳	۳	۳
۱۶۱/۲	۱۶۸/۵	۱۵۵/۵	۱۰	...	۰	...	۰	۷۰/۰۰	۷	۳۰/۰۰	۳	۳	۳	۳۰/۰۰	۳	۳	۳	۳	۳
۱۶۵/۴	۱۸۱/۰	۱۵۶/۰	۳	۳/۳۳	۱	۲۰/۰۰	۶	۴۶/۶۷	۱۴	۳۰/۰۰	۹	۹	۹	۳۰/۰۰	۹	۹	۹	۹	۹
۱۶۲/۱۱	۱۷۴/۵	۱۴۶/۱	۴	...	۰	۱۰/۶۴	۵	۵۵/۳۲	۲۶	۳۴/۰۴	۱۶	۵	۵	۳۴/۰۴	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶
۱۶۵/۰	۱۷۴/۰	۱۵۹/۰	۲	...	۰	۲۹/۱۷	۷	۶۲/۵۰	۱۵	۸/۳۳	۲	۶	۶	۶۲/۵۰	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵
۱۶۳/۸	۱۶۷/۰	۱۵۴/۰	۱۴	۷/۱۴	۱	...	۰	۶۴/۲۹	۹	۲۸/۵۷	۴	۷	۷	۶۴/۲۹	۹	۹	۹	۹	۹
۱۶۱/۸	۱۶۵/۰	۱۵۶/۵	۴	...	۰	...	۰	۸۰/۰۰	۴	۲۰/۰۰	۱	۸	۸	۸۰/۰۰	۴	۴	۴	۴	۴
۱۶۷/۸۳	۱۷۷/۵	۱۵۵/۱	۲۰	...	۰	۴۰/۰۰	۸	۵۵/۰۰	۱۱	۵/۰۰	۱	۱	۱	۵۵/۰۰	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
۱۶۴/۸۶	۱۷۱/۸	۵۸/۵	۱۵	...	۰	۱۳/۳۳	۲	۸۰/۰۰	۱۲	۶/۶۷	۱	۱	۱	۸۰/۰۰	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲	۱۲
۱۶۶/۲۲	۱۷۵/۷	۵۶/۵	۷	...	۰	۳۵/۲۹	۶	۴۷/۰۶	۸	۱۷/۶۵	۳	۳	۳	۴۷/۰۶	۸	۸	۸	۸	۸
۱۶۴/۴۷	۱۶۸/۰	۶۲/۰	۶	...	۰	...	۰	۱۰۰/۰۰	۶	...	۰	۰	۰	...	۶	۶	۶	۶	۶
۱۶۶/۶	۱۷۴/۰	۴۹/۰	۲۳	...	۰	۹/۰۹	۳	۶۹/۷۰	۲۳	۲۱/۲۱	۷	۷	۷	۶۹/۷۰	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
۱۶۴/۰	۱۷۸/۰	۹/۵	۰	...	۰	۱۰/۰۰	۲	۶۵/۰۰	۱۳	۲۵/۰۰	۵	۵	۵	۶۵/۰۰	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳
۱۶۵/۰	۱۷۸/۰	۹/۵	۰	...	۰	۳/۰۰	۲	۴۶/۰۰	۲۳	۵۰/۰۰	۲۵	۲۵	۲۵	۴۶/۰۰	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳	۲۳
۱۶۶/۰	۱۷۸/۰	۹/۵	۰	...	۰	۱۴/۱۸	۵۶	۵۹/۷۵	۲۳۶	۲۵/۰۶	۹۹	۹۹	۹۹	۵۹/۷۵	۲۳۶	۲۳۶	۲۳۶	۲۳۶	۲۳۶

طولی سر

شماره	تعداد	X -
۱- اسفهان	۲/۲۷	۹۶
۲- شیراز	.	۱۷۵-
۳- مشهد	۲۰/۰۰	۸۶
۴- ارومیه	۲/۲۳	۱۸۵
۵- سمنان	۲/۱۷	۸۶
۶- عرق	۰/۰۰	۱۸۵
۷- کردستان	۰/۰۰	۸۶
۸- بیداد	۰/۰۰	۱۸۵
۹- آرا	۰/۰۰	۸۶
۱۰- راجو	۰/۰۰	۱۸۵
۱۱- دراندیز	۰/۰۰	۸۶
۱۲- سلیمانیه	۶/۱۷	۸۶
۱۳- گرجی	۲/۰۳	۸۶
۱۴- کوهستان	۰/۰۰	۸۶
۱۵- بین	۰/۰۰	۸۶

۲۶۲ نفر یا ۶۷/۳۵ درصد در دو تقسیم بندی بین ۷۵/۱ و ۸۴/۹ واقع میشوند. تعداد افراد هر قسمت تقریباً مساوی است. از طرف دیگر وقتی دو انتهای جدول مورد دقت قرار گیرد مشاهده میشود که تمایل زیادی به کوتاه سری و خیلی کوتاه سری وجود دارد. در پائین ترین انتهای جدول هشت یهودی (۲/۰۶ درصد) هستند که شش نفر آنها یمنی میباشد و در طبقه بالاتر ۵۵ نفر (۱۴/۱۴ درصد) هستند که بیست نفر آنها یمنی میباشد و دارای سردراز هستند. در گروه خیلی سر کوتاه یعنی بین ۸۵ تا ۹۱/۸ شصت و چهار نفر یهودی وجود دارد.

یهودیهای جنوب غربی آسیا متمایل به کوتاه سری و خیلی کوتاه سری میباشد. این شاخص های زیاد تنها بعلت کوتاهی نسبی طول سر نیست بلکه بعلت تمایل عریض بودن عرض سر نیز میباشد.

شاخص کل صورت = از ۳۸۳ یهودی ۲۶۷ نفر (۶۹/۷۲ یهودی) در دو طبقه بین ۸۵/۱ و ۹۵ قرار میگیرند. طبق طبقه بندی اختیاری در طبقه صورت پهن (X-۸۵) چهل و شش نفر (۱۲/۰۱ درصد) قرار دارند که هشت نفر (۲/۰۹ درصد) در گروه خیلی صورت پهن (X-۸۰) قرار میگیرند. در گروه متوسط صورت (۸۵/۱-۹۰) ۱۳۴ نفر (۳۴/۹۹ درصد) قرار دارند. گروه صورت باریک (۹۰/۱-۹۵) شامل ۲۰۳ یهودی است (۵۳/۰۱ درصد) که از آنها یازده نفر (۲/۸۷ درصد) در طبقه خیلی صورت باریک میباشد.

باید بخاطر داشت که در سیستم طبقه بندی کلی که از سیستم هاروارد اقتباس شده در گروه بندی بالا یک انحراف جزئی وجود دارد. مثلاً طبقه بندی صورت پهن (X-۸۴/۵) و صورت متوسط (۸۴/۶-۸۹/۴) و صورت باریک (۸۹/۵-X) در جاهای دیگر این کتاب بکار رفته است.

ولی چون بررسی و تجزیه شاخص کل صورت از نظر تمایلات کلی مورد مطالعه است این انحراف جزئی نمایان نمیشود.

یهودیهای جنوب غربی آسیا در طبقه بین صورت متوسط و صورت باریک قرار میگیرند و تمایل کلی برخیلی صورت باریک است.

شاخص بینی = در جنوب غربی آسیا یکی از مهمترین خصوصیات جسمانی بنظر میرسد طول و عرض بینی و شکل نیمرخ آن باشد. بهمین جهت شاخص بینی به پنج طبقه تقسیم بندی شده تا اینکه نتایج زیر آشکار گردد.

# شاخص سر

ردیف	میانگین	حد اکثر	حد ادنی	جمع	X-80 ٪	تعداد	84/9 ٪	80 تعداد	79/9-70/1 ٪	تعداد	70-7 ٪	ردیف
۱- اسفهان	۷۷/۴۳	۸۶/۱	۷۰/۱	۸۷	۲/۳۰	۲	۱۸/۳۹	۱۶	۵۹/۷۷	۵۲	۱۷/۴۴	۲/۳
۲- شیراز	۷۸/۷	۸۳/۵	۷۴/۲	۱۷	...	۰	۲۹/۴۱	۵۸/۸۲	۱۰	۱۱/۷۶		
۳- مشهد	۸۲/۱	۸۸/۸	۷۰/۸	۱۰	۳۰/۰۰	۳	۵۰/۰۰	۱۰/۰۰	۱	۱۰/۰۰		
۴- ارومیه	۸۲/۳	۸۷/۱	۷۴/۰	۳۰	۲۲/۲۳	۷	۵۶/۶۷	۷	۱۲/۲۳	۴	۶/۶۷	
۵- سمنان	۸۱/۹	۸۸/۴	۷۲/۷	۴۹*	۲۲/۹۱	۱۱	۴۳/۴۸	۲۰	۲۸/۲۶	۱۳	۴/۳۵	
۶- عرقد	۷۷/۷	۸۳/۳	۷۲/۳	۱۸	...	۰	۲۷/۷۸	۵۵/۵۶	۱۰	۱۶/۶۷		
۷- کردستان	۷۹/۷	۸۸/۲	۷۴/۲	۱۴	۱۴/۲۹	۲	۲۸/۵۷	...	۷	۷/۱۴		
۸- بجناد	۷۸/۰	۸۱/۴	۷۴/۶	۵	...	۰	۲۰/۰۰	...	۳	۲۰/۰۰		
۹- آقرا	۸۳/۲۵	۸۹/۰	۷۶/۳	۲۰	۳۵/۰۰	۷	۴۵/۰۰	۱	۰/۰۰	۴	...	
۱۰- رازو	۸۰/۳	۸۹/۰	۷۳/۶	۱۶	۶/۴۵	۱	۴۳/۷۵	۲	۲/۷۵	۷	۶/۴۵	
۱۱- رواندیز	۸۱/۵	۸۶/۲	۷۸/۴	۱۷	۱۱/۷۶	۲	۷۰/۵۹	۱۲	۷/۶۵	۳		
۱۲- سلیمانیه	۸۲/۸	۹۱/۵	۸۰/۵	۶	۱۶/۶۷	۱	۸۳/۳۳	...	...	...		
۱۳- کرچی	۸۵/۹	۹۱/۸	۷۸/۳	۲۳	۵۷/۵۸	۱۹	۲۹/۳۹	۱۳	۲/۰۳	۱		
۱۴- کوهستان	۸۴/۷	۹۰/۳	۷۹/۸	۲۰	۴۵/۰۰	۹	۵۰/۰۰	۵۰۰۰	۱			
۱۵- یمن	۷۴/۳	۸۳/	۶۸/۱	۵۰	...	...	۸/۰۰	۱۶۰۰	۱۳	۵		
	۸۰/۶	۹۱/۸	۶۸/۱	۲۸۹	۱۶/۴۵	۶	۲۴/۱۹	۲۳	۲۳/۱۶	۲۴	۵۵	

درمیان عده کل ۳۸۵ یهودی  $۴۳/۶۴$  درصد در طبقه ۵۱-۶۰ و تقریباً بهمان میزان در طبقه ۶۱-۷۰ میباشند. بعبارت دیگر ۳۲۶ یهودی ( $۸۴/۶۸$  درصد) در طبقه بندی بین ۵۱-۷۰ قرار میگیرند. در طبقه خیلی بینی باریک ( $۵۰-X$ ) سیزده نفر مرد ( $۳/۳۸$  درصد) قرار دارند که سه نفر آنها در یمن اندازه گیری شدند. در گروه بینی متوسط ( $۷۱-۸۰$ ) چهل و دونفر ( $۱۰/۹۱$  درصد) و در گروه بینی پهن ( $۸۱$  بیالا) چهار نفر یهودی ( $۱/۰۴$  درصد) وجود دارند که دو نفر از اصفهان و دونفر از سندر در عراق هستند.

بطور کلی یهودیهای این منطقه بینی باریک هستند اگرچه عده از آنها را باید در گروه بینی متوسط طبقه بندی کرد. بینی پهن تقریباً وجود ندارد.

### خلاصه

وضع یهودیهای اصفهان از لحاظ قد و طول سرو شاخص سرو شاخص کل صورت و شاخص بینی نسبت به گروههای منتخب جدول شده فوق از قرار زیر است:

قد = یهودیهای اصفهان ( $۸۷$ ) با قد  $۱۶۴/۹۴$  (حدود  $۱۵۱/۶$  تا  $۱۸۳/۲$ ) بنظر بلندتر از میانگین ( $۱۶۳/۹۱$ ) سری ( $۳۹۵$ ) میباشد که حدود آن  $۱۴۶$  تا  $۱۸۳/۲$  است. باید بخاطر داشت که بلندترین افراد یعنی فرد دارای حد اکثر بلندی ( $۱۸۳/۲$ ) در این گروه است و شش نفر ( $۱۸/۳۹$  درصد) از  $۱۷۰$  بلندتر هستند. معیناً یهودیهای ارومیه و اقرا و رواندیز و عرقه بلندتر میباشد.

طول سر = میانگین طول بین استخوان پیشانی و پس سر یهودیهای اصفهان  $۱۸۵/۹۱$  است که ۳ میلیمتر زیادتر از میانگین ( $۱۸۲/۸۱$ ) برای کل گروه  $۳۹۰$  نفر میباشد. حدود این اندازه برای این گروه  $۱۷۳-۲۰۴$  میباشد در صورتیکه حدود این اندازه برای کل گروه  $۱۶۴-۲۰۴$  است. و همچنین باید در نظر داشت که فردی که حد اکثر اندازه یعنی  $۲۰۴$  دارد بین گروه یهودیهای اصفهان است و  $۱۷$  نفر آنها یعنی  $۱۹/۳۲$  درصد دارای طول سر بیش از  $۱۹۱$  میباشد. تمایل کلی در مورد سر اینست که از حیث نسبت و مطلقاً سر از حیث طول کوتاه است.

شاخص سر = شاخص سر یهودیهای اصفهان بین  $۷۰/۱$  تا  $۸۶/۱۹$  میباشد که میانگین آن  $۷۷/۴۳$  است. در گروه سردراز ( $۷۵-X$ ) هفده نفر ( $۱۹/۵۴$ )



# شاخص

شماره	۵۰-۸۰	۶۰-۵۱	۷۰-۶۱	۸۰-۷۱	۸۰-۸۱	جمع	حاصل	میانگین	۸/۱۱
۱- استان	۲	۲۲	۲۲	۱۹/۷۷-۱۷	۲	۲۲	۳/۸۳	۸۱	۳۳/۰
۱- شیراز	۰	۸	۵	۳۸/۳۶	۰	۰	۵۳/۳	۳	۶۷/۹
۱- مشهد	۰	۳	۳	۰/۰۰	۰	۰	۵۷/۱	۱	۷۳/۵
۱- اردبیل	۱	۱۴	۳۱	۳۶/۷۸	۱	۰	۳/۸۳	۳۰	۷۳/۵
۱- سمنان	۱	۲۱	۲۰	۵۵/۳۳	۲	۲۶	۱/۶۳	۷۳	۵۰/۰
۱- عرقه	۱	۷	۶	۰/۰۰	۱	۰	۵/۵۶	۱۸	۵۰/۰
۱- کردستان	۱	۳	۷	۰/۰۰	۲	۱۴/۲۹	۰/۰۰	۳۱	۷۱/۱
۱- بغداد	۰	۱	۳	۰/۰۰	۰	۰	۰/۰۰	۵	۶۶/۰
۱- اقرا	۱	۵	۷	۲۵/۰۰	۷	۲۵/۰۰	۲۵/۰۰	۲۵	۷۸/۳
۱- زاهد	۰	۵	۶	۵۵/۲۵	۲	۱۲/۵۰	۵۷/۶	۱۶	۷۲/۶
۱- رواندیز	۰	۶	۹	۳۶/۲۹	۲	۱۱/۷۶	۴/۱۵	۱۲	۷۸/۷
۱- ملبانیه	۱	۲	۲	۲۲/۲۳	۱	۱۶/۶۷	۰/۰۰	۶	۷۲/۹
۱- گرجی	۱	۱۸	۱۲	۵۵/۳۵	۲	۶/۰۰	۰/۰۰	۲۲	۷۶/۶
۱- کوهستان	۱	۹	۶	۰۵/۰۰	۱	۵۷/۰۰	۰/۰۰	۲۰	۷۲/۹
۱- یمن	۲	۱۳	۱۳	۰۰/۰۰	۱	۰۰/۲	۸/۷۳	۰/۵۷	۸/۱۱

درصد) وجود دارند . اکثر افراد (۵۲ یا ۵۹/۷۷ درصد) در گروه سر متوسط (۷۵/۱-۷۹/۹) قرار میگیرند . شانزده نفر (۱۸/۳۹ درصد) سر کوتاه (۸۰-۸۴/۹) وجود دارد و دوفنر (۲/۳۰ درصد) در گروه خیلی سردراز (۸۰-۸۴/۹) هستند . شایان توجه اینکه تعداد افراد بالا و زیر طبقه سر متوسط تقریباً مساوی است . وضع میانگین یهودیهای اصفهان (۷۷/۴۳) نسبت به کل سری نشان میدهد که ازمیانگین کل سری (۸۰/۷۷) پائین تر است و آنها بجز یهودیهای یمین که شاخص سر آنها ۷۴/۳ است از همه پایین تر هستند .

شاخص کل صورت = شاخص کل صورت یهودیهای اصفهان بین ۸۱/۷ و ۱۰۷/۶ و میانگین آن ۹۲/۳ است . در طبقه صورت پهن (۸۵-X) پنج نفر (۵/۹۵ درصد) وجود دارند و در گروه خیلی صورت پهن (X-۱۸۰) هیچکس نیست . در گروه صورت متوسط (۸۵/۱-۹۰) بیست و چهار نفر وجود دارند (۲۸/۵۷ درصد) . طبقه صورت باریک (۹۰/۱-۱۰۰) دارای ۴۹ نفر (۵۸/۳۳ درصد) است . در گروه پایین تر (۹۰/۱-۹۵) سی نفر (۳۵/۷۱ درصد) در متوسط (۹۵/۱-۱۰۰/۱) نوزده نفر (۲۲/۶۲ درصد) و در طبقه خیلی صورت باریک (۱۰۰/۱) بیالا) شش نفر (۷/۱۴ درصد) وجود دارد . طرز قرار گرفتن این هشتاد و چهار یهودی در پنج طبقه بندی فوق نشان میدهد که اینها يك گروه صورت باریک و صورت دراز هستند . میانگین کل گروه ۹۰/۶۳ و میانگین یهودیهای اصفهان ۹۲/۳ است .

شاخص بینی = درمیان یهودیهای اصفهان میانگین شاخص بینی ۶۳/۸۶ است (شاخص بینی بین ۴۸/۴ - ۸۳ میباشد) . در طبقه بینی باریک (X-۷۰) شصت و هفت نفر (۷۷/۹۰ درصد) وجود دارد و دو نفر (۲/۳۲ درصد) در طبقه خیلی بینی باریک هستند . در گروههای دیگر بینی باریک (۵۱/۱-۶۰/۹ و ۶۱/۰-۷۰/۹) پخش افراد تقریباً مساوی است . گروه بینی متوسط (۷۱-۸۰/۹) شامل هفده نفر (۱۹/۷۷ درصد) است . در طبقه بینی پهن (۸۱) بالا) دو یهودی (۲/۳۲ درصد) است . مشاهده میشود که یهودیهای اصفهان بطور قابل ملاحظه بینی باریک هستند و میانگین شاخص بینی آنها (۶۳/۸۶) بالاتر از میانگین همه سری است که ۶۱/۷۰ میباشد .



برای تعیین میزان شباهت و اختلاف بین یهودیهای جنوب غربی آسیا باید اندازه گیری و مشاهده و عکسبرداری و بررسی زیادتری بعمل آید .

### یهودیهای قفقاز

در جدولهای بالا شماره ۱۳ و ۱۴ مخصوص یهودیهای گرجستان و کوهستان تخصیص داده شده است . برای اطلاعات بیشتر درباره آنها که در شمال غربی ایران زندگی میکنند به جواچشویلی Dgawachischwili مراجعه شده است . این دانشمند مردم شناس یهودیهای قفقاز را به دو گروه تقسیم بندی میکند یهودیهای گرجستان و یهودیهای لزیگی و شماخه .

بخصوص یهودیهای گرجی را که با اودین ها تحت عنوان گروه گرجی و ارمنی قرار میدهند از لحاظ رنگ مو و سیاهی چشم شبیه گروه ارمنی هستند و از لحاظ نوع موقهوه ای شبیه ارمنی ها و خورها و آسوریاها (۸۲ درصد) و از لحاظ شاخص سر (۸۵/۱۴) و سر کوتاهی (۵۴ درصد) شبیه گرجیهای غربی و از حیث شاخص بینی و بینی باریکی شبیه گرجی های غربی و ارمنی ها و آسوریاها میباشند . از طرف دیگر از لحاظ کوتاهی قد و کوچکی سینه یهودیهای گرجی نه تنها با گرجیها و ارمنی ها اختلاف دارند بلکه با سایر مردم قفقاز نیز فرق دارند .

یهودیهای لزیگی و شماخه در گروه و لزیگی - ارمنی، واقع میشوند . فرق آنها با یهودیهای گرجی در تیرگی موی سر و تعداد زیادتر موقهوه ای و زیادی سر کوتاهی و بلند قدی و زیادتری محیط سینه میباشد .

شباهت یهودیهای گرجی با گروه لزیگی و ارمنی از این قرار است : موی تیره تر آنها را شبیه به خورها و کومیک ها و آسوریاها میسازد - رنگه ریاهی چشم شبیه آسوریاها و اودین ها و ادیته - تعداد زیاد موقهوه ای (۹۲ درصد) شبیه به اودین ها و خورها و آسوریاها کوتاهی سر شبیه به اودین ها شاخص عرض و طول شبیه به لزیگها و آسوریاها و شاخص طول و ارتفاع شبیه اودین ها و ارمنی ها و آسوریاها - بینی باریک شبیه آسوریاها - شاخص گوش شبیه به تاتارها و قره چایها و کومیک ها و قد شبیه گرجیها و لزیگها و تاتارهای لزیگی و کومیکها و آسوریاها و از لحاظ بدنه شبیه تاتارها .

اندازه گیری یهودیهای قفقاز توسط جواچشویلی

تعداد	قد	۱۶۰/۰ -	۱۶۰/۱ - ۱۷۰	۱۷۰/۱ - ۱۷۰/۱
گرجی ۱۳۳	۱۶۳/۷	درصد ۲۵	درصد ۶۵	درصد ۱۰
لزگی ۳۴۴	۱۶۵/۵	۲۰	۵۷	۲۳

یهودیهای گرجی بطور قابل ملاحظه کوتاهتر (۱۸ میلیمتر) از یهودیهای لزگی هستند و مرد و گروه از حد وسط ایران و عراق پایین تر قرار میگیرند . اکثریت هر دو گروه بین ۱۶۰/۱ و ۱۷۰ قرار میگیرند ولی در میان یهودیهای گرجی يك چهارم زیر ۱۶۰ و فقط ده درصد بالای ۱۷۰ واقع میشوند در حالیکه لزگیها در گروه ۱۶۰ و ۱۷۰/۱ بیابا تقریباً متساوی هستند .

تعداد	طول پیشانی تا پس سر	حد اکثر عرض	شاخص سر	سردراز درصد	سرمتوسط درصد	سر کوتاه درصد
گرجی ۱۰۰	۱۸۵	۱۵۷	۸۵/۱	۱۰	۳۶	۵۴
لزگی ۲۱۰	۱۸۲	۱۵۸	۸۶/۰	۳	۲۴	۷۲

یهودیهای گرجی و لزگی بنا بر این نسبتاً سردراز و خیلی سرپهن هستند و شاخص سر کوتاهی در میان گرجیها کمی زیاده تر است و علت آن داشتن سر باریکتر میباشد . در هر دو گروه تعداد سر کوتاهی زیاد است ولی شاخص ها تعداد درصد سرمتوسط و تعداد کمی سردراز را خوب نشان نمی دهد .

تعداد	عرض دو گونه	تعداد	شاخص بینی	باریک بینی	متوسط بینی	پهن بینی
گرجی ۱۱	۱۴۱	۶۱	۶۰/۲	۹۳	۷	۰۰۰
لزگی ۲۱۰	۱۴۲	۲۱۰	۶۲/۰	۸۹	۱۱	۰۰۰

عرض استخوان دو گونه زیاد (۱۴۱ - ۱۴۲) است و بین دو گروه فرق

زیادی مشاهده نمیشود. باید در نظر داشت که فقط ۱۱ نفر یهودی گرجی در این گروه اندازه گیری شدند.

بینی بطور قابل ملاحظه از نوع باریک است و فقط در حدود سی نفر (۵/۵ درصد) در طبقه بینی متوسط قرار دارند. هیچ فرد دارای بینی پهن مشاهده نشد. بارون دو بای Baron de Baye اظهار میدارد که یهودیها از زمانهای خیلی قدیم در قفقاز بوده اند. در اوائل این قرن جمعیت یهودی این ناحیه در حدود پنجاه هزار نفر بود و در نواحی زیر پخش بودند در ایالات ترك و داغستان و در شهرهای باکو و تفلیس و کوتای. یهودیهاییکه در نواحی کوهستانی مسکن داشتند یهودیهای کوهستان نامیده شده اند و اینها مردمی بودند بلند قد و خوش هیکل دارای پوست سفید و چشم و موی مشکی. بارون دو بای اضافه میکند که از لحاظ جسمانی بسیاری از خصوصیات آنها شبیه یهودیهای عهد قدیم میباشد. بموجب روایات این یهودیها پفرمان بخت النصر در حدود ۵۵۰ قبل از میلاد بعنوان اسیر و زندانی به قفقاز آورده شدند.

شانتر Chantre (۱۸۸۵- جلد ۴ ص ۲۵۴ - ۲۵۵) میگوید پس از آنکه بخت النصر جودا را مسخر شد و سلطنت های یهودی پایان آمد عده زیادی از یهودیها بناحیه قفقاز مهاجرت کردند و با آنها اجازه داده شد در ناحیه ای واقع در امتداد اراگوا Aragva استقرار یابند اکثر آنها بمذهب گرجیها گرویدند و از بسیاری جهات چنان با آنها مخلوط شدند که یهودیها هویت خود را کاملاً از دست دادند. هارکوی Harkway معتقد است که عده ای از اولاد خزر ها در اثر فعالیت مبلین در سال ۱۶۲۰ در کریمه دیانت یهود را قبول کردند.

شانترا اضافه میکند که یهودیهای کوهستان داغستان در اواسط قرن هیجدهم از ایران باین نقطه آمدند. آن یهودیها که در تمبرخان چورا زندگی میکردند رسوم و آداب اجدادی خود را حفظ کردند. بزراعت و کارهای کشاورزی اشتغال نورزیدند بلکه چرم سازی میکردند و بکسب و تجارت مشغول بودند. شانترا بقول کومارف عده یهودیهای بیست و سه قریه داغستان را ۵۳۸۴ تخمین میزند ولی دو بای در ۱۹۰۲ تخمین زد که عده یهودیهای کوهستان در این ایالت ۹۲۰۰ نفر بوده است. ویسنبرگ (۱۹۰۷) گزارش کردف را در باره ۱۹۰ یهودی داغستانی بشرح زیر خلاصه میکند:

«تقریباً بدون استثنا یهودیها دارای قد متوسط و چشم و موسی مشکی میباشند. سر آنها بزرگ و بلند و خیلی کوتاه است. صورت پهن و پیشانی بلند و چشمها افقی است. زاویه های گونه کمی برجسته است. بینی صاف و اندازه آن متوسط و دهان پهن و لبها کلفت و گوشها عریض و بدنه بزرگ و سینه پهن است...» وی خاطر نشان میسازد که اکنون دو نوع یهودی وجود دارد یکی دارای نفوذ مغولی یعنی قرخیز است و دیگری دارای اثر اختلاط با قبائل قفقاز است. طبق نوشته باشماکف Baschmakoff (۱۹۳۶-ص ۵) مردم نژاد سامی متشکلند از:

- ۱- یهودیهای اشکنازیم که بلهجه آلمانی صحبت میکنند و گروه کوچکی از آنها بزبان آرامی متکلمند.....-۷۵۰۰
- ۲- یهودیهای کوهستان که یاد دیگران مخلوط شده و بزبان ایرانی (سامی و ایرانی یا سامی و قفقازی) تکلم میکنند.....-۴۴۰۰
- ۳- آسوریها که خود را کلد و آسوری می نامند و ادعا دارند که از اولاد آسوریهای باستان هستند زبان آنها آسوری ارومیه است. خون مخلوط سامی و قفقازی و یاسامی و ناطولی دارند.....-۳۵۰۰
- باشماکف درباره خیلی سر کوتاهی یهودیهای کوهستان اظهار نظر میکند و گفته میلر را نقل میکند که یهودیها در قرن پنجم میلادی در قفقاز ظاهر شدند.

### یهودیهای کوهستان قفقاز

(شماره ۱ تا ۶ از مدشالی - شماره ۷ تا ۱۰ از بتال پاچنیک)

- |                              |                                    |              |
|------------------------------|------------------------------------|--------------|
| ۱- طول سر                    | ۶- ارتفاع بیخ بینی تا دندانهای جلو | ۱۱- طول بینی |
| ۲- عرض سر                    | ۷- عرض استخوان گونه ها             | ۱۲- عرض بینی |
| ۳- ارتفاع سر                 | ۸- عرض زاویه فک سفلی               | ۱۳- عرض دهان |
| ۴- ارتفاع چانه تا رستنگاه مو | ۹- عرض داخلی بین دو حقه            | ۱۴- طول گوش  |
| ۵- ارتفاع بیخ بینی تا چانه   | ۱۰- عرض خارجی بین دو حقه           |              |

(اقتصادی ادائیگی)

شماره	سن	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱	۳۵	۱۸۱	۱۶۱	۱۳۲	۱۸۰	۱۲۴	۸۳	۱۳۹	۹۱۰	۳۱
۲	۴۵	۱۷۵	۱۵۶	۱۱۸	۱۷۲	۱۳۳	۸۲	۱۴۰	۹۰۳	۳۰
۳	۴۲	۱۸۲	۱۵۷	۱۲۴	۱۷۶	۱۲۰	۸۰	۱۳۵	۹۰۹	۳۴
۴	۴۴	۱۷۸	۱۶۴	۱۲۴	۱۶۸	۱۱۲	۷۴	۱۳۰	۱۱۵	۳۱
۵	۷۰	۱۸۳	۱۵۰	۱۲۰	۱۶۷	۱۲۱	۷۸	۱۳۳	۱۰۷	۳۰
۶	۵۰	۱۸۳	۱۵۹	۱۲۱	۱۶۶	۱۱۶	۷۸	۱۳۷	۱۱۵	۳۲
۷	۴۱	۱۸۶	۱۶۲	۱۲۸	۱۸۹	۱۲۹	۸۰	۱۴۸	۱۱۰	۳۱
۸	۵۲	۱۸۶	۱۶۵	۱۲۱	۱۷۲	۱۲۴	۸۰	۱۵۲	۱۱۵	۳۱
۹	۵۳	۱۸۵	۱۵۴	۱۲۸	۱۷۶	۱۲۲	۷۷	۱۳۳	۱۰۴	۳۵
۱۰	۱۶	۱۷۸	۱۴۶	۱۲۲	۱۶۹	۱۲۵	۸۰	۱۳۳	۱۰۰	۳۱
میانگین	۴۴/۸	۱۸۱/۷	۱۵۷/۴	۱۲۳/۸	۱۷۳/۵	۱۳۲/۶	۷۹/۲	۱۳۷/۹	۱۰۸/۸	۳۱/۶

شماره	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹
۱	۹۳	۵۸	۳۶	۵۱	۶۲	۸۹/۰	۷۳/۹	۸۲/۰	۸۲/۰	۸۲/۰
۲	۹۰	۶۱	۳۵	۵۵	۶۹	۸۹/۱	۷۷/۵	۸۶/۱	۷۵/۶	۷۵/۶
۳	۹۰	۵۸	۳۵	۵۰	۶۷	۸۶/۳	۷۷/۱	۸۶/۳	۷۹/۰	۷۹/۰
۴	۸۰	۵۲	۳۳	۵۳	۵۸	۹۲/۱	۷۹/۷	۹۲/۱	۷۵/۶	۷۵/۶
۵	۸۵	۵۸	۳۶	۵۴	۶۷	۸۲/۰	۶۵/۶	۸۲/۰	۸۰/۰	۸۰/۰
۶	۸۹	۵۱	۳۵	۵۰	۶۱	۸۶/۹	۶۶/۱	۸۶/۹	۷۶/۱	۷۶/۱
۷	۹۳	۵۷	۳۸	۵۹	۱۰	۸۷/۱	۶۸/۸	۸۷/۱	۷۹/۰	۷۹/۰
۸	۹۱	۵۸	۳۳	۵۸	۶۲	۸۸/۷	۶۵/۱	۸۸/۷	۷۳/۳	۷۳/۳
۹	۹۱	۵۰	۳۳	۵۳	۷۴	۸۳/۲	۶۹/۲	۸۳/۲	۸۳/۱	۸۳/۱
۱۰	۹۰	۵۸	۳۶	۵۰	۶۱	۸۲/۰	۶۸/۵	۸۲/۰	۸۳/۶	۸۳/۶
میانگین	۸۹/۲	۵۶/۱	۳۴/۹	۶۳/۳	۶۵/۱	۸۶/۶۴	۶۹/۱۵	۷۸/۷۲	۷۸/۷۲	۷۸/۷۲

شماره	۴/۴	۲/۷	۵/۷	۵/۸	۶/۷	۶/۸	۱۲/۱۱
۱	۱۲۹/۵	۱۶۳/۶	۸۹/۲	۱۱۲/۷	۵۹/۵	۷۵/۵	۶۲/۱
۲	۱۲۲/۹	۱۶۷/۰	۹۵/۰	۱۲۹/۱	۵۸/۶	۷۹/۶	۵۷/۴
۳	۱۳۰/۴	۱۶۱/۵	۸۸/۹	۱۱۰/۱	۵۹/۳	۷۳/۴	۶۰/۳
۴	۱۲۹/۲	۱۴۶/۱	۸۶/۲	۹۷/۴	۵۶/۹	۶۴/۴	۶۱/۵
۵	۱۲۵/۶	۱۵۶/۱	۹۱/۰	۱۱۳/۱	۵۸/۶	۷۲/۹	۶۲/۱
۶	۱۲۱/۲	۱۴۴/۳	۸۴/۷	۱۰۰/۹	۵۸/۶	۷۲/۹	۶۸/۶
۷	۱۲۷/۷	۱۷۱/۸	۸۷/۲	۱۱۷/۳	۵۴/۱	۷۲/۷	۶۶/۷
۸	۱۱۳/۲	۱۴۹/۶	۸۱/۶	۱۰۷/۸	۵۲/۶	۶۶/۶	۵۶/۹
۹	۱۱۳/۶	۱۶۹/۲	۹۲/۴	۱۱۷/۳	۵۸/۳	۷۴/۰	۶۶/۰
۱۰	۱۲۷/۱	۱۶۹/۰	۹۴/۰	۱۲۵/۰	۶۰/۲	۸۰/۰	۶۲/۱
میانگین	۱۲۴/۰۴	۱۵۹/۸۲	۸۹/۰۴	۱۱۳/۰۷	۵۶/۶۷	۷۳/۴۹	۶۲/۳۷

فن ارکرت (جلد ۱۹- ص ۲۴۷) این ده یهودی کوهستان قفقاز را بطریق

زیر شرح میدهد :

۱- یهودی نوع حقیقی . موشبیه موی ایرانی و تاتار آذربایجانی . چشم قهوه‌ای طلایی . بینی دراز و پهن . پیشانی عمودی . ناحیه پس . سر بلند تر از جلو سر . سر مدور و وقتی از کنار یا بالا ملاحظه شود . لبها کلفت . ریش انبوه .

۲- یهودی نوع حقیقی . بینی عقابی ناحیه پس سر بلند تر از جلوی سر . در حال عادی استخوان پس سر صاف و مستطیلی و سراز بالا مدور است . چانه نوک دار و رو پائین .

۳- نوع یهودی حقیقی . دهان کمی جلو آمده . ریش انبوه .

۴- نوع یهودی . نوع صورت بیضی شکل عریض . دهان جلو آمده . پس سر بلند تر از جلو . از پس سر و از بالا سر مدور بنظر میرسد .

۵- نوع یهودی . پس سر بلند تر از ناحیه جلو . محیط سر از بالا و از پشت مدور .

۶- نوع یهودی . پیشانی عمودی . لبها محکم . قسمت پایین صورت لبه تیز . بلندترین نقطه سر در وسط .

۷- صورت نسبتاً دراز . سر بلند از پس سر . بینی صاف و مثلثی . پیشانی بلند . پس سر صاف . چشم قهوه‌ای . مومشکی .

۸- بینی بزرگ عقابی . پیشانی کوتاه و صاف . سر بلند . چشم قهوه‌ای سبز . ظاهر صورت یهودی (یهودی کوهستانی) . سراز بالا مانند تخم مرغ بنظر میرسد . نوک بینی کلفت .

۹- بینی عقابی و خیلی دراز . پیشانی کوتاه و پائین . سراز بالا بشکل تخم مرغ . چشم قهوه‌ای سبز . دهان جلو آمده .

۱۰- مومشکی . سراز بالا بیضی شکل . پس سر برجستگی ندارد . چشم قهوه‌ای سبز . دهان جلو آمده . چانه کوتاه . صورت بیضی . بینی صاف و عریض . پیشانی پست .

شاخص سر			
جمع	سر کوتاه	سر متوسط	سردراز
	$(x-82/6)$	$(82/5-76/6)$	$(76/5-x)$
	۸	۲	۰
۱۰۰	۸۰	۲۰	۰
			درصد

شاخص کل صورت			
جمع	صورت باریک	صورت متوسط	صورت پهن
	$(x-89/5)$	$(89/4-84/6)$	$(84/5-x)$
۱۰	۴	۵	۱
۱۰۰	۴۰	۵۰	۱۰
			درصد

شاخص بینی			
جمع	بینی پهن	بینی متوسط	بینی باریک
	$(x-83/5)$	$(83/4-77/5)$	$(77/4-x)$
۱۰	۰	۱	۹
۱۰۰	-	۱۰	۹۰
			درصد

سر آنها نسبتاً کوتاه و پهن است و قد متوسط و قطر فکین و دو گونه متوسط و بینی باریک و متوسط دراز و گوش دراز است.

این ده یهودی کوهستان دارای سر کوتاه هستند و شاخص کل صورت آنها اختلاف قابل ملاحظه نشان می‌دهد و از صورت متوسط تا صورت باریک وجود دارد. مشاهده عکس تمام صورت و نیم رخ افراد صورت پهن جالب توجه خواهد بود. بطور کلی بینی باریک هستند و فقط یک فرد در طبقه بینی متوسط قرار داشت. یهودیهای قفقاز بنظر میرسد از لحاظ قد کوتاه تا متوسط و از لحاظ طول سر متوسط ولی در حداکثر عرض عریض هستند که در نتیجه شاخص سر آنها در طبقه کوتاه سراسر و بینی باریک دارند. جدول زیر بمنظور مقایسه اضافه شده شده است تا اختلافات بین یهودیهای لزگی و اصفهان و گرجی بخوبی دیده شود.

اندازه	اصفهان	گرچی	لرگی
قد	۱۶۴/۹۴	۱۶۳/۷	۱۶۵/۵
طول سر	۱۸۶/۰۶	۱۸۵	۱۸۲
عرض سر	۱۴۴/۲۸	۱۵۷	۱۵۸
شاخص سر	۷۷/۴۳	۸۵/۱	۸۶/۰
عرض دو گونه	۱۳۴/۲۰	۱۴۱	۱۴۲
شاخص بینی	۶۳/۸۶	۶۰/۲	۶۲

پدین ترتیب بنظر میرسد یهودیهای قفقاز از لحاظ قد کوتاهتر و از حیث سردارای سرعریضتر و شاخص سر زیادترباشند. صورت آنها در ناحیه گونهها عریض است و شاخص بینی آنها کمتر است.

### روستائیان یزدخواست

شهر یزدخواست<sup>۱</sup> در حدود هشتاد میلی جنوب اصفهان در سر راه بشیراز واقع شده است. از سمت شمال از محلی که جاده از دشت شن زار وسیعی میگذرد بنظر میرسد که شهر در فرورفتگی قرار گرفته باشد و از دور خانههای شهر پیدانست. مسافری که از اصفهان بشهر نزدیک میشود اولین چیزی که می بیند قبرستان مسلمانان است که چند قبر گنبد دار و قبور پراکنده در آن وجود دارد. جاده بسمت چپ میپیچد و ناگهان قسمت قدیمی و شهر جدید نمایان می شود. شهر قدیم بر فراز قله تپه بزرگی قرار دارد و خانههای آن گلی و دارای بام صاف می باشند که روی تیر چوبی بنا شده اند. از دور چنین بنظر میرسد که خانه در مقابل افق آسمان روی چوب پا قرار گرفته اند بخصوص که قسمت سفلی اغلب خانهها مدتهاست افتاده است. از دور منظره شهر قدیم شبیه شهر مردگان است. در منتهی الیه غربی يك پل چوبی دیده میشود (تصویر ۵۵ شکل ۲). کمی دورتر در همان سمت مغرب و در کلیه دامنه جنوبی تپه شهر جدید قرار دارد که شبیه همه شهرهای مرکز ایران یعنی دارای خيابانهای باریک و بازار مسقف كوچك و خانههای خشتی مخروط میباشند.

قسمت عمده قریه قدیمی از خيابانهای باریک پیچ در پیچ متشکل است. خانهها از خشت و تیر چوب نخل ساخته شده و سقف اطاقها از برگ نخل است که روی آن گل اندود شده است. در خانه کدخدای قریه سقف اطاق نشیمن دارای تیر از چوب نخل است. اغلب ساختمانها يك یا دو طبقه است و در وسط حیاطی دارد.

ای توصیف آن در ۱۹۱۸ مراجعه شود به ا.سی. یاته.



معمولاً اطاق نشیمن در طبقه فوقانی است. اطاقها که نسبتاً وسیع هستند پنجره ندارند. بجای در چوبی اغلب پرده کلفتی جلوی درگاه انداخته می‌شود.

در این قریه چنانکه معمول ایران است مردم نسبتاً فقیرند زیرا مزارع آنها که یگانه منبع عایدی آنها است فقط بقدر رفع احتیاج خود آنها محصول میدهد. لباس آنها ارزان قیمت و سبک است. لباس مردها عبارتست از لباده پارچه سفید یا راه‌راه که تازمین میکشد و روی آن عبا یا کت می‌پوشند. بعلت دستور رسمی دولتی در موقیعه ما از آن شهردیدن میکردیم اغلب مردها کلاه پهلوی که سابقاً کلاه رسمی بود بسر داشتند. زن‌ها لباس آبی یا سیاه بلند می‌پوشیدند و سر خود را با پارچه آبی یا سیاه می‌بستند بطوریکه در موقع ورود مرد غریبه بتوانند صورت خود را بپوشانند بعضی از زن‌ها حلقه در پینی خود داشتند. در میان مردها اغلب سرازته زده یا تراشیده شده بود گردن آنها پوشیده نبود. اغلب افراد چه زن و چه مرد بجز در موارد مخصوص کفش بپا نداشتند.

زندگی خانوادگی آنها از نوع زندگی اغلب قریه های کوچک جنوب غربی آسیا است. روی زمین حصیر از برگ خرما می‌اندازند که روی آن می‌نشینند و می‌خوابند. دهاتی‌ها صبح و شام غذا صرف میکنند و غذای آنها اغلب برنج است. گوشت بندرت مصرف میشود زیرا در این ناحیه گوسفند و مرغ زیاد وجود ندارد. حیوانات اهلی از هر نوع نادر است و الاغها که بار آنها چوب هیزم یا آب است اغلب لاغر و فرسوده هستند. حتی تعداد سگ نیز کم است که ممکن است در اثر کمی غذا باشد. یگانه مرکز اجتماع مردم قریه چایخانه است که افراد عمده قریه در آنجا جمع میشوند.

قسمت شهر قدیمی چندین بار مورد بازدید قرار گرفت. در مقابل پل دروازه بزرگ چوبی قرار داشت که با صدای عجیب روی پاشنه چوبی باز میشد. یک کوچه باریک به مرکز خرابه‌ها منتهی میشد. در طرفین کوچه دیوارهای خشتی خراب دیده میشد و چنین بنظر میرسد که قرن‌ها است کسی در آن خانه‌ها زندگی نکرده است. در این قریه متروک چند فامیل فقیر زندگی میکردند از درگاههای باز ساختمانها و حیاط‌های کوچک که سال‌ها مرمت نشده دیده میشد. در سمت مشرق شهر دروازه بود که بالای آن کتیبه‌ای وجود داشت (تصویر ۴۵ - شکل ۱). در دروازه مرکب ازدولت بود که یکی از آنها باقیمانده و نسبتاً خوب مانده بود. بعلت اهمیت نقش و کتیبه سردرو نیمه در باید از طرف اداره باستانشناسی به تهران

حمل شود . این دروازه و در بیک مسجد خرابه و قدیمی منتهی میشود که میگویند قبر امامزاده سید علی است . (تصویر ۴۴) . در وسط گنبد شکاف بزرگی وجود دارد که بنظر میرسد در اثر زلزله بوجود آمده باشد . در دیوارها نیز شکافهای بزرگ دیده می شود . اثر نقاشی بر دیوار ساختمان دیده می شود ولی روی طرحها خطوط یادگاری نوشته شده و ظاهر آجوانان احترامی برای این مکان مقدس قائل نبوده اند . شخص حس میکند که راه رفتن زیر گنبد خطرناک باشد زیرا هر آن ممکن است فروریزد .

از اطاقهای کوچک مختلف که اغلب بدون سقف است عبور کرده بانهای قریه که بر فراز قله تپه قرار دارد رسیدیم . از این نقطه رو بجنوب دره رودخانه دیده می شود . در حال حاضر جویبار کوچکی از وسط آن می گذرد . بستر رودخانه فقط چند متر پایین تر از سطح دره است و معلوم می شود که در طی چند قرن گذشته قدرت فرسوده کردن و فروریزی زمین را نداشته است . از روایات و داستانها چنین استنباط میشود که زمانی این دره آنقدر آب داشته که قابل کشتی رانی بوده است . یکی از قدیمی ترین و مسن ترین ساکنین قریه اظهار داشت که وقتی پل بسته یا خراب میشد کسی نمیتوانست بشهر دست یابد و ساکنین از شر سربازها و مأمورین اخذ مالیات و مهاجمین بختیاری در امان بودند .

دکتر جان فرایر Dr. John Fryer سیاح انگلیسی که در سال ۱۶۷۶ به شهر یزدخواست (که آنرا Esduchos از دوخوس نامید) مسافرت کرد درباره آن میگوید (ص ۲۵۷) که این شهر شبیه باغهای معلقه سمیرامیس میباشد زیرا در اینجا بر فراز خندق از استحکامات قدیم منازل ساخته شده تا از تجاوز ایرانیان بر محل آنان جلوگیری شود و خاک ریز آن صخره های تیز را بعنوان نگاهدارنده بناهای آویزان باقی گذاشته است .

کرزن معتقد است (a ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۶۸) که این نقطه بود که از آنجا زکی خان نابرداری شقی کریم خان زند که پس از مرگ وکیل زمام امور را بدست گرفته و در سال ۱۷۷۹ بچنگه پرادرزاده خود علیمیرادخان رفته بود دستور داد بزرگان شهر یزدخواست را یکی پس از دیگری به قعر دره پرتاب کنند زیرا اهالی این قریه از اجرای اوامر او دردان پول گزاف خودداری کرده بودند هجده نفر را بهلاکت رسانیده بود و نفر نوزدهم سیدی بود که زن و دختر ویرا

به‌سویان طاد این عمل‌ناجوانمردانه حتی بر ملازمان خود وی نیز گران آمد . همان شب طناب چادر او را بریدند و چادر بر سر او فرو ریخت و اهالی قریه حمله کرده و با انتقام خون‌مقتولین او را از پای در آورده و با خنجر هلاک کردند . کرزن میگوید این داستان اولین بار توسط فرانکلین افسر جوان که فقط هفت سال بعد از این واقعه دریزدخواست بود نقل شده است . سرراپرت کارپرت در سال ۱۸۱۸ و مسافرین دیگر در همان زمان دریزدخواست با پیرمردی که خودش شاهد وقایع بود و با اینکه در اثر سقوط پدره ناقص و فلج ولی کشته نشده بود صحبت کردند . راجع به قدمت این شهر دوید C. A. de Bode (جلداول - ص ۶۴) می‌نویسد : « تردیدی نیست که یزدخواست قبل از حمله اعراب وجود داشته و نام آن از ریشه گبری است و یزدخواست بزبان زند اراده خداوند معنی می‌دهد . » در مدت توقف مختصر مابین ۲۱ تا ۲۴ اوت ۱۹۳۴ علیرغم عدم تمایل اهالی قریه به اندازه‌گیری مردم‌شناسی موفق شدیم با فشار دوستانه و کمی رشوه مختصر بین ده‌شاهی یا یک‌قران از چهل و هشت نفر اندازه‌گیری کنیم . از این عده یک نفر خیلی پیر و یک نفر دیگر سیاه‌پوست بود که از سری حذف گردیدند . این افراد توسط ریچارد مارتن عکسبرداری شدند و خانم بایرون اسمیت اندازه‌ها را ثبت کرد . تحصیل اطلاعات کامل در باره فامیل این افراد غیر ممکن بود . در طی اندازه‌گیری و آزمایش من از هر یک تعداد برادر و خواهر و پسر و دختر آنها را که با فامیل زندگی می‌کردند یا فوت کرده بودند سؤال می‌کردم ولی اغلب از دادن پاسخ خودداری می‌کردند .

سن = میانگین سن ۴۶ نفر ۳۷/۸۵ بود و اگرچه بیش از نصف آنها کمتر از سی و چهار سال داشتند تنوع سن این عده خوب بود .

#### پخش سن

سن	تعداد	درصد	سن	تعداد	درصد
۲۰ - ۲۴	۲	۴/۳۵	۵۰ - ۵۴	۳	۶/۵۲
۲۵ - ۲۹	۹	۱۹/۵۷	۵۵ - ۵۹	۰	۰۰۰
۳۰ - ۳۴	۱۴	۳۰/۴۴	۶۰ - ۶۴	۴	۸/۷۰
۳۵ - ۳۹	۵	۱۰/۸۷	۶۵ - ۶۹	۰	۰۰۰
۴۰ - ۴۴	۶	۱۳/۰۴	۷۰ - ۷۴	۱	۲/۱۷
۴۵ - ۴۹	۲	۴/۳۵			

### خصوصیات شکل شناسی ده نشینان یزدخواست

پوست = رنگ پوست آنها از کمرنگ متوسط (رنگ اروپائی شمالی) تا قهوه‌ای تیره بود. نفر شماره ۳۴۴۲ از این طبقه بندی وسایر طبقه بندی‌ها جدا نگاهداشته شد زیرا وی دارای خصوصیات یک فرد سیاه پوست بود. رنگ نقاط مختلف بدن تا حدی که مشاهده میشد خصوصیت خاصی نداشت و نقاط نا پوشیده معمولاً تیره رنگ تر از نقاط پوشیده بود. بنظر من بهترین توصیف رنگ پوست آنها اینست که گفته شود آفتاب خورده. پوست سر آنها که معمولاً با کلاه پوشیده شده گاهی به سفیدی پوست اروپائیانها بود. فرد شماره ۳۴۳۰ (تصویر ۲ شکل ۲۰۱ - تصویر ۵۹ شکل ۳ و ۴) نمونه خوبی است از یک فرد سفید پوست.

مو = موی سر از حیث رنگ از قهوه‌ای سبز تا مشکی دیده شد. از لحاظ شکل مجعد درشت بود ولی تمایل کلی بر صافی مو بود. از حیث نسج همه رقم از نرم تا خشن وجود داشت و اکثریت دارای موی نرم بودند. در افراد کمتر از سن چهل موی خاکستری بندرت مشاهده میشد ولی از سن متوسط به بالا موی خاکستری زیاد وجود داشت. ریش مد نبود و در نتیجه اکثریت افراد ریش خود را می تراشیدند فقط فرد شماره ۳۴۲۵ (تصویر ۴ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۶۴ - شکل ۲۰۱) ریش انبوه خشن داشت. بجز چند مورد استثنائی مرد ها همه سیبل داشتند.

رنگ	تعداد	درصد	شکل	تعداد	درصد
سیاه	۱۷	۳۷/۷۸	صاف	—	—
قهوه‌ای خیلی سیر	—	—	مجعد خیلی درشت	۹	۱۹/۵۷
قهوه‌ای سیر	۲۱	۴۶/۶۷	مجعد درشت	۳۷	۸۰/۴۲
قهوه‌ای	—	—	مجعد ریز	—	—
قهوه‌ای قرمز	—	—	مجعد قری	—	—
قهوه‌ای روشن	—	—	پشمی	—	—
قرمز	—	—	جمع	۴۶	۱۰۰/۰۰
سیاه و خاکستری	۴	۸/۸۹	نسج	تعداد	درصد
قهوه‌ای و خاکستری	—	—	حش	۹	۲۰/۰۰
قهوه‌ای روشن و خاکستری	—	—	حش متوسط	۲	۴/۴۴
خاکستری	۳	۶/۶۷	متوسط	۷	۱۵/۵۶
سفید	—	—	نرم	۸	۱۷/۷۸
جمع	۴۵	۱۰۰/۰۰	نرم متوسط	۱۹	۴۲/۲۲
			نرم	۴۵	۱۰۰/۰۰

چشم = همه چشمها از حیث رنگ قهوه سیر بود بجز دو مورد که مخلوطی از سبز و آبی رنگ بود. تعداد زیاد سیاهی چشم یکنواخت (متجاوز از ۹۰ درصد) مربوط است به رنگ قهوه سیر چشم که درک نوع خط دار و لك دار تقریباً غیر ممکن میساخت. سفید چشم صاف بود بجز دو مورد نه نفر (۱۹/۵۷ درصد) که لك دار بود و يك نفر که سفید چشم خون آلود بود در این قریه اگر چه بطور کلی چشمها بطوری که رسم این ناحیه است خون آلود نبوده زیادی شکایت از درد سر میکردند که در اثر درد چشم و وجود ذرات خارجی مانند خاك و شن در داخل چشم بود. تورم چشم زیاد دیده شد و تراخم و ورم ملتحمه مشاهده گردید. دو نفر دارای ضعف دید بودند بخصوص فرد شماره ۳۴۲۱ (تصویر ۵ - شکل ۳ و ۴) که در يك چشم آب آوردگی داشت و چشم دیگر خوب نمی دید.

## چشم

رنگ	تعداد	درصد	سیاهی	تعداد	درصد
سیاه	—	—	یکنواخت	۴۲	۹۱/۳۰
قهوه سیر	۴۴	۹۵/۶۵	خط دار	—	—
قهوه آبی	۱	۲/۱۷	حلقه دار	۴	۸/۷۰
قهوه آبی	—	—	جمع	۴۶	۱۰۰/۰۰
قهوه سبز	۱	۲/۱۷			
قهوه سبز	—	—	سفید	تعداد	درصد
قهوه خاکستری	—	—	صاف	۳۶	۷۸/۲۶
آبی	—	—	زرد	—	—
خاکستری	—	—	لك دار	۹	۱۹/۵۷
قهوه روشن	—	—	خونین	۱	۲/۱۷
خاکستری آبی	—	—	لك دار و خونین	—	—
سبز آبی	—	—	لك دار و زرد	—	—
جمع	۴۶	۹۹/۹۹	جمع	۴۶	۱۰۰/۰۰

بینی = نیم رخ بینی تنوع قابل ملاحظه ای نشان میداد ولی اکثریت بینی

محدب یا صاف داشتند. در حدود ۶۰ درصد نوك بینی نازك و در حدود يك سوم افراد دارای ضخامت بیش از حد متوسط بودند. پره بینی از فشردن تا متوسط در ۷۵ درصد افراد متنوع بود ولی عناصر دارای پره بینی باز دیده میشد.

مردم شناسی جسمانی ایران - ۴۲۹

بینی

نیمرخ	تعداد	درصد	پُر	تعداد	درصد
موجدار	۱	۲/۱۷	فشرده	۵	۱۰/۸۷
مقعر	۵	۱۰/۸۷	فشرده متوسط	۱۳	۲۸/۲۶
صاف	۱۸	۳۹/۱۳	متوسط	۱۶	۳۴/۷۸
محدب	۲۰	۴۳/۴۸	باز متوسط	۸	۱۷/۳۹
مقعر و محدب	۲	۴/۳۵	باز	۳	۶/۵۲
جمع	۴۶	۱۰۰/۰۰	خیلی باز	۱	۲/۱۷
			جمع	۴۶	۹۹/۹۹

ضخامت نوک	تعداد	درصد
نازک	۲۶	۵۹/۰۹
متوسط	۴	۹/۰۹
کلفت	۱۲	۲۷/۲۷
دو برابر کلفت	۲	۴/۵۵
سه برابر	—	—
جمع	۴۴	۱۰۰/۰۰

دهان ، دندان = لبها دارای برگشتگی معمولی بود بجز در مورد سا  
نفرازا این عده که دو نفر آنها لب برگشتگی بیش از حد داشتند .

دندانها

بسی	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
برابر	۱	۲/۷۰	هیچ	۱۷	۴۰/۶۸	کامل	۳۱	۸۱/۵۸
جلو	۳۰	۸۱/۰۸	۴-۱	۱۵	۳۵/۷۱	ناقص	۷	۱۸/۴۲
خیلی جلو	۶	۱۶/۲۲	۸-۵	۳	۴/۷۶	جمع	۳۸	۱۰۰/۰۰
جمع	۳۷	۱۰۰/۰۰	۱۶-۹	۳	۴/۷۶			
			+ ۱۷	۵	۱۱/۹۰			
			همه	۱	۲/۳۸			
			جمع	۴۲	۹۹/۹۹			
وسیع	تعداد	درصد	فروتنی	تعداد	درصد	گرم جودگی	تعداد	درصد
خیلی پهن	۲	۱۳/۳۳	هیچ	۱۳	۵۲/۰۰	هیچ	۱۷	۵۱/۵۲
	۲	۱۳/۳۳	کم	۱	۴/۰۰	کم	—	—
متوسط	۱	۶/۶۷	زیاد	—	—	زیاد	۱۱	۲۳/۲۳
خوب	۴	۲۶/۶۷	خیلی زیاد	۱۱	۴۴/۰۰	خیلی زیاد	۵	۱۵/۱۵
خیلی خوب	۶	۴۰/۰۰	جمع	۲۵	۱۰۰/۰۰	جمع	۲۳	۱۰۰/۰۰
جمع	۱۵	۱۰۰/۰۰						

دندانها = از حیث بهم جفت شدگی شبیه دندان اروپائیان است ولی شش نفر (۱۶/۲۲ درصد) دندانهای جلوآمده داشتند. تعداد قلیل دندان افتادگی این گروه نشانه آن است که وضع دندان آنها نسبتاً خوب بوده است. از نظر فرسودگی اصطکاک با سنگ ریزه در نان محلی بدون شك دردندانها تأثیر داشته است. شاید تعداد نسبتاً زیاد افرادی که کرم خوردگی دندان داشتند (۴۸/۴۸ درصد) بهمین جهت باشد. دندانهای رویهم افتاده فقط در مورد يك نفر مشاهده شد. برجستگی استخوان گونه در میان این گروه زیاد دیده شد. در مورد هفت نفر برجستگی افقی متوسط و چهار نفر برجستگی افقی قابل ملاحظه مشاهده شد.

عضلات = اغلب افراد بنظر میرسید که خوب نمو کرده باشند. افراد شماره ۳۴۳۲ (تصویر ۵۸ - شکل ۲۹) و شماره ۳۴۳۷ (تصویر ۶۱ - شکل ۴۳) و شماره ۳۴۴۰ (تصویر ۱۱ - شکل ۲۹) و تصویر ۵۷ - (شکل ۴۳) سینه فراخ داشتند. وضع سلامتی عمومی افراد خوب بود و عده کمی در طبقه بندی بد قرار گرفتند. تبهای مختلف در میان آنها وجود داشت. وجود چالهای آب ساکن در بستر رودخانه محل پیدایش پشه مالاریا و انواع و اقسام مگس میباید که بعضی از آنها سخت گاز میگیرند. نویسنده يك نفر را مشاهده کرد که تب شدید داشت و او پیرمردی بود که سخت سرفه میکرد و درجه تب او ۱۰۳ درجه بود و نبض او خیلی تند میزد. این مریض را يك زن پیرمرد او میکرد و استعمال بعضی گیاهها را از داخل و خارج تجویز کرده بود.

وضع عضله	تعداد	درصد	وضع سلامتی	تعداد	درصد
ضعیف	۱	۲/۱۷	بد	۱	۲/۱۷
متوسط	۷	۱۵/۲۲	متوسط	۷	۱۵/۲۲
خوب	۲۳	۵۰/۰۰	خوب	۳۵	۷۶/۰۹
عالی	۱۵	۳۲/۶۱	عالی	۳	۶/۵۲

جمع ۴۶ ۱۰۰/۰۰ جمع ۴۶ ۱۰۰/۰۰

لا اقل ۲۵ درصد افراد از دهان تنفس میکردند که نشانه اختلال غدهها است. بررسی صورت این اشخاص قیافه احمقانه و بینی باریک و دهان باز که علامت پریشانی حواس و عدم توجه است نشان میداد.

از میان این گروه چهار نفر دارای علامت آبله بودند. موارد مخصوص

ناتوانی، ونقص غیرعادی افراد ازقرار زیر است :

شماره	ناتوانی
۳۴۰۹	واکنش‌ها کند.
۳۴۱۲	نبض تند - رعشه دارد که ممکن است در اثر سفلیس باشد.
	واکنش زانوی چپ کند.
۳۴۳۴	از کودکی کمر لال بوده. آبله داشته است.
۳۴۵۲	حال خواب آلود و واکنش‌های کند و نشانه اعتیاد باقی‌نمانده است
	نشانه خال کوبی یا علامت استعمال حنا بر رویا دست یا پا در میان این عده
	روستائیان مشاهده نشد.

## تجزیه آماری ده نشینان یزدخواست

اهالی یزدخواست با اینکه محل سکونت آنها بین قشائیها و بختیاریها واقع نشده بهیچ ایل یا قبیله تعلق ندارند .

بررسی اندازه‌ها و شاخص‌ها خصوصیات جالب توجهی نشان می‌دهد. از لحاظ سن در میان گروه یزدخواست تنوع قابل ملاحظه مشاهده شد و میانگین سن گروه ۳۸ سال بود.

قد = حدمتوسط قد گروه (۱۶۴/۷۹) کمی زیر حد وسط قد مردم این ناحیه دنیا است و حد ۱۵۲ تا ۱۷۸ نشان میدهد که افراد جوان میانگین حقیقی قریه را پایین تر آورده اند. بیش از نیمی از افراد گروه از حیث قد متوسط بودند و بقیه بین طبقات بلند و کوتاه تقریباً بطور تساوی تقسیم شدند.

وقتی این گروه را بر طبق سیستم کیت Keith طبقه بندی کنیم نتایج زیر بدست می آید .

قد در حال نشسته ( طول بدنه )

جمع		X-٧٤٩		٧٥٠-٧٩٩		٨٠٠-٨٤٩		٨٥٠-٨٩٩		X-٩٠٠		تعداد
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
٢١/٧٠	١٠	٠	٠	٢/١٧	١	١٣/٠٢	٦	٦/٥١	٣	٠	٠	٠
٥٦/٤٢	٢٦	٠	٠	٣٢/٥٥	١٥	٢٣/٨٧	١١	٠	٠	٠	٠	٠
٢١/٧٠	١٠	٢/١٧	١	١٩/٥٣	٩	٠	٠	٠	٠	٠	٠	٠
٩٩/٨٢	٤٦	٢/١٧	١	٥٤/٢٥	٢٥	٣٦/٨٩	١٧	٦/٥١	٣	٠	٠	٠



در طبقه بلند ترین طول بدنه وقد ایستاده هیچ فردی وجود نداشت . در انتهای دیگر جدول باینکه  $21/70$  درصد افراد در طبقه کوتاه قد بودند فقط يك نفر ( $2/17$  درصد) دارای بدنه خیلی کوتاه است این فرد (شماره ۳۴۳۸) که قد ایستاده او  $1597$  است بدنه خیلی کوتاه ( $657$ ) دارد . بطوریکه شاخص نسبی قدنشسته  $41/1$  میشود . بیست و پنج نفر ( $54/25$  درصد) دارای بدنه کوتاه و بیست و شش نفر ( $56/42$  درصد) از حیث قد متوسط ( $160 - 169/9$ ) میباشند . شاخص نسبی قد نشسته گروه ( $48/16$ ) نسبتاً طول بدنه کوتاهتری از سه گروه دیگر ایران نشان میدهد .

بطور کلی مردان یزدخواست بعلت کوتاهی بدنه ( $79/66$ ) از حیث قد متوسط هستند و قد آنها کوتاهتر از گروههای دیگر بررسی شده در ایران میباشد . این افراد برای آزمایش لباس خود را در نیاوردند ولی معلوم بود که اکثر آنها از حیث نمودن متوسط هستند و خصوصیات غیر عادی در آنها مشاهده نشد . هیچیک از آنها خیلی چاق یا خیلی لاغر نبود بین آنها و نوع معمولی اروپائی اختلافات مشخصی در قسمتهای مختلف بدن مشاهده نشد . دست و پای آنها بطور کلی متناسب و از حیث اندازه متوسط بود .

اندازه سر = طول سر ( $192/51$ ) در بین چهار گروه از همه درازتر و عرض سر ( $141/55$ ) متوسط بود بطوریکه شاخص سر آنها ( $73/50$ ) درازترین سر گروههای بررسی شده ایران را نشان میدهد . اکثریت آنها ( $80$  درصد) سر دراز بودند . (رجوع شود بصفحه ۴۴۱)

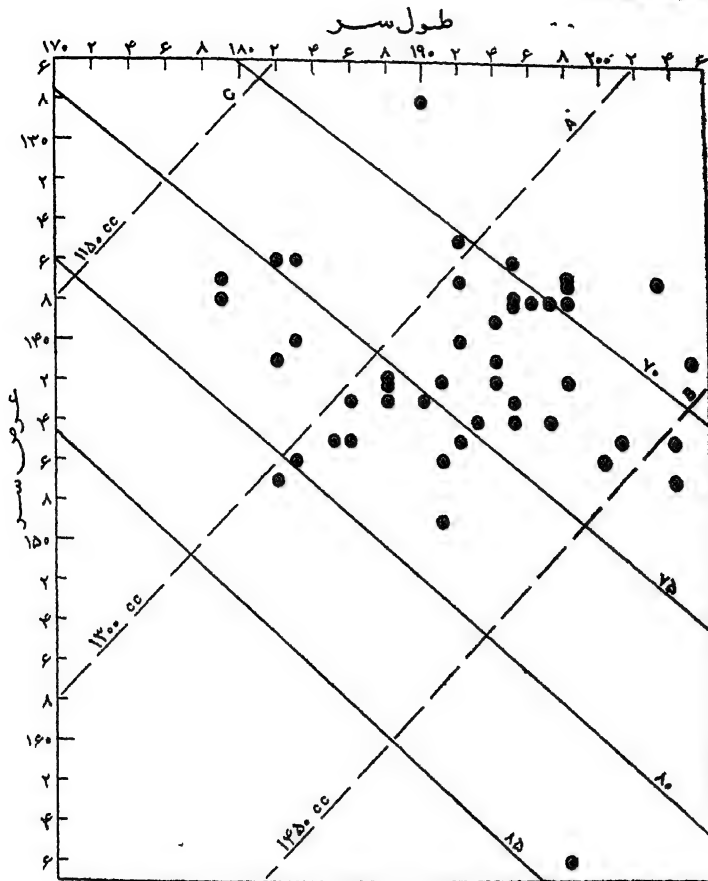
#### گروه طبق شاخص سر

سر	تعداد	٪	70/-X	تعداد	٪	70/0-70/1	تعداد	٪	79/9-70/1	تعداد	٪	84/9-80/0	X-80	جمع
کوچک	1	2/17	3	6/51	4	8/68	0	0	0	0	0	0	8	17/36
متوسط	6	12/02	12	36/89	11	23/87	1	2/17	0	0	0	0	30	75/90
بزرگ	0	0	2	4/34	0	0	0	0	0	0	0	0	3	6/51
جمع	7	15/19	22	47/74	15	32/55	1	2/17	1	2/17	1	2/17	46	99/82

در بین آنها افراد خیلی سرد را یا سرم متوسط یا سر کوتاه و سر کوتاه کوچک وجود نداشت در طبقه خیلی سر کوتاه یک نفر قرار داشت . طبقه سر کوچک هشت نفر داشت (۱۷/۳۶ درصد) که یکی از آنها خیلی سرد را بود (۷۰-۷۵) . در این سری محدود فقط دو نفر سر بزرگ داشتند که هر دو در طبقه سرد را (۷۵/۰-۷۰/۱) قرار گرفته بودند . سی و پنج نفر (۷۵/۹۵ درصد) از لحاظ اندازه سرم متوسط و بیست و دو نفر (۴۷/۷۴ درصد) سرد را بودند . وجود شش نفر (۱۳/۰۲ درصد) در طبقه سرم متوسط و خیلی سرد را و تقریباً فقدان افراد سر گرد (۲ نفر) از خصوصیات مهم است . باید در نظر داشت که هفت نفر فرد خیلی سرد را و یک نفر خیلی سر کوتاه در میان آنها بود در هیچ مورد نقص مصنوعی یا در اثر بیماری مشاهده نشد . بنا بر این بطور کلی سر از حیث اندازه متوسط تا کوچک از لحاظ شاخص خیلی سرد را تا سرم متوسط بود و این گروه سرد را ترین گروه های مورد بررسی شده ایران بشمار می آیند .

در جدول تطبیقی در صفحه مقابل می بینیم که شاخص سر یزدخواست (۷۳/۵۰) خیلی نزدیک به میانگین نوع مدیترانه اولی است که در عراق در صلوبه مشاهده شد .

دکتر و بانو کریشنر Krischner طول و عرض سر ۵۱ مرد را در آباده که در سی و پنج میلی جنوب یزدخواست در سر راه اصفهان به شیراز قرار دارد اندازه گیری کردند .



شکل ۱۵- طول و عرض و ظرفیت سرچهل و شش ده نشین یزدخواست

طبقه بندی شاخص های حاصله کاملاً با سیستم هاروارد قابل مقایسه نیست زیرا در تقسیم طبقات اختلاف جزئی وجود دارد. میانگین شاخص سر ۷۲/۶۷٪ در مقابل ۷۳/۵۰ در مورد اهالی یزدخواست است. در میان ده نشینان آباده درجه سردرازی کمی زیادتر است ولی ممکن است این در اثر تغییر خطوط طبقه بندی باشد و بطور کلی شباهت بین این دو گروه از نظر شکل سر جالب توجه است.

\* این معدل از روی ارقام این شکل بدست آمد:

Kappers, 1932, P. 12, Fig. 7.

شاخص سر مردان آباده

مجموع	سر کوتاه	سر متوسط	سر دراز	
	( $x-83/0$ )	( $82/9-77/0$ )	( $76/9-x$ )	
تعداد	۵۱	۵	۴۵	
درصد	۹۹/۹۹	۱/۹۶	۸۸/۲۳	

پیشانی عریض قابل مقایسه با حد متوسط شکل اروپائیان است و در استخوان بیخ بینی فرورفتگی مختصر تا متوسط وجود دارد. برآمدگیهای فوق حذقه مختلف است و درمورد فرد حامی (شماره ۳۴۴۷) کوچک و در مورد فرد شماره ۳۴۱۲ (تصویر ۶۱- شکل ۱ و ۲) بزرگ است ولی موارد فرد اخیر استثنائی است.

حداکثر عرض سر (۱۴۱/۵۵) و حداقل قطر پیشانی (۱۱۲/۷۸) را بطریق زیر میتوان جدول بندی کرد.

حد اقل قطر پیشانی

مجموع	x-120	119-110	109-100	99-x	
تعداد /	تعداد /	تعداد /	تعداد /	تعداد /	عرض سر
۲/۱۷	۱	۰	۲/۱۷	۱	۱۲۹-۱۲۰
۲۴/۷۲	۱۶	۰	۲۱/۷۰	۱۰	۱۳۹-۱۳۰
۶۰/۷۶	۲۸	۶/۵۱	۴۵/۵۷	۲۱	۱۴۹-۱۴۰
۲/۱۷	۱	۰	۲/۱۷	۱	x-۱۵۰
مجموع	۴۶	۶/۵۱	۷۱/۶۱	۳۳	۲۱/۷۰

قطر پیشانی باریک وجود ندارد و فقط يك سر خیلی باریک دیده میشود.

يك سر (شماره ۳۴۱۰ تصویر ۸- شکل ۱ و ۲ و تصویر ۴۹- شکل ۱ و ۲) پیشانی عریض و سر خیلی پهن داشت اگر چه ۷۱/۶۱ در صد این گروه پیشانی عریض دارند فقط ۶۰/۷۶ در صد دارای سر پهن میباشند. بزرگترین طبقه واحد این جدول شامل بیست و يك مرد (۴۵/۵۷ درصد) است که هم سر عریض و هم پیشانی عریض دارند. از طرف دیگر در مقابل ۲۱/۷۰ درصد دارای پیشانی باریک میباشند ۳۴/۷۲ درصد سر باریک دارند. مردان یزد خواست سر عریض و قطر

پیشانی عریض و تمایل کلی کم به باریکی دارند.

اندازه‌های صورت = عرض فکین (۱۰۹/۵۸) که در سری بررسیهای ایران از همه عریضتر است و حداقل قطر پیشانی (۱۱۲/۷۸) بزرگ نتیجه‌اش صورت مربع شکل میشود. بنظر میرسد که عضلات فك سفلی نمو غیرعادی دارد (شماره ۳۴۱۹- تصویر ۵۴- شکل ۱ و ۲) بطور کلی پس سر برجستگی ندارد. گوش خوش شکل و بطرز عادی نزدیک سرقرار دارد اگر چه در چند مورد بطور قابل ملاحظه جلو آمده است (شماره ۳۴۴۸- تصویر ۵۱- شکل ۱ و ۲). اغلب افراد کلاه پهلوی بسر میگذارند که در شکل گوش تأثیری ندارد ولی تصور میرود قبل از صدور فرمان اخیر مربوط به کلاه عمامه و کلاه نمادی مرسوم بود و اکنون که فرمان مزبور لغو شده کلاه فرنگی جای آنرا خواهد گرفت. در زاویه گوش که متمایل به تقریباً عمودی است بجز در چند مورد مانند شماره ۳۴۳۹ (تصویر ۶۳- شکل ۱ و ۲) تفاوت زیادی مشاهده نمیشود، جدائی پره گوش گاهی تقریباً نامعلوم است (شماره ۳۴۲۸- تصویر ۶۰- شکل ۱ و ۲).

بررسی عرض نسبی صورت اطلاعات زیر را آشکار میسازد.

#### عرض دوگونه

مجموع		X-۱۳۵		۱۳۴-۱۲۵		۱۲۴-X		طول کل صورت
تعداد	/	تعداد	/	تعداد	/	تعداد	/	
۱۵/۱۹	۷	۶/۵۱	۳	۸/۶۸	۴	۰	...	X-۱۱۴
۵۲/۰۸	۲۴	۲۱/۷۰	۱۰	۳۰/۳۸	۱۴	۰	...	۱۲۴-۱۱۵
۳۲/۵۵	۱۵	۱۹/۵۳	۹	۱۲/۰۲	۶	۰	...	X-۱۲۵
۹۹/۸۲	۴۶	۴۷/۷۴	۲۲	۵۲/۰۸	۲۴	۰	...	مجموع

حد متوسط عرض دو گونه ۱۳۴/۵۰ و حد متوسط طول کل صورت ۱۲۱/۰۰

میباشد .

جدول بالا نشان میدهد که افراد دارای عرض دو گونه باریک وجود ندارند ولی ۱۵/۱۹ درصد صورت کوتاه دارند . پانزده مرد (۳۲/۵۵ درصد) صورت دراز و نه نفر آنها دارای صورت عریض نیز هستند . بیست و چهار نفر

( ۵۲/۰۸ درصد ) طول کل صورتشان متوسط و تقریباً همان مقدار افراد دارای حداکثر عرض صورت متوسط میباشد. مردان یزدخواست دارای صورتی هستند که از لحاظ طول متوسط و متمایل به حد اکثر و حد وسط عرض میباشد و تعداد افراد سمت عریض جدول زیادتر است زیرا بیست و دو نفر ( ۴۷/۷۴ درصد ) در طبقه عریض واقع میشوند.

طبق طبقه بندی سه گانه هاروارد بیست و چهار نفر ( ۵۲/۱۷ درصد ) دارای صورت باریک و فقط پنج نفر ( ۱۰/۸۷ درصد ) دارای صورت پهن میباشد .

تناسب عمودی صورت از جدول زیر بدست می آید.

طول قسمت علیای صورت

مجموع	۷۶-۷۰		۷۰-۶۹		۶۹-۶۴		۶۴-۶۳		
تعداد	نسبت	تعداد	نسبت	تعداد	نسبت	تعداد	نسبت	تعداد	کل صورت
۶/۵۱	۳	...	۰	-	۰	۲/۱۷	۱	۴/۳۴	۲
۴۵/۵۷	۲۱	...	۰	۱۰/۸۵	۵	۲۶/۰۴	۱۲	۸/۶۸	۴
۳۰/۳۸	۱۴	۴/۳۴	۲	۱۹/۵۳	۹	۶/۵۱	۳	...	۰
۱۷/۳۶	۸	۱۰/۸۵	۵	۶/۵۱	۳	...	۰	...	۰
۹۹/۸۲	۴۶	۱۵/۱۹	۷	۳۶/۸۹	۱۷	۳۴/۷۲	۱۶	۱۳/۰۲	۶
									مجموع

باز کوتاهی طول کل صورت در این گروه مشاهده میشود . شش نفر ( ۱۳/۰۲ درصد ) قسمت علیای صورتشان کوتاه و سه نفر طول کل صورتشان کوتاه است. هشت نفر ( ۱۷/۳۶ درصد ) از لحاظ طول قسمت علیا و قسمت سفلی صورت حد وسط هستند. طول کل صورت طبقه در اثر تقلیل طول قسمت علیای صورت تغییر میکند و این امر ظاهراً در میان مردان یزدخواست وجود داشته زیرا اگر چه ارتفاع کل صورت برای سری بررسی های ایران کم است شاخص نسبی صورت ( ۵۷/۵ ) پائین تر از شاخص سه گروه دیگر ( یعنی لرها ۶۲/۱ و اهالی کناره ۵۸/۶ و یهودیها ۵۸/۶ ) میباشد. افراد در دو انتهای جدول یعنی دراز و کوتاه در اندازه ها مسئول تمایل کوتاهی قسمت علیای صورت که از شاخص مشاهده میشود میباشد. پنج نفر ( ۱۰/۸۵ درصد ) دارای صورت گوسفند شکل میباشد.

بطور کلی طول قسمت علیای صورت و طول کل صورت بطور اعتدال کوتاه است. بینی درسی مورد (۶۵/۲۲ درصد) باریک (X-۶۷/۴) و درمورد دوفرد (۴/۳۵ درصد) پهن است (طبق طبقه بندی هاروارد). در این گروه حد متوسط طول بینی ۵۱/۲۲ و عرض آن ۳۲/۸۴ است، وقتی اندازه ها جدول بندی شود بصورت زیر درمی آید.

## عرض بینی

۲۹-X		۳۵-۳۰		۴۱-۳۶		X-۴۲		مجموع	
تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪
۱	۲/۱۷	۱۱	۲۳/۸۷	۳	۶/۵۱	۰	۰	۱۵	۳۲/۵۵
۵	۱۰/۸۵	۱۵	۳۲/۵۵	۷	۱۵/۱۹	۰	۰	۲۷	۵۸/۵۹
۱	۲/۱۷	۱	۲/۱۷	۲	۴/۳۴	۰	۰	۴	۸/۶۸
۱۰/۱۹	۲۷	۵۸/۵۹	۱۲	۲۰/۰۴	۰	۰	۰	۴۶	۹۶/۸۲

این جدول نشان میدهد که افراد خیلی بینی پهنی در میان آنها وجود ندارند و فقط هفت نفر (۱۵/۱۹ درصد) در طبقه خیلی بینی باریک هستند. ۴ نفر (۸/۶۸ درصد) بینی دراز (X-۶۰) دارند. بیست و هفت نفر (۵۸/۵۹ درصد) دارای بینی بطول متوسط و بهمان تعداد بینی از لحاظ عرض متوسط دارند. مردان یزدخواست بینی متوسط تا کوتاه از حیث طول و متوسط تا باریک از لحاظ عرض دارند.

## بررسی تصویری

بررسی عکسها نشان میدهد که این ده نشینان هم از جلو و هم از نیمرخ دارای خصوصیات مردم قسمت شرقی جنوب غربی آسیا میباشند. بجز چند مورد استثنائی بطور وضوح با مردم نژاد عرب عراق فرق دارند و نیز شباهتی به کردها و ترکمنها و آسوریها و یزیدیهای کردستان ندارند. در حال حاضر در یزدخواست عناصر نژاد یا نژادهای اساسی و اولیه وجود دارد که با مردمان مدیترانه و نوردیک و حامی و ارمنی و آلپی مخلوط شده اند.

بطور کلی این ده نشینان بیش از گروههای دیگری که در جنوب غربی

آسیامورد بررسی قرار گرفتند قابل تقسیم بندی و طبقه بندی می باشند. بررسیهای تصویری طبقه بندیهای اختیاری زیر را آشکار میسازد.

شماره افراد	گروه
۳۴۴۶، ۳۴۴۳	۱- مدیترانه خالص
$\left. \begin{array}{l} ۳۴۲۴، ۳۴۲۱، ۳۴۱۳، ۳۴۱۲، ۳۴۱۱ \\ ۳۴۵۲، ۳۴۴۹، ۳۴۳۶، ۳۴۲۸ \end{array} \right\}$	$\left\{ \begin{array}{l} ۲- مدیترانه و مختصر اختلاط \\ \text{بانژاد آلپی و ارمنی و غیره} \end{array} \right.$
۳۴۲۵، ۳۴۲۳، ۳۴۲۰، ۳۴۱۸، ۳۴۱۴	۳- اتلانتیک و مدیترانه یا نوع
۳۴۴۴، ۳۴۳۹، ۳۴۳۷، ۳۴۳۳، ۳۴۳۰	نوردیک نما یا بینی عقابی ایرانی
۳۴۵۴	
	۴- نوع آلپ نما
۳۴۵۵، ۳۴۱۹	الف - نسبتاً خالص
۳۴۵۳، ۳۴۵۱، ۳۴۳۲، ۳۴۱۰	ب - نوع یا صورت پهن دیگر
۳۴۴۸، ۳۴۴۰، ۳۴۲۲، ۳۴۱۷، ۳۴۰۹	۵- نوع ارمنی و اناطولی
۳۴۴۷	۶- نوع حامی
۳۴۴۲	۷- نوع سیاه پوست
<p>نوع مدیترانه تا حدی باریک و دارای پیشانی مدور و پس سر برآمده و صورت بیضی شکل صاف و بینی صاف و چانه نوک تیز دارای برجستگی متوسط می باشد. رجوع شود به فرد شماره ۳۴۴۳ (تصویر ۱- شکل ۱ و ۲ و تصویر ۶۲- شکل ۱ و ۲) و فرد شماره ۳۴۴۶.</p> <p>نوع دیگر دارای صورت دراز و بینی بزرگ غالباً محدب است. بطور کلی از حیث ظاهر تقریباً شبیه نوع اروپائی شمالی است بجز از لحاظ رنگ و تا حدی مطابقت دارد با نوع اتلانتیک و مدیترانه که دنیکر Deniker شرح داده است (ص ۵۲۰).</p>	
<p>فرد شماره ۳۴۴۷ (تصویر ۹ - شکل ۲۰۱ و تصویر ۵۷ - شکل ۲۰۱)</p> <p>نوع حامی است و علائم و نشانه این نژاد در تمام مردم یزدخواست دیده میشود.</p> <p>بقیه عکسها نوع صورت بزرگ (گروه چهارم) و نوع صورت کوتاه (گروه دوم) و انواع اشکال مختلف بین این دورا آشکار میسازد.</p>	

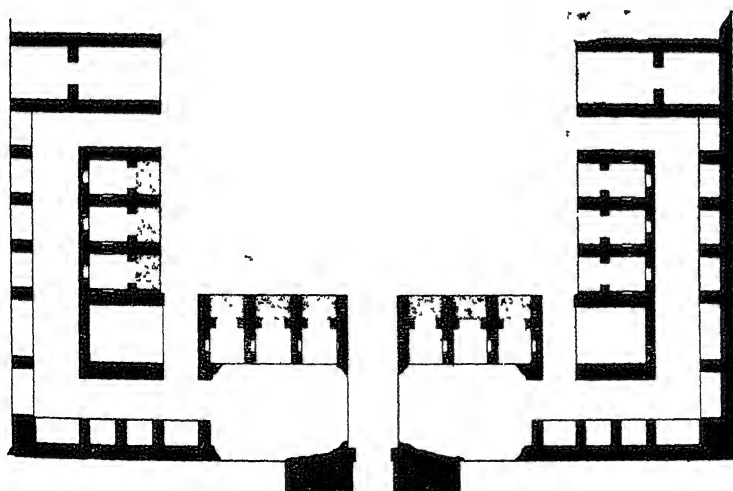


فرد شماره ۳۴۴۲ آثار قطعی خون نژاد سیاهپوست داشت و بهمین جهت ازسری حذف شد .

فرد شماره ۳۴۲۶ که سن وی متجاوز از ۸۲ سال بود از معدل‌ها حذف گردید .

پس از پایان اقامت و مسافرت یزدخواست بسمت جنوب رو به تخت جمشید حرکت کردیم .

جاده یزدخواست از تپه شیب‌داری بن قبرستان و تپه حصار مانند بلندی که شهر کهنه بر فراز آن ساخته شده میگذرد . در دره بین جاده و قبرستان غارهای متعددی دیده میشود که سقف آنها از دود سیاه شده و نشانه آن است که کسانی در آنها زندگی میکرده اند اگر چه اکنون فقط مورد استفاده شبانان است که در گرمای وسط روز و سرمای شب زمستان با نجا پناه می‌آورند . روی دیوار غارها نقوشی کشیده شده ولی نوشته یا کتیبه که قابل ملاحظه باشد یافت نشد . سطح خشن سنگ قابل حجاری و سنگ تراش نیست .



شکل ۱۶ - نقشه کاوانسرای یزدخواست

آب مشروب شهر از چاه‌هایی که در بستر رودخانه قرار داد تأمین می‌شود . وقتی درامداد دره بسمت مغرب نگاه کنیم در طرف چپ صخره‌هایی دیده میشود

که در حدود صدمتراز سطح رودخانه ارتفاع دارد قطعات بزرگه کلوخه که بوسیله عوامل زمین شناسی از صخره ها جدا شده در اطراف پراکنده است . اگرچه در یزدخواست آبیاری رسم نیست در دره غله کاشته میشود و ظاهراً خاک رسوبی نزدیک رودخانه حاصلخیز است .

در انتهای شهر بسمت جنوب جاده در دره عریضی از پل سنگی عظیمی گذشته به کاروانسرائی میرسد (تصویر ۴۸ - شکل ۲۱) که در مقابل رودخانه قرار دارد.

### طبقه بندی مردان یزدخواست

مجموع	قد			
	بلند	متوسط	کوتاه	
	(X-۱۶۹/۵)	(۱۶۹/۴ - ۱۶۰/۶)	(۱۶۰/۵ - X)	
۴۶	۱۰	۲۴	۱۲	تعداد
۱۰۰/۰۰	۲۱/۷۴	۵۲/۱۷	۲۶/۰۹	درصد

### شاخص سر

مجموع	سر			
	سر کوتاه	سر متوسط	سر دراز	
	(X-۸۲/۶)	(۸۲/۵ - ۷۶/۶)	(۷۶/۵ - X)	
۴۶	۲	۷	۳۷	تعداد
۱۰۰/۰۰	۴/۳۵	۱۵/۲۲	۸۰/۴۳	درصد

### شاخص کل صورت

مجموع	صورت			
	صورت باریک	صورت متوسط	صورت پهن	
	(X-۸۹/۵)	(۸۹/۴ - ۸۴/۶)	(۸۴/۵ - X)	
۴۶	۲۴	۱۷	۵	تعداد
۱۰۰/۰۰	۵۲/۱۷	۳۶/۹۶	۱۰/۸۷	درصد

### شاخص بینی

مجموع	بینی			
	بینی پهن	بینی متوسط	بینی باریک	
	(X-۸۳/۵)	(۸۳/۴ - ۷۷/۵)	(۷۷/۴ - X)	
۴۶	۲	۱۴	۳۰	تعداد
۱۰۰/۰۰	۴/۳۵	۳۰/۴۳	۶۵/۲۲	درصد

## اندازه ها و شاخص های مردان یزدخواست

اندازه ها	تعداد	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
سن	۴۶	۷۰-۲۰	$1/17 \pm 37/85$	$.83 \pm 11/80$	$2/19 \pm 31/18$
قد	۴۶	۱۷۸-۱۵۲	$.55 \pm 164/79$	$.39 \pm 5/58$	$.24 \pm 3/39$
قد نشسته	۴۶	۸۹-۷۲	$.35 \pm 79/66$	$.25 \pm 3/51$	$.31 \pm 4/41$
طول سر	۴۶	۲۰۵-۱۷۹	$.65 \pm 192/51$	$.46 \pm 6/57$	$.24 \pm 3/41$
عرض سر	۴۶	۱۶۷-۱۲۶	$.55 \pm 141/55$	$.39 \pm 5/52$	$.27 \pm 3/90$
حداقل قطر پیشانی	۴۶	۱۲۸-۱۰۵	$.47 \pm 112/78$	$.33 \pm 4/72$	$.29 \pm 4/19$
قطر دو گونه	۴۶	۱۴۹-۱۲۵	$.50 \pm 134/50$	$.36 \pm 5/05$	$.26 \pm 3/75$
قطر دوفک	۴۶	۱۲۵-۹۸	$.58 \pm 109/58$	$.41 \pm 5/88$	$.38 \pm 5/37$
طول کل صورت	۴۶	۱۳۹-۱۰۵	$.76 \pm 121/00$	$.54 \pm 7/65$	$.44 \pm 6/32$
طول قسمت علیای صورت	۴۶	۸۴-۵۰	$.60 \pm 69/60$	$.43 \pm 6/05$	$.61 \pm 8/69$
طول بینی	۴۶	۶۷-۳۶	$.55 \pm 51/22$	$.39 \pm 5/52$	$.76 \pm 10/78$
عرض بینی	۴۶	۴۲-۲۵	$.32 \pm 32/84$	$.23 \pm 2/24$	$.69 \pm 9/87$

# اندازه‌ها و شاخص‌ها... دنباله

اندازه‌ها	تعداد	حدود	میانگین	S.D.	C. V.
طول گوش	۴۶	۷۱-۴۴	۰/۵۳±۵۸/۷۰	۰/۳۷±۵/۲۸	۰/۶۳±۸/۹۹
عرض گوش	۴۶	۴۶-۳۲	۰/۳۰±۳۵/۶۱	۰/۲۱±۲/۹۷	۰/۵۹±۸/۳۴
شاخص‌ها					
قد	۴۶	۵۱-۴۰	۰/۱۸±۴۸/۱۶	۰/۱۳±۱/۷۸	۰/۲۶±۳/۷۰
س	۴۶	۸۸-۶۵	۰/۴۲±۷۳/۵۰	۰/۳۰±۴/۲۳	۰/۴۱±۵/۷۶
پیشانی و فرق	۴۶	۸۹-۶۹	۰/۳۲±۷۹/۹۹	۰/۲۲±۳/۱۸	۰/۲۸±۳/۹۸
گونه و پیشانی	۴۶	۹۵-۷۶	۰/۲۸±۸۴/۱۰	۰/۲۰±۲/۸۰	۰/۲۳±۳/۳۳
گونه و فک	۴۶	۸۹-۷۵	۰/۳۳±۸۱/۲۸	۰/۲۳±۲/۳۰	۰/۲۹±۴/۰۶
صورت	۴۶	۱۰۴-۸۰	۰/۴۹±۹۰/۱۵	۰/۳۴±۴/۹۰	۰/۳۸±۵/۴۴
قسمت‌های صورت	۴۶	۶۶-۴۰	۰/۴۷±۵۱/۸۳	۰/۳۳±۴/۷۱	۰/۶۴±۹/۰۹
بینی	۴۶	۹۱-۴۸	۰/۹۳±۶۴/۶۲	۰/۶۶±۹/۳۲	۱/۰۱±۱۴/۴۲
گوش	۴۶	۸۰-۴۹	۰/۷۰±۶۱/۹۸	۰/۴۹±۷/۰۰	۰/۷۹±۱۱/۲۹

## ده نشیمنان یزد دخواست - اندازه ها

عرض	طول	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دو گوشه	حد اقل قطر پیشانی	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نفسه	قد	سن	شماره	
۳۶	۵۴	۶۸	۱۲۲	۱۰۹	۱۳۷	۱۱۴	۱۴۶	۲۰۰	۸۳۷	۱۷۲/۲	۲۸	۳۴۰۸
۳۱	۵۰	۷۱	۱۱۹	۱۱۲	۱۳۰	۱۰۷	۱۳۸	۱۹۵	۷۹۷	۶۱/۷	۳۷	۳۴۰۹
۳۲	۴۵	۶۵	۱۱۹	۱۱۲	۱۳۳	۱۱۴	۱۶۶	۱۹۸	۸۳۵	۱۷۲/۴	۲۳	۳۴۱۰
۳۰	۵۱	۷۰	۱۱۷	۱۱۲	۱۳۴	۱۱۵	۱۳۹	۱۹۴	۸۲۸	۱۶۵/۵	۲۷	۳۴۱۱
۳۶	۵۱	۷۲	۱۲۴	۱۱۹	۱۳۸	۱۱۷	۱۴۳	۱۹۵	۷۵۷	۱۶۵/۰	۴۰	۳۴۱۲
۳۵	۴۷	۶۵	۱۱۶	۱۰۵	۱۳۴	۱۱۵	۱۴۳	۱۸۸	۷۶۵	۱۶۳/۰	۴۵	۳۴۱۳
۳۶	۶۴	۷۲	۱۱۷	۱۰۶	۱۳۷	۱۱۰	۱۴۳	۱۸۶	۷۵۰	۱۵۵/۳	۷۰	۳۴۱۴
۳۶	۵۴	۷۰	۱۳۱	۱۱۹	۱۴۱	۱۱۶	۱۴۳	۱۹۰	۷۸۴	۱۶۰/۶	۳۰	۳۴۱۵
۳۷	۴۸	۶۷	۱۱۴	۱۱۱	۱۴۲	۱۱۸	۱۴۲	۱۸۸	۷۹۶	۱۷۲/۰	۳۲	۳۴۱۶
۳۳	۴۹	۶۸	۱۲۲	۱۰۸	۱۳۴	۱۱۷	۱۴۲	۱۸۸	۸۴۰	۱۶۴/۰	۲۳	۳۴۱۷
۳۳	۵۳	۷۱	۱۲۹	۱۱۶	۱۳۹	۱۱۲	۱۴۲	۱۹۸	۸۰۹	۱۷۱/۵	۶۰	۳۴۱۸
۳۴	۴۱	۶۳	۱۰۸	۱۱۲	۱۳۲	۱۱۲	۱۴۲	۱۹۴	۸۰۴	۱۶۶/۸	۳۰	۳۴۱۹
۳۲	۵۲	۷۱	۱۲۸	۱۱۴	۱۳۷	۱۱۲	۱۴۲	۱۹۱	۸۸۶	۱۷۲/۵	۶۰	۳۴۲۰

## ده نشینان یزدگو است - شاخص‌ها

شمار	طول گوش	عرض گوش	قد نسبی	سر	پیشانی و آهنگ	صورت	قسمت		گوش	گوش فکین	گوش و پیشانی
							علاقی	بینی			
۳۴۰۰	۶۳	۳۸	۴۸/۶	۷۳/۰	۷۸/۱	۸۹/۱	۴۹/۶	۶۶/۷	۶۰/۳	۷۹/۶	۸۳/۲
۳۴۰۱	۵۰	۳۷	۴۹/۳	۶۹/۹	۷۸/۳	۹۱/۵	۵۴/۶	۶۲/۰	۷۴/۰	۸۶/۲	۸۲/۳
۳۴۱	۵۶	۳۳	۴۸/۴	۸۳/۴	۶۸/۷	۸۹/۵	۴۸/۹	۷۱/۱	۵۸/۲	۸۴/۲	۸۵/۷
۳۴۱	۵۴	۳۶	۵۰/۰	۷۱/۱	۸۲/۷	۸۷/۳	۵۲/۲	۵۸/۸	۶۶/۷	۸۳/۶	۸۵/۸
۳۴۱	۵۳	۳۸	۴۵/۱	۷۳/۳	۸۱/۸	۸۹/۹	۵۲/۲	۷۰/۶	۷۱/۷	۸۶/۲	۸۴/۸
۳۴۱	۵۵	۳۵	۴۶/۱	۷۶/۱	۸۰/۴	۸۶/۶	۴۸/۵	۷۴/۵	۶۳/۶	۷۸/۴	۸۵/۸
۳۴۱	۷۱	۳۹	۴۸/۱	۷۶/۹	۷۶/۹	۸۵/۴	۵۲/۶	۵۶/۳	۵۴/۹	۷۷/۴	۸۰/۳
۳۴۱	۶۲	۳۱	۴۸/۱	۷۵/۳	۸۱/۱	۹۲/۹	۵۰/۴	۶۶/۷	۵۰/۰	۸۴/۴	۸۲/۳
۳۴۱۶	۵۳	۳۷	۴۶/۰	۷۵/۰	۸۳/۱	۸۰/۳	۴۷/۲	۷۷/۱	۶۹/۸	۷۸/۲	۸۳/۱
۳۴۱۷	۵۴	۳۳	۵۱/۱	۷۵/۵	۸۲/۴	۹۱/۰	۵۰/۸	۶۷/۴	۶۱/۱	۸۰/۶	۸۷/۳
۳۴۱۸	۶۲	۴۰	۴۷/۱	۷۱/۷	۷۸/۹	۹۲/۸	۵۱/۱	۶۲/۳	۶۴/۵	۸۳/۵	۸۰/۶
۳۴۱۹	۵۶	۳۵	۴۸/۱	۷۰/۷	۷۸/۹	۸۱/۸	۴۷/۷	۸۲/۹	۶۲/۵	۸۴/۹	۸۴/۹
۳۴۲	۶۷	۴۱		۷۴/۴	۷۸/۹	۹۳/۴	۵۱/۸	۶۱/۵	۶	۸۳/۶	

## اندازه ها

عرض پیشی	طول پیشی	طول قسمت علیای صورت	عرض فکین	عرض دو قوسه	حداقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد			
۳۲	۴۷	۶۳	۱۰۸	۱۳۶	۱۱۸	۱۴۱	۱۹۴	۸۱۰	۶۲/۴	۳۰	۳۴۲۱
۳۲	۴۵	۶۵	۱۰۴	۱۳۶	۱۰۷	۱۴۱	۱۸۲	۷۷۶	۶۶/۳	۲۷	۳۴۲۲
۳۷	۵۳	۶۸	۱۰۷	۱۴۳	۱۲۰	۱۴۱	۲۰۵	۸۵۳	۷۶/۵	۴۰	۳۴۲۳
۳۹	۵۰	۷۰	۷	۱۳۸	۱۱۳	۱۴۰	۱۹۲	۷۹۵	۵۹/۰	۳۳	۳۴۲۴
۳۴	۵۴	۶۸	۱۴	۱۲۹	۱۰۸	۱۴۰	۱۸۳	۷۵۴	۵۶/۰	۶۰	۳۴۲۵
۳۷	۵۶	۷۱	۰۸	۱۴۰	۱۱۲	۱۳۱	۱۹۱	۷۷۲	۵۷/۷	۸۲	۳۴۲۶*
۲۷	۵۲	۶۹	۰۳	۱۲۹	۱۱۱	۱۲۸	۱۹۰	۷۶۴	۵۷/۹	۳۲	۳۴۲۷
۲۸	۵۳	۷۳	۱۵	۱۳۳	۱۱۵	۱۴۴	۱۹۵	۷۷۲	۶۰/۴	۴۰	۳۴۲۸
۳۷	۶۰	۷۳	۱۸	۱۳۲	۱۱۵	۱۴۴	۱۹۷	۷۸۶	۶۷/۳	۶۰	۳۴۲۹
۳۲	۵۸	۷۹	۰۷	۱۳۴	۱۰۸	۱۴۴	۱۹۳	۸۱۵	۷۳/۸	۴۰	۳۴۳۰
۳۰	۴۳	۶۲	۰۷	۱۳۷	۱۱۲	۱۴۵	۱۸۶	۷۶۳	۶۰/۰	۳۷	۳۴۳۱
۴۰	۴۹	۶۹	۰۷	۱۳۶	۱۱۹	۱۴۵	۱۹۲	۸۱۲	۷۱/۶	۳۵	۳۴۳۲
۳۳	۵۴	۷۳	۰۷	۱۴۱	۱۱۲	۱۴۵	۲۰۱	۸۴۴	۷۱/۵	۵۲	۳۴۳۳

## شاخص ها

ردیف	مردم پیشانی	مردم فکین	گوش	بینی	صورت علیای	صورت	پیشانی آهیاله	قد نسبت به نسبی	عرض گوش	طول گوش	شماره
۸۶/۸	۷۹	۶۷/۹	۶۸/۱	۴۶/۱	۸۳/۱	۸۳/۷	۷۷	۴۹/۹	۳۶	۵۳	۳۴۲۱
۷۸/۷	۷۶/۱	۵۷/۹	۷۱/۱	۴۷/۱	۸۰/۱	۷۵/۹	۷۲	۴۶/۶	۳۳	۵۷	۳۴۲۲
۸۳/۹	۷۴/۱	۵۶/۱	۶۹/۸	۴۷/۱	۸۵/۱	۸۵/۱	۶۸	۴۸/۳	۳۸	۶۶	۳۴۲۳
۸۱/۹	۸۴/۱	۷۴/۵	۷۲/۰	۵۰/۱	۸۸/۱	۸۰/۷	۷۲	۵۰/۰	۳۱	۵۸	۳۴۲۴
۸۳/۷	۸۸/۱	۶۱/۳	۶۳/۰	۵۲/۱	۹۰/۱	۷۷/۱	۷۶	۴۸/۳	۳۸	۶۲	۳۴۲۵
۸۰/۰	۷۷/۱	۶۲/۷	۶۶/۱	۵۰/۱	۸۲/۱	۸۵/۵	۶۸/۶	۴۸/۹	۳۷	۵۹	۳۴۲۶
۸۶/۱	۷۹	۷۷/۸	۵۱/۹	۵۳/۱	۸۶/۱	۸۶/۷	۶۸	۴۸/۴	۴۲	۵۴	۳۴۲۷
۸۶/۵	۸۶	۶۷/۲	۵۲/۸	۵۴/۱	۹۷/۱	۷۹/۹	۷۴	۴۸/۱	۳۹	۵۸	۳۴۲۸
۸۷/۱	۸۹	۶۳/۶	۶۱/۷	۵۵/۱	۸۹	۷۹/۹	۷۳	۴۶/۹	۳۷	۶۹	۳۴۲۹
۸۰/۰	۷۹/۱	۵۳/۳	۵۵/۲	۵۹	۹۸/۱	۷۵/۰	۷۴	۴۶/۹	۳۲	۶۰	۳۴۳۰
۸۱/۸	۷۸/۱	۶۹/۱	۶۹/۸	۴۵	۸۵	۷۷/۲	۷۷	۴۷/۷	۳۸	۵۵	۳۴۳۱
۸۷/۱	۷۸	۷۷/۱	۸۱/۶	۵۰	۸۴	۸۲/۱	۷۵	۴۷/۳	۳۷	۴۸	۳۴۳۲
۸۳/۱	۷۵	۵۵/۲	۶۱/۱	۵۱				۴۹/۲	۳۷	۶۷	۳۴۳۳



# اندازه‌ها

عرض پیشی	طول پیشی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض در دهانه	حد اقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نسبتی	قد		
۲۱	۵۲	۷۱	۱۳۰	۱۶	۱۴۰	۱۱۶	۱۴۵	۲۰۴	۸۱۰	۱۶۵	۳۲	۳۴۳۴
۲۱	۳۸	۵۴	۱۱۵	۰۷	۱۳۳	۰۱۸	۱۴۵	۱۸۵	۷۹۷	۱۶۱/۴	۳۵	۳۴۳۵
۲۱	۴۸	۶۴	۱۱۹	۰۷	۱۳۶	۱۲۶	۱۴۶	۱۸۳	۷۵۵	۱۵۸/۳	۲۵	۳۴۳۶
۲۰	۵۲	۷۱	۱۲۵	۲۲	۱۴۱	۱۲۰	۱۴۶	۱۹۱	۷۷۰	۱۶۲/۵	۴۲	۳۴۳۷
۲۱	۴۵	۶۲	۱۱۸	۰۴	۱۳۶	۱۱۵	۱۴۷	۱۸۲	۶۵۷	۱۵۹/۷	۳۲	۳۴۳۸
۲۹	۶۱	۸۰	۳۶	۱۶	۱۴۱	۱۱۷	۱۴۷	۲۰۴	۸۳۲	۱۶۷/۳	۵۰	۳۴۳۹
۲۹	۵۰	۷۴	۲۶	۱۴	۱۴۸	۱۱۸	۱۴۹	۱۹۱	۸۶۴	۱۷۶/۳	۳۴	۳۴۴۰
۳۴	۴۶	۶۷	۱۷	۰۷	۱۲۸	۱۰۸	۱۲۵	۱۹۲	۷۷۰	۱۵۹/۳	۵۰	۳۴۴۱
۳۷	۴۳	۶۲	۱۴	۹۷	۱۲۳	۱۰۹	۱۳۵	۱۷۳	۷۱۸	۱۴۶/۷	۵۰	۳۴۴۲
۲	۵۴	۶۷	۱۸	۰۵	۱۳۰	۱۱۰	۱۳۶	۱۹۵	۷۷۵	۱۶۴/۴	۴۵	۳۴۴۳
۳	۵۰	۶۵	۱۵	۹۸	۱۲۷	۱۰۲	۱۳۶	۱۸۲	۷۵۲	۱۵۵/	۲۵	۳۴۴۴
۲۱	۵۰	۶۴	۱۳	۱	۱۲۸	۱۰۷	۱۳۶	۱۸۳	۷۶۳	۱۵۲/	۳۳	۳۴۴۵
۳۱	۵۴	۷۳	۲۳	۵	۱۳۲	۱۱۳	۱۳۷	۱۹۸	۸۱۰	۱۶۷/	۳۵	۳۴۴۶

## شاخص‌ها

گروه و پیشانی	گروه و ککین	گوش	بینی	قسمت		صورت	پیشانی و آهانه	عرض	طول	فصلنامه		عرض	طول
				علیای	صور					سبی	سبی		
۸۲/۹	۸۲/۹	۶۳/۲	۶۵/۴	۴/۳	۹۲/۹	۸۰/۰		۳۶	۵۷	۴۴۳۴		۳۶	۵۷
۸۱/۲	۸۰/۵	۵۵/۴	۸۴/۲	۰/۶	۸۶/۵	۷۴/۵	۷۸/	۳۱	۵۶	۳۴۳۵		۳۱	۵۶
۹۲/۷	۷۸/۷	۶۳/۲	۶۴/۶	۴۷/۱	۸۷/۵	۸۶/۳	۷۹/	۳۶	۵۷	۳۴۳۶		۳۶	۵۷
۸۵/۱	۸۶/۵	۵۷/۶	۵۷/۷	۵۰/۴	۹۵/۷	۸۲/۲	۷۶/	۳۴	۵۹	۳۴۳۷		۳۴	۵۹
۸۴/۶	۷۶/۵	۶۲/۱	۵۸/۹	۴۵/۶	۸۶/۸	۷۸/۲	۸۶/	۳۶	۵۸	۳۴۳۸		۳۶	۵۸
۸۳/۰	۸۲/۳	۵۹/۴	۴۷/۵	۵۶/	۹۶/۵	۷۹/۶	۷۲/	۳۸	۶۴	۳۴۳۹		۴۰	۶۴
۷۹/۷	۸۳/۸	۶۲/۵	۷۸/۰	۵۰/	۸۵/۹	۷۹/۲	۷۸/	۳۶	۶۰	۳۴۴۱		۳۶	۶۰
۸۴/۴	۸۳/۶	۶۰/۰	۷۳/۹	۵۲/	۹۱/۴	۸۰/۰	۷۰/	۳۶	۵۴	۳۴۴۲		۳۶	۵۴
۸۸/۶	۷۸/۹	۶۱/۱	۸۶/۱	۵۰	۹۲/۷	۸۰/۷	۷۸/	۳۵	۶۰	۳۴۴۳		۳۵	۶۰
۸۴/۶	۸۰/۸	۵۸/۳	۵۷/۴	۵۱/	۹۰/۸	۸۰/۹	۶۹/	۳۴	۴۵	۳۴۴۴		۳۴	۴۵
۸۴/۳	۷۷/۲	۷۵/۶	۶۰/۰	۵۱	۹۰/۶	۷۷/۹	۷۴/	۳۴	۴۹	۳۴۴۵		۳۴	۴۹
۸۳/۶	۷۸/۹	۶۹/۴	۵۶/۰	۵۰	۸۸/۳	۷۸/۹	۷۳/	۳۴	۴۹	۳۴۴۵		۳۴	۴۹
۸۵/۶	۷۹/۶	۶۰/۷	۶۴/۸	۵۵			۶۹/	۳۴	۵۶	۳۴۴۶		۳۴	۵۶

## اندازه‌ها

شماره	سن	قد	قد نشسته	طول بین برآمدگی پستان و پسر سر	عرض سر	حداقل قطر پیشانی	عرض دو گوشه	عرض فکین	طول صورت	طول قسمت علیای صورت	طول بینی	عرض بینی
۳۴۴۷	۳۳	۱۶۸/۰	۸۳۶	۱۹۸	۱۳۷	۱۱۲	۱۲۸	۱۰۳	۱۳۳	۸۰	۵۸	۳۲
۳۴۴۸	۲۵	۱۶۱/۴	۷۸۶	۱۷۹	۱۳۷	۱۰۵	۱۲۶	۱۰۲	۱۲۸	۸۰	۶۱	۳۵
۳۴۴۹	۳۰	۱۵۸/۴	۷۷۵	۱۹۲	۱۳۷	۱۱۲	۱۲۹	۱۰۵	۱۲۳	۷۶	۵۵	۳۰
۳۴۵۰	۳۰	۱۶۷/۰	۸۰۳	۲۰۳	۱۳۷	۱۱۲	۱۳۳	۱۰۸	۱۲۵	۷۵	۵۰	۳۳
۳۴۵۱	۲۵	۱۶۶/۲	۸۲۸	۱۹۵	۱۳۸	۱۱۴	۱۳۹	۱۱۳	۱۳۱	۷۲	۵۲	۳۶
۳۴۵۲	۴۰	۱۶۵/۵	۷۷۲	۱۹۶	۱۳۸	۱۱۱	۱۳۱	۱۰۷	۱۱۷	۷۲	۵۴	۲۹
۳۴۵۳	۲۷	۱۶۸/۵	۷۶۷	۱۹۷	۱۳۸	۱۰۸	۱۳۵	۱۰۷	۱۱۹	۶۴	۴۴	۳۹
۳۴۵۴	۲۵	۱۶۶/۰	۸۲۱	۱۹۸	۱۳۸	۱۱۲	۱۳۴	۱۱۰	۱۳۰	۷۸	۵۶	۲۸
۳۴۵۵	۳۰	۱۶۷/۰	۷۷۰	۱۷۹	۱۳۸	۱۱۲	۱۳۲	۱۰۴	۱۰۷	۶۱	۴۷	۲۸

\* بعلت سن حذف شد.

\* شماره ۳۴۴۲ تقریباً سیاه پوست خالص بود لذا از همه متوسطها وجودها حذف شد.

## شاخص‌ها

گروه و پیشانی	گروه و فکین	گوش	بینی	قسمت		پیشانی و آه پانه	سر	قد نسبی	عرض گوش	طول گوش	شماره
				علیای	صورت						
۸۷/۵	۸۰/۵	۵۸/۷	۵۵/۲	۶۲/۵	۱۰۳/۹	۸۱/۸	۶۹/۲	۴۹/۷	۳۷	۶۳	۳۴۴۷
۸۳/۳	۸۱/۰	۵۰/۸	۵۷/۴	۶۳/۵	۱۰۱/۶	۷۶/۶	۷۵/۹	۴۸/۷	۳۱	۶۱	۳۴۴۸
۸۶/۸	۸۱/۴	۶۱/۷	۵۴/۶	۵۸/۹	۹۵/۴	۸۱/۸	۷۰/۰	۴۸/۹	۳۷	۶۰	۳۴۴۹
۸۴/۲	۸۱/۲	۵۷/۹	۶۶/۰	۵۶/۴	۹۴/۰	۸۱/۸	۶۷/۴	۴۸/۱	۳۳	۵۷	۳۴۵۰
۸۲/۰	۸۱/۳	۵۴/۰	۶۹/۲	۵۱/۸	۹۴/۲	۸۲/۶	۷۰/۰	۴۹/۸	۳۴	۶۳	۳۴۵۱
۸۴/۷	۸۱/۷	۵۴/۷	۵۳/۷	۵۵/۰	۸۹/۳	۸۰/۴	۷۰/۴	۴۶/۶	۳۵	۶۴	۳۴۵۲
۸۰/۰	۷۹/۳	۵۷/۶	۸۸/۶	۴۷/۴	۸۸/۲	۷۸/۳	۷۰/۰	۴۵/۵	۳۴	۵۹	۳۴۵۳
۸۳/۶	۸۲/۱	۵۶/۵	۵۰/۰	۵۸/۲	۹۷/۰	۸۱/۲	۶۸/۷	۴۹/۴	۳۵	۶۲	۳۴۵۴
۸۴/۹	۷۸/۸	۵۴/۸	۵۹/۶	۴۶/۲	۸۱/۱	۸۱/۲	۷۷/۱	۴۶/۱	۳۴	۶۲	۳۴۵۵

## خصوصیات شکل شناسی ده نشینان یزد خواست

شماره	شکل	م <sup>و</sup> باق	رنگ	رنگ	چشم <sup>ب</sup> سپیده	سیاهی	نهرت <sup>ب</sup> س <sup>ب</sup> پره	پنجه
۳۴۰۸	مجمددردشت	نرم	سیاه	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	محدب	متوسط
۳۴۰۹	مجمدخیلی درشت	د	قهوه سیر	د	لغدادار	د	د	فشرده متوسط
۳۴۱۰	د	خشن متوسط	د	د	صاف	د	راست	د
۳۴۱۱	مجمددردشت	خشن	سیاه	د	لغدادار	حلقه دار	د	د
۳۴۱۲	د	نرم	د	د	صاف	یکنواخت	د	متوسط
۳۴۱۳	د	د	د	د	د	د	محدب	د
۳۴۱۴	د	متوسط	خاکستری	قهوه آبی	د	حلقه دار	د	متوسط باز
۳۴۱۵	د	نرم	قهوه سیر	قهوه سیر	د	یکنواخت	متعن	د
۳۴۱۶	د	د	سیاه	د	د	د	محدب	باز
۳۴۱۷	د	متوسط	قهوه سیر	د	د	د	د	متوسط
۳۴۱۸	د	نرم	سیاه خاکستری	د	د	د	راست	فشرده متوسط
۳۴۱۹	مجمدخیلی درشت	متوسط	سیاه	د	د	د	متعن	باز
۳۴۲۰	مجمددردشت	د	سیاه خاکستری	د	د	د	راست	فشرده متوسط

شماره	شکل	مفت	سر	رنگی	رنگی	چشم	پنبی	شماره
۳۴۲۱	محمد خبلی درشت	نرم	قهوه سیر	قهوه سیر	رنگی	سفید	سباهی	بیرخ
							یکنواخت	مقعر
۳۴۲۲	محمد درشت					صاف		محدب
۳۴۲۳		نرم متوسط	سیاه خاکستری			لک دار	حلقه دار	راست
۳۴۲۴		نرم	قهوه سیر			صاف	یکنواخت	مقعر
۳۴۲۵		خشخ	خاکستری سیاه					محدب
۳۴۲۶		نرم	سفید			خوبین	-	
۳۴۲۷		متوسط	قهوه سیر			صاف	یکنواخت	راست
۳۴۲۸		نرم				لک دار		
۳۴۲۹			خاکستری			خوبین	حلقه دار	محدب
۳۴۳۰		نرم متوسط	قهوه سیر			صاف	یکنواخت	راست
۳۴۳۱			خشن	سیاه				محدب
۳۴۳۲		نرم متوسط						
۳۴۳۳	محمد خبلی درشت		خاکستری					

باز- متوسط

,

,

,

,

,

,

,

,

## خصوصیات شکل شناسی ده نشینان یزدخو است

شماره	شکل	بافت	چشم			دو	پیشی
			رنگ	رنگ	سفیده	سپاهی	
۳۴۳۴	مجمد درشت	نرم متوسط	قهوه سیر	رنگ	صاف	یکتراخت	لبه بارخ راست
۳۴۳۵	د	خشن	سیاه	د	د	د	متوسط
۳۴۳۶	د	د	د	د	د	د	متوسط
۳۴۳۷	د	نرم متوسط	د	د	د	د	فشرده
۳۴۳۸	د	خشن متوسط	د	د	لک دار	د	متوسط
۳۴۳۹	د	متوسط	قهوه سیر	د	د	د	فشرده متوسط
۳۴۴۰	مجمد خیلی درشت	نرم	د	د	صاف	د	باز متوسط
۳۴۴۱	مجمد درشت	د	د	د	د	د	متوسط
۳۴۴۲	د	د	خاکستری	د	لک دار	خط دار	باز متوسط
۳۴۴۳	مجمد درشت	خشن	سیاه	د	صاف	یکتراخت	فشرده متوسط
۳۴۴۴	د	نرم	د	د	د	د	متوسط
۳۴۴۵	د	د	د	د	د	د	د

شماره	مو		رنگ	چشم		سیاهی	بینی	
	شکل	بافت		رنگ	سفیده		پره	نبرخ
۳۴۴۶	مجمد درشت	نرم	قهوه سیر	قهوه سیر	صاف	یکساخت	محدب	متوسط
۳۴۴۷	د	خشن	سیاه	د	د	د	موجدار	د
۳۴۴۸	مجمد خیلی درشت	د	قهوه سیر	د	لکدار	د	راست	فشرده متوسط
۳۴۴۹	مجمد درشت	نرم	د	د	صاف	د	د	فشرده
۳۴۵۰	د	د	د	د	د	د	محدب	فشرده متوسط
۳۴۵۱	د	د	سیاه	د	د	د	راست	متوسط
۳۴۵۲	د	نرم متوسط	قهوه سیر	د	لکدار	د	د	د
۳۴۵۳	مجمد خیلی درشت	د	د	د	صاف	د	متن	باز
۳۴۵۴	مجمد درشت	خشن	سیاه	د	د	د	راست	فشرده متوسط
۳۴۵۵	مجمد خیلی درشت	متوسط	قهوه سیر	د	د	د	د	د



این ساختمان که اصلاً از زمان صفویه است در اوایل قرن گذشته توسط والی فارس تعمیر شد و هنوز خوب باقی مانده است (شکل ۱۶ نقشه کاروانسرا<sup>۱</sup> توسط ریچارد مارتین). در موقع سفر ما این ساختمان توسط اسمعیل جوادی رئیس شهر بانی محل اشغال شده بود و او در اتاقهای بالا زندگی راحتی داشت.

در مدخل کاروانسرا کتیبه‌ای است (تصویر ۴۶ - شکل ۲۹۱ و تصویر ۴۷) که دکتر ریچارد اتینکهاوزن آنرا مطالعه کرد و ترجمه و تفسیری از آن تهیه نموده است.

از روی پل جاده بسمت چپ می‌پیچد و از این نقطه قسمت شرقی شهر که نه مثل دماغه کشتی بزرگی بنظر میرسد (تصویر ۴۲ - شکل ۱) که بالای دره قرار گرفته است. بعد از پل تپه بزرگی است که شیب آن در نزدیکی قله تند است و در اینجا یک پیچ نیم دایره تند تلفات اتومبیلی زیادی وارد آورده است.

جاده فرسنگها از دشت شنزار صاف میگذرد. شرح مفصل مسافرت تا شیراز در ضمیمه ج داده شده است.

### ده نشینان کناره

در ضمن سفر به تخت جمشید میل داشتیم یک سلسله آمارهای مردم شناسی از استان فارس بدست آوریم راه قریه کناره<sup>۲</sup> که در چهار میلی جنوب شرقی تخت جمشید قرار دارد از جاده اصفهان بشیراز بسمت راست می‌پیچد و راه باریک پیچ در پیچ تا حوالی قریه دارد، خود کناره در دشت وسیعی که دور آنرا کوه فرا گرفته قرار دارد و شبیه دهاق و قراء متعددی میباشد که در این ناحیه پراکنده هستند دکتر هر تسفالد معتقد بود که جمعیت کناره نمونه مردم این قسمت فارس میباشد و چون تعدادی از آنها برای کار به تخت جمشید میآمدند مطالعه مردم شناسی و عمل آمار گیری در آنجا آسانتر از نقاط دیگر خواهد بود. در تاریخ ۳۰ و ۳۱ ماه اوت با اتفاق آقای دونالد تا کون و مرحوم کارل برگز اعضای هیئت اکتشافی مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو بکناره رفته و مشغول کار شدیم. به علت کمی وقت ممکن نشد اطلاعات آماری درباره جمعیت و تعداد خانه و وضع بهداشتی و مسائل دیگر کسب کنیم ولی ملاحظات

۱ - این نقشه در کتاب (بررسی صنایع ایران) تألیف آرتور یوپ بجای رسیده است

۲ - با کناره که بندر گز نیز نامیده میشود و نزدیک استر آباد است

و مشاهدات زیر را بعمل آوردیم .

این قریه از گل و خشت ساخته شده و تیر خانه ها از چوب محل است و سقفها از برگ نخل و گل پوشیده شده است . قسمت عمده قریه متشکل است از کوچه های تنگ و باریک و پیچیده .

در بعضی موارد طبقات فوقانی ساختمانها کاملاً تا سمت مقابل کوچه کشیده شده است . خانه ها که يك ياد و طبقه است كوچك و نامنظم است . در خانه ها و ساختمانهای مفصل تر حیاطی در وسط است و پلکانی به طبقه بالا منتهی میشود و در آنجا يك اتاق وجود دارد که دارای اسباب و اثاثیه بهتر است و اتاق مهمانی و پذیرایی است . این بناها در معرض آتش سوزی نیست و نسبتاً از گرما و سرما و باد و شن محفوظ است . سیستم فاضل آب و گنداب وجود ندارد . آب بوسیله مشک از قنات محلی حمل می شود و تصور میکنم در آن نزدیکی جاه آب وجود داشته باشد .

مردم قریه از اینکه بوسیله کار کردن در حفريات تخت جمشید پول بدست می آورند خوشوقت هستند . شغل معمولی آنها کشاورزی است و فقط ما محتاج اولیه خود را بدست می آورند زیرا زراعت آنها کاملاً متکی به سیستم آبیاری است . زارعین شلوار پارچه نخی و پیراهن نخی می پوشند و بعضی ها روی آن کت بلندی که تازانو میرسد بتن دارند . گاهی کت به سبک اروپائی نیز دیده میشود ولی اغلب کسانیکه ما دیدیم لباس پاره بتن داشتند . مرد ها که قسمتی از سرشان تراشیده است کلاه پهلوی بسر داشتند .

در هر خانه يك کرسی وجود دارد و سایکس آنها بدین طریق توصیف میکند ( ۱۹۲۱ - جلد ۲ - صفحه ۲۹۱ ) . « چهار جوب که در وسط اتاق قرار دارد و زیر آن منقل بازی گذاشته میشود . روی چهار جوب لحافی انداخته میشود و افراد فامیل زیر کرسی می نشینند و کار میکنند و میخوابند و آنها همیشه گرم و راحت نگاه میدارند ولی گاهی اشخاص در اثر ذغال گیری خفه میشوند » .

غذای ساده آنها عبارتست از نان و ماست و پنیر و تخم مرغ و سبزیجات . گوشت گران است و بندرت صرف میشود . مرد ها چاق و قلیان میکشند . حیوانات اهلی آنها عبارتست از الاغ و گاو و گوسفند و بز .

برای کسب اطلاع از وضع اجتماعی و طریقه اداره ده و رسیدگی باختلافات و تنبیه مجرمین و مالیات و غیره خواننده بکتاب سایکس مراجعه داده میشود ( ۱۹۲۱ -

جلد ۲ - ص ۳۸۱ - ۳۹۳) در مورد بهداشت عمومی اهالی اطلاعاتی بدست نیامد.  
سن = حدمتوسط سن هفتاد و چهار نفر مرد کناره ۳۷/۲۵ است. در حدود  
۸۰ درصد این گروه از ۴۵ سال کمتر داشتند.

### کثرت توزیع سن

سن	تعداد	درصد	سن	تعداد	درصد
۱۸ - ۱۹	۲	۲/۷۰	۴۵ - ۴۹	۴	۵/۴۱
۲۰ - ۲۴	۱۲	۱۶/۲۲	۵۰ - ۵۴	۵	۶/۷۵
۲۵ - ۲۹	۵	۶/۷۶	۵۵ - ۵۹	۳	۴/۰۵
۳۰ - ۳۴	۱۳	۱۷/۵۷	۶۰ - ۶۴	۲	۲/۷۰
۳۵ - ۳۹	۱۳	۱۷/۵۷	۶۵ - ۶۹	۱	۱/۳۵
۴۰ - ۴۴	۱۳	۱۷/۵۷	۷۰ - ۷۴	۱	۱/۳۵

### خصوصیات شکل شناسی ده نشینان کناره

پوست = رنگ بطور کلی قهوه‌ای بود. در حالیکه اندکی تیره‌تر از  
رنگ عرب معمولی عراق است شاید بیشتر شباهت دارد به پوست صورت بادخوره  
عرب بدوی عربستان شمالی و صحرای سوریه. بطور انفرادی رنگ پوست از  
قهوه‌ای روشن تا قهوه‌ای متوسط تارک وجود دارد ولی رنگ قهوه‌ای تیره هیچوقت  
آنقدر تارک نیست که با سیاه پوست اشتباه شود. سه فرد یعنی شماره ۳۳۶۸ (تصویر  
۱۲ - شکل ۳ و تصویر ۹۳ - شکل ۴) و ۳۳۸۳ (تصویر ۱۱ - شکل ۳ و ۴  
و تصویر ۷۰ - شکل ۲۰) و ۳۴۰۷ خیلی تیره بودند. دو نفر آخر برادر بودند  
و پدرشان اهل حسین آباد بود. از لحاظ نوع بنظر می‌رسید با سایر افراد قریه فرق  
داشته باشند.

مو = نود درصد افراد موی بلند مجعد داشته و تمایل کلی بر صافی مو بود.  
از حیث نسج ۴۰ درصد موی نرم و بقیه موی متوسط وعده قلیلی موی خشن داشتند.  
رنگ مو بین قهوه‌ای و مشکی (۶۰ درصد) بود. موی خاکستری بمیزان قابل  
ملاحظه قبل از سن چهل بندرت دیده شد و گروه پنجاه ساله دارای موی کاملاً مشکی  
یا قهوه‌ای تیره بودند. از سن پنجاه و پنج بیالاموی خاکستری دیده میشد.

مو

رنگ	تعداد	درصد	شکل	تعداد	درصد
مشکی	۴۵	۶۳/۳۸	صاف	۰	-
قهوه‌ای خیلی تیره	۰	-	مجعد خیلی درشت	۲۰	۲۷/۰۳
قهوه‌ای تیره	۱۴	۱۹/۸۲	مجعد درشت	۴۹	۶۶/۲۲
قهوه‌ای	۱	۱/۴۰	مجعد ریز	۵	۶/۷۶
قهوه‌ای قرمز	۰	-	قری	۰	-
قهوه‌ای روشن	۰	-			
قرمز	۰	-	مجموع	۷۴	۱۰۰/۰۱
مشکی و خاکستری	۱۰	۱۴/۰۹	نچ	تعداد	درصد
قهوه‌ای و خاکستری	۱	۱/۴۰	خشن	۷	۹/۷۲
قهوه‌ای روشن			خشن متوسط	۴	۵/۵۶
و خاکستری	۰	-	متوسط	۲۶	۳۶/۱۱
خاکستری	۰	-	متوسط نرم	۵	۶/۹۴
سفید	۰	-	نرم	۳۰	۴۱/۶۷
مجموع	۷۱	۹۹/۹۹	مجموع	۷۲	۱۰۰/۰۰

مقدار مو روی سر زیاد بود و تنها موارد کچلی نسبی یا در اثر کثرت سن و یا در اثر بیماری بوده است و نفر از افراد موی سر خود را با حنا رنگ کرده بودند و يك نفر آنها بعلت يك جشن محلی این کار را کرده بود . نمونه موی سر شصت و نه نفر گرفته شد . ریش اغلب افراد مشکی یا قهوه‌ای تیره با موی خاکستری در مورد پیر مردان بود . همه افراد بجز دو نفر سبیل داشتند - چهارده نفر باریش مختصر و هفت نفر باریش انبوه . موارد موی زیاد و غیر عادی بدن مشاهده نشد اگر چه فرد شماره ۳۳۸۷ (تصویر ۹۰ - شکل ۲۰) روی سینه موی زیاد داشت .

چشم = چشم اغلب افراد (۸۴ درصد) قهوه‌ای تیره و ۱۵ درصد چشم مخلوط و يك نفر یعنی فرد شماره ۳۳۸۷ چشم آبی داشت . اختلاف بین رنگ چشم از يك طرف و رنگ پوست و مو از طرف دیگر قابل ملاحظه است . يك عنصر بور در دسته اولی ظاهر بود .

### چشم

رنگ	تعداد	درصد	سیاهی	تعداد	درصد
سیاه	—	—	یکنواخت	۵۵	۷۹/۷۱
قهوه‌ای تیره	۶۲	۸۳/۷۹	خط دار	۳	۴/۳۵
آبی- قهوه	۱	۱/۳۵	حلقه دار	۱۱	۱۵/۹۴
سبز قهوه‌ای	۵	۶/۷۶	مجموع	۶۹	۱۰۰/۰۰
قهوه‌ای - سبز	۲	۲/۷۰			
خاکستری-قهوه‌ای	۳	۴/۰۵	سفیده	تعداد	درصد
آبی	۱	۱/۳۵	صاف	۵۴	۷۸/۲۶
خاکستری	۰	۰۰۰	لك دار	۱۴	۲۰/۲۹
قهوه‌ای روشن	۰	۰۰۰	خونین	۰	۰۰۰
آبی - خاکستری	۰	۰۰۰	لك دار و خونین	۱	۱/۴۵
آبی - سبز	۰	۰۰۰	مجموع	۶۹	۱۰۰/۰۰
مجموع	۷۴	۱۰۰/۰۰			

چشم‌ها یا بهتر گفته شود شکاف چشم در اغلب موارد افقی است . اگر چه در مورد چین خارجی چشم مطالعه آماری صورت نگرفت ولی از روی عکسها مشاهده میشود که تعداد آن زیاد است .

هفتاد و هشت در صد سفیده چشم صاف و بقیه لك دار است . در هشتاد در صد افراد مورد مشاهده سیاهی چشم یکنواخت و در مورد بقیه تعداد افراد دارای سیاهی حلقه دار زیاد تر از سیاهی خط دار است . وضع کلی چشم‌ها نسبتاً خوب است ولی مانند همه ساکنین جنوب غربی آسیا امراض چشم زیاد است . سه مورد کوری چشم راست و چهار مورد کوری چشم چپ مشاهده شد . اگر چه دو نفر دارای آب مروارید بودند این مرض بندرت مشاهده شد . و بعلاوه فرد شماره ۳۳۷۴ ( تصویر ۷۳ - شکل ۴۰۳ ) لکه سیاهی در حاشیه خارجی چشم چپ داشت . فرد شماره ۳۴۰۱ يك لکه خاکستری روی عدسی چشم چپ داشت که مانع دید میشد . فرد شماره ۳۳۶۰ ( تصویر ۸۶ - شکل ۲۰۱ ) و فرد شماره ۳۳۶۵ هر کدام چشم چپشان از خط خارج بود .

بینی = بینی‌ها از حیث اندازه متوسط و در حدود نیمی از آنها محدب و بیش از یک سوم راست بود شصت درصد پره‌های بینی از حیث عرض متوسط بود و تمایل کلی بر پره بینی باز است. نوک بینی در پنجاه درصد موارد باریک است و تعدادی از افراد نوک بینی پهنی داشتند. هشت نفر منحنی روپائین داشتند. فرو رفتگی بینخ بینی خوب مشهود بود.

بینی					
نیمرخ	تعداد	درصد	کلفتی نوک	تعداد	درصد
موجودار	۲	۲/۹۹	باریک	۳۴	۵۰/۰۰
مقعر	۳	۴/۴۸	متوسط	۱۵	۲۲/۰۶
راست	۲۳	۳۴/۳۳	زیادتر از متوسط	۱۷	۲۵/۰۰
محدب	۳۵	۵۲/۲۴	خیلی زیاد	۲	۲/۹۴
مقعر و محدب	۴	۵/۹۷	مجموع	۶۸	۱۰۰/۰۰
مجموع	۶۷	۱۰۰/۰۱			

پره	تعداد	درصد
فشرده	۶	۸/۱۱
فشرده متوسط	۱	۱/۳۵
متوسط	۴۵	۶۰/۸۱
باز متوسط	۱۲	۱۶/۲۲
باز	۷	۹/۴۶
خیلی باز	۳	۴/۰۵
مجموع	۷۴	۱۰۰/۰۰

دهان = لب‌ها از حیث اندازه متوسط ولی در برخی موارد بطور مشهود و معتدل کلفت و کمی برگشته بود که در لب را مشخص مینمود. کدخدای ده با ایمان اظهار عقیده میکرد که در میان افراد قریه خون سیاهپوست وجود ندارد زیرا در بین مردم ما باعث شرمندگی است ولی در بررسی فرد شماره ۳۳۴۸ (تصویر ۱۲ - شکل ۱ و ۲ و تصویر ۸۹ - شکل ۱ و ۲) این اظهار عقیده مورد تردید واقع گردید.

دندان = دندان ۵۶ درصد این گروه خوب یا عالی و ۱۹ درصد دندان

خراب داشتند میزان فرسودگی در مورد سیزده نفر ثبت گردید که بعضی آنها دندان خیلی فرسوده داشتند جفت شدن دندانها در مورد سه چهارم افراد عادی و در مورد بقیه دندانها جلو بود. چندین نمونه نامنظمی دندانها و زیادهای آنها به علت کوچک بودن سق مشاهده شد. نه نفر دارای دندان لك دار بودند که شاید در اثر جیق یا قلیان کشیدن باشد. دندان نیمه بالا آمده در هشت نفر (۱۰/۸ درصد) و فرسودگی دندان در هفت نفر (۹/۴۶ درصد) مشاهده شد ده مورد (۱۳/۵ درصد) کرم خوردگی دیده شد. افراد شماره ۳۳۴۸ (تصویر ۱۲ - شکل ۱ و ۲ - تصویر ۸۹ - شکل ۱ و ۲) و شماره ۳۳۵۱ (تصویر ۸۰ - شکل ۱ و ۲) دارای دندانهای بودند که بین آنها فاصله زیاد بود.

دندان						
وضع	تعداد	درصد	جفت بودن	تعداد	درصد	وضع
خیلی بد	۷	۱۰/۰۰	دژ	۰	—	۳۱/۷۵
بد	۶	۸/۵۷	لب پل	۰	—	۵۰/۷۹
متوسط	۱۷	۲۴/۲۹	کمی جلو	۵۴	۷۶/۴۷	۹/۵۲
خوب	۲۹	۴۱/۴۳	خیلی جلو	۱۶	۲۳/۵۳	۷/۹۴
عالی	۱۱	۱۵/۷۱	مجموع	۶۸	۱۰۰/۰۰	—
مجموع	۷۰	۱۰۰/۰۰	مجموع	۶۳	۱۰۰/۰۰	—

عضله = نود و سه درصد دارای عضله بندی خوب یا عالی بودند و فقط ۷ نفر عضله نمو نکرده داشتند. بهداشت عمومی افراد مورد بررسی خوب بود و فقط پنج نفر ناسالم یا مریض بودند هشت نفر (۱۰/۸ درصد) دارای علامت آبله بودند و شش نفر (۸/۱ درصد) مرض مسعفه شهدیه (Favus) داشتند و آن مرضی است جلدی که از میکرب بعضی سبزیجات بوجود میاید.

عضله بندی	تعداد	درصد	سلامتی	تعداد	درصد
بد	۰	—	بد	۱	۱/۳۵
متوسط	۵	۶/۷۶	متوسط	۴	۵/۴۱
خوب	۵۷	۷۷/۰۳	خوب	۶۱	۸۲/۴۳
عالی	۱۲	۱۶/۲۲	عالی	۸	۱۰/۸۱
مجموع	۷۴	۱۰۰/۰۱	مجموع	۷۴	۱۰۰/۰۰

در بین افراد این گروه خال کوبی مشاهده نشد بجز درمورد فرد شماره ۳۴۰۲ که دو خال در برآمدگی پیشانی برای تسکین درد چشم کوبیده بود.

## تجزیه آماری ده نشینان کناره

قد = با اینکه این گروه از جوان تاپیر مرد تشکیل شده بود قد بطور کلی متوسط بود و بیش از نیمی از افراد در طبقه وسط قرار گرفتند . ولی تنوع قابل ملاحظه وجود داشت زیرا تقریباً یک چهارم افراد در طبقه کوتاه و بلند طبق طبقه بندی هاروارد قرار گرفتند .

قد درحال نشسته تنوع غیر عادی نشان نمیدهد و شاخص قد درحال نشسته حاکی از تقسیم مساوی بین اندازه بدنه و طول پا میباشد .  
وقتی افراد طبق تقسیم بندی کیث برای قد و قد درحال نشسته در نظر گرفته شوند جدول زیر بدست میاید .

قد در حال نشسته (طول بدنه)

[illegible]

از هفتاد و چهار مرد اهل کناره فقط يك نفر به ۱۸۰۰ میلیمتر ( ۵ پا و ۱۰/۸ اینچ) رسیده و از آن بالاتر بود . این مرد (شماره ۳۳۳۴ - تصویر ۷۵ - شکل ۱ و ۲ ) قدش ۱۹۱۱ (۶ پا و ۳/۲ اینچ) بود . بلندی قد وی بعلت بلندی تنه وی (۹۲۰) بود که از حد متوسط گروه ۱۱۰/۳ میلیمتر زیادتر بود و همچنین طول پای بلند بود که در نتیجه شاخص قد در حال نشسته وی ۴۸/۱ بود. دو نفر قدشان بعلت کوتاهی تنه کوتاه یا متوسط بود . شاخص قد در حال نشسته آنها به ترتیب عبارت بود از ۵۰/۵ و ۴۶/۳ . بیست و نه نفر افراد (۳۹/۲ درصد) دارای قد



و قه متوسط بودند . سی ونه نفر (۵۲/۷ درصد) از حیث تنه متوسط و چهل و چهار نفر (۵۹/۴ درصد) از حیث قد متوسط بودند .

بنابراین میتوان این ده نشینان را از لحاظ قد و قد نشسته متوسط دانست با تمایل کلی به کوناھی در اثر کوتاهی تنه .

افراد خیلی فر به و خیلی لاغر در بین آنها وجود نداشت . در قسمتهای مختلف بدن از حال عادی و نوع معمولی اروپائی اختلاف مخصوصی مشاهده نشد . دست و پای آنان معمولاً خوش شکل و در اثر اشتغال بکشاورزی متمایل به بزرگی و خشنی بود . در حالیکه انگشتان دست کوتاه و پهن و انگشتان پا بعلت نبوشیدن کفش کلفت بنظر رسید .

اندازه های سر = این اندازه ها صرف نظر از اینکه دارای تنوع قابل ملاحظه است محتاج توضیح مختصری میباشد هیچگونه مورد نقص مصنوعی یا طبیعی دیده نشد . اگر چه شاخص تناسب سر (۷۶/۳۵) در طبقه سرمتوسط است کلیه گروه تقریباً بطور مساوی در طبقه سرمتوسط و سردراز قرار میگیرند . با مراجعه به موارد فردی دیده میشود که این مطلب در اثر وجود دو عنصر غیر مشابه در میان مردان کناره نیست بلکه از آنجهت است که شاخص ها در اطراف خط اختیاری بین سردرازی و سرمتوسط جمع شده است . بعبارت دیگر افراد مورد بحث ده کناره یا در گروه سردراز بالا یا در گروه سرمتوسط پائین در جدول قرار میگیرند .

وقتی اندازه های طول و عرض سر طبق روش کیث ( ۱۹۳۵ - ص ۲۱ بید ) جدول بندی شود ظرفیت مغز تخمین زده میشود . این ظرفیت ها سه طبقه بندی تقسیم میشود . اول کوچک ( ۱۳۰۰ سانتیمتر مکعب یا کمتر ) دوم متوسط و سوم بزرگ ( ۱۴۵۰ سانتیمتر مکعب و زیاد تر ) کیث میگوید ۱۴۵۰ سانتیمتر مکعب در حقیقت سر بزرگ نیست . ظرفیت مغز يك فرد متوسط انگلیسی ۱۴۸۰ است .

گروه کناره بطریق زیر تقسیم بندی میشوند :

طبقه بندی گروه طبق شاخص سر

۷۰- $\bar{x}$	۷۵/۰-۷۰/۱	۷۹/۹-۷۵/۱	۸۴/۹-۸۰/۰	$\bar{x}$ -۸۵	مجموع			
تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%			
—	۸	۲۱	۲۸/۷۷	۴	۵/۴۸	—	۲۳	۴۵/۲۱
—	۱۴	۲۱	۲۸/۷۷	۳	۴/۱۱	—	۳۸	۵۲/۰۶
—	—	۱	۱/۳۷	۱	۱/۳۷	—	۲	۲/۷۴
۰	۲۲	۴۳	۵۸/۹۱	۸	۱۰/۹۶	۰	۸۲	۱۰۰
مجموع								

در طبقه  $\bar{x}$  - ۷۰ یا  $\bar{x}$  - ۸۵ سری وجود ندارد و فقط دو نفر (۲/۷۴ درصد) در طبقه سر بزرگ قرار دارند. هشت نفری که سرگرد دارند بین ۸۰ - ۸۴/۹ واقع میشوند. چهار نفر در طبقه کوچک و سه نفر در طبقه متوسط. مشاهده میشود که باستانی دو نفر همه مردان کناره در طبقه کوچک یا سر متوسط قرار میگیرند و طبقه اخیر از حیث تعداد نسبتاً زیاد تراست. طبقه بندی شاخص‌های سر وقتی با دو واحد جدا شوند نتیجه زیر بدست میاید.

شاخص سر

۷۰-۶۸	۷۳-۷۱	۷۶-۷۴	۷۹-۷۷	۸۲-۸۰	۸۵-۸۳	مجموع
۱	۱۴	۲۱	۲۷	۸	۲	۷۳

دو نفر سر کوتاه با گروه کلی کناره مقایسه شده‌اند و نتیجه زیر بدست

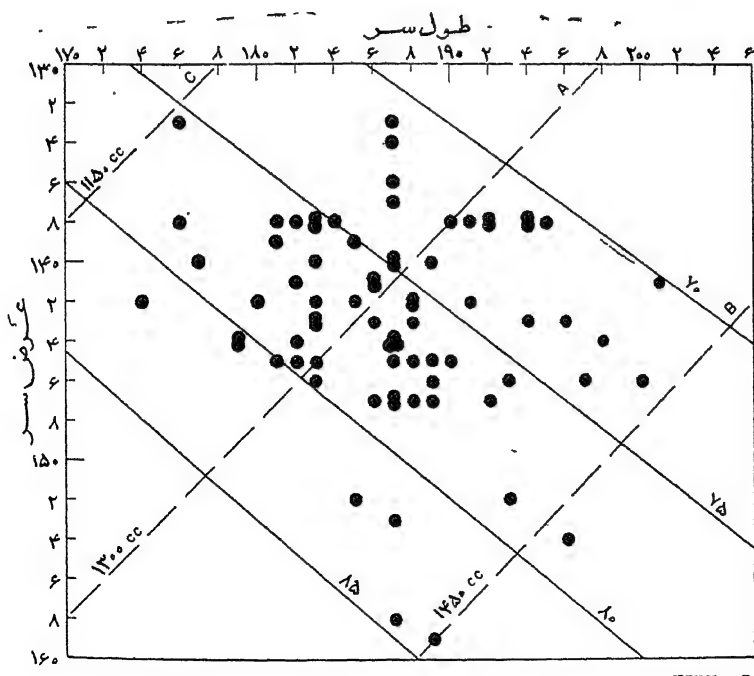
میاید.

(۱) شماره ۳۳۵۳ (تصویر ۷۷ - شکل ۱ و ۲) - شاخص سر ۸۴/۵  
قد ۱۷/۱ کوتاهتر - عرض سر ۱۵/۳ زیاد تر - قسمت علیای صورت ۶/۲۵ بلندتر -  
کل صورت ۹/۶ بلند تر - بینی ۴/۳۴ دراز تر و ۱/۱۹ عریض تر.  
بدین طریق عمده ترین اختلاف در کوتاهی قد و عرض سر و بلندی قسمت علیای صورت و درازی بینی مشاهده میشود.

(۲) شماره ۳۳۹۹ (تصویر ۷۸ - شکل ۱ و ۲) شاخص سر ۸۴/۱  
قد ۳/۷ بلندتر - طول سر ۲/۰ درازتر - عرض سر ۱۶/۳ زیاد تر - حداقل قطر پیشانی ۵/۱۴ باریکتر - عرض فکین پائین ۸/۲ زیاد تر - قسمت علیای صورت ۳/۵ بلند تر - کل صورت ۱/۴۰ بلند تر - بینی ۵/۳ درازتر و ۲/۸ باریکتر.  
مهمترین اختلافات در عرض سر و قطر پیشانی و عرض فکین و قسمت علیای صورت

وطول بینی مشاهده میشود در هر يك از این موارد بنظر میرسد که سر نسبتاً و مطلقاً بزرگتر است و عرض سر زیاد تر است و ظاهراً این اختلافات نه در اثر نقص مصنوعی سر و نه در اثر بسته شدن شکافها یا عوامل جسمانی دیگر است بلکه در اثر اختلاف عوامل نژادی میباشد که شاید نوع آلپ اولیه یا مخلوط با عناصر سر بزرگ دیگر است.

تمایل کلی در گروه کناره بنظر میرسد که پیشانی سر از پیر باشد و برآمدگی پیشانی اصلاً وجود ندارد. بر جستگی فوق حدقه چشم کاملاً مشخص و شاید تایی پوست بین دو ابرو که در اثر نور شدید خورشید بوجود میآید آنرا بیشتر مشخص میکند. ولی مواردی که آنرا بتوان در طبقه سنگینی قرار داد بدست نیامد در اکثر موارد ابروها انبوه و پر پشت است. شماره ۳۳۸۶ دارای ابروان پیوسته و متلاقی است و يك خط موجود از پیوسته تشکیل میدهد.



شکل ۱۷- طول و عرض و ظرفیت سر هفتاد و سه نفر ده نشینان کناره

حداکثر عرض سر (۱۴۲/۹۶) و حداقل قطر پیشانی (۱۱۲/۱۴) دارای اهمیت نژادی است و برای نشان دادن طبقه بندی گروه جدول زیر تهیه شده

حد اقل قطر پیشانی

عرض سر	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	مجموع
۱۲۹-۱۲۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۳۹-۱۳۰	۰	۰	۵	۶/۷۵	۱۵	۲۰/۲۵	۰	۰	۲۷/۰۰
۱۴۹-۱۴۰	۰	۰	۹	۱۲/۱۵	۳۸	۵۱/۳۰	۱	۱/۳۵	۶۴/۸۰
X-۱۵۰	۰	۰	۱	۱/۳۵	۴	۵/۴۰	۱	۱/۳۵	۸/۱۰
مجموع	۰	۰	۱۵	۲۰/۲۵	۵۷	۷۶/۹۵	۲	۲/۷۰	۹۹/۹۰

در بین اهالی کناره کسی در طبقه خیلی باریک نبود و فقط دونفر دارای قطر پیشانی پهن بودند که یکی از آنها سرخیلی عریض نیز داشت. از آنجائیکه این دونفر سر عریض داشتند میبایست تناسب زیادی بین عرض پیشانی و حداکثر عرض سر وجود داشته باشد. سی و هشت نفر (۵۱/۳ درصد) در هر دو قطر نسبتاً عریض بودند. از آنجائیکه پنجاه و چهار نفر (۷۲/۹ درصد) در طبقه سر بزرگ تر (۱۴۰ — X) و ۵۹ نفر (۷۹/۶۵ درصد) در طبقه پیشانی پهن (۱۱۰ — X) می افتند میتوان گفت که مردان کناره دارای سرنهائی هستند که حداکثر عرضی و حداقل قطر پیشانی آنها عریض است. قسمت پس سر در هیچ مورد بر جستگی نداشت. گوش آنها نسبتاً خوش شکل و بطور عادی کنار سر یا بحد متوسط جدا قرار داشت.

اندازه های صورت = بهترین مطالعه و بررسی این قسمت از مطالعه طول نسبی و مطلق صورت و رابطه بین عرض و طول صورت بدست می آید.  
پس از طبقه بندی کردن افراد طبق روش کیث جدول زیر بدست می آید:

## عرض دو گونه

طول کل صورت	۱۲۴-۱۲۵		۱۲۴-۱۲۵		۱۲۴-۱۲۵		مجموع	
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%
۱۱۴-۱۱۵	۱	۱/۳۵	۲۹	۳۹/۱۵	۱۱	۱۴/۸۵	۴۱	۵۵/۳۵
۱۲۴-۱۲۵	۱	۱/۳۵	۱۳	۱۷/۵۵	۱۳	۱۷/۵۵	۲۶	۳۵/۱۰
مجموع	۱	۱/۳۵	۴۲	۶۳/۴۵	۲۴	۳۵/۱۰	۷۴	۹۹/۹۰

این جدول نشان می‌دهد که بین گروه افراد دارای صورت باریک یا کوتاه یا بلند وجود ندارد و اکثریت دارای صورتی هستند که هم‌اچیت طول و هم ازحیت عرض متوسط است و ۱۳ نفر در هر طبقه دراز و متوسط و دراز و عرض قرار دارند. در قسمت عرض دو گونه چهل و هفت نفر در طبقه متوسط هستند و بقیه بجز یک نفر در طبقه عریضی قرار دارند. بدین ترتیب تمایل شکل صورت از حیت عرض متوسط تا عریض و تمایل به شکل اخیر و ازحیت طول متوسط تا دراز است. ارقام شاخص صورت نشان می‌دهد که چهل و هفت نفر (۶۳/۵۱ درصد) صورت دراز و فقط پنج نفر (۶/۷۶ درصد) صورت پهن می‌باشند.

کیث میگوید (۱۹۳۵ - ص ۵۲ - ۵۳) در جنوب غربی آسیا یک نوع صورت گوسفند شکل وجود دارد بدین ترتیب که قسمت علیای صورت که شامل بینی میشود دراز در حالیکه قسمت سفلی صورت کوتاه است. طبق چهار طبقه بندی او برای هر یک از اندازه‌ها جدول زیر بدست می‌آید.

## طول قسمت علیای صورت

طول کل صورت	۶۲-۶۳		۶۹-۶۴		۷۵-۷۰		۷۶-۷۷		مجموع	
	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%	تعداد	%
۱۰۹-۱۱۰	۲	۲/۷۴	۱۸	۲۴/۶۶	۷	۹/۵۹	۱	۱/۳۷	۲۸	۳۸/۳۶
۱۲۹-۱۳۰	۱	۱/۳۷	۴	۵/۴۸	۲۰	۲۷/۴	۸	۱۰/۹۶	۲۳	۴۵/۲۱
۱۳۰-۱۳۱	۰	۰	۰	۰	۲	۲/۷۴	۱۰	۱۳/۷۰	۱۲	۱۶/۴۴
مجموع	۳	۴/۱۱	۲۲	۳۰/۱۴	۲۹	۳۹/۷۳	۱۹	۲۶/۰۳	۷۳	۱۰۰/۰۱

\* شماره ۳۳۵۱ (تصویر ۸۰- شکل ۲۱) حذف شد زیرا بلندی قسمت علیای صورت ۵۶ ثبت شده بود.

در این گروه سه نفر دارای قسمت علیای صورت خیلی کوتاه وجود دارد ولی هیچ موردی که کل صورت کوتاه باشد نیست. در طبقه نسبتاً کوتاه (۱۱۰-۱۱۹) بیست و هشت نفر هستند ولی هشت نفر (۹۶/۱۰ درصد) قسمت علیای صورتشان دراز است یعنی متمایل به نوع صورت گوسفند شکل میباشد.

در این گروه نوزده نفر قسمت علیای صورت دراز دارند ولی سه نفر قسمت علیای صورتشان خیلی کوتاه و کل صورت آنها بطور متوسط کوتاه است. در میان دوازده نفر يك كل صورت دراز (۱۳۰+) وجود دارد.

بطور کلی صورت ها متمایل بدرازی در قسمت علیا و سفلی بود و افزایش در هر دو متجانس بنظر میرسد.

در جدول تطبیقی مشاهده میشود که طول قسمت علیای صورت این گروه از سری یزد خواست درازتر و از سری یهودیهای اصفهان کوتاهتر است ولی لرها قسمت علیای صورتشان ۶/۶۰ و طول کل صورتشان ۴/۰ درازتر است.

شکل صورت بطور کلی بیضی و گاهی قسمت سفلی مستطیلی شکل است. عضلات فك پائین اغلب خوب نمو کرده است و معمولاً در اشخاصی پیدا میشود که معدل عرض فكین آنها ۱۰۷/۸ است.

پیش آمدگی آرواره رویهمرفته در اینجا بیشتر از بین اروپائیان مشهود است ولی موارد برجسته آن بندرت دیده میشود. چانه از حیث شکل و تناسب متوسط است این قسمت را میتوان بعلت نبودن ریش در عکسها بخوبی مطالعه کرد. در فرد شماره ۳۳۸۳ (تصویر ۱۱ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۲۰ شکل ۲۰۱) ناحیه گونه بعدی بزرگ است که بنظر میرسد این شخص مخلوطی از نژاد مغولی باشد و این فرضیه بوسیله باریکی پلك و شکل چشم و نوع ابرو تأیید میشود.

در بین هفتاد و چهار نفر مرد مورد مطالعه هیچ نوع نقص یایی تناسبی صورت که واجد اهمیت باشد مشاهده نشد. کردن این افراد متوسط و متمایل به کوتاهی داشت.

در بین سری کناره بینی تمایلات مهمی را آشکار میسازد. شصت و هشت درصد دارای بینی باریک و فقط پنج درصد در طبقه بینی پهن قرار دارند. برای مقایسه با طبقه بندی کیت جدول زیر ترتیب داده شده است.

## عرض بینی

۲۹-X		۳۵-۳۰		۴۱-۳۶		X-۴۲		مجموع	
تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪	تعداد	٪
۰	—	۱۸	۲۴/۳۰	۴	۵/۴۰	۲	۲/۷۰	۲۴	۲۲/۴۰
۷	۹/۴۵	۳۶	۴۱/۸۵	۹	۱۲/۱۵	۱	۱/۳۵	۴۸	۶۴/۸۰
۰	—	۲	۲/۷۰	۰	—	۰	—	۲	۲/۷۰
۷	۹/۴۵	۵۱	۶۸/۸۵	۱۳	۱۷/۵۵	۲	۴/۰۵	۷۴	۹۹/۹۰

در بین هفتاد و چهار نفر مرد اهل کناره هفت نفر دارای بینی خیلی باریک (X-۲۹) هستند که همه از حیث طول در طبقه متوسط (۵۰-۵۹) می‌افتند. سه نفر هستند که بینی خیلی پهن (X-۴۲) دارند و دو تای آنها بینی‌شان کوتاه است (X-۴۹) پنجاه و یک نفر دارای بینی نسبتاً باریک و سیزده نفر دارای بینی نسبتاً پهن می‌باشند. از حیث طول بینی فقط دو نفر بینی دراز (X-۶۰) دارند درحالی‌که ۲۴ نفر در طبقه کوتاه (X-۴۹) واقع میشوند. بدین ترتیب مردان کناره بینی متوسط تا کوتاه و نسبتاً باریک دارند.

## خلاصه

در نتیجه مطالعات انسان‌شناسی و بررسی اندازه‌گیری و آماری و تصاویر افراد شش عنصر زیر در میان مردم کناره مشهود میگردد.

- (۱) نمونه نوع اصلی و خشن مدیترانه دارای صورت با اندازه متوسط و بینی نسبتاً پهن و فکین برجسته مانند فرد شماره ۳۳۳۷ (تصویر ۸۲ - شکل ۱ و ۲) و فرد شماره ۳۳۳۸ (تصویر ۸۴ - شکل ۲۰۱).
- (۲) نوع اتلانتيك و مدیترانه بعلاوه نوردیک دارای صورت دراز تر و سنگین تر و بینی باریکتر. این عنصر است که سبب زاغی چشم فرد شماره ۳۳۴۲ (تصویر ۷۶ - شکل ۲۰۱) شده است.
- (۳) نوع ارمنی و اناطولی دارای بینی عقابی شکل مانند فرد شماره ۳۳۶۳ (تصویر ۹ - شکل ۷۳ و تصویر ۸۸ - شکل ۷۳) و فرد شماره ۳۳۶۰ (تصویر ۸۶ - شکل ۲۰۱).
- (۴) نوع آلپ مانند فرد شماره ۳۳۵۱ (تصویر ۸۰ - شکل ۲۰۱).
- (۵) اثر نژاد مغول مانند فرد شماره ۳۳۸۳ (تصویر ۱۱ - شکل ۳ و تصویر ۷۰ - شکل ۲۰۱).

فرد شماره ۳۳۵۹ (تصویر ۸۱ - شکل ۴۹۳) و شماره ۳۳۸۲ (تصویر ۶۹ - شکل ۲۹۱) و شماره ۳۳۶۹ (تصویر ۸۷ - شکل ۲۹۱).  
(۶) مختصری عنصر سیاهپوست مانند فرد شماره ۳۳۴۸ (تصویر ۱۲ - شکل ۲۹۱ و تصویر ۸۹ - شکل ۲۹۱) و فرد شماره ۳۳۶۸ (تصویر ۱۲ - شکل ۴۹۳ و تصویر ۹۳ - شکل ۴۹۳).

معدودی از افراد بطور مختصر از سری مختلف و منحرف هستند و به همین جهت شایسته است که آنها را مورد توجه قرار دهیم. چند نفر (مانند فرد شماره ۳۳۵۴ - تصویر ۷۴ - شکل ۴۹۳) شبیه اعراب عراق مرکزی هستند ولی اکثر آنها در بازار عراق کاملاً مشخص و هویدا خواهند بود. فرد شماره ۳۳۸۳ (تصویر ۱۱ - شکل ۴۹۳ و تصویر ۷۰ - شکل ۲۹۱) مغولی است و میتوان او را باراث‌العبود یکی از کارگران حفريات کيث مقایسه کرد.

(رجوع شود به نوشته فیله ۱۹۳۵ - تصاویر XXX و XXXI)

وقتی عکسها بر اساس نیمرخ بینی مرتب میشد در میان گروه بینی باریک اختلاف معمولی از بینی راست تا عقابی وجود داشت و فقط اختلاف مختصر نژادی دیده میشد. بررسی طول و شکل کلی صورت بیشتر شایان توجه بود مخصوصاً از این جهت که در میان جمعیت عنصر نوع صورت کوتاه و صورت دراز و همچنین مخلوطی از این دو وجود داشت.

ده نشینان کناره از حیث قد و طول تنه و طول سرو عرض دو گونه متوسط هستند ولی عرض سر و حد اقل قطر پیشانی آنها عریض است و طول صورت و قسمت علیای آن دراز و بینی آنها باریک و نسبتاً کوتاه است. از لحاظ موی سر موجدار و سیاه مو و از لحاظ چشم قهوه‌ای تیره با سایه‌ی یکنواخت و سفیده صاف هستند. بینی محدب یا راست با پره باز یا متوسط و نوک بینی متمایل به کلفتی است. دندان آنها خوب و عده کمی از آنها افتاده است. از لحاظ سلامتی کلی و نمو عضلانی متوسط میباشند.



## ده نشیمن کنیا - اندازه ها

شماره	سن	قد	قد نسبته	طول پین برآمدگی و پس سر	عرض سر	قطر پیشانی	عرض دماغه	عرض فکین	طول صورت	طول قسمت علیای صورت	طول پینی	عرض پینی
۳۳۳۴	۲۰	۱۹۱.	۹۲۰	۱۹۲	۱۳۸	۱۱۴	۱۳۱	۱۱۳	۱۲۴	۷۱	۵۰	۳۹
۳۳۳۵	۲۵	۱۶۹.	۸۹۳	۱۸۳	۱۴۲	۱۱۰	۱۳۷	۱۲۳	۱۳۰	۸۰	۵۶	۳۷
۳۳۳۶	۴۵	۱۶۸.	۸۷۴	۱۸۳	۱۳۸	۱۱۲	۱۳۱	۱۰۴	۱۲۷	۷۴	۵۳	۳۴
۳۳۳۷	۲۵	۱۶۲.	۷۶۳	۱۸۶	۱۴۳	۱۰۹	۱۲۸	۱۰۷	۱۱۶	۶۷	۴۹	۳۱
۳۳۳۸	۴۰	۱۵۸.	۷۸۸	۱۸۶	۱۴۷	۱۱۳	۱۳۷	۰.۶	۱۱۵	۶۸	۴۸	۳۶
۳۳۳۹	۳۰	۱۶۱.	۸۲۷	۰۰۰	۱۴۴	۱۰۷	۱۳۱	۱۰	۱۱۵	۶۳	۴۶	۳۲
۳۳۴۰	۳۶	۱۶۳.	۸۶۴	۱۸۹	۱۴۶	۱۱۴	۱۳۴	۰.۶	۱۲۲	۶۳	۴۳	۳۴
۳۳۴۱	۴۰	۱۶۷.	۸۴۱	۱۹۴	۱۴۳	۱۰۷	۱۳۲	۰.۶	۱۲۳	۷۲	۵۳	۳۵
۳۳۴۲	۳۰	۱۶۲.	۷۷۲	۱۹۴	۱۳۸	۱۱۶	۱۳۶	۱۲	۱۲۹	۷۸	۵۴	۳۶
۳۳۴۳	۴۰	۱۶۴.	۸۲۲	۱۹۴	۱۳۸	۱۰۹	۱۳۰	۰۰	۱۲۹	۷۶	۶۱	۳۱
۳۳۴۴	۵۰	۱۵۸.	۷۸۲	۱۸۷	۱۳۳	۱۱۱	۱۳۱	۰.۳	۱۲۳	۷۴	۵۲	۳۱
۳۳۴۵	۲۵	۵۴.	۷۹۳	۱۸۳	۱۳۸		۱۲۷	۰.۳	۱۲۸	۷۶	۴۸	۳۱
۳۳۴۶	۴۰	۷۱.	۸۷۰	۱۸۸	۱۴۷		۱۴۰	۰.۷	۲۰	۶۸	۴۵	۳

# ده نشینا ده - شاخص ها

کوه و پیشانی	کوه و فکین	کوه شوش	قسمت		کتابت سر	قد نسبتی	عرض کوه	طول کوه
			علاقی	صورت				
۸۷/۰	۸۶/۳	۶۰/۱	۵۴/۲	۹۴/۷	۸۲/۶	۷۱/	۴۲	۶۹
۸۲/۱	۹۱/۸	۵۸/	۶۶/۱	۵۹/۷	۷۷/۵	۷۷/	۳۸	۶۵
۸۵/۵	۷۹/۴	۶۲/	۶۴/۲	۵۶/۵	۸۱/۲	۷۵/	۳۵	۵۶
۸۵/۲	۸۳/۶	۵۷/۱	۶۳/۳	۹۰/۶	۷۶/۲	۷۶/	۳۳	۵۷
۸۲/۵	۷۷/۴	۵۹/	۷۵/۰	۸۳/۰	۷۶/۹	۷۹/	۳۷	۶۲
۸۱/۷	۸۴/۰	۵۹/	۶۹/۶	۸۷/۰	۷۴/۳	۰۰۰	۳۶	۶۱
۸۵/۱	۷۹/۱	۶۴/	۷۷/۳	۴۷/۰	۹۱/۰	۷۸/۱	۳۴	۵۳
۸۱/۱	۸۰/۳	۵۸/	۶۶/۰	۵۴/۶	۹۳/۲	۷۴/۸	۳۶	۶۲
۸۵/۳	۸۲/۴	۶۵/	۶۶/۷	۵۷/۴	۹۴/۱	۸۴/۱	۳۶	۵۵
۸۳/۹	۷۶/۹	۶۰/	۵۲/۵	۵۸/۵	۹۹/۲	۷۹/۰	۳۸	۶۳
۸۴/۷	۷۸/۹	۵۵/	۶۱/۵	۵۶/۵	۹۳/۹	۸۳/۵	۳۶	۶۵
۸۵/۰	۸۱/۱	۶۳/	۶۸/۸	۵۹/۸	۱۰۰/۸	۷۸/۲	۳۶	۵۷
۸۳/۶	۷۶/۴	۶۱/	۸۸/۹		۸۵/۷	۷۹/۶	۳۸	۶۲

## اندازه ها

عرض پهنی	طول پهنی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض تکین	عرض دو گوشه	حداقل فطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی روپس سر	قد نشسته	قد	سن	شماره
۳۶	۵۱	۷۱	۱۱۷	۱۰۹	۱۳۲	۱۱۲	۱۴۰	۱۸۷	۸۳۰	۱۶۰	۵۰	۳۳۴۷
۴۲	۴۲	۶۵	۱۱۸	۷	۱۳۶	۱۱۲	۱۴۲	۱۸۸	۸۵۶	۱۶۶	۴۵	۳۳۴۸
۲۹	۵۰	۷۰	۱۱۷	۵	۱۲۷	۱۰۷	۱۴۲	۱۸۸	۸۴۷	۱۶۴	۴۰	۳۳۴۹
۳۲	۴۹	۶۷	۱۱۸	۳	۱۳۰	۱۰۳	۱۴۰	۱۷۷	۷۷۰	۱۶۱/۷	۶۰	۳۳۵۰
۴۲	۴۲	۵۶	۱۲۲	۷	۱۴۵	۱۱۸	۱۵۳	۱۸۷	۷۶۵	۱۵۹/۰	۳۵	۳۳۵۱
۳۴	۵۰	۷۵	۱۲۸	۵	۱۴۷	۱۲۰	۱۴۷	۱۹۲	۷۸۲	۱۶۲/۳	۵۰	۳۳۵۲
۳۴	۵۶	۷۸	۱۳۲	۷	۱۳۴	۱۱۲	۱۵۸	۱۸۷	۷۶۸	۱۴۸/۴	۳۰	۳۳۵۳
۳۴	۴۷	۶۹	۱۱۶	۵	۱۳۳	۱۱۵	۱۴۶	۱۹۳	۸۲۵	۱۶۹/۵	۲۸	۳۳۵۴
۳۲	۴۷	۶۹	۱۱۷	۵	۱۲۸	۱۱۲	۱۳۷	۱۸۷	۸۱۸	۱۶۶/۵	۲۵	۳۳۵۵
۳۵	۵۸	۷۶	۱۲۸	۴	۱۳۴	۱۱۴	۱۴۰	۱۸۹	۸۷۰	۷۴/	۳۵	۳۳۵۶
۳۲	۴۶	۷۰	۱۲۱	۳	۱۲۸	۱۱۰	۱۴۴	۱۷۹	۷۱۸	۵۷/۶	۲۲	۳۳۵۷
۳۳	۵۴	۷۸	۱۳۰	۳	۱۳۷	۱۱۵	۱۴۲	۱۹۱	۸۵۱	۷۰/۴	۵۵	۳۳۵۸
۳۶	۵۰	۶۷	۱۲۴	۶	۱۴۸	۱۲۸	۱۵۴	۱۹۶	۸۷۳	۶۶/۶	۳۵	۳۳۵۹

## شاخص ها

کمره و پیشانی	کمره و فکین	گوش	بینی	قسمت علائی صورت	عورت	پیشانی و آهیهاله	تناسب سر	قد نسبتبه نسبی	عرض گوش	طول گوش	شماره
۸۴/۹	۸۲/۶	۵۸/۳	۷۰/۶	۵۳/۸	۸۸/۶	۸۰/۰	۷۴/۹	۱/۸	۳۵	۶۰	۳۳۴۷
۸۲/۴	۸۶/۰	۶۶/۰	۱۰۰/۰	۴۷/۸	۸۶/۸	۷۸/۹	۷۵/۵	۵/۵	۳۵	۵۳	۳۳۴۸
۸۴/۳	۸۲/۷	۵۶/۹	۵۸/۰	۵۵/۱	۹۲/۱	۷۵/۴	۷۵/۵	۵/۵	۳۷	۶۵	۳۳۴۹
۷۹/۲	۷۹/۲	۶۷/۹	۶۵/۳	۵۱/۵	۹۰/۸	۷۳/۶	۷۹/۱	۴۷/۶	۳۶	۵۳	۳۳۵۰
۸۱/۴	۷۳/۸	۶۵/۱	۱۰۰/۰	۳۸/۶	۸۴/	۷۷/۱	۸۱/۸	۴۸/۰	۴۱	۶۳	۳۳۵۱
۸۱/۶	۷۱/۴	۵۹/۰	۶۸/۰	۵۱/۰	۸۷/	۸۱/۶	۷۶/۶	۴۸/۱	۳۶	۶۱	۳۳۵۲
۸۱/۸	۷۸/۱	۵۹/۴	۶۰/۷	۵۶/۹	۹۶/	۷۰/۹	۸۴/۵	۵۱/۷	۳۸	۶۴	۳۳۵۳
۸۶/۵	۷۹/۰	۶۱/۸	۷۲/۳	۵۱/۹	۸۷/	۷۸/۸	۷۵/۷	۴۸/۶	۳۴	۵۵	۳۳۵۴
۸۷/۵	۸۲/۰	۵۳/۵	۶۸/۱	۵۳/۹	۹۱/	۸۱/۸	۷۳/۳	۴۹/۱	۳۱	۵۸	۳۳۵۵
۸۵/۸	۷۷/۶	۶۶/۷	۶۰/۳	۵۶/۷	۹۵/	۸۱/۴	۷۴/۱	۵۰/۰	۴۰	۶۰	۳۳۵۶
۸۵/۹	۸۰/۵	۷۲/۹	۶۹/۶	۵۴/۷	۹۴/	۷۶/۴	۸۰/۵	۴۵/۵	۳۵	۴۸	۳۳۵۷
۸۳/۹	۷۵/۶	۶۲/۲	۶۱/۶	۵۶/۹	۹۴/	۸۱/۰	۷۴/۴	۴۹/۹	۳۶	۵۷	۳۳۵۸
۸۲/۴	۷۸/۱	۵۷/۴	۷۲/۰	۴۵/۳	۸۳/	۷۹/۲	۷۸/۶		۳۹	۶۸	۳۳۵۹

## اندازه‌ها

مرکز بینی	طول بینی	طول قسمت عظای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دوگوله	حداقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نشسته	قد	سن	شماره
۲۲	۵۷	۷۸	۱۲۵	۰۹	۱۲۸	۱۱۵	۱۳۸	۱۹۰	۷۹۳	۶۷/۳	۴۰	۳۳۶۰
۲۲	۵۹	۸۱	۱۳۵	۱	۱۳۹	۱۱۶	۱۵۲	۱۹۳	۸۵۲	۷۳/۰	۳۵	۳۳۶۱
۲۹	۵۱	۶۹	۱۱۱	۱	۱۳۶	۱۱۱	۱۴۵	۱۸۲	۸۴۲	۷۳/۱	۳۵	۳۳۶۲
۳۳	۵۵	۷۵	۱۳۴	۸	۱۳۶	۱۱۹	۱۴۴	۱۸۷	۸۷۸	۷۸/۳	۴۰	۳۳۶۳
۳۳	۵۳	۷۷	۱۲۵	۲	۱۳۱	۱۱۵	۱۴۴	۱۸۷	۸۰۳	۶۷/۲	۴۰	۳۳۶۴
۳۰	۵۶	۷۶	۱۳۲	۵	۱۳۱	۱۱۰	۱۴۱	۱۸۶	۸۲۹	۶۹/۶	۶۷	۳۳۶۵
۳۱	۵۲	۶۸	۱۱۵	۸	۱۳۶	۱۱۴	۱۵۲	۱۸۵	۷۶۰	۵۴/۲	۴۰	۳۳۶۶
۳۷	۵۴	۶۸	۱۱۷	۸	۱۳۶	۱۱۴	۱۴۳	۱۸۳	۷۸۷	۶۶/۸	۴۵	۳۳۶۷
۴۰	۵۷	۷۵	۱۲۵	۶	۱۳۹	۱۱۴	۱۳۸	۱۹۵	۸۲۰	۶۶/۱	۵۰	۳۳۶۸
۳۳	۵۲	۷۱	۱۲۴	۲	۱۴۱	۱۱۹	۱۴۴	۱۷۹	۸۱۹	۶۶/۰	۳۸	۳۳۶۹
۳۳	۵۱	۷۱	۱۱۵	۴	۱۳۴	۱۱۰	۱۳۹	۱۸۱	۸۲۵	۶۳/۷	۴۵	۳۳۷۰
۲۸	۵۲	۷۱	۱۲۴	۵	۱۳۰	۱۱۴	۱۳۸	۱۹۲	۷۸۳	۵۸/	۴۰	۳۳۷۱
۲۶	۵۵	۷۸	۱۲۹	۴	۱۲۷	۱۱۰	۱۳۶	۱۸۷	۸۰۰	۵۹/۴	۳۶	۳۳۷۲

## شاخص‌ها

گروه و پیشانی	گروه و فکین	گوش	بینی	علیای صورت	صورت	پیشانی و آهپانه	تناسب سر	قد نسبت به نسبی	عرض گوش	طول گوش
۸۹/۸	۸۵/۲	۷۰/۱	۵۶/۱	۶	۹۷/۷	۸۳/۳	۷۲/۶	۴۷/۴	۳۹	۵۵
۸۳/۵	۸۷/۱	۶۴/۶	۵۴/۱	۵۸/۱	۹۷/۱	۷۶/۳	۷۸/۸	۴۹/۰	۴۲	۶۵
۸۱/۶	۸۱/۶	۵۷/۱	۵۶/۱	۵۰/۱	۸۱/۶	۷۶/۶	۷۹/۷	۴۸/۶	۳۶	۶۳
۸۷/۵	۷۹/۴	۶۳/۹	۶۰/۱	۵۵/۱	۱۰۰/۷	۸۲/۶	۷۷/۰	۴۹/۲	۳۹	۶۱
۸۷/۸	۷۷/۹	۵۴/۶	۶۲/۱	۵۸/۱	۹۵/۴	۷۹/۹	۷۷/۰	۴۸/۰	۳۶	۶۶
۸۳/۹	۸۰/۲	۵۵/۴	۵۳/۶	۵۸/۱	۱۰۰/۷	۷۸/۰	۷۵/۸	۴۸/۸	۳۶	۶۵
۸۳/۸	۷۹/۴	۵۴/۲	۵۹/۶	۵۰/۱	۸۴/۶	۷۵/۰	۸۲/۲	۴۹/۳	۳۲	۵۹
۸۳/۸	۷۹/۴	۶۹/۶	۶۸/۱	۵۰/۱	۸۶/۰	۷۹/۷	۷۸/۱	۴۷/۱	۳۹	۵۶
۸۲/۰	۷۶/۳	۵۷/۱	۷۰/۱	۵۴/۱	۸۹/۹	۸۲/۶	۷۰/۸	۴۹/۴	۳۷	۶۴
۸۴/۴	۷۹/۴	۵۸/۱	۶۳/۱	۵۰/۱	۸۷/۹	۸۲/۶	۸۰/۵	۴۹/۳	۳۵	۶۰
۸۲/۱	۷۷/۶	۵۶/۱	۶۴/۱	۵۳/۱	۸۵/۸	۷۹/۱	۷۶/۸	۵۰/۴	۳۷	۶۵
۸۷/۷	۸۸/۵	۶۱/۱	۵۳/۱	۵۴/۱	۹۵/۴	۸۲/۶	۷۱/۹	۴۹/۵	۳۷	۶۰
۸۶/۶	۸۱/۹	۶۳/۱	۴۷/۱	۶۱/۱			۷۲/۷	۵۰/۲	۳۷	۵۸

۳۳۶۶  
۳۳۶۶  
۳۳۶۳  
۳۳۶۴  
۳۳۶۵  
۳۳۶۶  
۳۳۶۷  
۳۳۶۸  
۳۳۶۹  
۳۳۷۰  
۳۳۷۱  
۳۳۷۲

## نمازدها

عرض پیشی	طول بینی	طول صورت علیای صورت	طول صورت	عرض کین	عرض برجوه	حداقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی و پیشانی سر	قد ز	قد	سن	شماره
۳۳	۴۹	۶۸	۱۱۴	۰۵	۱۳۳	۱۶	۱۴۵	۱۹۰	۸۱۶	۱۶۴/۳	۲۲	۳۳۷۳
۴۰	۵۳	۷۱	۱۲۵	۰۳	۱۳۶	۱۱	۱۴۵	۱۸۱	۸۶۰	۱۷۷/۵	۲۵	۳۳۷۴
۲۹	۵۲	۶۷	۱۲۲	۰۴	۱۳۱	۱۰	۱۴۴	۱۸۷	۸۱۸	۱۶۲/۶	۲۰	۳۳۷۵
۳۱	۵۶	۷۳	۱۳۵	۰۷	۱۲۷	۰۶	۱۴۴	۱۸۲	۸۴۸	۱۶۰/۸	۲۳	۳۳۷۶
۳۵	۵۰	۷۰	۱۲۳	۰۸	۱۳۱	۱۰	۱۴۷	۱۸۹	۸۰۰	۱۶۷/۰	۲۲	۳۳۷۷
۳۱	۵۴	۷۲	۱۱۸	۱۲	۱۳۴	۱۲	۱۴۲	۱۸۵	۸۴۴	۱۷۰/۰	۲۰	۳۳۷۸
۴۰	۴۸	۶۲	۱۱۳	۹۷	۱۲۸	۰	۱۴۰	۱۸۳	۷۴۶	۱۶۱/۲	۲۰	۳۳۷۹
۴۰	۵۴	۷۷	۱۳۰	۱۳	۱۳۸	۱	۱۴۵	۱۸۸	۸۵۷	۱۷۲/۸	۲۵	۳۳۸۰
۴۱	۵۷	۷۶	۱۳۳	۰۸	۱۳۷	۳	۱۴۴	۱۹۸	۸۳۴	۱۷۴/۵	۲۸	۳۳۸۱
۳۲	۴۷	۶۸	۱۲۵	۰۸	۱۳۳	۷	۱۳۹	۱۸۵	۷۷۷	۵۷/۳	۲۰	۳۳۸۲
۳۱	۴۶	۷۰	۱۲۱	۱۱	۱۳۳	۴	۱۴۷	۱۸۷	۸۲۳	۶۵/۸	۲۱	۳۳۸۳
۲۷	۵۵	۷۰	۱۱۷	۰۲	۱۲۷	۸	۱۳۸	۱۸۲	۷۹۲	۶۳/۸	۱۸	۳۳۸۴
	۴۹	۶۸	۱۱۲	۰۳	۱۲۷	۹	۱۴۲	۱۷۴	۸۲۰	۵۷/۰	۳۵	۳۳۸۵

## شاخص‌ها

کوبه و پیشانی	کوبه ۱ فکین	مخوف	پیشی	قسمت عالمی صورت	صورت	پیشانی و آهینه	تناسب سر	قدنشته نشی	عرض مخوف	طول مخوف	شماره
۸۷/۴ ۸۲/۹	۷۵/۰ ۷۹/۴	۹۶/۱ ۷۲/۶	۶۷/۴ ۵۵/۸	۵۱/۰ ۵۲/۲	۸۵/۷ ۹۱/۸	۸۰/۰ ۷۷/۴	۷۹/۳ ۸۰/۱	۴۵/۶ ۴۸/۴	۳۷ ۴۰	۵۶ ۵۸	۳۳۷۳ ۳۳۷۴
۸۳/۵	۸۴/۳	۵۷/۹	۵۵/۴	۵۷/۰	۱۰۶/۱	۷۳/۶	۷۹/۱	۵۲/۱	۳۳	۵۷	۳۳۷۶
۸۶/۱۰	۸۷/۴	۵۹/۷	۷۰/۰	۵۳/۰	۹۳/۵	۷۴/۸	۷۷/۸	۴۷/۹	۳۷	۶۲	۳۳۷۷
۸۳/۶	۸۳/۶	۷۵/۰	۵۷/۴	۵۳/۰	۸۸/۱	۷۸/۹	۷۶/۸	۴۹/۴	۳۶	۴۸	۳۳۸۸
۸۷/۱	۷۵/۸	۶۳/۹	۶۲/۵	۴۸/۰	۸۸/۱	۷۱/۴	۷۶/۵	۴۶/۳	۳۹	۶۱	۳۳۷۹
۸۰/۴	۸۱/۹	۵۹/۱	۵۵/۶	۵۵/۰	۹۴/۰	۷۶/۶	۷۷/۱	۴۴/۶	۳۹	۶۶	۳۳۸۰
۸۲/۵	۷۸/۸	۵۸/۱	۵۴/۴	۵۵	۹۷/۰	۷۸/۵	۷۲/۷	۴۷/۸	۳۶	۶۲	۳۳۸۱
۸۰/۵	۸۱/۲	۶۴/۷	۶۸/۱	۵۱/۰	۹۴/۰	۷۷/۰	۷۵/۱	۴۹/۴	۳۳	۵۱	۳۳۸۲
۸۵/۷	۸۳/۵	۵۸/۹	۶۷/۴	۵۳/۰	۹۱/۰	۷۷/۶	۷۸/۶	۴۹/۶	۳۳	۵۶	۳۳۸۳
۸۵/۰	۸۰/۳	۰۰۰	۴۹/۱	۵۵/۰	۹۲/۰	۷۸/۳	۷۵/۸	۴۸/۳	۲۷	۵۵	۳۳۸۴
۸۵/۸	۸۱/۱	۶۳/۳	۶۳/۳	۵۳/۰	۸۸/۰	۷۷/۹	۶	۴۸/۸	۳۸	۶۰	۳۳۸۵



# انمازه ه

عرض پیشی	طول پیشی	طول قسمت عبای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دو گوشه	حداقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نشسته	قد	سن	شماره
۳۱	۵۶	۷۳	۱۲۰	۹۸	۱۲۳	۱۱۰	۱۴۰	۱۸۷	۸۱۰	۱۶۵/۷	۳۰	۳۳۸۶
۳۳	۵۲	۷۰	۱۲۱	۱۰۸	۱۲۷		۱۳۴	۱۸۷	۸۱۸	۱۶۲/۴	۴۰	۳۳۸۷
۳۸	۴۳	۶۸	۱۱۶	۱۰۵	۱۳۱	۵	۱۳۸	۱۹۱	۸۴۷	۱۶۱/۰	۳۳	۳۳۸۸
۳۰	۵۶	۷۳	۱۲۲	۱۰۸	۳۱	۰	۱۴۳	۱۸۳	۸۲۶	۱۶۸/۵	۰۰	۳۳۸۹
۲۸	۵۰	۶۴	۱۱۴	۱۱۴	۳۴	۰	۱۴۶	۱۸۳	۷۶۵	۱۶۰/۸	۳۰	۳۳۹۰
۳۵	۴۸	۶۷	۱۱۶	۱۰۳	۳۰	۴	۱۴۷	۱۸۷	۸۰۶	۱۶۱/۵	۵۵	۳۳۹۱
۳۵	۶۱	۸۱	۱۱۱	۱۰۹	۳۶	۷	۱۴۶	۱۹۷	۸۱۱	۱۶۶/۵	۴۰	۳۳۹۲
۳۳	۴۴	۶۴	۱۱۹	۱۱۴	۳۶	۸	۱۴۳	۱۹۶	۸۲۲	۱۷۰/۲	۳۰	۳۳۹۳
۳۱	۵۱	۷۱	۱۱۵	۱۱۴	۲۸	۹	۱۳۸	۱۸۴	۸۳۳	۱۶۳/۵	۲۰	۳۳۹۴
۳۰	۴۸	۶۷	۱۱۱	۱۰۴	۳۰	۱	۱۴۵	۱۸۹	۸۳۵	۶۰/۳	۳۰	۳۳۹۵
۳۳	۵۷	۷۷	۱۲۶	۱۱۲	۳۴	۳	۱۴۲	۱۸۰	۸۶۲	۶۴/۰	۵۵	۳۳۹۶
۳۶	۵۶	۷۳	۱۲۹	۱۱۳	۳۶	۱	۱۴۵	۱۸۳	۸۸۰	۷۲/۳	۳۰	۳۳۹۷
۳۰	۵۰	۷۰	۱۲۲	۱۰۷	۳۳	۵	۱۴۱	۱۸۶	۸۴۶	۶۸/۸	۲۸	۳۳۹۸

## شاخص‌ها

شماره	طول مخوش	عرض مخوش	قد نسبتی نسبی	تناسب سر	پیشانی و آهiale	سورت	قسمت‌های صورت	بینی	مخوش	مخالفین	مخالفه و پیشانی
۳۳۸۶	۵۷	۳۹	۲/	۷۴/۹	۷۸/۶	۹۷/۶	۵۹/۴	۵۵/۴	۶۸/۴	۷۹/۷	۸۹/۴
۳۳۸۷	۶۰	۳۸	۵۰/۴	۷۱/۷	۸۲/۸	۹۵/۳	۵۵/۱	۶۳/۵	۶۳/۳	۸۵/۰	۸۷/۴
۳۳۸۸	۵۸	۳۹	۵۲/۶	۷۲/۳	۸۳/۳	۸۸/۶	۵۱/۹	۸۸/۴	۶۷/۲	۸۰/۲	۸۷/۸
۳۳۸۹	۶۱	۳۶	۴۹/۰	۷۸/۱	۷۶/۹	۹۳/۱	۵۵/۷	۵۳/۶	۵۹/۰	۸۲/۴	۸۴/۰
۳۳۹۰	۵۸	۳۷	۴۷/۵	۷۹/۸	۷۵/۳	۸۵/۱	۴۷/۸	۵۶/۰	۶۳/۸	۸۵/۱	۸۲/۱
۳۳۹۱	۵۵	۳۴	۵۱/۱	۷۸/۶	۷۷/۶	۸۹/۱	۵۱/۵	۷۲/۹	۶۱/۸	۷۹/۲	۸۷/۸
۳۳۹۲	۷۰	۳۶	۴۹/۹	۷۴/۱	۸۰/۱	۸۱/۱	۵۹/۶	۵۷/۴	۶۱/۷	۸۰/۲	۸۶/۰
۳۳۹۳	۶۲	۳۸	۴۸/۳	۷۳/۰	۸۲/۵	۸۷/۱	۴۷/۱	۷۵/۰	۶۱/۳	۸۳/۱	۸۶/۸
۳۳۹۴	۵۸	۳۵	۵۰/۹	۷۵/۰	۷۹/۰	۸۹/۱	۵۵/۵	۶۰/۸	۶۰/۳	۸۹/۱	۸۵/۲
۳۳۹۵	۵۸	۳۷	۵۲/۱	۷۶/۷	۷۶/۶	۸۵/۱	۵۱/۵	۶۲/۵	۶۳/۸	۸۰/۰	۸۵/۴
۳۳۹۶	۶۲	۳۴	۵۲/۶	۷۸/۰	۷۹/۶	۹۴/۱	۵۷/۵	۵۷/۹	۵۴/۸	۸۳/۰	۸۴/۳
۳۳۹۷	۶۳	۳۷		۷۹/۲	۷۶/۶		۵۳/۷	۶۴/۳	۵۸/۷	۸۳/۱	۸۱/۶
۳۳۹۸	۶۲	۳۳		۷۵/۸	۸۱/۶		۵۲/۶	۶۰/۰	۵۳/۲	۸۰/۰	۸۶/۵

## اندازه‌ها

طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	عرض سر	قطر پیشانی	عرض دو گونه	عرض فکین	طول صورت	طول قسمت علیای صورت	طول پیشانی	عرض پیشانی
۸۳۳	۱۵۹	۱۰۷	۱۳۳	۱۶	۱۲۱	۷۵	۵۷	۳۰
۸۳۱	۱۴۱	۱۱۸	۱۳۸	۱۰۴	۱۳۴	۷۸	۵۶	۳۱
۷۷۵	۱۴۳	۱۰۹	۱۲۷	۱۰۳	۱۳۷	۷۶	۵۴	۳۲
۷۸۵	۱۷۶	۱۱۳	۱۳۴	۱۱	۱۱۷	۶۵	۴۲	۳۱
۸۰۵	۱۸۱	۱۱۲	۱۳۴	۱۰	۱۱۹	۶۸	۴۸	۳۰
۸۰۸	۱۸۷	۱۱۴	۱۴۶	۱۶	۱۳۲	۷۷	۵۳	۳۱
۸۴۷	۲۰۰	۱۱۴	۱۳۵	۱۱	۱۲۳	۷۱	۴۶	۳۱
۸۱۸	۱۷۶	۱۱۱	۱۲۷	۹۸	۱۱۸	۷۱	۵۵	۳۰
۸۲۴	۲۰۱	۱۴۱	۱۴۰	۲۱	۱۲۴	۷۳	۵۴	۴۲

شماره

سن

قد

قد نشسته

د پس سر

عرض سر

قطر

عرض

عرض

طول

طول

طول

عرض

## شاخص‌ها

شماره	طول	عرض	قد نسبتی	نسب	پیشانی و آهانه	صورت	قسمت علایی صورت	بینی	گوش	گوه فکین	گوه و پیشانی
۳۳۹۹	۵۳	۳۱	۴۹/۲	۸۴/۱	۶۷/۳	۹۱/۰	۵۶	۵۲/۶	۵۸/۵	۸۷/	۰/۵
۳۴۰۰	۶۲	۳۶	۴۸/۱	۷۷/۵	۸۳/۷	۹۷/۱	۵۶/۵	۶۴/۳	۵۸/۱	۷۵/	۸۵/۵
۳۴۰۱	۶۱	۳۸	۴۹/۹	۷۷/۱	۷۶/۲	۰۷/۹	۵۹/۸	۵۹/۳	۶۲/۳	۸۱/	۸۵/۸
۳۴۰۲	۵۶	۴۰	۴۹/۷	۷۵/۶	۸۵/۰	۸۷/۳	۴۸/۵	۷۳/۸	۷۱/۴	۸۲/	۸۴/۳
۳۴۰۳	۵۳	۳۱	۵۰/۰	۷۶/۲	۸۱/۲	۸۸/۸	۵۰/۸	۶۲/۵	۵۸/۵	۸۲/	۸۳/
۳۴۰۴	۵۹	۴۰	۴۷/۸	۷۶/۵	۷۸/۶	۹۰/۴	۵۲/۷	۵۸/۵	۶۷/۸	۷۹/	۷۸/
۳۴۰۵	۶۴	۳۳	۴۷/۴	۷۳/۰	۷۸/۱	۹۱/۱	۵۲/۶	۷۸/۳	۵۱/۶	۸۲/	۸۴/
۳۴۰۶	۵۳	۳۴	۵۱/۵	۷۸/۴	۸۰/۴	۹۲/۹	۵۵/۹	۵۴/۶	۶۹/۸	۷۷/	۸۷/
۳۴۰۷	۵۳	۳۷	۴۸/۱	۷۰/۲	۸۱/۶	۸۸/۶		۷۷/۸	۶۹/۸	۸۶/	۸۲

## اندازه ها و شاخص های مردان کناره

اندازه ها	تعداد	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
سن	۷۴	۱۷-۱۸	$۲۷/۲۵$	$۱۷/۰۵$	$۱/۷۹ \pm ۳۲/۳۵$
قد	۷۴	۱۹۳-۱۴۶	$۱۶۵/۵۴$	$۶/۶۹$	$۲۲ \pm ۴/۰۴$
قد نشسته	۷۴	۹۲-۷۲	$۸۱/۹۷$	$۲/۶۳$	$۲۵ \pm ۴/۴۳$
طول سر	۷۳	۲۰۲-۱۷۳	$۱۸۷/۰۲$	$۵/۵۲$	$۱۶ \pm ۲/۹۵$
عرض سر	۷۴	۱۶۱-۱۳۲	$۱۴۲/۹۶$	$۴/۹۸$	$۱۹ \pm ۳/۴۸$
حداقل قطر پیشانی	۷۴	۱۲۴-۹۷	$۱۱۲/۱۴$	$۳/۹۲$	$۱۹ \pm ۳/۵۰$
قطر دو گونه	۷۴	۱۴۹-۱۲۰	$۱۳۳/۳۵$	$۵/۲۰$	$۲۲ \pm ۳/۹۰$
قطر دوفک	۷۴	۱۲۵-۹۴	$۱۰۷/۷۸$	$۵/۲۰$	$۲۷ \pm ۴/۸۲$
طول کل صورت	۷۴	۱۳۹-۱۱۰	$۱۲۲/۴۰$	$۶/۵۰$	$۲۹ \pm ۵/۳۱$
طول قسمت بالای صورت	۷۳	۸۱-۶۰	$۷۱/۷۵$	$۴/۹۵$	$۳۹ \pm ۶/۹۰$
طول بینی	۷۴	۶۳-۴۰	$۵۱/۶۶$	$۴/۷۶$	$۵۱ \pm ۹/۲۱$
عرض بینی	۷۴	۴۲-۲۵	$۳۲/۸۱$	$۳/۳۶$	$۵۷ \pm ۱۰/۲۴$

## اندازه ها و شاخص های مردان کناره

اندازه ها	تعداد	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
طول گوش	۷۳	۷۱-۴۸	$0.38 \pm 0.054$	$0.27 + 4/76$	$0.45 \pm 7/99$
عرض گوش	۷۳	۴۳-۲۹	$0.21 + 36/33$	$0.15 \pm 2/61$	$0.40 \pm 7/18$
شاخص ها					
قد	۷۴	۵۳-۴۶	$0.14 \pm 49/74$	$0.10 + 1/76$	$0.20 + 3/54$
سر	۷۳	۸۵-۶۸	$0.25 + 76/35$	$0.18 + 3/15$	$0.23 \pm 4/13$
پیشانی و فرق	۷۴	۸۶-۶۶	$0.27 + 78/64$	$0.19 + 3/45$	$0.24 \pm 4/39$
گونه و پیشانی	۷۴	۸۳-۶۸	$0.22 + 84/54$	$0.15 \pm 2/76$	$0.18 + 3/76$
گونه و فک	۷۴	۹۲-۶۹	$0.29 + 80/83$	$0.21 + 3/75$	$0.26 \pm 4/64$
صورت	۷۴	۱۰۹-۸۰	$0.44 + 91/95$	$0.31 + 5/60$	$0.34 + 6/09$
قسمت علیای صورت	۷۳	۶۳-۴۳	$0.31 + 53/81$	$0.22 + 3/93$	$0.41 + 7/30$
بینی	۷۴	۹۹-۴۴	$0.78 + 64/54$	$0.55 + 10/00$	$0.86 \pm 10/49$
گوش	۷۳	۷۶-۴۹	$0.41 + 61/80$	$0.29 + 5/20$	$0.47 + 8/40$

## طبقه بندی طبق سیستم هاروارد

مجموع	بلند	متوسط	کوتاه	
	( $x-169/5$ )	( $169/4-160/5$ )	( $160/5-x$ )	
۷۴	۱۸	۴۰	۱۶	تعداد
۹۹/۹۹	۲۴/۳۲	۵۴/۰۵	۲۱/۶۲	درصد

## شاخص سر

مجموع	سر کوتاه	سر متوسط	سردراز	
	( $x-82/6$ )	( $82/5-76/6$ )	( $76/5-x$ )	
۷۳	۲	۳۵	۳۶	تعداد
۱۰۰/۰۱	۲/۷۴	۴۷/۹۵	۴۹/۳۲	درصد

## شاخص کل صورت

مجموع	صورت باریک	صورت متوسط	صورت عریض	
	( $x-89/5$ )	( $89/4-84/6$ )	( $84/5-x$ )	
۷۴	۴۷	۲۲	۵	تعداد
۱۰۰/۰۰	۶۳/۵۱	۲۹/۷۳	۶/۷۶	درصد

## شاخص بینی

مجموع	بینی پهن	بینی متوسط	بینی باریک	
	( $x-83/5$ )	( $83/4-77/5$ )	( $77/4-x$ )	
۷۴	۴	۲۰	۵۰	تعداد
۱۰۰/۰۱	۵/۴۱	۲۷/۰۳	۶۷/۵۷	درصد

## خصوصیات شکل شناسی ده نشینان کناره

شماره	شکل	م	چشم				بینی	
			رنگ	رنگ	سیاهی	زیربُخ	پره	متوسط
۲۲۳۴	مجمد درشت	خشن	قهوه‌ای سیر	قهوه‌ای سیر	صاف	یکنواخت	محدب	محدب
۲۲۳۵	و	متوسط	و	و	و	و	محدب	و
۲۲۳۶	و	متوسط نرم	و	و	صاف	یکنواخت	صاف	و
۲۲۳۷	مجمد خیلی درشت	نرم	سیاه خاکستری	و	و	و	و	و
۲۲۳۸	و	متوسط	سیاه	و	لک‌دار	حلقه‌دار	و	و
۲۲۳۹	مجمد درشت	نرم	و	و	صاف	یکنواخت	محدب	و
۲۲۴۰	و	خشن	و	و	و	و	صاف	و
۲۲۴۱	مجمد خیلی درشت	متوسط	قهوه‌ای سیر	و	و	و	عذب به مقعر	متوسط باز
۲۲۴۲	مجمد درشت	نرم	سیاه	رخا کستری قهوه‌ای	لک‌دار	حلقه‌دار	محدب	باز
۲۲۴۳	و	و	و	قهوه‌ای سیر	صاف	یکنواخت	و	متوسط
۲۲۴۴	مجمد خیلی درشت	و	سیاه خاکستری	و	و	و	صاف	متوسط باز
۲۲۴۵	مجمد درشت	و	قهوه‌ای سیر	و	و	و	ب	متوسط



## خصوصیات شکل شناسی ده نشینان گناره

ردیف	پیش		چشم	رنگ		شکل	شماره
	لبه	لبه		لبه	لبه		
۲۳۴۶	متوسط باز	محدب	سیاهی	صاف	قهوه‌سبز	مجدددرشت	۲۳۴۶
۲۳۴۷	باز	د	د	د	سیاه خاکستری	د	۲۳۴۷
۲۳۴۸	د	صاف	۰۰۰	لک‌دار	قهوه‌سبز	مجدد ریز	۲۳۴۸
۲۳۴۹	متوسط	د	حلقه‌دار	د	سیاه خاکستری	مجدددرشت	۲۳۴۹
۲۳۵۰	د	د	یکتواخت	صاف	د	د	۲۳۵۰
۲۳۵۱	باز	مقعر	د	د	سیاه	متوسط	۲۳۵۱
۲۳۵۲	متوسط	محدب	د	د	د	خشن	۲۳۵۲
۲۳۵۳	د	صاف	د	لک‌دار	قهوه‌سبز	د	۲۳۵۳
۲۳۵۴	د	مقعر	د	صاف	د	د	۲۳۵۴
۲۳۵۵	د	صاف	د	د	د	متوسط	۲۳۵۵
۲۳۵۶	د	محدب	د	د	د	د	۲۳۵۶
۲۳۵۷	باز	محدب مقعر	د	د	قهوه‌سبز	د	۲۳۵۷

شماره	شکل	مو			رنگ		چشم		پیش		شماره	
		بافت	خشن	نرم	خاکستری سیاه	قهوه سبز	صاف	یکدخت	سیاهی	نیوچ		پره
۳۳۵۸	مجمد درشت	د	د	خشن	سیاه خاکستری	د	د	صاف	یکدخت	صاف	متوسط	۳۳۵۸
۳۳۵۹	د	د	د	د	د	د	د	۰۰۰	۰۰۰	محدب	فشرده	۳۳۵۹
۳۳۶۰	د	د	د	متوسط	سیاه	د	د	صاف	یکدخت	صاف	متوسط	۳۳۶۰
۳۳۶۱	د	د	د	د	قهوه سبز	د	د	د	د	محدب	د	۳۳۶۱
۳۳۶۲	د	د	د	نرم	سیاه	د	د	د	د	محدب	د	۳۳۶۲
۳۳۶۳	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	د	۳۳۶۳
۳۳۶۴	د	د	د	متوسط	د	د	د	د	د	محدب	متوسط	۳۳۶۴
۳۳۶۵	د	د	د	خشن متوسط	سفید	د	د	د	د	صاف	متوسط	۳۳۶۵
۳۳۶۶	د	د	د	نرم	سیاه	د	د	د	د	محدب	فشرده	۳۳۶۶
۳۳۶۷	د	د	د	نرم	د	د	د	د	د	د	باز	۳۳۶۷
۳۳۶۸	د	د	د	متوسط	خاکستری	سبز قهوه	لکدار	حلقه دار	د	د	باز	۳۳۶۸
۳۳۶۹	د	د	د	نرم	سیاه	قهوه سبز	صاف	یکدخت	محدب	متوسط	متوسط	۳۳۶۹

## خصوصیات شکل شناسی ده نشینان کناره

شماره	شکل	مو			چشمی			پیشانی	
		باق	رنگی	رنگ	سپیده	سیاهی	نیم رخ	پره	نیم رخ
۳۳۷۰	مجمد درشت	متوسط نرم	سیاه خا کستری	قهوه سبز	لک دار	یک نواخت	محدب	متوسط	متوسط
۳۳۷۱	د	۰۰۰	سیاه	د	صاف	د	صاف	د	د
۳۳۷۲	د	متوسط	د	د	د	د	د	د	فشرده متوسط
۳۳۷۳	د	نرم	د	د	د	د	د	د	متوسط
۳۳۷۴	د	متوسط	د	د	د	د	د	د	فشرده
۳۳۷۵	د	نرم	د	د	د	د	محدب	د	د
۳۳۷۶	د	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۳۷۷	د	د	د	د	د	د	صاف	متوسط باز	متوسط باز
۳۳۷۸	د	د	د	د	د	د	محدب	متوسط	متوسط
۳۳۷۹	د	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۳۸۰	د	متوسط	قهوه سبز	سبز قهوه	لک دار	حلقه دار	د	د	متوسط باز
۳۳۸۱	مجمد ریز	نرم	سیاه	قهوه سبز	صاف	یک نواخت	د	د	متوسط

شماره	شکل	چشم			بوی	
		باقی	رنگی	رنگی	پیروج	پره
۲۳۸۲	مجمددریز	متوسط	سیاه	قهوه سیر	صاف	متوسط
۲۳۸۳	مجمددروشت	نرم	د	د	موجدار	د
۲۳۸۴	د	د	د	د	صاف	د
۲۳۸۵	مجمددریز	خشین	د	د	محدب	د
۲۳۸۶	مجمددروشت	متوسط	قهوه سیر	سبز قهوه	صاف	د
۲۳۸۷	د	د	سیاه	آبی	محدب	د
۲۳۸۸	د	د	قهوه سیر	قهوه سیر	محدب مقعر	باز
۲۳۸۹	د	نرم	سیاه	د	محدب	متوسط
۲۳۹۰	د	خشین متوسط	سیاه	د	محدب	د
۲۳۹۱	د	متوسط	سیاه خاکستری	خاکستری قهوه	صاف	د
۲۳۹۲	مجمددریز	د	سیاه	قهوه سیر	محدب	د
۲۳۹۳	مجمددروشت	خشین متوسط	سیاه	آبی قهوه	صاف	متوسط باز
۲۳۹۴	د	۰۰۰	قهوه	قهوه سیر	محدب	متوسط

## خصوصیات شکل شناسی ده نشینان کناره

شماره	شکل	بافت	رنگ	رنگ	چشم		سیاهی	مهرخ	پیشانی
					قهوه سبز	صاف			
۳۳۹۵	چنددرشت	نرم	قهوه سبز	قهوه سبز	د	د	یکنواخت	محدب	گلبرگه <sup>۱</sup>
۳۳۹۶	د	د	خاکستری	د	د	د	د	محدب <sup>۱</sup>	متوسط باز
۳۳۹۷	د	متوسط	بیاه	سبز قهوه	۰۰۰	۰۰۰	یکنواخت	صاف	متوسط
۳۳۹۸	د	متوسط نرم	د	قهوه سبز	صاف	صاف	یکنواخت	محدب	متوسط
۳۳۹۹	چیلی درشت	متوسط	د	د	د	د	د	موجدار	متوسط باز
۳۴۰۰	چنددرشت	متوسط نرم	د	سبز قهوه	لک دار	حلقه دار <sup>۲</sup>	حلقه دار	محدب	د
۳۴۰۱	د	متوسط	قهوه خاکستری <sup>۱</sup>	سبز قهوه	۰۰۰	۰۰۰	خطدار	محدب مقعر	متوسط
۳۴۰۲	د	د	سیاه	سبز قهوه	لک دار	د	د	صاف	متوسط باز
۳۴۰۳	د	نرم	قهوه سبز	د	د	د	یکنواخت	محدب	د
۳۴۰۴	د	خشن متوسط	سیاه	قهوه سبز	صاف	صاف	لک دار	مقعر	باز
۳۴۰۵	د	نرم	د	د	صاف	صاف	یکنواخت	محدب <sup>۱</sup>	متوسط
۳۴۰۶	د	متوسط	د	د	صاف	صاف	یکنواخت	محدب	باز
۳۴۰۷	د	د	سفید	د	د	د	د	محدب مقعر	باز

## لرهای پشت کوه

در نتیجه اقدام جدی اولیای امور لرستان اکنون امنیت دارد و دانشمندان و علما با ارائه مدارک می توانند اجازه مسافرت باین ناحیه بگیرند. کلیه این ناحیه خلع سلاح شده است.

بعثت کمی وقت در ماه اوت و سپتامبر مسافرت به لرستان و ناحیه بختیاری امکان پذیر نبود. اجازه مسافرت به لرستان از طرف اولیای امور در طهران و فرماندار اصفهان داده شده بود. ولی در بغداد با برپا شدن اخبار گمراهی همه لر پشت کوه بودند. با مساعدت اولیای امور عراقی این جانب موفق شدم که از ۵۲ نفر لر متعلق به قبیله حسنقلی خان اندازه گیری و عکسبرداری کنم. این افراد دارای قد بلند (۱۶۸/۶۳) هستند و از حیث نیروی جسمانی و حس بردباری از همه گروههای دیگر ممتاز میباشند. بار سنگین و عظیمی بدوش میکشند و گاهی يك نوع مخصوصی پشته بکار میبرند و سر خود را می بندند. در ایران و عراق اغلب برای باربری و حمل اشیاء و مال التجاره سنگین از لرها استفاده میکنند. اگرچه لرها خوش طبیعت و خوش اخلاق هستند بچیت ظاهر قیافه سبعه و وحشتناک دارند، موی سر دراز و پیچیده آنان این اثر را تقویت میکند.

بطور کلی اندازه واحد فامیلی کوچک است و احتمال میرود که در اثر میزان زیاد تلفات اطفال باشد در این گروه اندازه گیری شده بیست و پنج درصد متأهل ولی فقط پانزده درصد دارای اولاد بودند. از طرف دیگر جوانی نسبی این عده تا حدی باین مسئله کمک کرده است.

## آمار اساسی

(۱) متأهل : ۳۲۸۱-۳۲۹۱ (دو زن) ۳۲۹۳ (دو بار متأهل شده) -

۳۲۹۴-۳۲۹۸-۳۳۰۰-۳۳۰۲-۳۳۱۱-۳۳۱۶-۳۳۱۸

۳۳۲۸-۳۳۲۹-۳۳۳۱

(۲) غیر متأهل : ۳۹ نفر

(۳) اولاد - همه زنده

شماره ۳۲۹۱ - دودختر از زن دوم

شماره ۳۲۹۳ - ۱ پسر - سه دختر

- شماره ۳۲۹۴ و ۳۲۲۸- ۲ پسر  
 شماره ۳۲۹۸ و ۳۳۱۱- ۱ دختر و ۱ پسر  
 شماره ۳۳۰۲- سه پسر  
 شماره ۳۳۱۸- سه پسر و دودختر  
 (۴) برادر و خواهر- همه زنده  
 شماره ۳۲۹۶ و ۳۳۰۳ و ۳۳۲۲- خواهر هیچ - برادر ۱  
 شماره ۳۲۸۷ و ۳۲۹۷ و ۳۳۱۳ و ۳۳۲۹- خواهر ۱- برادر ۱  
 شماره ۳۲۸۴ و ۳۲۹۳ و ۳۳۰۱ و ۳۳۲۵ و ۳۳۳۱- خواهر هیچ -  
 برادر ۲  
 شماره ۳۲۹۵ و ۳۳۰۰ و ۳۳۳۲- خواهر ۱- برادر ۲  
 شماره ۳۲۳۸ و ۳۲۳۸ و ۳۳۰۴ و ۳۳۰۹ و ۳۳۱۰- خواهر ۲- برادر ۱  
 شماره ۳۳۲۰- خواهر ۳ - برادر هیچ  
 شماره ۳۲۸۱ و ۳۲۸۸ و ۳۲۹۲- خواهر ۲- برادر ۲  
 شماره ۳۳۱۱ و ۳۳۳۰- خواهر ۱- برادر ۳  
 شماره ۳۳۲۴- خواهر ۳- برادر ۱  
 شماره ۳۳۱۲ و ۳۳۱۴- خواهر ۲- برادر ۳  
 شماره ۳۲۹۴- خواهر هیچ - برادر ۶  
 شماره ۳۳۰۵ و ۳۳۰۶- خواهر ۳- برادر ۳  
 شماره ۳۳۰۷- خواهر ۲- برادر ۴  
 شماره ۳۳۰۸- خواهر ۴- برادر ۲  
 شماره ۳۳۲۱- خواهر ۵- برادر ۱  
 شماره ۳۳۱۷ و ۳۲۹۸- خواهر ۳- برادر ۵  
 شماره ۳۲۸۹- خواهر ۶- برادر ۲  
 شماره ۳۳۲۷- خواهر ۲- برادر ۷

سن = در حدود ۸۰ درصد افراد از ۳۴ سال کمتر داشتند و در حدود

یک چهارم از ۲۴ سال کمتر داشتند. میانگین سن آنها ۳۰/۱۵.

سن	تعداد	درصد	سن	تعداد	درصد
۲۴-۲۰	۱۴	۲۶/۹۲	۵۴-۵۰	۲	۳/۸۵
۲۹-۲۵	۱۶	۳۰/۷۷	۵۹-۵۵	۰	-
۳۴-۳۰	۱۲	۲۳/۰۸	۶۴-۶۰	۰	-
۳۹-۳۵	۵	۹/۶۲	۶۹-۶۵	۰	-
۴۴-۴۰	۲	۳/۸۵	۷۰-۷۵	۱	۱/۹۲
۴۹-۴۵	۰	-			

### خصوصیات شکل شناسی لُرهای پشت کوه

رنگ پوست = رنگ پوست آنها تیره تر از رنگ اروپائیان جنوبی است ولی تنوع زیادی در بین آنها مشاهده میشود از جمله رنگ قهوه روشن (شماره ۳۳۲۲-تصویر ۱۰۹- شکل ۳ و ۴) تا قهوه تیره (شماره ۳۲۸۷- تصویر ۱۱۷ شکل ۱ و ۲). افراد شماره ۳۲۹۸ (تصویر ۱۱۸ شکل ۳ و ۴) و ۳۳۱۷ (تصویر ۱۰۹- شکل ۱ و ۲) هر کدام دارای صورت تیره بودند ولی قسمت فوقانی پیشانی آنها که آفتاب ندیده بود سفید بود و این نشانه اثر شدید آفتاب و هوا در این منطقه میباشد. این خصوصیت در افراد متعدد دیگر این گروه مشاهده شد. در گرمای شدید بغداد در تابستان و سرمای یخبندان زمستان پوست صورت را که در معرض هوا قرار دارد حالت سوختگی میدهد و این امر در بین لرها که به نظافت اهمیت زیاد نمیدهند و با وجود نزدیکی رودخانه دجله که در کنار اداره گمرک بغداد قرار دارد شست و شو نمیکنند تشدید یافته است.

مو = مو بطور کلی قهوه تیره است ولی موارد قهوه قرمز رنگ نیز مشاهده شد. از لحاظ شکل مجعد درشت و با جزئی تنوع میباشد. از حیث بافت متوسط و متمایل به خشن است. در بعضی موارد سر بصورت مخصوصی تراشیده شده است مثلاً فرد شماره ۳۳۱۳ (تصویر ۶ شکل ۱ و ۲ و تصویر ۱۰۸- شکل ۳ و ۴) موی سر خود را از جلوی پیشانی تا مغز سر بصورت نیم دایره تراشیده بود. و فرد ۳۳۰۷ (تصویر ۳- شکل ۱ و ۲- تصویر ۱۰۶- شکل ۱ و ۴) يك قسمت مربع مستطیلی شکل از جلوی پیشانی تا کنار سر را تراشیده است. فرد شماره



۳۳۰۹ (تصویر ۱۱۵ - شکل ۱ و ۲) مغز سر خود و یک باریکه از جلوی پیمانی  
تا مغز سر را تراشیده است و بشکل سر بعضی از کشیشان مسیحی درآورده است.

رنگ	تعداد	درصد	حالت	تعداد
سیاه	۱	۲/۰۸	صاف	۰
قهوه خیلی تیره	۰	-	مچند خیلی درشت	۳
قهوه تیره	۳۹	۸۱/۲۵	مچند درشت	۴۰
قهوه	۰	-	مچند ریز	۳
قهوه قرمز رنگ	۷	۱۴/۵۸	مچند افریقائی	۰
قهوه روشن	۰	-	پشالو	۱
قرمز	۰	-	مجموع	۴۷
سیاه و خاکستری	-	-	بالک	تعداد
قهوه و خاکستری	۱	۲/۰۸	خشن	۶
قهوه روشن و خاکستری	۰	-	خشن - متوسط	-
خاکستری	۰	-	متوسط	۳۶
سفید	-	-	متوسط - نرم	۱
مجموع	۴۸	۹۹/۹۹	نرم	۱
			مجموع	۴۴

ریش مو بطور عادی با افزایش سنی مشهود بود. موی خاکستری تا حد قابل ملاحظه تا قبل از چهل سالگی بندرت مشاهده شد و در مورد افراد پیرتر کمتر از حد عادی بود. فرد شماره ۳۳۳۱ برای جلوگیری از سفید شدن مو حنا بسته بود.

همه افراد بجز دونفر سیبل داشتند. پرمویی غیر عادی در بدن فقط در مورد یک نفر یعنی فرد شماره ۳۳۱۱ (تصویر ۳ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۱۲۶ - شکل ۳ و ۴) مشاهده شد. نمونه موی سی و دونفر از افراد گرفته شد.

چشم = رنگ چشم آنها بطور کلی قهوه بود. نیمی دارای چشم برنگ قهوه سیر و یک سوم قهوه آبی و بقیه قهوه سبز بودند. این رنگهای روشن تر حاکی از امکان وجود عنصر نور درین آنها میباشد. درین آنها یک موی قهوه سیر داشتند پنج نفر دارای چشم قهوه سبز و سیزده نفر دارای چشم قهوه آبی بودند فقط یک نفر که مویش قهوه قرمز رنگ بود چشم قهوه تیره داشت و شش نفر بقیه رنگ روشنتر. داشتند بیش از نیمی از سیاهی چشم یکنواخت بود و یک سوم خط دار و ده درصد آنها حلقه دار بود با استثنای ۱۴ درصد که دارای سفید لک -

دار بودند همه افراد بجز يك نفر سفیده صاف داشتند شكاف چشم مانند چشم اروپائیان تقریباً اقلی بود وموارد غیر عادی مشاهده نشد. در بین لرها عده زیادی ابروان پیوسته داشتند.

### چشم

رنگ	تعداد	درصد	سیاهی	تعداد	درصد
سیاه	۰	—	یکنواخت	۳۰	۶۱/۲۲
قهوه سیر	۲۵	۰/۱۰۰	خط دار	۱۲	۲۸/۵۷
قهوه آبی	۱۷	۳۴/۱۰۰	حلقه دار	۵	۱۰/۲۰
قهوه سبز	۸	۱۶/۱۰۰	مجموع	۴۹	۹۹/۹۹
قهوه خاکستری	۰	—	سفیده	تعداد	درصد
آبی	۰	—	صاف	۴۲	۸۴/۱۰۰
خاکستری	۰	—	زرد	۰	—
قهوه روشن	۰	—	لک دار	۷	۱۴/۱۰۰
خاکستری آبی	۰	—	خونین	۰	—
سبز آبی	۰	—	لک دار و خونین	۱	۲/۱۰۰
مجموع	۵۰	۱۰۰/۱۰۰	مجموع	۵۰	۱۰۰/۱۰۰

بینی = نیمرخ بینی یا محدب بود یا صاف. بطور کلی بینی بر جسته بود و درجه تحدب متنوع و از کم تا خیلی زیاد وجود داشت مانند افراد شماره ۳۲۸۱ (تصویر ۱۲۰- شکل ۱ و ۲) و ۳۲۹۴ (تصویر ۷- شکل ۳ و ۴ و تصویر ۱۲۷- شکل ۳ و ۴) و ۳۳۲۲ (تصویر ۱۰۹- شکل ۳ و ۴). پره بینی نیز دارای تنوع و از فشرده تا باز نشان میداد. ۷۵ درصد افراد در طبقه متوسط تا متوسط باز قرار گرفتند در حال نیمرخ سوراخ بینی پنهان بود مانند بینی فرد شماره ۳۳۲۹ (تصویر ۱- شکل ۳ و ۴- تصویر ۱۲۵- شکل ۳ و ۴) یا بطور قابل ملاحظه هلالی مانند بینی فرد شماره ۳۳۳۰ (تصویر ۱۱۲- شکل ۳ و ۴). نوک بینی نازک یا پهن است ولی تمایل به پهنی است. فرورفتگی بیخ بینی یا تقریباً وجود نداشت مانند فرد شماره ۳۳۰۳ (تصویر ۱۲۸- شکل ۲ و ۱) یا بحد اکثر متنوع بود مانند افراد شماره ۳۲۸۳ (تصویر ۱۱۶- شکل ۳ و ۴) شماره ۳۳۱۱ (تصویر ۳- شکل ۳ و ۴- تصویر ۱۲۶- شکل ۳ و ۴) و شماره ۳۳۲۲ (تصویر ۱۰۹- شکل ۳ و ۴).

## بینی

درصد	تعداد	پره	درصد	تعداد	نیمرخ
۷/۶۹	۴	فشرده	۳/۹۲	۲	کج
۳/۸۵	۲	فشرده متوسط	۰	۰	مقعر
۴۶/۱۵	۲۴	متوسط	۴۹/۰۲	۲۵	صاف
۲۸/۸۵	۱۵	متوسط باز	۴۵/۱۰	۲۳	محدب
۱۳/۴۶	۷	باز	۱/۹۶	۱	مقعر و محدب
۰۰۰۰	۰	باز+			
۱۰۰/۰۰	۵۲	مجموع	۱۰۰/۰۰	۵۱	مجموع

برجستگی فك که در میان بعضی از لرها یافت میشود در افراد زیر بخوبی

مشهود است :

شماره ۳۲۸۵ (تصویر ۱۲۱- شکل ۱ و ۲) ۳۲۹۱ (تصویر ۶- شکل ۳ و ۴ و تصویر ۱۲۳- شکل ۱ و ۲) شماره ۳۲۹۶ (تصویر ۱۱۰- شکل ۳ و ۴) و شماره ۳۳۳۰ (تصویر ۱۱۲- شکل ۳ و ۴).

دهان و دندان = لب این افراد فرق زیادی با لب اروپائیان عادی ندارد و از باریک مانند (شماره ۳۳۰۹- تصویر ۱۱۵- شکل ۱ و ۲) گرفته تا متوسط و متوسط کلفت شماره ۳۲۸۴ (تصویر ۱۰۷- شکل ۱ و ۲) وجود دارد. لب بالا ممکن است راست باشد مانند فرد شماره ۳۲۸۱ (تصویر ۱۲۰- شکل ۱ و ۲) یا کمانی مانند فرد شماره ۳۳۱۴ (تصویر ۱۱۹- شکل ۱ و ۲) در حالی که لب برگشته یا حالت برگشتگی از هیچ (شماره ۳۳۰۱- تصویر ۱۱۰- شکل ۱ و ۲) تا متوسط (شماره ۳۳۱۶- تصویر ۱۲۶- شکل ۱ و ۲ و شماره ۳۳۲۰- تصویر ۱۱۱- شکل ۱ و ۲) دیده میشود.

## دندان

درصد	تعداد	وضع
-	۰	خیلی بد
۱۲/۸۲	۵	بد
۲۰/۵۱	۸	متوسط
۴۳/۵۹	۱۷	خوب
۲۳/۰۸	۹	عالی
۱۰۰/۰	۳۹	مجموع

دندان اغلب افراد با استثنای معدودی خوب بود و رویهم افتادگی نسبتاً کم است و فقط سه مورد دندان لب بلب دیده شد.

صورت = چانه از لحاظ شکل و تناسب متوسط بود. شکل آن متمایل به بیضی شکل است. مانند افراد شماره ۳۳۱۳ (تصویر ۶ شکل ۱ و ۲ و تصویر ۱۰۸ شکل ۳ و ۴) و یا مربع شکل مانند شماره ۳۲۸۳ (تصویر ۱۱۶ - شکل ۳ و ۴). نوع چانه سنگین که در میان سایر گروههای ایران و عراق مشاهده میشود در بین لرها دیده نمیشود. البته این مطلب را با تردید باید تاقی کرد زیرا تعداد افراد لرها که مورد بررسی قرار گرفتند معدود است. در موارد معدودی چانه کوچک و توده رفته بنظر رسید مانند افراد شماره ۳۳۰۵ (تصویر ۱۱۵ - شکل ۳ و ۴) و شماره ۳۳۰۶ (تصویر ۱۱۱ - شکل ۳ و ۴) و شماره ۳۳۲۵ (تصویر ۱۱۳ شکل ۳ و ۴). گردن بطور معمول متوسط و استوانه شکل بود. ناحیه گونه از حیث اندازه متوسط و بین ۱۲۵ و ۱۴۹ و واحد متوسط ۱۳۴/۷۰ قرار داشت.

در بین ۵۲ نفر لرها که مورد بررسی قرار گرفتند هیچگونه نقص و عدم تناسب مشاهده نشد.

عضله بندی = از لحاظ عضله بندی نود درصد مردان خوب و ده درصد عالی بودند. باید بخاطر داشت که این افراد لرها مردان منتخبی هستند که بدن قوی دارند و کار باربری به تقویت عضلانی آنها کمک میکند مثلاً فرد شماره ۳۲۹۳ (تصویر ۱۳۰ و ۱۳۱) که سن او ۷۰ بود جزء کسانی بود که عضله بندی عالی داشت. همین وضع در میان باربران یزیدی که در شهر تفلیس پایتخت گرجستان بررسی و اندازه گیری شدند ملاحظه شد.

سلامتی = بطور کلی لرها از حیث سلامتی خوب بودند. يك نفر (شماره ۳۳۱۹ - تصویر ۱۲۴ - شکل ۳ و ۴) روی مغز سرش بیماری جلدی داشت و يك نفر دیگر (شماره ۳۲۸۷ - تصویر ۱۱۷ - شکل ۱ و ۲) آبله داشته و بهبودی حاصل کرده بود. فرد شماره ۳۲۸۴ (تصویر ۱۰۷ شکل ۱ و ۲) جای زخم متعدد روی سر داشت که ظاهراً در اثر تیغ زدن بوجود آمده. فرد شماره ۳۲۸۷ (تصویر ۱۱۷ شکل ۱ و ۲) شکستگی در بازوی چپ داشت و فرد شماره ۳۲۹۹ (تصویر ۱۰۵ شکل ۱ و ۲) لکه سیاهی روی گردن خود داشت.

در میان این گروه ۳۰ درصد علامت داغ داشتند. شماره ۳۲۹۱ (تصویر

۶- شکل ۳ و ۴ (تصویر ۱۲۳- شکل ۱ و ۲) جای زخم مدور بزرگی روی مج راست خود داشت که ظاهراً برای قوت دادن پدست انجام شده بود. شماره ۳۳۰۶ (تصویر ۱۱۱- شکل ۳ و ۴) علامت مشابهی برای بهبودی اذیمیاری داشت. خال کوبی = در حدود سی درصد افراد این گروه پنجاه و یک نفری کم و بیش خال کوبی داشتند ولی فقط یک نفر خال کوبی مفصل داشت. فرد شماره ۳۲۹۴ (تصویر ۷- شکل ۳ و ۴ و تصویر ۱۲۷- شکل ۳ و ۴) شکلی شبیه یک حیوان که ممکن است مرد سوار بر اسب باشد در زیر بازوی راست خود خال کوبی کرده بود.

خال کوبی	تعداد	درصد
هیچ	۳۵	۶۸/۶۳
کم	۱۵	۲۹/۴۱
زیاد	۱	۱/۹۶
مجموع	۵۱	۱۰۰/۰۰

### بررسی آماری لرها ی پشت کوه

قد = از لحاظ قد بیش از نیمی از لرها (۵۳/۷۶ درصد) در طبقه متوسط (۱۶۹۹-۱۶۰۰) قرار میگیرند. ولی طبق سیستم هاروارد ۴۴/۲۳ درصد در طبقه بلند قد یعنی ۱۶۹۰/۵، بالا واقع میشوند لرها از سه گروه دیگر ایرانیان بلند تر هستند و این امر تاحدی مربوط باز دیاد طول تنه میباشد که در جدول زیر مشاهده میشود.

### قد نشسته (طول تنه)

قد ایستاده	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	مجموع
۱۸۰۰-۱۶۹۹	۱	۱/۹۲	۰	—	۱	۱/۹۲	۰	—	۲	۲/۸۴	۱۸۰۰-۱۶۹۹
۱۶۹۹-۱۶۰۰	۱۳	۲۴/۹۶	۶	۱۱/۵۲	۰	—	۰	—	۱۹	۳۶/۴۸	۱۶۰۰-۱۵۰۰
۱۶۰۰-۱۵۰۰	۶	۱۱/۵۲	۱۹	۳۶/۴۸	۳	۵/۷۶	۰	—	۲۸	۵۳/۷۶	۱۵۰۰-۱۴۰۰
۱۴۰۰-۱۳۰۰	۰	—	۲	۳/۸۴	۱	۱/۹۲	۰	—	۳	۵/۷۶	۱۳۰۰-۱۲۰۰
مجموع	۲۰	۳۸/۴۰	۲۷	۵۱/۸۴	۵	۹/۶۰	۰	—	۵۲	۹۹/۸۴	

از میان ۵۲ نفر فقط دو نفر بحد ۱۸۰۰ میلیمتر رسیده بودند. فرد شماره ۳۲۸۸ (تصویر ۱۲۱ شکل ۳ و ۴) که قد او ۱۸۰۰ است طول تنه او ۹۴۰ است که ۴/۸۹ از حد متوسط گروه زیاد تر است. فرد شماره ۳۳۳۲ که قدش ۱۸۱۸ است طول تنه او ۸۴۱ یعنی ۵۰ میلیمتر کمتر از حد متوسط گروه میباشد. در

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۰۶

مورد اولی بلندی قد مربوط به ازدیاد طول پا است و در مورد دومی که شاخص نسبی قد نشسته ۴۶/۳ می باشد این مطلب بیشتر محسوس است. این دو نفر را موارد استثنائی باید تلقی کرد.

در انتهای دیگر جدول سه نفر هستند که کوتاهی قد آنها بعلا کوتاهی پا می باشد و نه کوتاهی تنه زیرا قد نشسته آنها بالاتر از ۸۰ میلیمتر می باشد. جالب توجه آنکه هیچکس از حیث طول تنه در طبقه کوتاه (۷۵۰-۷۹۹) یا خیلی کوتاه (۷۴۹-۷۵۰) قرار نگرفت.

۱۹ نفر (۳۶/۴۸ درصد) بحد اعتدال بلند قد و تنه بلند داشتند. شاخص نسبی قد نشسته بنا بر این در اثر ازدیاد طول تنه از سایر گروه های ایران زیاد تر است. چون این افراد برای کار معینی که مستلزم سلامت مزاج و قدرت حمل بار باشد انتخاب شده بودند افراد فربه یا خیلی لاغر در بین آنها دیده نشد. هیچ نوع اختلاف مخصوصی در قسمتهای مختلف بدن و فرقی بین آنها و افراد معمولی اروپائی، مشاهده نشد. دست و پا بطور کلی خوش شکل و متمایل بکوچکی ولی در اثر کار خشن بنظر میرسید. انگشتان از لحاظ عرض و طول متوسط بود ولی انگشتان پا بعلا نبودن کشش کلفت جلوه میکرد.

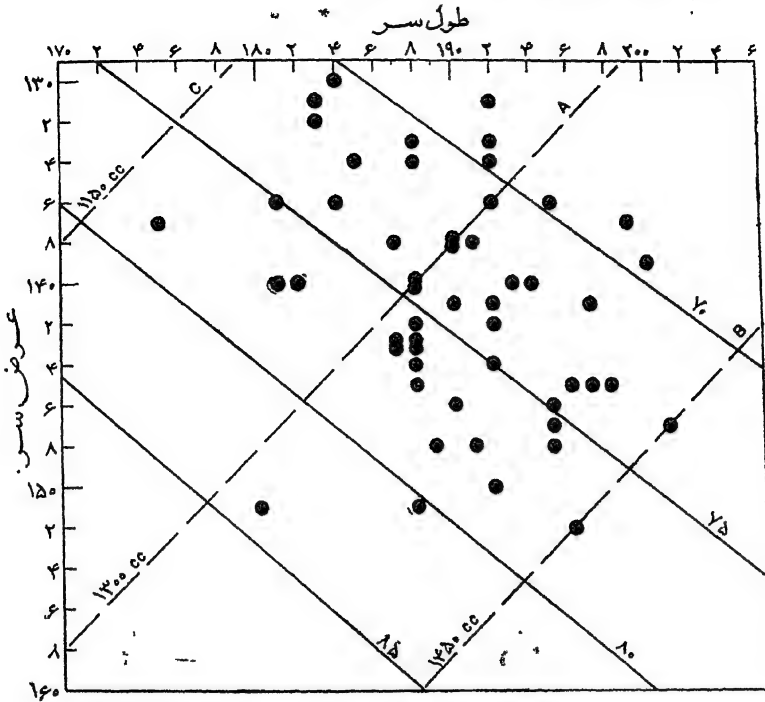
اندازه های سر = هیچ نوع نقص مصنوعی یا طبیعی دیده نشد طول سر (۱۸۹/۹۹) و عرض سر (۱۴۰/۶۸) میانگین سردرازی ۷۴/۲۵ بدست میدهد. سر این افراد در طبقه عمومی سایر افراد ایران و عراق قرار میگیرد ولی فرق سر کمی باریک تر است. در جدول بندی نتیجه زیر بدست می آید.

گروه طبق شاخص سر

سر	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	مجموع
کوچک	۳	۵/۷۶	۱۳	۲۴/۹۶	۴	۷/۶۸	۰	—	۰	—	۸۴/۹-۸۰/۰
متوسط	۳	۵/۷۶	۱۲	۲۳/۰۴	۱۳	۲۴/۹۶	۲	۳/۸۴	۰	—	۸۴/۹-۸۰/۰
بزرگه	۰	—	۱	۱/۹۲	۱	۱/۹۲	۰	—	۰	—	۸۴/۹-۸۰/۰
مجموع	۶	۱۱/۵۲	۲۶	۴۹/۹۲	۱۸	۳۴/۵۶	۲	۳/۸۴	۰	—	۸۴/۹-۸۰/۰

مورد خیلی سر کوتاهی هیچ دیده نشد و فقط دو نفر در طبقه سر کوتاه قرار گرفتند. بیست و شش لر (۴۹/۹۲ درصد) در طبقه سردراز و شش نفر (۱۱/۵۲ درصد) در طبقه خیلی سردراز واقع شدند این تمایل به سردرازی با

و بطوح بیشتر در سه طبقه بندی سیستم هاروارد مشهود میشود که طبق آن ۷۶/۹۲ درصد گروه در طبقه سردراز قرار میگیرند.



شکل ۱۸ طول و عرض و ظرفیت سر ۵۲ لر

درمورد اندازه سر فقط دو نفر در طبقه سر بزرگ قرار گرفتند و بیست نفر (۳۸/۴۰ درصد) در طبقه سر کوچک در حالیکه اکثریت (۵۷/۶۰ درصد) اندازه سرشان متوسط بود.

پیشانی قابل مقایسه با شکل متوسط اروپائیان بود ولی درمورد مخصوص فرد شماره ۳۳۰۳ پیشانی و بینی ممتد و تقریباً بخط مستقیم قرار داشت. فرد شماره ۳۲۸۴ (تصویر ۱۰۷ - شکل ۲۹۱) دارای پیشانی سرازیر بود که بنظر میرسد تمایل کلی همه افراد گروه باشد. پیشانی خیلی برجسته مانند فرد شماره ۳۳۲۳ (تصویر ۱۱۲ شکل ۲۹۱) نادر بود. برجستگی فوق حدقه چشم بحد متوسط بود ولی بعلت کثرت ابرو برجسته تر بنظر میآمد.

منز یا فرق سر بجز درمورد فرد شماره ۳۳۲۲ (تصویر ۱۰۹ - شکل ۳ و ۴) بیش از حد برجسته نبود. گوش معمولاً خوش شکل و بطور عادی کنار سر قرار داشت و درمورد چند نفر جلو آمده بود.

# مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۰۳

استعمال کلاه نمدی یا عمامه پارچه‌دروضع قرار گرفتن گوش و قسمت مار-

پیچ آن بی تأثیر نمیباشد در زاویه گوش تنوع قابل ملاحظه مشاهده شد. این زاویه ممکن است عمودی یا مانند مورد فرد شماره ۳۳۱۵ (تصویر ۱۱۴ - شکل ۴۹۳) متغایل باشد. جدائی پره گوش گاهی کامل نبود مانند مورد فرد شماره ۳۲۹۰ (تصویر ۱۲۲ - شکل ۴۹۳).

حد اکثر عرض سر این گروه (۱۴۰/۶۸) است که باریکترین چهار گروه ایران میباشد در حالیکه حداقل قطر پیشانی (۱۱۴/۵۰) آنها را در طبقه عریض-ترین سری اندازه گرفته شده ایران در سال ۱۹۳۴ قرار میدهد. جدول زیر طبقه بندی لرها را طبق این دو اندازه نشان میدهد.

## حد اقل قطر پیشانی

شخص	۹۹-X	۱۰۰-۱۰۹	۱۱۰-۱۱۹	۱۲۰-X	مجموع
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۲۹-۱۲۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۳۹-۱۳۰	۹	۴	۷/۶۸	۱۵	۲۸/۸۰
۱۴۹-۱۴۰	۹	۳	۵/۷۶	۲۳	۴۴/۱۶
X-۱۵۰	۰	۰	۰	۷/۶۸	۴
مجموع	۷	۱۳/۴۴	۴۲	۸۰/۶۴	۳
	۵۲	۵/۷۶	۵۲	۹۹/۸۴	

در طبقه خیلی باریک هر اندازه پیچ فردی قرار نداشت. سه نفر (۵/۷۶ درصد) در طبقه خیلی عریض از لحاظ پیشانی و عریض از لحاظ عرض سر قرار داشتند. سه نفر (۵/۷۶ درصد) دارای قطر پیشانی باریک و سر نسبتاً عریض بودند. در حالیکه ۱۹ نفر (۳۶/۴۸ درصد) عرض سرشان باریک بود و فقط هفت نفر (۱۳/۴۴ درصد) پیشانی باریک داشتند. ۱۵ نفر (۲۸/۸۰ درصد) پیشانی عریض و عرض سر باریک داشتند. عرض و طول مطلق و نسبی صورت در جدول زیر نشان داده شده است.

## عرض استخوان دو گونه

مجموع		X-۱۳۵		۱۳۴-۱۲۵		۱۲۴-X	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	تعداد	طول کل صورت
۹/۶۰	۵	۵/۷۶	۳	۳/۸۴	۲	۰	X-۱۱۴
۲۶/۸۸	۱۴	۵/۷۶	۳	۲۱/۱۲	۱۱	۰	۱۲۴-۱۱۵
۶۳/۳۶	۳۳	۳۴/۵۶	۱۸	۲۸/۸۰	۱۵	۰	X-۱۲۵
<u>۹۹/۸۴</u>	<u>۵۲</u>	<u>۴۶/۰۸</u>	<u>۲۴</u>	<u>۵۳/۷۶</u>	<u>۲۸</u>	<u>۰</u>	مجموع



در بین لره‌های بغداد کسی که دارای قوس استخوان گونه باریک باشد وجود نداشت. بیست و هشت نفر (۵۳/۷۶ درصد) در طبقه متوسط قرار داشتند و بقیه دارای گونه‌های عریض بودند. در مورد طول کل صورت ۲۳ نفر (۶۳/۳۶ درصد) در طبقه دراز و فقط ۵ نفر (۹/۶۰ درصد) در طبقه کوتاه قرار داشتند. زیادترین آنها یعنی (۳۴/۵۶ درصد) در طبقه صورت دراز و عریض واقع شدند. اگرچه در مورد طول کل صورت تنوع زیادی وجود داشت تمایل کلی بر صورت باریک بود.

این مطلب از شاخص‌های مربوط به طول و عرض کل صورت معلوم میشود و تمایل صورت باریک را آشکار می‌سازد. در این گروه چهل و سه نفر (۸۲/۶۹ درصد) در این طبقه قرار داشتند و شش نفر (۱۱/۵۴ درصد) در طبقه صورت متوسط و فقط سه نفر (۵/۷۲ درصد) در طبقه صورت پهن قرار داشتند. در مقایسه رابطه طول قسمت علیای صورت با طول کل صورت جدول زیر بدست می‌آید.

#### طول قسمت علیای صورت

مجموع		۸۲-٪		۷۶-۸۱		۷۰-۷۵		۶۴-۶۹		۶۳-٪	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۱۱/۵۲	۶	۰	۰	۳/۸۴	۲	۳/۸۴	۲	۳/۸۴	۲	۰	۰
۵۹/۵۲	۳۱	۱۵/۳۶	۸	۲۴/۹۶	۱۳	۱۳/۴۴	۷	۵/۷۶	۳	۰	۰
۲۸/۸۰	۱۵	۱۵/۳۶	۸	۱۳/۴۴	۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۹۹/۸۴	۵۲	۳۰/۷۲	۱۶	۴۲/۲۴	۲۲	۱۷/۲۸	۹	۹/۶۰	۵	۰	۰

در طبقه خیلی کوتاه این اندازه ها کسی وجود نداشت. از آنجائیکه تعداد افراد طبقه قسمت علیای صورت خیلی دراز نسبتاً زیاد بود یک ستون مخصوص این اندازه اضافه شده تا این خصوصیت را نشان دهد. شصت و هشت نفر (۷۲/۹۶ درصد) دارای قسمت علیای صورت ۷۶ بی‌الا داشتند در حالیکه در مورد شانزده نفر (۳۰/۷۲ درصد) از ۸۲ بی‌الا بود. در قسمت طول کل صورت ۳۱ نفر (۵۹/۵۲ درصد) در طبقه صورت دراز (۱۲۹-۱۲۰) واقع میشدند. در طبقه خیلی دراز ۱۵ نفر (۲۸/۸۰ درصد) قرار داشتند. بدین ترتیب این گروه نمونه

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۰۵

لرهای پشت کوه هم از حیث قسمت علیای صورت (۷۸/۳۵) وهم از لحاظ طول کل صورت (۱۲۶/۴۰) صورت دراز بودند و ازدیاد اندازه ها متجانس بود و فقط ۷/۶۸ درصد قسمت علیای صورت دراز و سنگین داشتند .

بررسی عرض و طول نسبی بینی از جدول زیر معلوم میشود :

### عرض بینی

طول بینی	۲۹-۳۰	۳۰-۳۵	۳۶-۴۱	۴۲-۴۷	مجموع
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۰	۰	۱	۱/۹۶	۰	۱/۹۶
۰	۰	۸	۱۵/۶۸	۱	۱/۹۶
۰	۰	۱۶	۳۱/۳۶	۲	۳/۹۲
۰	۰	۲۳	۴۵/۰۸	۳	۵/۸۸
۰	۰	۲۵	۴۹/۰۰	۵۱	۹۹/۹۶

در طبقه بینی خیلی باریک کسی وجود نداشت و فقط يك نفر در طبقه بینی کوتاه واقع شد . در طبقه بینی پهن سه نفر (۵/۸۸ درصد) قرار گرفته . بیست و پنج نفر لر (۴۹/۰۰ درصد) بینی متوسط باریک داشتند . سی و دو نفر (۶۲/۷۲ درصد) بینی خیلی دراز داشتند . شانزده نفر در طبقه خیلی دراز و باریک قرار گرفتند جدول صفحه ۵۲۳ نشان میدهد که ۸۸/۲۴ درصد افراد را میتوان در طبقه بینی باریک قرار داد . بنا بر این میتوان گفت بطور کلی لر ها دارای بینی خیلی دراز و باریک هستند که پره آن متمایل به کلفتی است . فرد شماره ۳۳۲۲ از سری حذف شد .

از مطالعه تصاویر این گروه لر بررسی نژادی بیشتری بدست میاید . لا اقل دو نوع شکل سر وجود دارد در يك انتهای جدول گروه خیلی سردراز (مانند فرد شماره ۳۳۱۸ - تصویر ۱۲۹ - شکل ۳ و) و در انتهای دیگر گروه سر کوتاه (مانند فرد شماره ۳۳۱۵ - تصویر ۱۱۴ - شکل ۳ و) قرار دارند . از حیث ظاهر کلی قیافه افراد متنوع هستند و از بدوی مانند (فرد شماره ۳۲۹۷ - تصویر ۱۱۷ شکل ۳ و) گرفته تا خوش صورت مانند (فرد شماره ۳۳۱۳ - تصویر ۶ - شکل ۲۹۱ و تصویر ۱۰۸ شکل ۳ و) در بین آنها وجود دارد . افرادی مانند فرد شماره ۳۳۲۳ (تصویر ۱۱۲ - شکل ۲۹۱) و شماره ۳۳۲۷ (تصویر ۱۱۳ - شکل ۱ و) بآسانی با اروپائیان جنوبی اشتباه میشوند ولی بطور کلی

## ۵۰۶ - مردم شناسی ایران

با اینکه عده‌ای هستند که در مرز بین این دو گروه قرار دارند بقیه گروه بنظر این نویسنده از نوع غیر اروپائی بنظر می‌رسند .  
پیشانی عریض که با صورت خیلی دراز و نسبتاً باریک و بینی باریک و بر-  
جسته ارتباط دارد لرها را از گروه‌های دیگر مانند مردم یزد خواست و کناره  
و یهودیهای اصفهان مشخص می‌سازد .

## خلاصه

در بین این گروه لرهای قبیله حسنقلی خان پشت کوه چند عنصر معینی تشخیص داده میشود که از قرار زیرند :

(۱) نوع لاغر مدیترانه - سرمتوسط ولی فرق سربلند - قسمت علیای  
صورت دراز و چانه بیضی شکل مانند فرد شماره ۳۳۱۳ (تصویر ۶- شکل ۱ و ۲ و  
تصویر ۱۰۸- شکل ۳ و ۴).

(۲) نوع مدیترانه خشن با تنه دراز و سر دراز و قسمت علیای صورت  
وکل صورت دراز و عرض دو گونه متوسط عریض و چانه بیضی شکل مانند فرد  
شماره ۳۲۹۱ (تصویر ۶- شکل ۳ و ۴ و تصویر ۱۲۳- شکل ۲ و ۱).

(۳) نوع مدیترانه وسط دارای سرمتوسط و پهن بخصوص در ناحیه پیشانی  
و صورت عریض و کوتاه مانند فرد شماره ۳۲۸۴ (تصویر ۱۰۷- شکل ۲ و ۱)

(۴) نوع ایرانی و مدیترانه مانند فرد شماره ۳۳۲۹ (تصویر ۱- شکل  
۴ و تصویر ۱۲۵- شکل ۳ و ۴) و فرد شماره ۳۳۱۲ (تصویر ۱۰۸- شکل ۱  
و ۲) و فرد شماره ۳۳۲۶ (تصویر ۱۱۹- شکل ۳ و ۴) این افراد نمونه مشخص  
یک عنصر در جمعیت ایران غربی مرکزی میباشد . کسی که در این رشته اطلاع  
داشته باشد آنها را فوراً از اعراب عراق مرکزی بخوبی تشخیص میدهد .

(۵) نوع عراقی و مدیترانه مانند فرد شماره ۳۲۹۸ (تصویر ۱۱۸- شکل  
۴ و ۳) و شماره ۳۳۱۴ (تصویر ۱۱۹- شکل ۲ و ۱) و شماره ۳۳۱۷ (تصویر ۱۰۹-  
شکل ۲ و ۱) و شماره ۳۳۰۳ (تصویر ۱۲۸- شکل ۲ و ۱) و شماره ۳۳۲۰ (تصویر  
۱۱۱- شکل ۲ و ۱) .

(۶) نوع مخصوص مدیترانه بایبنی صاف (فرد شماره ۳۲۸۷- تصویر  
۱۱۷- شکل ۲ و ۱) بایبنی عقابی (فرد شماره ۳۳۰۷- تصویر ۳- شکل ۱ و  
۲ و تصویر ۱۰۶- شکل ۴ و ۱) و فرق سربلند .

(۷) نوع اروپائی جنوبی مانند فرد ۳۳۲۳ (تصویر ۱۱۲ - شکل ۲۰۱).

(۸) نوع کرد کردستان عراق مانند فرد شماره ۳۳۱۹ (تصویر ۱۲۴ - شکل ۴۰۳).

(۹) نوع ارمنی مانند فرد شماره ۳۲۹۴ (تصویر ۷ - شکل ۴۰۳ و تصویر ۱۲۷ شکل ۴۰۳) و فرد شماره ۳۳۱۱ (تصویر ۳ - شکل ۴۰۳) و تصویر ۱۲۶ - شکل ۴۰۳).

از حیث شکل و ظاهر فرد شماره ۳۳۲۵ (تصویر ۱۱۳ - شکل ۳ و ۴) و فرد شماره ۳۳۱۵ (تصویر ۱۱۴ شکل ۳ و ۴: قد ۱۵۸/۴ - طول بین جلوی پيشانی و پس سر ۱۸۸ - حد اکثر عرض ۱۵۱ - شاخص سر ۸۰/۴) شباهتی به سایر لرهای این گروه ندارند.

چون پشت کوه مجاور مرز شرقی عراق است انتظار می رود که بین ساکنین این دو ناحیه از جمله اعراب ناحیه کیش شباهت ظاهری وجود داشته باشد. بدون شك بین این دو ناحیه ارتباط و شباهت خیلی کم است زیرا از میان ۵۲ لر فقط سه نفر ممکن بود با اعراب اشتباه شوند که عبارت بودند از فرد شماره ۳۲۹۸ (تصویر ۱۱۸ شکل ۳ و ۴) و فرد شماره ۳۳۱۴ (تصویر ۱۱۹ - شکل ۲۰۱) و فرد شماره ۳۳۱۷ (تصویر ۱۰۹ - شکل ۲۰۱) اگرچه دو نفر دیگر یعنی فرد شماره ۳۳۰۳ (تصویر ۱۲۸ - شکل ۲۰۱) و شماره ۳۳۲۰ (تصویر ۱۱۱ شکل ۲۰۱) نیز ممکن است در این زمره بحساب آیند. دیگران اگرچه بدون تردید متعلق بآسیای جنوب غربی می باشند در بین يك گروه عرب عراقی ممتاز و مشخص جلوه می کنند. در کتاب آينده که درباره مردم شناسی عراق است خصوصیات جسمانی آل بومحمد را که در چاهال در مشرق عماره زندگی میکنند شرح داده و آنها را بالرها که در کوهستان مشرق باطلاقیها زندگی میکنند مقایسه خواهیم کرد. در نظر اول چنین بنظر میرسد که لرها با اعراب ساکن ناحیه باطلاقی کاملاً فرق داشته باشند.

با وجود اختلاف معمولی فردی در بین هر گروه يك عامل شباهت وجود دارد. نظر باینکه اطلاعات آماری درباره لرهای پشت کوه کم است بدست آوردن يك سلسله اندازه های مردم شناسی و شرح زندگی و آداب و رسوم آنها لازم و بسیار جالب توجه خواهد بود.

کاپرز و پار Kappers and Parr (۱۹۳۴ - ص ۹۲) مینویسد طبق نظر هوسی و جلیسه جیو Jelisse Jew لرها مردمی هستند دارای سرم توسط اندازه و شاید با ایرانیها حتی بایهند و آریائی نسبت داشته باشند . هوسی معتقد است که در میان لرها عده زیادی مردم چشم آبی و مو بور دیده میشود . هفده بختیاری که توسط گوتیه و دانیلو و کریشنر اندازه گیری شده اند نشان میدهند که بگروه خیلی سر کوتاه تعلق دارند . از لحاظ شکل سر چنین بنظر میرسد که لرهای پشت - کوه نسبتی با بختیارها که همسایه جنوبی آنها هستند ندارند .

اطلاعات منتشر شده درباره لرها بسیار کم است و بعقیده من اندازه گیری و مشاهده عکس چندین صد افراد لر بسیار سودمند واقع خواهد شد و برای مقایسه با کردهای عراق و ایران و اناطولی و قره باغ قفقاز بکار خواهد آمد . در فهرست تحت عنوان لر اشارات متعددی پائین عشایر شده است بعلاوه در فصل چهارم جزییاتی درباره عشایر و ایلات ایران داده شده است .



# نرهای پشت کوه

شماره	طول جوش	عرض جوش	قد نسبه نسبی	تناسب سر	پیشانی و آهنگ	صورت	علیای صورت	بینی	گوشه و پیشانی
۳۲۸۱	۵۴	۳۲	۱/۰	۷۶/۰	۸۳/۲	۹۲/۶	۵۷/۴	۵۵/۱	۷۴/۳
۳۲۸۲	۶۰	۳۱	۵۲/۵	۷۰/۰	۸۱/۶	۹۶/۲	۶۲/۴	۵۳/۱	۷۶/۷
۳۲۸۳	۵۱	۳۳	۵۰/۹	۷۴/۰	۸۲/۲	۹۴/۰	۵۶/۴	۵۳/۱	۸۶/۵
۳۲۸۴	۶۳	۳۷	۵۲/۰	۷۶/۹	۸۷/۲	۸۳/۷	۴۸/۲	۷۱/۹	۸۶/۵
۳۲۸۵	۵۷	۳۴	۵۴/۶	۷۲/۴	۸۵/۹	۹۱/۰	۵۷/۶	۵۹/۶	۸۶/۵
۳۲۸۶	۶۲	۳۵	۵۵/۸	۷۷/۶	۸۹/۷	۸۹/۷	۵۳/۱	۶۰/۴	۸۱/۴
۳۲۸۷	۵۰	۳۲	۵۲/۸	۷۵/۰	۷۶/۸	۸۵/۱	۵۰/۷	۶۳/۰	۸۱/۴
۳۲۸۸	۵۲	۳۳	۵۲/۲	۷۳/۰	۷۷/۶	۹۴/۴	۵۵/۳	۶۲/۷	۸۰/۹
۳۲۸۹	۵۱	۳۶	۵۲/۷	۷۱/۳	۸۴/۴	۹۲/۸	۶۴/۰	۵۲/۶	۹۰/۴
۳۲۹۰	۵۳	۲۶	۵۴/۸	۷۸/۰	۷۵/۰	۸۲/۲	۵۷/۸	۴۲/۹	۸۲/۲
۳۲۹۱	۵۸	۳۵	۵۵/۵	۷۳/۰	۷۷/۹	۹۸/۵	۶۳/۰	۵۲/۹	۸۱/۹
۳۲۹۲	۵۹	۳۲	۵۲/۳	۷۳/۰	۸۱/۹	۸۹/۷	۵۲/۱	۵۵/۰	۸۳/۱
۳۲۹۳	۶۵	۳۹	۵۳/۲	۷۶/۰	۷۹/۷	۸۹/۷	۶۶/۶	۵۵/۹	۸۳/۱

نرهاي بشت كوه - اندازه ها

عرض پیشی	طول پیشی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دوگوشه	حد اقل قطر پیشانی	عرض سر	طول پیشانی برآمدگی و پس سر	قد نسبتی	قد	سن	شماره
۳۷	۷۲	۸۴	۱۳۲	۱۰	۱۳۸	۵	۱۴۳	۱۸۸	۹۵۵	۱۷۴/۳	۳۷	۳۲۹۴
۴۰	۵۸	۷۳	۱۲۶	۱۳	۱۴۲	۸	۱۳۳	۱۹۲	۹۰۰	۶۶/۵	۳۵	۳۲۹۵
۳۳	۷۲	۸۳	۱۲۴	۰.۱	۱۲۸	۷	۱۳۳	۱۸۸	۹۳۵	۷۱/۰	۲۱	۳۲۹۶
۳۶	۶۴	۸۱	۱۲۷	۰.۹	۱۳۹	۷	۱۳۴	۱۹۲	۸۹۰	۷۴/۰	۲۵	۳۲۹۷
۳۱	۶۳	۸۲	۱۳۷	۱۰	۱۴۳	۰	۱۴۸	۱۹۵	۸۹۲	۱۶۶/۵	۲۸	۳۲۹۸
۴۱	۵۷	۷۰	۱۱۸	۰.۳	۱۳۴	۳	۱۳۷	۱۷۵	۸۵۵	۱۵۶/۲	۲۰	۳۲۹۹
۳۷	۶۳	۸۲	۱۲۳	۰.۸	۱۴۰	۸	۱۴۸	۱۹۱	۹۱۵	۱۷۱/۰	۳۰	۳۳۰۰
۳۳	۶۱	۸۲	۱۲۸	۰.۷	۱۲۸	۸	۱۴۲	۱۹۲	۹۰۰	۱۷۱/۰	۲۴	۳۳۰۱
۴۱	۶۳	۸۴	۱۲۸	۰.۲	۱۳۴	۳	۱۳۷	۱۹۹	۸۷۵	۱۶۸/۳	۵۰	۳۳۰۲
۴۸	۶۶	۷۸	۱۲۶	۰.۳	۱۳۵	۳	۱۳۸	۱۹۰	۸۸۸	۱۶۴/۲	۲۷	۳۳۰۳
۳۴	۷۲	۸۸	۱۳۴	۰.۱	۱۳۴	۳	۱۴۰	۱۸۱	۸۵۵	۷۰/۰	۳۰	۳۳۰۴
۳۳	۶۸	۹۳	۱۳۵	۰.۱	۱۳۴	۳	۱۴۵	۱۹۷	۸۸۷	۶۷/۴	۲۵	۳۳۰۵
۳۴	۵۹	۸۱	۱۳۰	۰.۵	۱۳۰	۹	۱۳۸	۱۹۰	۸۹۵	۶۳/۰	۲۴	۳۳۰۶



## لرهای پشت کوه-شاخص‌ها

شماره	طول مورخ	عرض مورخ	اندازه نسبی	تناسب سر	پیشانی و آهینه	رت	قسمت		مورخه و پیشانی
							علاقی	صورت	
۳۲۹۴	۵۶	۳۳	۵۴/۸	۷۶/۱	۸۰/۴	۹۵/۶	۶۰/۸	۵۸/۹	۷۹/۷
۳۲۹۵	۶۲	۳۲	۵۴/۱	۶۹/۳	۸۸/۸	۸۸	۵۱/۴	۶۸	۷۹/۶
۳۲۹۶	۵۸	۲۸	۵۴/۷	۷۰/۸	۸۰/۵	۹۶	۶۴/۹	۴۵	۷۸/۹
۳۲۹۷	۵۶	۳۶	۵۱/۲	۶۹/۸	۸۷/۴	۹۱	۵۸/۳	۵۶/۳	۷۸/۴
۳۲۹۸	۵۳	۳۳	۵۴/۶	۷۵/۹	۸۱/۱	۹۵	۵۷/۳	۴۹/۲	۷۶/۹
۳۲۹۹	۵۰	۳۴	۵۴/۷	۷۸/۳	۸۲/۵	۸۸	۵۲/۳	۷۱/۹	۷۶/۹
۳۳۰۰	۶۶	۳۶	۵۴/۵	۷۷/۵	۷۹/۷	۸۷	۵۸/۶	۵۸/۷	۷۷/۱
۳۳۰۱	۶۲	۳۶	۵۲/۶	۷۴/۰	۷۶/۱	۱۰۰	۶۴/۱	۵۴/۱	۷۵/۸
۳۳۰۲	۵۸	۳۱	۵۲/۳	۶۸/۹	۸۲/۵	۹۵	۶۲/۶	۶۵/۱	۷۶/۱
۳۳۰۳	۵۲	۲۸	۵۴/۰	۷۲/۶	۸۱/۹	۹۳	۵۷/۷	۷۲/۷	۷۶/۴
۳۳۰۴	۶۲	۳۸	۵۰/۳	۷۷/۴	۸۰/۷		۶۵/۶	۴۷/۲	۷۵/۴
۳۳۰۵	۶۳	۴۰	۵۴/۰	۷۳/۶	۷۷/۹		۶۹	۴۸/۵	۷۵/۴
۳۳۰۶	۵۰	۲۶	۵۴/۹	۷۲/۶	۷۹/۰		۶۱	۵۲/۶	

## لرهای پشت کوه - اندازه ها

عرض بینی	طول بینی	طول قسمت علیای صورت	طول صورت	عرض فکین	عرض دو گونه	حداقل قطر پیشانی	عرض سر	طول بین برآمدگی پیشانی و پس سر	قد نسبتی		
۳۰	۶۲	۷۵	۱۲۵	۱۰۳	۱۲۵	۱۱۷	۱۳۰	۱۸۴	۸۸۹	۶۹/۵	۲۰
۳۱	۶۱	۷۸	۱۲۵	۱۱۰	۱۳۵	۱۱۳	۱۵۰	۱۹۲	۹۲۵	۷۵/۶	۲۵
۳۲	۶۵	۸۷	۱۲۸	۱۰۶	۱۳۴	۱۱۴	۱۴۰	۱۹۳	۹۴۰	۶۸/۰	۲۵
۳۲	۵۹	۷۲	۱۱۳	۱۰۳	۱۳۱	۱۱۱	۱۳۲	۱۸۳	۸۹۲	۶۳/۰	۲۰
۳۶	۶۲	۷۸	۱۲۶	۱۰۴	۱۳۳	۱۱۳	۱۴۰	۱۸۸	۹۰۵	۷۳/۳	۳۵
۳۵	۵۹	۷۶	۱۲۱	۱۰۵	۱۳۴	۱۱۴	۱۴۵	۱۸۸	۹۰۵	۶۱/۲	۲۰
۳۶	۶۲	۷۸	۱۲۶	۱۰۰	۱۳۳	۱۱۳	۱۴۴	۱۸۸	۸۷۰	۶۴/۰	۲۰
۳۴	۶۷	۸۵	۱۲۸	۱۰۶	۱۲۷	۱۰۸	۱۳۶	۱۹۵	۸۹۷	۷۵/۰	۲۸
۳۸	۶۷	۷۸	۱۳۰	۱۰۷	۱۳۶	۱۱۷	۱۵۱	۱۸۸	۸۲۵	۵۸/۴	۲۵
۳۷	۵۹	۷۷	۱۳۰	۱۱۷	۱۴۸	۱۲۷	۱۴۶	۱۹۵	۹۱۰	۶۹/۶	۳۵
۳۶	۶۳	۷۷	۱۳۳	۱۰۴	۱۳۷	۱۱۸	۱۲۹	۲۰۰	۸۷۵	۶۷/۳	۲۰
۳۷	۶۸	۸۳	۱۲۳	۱۰۷	۱۲۸	۱۱۰	۱۳۱	۱۹۲	۸۴۹	۶۶/۰	۵۰
۳۱	۵۰	۶۸	۱۲۰	۱۰۷	۱۳۲	۱۱۳	۱۳۶	۱۸۰	۸۳۲	۶۳/۰	۳۰

## لرهای پشت کوه - شاخص‌ها

گروه و پیشانی	گروه و کتین	مخوش	بینی	قسمت		تفاوت	پیشانی و آه‌یاله	تناسب سر	قدنشته بینی	عرض گوش	طول گوش
				علاقی	صورت	مورت					
۹۳/۶	۸۲/۴	۵۱/۷	۴۸/۴	۶۰	۱۰۰/۰	۹۰/۰	۷۰/۶	۵۲/۴	۳۰	۵۸	۳۳
۸۳/۷	۸۱/۵	۵۲/۶	۵۰/۸	۵۷	۹۲/۶	۷۵/۴	۷۸/۱	۵۲/۷	۳۰	۵۷	۳۳
۸۵/۱	۷۹/۲	۵۷/۸	۴۹/۳	۶۴	۹۵/۵	۸۱/۵	۷۲/۶	۵۶/۰	۳۷	۶۴	۳۳
۸۴/۸	۷۸/۶	۵۲/۶	۵۴/۳	۵۵	۸۶/۳	۸۴/۱	۷۲/۱	۵۴/۷	۳۰	۵۷	۳۳
۸۵/۰	۷۸/۲	۴۸/۳	۵۸/۱	۵۸	۹۴/۸	۸۰/۷	۷۴/۵	۵۲/۲	۲۹	۶۰	۳۳
۸۵/۱	۷۸/۴	۴۷/۴	۵۹/۴	۵۶	۸۳/۴	۷۸/۶	۷۷/۲	۵۶/۱	۲۸	۵۹	۳۳
۸۵/۰	۷۵/۲	۶۳/۶	۵۸/۱	۵۸	۹۴/۷	۷۸/۵	۷۶/۶	۵۳/۰	۳۵	۵۵	۳۳
۸۵/۱	۸۳/۵	۵۷/۹	۵۰/۷	۶۶	۱۰۰/۸	۷۹/۴	۶۹/۷	۵۱/۳	۳۳	۵۷	۳۳
۸۶/۱	۷۸/۷	۶۱/۱	۵۶/۷	۵۷	۹۵/۶	۷۷/۵	۸۰/۴	۵۲/۱	۳۳	۵۴	۳۳
۸۵/۹	۷۹/۱	۵۹/۰	۶۲/۷	۵۲	۸۷/۹	۸۷/۰	۷۴/۹	۵۳/۷	۳۶	۶۱	۳۳
۸۶/۱	۷۵/۹	۵۴/۲	۵۷/۱	۵۶	۹۷/۱	۸۴/۹	۶۹/۵		۳۲	۵۹	۳۳
۸۵/۹	۸۳/۶	۵۱/۵	۵۴/۴	۶۴	۹۶/۱	۸۴/۰	۶۸/۲		۳۴	۶۶	۳۳
۸۵/۶		۵۲/۸				۸۳/۱	۷۵/۱		۲۸	۵۳	۳۳



## نرهای پشت کوه- شاخص ها

شماره	طول	عرض	قد نشسته	نسب	پیشانی و آهانه	صورت	قسمت عارضی	بینی	گوش	مکعب	مکعب و پهنای
۲۳۲۰	۵۸	۳۳	۸	۷۱/۶	۷۸/۰	۱۰۰/۰	۵۵/۵	۷۶/۸	۵۶/۹	۸۱/۳	۸۵/۹
۲۳۲۱	۵۰	۳۲	۵	۷۱/۶	۸۳/۲	۱۰۰/۸	۶۰/۶	۶۴/۹	۶۴/۰	۷۹/۵	۸۵/۸
۲۳۲۲	۵۷	۳۴	۵۲/۵	۷۶/۹	۷۸/۱	۹۲/۴	۵۷/۲	۰۰۰	۵۹/۶	۷۸/۶	۸۷/۱
۲۳۲۳	۵۴	۳۰	۵۲/۷	۷۳/۴	۸۰/۲	۹۳/۱	۵۳/۱	۶۲/۱	۵۵/۶	۷۹/۳	۸۶/۹
۲۳۲۴	۵۳	۳۰	۵۱/۴	۷۵/۰	۷۹/۹	۹۹/۲	۵۹/۸	۵۸/۱	۵۶/۶	۸۱/۱	۸۷/۱
۲۳۲۵	۵۸	۳۳	۵۲/۸	۷۳/۵	۸۳/۱	۹۲/۳	۶۰/۰	۶۶/۷	۵۶/۹	۸۰/۸	۸۶/۹
۲۳۲۶	۵۰	۳۰	۵۲/۵	۷۲/۱	۸۴/۴	۹۴/۱	۵۴/۴	۵۴/۲	۶۰/۰	۷۵/۸	۸۶/۸
۲۳۲۷	۵۶	۳۱	۵۲/۹	۷۲/۱	۷۹/۰	۹۲/۹	۵۸/۳	۵۰/۸	۵۵/۴	۷۳/۴	۷۸/۴
۲۳۲۸	۶۶	۳۳	۵۳/۹	۷۴/۰	۷۷/۹	۹۲/۳	۶۳/۶	۵۰/۰	۵۰/۰	۷۷/۶	۷۹/۰
۲۳۲۹	۶۱	۳۴	۵۴/۰	۷۶/۱	۷۶/۹	۹۰/۷	۵۵/۶	۶۶/۱	۵۵/۷	۸۷/۱	۷۸/۶
۲۳۳۰	۵۳	۳۲	۵۳/۱	۷۴/۱	۸۲/۴	۹۳/۱	۶۰/۳	۵۱/۵	۶۰/۴	۸۳/۲	۸۸/۶
۲۳۳۱	۵۷	۳۹	۵۰/۹	۷۵/۰	۷۷/۵	۹۳/۵	۴۷/۴	۷۷/۰	۶۸/۴	۷۵/۲	۸۳/۲
۲۳۳۲	۶۱	۳۴	۴۶/۳	۸۳/۰	۷۷/۵	۹۳/۰	۵۷/۸	۴۷/۱	۵۵/۷	۷۸/۹	۸۲/۵
۲۳۳۳*	۵۳	۳۸	۵۲/۸	۷۶/۰	۷۹/۳	۸۹/۷	۵۳/۸	۵۸/۷	۷۱/۷	۸	۸۲/۱

\* فرد شماره ۲۳۳۳ از اهالی پشت کوه نبود و بنابر این از جدول حذف گردید.

# خصوصیات شکل شناسی لرها ای پشت کو

پیشی		چشم	و			شماره
			رنگ	رنگ	بافت	
پره	نیم رخ	سیاهی	رنگت	رنگت	متوسط	مجموع درشت
باز	محدب	خط دار	قهوه سیر	قهوه سیر		۳۲۸۱
متوسط	د	یکنواخت	سیاه قهوه	د	د	۳۲۸۲
متوسط باز	د	د	قهوه سیر	د	د	۳۲۸۳
باز	محدب	د	د	د	د	۳۲۸۴
متوسط	محدب	د	د	د	د	۳۲۸۵
متوسط باز	د	د	د	د	د	۳۲۸۶
متوسط	راست	د	د	د	د	۳۲۸۷
د	محدب	خط دار	سبز قهوه	قهوه قرمز	د	۳۲۸۸
د	د	حلقه دار	قهوه سیر	قهوه سیر	د	۳۲۸۹
د	موجودار	یکنواخت	سبز قهوه	د	د	۳۲۹۰
راست	خط دار	د	آبی قهوه	قهوه قرمز	خشن	۳۲۹۱
د	یکنواخت	د	د	...	...	۳۲۹۲

## خصوصیات شکل شناسی لبرهای پشت کوه

پیش		چشم		م		شماره	
پره	لبرخ	سیاهی	سفیده	رنگ	رنگ	بافت	شکل
متوسط	محدب	حلقه دار	لثا دار خونی	آبی قهوه	قهوه خاکستری	متوسط	مجمد درشت
د	د	یکتواخت	لثا دار	د	قهوه سبز	د	د
باز	راست	حلقه دار	د	قهوه سبز	د	متوسط نرم	مجمد خیلی درشت
متوسط باز	د	یکتواخت	صاف	۰۰۰	د	متوسط	مجمد درشت
متوسط	د	د	د	آبی قهوه	د	د	د
د	د	خط دار	د	د	قهوه قرمز	خشن	د
متوسط باز	د	یکتواخت	د	د	د	متوسط	مجمد خیلی درشت
باز	محدب	خط دار	لثا دار	سبز قهوه	قهوه سبز	۰۰۰	مجمد درشت
متوسط	د	د	د	د	قهوه قرمز	متوسط	مجمد ریز
متوسط باز	د	د	د	آبی قهوه	قهوه سبز	د	مجمد درشت
باز	راست	یکتواخت	صاف	قهوه سبز	د	د	د
متوسط باز	د	د	د	د	د	خشن	د
فشرده	د	خط دار	د	۰۰۰	د	۰۰۰	د

# خصوصیات شکل شناسی لرهای پشت کوه

شماره	شکل	بافت	رنگی	رنگ	سبزه	سیاهی	لیلی	
							نیروخ	پره
۳۳۰۶	مجمد خیلی درشت	متوسط	قهوه سبز	قهوه سبز	صاف	یکگواخت	محدب	متوسط
۳۳۰۷	مجمد درشت	د	...	د	د	د	د	متوسط باز
۳۳۰۸	د	د	قهوه سبز	آبی قهوه	د	د	راست	فشرده متوسط
۳۳۰۹	د	د	د	قهوه سبز	د	خطدار	محدب	متوسط
۳۳۱۰	د	خشن	د	د	د	یکگواخت	راست	د
۳۳۱۱	د	متوسط	د	د	د	د	محدب	د
۳۳۱۲	د	د	د	سبز قهوه	د	خطدار	محدب	د
۳۳۱۳	د	د	د	آبی قهوه	...	...	محدب	د
۳۳۱۴	د	د	...	قهوه سبز	صاف	یکگواخت	راست	باز
۳۳۱۵	د	د	قهوه سبز	د	د	د	د	متوسط باز
۳۳۱۶	د	د	د	د	د	د	د	د
۳۳۱۷	...	د	د	آبی قهوه	د	خطدار	موجدار	د
۳۳۱۸	مجمد درشت	...	د	د	د	یکگواخت	محدب	فشرده متوسط



## خصوصیات شکل شناسی لبرهای پشت کوه

شماره	شکل	بافت	رنگی	رنگی	چشم		نیرخ	پره
					سفید	سیاهی		
۳۳۱۹	.....	.....	قهوه سیر	آبی قهوه	صاف	خط دار	محدب	فشرده
۳۳۲۰	مجمد درشت	متوسط	د	د	د	یکگذاخت	راست	متوسط باز
۳۳۲۱	د	د	د	د	د	د	د	متوسط
۳۳۲۲	د	خشین	د	قهوه سیر	د	د	محدب	متوسط باز
۳۳۲۳	د	متوسط	قهوه قرمز	سبز قهوه	لک دار	خط دار	راست	فشرده
۳۳۲۴	د	د	قهوه سیر	قهوه سیر	صاف	یکگذاخت	د	متوسط باز
۳۳۲۵	د	د	د	آبی قهوه	.....	.....	محدب	باز
۳۳۲۶	د	د	قهوه قرمز	قهوه سیر	صاف	حلقه دار	راست	متوسط
۳۳۲۷	د	خشین	قهوه سیر	سبز قهوه	د	خط دار	د	متوسط باز
۳۳۲۸	د	.....	د	د	د	حلقه دار	محدب	متوسط
۳۳۲۹	.....	.....	د	قهوه سیر	د	یکگذاخت	راست	د
۳۳۳۰	مجمد درشت	متوسط	.....	د	د	خط دار	د	د
۳۳۳۱	د	د	سیاه	د	د	یکگذاخت	د	متوسط باز
۳۳۳۲	د	نرم	قهوه سیر	د	د	د	د	فشرده
۳۳۳۳	د	خشین متوسط	د	د	د	د	محدب مقعر	متوسط باز

## اندازه ها و شاخص های تره های پشت کوه

اندازه ها	تعداد	حد	میانگین	S. D.	C. V.
سن	۵۲	۷۰-۲۰	$0.86 \pm 30.15$	$0.61 \pm 9.15$	$2/0.1 \pm 30.4/5$
قد	۵۲	۱۸۴-۱۵۵	$0.51 \pm 168.63$	$0.36 \pm 5/49$	$0.22 \pm 3/26$
قد نشسته	۵۲	۹۸-۸۱	$1.33 \pm 89.11$	$0.23 \pm 3/51$	$0.26 \pm 2/944$
طول سر	۵۲	۲۰۲-۱۷۳	$0.52 \pm 189/99$	$0.37 \pm 5/55$	$0.19 \pm 2/92$
عرض سر	۵۲	۱۵۲-۱۲۹	$0.54 \pm 140.68$	$0.38 \pm 5/76$	$0.27 \pm 4/09$
حد اقل قطر پیشانی	۵۲	۱۲۸-۱۰۵	$0.35 \pm 114/50$	$0.25 \pm 3/76$	$0.22 \pm 3/28$
قطر استخوان دو گونه	۵۲	۱۴۹-۱۲۵	$0.49 \pm 134/70$	$0.35 \pm 5/25$	$0.26 \pm 2/90$
قطر فکین	۵۲	۱۲۵-۹۴	$0.46 \pm 105/42$	$0.32 \pm 4/88$	$0.31 \pm 4/63$
طول کل صورت	۵۲	۱۴۴-۱۱۰	$0.58 \pm 126/40$	$0.41 \pm 6/25$	$0.33 \pm 4/94$
طول قسمت علیای صورت	۵۲	۹۴-۶۵	$0.58 \pm 78/35$	$0.41 \pm 6/15$	$0.52 \pm 7/85$
طول بینی	۵۱	۷۵-۴۸	$0.54 \pm 62/22$	$0.38 \pm 5/76$	$0.62 \pm 9/26$
عرض بینی	۵۱	۴۸-۲۸	$0.32 \pm 25/75$	$0.24 \pm 2/54$	$0.67 \pm 9/99$

## اندازه ها و شاخص های نرهای پشت کوه

	S. D.	میانگین	حد	تعداد	
C. V.					
$٥٤ \pm ٨/١١$	$٣١ \pm ٤/٦٤$	$٠/٤٣ \pm ٥٧/١٨$	$٦٧-٤٨$	٥٢	طول گوش
$٩٣ \pm ٩/٥٧$	$١٢١ \pm ٣/١٢$	$٠/٢٩ \pm ٣٢/٦١$	$٤٠-٢٦$	٥٢	عرض گوش
					شاخص د
$٢٤ \pm ٣/٦٠$	$١١٣ \pm ١/٩٠$	$٠/١٨ \pm ٥٢/٨٤$	$٥٧-٤٦$	٥٢	قد نشسته نسبتی
$٢٩ \pm ٤/٣٢$	$١٢١ \pm ٣/٢١$	$٠/٣٠ \pm ٧٤/٢٥$	$٨٥-٦٨$	٥٢	سر
$٢٨ \pm ٤/٢١$	$٢٣ \pm ٣/٤٢$	$٠/٣٢ \pm ٨١/١٩$	$٩٢-٧٥$	٥٢	پیشانی و آهپانه
$٢٣ \pm ٣/٤٥$	$١١٩ \pm ٢/٩٢$	$٠/٢٧ \pm ٨٤/٥٨$	$٩٥-٧٦$	٥٢	گونه و پیشانی
$٢٥ \pm ٣/٧٨$	$١٢٠ \pm ٢/٩٧$	$٠/٢٨ \pm ٧٨/٦٤$	$٨٩-٧٢$	٥٢	گونه و فک
$٣٨ \pm ٥/٧٠$	$١٣٥ \pm ٥/٣٥$	$٠/٥٠ \pm ٩٣/٨٥$	$١٠٤-٨٠$	٥٢	صورت
$٥٧ \pm ٨/٦٨$	$١٣٤ \pm ٥/٠٧$	$٠/٤٧ \pm ٥٨/٤٣$	$٦٩-٤٦$	٥٢	قسمت علیای صورت
$٩٣ \pm ١٣/٩٣$	$٥٣ \pm ٨/٠٠$	$٠/٧٦ \pm ٥٧/٤٢$	$٧٩-٤٤$		بینی
$٦٣ \pm ٩/٥٧$	$١٣٦ \pm ٥/٤٤$	$٠/٥١ \pm ٥٦/٨٢$	$٧٢-٤٥$		گوش

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۲۳

قد

مجموع	بلند	متوسط	کوتاه	
	$(x-169/0)$	$(169/4-160/6)$	$(160/5-x)$	
۵۲	۲۳	۲۶	۳	تعداد
۱۰۰/۰۰	۴۴/۲۳	۵۰/۰۰	۵/۷۷	درصد

شاخص سر

مجموع	سر کوتاه	سر متوسط	سر بلند	
	$(X-۸۲/۶)$	$(۸۲/۵-۷۶/۶)$	$(۷۶/۵-X)$	
۵۲	۱	۱۱	۴۰	تعداد
۹۹/۹۹	۱/۹۲	۲۱/۱۵	۷۶/۵۲	درصد

## شاخص کل صورت

مجموع	صورت باریک	صورت متوسط	صورت پهن	
	(X-۸۹/۵)	(۸۹/۴-۸۴/۶)	(۸۴/۵-X)	
۵۲	۴۳	۶	۳	تعداد
۱۰۰/۰۰	۸۲/۶۹	۱۱/۵۴	۵/۷۷	درصد

## شاخص پینن

مجموع	بینی پٹن	بینی متوسط	بینی باریک	
	(X-۸۳/۵)	(۸۳/۴-۶۷/۵)	(۶۷/۴-X)	
۵۱	۰	۶	۴۵	تعداد
۱۰۰/۰۰	—	۱۱/۷۶	۸۸/۲۴	درصد

### کارگران ری و افراد متفرقه

با اجازه و لطف آقای دکتر اریک اشمیدت موفق شدیم بیست و دو نفر از کارگران حفريات ری را در تاریخ ۱۱ اوت ۱۹۳۴ اندازه گیری کرده و مورد مطالعه قرار دهیم. در این عملیات دکتر والتر کندی عهده دار ثبت اطلاعات بود. چون کارگران ری از نقاط مختلف مملکت بودند بدست آمدن ارقام حد متوسط امکان پذیر نبود. بنابراین ناچاریم اطلاعات خود را درباره افراد یا گروههای کوچک متفرقه از نظر خوانندگان بگذرانیم. اطلاعات درباره این افراد از قرار زیر است:

شماره ۳۴۵۶: اهل امیرآباد قزوین - قد متوسط کوتاه - سرمتمایل بدرازی و باریک - صورت پهن و دراز - بینی پهن و کوتاه - خال کوبی روی میج راست و برای رفع درد.

شماره ۳۴۵۷: اهل دامغان - قد کوتاه - سرخیلی کوتاه و پهن باشاخص سر کوتاهی - صورت کوتاه و باریک - بینی کوتاه و خیلی باریک.

شماره ۳۴۵۸ (تصویر ۱۳۸ - شکل ۴ و ۳): اهل دامغان - قد کوتاه متوسط - سرخیلی کوتاه و خیلی پهن باشاخص خیلی سر کوتاهی (۹۴/۶) - صورت از لحاظ طول معمولی پهن ولی و مثلثی شکل - بینی دراز و باریک - دندانها لکه دار - خال کوبی هیچ.

بنظر می رسید که این فرد از لحاظ نوع با افراد سمت غربی فلات ایران فرق داشته باشد.

شماره ۳۴۵۹ (تصویر ۱۳۵ - شکل ۴ و ۳): اهل دامغان - قد بلند - سر کوتاه و پهن باشاخص سر کوتاه - صورت باریک و خیلی کوتاه - بینی دراز متوسط و خیلی باریک - دندانها نامنظم - خال کوبی هیچ.

شماره ۳۴۶۰ (تصویر ۱۴۰ - شکل ۲ و ۱): اهل دامغان - قد بلند - نشسته خیلی بلند - سر از لحاظ طول متوسط از لحاظ عرض باریک باشاخص متوسط - قسمت علیای صورت پهن و عرض دو گونه باریک - صورت خیلی دراز بخصوص ارتفاع قسمت علیا - بینی خیلی دراز و با عرض متوسط - علامت آبله.

شماره ۳۴۶۱ (تصویر ۱۳۷ - شکل ۲ و ۱): اهل دامغان - قد خیلی

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۲۵

بلند - طول و عرض سر متوسط با شاخص سر متوسط - صورت پهن و متوسط از حیث طول - قسمت علیای صورت دراز - بینی نسبتاً دراز با پره های باز - دندانها منظم - چشم چپ کمی چپ - خال کوبی هیچ.

شماره ۳۴۶۲ (تصویر - ۱۳۶ - شکل ۱ و ۲) : اهل دامغان - قد کمی بلند تر از متوسط - سر دراز و نسبتاً عریض با شاخص سر متوسط - قسمت علیای و سفلی صورت باریک با قوس گونه عریض - صورت کوتاه - بینی دراز متوسط با پره های باز - دندانها نامنظم - موی سر خاکستری و ریخته - موحنابسته برای جلوگیری از ریزش - حنا روی ناخن ها برای زیبایی - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۳ (تصویر ۱۳۶ - شکل ۳ و ۴) : اهل دولت آباد نزدیک سلطان آباد - قد کوتاه - سر دراز و باریک با شاخص سر دراز - صورت باریک و خیلی کوتاه - بینی کوتاه و باریک - دندانهای جلو خیلی منظم - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۴ (تصویر ۱۴۰ - شکل ۳ و ۴) : اهل ناحیه آب گنجان - شهرستان اصفهان - قد بلند - سر دراز متوسط و پهن با شاخص سر متوسط - صورت پهن با گونه پهن و خیلی دراز - بینی متوسط دراز با پره های باریک - دندانهای نسبتاً منظم - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۵ (تصویر ۱۳۴ - شکل ۱ و ۲) : اهل حسین آباد نزدیک سلمتان آباد اراک - قد متوسط کوتاه - سر خیلی دراز و باریک با شاخص سر دراز - صورت پهن و کوتاه - بینی خیلی کوتاه و خیلی پهن - دندانها منظم و لک دار - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۶ (تصویر ۱۳۸ - شکل ۱ و ۲) : اهل حسین آباد نزدیک سلطان آباد اراک - قد بلند متوسط - سر از لحاظ طول و عرض متوسط با شاخص سر متوسط - صورت پهن و از حیث طول متوسط - بینی از حیث طول و عرض متوسط - دندانها منظم - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۷ (تصویر ۱۳۹ - شکل ۳ و ۴) : اهل حسین آباد نزدیک سلطان آباد اراک - قد متوسط کوتاه - سر از لحاظ طول و عرض متوسط با شاخص سر متوسط - صورت پهن بخصوص از لحاظ عرض حانه و خیلی کوتاه - بینی

کوتاه و از حیث عرض متوسط - دندان‌ها منظم - لکه‌های سفید مو - خال کوبی

هیچ .

شماره ۳۴۶۸ (تصویر ۱۳۷ - شکل ۳ و ۴) : اهل قم - قد متوسط با طول تنه کوتاه - سر دراز و باریک با شاخص سر خیلی دراز - صورت پهن بخصوص در حداقل قطر پیشانی و کوتاه در قسمت سفلی - بینی از حیث طول متوسط و خیلی پهن بطوریکه دال برداشتن خون سیاهپوست میکند که لب کلفت نیز مؤید آنست - دندانها منظم - علائم آبله - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۶۹ : اهل ننجار نزدیک سلطان آباد اراک - قد متوسط که شاید در اثر سن (۱۸) باشد - سر دراز و باریک با شاخص سر دراز - صورت باریک و متوسط از حیث طول - بینی متوسط از حیث طول و عریض تر از متوسط - دندانها نامنظم و کمی لک دار - قسمت بزرگی در فرق سر بدون مو - دو خط جای زخم که تا ۵ سانتیمتر قطر دارد بر شکم و سینه .

شماره ۳۴۷۰ : اهل ننجار نزدیک سلطان آباد اراک - قد خیلی بلند بخصوص در پاها - سر دراز و خیلی باریک با شاخص سر دراز - صورت باریک و متوسط از لحاظ طول - بینی متوسط از حیث طول و کمی پهن تر از متوسط - دندانها بزرگ و منظم - چشم راست دارای زخم - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۷۱ : اهل ننجار نزدیک سلطان آباد اراک - قد بلند با تنه دراز - سر دراز و پهن متوسط با شاخص سر متوسط - صورت پهن و کمی درازتر از معمولی - بینی کوتاه و باریک - دندانها لک دار - خال کوبی هیچ .

۳۴۷۲ (تصویر ۱۳۹ - شکل ۱ و ۲) : اهل شیراز - قد کوتاه - سر دراز و باریک با شاخص سر دراز - صورت باریک و کوتاه با طول قسمت علیای صورت دراز - بینی خیلی کوتاه و باریک - دندانها کمی نامنظم - خال کوبی هیچ .

شماره ۳۴۷۳ (تصویر ۱۳۴ - شکل ۳ و ۴) : اهل حسین آباد نزدیک سلطان آباد اراک - قد متوسط - سر خیلی دراز و پهن متوسط با شاخص سر دراز - صورت پهن و کوتاه - بینی متوسط از لحاظ طول و خیلی باریک - دندانها منظم - علامت آبله - خال کوبی هیچ .

## کارگران ری

در میان هیجده نفر افراد هشت نفر از ناحیه سلطان آباد اراك و شش نفر از دامغان بودند . برای بدست آوردن ارقام تطبیقی میانگین های افراد زیر محاسبه شده است

(۱) از سری سلطان آباد : افراد شماره ۳۴۶۳ و ۳۴۶۵ - ۳۴۶۷ ، ۳۴۶۹ - ۳۴۷۱ ، ۳۴۷۳ .

(۲) از سری دامغان : افراد شماره ۳۴۵۷ - ۳۴۶۲ .

مقایسه بین این دو گروه نشان میدهد که در ارقام میانگینی آنها اختلاف قابل ملاحظه ای وجود دارد . سری دامغان مرکب است از شش کارگر که دکتر اريك اشمیدت در حفاری نزدیک دامغان از آنها استفاده کرده و بعداً برای سر- عملگی حفاری ری آنها را به ری آورده است .

سن = هر دو گروه از سالمندان جوان تشکیل شده و فقط يك اختلاف جزئی بین آنها وجود داشت .

قد = مردان سلطان آباد ۲/۵ میلیمتر بلند تر از مردان دامغان هستند . دسته اول تقریباً مساوی با رقم هادن Haddon برای بادیه نشین ها هستند که قد آنها ۱۶۶/۰ میباشد و دسته دوم کمی بلند تر از رقم او برای قد افراد مدیترانه (۱۶۱/۵) میباشد .

طول قسمت سفلی پا = بین دو گروه در این اندازه اختلاف قابل ملاحظه وجود دارد و نشان میدهد که بلندی قد افراد سلطان آباد مربوط به طول و درازی پای آنها است . در حالیکه با مقایسه با گروه های دیگر ایران پای آنها نسبتاً کوتاه و طول تنه آنها زیاد است .

قد نشسته = طول تنه در دو گروه تقریباً یکسان است .

طول سر = کارگران دامغان سر خیلی کوتاه (۱۸۰/۰۰) دارند و کارگران سلطان آباد از حیث طول سر متوسط (۱۸۷/۶۳) میباشد .

عرض سر = مردان دامغان دارای سر پهن (۱۴۷/۰۰) و مردان سلطان آباد سر خیلی پاریك (۱۳۸/۷۵) هستند .

حداقل قطر پیشانی = مردان سلطان آباد پیشانی عریض متوسط دارند در صورتیکه در بین مردان دامغان رقم ۱۱۵/۶۶ خیلی زیاد بنظر آمد تا اینکه



تصادیر مورد بررسی قرار گرفت بخصوص تصویر فرد شماره ۳۴۵۸ (تصویر ۱۳۸- شکل ۳ و ۴) و معلوم شد که حداقل قطر پیشانی او ۱۲۱ است.

عرض دو گونه = میانگین گروه سلطان آباد ۴ میلیمتر باریکتر از رقم مردان دامغان است که رقم عرض صورت آنها یعنی ۱۳۶/۰ تقریباً نزدیک حد متوسط معمولی این ناحیه یعنی ۱۳۴/۰ میباشد.

عرض فکین = فکین مردان سلطان آباد عریض است در حالیکه مردان دامغان با رقم ۱۰۶/۶۶ فکین باریکتر از سایر گروههای ایران بجز لرها میباشد.

طول صورت = در هر دو گروه صورت کوتاه است و گروه سلطان آباد در طبقه خیلی کوتاه قرار دارند.

طول قسمت علیای صورت = مردان سلطان آباد قسمت علیای صورت باریکتر از دامغانها دارند.

طول بینی = در هر دو گروه بینی کوتاه است.

عرض بینی = در بین مردان دامغان بینی باریک (۳۲/۳۳) است و در بن گروه سلطان آباد ۲/۵ میلیمتر عریض تر است.

طول و عرض گوش = گوش در هر دو گروه نسبتاً کوتاه و پهن است و در اندازه گیری اختلاف زیادی بین افراد دو گروه مشاهده نشد.

شاخص قد نشسته نسبی = این شاخص در مورد گروه سلطان آباد بعلت کوتاهی نسبی تنه کمتر از کارگران دامغان بود اگر چه مردان سلطان آباد دارای تنه دراز تر از مردم کناره و یزد خواست و یهودیها بودند.

شاخص سر = بین دو گروه فرق مشخصی از لحاظ شکل سر وجود داشت. گروه سلطان آباد دارای شاخص سر دراز (۷۳/۹۸) بودند که نزدیک میانگین شاخص سر نوع مدیترانه است در حالیکه اهالی دامغان با شاخص (۸۱/۹۰) در قسمت بالا شاخص سر متوسط بودند. نتیجه در جدول زیر بخوبی مشهود است.

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۲۹

مردم	X—۷۶/۵	۸۲/۵—۷۶/۶	X—۸۲/۶	مجموع
دامغان	۱	۳	۲	۶
سلطان آباد	۷	۱	۰	۸

شاخص پیشانی و آهیانه = در گروه سلطان آباد این شاخص بعلا اختلاف در عرض سر بالا تر از مردان دامغان بود که دارای پیشانی عریض بودند در حالیکه سلطان آبادیها پیشانی باریک داشتند .

شاخص گونه و پیشانی = در حالیکه مردان دامغان از حیث عرض دو گونه و حداقل قطر پیشانی عریض تر از گروه سلطان آباد بودند شاخص اندازه این دو تقریباً در هر دو گروه یکسان بود ولی بعلا داشتن پیشانی عریضتر از چهار گروه ایرانی دیگر زیاد تر بود .

شاخص گونه و فکین = این شاخص در مورد مردم سلطان آباد بالاتر از کارگران دامغان و گروههای دیگر ایران است زیرا عرض فکین مردان سلطان آباد از ۲ تا ۶ میلیمتر زیاد از حد وسط عرض سایرین میباشد .

شاخص صورت = اگر چه اختلاف قابل ملاحظه در اندازه های مطلق مشاهده میشود زیرا مردان دامغان صورت دراز تر دارند ولی چون در ضمن عرض صورت آنان با طول صورت تطبیق میکنند نتیجه آن شاخص کمتر از کارگران سلطان آباد میشود .

شاخص قسمت علیای صورت = این شاخص در مورد مردان دامغان کمی زیاد تر از مردم ناحیه سلطان آباد است بعلا آنکه قسمت علیای صورت گروه دامغان دراز تر است .

شاخص بینی = اگر چه هر دو گروه در طبقه بینی باریک واقع شدند اختلاف قابل ملاحظه بین آنها دیده شد . شاخص بینی گروه سلطان آباد ۸/۷۱

نیز کمتر از مردان دامغان است .

شاخص گوش = در این مورد بین دو گروه اختلاف مهمی مشاهده نشد .

### خلاصه

يك فرد متوسط معمولی دامغانی بر اساس آزمایش شش نفر تقریباً از حیث قد کوتاه متوسط مطابق سایر گروههای ایرانی است ولی پای او کوتاهتر است و دارای سر کوتاه پهن و پیشانی عریض و صورت پهن متوسط و قسمت سفلی صورت باریك و با وجود داشتن قسمت علیای صورت دراز دارای صورت کوتاه و بینی کوتاه و باریك و گوش کوتاه و عریض متوسط میباشد .

يك فرد متوسط معمولی سلطانآباد بر اساس آزمایش هشت نفر اهل محل قد دراز متوسط و تنه نسبتاً دراز دارد و دارای سر دراز متوسط و حیلّی باریك و پیشانی متوسط و صورت باریك و طول كل صورت کوتاه و بینی کوتاه و پهن و گوش کوتاه پهن متوسط میباشد .

فرق بین گروه سلطانآباد با گروه دامغان در موارد زیر است : - قد درازتر - سر درازتر و باریكتر - پیشانی باریكتر - صورت کوتاهتر و مربعتر و بینی کوتاهتر و پهن تر .

بنا بر این بطوریکه مشاهده میشود بن دو گروه بررسی سده در ری اختلافات مهم وجود دارد. گروه اراکی بنظر میرسد که متعلق بدسته ای باشد که شاخص سر دراز و صورت باریك و بینی باریك میباشد . اندازه گیریهای سری دامغان از قسمت شرق مرکزی ایران علائم احتلاط با ترکمن را نشان میدهد . این مطلب کاملاً صحیح بنظر میرسد زیرا دامغان بین دشت کویر و دامنه کوه البرز در سر راه بن ترکستان شوروی و طهران قرار گرفته و احتمال مرود که حملات بسیاری از این ناحیه صورت گرفته باشد .

# اندازه ها و شاخص های کارمندان حفاریات ری

تعداد افراد	دامغان	سلطان آباد
اندازه ها	۶	۸
سن	۲۷	۲۶
قد	۱۶۴/۱۷	۱۶۶/۶۷
قد نشسته	۸۴/۴۸	۸۴/۲۳
طول پا	۷۹/۶۹	۸۲/۴۴
طول سر	۱۸۰/۰۰	۱۸۷/۶۳
عرض سر	۱۴۷/۰۰	۱۳۸/۷۵
حد اقل قطر پیشانی	۱۱۵/۶۶	۱۱۲/۶۳
عرض دو گونه	۱۳۶/۰۰	۱۳۲/۰۰
عرض فکین	۱۰۶/۶۶	۱۱۱/۲۵
طول کل صورت	۱۲۲/۳۳	۱۲۰/۷۵
طول قسمت علیای صورت	۷۴/۱۷	۷۱/۰۰
طول بینی	۵۶/۳۳	۵۳/۰۰
عرض بینی	۳۲/۳۳	۳۴/۸۸
طول گوش	۵۶/۶۶	۵۶/۷۵
عرض گوش	۳۵/۸۳	۳۵/۵۰
شاخص ها		
قد نشسته نسبی	۵۱/۳۳	۵۰/۵۰
سر	۸۱/۹۰	۷۳/۹۸
پیشانی و آهیانه	۷۸/۷۸	۸۰/۸۶
گونه و پیشانی	۸۵/۰۸	۸۵/۳۹
گونه و فک	۸۱/۴۳	۸۴/۲۶
کل صورت	۹۰/۰۰	۹۱/۶۳
قسمت علیای صورت	۵۴/۵۲	۵۳/۸۵
بینی	۵۷/۲۷	۶۵/۹۸
گوش	۶۳/۷۵	۶۳/۲۴

۳. کلیمبران ری - اداره ها

شماره	ب	ق	قد شصت	طول و آفتاب	عرض	قد پیشانی	سن ده هجده عرض یکین	طول صورت	طول قفسه	لول پس عرض سی
۳۴۵۶*	۴۷	۱۵۸/۰	۸۰۲	۱۸۸	۱۲۷	۱۱۸	۱۳۷	۱۱۰	۱۲۸	۷
مغروه دامغان										
۳۴۵۷	۲۵	۱۵۲/۴	۷۵۱	۱۷۷	۱۴۷	۱۱۲	۱۲۸	۱۹	۱۱۸	" ۶۸
۳۴۵۸	۳	۱۵۸/۴	۷۹۷	۱۶۷	۱۵۸	۱۲۱	۱۴۱	۱۱۴	۱۲۲	۷۶
۳۴۵۹	۲۲	۱۶۱/۶	۸۲	۱۷۶	۱۴۴	۱۱۱	۱۳۳	۱۰۵	۱۱۴	۶۸
۳۴۶۰	۳۵	۱۷۲/۳	۹۱۲	۱۸۲	۱۳۸	۱۱۷	۱۳۶	۱۰۸	۱۳۶	۸۱
۳۴۶۱	۲۵	۱۱۴/۵	۸۹۷	۱۸۷	۱۴۷	۱۲۲	۱۳۹	۱۱۷	۱۲۶	۸
۳۴۶۲	۲۵	۱۶۵/۱	۸۹۲	۱۹۱	۱۴۸	۱۱۱	۱۳۹	۱۱۱	۱۱۸	۷۲
مغروه سلطان آباد										
۳۴۶۳	۲۰	۱۶۲/۱	۸۲۳	۱۹۲	۱۰۲	۱۱۳	۱۲۰	۱۱۰	۱۱۶	۷۴
۳۴۶۴*	۴۲	/ ۱۷	۸۳۳	۱۸۱	۱۰۷	۱۱۸	۱۰۴	۱۱۵	۱۳۱	۷۸
۳۴۶۵	۱۸	۱۶۵/	۸۶	۱۹۱	۱۳۶	۱۱۳	۱۳۱	۱۰۱	۱۱۱	۶۴
۳۴۶۶	۳	۱۶۱/۳	۸۱۶	۱۸۴	۱۳۹	۱۱۶	۱۳۱	۱۱۳	۱۲۴	۷۳
۳۴۶۷	۳۵	۱۶۶/۱	۸۵	۱۸۳	۱۴۱	۱۱۷	۱۳۵	۱۱۶	۱۱۷	۶۷
۳۴۶۸*	۲۱	۱۶۵/۱	۷۹۳	۱۸۹	۱۳۴	۱۲۲	۱۳۶	۱۱۶	۱۱۹	۱۴
۳۴۶۹	۱۸	۱۰ / ۵	۱۷۲	۱۸۶	۱۳۷	۱۰۵	۱۲۳	۱۰۳	۱۲۱	۷
۳۴۷۰	۲۵	۱۰۲/	۸۲۵	۱۸۰	۱۳۳	۱۰۹	۱۲۶	۱۰۱	۱۲۶	۱۵
۳۴۷۱	۴۴	۱۰۷/	۸۷۲	۱۸۸	۱۴۱	۱۱۵	۱۴۱	۱۲۱	۱۲۷	۱۷
۳۴۷۲*	۳۵	۱۶۰/۵	/ ۲۲	۱۸۸	۱۳۳	۱۰۸	۱۲۶	۱۰۷	۱۱۵	۷۰
۳۴۷۳	۱۱	۱۶۶/۶	۸۶۰	۱۹۳	۱۴۰	۱۱۳	۱۳۲	۱۱۱	۱۱۰	۶۱

از سری حذف گردید.

## افراد متفرقه از ایران

در زیر اطلاعات و مشاهدات مخصوص هفت نفر ایرانی که همیشه حزه هیکیک از گروههای عشایری آنها را شمار آورد داده میشود .

شماره ۳۵۷۳ - کرد از قبیله حماسی از برداسیر - حال کوبی هیچ -  
دندانها زنگ زده - در زندان سلیمانیه در تاریخ ۵ ژوئیه ۱۹۳۴ مشاهده شد.  
شماره ۳۵۷۴ - کرد ارسلیمانیه شرقی - حال کوبی هیچ - پس سر صاف -  
در زندان کرکوک در تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۳۴ مشاهده شد - توسط وینفرد سمیتون  
Winifred Smeaton که اکنون با نهمرتامس است .

شماره ۳۵۷۵ - که از ناحیه کرمانشاه - حال کو بی . تصویر آهو روی

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۳۳

### کارگزاران ری - شاخص ها

شماره	تاریخ ثبت	گوش	نوع	نام پسر	پدر	مادر	نوع	گوش	تاریخ ثبت
۳۵۶۷۲	۰۹	۴۰	۵۰/۸	۷۷/۹	۸۶/۱	۹۳/۴	۵۱/۱	۸۵/۴	۸۶/۸

**۴. وه دامغان**

71/1	05/9	87/0	80/2	03/1	92/2	97/2	82/1	89/2	22	08	2509
71/8	03/0	80/8	80/9	03/9	87/0	97/7	98/7	00/2	20	09	2508
99/1	00/0	83/0	99/0	01/1	80/9	99/1	81/8	00/9	29	81	2509
08/9	07/0	87/0	99/8	09/7	100/0	88/8	90/8	02/9	29	72	2570
70/0	72/8	89/8	88/2	09/7	90/9	82/0	98/7	01/8	27	00	2571
08/9	78/9	19/9	99/9	01/8	88/9	90/0	99/0	02/9	29	72	2572

۳۔ وہ سلطان آباد

40/0	40 £	17/4	18/7	07/4	14/4	47/£	4£/0	0-£	£7	00	£££7
41 4	07/1	11/4	44/4	0£/4	41/-	1-4	44/4	£1/1	£7	4£	££££*
4£/0	44/7	17/4	14/£	£1/4	4-1	14/1	41/4	04/1	£-	44	££40
00/-	47/1	1£/1	11/4	04/4	14/4	14/0	10/0	04/4	44	7-	££47
4-£	47/4	17/4	10/4	£4/7	17/4	14/0	47/1	01/1	41	0£	££47
01/1	44/1	14/1	10/4	0£ £	14/0	41/-	4-4	£4/1	£7	44	££47 44
04/7	41/4	10/£	14/1	07/4	41/£	47/7	44/4	£1/1	££	04	££47
4£/4	40/0	17/0	10/1	04/0	-1-	14/0	41/4	£4/7	££	04	££1-
41/4	44/4	11/7	10/1	0£/7	4-1	11/7	40/0	0 1/1	44	£4	££41
4£/4	47/-	10/4	1£/4	00/7	41/4	1-7	11/4	0- 7	£7	07	££44
0-/-	04/4	10/7	1£/1	01/0	11/7	1-4	14/4	01/7	44	4£	££44

از سه ی حذف گردید

بازوی راست - دندانها منظم در زندان کرکوک در تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۳۴ مشاهده شد .

شماره ۳۵۷۶ - مسلمان اصفهانی - حال کو بی هیچ - در اصفهان ۲۰  
اوت ۱۹۳۴ مشاهده شد .

شماره ۳۵۷۷ - آسوری از قبیله مهیوانا نزدیک ارومیه - علامت زحم  
روی هردو مچ دست . سردر اثر گهواره تغییر شکل یافته - در ری ۲ اوت ۱۹۳۴  
مشاهده شد .

خصوصیات شکل شناسی کارگران ری

شماره	نوع	پایه	رنگ	چشم	سیاهی	نیم رخ	پره
۳۴۵۶	...	...	...	صاف	حلقه دار	محدب	متوسط
۳۴۵۷	محدب درشت	خشن متوسط	قهوه تیره	قهوه سیر	یکنواخت	"	فشرده متوسط
۳۴۵۸	"	خشن	سیاه	"	"	"	متوسط
۳۴۵۹	"	متوسط نرم	"	لک دار	خط دار	"	"
۳۴۶۰	"	خشن متوسط	سیاه جاکستری	صاف	یکنواخت	"	"
۳۴۶۱	"	متوسط	قهوه سیر	"	"	"	"
۳۴۶۲	"	متوسط نرم	"	"	"	"	متوسط باز
۳۴۶۳	"	"	"	"	"	مقعر	متوسط
۳۴۶۴	"	خشن	سیاه	"	"	محدب مقعر	فشرده
۳۴۶۵	"	نرم	قهوه	"	"	مقعر	متوسط باز
۳۴۶۶	محدب ریز	متوسط	...	"	"	"	"
۳۴۶۷	"	...	سیاه	"	"	"	"
۳۴۶۸	...	...	قهوه سیر	سبز روشن قهوه	لک دار	خط دار	باز
۳۴۶۹	محدب درشت	متوسط	سیاه	سبز قهوه	حلقه دار	راست	متوسط
۳۴۷۰	"	"	قهوه سیر	"	خط دار	"	"
۳۴۷۱	...	...	قهوه سیر	صاف	یکنواخت	محدب مقعر	"
۳۴۷۲	...	...	"	"	"	"	"
۳۴۷۳	محدب درشت	خشن متوسط	سیاه	"	"	"	"

شماره ۳۵۷۸ - آسوری از قبیلہ جاوړ نزدیک ارومیه . خال کوبی هیچ -  
برادر فرد شماره ۳۵۷۹ صورت مثلث شکل - دندانها منظم . در ری ۲ اوت  
۱۹۳۴ مشاهده شد .

شماره ۳۵۷۹ - آسوری از قبیلہ جاوړ نزدیک ارومیه - خال کوبی .  
لشکر کشی روی بازوی راست در همدان خال کوبی شده است . برادر شماره ۳۵۷۸ -  
دندانها منظم - در ری ۲ اوت ۱۹۳۴ مشاهده شد .

سه نفر کرد شمال غربی ایران دارای قد کوتاه (۱۶۱/۷ - ۱۶۲/۱) ولی  
تنه دراز بودند . سر آنها از لحاظ طول کوتاه یکی از آنها خیلی کوتاه (۱۷۸)  
و از لحاظ عرض خیلی عریض (۱۵۲ - ۱۶۰) بود که در نتیجه شاخص سر آنها





پروفسور: کنت و. خانم وینفرد سیمیتون تامس Winifred Smeaton Thomas  
 ۱۳۷۱، زن آسوری اندازه گیری کزد - سه فرد آسوری که در ایران اندازه -  
 گیری شده از حیث میانگین اندازه ها با آسوریهای عراق مطابقت دارند .  
 یگانه مسلمانی که خود را در بین گروه یهودی وارد کرد از حیث قد  
 متوسط واز سر کوتاه وبلت باریکی فکین دارای صورت مثلث شکل بود .

### مقایسه چهار گروه ایران

در قسمتهای گذشته این کتاب هریک از چهار گروه ایرانی که توسط  
 نویسنده بررسی و اندازه گیری شده بصورت واحد جداگانه مورد مطالعه قرار  
 گرفته است . اکنون مسئله مقایسه مستقیم این چهار گروه پیش میآید تا موارد  
 شباهت و اختلاف آنها آشکار گردد .

### جدول مقایسه میانگینها

اندازه ها	لرها	یردخواست	کناره	یهودیه
سن	۳۰/۱۵	۳۷/۸۵	۳۷/۲۵	۳۹/۳۰
قد	۱۶۸/۶۳	۱۶۴/۷۹	۱۶۵/۵۴	۱۶۴/۹۴
قد نشسته	۸۹/۱۱	۸۹/۶۶	۸۱/۹۷	۸۰/۸۴
طول ساق پا	۷۹/۵۲	۸۵/۱۳	۸۳/۵۷	۸۴/۱۰
طول سر	۱۸۹/۹۹	۱۹۲/۵۱	۱۸۷/۰۲	۱۸۶/۰۶
عرض سر	۱۴۰/۶۸	۱۴۱/۵۵	۱۴۲/۹۶	۱۴۴/۲۸
حداقل قطر پیشانی	۱۱۴/۵۰	۱۱۲/۸۷	۱۱۲/۱۴	۱۱۱/۹۰
عرض دو گونه	۱۳۴/۷۰	۱۳۴/۵۰	۱۳۳/۳۵	۱۳۴/۲۰
عرض فکین	۱۰۵/۴۲	۱۰۹/۵۸	۱۰۷/۷۸	۱۰۷/۸۶
طول کل صورت	۱۲۶/۴۰	۱۲۱/۰۰	۱۲۲/۴۰	۱۲۳/۴۵
طول قسمت علیای صورت	۷۸/۳۵	۶۹/۶۰	۷۱/۷۵	۷۲/۴۰
طول بینی	۶۲/۲۲	۵۱/۲۲	۵۱/۶۶	۵۳/۸۲

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۳۷

عرض بینی	۳۵/۷۵	۳۲/۸۴	۳۳/۸۱	۳۴/۱۹
طول گوش	۵۷/۱۸	۵۸/۷۰	۵۹/۵۴	۵۸/۹۸
عرض گوش	۳۲/۶۱	۳۵/۶۱	۳۶/۳۳	۳۵/۷۹

### شاخص‌ها

قد نشسته نسبی	۵۲/۸۴	۴۸/۱۶	۴۹/۷۴	۴۹/۲۰
سر	۷۴/۲۵	۷۳/۵۰	۷۶/۴۴	۷۷/۴۳
. پیشانی و آهیانه	۸۱/۱۹	۷۹/۹۹	۷۸/۶۴	۷۷/۷۷
گونه و پیشانی	۸۴/۵۸	۸۴/۱۰	۸۴/۵۴	۸۴/۰۲
گونه و فك	۷۸/۶۴	۸۱/۲۸	۸۰/۸۳	۸۰/۷۷
كل صورت	۹۳/۸۵	۹۰/۱۵	۹۱/۹۵	۹۲/۳۰
قسمت علیای صورت	۵۸/۴۳	۵۱/۸۳	۵۳/۸۱	۵۴/۱۱
بینی	۵۷/۴۲	۶۴/۶۲	۶۴/۵۴	۶۳/۸۶
گوش	۵۶/۸۲	۶۱/۹۸	۶۱/۹۰	۶۱/۱۴

سن = بالاترین میانگین سن را یهودیهای اصفهان دارند و لرها از هفت تاده سال از سه گروه دیگر جوانترند . بهمین جهت در مقایسه گروه ها با وحودیکه سن میانگین در حدود سن بلوغ است باید برای دوره نمو ارزشی قائل شد .

قد = لرها از مردم کناره و یهودیها و مردم یرد حواست بلند قد ترند و از لحاظ خصوصیات قیافه با سه گروه دیگر فرق دارند . در طبقه بندی کوتاه و متوسط و بلند نیمی از افراد در طبقه متوسط قرار میگیرند و يك چهارم در طبقه کوتاه و بلند بجز لرها که افراد قد کوتاه بین آنها کم است و افراد آنها تقریباً به تساوی در طبقه متوسط و بلند واقع میشوند .

بفر از لرها مشاهده میشود که گروههای دیگر قدشان تقریباً ۱۶۵/۰ است که طبق بررسی رودلفه ارتین در بین مردم آسیا در طبقه متوسط قد قرار میگیرند.

## قد

مردم	میانگین	کوتاه	متوسط	بلند	مجموع
	( $\bar{x}$ )	( $\bar{x}$ )	( $\bar{x}$ )	( $\bar{x}$ )	( $\bar{x}$ )
یزدخواست	۱۶۴/۷۹	۱۲	۲۶/۰۹	۲۴	۵۲/۱۷
یهودیه	۱۶۴/۹۴	۱۹	۲۲/۰۹	۴۹	۵۶/۹۸
کناره	۱۶۵/۵۴	۱۶	۲۱/۶۲	۴۰	۵۴/۰۵
لرها	۱۶۸/۶۳	۳	۵/۷۷	۲۶	۵۰/۰۰

قد شسته (طول تنه) = لرها دارای درازترین تنه هستند و مردم یزد-خواست دارای کوتاهترین که تقریباً ۱۰ سانتیمتر کوتاهترند. افراد گروههای دیگر از حیث طول تنه کمی بلندتر از مردم یزدخواست میباشند. بدین ترتیب هم از حیث طول تنه و هم از حیث قد فقط لرها بطور قابل ملاحظه از سایر گروههای ایران فرق دارند.

طول ساق پا = لرها از حیث ساق پا در کوتاهترین طبقه هستند و سه گروه دیگر ساق پایشان بین ۴/۰۵ تا ۵/۶۱ سانتیمتر بلندتر است. این ارقام نشان میدهد که لرها با وجود داشتن ساق پای کوتاه از حیث قد از گروههای دیگر بلندتر هستند.

زیادترین تعداد هر گروه در یک طبقه بندی در حدود یک سوم افراد است. این عده در بین یهودیه و مردم کناره دارای قد متوسط و تنه متوسط میباشند و در بین ده نشینان یزدخواست دارای قد متوسط و تنه کوتاه و در میان لرها دارای قد متوسط و تنه دراز میباشند اگرچه ۲۵ درصد از لرها در طبقه بلند قد و تنه خیلی دراز هستند. وقتی ارقام متعلق به چهار گروه طبق طبقه بندی کیث قرار داده شود نتایج زیر بدست میآید.

# مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۳۹

## قد نشسته (طول تنه)

مجموع	خیلی بلند	بلند	متوسط	کوتاه	خیلی کوتاه	مجموع
	(X-۹۰۰)	(۸۵۰-۸۹۹)	(۸۰۰-۸۴۹)	(۷۵۰-۷۹۹)	(X-۷۴۹)	
قد استاد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
لر	۱/۹۲	۰۰۰	۱/۹۲	۰	۰۰۰	۲/۸۴
یزدخواست	۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰	۰۰۰	۰۰
کناره	۱/۳۵	۰۰۰	۰۰۰	۰	۰۰۰	۱/۳۵
یهودی	۲/۳۳	۰۰۰	۰۰۰	۰	۰۰۰	۲/۳۳
لر	۲۴/۹۶	۶۱/۵۲	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۳۶/۴۸
یزدخواست	۰۰۰	۶/۵۶	۱۳/۰۲	۲/۱۷	۰۰۰	۲۱/۷۰
کناره	۰۰۰	۱۰/۸۰	۹/۴۵	۰۰۰	۰۰۰	۲۰/۲۵
یهودی	۰۰۰	۸/۱۴	۶/۹۸	۱/۱۶	۰	۱۶/۲۸
لر	۱/۵۲	۳۶/۴۸	۵/۷۶	۰۰۰	۰۰۰	۵۳/۷۶
یزدخواست	۰۰۰	۰۰۰	۲۳/۸۷	۳۲/۵۵	۰۰	۵۶/۴۲
کناره	۰۰۰	۸/۱	۳۹/۱۵	۱۰/۸۰	۱/۳۵	۵۹/۴۰
یهودی	۰۰۰	۳/۴۹	۳۸/۳۶	۱۸/۶۰	۰۰۰	۶۰/۴۵
لر	۰۰۰	۳/۸۴	۱/۹۲	۰	۰۰۰	۵/۷۶
یزدخواست	۰۰۰	۰۰۰	۱۹/۵۳	۲/۱۷	۰۰۰	۲۱/۷۰
کناره	۰۰۰	۰۰۰	۴/۰۵	۱۳/۵۰	۱/۳۵	۱۸/۹۰
یهودی	۰۰۰	۰۰۰	۳/۴۹	۱۳/۹۵	۲/۴۹	۲۰/۹۳
لر	۳۸/۴۰	۵۱/۸۴	۹/۶۰	۰	۰	۵۲
یزدخواست	۰۰۰	۶/۵۱	۳۶/۸۹	۵۴/۲۵	۲/۱۷	۴۶
کناره	۱/۳۵	۱۸/۹۰	۵۲/۶۵	۲۴/۳۰	۲/۷۰	۷۴
یهودی	۲/۳۳	۱۱/۶۳	۴۸/۸۳	۳۳/۷۱	۳/۴۹	۸۶

اعداد افراد

مجموع

شاخص قد نشسته نسبی = چنانکه از اندازه های مطلق مستفاد میشود

لرها دارای بالاترین شاخص قد نشسته نسبی میباشد که نشانه تنه خارج ازحد

دراز است . در سه گروه دیگر اختلاف زیاد نیست وهمه بین ۸/۱۶ و ۹/۷۴

درصد میباشد .

طول سر = درهمه چهار گروه طول سر نسبتاً دراز است . گروه یزد - خواست درازترین سرها (۱۹۲/۵۱) را دارند درحالیکه کوتاهترین سریعی سریهودیهای اصفهان حد متوسط ۶ میلیمتر کمتر است . طول سر مردم کناره کمی درازتر ازیهودیها ولرها درازتر از کناره ها است .

عرض سر = بطور کلی سردرهمه گروه‌ها باریک و سرلرها باریکتر از همه است . سر یهودیها پهن تر از دیگران است و دو گروه دیگر حد وسط واقع میشوند و سر مردان یزد خواست کمی عریض تر از سر لرها است .

شاخص سر = جدول زیر طبقه بندی شکل سر را طبق سیستم هاروارد نشان میدهد .

## شاخص سر

مردم	میانگین	سردراز (۷۶/۵-۹۶)		سر متوسط (۸۲/۵-۷۶/۶)		سر پهن (۸۲/۶-۱۲۲/۶)		مجموع
		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
یزد حواسب	۷۳/۵۰	۳۷	۸۰/۴۳	۷	۱۵/۲۲	۲	۴/۳۵	۴۶
لرها	۷۴/۲۵	۴۰	۷۶/۹۲	۱۱	۲۱/۱۵	۱	۱۹/۲	۵۲
کناره	۷۶/۴۴	۳۶	۴۹/۳۲	۳۵	۴۷/۹۵	۲	۲/۷۴	۷۳
یهودیها	۷۷/۴۳	۳۲	۳۷/۲۱	۴۹	۵۶/۹۸	۵	۵/۸۱	۸۶

مردم یزد خواست ازهمه سر درازتر هستند و یهودیها در طبقه سر متوسط

قرار میگیرند .

در میان هر چهار گروه فقط ده نفر یا ۳/۹ درصد در طبقه سر کوتاه میباشند .

بیش از سه چهارم لرها و ده نشینان یزد خواست سردراز هستند و ده نشینان کناره بطور تساوی در طبقه سردراز و سر متوسط قرار میگیرند درحالیکه یهودیها بطور کلی در طبقه سر متوسط میباشند . این چهار گروه از مردم سردراز تشکیل یافته و قسمت کمی از آنان در طبقه سر متوسط واقع میشوند . شایان توجه است که میانگین مردم یزد خواست یعنی ۷۳/۵۰ نزدیک میانگین احتمالی نوع مدیترانه

اولیه است .

با استفاده از سیستم سرانژرکیث درجدول اندازه سر وشاخص سرجدول زیر بدست میآید .

گروه بندی طبق شاخص سر

مجموع	۸۵/۰-X	۸۴/۹-۸۰/۰	۷۹/۹-۷۵/۱	۷۵/۰-۷۰/۱	۷۰/۰-X	
	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
۳۸/۴۰	۰۰۰	۰۰۰	۷/۶۸	۲۴/۹۶	۵/۷۶	لر
۱۷/۳۶	۰۰۰	۰۰۰	۸/۶۸	۶/۵۱	۲/۱۷	یزدخواست
۴۵/۲۱	۰۰۰	۵/۴۸	۲۸/۷۷	۱۰/۹۶	۰۰۰	کناره
۳۹/۵۳	۱/۱۶	۸/۱۴	۲۴/۴۲	۵/۸۱	۰۰۰	یهودی
۵۷/۶۰	۰۰۰	۳/۸۴	۲۴/۹۶	۲۳/۰۴	۵/۷۶	لر
۷۵/۹۵	۰۰۰	۲/۱۷	۲۳/۸۷	۳۶/۸۹	۱۳/۰۲	یزدخواست
۵۲/۰۶	۰۰۰	۴/۱۱	۲۸/۷۷	۱۹/۱۸	۰۰۰	کناره
۵۸/۱۳	۱/۱۶	۱۰/۲۶	۳۳/۷۲	۱۰/۴۶	۲/۳۳	یهودی
۳/۸۴	۰۰۰	۰۰۰	۱/۹۲	۱/۹۲	۰۰۰	لر
۶/۵۱	۲/۱۷	۰۰۰	۰۰۰	۴/۳۴	۰۰۰	یزدخواست
۲/۷۴	۰۰۰	۱/۳۷	۱/۳۷	۰۰۰	۰۰	کناره
۲/۳۲	۰۰۰	۰۰۰	۱/۱۶	۱/۱۶	۰۰۰	یهودی
تعداد افراد						
۵۲	۰۰۰	۳/۸۴	۲۴/۵۶	۴۹/۹۲	۱۱/۵۲	
۴۶	۲/۱۷	۲/۱۷	۳۲/۵۵	۴۷/۷۴	۱۵/۱۹	واست
۷۳	۰۰۰	۱۰/۹۶	۵۸/۹۱	۳۰/۱۴	۰۰۰	کناره
۸۶	۲/۳۲	۱۸/۶۰	۵۹/۳۰	۱۷/۴۳	۲/۲۳	یهودی

در مورد اندازه سر متجاوز از نیمی از افراد هر گروه در طبقه متوسط قرار میگیرند و سه چهارم ده نشینان یزدخواست در این طبقه هستند . باستانای عده خیلی کمی بقیه دارای سر کوچک هستند . بدین ترتیب نمونه های ما از ایران دارای سر متوسط متمایل به کوچکی هستند اگر چه عده کمی افراد بزرگ سر در میان آنها نیز پیدا میشود . وقتی طبقه بندی شاخص سر را مورد بررسی قرار میدهیم آشکار میگردد که با مردمانی روبرو شده ایم که از لحاظ شاخص سر متوسط

و متمایل به سردرازی هستند . و تعداد کمی افراد خیلی سردراز در میان آنها دیده میشود بجز ده نشینان کناره که فرد خیلی سردراز در بین آنها نیست . عنصر سرکوتاهی که بطور قطع در میان یهودیها و مردم کناره وجود دارد در میان مردم سرمتوسط و سردراز شایان توجه است . تعداد کم خیلی سردراز در میان لرها و یهودیها و مردم یزد خواست دارای اهمیت است زیرا در گروههای کوچک موارد استثنائی ارزش زیادتر پیدا میکند . در بحث جدول بالا طبقه بندی از خیلی سردراز تا خیلی سرکوتاه طبق سیستم کیث وجود دارد .

حد اقل قطر پیشانی = بطور کلی این اندازه متمایل به پهنی است .  
لرها پهن ترین پیشانی و یهودیها باریکترین پیشانی را دارند اگر چه حتی در این گروه میانگین ۱۱۱/۹۰ با مقایسه با مردم مغرب زمین نسبتاً زیاد است .  
وقتی حداقل قطر پیشانی و حد اکثر عرض سر باهم مقایسه شود جدول زیر بدست میآید .

### حد اقل قطر پیشانی

مجموع	خیلی پهن	پهن	باریک	خیلی باریک	عرض سر
	(۱۲۰-۳۰)	(۱۱۹-۱۱۰)	(۱۰۹-۱۰۰)	(۹۹-۳۰)	
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	لر
۲/۱۷	...	۲/۱۷	...	...	یزد خواست
...	...	...	...	...	خیلی باریک (۱۲۹-۱۲۰) کناره
...	...	...	...	...	یهودی
۳۶/۴۸	...	۲۸/۸۰	۷/۶۸	...	لر
۳۴/۷۲	...	۲۱/۷۰	۱۳/۰۲	...	یزد خواست
۲۷/۰۰	...	۲۰/۲۵	۶/۷۵	...	کناره
۱۷/۶۵	...	۱۱/۷۷	۵/۸۸	...	یهودی

(۱۳۹-۱۳۰)

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۴۳

۵۵/۶۸	۵/۷۶	۴۴/۱۶	۵/۷۶	...	لر
۶۰/۷۶	۶/۵۱	۴۵/۵۷	۸/۶۸	...	یزد خواست
۶۴/۸۰	۱/۳۵	۵۱/۳۰	۱۲/۱۵	...	کناره
۷۲/۹۳	۱/۱۷	۵۱/۷۶	۲۰/۰۰	...	یهودی
۷/۶۸	...	۷/۶۸	...	...	لر
۲/۱۷	...	۲/۱۷	...	...	یزد خواست
۸/۱۰	۱/۳۵	۵/۴۰	۱/۳۵	...	کناره
۹/۴۱	۲/۳۵	۷/۰۶	...	...	یهودی
تعداد					
۵۲	۵/۷۶	۸۰/۶۴	۱۳/۴۴	...	لر
۴۶	۶/۵۱	۷۱/۶۱	۲۱/۷۰	...	یزد خواست
۷۴	۲/۷۰	۷۶/۹۵	۲۰/۲۵	...	کناره
۸۵	۳/۵۲	۷۰/۵۹	۲۵/۸۸	...	یهودی

در هیچیک از چهار گروه افراد دارای قطر پیشانی خیلی باریک (X-۹۹) یا پیشانی خیلی پهن و باریک یا سر خیلی باریک وجود ندارد. بعضی افراد در هر گروه دارای سر پهن یا پیشانی خیلی پهن میباشند و فقط دو فرد یهودی و یک فرد اهل یزد خواست دارای سر خیلی پهن و پیشانی خیلی پهن میباشند. طبق سیستم طبقه بندی کیت حد اقل قطر پیشانی پهن و متمایل به باریکی است. فقط یک فرد اهل یزد خواست سر خیلی باریک دارد. اکثریت در طبقه پهن تا باریک هستند تا در طبقه پهن تا خیلی پهن اگر چه تعداد کمی از افراد دارای پیشانی پهن و سر خیلی پهن میباشند.

بطور کلی هر چهار گروه دارای سر پهن تا باریک و حد اقل قطر پیشانی میباشند.

عرض دو گونه = در میانگین های این اندازه اختلاف زیادی مشاهده نمیشود و حد کلی آن بین ۱۳۳/۳۵ و ۱۳۴/۷۰ است. بر اساس این ارقام صورت از حیث عرض متوسط است و تمایل به از هم دور بودن استخوان گونه ها



وجود ندارد. این تقسیم‌بندی بیشتر مربوط به استخوان بندی است و نه با اندازه‌های افراد زنده و طبقه‌بندی روی ارقام ریز خواهد بود.  $x - ۱۲۹$  و  $۱۳۰ - ۱۳۹$  و  $x - ۱۴۰$  را بطه عرض دو گونه به طول کل صورت تحت قسمت شاخص کل صورت بحث خواهد شد.

### عرض دو گونه

مجموع	پهن	متوسط	یارک		
	$(x-130)$	$(134-120)$	$(124-x)$		
درصد	درصد	درصد	درصد	طول کل صورت	
۹/۶۰	۵/۷۶	۳/۸۴	۰۰۰	لر	
۱۵/۱۹	۶/۵۱	۸/۶۸	۰۰۰	یزد خواست	کوتاه
۹/۴۵	۲/۷۰	۶/۷۵	۰۰۰	کناره	$(x-114)$
۷/۲۲	۱/۲۰	۶/۰۲	۰۰۰	یهودی	
۲۶/۸۸	۵/۷۶	۲۱/۱۲	۰۰۰	لر	
۵۲/۰۸	۲۱/۷۰	۳۰/۳۸	۰۰۰	یزد خواست	متوسط
۵۵/۳۵	۱۴/۸۵	۲۹/۱۵	۱/۳۵	کناره	$(124-115)$
۵۴/۲۱	۲۰/۴۸	۳۲/۵۳	۱/۲۰	یهودی	
۶۳/۳۶	۳۴/۵۶	۲۸/۸۰	۰۰۰	لر	
۳۲/۵۵	۱۹/۵۳	۱۳/۰۲	۰۰۰	یزد خواست	دراز
۳۵/۱۰	۱۷/۵۵	۱۷/۵۵	۰۰۰	کناره	$(x-125)$
۳۸/۵۶	۲۱/۶۹	۱۶/۸۷	۰۰۰	یهودی	
تعداد افراد					
۵۲	۴۶/۰۸	۵۳/۷۶	۰۰۰	لر	
۴۶	۴۷/۷۴	۵۲/۰۸	۰۰۰	یزد خواست	
۷۴	۳۵/۱۰	۶۳/۴۵	۱/۳۵	کناره	مجموع
۸۳	۴۳/۲۷	۵۵/۴۲	۱/۲۰	یهودی	

عرض فکین = لرها دارای باریکترین چانه و مردان یزد خواست  
دارای عریضترین چانه هستند . همه چهار گروه به نسبت حداقل قطر پیشانی  
چانه باریک دارند و در نتیجه صورت آنها ظاهر مثلثی شکل پیدا میکند بخصوص  
در مورد لرها . بررسی تصاویر نشان میدهد که افراد دارای صورت مستطیلی  
شکل نیز در بین آنان زیاد است .

طول کل صورت = لرها دارای صورت بسیار دراز هستند بطوریکه  
از صورت مردان یزد خو است ۵/۴۰ میلیمتر دراز تر است . مردم کناره  
صورتشان کمی درازتر از یزد خواستها است و یهودیها کمی از یزد خواستها  
درازتر است ولی صورت لرها ۲/۹۵ میلیمتر از طول کل صورت یهودیها  
دراز تر است .

طول قسمت علیای صورت = لرها دراز ترین قسمت علیای صورت را  
دارند و طول این قسمت صورت سه گروه دیگر کمتر است ولی بهمان تناسب  
طول کل صورت میباشد . وقتی این اندازه را در در صد طول کل صورت بحساب  
آوردیم شاخص لرها ۶۱/۹۹ میشود که کمی از شاخص یهودیها (۵۸/۶۵) و مردم  
کناره (۵۸/۶۲) و اهل یزد خواست (۵۷/۵۲) زیاد تر است . وقتی قسمت  
علیا و طول کل صورت را طبق سیستم کیت قرار دهیم جدول زیر بدست  
میاید .

### طول قسمت علیای صورت

مجموع	دراز	متوسط	کوتاه متوسط	کوتاه	
		(۷۵-۷۰)	(۶۹-۶۴)	(۶۳-۵۸)	
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	طول کل صورت
...	...	...	...	...	لر
۶/۵۱	...	...	۲/۱۷	۴/۳۴	یزدخواست
...	...	...	...	...	کناره
۱/۱۹	...	...	۱/۱۹	...	یهودی

کوتاه  
(۱۰۹-۵۸)

۱۱/۵۲	۳/۸۴	۳/۸۴	۳/۸۴	...	لر	کوته‌متوسط (۱۱۹-۱۱۰)
۴۵/۵۷	...	۱۰/۸۵	۲۶/۰۴	۸/۶۸	یزدخواست	
۳۸/۳۶	۱/۳۷	۹/۵۹	۲۴/۶۶	۲/۷۴	کناره	
۲۴/۹۹	۱/۱۹	۹/۵۲	۱۳/۵۹	۱/۱۹	یهودی	
۵۹/۵۲	۴۰/۳۲	۱۳/۴۴	۵/۷۶	...	لر	دراز متوسط (۱۲۹-۱۲۰)
۳۰/۳۸	۴/۳۴	۱۹/۵۳	۶/۵۱	...	یزدخواست	
۴۵/۲۱	۱۰/۹۶	۲۷/۴۰	۵/۴۸	۱/۳۷	کناره	
۵۵/۹۵	۱۴/۲۹	۳۲/۱۴	۸/۳۳	۱/۱۹	یهودی	
۲۸/۸۰	۲۸/۸۰	...	...	...	لر	دراز (۱۳۰-X)
۱۷/۳۶	۱۰/۸۵	۶/۵۱	...	...	یزدخواست	
۱۶/۴۴	۱۳/۷۰	۲/۷۴	...	...	کناره	
۱۷/۸۶	۱۵/۴۸	۲/۳۸	...	...	یهودی	

تعداد افراد

۵۲	۷۲/۹۶	۱۷/۲۸	۹/۶۰	...	لر	مجموع
۴۶	۱۵/۱۹	۳۶/۸۹	۳۴/۷۲	۱۳/۰۲	یزدخواست	
۷۳	۲۶/۰۳	۳۹/۷۳	۳۰/۱۴	۴/۱۱	کناره	
۸۴	۳۰/۹۶	۴۴/۰۴	۲۲/۶۱	۲/۳۸	یهودی	

باستثنای چند نفر از ده نشینان یزدخواست و یک نفر از یهودیهای اصفهان در طبقه طول کل صورت کوتاه کسی وجود ندارد. اگرچه بین ۵۶ تا ۶۰ درصد یهودیها و لرها دارای صورت دراز متوسط هستند بقیه ۲۴/۹۹ درصد یهودیها صورت کوتاه متوسط دارند در حالیکه ۲۸/۸۰ درصد لرها دارای صورت دراز میباشند. ده نشینان کناره بطور عمده صورت دراز متوسط دارند و افراد دارای صورت کوتاه متوسط آنها نسبتاً زیادتر از لرها و یهودیها است. فقط ده نشینان یزدخواست هستند که اکثریت آنها در طبقه صورت کوتاه و متوسط قرار میگیرند. در طبقه قسمت علیای صورت تنوع و تغییر زیادی مشاهده میشود بدین ترتیب که ۱۳/۰۲ درصد اهل یزدخواست دارای صورت کوتاه و ۷۲/۹۶ در-

صد لرها دارای صورت دراز میباشند و از لرها حتی يك نفر در طبقه صورت کوتاه قرارنگرفته است در هر چهار گروه عناصر صورت دراز و صورت کوتاه متوسط وجود دارد .

بطور کلی طول کل صورت و قسمت علیای صورت بین کوتاه متوسط و دراز است و اکثریت در طبقه وسط که دراز متوسط باشد قرار دارند .

در مورد صورت گوسفندی که کيث بحث میکند یعنی کسانی که دارای صورت کوتاه ( کمتر از ۱۲۰ میلیمتر ) هستند و در عین حال دارای قسمت علیای صورت دراز ( ۷۰ میلیمتر بالا ) میباشند در این چهار گروه تعداد زیر وجود دارد : ۴ لر ( ۷/۶۸ درصد ) ۵ نفر از اهل یزدخواست ( ۱۰/۸۵ درصد ) ۸ نفر از کناره ( ۱۰/۹۶ درصد ) و ۹ نفر یهودی ( ۱۰/۷ درصد ) .

شاخص کل صورت = اکثریت افراد ( ۶۷/۵ در صد ) صورت باریک و فقط هفده نفر از ۲۵۵ نفر ( یعنی ۶/۷ درصد ) در طبقه صورت پهن قرار میگیرند . شاخص صورت لرها از همه زیادت ( ۹۳/۸۵ ) و مردمان یزدخواست از همه کمتر ( ۹۰/۱۵ ) است .

#### شاخص کل صورت

مردم	میانگین	صورت پهن		صورت متوسط		صورت باریک		مجموع
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
یزدخواست	۹۰/۱۵	۵	۱۰/۸۷	۱۷	۳۶/۹۶	۲۴	۵۲/۱۷	۴۶
کناره	۹۱/۹۵	۵	۶/۷۶	۲۲	۲۹/۷۳	۴۷	۶۲/۵۱	۷۴
یهودی	۹۲/۳۰	۴	۴/۸۲	۲۱	۲۵/۳۰	۵۸	۶۹/۸۸	۸۳
لر	۹۳/۸۵	۳	۵/۷۷	۶	۱۱/۵۴	۴۳	۸۲/۶۹	۵۲

وقتی طبقه بندی کيث در مورد عرض گونه ها و طول کل صورت مراجعه

کنیم باین نتیجه میرسیم که بطور کلی چهار گروه ایرانی دارای صورت متوسط تا پهن و متوسط تا دراز میباشند . با استثنای خیلی جزئی ملاحظه میشود که افراد صورت باریک وجود ندارند اگر چه در هر گروه تعدادی در حدود ۱۰ در صد پیدا میشوند که با صورت باریک (  $x - 124$  ) در طبقه متوسط یا پهن قرار میگیرند . اکثریت افراد در طبقه متوسط (  $125 - 134$  ) و طبقه عریض متوسط (  $x - 135$  ) واقع میشوند .

شاخص قسمت علیای صورت = شاخص قسمت علیای صورت لرها بعد قابل ملاحظه بالاتر (۵۸/۴۳) از گروههای دیگر است که در مورد گروه یزدخواست ۵۱/۸۳ و یهودیها ۵۴/۱۱ میباشد. بعبارت دیگر لرها قسمت علیای صورتشان نسبتاً از سه گروه دیگر درازتر است.

شاخص پیشانی و آهیانه = این شاخص در مورد لرها بالاترین (۸۱/۱۹) و در مورد یهودیها کمترین (۷۷/۷۷) است علت زیاد بودن شاخص در مورد لرها اینست که آنها نه تنها دارای عریضترین حد وسط حداقل قطر پیشانی یعنی ۱۴/۵۰ هستند بلکه حد وسط عرض سر آنها نیز باریکترین یعنی ۱۴۰/۶۸ است.

شاخص گونه و پیشانی = حد اکثر اختلاف بین چهار گروه ایرانی در این شاخص فقط ۰/۵۶ میلیمتر است.

شاخص گونه و فك = بالاترین حد وسط شاخص گونه و فك در بین مردم یزدخواست است که ۸۱/۲۸ است و کمترین در بین لرها یعنی ۷۸/۶۴ است. اختلاف بین دو گروه دیگر و این دو گروه خیلی جزئی است. بعبارت دیگر ده نشینان یزدخواست قسمت علیای صورتشان نسبتاً کوتاه و فك آن نسبتاً عریض است و در مورد لرها این تناسب برعکس است.

طول بینی = لرها دارای بینی خیلی دراز هستند (۶۲/۲۲) و از حیث اندازه مطلق بینی آنها ۱۱ میلیمتر درازتر از بینی مردم یزدخواست است که در بین چهار گروه دارای کوتاهترین بینی میباشد.

عرض بینی = پره بینی در مورد لرها از همه عریضتر است (۳۵/۷۵) و مال یهودیها ۱/۶ میلیمتر از مال آنها کمتر است در دو گروه دیگر تقریباً يك اندازه و ۳ میلیمتر کمتر از مال لرها است.

طول و عرض بینی طبق طبقه بندی کیث جدول زیر را بوجود میآورد.

# عرض بینی

مجموع	پهن	بین متوسط	باریک متوسط	خیلی باریک	طول بینی
	(۴۲-۳۸)	(۳۶-۴۱)	(۳۰-۳۵)	(۳۸-۲۹)	
	درصد	درصد	درصد	درصد	
۱/۹۶	...	۱/۹۶	...	...	لر
۳۲/۵۵	...	۶/۵۱	۲۳/۸۷	۲/۱۷	یزدخواست
۳۲/۴۰	۲/۷۰	۵/۴۰	۲۴/۳۰	...	کناره
۱۷/۶۵	...	۴/۷۱	۱۲/۹۴	...	یهودی
۳۵/۲۸	۱/۹۶	۱۵/۶۸	۱۷/۶۴	...	لر
۵۸/۵۹	...	۱۵/۱۹	۳۲/۵۵	۱۰/۸۵	یزدخواست
۶۴/۸۰	۱/۳۵	۱۲/۱۵	۴۱/۸۵	۹/۴۵	کناره
۷۵/۲۸	۳/۵۲	۲۱/۱۸	۴۸/۲۳	۲/۳۵	یهودی
۶۲/۷۲	۳/۹۲	۲۷/۴۴	۳۱/۳۶	...	لر
۸/۶۸	...	۴/۳۴	۲/۱۷	۲/۱۷	یزدخواست
۲/۷۰			۲/۷۰		کناره
۷/۰۶	...	۴/۷۱	۲/۳۵	...	یهودی
تعداد افراد					
۵۱	۵/۲۸	۴۵/۰۸	۴۹/۰۰	...	لر
۴۶	...	۲۶/۰۴	۵۸/۵۹	۱۵/۱۹	یزدخواست
۷۴	۴/۰۵	۱۷/۵۵	۶۸/۸۵	۹/۴۵	کناره
۸۵	۳/۵۲	۳۰/۶۰	۶۳/۵۲	۲/۳۵	یهودی

مجموع

از لحاظ اندازه مطلق بینی اکثر آنها باریک متوسط تا پهن متوسط است. اگرچه افراد محدودی در منتهی الیه جدول پیدامیشوند در بین لرها افراد دارای بینی خیلی باریک و در بین ده نشینان یزدخواست کسانی با بینی پهن وجود نداشت.

از لحاظ طول بینی دو سوم لرها دارای بینی دراز و يك سوم دارای بینی متوسط میباشند. بعد از آنها یهودیها میآیند که سه‌چهارم آنها بینی متوسط دارند و بقیه در طبقه کوتاه قرار دارند. مردم یزدخواست و کناره دارای بینی متوسط هستند و تقریباً يك سوم هر گروه در طبقه کوتاه ( $x - ۴۹$ ) قرار دارند. از جدول  $x p.e.$  بخوبی دیده میشود که فقط لرها از لحاظ نژادی بطور قابل‌ملاحظه‌با سه گروه دیگر فرق دارند. باستانهای لرها که بینی آنها یا باریک متوسط و یا پهن متوسط و دراز است سایر گروههای ایران بینی‌شان از حیث عرض باریک متوسط تا پهن متوسط و از حیث طول متوسط تا کوتاه است.

شاخص بینی = در همه گروهها تعداد زیادی افراد بینی باریک دیده میشود و از همه بیشتر در میان لرها است که کمترین میانگین ( $۵۷/۴۲$ ) را دارند. میانگین سه گروه دیگر نسبتاً مشابه است و بین  $۶۳/۸۶$  تا  $۶۴/۶۲$  میباشد. در طبقه بینی پهن نه افراد لر هستند و نه یهودیها ولی چهار نفر ( $۵/۴۱$  درصد) از اهالی کناره و دو نفر ( $۴/۳۵$ ) از اهل یزدخواست در آن طبقه دیده میشود.

#### شاخص بینی

مردم	میانگین	بینی باریک ( $x - ۶۷/۴$ )	بینی متوسط ( $۸۳/۴ - ۶۷/۵$ )	بینی پهن ( $x - ۸۳/۵$ )	مجموع
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
لرها	$۵۷/۴۲$	۴۵	$۸۸/۲۴$	۶	$۱۱/۷۶$
یهودیها	$۶۳/۸۶$	۶۲	$۷۲/۹۴$	۲۳	$۲۷/۰۶$
اهل کناره	$۶۴/۵۴$	۵۰	$۶۷/۵۷$	۲۰	$۲۷/۰۳$
اهل یزدخواست	$۶۴/۶۲$	۳۰	$۶۵/۲۲$	۱۴	$۲۰/۴۳$

طول گوش = در بین چهار گروه گوش مردم کناره از همه درازتر و مال لرها از همه کوتاهتر است و کلیه حد تغییر از  $۲/۴$  میلیمتر کمتر است. در این خصوصیت و در عرض گوش اختلاف در میانگین سن لرها و سایر گروهها باید در نظر گرفته شود زیرا بین سن و اندازه گوش ارتباط مستقیم وجود دارد.

عرض گوش = مردم کناره دارای عریضترین و لرها دارای باریکترین گوش میباشند و حد اختلاف  $۳/۷۲$  میلیمتر است.

شاخص گوش = شاخص گوش لرها از همه کمتر یعنی  $۵۶/۸۲$  است که بطور وضوح کمتر از سه گروه دیگر است که شاخص گوش افراد آنها بین  $۶۱/۱۴$

۶۱/۹۸ است و یکنواختی عجیبی را نشان میدهد. همچنین باید در نظر داشت که میانگین سن آن سه گروه بین ۳۷/۲۵ تا ۳۹/۳۰ است درحالیکه درین لرها میانگین سن ۳۰/۱۵ است و این مطلب تاحدی اندازه‌های مطلق را روشن مینماید اگرچه دراین مورد کمی شاخص در درجه اول مربوط به تقلیل در اندازه مطلق ونسبی عرض گوش است.

تاکنون کمتر مردم‌شناسی اندازه‌های گوش را ثبت کرده و بحساب آورده است ولی در آینده ممکن است که مختصری به مسئله تجزیه و طبقه بندی نژادی کمک کند.

### خصوصیات شکل شناسی چهارگروه ایران

علاوه بر مطالب ارقامی و اندازه گیری شرح خصوصیات هریک از چهار گروه برای مقایسه جدول بندی شده است. در بررسی مطالعه هر قسمت ارقام اصلی ممکن است مورد دقت قرار گیرد و دراین جدول فقط درصدها مورد استفاده واقع شده است.

مو = بطور کلی موی افراد در میان مردم کناره و یزدخواست مجدد درشت متمایل به صافی است و در بین یهودیها مو مجدد ریز است. عنصر مجدد بودن که در میان لرها و یهودیها وجود دارد امکان تأثیر خون سیاهپوست را نشان میدهد. درنسج مو اختلاف قابل ملاحظه وجود دارد. موی لرها از این حیث متوسط و متمایل به خشنی است درحالیکه اهل یزدخواست و کناره و یهودیها دارای موی متوسط تا نرم هستند ولی عنصر موی خشن نیز بین آنها دیده میشود. از حیث رنگ موی هر چهار گروه بطور کلی قهوه سیر یا سیاه است. در میان لرها عنصر قرمزی که شاید در اثر استعمال حنا باشد دیده میشود. این حالت در میان یهودیها ولی بمیزان کمتر نیز دیده میشود.

#### مو

شکل	لرها	یزدخواست	کناره	یهودیها
صاف	...	...	...	...
مجدد خیلی درشت	۶/۳۸	۱۹/۵۷	۲۷/۰۳	۲/۶۷
مجدد درشت	۸۵/۱۱	۸۰/۴۳	۶۶/۲۲	۸۴/۰۰
مجدد ریز	۶/۳۸	...	۶/۷۶	۱۰/۶۷



۲/۶۷	...	...	...	مجمد فری
...	...	...	۲/۱۳	پشمالو
				نچ
۱۵/۰۷	۹/۷۲	۲۰/۰۰	۱۳/۶۴	خشن
۱/۳۷	۵/۵۶	۴/۴۴	...	خشن متوسط
۵۶/۱۶	۳۶/۱۱	۱۵/۵۶	۸۱/۸۲	متوسط
۶/۸۵	۶/۹۴	۱۷/۷۸	۲/۲۷	نرم متوسط
۲۰/۵۵	۴۱/۶۷	۴۲/۲۲	۲/۲۷	نرم
				رنگ
۴۴/۴۴	۶۳/۳۸	۳۷/۷۸	۲/۰۸	سیاه
۱/۲۲	...	...	...	قهوه خیلی سیر
۲۷/۲۲	۱۹/۷۲	۴۶/۶۷	۸۱/۲۵	قهوه سیر
...	۱/۴۰	...	...	قهوه‌ای
۲/۴۷	...	...	۱۴/۵۸	قهوه قرمز
...	...	...	...	قهوه روشن
...	...	...	...	قرمز
۱۶/۰۵	۱۴/۰۸	۸/۸۹	...	سیاه و خاکستری
۷/۴۱	۱/۴۰	...	۲/۰۸	قهوه و خاکستری
۴/۹۴	...	۶/۶۷	...	خاکستری
۱/۲۳	...	...	...	سفید

از این جدول چنین معلوم میشود که ده نشینان کناره بیش از سه گروه دیگر دارای افراد موی مشکی هستند. از آنجائیکه اغلب بعلت وضع نور بسیار مشکل بود بین سیاه و قهوه‌ای سیر تشخیص داد احتمال می‌رود که بین این دورنگ (یعنی سیاه و قهوه سیر) اختلاف خیلی جزئی باشد.

چشم = از لحاظ رنگ چشم همه گروه‌ها بجز لرها دارای چشم قهوه سیر می‌باشند. نیمی از لرها چشم برنگ مختلط (قهوه سبز یا قهوه‌آبی) دارند. این نوع چشم تاحد کمی در میان مردم یزد خواست و قدری زیاد تر در بین یهودیها و ده نشینان کناره نیز وجود دارد. شایان توجه است که رنگ چشم آبی

خالص یا خاکستری خالص مشاهده نشد .

اکثریت سیاهی چشم یکنواخت است ولی درمیان لرها عده زیادی یعنی ۳۸/۷۷ درصد سیاهی خط دار و حلقه دار مشاهده میشود که شاید با عامل اختلاط رنگ چشم انطباق داشته باشد . درمیان مردم یزدخواست سیاهی خط دار دیده نشد در هر چهار سری معدودی سیاهی حلقه دار وجود دارد .  
سفیده بطور کلی صاف است و فقط معدودی شاید بعلت باد یا خاک یا بیماری دارای چشم لك دار هستند . لرها از همه بیشتر یعنی ۸۴ درصد دارای سفیده صاف میباشند .

چشم				
رنگ	لر	یزدخواست	کناره	یهودی
سیاه	...	...	...	...
قهوه سبز	۵۰/۰۰	۹۵/۶۵	۸۳/۷۹	۷۳/۵۶
قهوه آبی	۳۴/۰۰	۲/۱۷	۱/۳۵	۴/۶۰
آبی - قهوه	...	...	...	۱/۱۵
قهوه سبز	۱۶/۰۰	۲/۱۷	۶/۷۶	۹/۲۰
سبز - قهوه	...	...	۲/۷۰	۵/۷۵
قهوه خاکستری	...	...	۴/۰۵	۳/۴۵
آبی	...	...	۱/۳۵	...
خاکستری	...	...	...	...
قهوه روشن	...	...	...	...
خاکستری آبی	...	...	...	۱/۱۵
آبی سبز	...	...	...	۱/۱۵
سیاهی				
یکنواخت	۶۱/۲۲	۹۱/۳۰	۷۹/۷۱	۷۵/۰۰
خط دار	۲۸/۵۷	...	۴/۳۵	۷/۵۰
حلقه دار	۱۰/۲۰	۸/۷۰	۱۵/۹۴	۱۷/۵۰
سفیده				
صاف	۸۴/۰۰	۷۸/۲۶	۷۸/۲۶	۷۱/۲۶
زرد	...	...	...	...

۲۶/۴۴	۲۰/۲۹	۱۹/۵۷	۱۴/۰۰	لك دار
۲/۳۰	...	۲/۱۷	...	خوفین
...	۱/۴۵	...	۲/۰۰	لك دار وخونین
...	...	...	...	لك دار وزرد
...	...	...	...	زرد وخونین

از لحاظ چشم بنظر میرسد که در میان گروه‌های ایران ده نشینان یزد-خواست بعلت تعداد کثیر افراد دارای چشم قهوه سیر و سیاهی یکنواخت ممتاز هستند و برعکس لرها از همه کمتر دارای چشم قهوه سیر و سیاهی یکنواخت میباشند.

بینی = بینی بطور کلی یا محدب و یا راست است ولی در میان چهار گروه تنوع قابل ملاحظه مشاهده میشود. مطلب جالب توجه اینکه تعداد افراد دارای بینی محدب در میان ده نشینان کناره زیاد تر از یهودیها است. لرها از لحاظ تنوع نیمرخ بینی از همه پائین ترند زیرا اکثریت آنها دارای بینی راست و صاف میباشند. تعداد افراد دارای بینی مقعر یعنی ۱۴/۹۴ درصد در بین یهودیها غیر قابل انتظار بود.

نوک بینی بطور کلی نازک است و پنجاه درصد در طبقه منها قرار میگیرند. در میان لرها اندازه نوک بینی ثبت نشد.

پره بینی از لحاظ اندازه متوسط و متمایل به پاز است بجز در مورد مردان یزدخواست که تمایل زیادی به پره بینی فشرده دارند. در میان لرها پره نسبتاً پاز است.

#### بینی

نیمرخ	لرها	یزدخواست	کناره	یهودی
موجودار	۳/۹۲	۲/۱۷	۲/۹۹	۱/۱۵
محدب	...	۱۰/۸۷	۴/۴۸	۱۴/۹۴
راست	۴۹/۰۲	۳۹/۱۳	۳۴/۳۳	۳۲/۱۸
مقعر	۴۵/۱۰	۴۳/۴۸	۵۲/۲۴	۴۷/۱۳
مقعر-محدب	۱/۹۶	۴/۳۵	۵/۹۷	۴/۶۰
ضخامت نوک	...	۵۹/۰۹	۵۰/۰۰	۵۱/۲۲
منها	...	...	...	...

# مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۵۵

متوسط	۰۰۰	۹/۰۹	۲۲/۰۶	۲۶/۸۳
بعلاوه		۲۷/۲۷	۲۵/۰۰	۱۷/۰۷
بعلاوه دو برابر	۰۰	۴/۵۵	۲/۹۴	۴/۸۸
پره				
فشرده	۷/۶۹	۱۰/۸۷	۸/۱۱	۸/۰۵
فشرده متوسط	۳/۸۵	۲۸/۲۶	۱/۳۵	۴/۶۰
متوسط	۴۶/۱۵	۳۴/۷۸	۶۰/۸۱	۵۶/۳۲
متوسط باز	۲۸/۸۵	۱۷/۳۹	۱۶/۲۲	۲۶/۴۴
باز	۱۳/۴۶	۶/۵۲	۹/۴۶	۲/۳۰
باز بعلاوه	۰۰۰	۲/۱۷	۴/۰۵	۲/۳۰

دندان = دندانها از حیث در آمدن عادی و تمایل به پیش آمدگی دندانهای بالا بخصوص در میان لرها و ده نشینان کناره میباشد . یهودیهای اصفهان از همه بیشتر دندان از دست داده اند ۶/۸۱ درصد که ۹ دندان یا بیشتر افتاده دارند و در میان ده نشینان یزدخواست ۱۱/۹۰ در صد افراد ۱۷ یا بیشتر دندان از دست داده اند .

از لحاظ وضع دندان یهودیها و ده نشینان یزدخواست و کناره دارای دندان خراب هستند اگرچه طبقه وسط از همه بیشتر یعنی ۴۰ درصد دندان عالی دارند. از طرف دیگر وضع دندان لرها با اینکه جواناترا از گروههای دیگر هستند زیاد خوب نیست .

## دندان

جفت شدن	لرها	یزدخواست	کناره	یهودی
عقب	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۲/۴۴
لب بلب	۶/۱۲	۲/۷۰	۰۰۰	۱/۲۲
کمی جلو	۶۹/۳۹	۸۱/۰۸	۷۶/۴۷	۸۱/۷۱
خیلی جلو	۲۴/۴۹	۱۶/۲۲	۲۳/۵۳	۱۴/۶۳
افتادگی				
هیچ	۰۰۰	۴۰/۴۸	۳۱/۷۵	۱۲/۷۷
	۰۰۰	۳۵/۷۱	۵۰/۷۹	۳۶/۱۷

۴/۲۶	۹/۵۲	۴/۷۶	...	۸ - ۵
۳۸/۳۰	۷/۹۴	۴/۷۶	...	۱۶ - ۹
...	...	۱۱/۹۰	...	+ ۱۷
...	...	۲/۳۸	...	همه

وضع

۱۲/۶۸	۱۰/۰۰	۱۳/۳۳	...	خیلی بد
۱۵/۴۹	۸/۵۷	۱۳/۳۳	۱۲/۸۲	بد
۱۹/۷۲	۲۴/۲۹	۶/۶۷	۲۰/۵۱	متوسط
۴۲/۲۵	۴۱/۴۳	۲۶/۶۷	۴۳/۵۹	خوب
۹/۸۶	۱۵/۷۱	۴۰/۰۰	۲۳/۰۸	عالی

دندان گروههای ایران بطور کلی خوب است. با استثنای دندان یهودیهای اصفهان که از لحاظ وضع و کرم خوردگی و تعداد دندان افتادگی از سایر گروهها بدتر است. تعداد دندان افتادگی لرها ثبت نگردید.

عضله بندی = با اینکه آمار و ارقامی از عضله بندی لرها گرفته نشد بنظر نویسنده هیچ تردیدی نیست که نود درصد آنها در طبقه عالی قرار می گرفتند. باید اضافه کرد که لرها يك گروه منتخب باربر بودند و نباید آنها را با سایر گروههای غیر منتخب مقایسه کرد. از گروه یهودی فقط عده کمی از افراد در طبقه عالی قرار گرفته اند. از بین سه گروه مطالعه شده مردان کناره دارای عضله بندی خوب می باشند و عضله بندی ده نشینان یزدخواست در مقام مقایسه با دو گروه دیگر پست تر است.

### عضله بندی

یهودیه	کناره	یزدخواست	لر	بد
...	...	۲/۱۷	...	
۱۲/۶۴	۶/۷۶	۱۵/۲۲	...	متوسط
۷۵/۸۶	۷۷/۰۳	۵۰/۰۰	...	خوب
۱۱/۴۹	۱۶/۲۲	۳۲/۶۱	...	عالی

### اختلافات عمده در چهار گروه ایران

تا اینجا نمونه های جمعیت را از نظر اختلافات آشکار بین خصوصیات

مختلف مورد بحث قرار دادیم در این قسمت بمسئله اهمیت آماری اختلافات فردی و همچنین جمع این اختلافات بادر نظر گرفتن اشتباهاتی که در نمونه گیری اتفاقی و تعداد گروهها پیش میآید توجه مبذول میگردد . بدین ترتیب خواهیم توانست معین کنیم کدام گروه از نظر آماری یکی از دیگری اختلاف عمده دارند .

جدول (صفحات ۵۶۰-۵۶۳) شامل طبقه بندی اختلافات فردی بین خصوصیات گروههای مقایسه شده میباشد و علاوه بر آن تعداد دفعاتی که این اختلافات افزون بر اشتباهات احتمالی (x.p.e.s) (excess of probable error) است نیز داده شده است . فقط آن اختلافاتی که لاقول سه مرتبه زیاده تر از اشتباهات احتمالی است در اینجا بعنوان اختلافات آماری عمده که مربوط باشبیهات نمونه گیری اختیاری نیست بحساب آورده شده است زیرا اینگونه اختلافات ممکن است در نتیجه تصادف فقط در چهار مورد از صد مورد دیده شود بعلاوه خلاصه ای از این افزونی اشتباهات احتمالی در صفحه ۵۶۴ داده شده است و در اینجا با کثرت وقوع نظری ارزش x.p.e. که در نمونه های اتفاقی همان اندازه انتظار میرود مقایسه شده است . اساس این کثرت وقوع نظری بر این فرضیه قسار دارد که اختلافات بین دو گروه تنها در نتیجه عمل نمونه گیری از این قرار است : کمتر از یک برابر اشتباه احتمالی اختلاف در ۵۰ درصد موارد - از یک تا دو برابر اشتباه احتمالی اختلاف در ۳۲/۲۷ درصد موارد - دو تا سه برابر در ۱۳/۴۳ درصد موارد - سه تا چهار برابر در ۳/۶۰ درصد موارد و غیره بدین ترتیب برای سیزده اندازه کثرت وقوع نظری ارزش x.p.e. بین صفر و یک ۶/۵۰ است و بین یک و دو ۴/۲۰ و بین دو و سه ۱/۷۵ و غیره برای نه شاخص کثرت وقوع نظری ارزش x.p.e. بین صفر و یک ۴/۵۰ و بین یک و دو ۲/۹۰ و بین دو و سه ۱/۲۱ و غیره میباشد .

مطالعه بسیار سطحی این جدول پراکندگی این حقیقت را آشکار میسازد که چهار گروه ایران یکی از دیگری هم از نظر اندازه ها و هم از نظر شاخص ها بطور عمده با یکدیگر فرق دارند و از نظر اندازه گیری مردم شناسی جامعه های مشخص محسوب میشوند . حتی یک مورد واحد دیده نمیشود که دو گروه آنقدر شبیه هم باشند که دو نمونه اتفاقی از یک جمعیت جلوه کنند . همچنین آشکار است که لرها وقتی با سه گروه دیگر مقایسه میشوند بنظر میرسد که از نظر کثرت وقوع در

اندازه‌ها و شاخص‌ها اختلاف بیشتری با سایرین دارند. بنابراین لرها از حیث اندازه گیری مردم شناسی مشخص تر از سایر گروههای ایران میباشند. از طرف دیگر یهودیه در مقایسه با مردم کناره از حیث کثرت وقوع نظری نزدیکتر بیکدیگر هستند. بنابراین یهودیهای اصفهان و ده نشینان کناره را باید از نظر جسمانی نزدیکتر از سایر گروهها بیکدیگر محسوب داشت.

اگر خصوصیات فردی را که گروهها را از هم مجزا میسازد بحساب آوریم مشاهده میکنیم که لرها در بیست و سه اندازه و شاخص (۸۶/۹۶ درصد) از مردم کناره بطور عمده فرق دارند. لرها از لحاظ میانگین سن جوانتر - از قد بلندتر - قد نشسته خیلی بلندتر - و از میانگین طول سر درازتر و از عرض سر باریک تر و از شاخص سر کمتر و از حیث قطر پیشانی عریض تر هستند. از لحاظ عرض گونه‌ها لرها فرق زیادی با مردم کناره ندارند ولی تناسب عرض پیشانی به عرض دو گونه قابل ملاحظه زیادتر است. عرض فك زیرین در زوایای چانه در اندازه مطلق و تناسب با عرض صورت در لرها بطور قابل ملاحظه باریکتر است. طول صورت و طول قسمت علیای صورت لرها از مردم کناره زیادتر است در حالیکه به نسبت به عرض گونه‌ها فقط قسمت علیای صورت آنها درازتر است. طول بینی و عرض بینی لرها زیادتر است و از حیث تناسب نسبی این اندازه‌ها لرها بینی درازتر و باریکتر دارند. اندازه‌های گوش در لرها کمتر است و از حیث تناسب نسبی این اندازه‌ها لرها بطور مشخص گوش کوتاهتر و باریکتر از مردم کناره دارند.

در مقایسه با ده نشینان یزدخواست لرها که در شانزده مورد از بیست و سه اندازه و شاخص (۶۹/۵۷ درصد) با آنها اختلاف دارند از حیث سن جوانتر و از قد بلندتر و از قد نشسته خیلی بلندتر هستند. طول سر آنها کوتاهتر است ولی از حیث عرض سر خیلی باریکتر نیستند و همچنین عرض فك زیرین آنها و عرض گوش آنها از مردم کناره کمتر است و بعلاوه طول کل صورت و طول قسمت علیای صورت و طول بینی و عرض بینی آنها زیادتر است. در مورد تناسب نسبی اندازه‌های فوق لرها به نسبت قد طول قد نشسته آنها زیادتر از مردم یزدخواست است و همچنین دارای شاخص کمتر در گونه و چانه و صورت باریکتر از حیث کل صورت و قسمت علیای صورت و بینی نسبت به گوش نسبت به باریکتر میباشند.

لرها همچنین در بیست مورد از بیست و سه اندازه و شاخص (۸۶/۹۶ درصد) با یهودیه‌ها فرق عمده دارند. لرها از حیث سن خیلی جوانتر و در موارد زیر اندازه مطلق زیادتر دارند:

قد - قد نشسته - طول سر - حداقل قطر پیشانی - طول کل صورت - طول قسمت علیای صورت - طول بینی - عرض بینی. و نیز قطر کوچکتر در عرض سر و قطر چانه‌ها و طول و عرض گوش نشان میدهند. از حیث شاخص‌ها لرها در مقایسه با یهودیها به نسبت قد خود طول تنه‌شان بلندتر است و تعداد زیادتری سر دراز دارند و عرض پیشانی آنها نسبت به عرض سرشان زیادتر است و قطر چانه‌ها به نسبت طول صورت باریکتر و اندازه قسمت علیای صورت آنها زیادتر و تعداد زیادتر بینی باریک و گوش باریک دارند.

اگر خصوصاتی که مردم لرها را از سه گروه دیگر یعنی مردم کناره و یزدخواست و یهودیها مشخص میسازد خلاصه کنیم مشاهده میکنیم که از بیست و سه اندازه و شاخص شانزده مورد زیر (۵۶/۲۵ درصد) وجود دارد: میانگین سن کمتر - قد بلندتر - قد نشسته خیلی بلندتر - قطر چانه باریکتر - طول کل صورت زیادتر - طول قسمت علیای صورت زیادتر - بینی درازتر - عرض بینی زیادتر - گوش باریکتر - طول قد نشسته نسبی زیادتر - عرض چانه نسبی باریکتر - طول نسبی علیای صورت درازتر - شاخص بینی باریکی بیشتر و شاخص گوش کمتر. بنابراین در اینکه لرها در مقایسه با سایر گروههای ایران از حیث اختلاف مشخص هستند تردیدی نیست.

در هفت مورد از بیست و سه اندازه و شاخص‌ها یا (۳۰/۴۳ درصد) مردان یزدخواست از مردان کناره اختلاف عمده دارند بخصوص در قد نشسته کوتاهتر و میانگین قد نشسته نسبی کمتر. در اندازه طول سرافزونی بر مردان کناره نشان میدهند که نتیجه عمده آن تعداد زیادتر در آذسری در فرق سراسر است اگر چه این دو گروه اختلاف عمده با یکدیگر در عرض سر و حداقل قطر پیشانی ندارند مع هذا ده نشینان یزدخواست دارای شاخص پیشانی و آهیانه هستند که بطور قطع بالاتر از شاخص مردم کناره است. قسمت علیای صورت مردان یزدخواست کوتاهتر است و این امر در کمتری شاخص قسمت علیای صورت منعکس است. خصوصیات دیگری که اختلافات آماری بین این دو گروه را نشان دهد وجود ندارد ولی شواهدی در دست است که مرساند در مورد قطر فك و شاخص کل صورت با هم فرق دارند. چنانکه مژدر شدم یهودیها و ده نشینان کناره از لحاظ اندازه گیری مردم شناسی بیش از هر دو گروه دیگر بهم نزدیک هستند. یهودیها در پنج مورد (۲۱/۷۴ درصد) از بیست و سه اندازه‌ها و شاخص‌ها با مردان کناره فرق دارند که عبارت از: قطر سر عریضتر - بینی درازتر و پهن‌تر - قد نشسته نسبی کوتاهتر و فرق سر کوتاهتر. با وجود کمی اختلافات یهودیهای ایران و ده نشینان کناره از نظر مردم شناسی جامعه‌های مشخصی هستند.



## اختلافات و مقدار زائید بر اشتباهات احتمالی

اندازه‌ها	لرها با مردم کناره	لرها با مردم بزدخواست	لرها با یهودیهای ایران	سن
قد	اختلاف	اختلاف	اختلاف	قد
	xp. e.	xp. e.	xp. e.	
۶/۱۳	-۷/۱۰	-۷/۷۰	-۹/۱۵	قد نشسته
۵/۳۵	-۳/۰۹	+۳/۸۴	+۳/۶۹	طول سر
۱۹/۶۹	+۷/۱۴	+۹/۴۵	+۸/۲۷	عرض سر
۶/۰۵	+۷/۹۷	-۲/۵۲	+۳/۹۳	عرض دو گونه
۵/۶۳	-۲/۲۸	-۰/۸۷	-۳/۶۰	عرض اقل قطر پیشانی
۵/۷۸	+۲/۳۶	+۱/۷۲	+۲/۶۰	عرض فکین
۰/۸۱	+۱/۲۵	+۰/۲۰	+۰/۵۰	عرض کل صورت
۴/۱۴	-۲/۳۶	-۴/۱۶	-۲/۴۴	طول قسمت علیای صورت
۳/۸۸	+۴/۰۰	+۵/۴۰	+۲/۹۵	طول بینی
۸/۶۲	+۶/۶۰	+۸/۷۵	+۵/۹۵	عرض بینی
۱۳/۳۳	+۱۰/۵۶	+۱۱/۰۰	+۸/۴۰	عرض بینی
۳/۷۱	+۲/۹۴	+۲/۹۱	+۱/۵۶	

## اختلافات و مقدار زائد بر اشتباهات احتمالی

اندازه‌ها	لرها با مردم کناره	لرها با مردم نزدیک‌تر است	لرها با همو دیهای ایران	اختلاف	اختلاف	اختلاف
خپ، e.	خپ، e.	خپ، e.	خپ، e.	خپ، e.	خپ، e.	خپ، e.
طول گوش	— ۲/۳۶	— ۱/۵۲	۲/۲۴	— ۱/۸۰	۲/۲۴	۲/۱۰
عرض گوش	— ۲/۷۲	— ۳/۰۰	۷/۳۲	— ۳/۱۸	۸/۱۵	۸/۱۵
شاخه‌ها						
قد نشسته نسبی	— ۳/۱۰	۱۴/۰۹	— ۴/۶۸	۱۸/۷۲	— ۳/۶۴	۱۸/۲۰
س	— ۲/۱۰	۵/۳۸	— ۰/۷۵	۱/۴۴	— ۳/۱۸	۷/۹۵
پیشانی و آهینه	— ۲/۵۵	۶/۲۲	— ۱/۲۰	۲/۶۷	— ۳/۴۲	۸/۷۷
گونه و پیشانی	— ۰/۰۴	۰/۱۱	— ۰/۴۸	۱/۲۳	— ۰/۵۶	۱/۵۶
گونه و فک	— ۲/۱۹	۵/۴۸	— ۲/۶۴	۶/۰۰	— ۲/۱۳	۵/۷۶
کل صورت	— ۱/۹۰	۲/۸۸	— ۳/۷۰	۵/۲۹	— ۱/۵۵	۲/۴۶
قسمت‌علیای صورت	— ۴/۶۲	۸/۱۱	— ۶/۶۰	۱۰/۰۰	— ۴/۳۲	۷/۸۵
بینی	— ۷/۱۲	۶/۵۳	— ۷/۲۰	۶/۰۰	— ۶/۴۴	۶/۸۵
گوش	— ۵/۰۸	۷/۷۰	— ۵/۱۶	۵/۹۳	— ۴/۳۲	۶/۰۰

## اختلافات و مقدار زاویه بر اشتباهات احتمالی

اندازه ها	بزرخواست - کناره		بزردهای ایران - کناره		بزردهای ایران - بزرخواست	
	اختلاف	xp.e.	اختلاف	xp.e.	اختلاف	xp.e.
سن	± ۰/۶۰	۰/۴۰	± ۲/۰۵	۱/۴۳	± ۱/۴۵	۰/۹۱
قد	— ۰/۷۵	۱/۰۰	— ۰/۶۰	۰/۸۷	± ۰/۱۵	۰/۲۱
قد نشسته	— ۲/۳۱	۵/۱۳	— ۱/۱۳	۲/۹۰	± ۱/۱۸	۲/۶۸
طول سر	± ۵/۴۹	۷/۰۴	— ۰/۹۶	۱/۶۶	— ۶/۴۵	۸/۶۰
عرض سر	— ۱/۱۴	۱/۷۳	± ۱/۵۹	۳/۱۸	± ۲/۷۳	۴/۲۰
حد اقل قطر پیشانی	± ۰/۶۴	۱/۱۲	— ۰/۲۴	۰/۵۷	— ۰/۸۸	۱/۶۰
عرض دو گونه	± ۱/۱۵	۱/۴۹	± ۰/۸۵	۱/۵۲	— ۰/۳۰	۰/۴۸
عرض فکین	± ۱/۸۰	۲/۵۴	± ۰/۰۸	۰/۱۴	— ۱/۷۲	۲/۴۹
طول کل صورت	— ۱/۴۰	۱/۵۲	± ۱/۰۵	۱/۴۸	± ۲/۴۵	۲/۶۹
طول قسمت علیای صورت	— ۲/۱۵	۳/۰۳	± ۰/۶۵	۱/۲۳	± ۲/۸۰	۴/۰۰
طول بینی	— ۰/۴۴	۰/۶۷	± ۲/۱۶	۴/۳۲	± ۲/۶۰	۴/۰۶
عرض بینی	± ۰/۰۳	۰/۰۷	± ۱/۳۸	۲/۷۳	± ۱/۳۵	۲/۲۹

## اختلافات و مقدار زائد بر اشتباهات احتمالی

اندازه‌ها	یزدخواست - کناره		به‌دره‌های ایران - کناره		به‌دره‌های ایران - یزدخواست	
	اختلاف	xp.e.	اختلاف	xp.e.	اختلاف	xp.e.
طول گوش	— ۰/۸۴	۱/۲۹	— ۰/۵۶	۱/۰۲	+	۰/۴۲
عرض گوش	— ۰/۷۲	۲/۰۰	— ۰/۵۴	۱/۶۴	+	۰/۴۵
شاخص‌ها						
قد نشسته نسبتی	— ۱/۵۸	۷/۱۸	— ۰/۵۴	۳/۱۸	+	۵/۲۰
سر	— ۲/۸۵	۵/۸۲	— ۱/۰۸	۳/۰۰	+	۷/۸۶
پیشانی و آهپانه	— ۱/۳۵	۳/۲۹	— ۰/۸۷	۲/۴۹	—	۵/۶۹
گونه ویشانی	— ۰/۴۴	۱/۲۲	— ۰/۵۲	۱/۵۸	—	۰/۲۲
گونه و فک	— ۰/۴۵	۱/۰۲	— ۰/۰۶	۰/۱۶	—	۱/۲۴
کل صورت	— ۱/۸۰	۲/۷۳	— ۰/۳۵	۰/۶۰	+	۳/۴۷
قسمت علیای صورت	— ۱/۹۸	۴/۴۷	— ۰/۳۰	۰/۷۱	+	۴/۱۵
بینی	— ۰/۰۸	۰/۰۷	— ۰/۶۸	۰/۷۱	—	۰/۷۰
گوش	— ۰/۰۸	۰/۱۰	— ۰/۷۶	۱/۱۵	—	۰/۹۷

در ده مورد ازیست وسه (۴۳/۴۸ در صد) اندازه وشاخص یهودیها بطور عمده بامردم یزدخواست اختلاف دارند واین خیلی بیشتر ازاختلاف آنها با ده نشینان کناره است . درمقایسه بامردان یزدخواست یهودیها دارای خصوصیات زیر میباشد : سرخیلی کوتاهتر - سرخیلی پهن تر - قد نشسته بلند تر به نسبت طول کل بدن - قسمت علیای صورت دراز تر - بینی درازتر - بینی پهن تر . شاخص های کل صورت و قسمت علیای صورت یهودیها زیاد تر است ونسبت حد اقل عرض پیشانی به عرض سر کمتر از آن ده نشینان یزدخواست است .

### پراکندگی ارزش xp.e. در سیزده اندازه

مجموع	۶	۵	۵	۴	۴	۳	۳	۲	۲	۱	۱	۰	xp.e.
ظری	۱۳	۰/۰۰۰+	۰/۰۰۹	۰/۰۸	۰/۴۷	۱/۷۵	۴/۲۰	۶/۵۰	۲	۶	۲	۱	۱۳
کناره- یزدخواست	۱۳	۱	۱	۰	۱	۲	۶	۲	۲	۶	۲	۱	۱۳
کناره- یهودیهای ایران	۱۳	۰	۰	۱	۲	۱	۶	۳	۱	۶	۳	۱	۱۳
کناره - لر	۱۳	۵	۲	۳	۲	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۱۳
یزدخواست - یهودیهای													
ایران	۱۳	۱	۰	۳	۱	۳	۱	۴	۱	۳	۱	۱	۱۳
یزدخواست - لر	۱۳	۵	۳	۰	۱	۲	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۳
یهودیهای ایران - لر	۱۳	۵	۳	۱	۳	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱۳

### پراکندگی ارزش xp.e. در نه شاخص

ظری	۹	۰/۰۰۰+	۰/۰۰۶	۰/۰۶	۰/۳۲	۱/۲۱	۲/۹۰	۴/۵۰	۲	۲	۱	۲	۹
کناره - یزدخواست	۹	۱	۱	۰	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۱	۲	۹
کناره- یهودیهای ایران	۹	۰	۰	۰	۲	۱	۲	۴	۲	۲	۱	۲	۹
کناره - لر	۹	۵	۲	۰	۰	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۹
یزدخواست -													
یهودیهای ایران	۹	۱	۲	۱	۱	۰	۱	۳	۱	۳	۱	۳	۹
یزدخواست - لر	۹	۴	۲	۰	۰	۱	۲	۰	۱	۲	۰	۲	۹
یهودیهای ایران - لر	۹	۶	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۹

### تجزیه نژادی جمعیت ایران

تا اینجا خصوصیات آماری وشکل شناسی هریک اذ چهار گروه ایران و

روابط آنها با یکدیگر مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. اکنون باید توجه خود را مبدول داریم به مسئله تجزیه عناصر متشکل نژادی جمعیت ایران براساس ۲۹۹ افرادی که در سال ۱۹۳۴ در ایران اندازه گیری شدند. عناصر اساسی یا بوسیله طبقه بندی ماشینی توسط دستگاه هلریت Hollerith یا بوسیله انتخاب تصاویر بدست میاید. وسیله اول با وجود قلت تعداد افراد و گروهها صحت زیادتری دارد و وسیله دوم نشان میدهد چه اعمال آماری را باید تعقیب کرد. درسال تحصیلی ۱۹۳۶-۱۹۳۷ هاروارد دکتر هوتن و اینجناب تصاویر و عکسهای نژادی که در ایران و عراق و گرجستان شوری گرفته بودیم طبقه بندی و مطالعه کردیم. توجه مخصوص به سری ایران مبدول شد و در نتیجه تعدادی نوعهای مدیترانه و غیر مدیترانه از گروهها سواگردید. طبقه بندی تصویری کاملاً رضایت بخش نیست زیرا تنوع فردی نقش عمده بازی میکند و لسی درائر بررسی نهائی خصوصیات جسمانی زیر بنظر رسید از نظر نژادی دارای اهمیت باشد؛ شکل سر- شاخص صورت- شاخص بینی و بخصوص نیمرخ بینی. پس از جمع آوری مطالب خود درموزه فیلد به هاروارد مراجعت کرده و تحت نظارت دکتر هوتن به طبقه بندی ماشینی مطالب خود ادامه دادم.

### طبقه بندی ماشینی گروههای ایران

درطی طبقه بندی ماشینی گروههای ایران که شامل مردم اهل کناره و یزدخواست و ری و یهودیهای اصفهان و لرهای پشت کوه میباشند شاخص های سر تقسیم شد به  $x - ۷۹$  و  $x - ۸۰$  و شاخص های کل صورت به  $x - ۸۹$  و  $x - ۹۰$  و شاخص های بینی به  $x - ۶۷$  و  $x - ۶۸$  در کلیه مبحث زیر اصطلاحات سردراز و سر کوتاه و صورت باریک و صورت پهن و بینی باریک و بینی پهن و امثال آن از نظر متناسب بودن و بمعنی کلی تقسیمات بالا بکار رفته است و نباید آنها را با استعمال دقیق آنها در سایر مباحث این فصل اشتباه کرد. نیمرخهای بیضی تحت مقعر و راست و محدب و مقعر و محدب تقسیم بندی شده است. هر فردی که یکی از شاخصهای بالا یا طبقه بندی نیمرخ بینی را فاقد است از کلیه سری حذف گردیده است. تعداد افرادی که در هر یک از طبقه بندیهای بالا قرار میگیرند با درصد کلیه سری مرکب از ۲۶۲ فرد در جدول زیر پیدا میشوند.

## ارتباط بین شکل سر و صورت و بینی

شاخص سر	شاخص کل صورت	شاخص بینی	بیمرح	تعداد	درصد
۷۹-X	۸۹-X	۶۷-X	مقعر	۲	۰/۷۶
۷۹-X	۸۹-X	۶۷-X	راست	۸	۳/۰۵
۷۹-X	۸۹-X	۶۷-X	محدب-مقعر و محدب	۱۷	۶/۴۹
۷۹-X	۸۹-X	X-۶۸	مقعر	۹	۳/۴۴
۷۹-X	۸۹-X	X-۶۸	راست	۱۰	۳/۸۲
۷۹-X	۸۹-X	X-۶۸	محدب-مقعر و محدب	۱۹	۷/۲۵
۷۹-X	X-۹۰	۶۷-X	مقعر	۳	۱/۱۵
۷۹-X	X-۹۰	۶۷-X	راست	۵۶	۲۱/۳۷
۷۹-X	X-۹۰	۶۷-X	محدب-مقعر و محدب	۷۲	۲۷/۴۸
۷۹-X	X-۹۰	X-۶۸	مقعر	۷	۲/۶۷
۷۹-X	X-۹۰	X-۶۸	راست	۱۲	۴/۵۸
۷۹-X	X-۹۰	X-۶۸	محدب-مقعر و محدب	۱۰	۳/۸۲
X-۸۰	۸۹-X	۶۷-X	مقعر	۲	۰/۷۶
X-۸۰	۸۹-X	۶۷-X	راست	۲	۰/۷۶
X-۸۰	۸۹-X	۶۷-X	محدب-مقعر و محدب	۱۶	۶/۱۱
X-۸۰	۸۹-X	X-۶۸	مقعر	۱	۰/۳۸
X-۸۰	X-۹۰	۶۷-X	راست	۷	۲/۶۷
X-۸۰	X-۹۰	۶۷-X	محدب-مقعر و محدب	۶	۲/۲۹
X-۸۰	X-۹۰	X-۶۸	راست	۱	۰/۳۸
X-۸۰	X-۹۰	X-۶۸	محدب-مقعر و محدب	۲	۰/۷۶
مجموع					۹۹/۹۹
					۲۶۲

# مگروہ \*

اندازه ها	تعداد	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
سن	۷۱	۷۴-۲۰	$\pm ۳۶/۸۵$	$۷۳ \pm ۱۲/۹۰$	$۱/۴۸ \pm ۳۵/۰۱$
قد	۷۲	۸۱-۱۵۲	$۴۵ \pm ۱۶۶/۲۹$	$۳۲ \pm ۵/۶۴$	$۰/۱۹ \pm ۳/۳۹$
قد نشسته	۷۲	۹۸-۷۲	$۴۲ \pm ۸۳/۸۰$	$۳۰ \pm ۵/۲۸$	$۰/۳۵ \pm ۶/۳۰$
طول سر	۷۲	۰۵-۱۷۶	$۴۶ \pm ۱۸۸/۶۷$	$۳۲ \pm ۵/۷۳$	$۰/۱۷ \pm ۳/۰۴$
عرض سر	۷۲	۵۲-۱۲۹	$۳۶ \pm ۱۴۱/۰۴$	$۲۶ \pm ۴/۵۶$	$۰/۱۸ \pm ۳/۲۳$
حداقل قطر پیشانی	۷۲	۲۴-۱۰۵	$۳۲ \pm ۱۱۳/۲۲$	$۲۲ \pm ۴/۰۰$	$۰/۲۰ \pm ۳/۵۳$
عرض دو گونه	۷۲	۴۹-۱۲۵	$۴۱ \pm ۱۳۳/۸۰$	$۲۹ \pm ۵/۲۰$	$۰/۲۲ \pm ۳/۸۹$
عرض فکین	۷۲	۲۵-۹۴	$۴۷ \pm ۱۰۷/۵۴$	$۳۳ \pm ۵/۸۸$	$۰/۳۱ \pm ۵/۴۷$
طول کل صورت	۷۲	۴۴-۱۱۵	$۵۰ \pm ۱۲۶/۸۵$	$۳۵ \pm ۶/۳۰$	$۰/۲۸ \pm ۴/۹۷$
طول قسمت بالای صورت	۷۲	۹۴-۶۵	$۴۳ \pm ۷۶/۰۵$	$۳۱ \pm ۵/۴۵$	$۰/۴۰ \pm ۷/۱۷$
طول بینی	۷۲	۷۵-۴۴	$۴۶ \pm ۵۷/۱۰$	$۳۳ \pm ۵/۸۰$	$۰/۵۷ \pm ۱۰/۱۶$
عرض بینی	۷۲	۴۲-۲۸	$\pm ۳۳/۳۸$	$۱۷ \pm ۳/۰۰$	$۰/۵۱ \pm ۸/۹۹$



# گروه الف

اندازه ها	تعداد	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
طول گوش	۷۲	۶۷-۴۴	$۰.۳۹ \pm ۰.۵۸/۶۲$	$۰.۲۷ \pm ۴/۸۸$	$۰.۴۷ \pm ۸/۳۲$
عرض گوش	۷۲	۴۶-۲۶	$۰.۲۷ \pm ۳۵/۴۳$	$۰.۱۹ \pm ۳/۳۹$	$۰.۵۴ \pm ۹/۵۷$
شاخص ها					
قد	۷۲	۵۷-۴۶	$۰.۱۸ \pm ۵۰/۴۲$	$۰.۱۲ \pm ۲/۲۲$	$۰.۲۵ \pm ۴/۴۰$
سن	۷۲	۷۹-۶۵	$۰.۲۳ \pm ۷۴/۸۲$	$۰.۱۶ \pm ۲/۸۵$	$۰.۲۱ \pm ۳/۸۱$
پیشانی و آهیانه	۷۲	۹۲-۷۲	$۰.۲۴ \pm ۸۰/۱۴$	$۰.۱۷ \pm ۳/۰۰$	$۰.۲۱ \pm ۳/۷۴$
گونه و پیشانی	۷۲	۹۵-۷۶	$۰.۲۲ \pm ۸۴/۷۸$	$۰.۱۶ \pm ۲/۷۶$	$۰.۱۸ \pm ۳/۲۶$
گونه و فک	۷۲	۹۲-۷۲	$۰.۳۱ \pm ۸۰/۶۲$	$۰.۲۲ \pm ۳/۸۷$	$۰.۲۷ \pm ۴/۸۰$
کل صورت	۷۲	۱۰۹-۹۰	$۰.۳۲ \pm ۹۵/۲۵$	$۰.۲۲ \pm ۴/۰۰$	$۰.۲۴ \pm ۴/۲۰$
قسمت علیای صورت	۷۲	۶۶-۴۳	$۰.۳۳ \pm ۵۳/۹۳$	$۰.۲۳ \pm ۴/۱۱$	$۰.۴۳ \pm ۷/۱۲$
پیشی	۷۲	۶۷-۴۸	$۰.۳۷ \pm ۵۸/۴۶$	$۰.۲۶ \pm ۴/۶۸$	$۰.۴۵ \pm ۸/۰۱$
گوش	۷۲	۷۶-۴۵	$۰.۴۹ \pm ۶۰/۷۴$	$۰.۳۵ \pm ۶/۲۰$	$۰.۵۷ \pm ۱۰/۲۱$

شاخص سر-۱۷۹ شاخص کل صورت-۱۰۵۱ شاخص بینی-۱۷۹۱۱ نیمت بینی و صغوب و مقص.

## گروه ب\*\*

اندازه ها	تعداد	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
سن	۵۵	۶۹-۱۵	$۱۰.۹ \pm ۳۵/۸۰$	$.۷۷ \pm ۱۲/۰۰$	$۲/۱۶ \pm ۳۳/۵۲$
قد	۵۶	۱۷۸-۱۵۵	$.۴۹ \pm ۱۶۷/۴۶$	$.۳۵ \pm ۵/۴۹$	$.۲۱ \pm ۳/۲۸$
قد نشسته	۵۶	۹۸-۷۵	$.۴۶ \pm ۸۴/۰.۴$	$.۳۳ \pm ۵/۱۶$	$.۳۹ \pm ۶/۱۴$
طول سر	۵۶	۲۰۵-۱۷۶	$.۵۰ \pm ۱۸۹/۴۸$	$.۳۶ \pm ۵/۵۸$	$.۱۹ \pm ۲/۹۴$
عرض سر	۵۶	۱۵۲-۱۲۹	$.۴۱ \pm ۱۴۰/۴۴$	$.۲۹ \pm ۴/۵۰$	$.۲۰ \pm ۳/۲۰$
حداقل قطر پیشانی	۵۶	۱۲۰-۱۰۱	$.۳۳ \pm ۱۱۱/۵۰$	$.۲۳ \pm ۳/۶۴$	$.۲۱ \pm ۳/۲۶$
عرض دودگونه	۵۶	۱۴۴-۱۲۰	$.۴۴ \pm ۱۳۲/۶۰$	$.۳۱ \pm ۴/۹۰$	$.۲۴ \pm ۳/۷۰$
عرض دوفک	۵۶	۱۲۵-۹۸	$.۵۴ \pm ۱۰۷/۴۲$	$.۳۸ \pm ۶/۰.۴$	$.۳۶ \pm ۵/۶۲$
طول کل صورت	۵۶	۱۴۴-۱۱۵	$.۵۲ \pm ۱۲۶/۵۵$	$.۳۷ \pm ۵/۷۵$	$.۲۹ \pm ۴/۵۴$
طول قسمت علیای صورت	۵۶	۹۴-۶۵	$.۴۹ \pm ۷۵/۸۵$	$.۳۵ \pm ۵/۴۵$	$.۴۶ \pm ۷/۱۹$
طول بینی	۵۶	۷۵-۴۴	$.۵۲ \pm ۵۷/۰.۶$	$.۳۷ \pm ۵/۷۶$	$.۶۴ \pm ۱۰/۰.۹$
عرض بینی	۵۶	۳۹-۲۵	$.۲۶ \pm ۳۲/۶۹$	$.۱۸ \pm ۲/۸۵$	$.۵۶ \pm ۸/۷۲$

## گروه

میانگین

تعداد

اندازه ها

G. V.

S.D.

۰/۵۳±

۳۱± ۴/۸۰

۴۴± ۵۸/۵۰

۷۱-۴۴

۵۵

طول گوش

۰/۶۵±

۲۳± ۳/۵۱

۳۲± ۳۴/۷۴

۴۳-۲۶

۵۵

عرض گوش

شا

۰/۲۹± ۴/۵۰

۱۴± ۲/۲۶

۲۰± ۵۰/۲۲

۵۷-۴۶

۵۶

قد نشسته نسبتی

۰/۲۵±

۱۸± ۲/۸۵

۲۶± ۷۳/۹۸

۷۹-۶۸

۵۶

سر

۰/۲۵±

۲۰± ۳/۱۵

۲۸± ۷۹/۶۹

۸۹-۷۲

۵۶

پیشانی و آهپانه

۰/۲۳±

۲۰± ۳/۰۸

۲۸± ۸۴/۴۲

۹۵-۷۶

۵۶

گونه و پیشانی

۰/۲۹±

۲۴± ۳/۷۲

۳۴± ۸۱/۰۴

۸۹-۷۲

۵۶

گونه و فک

۰/۲۷±

۲۶± ۴/۰۵

۳۶± ۹۵/۸۵

۰۹-۹۰

۵۶

کل صورت

۰/۴۸±

۲۶± ۴/۱۴

۳۷± ۵۴/۳۸

۶۶-۴۶

۵۶

قسمت علیای صورت

۰/۶۹±

۴۰± ۶/۲۴

۵۶± ۵۷/۶۶

۶۷-۴۴

۵۶

بینی

۰/۶۳±

۳۸± ۵/۸۴

۵۳± ۵۹/۴۶

۸۰-۴۵

۵۵

گوش

بینی ۶۷-۵۳؛ نیم رخ بینی - راست

شا ۵۳-۶۷

شاخص کل صورت

۷۹-۷۱

شا

از جدول صفحه قبل مشاهده میشود که دو گروه بزرگتر در يك طبقه شاخصها قرار میگیرند ( شاخص سر  $x-79$  شاخص کل صورت  $x-90$  و شاخص بینی  $x-67$  ) در حالیکه هفتاد و دو نفر این دو گروه یعنی  $27/48$  در صد دارای نیمرخ محدب و مقعر و محدب میباشد و پنجاه و شش نفر یعنی  $21/37$  درصد بینی راست دارند .  
شمای دیگر رابطه بین سروصورت و بینی از قرار زیر است .

### شاخص سر

$\begin{array}{c} x-79 \\ (225) \\   \end{array}$				$\begin{array}{c} 80-x \\ (37) \\   \end{array}$			
$\begin{array}{c} x-89 \\ (65) \\   \end{array}$		$\begin{array}{c} 90-x \\ (160) \\   \end{array}$		$\begin{array}{c} x-89 \\ (21) \end{array}$		$\begin{array}{c} 90-x \\ (16) \end{array}$	
$x-67$	$68-x$	$x-67$	$68-x$	$x-67$	$68-x$	$x-67$	$68-x$
(27)	(38)	(131)	(29)	(20)	(1)	(13)	(3)

واضح است که مشخص ترین عنصر سری ایران ۱۳۱ نفری هستند که دارای سر نسبتاً باریک و صورت باریک و بینی باریک میباشد . از این عده چنانکه گفته شد ۷۲ نفر دارای بینی محدب و مقعر و محدب و ۵۶ نفر دارای بینی راست میباشد . میانگین و انحرافات معین یا  
S.D. (standard deviation) و ضرایب متنوع C.V. (coefficient of variation)  
این دو گروه یعنی گروه الف و گروه ب در صفحه قبل داده شده است .  
**مقایسه بین گروه ب\* و گروه الف\*\***

گروه ب در مقابل گروه الف

اندازه‌ها	اختلاف	x.p.e. افزایش اشتباهات احتمالی
سن	-۱/۰۵	۰/۷۰
قد	+۱/۱۷	۱/۷۷
قد نشسته	+۰/۲۴	۰/۳۹
طول سر	+۰/۸۱	۱/۱۹
عرض	-۰/۶۰	۱/۰۹

## ۵۷۲- مردم‌شناسی ایران

۳/۷۴	— ۱/۷۲	حداقل قطر پیشانی
۲/۰۰	— ۱/۲۰	عرض دو گونه
۰/۸۱	— ۰/۸۲	عرض فکین
۰/۴۲	— ۰/۳۰	طول کل صورت
۰/۳۱	— ۰/۲۰	طول قسمت علیای صورت
۰/۰۶	— ۰/۴۰	طول بینی
۱/۹۲	— ۰/۶۹	عرض بینی
۰/۲۱	— ۰/۱۲	طول گوش
۱/۶۸	— ۰/۶۹	عرض گوش

### شاخص‌ها

۰/۷۷	— ۰/۲۰	قد نشسته نسبی
۲/۴۰	— ۰/۸۴	سر
۱/۲۲	— ۰/۴۵	پیشانی و آهیانه
۱/۰۰	— ۰/۳۶	گونه و پیشانی
۰/۸۹	+ ۰/۴۲	گونه و فک
۱/۲۵	+ ۰/۶۰	کل صورت
۰/۹۰	+ ۰/۴۵	قسمت علیای صورت
۱/۱۹	— ۰/۸۰	بینی
۱/۷۸	— ۱/۲۸	گوش

\* شاخص سر ۷۹-۷۸؛ شاخص کل صورت ۹۰-۸۹؛ شاخص بینی ۷۷-۷۶؛ نیمرخ بینی-راست.

\*\* شاخص سر ۷۹-۷۸؛ شاخص کل صورت ۹۰-۸۹؛ شاخص بینی ۷۷-۷۶؛ نیمرخ بینی محدب و مقعر.

درمبحث زیر اختلافات جزئی و عمده جداگانه ثبت گردیده است. کلمه عمده فقط وقتی بکار برده میشود که اختلاف از نظر آماری قابل ملاحظه بوده و x.p.e یا بیشتر باشد. وقتی گروه بینی راست (ب) را با افراد دارای بینی محدب یا مقعر و محدب (الف) با هم مقایسه میکنیم می‌بینیم که دسته اول جوانتر و بلندتر هستند و سرتراز تر و باریکتر و صورت و بینی و گوش کوتاهتر و باریکتر دارند.

تنها اختلاف عمده که بنظر میرسد در اندازه حداقل قطر پیشانی است اگرچه x.p.e نسبتاً زیاد قد و عرض دو گونه و عرض بینی و گوش حاکی از اختلافات مهم است. درمیان شاخص‌ها شاخص سر ۷۳/۹۸ (گروه ب) اگرچه

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۷۳

فقط کمی از شاخص گروه الف کمتر است (۷۴/۸۲) حاکی از اختلاف عمده است زیرا  $x.p.e.$  آن ۲/۴۰ میباشد .

باید متذکر شد که در این طبقه بندی افرادی که دارای چشمان مختلف بودند بحساب گذارده شدند این افراد بعداً از سری حذف گردیدند تا عامل مو بوری نیز از حساب و مقایسه خارج شود .

بطور کلی میتوان گفت که این دو گروه سردراز و صورت باریک و بینی باریک بهم شباهت زیاد دارند بجز از لحاظ شکل بینی .

ممکن است سؤال شود چرا در شاخص ترین گروه ایران باید یک عنصر دارای بینی راست و یک عنصر دارای بینی بزرگه محدب وجود داشته باشد . اما ممکن است که یکی از این اشکال بینی خصوصیتی است که با سایر عناصر دیگر جمعیت ارتباط دارد . برای یقین چنین امکانی کلیه ۲۶۲ نفر ایرانی مورد مطالعه طبقه بندی و باز با ترکیبات مختلف شکل سر و شکل صورت و شکل بینی طبق سه طبقه نیم رخ بینی طبقه بندی گردیدند .

ایرانی ها		شاخص ها	
تعداد	درصد	کل صورت	سر
۶۵	۲۴/۸۱	X-۸۹	X-۷۹
۱۶۰	۶۱/۰۷	X-۹۰	X-۷۹
۲۱	۸/۰۲	X-۸۹	X-۸۰
۱۶	۶/۱۱	X-۹۰	X-۸۰
۲۶۲	۱۰۰/۰۱	مجموع	

در اینجا آشکار میشود که ۸۵/۸۸ درصد گروه ایران دارای سرنسبه دراز و ۶۱/۰۷ درصد دارای صورت باریک هستند . فقط ۱۴/۱۳ درصد ۲۶۲ نفر دارای شاخص سر ۸۰ یا زیاد تر میباشد .

جدول زیر تعداد افراد و درصد هر طبقه را وقتی شاخص بینی بحساب آورده شده نشان میدهد .

ایرانی ها		شاخص ها		
تعداد	درصد	بینی	کل صورت	سر
۲۷	۱۰/۳۱	X-۶۷	X-۸۹	X-۷۹

۱۴/۵۰	۳۸	x-۶۸	۸۹-x	۷۹-x
۵۰/۰۰	۱۳۱	۶۷-x	x-۹۰	۷۹-x
۱۱/۰۷	۲۹	x-۶۸	x-۹۰	۷۹-x
۷/۶۳	۲۰	۶۷-x	۸۹-x	x-۸۰
۰/۳۸	۱	x-۶۸	۸۹-x	x-۸۰
۴/۹۶	۱۳	۶۷-x	x-۹۰	x-۸۰
۱/۱۵	۳	x-۶۸	x-۹۰	x-۸۰
۱۰۰/۰۰	۲۶۲	مجموع		

بطور دقیق نیمی از کلیه افراد دارای سرنسبهٔ دراز و صورت باریک و بینی باریک هستند. شصت و هفت نفر (۲۵/۵۷ درصد) از ۲۲۵ نفر افراد سر دراز دارای شاخص بینی ۶۸-x میباشد در صورتیکه در بین سی و هفت نفر فرد سرگرد فقط چهار نفر (۱/۵۳ درصد) شاخص بینی ۶۸-x دارند.

در مرحله بعد سه طبقه نیمرخ بینی را اضافه میکنیم که عبارتند از :  
مقعر - راست - و محدب با اضافه مقعر و محدب .

شاخص سر ۶۸-x      شاخص سر ۸۰-x

نیمرخ بینی	تعداد	درصد	نیمرخ بینی	تعداد	درصد
مقعر	۲۱	۹/۳۳	مقعر	۳	۸/۱۱
راست	۸۶	۳۸/۲۲	راست	۱۰	۲۷/۰۳
محدب-مقعر و محدب	۱۱۸	۵۲/۴۴	محدب-مقعر و محدب	۲۴	۶۴/۸۶
مجموع	۲۲۵	۹۹/۹۹	مجموع	۳۷	۱۰۰/۰۰

نیمرخ بینی راست بیشتر در میان مردان نسبتاً سر دراز دیده میشود تا در میان مردان سرگرد ولی بینی محدب و مقعر و محدب بیشتر در میان مردان سرگرد وجود دارد تا در میان مردان سر دراز وقتی افراد دارای صورت نسبتاً پهن در مقابل افراد صورت باریک طبق تقسیم بندی نیمرخ بینی قرار داده شوند نتایج زیر بدست میآید .

شاخص کل صورت X-۸۹			شاخص کل صورت ۹۰-X		
نیمرخ بینی	تعداد	درصد	نیمرخ بینی	تعداد	درصد
مقعر	۱۴	۱۶/۲۸	مقعر	۱۰	۵/۶۸
راست	۲۰	۲۳/۲۶	راست	۲۶	۴۳/۱۸
محدب-مقعر و محدب	۵۲	۶۰/۴۶	محدب-مقعر و محدب	۹۰	۵۱/۱۴
مجموع	۸۶	۱۰۰/۰۰	مجموع	۱۲۶	۱۰۰/۰۰

نیمرخ بینی مقعر بیشتر در میان مردان دارای صورت نسبتاً پهن دیده میشود تا در میان مردان دارای صورت نسبتاً باریک. تعداد افراد دارای بینی راست با صورت باریک بیشتر است از افراد بینی راست با صورت پهن. احتمال می رود که بینی های محدب و مقعر و محدب در اینجا بیشتر با صورت پهن مرتبط شده باشد تا با صورت باریک.

وقتی افراد دارای بینی نسبتاً باریک و افراد دارای بینی پهن طبق سه طبقه بندی نیمرخ بینی گروه بندی شوند جدول زیر بدست می آید.

شاخص بینی X-۶۷			شاخص بینی ۶۸-X		
نیمرخ بینی	تعداد	درصد	نیمرخ بینی	تعداد	درصد
مقعر	۷	۳/۶۶	مقعر	۱۷	۲۳/۹۴
راست	۷۳	۳۸/۲۲	راست	۲۳	۳۲/۳۹
محدب-مقعر و محدب	۱۱۱	۵۸/۱۲	محدب-مقعر و محدب	۳۱	۴۳/۶۶
مجموع	۱۹۱	۱۰۰/۰۰	مجموع	۷۱	۹۹/۹۹

نیمرخ بینی مقعر با بینی پهن بیشتر ارتباط دارد تا با بینی باریک. نیمرخ محدب و مقعر و محدب بیشتر با بینی باریک پیدا میشود تا با بینی پهن. بینی راست در هر دو گروه تقریباً بیک تناسب دیده میشود. وقتی همه افراد را با شاخص بینی X-۶۷ بگیریم و بگروه های دارای سر نسبتاً دراز و گرد تقسیم کنیم طبعاً نیمرخ بینی طبقه بندی زیر بدست می آید.



شاخص سر X-۸۰

شاخص بینی X-۶۷

شاخص سر X-۷۹

شاخص بینی X-۶۷

نیمرخ	تعداد	درصد	نیمرخ بینی	تعداد	درصد
مقعر	۵	۳/۱۶	مقعر	۲	۶/۰۶
راست	۶۴	۴۰/۵۱	راست	۹	۲۷/۲۷
محدب و مقعر و			محدب-مقعر و		
محدب	۸۹	۵۶/۳۳	محدب	۲۲	۶۶/۶۷
مجموع	۱۵۸	۱۰۰/۰۰	مجموع	۳۳	۱۰۰/۰۰

۱۵۸ فرد بینی باریک سر دراز است (۸۲/۷۲ درصد) در مقابل ۳۳ فرد بینی باریک سر کوتاه (۱۷/۲۸ درصد). در میان افراد دارای بینی "نسبة" باریک نیمرخ بینی راست بیشتر در میان مردان سر دراز دیده میشود تا در میان مردان سر کوتاه. بینی محدب و مقعر و محدب بیشتر در میان مردان سر گرد دیده میشود تا در میان مردان سر دراز.

وقتی افراد را از لحاظ شاخص سر و شاخص کل صورت طبقه بندی کنیم جدول زیر بدست میآید.

شاخص سر X-۸۰  
شاخص کل صورت X-۸۹

شاخص سر X-۷۹  
شاخص کل صورت X-۹۰

نیمرخ بینی	تعداد	درصد	نیمرخ بینی	تعداد	درصد
مقعر	۱۰	۶/۲۵	مقعر	۳	۱۴/۲۸
راست	۶۸	۴۲/۵۰	راست	۲	۹/۵۲
محدب-مقعر و			محدب و مقعر و		
محدب	۸۲	۵۱/۲۵	محدب	۱۶	۷۶/۱۹
مجموع	۱۶۰	۱۰۰/۰۰	مجموع	۲۱	۹۹/۹۹

بینی با نیمرخ مقعر بیشتر در میان مردان دارای سر "نسبة" گرد و صورت "نسبة" پهن دیده میشود تا در میان مردان سر دراز و صورت باریک. بینی راست بیشتر در میان مردان سر دراز صورت باریک پیدا میشود تا در میان مردان سر-

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۷۷

گرد صورت پهن . بینی محدب و مقعر و محدب در اینجا با سرگردی و صورت پهنی بیشتر مطابقت دارد تا با سر درازی و صورت باریکی .

در طبقه معکوس یا ترکیب غیر متجانس سر و صورت جدول زیر بدست

میايد .

شاخص سر ۸۰-X	شاخص سر ۷۹-X
شاخص کل صورت ۹۰-X	شاخص کل صورت ۸۹-X

درصد	تعداد	نیمرخ بینی	درصد	تعداد	نیمرخ بینی
—	۰	مقعر	۱۶/۹۲	۱۱	مقعر
۵۰/۰۰	۸	راست	۲۷/۶۹	۱۸	راست
		محدب و مقعر و			محدب و مقعر و
۵۰/۰۰	۸	محدب	۵۵/۳۸	۳۶	محدب
۱۰۰/۰۰	۱۶	مجموع	۹۹/۹۹	۶۵	مجموع

بینی محدب و مقعر و محدب بیشتر در میان مردان صورت پهن سر دراز پیدا میشود تا در میان صورت باریک سر گرد. اگرچه بینی مقعر در میان سر گرد ها دیده نمیشود ۱۱ تا (۱۶/۹۲ درصد) در میان سر درازها وجود دارد .

• از طرف دیگر وقتی نوعهای کاملاً متجانس را با هم طبقه بندی میکنیم

می بینیم که فقط يك فرد دارای سر نسبتاً گرد و صورت پهن و بینی پهن در مقابل ۱۳۱ نفر افراد دارای سر دراز و صورت باریک و بینی باریک وجود دارد .

شاخص سر ۸۰-X	شاخص سر ۷۹-X
شاخص کل صورت ۸۹-X	شاخص کل صورت ۹۰-X
شاخص بینی ۶۸-X	شاخص بینی ۶۷-X

درصد	تعداد	نیمرخ بینی	درصد	تعداد	نیمرخ بینی
۱۰۰/۰۰	۱	مقعر	۲/۲۹	۳	مقعر
—	—	راست	۴۲/۷۵	۵۶	راست
—	—	محدب - مقعر و محدب	۵۴/۹۶	۷۲	محدب - مقعر و محدب
	۱	مجموع	۱۰۰/۰۰	۱۳۱	مجموع

از بررسی فوق نتایج زیر گرفته میشود :

نیمرخ بینی محدب و مقعر و محدب :

- (۱) بیشتر درمیان سرگرد پیدا میشود تا درمیان سردراز .
- (۲) ممکن است بیشتر با صورت نسبتاً پهن دیده شود تا صورت باریک .
- (۳) اغلب بایینی نسبتاً باریک متوسط است تا بایینی پهن .
- (۴) بیشتر با افراد صورت پهن سردراز مرتبط است تا با افراد صورت باریک سرگرد .

(۵) اغلب بیشتر درمیان افراد سردراز صورت باریک بینی باریک یافت میشود تا درمیان سرگرد بینی پهن صورت پهن .  
بینی راست:

- (۱) بیشتر درمیان افراد سردراز دیده میشود تا درمیان افراد سرگرد .
- (۲) بیشتر با صورت نسبتاً باریک دیده میشود تا با صورت نسبتاً پهن .
- (۳) بیشتر در میان افراد دارای بینی باریک دیده میشود تا افراد بینی پهن .
- (۴) بیشتر با افراد سرگرد صورت باریک مرتبط است تا با افراد سردراز صورت پهن .

(۵) بیشتر درمیان افراد سردراز صورت باریک بینی باریک دیده میشود تا در میان افراد سرگرد صورت پهن بینی پهن .

نسبت زیادتر بینی بزرگ محدب در میان افراد سرگرد و صورت پهن حاکی از آنست که گروه الف یعنی گروه بزرگ سردراز دارای بینی محدب ممکن است خصوصیات بینی خود را از عنصر سرگرد کسب کرده باشند . در اینجا باید اضافه کرد که تحدب نیمرخ بینی ظاهراً به بینی راست تفوق دارد چنانکه سرگردی بر سردرازی . بنابر این چنین تصمیم گرفته شد که افراد سرگرد بایینی محدب یعنی گروه (د) را با دو گروه مشخص ایران مقایسه کنیم . چنانکه قبلاً گفته شد گروه الف وب دارای عنصر چشم زاغ مخلوط میباشد . قبل از آنکه این مقایسه بعمل آید افراد دارای چشم مختلط یعنی لرهارا از سری حذف کردیم و بهمین جهت گروه ج و (د) باقی میماند .

## گروه ج\*

اندازه ها	تعداد	حدود	تکین	S. D.	C. V.
سن		۶۹-۲۰	۱/۱۲ ± ۳۶/۳۰	۷۹ ± ۱۱/۷۵	۲/۱۸ ± ۳۲/۳۷
قد		۷۸-۱۵۲	۰/۵۱ ± ۶۵/۸۷	۵۱ ± ۵/۳۷	۰/۲۲ ± ۳/۲۴
قد نشسته		۹۵-۷۲	۰/۴۷ ± ۸۳/۱۷	۳۳ ± ۴/۹۸	۰/۴۰ ± ۵/۹۹
طول سر		۱۰۵-۱۷۶	۰/۵۶ ± ۸۸/۲۵	۴۰ ± ۵/۹۷	۰/۲۱ ± ۳/۱۷
عرض سر		۵۲-۱۲۹	۰/۴۲ ± ۴۱/۴۰	۲۹ ± ۴/۴۱	۰/۲۱ ± ۳/۱۲
حد اقل قطر پیشانی		۲۴-۱۰۵	۰/۴۰ ± ۱۳/۴۲	۲۸ ± ۴/۲۰	۰/۲۵ ± ۳/۷۰
عرض دوگونه		۴۹-۱۲۵	۰/۵۰ ± ۳۳/۸۵	۳۵ ± ۵/۲۵	۰/۳۶ ± ۳/۹۲
عرض فکین		۲۵-۹۸	۰/۵۶ ± ۰۷/۹۸	۳۹ ± ۵/۸۸	۰/۳۶ ± ۵/۴۵
طول کل صورت		۳۹-۱۱۵	۰/۶۱ ± ۲۶/۲۰	۴۳ ± ۶/۵۰	۰/۳۴ ± ۵/۱۵
طول قسمت علیای صورت		۸۹-۶۵	۰/۴۴ ± ۷۵/۳۵	۳۱ ± ۴/۷۰	۰/۴۲ ± ۶/۲۴
طول بینی		۷۱-۴۸	۰/۴۳ ± ۵۶/۴۲	۳۰ ± ۴/۵۶	۰/۵۴ ± ۸/۰۸
عرض بینی		۳۹-۲۸	۰/۲۳ ± ۳۲/۶۶	۱۶ ± ۲/۴۶	۰/۵۰ ± ۷/۵۳

# گروه ج

C, V,

S, D,

میانگین

حدود

تعداد

اندازه ها

۰/۵۹± ۸/۸۴

۰/۳۴± ۵/۱۶

۰/۴۹± ۵۸/۳۸

۶۷-۴۴

۵۱

طول گوش

۰/۶۲± ۹/۲۱

۰/۲۲± ۳/۲۷

۰/۳۱± ۳۵/۵۲

۴۶-۲۶

۵۱

عرض گوش

شاخص ها

۰/۳۰± ۴/۵۰

۰/۱۵± ۲/۲۶

۰/۲۱± ۵۰/۱۸

۵۷-۴۶

۵۱

قد نسبه نسبتی

۰/۲۵± ۳/۸۰

۰/۱۹± ۲/۸۵

۰/۲۷± ۷۵/۰۰

۷۹-۶۵

۵۱

سر

۰/۲۵± ۳/۷۱

۰/۲۰± ۲/۹۷

۰/۲۸± ۸۰/۰۵

۹۲-۷۲

۵۱

پیشانی و آهپانه

۰/۲۳± ۳/۴۳

۰/۱۹± ۲/۹۲

۰/۲۸± ۸۵/۰۲

۹۵-۷۶

۵۱

گونه و پیشانی

۰/۳۳± ۴/۹۴

۰/۲۷± ۳/۹۹

۰/۳۸± ۸۰/۸۳

۹۲-۷۲

۵۱

گونه و فاک

۰/۲۷± ۴/۰۶

۰/۲۶± ۳/۸۵

۰/۳۶± ۹۴/۷۵

۱۰۹-۹۰

۵۱

کل صورت

۰/۴۴± ۶/۵۳

۰/۲۳± ۳/۴۸

۰/۲۳± ۵۳/۳۰

۶۳-۴۶

۵۱

قسمت علیای صورت

۰/۵۴± ۸/۰۳

۰/۳۱± ۴/۶۸

۰/۴۴± ۵۸/۳۰

۶۳-۴۸

۵۱

بینی

۰/۷۱± ۱۰/۵۸

۰/۴۳± ۶/۴۸

۰/۶۱± ۶۱/۲۶

۷۶-۴۵

۵۱

گوش

\* شاخص سر ۷۹-۷۸؛ شاخص کل صورت ۹۰-۸۷؛ شاخص بینی ۱۶۷-۱۶۸؛ نیم رخ بینی محدب و مقعر و محدب، گروه ج متشکل است از افراد

گروه الف منهای افراد دارای چشم مختلط.

# گروه \*

اندازه ها	تعداد	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
سن	۳۷	۶۹-۱۵	$1/42 \pm 39/05$	$1/01 \pm 12/85$	$2/58 \pm 32/91$
قد	۳۸	۱۷۵-۱۵۵	$0/59 \pm 160/54$	$0/42 \pm 5/43$	$0/25 \pm 3/28$
قد نشسته	۳۸	۹۵-۷۵	$0/49 \pm 82/72$	$0/35 \pm 4/47$	$0/42 \pm 5/40$
طول سر	۳۸	۲۰۵-۱۷۶	$0/65 \pm 189/33$	$0/46 \pm 5/91$	$0/24 \pm 3/12$
عرض سر	۳۸	۱۵۲-۱۳۲	$0/41 \pm 140/83$	$0/41 \pm 3/72$	$0/20 \pm 2/64$
حلقه اقل قطر پیشانی	۳۸	۱۲۰-۱۰۱	$0/39 \pm 111/14$	$0/28 \pm 3/60$	$0/25 \pm 3/24$
عرض دو گونه	۳۸	۱۴۴-۱۲۵	$0/45 \pm 132/90$	$0/32 \pm 4/10$	$0/24 \pm 3/08$
عرض فکین	۳۸	۱۲۵-۹۸	$0/65 \pm 108/14$	$0/46 \pm 5/96$	$0/43 \pm 5/51$
طول کل صورت	۳۸	۱۴۴-۱۱۵	$0/66 \pm 126/20$	$0/46 \pm 6/00$	$0/37 \pm 4/75$
طول قسمت علیای صورت	۳۸	۸۹-۶۵	$0/53 \pm 74/90$	$0/37 \pm 4/80$	$0/50 \pm 6/41$
طول بینی	۳۸	۷۵-۴۴	$0/55 \pm 55/62$	$0/39 \pm 5/00$	$0/70 \pm 8/99$
عرض بینی	۳۸	۳۹-۲۵	$0/32 \pm 32/24$	$0/23 \pm 3/03$	$0/73 \pm 9/40$

## گروه د

اندازه ها	تعداد	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
طول گوش	۳۷	۷۱-۴۴	۰/۵۸±۵۹/۲۲	۰/۴۱±۵/۲۴	۰/۶۹±۸/۸۵
عرض گوش	۳۷	۴۲-۲۹	۰/۳۵±۳۵/۳۴	۰/۲۴±۳/۱۲	۰/۶۹±۸/۸۳
ناخن ها					
قد نشسته نسبی	۳۸	۵۵-۴۶	۰/۲۲±۴۹/۶۶	۰/۱۵±۱/۹۸	۰/۳۱±۳/۹۹
س	۳۸	۷۹-۶۸	۰/۳۲±۷۴/۲۲	۰/۲۲±۲/۹۷	۰/۳۱±۴/۰۰
پیشانی و آاهانه	۳۸	۸۶-۷۲	۰/۳۵±۷۹/۵۴	۰/۲۵±۳/۲۱	۰/۳۱±۴/۰۴
گونه و پیشانی	۳۸	۹۱-۷۶	۰/۳۰±۸۴/۳۴	۰/۲۱±۲/۷۶	۰/۲۵±۳/۲۷
گونه و فک	۳۸	۳۹-۷۵	۰/۳۸±۸۱/۶۱	۰/۲۷±۳/۴۵	۰/۳۳±۴/۲۳
کل صورت	۳۸	۱۰۹-۹۰	۰/۴۸±۹۵/۹۵	۰/۳۴±۴/۳۵	۰/۳۵±۴/۵۳
قسمت علیای صورت	۳۸	۶۶-۴۶	۰/۴۳±۵۳/۷۲	۰/۳۰±۳/۹۰	۰/۵۶±۷/۲۶
بینی	۳۸	۶۷-۴۴	۰/۶۶±۵۸/۱۴	۰/۴۶±۶/۰۰	۰/۸۰±۱۰/۳۲
گوش	۳۷	۸۰-۴۹	۰/۶۲±۶/۰۲	۰/۴۴±۵/۵۶	۰/۷۳±۹/۲۶

\* شاخص س ۷۹-۳؛ شاخص کل صورت ۹۰-۳۸؛ شاخص بینی ۶۷-۳۷؛ نیم رخ بینی راست. گروه د متشکل شده از افراد گروه بهمنهای

افراد دارای چشم مختلط.

مقایسه بین گروه د\* و گروه ج\*\*

اندازه ها	اختلاف	خ.ع.	گروه د در مقابل گروه ج
سن	+۲/۷۵	۱/۵۳	
قد	-۰/۳۳	۰/۴۲	
قد نشسته	-۰/۴۵	۰/۶۶	
طول سر	+۱/۰۸	۱/۲۷	
عرض سر	-۰/۵۷	۰/۹۷	
حداقل قطر پیشانی	-۲/۲۸	۴/۰۷	
عرض دو گونه	-۰/۹۵	۱/۴۲	
عرض فکین	+۰/۱۶	۰/۱۹	
طول کل صورت	۰/۰۰	۰۰۰	
طول قسمت علیای صورت	-۰/۴۵	۰/۶۵	
طول بینی	-۰/۸۰	۱/۱۶	
عرض بینی	-۰/۴۲	۱/۰۵	
طول گوش	+۰/۸۴	۱/۱۱	
عرض گوش	-۰/۱۸	۰/۳۸	
شاخص ها			
قد نشسته نسبی	-۰/۵۲	۱/۷۳	
سر	-۰/۷۸	۱/۹۰	
پیشانی و آهیانه	-۰/۵۱	۱/۱۳	
گونه و پیشانی	-۰/۶۸	۱/۶۶	
گونه و فک	+۰/۷۸	۱/۴۷	
کل صورت	+۱/۲۰	۲/۰۰	
قسمت علیای صورت	+۰/۴۲	۰/۷۸	
بینی	-۰/۱۶	۰/۲۰	
گوش	-۱/۲۴	۱/۴۳	

\* گروه د (چشم سیاه)؛ شاخص سر X-۷۹؛ شاخص کل صورت X-۹۰؛ شاخص بینی X-۶۷؛ نیم رخ بینی راست.

\*\* گروه ج (چشم سیاه)؛ شاخص سر X-۷۹؛ شاخص کل صورت X-۹۰؛ شاخص بینی X-۶۷؛ نیم رخ بینی  
محدب و مقعر و محدب.



افراد بینی راست (گروه د) پیرتراز حیث قد و قد نشسته کمی کوتاهتر و دارای سردرازتر و باریکتر هستند و پیشانی باریکتر و دارای قطر دوگانه باریکتر میباشند وای ناحیه فك آنها پهن تر است و بینی کوچکتر و گوش درازتر و باریکتر دارند .

اختلاف عمده در حداقل قطر پیشانی مشاهده میشود و همچنین در شاخص کل صورت اختلافات دیگری که ممکن است عمده بشمار آید شاخص سروقد نشسته نسبی است میزان انحراف S.D. (Standard Devition) و ضرایب تنوع C.V. (Coefficients of Variation) نشان میدهد که رویهم رفته هیچیک از دو گروه کمتر یا بیشتر از دیگری متجانس نیست .

قدم بعد بررسی گروه بیست و یک نفری افراد سر پهن ( شاخص سر ۸۰- $\bar{x}$ ) دارای نیمرخ بینی محدب و مقعر و محدب میباشد . از نظر شاخص صورت و شاخص بینی یا چشم برنگ مختلط در گروه الف و د کسی از سری حذف نشد زیرا جمع گروه سر پهن در ۲۶۲ فرد خیلی زیاد نیست .

## گروه ۵\*

اندازه ها	حدود	میانگین	S. D.	C. V.
سن	۶۴-۱۵	$۰.۳ \pm ۳۴/۱۵$	$۰.۶ \pm ۱۱/۱۰$	$۳۸ \pm ۳۲/۵۰$
قد	۸۱-۱۵۲	$۱.۸ \pm ۱۶۴/۷۰$	$.۸۳ \pm ۸/۰.۱$	$۵۱ \pm ۴/۸۶$
قد نشسته	۹۲-۶۵	$۷۵ \pm ۷۹/۸۷$	$۵۳ \pm ۵/۱۰$	$۶۷ \pm ۶/۳۹$
طول سر	۹۳-۱۶۷	$۷۰ \pm ۱۸۱/۷۱$	$۵۰ \pm ۴/۷۷$	$۲۷ \pm ۲/۹۲$
عرض سر	۵۸-۱۴۱	$۶۱ \pm ۱۴۸/۴۲$	$۴۳ \pm ۴/۱۷$	$۲۹ \pm ۲/۸۱$
حد اقل قطر پیشانی	۲۸-۱۰۹	$۶۷ \pm ۱۱۵/۲۶$	$۴۷ \pm ۴/۵۶$	$۴۱ \pm ۳/۹۶$
عرض دو گونه	۴۹-۱۲۵	$۸۸ \pm ۱۳۶/۵۰$	$۶۲ \pm ۶/۰۰$	$۴۶ \pm ۴/۴۰$
عرض فکین	۲۱-۱۰۲	$۶۶ \pm ۱۱۰/۱۸$	$۴۷ \pm ۴/۴۸$	$۴۲ \pm ۴/۰۷$
طول کل صورت	۲۹-۱۱۰	$۶۸ \pm ۱۲۰/۵۵$	$۴۸ \pm ۴/۶۵$	$۴۰ \pm ۳/۸۶$
طول قسمت علیای صورت	۷۹-۶۰	$۷۲ \pm ۷۰/۵۵$	$۵۱ \pm ۴/۹۰$	$۷۲ \pm ۶/۹۵$
طول بینی	۶۷-۴۴	$۷۲ \pm ۵۳/۵۰$	$۵۱ \pm ۴/۹۲$	$۹۶ \pm ۹/۲۰$
عرض بینی	۳۹-۲۸	$۳۴ \pm ۳۲/۴۲$	$۲۴ \pm ۲/۳۱$	$۷۴ \pm ۷/۱۳$

# گروه ۵

میانگین

حداود تعداد

اندازه ها

طول گوش	۲۱	۷۵-۴۸	حدود	۰/۸۵ ± ۵۹/۲۲	S. D.	۰/۹۰ ± ۵/۷۶	C. V.	۱/۰۱ ± ۹/۷۳
عرض گوش	۲۱	۴۰-۲۹		۰/۴۳ ± ۳۵/۲۸		۰/۳۰ ± ۲/۹۱		۰/۸۶ ± ۸/۲۵

شاخص<sup>۱۵</sup>

قد انشسته نسبی	۲۱	۵۳-۴۰		۰/۳۴ ± ۴۸/۳۰		۰/۲۴ ± ۲/۳۰		۰/۵۰ ± ۴/۷۶
سر	۲۱	۹۷-۸۰		۰/۵۲ ± ۸۲/۵۶		۰/۳۷ ± ۳/۵۴		۰/۴۵ ± ۴/۲۹
پیشانی و آهپانده	۲۱	۸۶-۷۲		۰/۴۲ ± ۷۷/۸۶		۰/۳۰ ± ۲/۸۵		۰/۳۸ ± ۳/۶۶
گونه و پیشانی	۲۱	۹۵-۸۰		۰/۴۵ ± ۸۴/۹۴		۰/۳۲ ± ۳/۰۸		۰/۳۸ ± ۳/۶۳
گونه و فک	۲۱	۸۶-۷۲		۰/۵۰ ± ۸۰/۷۱		۰/۳۶ ± ۳/۴۲		۰/۴۴ ± ۴/۲۴
کل صورت	۲۱	۹۹-۸۰		۰/۴۶ ± ۸۸/۴۵		۰/۳۳ ± ۳/۱۵		۰/۳۷ ± ۳/۵۶
قسمت علیای صورت	۲۱	۵۷-۴۰		۰/۵۳ ± ۴۹/۰۱		۰/۳۷ ± ۳/۶۰		۰/۷۶ ± ۷/۳۵
بینی	۲۱	۷۱-۴۸		۰/۷۸ ± ۶۰/۱۸		۰/۵۵ ± ۵/۲۸		۰/۹۱ ± ۸/۷۷
گوش	۲۱	۷۶-۴۵		۰/۹۲ ± ۵۹/۴۶		۰/۶۵ ± ۶/۲۸		۱/۱۰ ± ۱۰/۵۶

\* شاخص سر: ۸۰-۱۵؛ نیم رخ بینی: محیط رمدور و محیط .

اکنون باید اختلاف بین افراد چشم سیاه سردراز دارای بینی محدب و مقعر و محدب یعنی گروه ج و افراد دارای بینی راست یعنی گروه د را با افراد سرگرد دارای بینی محدب و مقعر و محدب بدون آنکه افراد دارای چشم مختلط یعنی گروه ه را از سری حذف نمایم .

### مقایسه بین گروه ج و د \* با گروه ه

اندازه ها	گروه ج	گروه د	گروه ج در مقابل گروه ه	گروه د در مقابل گروه ه
سن	۳۶/۳۰	۳۹/۰۵	۲/۱۵	۴/۹۰
قد	۱۶۵/۸۷	۱۶۵/۵۴	۱/۱۷	۰/۸۴
قد نشسته	۸۳/۱۷	۸۲/۷۲	۳/۳۰	۲/۸۵
طول سر	۱۸۸/۲۵	۱۸۹/۳۳	۶/۵۴	۷/۶۲
عرض سر	۱۴۱/۴۰	۱۴۰/۸۳	۷/۰۲	۷/۵۹
حداقل قطر پیشانی	۱۱۳/۴۲	۱۱۱/۱۴	۱/۸۴	۴/۱۲
عرض دو گونه	۱۳۳/۸۵	۱۳۲/۹۰	۲/۶۵	۳/۶۰
عرض فکین	۱۰۷/۹۸	۱۰۸/۱۴	۲/۲۰	۲/۰۴
طول کل صورت	۱۲۶/۲۰	۱۲۶/۲۰	۵/۶۵	۵/۶۵
طول قسمت علیای صوت	۷۵/۳۵	۷۴/۹۰	۴/۸۰	۴/۳۵
طول بینی	۵۶/۴۲	۵۵/۶۲	۲/۹۲	۲/۱۲
عرض بینی	۳۲/۶۶	۳۲/۲۴	۰/۲۴	۰/۱۸
طول گوش	۵۸/۳۸	۵۹/۲۲	۰/۸۴	۰/۰۰
عرض گوش	۳۵/۵۲	۳۵/۳۴	۰/۲۴	۰/۰۶
شاخص ها				
قد نشسته نسبی	۵۰/۱۸	۴۹/۶۶	۱/۸۸	۱/۳۶
سر	۷۵/۰۰	۷۴/۲۲	۷/۵۶	۸/۳۴
پیشانی و آهیانه	۸۰/۰۵	۷۹/۵۴	۲/۱۹	۱/۶۸
گونه و پیشانی	۸۵/۰۲	۸۴/۳۴	۰/۰۸	۰/۶۰
گونه و فک	۸۰/۸۳	۸۱/۶۱	۰/۱۲	۰/۹۰
کل صورت	۹۴/۷۵	۹۵/۹۵	۶/۳۰	۷/۵۰

قسمت علیای صورت	۵۳/۳۰	۵۳/۷۲	۴/۲۹	۴/۷۱
بینی	۵۸/۳۰	۵۸/۱۴	۱/۸۸	۲/۰۴
گوش	۶۱/۲۶	۶۰/۰۲	۱/۸۰	۰/۵۶

\* گروه ج و د منحصر است با فردی که شاخص کل صورت آنها ۹۰- و شاخص بینی آنها ۶۷- است.

گروه سردراز (ج) در مقایسه با گروه سرگرد (ه) با نیمرخ بینی محدب و مقعر و محدب مسن تر و قد بلند تر هستند و قد نشسته آنها خیلی بلند تر و سر آنها درازتر و باریکتر و صورت و پیشانی آنها باریکتر و صورت آنها درازتر و بخصوص قسمت علیای صورت و بینی آنها درازتر و پهن تر و گوش آنها کوتاهتر و پهن تر است. وقتی اختلافات بین افراد سردراز و بینی راست (گروه د) را با گروه سرگرد با بینی محدب یا مقعر و محدب (گروه ه) مقایسه میکنیم می بینیم که گروه اول بطور قابل ملاحظه مسن تر و از حیث قد کمی بلند تر و از حیث قد نشسته بلند تر هستند و سردراز تر و باریکتر و پیشانی خیلی باریکتر و صورت باریکتر و درازتر و بینی دراز تر و کمی باریکتر و گوشي بهمان اندازه دارند.

گروه سردراز دارای بینی راست و محدب در مقایسه با گروه سرگرد از لحاظ جهت انحراف میانگین دریا زده از سیزده اندازه (۸۴/۶۲ درصد) و در هشت شاخص از نه شاخص (۸۸/۸۹ درصد) یکسان هستند. تنها فرق انحرافات خیلی کم و شاید غیر قابل اهمیت در عرض بینی و طول گوش و در میانگین شاخص گونه و پیشانی دیده میشود اختلافات عمده بین دو گروه سردراز و سرگرد چنانکه از جدول مشاهده میشود خیلی مشخص است. بعبارت دیگر سرگرد ها بدون شک يك گروه مشخص نژادی هستند و دلیلی بر این تصور در دست نیست که سردرازا بینی بزرگ محدب خود را از عنصر سرگرد گرفته باشند.

بنابر این باین نتیجه میرسیم که ایران در نواحی محدودی که نویسنده بررسی کرده دارای دو نوع نژادی عمده است که هر دو سردراز و صورت باریک و بینی باریک هستند و هر دو هویت مشخص دارند و خصوصیات آنها نیمرخ بینی راست یا محدب و مقعر و محدب است. بعلاوه بینی بزرگ محدب يك گروه در اثر اختلاط با گروه سرگرد نیست زیرا گروه اخیر عنصر جدا و مشخصی است که از حیث اندازه ها و شاخص ها با دو گروه دیگر فرق عمده دارند.

يك مطلب دیگر اینکه يك عنصر جدا گانه پوری که در افراد دارای چشمان مختلط پیدا شده در جمعیت ایران وجود دارد. بهمین جهت ارقام میانگین و میزان انحرافات و ضرایب تنوع در مورد افراد دارای چشم مختلط و بینی باریک و صورت باریک و سردراز که از گروه های الف و ب حذف شده بود مورد محاسبه قرار گرفت. این سی و هفت نفر که یا بینی راست یا بینی محدب و مقعر و محدب دارند گروه (و) خوانده شد که در جدول زیر مشاهده میشود.

## گروه و \*

میزان انحرافات	میانگین	اندازه ها	عرض
C. V.	S. D.	تعداد	سن
$55 \pm 32/51$	$1/88 \pm 11/25$	$74 -$	۳۷
$28 \pm 3/51$	$0/47 \pm 6/00$	$81 - 55$	۳۷
$51 \pm 6/54$	$0/44 \pm 5/81$	$98/75$	۳۷
$20 \pm 57$	$0/38 \pm 4/86$	$102 - 179$	۳۷
$26 \pm 37$	$0/37 \pm 4/71$	$102 - 129$	۳۷
$24 \pm 05$	$0/27 \pm 3/44$	$120 - 10$	۳۷
$32 \pm 14$	$0/44 \pm 5/55$	$144 - 120$	۳۷
$42 \pm 40$	$0/45 \pm 5/76$	$15 - 94$	۳۷
$31 \pm 31,99$	$0/40 \pm 5/10$	$4 - 12$	۳۷
$31 \pm 7/83$	$0/47 \pm 6/05$	$4 - 65$	۳۷
$38 \pm 23$	$0/52 \pm 6/90$	$5 - 44$	۳۷
$37 \pm 59$	$0/23 \pm 2/87$	$2 - 28$	۳۷

میزان انحرافات

C. V.

S. D.

میانگین

تعداد

اندازه ها

سن

قد

قد نشسته

طول سر

عرض سر

حده اقل قطر پیشانی

عرض دو گونه

عرض فکین

طول کل صورت

طول قسمت علیای صورت

طول بینی

عرض بینی

گمر

میان

اندازه ه

S. V.	S. D.	میان	طول گوش	عرض گوش
$104 \pm 6/88$	$31 \pm 4/00$	$44 \pm 0/81$	$67-48$	$37$
$184 \pm 10/72$	$129 \pm 3/72$	$41 \pm 3/41$	$43-26$	$37$

شا

$133 \pm 4/23$	$117 \pm 2/16$	$24 \pm 0/1$	$07-46$	$37$	قد نشسته فسی
$129 \pm 3/60$	$121 \pm 2/70$	$30 \pm 7/4$	$79-68$	$37$	سر
$131 \pm 3/93$	$120 \pm 3/10$	$30 \pm 8/0$	$89-70$	$37$	پیشانی و آهپانه
$129 \pm 2/60$	$124 \pm 3/08$	$34 \pm 8/4$	$90-76$	$37$	گونه و پیشانی
$137 \pm 4/72$	$130 \pm 3/78$	$42 \pm 8/0$	$89-72$	$37$	گونه و فاک
$131 \pm 2/90$	$129 \pm 3/70$	$42 \pm 9/6$	$9-90$	$37$	کل صورت
$132 \pm 7/99$	$130 \pm 4/41$	$49 \pm 0/0$	$66-43$	$37$	قسمت علیای صورت
$133 \pm 9/33$	$143 \pm 0/02$	$61 \pm 0/9$	$67-48$	$37$	بینی
$138 \pm 8/66$	$140 \pm 0/16$	$57 \pm 0/8$	$72-49$	$37$	گوش

زافراد ای چشم

بینی ۶۷-۵۸. رنگی چشم مختلف. این گن

شا \* شاخص سر ۷۹؛ شاخص کل صورت

مختلط کرو.های الف وب.

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۹۱

گروه دارای چشم مختلط یعنی گروه (و) را باید اکنون با گروه چشم سیاه سردراز که بینی محدب و مقعر و محدب دارند یعنی گروه ج و با گروه دارای بینی راست یعنی گروه د و همچنین با گروه سر گرد یا گروه ه مقایسه کرد .

### مقایسه گروه و با گروه های ج و د و ه

اندازه ها	گروه و با ج	گروه و با د	گروه و با ه
سن	- ۱/۷۵	- ۴/۵۰	+ ۰/۴۰
قد	+ ۲/۵۵	+ ۲/۸۸	+ ۳/۷۲
قد نشسته	+ ۲/۵۵	+ ۳/۰۰	+ ۵/۸۵
طول سر	+ ۱/۱۷	+ ۰/۰۹	+ ۷/۷۱
عرض سر	- ۱/۴۴	- ۰/۸۷	- ۸/۴۶
حداقل قطر پیشانی	- ۰/۷۶	+ ۱/۵۲	- ۲/۶۰
عرض دو گونه	+ ۰/۲۰	+ ۱/۱۵	- ۲/۴۵
عرض فکین	- ۱/۳۶	- ۱/۵۲	- ۳/۵۶
طول کل صورت	+ ۱/۶۰	+ ۱/۶۰	+ ۷/۲۵
قسمت علیای صورت	+ ۱/۹۰	+ ۲/۳۵	+ ۶/۷۰
طول بینی	+ ۲/۳۶	+ ۳/۱۶	+ ۵/۲۸
عرض بینی	+ ۱/۹۲	+ ۲/۳۴	+ ۲/۱۶
طول گوش،	- ۰/۲۴	- ۱/۰۸	- ۱/۰۸
عرض گوش	- ۰/۸۱	- ۰/۶۳	- ۰/۵۷
شاخص ها			
قد نشسته نسبی	+ ۰/۸۶	+ ۱/۳۸	+ ۲/۷۴
سر	- ۰/۹۶	- ۰/۱۸	- ۸/۵۲
پیشانی و آهیانه	+ ۰/۱۸	+ ۰/۶۹	+ ۲/۳۷
گونه و پیشانی	- ۰/۷۲	- ۰/۰۴	- ۰/۶۴
گونه و فك	- ۰/۶۹	- ۱/۴۷	- ۰/۵۷
كل صورت	+ ۱/۴۵	+ ۰/۲۵	+ ۷/۷۵
قسمت علیای صورت	+ ۱/۸۹	+ ۱/۴۷	+ ۶/۱۸
بینی	+ ۰/۸۴	+ ۱/۰۰	- ۱/۰۴
گوش	- ۱/۶۸	- ۰/۴۴	+ ۰/۱۲



وقتی گروه و را با نمونه سیاه چشم سردراز (گروه ج و د) و با عنصر سر پهن (گروه ه) مقایسه میکنیم مشاهده میشود که گروه و در دوازده از بیست و سه اندازه و شاخص نزدیکتر به گروه ج است که عبارتند از: قد - قد نشسته - حداقل قطر پیشانی - عرض دو گونه - عرض فکین - طول قسمت علیای صورت - طول و عرض بینی - طول گوش - قد نشسته نسبی - شاخص پیشانی و آهیانه و شاخص بینی . گروه و فقط درشش اندازه و شاخص نزدیک به گروه د یعنی سیاه چشم سردراز با بینی راست میباشد که عبارتند از: طول سر - عرض سر - شاخص سر - شاخص گونه و پیشانی و شاخص کل و قسمت علیای صورت . گروه و فقط در سه شاخص نزدیک به گروه سر پهن است که عبارتند از: عرض گوش - شاخص گونه و فک و شاخص گوش . خلاصه میتوان گفت که از سه گروه دسته چشم مختلط سردراز (گروه و) بیشتر از دیگران به دسته چشم سیاه سردراز با بینی محدب (گروه ج) شباهت دارند .

بعلاوه باید توجه داشت که اختلاف حقیقی در میانگین بین گروه و و ج از همه کمتر است و اختلاف عمده در قد و طول صورت و بینی دیده میشود ولی این اختلافات آنقدر زیاد نیست که گروه و را يك گروه مشخص و جداگانه بسازد . از طرف دیگر وقتی گروه و با دسته سر پهن (گروه ه) که دارای چشم مختلط هستند مقایسه میشود اختلاف بین میانگین ها زیاد است . شواهدی در دست است که گروه سر پهن گروه مشخصی هستند و دلیلی نشان داده نمیشود که با گروه سردراز مخلوط شده و خصوصیات خود را بآنها داده باشند .

### مشاهدات شکل شناسی

مشاهدات شکل شناسی به دو طبقه تخصیص داده شد که همان دو گروه اصلی ما باشد افراد با چشم مختلط از گروهها حذف نشدند زیرا معلوم شد که در این مشاهدات تأثیر زیادی ندارند .

گروه الف : شاخص سر  $X - ۷۹$  ؛ شاخص کل صورت  $۹۰ - X$  ؛  
 شاخص بینی  $۶۷ - X$  ؛ نیمرخ بینی : محدب و مقعر و محدب  
 گروه ب : شاخص سر  $X - ۷۹$  ؛ شاخص کل صورت  $۹۰ - X$  ؛  
 شاخص بینی  $۶۷ - X$  ؛ نیمرخ بینی راست .

لازم که همه مشاهدات بخصوص آنهاییکه مطالب درباره همه افراد بررسی شده آن کامل نیست جدول بندی شود . قبل از بررسی تعداد و درصد افراد در هر يك

# مردم‌شناسی جسمانی ایران-۵۹۳

ازطبقه بندی ها لازم است که تعداد افراد هر يك ازسریهای ایران درگروه الف و ب ثبت شود .

سری	تعداد	درصد	گروه الف	تعداد	درصد	گروه ب	تعداد	درصد	گروه الف + ب
لرها	۲۰	۲۷/۷۷	۱۶	۲۸/۵۷	۳۶	۲۸/۱۳	۲۸/۱۳	۲۸/۱۳	۲۸/۱۳
کناره	۲۱	۲۹/۱۸	۱۳	۲۳/۲۱	۳۴	۲۶/۵۶	۲۶/۵۶	۲۶/۵۶	۲۶/۵۶
یزدخواست	۹	۱۲/۵۰	۹	۱۶/۰۷	۱۸	۱۴/۰۶	۱۴/۰۶	۱۴/۰۶	۱۴/۰۶
یهودیها	۱۷	۲۳/۶۱	۱۴	۲۵/۰۰	۳۱	۲۴/۲۲	۲۴/۲۲	۲۴/۲۲	۲۴/۲۲
دی	۵	۶/۹۴	۴	۷/۱۴	۹	۷/۰۳	۷/۰۳	۷/۰۳	۷/۰۳
مجموع	۷۲	۱۰۰/۰۰	۵۶	۹۹/۹۹	۱۲۸	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰

شکل	تعداد	درصد	گروه الف	تعداد	درصد	گروه ب	تعداد	درصد
صاف	۰	۰۰۰	۰	۰	۰۰۰	۰	۰	۰۰۰
مجعد خیلی درشت	۱۰	۱۴/۴۹	۴	۷/۶۹	۴	۷/۶۹	۷/۶۹	۷/۶۹
مجعد درشت	۵۴	۷۸/۲۶	۴۵	۸۶/۵۴	۴۵	۸۶/۵۴	۸۶/۵۴	۸۶/۵۴
مجعد ریز	۴	۵/۸۰	۳	۵/۷۷	۳	۵/۷۷	۵/۷۷	۵/۷۷
فرفری	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
پشمی	۱	۱/۴۵	۱	۱/۴۵	۱	۱/۴۵	۱/۴۵	۱/۴۵
مجموع	۶۹	۱۰۰/۰۰	۵۲	۱۰۰/۰۰	۵۲	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰

نسج	تعداد	درصد	گروه الف	تعداد	درصد	گروه ب	تعداد	درصد
خشن	۶	۹/۰۹	۸	۱۶/۳۳	۸	۱۶/۳۳	۱۶/۳۳	۱۶/۳۳
حشن متوسط	۲	۳/۰۳	۱	۲/۰۴	۱	۲/۰۴	۲/۰۴	۲/۰۴
متوسط	۳۵	۵۳/۰۳	۲۴	۴۸/۹۸	۲۴	۴۸/۹۸	۴۸/۹۸	۴۸/۹۸
متوسط نرم	۵	۷/۵۸	۶	۱۲/۲۴	۶	۱۲/۲۴	۱۲/۲۴	۱۲/۲۴
نرم	۱۸	۲۷/۲۷	۱۰	۲۰/۴۱	۱۰	۲۰/۴۱	۲۰/۴۱	۲۰/۴۱
مجموع	۶۶	۱۰۰/۰۰	۴۹	۱۰۰/۰۰	۴۹	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰

# ۵۹۴- مردم‌شناسی ایران

رنگ			
۳۵/۲۹	۱۸	۳۱/۸۸	۲۲
...	.	۱/۴۵	۱
۳۹/۲۲	۲۰	۴۲/۰۳	۲۹
...	.	۱/۴۵	۱
...	.	...	۰
...	.	...	۰
۷/۸۴	۴	۴/۳۵	۳
۱۵/۶۹	۸	۸/۷۰	۶
...	.	۵/۸۰	۴
...	.	...	۰
...	.	...	۰
۱/۹۶	۱	۴/۳۵	۳
۱۰۰/۰۰	۵۱	۱۰۰/۰۱	۶۹

## چشم

گروه ب		گروه الف	
درصد	تعداد	درصد	تعداد
۷۰/۳۷	۳۸	...	۰
۱۲/۹۶	۷	۷۰/۸۳	۵۱
...	۰	۱۱/۱۱	۸
۱۴/۸۱	۸	...	۰
۱/۸۵	۱	۸/۳۳	۶
		۴/۱۷	۳
		۴/۱۷	۳
		۱/۳۹	۱
		...	۰
		...	۰
		...	۰
		...	۰
		...	۰
		...	۰
۹۹/۹۹	۵۴	۷۲	مجموع

مردم شناسی جسمانی ایران - ۵۹۵

۷۴/۰۷	۴۰	۷۴/۶۳	۵۰	سیاهی
۱۴/۸۱	۸	۸/۹۵	۶	یکنواخت
۱۱/۱۱	۶	۱۶/۴۲	۱۱	خط دار
۹۹/۹۹	۵۴	۱۰۰/۰۰	۶۷	حلقه دار
				مجموع

۷۹/۶۳	۴۳	۸۲/۰۹	۵۵	سفیده
...	...	...	...	صاف
۲۰/۳۷	۱۱	۱۶/۴۲	۱۱	زرد
...	...	...	...	لك دار
...	...	۱/۴۹	۱	خونین
...	...	...	...	لك دار و خونین
...	...	...	...	لك دار و زرد
۱۰۰/۰۰	۵۴	۱۰۰/۰۰	۶۷	مجموع

لیستی

گروه الف      گروه ب

تعداد	درصد	تعداد	درصد	نمبرخ
...	...	...	...	موجداد
...	...	...	...	مقعر
۱۰۰/۰۰	۵۶	...	...	راست
...	...	۹۵/۸۳	۶۹	محدب
...	...	۴/۱۷	۳	مقعر و محدب
۱۰۰/۰۰	۵۶	۱۰۰/۰۰	۷۲	مجموع
				ضخامت نوک

۵۱/۲۸	۲۰	۵۲/۹۴	۲۷	— —
۲۵/۶۴	۱۰	۱۷/۶۵	۹	متوسط
۲۰/۵۱	۸	۲۷/۴۵	۱۴	+
۲/۵۶	۱	۱/۹۶	۱	++
۹۹/۹۹	۳۹	۱۰۰/۰۰	۵۱	مجموع

۸/۹۳	۵	۱۱/۱۱	۸	پره فشرده
۱۶/۰۷	۹	۸/۳۳	۶	فشرده متوسط
۵۳/۵۷	۳۰	۵۶/۹۴	۴۱	متوسط
۱۹/۶۴	۱۱	۱۸/۰۶	۱۳	باز متوسط
۱/۷۹	۱	۴/۱۷	۳	باز
...	۰	۱/۳۹	۱	باز +
۱۰۰/۰۰	۵۶	۱۰۰/۰۰	۷۲	وع
دندان				

...	۰	...	۰۰	بیم‌چسبندگی عقب
۶/۰۰	۳	۲/۹۴	۲	لب بلب
۸۴/۰۰	۴۲	۷۲/۰۶	۴۹	کمی جلو
۱۰/۰۰	۵	۲۵/۰۰	۱۷	خیلی جلو
۱۰۰/۰۰	۵۰	۱۰۰/۰۰	۶۸	مجموع
افنادگی				
۲۲/۵۸	۷	۲۱/۴۳	۹	هیچ
۵۱/۶۱	۱۶	۵۰/۰۰	۲۱	۴-۱
...	۰۰	۹/۵۲	۴	۸-۵
۱۶/۱۳	۵	۱۶/۶۷	۷	۱۶-۹
۹/۶۸	۳	۲/۳۸	۱	۳۲-۱۷
۱۰۰/۰۰	۳۱	۱۰۰/۰۰	۴۲	مجموع

وقتی پخش درصدها را در هر يك از دو گروه مطالعه می‌کنیم شباهت قابل ملاحظه در کلیه پنج گروه ایران آشکار می‌شود. در مقایسه گروه ب (شاخص سر  $x$  — ۷۹؛ شاخص کل صورت ۹۰ —  $x$ ؛ شاخص بینی  $x$  — ۶۷؛ نیمرخ بینی راست) با گروه الف (نیمرخ بینی محدب و مقعر و محدب) مشاهده می‌کنیم که در گروه ب موی سر کمی مجعد تر و عنصر خشن تر نمایان تر و از لحاظ رنگ تیره تر است.

چشمها بطور قابل ملاحظه تیره تر است و تعداد چشم مختلط کمتر است و در سیاهی و سفیدیه فقط اختلاف جزئی دیده میشود. اختلاف بین نیمرخ بینی زیاد است زیرا این یکی از عوامل طبقه بندی بود. نوك بینی کمی نازکتر و پره قدری بیشتر فشرده است.

مشاهده شد (در صفحه قبل) در حالیکه گروه ب از گروه الف بطور عمده از حیث نیمرخ بینی و حداقل قطر پیشانی اختلاف دارد شواهدی بر وجود اختلاف در قد و در اندازه سرو انداز صورت نیز دیده میشود. اگر اختلافات شکل شناسی را نیز اضافه کنیم واضح میشود که این دو گروه از لحاظ نژادی مشخص هستند. بر اساس مباحث بالا نسبت با افرادی که نویسنده در مرکز و مغرب ایران اندازه گیری کرد نتایج زیر گرفته میشود. دو عنصر که از لحاظ تعداد زیادتر و از لحاظ ایرانی بودن مشخص ترند دارای خصوصیات زیر میباشد: سردراز و صورت باریک و بینی باریک و اختلاف آنها با یکدیگر فقط در قسمت نیمرخ بینی میباشد. يك گروه دارای بینی راست و تعداد زیادتری بینی محدب و مقعر و محدب دارند. بجز این اختلاف اگر چه از لحاظ آماری اختلاف زیادی بین آنها نیست مقایسه مشاهدات شکل شناسی علاوه بر خصوصیات بینی ثابت میکند که هر يك دارای هویت جداگانه میباشد. برای تعیین اینکه آیا نوع بزرگ سردراز بینی محدب يك عنصر ذاتی در جمعیت ایران هستند یا نه آمار افراد سر پهن بینی دراز را جدول بندی کردیم و فوراً آشکار شد که عنصر سر پهن یا سر گرد بهیچوجه نسبتی با افراد سر دراز ندارند و بینی دراز نوع سر دراز این عنصر بیگانه اخذ نشده است. بعلاوه يك گروه چهارم افراد سر دراز چشم مختلط که عنصر بوری در آنها بخصوص در میان لرها وجود دارد بنظر رسید که از حیث اندازه ها و شاخص ها مربوط به نوع سر دراز بینی بزرگ هستند.

بنابراین بر اساس این نتایج واضح است که نوع سردراز بینی کج در فلات ایران بوجود آمده و یا حتی اصل آنها از آنجا میباشد. نوع سر دراز بینی راست بیشتر شبیه نوع مدیترانه اصلی میباشد که نماینده عنصر حاضر آنان افراد بدوی صحرائی عربستان شمالی هستند. مردم سردراز بینی کج ظاهرأ يك نوع جدید و شاید اساسی قسمت اروپائی و آفریقائی نژاد سفید باشند و شاید منبع اصلی پخش گروه بینی محدب هستند که در بین سایر نژادها پراکنده اند فلات ایران و يك باریکه

بهمان عرض بسمت مدیترانه ممکن است آن ناحیه در دنیا باشد که در آن بشر بوجود آمده است. گروه دارای چشم مختلط که نشانه‌ای از عنصر پنهانی بوری است ممکن است تحت نوردیک اولیه طبقه‌بندی شود. نوع سر پهن بدون شك از دشت ترکستان رو به جنوب بسوی خراسان و همچنین از کوهستان قفقاز بسوی جنوب روی آوردند. عنصر اصلی سر درازها هستند و حلقه مرکزی در سلسله انواع مدیترانه را از اوقیانوس اطلس تا سواحل اوقیانوس کبیر تشکیل می‌دهند.

طبقه‌بندی توسط هاشین افراد زیر را در هر يك از طبقات قرار می‌دهد. شماره تصویر و شکل برای پیدا کردن آنها اضافه شده است. این افراد دارای مشخصات زیر هستند: شاخص سر x-۷۹؛ شاخص کل صورت ۹۰-x و شاخص بینی x-۶۷.

گروه د: راست

۲۰۱	شکل ۵۶	تصویر ۳۴۳۴	۲۰۱	شکل ۱۲۴	تصویر ۳۳۰۴
۲۰۱	« ۶۲	} ۳۴۴۳	۲۰۱	« ۱۱۹	« ۳۳۱۴
۲۰۱	« ۱		۲۰۱	« ۱۱۴	« ۳۳۲۴
۲۰۱	« ۵۱	« ۳۴۴۸	۴۰۳	« ۱۱۹	« ۳۳۲۶
۴۰۳	« ۵۵	« ۳۴۴۹	۴۰۳	« ۱۲۵	} ۳۳۲۹
۲۰۱	« ۵۰	} ۳۴۵۴	۴۰۳	« ۱	
۴۰۳	« ۲		۴۰۳	« ۱۱۲	« ۳۳۳۰
۲۰۱	« -۱۳۸	« ۳۴۶۶	۴۰۳	« ۹۱	« ۳۳۳۶
		۳۴۷۱	۲۰۱	« ۸۲	« ۳۳۳۷
۲۰۱	« ۳۳	« ۳۴۸۰	۴۰۳	« ۹۲	« ۳۳۴۴
۴۰۳	« ۲۱	« ۳۴۹۰	۲۰۱	« ۸۸	« ۳۳۴۹
۲۰۱	« ۲۳	« ۳۵۰۹	۴۰۳	« ۹۴	« ۳۳۵۰
۲۰۱	« ۱۶	« ۳۵۱۶	۲۰۱	« ۹۴	« ۳۳۵۸
۲۰۱	« ۱۷	« ۳۵۱۸	۲۰۱	« ۸۱	« ۳۳۶۱
		۳۵۲۷			۳۳۶۵
		۳۵۵۲	۴۰۳	« ۸۷	« ۳۳۷۱
		۳۵۵۵	۴۰۳	« ۸۳	« ۳۳۷۲
		۳۵۵۶	۲۰۱	« ۶۸	« ۳۳۸۴

۳۵۶۸	۲،۱	۶۵	۳۴۱۸
	۴،۳	۶۴	۳۲۴۰
	۲،۱	۶۰	۳۴۲۸ -
	} ۳۴۳۰. تصویر ۵۹ شکل ۴،۳		
	۲،۱	۲	

### گروه ۵ - سرپهن

تصویر ۱۳۸ شکل ۴،۳	۳۴۵۸	تصویر ۷۱ شکل ۲،۱	۳۳۵۷
۴،۳	۳۴۷۵	۴،۳	۳۳۶۲
۴،۳	۳۴۷۹	۲،۱	۳۳۶۶
۲،۱	۳۴۸۸	۴،۳	۳۳۶۹
۴،۳	۳۴۹۶	۲،۱	۳۳۸۳
۴،۳	۳۵۰۲	۴،۳	۳۳۹۰
	۳۵۳۲	۲،۱	۳۴۳۶
	۳۵۳۴	۴،۳	۳۴۳۸
	۳۵۴۰	۲،۱	۳۴۵۳
	۳۵۴۸	۴،۳	
	۳۵۵۷		
	۳۵۶۹	۴،۳	

### گروه ۶ - چشم مختلط

۲،۱	۱۱۳	۳۳۲۷	تصویر ۱۲۰ شکل ۴،۳	۳۲۸۲
۴،۳	۱۲۸	۳۳۲۸	۲،۱	۳۲۸۸
۲،۱	۷۶	۳۳۴۲	۴،۳	۳۲۹۱
۲،۱	۷۳	۳۳۸۰	۲،۱	۳۲۹۲
۴،۳	۷۷	۳۳۸۶	۴،۳	۳۲۹۳
۲،۱	۹۰	۳۳۸۷	۲،۱	۳۲۹۴
		۳۳۹۷	تصویر ۱۳۰	
		۳۴۰۰	۴،۳	
		۳۴۰۱	۴،۳	
		۳۴۵۶	۴،۳	
		۳۴۶۹	۴،۳	



۳۴۷۰	۲۰۱	۱۱۰	۳۳۰۱
} تصویر ۳۲ شکل ۲۰۱ ۴۰۳ ۱۰	۳۴۷۶	۲۰۱ ۱۲۹	۳۳۰۲
		۲۰۱ ۱۱۶	۳۳۰۸
۲۰۱ ۲۶	۳۴۹۲	۴۰۳ ۱۰۸	} ۳۳۱۳
۲۰۱ ۲۱	۳۵۰۰	۲۰۱ ۶	
۴۰۳ ۲۰	۳۵۱۲	۴۰۳ ۱۲۹	۳۳۱۸
۴۰۳ ۱۸	۳۵۲۰	۴۰۳ ۱۲۴	۳۳۱۹
	۳۵۲۸	۲۰۱ ۱۲۵	۳۳۲۱
	۳۵۴۴	۲۰۱ ۱۱۲	۳۳۲۳
	۳۵۴۷	۴۰۳ ۱۱۳	۳۳۲۵

### گروه ج - مجذب و مقعر و مجذب

شکل ۴۰۳	تصویر ۵۸	۳۴۰۹	تصویر ۱۲۰ شکل ۲۰۱	۳۲۸۱
۴۰۳	۴۹	۳۴۱۷	۴۰۳ ۱۱۶	۳۲۸۳
۲۰۱	۶۴	} ۳۴۲۵	۲۰۱ ۱۲۱	۳۲۸۵
۴۰۳	۴		۲۰۱ ۱۱۸	۳۲۸۶
۴۰۳	۶۳	۳۴۳۳	۲۰۱ ۱۰۵	۳۲۹۹
۴۰۳	۶۱	۳۴۳۷	۴۰۳ ۱۱۱	۳۳۰۶
۲۰۱	۶۳	۳۴۳۹	۴۰۱ ۱۰۶	} ۳۳۰۷
۴۰۳	۵۱	۳۴۴۴	۲۰۱ ۳	
		۳۴۴۶	۲۰۱ ۱۱۵	۳۳۰۹
		۳۴۵۰	۴۰۳ ۱۲۶	} ۳۳۱۱
۲۰۱	۱۲۰	۳۴۶۰	۴۰۳ ۳	
۲۰۱	۱۳۷	۳۴۶۱	۴۰۳ ۸۲	۳۳۳۵
۴۰۳	۱۴۰	۳۴۶۴	۴۰۳ ۸۴	۳۳۴۱
۲۰۱	۱۳۹	۳۴۷۲	۲۰۱ ۸۵	۳۳۴۳
۴۰۳	۲۸	۳۴۷۸	۴۰۳ ۷۹	۳۳۵۶
۲۰۱	۳۴	۳۴۸۳	۲۰۱ ۸۶	۳۳۶۰
شکل ۲۰۱	۳۰	۳۴۸۷	۴۰۳ ۸۸	} ۳۳۶۳
۴۰۳	۳۱	۳۴۹۱	۴۰۳ ۹	
۴۰۳	۱۹	۳۴۹۷	۴۰۳ ۹۰	۳۳۶۴

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۰۱

۳۳۷۵	تصویر ۶۹ — شکل ۴۳	۳۵۰۸	۴۰	۲۰	۲۰۱
۳۳۷۶	۴ — ۷۲	۳۵۱۷	۴۰	۲۷	۴۰۳
۳۳۸۱		۳۵۳۳			
۳۳۸۹		۳۵۳۶			
۳۳۹۴		۳۵۳۷			
۳۳۹۶		۳۵۴۶			
۳۳۹۸		۳۵۵۳			
۳۴۰۴	۷۲ — ۴۳	۳۵۶۴			
۳۴۰۶					

### طبقه بندی تأثیری عکسها

قدم بعد در بررسی ما مطالعه عکسها است که علائم آنها در طبقه بندی ماشینی بکار رفت. انواع تأثیری فرق زیادی با اطلاعاتی که بوسیله آمار بدست آمده ندارد بجز آنکه بعضی افراد را میتوان در طبقات معینی قرار داد که بوسیله طبقه بندی ماشینی میسر نیست. این انواع فرعی مانند نوع مغولی و ارمنی و حامی و غیره را بوسیله چندین مشخصات جسمانی بهتر میتوان تشخیص داد تا بوسیله اندازه گیری اگر چه در انواع مغولی عرض استخوان دو گونه اندازه زیاد تری نشان میدهد و در نوع ارمنی مجعد بودن زیاد ترمو و برگشتگی لب قابل ثبت است. نوعهای عکسها را میتوان بگروه مدیترانه و غیر مدیترانه تقسیم و هر یک از آنها را تقسیم بندی فرعی کرد. طبقه اخیر که تشخیص آن آسانتر است با آخر گذاشته میشود زیرا بنظر میرسد از نوع مدیترانه انواع تأثیری متعدد وجود داشته باشد.

در این قسمت شماره افراد و شماره تصویر و شکل و سن هر يك ذکر گردیده است.

### انواع مدیترانه در عکسهای ایران

چندین نوع مختلف و متنوع از نوع مدیترانه در این جمعیت ایران دیده میشود و چون این کتاب فقط يك مطالعه اولیه و مقدماتی مردم شناسی و اندازه گیری مردم ایران میباشد مناسب بنظر می رسید که این انواع مختلف را از هم مشخص و متمایز نمود. با علم باینکه بعد از انجام و تکمیل مطالعه و اندازه گیری دقیق بسیاری از نوعهای فرعی با هم مخلوط شده و چند نوع نسبتاً مشخص پیدا خواهد شد.

قبل از آنکه بتوان این نوعها را از هم مجزا ساخت لازم است نظم و

ترتیبی به تعریف و توصیف نوع و نوعهای فرعی مدیترانه داد. در متن کتاب توافق عمومی تعریف نوع مدیترانه بطور خلاصه داده میشود و شرح مفصل آن با ذکر ترتیب تاریخ که از طرف اشخاص مختلف یعنی رپلی Ripley و سرجی Sergi و دنیکر Deniker و الیوت Elliot و اسمیت Smith و هدون Haddon و هوتن Hooton داده شده در ضمیمه الف (صفحات بعد) خواهد آمد تا خواننده در کمال فرصت نظریات و عقاید مختلف را با هم مقایسه نماید. در اینجا خصوصیات جسمانی که در همه تعریفها مشترک است داده میشود.

### خصوصیات کلی :

(۱) ساختمان : باریک و چابک

(۲) قد : متوسط در حدود ۱۶۵/۰

(۳) سر : دراز و باریک با شاخص سردرزی متوسط ۷۳ - ۷۷ ؛

ارتفاع متوسط ، شقیقه صاف ؛ مغزس برجسته ؛ پیشانی عمودی ؛

برآمدگی پیشانی کوچک

(۴) صورت : بیضی و باریک و دراز متوسط ؛ گونه‌ها غیر برجسته ؛

چانه متوسط و معمولاً نوک‌تیز و آرواره بندرت برآمده

(۵) بینی : باریک و دراز متوسط با شاخص بینی باریک و متوسط

معمولاً راست و صاف گاهی عقابی و حتی کمی مقعر . نوک متوسط ؛

پره متوسط در عرض

(۶) مو : قهوه سبز تا سیاه ؛ مجعد . بافت متوسط ؛ مقدار روی سر زیاد

روی صورت و بدن متوسط.

(۷) پوست : قهوه روشن

(۸) چشم : قهوه متوسط تا سیر

### تقسیمات فرعی نژاد مدیترانه :

(۱) نوع باریک کلاسیک مدیترانه مطابق تعریف سرجی

(الف) نژاد : قهوه - نه سفید و نه سیاه و نه مخلوط

(ب) پوست : قهوه

(ج) چشم : بلوطی - آفتی - بزرگ

- (د) مو : قهوه‌ای  
 (ه) قد : متوسط ۱۶۰ - ۱۷۰  
 (و) بینی : باریک متوسط  
 (ز) لب : نازک یا کمی کلفت و گوش‌تالو  
 (ح) گوش : نجسبیده  
 (ط) پیشانی : عمودی صاف و اغلب کوتاه  
 (ی) استخوان گونه : نه خیلی بلند نه خیلی عریض  
 (ك) صورت : بیضی با محیط بیضی  
 (ل) گردن : دراز و استوانه شکل  
 (م) عضله بندی : درمردها مشخص  
 (۲) نوع خشن یا اولیه مدیترانه  
 (الف) قد : متوسط تا کوتاه  
 (ب) سر : دراز  
 (ج) صورت : کوتاه و متوسط در عرض  
 (د) پوست : قهوه متوسط تا سیر  
 (ه) بینی : صاف یا مقعر  
 (و) مو : قهوه سیر - مجعد - بافت خشن - زیاد  
 (ز) لب : نسبتاً پر و گاهی برگشته  
 (ح) پیشانی : کمی پس رفته و خشن  
 (ط) عضله بندی : درمردها قوی  
 (ی) استخوان گونه : بلند متوسط و عریض  
 (ك) گردن : کوتاه و استوانه شکل  
 (۳) نوع مدیترانه بدوی

این اصطلاح یعنی نوع مدیترانه بدوی در ۱۹۳۲ از طرف نویسنده پیشنهاد شد که جای اصطلاح عجیب سامی بدوی (Proto - Semitic) را که براساس زبان‌شناسی قرار داشت بگیرد. مدیترانه بدوی اطلاق میشود با جداد انواع گوناگون مدیترانه. از لحاظ ظاهر جسمانی و شاید از حیث اندازه گیری مدیترانه بدوی شباهت زیادی به افراد بدوی یا صولویی شمال عربستان دارد که دارای سروصورت دراز باریک و بینی متوسط و راست یا عقابی و موی قهوه

سیر و مجمد ریز و بافت متوسط تانرم و برآمدگی پیشانی غیر برجسته میباشند .  
از نظر وضع کلی جسمانی این مردم احتمال می‌رود دارای استخوان بندی کوچک  
وسبک و چابک بودند . نوعهای مدیترانه بدوی به نوبه خود از اولاد شکارچیان  
عصر حجر آسیای جنوب غربی میباشند .<sup>۱</sup>

اختلافات بین يك ماهیگیر سیسیلی (نوع مدیترانه) و يك شتربان شمار  
(نوع مدیترانه بدوی) درعکس بهتر دیده میشود تا بوسیله توصیف .

وقتی عکسها بر اساس نژادی جمعیت طبقه بندی میشود مشاهده میشود  
که بعضی افراد را میتوان بگروههای زیر تقسیم کرد تا نوعها و نوعهای فرعی  
مدیترانه را تشکیل دهند . سن آنها در پراکنش دوم داده شده است :

(۱) نوع مدیترانه باریک : شماره ۳۳۱۳ (تصویر ۶ شکل ۲۰۱ - تصویر  
۱۰۸ - شکل ۴۰۳) (۲۰) .

(۲) نوع مدیترانه خشن : شماره ۳۲۹۱ (تصویر ۶ - شکل ۳ و ۴ -  
تصویر ۱۲۳ شکل ۲۰۱) (۳۰) .

(۳) نوع مدیترانه خالص : شماره ۳۳۸۴ (تصویر ۶۸ - شکل ۱ و ۲)

(۱۸) ۳۴۴۹ (تصویر ۵۵ شکل ۴۰۳) (۳۰) - ۳۴۵۲ (تصویر ۵۹ شکل ۲۰۱)

(۴۰) - و شماره ۳۴۴۳ (تصویر ۱ - شکل ۱ و ۲ و تصویر ۶۲ - شکل ۲۰۱) (۴۵) .

(۴) نوع فرق سر بلند مدیترانه با بینی راست یا عقابی : شماره ۳۳۰۷

(تصویر ۳ - شکل ۲۰۱ - تصویر ۱۰۶ - شکل ۴۰۱) (۲۰) و ۳۲۸۷ (تصویر

۱۱۷ شکل ۲۰۱) (۲۵) .

(۵) نوع مدیترانه و اتلانتیک یا نوردیک نما - سردراز باریک - صورت

دراز و پهن - بینی راست یا کمی محدب و فك مربع زاویه دار : شماره ۳۴۵۴

(تصویر ۲ - شکل ۴۰۳ - تصویر ۵۰ - شکل ۲۰۱) (۲۵) - ۳۴۴۴ (تصویر

۵۱ - شکل ۴۰۳) (۲۵) - ۳۴۲۳ (تصویر ۶۰ - شکل ۴۰۳) (۴۰) - ۳۴۳۰

(تصویر ۲ - شکل ۲۰۱ - و تصویر ۵۹ شکل ۴۰۳) (۴۰) - ۳۴۳۷ (تصویر

۶۱ - شکل ۴۰۳) (۴۲) - ۳۴۳۹ (تصویر ۶۳ - شکل ۲۰۱) (۵۰) - ۳۴۳۳

۱ - این نظریه بر اساس شواهد باستانشناسی نیمه انتشار یافته‌ا.

نویسنده بعنوان رهبر هیئت اعزامی اکتشافی موزه فیلد به صحرای عربستان شمالی  
در سال ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ و ۱۹۳۴ بدست آورده است .

(تصویر ۶۳ شکل ۴۳) (۴۳) (۵۲) - ۳۴۲۵ (تصویر ۴ شکل ۳ و ۴ -  
تصویر ۶۴ شکل ۲۹) (۶۰) - ۳۴۲۰ (تصویر ۶۴ شکل ۴۳) (۶۰) -  
۳۴۱۸ (تصویر ۶۵ شکل ۲۹) (۶۰) - ۳۴۱۴ (تصویر ۶۵ شکل ۲۹) (۶۰) -  
(۶) نوع اروپائی جنوبی : شماره ۳۳۲۳ (تصویر ۱۱۲ شکل ۲۹)  
(۲۴) . از نیمرخ قیافه این فرد شبیه اهالی ایتالیائی جنوبی است و دارای سر  
باریک دراز و موی مجعد درشت قهوه سر و چشم قهوه سبز و بینی راست باریک و  
لب نازک میباشد.

(۷) نوع اروپائی شمالی : شماره ۳۴۹۹ (تصویر ۱۰ - شکل ۲۹ و  
تصویر ۲۹ شکل ۲۹) (۵۰) این فردی است که ممکن است بایکی از ساکنین  
شمال غربی اروپا اشتباه شود . این نوع که در انگلستان نیز وجود دارد مخلوطی  
از مدیترانه و نورديك است .

علاوه بر این تقسیم بندیهای اختیاری نوعهای عمده مدیترانه که اینجانب  
در فلات ایران و در عراق مرکزی مشاهده کرده‌ام کاملاً با خصوصیات تأثیری  
منطبق نیستند در عراق نوع ایرانی و مدیترانه مشخص خواهد بود و برعکس در  
ایران نوع عراقی و مدیترانه غبر عادی جلوه خواهد کرد . از نظر آماری اختلافات  
بین آنها خیلی کم است ولی از نظر شکل کاملاً آشکار میباشد .

عناصر ایرانی و مدیترانه در ایران یعنی فرد شماره ۳۴۴۳ (تصویر ۱ -  
شکل ۲۹ و تصویر ۶۲ شکل ۲۹) و شماره ۳۳۳۷ (تصویر ۸۲ - شکل ۴۳)  
شامل افرادی است که از قد متوسط (۱۶۵) و اندازه تنه و پای آنها مساوی است .  
سرازیحیت طول و عرض متوسط و دارای شاخص سر دراز یا سر متوسط است . صورت  
از حیث طول و عرض متوسط است و بینی کوتاه و پره متوسط و نیمرخ بینی محدب  
باراست و دارای نوک کوچک میباشد . موقهوه سبز و بافت متوسط و مجعد درشت  
است . چشم قهوه سبز و سیاهی یکنواخت و سفیده صاف است .

وقتی با نوع عراقی و مدیترانه مقایسه شود نوع ایرانی و مدیترانه از حیث  
قد و تنه کوتاهتر است سر کمی دراز تر و در عرض مساوی است - صورت در عرض  
قسمت علیا مشابه ولی در عرض دو گونه بطور قابل ملاحظه پهن تر است - صورت  
بعلمت طول زیادتر قسمت علیا کمی دراز تر است . بینی کوتاهتر و باریکتر است  
و رنگ چشم و رنگ و شکل و بافت مو اختلافی ندارد .

عنصر عراقی و مدیترانه در ایران<sup>۱</sup> یعنی شماره های ۳۳۱۷ (تصویر ۱۰۹ - شکل ۲۰۱) (۲۰) و ۳۳۲۰ (تصویر ۱۱۱ - شکل ۲۰۱) (۲۳) و ۳۳۱۴ (تصویر ۱۱۹ - شکل ۲۰۱) (۲۸) و ۳۳۹۸ (تصویر ۱۱۸ - شکل ۴۰۳) (۲۸) و ۳۳۵۴ (تصویر ۷۴ شکل ۴۰۳) (۲۸) و ۳۳۰۳ (تصویر ۱۲۸ شکل ۲۰۱) (۳۷) متشکل است از افرادی که اگر درسوق هیلایا درمیان کارگران حفاری کیش مشاهده میشدند از نظر عالم مردم شناسی مشخص نمیبودند .

کیث Keith (۱۹۳۵ - ص ۱۳) چهار عرب از نوع مدیترانه را (شماره های ۵۰۰ و ۵۰۴ و ۷۱۳ و ۷۱۴) از بین سربازان عراقی که در سال ۱۹۲۸ اندازه گیری شدند انتخاب کرد . ترکیب و بررسی این چهار فرد نوع معینی را آشکار میسازد که خصوصیات عمده آن از قرار زیر است: سر کوچک و متوسط در عرض و طول با شاخص سر متوسط صورت در طول و عرض متوسط بینی نسبتاً کوتاه و پهن - موقهوه سیر و مجعد ریز و یافت متوسط - چشم قهوه سیر و سفیده صاف و سیاهی یکنواخت. ابرو پر پشت و پیوسته - برآمدگی پیشانی نسبتاً سنگین - بینی راست یا محدب و پره های بینی فشرده متوسط .

اصطلاح بشر ایرانی *Homo Iranicus* که اکنون مورد استعمال است باید برای پیشرو نوع اساسی ایران حفظ گردد و آنهم بشرط آنکه ثابت شود که این نوع در اصل در فلات ایران بوجود آمده است . وقتی یکی از نوعهای فرعی بشری نامی اطلاق میشود باید منتهای دقت بعمل آید که به پیچیدگی وضع فعلی از لحاظ لغات و اسامی اضافه نشود . با وجود همه این ملاحظات بنظر این نویسنده يك اصطلاح جدید برای مشخص کردن جمعیت ایران و فرق گذاشتن بین ایرانی اصلی و مردم مشابه نژادی در عراق و افغانستان لازم بنظر میرسد . من اصطلاح (نژاد فلات ایران) را پیشنهاد میکنم که با اصطلاح هادون یعنی ایران و مدیترانه *Irano - Mediterranean* فرق داشته باشد زیرا اصطلاح من در معنی خیلی محدودتری بکار میرود زیرا اطلاق میشود به نوع اصلی مدیترانه که اکنون در ایران زندگی میکنند نوعی که خصوصیات آن عبارت است از : سردراز - صورت

۱ - نمونه های نوع ایرانی و مدیترانه و عراقی و مدیترانه از روی بررسی عکسهای نوع نژادی انتخاب شده اند .

### نوع‌های غیر مدیترانه در عکس‌های ایران

(۱) نوع اردنی یا اناطولی مختلط با فرق سر صاف و بینی بزرگ عقابی :  
 شماره ۳۳۷۵ (تصویر ۴ - شکل ۱ و ۲ و تصویر ۶۹ شکل ۳ و ۴) (۲۰) -  
 ۳۳۱۱ (تصویر ۳ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۱۲۶ شکل ۳ و ۳) (۳۵) - ۳۴۰۹ -  
 (تصویر ۵۸ شکل ۳ و ۴) (۳۷) - ۳۲۹۴ (تصویر ۷ شکل ۳ و ۴ و تصویر  
 ۱۲۷ شکل ۳ و ۴) (۳۷) - ۳۳۴۳ (تصویر ۸۵ شکل ۱ و ۲) (۴۰) - ۳۳۶۳ -  
 (تصویر ۹ شکل ۳ و ۴ و تصویر ۸۸ شکل ۳ و ۴) (۴۰) - ۳۳۶۰ (تصویر ۸۶  
 شکل ۱ و ۲) (۴۰) . بعلاوه فرد شماره ۳۳۱۹ (تصویر ۱۲۴ شکل ۳ و ۴) (۳۰)  
 است که اگر چه از لره‌های پشت‌کوه است ولی میتوان او را يك كرد سلیمانیه یا  
 عقرا در شمال شرقی کردستان عراق بشمار آورد .

(۲) نوع آلی که اختلاط قوی مردم آلپ یا سایر صورت پهن را نشان میدهد .  
 صورت که گرد و پهن است متمایل به کوتاهی و پیشانی عریض است : شماره‌های  
 ۳۳۱۰ (تصویر ۱۰۷ شکل ۳ و ۴) (۲۰) - ۳۳۰۸ (تصویر ۱۱۶ شکل ۱ و ۲)  
 (۲۵) - ۳۳۴۱ (تصویر ۸۴ شکل ۳ و ۴) (۴۰) - ۳۴۵۳ (تصویر ۵۲  
 شکل ۳ و ۴) (۲۷) - ۳۴۱۹ (تصویر ۵۴ شکل ۱ و ۲) (۳۰) - ۳۴۵۵ (تصویر  
 ۵۵ شکل ۱ و ۲) (۳۰) - ۳۴۱۰ (تصویر ۸ شکل ۱ و ۲ و تصویر ۴۹ شکل ۱ و  
 ۲) (۲۳) - ۳۳۵۱ (تصویر ۸۰ شکل ۱ و ۲) (۳۵) .

(۳) نوع حامی : شماره ۳۴۴۷ (تصویر ۹ شکل ۱ و ۲ و تصویر ۵۷ شکل ۱ و ۲)  
 (۳۳) . حامی‌های شمال شرقی آفریقا دارای خصوصیات زیر هستند . سرباریک  
 و دراز با صورت خیلی دراز باریک بیضی شکل .

(۴) نوع یهودی : شماره‌های ۳۵۱۴ (تصویر ۱۵ شکل ۱ و ۲) (۲۱) -  
 ۳۵۰۲ (تصویر ۲۵ شکل ۳ و ۴) (۴۲) - ۳۴۷۶ (تصویر ۱۰ شکل ۱ و ۲ و  
 تصویر ۳۲ شکل ۱ و ۲) (۵۵) - ۳۴۹۴ (تصویر ۳۶ و ۳۷) (۶۵) . این  
 نوع بطور تفصیل قبلاً شرح داده شده است . (ص ۳۷۱-۳۷۴)

(۵) نوع سیاهپوست : شماره‌های ۳۳۴۸ (تصویر ۱۲ شکل ۱ و ۲ و  
 تصویر ۸۹ شکل ۱ و ۲) (۴۵) - ۳۳۶۸ (تصویر ۱۲ شکل ۳ و ۴ و تصویر ۹۳



شکل ۴۳) (۵۰) - يك رگه معین سیاهپوست در جمعیت وجود دارد که علائم آن پره بینی پهن و لب کلفت برگشته و دريك مورد (شماره ۳۳۴۸) موی قفری میباشد.

(۶) نوع مغولی . شماره‌های ۳۳۸۲ (تصویر ۶۹ شکل ۲۰۱) (۲۰) - ۳۳۸۳ (تصویر ۱۱ شکل ۴۳ و تصویر ۷۰ شکل ۲۰۱) (۲۱) - ۳۳۵۹ (تصویر ۸۱ شکل ۴۳) (۳۵) - ۳۳۶۹ (تصویر ۸۷ شکل ۲۰۱) (۳۸) - ۳۴۴۰ (تصویر ۱۱ شکل ۲۰۱ و تصویر ۵۷ شکل ۴۳) (۳۴) - این افراد دارای قوس فکین پهن و تمایل به چشم نوع مغولی میباشند . شماره ۳۳۸۳ بطور وضوح دارای قیافه مغولی است بخصوص در قسمت موی سر که کاملاً صاف است . شماره ۳۴۸۲ (تصویر ۳۵ - شکل ۴) (۵۱) که دارای قیافه و صورت مغولی بخصوص از حیث ریش میباشد ممکن است بعنوان یکی از ساکنین بخارا در جمهوری ازبکستان شوروی گرفته شود .

### خلاصه

طبقه بندی تأثیری عکسها نتایجی بدست میدهد که با طبقه بندی ماشینی فرق زیادی ندارد . انحرافات عمده وقتی ظاهر میشود که تقسیمات فرعی نوعهای مدیترانه و غیر مدیترانه بعمل آمد و این تقسیم بندیهای فرعی وقتی بر رسی اندازه گیری ایران کامل شد ممکن است تأیید یا تکذیب شود .

بطور کلی جمعیت ایران از حیث نوع مدیترانه است، اگرچه اختلاط کمی با نوع سرگرد بخصوص در قسمتهای شمال غربی و شمال شرقی مملکت وجود دارد و این اختلاط در اثر تهاجم نوع سرگرد است که اثر خود را در جمعیت ایران باقی گذاشته است . وجود عناصر غیر مدیترانه از قبیل مغولی و سیاهپوست و ارمنی و نوردیک و آلپی بعد از مطالعات و بررسی بیشتر تأیید و میزان درصد آن بعداً معین خواهد شد .

خلاصه کلی و عمومی نوعهای تأثیری و ماشینی جمعیت فعلی ایران به طبقات زیر تقسیم میکند :

#### I . نوع سردراز فلات ایران

(۱) بینی بزرگ محدب و باریک - صورت باریک - خیلی سردراز با موی زیاد.

(۲) بینی راست - فك مربع - سردراز صورت دراز از نوع مدیترانه .

(۳) - بینی راست یا مقعر نسبتاً پهن - فك مربع - سردراز - صورت کوتاه از نوع مدیترانه بدوی .

(۴) اختلاط نوع ۱ و ۲ که ممکن است نوردیک اولیه باشند .

## II - نوع سرگرد فلات ایران.

(۱) بینی مقعر یا راست - فك مربع با سر مدور که ممکن است از نوع آلپی اولیه باشند .

(۲) بینی محدب با سرفرق بلند و مغز صاف از نوع ارمنی ،

(۳) بینی محدب صورت دراز و سر بلند که ممکن است از نوع سر گرد ترکستان با اختلاط با شماره ۱ بوجود آمده باشد .

ترکیب حقیقی نژادی ایران فقط وقتی معین خواهد شد که گروههای نمونه از تمام نقاط ایران اندازه گیری و بررسی کامل شود .

امید است که دولت ایران نه تنها تسهیلات لازم را برای مطالعات مردم شناسی بوسیله دانشمندان خارجی فراهم کند بلکه دانشمندان و دانشجویان ایرانی را تشویق نماید بدین منظور مطالعه و تخصیص و تربیت شوند و نتیجه مطالعات خود را بزبان انگلیسی منتشر نمایند .

روابط خارجی با ایران شامل بررسی اطلاعات اندازه گیری از جنوب غربی آسیا قبل از بررسی روابط و اختلافات بین مردم ایران و همسایگان آنها باید علاوه بر مطالبی که در فصل سوم این کتاب نقل گردید به عملیات اندازه گیری سابق در ایران اشاره شود .

قبل از جنگ بین الملل اول آقای س . ویسنبرگ S. Weissenberg عده ای از یهودیهای جنوب غربی آسیا را اندازه گیری کرد . در ایران گروههایی را در شیراز و مشهد و ارومیه مورد مطالعه قرار داد . بمنظور مقایسه خلاصه ای از اطلاعات آماری او در جدولهای این فصل در صفحات آینده نقل شده است .

اطلاعات و اندازه گیریهای کردها که توسط شانترو و دانیل و ایوانوسکی و فن لوشان و دو هوسه و پیتارد بعمل آمده در کتاب آینده اینجانب درباره کردهای ایران نقل خواهد شد از آنجائیکه اینجانب از کردها هیچ اندازه گیری نکرده است نقل آن مطالب در این کتاب خارج از موضوع است .

خانم النور بلیش Miss Eloanor Blish که در دانشگاه امریکائی بیروت

کار میکرد از ۹ مرد و ۱۰ زن در شمال ایران اندازه گیری کرده است. نتیجه این مطالعات توسط کاپرز و پار Kappers and Parr منتشر شده است (۱۹۳۴ - ص ۷۴ - ۹۳) و ضمناً شامل مطالب و اندازه گیری ۱۱۵ ایرانی که در بیروت اندازه گیری شدند میباشد.

دکتر و خانم هارالد کریشنر Harald Krischner از دانشگاه امریکایی بیروت مطالعات خود را درباره مردم شناسی ایران بر اندازه گیری از ۱۱۴۰ ایرانی که شامل ۸۳۸ مرد و ۳۰۲ زن میباشد قرارداد داده اند. بعلاوه آنها از ۵۵ مرد و ۴۳ زن ارمنی در شمال ایران و از ۱۸۰ مرد و ۶۵ زن ارمنی در جلفای نو و اصفهان اندازه گیری کردند. برای تلفیق مطالب خود از نواحی مختلف مطالب و اطلاعات خود را بطور اختیاری ب سه گروه تقسیم بندی کردند:

(۱) مردم شمال شامل کرمانشاه و قم و کاشان تا خطی که بامدار ۳۴ مطابقت

دارد.

(۲) مردم ایران مرکزی بخصوص اصفهان و یک سری از زردشتی های

یزد.

(۳) مردم جنوب ایران شامل شیراز و بوشهر و کرمان.

حقیقتاً جای تأسف است که دکتر کریشنر و خانم بنیر از حد اکثر طول سر و حد اکثر عرض سر اندازه گیری دیگری نکردند. گروه بندی نژادی ملل و تقسیمات آنها به عناصر متشکله در حقیقت کار آسانی نیست حتی وقتی بر اساس اندازه های فردی و مشاهده و بررسی مو و خون و عکس و غیره باشد. بعلاوه دقت و کوششی که برای بدست آوردن این اطلاعات لازم است در مقابل زحمت و مجادله و حوصله که برای بدست آوردن پروانه و متقاعد کردن و حاضر کردن افراد برای اندازه گیری لازم است بسیار اندک است. از طرف دیگر من کاملاً قبول دارم که قوه تحمل و صبر افراد برای اندازه گیری حدی دارد و فقط دانشمندان مردم شناس با تجربه است که میدانند تا چه حد اطلاعات لازم را بدست آورد و افراد را برای همکاری حاضر کند.

اگرچه نمونه گیری اختیاری در تعیین ترکیب نژادی مردمی مفید و با ارزش است بهتر آنست که همیشه نمونه گیری جمعیت از مرکز آن گرفته شود. باید بخاطر داشت که مردم خاور زمین تمایل بآن دارند که موجبات رضایت

پرسنده را فراهم کنند بخصوص اگر برای اندازه گیری و مشاهده و عکس برداری انعام نیز داده شود .

شمای شاخص سرگروه مرد وزن در شمال ایران که توسط دکتر کریشنر و خانم اندازه گیری شده اند حداکثر رادر ۷۴ و ۷۹ و ۸۳ نشان میدهد . شمائی که توسط کاپرز براساس اندازه گیری ۱۶۲ فرد از شمال ایران تهیه شده بطور عجیبی با شمای کریشنر شباهت دارد . کاپرز معتقد است که حد اکثر ۸۳ او ممکن است در اثر نفوذ قفقازی باشد .

فن ارکرت Von Erckert و جواشیشویلی Djawachischwili در مغرب قفقاز شاخص زیر سرگردی پیدا کردند . این حداکثر ۸۳ در میان مردم که در مرکز ایران مطالعه شدند تقریباً ناپدید میشود . برای خلاصه کردن اطلاعات آماری جدول زیر را براساس مطالعات کاپرز در شاخص سر تهیه کرده ام .

محل	افراد	حداکثر	مردم شناس
آذربایجان	۱۱۴ مرد - ۲۱ زن	۷۷ - ۸۱، ۷۹	شاکتر
شمال	۱۲۵ مرد - ۴۱ زن	۷۴، ۷۹، ۸۳	کاپرز
شمال	۳۴ مرد	۷۷ - ۷۹	دانیلو
شمال	؟	۷۴، ۷۹، ۸۳	
اصفهان	مرد و زن	۷۸	
یزد (زردشتی ها)	۱۰۳ مرد - ۱۶ زن	۷۳ - ۷۴	کریشنر
آباد	۵۱ مرد - ۱۲ زن	۷۳ - ۷۴	
جنوب غربی	۱۵۳ مرد - ۲۲ زن	۷۷ - ۷۸	

زیر عنوان بعضی از گروههایی که در ۱۹۳۴ اندازه گیری شدند آمار تطبیقی دیگری که توسط ویسنبرگ و فن ارکرت و شاکتر و کاپرز و کریشنر بدست آمده اضافه کرده ام .

در اینجا لازم است کار خانیکف و دانیلو و عده دیگری از مردم شناسان تکرار شود زیرا قسمتی از نتایج عملیات آنها یا در بخش تاریخی (فصل سوم) و یا در جدولهای تطبیقی این فصل مورد استفاده قرار گرفته است .

هر کجا علامت ستاره گذاشته شده دال بر اینست که در جدول شاخص از

میانگین اندازه‌ها اخذ شده است. در این فصل اینجانب چهار گروه ایران را مورد بحث قرار داده‌ام و تحت عنوان یهودیهای اصفهان آمار تطبیقی آورده شده تا وضع این یهودیان نسبت به سایر گروههای یهودی این ناحیه نشان داده شود. اکنون باید چهار گروه ایران را با سه سری ۱۹۲۸ عراق مقایسه کرد. مسلم گرفته میشود که خواننده بکتاب اینجانب تحت عنوان ( اعراب مرکز عراق - تاریخ - نژاد شناسی و خصوصیات جسمانی آنها ) دسترسی دارد تا بتواند بمطالب اولیه و خلاصه آمار و عکسهای آن و همچنین بمقدمه تعلیم سرانثرکیث مراجعه کند.

اطلاعات و ارقامی که نویسنده در مورد عربهای کیش و سربازان عراقی و بادیه نشینان بائییج در سالهای ۱۹۲۸ بمنوان عضو هیئت اکتشافی مشترک موزه فیلد و دانشگاه آکسفورد بدست آورد در هاروارد محاسبه شده بطوریکه نتایج آن محاسبه را میتوان مستقیماً با اطلاعات مربوط بایران مقایسه کرد.

افراد کمتر از هفده سال و متجاوز از ۷۱ سال از محاسبه حذف شده و طبقه‌بندی توسط ماشین هولریت Hollerith بعمل آمده است و بهمین جهت بعضی اختلافات خیلی جزئی با ارقام منتشره (فیلد ۱۹۳۵ ب) مشاهده میشود.

ارقامی که زیر نام بکستون Buxton و رایس Rice دیده میشود در کیش و سربازخانه هیلا در ژانویه ۱۹۲۶ توسط بکستون گرفته شده است. در این عمل نویسنده ارقام را ثبت میکرد. میانگین اندازه‌های این ۱۶۴ مرد دو باره محاسبه شده زیرا حسن کردم که اینها دو گروه مشخص هستند یکی مردان ناحیه کیش و دیگری گروه سربازان عراقی در هیلا. بنابراین تعداد افراد و میانگین اندازه‌ها با ارقام منتشره از طرف بکستون و رایس (ص ۵۷ - ۱۱۹) وفیلد (۱۹۳۵ ب ص ۱۰۱) فرق دارد.

علاوه بر اینها گروههای کوچک اعراب جنوب و مصریها و طبقه چاتری و پاتانها را که کیث بمنظور مقایسه بکار برده در اینجا نقل کرده‌ام. در جدولهای زیر علائم اختصاری زیر بکار برده شده است.

## صورت علائم اختصاری

### ایران

مردم	تعداد افراد	علامت اختصاری
لرهای حسنتلی خانی پشت کوه	۵۲	L
ده نشینان یزدخواست	۴۶	Y
ده نشینان کناره	۷۴	K
یهودیهای اصفهان	۸۷	J

### عراق

اعراب ساکن ناحیه کیش	۳۹۸	K
شماره‌های ۱۰۰-۵۰ در اردوگاه شیخ منجیل	۵۰	K <sub>۱</sub>
شماره‌های ۱۰۰-۱۴۹ در اردوگاه شیخ منجیل	۵۰	K <sub>۲</sub>
شماره‌های ۲۰۰-۲۴۹ در اردوگاه		
شیخ سوادى وسید روده	۵۰	K <sub>۳</sub>
افراد اردوگاه شیخ حونظه و شیخ عزیز	۵۰	K <sub>۴</sub>
سربازان عراقی در اردوگاه هیلا	۲۳۱	S
شماره‌های ۵۰۰ - ۵۵۰ متولد کیش در هیلا		
النصیریه و غیره در سمت دشت فرات	۵۰	S <sub>۱</sub>
شماره‌های ۵۵۳-۶۷۱ متولد در النصیریه یا هیلا	۵۰	S <sub>۲</sub>
از بغداد و کرکوک و موصل و سلیمانیه	۵۰	S <sub>۳</sub>
بادیه نشینان بین کیش و جمده نصر	۳۸	B

### عربستان

اعراب جنوبی بر ترام تامس	۳۵	SA
--------------------------	----	----

### افریقا

مصریهای واحه خرگه	۵۰	E
-------------------	----	---

### هندوستان

پاتا نهایی پنجاب از ریسلی	۵۰	P
طبقه چاتری هندوستان از ریسلی	۵۰	C

ده نشینان یزدخواست و کناره که دو گروه "نسبه" متجانس و یکنواخت

هستند میتوانند برای منظور ما نماینده ساکنین عصر حاضر جنوب مرکزی ایران باشند. لرهای پشت کوه با این دو گروه اختلاف عمده دارند و همچنین یهودیهای اصفهان باید بطرز مخصوص مورد توجه قرار گیرند :

از آنجائیکه سه گروه عراقی مرکب از اعراب ناحیه کیش و سربازان عراقی اردوگاه هیلا و باده نشینان بایج در مرکز عراق با يك روش اندازه گیری شده اند میتوان آنها را بخوبی با هم مقایسه کرد. بنا بر این در این قسمت که به بررسی ارتباطات خارجی با ایران تخصیص داده شده است هفت گروهی را که نویسنده در ۱۹۳۴ در ایران و در سال ۱۹۲۸ در عراق اندازه گیری کرده است بطور نسبتاً مفصل مورد بحث قرار میدهد.

ولی بنظر میرسد که بسط این مقایسه با گروههای سایر نویسندگان که نتایج مطالعاتشان بر اساس همان روش بود سودمند باشد و بدینوسیله میتوان وضع مردم ایران را به نسبت وضع همسایگان آن روشن کرد. جدولهای تطبیقی این آمار و ارقام به ترتیب جغرافیائی زیر آشکار میشود.

۱- ایران ۲- عراق ۳- عربستان ۴- مساوراء اردن ۵- فلسطین  
۶- سوریه ۷- اناطولی ۸- قفقاز ۹- کردستان ۱۰- ترکستان ۱۱- افغانستان  
۱۲- بلوچستان

در مورد شماره ۳ یعنی عربستان باید خاطر نشان ساخت که س. ا. حسین از دانشگاه قاهره از آوریل تا اکتبر ۱۹۳۶ از ۸۰۰ نفر در یمن و ۵۵۰ نفر در حضرموت اندازه گیری کرد.

کردستان در اینجا اطلاق میشود بکلیه ناحیه بهمین نام چه در ایران یا عراق یا اناطولی واقع شده باشد.

برای انتخاب مطالب تطبیقی از ترکستان از جدولهای منتشره توسط گینزبرگ Ginzburg استفاده شده است. ارقام مربوط به بلوچستان از بررسی نژاد شناسی هندوستان ( کلکته ۱۹۰۸ ) نقل شده و دکتر گوردن بولز Gordon Bowles توجه نویسنده را باین منبع جلب کرد.

برای تکمیل مطالب بعضی از ارقام گوها Guha (از سرشماری هندوستان ۱۹۳۱) نقل شده است بررسی تطبیقی مقدماتی ما در باره جنوب غربی آسیا تمایلات نژادی را از کلنی عدن تا مملکت تحت الحافظه سیلان مورد مطالعه قرار

من کوشش نکرده‌ام همه مطالب را مورد استفاده قرار دهم بلکه منتخبی از اطلاعات و مطالب که توسط ناظرین مطمئن و محاسبین دقیق گرد آورده شده بکار رفته است. در تدوین این جدولها باید از دکتر کارلتون کون - Dr. Carleton S. Coon و دکتر کارل سلترز Dr. Carl C. Seltzer از موزه پبیادی دانشگاه هاروارد که توجه مرا به منابع متعدد جلب کردند تشکر کنم. بخش تاریخی (فصل سوم) شامل جدولهای متعدد اندازه گیری است که در اینجا تکرار نشده است. در کتاب آینده یعنی «مردم شناسی عراق» جدولهای اطلاعات تطبیقی از جنوب غربی آسیا خیلی مفصلتر خواهد بود ولی چون در اینجا با ایران و عراق سروکار داریم حذف بعضی از آنها جایز بنظر میرسد.

اگرچه ارقام تحت هر تقسیم بندی جغرافیائی به ترتیب صعودی مرتب شده است هر وقت تحت يك عنوان چند گروه مانند بختیاری و ترك و ارمنی و غیره واقع میشود همه آنها بهم پیوسته تلقی شده اند: بنظر من این روش رضایت بخش تر از ترتیب نزولی است که تحت آن قبائل و تقسیم بندیهای نژادی پیوسته بهم نبوده و در سراسر جدول پراکنده هستند.

سعی کرده‌ام برای قد و شکل سر و شاخص بینی نقشه‌های توزیع تهیه کنم ولی اطلاعات اندازه گیری در همه جنوب غربی آسیا بقدری کمیاب است که این عمل را فعلا غیر ممکن میسازد.

مطالب و اطلاعات اندازه گیری به ترتیب زیر قرار داده شده است: قد - قد نشسته (طول تنه) - قد نشسته نسبی - طول سر - عرض سر - شاخص سر -

۱- در این جدولها گروه افراد از ده نفر کمتر در ذیل صفحه قرار داده شده اند تا باعث اختلال حواس خواننده نشود. ولی چون این اولین باری است که مطالب و اطلاعات مربوط بایران و ممالك همسایه آن گردآوری میشود حتی این گروههای کوچک واجد اهمیت هستند. نام مملکت و گروه و تعداد افراد و میانگین و ناظر به ترتیب در هر ناحیه جغرافیائی قرار گرفته شده است. مثال (ایران: لر (۵) ۱۷۰ - هوسی).



حداقل قطر پیشانی - شاخص پیشانی و آهیانه - عرض دو گونه - شاخص گونه و پیشانی - عرض فکین - شاخص گونه و فک - طول قسمت علیای صورت - شاخص قسمت علیای صورت - طول کل صورت - شاخص کل صورت - طول بینی - عرض بینی - شاخص بینی - طول گوش - عرض گوش - شاخص گوش .

قد = وقتی گروههای ایران و عراق طبق تقسیم بندی سه گانه هاروارد مورد مقایسه قرار میگیرند جدول زیر بدست میاید .

مردم	میانین	گواتا	مورینگ	بلند	معدوم
	( $160/5-X$ )	( $169/4-160/6$ )	( $X-169/5$ )		
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۲	۲۶/۰۹	۲۴	۵۲/۱۷	۹۰	۲۱/۷۴
۱۶۴/۷۹	پرد خواست				
۱۹	۲۲/۰۹	۴۹	۵۶/۹۸	۱۸	۲۰/۹۳
۱۶۴/۹۴	یودیهای امنیان				
۱۶	۲۱/۶۲	۴۰	۵۴/۰۵	۱۸	۲۴/۳۴
۱۶۵/۵۴	کاره				
۳	۸/۵۷	۱۸	۵۱/۴۳	۱۴	۲۰/۰۰
۱۶۸/۱۸	بادیه نشینان بلنج				
۳۹	۱۱/۴۷	۱۴۸	۴۳/۵۴	۱۵۲	۴۵/۰۰
۱۶۸/۳۰	اعراب کیش				
۳	۵/۷۷	۲۶	۵/۰۰	۲۳	۴۴/۲۳
۱۶۸/۳۳	لرها				
۴	۰/۹۰	۶۶	۲۹/۷۲	۱۵۴	۶۹/۳۴
۱۷۲/۵۶	سربازان عراقی				

از روی میانگین جدول فوق دیده میشود که سربازان عراقی بلند قدترین (۱۷۲/۵۶) و ده نشینان یزد خواست کوتاه قدترین (۱۶۴/۷۹) گروهها هستند. رویهمرفته گروههای ایران بطور قابل ملاحظه کوتاهتر از نمونههای عراق میباشد. لرها که از این ملاحظه مستثنی هستند در حقیقت نماینده گروههای ایرانی نیستند زیرا متعلق به يك گروه شغلی مخصوصی میباشد. و همین امر درباره سربازان عراقی صدق میکند که خصوصیات جسمانی در انتخاب آنها عامل عمده بوده است. باید خاطر نشان ساخت که رقم میانگین هوسی برای ۵ فرد لری یعنی (۱۶۸/۰) تقریباً با رقم من درباره سری لرها مساوی است.

در بررسی حدود قد در جنوب غربی آسیا مشاهده میکنیم که لرها در طبقه معدل و متوسط ایران قرار میگیرند و آذربایجانیه و نمونه خیلی کمی که از بختیاریها داشتیم قدی بلند تر هستند.

# مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۱۷

قد\*

## ایران

مردم	تعداد	میانگین	نویسنده
یزد خواست	۴۶	۱۶۴/۸	فیلد
یهودیهای اصفهان	۸۶	۱۶۴/۹	فیلد
عجمی (ایالت تهران)	۱۰۸	۱۶۵/۱	دنیکر
کناره	۷۴	۱۶۵/۵	فیلد
ایرانی	۱۵۴	۱۶۵/۶۶	دانیلو
ایرانی	۲۰۴	۱۶۶/۹	جواشویلی
لر (پشت کوه)	۵۲	۱۶۸/۶	فیلد
آذربایجانی	۳۵	۱۶۹/۶	دانیلو
ایرانیان شمالی	۵۰	۱۷۰/۷	باسلوسکی

## عراق

یهودی	۳۷	۱۶۴/۱	ویسنبرگ
باده نشینان بائبج	۳۵	۱۶۸/۲	فیلد
اعراب کیش	۳۴۰	۱۶۸/۳	فیلد
کارگران کیش	۹۵	۱۶۸/۳۹	بکستون و رایس
اعراب	۳۲	۱۷۱/۲۸	اهریک
سربازان عراقی (حله)	۶۳	۱۷۱/۶۳	بکستون و رایس
سربازان عراقی	۲۲۲	۱۷۲/۶	فیلد

## عربستان

اعراب (شحر)	۳۱	۱۶۱/۶	لیس و جویس
اعراب	۱۳۳	۱۶۲/۸	دنیکر
اعراب	۲۹	۱۶۴/۲۸	مچی

\* ایران : عجمی ( ۲ ) ۱۶۱/۵ ، هوسی : عجمی ( تهران ) ( ۲ ) ۱۶۱/۵

دوهوسه : دزفولی ( ۹ ) ۱۶۳/۳ - هوسی : عجمی ( ۹ ) ۱۶۵/۰ ، شاتر : ایرانی

( ۵ ) ۱۶۵/۸ ، بوگدانفازدجنکوف : بختیاری ( ۴ ) ۱۶۷/۰ ، گوتیه : لر ( ۵ )

۱۶۸/۰ ، هوسی : بختیاری ( ۳ ) ۱۷۱/۵ ، هوسی ، عراق : عرب ترکمن ( ۶ )

۱۶۸/۱۷ اهریک : کرد ترکمن ( ۷ ) ۱۷۱/۴۳ . اهریک .

لیس و جويس	۱۶۴/۸	۲۰	یمنی
دنيكر	۱۶۴/۸	۳۱	اعراب (مسقط)
لیس و جويس	۱۶۴/۹	۸۲	اعراب (مسقط)

#### ماوراء اردن

شنكلين	۱۶۸/۵	۱۲۰	بادیه نشینان اکیدت
شنكلين	۱۷۰/۱۲	۱۷۶	بادیه نشینان موالی

#### فلسطين

اسپيد باوم	۱۷۱/۰۷	۲۷	سامری
هاكسلي	۱۷۳/۰	۳۵	سامری

#### سوريه

شنكلين	۱۶۱/۸۹	۲۷۰	بادیه نشینان رواله
زومير	۱۶۲/۸	۰۰۰	اهالی سوريه
سلترز	۱۶۷/۱۹	۲۵۱	اهالی سوريه

#### اناطولى

واگنسيل	۱۶۵/۶	۳۲	ترکهای ایالت شرقی
کروفوت	۱۶۶/۱۴	۱۴	اهالی بکتاش (انکارا)
واگنسيل	۱۶۶/۴	۳۸	ترك بروسه
واگنسيل	۱۶۶/۵	۴۴	ترك انکارا
دنيكر	۱۶۶/۰	۳۶۲	ترك عثمانی
واگنسيل	۱۶۷/۰	۴۴	ترك قونیه
واگنسيل	۱۶۷/۲	۲۷۲	ترك توتال
واگنسيل	۱۶۷/۶	۳۴	ترك داردانل
فن لوشن	۱۶۷/۷	۵۰	تاچداوچی و بکتاش
هسلوك وموران	۱۶۷/۹۲	۲۰۰	ترك
واگنسيل	۱۶۸/۱	۴۱	ترك قستمونی
واگنسيل	۱۶۸/۹	۳۹	ترك اسمیرنه
دنيكر	۱۷۱/۰	۱۲۰	ترك عثمانی
شانتر	۱۶۶/۰	۲۲	آسوری
دنيكر	۱۶۶/۸	۳۳	آسوریهای دریاچه ارومیه

### قفقاز

ارمنی	۲۰	۱۶۴/۶	ویسبرگ
ارامنه تفلیس	۷۹۲	۱۶۵/۲	دنیگر
ارمنی	۰۰۰	۱۶۶/۱	پیتارد
ارمنی	۱۰۱	۱۶۶/۱۶	سلتزر
ارمنی	۷۵	۱۶۷/۰۴	بواز
ارمنی	۱۰۵	۱۶۷/۱۰	تاوارجانویچ
ارمنی	۲۵	۱۶۷/۴	هردلیچکا
ارمنی	۰۰۰	۱۶۸/۵	شاتر
ارمنی	۲۳۹	۱۶۹/۴۴	شاتر
ارامنه ماوراء قفقاز	۱۹۲	۱۶۹/۴	دنیگر
یهودیهای گرجستان	۳۷	۱۶۳/۶	ویسبرگ
یهودی	۳۳	۱۶۴/۰	ویسبرگ
لزگی	۱۱	۱۶۴/۰	شاتر
یهودی گرجستان	۱۱	۱۶۴/۱	شاتر
گرجی	۹۰۰	۱۶۵/۵	ژاواهو
آذربایجانی	۲۸۸	۱۶۷/۵	دنیگر
اوست	۰۰۰	۱۶۸/۰	پیتارد
اوست	۰۰۰	۱۶۹/۰	ریسکین
تاتار (آرالینگ)	۱۶	۱۶۹/۰	شاتر
تاتار (آرخوری)	۱۵	۱۷۰/۰	شاتر

### کردستان

کرد (خارپوت و اردنگین)	۲۳	۱۶۷/۰	شاتر
کرد (میلانلی)	۲۰	۱۶۷/۰	شاتر
کرد (ترکیه - ایروان - ایران)	۲۸۴	۱۶۸	شاتر
کرد	۱۶۲	۱۶۸/۳	دانیلو
کرد	۰۰۰	۱۶۸/۶	چپورکوسکی
کرد (قفقاز)	۱۴۰	۱۶۸/۶	دنیگر

۶۲۰ - مردم شناسی ایران

کرد	۲۰	۱۶۸/۶	پانتیوخوف
کرد	۰۰۰	۱۷۰/۰	پیتارد
کرد	۴۸	۱۷۰/۷	پیتارد
کرد	۳۰	۱۷۰/۴	دنیگر

ترکستان

عرب	۱۷	۱۶۳/۷	ماسلوسکی
بخارا	۱۶۳	۱۶۳/۷۱	اوشانین
ترکمن	۰۰۰	۱۶۳/۸ - ۱۶۷/۶	هادون
وانچ	۸۰	۱۶۴/۰۵	کرونیکو
عرب	۱۰۰	۱۶۵/۷۲	اوشانین
پند ژیکنت	۲۷۹	۱۶۵/۸۸	ویشنوسکی
ایومود	۱۰۷	۱۶۶/۳۴	ایارخوف
کاراتگین	۴۳۳	۱۶۶/۳۹	اوشانین
عرب	۲۹	۱۶۶/۴	ماسلوسکی
چودیر	۲۰۰	۱۶۶/۵۱	ایارخوف
دره پسکموناحیه بخارا	۱۰۰	۱۶۶/۸	۰۰۰
قره قرغیز	۷۴	۱۶۶/۸	دنیگر
سارت	۵۴	۱۶۶/۸	دنیگر
ترکمن	۵۳	۱۶۷/۰	دنیگر
ارساری	۱۲۵	۱۶۷/۰	اوشانین
ازبک	۱۲۰	۱۶۸/۳	دنیگر
تاجیک (سارت)	۰۰۰	۱۶۸/۴	ماسلوسکی
تاجیک و کالجاس	۱۵۵	۱۶۹/۲	دنیگر
فرغانه	۲۰۰	۱۶۹/۴۵	ایارخوف
تکه	۵۱	۱۷۰/۰	ایاورسکی
کولی	۲۹	۱۷۱/۹	دنیگر

### افغانستان

افغان	۱۸	۱۶۳/۸	ماتسوسکی
افغان	۱۸	۱۶۸/۱	پوارکف
هزاره	۰۰	۱۶۸/۴	هادون

### بلوچستان

دهواری	۲۰۰	۱۶۴/۲۵	...
سید	۳۳	۱۶۴/۵۵	جویس و ستاین
براهوئی (سراوان)	۰۰	۱۶۵/۹	هادون
پانی - پاونی (پشته)	۱۰۰	۱۶۷/۶۵	...
بلوچ	۳۵	۱۶۷/۸۹	جویس و ستاین
سیستانی	۲۵	۱۶۸/۵۱	جویس و ستاین

چنانکه جدولهای تطبیقی بالا نشان میدهد چنین بنظر میرسد که در نواحی کوهستانی غربی و شمال غربی ایران مردم قد بلند تر از ساکنین نواحی جنوبی و مرکزی میباشند. عرب ساکن جنوب عربستان خیلی کوتاه (حدود ۱۶۱/۰۶ — ۱۶۴/۹) است در حالیکه باده نشین ماوراء اردن قد بلند است (میانگین ۱۶۸/۵۰ و ۱۷۰/۱۲). اهالی سامری فلسطین از همه کردهای دیگر بلند قد — ترند (میانگین ۱۷۱/۱ و ۱۷۳/۰). در سوریه باده نشینان رواله خیلی کوتاه (۱۶۱/۸۹) هستند در صورتیکه گروهی که سلفزدر کتاب خود ذکر کرده میانگین ۱۶۷/۲ دارند که نسبتاً بلند است. در آناتولی تنوع قابل ملاحظه بین ۱۶۵/۶ تا ۱۷۱/۰ وجود دارد ولی اکثریت در حدود ۱۶۷ میباشند. قد ارامنه قفقاز بین ۱۶۴/۶ تا ۱۶۹/۴ میباشد و رقم آخر به میانگین نزدیکتر است. یهودیهای این ناحیه کوهستانی خیلی کوتاه (۱۶۳/۶ — ۱۶۴/۱) هستند در حالیکه تاتارهای آرخوری بلند (۱۷۰) هستند. در کردستان کلمهای که بناحیه بزرگی اطلاق میشود — کردها بلند قد هستند (۱۶۷ — ۱۷۰/۷). ارقام ترکستان حدود ۱۶۳/۷ تا ۱۷۱/۹ را نشان میدهد و حاکی از جمعیت نسبتاً بلند قد است که از چندین گروه نژادی متشکل است.

قد افراد در جنوب مرکزی ایران و عربستان و بلوچستان و سوریه در حد پایین یعنی ۱۶۱/۵ تا ۱۶۸/۶ است و در شمال ایران و عراق و ماوراء اردن

و فلسطین و کردستان و ترکستان حد بالاتر یعنی (۱۶۳/۷ — ۱۷۳/۰) است و در اناتولی و افغانستان و قفقاز بین این دو حد قرار دارد. در اینجا بارقام گوها Guha مربوط به هندوستان باید بذل توجه کرد .

ساحل غربی و جنوب

شمال غربی و شمال شرقی

۱۶۴/۸۶۰	}	۱۶۸/۴۴۲	راجپوتانا
۱۶۴/۲۶۹	{	۱۶۵/۴۷۸	ایالات متحدہ
۱۶۴/۷۸۲		۱۶۴/۲۹۲	اورپسا
۱۶۷/۰۰۵	}		
۱۶۳/۵۵۵	{	۱۶۸/۰۳۰	بنگال
۱۶۸/۹۹۷		۱۶۷/۰۷۱	
۱۵۹/۴۹۰		۱۶۲/۸۲۶	
۱۶۴/۰۶۸			

در میان مردم شمال غربی و شمال شرقی حد از ۱۶۲/۸ تا ۱۶۸/۴ است و نشان می‌دهد که حد قد خیلی بالاتر از میانگین قسمت جنوبی فلات ایران نمیباشد. طبق نوشته هادون ( ص ۱۰۷ ) در راجپوتانا قد بهیل موar Bhil of Mewar ۱۶۲/۹ است . ارقام گوها از گجرات و کاتیاوار در ساحل مرکزی غربی ۱۶۴/۳ تا ۱۶۷/۰ است و در جنوب هندوستان از ۱۵۹/۵ تا ۱۶۹/۰ است . هادون ( ص ۱۰۷ ) اظهار می‌دارد که مردم قبل از درآویدی از حیث قد کوتاه بودند (۱۵۷/۵) .

ساکنین ناحیه جنوب مرکزی ایران قد کوتاه ولی لرها و بختیارها و ساکنین آذربایجان بلند قد هستند. در عراق یخصوص در ناحیه شمالی همه گروهها بجز یهودیها قد بلند دارند . ارقام چاپ نشده نویسنده در مورد آل بومحمد و آل سووع در جنوب عراق حاکی از قد متوسط میکند . عربهای جنوب عربستان کوتاه قد هستند . در ماوراء اردن قد باده نشینان متوسط تا بلند است . مردم رواله کوتاه میباشند . ولی سوریهای بوستون کمی بلندتر از متوسط هستند . در اناتولی ترکها بین متوسط و بلند ۱۶۵/۶ — ۱۷۱ میباشند .

در ناحیه قفقاز بین ارامنه از حیث قد اختلاف قابل ملاحظه ( ۱۶۴/۶ — ۱۶۹/۴ ) وجود دارد ولی ۷۹۲ نفر بین متوسط و کوتاه ( ۱۶۵/۲ ) هستند ، یهودیها و لژ گیها کوتاه هستند . يك گروه گرجیها بین متوسط و کوتاه ( ۱۶۵/۵ ) میباشند . اوست ها و تاتارها قد بلند دارند ( ۱۶۸/۰ — ۱۷۰/۰ ) در این ناحیه که مردم از نژاد و زبان و فرهنگ مختلف وجود دارد طبیعی است که در اندازه گیری و مشاهدات مربوطه اختلافات زیاد دیده میشود .

ساکنین کردستان و ترکستان بین متوسط و بلند و مردم افغانستان و بلوچستان از لحاظ قد متوسط هستند . وقتی کلیه ناحیه را در نظر میگیریم مشاهده میشود که در حوالی دریای عربستان از باب المندب گرفته تا دماغه کمورن تمایل کلی بر کوتاه قدی است .

در کوهستان مغرب ایران و کردستان و افغانستان و اناطولی و شمال هندوستان تمایل بر قد بلندی است .

بنا بر این نتیجه گرفته میشود که مردمان ساکن جنوب ناحیه مورد بحث بین متوسط و کوتاه و ساکنین کوهستان و شمال این منطقه بین متوسط و بلند میباشند . پس از گردآوری مطالب و اطلاعات جدید و اضافی این تمایلات ممکن است بیشتر محسوس یا حتی از بین برود .

قد نشسته : — اگرچه جدول تطبیقی قد نشسته خیلی مفصل نخواهد بود چندین علائم فوراً آشکار میشود . سه گروه ایران مرکزی ( ۷۹/۶۶ — ۸۱/۹۷ ) در همه این ناحیه دارای کوتاهترین تنه هستند و این مطلب از مشاهدات ما در قد ایستاده معلوم است . سه گروه از مرکز عراق ( ۸۲/۵۱ — ۸۵/۰۹ ) در درجه بعد واقع میشوند و سپس مردم اکیدت و موالی و بادیه نشینان رواله در اردن و سوریه ( ۸۲/۶۹ — ۸۶/۸۰ ) قرار میگیرند و بعد از آنها گروههای اناطولی و قفقاز و سوریه ایهای سلنژ ( ۸۶/۹ — ۸۸/۸ ) . گروههای اهریک از شمال عراق و ترکمنها و کردها و عربها که همه در نزدیکی کرکوک اندازه گیری شدند باستانی لرها ( ۸۹/۱۱ ) دارای تنه درازتر ( ۸۸/۰ — ۹۱/۳ ) از همه سایر گروهها



## قد نشسته (طول تنه) و قد نشسته نسبی

## ایران

مردم	تعداد	قد نشسته	قد نشسته نسبی	نویسنده
یزد خواست	۴۶	۷۹/۶۶	۴۸/۱۶	
یهودیه‌های اصفهان	۸۶ - ۸۷	۸۰/۸۴	۴۹/۲۰	فیلد
کناره	۷۴	۸۱/۹۷	۴۹/۷۴	
لر پشت کوه	۵۲	۸۹/۱۱	۵۲/۸۴	

## عراق

عرب‌های کیش	۳۴۰ - ۳۴۲	۸۲/۵۱	۴۹/۰۸	فیلد {
باده نشینان باغیج	۳۵	۸۳/۳۸	۴۹/۷۶	
سربازان عراقی	۲۲۲	۸۵/۰۹	۴۹/۳	
عرب‌های ترکمن	۶	۸۸/۰۰	۵۲/۰	اهریک {
کرده‌های ترکمن	۷	۹۰/۱۴	۵۲/۲۹	
ترکمن	۳۱	۹۰/۱۶	۵۳/۰۶	
اعراب کرکوک	۳۲	۹۰/۲۲	۵۲/۴۷	

## ماوراء اردن

باده نشینان اکیدت	۱۲۰	۸۵/۹۶	۵۰/۵۴	شنکین {
باده نشینان موالی	۱۷۶ - ۷	۸۶/۸۰	۵۰/۵۴	

## سوریه

باده نشینان رواله	۲۷۰	۸۲/۶۹	۵۱/۱۱	شنکین
سوریه‌ای‌ها	۲۳۳	۸۸/۰۹	۵۲/۴۲	سلتزر

## اناطولی

ترك	۲۰۰	۸۸/۲۹	۵۲/۳۶	پیتارد
ترك	۲۰۰	۸۸/۲۹	۵۲/۳۶	هسلووك و مورانت
ترك (عثمانلی در آنکارا و قونیه)	۴۷	۸۸/۸	۰۰۰	زوپانیک

## قفقاز

یهودی (گرجستان)	۱۹	۸۶/۹	۵۳/۰۰	ویسنبرگ
ارمنی	۹۸	۸۸/۵۸	۵۳/۳۷	سلتزر
ارمنی	۰۰	۰۰۰	۵۳/۶	مارتین

### کردستان

کرد	۶۳-۴۸	۸۸/۴۰	۵۱/۷۸	پیتارد
کرد(عراق)	۱۳	۹۱/۳۰	۵۳/۳۸	اهریک

بررسی قد نشسته نسبتاً بدون معنی است مگر آنکه خود قد در نظر گرفته شود. جدول زیر ارتباط این اندازه‌ها و تناسب بدن را برای گروههای ایران و عراق نمایان میسازد.

مردم	تعداد	قد	قد نشسته	قد نشسته نسبی	طول پا
یزدخواست	۴۶	۱۶۴/۷۹	۷۹/۶۶	۴۸/۱۶	۸۵/۱۳
یهودیهای اصفهان	۸۶	۱۶۴/۹۴	۸۰/۸۴	۴۹/۲۰	۸۴/۱۰
کناره	۷۴	۱۶۵/۵۴	۸۱/۹۷	۴۹/۷۴	۸۳/۵۷
بادیه نشینان بائج	۳۵	۱۶۸/۱۸	۸۳/۳۸	۴۹/۷۶	۸۴/۸۰
اعراب کیش	۳۴۰	۱۶۸/۳۰	۸۲/۵۱	۴۹/۰۸	۸۵/۷۹
لرها	۵۲	۱۶۸/۶۳	۸۹/۱۱	۵۲/۸۴	۷۹/۵۲
سربازان عراقی	۲۲۲	۱۷۲/۵۶	۸۵/۰۹	۴۹/۳۰	۸۷/۴۷

واضح است که بین طول تنه و قد اختلاف قابل ملاحظه وجود دارد زیرا لرها که دارای درازترین تنه هستند (۸۹/۱۱) بلندترین افراد گروه نمیباشند بعلا آنکه طول پای آنها کم است (۷۹/۵۲). سربازان عراقی دارای بلندترین قد هستند (۱۷۲/۵۶) ولی تنه آنها نسبتاً کوتاه است (۸۵/۰۹). باستانی لرها و ده نشینان یزدخواست شاخص قد نشسته نسبی بطور عجیبی یکنواخت است و حد اختلاف پنج گروه دیگر بین ۴۹/۰۸ و ۴۹/۷۶ است که نشان میدهد بین طول تنه و پا تناسب مساوی وجود دارد. در این گروهها لرها دارای درازترین تنه و ده نشینان یزدخواست کوتاهترین تنه میباشند.

جدول زیر شامل بادیه نشینان بائج و دو دسته اعراب کیش و مصریهای واحه خرگه و یک گروه سربازان عراقی است. در مقام مقایسه با جدول برای گروههای ایران (ص ۵۳۹) اختلافات عمده مشاهده میشود.

قد نسته (طول تنه)

مجموع	خیلی کوتاه (۷۴۹—۷۵۰)	کوتاه (۷۵۰—۷۹۹)	متوسط (۸۰۰—۸۴۹)	بلند (۸۵۰—۸۹۹)	خیلی بلند (۹۰۰—۹۹۹)	قد ایشاده
	درصد	درصد	درصد	درصد		
					B	
۱/۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱/۰۰	B <sub>۲</sub>	خیلی بلند
۰۰			۰۰۰	۰۰	E	(۱۸۰۰)
۴/۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۲/۰۰	۲/۰۰	S <sub>۱</sub>	
۳۱/۵۶	۰۰۰	۲/۶۳	۷/۸۹	۱۸/۴۱	B	
۳۶/۰۰	۰۰۰	۴/۰۰	۲۰/۰۰	۱۲/۰۰	K <sub>۲</sub> و K <sub>۱</sub>	بلند
			۲/۰۰	۱۰/۰۰	E	(۱۷۰۰—۱۷۹۹)
		۸/۰۰	۳۸/۰۰	۱۴/۰۰	S <sub>۱</sub>	
		۱۰/۵۲	۳۹/۴۵	۷/۸۹	B	
۱/۰۰	۱۹/۰۰	۲۵/۰۰	۴/۰۰	۱/۰۰	K <sub>۲</sub> و K <sub>۱</sub>	متوسط
۰۰۰	۰۰۰	۳۸/۰۰	۳۴/۰۰	۰۰	E	(۱۶۰۰—۱۶۹۹)
		۶/۰۰	۲۰/۰۰	۴/۰۰	S <sub>۱</sub>	
		۲/۶۳	۵/۲۶	۰۰۰	B	
		۴/۰۰	۲/۰۰	۰۰۰	K <sub>۲</sub> و K <sub>۱</sub>	کوتاه
		۲/۰۰	۱۴/۰۰	۰۰۰	E	(x—۱۵۹۹)
		۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	S <sub>۱</sub>	
		۱۵/۸۸	۵۲/۶۰	۲۶/۳۰	B	
		۲۷/۰۰	۴۷/۰۰	۱۷/۰۰	K <sub>۲</sub> و K <sub>۱</sub>	مجموع
		۲/۰۰	۵۴/۰۰	۴۴/۰۰	E	
۵۰	۰	۱۴/۰۰	۶۰/۰۰	۲۰/۰۰	S <sub>۱</sub>	

در هیچیک از گروهها فردی در طبقه بلند با تنه خیلی کوتاه یا در طبقه خیلی بلند با تنه کوتاه یا خیلی کوتاه پیدا نمیشود. همچنین مرد کوتاهی با تنه خیلی دراز دیده نمیشود و فقط دو نفر (دولر ۳/۸۴ درصد) دارای قد کوتاه و تنه دراز هستند چنانکه از معدلهای انتظار میروند تعداد سربازان عراقی قد بلند دو برابر تعداد قد بلندهای هر يك از هفت گروه دیگر است. ولی اسرها برخلاف عراقیها و همچنین گروههای ایران قدشان متکی است بر تنه خیلی دراز برعکس سربازان عراقی که بلند قدتر هستند ولی فقط ۳۶ درصد آنها تنه دراز دارند. مصریها که معدل آنها را نداریم ولی ظاهراً کوتاهاتر از سایر گروهها هستند بطوری که ۸۸ درصد آنها در طبقه متوسط و کوتاه قرار دارند بیشتر به لرها شباهت دارند

تا به هریک از سه گروه دیگر ایران بطوریکه ۴۴ درصد آنها دارای تنه دراز میباشند.

بطور کلی مصریها یک گروه یکنواخت تری هستند بطوریکه در دومیتهی- علیه جدول قد و قد نشسته افرادی دیده نمیشود و ۹۸ درصد آنان از حیث قد کوتاه تا بلند و از لحاظ طول تنه متوسط تا دراز میباشند . اگر چه گروه عراقی تمایل مختصری به قد متوسط و تنه خیلی دراز نشان میدهند در میان گروههای ایران اینگونه فرد پیدا نمیشود بجز البته در میان لرها . بادیه‌نشینان بائجج که از سایر گروههای عراقی کوتاهترند در طبقه تنه دراز و قد بلند عده نسبتاً زیادتری دارند . چنانکه انتظار میرود این مطلب در مورد بادیه نشینان بائجج نسبت به سه گروه کوتاهتر ایرانی نیز صادق است ولی باید بخاطر داشت که اگر چه یهودیها و ده‌نشینان کناره بطور کلی کوتاه قد هستند نمونه های افرادی در طبقه خیلی بلند و تنه خیلی دراز دارند که در میان مردم عراق نیست .

چنانکه از جدول ص ۶۲۳ مشاهده میشود شباهت زیادی در قد نشسته نسبی بین همه گروههای جنوب غربی آسیا وجود دارد . حداکثر اختلاف بین ۸/۱۶ و ۵۳/۳۷ است . بررسی دقیق تر آشکار میسازد که گروههای یزدخواست و کناره و همچنین سه گروه عراقی اختلافی بین ۸/۱۶ و ۹۹/۷۶ نشان میدهند . همه گروههای دیگر که شامل دسته های شمال عراق و گروههای ماوراء اردن و سوریه و اناطولی و قفقاز و کردستان باشد بالا تر از ۵۰/۰ هستند بطوریکه ممکن است در این کمی اختلاف یک عامل مهم نژادی مؤثر باشد یعنی مردمی که در منطقه بین ۳۲ درجه و ۳۴ درجه عرض جغرافیائی شمالی زندگی میکنند یعنی از ماوراء اردن شرقی تا سوریه تا مرکز جنوبی ایران بنظر میرسد که فقط بین ۸/۱۶ تا ۹۹/۷۶ اختلاف داشته باشند و بنظر میرسد که شاخص در مناطق کوهستانی شمال این ناحیه اختیاری بالا تر باشد و چون این مردم باستانی یهودیهای قفقاز معمولاً بلند قد هستند باین نتیجه میرسیم که در میان آنها تمایل زیادتری به درازی تنه وجود دارد تا در میان گروههای جنوبی .

طول سر و عرض سر و شاخص سر = وقتی اندازه‌های سر هفت گروه

عراق و ایران را بررسی می‌کنیم مشخصاتی بدست می‌آید که در جدول زیر مشهود

## اندازه های سر

مردم	تعداد	طول بین پیشانی تا پشت سر	حد اکثر عرض	شاخص سر	کوچک درصد	متوسط درصد	بزرگ درصد
لرها	۵۲	۱۸۹/۹۹	۱۴۰/۶۸	۷۴/۲۵	۳۸/۴۰	۵۷/۶۰	۳/۸۴
یزدخواست	۴۶	۱۹۲/۵۱	۱۴۱/۵۵	۷۳/۵۰	۱۷/۳۶	۷۵/۹۵	۶/۵۱
کناره	۷۴	۱۸۷/۰۲	۱۴۲/۹۶	۷۶/۴۴	۴۵/۳۱	۵۲/۰۶	۲/۷۴
یهودیه	۸۶	۱۸۶/۰۶	۱۴۴/۲۸	۷۷/۴۳	۳۹/۵۳	۵۸/۱۳	۲/۳۲
اعراب کیش	۳۵۸	۱۸۸/۷۶	۱۴۱/۹۱	۷۵/۳۳	۴۶/۵۰	۴۹/۵۰	۴/۰۰
سربازان عراقی	۲۲۲	۱۸۶/۲۴	۱۴۳/۷۱	۷۶/۶۲	۴۴/۷۰	۴۹/۳۰	۶/۰۰
بادیه نشینان بائج	۳۵	۱۹۱/۳۱	۱۳۹/۹۳	۷۳/۲۹	۳۴/۱۹	۶۳/۱۲	۲/۶۳

حد اکثر حد معدل طول سر بین ۱۸۶/۰۶ و ۱۹۲/۵۱ است. ده نشینان یزدخواست و بادیه نشینان بائج درازترین سر و یهودیه و سربازان عراقی کوتاه ترین سر را دارند. از حیث عرض سر سر یهودیه و سربازان عراقی از همه عربی تر و سر بادیه نشینان بائج و لرها از همه باریکتر است و حد آن بین ۱۳۹/۹۳ و ۱۴۴/۲۸ است. شاخص های سر (بین ۷۳/۲۹ و ۷۷/۴۳) نشان می‌دهد که هر هفت گروه بطبقه سردراز و سرم متوسط تعلق دارند. لرها و ده نشینان یزدخواست و بادیه نشینان بائج دارای شاخص هائی هستند که تقریباً نزدیک به میانگین احتمالی مدیترانه اولیه (۷۳/۰ — ۷۴/۰) میباشد. از حیث اندازه سر اکثریت متوسط و تمایل زیادی به کوچکی است ده نشینان یزدخواست و بادیه نشینان بائج در این طبقه دارای بزرگترین سر و اعراب کیش و مردان کناره دارای کوچکترین سر میباشند. در بین کل عده ۸۷۳ نفر خیلی بندرت افرادی پیدا میشوند که دارای سر بزرگ باشند.

طبق طبقه بندی سه گانه هاروارد از هفت گروه باده نشینان بائج (۸۲/۸۶ در صد) و مردان یزدخواست (۸۰/۴۳ در صد) و لرها (۷۶/۹۲ در صد) از همه بیشتر سر دراز هستند در حالیکه یهودیه (۵۶/۹۸ در صد) و مردان کناره (۴۷/۹۵ درصد) و سربازان عراقی (۴۳/۸۹ در صد) دارای حد اکثر تعداد

# مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۳۹

سرمتوسط میباشند. در بین ۸۷۱ نفر فقط ۳ نفر یعنی ۹/۴ درصد سر کوتاه هستند بدین ترتیب اکثریت افراد در طبقه سر دراز یا سرمتوسط و عده بسیار کمی در طبقه سر کوتاه هستند در جدول زیر هشت گروه از عراق و نمونه های کمی از عربهای جنوب و مصر بیا و طبقه جاتری و پاتان مورد بررسی قرار گرفته اند.

## گروهها طبق شاخص سر

مجموع	۸۴/۹-۸۰/۰	۷۹/۹-۷۵/۱	۷۵/۰-۷۰/۱	۷۰/۰-۶۵/۰	۶۵/۰-۶۰/۰	
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
۰۰۰	۰۰	۵/۲۶	۱۸/۴۱	۱۰/۵۲	B	
۱/۰۰	۵/۰۰	۲۱/۰۰	۱۶/۵۰	۳/	--	
۱/۳۳	۸/۰۰	۲۰/۶۷	۱۲/۰۰	۲/۶۷	S <sub>۱۱۲۱۳</sub>	
۵۷/۲۰	۲۵/۲۰	۱۱/۴۴	۰۰۰	۰۰۰	SA	کوچک
		۱۲/۰۰	۲۴/۰			
		۲۰/۰۰	۲۴/۰			
۵۲/۰۰	۴/۰۰	۲۴/۰۰	۱۴/۰			
۶۳/۱۲	۰۰	۵/۲۶	۱۳/۱۵	۲۴/۱۹	۱۰/۵۲	
۴۹/۵۰	۰۰	۴/۰۰	۲۱/۵۰	۲۱/۰۰	۳/۰۰	
۴۹/۳۳	۱/۲۳	۴/۶۷	۲۵/۳۳	۱۴/۶۸	۳/۳۳	
۵/۷۲	۰۰۰	۵/۷۲	۰۰	۰۰۰	۰۰۰	SA
۶۳/۰۰	۰۰۰	۴/۰۰	۱۸/۰۰	۴۰/۰۰	۰۰۰	E
۴۶/۰۰	۰۰۰	۲/۰۰	۸/۰۰	۳۴/۰۰	۲/۰۰	C
۴۴/۰۰	۰۰۰	۶/۰۰	۱۴/۰۰	۲۴/۰۰	۰۰۰	P
۲/۶۳	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۲/۶۳	۰۰۰	B
۴/۰۰	۰۰۰	۱/۰۰	۲/۵۰	۰/۵۰	۰۰۰	K <sub>۱۱۲۳۴</sub>
۶/۰۰	۰۰۰	۱/۳۳	۴/۰۰	۰/۶۷	۰۰۰	S <sub>۱۱۲۱۳</sub>
	۰۰۰	۰۰۰	۰۰	۰۰۰	۰۰۰	SA
				۲/۰۰	۰۰۰	E
				۰۰۰	۰۰۰	C
				۴/۰۰	۰۰	P
		۵/۲۶	۱۸/۴۱	۵۵/۲۳	۲۱/۰۴	B
۲۰۰	۱/۰۰	۱۰/۰۰	۴۵/۰۰	۳۸/۰۰	۶/۰۰	K <sub>۱۱۲۳۴</sub>
۱۵۰	۲/۶۷	۱۴/۰۰	۵۰/۰۰	۲۷/۳۴	۶/۰۰	S <sub>۱۱۲۱۳</sub>
۲۵	۵۷/۲۰	۳۱/۴۶	۱۱/۴۴	۰۰۰	۰۰۰	SA
۵۰	۰۰	۴/۰۰	۳۰/۰۰	۶۶/۰۰	۰۰۰	E
		۴/۰۰	۲۸/۰۰	۵۸/۰۰	۱۰/۰۰	C
		۱۰/۰۰	۳۸/۰۰	۳۲/۰۰	۰۰۰	P

بزرگ

مجموع

در هیچک از این گروهها بیش از  $\frac{6}{5}$  درصد افرادشان دارای سر ۱۴۵۰ سانتیمتر مکعب یا بیشتر نیستند اگرچه نمونه‌های ایران و عراق در طبقه متوسط و کوچک تقریباً نسبت مساوی دارند در بین ایرانیها عده متوسط زیادتر است. این مطلب در میان ده نشینان یزد خواست بحد زیاد مشاهده میشود و بهمین جهت آنها حتی در میان گروههای ایران مشخص میباشند. مردم چاتری و پاتان هندوستان سرشان از عراقیها کوچکتر است و  $\frac{94}{38}$  درصد اعراب جنوب دارای سر کوچک هستند. تناسب پخش در میان مصریها طوری است که آنها را در همان حدود ایرانیها قرار میدهد. چون از مناطق شمالی ناحیه خوران اراقامی در دست نیست تمایلات جغرافیائی اندازه سر در آن محل را نمیتوان معین کرد.

بررسی شاخصهای سر نشان میدهد که از هفت گروه ایران و عراق که همه در طبقه سردراز قرار دارند بادیه نشینان بائج بیشتر از همه افراد سردراز دارند. لرها و یزد خواستیها در طبقه و بعد از آنها اعراب کیش و سربازان عراقی هستند. در میان ده نشینان کناره تمایل زیادی به سر متوسطی است. فقط یهودیها هستند که در طبقه سر کوتاه میباشند. از ۱۰ تا ۲۰ درصد لرها و یزد خواستیها و بادیه نشینان بائج در طبقه خیلی سردراز قرار میگیرند.

اگرچه گروه چاتری و پاتان هندوستان نیز سردراز هستند طبقه چاتری مثل بادیه نشینان بائج تمایل به خیلی سردرازی دارند در حالیکه در میان پاتانها عناصر زیادتری سر کوتاهی است ولی البته نه باندازه یهودیها. مصریها یک گروه متجانس تشکیل میدهند و ۹۶ درصد آنها سر دراز متوسط و عده ای سر دراز و هیچ خیلی سر دراز ندارند.

بر خلاف گروههای ایران و عراق و هندوستان و مصر اعراب جنوب عربستان که توسط برترام تامس اندازه گیری شده اند  $\frac{88}{66}$  در صدشان سر کوتاه هستند که  $\frac{57}{20}$  درصد آنها در طبقه خیلی سر کوتاه قرار میگیرند. باید بخاطر داشت که تنها این گروه بودند که سر خیلی کوچک داشتند.

اکنون میپردازیم به بررسی اندازه‌های سر در آسپای جنوب غربی.

طول سر \*

ایران

مردم	تعداد	میانگین	نویسنده
یهودی‌های اصفهان	۸۷	۱۸۶/۰۶	فیلد
کناره	۷۳	۱۸۷/۰۲	
ایرانی	۴۶	۱۸۸/۰۰	دانیلو
لرهای پشت کوه	۵۲	۱۸۹/۹۹	فیلد
یزد خواست	۴۶	۱۹۲/۵۱	

عراق

ترکمن	۳۱	۱۸۳/۸۷	اهریک
یهودی	۳۷	۱۸۴/۰	ویسنبرگ
سربازان عراقی	۲۲۲	۱۸۶/۲۴	فیلد
اعراب کیش	۳۵۸	۱۸۸/۷۶	
سربازان عراقی (حله)	۶۳	۱۸۹/۷۲	بکستون و رایس
کارگران کیش	۱۰۰	۱۹۰/۱۴	
عرب	۳۳	۱۹۰/۴۴	اهریک
بادیه‌نشینان بایج	۳۵	۱۹۱/۳۱	فیلد

عربستان

عرب	۲۹	۱۸۰/۰۰	مشی
-----	----	--------	-----

ماوراء اردن

بادیه‌نشینان موالی	۱۷۵	۱۹۰/۴۲	شنکلین
بادیه‌نشینان اکیدت	۱۲۰	۱۹۱/۳۵	

فلسطین

سامری	۳۵	۱۸۸/۰۰	هاکسلی
سامری	۲۷	۱۹۱/۰۷	اسپیدام

\* ایران : بختیاری (۳) ۱۷۸/۰ ، هوسی - عجمی (۲) ۱۸۵/۰ ، هوسی

- عجمی (۹) ۱۸۵/۰ شانتز .

عراق : کلدانی (۴) ۱۷۸/۰ ، کاپرز - عرب ترکمن (۶) ۱۸۵/۰ ،

اهریک - کرد ترکمن (۷) ۱۸۲۷/۱ ، اهریک .



### سوریه

دروز	۰۰۰	{ ۱۷۸/۲	کاپرز
لبنانی	۱۸۲	{ ۱۸۱/۹	
سوریهای	۲۶۳	۱۸۳/۰۶	سلنزر
بادیه نشینان رواله	۲۷۰	۱۹۱/۴۸	شفکلین
انصاریهای (انطاکیه)	۴۲	۱۹۵	شانتر

### اناطولی

تاجتاشی و بکتاش	۵۰	۱۷۶/۴۰	فن لوشان
ترك (کستامونی)	۸۴	۱۸۰/۱	واگنسیل
ترك (ایالات شرقی)	۳۴	{ ۱۸۰/۵	واگنسیل
ترك (آنکارا)	۶۲	{ ۱۸۰/۶	
ترك	۲۰۰	۱۸۰/۹۳	هسلوك وموران
ترك (توتال)	۳۹۵	۱۸۱/۶	واگنسیل
ترك (عثمانی)	۴۷	۱۸۲/۰	زوپانیچ
ترك (بروسه)	۷۶	{ ۱۸۲/۱	واگنسیل
ترك (داردانل)	۳۶	{ ۱۸۳/۱	
ترك (قونیه)	۵۶	{ ۱۸۳/۱	
ترك (اسمیرنه)	۴۷	{ ۱۸۳/۵	
بکتاش (آنکارا)	۱۵	۱۸۴/۰۴	کروفوت
ترك	۲۰۰	۱۸۵/۴	پینارد
آسوری	۲۲	۱۷۳/۰	شانتر
علوی	۰۰۰	۱۷۸/۵	کاپرز

### قفقاز

ارمنی (یروان)	۲۷	۱۶۸	سانتر
ارمنی	۲۵	۱۸۱/۰	هردلیشکا
ارمنی (قبروسی)	۲۸	۱۸۱	سانتر
ارمنی	۱۰۵	۱۸۱/۷۸	توارجانویچ
ارمنی	۰۰۰	۱۸۲/۰	کاپرز
ارمنی	۲۰	۱۸۲/۰	ویسنبرگ

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۳۳

ارمنی	۲۹۲	۱۸۲/۰۸	شانتز
ارمنی	۱۹	۱۸۲/۳۱	فن ارکرت
ارمنی	۱۰۱	۱۸۴/۳۰	سلقزر
ارمنی	۷۵	۱۸۶/۳۹	پواز
لرگی	۱۱	۱۸۰/۰	شانتز
یهودی	۳۰	۱۸۳/۰	ویسبرگ
یهودی (گرجستان)	۳۳	۱۸۴/۰	
گرجی	۹۰۰	۱۸۵/۰	ژاواخوف
تاجیک (نوراشین)	۱۴	۱۸۶/۰	شانتز
تاتار (آرخوری)	۱۵	۱۸۶/۰	
تاتار (آرالیچ)	۱۶	۱۸۶/۰	
تاجیک (دره گورا)	۳۹	۱۸۸/۹	
تاتار (یروان)	۱۷	۱۸۹/۰	
تاتار (آذربایجان)	۱۹	۱۸۹/۰	
ترکمن	۵۹	۱۹۳/۰	ایاورسکی

کردستان

کرد (عراق)	۱۳	۱۸۱/۳۱	اهریک
کرد	۶۳	۱۸۲/۶۸	پیتارد
کرد (بلیکانی)	۳۰	۱۸۶	شانتز
کرد (خارپوت وارزنگین)	۲۳	۱۸۸	
کرد (ایران)	۱۹	۱۸۸/۵	دانیلو
کرد (میلانلی)	۲۰	۱۹۰	شانتز
کرد (سوریه و عراق شمالی)	۳۵	۱۹۳	شانتز <sup>۱</sup>

ترکستان

بخارا	۱۶۳	۱۸۰/۶۹	اوشانین
وانج	۸۰	۱۸۱/۰۵	کرونیکوف
دره پاسکم و ناحیه بخارا	۱۰۰	۱۸۳/۳۱	...

۱ - شانتز طول سر ۲۲ کرد شمال عراق را که میگوید میانگین ۲۰۱ داشته اند ثبت کرده است که باشکال میتوان باور کرد.

## ۶۳۴- مردم‌شناسی ایران

ایارکف	۱۸۵/۳۳	۲۰۰	فرغانه
اوشانین	۱۸۸/۴	۱۲۵	ارساری
ایاورسکی	۱۹۳	۵۱	تکه
ایارکف	{ ۱۹۳/۱۵ ۱۹۴/۲۵	{ ۲۰۰ ۱۰۷	چودیر ایومود
ماسلوسکی	۱۸۳	۱۷	عرب
اوشانین	۱۸۳/۶۶	۱۰۰	عرب
ماسلوسکی	۱۸۹	۲۹	عرب

### افغانستان

ماتیسوسکی	۱۸۵	۱۸	افغان
-----------	-----	----	-------

### بلوچستان

...	۱۷۴/۴۲	۳۵	بندیجه
...	۱۷۶/۳۴	۳۳	چته لك
...	۱۷۷/۶۶	۵۸	لری
...	۱۷۷/۷۵	۱۶	سنگور
...	۱۷۷/۹۶	۱۰۰	جات
...	۱۷۸/۳۲	۵۹	پاتان وانچی
...	۱۷۷/۵۶	۲۱	قلندران
...	۱۷۹/۴۹	۷۷	منگل براهوئی
...	۱۷۹/۶۷	۲۰۰	دهواری
...	۱۸۰/۰۶	۴۸	میرجات
...	۱۸۱/۱۷	۷۹	مکرانی
...	۱۸۴/۰۲	۱۰۰	پانی - پونی (پشته)
جوین و ستاین	{ ۱۷۴/۸۳	۳۵	بلوچ
	{ ۱۸۵/۵۵	۳۳	سید
	{ ۱۸۶/۲۴	۳۷	سیستانی

در ایران بختیاری (فقط از سه نفر اندازه گیری شده) دارای کوتاهترین سر (۱۷۸/۰) و یزد خواستی ها دراز ترین (۱۹۲/۵۱) سر میباشند . اکثریت بین ۱۸۷ و ۱۹۰ واقع میشوند .

در عراق باستانی عناصر ترکمن حد سر از ۱۸۴ در گروه یهودیها تا ۱۹۱/۳۱ در میان بادیه نشینان بائج می باشد . سر یک گروه کلدانی که توسط کاپرز اندازه گیری شده مطابق سر کوتاه بختیاریهای هومی (۱۷۸) میباشد . عربهای جنوب عربستان سرشان کوتاهتر (۱۸۰) از ساکنین ایران و عراق میباشد .

در موارء اردن سر افراد دراز است ۱۹۰/۴۱ و ۱۹۱/۳۵ ؛ سر سامریهای فلسطین نیز نسبتاً دراز میباشد ۱۸۸ و ۱۹۱/۰۷ ؛ دروزها و لبنانیهای سوریه بنظر میرسد سر خیلی کوتاه داشته باشند در حالیکه بادیه نشینان رواله سر خیلی بلند (۱۹۱/۴۸) دارند .

جدول بالا نشان میدهد که طول سر چهار گروه بادیه نشین بطور عجیبی یکنواخت است: موالی (۱۹۰/۴۲) ؛ بائج (۱۹۱/۳۱) ؛ اکیدت (۱۹۱/۳۵) ؛ رواله (۱۹۱/۴۸) .

این ارقام با اضافه اندازه هائیکه نویسنده از شمار و صلویه بدست آورده و هنوز منتشر نشده است حاکی از آنستکه ممکن است از نوع مدیترانه اولیه باشند که میانگین آن ۱۹۰ تا ۱۹۱/۵ است .

در اناطولی طول سر بین ۱۷۶/۴۰ و ۱۸۵/۴۰ است و تقریباً همه نسبتاً کوتاه هستند . گروههای قفقاز نیز سر کوتاه یعنی بین ۱۸۰/۰ و ۱۸۵/۰ هستند بجز تاحیکها و تاتارها و یک گروه ترکمن که طول سر آنها کمی زیاده تر است . یک گروه ارامنه (۱۶۸/۰) محتاج به پرسش و رسیدگی است .

در کردستان سر متمایل به کوتاهی است بجز سه گروه سردراز در سوریه و عراق که توسط شانتز اندازه گیری شده اند .

مردم ترکستان (حد بین ۱۸۰/۶۹ و ۱۹۴/۲۵) بجز عربها (حد بین ۱۸۳/۰ و ۱۸۹) سر متوسط تا دراز دارند . در بلوچستان تمایل به کوتاه سری است (حد بین ۱۷۴/۴ تا ۱۸۶/۲) .

وقتی گروه‌های ایران نویسنده با گروه‌های غربی و شمالی مقایسه می‌شوند از لحاظ این اندازه اختلافی با مردم عراق ندارند. عرب‌های جنوب ظاهراً دارای سرکوتاه‌تر و بادیه‌نشینان ماوراء اردن درازتر و مردم اناطولی و قفقاز بطور قابل ملاحظه دارای سرکوتاه‌تر از گروه‌های ایران و عراق می‌باشند. مطلب شایان توجه اینکه حد طول سر یهودیهای اصفهان و عراق و قفقاز بین ۱۸۳ و ۱۸۶ می‌باشد. اکنون به جدول عرض سر برای منطقه جنوب غربی آسیا می‌پردازیم.

## عرض سر \*

## ایران

مردم	تعداد	میانگین	نویسنده
لرهای پشت‌کوه	۵۲	۱۴۰/۶۸	فیلد
یزدخواست	۴۶	۱۴۱/۵۵	
کناره	۷۴	۱۴۲/۹۶	
عجمی	۹	۱۴۴/۰	شانتر
یهودیهای اصفهان	۸۶	۱۴۴/۲۸	فیلد
ایرانی	۴۶	۱۴۶/۰	دانیلو

## عراق

بادیه‌نشینان بائج	۳۵	۱۳۹/۹۳	فیلد
اعراب‌کیش	۳۵۹	۱۴۱/۹۱	فیلد
کارگران کیش	۱۰۰	۱۴۲/۷۵	بکستون و رایس
سربازان عراقی	۲۲۱	۱۴۳/۷۱	فیلد

\* ایران: عجمی (۲) ۱۴۰/۰ و بختیاری (۳) ۱۴۹/۰ هوسی. عراق:

عرب‌های ترکمن (۶) ۱۴۴/۱۷ و کردهای ترکمن (۷) ۱۴۸/۵۷ - اهریک.

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۳۷

یهودیه‌ها	۳۷	۱۴۴/۰	ویسنبرگ
سربازان عراقی (حله)	۶۳	۱۴۴/۳۴	بکستون و رایس
ترکمن	۳۱	{ ۱۴۶/۱۰	اھریک
عرب	۳۳	{ ۱۴۶/۲۱	
کلدانی	...	۱۵۳/۱	کاپرز

عربستان

عرب	۲۹	۱۴۷/۳۸	مشی
بادیه نشینان اکیدت	۱۲۰	{ ۱۴۶/۱۴	شنکلین
بادیه نشینان موالی	۱۷۵	{ ۱۴۷/۰۶	

فلسطین

سامری	۳۵	۱۴۷/۰	هاکسلی
سامری	۲۷	۱۴۸/۴۰	اسپید بام

سوریه

بادیه نشینان رواله	۲۷۰	۱۴۳/۶۳	شنکلین
لبنانی	۱۸۲	۱۵۴/۴	کاپرز
سوریه‌ای	۲۶۵	۱۵۵/۴۷	سلتزر
دروز	۰۰۰	۱۵۵/۵	کاپرز
انصاریها (انطاکیه)	۴۲	۱۶۴/۰	شاتر

اناطولی

ترك (بروسه)	۷۶	۱۴۹/۳	واگنسلی
ترك (اسمیرنه)	۴۷	{ ۱۵۰/۳	
ترك (قونیه)	۵۶	{ ۱۵۲/۰	
ترك	۲۰۰	۱۵۲/۳۵	پیتارد
ترك (توتال)	۳۹۶	۱۵۲/۶	واگنسلی
تاچتادشی و بکتاش	۵۰	۱۵۲/۶۰	فن‌لوشن

هسلوک ومورانت	۱۵۲/۶۵	۲۰۰	ترك
واگنسيل	۱۵۳/۵	۳۶	ترك (داردانل)
	۱۵۳/۵	۶۲	ترك (آنكارا)
	۱۵۳/۸	۳۴	ترك (ايلالات شرقى)
زوپانيچ	۱۵۴	۴۷	ترك (عثمانلى)
واگنسيل	۱۵۶/۰	۸۵	ترك (كستموى)
كروفوت	۱۵۷	۱۵	بكتاش (آنكارا)
كاپرز	۱۵۲/۷	...	علوى
شانتر	۱۵۵/۰	۲۲	آسورى

### قفقاز

شانتر	۱۵۳	۲۷	ارمنى (يروان)
ويسنبرگه	۱۵۳	۲۰	ارمنى
هردليشكا	۱۵۵	۲۵	ارمنى
كاپرز	۱۵۵/۴	...	ارمنى
شانتر	۱۵۶/۱۳	۲۹۲	ارمنى
فن اركرت	۱۵۶/۴۲	۱۹	ارمنى
توارجانويچ	۱۵۷/۸۲	۱۰۵	ارمنى
سلنزر	۱۵۷/۹۰	۱۰۱	ارمنى
شانتر	۱۵۸	۲۸	ارمنى (قيروسى)
بواز	۱۵۹/۴۳	۷۵	ارمنى
شانتر	۱۴۵	۱۶	تاتار (آرالميج)
	۱۴۶	۱۷	تاتار (يروان)
اياورسكى	۱۴۶	۵۹	تركمين
شانتر	۱۴۷	۱۵	تاتار (آرخورى)
	۱۴۹/۰	۱۹	تاتار (آذربايجان)
	۱۴۹/۰	۲۹	تاجيك (دره كورا)
	۱۴۹	۱۴	تاجيك (نوداشاين)

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۳۹

ژواحف	۱۵۴	۹۰۰	گرجی
ویسینرک	۱۵۵	۲۰	یهودی
ویسینبرک	۱۵۸	۳۳	یهودی (گرجی)
شاتر	۱۵۸	۱۱	لرگی

کردستان

شاتر	۱۴۵	۲۳	کرد (خارپوت وارزنگین)
دانیلو	۱۴۷/۰	۱۹	کرد (ایران)
شاتر	۱۴۸	۲۰	کرد (میلانی)
اهریک	۱۴۸/۶۲	۱۳	کرد (عراق)
شاتر	{ ۱۵۶ ۱۵۷	{ ۳۰ ۲۲	{ کرد (بلیکانی) کرد (شمال عراق)
پیتارد	۱۵۷/۸۵	۶۳	کرد
شاتر	۱۵۹	۳۵	کرد (سوریه و شمال عراق)

ترکستان

اوشانین	۱۴۵/۰	۱۲۵	ارساری
ایارخوف	۱۴۵/۷۸	۱۰۷	ایومود
ایاورسکی	۱۴۶	۵۱	تکه
ایارخوف	۱۴۹/۰۰	۲۰۰	چودیر
کرونیکوف	۱۵۰/۶۷	۸۰	وانچ
اوشانین	۱۵۱/۳	۱۶۳	بخارا
...	۱۵۲/۷۳	۱۰۰	دره پسکم و ناحیه بخارا
ایارخوف	۱۵۵/۳۰	۲۰۰	فرغانه
ماسلوسکی	{ ۱۵۸ ۱۵۱	{ ۲۹ ۱۷	{ عرب عرب
اوشانین	۱۵۵/۴	۱۰۰	عرب

افغانستان

ماتسیوسکی	۱۵۷	۱۸	افغان
-----------	-----	----	-------



## بلوچستان

...	۱۳۹/۴۲	۵۸	لری
...	۱۴۱/۱۳	۵۹	پاتان وانچی
...	۱۴۱/۸۸	۱۰۰	جات
جویس وستاین	۱۴۱/۹۷	۳۵	بلوچ
	۱۴۲/۳۵	۳۷	سیستانی
	۱۴۳/۱۸	۳۳	مید
...	۱۴۶/۴۴	۴۸	میرجات
...	۱۴۶/۵۶	۲۱	قلندران
...	۱۴۶/۶۵	۲۰۰	دهواری
...	۱۴۷/۳۷	۱۰۰	پانی - پاونی (پشته)
...	۱۴۹/۰۲	۷۹	مکرانی
...	۱۴۹/۱۴	۷۷	منگل براهوئی
...	۱۴۹/۶۸	۳۳	چوته لوک
...	۱۵۲/۰۲	۳۵	بندیجه
...	۱۵۳/۴۳	۱۶	سنگور

درجدول بالا مشاهده میشود که عرض سردر میان گروههای ایران متوسط عریض (۱۴۰-۱۴۶) است باستثنای سه فرد بختیاری (۱۴۹/۰) . گروههای عراق اختلاف زیادی با ایران ندارند اگرچه درمورد ترکمنها و کلدانیها عرض سر زیاد تر است (۱۴۹/۰) . درمقام مقایسه با چهار گروه ایران عرض سر عریض جنوب و سامریهای فلسطین کمی زیاد تر و عرض سر بادیه نشینان رواله یکسان است ولی حد اکثر عرض سر دروزها و سوریه‌ایها و لبنانیها بطور قابل ملاحظه زیادتر و از آن مردم اناطولی و قفقاز و قسمتی از کردستان خیلی زیادتر است باوجود نزدیکی طول سر چهار گروه بادیه نشین در عرض سر آنها اختلاف قابل ملاحظه دیده میشود که عبارتند از: بائج ۱۳۹/۹۳؛ رواله ۱۴۳/۶۳؛ اکیدت

۱۴۶/۱۴ و موالی ۱۴۷/۰۶ .

اگرچه طول سر یهودیهای قفقاز و یهودیهای ایران و عراق تقریباً یکسان است عرض سر یهودیهای قفقاز خیلی زیاد تر است (۱۵۵/۰ تا ۱۵۸/۰) .  
 کردها (حد بین ۱۴۵/۰ تا ۱۵۹/۰) و مردم ترکستان (حد بین ۱۴۵/۰ تا ۱۵۵/۳) از اکثر گروههای بلوچستان که حد عرض سر آنها بین ۱۳۹/۴ و ۱۴۷/۴ است دارای سر عریضتر میباشند .  
 اکنون میرسیم بیکى از مهمترین عوامل نژادى که شاخص سرباشد . از مقایسه طول و عرض سر بالا مسئله اختلاف شاخص سر تا حدی آشکار است .  
 طبق طبقه‌بندی سه گانه‌ها روارد هفت گروه ایران و عراق به ترتیب میزان صعودی میانگین شاخص سر جدول زیر را تشکیل میدهند .

مردم	میانگین	سر دراز		سر متوسط		سر کوتاه		مجموع
		عدد	درصد	عدد	درصد	عدد	درصد	
		(۷۶/۵-۹)		(۸۲/۵-۷۶/۶)		(۸۲-۸۲/۶)		
یادیه یشتان بائج	۷۳/۲۹	۲۹	۸۲/۸۶	۵	۱۴/۲۹	۱	۲/۸۶	۳۵
یزدخواست	۷۳/۵۰	۳۷	۸۰/۴۳	۷	۱۵/۲۲	۲	۴/۳۵	۴۶
لرها	۷۴/۲۵	۴۰	۷۹/۹۲	۱۱	۲۱/۱۵	۱	۱/۹۲	۵۲
ءراب کیش	۷۵/۳۳	۲۲۴	۶۲/۵۲	۱۲۵	۳۴/۹۲	۹	۲/۵۱	۳۵۸
کناره	۷۶/۴۴	۳۶	۴۹/۳۲	۳۵	۴۷/۹۵	۲	۲/۷۴	۷۳
سرایان عراقی	۷۶/۶۲	۱۱۰	۴۹/۷۷	۹۷	۴۳/۸۹	۱۴	۶/۳۳	۲۲۱
یهودیه‌های امنهان	۷۷/۴۳	۳۲	۳۷/۲۱	۴۹	۵۶/۹۸	۵	۵/۸۱	۰۶

جدول بالا نشان میدهد که اکثریت در طبقه سر دراز قرار دارند و تعدادی کمتری در طبقه سر متوسط هستند عنصر سر کوتاه در هیچیک از گروهها از ۶/۳۳ در صد تجاوز نمیکند . بین گروه یزدخواست و کناره اختلاف قابل ملاحظه وجود دارد بدین معنی که ۸۰/۴۳ در صد مردم یزدخواست و ۴۹/۳۲ در صد اهالی کناره در طبقه سر دراز قرار دارند و این امر در نتیجه اختلاف در عرض سر پیدا شده است .

جدول تطبیقی شاخص سر از این قرار است :

شاخص سمر \*

ایران

نویسنده	میانگین	تعداد	مردم
فیلد	۷۳/۵۰	۴۶	یزدخواست
	۷۴/۲۵	۵۲	لرهای پشت کوه
	۷۶/۴۴	۷۳	کناره
دنیگر	۷۶/۰	۳۴	آذربایجان
کریشنر	۷۶/۶	۱۴	یهودیهای جنوب ایران
فیلد	۷۷/۴۳	۸۶	یهودیهای اصفهان
دانیلو	۷۸/۴	۴۶	ایرانی
دنیگر	۷۸/۴	۱۶۸	ایرانی
	۷۸/۴	۱۱	دزفولی
مختلف	۷۸/۷	۱۲۳	ایرانی
ماسلوسکی	۸۰/۰۶	۵۰	ایرانی
مختلف	۸۸/۳۸	۲۰	بختیاری

\* ایران : عجمی ، جنوب تهران (؟) ۷۷/۷۴ ، شانتز ؛ عجمی (۹)  
 ۷۷/۸۳ ، شانتز ؛ عجمی (۲) ۸۱/۵۴ ، هوسی ؛ یزیدی نزدیک اصفهان (۴) ،  
 ۸۸/۱۵ ، گوئیر ؛ بختیاری ؛ (۳) ۸۳/۷۰ ، هوسی ، - (۱) ۸۳/۸۸ ، دانیلو  
 (۱) ۸۸/۴ دانیلو ؛ (۴) ۸۹/۰ دوهوسه ؛ (۹) ۸۹/۳۲ گوئیر ؛ (۱)  
 ۹۱/۰ کریشنر ؛ (۱) ۹۳/۴ کریشنر ؛ عراق ؛ کرد ترکمن (۷) ۷۳/۲۹  
 اهریک ؛ ترکمن (۶) ۷۴/۴۵ کاپرز ؛ عرب ترکمن (۶) ۷۹/۴۳ اهریک ؛  
 عربستان توسط برترام تامس ؛ بسوطاوری (۱) ۷۹/۱۲ ؛ یافعی (۵) ۸۱/۶۸  
 حرانی (۱) ۸۳/۳۳ ؛ عمانی (۳) ۸۵/۱۸ ؛ مشائی (۱) ۸۶/۲۰ ؛ محرا  
 (۵) ۸۶/۶۷ ؛ شهادی (۹) ۸۸/۱۲ ؛ قرا (۷) ۸۹/۱۲ والکتیری (۴) ۹۰/۳۲ .  
 ماوراء اردن . (۸) حویته (مطاریه) ۷۴/۲۱ ، شانتز ؛ قفقاز ؛ یزیدی  
 (۳) ۷۲/۳۶ شانتز ؛ یزیدی (کراکو) (۳) ۷۸/۶۱ شانتز . کردستان (همه  
 کردها) ؛ ایران (۵) ۸۶/۲ دوهوسه ؛ دریاچه ارومیه (۵) ۸۶/۶۸ ، شانتز ؛  
 باطوم (۵) ۸۸/۱ ، شانتز .

## عراق

فیلد	۷۳/۲۹	۳۵	باده نشینان بایج
بکستون و رایس	۷۵/۳۰	۱۰۰	کارگران کیش
فیلد	۷۵/۳۳	۳۵۸	اعراب کیش
بکستون و رایس	۷۶/۲۳	۶۳	سربازان عراقی (حله)
فیلد	۷۶/۶۲	۲۲۱	سربازان عراقی
اھریک	۷۶/۸۵	۳۳	عرب
ویسنبرگ	۷۸/۱	۳۷	یهودی
اھریک	۷۹/۴۴ *	۳۱	ترکمن
کاپرز	{ ۸۴/۵۰ ۸۶/۰۱	{ ۶۴ ۱۹	اعراب کھتن کلدانی (قره قوش)

## عربستان

اتکی	۷۷/۴۷	۳۰	یمنی (صنعه)
لیس وجویس	۷۸/۲۸	۳۱	عمانی (مسقط)
مشی	۷۹/۳۷	۱۲	جده
دنیکر	۸۰/۷	۱۵۴	عرب
لیس و جویس	{ ۸۰/۹۲ ۸۱/۰۷	۸۲	عرب (شهر)
		۲۰	عرب (یمن)
مشی	۸۱/۵۹	۲۹	عرب
دنیکر	۸۱/۹	۴۱	عرب (یمن)
موگنیر	{ ۸۲/۵ ۸۲/۵۶	۰۰	عرب (یمن)
		۲۵	یمنی
برتلون و شانتز	۸۲/۵۶	۲۰	یمنی

## ماوراء اردن

شنکین	{ ۷۶/۳۹	۱۲۰	بادیه نشینان اکیدت
	{ ۷۶/۷۸	۲۲۱	خزعل
	{ ۷۷/۲۸	۱۷۵	بادیه نشینان موالی

### فلسطین

طواره (سینا)	۱۸	{ ۷۳/۳	شانتر
معزا (بین سوئز و کنه)	۰۰	{ ۷۵/۰	
فلاحین (صفد)	۳۰	{ ۷۵/۷	ویسنبرگ
فلاحین (جافه)	۳۲	{ ۷۶/۹	
سامری (نیلوس)	۲۷	۷۷/۲۳	کاپرز
سامری	۲۷	۷۷/۶۴	اسپید بام
سامری	۳۵	۷۸/۱	هاکسلی
یهودی (سفاردیم)	۱۰۱	{ ۷۸/۶	
یهودی (اشکناریم)	۱۰۰	{ ۸۱/۲	کاپرز
عرب	۱۳۹	{ ۸۱/۶	

### سوریه

بادیه نشینان رواله	۲۷۰	۷۵/۰۰	شنکین
بادیه نشینان	۱۰۷	۷۷/۲	کاپرز
یهودی (دمشق)	۰۰	۸۰/۹	ویسنبرگ
مرز صحرا	۱۳۵	۸۱/۷	کاپرز
انصاری (نزدیک طرابلس)	۴۸	۸۴/۴۳	شانتر
لبنانی	۱۸۲	۸۴/۸۸	کاپرز
سوریه ای	۲۶۵	۸۵/۱۱	سلترز
علوی (نزدیک طرابلس)	۱۳۶	{ ۸۵/۶۶	
دروز	۸۰	{ ۸۷/۲۶	کاپرز

### اناطولی

ترک (بروسه)	۸۸	۸۱/۸۰	واگنسیل
ترک	۲۰۰	۸۲/۲۴	پیتارد
ترک (اسمیرنه)	۶۰	{ ۸۲/۴۳	
ترک (قونیه)	۶۶	{ ۸۳/۵۳	واگنسیل
ترک (توتال)	۴۵۵	{ ۸۴/۱۹	
ترک (داردا نل)	۳۸	{ ۸۴/۲۱	واگنسیل
ترک (عثمانلی)	۱۲۰	۸۴/۳۳	شانتر

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۴۵

السیف	۸۴/۴۰	۱۳۱	ترك (عثمانلی)
دنیکر	۸۴/۵	۱۶	ترك (عثمانلی)
			ترك (عثمانلی در
زوپائیچ	۸۴/۶۱	۴۷	آنکارا و قونیه)
پانتیوخف	۸۴/۷	۴۰	ترك
کروفوت	۸۵/۲۰	۱۵	بکتاش (آنکارا)
دنیکر	۸۵/۳	۱۵	بکتاش (لیسیا)
واگنسیل	{ ۸۵/۳۵ ۸۵/۳۸	{ ۳۹ ۶۹	ترك (ایالات شرقی) ترك (آنکارا)
کاپرز	{ ۸۵/۵۳ ۸۵/۶۷	{ ۱۰ ۰۰	ترك (مغول) علوی
فنلوشن	۸۶/۵۶	۰۰	تاجادشی وبکتاش
واگنسیل	۸۶/۶۱	۹۵	ترك (کستمونی)
هسلوک ومور	۸۷/۲۰	۲۰۰	ترك
دنیکر	۸۸/۷۰	۳۳	آسوری (دریاچه ارومیه)
شانتز	۸۹/۵۰	۲۲	آسوری

قفقاز

ویسنبرگ	۸۴/۱	۲۰	ارمنی
یواز	۸۵/۱۱	۷۵	ارمنی
هردلشکا	۸۵/۳۳	۲۵	ارمنی
کاپرز	۸۵/۳۸	۹۷	ارمنی (بیروت) *
دنیکر	{ ۸۵/۶ ۸۵/۶	{ ۳۴۱ ۲۷۸	ارمنی ارمنی (ماوراء قفقاز)
شانتز	{ ۸۵/۷۱ ۸۵/۷۷	{ ۲۹۷ ۲۹۲	ارمنی ارمنی
سلفزر	۸۵/۸۱	۱۰۱	ارمنی
فن ارکرت	۸۶/۲۱	۱۹	ارمنی
جواشیشویلی	۸۶/۷	۳۱۸	ارمنی
توارجا نویچ	۸۶/۸۹	۱۰۵	ارمنی

## ۱۳۶- مردم‌شناسی ایران

ارمنی (قرومی)	۲۸	* ۸۷/۲۹	شانتز
ارمنی (یروان)	۲۷	* ۹۱/۰۲	
ترکمن	۵۹	۷۵/۶	ایاورسکی
تاتار (آذربایجان)	۲۰۷	۷۷/۶	مختلف
تاتار (آرالایچ)	۱۶	* ۷۷/۹۶	شانتز
تاتار (آذربایجان)	۱۹	۷۸/۸۳	
تات (باکو)	۱۲۹	۷۹/۲	دنیگر
تاتار (یروان)	۱۷	* ۸۰/۱۱	شانتز
تاجیک (نوراشاین)	۱۴	* ۸۰/۱۱	
اوست	۳۰۰	۸۱/۵	ریسکین
ابازک	۱۱	۸۱/۶	فن‌ارکرت
اوست	۵۵۴	۸۱/۹	دنیگر
چرکس	۵۴	۸۲/۰۵	کاپرز
اوست	۱۷	۸۳/۱	شانتز
مینگرلیان	۱۲	۸۳/۲	
گرجی	۹۰۰	۸۳/۲	ژاواخف
یهودی	۲۰	۸۴/۷	ویسنبرگ
تات (داغستان)	۵۶	۸۴/۹	دنیگر
لاز	۱۵۲	۸۵/۶	
یهودی (گرجستان)	۳۳	۸۵/۹	ویسنبرگ
یهودی	۴۳	۸۷/۵	پانتیوخف
لزگی	۱۱	۸۷/۷۷	شانتز

## کردستان

کرد	۶۷	۷۶/۲	شانتز
کرد (خارپوت و ارزنگین)	۲۳	۷۷/۱۲	
کرد	۳۰۰	۷۷/۶	ایوانوسکی
کرد (ایران)	۱۹	۷۷/۶۸	دانیلو
کرد (میلانی)	۲۰	* ۷۷/۸۹	شانتز
کرد	۱۴۰	۷۸/۵	

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۴۷

دنیگر	۷۸/۵	۳۳۲	کرد
شانتز	۷۸/۱۱*	۲۲	کرد (عراق شمالی)
			کرد (آریکا - ماوراء)
نانسو نو	۷۸/۴۸	۲۵	قفقاز
شانتز	۷۸/۵۳	۲۷۲	کرد
کریشنر	۷۹/۵	۱۲	کرد (همدان)
اهریک	۸۲/۰۰*	۱۳	کرد (عراق)
شانتز	{ ۸۲/۵۴*	۳۵	کرد (سوریه و عراق)
	{ ۸۵/۱۶	۳۰	کرد (بلیکانی)
شانتز	۸۵/۲	۳۵	کرد (سوریه)
پیتارد	۸۶/۴۹	۶۳	کرد (دوبروجا)

ترکستان

ایارخف	۷۵/۱۶	۱۰۷	ایومود
ایاورسکی	{ ۷۵/۶	۵۹	ترکمن
	{ ۷۵/۶۴	۵۱	تکه
اوشانین	۷۷	۱۲۵	ارساری
ایا	۷۷/۲۴	۲۰۰	چودیر
دنیگر	{ ۷۷/۹	۲۳	ترکمن
	{ ۸۲/۱	۱۶	عرب
اوشانین	۸۲/۷۷	۴۲۳	کارا تاجین
کرونیکو	۸۳/۲۱	۸۰	وانچ
...	۸۳/۵۷	۱۰۰	دره پسک و ناحیه بخارا
ایارخف	۸۴/۰۴	۲۰۰	فرغانه
اوشانین	۸۴/۲۰	۱۶۳	بخارا
ویشنوسکی	۸۵/۸۴	۲۷۹	پندژیکنت
ماسلوسکی	{ ۸۲/۱	۱۷	عرب
	{ ۸۳/۴	۲۹	عرب
اوشانین	۸۴/۷۷	۱۰۰	عرب



افغان	۱۸	۷۵/۵۹	پوارکف
افغان	۱۸	۸۴/۸۶	ماتسیوسکی
هزاره	۰۰	۸۵/۰	هادون
ابی - بلوچ	۳۷ ۳۵	۷۶/۵۰ { ۷۶/۸۱	جویس وستاین
لری	۵۸	۷۸/۷۷	...
پاتان وانچی	۵۹	۷۹/۴۲	...
جات	۱۰۰	۷۹/۹۷	...
پانی- پونی- پشته	۱۰۰	۸۰/۲۸	...
براهوئی (سراوان)	۰۰۰	۸۱/۵	هادون
میرجات	۴۸	۸۱/۶۹	...
دهواری	۲۰۰	۸۱/۸۴	...
قلندرائی	۲۱	۸۱/۸۷	...
مکرانی	۷۹	۸۱/۹۰	...
منگل براهوئی	۷۷	۸۱/۹۸	...
چوته لك	۳۳	۸۴/۹۳	...
سنگور	۱۶	۸۶/۶۴	...
بندیچه	۳۵	۸۷/۰۰	...

بنظر میرسد که مردم فلات ایران از حیث شاخص سر سر متوسط تاسر راز باشند بجز بختیارپها که ظاهراً در طبقه خیلی سر کوتاه ( میانگین ۸۸/۲۸) هستند. در عراق مرکزی و جنوبی اکثریت سر دراز تا سر متوسط هستند ولی بر اساس ارقام چاپ نشده نویسنده در مورد ۵۹۸ کرد و ۱۰۵ آسوری در ناحیه شمال و شمال شرقی شاخص سر بطور محسوسی زیاد شده و نشان میدهد که اکثریت سر کوتاه هستند. اگر چه اکثر اعراب جنوب که در اینجا نقل شده سر کوتاه میباشند عناصر سر دراز در باده نشینان و قبائل

شمال که در زیر تحت عنوان سوریه و ماوراء اردن میاید دیده میشود . در اطلاعات چاپ نشده کون Coon از یمن گروههای سر دراز وجود دارد . در حال حاضر از عربستان سعودی ارقام و اطلاعاتی در دست نیست ولی حدس نویسنده اینست که ساکنین شمال ربع الخالی سر متوسط تا سردراز هستند بخصوص که در میان بادیه نشینان ماوراء اردن و سوریه و عراق که اجدادشان در شمال مرکزی عربستان زندگی میکردند عده کمی سر کوتاه وجود دارد .

در ماوراء اردن بادیه نشینان و همچنین ساکنین فلسطین سر متوسط تا سر دراز هستند بادیه نشینان سوریه که کاپرز اندازه گیری کرده سر متوسط و بادیه نشینان رواله سردراز و سایر گروههای سوریه سر کوتاه هستند .

ساکنین اناطولی و همچنین اکثر اهالی قفقاز سر کوتاه هستند بجز يك گروه یزیدی ( ۷۲/۳۶ ) و ترکمن ( ۷۵/۶ ) که مانند ترکمنهای عراق ( ۷۳/۲۹ تا ۷۹/۴۴ ) و ترکمنهای ترکستان ( ۷۵/۶ - ۷۷/۹ ) در طبقه سردراز - سر متوسط قرار دارند . باید بخاطر داشت که بین تاتارها و تاجیکهای قفقاز عنصر سر متوسط وجود دارد .

کردها سر متوسط تا سردراز میباشند . در میان مردم ترکستان که سر دراز و گرد دارند تنوع زیادی از لحاظ حد ( ۷۵/۱۶ تا ۸۴/۸ ) دیده میشود . سه گروه عرب نیز در طبقه سر کوتاه قرار دارند . در بلوچستان حد زیادی ( ۷۶/۵ - ۸۷/۰ ) وجود دارد و اکثر دارای شاخص سر زیادتر از ۸۰ هستند . هزاره های افغانستان و براهوئی های بلوچستان همسایگان سر کوتاه و سر متوسط مشرق ایران هستند .

### اندازه های سر از هندوستان

محل	تعداد	طول بین یشانی تا پس سر	حد اکثر عرض	شاخص سر
راجپوتانا	۵۰	۱۸۹/۰۴	۱۴۱/۴۸	۷۴/۹۸
ایالات متحده	۵۰	۱۹۲/۶۶	۱۳۹/۵۰	۷۲/۴۸
اوریسا	۱۴۳	۱۸۳/۱۳	۱۴۱/۳۴	۷۷/۳۱
	۵	۱۸۶/۳۶	۱۴۶/۹۶	۷۸/۹۳
بنگال	۱۰۰	۱۸۵/۲۵	۱۴۹/۵۹	۸۰/۸۴
	۵	۱۸۴/۰۸	۱۴۱/۸۰	۷۷/۱۳

۸۱/۳۸	۱۵۰/۵۹	۱۸۵/۱۲	۱۰۵	گجرات و کانیا در
۸۰/۵۸	۱۴۹/۱۶	۱۸۵/۳۰	۹۹	
۷۸/۷۷	۱۴۴/۷۳	۱۸۴/۰۰	۹۳	
۸۰/۷۱	۱۵۱/۲۵	۱۸۷/۵۸	۴۰	
۷۲/۵۱	۱۴۱/۲۴	۱۹۴/۸۹	۵۵	هندوستان جنوبی
۷۴/۱۸	۱۴۲/۵۲	۱۹۲/۲۸	۶۰	
۷۳/۳۸	۱۳۹/۳۴	۱۹۰/۰۲	۵۰	
۷۷/۳۶	۱۴۵/۵۰	۱۸۸/۳۲	۵۰	

این گروه‌ها در اندازه‌های مطلق و در شاخص‌های سرنسبتاً نزدیک سری‌های ایران و عراق هستند بطور خلاصه نتیجه می‌گیریم که مردمان سرمتوسط و سر دراز فلات ایران و گوشه جنوب شرقی « هلال حاصلخیز » بسط پیدا می‌کنند به مغرب از صحرای عربستان شمالی یا سوریه به ماوراء اردن و فلسطین بدره نیل و بسط جنوب شرقی به هندوستان که در آنجا سردرازی در کشمیر و چمو و پنجاب و ایالات متحده و راجپوتانا و بهار و اورپسا و حیدرآباد شرقی و ایالت مدرس و آسام وجود دارد در میان سردرازاها گروه‌های در ماوراء اردن و فلسطین و عراق قد بلند ولی بادیه‌نشینان رواله و مردم ساکن جنوب مرکزی ایران قد کوتاه هستند .

گروه‌های سر کوتاه که از اولاد مهاجمین آسیای مرکزی هستند که از راه ترکستان و قفقاز به جنوب غربی آسیا حمله آوردند در نواحی و درمیان اقوام زیر وجود دارند : مناطق کوهستانی مغرب ایران (بختیاریها) و با احتمال کلی کردهای شمال؛ مردم اناطولی بخصوص آسوریها ؛ گروه‌های متعدد در قفقاز شامل ارامنه و اوستها ؛ دروزها ؛ اکثر اعراب جنوبی از زمین تا عمان ؛ بعضی ترکمنها ، افغانها و بلوچها ؛ بمبی ؛ کاتیاور ، برودا ، مایسور ، بنگال جنوبی و برمه . در میان طبقه سر کوتاه عرب‌های جنوب و بعضی از سوریه‌ای‌ها کوتاه قدند و مردم اناطولی و بلوچستان متوسط و بعضی سوریه‌ایها و بختیاریها و بعضی گروه‌های قفقاز و کردها و ترکمنها و افغانها بلند قد میباشند .

پراکنده بودن نمونه‌های اندازه گیری شده و کافی نبودن آنها برای همه منطقه اظهار نظر در باره شکل سر و رابطه آن با قد غیر ممکن می‌سازد .

### حد اقل قطر پیشانی و شاخص پیشانی و آهیان

اعراب عراق و چهار گروه ایرانی که من اندازه گرفتیم دارای پیشانی عریض هستند . طبق میانگین هفت گروه ایران و عراق به ترتیب زیر قرار می‌گیرند : لرها (۱۱۴/۵۰) ، سرپازان عراقی (۱۱۴/۱۰) ، یزدخواست

(۱۱۲/۷۸)، کناره (۱۱۲/۱۴)، یهودیها (۱۱۱/۹۰)، اعراب کیش (۱۱۱/۵۰)، بادیه‌نشینان بائیمج (۱۱۰/۸۶).

وقتی پیشانیهای ایرانیان طبق سیستم کیث طبقه بندی گردید مشاهده شد که اکثر عریض بود ولی تمایل قابل ملاحظه‌ای به طبقه باریک دیده میشد و تعداد محدودی در طبقه خیلی عریض قرار گرفت افراد دارای پیشانی باریک وجود نداشت. در جدول زیر گروههای عراقی و هندوستان را به همان طبقه بندی تقسیم میکند.

حد اقل قطر پیشانی

مجموع	خیلی پهن	پهن	باریک	حدی ناریک		
	(X-۱۲۰)	(۱۱۹-۱۱۰)	(۱۰۹-۱۰۰)	(۹۹-X)		
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد		عرض سر
۷/۸۹	۰۰۰	۲/۶۳	۵/۲۶	۰۰۰	B	
۲/۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۲/۰۰	۰۰۰	K <sub>۱</sub>	
۲/۰۰	۰۰۰	۲/۰۰	۰۰۰	۰۰۰	S <sub>۱</sub>	خیلی باریک
۴/۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۴/۰۰	C	(۱۲۹-۱۲۰)
# ۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	P	
۳۱/۵۶	۰۰۰	۱۳/۱۵	۱۸/۴۱	۰۰۰	B	
۳۰/۰۰	۰۰۰	۲/۰۰	۲۳/۰۰	۶/۰۰	K <sub>۱</sub>	
۲۲/۰۰	۲/۰۰	۱۸/۰۰	۲/۰۰	۰۰۰	S <sub>۱</sub>	باریک
۵۲/۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۳۶/۰۰	۱۶/۰۰	C	(۱۳۹-۱۳۰)
۲۰/۰۰	۰۰۰	۱۰/۰۰	۱۰/۰۰	۰۰۰	P	
۵۵/۲۳	۲/۶۳	۲۶/۳۰	۲۶/۳۰	۰۰۰	B	
۶۴/۰۰	۰۰۰	۲۶/۰۰	۳۸/۰۰	۰۰۰	K <sub>۱</sub>	
۶۶/۰۰	۱۶/۰۰	۴۸/۰۰	۲/۰۰	۰۰۰	S <sub>۱</sub>	پهن
۴۲/۰۰	۰۰۰	۴/۰۰	۳۴/۰۰	۴/۰۰	C	(۱۴۹-۱۴۰)
۷۲/۰۰	۴/۰۰	۲۸/۰۰	۳۰/۰۰	۰۰۰	P	
۵/۲۶	۰۰۰	۵/۲۶	۰۰۰	۰۰۰	B	
۴/۰۰	۲/۰۰	۲/۰۰	۰۰۰	۰۰۰	K <sub>۱</sub>	
۱۰/۰۰	۶/۰۰	۴/۰۰	۰۰۰	۰۰۰	S <sub>۱</sub>	
۲/۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۲/۰۰	۰۰۰	C	(X-۱۵۰)
۸/۰۰	۲/۰۰	۶/۰۰	۰۰۰	۰۰۰	P	
تعداد						
۳۸	۲/۶۳	۴۷/۳۵	۴۹/۹۷	۰۰۰	B	
۵۰	۲/۰۰	۳۰/۰۰	۶۲/۰۰	۶/۰۰	K <sub>۱</sub>	
۵۰	۲۴/۰۰	۷۲/۰۰	۴/۰۰	۰۰۰	S <sub>۱</sub>	مجموع
۵۰	۰۰۰	۴/۰۰	۷۲/۰۰	۲۴/۰۰	C	
۵۰	۶/۰۰	۵۴/۰۰	۴۰/۰۰	۰۰۰	P	

اکثریت گروه‌های ایران در طبقه سرعریض و پیشانی پهن واقع می‌شوند و در درجه بعد سرباریک و پیشانی پهن بجز یهودی‌ها که تمایل به سرعریض و پیشانی باریک دارند. سربازان عراقی شبیه گروه‌های ایران هستند ولی بادیه‌نشینان بائییج و اعراب‌کیش که تنوع زیاد تری بین آنها مشاهده می‌شود دارای سرعریض یا باریک و اغلب پیشانی باریک می‌باشند.

طبقه چتری تمایل به داشتن سرباریک و پیشانی خیلی باریک دارند در حالیکه پاتان‌ها دارای سرعریض و پیشانی پهن یا باریک می‌باشند.

از نه‌گروه فقط در میان اعراب‌کیش و طبقه چتری افراد دارای پیشانی خیلی باریک وجود دارد و فقط در میان چتری‌ها است که افراد دارای پیشانی خیلی پهن اصلاً دیده نمی‌شود.

در رابطه بین حداقل قطر پیشانی و حداکثر عرض سرهفت گروه ایران و عراق به ترتیب زیر قرار می‌گیرند: یهودی‌های اصفهان (۷۷/۷۷)، کناره (۷۸/۶۴)، اعراب‌کیش (۷۸/۶۷)، سربازان عراقی (۷۹/۳۳)، بادیه‌نشینان بائییج (۷۹/۶۰)، یزدخواست (۷۹/۹۹)، لر‌ها (۸۱/۱۹).  
 بعبارت دیگر لر‌ها و یزدخواستی‌ها نسبتاً دارای پیشانی پهن‌تر از گروه‌های عراق می‌باشند در صورتیکه ده‌نشینان کناره و یهودی‌های پیشانی باریک‌تر از گروه‌های عراق دارند. اضافه مختصر در عرض سر مردان کناره از ده‌نشینان یزدخواست باعث اختلاف در شاخص پیشانی و آهیانه شده است. وقتی هفت‌گروه به ترتیب صعودی قرار داده شوند این دو گروه آنقدر شبیه بهم هستند که نزدیک یکدیگر قرار می‌گیرند و جدائی آنها در این شاخص جلب توجه می‌کند.

جدول تطبیق گروه‌های اندازه‌گیری شده در جنوب غربی آسیا از

این‌قرار است :

# مردم شناسی جسمانی ایران-۶۵۳

حد اقل قطر پیشانی و ناحص پیشانی و آهیا نه د

مردم	عدد	حد اکثر عرض	حد اقل قطر پیشانی	شاخص پیشانی و آهانه	موبده
ایرانی	۴۶	۱۴۶	۱۰۳	۷۱/۷ (۶)	دانیلو
یهودیهای آصفهان	۸۶	۱۴۴/۳	۱۱۱/۹۰	۷۷/۷۷	فیلد
کناره	۷۴	۱۴۲/۹۶	۱۱۲/۱۴	۷۸/۶۴	
یردحواست	۴۶	۱۴۱/۶	۱۱۲/۷۸	۷۹/۹۹	
لرهای پشت کوه	۵۲	۱۴۰/۷	۱۱۴/۵۰	۸۱/۱۹	
عراق					
ترکمن	۴۱	۱۴۶/۱	۱۰۲/۹	۷۰/۵۸	اهریک { سکستون و راس
عرب	۳۳	۱۴۶/۲۱	۱۰۴/۱۵	۷۱/۳۱	
سرباران عراقی (حله)	۶۳	۱۴۴/۳۴	۱۰۶/۴۲	۷۳/۹۰	
کارگران کیس	۶۰۰	۱۴۲/۷۵	۱۰۷/۸۶	۷۵/۷۰	
بادیه نشینان بائینج	۳۵	۱۳۹/۹	۱۱۰/۸۶	۷۹/۶۰	فنگ {
اعراب کیس	۳۵۸	۱۴۱/۹	۱۱۱/۵۰	۸۰/۶۰	
سرباران عراقی	۳۲۱	۱۴۳/۷	۱۱۴/۱	۸۳/۳	
عربستان					
عرب	۲۹	۱۴۸/۳۸	۱۰۷/۲	۷۵/۲	مش
مادورا - اردن					
بادیه نشینان اکبید	۹۲۰	۱۴۶/۱	۱۱۰/۶۴	۸۰/۵۲۰	سکس {
بادیه نشینان موالی	۹۷۵	۱۴۷/۱	۱۱۸/۵۰	۸۰/۵۶۸	
فلسطین					
سامری	۲۵	۱۴۷/۰	۱۰۳/۰	۷۰/۷۰*	هاکلی
سامری	۲۷	۱۴۸/۴۰	۱۰۴/۳	۷۷/۹۸	اشید نام
سوریه					
میودیهای	۳۶۲-۵	۱۵۵/۴۷	۱۰۶/۸۲	۶۸/۸۰	سلتر
بادیه نشینان رواله	۲۷۰	۱۴۳/۶	۱۱۰/۹۸	۷۷/۲۸*	سنگین
امساری (اطاکیه)	۴۴	۱۶۴	۱۱۵	۷۰/۱۲	ساتر
اناطولی					
ترک (عثمانی)	۴۶	۱۵۴	۱۰۵	۶۸/۶۰	دوباسج
بکناش (آکارا)	۱۵	۱۵۷	۱۰۱	۷۰/۱	کروووت
ترک	۲۰۵	۱۵۲/۳۵	۱۱۰/۹	۷۳/۳	پیتارد

۱- عراق : عرب ترکمن (۶) حداقل قطر پیشانی ۱۰۴/۱۷ ، شاخص

پیشانی و آهیا نه ۷۲/۵۰ ، اهریک: کرد ترکمن (۷) ۱۰۴/۴۳ ، ۷۰/۲۹ اهریک.

## ۶۵۴- مردم‌شناسی ایران

تا حادى وسكنات	۵۰	۱۵۲/۶۰	۱۱۳/۲۸	۷۴/۴	فن لوش
قفقاز					
ارمنى	۱۰۱	۱۵۷/۹	۱۰۷/۷۵	۶۸/۲۴	سلتيد
ارمنى	۷۵	۱۵۹/۴۳	۱۱۸/۵۵	۷۵/۶۱*	بواز
ارمنى	۱۰۵	۱۵۷/۸۲	۱۱۸/۵۵	۷۵/۱۲*	آوارچا نوپچ
کردستان					
کرد (سوریه و عراق شمالی)	۳۵	۱۵۹	۱۰۰	۶۲/۸۹*	شاش
کرد (ایران)	۱۹	۱۴۷	۱۰۴	۷۰/۵(۲)	دانیلو
کرد (عراق)	۱۳	۱۴۸/۶	۱۰۵/۶۹	۷۱/۰۸	اھریک
کرد	۶۳	۱۵۷/۸۵	۱۱۴/۹	۷۲/۸۳	پیتارد
کرد ( عراق شمالی )	۲۲	۱۵۷	۱۱۶	۷۳/۸۹*	مناش
ترکستان					
ایومود	۱۰۷	...	۱۰۴/۹۷	...	ایارخند
چودیر	۲۰۰	...	۱۰۷/۳۰	...	
فرغانه	۲۰۰	...	۱۰۷/۹۸	...	
عرب	۲۹	...	۱۰۳	...	ماسلوسکی
عرب	۱۷	...	۱۰۹	...	
افغانستان					
افغان	۱۸	...	۱۰۹	...	ماتیسوسکی

در ارقام مربوط پایران اختلاف زیادی بین رقم دانیلو برای حداکثر قطر پیشانی (۱۰۳) و ارقام نویسنده که در ۱۹۳۴ گرفته شد دیده میشود. مطابق ارقام و محاسبه نویسنده رقم حداقل قطر پیشانی ایرانیان بین ۱۱۱/۹۰ تا ۱۱۴/۵۰ است که کمی با گروه عراق (۱۱۰/۸۶ تا ۱۱۴/۱۰) فرق دارد. ارقام شنگلین برای اکیدت و موالی خیلی زیاد بنظر میرسد بخصوص وقتی با ارقام رواله مقایسه شود حداقل قطر پیشانی مردم رواله تقریباً با رقم برای بادیه نشینان بائج یکسان است.

در مورد ارقام اهریک که بر اساس چند نمونه مختلط در ناحیه کرکوک بدست آمده باید دانست که ارقام او بطور قابل ملاحظه با ارقام چاپ نشده اینجاب از ۵۹۹ کرد و ۶۰ ترکمن فرق دارد و ارقام او تقریباً ۶/۵ کمتر از اندازه های نویسنده است.

در اناطولی و قفقاز و کردستان که نویسندگان مختلف از گروه های کوچک

اندازه‌گیری کرده‌اند بقدری در ارقام مربوطه اختلاف وجود دارد که نمیتوان آنها را با هم مقایسه کرد. حداکثر حد این ناحیه بین ۱۰۰ و ۱۱۸/۵۰ و میانگین آن بین ۱۱۰ و ۱۱۲ است. چون این اندازه با حداکثر عرض سر ارتباط مخصوص دارد تناسب بین این دو اندازه را باید مورد بحث قرار داد.

در عراق گروه‌های شمالی که توسط اهریک اندازه‌گیری شده‌اند دارای سر عریض‌تر و پیشانی باریک‌تر از نمونه‌های اینچانب از عراق مرکزی و ایران میباشد. فقط بادیه‌نشینان ماوراء اردن در ممالک مجاور پیشانی نسبتاً پهن تراز دو گروه من دارند. در اصطلاح مطلق و نسبی اعراب جنوب و سامریهای فلسطین و ترکهای زوپانیچ و بعضی از کردها دارای پیشانی باریک‌تر هستند. بعلاوه اگر چه اندازه‌های واقعی حداقل قطر پیشانی انصاریها و بعضی از مردم اناتولی و قفقاز و بعضی از کردها با اندازه‌های ایرانیان و عراقی‌های مرکزی تقریباً یکسان است عرض زیادتر سر دسته اول باعث شده است که پیشانی آنها به نسبت باریک‌تر جلوه کند. در میان مردم ترکستان پیشانی نسبتاً باریک است (بین ۹/۱۰۴ و ۱۰۹). بطور خلاصه در اندازه مطلق (۱) مردم فلات ایران دارای پیشانی پهن هستند و قطر پیشانی آنها کمی زیادتر از آن مردم عراق مرکزی است. با اینکه اطلاعات تطبیقی کافی نیست احتمال میرود که مردم اناتولی از حیث قطر پیشانی با ساکنین فعلی فلات ایران فرق زیادی ندارند. در میان ارامنه قفقاز میزان قابل ملاحظه سر کوتاهی که از کوتاهی و عریضی سر حاصل شده تأثیری در پهنی پیشانی نداشته است.

علت این مطلب را ممکن است در طرز خواباندن بچه در میان ارامنه دانست که اطفال خود را در گاهواره می‌خوابانند بطوریکه سبب نقص مصنوعی مغز سر میشود و سر را کوتاه میکنند بدون آنکه در نمو قطر پیشانی تأثیر داشته باشد.



از طرف دیگر پیشانی مردم هندوستان خیلی باریک بنظر میرسد.  
(۱۰۱/۵۴-۱۰۵/۲۳) و این عاملی است که آنها را از مردم ایران و عراق مشخص  
میسازد.

تنوع زیاد در حداقل قطریشانی نتیجه‌گیری و نشان دادن تمایلات معینی  
را برای گروههای این منطقه غیر ممکن میسازد.

### عرض دو گونه

عرض بین استخوانهای قوسی گونه‌ها یکی از خصوصیات مهم صورت است  
بخصوص که عرض زیاد ممکن است نشانه اختلاط با نژاد مغول باشد. هفت گروه  
ایران و عراق طبق میانگین عرض دو گونه به ترتیب زیر قرار میگیرند: باده-  
نشینان بائج (۱۲۸/۱۵)؛ اعراب کیش (۱۲۹/۹۰)؛ ساکنین کناره (۱۳۳/۳۵)؛  
سربازان عراقی (۱۳۳/۹۵)؛ یهودیها (۱۳۴/۲۰)؛ مردم یزدخواست (۱۳۴/۵۰)؛  
لرها (۱۳۴/۷۰). باستانی باده‌نشینان باریک صورت بائج و اعراب کیش بین  
پنج گروه دیگر اختلاف در این اندازه خیلی جزئی است و حد اختلاف در حقیقت  
فقط ۱/۳۵ است.

اگر به جدول عرض دو گونه و طول کل صورت برای گروههای ایران و  
عراق مراجعه کنیم مشاهده میکنیم که اگر چه گروههای ایران در عرض دو گونه  
متوسط یا پهن میباشند. باده‌نشینان بائج و اعراب کیش در این اندازه بطور قابل  
ملاحظه باریکترند و تعداد زیاد تری در طبقه x-۱۲۴ قرار میگیرند تا در طبقه  
۱۳۵-x. مصریهای واحه خرگه دارای عرض متوسط بین دو استخوان قوسی گونه  
میباشند و تمایل به طبقه عریض دارند.

عرض دوگونه و شاخص گونه و پیشانی \*

ایران

نردم	تعداد	حد اقل قطر پیشانی	عرض دوگونه	شاخص گونه و پیشانی	نورسنده
کناره	۷۴	۱۱۲/۱۴	۱۳۲/۳۵	۸۴/۵۴	فیلد
یهودیهای اسفهان	۸۶	۱۱۱/۹۰	۱۳۴/۲۰	۸۴/۰۲	
یردخواست	۴۶	۱۱۲/۷۸	۱۳۴/۵۰	۸۴/۱۰	
لرهای پشت کوه	۵۲	۱۱۴/۵۰	۱۳۴/۷۰	۸۴/۵۸	
ایرانی	۴۶	۱۰۳/۰	۱۳۷/۰	۷۵/۱۸	دانیلو

عراق

بادیه شینان بائینج	۳۵	۱۱۰/۸۶	۱۲۸/۱۵	۸۶/۳۰	فیلد
اعراب کیش	۳۵۵-۸	۱۱۱/۵۰	۱۲۹/۹۰	۸۵/۹۸	
سرباران عراقی (حله)	۶۳	۱۰۶/۴۲	۱۳۳/۶۰	۷۹/۷۸	سکتون و رایس
سرباران عراقی	۲-۲۳۱	۱۱۲/۱۰	۱۳۳/۹۵	۸۴/۹۴	فیلد
یهودی	۳۷		۱۳۲/۰		ویسرگ
ترکمن	۳۱	۱۰۲/۹	۱۳۴/۸۴	۷۶/۳۲	اهریک
کارگران کیش	۱۰۰	۱۰۲/۸۶	۱۳۵/۱۰	۷۹/۷۴	سکتون و رایس
عرب	۲۳	۱۰۴/۱۵	۱۳۷/۷۳	۷۴/۸۸	اهریک

عربستان

عرب	۲۹	۱۰۷/۷۲	۱۳۸/۴۸*	۷۷/۷۹*	مشی
-----	----	--------	---------	--------	-----

ماوراء اردن

بادیه شینان اکیدب	۱۲۰	۱۱۷/۶۴	۱۳۵/۵۸	۸۶/۷۷*	سنگین
بادیه شینان موالی	۱۷۴-۵	۱۱۸/۵۰	۱۳۵/۹۱	۸۷/۱۹*	

فلسطین

سامری	۳۵	۱۰۳/۰	۱۳۲/۰	۷۸/۳	هاکلی
سامری	۲۷	۱۰۴/۳	۱۳۳/۸۵	۷۷/۹۲	اشپیدام

سوریه

بادیه شینان رواله	۲۷۰	۱۱۰/۹۸	۱۲۹/۸۷	۸۵/۶۰	سنگین
سوریه ای	۲۶۳-۵	۱۰۶/۸۲	۱۳۸/۸۵	۷۶/۹۴	سلتر
اساری (انطاکیه)	۴۲	۱۱۵/۰	۱۵۴/۰	۷۴/۶۸*	واکنسیل

اناطولی

ترك (بروسه)	۷۶	...	۱۳۴/۷	...	واکنسیل
ترك (اسیرنه)	۴۸	...	۱۳۸/۶	...	

\* عجمی (۹) عرض دوگونه ۱۳۷/۰، شانس: عراق: اعراب ترکمن  
(۶) حداقل قطر پیشانی ۱۰۴/۱۷. عرض دوگونه ۱۳۴/۶۷، شاخص گونه و  
پیشانی ۷۷/۳۳، اهریک: کردهای ترکمن (۷) حداقل قطر پیشانی ۱۰۴/۴۳  
عرض دوگونه ۱۳۷/۲۹، شاخص گونه و پیشانی ۷۶/۲۹، اهریک.

## ۶۵۸- مردم شناسی ایران

ترك (عشائلی)	۴۷	۱۰۵/۰	۱۴۰/۰	۲۵۰/۰*	زوبانیچ
ترك (توتال)	۴۰۶	۰۰	۱۴۰/۴	۰۰۰	
ترك (قوتیه)	۵۸	۰۰۰	۱۴۰/۹	۰۰۰	داكسبیل
ترك (ایالات شرقی)	۳۴	۰۰۰	۱۴۰/۹	۰۰۰	
ترك (آنکارا)	۶۲	۰۰۰	۱۴۱/۳	۰۰۰	
ترك	۲۰۰	۱۱۱/۹	۱۴۱/۴	۷۹/۴۳	پیتارد
تاجادشی و پکناتش	۵۰	۱۱۳/۲۸	۱۴۱/۳۴	۸۰/۵۴	فن لوشن
ترك (داردانل)	۳۶	۰۰۰	۱۴۱/۶	۰۰۰	{ داكسبیل
ترك (كسته وئی)	۹۲	۰۰۰	۱۴۱/۹	۰۰۰	
ترك	۲۰۰	۰۰۰	۱۴۲/۲۸	۰۰۰	
مكناش (آنکارا)	۱۵	۱۱۰/۰	۱۴۳/۱۳	۷۶/۸۵*	كروفوت
آسوری	۲۲	۰۰۰	۱۳۷/۰	۰۰۰	شامی
<b>قفقاز</b>					
ارمنی	۲۰	۰۰	۱۳۶/۰	۰۰۰	ویسپیرگ
ارمنی	۲۵	۰	۱۴۰/۶	۰	هردلیشكا
ارمنی (ارروان)	۲۷	۰۰	۱۴۱/۰	۰۰۰	سان
ارمنی (قبروسی)	۲۸	۰	۱۴۱	۰۰۰	
ارمنی	۱۹	۰	۱۴۱/۵۸	۵۵/۳	فن ارکرب
ارمنی	۲۹۲	۰۰۰	۱۴۱/۶۰	۰۰۰	سانر
ارمنی	۱۰۱	۱۰۷/۷۵	۱۴۲/۸۴	۷۵/۶۱	سلنرد
ارمنی	۱۰۵	۱۱۸/۵۵	۱۴۳/۴۵	۸۲/۶۴	وارخا و وچ
ارمنی	۷۵	۱۱۸/۵۵	۱۴۳/۶۳	۰۰۰	بوار
تاجیک (دره کورا)	۲۹	۰۰۰	۱۳۹/۷۶	۰۰۰	سانر
یهودی	۲۰	۰۰۰	۱۴۱/۰	۰۰۰	{ ویسپیرگ
یهودی (گرچستان)	۳۳	۰۰۰	۱۴۲/۰	۰۰۰	
گرجی	۹۰۰	۰	۱۴۳/۰	۰۰۰	
لرگی	۱۱	۰	۱۴۳/۰	۰۰۰	سانر
<b>کردستان</b>					
کرد (خارپوت و ارمنی)	۲۳	۰۰۰	۱۳۶/۰	۰۰۰	سانر
کرد (ایران)	۱۹	۱۰۴	۱۳۸/۰	۷۵/۳۶*	دایلو
کرد (عراق)	۱۳	۱۰۵/۶۹	۱۳۸/۳۸	۷۶/۰۸	اهریک
کرد (میلایی)	۲۰	۰۰۰	۱۳۹	۰۰۰	{ سانر
کرد (بلیکانی)	۳۰	۰۰۰	۱۴۰	۰۰۰	

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۵۹

کرد	۶۳	۱۱۴/۹	۱۴۱/۰۶	۸۰/۹۹	پیتارد
کرد (سوریه و شمال عراق)	۳۵	۱۰۰	۱۴۹	۶۷/۰۹۵	{ شاطر
کرد (شمال عراق)	۲۲	۱۱۶	۱۵۱	۷۶/۸۲	
ترکستان					
تکه	۵۱	...	۱۲۹	...	ایاورسکی
وانچ	۸۰	...	۱۳۶/۶۵	...	کرونیکو
بخارا	۱۶۳	...	۱۳۸/۰	...	اوشانین
یومود	۱۰۷	۱۰۴/۹۷	۱۳۸/۱۶	...	ایارخف
در پسک و منطقه بخارا	۱۰۰	...	۱۴۰/۷۹	...	{ ایارخف
چودیر	۲۰۰	۱۰۷/۳۰	۱۴۱/۸۲	...	
فرغانه	۲۰۰	۱۰۷/۹۸	۱۴۲/۳۲	...	ایارخف
عرب	۱۷	۱۰۹	۱۳۷	...	{ ماسلوسکی
عرب	۲۹	۱۰۳	۱۴۱	...	
عرب	۱۰۰	...	۱۴۲/۱	...	
بلوچستان					
لری	۵۸	...	۱۲۹/۷۵	...	...
بلوچ	۳۵	...	۱۳۰/۶۳	...	جوئیس وستانین
دعواری	۲۰	...	۱۳۱/۵۵	...	جوئیس وستانین
حاب	۱۰۰	...	۱۳۲/۱۵	...	
سبستانی	۳۷	...	۱۳۲/۳۰	...	
مکرای	۶۶	...	۱۳۲/۴۵	...	
قلندراسی	۲۱	...	۱۳۲/۷۰	...	
جوته لوك	۳۳	...	۱۳۲/۹۵	...	
مهر حاب	۴۸	...	۱۳۳/۳۵	...	
منقل سراعوئن	۷۷	...	۱۳۳/۵۵	...	
-	۳۵	...	۱۳۳/۷۰	...	
پاتان واهی	۵۹	...	۱۳۳/۸۵	...	
سنگود	۱۶	...	۱۳۳/۸۵	...	
	۳۳	...	۱۳۵/۳۹	...	جوئیس وستانین

جدول بالا نشان میدهد که بجز بادیه نشینان بائییچ (۱۲۸/۱۵) و اعراب کیش (۱۲۹/۹۰) که پیشانیان نیز باریکتر است عرض دو گونه مردم ایران و عراق در حدود ۱۳۳ تا ۱۳۷ است. اگر رقم ۱۳۴ را بعنوان معدل و نماینده این دو کشور بگیریم مشاهده میکنیم که رقم مربوط به بادیه نشینان ماوراء اردن

خیلی زیادتر است میانگین (۱۳۵/۶ و ۱۳۵/۹) ولی رقم رواله سوریه (۱۲۹/۹) به کمترین گروه عراق یعنی بادیه‌نشینان بائیع و اعراب کیش نزدیکتر است. رقم مربوط به سامریهای فلسطین تقریباً مساوی کمترین رقم ایران است. در اناطولی و قفقاز صورتهای بطور وضوح پهن‌تر و اکثریت بیش از ۱۴۱ است. کردها که تا حد زیادی تنوع در ارقام آنها (۱۳۶-۱۵۱) دیده میشود عرض صورتهای زیادتر است.

مردم ترکستان (حد ۱۲۹ تا ۱۴۳/۳) که شامل سه گروه عرب (میانگین ۱۲۷ تا ۱۴۲/۱) میباشد دارای گونه‌های باز هستند که از خصوصیات اختلاط با مغول است. در بلوچستان از طرف دیگر صورتهای بطور قابل ملاحظه باریکتر است (حد بین ۱۲۹/۸ تا ۱۳۵/۳۹) در هندوستان طبق ارقام گوها اکثریت مردم تقریباً بین ۱۳۲/۰ و ۱۳۴/۰ هستند و این ارقام نزدیک میانگین ایران است.

بدین ترتیب ملاحظه میشود که بادیه‌نشینان سوریه و عراق و اعراب کیش متعلق بگروه صورت باریک میباشند در حالیکه مردم فلات ایران و شمال عراق و ماوراء اردن و فلسطین و هندوستان دارای صورت عریضتر هستند ولی صورت آنها به پهنی صورت گروههای اناطولی و قفقاز نیست.

رابطه بین حد اقل قطر پیشانی و عرض دو گونه شاخص گونه و پیشانی را معین میکند. هفت گروه را به ترتیب صعودی بصورت زیر میتوان قرار داد: یهودیهای اصفهان (۸۴/۰۲) - یزدخواست (۸۴/۱۰) - کناره (۸۴/۵۴) - لرهای (۸۴/۵۸) - سربازان عراقی (۸۴/۹۴) - اعراب کیش (۸۵/۸۹) - بادیه‌نشینان بائیع (۸۶/۳۰). بطوریکه مشاهده میشود اختلاف بین هفت گروه جزئی است و از ۲/۲۸ تجاوز نمیکند و چون در این شاخص نسبة یکنواخت هستند بحث بیشتر در این موضوع لازم بنظر نمیرسد.

جدولهای صفحات گذشته نشان میدهد که شاخص‌های گونه و پیشانی گروههای شمال عراق کمتر از شاخص‌های افراد عراق مرکزی و جنوبی و ایران جنوب مرکزی است و علت آن بیشتر باریکی سراسر تا ازدیاد غیرعادی عرض دو گونه. اعراب جنوب نیز پائین‌ترند ولی بادیه‌نشینان رواله تقریباً مساوی بادیه‌نشینان بائیع و اعراب کیش میباشند. اگر چه شاخص‌ها فرق زیادی ندارند

بادیه‌نشینان ماوراء اردن دارای صورت و پیشانی عریضتر از بادیه‌نشینان بایج و سوریه میباشند. گروههای اناطولی و قفقاز و کردستان از حیث شاخص گونه و پیشانی کمتر از گروههای ایران و عراقند و علت آن زیادى عرض صورت آنها است.

### عرض فکین و شاخص گونه و فك

در قسمت سفلی صورت درهفت گروه ایران و عراق تنوع و اختلاف قابل ملاحظه وجود دارد و به ترتیب صعودی بدین صورت قرار میگیرند: بادیه‌نشینان بایج (۱۰۱/۳۴) - اعراب کیش (۱۰۳/۱۰) - لرها (۱۰۵/۴۲) - سربازان عراقی (۱۰۷/۱۰) - ده‌نشینان کناره (۱۰۷/۷۸) - یهودیهای اصفهان (۱۰۷/۸۶) - ده‌نشینان یزدخواست (۱۰۹/۵۸). بنظر میرسد که عرض فکین نمونه‌های فلات ایران زیادتر از لرها و اعراب و بادیه‌نشینان بایج عراق مرکزی باشد. جدول تطبیقی این اندازه در زیر دیده میشود:

### عرض فکین \*

#### ایران

مردم	تعداد	عرض فکین	شاخص گونه و فك	نویسنده
لر پشت کوه	۵۲	۱۰۵/۴۲	۷۸/۶۴	
کناره	۷۴	۱۰۷/۷۸	۸۰/۸۳	فیلد
یهودیهای اصفهان	۸۵-۸۶	۱۰۷/۸۶	۸۰/۷۷	
یزدخواست	۴۶	۱۰۹/۵۸	۸۱/۲۸	

#### عراق

بادیه‌نشینان بایج	۳۵	۱۰۱/۳۴	۷۹/۵۱	فیلد
اعراب کیش	۳۵۵-۵۷	۱۰۳/۱۰	۷۹/۲۷	
سربازان عراقی (حله) ۶۳		۱۰۴/۵۰	۷۸/۳۷	بکستون
کارگران کیش	۱۰۰	۱۰۵/۰۶	۷۷/۵۶	ورایس
سربازان عراقی	۲۲۰-۱	۱۰۷/۱۰	۷۹/۶۹	فیلد

\* عراق: عرب ترکمن (۶) شاخص گونه و فك ۷۲/۵۰ - امریک.

## ۶۶۴- مردم‌شناسی ایران

اھریك	۷۰/۵۷	۱۰۳/۸۱	۳۱	ترکمن
	۷۱/۲۱	۹۶/۰۰	۳۳	عرب
	۷۷/۱۶	...	۳۱	ترکمن

### عربستان

مشی	۷۲/۵۹	...	۲۹	عرب
-----	-------	-----	----	-----

### ماوراء اردن

شنکین	*۸۰/۲۸	۱۰۸/۰۴	۱۲۰	بادیه‌نشینان اکیدت
	*۷۹/۵۴	۱۰۸/۱۰	۱۷۴	بادیه‌نشینان موالی

### فلسطین

هاکسلی	۷۰/۰۷	...	۳۵	سامری
اسپیدام	۷۷/۹۸	...	۲۷	سامری
شنکین	۸۱/۴۵	۱۰۵/۵۳	۲۷۰	بادیه‌نشینان رواله
سلنزر	۷۷/۲۶	۱۰۷/۶۲	۲۶۲-۳	سوریه‌ای

### اناطولی

واگنسیل	{	۱۰۷/۲	۴۶	ترك (بروسه)
		۱۰۷/۴	۳۴	ترك (ایالات شرقی)
		۱۰۷/۶	۴۴	ترك (اسمیرنه)
		۱۰۸/۱	۳۰۴	ترك (توتال)
		۱۰۸/۲	۴۵	ترك (کستمونی)
		۱۰۸/۳	۴۷	ترك (قونیه)
		۱۰۸/۴	۵۳	ترك (آنگارا)
		۱۱۰/۱	۳۵	ترك (داردانل)
پیتارد	۷۳/۳۸	...	۲۰۰	ترك
فن‌لوشن	۷۴/۴۰	...	۵۰	تاج‌تادشی

### قفقاز

فن‌ارکرت	۷۶/۴۷	۱۰۸/۶۳	۱۹	ارمنی
سلنزر	۷۷/۰۳	۱۰۹/۹۴	۱۰۱	ارمنی
توا	۷۸/۲۶	۱۱۲/۲۶	۱۰۵	ارمنی
جانویج				

مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۶۳

کردستان			
کرد (ایران)	۱۹	۰۰۰	۷۰/۵(۲) دانیلو
کرد	۶۳	۰۰۰	۷۲/۸۳ پیتارد
کرد(عراق)	۱۳	۱۰۵/۶۲	۷۶/۲۳ اهریک
ترکستان			
ایومود	۱۰۷	۱۰۷/۸۹	۰۰۰ { ایار
چودیر	۲۰۰	۱۱۱/۵۸	۰۰۰ { ایار
تکه	۵۱	۱۱۲	۰۰۰ ایاورسکی
فرغانه	۲۰۰	۱۱۲/۲۶	۰۰۰ ایارخف
عرب	۱۷	۱۱۲	۰۰۰ { ماسلوسکی
عرب	۲۹	۱۱۸	۰۰۰ { ماسلوسکی
افغانستان			
افغان	۱۸	۱۱۳	۰۰۰ ماتسیوسکی
بلوچستان			
بندیجه	۳۵	۹۹/۴۹	۰۰۰ ۰۰۰
لری	۵۸	۹۹/۹۸	۰۰۰ ۰۰۰
اهواری	۲۰۰	۱۰۱/۵۸	۰۰۰ ۰۰۰
میرجات	۴۸	۱۰۱/۶۶	۰۰۰ ۰۰۰
پاتانوانچی	۵۹	۱۰۲/۱۰	۰۰۰ ۰۰۰
جات	۱۰۰	۱۰۲/۷۰	۰۰۰ ۰۰۰
قلندانی	۲۱	۱۰۳/۳۰	۰۰۰ ۰۰۰
منقل براهوئی	۷۷	۱۰۵/۱۴	۰۰۰ ۰۰۰
پانی-پاونی(پشنه)	۱۰۰	۱۰۶/۹۴	۰۰۰ ۰۰۰
چوته لوك	۳۳	۹۹/۴۹	۰۰۰ ۰۰۰
سنگور	۱۶	۱۰۸/۷۴	۰۰۰ ۰۰۰
مکرانی	۶۶	۱۰۹/۰۲	۰۰۰ ۰۰۰

از جدول فوق دیده میشود که فقط بادیه نشینان رواله ولرها و گروههای عراق مرکزی قسمت سفلی صورت باریک دارند (۱۰۷/۱۰ - ۱۰۱/۳۴) مردم



دیگر از سوریه و ماوراء اردن و اناطولی و قفقاز دارای همان عرض یا کمی زیاده‌تر از گروه ایران مرکزی میباشند (۱۰۷/۷۸-۱۰۹/۵۸) .

در ترکستان بغیر از عربها قسمت سفلی صورت مردم عریض است. (بین ۱۰۷/۹-۱۱۲/۲۶) در حالیکه در بلوچستان این حد بین ۹۹/۴۹ تا ۱۰۹/۰۲ میباشد و نشان میدهد که عرض فکین خیلی باریکتر است .

طبق ارقام گوها مردم هندوستان دارای فک باریکتر (۹۶/۲۲-۱۰۱/۶۶) از گروههاییکه نویسنده اندازه گیری کرده میباشند باستثنای بادیه نشینان بائج (۱۰۱/۳۴) باید در نظر گرفت که در گرفتن این اندازه‌ها بعلمت میزان فشاری که بر صورت وارد میآید طرز عمل و نتیجه آن مختلف است .

بنابرین نتیجه میگیریم که بادیه نشینان و اعراب عراق و سوریه و مردم بلوچستان و هندوستان که شامل راجپوتان و ایالات متحد و بنگال و ایالات جنوبی میباشند بنظر میرسد دارای عرض فکین باریک باشند در حالیکه مردم ایران مرکزی و ماوراء اردن و اناطولی و سوریه و ارمنیها و مردم ترکستان قسمت سفلی صورتشان عریض است .

رابطه بین عرض فکین و عرض دو گونه شاخص گونه وفک نامیده میشود. هفت گروه ما به ترتیب صعودی باین صورت قرار میگیرند : لرها (۷۸/۶۴) - اعراب کیش (۷۹/۲۷) - بادیه نشینان بائج (۷۹/۵۱) - سر بازان عراقی (۷۹/۶۹) - یهودیهای اصفهان (۸۰/۷۷) - اهالی کناره (۸۰/۸۳) - مردم یزدخواست (۸۱/۲۸) . شاخص دو گروه ایران از همه زیاده‌تر است .

جدول بالا نشان میدهد که اگر گروه یزدخواست (۸۱/۲۸) و کناره (۸۰/۸۳) را برای ایران جنوب مرکزی میزان قرار دهیم گروههای عراق شاخص گونه وفک کمتری دارند . ولی شاخص سه گروه یکنواخت نویسنده فقط مختصری کمتر از شاخص گروههای ایران است . شاخص اعراب جنوب بطور قابل ملاحظه کمتر است ولی شاخص بادیه نشینان رواله و اکیدت و موالی تقریباً با شاخص ایرانیها یکسان است . ارقام اناطولی و قفقاز و کردستان نشان میدهد که شاخص گونه وفک این مردم سر کوتاه خیلی پائین تر است . بعبارت دیگر گروههای ایران و بادیه نشینان رواله قسمت سفلی صورتشان از همه گروههای دیگر جنوب غربی آسیا عریضتر است . اکنون میرسیم به بررسی به اندازه‌ها و

تناسب‌های مهم صورت و به ترتیب طول قسمت علیای صورت طول کل صورت و طول نسبی صورت را مورد مطالعه قرار می‌دهیم .

### قسمت علیای صورت و شاخص قسمت علیای صورت

از حیث اندازه مطلق قسمت علیای صورت هفت گروه به ترتیب زیر قرار می‌گیرند : یزدخواست (۶۹/۶۰) - کناره (۷۱/۷۵) - یهودیهای اصفهان (۷۲/۴۰) - اعراب کیش (۷۳/۰۰) - بادیه نشینان بائج (۷۳/۳۰) - سربازان عراقی (۷۴/۱۵) - لرها (۷۸/۳۵) . اختلاف در اندازه قسمت علیای صورت قابل ملاحظه است و حد آن ۸/۷۵ میلیمتر می‌باشد . بنظر می‌رسد که مردم عراق جنوبی و مرکزی طول قسمت علیای صورتشان زیادتر از ایرانی‌ها است بجز لرها . در میان گروه‌های شمال عراق طول قسمت علیای صورت خیلی زیاد است و از طول قسمت علیای صورت لرها نیز (۷۸/۳۵) زیادتر است .

### طول قسمت علیای صورت \*

#### ایران

مردم	تعداد	طول قسمت علیای صورت	شاخص	نویسنده
یزدخواست	۴۶	۶۹/۶۰	۵۱/۸۳	فیلد
کناره	۷۳	۷۱/۷۵	۵۳/۸۱	فیلد {
یهودیهای اصفهان ۷-۸۶	۸۶	۷۲/۴۰	۵۴/۱۱	
لرهای پشت کوه	۵۲	۷۸/۳۵	۵۸/۴۳	

#### عراق

سربازان عراقی (حله) ۶۳	۶۶/۲۰	۴۹/۳	{	بکستون و رایس
کارگران کیش ۱۰۰	۶۷/۳۰	۴۹/۵۵		
اعراب کیش ۳۵۵	۷۳/۰۰	۵۶/۵۱	{	فیلد
بادیه نشینان بائج ۳۵	۷۳/۳۰	۵۷/۲۹		
سربازان عراقی ۲۲۱	۷۴/۱۵	۵۵/۴۳		

\* عراق : کرد ترکمن (۷) طول قسمت علیای صورت ۷۵/۵۷ . شاخص

۵۵/۰۰ ، اهریک = عرب ترکمن (۶) طول قسمت علیای صورت ۸۱/۱۷ .

شاخص ۶۰/۱۷ ، اهریک

## ۶- مردم‌شناسی ایران

کرد	۱۳	۷۸/۶۲	۵۷/۶۲
عرب	۳۳	۷۹/۰۹	۵۷/۴۲
ترکمن	۳۱	۷۹/۵۲	۵۹/۱۰

### ماوراء اردن

بادیه‌نشینان اکیدت	۱۲۰	۷۱/۸۲	۵۲/۱۰*
بادیه‌نشینان موالی	۱۷۴	۷۳/۰۰	۵۳/۷۱*

### سوریه

بادیه‌نشینان رواله	۲۷۰	۶۹/۹۹	۵۳/۹۶
سوریه‌ای	۲۶۴-۵	۷۲/۷۰	۵۲/۶۱

### اناطولی

تاجنادشی و بکتاش	۵۰	۷۵/۷۰	۵۳/۷۸
ترک (عثمانی)	۴۷	۷۷/۰	۵۵/۰*

### قفقاز

ارمنی	۱۰۰	۷۶/۶۱	۵۳/۶۷
-------	-----	-------	-------

از جدول‌های فوق دیده می‌شود که بادیه‌نشینان رواله و اکیدت و موالی ماوراء اردن و سوریه با جزئی اختلاف (۶۹/۹۹ - ۷۳/۰۰) در طبقه و مساوی با گروه ایران مرکزی و عراق مرکزی قرار می‌گیرند. ارقام مختصر اناتولی و قفقاز حاکی از آنست که در این ناحیه قسمت علیای صورت کمی درازتر است ولی نه باندازه گروه‌های شمال عراق و لرهای پشت‌کوه بموجب ارقام گوها مردم هندوستان بین ۶۴/۲۶ و ۷۰/۱۶ هستند که حاکی از کوتاهی قسمت علیای صورت است ولی فقط کمی از رقم مردم ایران جنوب مرکزی کمتر است.

وقتی رابطه طول قسمت علیای صورت را با طول کل صورت در نظر بگیریم نتیجه زیر حاصل می‌شود: یزد خواست (۵۱/۸۳) - کناره (۵۳/۸۱) - یهودیه‌ای اصفهان (۵۴/۱۱) - سربازان عراقی (۵۵/۴۳) - اعراب کیش (۵۶/۵۱) - بادیه‌نشینان بائیع (۵۷/۲۹) - لرهای پشت‌کوه (۵۸/۴۳). از این جدول دیده می‌شود که گروه‌های ایران قسمت علیای صورتشان کوتاه‌تر از آن عراقی‌ها و لرها است.

در این شاخص نسبی صورت کیث نوع صورتی بنام «بره صورت» را

نام میبرد که در باره آن در کتاب خود ( ۱۹۳۵ ص ۵۲ - ۶۰ ) مینویسد : « در میان مردم خاور زمین که در قسمت جنوب غربی آسیا از پامیر تا آسیای صغیر پخش هستند نوع صورتی دیده میشود که توجه دانش پژوهان نژادهای بشری را جلب میکند . مردم دارای این نوع صورت گاهی بنام « بره صورت » خوانده شده اند و این عبارتست از نوع صورتی که قسمت علیای آن که شامل بینی میشود دراز است و قسمت سفلی یعنی فك کوتاه است درازتر بودن قسمت علیای صورت در میان اعراب از خصوصیاتی است که ما را وادار میکند رابطه میان مردم ساکن نواحی مرتفع جنوب غربی آسیا را جستجو کنیم . در میان مردم ایران و در میان آنهاییکه ساکن ممالك شمال و مشرق ایرانند این نوع صورت دیده میشود . »

پیشگویی بالا در مورد وجود افراد دارای نوع صورت بره شکل در ایران یعنی کسانی که طول صورتشان ۱۱۹ میلیمتر یا کمتر و قسمت علیای صورتشان ۷۰ میلیمتر یا بیشتر است در اندازه گیریهای نویسنده پیدا نشده است ولی البته وقتی آمار و اطلاعات کامل درباره همه مملکت گرفته شد ممکن است این مطلب صحت پیدا کند .

در میان نه گروه ایران و عراق میزان وجود بره صورت از این قرار است : یهودیها ۱۰/۷۰ درصد - ده نشینان یزدخواست ۱۰/۸۵ درصد - ده نشینان کناره ۱۰/۹۶ درصد - لرها ۷/۶۸ درصد - باده نشینان بائج ۴۹/۹۷ درصد - اعراب کیش (K<sub>۱</sub>) ۱۶ درصد - (K<sub>۲</sub>) ۲۲ درصد - (K<sub>۳</sub>) ۲۴ درصد - سربازان عراقی (S) ۳۲ درصد . از ارقام فوق واضح میشود که در گروههای ایرانی قسمت علیای صورت سنگین کمتر از عراقیها است . لااقل نیمی از باده نشینان بائج و یک سوم سربازان عراقی « بره صورت » هستند در صورتیکه فقط ۱۰ درصد گروههای ایران این خصوصیت را دارند .

رابطه بین قسمت علیای صورت و عرض صورت بطوریکه در شاخص قسمت علیای صورت داده شده فقط اختلافات مختصری از تمایلات طول مطلق قسمت علیای صورت نشان میدهد . باریکی عرض دو گونه باده نشینان بائج مسئول ازدیاد غیر عادی شاخص میباشد .

### طول کل صورت و شاخص کل صورت

وقتی هفت گروه ایران و عراق به ترتیب قرار داده میشوند اختلافات قابل-ملاحظه در این اندازه گیری میان آنها دیده میشود: باده نشینان بائج (۱۱۶/۷۰) - اعراب کیش (۱۱۹/۹۵) - یزدخواست (۱۲۱/۰۰) - سر بازان عراقی (۱۲۱/۱۰) - کناره (۱۲۲/۴۰) - یهودیهای اصفهان (۱۲۳/۴۵) - لرها (۱۲۶/۴۰) . بطور کلی گروههای ایران صورت درازتر از عراقیهای مرکزی دارند صورت مردم یزدخواست و کناره فقط مختصری درازتر از صورت اعراب کیش و سر بازان عراقی است ولی در شمال عراق بنظر میرسد که درازی صورت بیشتر میشود و همین امر در مورد لرها صادق است .

### طول کل صورت \*

#### ایران

مردم	تعداد	طول کل صورت	شاخص کل صورت	نویسنده
یزدخواست	۳۶	۱۳۱/۰۰	۱۰/۱۵	
کناره	۷۴	۱۲۲/۴۰	۱۱/۹۵	فیلد
یهودیهای اصفهان	۸۳-۴	۱۲۳/۴۵	۱۲/۳۰	
لرهای پشت کوه	۵۲	۱۲۶/۴۰	۱۳/۸۵	

#### عراق

کارگران کیش	۱۰۰	۱۱۴/۳۰	۸۴/۴۰	بکستون و رایس
سر بازان عراقی (حله)	۶۳	۱۱۵/۴۰	۸۶/۳۵	بکستون و رایس
بادیه نشینان بائج	۳۵	۱۱۶/۷۰	۹۱/۳۰	فیلد
اعراب کیش	۳۵-۴	۱۱۹/۹۵	۹۲/۶۵	
سر بازان عراقی	۲۲۰-۱	۱۲۱/۱۰	۹۰/۴۵	

\*- عراق: کرد ترکمن (۷) طول کل صورت ۱۲۲/۷۱ - شاخص ۸۹/۱۴ - اهریک-عرب ترکمن (۶) طول کل صورت ۱۲۸/۰ - شاخص ۹۶/۱۷، اهریک.

یهودیه‌ها	۳۷	۱۲۴/۰	۹۲/۵	ویسنبرگ
ترکمن	۳۱	۱۲۸/۲۶	۹۵/۰۳	اھریک
عرب	۳۳	۱۲۸/۶۷	۹۳/۳۶	

### ماوراء اردن

بادیه‌نشینان اکیدت	۱۲۰	۱۲۳/۳۲	۹۱/۹۰	شنکلین
بادیه‌نشینان موالی	۱۷۵	۱۲۴/۰۴	۹۳/۲۴	

### فلسطین

سامری	۲۷	۱۲۰/۰	۸۹/۷	سپیدبام
سامری	۳۵	۱۲۵/۰	۹۴/۴	هاکسلی

### سوریه

بادیه‌نشینان رواله	۲۷۰	۱۱۹/۲۰	۹۱/۶۷	شنکلین
سوریه‌ای	۴-۲۶۳	۱۲۲/۹۰	۸۸/۵۸	سلتزر

### اناطولی

ترک (داردانل)	۸-۳۶	۱۲۰/۱	۸۵/۳۹	واگنسیل
ترک (اسمیرنه)	۶۱-۴۸	۱۲۰/۴	۸۷/۱۶	
ترک (بروسه)	۸۸-۷۶	۱۲۰/۵	۸۷/۱۴	
تاجتادشی و بکتاش	۵۰	۱۲۱/۴۴	۸۵/۸۸	فن‌لوشن
ترک (توتال)	۶۶-۴۰۶	۱۲۱/۶	۸۶/۷۴	واگنسیل
ترک (ایالات شرقی)	۹-۳۴	۱۲۱/۸	۸۷/۰۷	
ترک (کستمونی)	۱۰۳-۹۲	۱۲۲/۱	۸۶/۰۸	
ترک (قونیه)	۶۶-۵۸	۱۲۲/۱	۸۷/۰۰	
ترک (آنکارا)	۶۹-۶۲	۱۲۳/۱	۸۷/۰۹	
ترک	۲۰۰	۱۲۴/۲۲	۸۷/۴۰	هسلوک و مورانت
بکتاش (آنکارا)	۱۵	۱۳۱/۸۰	۹۱/۸۰	کردفوت

### قفقاز

ارمنی	۲۵	۱۲۰/۲	۸۵/۵	هردلیشکا
ارمنی	۲۰	۱۲۲/۰	۸۹/۷	ویسنبرگ
ارمنی	۱۹	۱۲۳/۱۶	۸۶/۷۴	فن‌ارکرت

## ۶۷۰- مردم‌شناسی ایران

ارمنی	۱۰۰	۱۲۷/۹۶	۸۹/۷۴	سلترز
ارمنی	۱۰۵	۱۳۰/۲۴	۹۰/۷۹	توادجا نویج
یهودی گرجستان	۳۳	۱۲۵/۰	۸۸/۰	ویسنبرگ
یهودی	۲۰	۱۲۵/۰	۸۸/۶	
گرجی	۹۰۰	۱۲۶/۰	۸۸/۱	ژاواخف

### کردستان

کرد (عراق)	۱۳	۱۲۷/۶۲	...	اهریک
------------	----	--------	-----	-------

### ترکستان

وانچ	۸۰	۱۱۵/۴۲	...	کرونیکو
دره پسکم و بخارا	۱۰۰	۱۱۷/۴۵	...	...
بخارا	۱۶۳	۱۲۰/۴	...	اوشانین
تکه	۵۱	۱۲۲	...	ایاورسکی
ایومود	۱۰۷	۱۳۰/۴۲	...	ایارخف
فرغانه	۲۰۰	۱۳۰/۵۴	...	
چودیر	۲۰۰	۱۳۲/۹۰	...	
عرب	۲۹	۱۲۲/۷	...	ماسلوسکی
عرب	۱۰۰	۱۲۴/۶۶	...	اوشانین

### بلوچستان

بلوچ	۳۵	۱۱۴/۴۳	...	جویس وستاین
دهواری	۲۰۰	۱۱۴/۸۵	...	...
سید	۳۳	۱۱۶/۷۳	...	جویس وستاین
سیستانی	۳۷	۱۱۷/۶۵	...	
پاتی-پاونی (پشته)	۹۹	۱۱۹/۳۵	...	...

بادیه‌نشینان رواله (۱۱۹/۲۰) و اکیدت (۱۲۳/۳۲) و موالی (۱۲۴/۰۴)

دارای صورت درازتر از گروه بادیه‌نشینان بائییج (۱۱۶/۷۰) میباشند.

بطور کلی در گروه‌های اناطولی اختلاف خیلی جزئی وجود دارد و اکثریت بین ۱۲۰/۱ تا ۱۲۴/۲۲ قرار دارند که تقریباً نزدیک ارقام ایران مرکزی است.

در قفقاز (حد ۱۲۰/۲۴ تا ۱۳۰/۲۴) صورت متمایل به درازی و در ترکستان (حد ۱۱۵/۴-۱۳۲/۹) اختلاف بقدری زیاد است که هیچ نتیجه نمیتوان گرفت

بجز آنکه در اطراف بخارا صورت کوتاهتر از سایر نواحی ترکستان است که صورت از حیث طول کل صورت خیلی دراز است. از طرف دیگر در بلوچستان صورت خیلی کوتاه است (حد  $۱۱۴/۴ - ۱۱۹/۴$ ).

در میان مردم قفقاز و ترکستان و احتمالاً کردستان تمایل به درازی طول کل صورت است. شاخص کل صورت یعنی رابطه بین طول کل صورت و عرض دو گونه طبق طبقه بندی سه گانه اذاین قرار است :

شاخص کل صورت

میانگین	این صورت		متوسط صورت		تاریک صورت		مجموع
	(۸۴/۵-x)		(۸۹/۴-۸۴/۶)		(x-۸۹/۵)		
مردم	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
یزدخواست	۵	۱۰/۸۷	۱۷	۳۶/۹۶	۲۴	۵۲/۱۷	۴۶
سربازان عراقی	۲۵	۱۱/۳۶	۷۹	۳۵/۹۱	۱۱۶	۵۲/۷۲	۲۲۰
مادیه نشینان مانج	۳	۸/۵۷	۹	۲۵/۷۱	۲۳	۶۵/۷۱	۳۵
کماره	۵	۶/۷۶	۲۲	۲۹/۷۳	۴۷	۶۳/۵۱	۷۴
یهودبها	۴	۴/۸۲	۲۱	۲۵/۳۰	۵۸	۶۹/۸۸	۸۳
اعراب کیش	۴۳	۱۲/۱۵	۷۷	۲۱/۷۵	۲۳۴	۶۶/۱۰	۳۵۴
لرها	۳	۵/۷۷	۶	۱۱/۵۴	۴۳	۸۲/۶۹	۵۲

جدول بالا نشان میدهد که از ۸۶۴ نفر ۵۴۵ نفر یا  $۶۳/۰۸$  درصد باریک صورت و ۲۳۱ نفر یعنی  $۲۶/۷۴$  درصد متوسط صورت و ۸۸ نفر بقیه یا  $۱۰/۱۹$  درصد پهن صورت هستند. وقتی سیستم طبقه بندی کیت را بکار ببریم اعراب کیش و بادیه نشینان بائج و مصریها را به تقسیمات مربوطه مشاهده میکنیم تا اینکه با جدول صفحه ۵۴۴ راجع بگروههای ایران قابل مقایسه باشند.

عرض دو گونه

طول کل صورت	این	متوسط	تاریک	مجموع
	$(x-135)$	$(134-125)$	$(124-x)$	
	درصد	درصد	درصد	درصد
کوتاه $(114-x)$	B	۱۳/۱۵	۱۵/۷۵	۰.۰
	K	۸/۶۷	۸/۶۷	۴/۶۶
	E	۴/۰۰	۳۰/۰۰	۸/۰۰
متوسط $(124-115)$	B	۱۵/۷۸	۳۴/۱۹	۱۸/۴۱
	K	۱۵/۲۳	۲۴/۶۷	۱۲/۶۷
	E	۰.۰	۳۸/۰۰	۱۴/۰۰
دراز $(x-125)$	B	۰.۰	۰.۰	۲/۶۳
	K	۴/۰۰	۱۳/۳۳	۸/۰۰
	E	۰.۰	۶/۰۰	۰.۰
مجموع	B	۲۸/۹۳	۴۹/۹۷	۲۱/۰۴
	K	۲۸/۰۰	۴۶/۶۷	۲۵/۳۲
	E	۴/۰۰	۷۴/۰۰	۲۲/۰۰



گروههای ایران دارای صورت متوسط تا دراز و متوسط تا پهن هستند لرها دو برابر افراد دارای صورت دراز و پهن در مقابل سه گروه دیگر میباشند و بادیه‌نشینان بائج متمایل بداشتن صورت متوسط تا کوتاه و پهن تا باریک هستند. دراعراب کیش اختلاف ازلحاظ درصد زیادتر است ولی افراد دارای صورت کوتاه و دراز و باریک و پهن گروههای متعادل تشکیل میدهند. صورت مصریها از حیث طول متوسط تا کوتاه و از حیث عرض متوسط است.

از جدول شاخص کل صورت همه گروههای جنوب غربی آسیا دیده میشود که حدود گروه شاخص ایران (۹۰/۱۵-۹۱/۹۵) با سه گروه دیگر خیلی زیاد فرق ندارد (۹۰/۴۵-۹۲/۶۵). سه گروه بادیه‌نشین یعنی اکیدت و موالی و رواله دارای حد (۹۱/۶۷ تا ۹۲/۳۴) هستند که فقط کمی زیادتر از آن بادیه‌نشینان بائج است در صورتیکه در طول واقعی صورت اختلاف قابل ملاحظه بود. بنظر میرسد که تناسب طول به عرض صورت بادیه‌نشینان شبیه بهم باشد. در اناطولی ترکیها (۸۵/۳۹-۸۷/۴۰) شاخص کل صورتشان کمتر است و این امر در مورد مردم قفقاز (۸۵/۵-۹۰/۷۹) و مردم سوریه (۸۸/۵۸) نیز صدق میکند.

از ارقام گوها معلوم میشود که حد برای مردم هندوستان ۸۶/۷۷ تا ۹۱/۶۸ است و اکثریت در طبقه کمتر از ۸۹/۰ قرار دارند. بنا بر این مردم ایران و عراق و بادیه‌نشینان ماوراء اردن و سوریه شاخص کل صورتشان زیادتر از آن مردم اناطولی و قفقاز و هندوستان است و در نتیجه صورت آنها نسبتاً درازتر میباشد.

### اندازه‌ها و شاخص بینی

اندازه و شکل بینی همیشه یکی از عوامل مهم نژادی شناخته شده است.

### اندازه‌های بینی و شاخص

شاخص بینی	عرض بینی	طول بینی	مردم
۵۷/۴۲	۳۵/۷۵	۶۲/۲۲	لرها
۶۴/۶۲	۳۲/۸۴	۵۱/۲۲	یزدخواست
۶۴/۵۴	۳۲/۸۱	۵۱/۶۶	کناره
۶۳/۸۶	۳۴/۱۹	۵۳/۸۲	یهودیهای اصفهان
۶۱/۱۴	۳۵/۴۲	۵۸/۵۰	اعراب کیش
۶۱/۶۲	۳۴/۷۶	۵۷/۰۲	سربازان عراقی
۵۸/۰۶	۳۴/۸۲	۵۹/۹۰	بادیه‌نشینان بائج

باستثنای لرها بینی گروههای ایران کوتاه‌تر از بینی گروههای عراق است. همین تمایل درزیادی عرض بینی دیده میشود ولی خیلی شدید نیست. این مطلب از شاخص بینی تأیید میشود و دیده میشود که گروههای عراقی بینی باریک‌تر از گروههای ایران دارند. یهودیهای اصفهان دارای بینی نسبتاً کوتاه هستند که از معدل

گروههای عراق کمتر و ۸/۴ میلیمتر کمتر از آن لرها است.  
برای نشان دادن تمایلات مهم اندازه ها و شاخص های بینی درصد افراد عراق و مصر و هندوستان طبق سیستم کیث در جدول زیر ترتیب داده شده تا مقایسه با جدول ایران (ص ۵۴۹) آسان باشد.

عرض بینی					
مجموع	پیش	بین متوسط	پارک متوسط	خیلی باریک	
	(۴۲-۴۸)	(۳۶-۴۱)	(۳۰-۳۵)	(۲۹-۴)	
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	طول بینی
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	B
۴/۰۰	۰۰۴	۰۰۰	۳/۰۰	۱/۰۰	۲۱K
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۱S
۵۶/۰۰	۶/۰۰	۳۴/۰۰	۱۶/۰۰	۰۰۰	E
۶۲/۰۰	۰۰۰	۳۲/۰۰	۳۲/۰۰	۲/۰۰	C
۳۸/۰۰	۰۰۰	۱۲/۰۰	۲۶/۰۰	۰۰۰	P
۴۲/۰۸	۰۰۰	۷/۸۹	۳۴/۱۹	۰۰۰	B
۴۶/۰۰	۰۰۰	۱۶/۰۰	۲۶/۰۰	۴/۰۰	۲۱K
۸۲/۰۰	۲/۰۰	۲۸/۰۰	۴۲/۰۰	۰۰۰	۱S
۴/۰۰	۴/۰۰	۳۲/۰۰	۶/۰۰	۲/۰۰	E
۳۴/۰۰	۲/۰۰	۱۸/۰۰	۱۴/۰۰	۰۰۰	C
۶۲/۰۰	۰۰۰	۸/۰۰	۵۴/۰۰	۰۰۰	P
۵۷/۸۶	۲/۶۳	۳۱/۵۶	۲۳/۶۷	۰۰۰	B
۵۰/۰۰	۳/۰۰	۲۱/۰۰	۲۵/۰۰	۱/۰۰	۲۱K
۱۸/۰۰	۰۰۰	۸/۰۰	۱۰/۰۰	۰۰۰	۱S
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	E
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	C
۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰	P
۳۸	۲/۶۳	۳۹/۴۵	۵۷/۸۶	۰۰۰	B
۱۰۰	۳/۰۰	۳۷/۰۰	۵۴/۰۰	۶/۰۰	۲۱K
۵۰	۲/۰۰	۴۶/۰۰	۵۲/۰۰	۰۰۰	۱S
۵۰	۱۰/۰۰	۶۶/۰۰	۲۲/۰۰	۲/۰۰	E
۵۰	۲/۰۰	۵۰/۰۰	۴۶/۰۰	۲/۰۰	C
۵۰	۰۰۰	۲۰/۰۰	۸۰/۰۰	۰۰۰	P

کوتا (۴۹-۴۸)

متوسط (۵۹-۵۰)

دراز (۶۰-۴۸)

مجموع

اختلاف آشکار بین گروه ایران و گروه عراق وجود دارد. در ایران در طبقه خیلی باریک (x-۲۹) و متوسط (۵۰ - ۵۹) افراد زیادتری قرار میگیرند تا در عراق.

وقتی بزرگترین تقسیم بندی یا تقسیم بندی مرکب را در نظر بگیریم می بینیم که ۸۰ درصد سربازان عراقی از لحاظ عرض و طول بینی در طبقه متوسط واقع میشوند. از اعراب کیش ۶۴ درصد از حیث عرض متوسط و دراز هستند در - حالیکه ۴۲ درصد بینی آنها در عرض متوسط و در طول متوسط است. از بادیه نشینان ۵۵/۲۳ درصد بینی شان از حیث عرض متوسط و دراز است.

ده نشینان یزدخواست و کناره تقریباً دارای تناسب یکسان هستند و دارای بینی باریک متوسط و متوسط تا کوتاه میباشد اگرچه مردم یزدخواست موارد زیادتری طول زیاد و موارد کمتری عرض زیاد دارند و این مطلب نکته ایست که نه بوسیله معدل گیری و نه توسط سیستم سه گانه طبقه بندی هاروارد آشکار میشود. در میان یهودیها ۶۲/۶۹ درصد دارای بینی متوسط در عرض و متوسط در طول هستند و در طبقه بین سربازان عراقی و اعراب کیش واقع میشوند. در میان لرها ۸۰/۵۸ درصد دارای بینی دراز و متوسط در عرض هستند و این میزان مساوی تعداد باده نشینان بائج است با این فرق که ۱۹/۳۴ درصد بادیه نشینان بائج دارای بینی باریک متوسط و متوسط از حیث طول هستند در صورتیکه فقط ۶۴/۱۷ درصد لرها در این طبقه قرار میگیرند و تمایل مختصری به بینی پهن متوسط دارند.

بطور کلی مصریها و هندیها دارای بینی کوتاهتر و بجن پاتانها عریضتر از مردم ایران و عراقند. در هندوستان نمونه های چتری و پاتان با یکدیگر اختلاف دارند در حالیکه ۶۴ درصد طبقه چتری دارای بینی کوتاه و عریض متوسط هستند پاتانها ۶۲ درصد در طبقه طول و عرض متوسط و ۲۶ درصد در طبقه کوتاه و باریک متوسط و عده کمی در طبقه کوتاه و پهن متوسط قرار دارند.

مصریها بین این دو انتها قرار میگیرند. و ۵۰ درصد دارای بینی کوتاه و متوسط پهن و ۳۲ درصد در طبقه طول متوسط و عرض متوسط دارند.

در بین سه گروه مصر و هندوستان هیچ فردی دارای بینی دراز نیست و در بین بادیه نشینان بائج و سربازان عراقی فرد دارای بینی کوتاه یا خیلی باریک وجود ندارد. در بین لرها فرد دارای بینی خیلی باریک و در بین ده نشینان یزدخواست فرد دارای بینی خیلی پهن نیست.

برای نشان دادن تمایلات قسمت مشرق این ناحیه ارقام گوها را درباره مردم هندوستان در اینجا نقل می کنیم.

### هندوستان (نقل از گوها)

مردم	تعداد	طول بینی	عرض بینی	شاخص بینی
برهمن بنگال	۵۰	۵۴/۲۰	۳۶/۵۸	۶۷/۷۱
کیاستا بنگال	۱۰۰	۵۴/۶۱	۳۷/۰۹	۶۸/۱۱
پاد بنگال	۵۰	۵۱/۱۸	۳۶/۶۶	۷۱/۸۱
برهمن اوريسا	۱۴۳	۵۱/۷۶	۳۶/۳۶	۷۰/۴۶
برهمن ایالات متحده	۵۰	۵۳/۶۴	۳۷/۱۸	۶۹/۵۶
راجپوت	۵۰	۵۲/۳۸	۳۶/۵۶	۷۰/۰۳
نمبودیری	۵۵	۵۱/۹۸	۳۷/۲۲	۷۲/۲۸
نیر	۶۰	۵۲/۳۲	۳۷/۷۰	۷۲/۳۷
برهمن تمیل	۵۰	۵۱/۳۸	۳۶/۸۲	۷۱/۹۲

واضح است که مردم هندوستان متمایل بداشتن بینی کوتاهتر و پهن‌تر از سه گروه عراقی میباشند. از طرف دیگر مردان یزدخواست و کناره اختلاف کمی با آنها دارند ولی از سری هندوستان بینی باریکتر دارند. شاخص های بینی گروه های ایران و عراق بطور تحقیق کمتر از شاخص های مردم هندوستان است.

### طول بینی\*

#### ایران

مردم	تعداد	میانگین	نویسنده
یزدخواست	۴۶	۵۱/۲۲	
کناره	۷۴	۵۱/۶۶	
یهودیه های اصفهان	۸۶	۵۳/۸۲	فیلد
لر پشت کوه	۵۱	۶۲/۲۲	

#### عراق

سر بازان عراقی (حله)	۶۳	۴۶/۴۶	{ بکستون و رایس
کارگران کیش	۱۰۰	۴۷/۵۸	
یهودی	۳۷	۵۶/۰	ویسنبرگ

\* - ایران : عجمی (۹) ۵۲/۰، شانترو-عجمی (۲) ۵۸/۰. هوسی بختیاری

(۳) ۶۵/۰۰، هوسی.

## ۶۷۶- مردم‌شناسی ایران

سریازان عراقی	۲۲۱	۵۷/۰۲	فیلد
اعراب کیش	۳۵۸	۵۸/۵	
عرب	۳۳	۵۸/۵۲	اھریک
ترکمن	۳۱	۵۸/۸۱	
بادیه‌نشینان بامج	۳۵	۵۹/۹۰	فیلد
عرب	۲۹	۵۰/۲۴	مشی

### عربستان

### ماوراء اردن

بادیه‌نشینان اکیدت	۱۲۰	۵۴/۶۶	شنکلین
بادیه‌نشینان موالی	۱۷۵	۵۵/۴۲	

### فلسطین

سامری	۲۷	۴۵/۳۳	اسپید بام
سامری	۳۵	۵۵/۰	هاکسلی

### سوریه

بادیه‌نشینان رواله	۲۷۰	۵۵/۱۱	شنکلین
سوریه‌ای	۲۶۴	۵۵/۲۲	سلتزر

### اناطولی

ترک	۲۰۰	۵۲/۴۸	پیتارد
ترک	۲۰۰	۵۳/۹۵	هسلوک و مورانت
ترک (اسمیرنه)	۴۴	۵۶/۲	
ترک (داردانل)	۳۵	۵۶/۲	
ترک (بروسه)	۴۶	۵۶/۳	واگنسلی
ترک (کستمونی)	۴۶	۵۶/۶	
ترک (توتال)	۳۰۶	۵۷/۰	
ترک (قونیّه)	۴۶	۵۷/۲	
ترک (آنکارا)	۵۳	۵۷/۸	واگنسلی
ترک (ایالات شرقی)	۳۴	۵۸/۶	
بکناش (آنکارا)	۱۵	۵۸/۸۰	کروفوت

## مردم شناسی جسمانی ایران - ۶۷۷

آسوری	۲۲	۵۲/۰	شانتر
<b>قفقاز</b>			
ارمنی	۲۵	۵۳/۰	هردلیشکا
ارمنی	۲۹۲	۵۳/۹۸	شانتر
ارمنی	۲۰	۵۵/۰	ویسنبرگ
ارمنی	۱۹	۵۵/۷۹	فن ارکرت
ارمنی	۷۵	۵۶/۲۸	بواز
ارمنی	۱۰۱	۵۹/۹۳	سلتزر
لژگی	۱۱	۵۱/۰	شانتر
تاجیک (دره کورا)	۲۹	۵۲/۴۸	
یهودی	۲۰	۵۷/۰	ویسنبرگ
یهودی (گرجستان)	۳۳	۵۸/۰	
گرگی	۹۰۰	۶۰/۰	ژاواخف

### کردستان

کرد (سوریه)	۳۵	۴۹	
کرد (شمال عراق)	۲۲	۵۰	شانتر
کرد (خارپوت)	۲۳	۵۲	
کرد (بلیکانی)	۳۰	۵۳	
کرد	۶۳	۵۵/۸۶	پیتارد
کرد (میلانی)	۲۰	۵۶	شانتر
کرد (عراق)	۱۳	۵۸/۹۲	اهریک

وقتی هفت گروه ایران و عراق را با گروههای سایر قسمتهای جنوب غربی آسیا مقایسه میکنیم مشاهده میشود که از لحاظ طول اعراب جنوب (۵۰/۲۴) و دو گروه کرد (۴۹/۰ - ۵۰/۰) نزدیکتر و کمی کمتر از کوتاهترین گروه ایران است و همچنین یهودیهای اصفهان بینی شان از بینی یهودیهای عراق و قفقاز کوتاهتر است. بینی بادیه نشینان اکیدت و موالی و رواله و سامریها تقریباً ۴ میلیمتر دد از تر اذینی اعراب جنوب است. در اناطولی ترکها بینی شان در حدود ۵ میلیمتر دد از تر اذینی ایرانیها است. در قفقاز تنوع زیاد است. لژگیها و تاجیکها و آسوریهای اناطولی نزدیک و شبیه دو گروه ایران هستند بقیه بنظر میرسد کمی زیادتر باشند، ۹۰۰ نفر گرگی بینی شان اذهمه دد از تر است (۶۰/۰) کردها بین ۴۹/۰ و ۵۸/۹۲ هستند ولی سری شانتر از عراق شمالی نزدیک به دو گروه ایرانند. گروههای عراق نسبتاً دارای بینی دداز و لرها و بختیارها دارای بینی

خیلی دراز هستند .

در عرض ظاهراً اختلاف کم است ولی چون خود این اندازه کوچک است این اختلافات دارای اهمیت نسبی است .

### عرض بینی\*

#### ایران

مردم	تعداد	میانگین	مؤلف
کناره	۷۴	۳۲/۸۱	فیلد
یزدخواست	۴۶	۳۲/۸۴	
یهودیهای اصفهان	۸۶	۳۴/۱۹	
لر پشت کوه	۵۱	۳۵/۷۵	

#### عراق

سربازان عراقی (حله)	۶۳	۳۳/۴۷	بکستون و رایس
کارگران کیش	۱۰۰	۳۳/۷۴	
یهودی	۳۷	۳۴/۰	ویسنبرگ
سربازان عراقی	۲۲۲	۳۴/۷۶	فیلد
بادیه نشینان بائج	۳۵	۳۴/۸۲	
ترکمن	۳۱	۳۵/۰	اھریک
عرب	۳۳	۳۵/۳۹	
اعراب کیش	۳۵۹	۳۵/۴۲	فیلد

#### عربستان

عرب	۲۹	۳۵/۱۰	مشی
-----	----	-------	-----

#### ماوراء اردن

بادیه نشینان اکیدت	۱۱۸	۳۶/۲۸	شنکلین
بادیه نشینان موالی	۱۷۵	۳۶/۸۲	

#### فلسطین

سامری	۳۵	۳۷/۰	هاکسلی
سامری	۲۷	۳۷/۷۷	اسپید بام

#### سوریه

سوریه‌ای	۲۴۶	۳۴/۷۶	سلنزر
----------	-----	-------	-------

\* ایران : عجمی (۹) ۳۵، شانتز = عجمی (۲) ۳۸/۰، هوسی =  
بختیاری (۳) ۳۹/۰، هوسی،

۳۵/۰۰

شنکین

۲۷۰

بادیه نشینان رواله

### اناطولی

۳۴/۴	۴۶	ترك (پروسه)
۳۴/۹	۳۵	ترك (داردانل)
۳۴/۹ } واگنسیل	۴۴	ترك (اسمیرنه)
۳۵/۳	۴۵	ترك (كستمونی)
۱۳۵/۳	۳۰۴	ترك (توتال)
۳۵/۶۵ هسلوك وموران	۲۰۰	ترك
۳۵/۹ } واگنسیل	۵۳	ترك (آنكارا)
۳۵/۹ }	۴۷	ترك (قونیه)
۳۶/۰۷ كروفوت	۱۵	بكتاش (آنكارا)
۳۶/۶۳ پیتارد	۲۰۰	ترك
۳۷ زوپانیچ	۴۷	ترك (عثمانلی)
۳۸/۰ واگنسیل	۳۴	ترك (ایالت شرقی)
۳۵/۰ شانتز	۲۲	آسوری

### قفقاز

۳۰/۴۰ توارجانویچ	۱۰۵	ارمنی
۳۳/۰ ویسنبرگ	۲۰	ارمنی
۳۵/۶ هردلیشکا	۲۵	ارمنی
۳۵/۶۰ شانتز	۲۹۲	ارمنی
۳۵/۷۴ فنارکرت	۱۹	ارمنی
۳۷/۱۷ بواز	۷۵	ارمنی
۳۷/۹۶ سلنزر	۱۰۱	ارمنی
۳۴/۰ ژاواخ	۹۰۰	گرجی
۳۴/۰ } ویسنبرگ	۳۳	یهودی (گرجستان)
۳۵/۰ }	۲۰	یهودی
۳۵/۹۶ } شانتز	۲۹	تاجیک (دره کورا)
۳۶/۰ }	۱۱	لزگی

### کردستان

۳۵ } شانتز	۳۰	کرد (بلیکانی)
۳۵ }	۲۳	کرد (خارپوت)



کرد (عراق)	۱۳	۳۵/۱۵	اھریک
کرد (سوریه)	۳۵	$\left\{ \begin{array}{l} ۳۶ \\ ۳۶ \\ ۳۹ \end{array} \right.$	شاھتر
کرد (میلانی)	۲۰		
کرد (عراق شمالی)	۲۲		

بختیارپه پهن‌ترین بینی (۳۹/۰) را دارند ولی از آنجائیکه بین‌طول بینی و عرض بینی بحد زیادی رابطه متقابل موجود است بینی بزرگ‌تر از سایر بینی‌ها میشود. عرض بینی یکی از گروه‌های کرد شاھتر از شمال‌عراق نیز ۳۹/۰ است ولی طول بینی فقط ۵۰/۰ است درحالی‌که این اندازه درمورد بختیارپه ۶۵/۰ است. اگرچه بینی‌لرها ۱۰ میلیمتر درازتر است فقط ۳ میلیمتر عرض‌تر از معدل سایر گروه‌های ایران است.

از حیث عرض بینی گروه‌های عراق و اعراب جنوب و سوریه‌ایها بنظر میرسد فقط ۲ میلیمتر عرض‌تر از بینی ده نشینان جنوب مرکزی ایران باشد اگر چه طول بینی این دسته نسبتاً درازتر است. بینی پادشینان ماوراء اردن و ساهریهای فلسطین ۳ تا ۴ میلیمتر عرض‌تر از گروه‌های ایران است. بینی ترکهای اناتولی بین ۳۴/۴ تا ۳۸ است ولی اکثریت آنها بین ۳۵/۳ و ۳۶/۶ قرار دارند. در قفقاز در بین ارمنه عرض بینی مختلف است و بین ۳۰/۴۰ و ۳۷/۹۶ میباشد و میانگین این اندازه برای ۲۹۲ نفر ۳۵/۶۰ است. بینی کردها چندین میلیمتر عرض‌تر از دو گروه ایران است.

وقتی رابطه بین طول و عرض بینی بررسی میشود شاخص بینی طبق طبقه بندی زیر قرار میگیرد.

## شاخص بینی

میانگین	نسب نارنگ	نسب متوسط	نسب پهن	مجموع
	( $67/4-X$ )	( $83/4-67/5$ )	( $X-83/5$ )	
مردم	تعداد	درصد	تعداد	درصد
لرها	۵۷/۴۲	۴۵	۸۸/۲۴	۶
پادیه نشینان بائیم	۵۸/۰۶	۳۲	۹۱/۴۳	۳
اعراب کبش	۶۱/۱۴	۲۹۲	۸۱/۵۶	۶۵
سربازان عراقی	۶۱/۶۵	۱۸۳	۸۲/۸۱	۳۸
یهودیه	۶۳/۸۶	۶۲	۷۲/۹۴	۲۳
کناره	۶۴/۵۴	۵۰	۶۷/۵۷	۲۰
پردحواست	۶۴/۶۲	۳۰	۶۵/۲۲	۱۴

اکثریت در طبقه بینی باریک هستند با تماس به بینی متوسط . تعداد افراد بینی پهن بقدری کم است که قابل ملاحظه نیست ولی باید توجه داشت که در دو گروه جنوب مرکزی ایران ۴ تا ۵ درصد در این طبقه یافت میشود . شاخص بینی ده نشیمان یزد خواست ۶۴/۶۲ و کناره (۶۴/۵۴) زیادتز از گروههای عراق است و علت آن همین تمایل به بینی پهنی است .

### شاخص بینی\*

#### ایران

مردم	تعداد	میانگین	مؤلف
لر پشت کوه	۵۱	۵۷/۴۲	فیلد
یهودیهای اصفهان	۸۵	۶۳/۸۶	
کناره	۷۴	۶۴/۵۴	فیلد
یزد خواست	۴۶	۶۴/۶۲	

#### عراق

باده نشیمان بائج	۳۵	۵۸/۰۶	فیلد
ترکمن	۳۱	۵۹/۴۹	اهریک
یهودی	۳۷	۶۰/۷	ویسنبرگ
عرب	۳۳	۶۰/۷۳	اهریک
اعراب کیش	۳۵۸	۶۱/۱۴	فیلد
سربازان عراقی	۲۲۱	۶۱/۶۲	
کارگران کیش	۱۰۰	۷۱/۷۴	بکستون
سربازان عراقی (حله)	۶۳	۷۲/۸۶	ورایس

#### عربستان

عرب	۲۹	۷۱/۴۸*	مشى
-----	----	--------	-----

\* ایران : بختیاری (۳) ۶۰/۰ هوسى = عجمی (۲) ۶۵/۵۲ هوسى - عجمی

(۹) ۶۷/۳ شانتر دزفولی (۹) ۸۶/۰۰ هوسى .

## ماوراء اردن

شنکلین	{	۶۵/۹۵	۱۱۶	باده نشینان اکیدت
		۶۶/۲۶	۱۷۵	باده نشینان موالی

## فلسطین

هاکسلی	۶۶/۴	۳۵	سامری
	۶۹/۸۷	۲۷	سامری

## سوریه

سلتزر	۶۳/۲۶	۲۶۲	سوریه‌ای
شنکلین	۶۳/۷۳	۲۷۰	باده نشینان رواله
شانتز	۷۲/۰۰	۴۲	انصاری (انطاکیه)

## اناطولی

کروفوت	۶۱/۳۴	۱۵	بکتاش (آنکارا)
واکنسیل	{	۶۱/۴۱	ترك (ایالات شرقی)
		۶۱/۸۱	ترك (داردانل)
		۶۱/۹۶	ترك (بروسه)
	{	۶۲/۳۹	ترك (کستمون)
		۶۲/۴۰	ترك (آنکارا)
		۶۲/۴۲	ترك (توتال)
		۶۳/۰۳	ترك (اسمیرنه)
		۶۳/۳۶	ترك (قونیه)
زوپانیچ	۶۶	۴۷	ترك (عثمانلی)
هسلوکو	۶۹/۲۰	۲۰۰	ترك
مورانت			
پیتارد	{	۶۹/۲	ترك (عثمانلی)
		۶۹/۷۴	ترك
شانتز		۶۷/۳۰	آسوری

قفقاز

ارمنی	۲۰	۶۰/۰	ویسبرگ
ارمنی	۱۱۰	۶۰/۴	پانتیوخف
ارمنی	۱۰۱	۶۳/۸۰	سلتزر
ارمنی	۱۹	۶۴/۱۶	فن ارکرت
ارمنی	۱۲۵	۶۶/۰	پیتارد
ارمنی	۷۵	۶۶/۰۴	بواز
ارمنی	۲۹۲	۶۶/۰۴	شانتر
ارمنی	۲۵	۶۷/۱۷*	هردلیشکا
گرجی	۹۰۰	۵۶/۶	ژاواخف
یهودی (گرجستان)	۳۳	۵۸/۶	{ ویسبرگ
یهودی	۲۰	۶۱/۴	
یهودی روس	۰۰۰	۶۲/۰	الکیند
گرجی	۰۰۰	۶۴/۵	{ شانتر
تاتار (یروان)	۱۷	۶۶/۰۴*	
تاتار (آذربایجان)	۱۹	۶۶/۰۴	
اوست	۵۳۴	۶۶/۵	دنیکر
تاجیک (دره کورا)	۲۹	۶۶/۶۴	{ شانتر
تاتار (آرالپچ)	۱۶	۶۶/۶۷*	
اوست	۰۰۰	۶۶/۸	کیلچنکو
تاتار (آرخوری)	۱۵	۶۷/۳۱*	شانتر
لاز	۱۵۲	۶۷/۸	پیتارد
لزگی	۱۱	۷۰/۵۹	شانتر

کردستان

کرد (عراق)	۱۳	۵۹/۶۵*	اهریک
کرد	۳۰۰	۶۲/۴	ایوانوسکی
کرد	۶۳	۶۳/۹۴	پیتارد

	۶۳/۲۹*	۲۰	کرد (میلانی)
	۶۶/۰۴*	۳۰	کرد (بلیکانی)
شائبر	۶۷/۳۱	۲۳	کرد (خارپوت)
	۷۳/۴۷*	۳۵	کرد (سوریه)
	۷۸/۰۰*	۲۲	کرد (عراق شمالی)

### ترکستان

دنیکر	۶۶/۸	۲۷	گلچاس
ایوانف	۷۱/۸	۲۰	قرقیز
سیلاند	۷۴/۹	۴۰	قره قرقیز
جویس	۷۸/۳	۰۰۰	طرفان

### افغانستان

هادر	۸۰/۵	۰۰۰	هزاره
------	------	-----	-------

### بلوچستان

پیتارد	۶۹/۴	۶۰	بلوچی
هادر	۷۰/۹	۰۰۰	براهوئی (ساروان)

این جدول نشان می‌دهد که لرها و بختیارهای ایران و گروه‌های عراق بعضی از گرجیها و آرامنه و یهودیهای قفقاز حتی اکثر بینی باریکی را در این ناحیه دارند. بکناش و ترکهای اناطولی و اگنسیل و بادیه‌نشینان سوریه و رواله و آرامنه قفقاز و گروه‌های ایران در درجه بعد قرار میگیرند. در انتهای دیگر میزان مردم ترکستان و افغانستان و بلوچستان و عربستان جنوبی و انصاریها و کردهای شائبر از سوریه و شمال عراق قرار دارند که حداکثر تمایل به بینی‌بهنی بین آنها دیده میشود. گروه‌های دیگر در وسط واقع میشوند اعراب جنوب (۷۱/۴۸) بیشتر تمایل به بینی‌بهنی هستند ولی بادیه‌نشینان اکیدت (۶۵/۹۵) و موالی (۶۶/۲۶) و رواله (۶۳/۷۳) با اینکه با بادیه‌نشینان بائج (۵۸/۰۶) فرق دارند نزدیک بگروه‌های ایران میباشند. در اینجا باید خاطر نشان ساخت که در اثر آوردن غلام و برده افریقائی در ایام قدیم و جدید اثر نفوذ خون سیاه‌پوست در میان بادیه‌نشینان وجود دارد و این امر در اندازه‌های بینی خوب آشکار میشود.

ترکان اناطولی حدود قابل ملاحظه نشان میدهند (۶۹/۷۴ تا ۶۱/۳۴) اکثریت در حدود ۶۲/۴۲ هستند وعده زیادی نیز در حد بین (۶۹/۷۴ تا ۶۷/۲) قرار دارند. در قفقاز آرامنه بین ۶۰/۰ و ۶۷/۱۷ هستند و اکثریت آنها کمی از گروههای ایران زیادترند. در تمام این ناحیه کوهستانی در این اندازه اختلاف و تنوع زیاد است (۵۶/۶-۷۰/۵۹) که حاکی از وجود عناصر نژادی متعدد و مختلف است و این مطلب علاوه بر اساس شاخص بینی از مطالعه زبان و فرهنگ و مردم شناسی نیز مشهود میگردد.

در میان ساکنین کردستان نیز اختلاف قابل ملاحظه (۵۹/۶۸-۷۸/۰) وجود دارد ولی اکثر آنها اختلاف زیادی با گروههای ایران ندارند. شاخص بینی در ترکستان بین ۶۶/۸ و ۷۸/۳ میباشد ولی بعلمت کمی تعداد و پراکندگی گروه بحث بیشتر در باره آن میسر نیست. بنظر میرسد که شاخص بینی بلوچها از ساکنین فلات ایران زیادتر باشد. چنانکه از جدول صفحات قبل دیده می شود مردم هندوستان دارای بینی کوتاه تر و پهن تر از مردم ایران و عراق می باشند.

واضح است که در اینجا پخش جغرافیائی شاخصهای بینی مورد بحث قرار نگرفته است. در بعضی از ممالک حد تنوع و اختلاف بقدری زیاد است که برای تعیین اختصاص نژادی مطالعه جداگانه هر گروه لازم است. میتوان گفت که تکنیک اندازه گیری بینی بخصوص طول بینی و اشکال تعیین و پیدا کردن بیخ بینی بیش از هر اندازه گیری دیگر مورد اشتباه واقع میشود. اختلافات در اندازه ها ممکن است مربوط با اختلاف در طرز عمل و مشاهده باشد و عالم مردم شناس در نتیجه گیری از اطلاعات موجود باید منتهای دقت را بخرج دهد.

اندازه ها و شاخصهای بینی را مورد بررسی قرار دادیم و اینک باید شکل بینی را بصورت جدول نشان دهیم. چنانکه از جدول زیر مشاهده میشود شکل بینی در ایران تحت پنج طبقه بندی و در عراق تحت چهار طبقه بندی بررسی شد.

## شکل بینی

موجودار	مقعر	راست	محدب	مقعر و محدب
لرها	۳/۹۲	...	۴۹/۰۲	۴۵/۱۰ ۱/۹۶
یزدخواست	۲/۱۷	۱۰/۸۷	۳۹/۱۳	۴۳/۴۸ ۴/۳۵
کناره	۲/۹۹	۴/۴۸	۳۴/۳۳	۵۲/۲۴ ۵/۹۷
یهودی ها	۱/۱۵	۱۴/۹۴	۳۲/۱۸	۴۷/۱۳ ۴/۶۰
اعراب کیش	...	۱۱/۰۰	۵۷/۶۰	۲۰/۱۰ ۱۱/۳۰
سربازان عراقی	...	۹/۹۰	۵۷/۰۰	۳۱/۰۰ ۲/۱۰
بادیه نشینان بایج	...	۱۵/۷۹	۷۳/۷۰	۲/۶۳ ۷/۸۹

جدول بالا نشان می‌دهد که اکثر ایرانیها و عراقیها بینی راست یا محدب دارند و بیشتر بینی‌ها راست است. در میان چهار گروه ایران در حدود نیمی از افراد اندازه گیری شده بینی عقابی داشتند و این تعداد حاکی از آنست که این خصوصیت در فلات ایران بوجود آمده است. این آمار و ارقام با ضافه مطالعه عکسها سبب آن شده است که دکتر هوتن (b ۱۹۳۷- ص ۲-۱۷۱) نظر زیر را که از کتاب وی نقل شده است اظهار می‌دارد:

« مرکز پخش فعلی و شاید ناحیه تشخیص این بینی‌های محدب ( با نوک فرو رفته و جدار محدب و پره منحنی ) بطور قطع فلات ایران است. عملیات محلی اندازه گیری اخیر دکتر هنری فیلد در ایران و عراق که هنوز کاملاً منتشر نشده کاملاً آشکار می‌سازد که يك نوع نژادی اساسی در این ناحیه دارای خصوصیات سرخیلی دراز و صورت دراز و بینی برجسته عقابی گاهی راست ولی معمولاً میباید. تحدب این بینی ظاهراً بوسیله اختلاط و ازدواج در نوعهای دیگر و مجاور تأثیر کرده است و لسی تردیدی نیست که اصل آن از نژاد فلات ایران است عقیده من بر اینست که بینی با اصطلاح نوع ارمنی که فاشتی شکل و نوک آن اغلب فرو رفته است از اختلاط این نوع ایرانی با نوع سر کوتاه بینی پهن بوجود آمده است. اگر این مطلب درست باشد بینی با اصطلاح ارمنی بینی دورگه است. و همچنین احتمال میرود که بینی خیلی باریک عقابی که در میان

اعراب از نژاد مدیترانه دیده می‌شود و نیز بینی محدب یهودیها از این منبع آمده باشد. عادت معمولی نامیدن بینی یهودی بعنوان نوع ارمنی برای این اساس ناصحیح است.

این نوع بینی برجسته عقابی که احتمالاً از فلات ایران سرچشمه گرفته نه تنها به شکل مختلط و تحریف شده توسط مردمان مغرب و جنوب بلکه مردم شمال و مشرق اخذ و کسب شده است. در افغانستان و شمال هندوستان دیده می‌شود. بوسیله نژاد ترك در سمت شمال ایران میان نژاد مغول و بالاخره در آمریکا پخش شده است. درباره ارث شکل بینی بقدر کافی اطلاعات داریم که بطور نسبتاً یقین بگوئیم که بینی محدب بلندطبق تعریف مندل بر بینی پست مقعر نوك کوتاه که بچگانه‌تر است تفوق و برتری دارد. این مطلب در مطالعه اختلاط سیاه‌پوست و سفید پوست در آمریکا خوب مشهود است.

در میان باده‌نشینان شمال عربستان و صحرای سوریه شنکلین (۱۹۳۵- ص ۳۷۹) دید که مردم رواله دارای بینی بلند راست از نوع نژاد سامی می‌باشند. از ۱۰۵ فرد که شکل بینی آنها ثبت شد ۹۶ نفر (۹۱/۴ درصد) بینی راست و ۵ نفر (۴/۸ درصد) بینی محدب و ۴ نفر (۳/۸ درصد) بینی مقعر داشتند. در ۸۰ نفر (۷۶/۲ درصد) بینی فشرده و در ۲۳ نفر (۲۱/۹ درصد) متوسط و در ۲ نفر (۱/۹ درصد) باز بود. اندازه‌گیری بینی رواله مشهودات ما را تأیید میکند که بینی آنها دراز و باریک است.

قبل از آنکه از بحث در باره شاخص بینی بگذریم باید توجه خواننده را به کتاب پروفیسور آرثر تامسن و دکتر دادلی بکستون تحت عنوان «شاخص بینی بشر و رابطه آن با وضع آب و هوا» جلب نمائیم. در این کتاب (ص ۱۱۵-۱۱۶) این دو نویسنده اینطور نتیجه میگیرند: «شواهد و مدارک ما را معتقد می‌سازد که بینی دارای شاخص بینی پهن با آب و هوای مرطوب و گرم و بینی دارای شاخص بینی باریک با آب و هوای خشک و سرد بستگی و ارتباط دارد و وضع بینی متوسط مربوط می‌شود با آب و هوای گرم و خشک و سرد مرطوب. رابطه متقابل مثبت بینی شاخص بینی و درجه حرارت در مورد مرد زنده وجود دارد و همچنین بین شاخص بینی و درجه رطوبت نسبی. برای آزمایش این نتایج فورمولهای مربوطه را محاسبه کرده‌ایم و از روی اطلاع درباره درجه حرارت و رطوبت شاخص بینی



محاسبه و با مشاهدات حقیقی مقایسه شود .»

جدول زیر که در آن یکستون و تاسمن آمار شاخص بینی را نسبت به درجه حرارت و رطوبت و آب و هوای گروهای مصر و قفقاز و عراق و ایران و هندوستان میدهند شباهت عجیبی بین شاخص های بینی مشاهده شده و شاخص های بوسیله فورمول محاسبه شده نشان میدهد . ولی خواننده باید متوجه اختلاف قابل ملاحظه بین شاخص های بینی مشاهده شده جداول بالا و آنهاییکه توسط علمای دیگر مردم شناسی در این ناحیه ثبت شده باشد .

#### شاخص بینی و رابطه آن با آب و هوا

مردم	تعداد	شاخص مشاهده شده	شاخص محاسبه شده	درجه حرارت فریادیت	درصد رطوبت	آب و هوا
مصریهای ماسر	۱۳۷	۵۰/۶	۵۰/۵	۷۸/۶	۴۴	گرم - خشک
ارمنه	۱۰۵	۵۹/۵ (۴)	۷۰/۸	۶۰/۰	۶۷	سرد - مرطوب
ایرانیها و گرجیهای تنلیس	۶۷	۶۷/۵	۶۸/۴	۵۵/۰	۶۷	سرد - مرطوب
پنجابی ها ( ترک و ایرانی )	۱۴۰	۶۸/۸	۷۷/۶	۷۶/۴	۶۳	گرم و مرطوب
ایرانیها	۷۰/۰	۷۰/۰	۷۰/۲	۵۶/۴	۷۲	سرد و مرطوب
پنجابیها ( هندوآریائی )	۳۱۲	۷۱/۴	۷۷/۶	۷۶/۴	۶۳	گرم و مرطوب
راجهوت ها	۴۲۰	۷۴/۴	۷۷/۲	۷۹/۳	۵۵	گرم و خشک
یهودیها ( بغداد )	۲۷	۷۵/۰	۷۴/۹	۷۲/۶	۵۹	گرم و خشک
ایالات متحده هند						
( آریائی و درآودی )	۸۰/۸	۷۹/۶	۷۷/۲	۶۹		

#### اندازه ها و شاخص های گوش

گفته شده است که طول و عرض و شاخص گوش ظاهراً اهمیت نژادی ندارند ولی این مطلب ممکن است تا حدی بعید فقدان اطلاعات و آمار تطبیقی باشد .

#### اندازه ها و شاخص های گوش

##### ایران

مردم	تعداد	عرض گوش	طول گوش	شاخص گوش	مؤلف
لر ( پشت کوه )	۵۲	۳۲/۶۱	۵۷/۱۸	۵۶/۸۲	
یزدخواست	۴۶	۳۵/۶۱	۵۸/۷۰	۶۱/۹۸	فلید
یهودیهای اصفهان ۷-۸۶	۳۵/۷۹	۵۸/۹۸	۶۱/۱۴		
کناره	۷۳	۳۶/۳۳	۵۹/۵۴	۶۱/۹۰	

### عراق

فیلد	{	۶۰/۹۴	۵۹/۸۲	۳۶/۰۶	۲۲۱-۲	سربازان عراقی
		۵۷/۰۶	۶۲/۲۶	۳۵/۳۱	۳۵۹	اعراب کیش
		۵۹/۰۶	۶۲/۴۲	۳۶/۴۱	۳۵	بادیه نشینان بائج

### ماوراء اردن

شنکلین	{	۵۲/۲۸	۶۲/۱۰	۳۲/۷۴	۱۱۲	بادیه نشینان اکیدت
		۵۱/۷۱	۶۲/۵۶	۳۲/۲۶	۱۶۸	بادیه نشینان موالی

### سوریه

بادیه نشینان رواله ۲۷۰ ۳۳/۱۲ ۶۰/۴۸ ۵۴/۹۷ شنکلین  
اندازه گوش گروههای ایران کوتاهتر از گروههای عراق است. بادیه-  
نشینان بائج گوششان از همه درازتر است. از لحاظ طول گوش بادیه نشینان  
اکیدت و موالی خیلی شبیه بادیه نشینان بائج هستند ولی گوش بادیه نشینان رواله  
کمی کوتاهتر است.

حد اکثر عرض گوش خارجی ارتباط نزدیک با طول گوش دارد و هر دو  
اندازه با بالا رفتن سن زیادتر میشوند لرها و بادیه نشینان موالی و اکیدت و  
رواله باریکترین گوش (۳۲/۲۶ - ۳۳/۱۲) و بادیه نشینان بائج پهن ترین  
گوش (۳۶/۵۱) را دارند. میان یهودیهای اصفهان و ده نشینان یزد خواست  
و کناره و اعراب کیش و سربازان عراقی خیلی اختلاف نیست (۳۵/۳۱ -  
۳۶/۳۳).

درجدول بالا دیده میشود که سه گروه بادیه نشینان ماوراء اردن و سوریه  
پائین ترین شاخص گوش (۵۱/۷۱ تا ۵۴/۹۷) را دارند و این مطلب از جهت  
آنکه آنان درازترین و باریکترین گوش را دارند محل تعجب نیست. بر عکس  
بادیه نشینان بائج (۵۹/۰۶) با آنها خیلی فرق دارند زیرا عرض گوش آنها  
زیادتر است. بین یهودیهای اصفهان و ده نشینان یزد خواست و کناره شباهت  
زیاد از این حیث وجود دارد (۶۱/۱۴ - ۶۱/۹۸). شاخص گوش لرها پائین تر  
است زیرا گوش آنها نسبتاً از سایر گروههای ایران باریکتر است.

### موقعیت نژادی ساکنین معاصر ایران

در این آخرین قسمت سعی میشود موقعیت نژادی ساکنین ایران نشان

داده شود. از آنجائیکه مطالب و اطلاعات مردم‌شناسی و اندازه‌گیری از مردم زنده و از اسکت مرده بسیار کمیاب است این بحث شاید دشوار بنظر رسد و در باره آن باید با احتیاط قدم برداشت. ولی خلاصه مختصر ممکن است برای بحث مفصلتر وقتی مطالب جدید بدست آمد مفید واقع شود.

### موقعیت جغرافیائی ایران

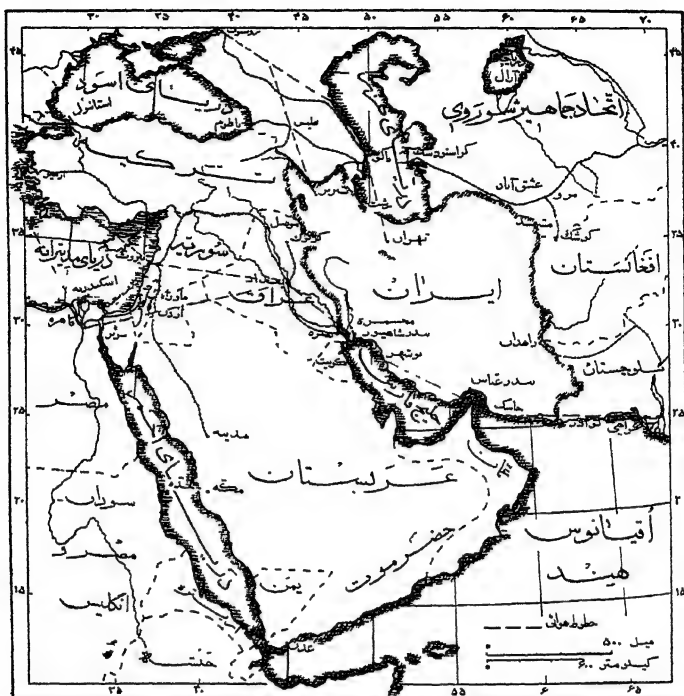
نقشه دنیا بر اساس طرح مرکاتور موقعیت ایران را تقریباً بمسافت مساوی بین منچوکو و استرالیا و جنوب افریقا و جزائر بریتانیا قرار میدهد. مطالعات کوه‌شناسی قاره آسیا نشان میدهد که ایران در خط طبیعی مهاجرت بین آسیای مرکزی و افریقا و بین آسیای مرکزی و اروپا قرار دارد.

شاهره‌های مهاجرت = نظری به وضع جغرافیائی ایران بیان داریم.

جنوب غربی آسیا که شامل ایران و عراق و ماوراء قفقاز و اناتولی و سوریه و فلسطین و ماوراء اردن و شبه جزیره عربستان میباشد دور تا دور آنرا آب فرا گرفته بجز مرز شرقی ایران و ماوراء قفقاز که رشته جبال قفقاز در آن قسمت مانع جغرافیائی تشکیل میدهد. بنابراین تنها راه بسمت مغرب از مرکز آسیا به جنوب غربی آسیا از ایران میگذرد.

موقعیت جبال هند و کش در افغانستان و سلسله جبال بلوچستان که از سمت جنوب تا ساحل مکران ادامه دارد این راه را مشخص تر میسازد. در داخله شرق ایران و بومغرب یک سلسله موانع طبیعی دیگر در مقابل مهاجرت وجود دارد که عبارت باشند از سلسله جبال البرز و دشت کویر و صحرای لوت. بدین ترتیب مهاجرت مفصل در ازمینه اخیر از سمت مشرق فقط در امتداد ساحل بین سلسله جبال البرز و دریای خزر و از راههای بین این کوهستانها و یا از طریق مرزهای بین ایران و افغانستان و ایران و بلوچستان تا حوالی بمپور امکان پذیر بود. نقشه ایران در اول کتاب بخوبی نشان میدهد که دره‌ها در جهت شمال غربی قرار دارد بطوریکه مهاجرین در رسیدن به شمال غربی ایران با مشکلات جغرافیائی مواجه میشوند.

سهولت نسبی مسافرت بخصوص برای مهاجرت به و از هندوستان وجود داشت ولی دره سند تا حدی بوسیله سلسله جبال جنوب بلوچستان از ایران جدا شده است. در حالیکه کوهستان براهوئی و سلسله جبال مکران مرکزی و سلسله جبال ساحل مکران ایجاد موانع و مشکلات میکند مساحت ۴۵۰ میل بین حیدرآباد سند و گوادرنانج از حرکت اقوام اولیه نمیشد.



### شکل ۱۹ - موقعیت جغرافیائی ایران

تردیدی نیست که این خصوصیات مهم جغرافیائی نقش عمده در مهاجرت اقوام و ملل بسوی مغرب یعنی ایران بازی کرده است. به‌عقیده نویسنده علاوه بر موانع طبیعی کوهستانهای صعب‌العبور و صحرای بی‌آب سواحل دریای خزر از زمان عصر حجر منطقه تب‌خیز بوده و مسافت از طریق شمال البرز را مشکل می‌ساخته است. در نتیجه راه اولی که در بالا ذکر شد شاید در طی اعصار کم‌اهمیت‌ترین راهها بوده است.

گردنه‌های سلیمانیه و رواندیز و عقرا حرکت و مسافرت بین فلات ایران و دشت عراق را ممکن می‌ساخته است.

آب و هوا = از آنجائیکه آب و هوای فلی ایران (رجوع شود به شکل ۱ نقشه بارندگی) بطور تفصیل در اول کتاب مورد بحث قرار گرفته احتیاجی

به تکرار نیست بجز آنکه توجه خواننده به بخش جنگلها و مراتع و صحراها جلب شود (شکل ۲). آب و هوای ایران بطور قابل ملاحظه با آب و هوای عراق در سمت مغرب و دره سند در سمت مشرق فرق دارد. ضمناً ذکر این نکته شایان توجه است که الزورت هانتینگتون Ellsworth Huntington (۱۹۳۸-۴۳) در جستجوی برای آن قسمت از دنیای قدیم که در ازمه ما قبل تاریخ آب و هوای آن بازندگی بشری و حاصلخیزی و امید بقاء متناسب باشد باین نتیجه رسید که جنوب ایران تنها منطقه‌ای بوده که شرایط لازم را داشته است. از این بحث و عوامل دیگر هانتینگتون پیش بینی میکند و معتقد است که ممکن است ایران محل اصلی نشو و نمای بشر اولیه باشد.

آب و هوای ایران در عهد باستان نا معلوم است ولی احتمال دارد که خشکی بخصوص در بعضی نقاط که اکنون قابل سکونت نیست آغاز شده بود. تنها مشاهده نویسنده در این مورد در سواحل دریاچه مهارلو بود که اکنون باطلاق نمک‌زاری است و در زمان قدیم مردم عصر حجر در آنجا زندگی میکردند. آقای برون زمین شناس شرکت نفت ایران و انگلیس در شیراز به نویسنده گفت که در سواحل شرقی دریاچه مهارلو نزدیک دریاچه نیریز و در ناحیه کوهگلو شواهد و عازم خشکی سازی مشاهده کرده است بنظر میرسد که در لبه‌های دشت کویر علائم و شواهد حاصلخیزی در ازمه قدیم بدست آید.

در سمت مغرب در صحرای سوریه و شمال عربستان نویسنده شواهد حاصلخیزی در زمان قدیم مشاهده کرده است. تمام منطقه جنوب غربی آسیا در زمانی که بطور تقریب میتوان آنرا بین ۶۵۰۰ تا ۷۰۰۰ سال قبل قرار داد تحت تأثیر انقلابات جوی و آب و هوایی قرار گرفته است.

گریفیث تیلور Griffith Taylor (۱۹۳۶ ص ۸۱ و ۱۳۱-۱۴۱) معتقد است که در اثر تقلیل بارندگی سطح دریای خزر بین ۴۳۸ قبل از میلاد و سال ۲۰۰ میلادی در حدود ۱۵۰ پا پائین رفته است.

بعلاوه پیدایش دو سطح طوفان که توسط هیئت اعزامی موزه فیلد و دانشگاه اکسفورد کشف شد، حاکی از تغییرات مهم محلی در آب و هوا و میزان بارندگی و برف در کوههای اناتولی در شمال عراق میباشد.

بطور کلی همه شواهد و مدارک دال بر آنست که در زمان قدیم منطقه جنوب غربی آسیا بسیار حاصلخیز بود و در نتیجه انقلابات و تغییرات زمین‌شناسی و آب و هوا به ناحیه خشک و صحرای بی‌آب و علف تبدیل شده است. نقش صحرا در محدود کردن نواحی قابل مهاجرت و موقعیت اقتصادی آنها در طبیعت هنوز

بطور دقیق مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است ولی نقشه آب و هوای دنیا يك رشته ممتد صحرا را از حد غربی صحرای افریقا از راه ربع الخالی عربستان و دشت کویر و دشت لوت در ایران و صحرای بلوچستان و قره‌قوم و قزل قوم در ترکستان شوروی و تکه‌مکان و صحرای گوبی در آسیای مرکزی که شامل مسافتی در حدود ۹۰۰۰ میل می‌شود آشکار می‌سازد. این مناطق بیشتر خشک و غیر قابل سکونت بوده است. در واقع تحقیقات باستانشناسی خلاف آنرا ثابت می‌کند و علائم و آثار زندگی انسانی در این نواحی بی‌آب و خشک و غیر قابل سکونت پیدا شده است. همه شواهد و مدارك حاکی از حاصلخیزی این نواحی در ازمینه قدیم می‌باشد و چون انقلابات جوی و تغییرات آب و هوا را می‌توان ثابت کرد احتمال قوی می‌رود که وضع این نواحی کاملاً عوض شده و آنکه غیر قابل سکونت فعلی زمانی محل زندگی اجداد ما بوده که بعلت تغییرات آب و هوا مجبور به ترك آن شده بودند. این مسئله محتاج مطالعه و تحقیق بیشتر است ولی نتیجه مطالعات دکتر سون‌ه‌دین و سراورل ستاین و دانشمندان دیگر اطلاعات جالب توجهی درباره آسیای مرکزی در اختیار ما قرار می‌دهد.

گل و گیاه = گل و گیاه ایران در فصل دوم (ص ۱۷-۲۵) مورد بحث قرار گرفته است. در کوهپایه‌های شمالی سلسله جبال البرز از ارتفاع ۳۰۰۰ پا تا ساحل خزر گل و گیاه از نوع مدیترانه است ولی در ارتفاعات زیادتر تا قله دماوند که ۱۸۶۰۰ پا ارتفاع دارد گل و گیاه منطقه شمالی دیده می‌شود. قسمت صحرای فلات بتدریج گل و گیاه را تغییر داده و از نوع صحرا می‌سازد که از سمت مشرق تا دره سند ممتد است. بدین ترتیب در قسمت گل و گیاه در ایران تنوع زیادی مشاهده می‌شود و علائم تنوع گیاههای کاشته شده نشان می‌دهد که منطقه جنوب غربی آسیا یکی از پنج مرکز عمده کشاورزی دنیا بشمار می‌آید.

در ۱۹۲۴ موسسه گیاه‌شناسی عملی لنینگراد هیئت تحت ریاست واولو N.I. Vavilov و عضویت بوکینیک Bukinich و لبدوف Lebedev با فغانستان فرستاد. گزارش این هیئت که مکمل کار اچیسون Aitchison است بطور کلی مربوط بوضع کشاورزی است ولی مطالبی درباره خصوصیات جسمانی مردم نیز در آن یافت می‌شود.

در مورد خصوصیات کلی گیاههای کاشته شده افغانستان و رابطه آنها با کشورهای مجاور واولو و بوکینیک مطلب خلاصه‌ای را اظهار می‌دارند: «چنانکه از تحقیق درباره تنوع و اختلاف گیاههای کاشته شده برمی‌آید افغانستان و کشورهای مجاور آن بخصوص منطقه شمال غربی هندوستان یکی از مهمترین مراکز کشاورزی

اولیه دنیا بشمار می‌آید و از آنجا است که تنوع يك سلسله عمده گیاهان ریشه گرفته است. این مسئله بوسیله مطالعه در تنوع يك سلسله گیاهها و محصولات و انطباق ناحیه تنوع بسیاری از محصولات عمده اروپا ثابت شده است.

واویلو Vovilov (۱۹۳۲b - ص ۳۳۱-۳۳۲) می‌نویسد: «پنج مرکز عمده مهمترین محصولات تعیین گردیده است. یکی از این مراکز منطقه جنوب غربی آسیا است. مطالعه دقیق گیاههای کاشته شده افغانستان که توسط پرفسور واویلو و همکارانش بعمل آمده محل دقیق هر يك از این محصولات را معین مینماید. حتی در خود افغانستان میتوان گفت که گوشه جنوب شرقی از نظر اهمیت یکی از مخازن Genes است. مطالعه تطبیقی گیاههای کاشته شده پنجاب و کشمیر و همه هندوستان نشان میدهد که گوشه بین هند و کشویمالیار باید از بین همه نواحی جنوب غربی آسیا مشخص دانست.

از طرف دیگر مرریل Merrill (۱۹۳۶ - ص ۴۳۰-۴۳۹) در باره تمدن و گیاه اطلاعات زیر را میدهد: «چنانکه كوك گفته است مورخین و دیگران (از جمله مردم‌شناسان و نژادشناسان و نویسندگان مشابه آنها) که اطلاعاتی از زیست‌شناسی ندارند اغلب بعضی از عوامل عمده کشف محل مراکز اولیه تمدن و فرهنگ را در نظر نمیگیرند. كوك این مطلب را که بر همه زیست‌شناسان آشکار است تأکید میکند که ناحیه مدیترانه محل و مرکز نمو بومی کشاورزی نبوده است زیرا مهمترین محصولاتیکه زندگی و فرهنگ مردم مدیترانه بر آن قرار داشت برای آن محل بیگانه بود و در ازمنه ماقبل تاریخ و حتی ازمنه تاریخ از نواحی دیگر آورده شده بود.

» بدین طریق برای رد ادعای کسانی که معتقدند کشاورزی و تمدن در دره نیل آغاز گردید باید خاطر نشان ساخت که حتی يك محصول و گیاه کاشته شده توسط مصریان قدیم بومی آن ناحیه نبوده است و همین مطلب درباره مرکز دیگر تمدن در جنوب غربی آسیا یعنی دره بین‌النهرین نیز صادق است. قبل از آنکه بتواند اطلاعات و معلومات کشاورزی خود را بوضع و شرایط مختلف دره‌های بزرگ فرات و دجله و نیل منطبق نماید کشاورزی در خارج این دو منطقه در نقطه‌ای در جنوب غربی آسیا میبایست نمو کرده و بصورت هنری درآمد داشته باشد.

مطالب و بیانات متناقض بالا عالم مردم شناس را در حال تردید و نامعینی قرار میدهد ولی عقیده شخص نویسنده متمایل به نظر واویلو است در تاپستان

۱۹۳۴ در لنین‌گراد این مطلب را شخصاً با وی بحث کرد. بعلاوه در میان مجموعه‌های مؤسسه گیاه‌شناسی انواع جدید و انواع فرعی بسیاری از غلات از افغانستان و ترکستان و ایران و کردستان و قفقاز موجود است که میرساند که این قسمت آسیا یکی از مراکز نمو کشاورزی بود و علت آن وجود انواع متعدد نباتات و بخصوص غلات در آن می‌باشد.

حیوانات = حیوانات ایران شامل تعداد قابل ملاحظه‌ای از انواع مختلف می‌باشد که بعضی از آنها رابطه با حیوانات آسیا و آفریقا و اروپا دارند. در فصل دوم بررسی مختصری درباره حیوانات ایران بعمل آمد و میتوان گفت که ایران بهیچوجه از منطقه متد و پیوسته بهم جدا نبوده است.

مطالعه و تحقیق درباره وضع آب‌وهوای قدیم و جدید و طرزپخش و قرار گرفتن جنگلها و مراتع و اراضی کشت و صحرا و تنداد و پخش انواع مختلف گل و گیاه و حیوانات اهلی و نمو انواع مردم و مراکز تمدن و ارتباطات متقابل این عوامل بایکدیگر بسیاری از مطالب و گوشه‌های تاریک مردم‌شناسی را روشن و رابطه مطالب موجود را باهم آشکار خواهد کرد.

### ساکنین ایران

اکنون میپردازیم به شواهد زندگی و اشغال بشری ایران از دوره عصر حجر تا زمان حاضر.

عصر حجر = بررسی دوره ماقبل تاریخ ایران تاکنون بطور کامل صورت نگرفته است. شواهد منفی از نواحی بزرگ مملکت شاید گمراه کننده باشد زیرا نقشه‌های مناطق عصر حجر برای قسمت عمده از ایران هنوز پرنشده و سفید باقی مانده است. من همیشه حس کرده‌ام که در اظهار عقیده کلی از روی نقشه باید در نظر داشت که آیا مناطق ثبت نشده روی نقشه بعلم عدم حفاری یا اکتشافات بوده یا اینکه مطالعات و حفاری صورت گرفته و نتیجه مطلوب بدست نیامده است. مطلب اخیر درباره ایران جایز نیست و از شواهد ظاهری که من در ۱۹۳۴ بدست آوردم پیش بینی میکنم که مناطق عصر حجر وحتى مهمتر از آن بقایای اسکلت و استخوان بندی شکارچیان عصر حجر قدیم کشف خواهد شد. اکنون برگردیم به شواهد و مدارک قلیل موجود در سواحل غربی دریاچه مهارلو در جنوب شرقی شیراز. نویسنده در دامنه سنگی دوپناهگاه سنگی ابزار سنگی از



نوع ابزار عصر حجر پیدا کرد. در ماه مارس ۱۹۳۷ دکتر دروسی‌گارود Dr. Dorothy A.E. Garrod ازدانشگاه کمبریج که چند نمونه را در مجموعه موزه فیلد بررسی کرد اظهار عقیده نمود که این ابزار از لحاظ فرهنگی شباهت دارد به نوع ابزاری که وی چندین سال قبل در غارهای کردستان عراق پیدا کرده بود. علاوه بر این شاهد مختصر درباره وجود بشر قبل از دوره حجر قدیم در ایران آقای برون عضو شرکت نفت انگلیس و ایران در ارتفاع ۸ هزار پا از سطح دریاچه نیریز دوقطه یا ورقه سنگ از نوع متعلق به دوره عصر حجر که بنام موستیر Movstier نامیده میشود پیدا کرده است. این دوقطه توسط آبه- برویل Abbé Breuil آزمایش شد و طبقه بندی آنرا تأیید کرد. این اکتشافات مهم در جای دیگر (ص ۵۵۲ - ۵۵۳) مفصلتر مورد بحث قرار گرفته است. نظرباینکه اکتشافات اخیر متعدد در فلسطین و سوریه و در نزدیکی آنکارا و توسط هیئت اکتشافی موزه فیلد در صحرای شمال عربستان در سالهای ۱۹۲۷ و ۱۹۲۸ و ۱۹۳۴ در ماوراء اردن و در سوریه و در عراق در شمال کرکوک بعمل آمده وجود يك سلسله محلهای عصر حجر از سواحل شرقی مدیترانه تا جبال زاگرس کردستان عراق ثابت شده است. شواهد جدید ایران منطقه جنوب غربی ایران را با مدیترانه مرتبط میسازد. در عصر حجر قسمت جنوبی بین النهرین یعنی عراق زیر آب بود بطوریکه خط مهاجرت بسمت مشرق یا مغرب میبایست از جنوب سلیمانیه میگذشته و در این محل است که نویسنده و دروسی‌گارود مستقلاً و جداگانه ابزار سنگی آن دوره را کشف کردیم (گارود ۱۹۳۷ - ص ۳۳ - ۴۰ - فیلد b ۱۹۳۵ ص ۴۶۲).

کشف بشرایرانی *Homo Iranicus* و رابطه جسمانی او با بشر نئاندرتال (Neanderthaloids) اتلث در فلسطین در سمت مغرب و بشر هندی *Homo Indicus* در سمت مشرق بسیاری از مسائل مربوط به پخش بشر از منه قدیم و بخصوص رابطه ساکنین اولیه خاورمیانه را با ساکنین اروپا حل خواهد کرد. شواهد باستانشناسی اخیر حاکی از آنستکه چنین رابطه وجود داشته و جنوب غربی آسیا ممکن است آن قسمت از سطح زمین باشد که در آن نوع بشر نشو و نما کرده است (الیوت اسمیت ص ۵۰ و فیلد ۱۹۳۴). بنابراین در قسمت تحقیقات آینده ایران مفتاح مطالعات بشمار میآید نه تنها برای حلقه رابط بین

مدیترانه و هند بلکه در جهت شمال شرقی با آسیای مرکزی و شمال غربی با قفقاز و آناتولی .

يك بار ديگر بايد توجه خواننده را به موقعيت مركزي جغرافيايي ايران نسبت به سرزمين دنياي قديم جلب كرد . قديمترين بقايای انسانی و كهنه ترين اسباب و ابزار نشانه بزرگترين انشعاب و گسترش ممكنه از ايران كه مركز فرضي ما است ميباشد . وقتي از روى نقشه به پراكنندگي و گسترش *pithecanthropus* و *Sinanthropus* در سمت شرقی آسیا و بشروددي *Homo Rhodesiensis* یا اجداد او در افريقای جنوبی و بشرسوانسکمب *Swonscombe* و ابزار سنگ چخماق او و همچنين مصنوعات بشری لبه رودخانه تيمز در انگلستان نگاه كنيم می بینیم كه شواهد بشر اولیه در يك قسمت مركزي قاره بزرگ پيداشده بلكه در كناره ها و حاشيه های آن يعنی در چين و افريقای جنوبی و انگليس كشف شده است . (فيلد - ۱۹۳۴) .

من توجه خواننده را به موقعيت مركزي ايران نسبت به اين سه منطقه ايجادی بشر جلب کرده ام ولي شايد مهمتر آن باشد كه بخش محلهای زندگی عصر حجر اطراف ايران را نشان دهيم . ما شواهد فرهنگي بشر را در مراحل مختلف تمدن عصر حجر ولي البته نه معاصر يکديگر در نقاط زير در دست داريم :

محلهای بسياری در هندوستان بسمت جنوب شرقی آسيا در داخل هند و چين ؛ از مركز آسيا به ورخولسنگا يا گورا نزديك ايركوتسك و نقاط ديگر سيبيره بشمال شرقی با محلهای دويس خورلی ، چپاتوری ، گوارد - ژيلاس خلد ، هول رودلف - ویرشو و مناطق ديگر در ناحيه قفقاز ؛ غارها و محلهای روى زمين نزديك سلیمانیه و کرکوک و رواندیز و عقر ؛ رشته محلهای روى زمين از رطبه به مدیترانه ؛ حفريات در تقيبه كنار درياچه گاليلی نزديك اتليت در فلسطين ؛ و در سوريه و ماوراء اردن (گارود ۱۹۳۷ - ص ۳۳ - ۴۰) . در يك مراسله خصوصي پرفسور جان - مايرز از دانشگاه اكسفورد بنويسنده اطلاع داد كه در تفحصات سال ۱۹۳۸ در نزديكي انكارا پنج ابزار و آلات از نوع عصر حجر بدست آمده كه هنوز مطالب مربوطه بآن منتشر نشده است .

علاوه بر شواهد حاصله از نزديكي دويساچه مهارلو و نيرير اين مطلب كه حفريات و مطالعات در هندوستان تا مدیترانه وجود بشر عصر حجر را در دو انتهای ايران ثابت ميكند دال بر آنستكه پشتر عصر حجر و فرهنگ آن در ايران

نیز پیدا خواهد شد .

عصر حجر جدید = میتوان با کمال اطمینان تصور کرد که مردمان عصر حجر جدید کم و بیش همان خط مهاجرت پیشینیان خود را تعقیب کردند بخصوص در داخله يك مملکت که موانع طبیعی آن ناچار از قبول راههای مورد استفاده میساخت. بنابراین تحقیقات آینده باید در نقاط زیر صورت گیرد در امتداد مرز شرقی درغارها و پناهگاههای سنگی از لرستان و تا کرستان و محلهای مناسب در سلسله جبال البرز در زیر ترین سطوح حفاری يك مرحله فرهنگ که تصور می‌رود متعلق بعصر حجر جدید باشد پیدا شده و شواهد و علائم به یافتن يك رشته محلهای متعلق به عصر حجر جدید در سراسر ایران امید بخش است .

عصر مس = سر اورل استاین Sir Aurel Stein (۱۹۳۷ا) اخیراً بررسی مقدماتی باستان‌شناسی مرزهای ایران و هندوستان را تمام کرده و در این تحقیقات آثار زیادی از دوره مس و دوره‌های بعد پیدا شده است . وی حلقه‌ها و رابطه بین تمدن اولیه دره سند و بین‌النهرین را بوسیله بررسی و بازدید نواحی بین این نقطه کشف نموده است .

طبق نظر فرانکورت هر کجا که در جنوب غربی آسیا حفاریات عمده صورت گرفته سطوح زیرین نه تنها شامل فلز است بلکه اصالت شکلهای این ابزار و آلات اولیه مس ثابت می‌کند که ما حق داریم بطور قطع از دوره مس صحبت کنیم . دوره تاریخی اولیه = حفاریات در نقاط مختلف بخصوص در شوش و دامنغان و ری و تخت جمشید و زیان و شاه تپه و تورنگ تپه و حنائی تپه ترتیب طبقه یابی کلی تمدن و فرهنگها را آشکار ساخته و در بعضی موارد بقایای اسکلت انسانی برای مطالعات مردم شناسی و اندازه گیری بدست آمده است . نکته مهمی که در این جا باید بآن توجه داشت اینست که در دوره‌های اولیه تاریخ بنظر میرسد بین بین‌النهرین در مغرب و دره سند در مشرق ارتباط مستقیم فرهنگی وجود داشته است . و همچنین تبادل فرهنگ با ناطولی و ماوراء قفقاز و ترکستان بعمل آمده است . وقتی انتشارات نهائی مربوط به شهرهای قدیمی تپه گواره - تل بیل - خرس آباد - تل ائمر - خفاجه - سلوسی - کیش - اور - العبیه - تلو - اوروک و وره در بین‌النهرین و مهنجودارو - هاراپا - نال - بیانا - تاکسیلا - نالاندا - امری - روپار و سیالکوت در هندوستان آماده و آشکار شد خواهیم توانست رابطه بین ساکنین قدیم این نواحی و درجه تبادل تمدن و فرهنگ و نفوذ آنها را بر یکدیگر پیدا کنیم .

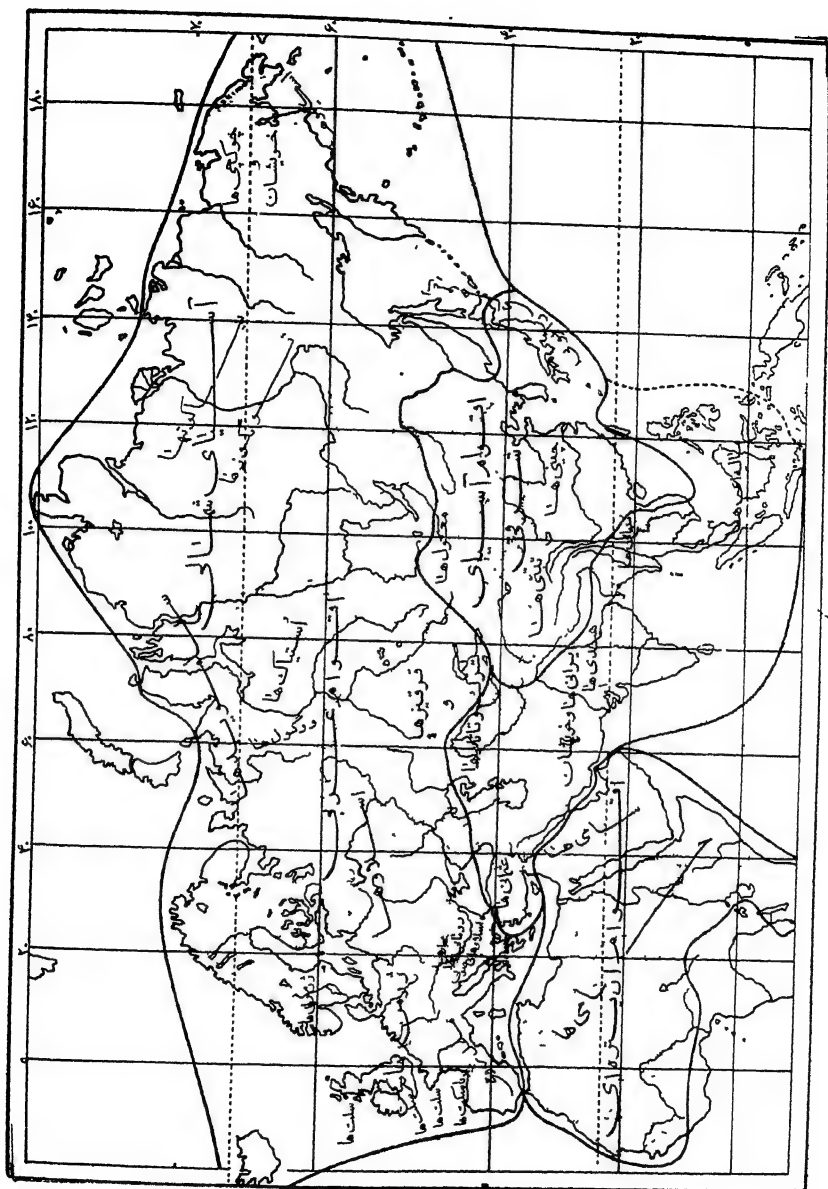
برای تکمیل این تصویر اطلاعات اضافی از نقاط زیر ضرورت دارد :

اناطولی - ارمنستان - آذربایجان شوروی - لنگوران - ترکستان - ناحیه - پامیر - التائی - افغانستان - و بلوچستان .

دوره تاریخی پسین = امواج مهاجرت و تهاجمات متعدد تاحدی در فصل ۲ و ۳ این کتاب مورد بحث قرار گرفته است . اگر چه در ظاهر محتمل بنظر می رسد که این تهاجمها و مهاجرتها در جمعیت عصر جدید تأثیر کرده باشد نتیجه مطالعات در دره نیل و عراق نشان میدهد که در طی شش هزار سال گذشته که دوره تاریخی است عناصر اصلی جمعیت بصورت اصلی باقی مانده و تغییر در آن خیلی مختصر بوده است . انتظار می رود که این مطلب درباره ایران نیز صادق باشد . همینکه در نتیجه بررسی دقیق و اندازه گیری صحیح نوعهای اصلی کاملاً مشخص شد تعیین رابطه آنها با عناصر نژادی مختلف نه تنها در داخله مرزهای ایران بلکه ارتباط خارجی آنها با مردم عراق و اناطولی و قفقاز و ترکستان و افغانستان و بلوچستان ممکن و میسر خواهد گردید .

مردم عصر حاضر = در صفحات گذشته شواهد وجود بشر در مراحل تمدن عصر حجر قدیم و جدید مورد بحث قرار گرفت . اکنون باید بطور خلاصه موقعیت نژادی مردم فعلی ایران را نسبت ب مردم آسیا و آفریقا و اروپا مطالعه کنیم . قبل از ادامه این مبحث باید نقشه را تزل ( شکل ۲۰ ) را که موقعیت نژادی مردم جنوب غربی آسیا را نشان میدهد بدقت بررسی کنیم .

در مورد عراق کیث (ص ۱۹۰) شرح زیر را میدهد: «در سمت شمال در مناطق کوهستانی موطن ایرانیان و مردم مشابه قرار دارد . در گروه ایران میتوان مردم آسیای صغیر را بشمار آورد ( را تزل آنها را عثمانی خوانده است ) . کلیه عربستان از دریای احمر تا خلیج فارس و از ساحل لبنان تا اوقیانوس هند از نظر را تزل موطن اقوام سامی نژاد است . چنانکه نشان داده شده است اقوام سامی در سراسر شمال آفریقا پراکنده و سواحل جنوبی مدیترانه را اشغال کرده اند . در سمت مغرب و جنوب عربستان که بوسیله دریای احمر جدا شده اقوام حامی مسکن دارند و قسمتی از آفریقا در سمت مشرق نیل از قاهره در شمال تا زنگبار در جنوب را در اختیار دارند . در سمت مشرق ولی دورتر هندوستان است که اقوام تیره پوست یعنی دراویدیها در جنوب و ایرانی و دراویدی در شمال در آنجا زندگی میکنند .



شکل ۴۰ نقشه موقعیت نژادی اقوام جنوب غربی آسیا  
( اقتباس از داتزل )

کیث (ص ۷۵ - ۷۶) مشاهدات خود را درباره اعراب بدینطریق خاتمه میدهد: « اعراب نسبت به سایر نژادهای بشری چه وضع و موقعیتی دارند؟ در بحث این مطلب باید رابطه عربستان را با مرزهای نژادی مجاور در نظر بگیریم. دریای احمر شبه جزیره عربستان را اقوام حامی افریقا که اغلب خون عرب نیز دارند جدا کرده است. عربستان بوسیله خلیج فارس و خلیج عمان از قاره آسیا جدا است. این خلیج يك مرز نژادی است که قوم عرب را از مردمی که با آن منسوب نیستند یعنی نوع هند و افغان جدا کرده است. و نیز در شمال قاعده شبه جزیره داخل مرز نژادی دیگری میشود که مرز جنوبی نژاد خالصتر قفقازی باشد. سپس درست خاور اقوام هند هستند که علاوه بر رنگ پوست قهوه‌ای و موی سیاه یا قهوه‌ای سیر شباهتهای زیادی با اعراب دارند. اگر فرض کنیم که نژادهای فعلی بشر در یا نزدیک مناطقی که فعلا زندگی میکنند راه تکامل پیموده و نشو و نما کرده است باید باین نتیجه برسیم که اعراب رابطه تکاملی با همه اقوام مجاور خود دارند. این مطلبی است که مادرطی آزمایش و مطالعات خود بدست آورده ایم. اعراب از بعضی خصوصیات با اقوام حامی افریقا و مردم دراویدی و هند و آریائی هندوستان و مردمانی که از دروازه های هند تا ساحل شرقی مدیترانه سکنی دارند شریک است. قیافه و شکل عرب در ظاهر اغلب بقدری به قیافه نژاد قفقازی شباهت دارد که ممکن است او را با يك اروپائی جنوبی اشتباه کرد ولی رنگ او معمولاً تیره تر از رنگ مردم جنوب اروپا است در ترکیب نژادی او بدون شك برخی صفات سیاهپوستی تشخیص داده میشود و این صفات است که او را با دراویدیها و حامیها مربوط میکند.

« حال چگونه میتوان درباره مردمانی که از حیث قیافه و خصوصیات با نژاد قفقازی شبیه هستند و خصوصیات مشترك با نژادهای تیره پوست مجاور خود دارند و ساکن عربستان میباشد قضاوت کرد؟ برای تشریح این مطلب حوادث و ارتباط دیگری را باید مورد توجه قرار داد حتی امروز يك منطقه کمربندی از نژاد رنگ دار دنیای قدیم را فرا گرفته است. در يك انتها سیاهپوستان افریقا و در انتهای دیگر سیاهپوستان ناحیه اوقیانوس کبیرند. در این کمربند هندوستان در وسط قرار دارد و احتمال میرود که در دوران یخبندان همه این ناحیه بهم متصل بوده است. بنابراین فرضیه ساکنین اصلی عربستان رنگ دار و شبیه به حامی-

های افریقا از يك سمت و دراویدیهای هندوستان در سمت دیگر بوده‌اند. در شمال این منطقه کمربندی سیاه دوبرکز تکاملی دیگر وجود داشته است. یکی مغولیها در شمال هیمالیا و دیگری قفقازیها در شمال فلات کوهستانی که از هیمالیا از راه ایران باسیای صغیر ممتد بوده است. در اینکه از مرکز مغولیها در سمت شرقی هیمالیا درازمنه اولیه مردمی بسمت جنوب عزیمت کرده و در زمانهای مختلف مغولیها از این راه وارد منطقه کمربندی شده و بسمت ناحیه اوقیانوس کبیر پراکنده شدند شکی نیست. در سمت مغرب هیمالیا مهاجرت قفقازیها بسمت جنوب صورت گرفت. در دوران یخبندان شبه جزیره بزرگ عربستان سرزمینی مورد توجه شکارچیان حادثه جو بوده است. مردم عربستان بدین ترتیب نمونه اختلاط دراویدیهای سیاهپوست میباشند که مهاجمین سمت جنوب یا حاشیه حامی مرکز قفقازی در آن راه یافته و با آن مخلوط شده‌اند. چنین فرضیه بسیاری از مسائل مربوط به ترکیب نژادی و قرابت ساکنین عربستان را حل میکند. آیا ممکن است که مرکز تکاملی نوع قفقازی تا عربستان ادامه یافته باشد؟ در اینصورت قوم عرب نژاد تکاملی‌تر بشمار خواهد آمد. »

در حالیکه بنظر من ارتباط غیر قابل تردیدی بین ایرانیها و اعراب ساکن مغرب ایران وجود دارد میزان و حد این ارتباط از نظر شواهد مردم‌شناسی و اندازه گیری موجود باید با تردید تلقی گردد. در قسمتهای دیگر این فصل مقایسه های آماری و تشریحی گروههای اندازه گیری شده در ایران و عراق مورد بحث واقع شد. میزان ارتباط بین مردم ایران و عراق پس از انتشار کتاب نویسنده در باره مردم عراق روشن تر خواهد شد علی‌الخصوص که آن کتاب شامل مطالعات و گزارشاتی مربوط بکردهای کردستان عراق و اعراب آل بو محمد ولایت عامره میباشد.

در فصل سوم این کتاب اشارات تاریخی درباره ترکیب نژادی ساکنین ایران از زمان هردوت تا سال ۱۹۳۸ ذکر شده است. در فصل چهارم نام قبایل و تیره‌ها و تعداد و محل اقامت آنها در تمام مملکت گردآوری شده. در فصل فلی مردم شناسی جسمانی مردم ایران بر اساس اندازه گیری‌های مختصر و غیر کافی نویسنده و اندازه گیریهای سایر مولفین مورد بحث واقع شده که شامل مسائل زیر میگردد؛ عناصر اصلی نژادی جمعیت؛ مشاهدات درباره استخوان بندی و

مطالب تطبیقی از نواحی جنوب غربی آسیا .

طبق مطالعات نویسنده عناصر اصلی جمعیت ایران از نوع مدیترانه‌است اگرچه تنوع و انحرافات قابل ملاحظه در آن مشاهده میشود . سردرازان فلات ایران از دو نوع مرکب هستند که عبارتند از يك دسته بینی راست و يك دسته دارای بینی بزرگ محدب ، دسته اولی محتملاً از حیث نژادی منسوب با بادیه - نشینان شمال عربستان هستند و دسته دومی ظاهراً در فلات ایران نموده اند این دو نوع سردراز بینی باریک صورت باریک واحدهای مشخص جداگانه میباشند ولی در میان آنها افراد پیشماری که دارای درجات مختلف اختلاط دونوع باشند وجود دارد .

بعلاوه نوع سر کوتاه فلات ایران از سه دسته ترکیب میشود . یکی دارای بینی راست یا مقعر دسته دیگر دارای بینی محدب زیاد و سرفرق بلند و پس سر صاف که نوع ارمنی را تشکیل میدهد و دسته سوم دارای بینی محدب و صورت دراز و سر بلند هستند که احتمال میرود از اختلاط با مردم ترکستان بوجود آمده باشند . بنظر از اینها در جمعیت فعلی ایران نوعهای اروپائی شمالی و جنوبی و مغولی و سیاه پوست و حامی دیده میشود وجود این افراد دارای شکل آسیائی و اروپائی و آفریقائی نشانه ارتباط جسمانی بین ایران و مردم هر سه قاره میباشد . بعلاوه شواهدی در دست است که ایران از زمان عصر حجر قدیم محل زندگی بشر بوده و اختلاط و امتزاج قابل ملاحظه بین نژادهای مختلف در آن صورت گرفته که دلیل آن تماس و ارتباط بسیط فرهنگی میباشد که حفاریات و مطالعات تطبیقی آنرا آشکار کرده است .

در قسمت بحث ارتباطات خارجی ایران جدولهای مطالب تطبیقی از اندازه ها و شاخص های مردم جنوب غربی آسیا گردآوری و هر کدام در محل خود مورد بحث واقع شده است . در اینجا کافی است گفته شود که ساکنین فعلی قسمت جنوب مرکزی فلات ایران بنظر میرسد بیشتر منسوب ب مردم ساکن غرب و شمال غربی ایران باشند تا ب مردم قسمت شرق بجز ناحیه افغانستان و مردم شمال شرقی باستانی ترکمن ها .

بررسی اندازه گیری مفصل درباره افغانستان بعمل نیامده ولی دکتر گردن بولز Gordon T. Bowles از موزه پیدای دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۳۷ بایک



سری اندازه‌گیری‌ها و عکسهاییکه از افراد افغانی در کوهپایه جنوبی هیمالیا تا ایالت‌شان گرفته بودم رجعت کرد. دکتر بولز اجازه داد عکسهای نوعهای نژادی افغانستانرا که شامل ۱۷۲ فرد در چهار گروه است مطالعه کنم.

تعداد

- ۱- افغانی از کابل بسمت شرق تا جلال‌آباد ۵۰
- ۲- افریدی از جنوب تنگه خیبر و دره تیرا ۴۰
- ۳- مهمندی از شمال تنگه خیبر و شمال شرقی بجاور ۴۰
- ۴- پاتان - خنک و بنگش از جنوب غربی پشاور پشونزبان ۴۲

۱۷۲

در طی تقریباً سه سال دکتر بولز از چندین هزار نفر اندازه‌گیری و عکسبرداری مشاهده کرد. بنا براین بنظر من مناسب رسیده که از او دعوت کنم عکسهای چهارگروه ایران را مشاهده کند و نظر خود را درباره شباهت جسمانی و اختلافات آنها را با عکسهاییکه او از مشرق ایران یا برمه گرفته بود بدهد. دکتر بولز چنین اظهار نظر میکند: «بر اساس عکسهای فردی چهار گروه ایران باشکال میتوان مطمئن بود که این نمونه‌ها نماینده کافی مملکت یا ناحیه که متعلق بآنهاست باشند. فرض کنیم که این نمونه‌ها درست باشد چند عامل مهم در رابطه بین این گروه‌ها و مردم مشرق افغانستان و شمال غربی هندوستان میتوان یافت. اولاً هیچیک از چهار گروه را نمیتوان خیلی شبیه پاتانها که پشتو حرف میزنند تا مردم پنجاب دانست. استنباطی که از این مطلب میتوان بدست آورد اینست که بنظر میرسد که عده زیادی عوامل غیر مشابه جسمانی وجود دارد اگر این عوامل در بسیاری موارد از نوعی است که مربوط بنوع شکل شناسی محلی است و اختلافات نژادی عمده را مشخص نمیسازد بطور کلی در ایران و افغانستان عناصر اصلی نژادی یکسان است. ثانیاً در ناحیه هند و افغان گاهی افرادی پیدا میشوند که خیلی

- 
- ۱- افغانهاییکه دکتر بولز اندازه‌گیری کرد در طبقه سردراز تا سرم توسط قراردادارند و قد آنها بین ۱۶۴ تا ۱۷۰ است. دکتر بولز فرد شماره ۳۳۰۲ (تصویر ۱۲۹ - شکل ۱ و ۲) مرا از همان نوع فرد افغانی شماره ۱۷۸۶ خود انتخاب کرد که مشخصات او عبارت است از سن ۴۰ - قد ۱۷۱/۰ - شاخص سر ۷۳/۰ - شاخص صورت ۹۷/۰ - شاخص بینی ۵۲.

شبیه افراد گروههای ایران هستند ولی رویهمرفته این امر اتفاقی است و تاحدی غیرعادی. شاید صحیح تر آن باشد که گفته شود اگر چه نمونه‌های معدودی در ناحیه هند و افغان پیدا میشود که شبیه افراد سریهای ایران هستند این نمونه‌ها پراکنده و متفرق است و حاکی از نفوذ مختصر است و نه شباهت اساسی و کلی بین اکثریت مردم دو ناحیه. ثالثاً بنظر میرسد که این نمونه‌های اتفاقی مشابه بیشتر در ناحیه مغرب‌بھاری زبان کوهپایه ایالات شمالی یخصوص در ایالت چمبا و ناحیه کنگرا و ایالت کوهستانی سیملا پیدا میشود تا در ایالات مرزی شمال غربی و شمال غربی پنجاب و افغانستان شرقی. رابعاً نمونه‌های چندی از مردم بھاری غربی شمال پنجاب بطور اتفاق در ایران پیدا شده است. گروههای فرعی که این امر در باره آنها صدق میکند عبارتند از لاهولی لاهول - گدی یا پراهمائوری و چوراهی چمبا و تاحدی دو گری و میرپوری و پونچی جنوب کشمیر و دشت پنجاب بین رود سند و ساتلج و مخصوصاً در امتداد پایه تپه‌های سیوالک.

« برای توصیف و تعیین محل بهتر این نواحی باید گفت که ایالت چمبا در قسمت شمال غربی پنجاب در مشرق ایالت کشمیر قرار دارد و پھاریهای غربی فقط در کوهپایه‌های هیمالیا زندگی می‌کنند و ناحیه آنها شامل ایالات چمبا بسوی مشرق تا ساتلج است و بھاری مرکزی از ساتلج تا سرحد نپال امتداد دارد. و از چهار گروه ایران مردم یزدخواست و کناره بیشتر مورد این اثر میباشند.»

دکتر بولز میگوید<sup>۱</sup> که «نوعائیکه بنظر میرسد نمونه یهودیهای اصفهان باشند مانند شماره ۳۴۸۶ (تصویر ۳۹ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۹۳ (تصویر ۳۹ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۱۵ (تصویر ۳۸ - شکل ۲ و ۱) - ۳۴۹۸ (تصویر ۳۸ - شکل ۱ و ۲) - ۳۴۸۲ (تصویر ۳۵ - شکل ۴) - ۳۴۸۴ (تصویر ۳۵ - شکل ۱ و ۲) - ۳۴۸۳ (تصویر ۳۴ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۰۳ (تصویر ۳۴ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۷۹ (تصویر ۳۳ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۷۶ (تصویر ۱۰ - شکل ۳ و ۴ و تصویر ۳۲ - شکل ۱ و ۲) - ۳۵۰۱ (تصویر ۳۲ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۸۷ (تصویر ۳۰ - شکل ۱ و ۲) - ۳۴۹۶ (تصویر ۲۹ - شکل ۳ و ۴) - ۳۴۷۸ (تصویر ۲۸ - شکل ۳ و ۴)

- ۳۴۹۵ (تصویر ۲۸ - شکل ۲ و ۱) - ۳۵۰۲ (تصویر ۲۵ شکل ۳ و ۴)  
 - ۳۵۰۷ (تصویر ۲۴ - شکل ۲ و ۱) - ۳۵۰۰ (تصویر ۲۱ - شکل ۱ و ۲)  
 و ۳۵۱۲ (تصویر ۲۰ شکل ۳ و ۴) تا آنجائیکه من اطلاع دارم هرگز در  
 میان افغانی یا هندی پیدا نمیشود مگر در میان گروه پراکنده یهودی بنظر میرسد  
 که این نمونه در بین افغانها یا پاتانهای خالص یا در نقاط شمال هندوستان نفوذ  
 کرده باشد.

د از بقیه افراد شماره ۳۵۱۶ (تصویر ۱۶ - شکل ۲ و ۱) - ۳۵۱۴  
 (تصویر ۱۵ - شکل ۲ و ۱) و ۳۵۱۳ (تصویر ۱۵ - شکل ۳ و ۴) بقدری  
 جوان هستند که نمیتوان حدس زد در سن بلوغ بچه شکل در آیند. ممکن است  
 از نوع یهودیها شوند و نیز ممکن است از نوع پنجاب شمالی از آب در آیند.  
 د افراد شماره‌های ۳۵۰۵ (تصویر ۱۶ - شکل ۳ و ۴) - ۳۵۱۸  
 (تصویر ۱۷ شکل ۲ و ۱) - ۳۵۲۳ (تصویر ۱۷ - شکل ۳ و ۴) - ۳۵۲۲  
 (تصویر ۱۸ - شکل ۲ و ۱) - ۳۵۲۰ (تصویر ۱۸ شکل ۳ و ۴) - ۳۵۰۴  
 (تصویر ۱۹ - شکل ۲ و ۱) - ۳۴۹۷ (تصویر ۱۹ - شکل ۳ و ۴) و ۳۵۰۸  
 (تصویر ۲۰ - شکل ۲ و ۱) احتمال نمیرود در مشرق افغانستان یا شمال غربی  
 هندوستان پیدا شوند.

د فرد شماره ۳۴۹۲ (تصویر ۲۶ شکل ۲ و ۱) از طرف دیگر ممکن  
 است یا در شمال غربی پنجاب یا حتی در ناحیه کوهستان بهاری شمال پنجاب  
 پیدا شود.

د فرد شماره ۳۴۹۹ (تصویر ۱۰ - شکل ۲ و ۱ - تصویر ۲۹ - شکل  
 ۲ و ۱) ممکن است در ناحیه لاهول در شمال غربی پنجاب (گروه غیر هند و اروپائی)  
 دیده شود.

د در خاتمه میتوان گفت که افراد بسیار محدودی ممکن است در جمعیت  
 غیر یهودی افغانستان و پاتانها و ناحیه شمال غربی هندوستان مشابیه پیدا کنند.  
 استنتاج خود من این بود که بطور کلی این افغانها ظاهراً خصوصیات و  
 پیوستگی نژادی بیشتری با ایران دارند تا بمردم دره سند. اکثر آنها ممکن است  
 ساکنین ناحیه بین طهران و شیراز و در بعضی موارد با اعراب مرکز عراق بخصوص در  
 ولایت حله اشتباه شوند. از طرف دیگر چندین تن از آنها متعلق به هندوستان

طبقه بندی میشوند تا متعلق با ایران . نظر سطحی بر اساس شواهد مختصر بر آنستکه بنظر میرسد که خصوصیات جسمانی بعضی گروههای افغانستان با فلات ایران مربوط ومنسوب است و نه با هندوستان . بعلاوه در میان سری عکسهای ایران عده بسیار معدود و شاید هیچکس با مردم هند اشتباه نشود اگر چه از نظر اندازه گیری افراد که در ساحل غربی هندوستان بین رأس پیشکان تا دماغه کمورین زندگی میکنند با گروههای ایران اختلاف زیادی ندارند .

بدین ترتیب بنظر میرسد محلی در مشرق افغانستان باشد که خط جدائی محسوب شود و شاید این خط هندوکش باشد که گاهی پاروپامیسوس *paropamisus* یا کاکاسوس ایندوکس *Cou Casus Indiocus* با قله مرتفع آن تیراج میر با ارتفاع ۲۵۴۲۰ نامیده میشود از آنجائیکه نوع باصلاح مدیترانه از مراکش از قسمت جنوبی آسیا تا سواحل اقیانوس کبیر ممتداست رشته و حلقه مرتبط باید از بلوچستان جنوب جنوبی ترین شعبه هندوکش و همسایه شمالی آن کوهستان تین شان در سینکیانگ غربی بگذرد . در این مورد باید بخاطر داشت که سرآثر کیث فرض میکند که یک باریکه نژاد سیاهپوست جنوبی این منطقه از شمال شرقی افریقا تا نواحی ملانزی بسط دارد .

در شمال این کمر بند فرض مدیترانه ای و سیاهپوست جمهوری ترکستان شوروی قرار دارد که سر بسیاری از مسائل باستانشناسی و مردم شناسی را در آن نهفته است.<sup>۱</sup> دانشمندان شوروی در سالهای اخیر در ترکستان مشغول کار و تفحص بودند ولی گزارش کار آنها اغلب یا بچاپ نرسیده و یا دسترسی بآنها نیست . ولی در ۱۹۳۷ سه گزارش درباره مردم تاجیکستان منتشر شد که عبارتند از «تاجیکهای کوهستان» و «جمعیت پامیر غربی» بقلم و . و . گنیز برگ . کتاب اخیر بر اساس مطالب و تحقیقات ن . و . بوگوا یا ولسنکی *Bogoiavlenskii* قرارداد . و کتاب «قبائل ایرانی پامیر غربی» بقلم ل . و . اوشانین .

از مطالعه مقدماتی این سه گزارش<sup>۲</sup> میتوان گفت که خصوصیات جسمانی

۱ - فیلد و پرستوف : ۱۹۳۶ - ص ۲۸۵ - ۲۸۸ - ۱۹۳۷ - ص ۴۷۴ -

۴۷۹ و ۱۹۳۸ ص ۶۷۱ - ۷۵ - ۱۹۳۹ .

۲ - خلاصه این گزارشها در نشریه آینده موزه فیلد تحت عنوان مردم شناسی جسمانی در روسیه شوروی بقلم هنری فیلد و پوژین پرستوف منتشر خواهد شد .

ساکنین ناحیه پامیر از این قرار است : سرکوتاه و اغلب خیلی سرکوتاه - قد متوسط - موی سر وریش زیاد و تیره - چشم تیره - بینی بلند و برجسته عمومیت وجود خصوصیت سرکوتاهی مانع از آن میشود که فرض کنیم نسبتی بین قبایل پامیر و نوع اساسی فلات ایران وجود دارد علیرغم این نکته که تاجیکها بزبان فارسی تکلم میکنند و محققین فوق اظهار عقیده میکنند که در اصل باید از ایران آمده باشند .

دکتر کارل تونن. س. کون از موزه پیبادی دانشگاه هاروارد بنویسنده اطلاع داد که بوریس ویشنیوسکی Boris N. Vishnievskii از مؤسسه مردم شناسی و نژاد شناسی لنین گراد گروههای زیر را در ترکستان شوروی اندازه گیری کرده است : تاجیک پدر دزنت ( ۱۱۸ ) - سمرقند ( ۲۵ ) - فرغانه ( ۳۶ ) - اوراتوبا ( ۵۱ ) - کوه نشین ( ۷۸ ) - یهودی ( ۱۰۱ ) - عرب ( ۲۸۰ ) - ایرانی ( ۲۶۴ ) . مطالب گردآوری شده برای بررسی و تجزیه به هاروارد فرستاده شد و چون نتایج آن هنوز به چاپ نرسیده اجازه ندارد از آنها نقل قول کند . ولی این مطلب شایان اهمیت است که این بررسیهای اندازه گیری در موقع خود در دسترس دانش پژوهان خواهد بود .

در مورد اناطولی اطلاعات مردم شناسی و اندازه گیری در دسترس نیست و بهمین جهت بجز ارقام معدودی که در جداول تطبیقی نقل شده اشاره باین منطقه مهم حذف شده است . بعلاوه گزارش کروگمن ( ۱۹۳۷ ) درباره نوع جمجمه های علیشارهویک فقط مربوط به مردمان قدیم اناطولی میباشد .

شوکت عزیز کانسو استاد مردم شناسی دانشگاه آنکارا و دانشجویان او بررسی و اندازه گیری مردم اناطولی را آغاز کرده اند و طی چند سال آینده امیدواریم نتایج این مطالعات در ترکیه در دسترس عموم قرار گیرد و با اشتیاق منتظر آن هستیم .

عده زیادی از دانشمندان مردم شناس روسیه و شوروی مطالعاتی درباره مردم قفقاز کرده اند ولی هنوز بسیاری از مسائل بررسی نشده باقیمانده است . در ۱۹۳۴ نویسنده از ۵۰ یزیدی در تفلیس و ۱۰۷ مرد و ۵۰ زن در شمال اوستیا در اردزونیکیدزه ( ولادی قفقاز سابق ) اندازه گیری کرد . از گزارش درباره این دو گروه کوچک بعضی مطالب تطبیقی از ناحیه قفقاز مورد استفاده واقع خواهد

## مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۷۰۹

شد. در این کتاب احتیاجی به بررسی جزئیات بیشتر درباره خصوصیات جسمانی ساکنین نیست. قطعاتی از کتاب دانیلو (ص ۹۴ - ۱۰۸) شامل ارقام تطبیقی چندین گروه قفقاز می‌باشد. در قسمت مربوط به یهودیهای اصفهان (ص ۲۸۹ - ۳۱۵) آماری در مورد یهودیهای قفقاز برای مقایسه آورده شده است.

تا اینجا بررسی سریعی از مردم نواحی مجاور ایران کرده‌ایم و اینک باید توجه خواننده را به امواج مهاجرت و گروه مهاجمین که از ارتفاعات آسیای مرکزی فلات ایران را مورد تاراج قرار دادند جلب کرد.

سهم چینی‌ها بتاریخ تمدن ایران قدیم که در کتاب لوفروهادی حسن ورید مندرج است در فصل دوم نقل شده است.

وقتی بررسی کافی اندازه‌گیری بین مدیترانه و هندوستان و در آسیای مرکزی تکمیل شد آنوقت و فقط آنوقت ممکن خواهد بود رابطه و نسبت حقیقی این تقسیمات فرعی شعبه شرقی نژاد مدیترانه را تعیین کرد و از طرف دیگر ارتباط فردی و جمعی آنها را با ساکنین قدیم و جدید اروپا و آسیا و افریقا معین نمود.

ساکنین فعلی فلات ایران تقریباً در وسط راه بین حداکثر عرض کمربند نژاد مدیترانه که ازمراکش تا اوقیانوس کبیر ممتد است قرار دارند.

در نتیجه بررسی مردم‌شناسی و اندازه‌گیری ایران موفق شدیم يك شعبه اساسی نژاد سفید را که نژاد فلات ایران می‌نامیم مشخص نماییم. این نوع جدید نژادی اکنون برای اولین بار مقام خود را در کنار نژادهای نوردیک و مدیترانه و آلپ احراز میکند.



در خاتمه بشر ایرانی قدیم Homo Iranicus یعنی آن معمای مردم - شناسی مغرب نزدیک و حتی شاید برادر تمام عیار بشر اصلی Homo sapiens می‌باشد که از نظر جسمانی و فرهنگی در محلی در داخل ناحیه جنوب غربی آسیا یعنی مهد اجداد مستقیم ما نمو کرده است و بسیار ممکن است بموقع خود با دلیل و مدرک این گفته را به تفصیل شرح دهیم. ایران زیبا - ای پرورشگاه نژاد بشر.



# مردم‌شناسی ایران

فهرست قبائل و کتابنامه و فهرست اعلام و نوحه‌ها



۵ - در قرن هفدهم ایرانیها دو میلیون نفر آذربایجانی را داخل قفقاز کردند. از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تاجیکها می باشند (دیکر ص ۵۰۵-۵۰۶)

## آرامائی

ایران برای مدت پانصد سال تحت تسلط یونانیان و سامی ها و آرامائیها و تورانیان بود (دوخانیکیف ص ۷۴-۷۶).

## آریالو

یکی از قبایل بادیه نشین خمره (عرب) در فارس و لاوستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴) رجوع شود همچنین به آینه لو.

## آریان

۱ - اصل ومبدأ مشترك آریانهای ایران دامنه حقیقت غیر قابل انکار است (دوخانیکیف- ص ۳۵) .

۲- در حجابهای شاهان هخامنشی دیده می شود که مردم آریائی نژاد بلند قد و خوش ترکیب بودند ولی صورت یونانی نداشتند شکل سر آنها هند و اروپائی است و موی زیاد دارند (رالینسون - جلد ۲ ص ۳۰۷)

۳- آریانهای ایران متشکلند از فارسی ها و لر ها (هوسی ص ۱۰۳). اندازه- های آریانه (لرها) (ص ۱۱۱)، فرق جانکی ها با سایر بختیاریهائ است که سر کوتاهی آنان تا اندازه کمتر و خصوصیات آریائی در آنها زیاده تر است. وجود يك قبیله مشخص دیگر نزدیک میدوید که هیچگونه ارتباطی با فارسیها و لر ها ندارد این نظریه را که منطقه بختیاری در اشتغال آریانهها بوده تأیید میکند (ص ۱۲۲ - ۱۲۶) . ایرانیها دارای شاخص سر سایر آریائیها هستند از قبیل هندوها- افغانها و لر ها که ۷۳ بود (ص ۱۳۶-۱۳۷) .

۴ - آریائیهای باستان و ایرانیان قبل از اعراب و ترکها و تاتارها بایران آمدند. بعضی عقیده دارند که بختیاریهها از حیث نژاد آریائی هستند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۷۳ - ۲۷۵) . بلوچها بزبان آریائی یا مشتق از آریائی تکلم میکنند (جلد ۲ - ص ۲۵۸-۲۵۹)

- ۵- در ازمینه ماقبل تاریخ آریانه‌های ایران با اقوام دیگر تماس پیدا کردند و بعدها با مردمانی از نژاد سامی مانند آسوریها و عربها و یهودیها و با ساکنین آسیای صغیر و همچنین با ترکها و مغولها مخلوط شدند (دانیل وستون ۱۰-۱۹، ۲۶-۲۸)
- ۶- در ازمینه ماقبل تاریخ قفقاز و آریانه و سامیها سه شاخه بزرگ نژاد سفید را در آسیای غربی تشکیل می‌دادند (برنتون ص ۱۱-۱۷) در اوان تاریخ نژاد آریان ناحیه بین زاگرس و پامیر را تحت تسلط داشت. مدیها و مدیهای اولیه آریائی بودند (ص ۳۲).
- ۷- بنظر می‌رسد که زبان ارمنی آریائی باشد ولی خود ارامنه بیشتر با ترکمنها قرابت دارند تابایونانیا و ایرانیهای آریائی زبان (ریپلی ص ۴۲-۴۵۲).
- ۸- ایالت هرات در اشغال تاجیکهای آریائی است در حالی که وخن و روشن و کافرستان محل سکونت قبایل و طوایف قدیمی آریان است. افغانها از حیث نژاد آریائی هستند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۷) فلات ایران در تسلط آریانه‌ها است. تاریخ دنیای قدیم تاریخ مبارزه بین نژادهای سامی جنوب و نژادهای آریائی شمال است که موفقیت کامل با نژادهای شمالی بوده است. « هند و اروپائی » را معمولا آریائی می‌خوانند (در صورتیکه کلمه آریان بطور دقیق فقط قابل اطلاق به گروه هندو ایرانی است) نظر اصلی این بود که از يك موطن بدوی گروههای عظیم آریائی قسمتهای غیر مسکونی نیمکره شمالی را اشغال کردند. اکنون معمولا اذعان می‌شود که صحیح تر آنست که « از خانواده زبانهای آریائی و شاید تمدن بدوی آریائی که قبل از جدائی مختلف آریائی از زبان اصلی وجود داشته » صحت داشت (دیکر ص ۱۵). ظاهراً آریانه‌ها ساکن سرزمینی با آب و هوای تازه بودند زیرا فقط دو یا سه فصل می‌شناختند. زبان آنها نشان می‌دهد که محل سکونت آنها استب بوده و در آنها کوهستان و جنگل وجود داشته و فقط چند درخت نیرومند مانند غان ویدمجنون وجود داشته است. بعضی از محققین موطن اصلی قوم آریان را استپ‌های شمال خراسان و دشتهای جنوب روسیه و برخی ناحیه جنوب غربی دریای خزر میدانند. تصور می‌رود که مدیها از جنوب روسیه مهاجرت کرده و بتدریج قسمت غربی فلات ایران را اشغال کردند. پارسیها از استپ‌های شمال خراسان داخل شده و پارس را تصرف کردند. تا ۱۳۵۰ قبل از میلاد هنوز عناصر ایرانی و هندی قوم آریان از هم جدا نشده بود. احتمال می‌رود اقوام یوسائی پراتاسنی و استروچانی و اریزانتی که هرودوت

از آنها نام برده آریائی باشند (جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹).

۹ - بندهش می گوید اعراب و ایرانیها و سامی ها و آریانها در بادی امر در مغرب آسیا از يك شاخه بودند (مدی - ۱۹۱۹ - ص ۷۳۳).

۱۰ - مدیهای اصلی يك قوم آریائی بودند که با آریائیهای شمال هند و مردم آریائی اروپا ادعای قرابت داشتند (هایس ص ۷۳ - ۷۴).

۱۱ - حمله آریانها از شمال شرقی بعلت خشکسالی و ازدیاد جمعیت بود . از راه ایران به بین النهرین آمدند (ورل ص ۲۰ - ۲۱) . این امر کمی بعد از سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد صورت گرفت و پس از آنکه زمانی در ایران و ترکستان (؟) مستقر بودند شاخه ای که آریان نامیده می شود به دو گروه تقسیم شدند يك گروه یعنی ایرانیان در ایران باقی ماندند و گروه دیگر هندیها بعدها با در اویدنها مخلوط شدند . تقریباً در همان زمان روسای آریائی میتانی در ارمنستان استقرار یافتند . در اواسط قرن هیجدهم قبل از میلاد سلسله آریائی کاسیتها بابل را تصرف کرده بودند (ص ۱۲۱ - ۱۲۲) اقوام بادیه نشین ایرانی زبان شمالی که در استپ های شرقی روسیه می گشتند و با مغولهای تورانی زبان مخلوط گردیدند ، در ایرانیان نفوذ کردند (ص ۱۲۴ - ۱۲۶).

۱۲ - در حدود دو هزار سال قبل از میلاد بادیه نشینان آریائی زبان شمالی از شرق روسیه ساکنین اصلی و بومی ایران را در خود مستهلک کردند ( ولسون ۱۹۳۲ - ص ۲۸).

۱۳ - آریانها برای اولین بار در حدود ۱۴۵۰ قبل از میلاد در بین النهرین ظاهر شدند . موطن اصلی آریانها «ارائوج» بین سیحون و خوارزم و سمرقند است. اولین گروه آریائی که مهاجرت کردند هند و آریائی و دوم ایرانیان و سوم سکاهای بودند . پس از دوره کوتاهی از ترکستان روس از ارتفاعات نزدیک سرخس در سمت هرات وارد ایران شدند ( هرتسفلد ۱۹۳۵ ص ۶ - ۱۰).

۱۴ - آریانهاییکه در تخت جمشید نشان داده شده اند دارای سر و صورت پهن و موی سیاه و انبوه بوده و چشمان درشت و پیشانی بلند و استخوان گونه برجسته می باشند . بینی آنها منحنی و بلند و نوک فرو رفته و پرده های نسبتاً بزرگ است که کاملاً بانوع سامی در بابل و ارمنی در حجاریهای آسوری فرق دارد (هرتسفلد و کیث ص ۴۲ - ۵۸).

### آریزانی

- ۱- یکی از قبائل مدیها (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- محتمل است آریائی باشند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹).

### آسوری

- ۱- اندازه‌های جمجمه زیر عنوان سامی‌ها (دوخایکف ص ۷۱ و ۱۳۱-۱۳۲).
- ۲- بعد از ازمینه ما قبل تاریخ آریائیهای ایران با آسوریها مخلوط شدند. از لحاظ کوتاهی سر تاجیکها شبیه آسوریها هستند (دانیلو - ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶-۲۸) شاخص سر ۸۹/۶ (ستون ۵۳ - ۵۵).
- ۳- آسوریها در ناحیه کوهستانی عیلام با مردم آن ناحیه مصادف شدند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۵۰-۵۳).
- ۴- آسوریها در سال ۸۴۰ قبل از میلاد به مسکن مدیها در کوهستان کردستان در مشرق دریاچه ارومیه حمله کردند (سایکس ص ۷۳ - ۷۴).
- ۵- از نظر خصوصیات جسمانی ایرانیها متشکلند از نژاد آسوری مخلوط عناصر ترک در ایران و ترکیه و یاهند و افغانی در افغانستان و با عرب و عناصر سیاهپوست در جنوب ایران و جنوب بلوچستان پارسیها از نوع آسوری یاهند و افغانی هستند (دیکر ص ۵۰۵ - ۵۰۷) مکرانیها مخلوطی هستند از نژادهای هند و افغانی و آسوری و سیاهپوست. (ص ۵۰۸).

### آسوری - کلدانی

قوم سر کوتاه در مغرب ایران (دانیلو ۱۰ - ۱۹ و ۲۶ - ۲۸).

### آل یوقیش

از قبایل عرب خوزستان - تعداد افراد ذکور بالغ آنها متجاوز از ۵۰۰ است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

### آینه‌لو

۱- قبیله بادیه نشین خمسه (عرب) فارس و لرستان - ۱۸۹۰ (کرزن)

۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

۲ - یکی از پنج قبایل خمره از نژاد ترك (سایكس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۹) همچنين رجوع شود به اپتلو و آرايالو

#### ابولوردي

قبيله باده نشين از قبایل خمره (عرب) فارس و لارستان - ۱۸۷۵ (كرزن - ۱۸۹۲ - جلد دوم . ص ۱۱۲ - ۱۱۴) .

#### اپتلو

( عبادلو؟ ) از قبایل باديه نشين خمره ( عرب ) فارس و لارستان ۱۸۸۹ ( كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴ ) همچنين رجوع شود به آرايالو و آينه لو .

#### اخل

يکي از طوايف ترکمن (بکستون - ص ۶۲۳).

#### اخور

قبيله کرد کرمانشاه - هزار خانوار (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

#### اردشيري

رجوع شود به اوردشيري.

#### ارساری

از طوايف ترکمن (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۴).

#### ارکین

يکي از قبایل باديه نشين قشقائي ( ترك ) در فارس و لارستان - ۱۸۹۰ (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

## ارمنی

- ۱- کلنی ارمنی در حومه اصفهان از پانصد فامیل متجاوز نیست . اسقف جلفا عده ارامنه ایران را ۱۲۳۸۳ نفر تخمین می‌زند که در حدود يك ششم تعداد آنها قبل از حمله افغان می‌باشد (ملکم - جلد ۲ ص ۵۱۸ - ۵۲۱).
- ۲ - هایکانها یا ارمنیان از نژاد آریان و منسوب با ایرانیان هستند ولی بآنها تعلق ندارند (پریچارد ص ۱۷۱).
- ۳ - در شمال کردها و نسطوریها زندگی می‌کنند و ایرانی هستند که در اثر تماس با سامی‌ها و ترکها تغییر پیدا کرده اند . برای نوع نژادی ارمنی به مردم استراخان مراجعه شود قد بلند و متناسب و متمایل بجاقی هستند. شکل سر ایرانی واز نوع سر دراز است. چشمان آنها بزرگ و سیاه و فرو رفته تر از آن ایرانیها است . پیشانی کوتاه و بینی خیلی برجسته و عقابی و دراز است. صورت بیضی شکل آنها درازتر از صورت ایرانیان است . گردن آنها دراز و باریک است ولی دهان و دست و گوش و پای آنها معمولا بزرگ و به کوچکی ایرانیها نیست (دوخانکیف ص ۱۱۲). اندازه‌های يك مجموعه ارمنی (۱۳۳ - ۱۳۹) .
- ۴- ارمنی‌ها زیر مغول و آریائی صورت داده شده‌اند (هوسی ۱۰۳). ارامنه جلفا که در سال ۱۶۰۵ میلادی کوچ داده شدند دارای سر کوتاهتر و استخوان گونه برجسته‌تر از عجمی‌ها می‌باشند بینی آنها کوتاه و برجسته است . طبق نظر شاتر شاخص سر آنها ۸۴-۸۶ است و مانند ترکمنهای خالص سر کوتاه هستند (ص ۱۲۰).
- ۵ - بعضی از دختران ارمنی زیبا و سفید رو هستند و بجای سالک خود افتخار می‌کنند (پیشاب جلد ۱ - ص ۳۸).
- ۶ - هتوم - شیندلر می‌نویسد که تعداد ارامنه در ایران ۴۳ هزار نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) . در کردستان عناصر ارمنی وجود دارد (جلد ۱ - ص ۵۴۹) تعداد ارامنه در آذربایجان ۲۸۸۹۰ نفر است که کمتر از نسطوریها میباشد (جلد ۱ - ص ۵۴۸) در ۱۸۱۰ در کرمان ارمنی وجود نداشت ولی اکنون وجود دارد (جلد ۲ - ص ۲۴۴) . شاه عباس کلیه جمعیت ارمنی را از ایالات شمال غربی باصفهان کوچ داد تا بتعلیم کسب و تجارت بپردازند و آبادانی ایجاد کنند (جلد ۱ - ص ۹۷-۹۸) . در تهران يك هزار ارمنی هست (جلد ۱- ص ۳۳۳).
- ۷ - زمانی مازندران در اشغال ارامنه بود . تاجیکهای خراسان از لحاظ

سرکوتاهی شبیه ارامنه هستند (دانیلو - ستون ۱۰ - ۱۹ ۲۶ - ۲۸) شاخص سر ۸۵/۶ (ستون ۵۳ - ۵۵).

۸ - ارامنه در توران و جلفا استقرار یافته‌اند (هتوم - شیندلر ص ۴۸).

۹ - اگرچه بنظر می‌رسد زبان ارمنی آریائی باشد خود آنها بترکمنها نزدیکترند تا به ایرانیها و یونانیها. کردها و ارمنی‌ها برای تسلط بر آسیای صغیر با هم رقابت دارند. تعداد ارامنه در حدود پنج میلیون نفر است که نیمی از ترکیه و بقیه در قفقاز شوروی و ایران هستند. در نوع جسمانی خالص و دارای وحدت مذهبی می‌باشند (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۱۰ - تاریخ جهان مورخ نقش شده تا نشان داده شود قبایل فریگوتراس اجداد ارامنه هستند ولی ها کویان ادعا می‌کند ارامنه از اولاد پارتیها میباشند. ارامنه یکی از عناصر جمعیت ایران هستند (فین ص ۳۲ - ۳۳).

۱۱ - ارامنه جزء جمعیت مسیحی ایران بشمار می‌آیند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۱۳-۱۴).

۱۲ - ارامنه گروهی هستند که به سوی ایران رانده شده‌اند (هادون ص ۱۰۲ - ۱۰۳).

۱۳ - فن‌لوشان ارامنه را یکی از نمایندگان جدید هیتی‌های باستانی می‌داند (هیتی ص ۱۵).

## ازبک

۱ - تاتارهای هستند که اراضی مسکونی را متصرف شدند (پریچارد ص ۱۷۱).

۲ - ازبکها که بنام یکی از خانهای آن قبیله خوانده شده‌اند توده‌ای از قبایل ترکی مغول بودند و شاید از نژاد فینی باشند و بصورت يك قوم واحد درآمدند ولی عناصر ترك در آنها تفوق دارد اکنون ماوراءالنهر را در اشغال دارند. ده نشین هستند ولی بین آنها و بادیه نشینان تركمن فرق زیادی نیست. هردو صورت پهن و چانه نوک تیز و ریش کم رنگ تنك و سر كوچك و عضلات قوی و چشمان كوچك مانند چینی‌ها دارند (ابری - مکی - ص ۱۶).

۳ - ازبکها در ساحل جنوبی سیحون در افغانستان یافت می‌شوند (بلیو ص ۱۳) ازبک یعنی مستقل (ص ۱۰۰).

## فهرست قبایل و گروههای نژادی - ۷۲۱

- ۴ - مقایسه تاتار قرقیز و تاتار ازبک و غیره ( کندر - ص ۳۰ - ۵۱ ).
- ۵ - شاخص سر ازبکها از : فرغانه ۸۶/۰ - زرافشان ۸۵/۰ و ۸۳/۰ -  
کلترا ۸۴/۰ - سمرقند ۸۴/۰ ( دانیلستون ۵۳ - ۵۵ ).
- ۶ - در سمت شمال هندوکش در افغانستان جمعیت اکثر ازبک هستند .  
سنی ( سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۶ - ۲۱۸ )
- ۷ - در ترکستان بین سیحون و جیحون عناصر خالص ازبک زندگی میکنند .  
معداد آنها کم و یک نوع اشرافیت نژادی تشکیل داده اند . ( هدون ص ۱۰۳ - ۱۰۴ ).
- یک گروه مرکزی ترکی ( ص ۳۱ ).

## استروچات

- ۱ - ازقبایل ماد ( هرودوت I - ۱۱۰ ).
- ۲ - شاید آریان باشند ( سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹ ).

## اشتهاردی

بلهجه فارسی قدیم تکلم می کنند نسبتاً بلند قد هستند در ناحیه اطراف  
اشتهارد ۶۵ کیلومتری جنوب غربی سکونت دارند . یکی از افراد آنان ریش  
قرمز داشت . مو مجعد، لب متوسط ناکلفت، دندان متوسط ناکوچک . قد ۱۶۵/۲ .  
شاخص سر ۸۰/۴ . حداکثر قطر پیشانی ۱۰۴ . عرض گونه ها ۱۳۸ . عرض فکین  
۱۰۱/۷ ( دانیلو ).

## اعراب کعب

از قبایل عرب خوزستان مهمترین آنها اعراب کعب ( بزبان عامیانه چعب )  
هستند که در اصل از ۷۲ قبیله متشکل بودند . اغلب آنها از بین رفته اند ولی  
تعداد این نژاد در خوزستان از همه بیشتر است و بالغ بر ۶۲ هزار می باشد . گفته  
شده است که در اصل از ساحل عربی خلیج فارس بنواحی باطلاقی بین دجله و  
فرات مهاجرت کردند و رعیت عثمانی شدند . بعداً بسوی جنوب نقل مکان کرده  
و در کنار کانالی از رود کارون مستقر گردیدند . سپس بطرف رود جراحی حرکت  
کردند و با قبیله افشا مصادف شدند . ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲ ).



اعراب کعب تمام ناحیه بین محمره و رود کارون در سمت مشرق بطرف هندیان که مسافت آن یکصد میل است اشغال کرده‌اند. در اثر اقامت طولانی در خاک ایران اعراب کعب بسیاری از خصوصیات ملی خود را از دست داده‌اند. با ایرانیان ازدواج کرده و بمذاهب شیعه گرویده‌اند و لباس ایرانی می‌پوشند. (جلد ۲ - ۳۲۷ - ۳۲۸).

### افشار

- ۱ - یکی از نیرومندترین قبایل ترك زبان - در سراسر ایران ولی بخصوص در آذربایجان پخش هستند تعداد آنها ۲۸ هزار نفر است (شوبرل ص ۲۰).
- ۲ - گندوزلو یکی از قبایل ترك از فامیل افشار هستند (لایارد ص ۷۰).
- ۳ - لایارد میگوید گندوزلوها یکی از قبایل بختیاری از افشارهای ترك می‌باشند (هوسی - ص ۱۲۲).
- ۴ - قبیله قزلباش ترك از ۱۲ هزار خانوار متشکل است. در آذربایجان سکنی دارند. احتمال میرود در قرن یازدهم میلادی به ایران آمده باشند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ ببعده).
- ۵ - یکی از بزرگترین قبایل ترك در شمال و شمال غربی ایران (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۷) اعراب کعب در پیشروی بسوی رود جراحی با یکی از قبایل افشار که مرکز آنها درك در کنار آن رودخانه بود تصادم کردند (جلد ۲ ص - ۳۲۰ - ۳۲۲) دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ قبایل افشاروقاجار خراسان را زیر عنوان تانار آورده‌است. تعداد آنها صد هزار است (جلد ۱ ص ۱۷۹).
- ۶ - متعاقب تركها قبایل افشار از شمال ایران بسمت مغرب مهاجرت کردند (هدون - ص ۱۹۷).

### افغان

- ۱ - پس از حمله افغانها جمعیت ایران رو بنقصان گذاشت (ملکم - جلد ۲ - ص ۵۱۸ - ۵۲۱) اولاد قبائل افغان در خراسان سکنی دارند (جلد ۲ - ص ۲۱۶).
- ۲ - از ایرانیان نیستند ولی آریائی و با آنها قرابت دارند. از مردم نیمه بادیه نشین ایران بعضی افغان هستند (پریچارد ص ۱۷۱).

- ۳ - اندازه سر : شاخص سر ۷۶/۲ ( دوخانیقف ص ۵۹ و ۶۳ ) قد ۱۴۰۰ - ۱۵۰۰ معمولی تر از ۱۶۰۰ - ۱۷۰۰ . ماسون فقط يك زن زال كه خیلی بندرت دیده میشود اشاره می کند (ص ۱۰۳-۱۰۵). چشم کردها بزرگتر از چشم افغانها است ( ص ۱۰۷ - ۱۰۸ ) . اگرچه افغانستان تحت نفوذ ایران و هند بوده افغانها را باید بین ترکمنها و مغولها قرار دارد زیرا نه تنها مانند مغول سر کوتاه هستند بلکه دارای آرواره پیش آمده نیز هستند . برای جدول اندازه گیریها و میانگین های افغانها و خلجی هارجوع شود به ص ۱۳۳ - ۱۳۹ .
- ۴ - ملیتهای عمده افغانستان عبارتند از افغان - پاتان - غلزائی - تاجیک و هزاره و همچنین از يك در ساحل جنوبی سیمون و کافر در کوهپایه های جنوبی هندوکش . بعضی روایات افغانها را بسوریه منتسب می دارد ( بلیو ص ۱۳ - ۱۶ ) . افغانها نماینده ساکنین باستانی هندوستان هستند . موطن اصلی آنها قندهار و دره های ارغنداب است ( ص ۱۰۹ - ۱۱۰ ) .
- ۵ - آریائی با شاخص سر ۷۶/۱۹ و ۷۳/۱۵ می باشد ( هوسی ص ۱۱۰ ) .
- ۶ - مو و چشم سیاه و قیافه تیره و اخمو از خصایص کرد های ایرانی است که شامل افغانها نیز می شود ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۳ ) . بلوچها هیبت افغانها را ندارند اگرچه مانند آنها موی سیاه و بلند و مجعد که اغلب با روغن چرب می کنند دارند ( جلد ۲ - ص ۲۵۸ - ۲۵۹ ) .
- ۷ - افغانها زمانی ساکن نواحی کوهستانی مازندران بودند ( دانیلو . ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶ - ۲۸ ) افغانها از نظر اندازه سر شبیه ایرانیان هستند ( ستون ۱۳۵ ) . بموجب نظریه کاتر فاژ وحمی جمجمه افغانها تاحدی شبیه جمجمه ساکنین قدیم قفقاز است ( ستون ۱۴۵ ) .
- ۸ - افغانها ایرانی هستند ( اوجفالوی . ص ۴۴ ) .
- ۹ - افغانها ایرانی هستند ( ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲ ) .
- ۱۰ - افغانها یکی از عناصر جمعیت ایران می باشند ( فین ص ۳۲ - ۳۳ ) .
- ۱۱ - جمعیت افغانستان متشکل است از پاتانها و در مغرب افغانها یا اوغانها : ریشه این کلمه نامعلوم است و اولین بار بوسیله بیگانگان بآنها اطلاق شده است . افغانها از حیث نژاد آریائی و حلقه بین هند و ایران محسوب میشوند . سنی هستند . تقریباً همه افغانها زبان فارسی میدانند و به آن تکلم میکنند ( سایکس

۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۶ - ۲۱۸).

- ۱۲ - بلوچها راعمولا با افغانها خویشاوند محسوب میدارند ولی افغانها اصولاً از طبقه سردراز هستند (هدون ص ۱۰۳).
- ۱۳ - خانواده‌های افغانی در کرمانشاه و اصفهان و کرمان و مرز بلوچستان ریشه گرفته‌اند (ویلسون ۱۹۳۲ ص ۳۳ - ۳۴).

### امامقلیخانی

از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### انصاری

«مسیحیان کوچک». از طبقه خیلی سرکوتاه در شمال سوریه. (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

### انیانلو

قبیله ترك قزلباش فعلاً عمده ترین شعبه شاهسونند (هتوم-شیندلر-ص ۸۴ بعد).

### اورامر

کرد آذربایجانی عده‌ای از آنها در تابستان بداخل مرز ایران می‌ایند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

### اوردشیری

از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### اوست

۱ - آریان هستند با ایرانیها قرابت دارند ولی از آنها نیستند (پریچارد ص ۱۷۱).

۲ - ست شمال غربی حد اراضی اقوام ایرانی زندگی میکنند . از لحاظ خصوصیات مشابه لژکیها هستند . مردم زحمت کش نیرومندی هستند . در ظاهر خارجی آنها هیچ چیز نیست که دلیل رابطه آنان با ایرانیان جنوبی باشد . قوی و چهار شانه و سنگین هستند . اغلب موپور یا مو قرمزند چشم کوچک غالباً آبی به بینی عقابی و نوک تیز - گوشت و دست و پا نسبتاً بزرگ خود را ابرون می نامند و زبان آنها اثر اصل ایرانی نشان میدهد . معمولاً متوسط قد هستند ولی افراد خیلی بلند با نیروی هر کولی در میان آنها نادر نیست ( دوخانیکیف ص ۱۱۳ - ۱۱۴ ) اندازه ها ( ص ۱۳۹ ) . بطور کلی اوست‌ها سر دراز و پشت سر صاف دارند پیشانی آنها بلند است ( ص ۱۳۹ ) .

۳ - اوست‌ها از نوع سر متوسط هستند ( دانیلو - ستون ۱۴۵ ) .

۴ - ممکن است اوست‌ها ایرانی باشند ( ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲ ) .

### اوستاجانو

قبیله ترك قزلباش . عده زیادی از آنها باقی نمانده - در آذربایجان زندگی میکنند ( هتوم - شیندلر ص ۴۸ ببعده ) .

### اوکسیان

۱ - تصور میرود خوزستان مشتق از اوآجا است بومیانی که در کتیبه‌ای میخی از آنها ذکر شده است . شاید اوکسی استرابو و پلینی از همانها باشند ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۲۰ ) .

۲ - هوسی یا کوسی همان اوکسیانهای یونانی هستند ( سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۵۰ - ۵۳ ) .

### اوملیاش

موطن در ایلام . ساکن ناحیه بین کرخه و دجله ( سایکس ۱۹۲۱ - ص ۵۰ - ۵۳ ) .

### ایرانیان

۱ - شرح کلی ایرانیان ۴۰۰ قبل از میلاد باید شامل همه ایرانیان هخامنشی

نشود (لارنس).

۲- تنها ایرانیانی که در کتاب مقدس از آنها ذکر شده مدیها هستند (دوخیانکف ص ۴۳) : شکل سر نوع ارانی : ظرفیت مغز نسبتاً زیاد - طول آن تقریباً یک برابر و نیم عرض - ارتفاع آن کمتر از سر سامی ولی بلند تر از تورانی - استخوان پیشانی کم نمو کرده - جمجمه نسبتاً صاف از بالا و پشت سر صاف (ص ۶۲) . جمجمه سامی در مقام مقایسه با جمجمه ایرانی ظرفیت کمتر دارد و از حیث طول و عرض کوچکتر ولی از ارتفاع زیادتر است (ص ۷۱) بنا بر این نژاد ایرانی باید مشرق ایران باشد بین جمعیت شرقی و غربی امپراطوری اختلاف زیاد وجود دارد (ص- ۷۳) . در میان نژاد ایرانی مو خیلی زیاد است (ص ۱۰۳ - ۱۰۵) . نفوذ ایرانی از چشمان درشت نشان داده می شود . ارمنی ها ایرانی هستند که با نژاد سامی و ترك مخلوط شده اند . سر ایرانی از نوع سر دراز است (ص ۱۱۱ - ۱۱۲) . اوت ها که در دشتهای شمال قفقاز مستقر شدند بزودی نوع ایرانی بخود گرفتند - بینی عقابی نادرتر شد اوت ها از قبائل بدوی ایرانی بودند . هیچ چیز در ظاهر اوت ها نشانه ارتباط با ایرانیان جنوب نیست ولی در زبان آنها آثار نفوذ زبان ایرانی وجود دارد (ص ۱۱۳-۱۱۴) .

۳ - نژاد آریان یا ایرانی قبل از عرب و ترك و تاتار در ایران وجود داشته (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ . ص ۲۷۴) . در فارس شخص با نوع ایرانی کمتر مخلوط مواجه میشود و این مطلب از قیافه خوش برش و تیره تر مردم آشکار است (جلد ۲ ص ۱۰۳) . عناصر ایرانی در سیستان ایران بنام تاجیک وجود دارند (جلد ۱ - ص ۲۲۸) . نژاد اصلی خراسان ایرانی بود و متشکل است از تاجیک و کرد و بلوچی - عده کل آنها ۶۶۰,۰۰۰ نفر (جلد ۱- ص ۱۷۹) در نزدیکی شهر مشهد عنصر ایرانی بر سایر نژادها تفوق دارد. (ص ۱۹۸)

۴ - در ایالت خمسه قبایل دارای خصوصیات نژادی ایرانی هستند . شاخص سر تاجیکها با شاخص سر ایرانیان از این حیث فرق دارد که آنها سر کوتاه هستند کردها ایرانی هستند بعلمت آنکه زبان و شکل سر آنان با ایرانیان شبیه است . در میان قبایل مرکز ایران عناصر نژاد ایرانی تفوق دارند (دانیلو- ستون ۱۰- ۱۹ و ۲۸-۲۸) .  
۵ - کلمات ارانیان و ایرانیان تولید اشتباه میکند . تشخیص بین «ارانیان شمال شرق» و «ارانیان فلات ایران» با ایرانیان لازم بنظر می رسد تا بتوان بومیان سفید

پوست باختر (باکتریا) و سغدیانا و فرغانه را از ایرانیان ایران و افغانستان و غیره جدا کرد. در میان ایرانیان فقط يك نوع تیره رنگ وجود دارد در حالیکه در بین دیگران يك نوع بور در تشکیل آنها نقشی بازی کرده است. از اینان را ایرانیان باختر و قبائل کالچای پامیر و شمال هندوکش مینامیم (اوجفالوی ص ۴۴).

۶- کردها از حیث زبان و خصوصیات جسمانی ایرانی هستند. نژاد ایرانی شامل ایرانیان و کردها و شاید اوست‌ها و عده زیادی قبایل آسیایی از افغان گرفته تا هندو میشود. اصولا سردراز و مو تیره هستند و اجداد و نژاد مدیترانه می‌باشند. از راه مصر بافریقا نیز راه یافته‌اند. صورت باریکتر و قد کوتاهتر از نوع ارمنی دارند. در ایران ایرانیان خالص فقط در میان فارسیهای حوالی تخت جمشید و در میان لرها پیدا میشود (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۷- عناصر ایرانی و هندی نژاد ایران تا سال ۱۳۵۰ قبل از میلاد از هم جدا نشده بود (سایکس ۱۹۲۱ جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹).

۸- بندهش نظریه ایرانی پیدایش جهان را تأیید میکند. هوشنگ جد ایرانیان بود و چون پیشداد خوانده میشد سلاطین اولاد پیشدادیان نامیده شدند (۱۹۱۹ - ص ۷۳۳).

۹- زمانی اقوام ایرانی سرزمین عظیمی را اشغال کرده بودند که شامل ترکستان چین نیز میشد. بچین مهاجرت کردند و بر ملل نژاد دیگر مانند ترکها و چینی‌ها نفوذ عمیقی را اعمال نمودند. ایرانیان بین شرق و غرب نقش میانجی بزرگ بازی کردند و گیاهها و کالا از چین بمدیترانه انتقال دادند. (لوفر ۱۹۱۹ - ص ۱۸۵).

۱۰- ایرانیان فلات ایران و نواحی مجاور آنرا در اشغال دارند. این نژاد متشکل است از نژاد آسوری مخلوط با عناصر ترکی در ایران و ترکیه باهند و افغانی در افغانستان و با عرب و سیاهپوست در جنوب ایران و بلوچستان جنوبی مهمتر از همه خود ایرانیان هستند که میتوان آنها را بفارسیها و عجمی‌ها و تاجیکها تقسیم کرد (دنیکر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

۱۱- شاخه ایرانی آریانها در ایران مانند. در قرن نهم قبل از میلاد بادیه نشینان ایرانی در آترمان که بعدها ماد نامیده شد ظاهر شدند (ورل ص ۱۲۶-۲۱).

۱۲- ایرانیان غربی یا ایرانیان خالص همه جا در آسیای مرکزی تاجیک و در مغرب ایرانها تات شناخته میشوند (حسن ص ۷۹)

۱۳- ترکمنها گروهی از ایرانیان ترك هستند (بکستون ص ۶۲۳).

۱۴- مردم ایرانی آسیای مرکزی اولین گروهی هستند که بین چین و مغرب رابطه برقرار کردند (رید ص ۵۹).

۱۵- دومین گروه آریانها که مهاجرت کردند. نام آنها مشتق است از «آریانا» نام خشاترام یعنی امپراطوری آریانها اولین بار در نوشته‌های آسوری ۸۳۶ - ۸۳۵ قبل از میلاد ظاهر می‌شوند. در ۷۵۵ قبل از میلاد هنوز قبایل ایرانی در حال حرکت بودند (هرتسفلد ۱۹۳۵ - ص ۶-۱۰).

۱۶- ایرانیان نفوذ قوی در دلتای تاریم و قسمت علیای ینی سئی اعمال کردند (تالکرن - ص ۹۰).

۱۷- نام ایران بر مردم ایرانی زبان پس از استقرار در فلات اطلاق میشود و نمی‌توان آن را بساکنین اولیه آن اطلاق کرد (هرتسفلد و کیث ص ۴۲-۵۸).

#### ایکدر

از قبایل بادیه نشین قشقایی (ترك) ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

#### ایلامی

۱- کتاب عزرا (۱۷ - ۹) بین سوزانکی‌ها یا ساکنین دشتهای اطراف شوش و ایلامها یا ساکنین کوهستان فرق قایل میشود. در زمان تسلط ایرانیان نام این ایالت اوجا بود در قرون وسطی خوزستان یا مملکت خوز یا حزها نامیده شد (کرزن ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۵۰).

۲- نویسنده معتقد است که ایلامیها و همسایگان شمالی آنها کاسکسانیا و الیبی در سمت مشرق و لولوبی در سمت شمال و اورارتوها که همه مردمان مرز غربی فلات را تشکیل میدهند و بدلائل باستان شناسی لا اقل قسمت عمده ساکنین فلات متعلق بیک گروه نژادی و زبانی میباشند و این گروه منسوب بساکنین بومی بین النهرین (غیر از عراق) و قسمتی از آسیای صغیر هستند چه آنها را میتانی باهری یا سوربارتانی یا هیتی مینامند. البته این نظر هنوز قابل اثبات نیست و مورد قبول واقع نشده است.

## ایمک

بگانه مغولهایی که اکنون در حدود قدیم ایران هستند - هزاره و ایمک در قرن چهاردهم میلادی بآنجا آمدند (برینتون - ص ۴ - ۵) .  
همچنین رجوع شود به چهار ایمک

## باجری

رجوع شود به باصری

## باصری (بجری - بصیری)

۱- از قبایل بادیه نشین خمسه (عرب) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۸۹-  
۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۷۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴) .  
۲- یکی از پنج قبایل خمسه از نژاد ترك (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۲ ص ۴۷۹) .

## باویه

یکی از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد مذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲) .

## بختیاری

۱ - قسمتی از گروه لر زبان. ساکن نواحی کوهستانی مرز ایران و ترکیه و مستقل از هردو (سویرل ص ۲۰) .  
۲- مهاجرت آنها احتمالا بعد از قرن سیزدهم انجام گرفت. از بند و فی و دناروفی و قبایل دیگر متشکلند (لایارد ص ۷۰) .  
۳- اندازه جمجمه بختیاری (دوهوسه ص ۲۳ - ۲۴) .  
۴ - جمجمه بختیاری که دوهوسه اندازه گرفته خیلی شبیه تهرانی‌ها است ولی قطر عمودی بزرگ که قسمتی از آن مصنوعی است حاکی از نفوذ شدید سامی است (دوخانیکیف - ص ۱۰۹) اندازه‌های سر با شاخص سر ۹۰/۶ (ص ۵۹ و ۶۳) . بین بختیارها و بلوچها شباهت وجود دارد (ص ۱۰۸) .  
۵ - زیر عنوان مغول و سامی ثبت شده است. ساکن نواحی کوهستانی



بین لرها و فارسها، دوهوسه عقیده دارد که بختیارها نتیجه اختلات و امتزاج سیت‌های تورانی با سامیهای بابل - آسور میباشند. دوهوسه خصوصیات عمده آنها را علاوه بر سر کوتاهی شکل قسمت عقب جمجمه میداند که بطور عمودی یا تین میآید. این صافی قسمت عقب جمجمه بدون شك نقص مصنوعی است که در کودکی بوجود آمده است. بختیارها يك گروه واحد نیستند و قبایل مختلف اصل و منشاء یکسان ندارند. طبق نظر لایارد بندونیا از بومیان اولیه هستند که با سوریه‌ایها مخلوط شده‌اند. و نارونیا در حدود سال ۱۸۳۰ از اصفهان به ملامیر آمدند. گند - وزلوها از افشار ترکند و جانکی‌ها که بین ملامیر و رامهرمز زندگی میکنند نیز ترك هستند. سلسله جبال که پناهگاه اجباری قبایل مختلف است محل اختلاط افراد بیشمار نژاد ایران و توران و سامی می‌باشد. عنصر تورانی در بعضی جاها قوی و در بعضی نقاط ابدأ مشهود نیست (هوسی ص ۱۲۱ - ۱۲۶) اندازه‌های جانکی نسبت بههمه گروه بختیاری قابل تطبیق است (ص ۱۲۲). اندازه‌های يك بختیاری دو رکه (ص ۱۲۷). اندازه‌ی بیني يك بختیاری (جانکی) (ص ۱۳۳). ساکن کوهستان نزدیک شوش میباشند (۱۳۶ - ۱۳۷). نقص غیر طبیعی جمجمه هنوز میان بختیارها وجود دارد (ص ۱۴۰ - ۱۴۲).

۶ - زنان بختیاری زیبایی مخصوصی دارند: چشمان تاریك دراز - ابروان مشخص و کشیده - بینی صاف برجسته - دهان پهن با لبان فاذك - چانه دراز راست و کیسوان مشکی انبوه (بیشاپ - جلد ۱ ص ۳۱۶).

۷ - هتوم - شیمدلر تعداد بختیارها و لرهای ایران را ۴۶۸۰۰ فامیل ذکر می‌کنند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴). بختیارها از شعب لرها هستند و تحت عنوان لك طبقه بندی می‌شوند (جلد ۲ ص ۲۶۹ - ۲۷۰) ریج می‌گوید بختیارها کرد هستند. بعضی معتقدند بختیارها از بقایای کلنی یونانی هستند. کافیت بدانیم از نژاد آریان هستند و قرن‌ها است در محل کوهستانی فعلی ساکنند. در ۱۳۸۶ رالینسون تعداد کل بختیارها و متعلقات آنها را ۲۸۰۰۰ فامیل ذکر کرده است. در ۱۸۳۴ لایارد آنها را ۳۷,۷۰۰ فامیل و سر شماری ۱۸۸۱ تعداد آنان ۱۷۰,۰۰۶ نفر معین کرده است (جلد ۲ - ص ۲۷۳ - ۲۷۵). بختیارها در مجاورت منطفق حویزه زندگی میکنند. لباس و قیافه آنان مشابه است و رنگ پوست آنها تیره است موی آنها مشکی است و دو حلقه موی

مجموع پشت گوش قرار می‌دهند. ابروان پرپشت مشکی و چشمان براق و ریش و سبیل سیاه و شب کلاه سیاه بر سر و مردان کت سیاه و زنان لباس آبی تیره برتن دارند. مرد ها نیرومند و هیکل مردانه دارند. زنها بلند قد و سبزه و خوش قامت هستند. (جلد ۲ ص ۳۰۰).

قشقایها فرق زیادی با بختیارها ندارند. در حدود سال ۱۸۷۰ پنجهزار فامیل به بختیارها ملحق شدند (جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

۸ - بختیارها از نژاد مختلط هستند و از خصوصیات آنها سر کوتاه است و از این حیث در درجه بعد از تاجیکها واقع شده‌اند (دانیلو، ستون ۱۰-۱۹ و ۲۶-۲۸). قد ۱۷۱/۵ شاخص سر ۸۸/۴ (دانیلو).

۹ - در تابستان قشقایها بحوالی قمشه می‌روند و در آنجا نزدیک بختیارها هستند (سایکس ۱۹۲۱ - ص ۴۷۷ - ۴۷۸).

### براهوئی

- ۱ - آریائی منسوب بایرانیان ولی متعلق بآنها نیستند (پریچارد - ص ۱۷۱).
- ۲ - قبیله سنی ساکن سرحد (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۶۲-۲۶۳).
- ۳ - قبیله براهوئی بلوچستان تیره رنگ و از نژاد دراویدی بودند. سبزه تر و کوتاهتر و چهارشانه تر از بلوچها هستند (سایکس ۱۹۰۲ ص ۳۴۲-۳۴۳).
- ۴ - زبان براهوئی از نوع زبان دراویدی است ولی از لحاظ اندازه های جسمانی بلوچی هستند. براهوئی سراوان شاخص سر ۸۱/۵ - شاخص بینی ۷۰/۹.
- ۵ - بادیه نشینان براهوئی منطقه شرقی بخصوص نزدیک کلات شبیه ایرانیانند. (دنیکر ص ۵۰۸).
- ۶ - در بلوچستان نمونه دراویدیها (براهوئیها) عبارتند از قنبرانی و منگال یا مونگال (مکمون - ص ۷).

### پروبری

از نژاد مغول. مهاجر از افغانستان. در ادبیات اروپائی آنها را هزاره میخوانند. از لحاظ نوع جسمانی مغول خالص هستند و شبیه قبائل کلموک و قرغیز و سایر مردم آسیای مرکزی میباشند. کوتاه قد و قوی هیکل و قیافه نسبتاً

روشن . ریش آنها تنک و خشن است ( ایوانو - ص ۱۵۵ ).

### بکتاش

۱- نیمه مسیحیانی که در بعضی نواحی اطولی جمعیت شهرها را تشکیل میدهند و از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تاجادشی می باشند ( ریپلی - ص ۴۴۲-۴۵۲ ) .  
۲- فن لوشان آنها را ( بکتاشی ) نماینده هیتی های باستانی میداند هیتی ( ص ۱۵ ) .

### بلوچ

۱- بلوچها آریائی و با ایرانیها قرابت دارند ولی از آنها نیستند ( پریچارد ص ۱۷۱ ) .

۲- شبیه بختیارپها هستند ( دوخانیکیف - ص ۱۰۸ ) . اندازه های جمجمه بلوچی ( ص ۱۳۳ - ۱۳۹ ) .

۳- طبق نظر هتوم - شیندلر تعداد بلوچها و کولپا ۴۱۴۰ خانوار است ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۴۹۲-۴۹۴ ) . اکثریت آنها اسکان یافته اند ( جلد ۲ ص ۲۶۹-۲۷۰ ) . ساکنین عمده فعلی سیستان ایران شامل بلوچها است که قبایل عمده آنان در سیستان سربندی و شاهرکی است . ( جلد ۱ - ص ۲۲۸ ) . از قبائل عمده بلوچستان هستند و خود را از نژاد عرب و قبیله قریش می دانند ولی قیافه و زبان آنها که آریائی و شبیه پهلوی و فارسی باستان است این مطلب را تأیید نمی کند . پاتینگر آنها را از نژاد ترکمن یعنی سلجوق و ترك می داند . بلوچ آنها را با بالاچه از نژاد هندی منسوب میداند . در بعضی نواحی اختلاط با هندو و سیاه افریقائی آشکار است . يك بلوچ عادی مانند افغانی پر هیبت نیست اگر چه مانند آنان موی بلند مجعد دارد که اغلب با روغن چرب شده است . بلوچها عشق و علاقه شدیدی به استقلال قبیله ای دارند و از ایرانیان که آنها را قاجار می خوانند نفرت دارند ( جلد ۲ ص ۲۵۸ - ۲۵۹ ) قبایل بلوچی سرحد سنی هستند . ( جلد ۲ - ص ۲۶۲-۲۶۳ ) . در دایرة المعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ بلوچهای خراسان را زیر عنوان ایرانیان صورت داده و تعداد آنها را ده هزار نفر ذکر کرده است ( جلد ۱ ص ۱۷۹ ) .

## فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۷۳۳

۴ - در خراسان افراد قبائل بلوچی وجود دارند ( سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۳۹۲ ).

۵ - معمولا بلوچها را منسوب به افغانها میدانند ولی در طبقه سرکوتاه متوسط قرار دارند و میتوان آنها را هند و ایرانی خواند . براهوئی ها از لحاظ اندازه‌های بدنی بلوچی محسوب میشوند ( هدون ص ۱۰۳ ) .

۶ - بلوچها به نژاد هندو افغانی تعلق دارند . در جنوب با اعراب و در مشرق با جاتها و هندوها . و در شمال غرب با ترکها و در جنوب غرب با سیاه پوستان مخلوط شده‌اند رندهای مکران که بلوچی خالص بشمار می آیند از قبیله عرب کثران هستند ( دنیکر ص ۵۰۸ ).

۷ - بلوچهای بادیه نشین که اصلا از ایرانیان هستند با ایرانیها و ترکهای فعلی فرق دارند قد آنها معمولا کوتاهتر و قیافه آنها نا منظم تر و زاویه صورت خیلی تیزتر است ( ایوانو ص ۱۵۲ ) .

۸ - قطعی است که در طی ده قرن گذشته عنصر بلوچی بسمت مغرب و گوشه جنوب غربی ایران بسط یافته است ( ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۹ - ۷۰ ).

### بنجنت

قبیله ترك که در کلات نادری ساکنند ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۳۹ ) .

### بندونی

۱ - یکی از قبایل کوچکتر بختیاری - بومی - طبق روایات از سوریه مهاجرت کرده‌اند ( لایارد - ص ۷ ) .

۲ - نقل نظر لایارد در باره اصل نژادی بندونی ( هوسی ص ۱۲۲ ).

### بندیه

سرکوتاهی آنان بیش از هزارها است ولی شاخص بینی آنها ۵۸/۹ و از نژاد یامیری هستند ( هدون ص ۱۰۳ ) .

**بنی رشید**

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنان متجاوز از ۵۰۰ است (کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲-ص ۳۲۰-۳۲۲).

**بنی صالح**

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ است (کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲-ص ۳۲۰-۳۲۲).

**بنی طرف**

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنان بیش از ۵۰۰ است (کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲-ص ۳۲۰-۳۲۲).

**بنی لام**

بنی لام قبیله عرب در خاک عثمانی در مرزهای غربی خوزستان است (کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲-ص ۳۲۰-۳۲۲).

**بوانجی**

- و جلالوند از قبایل کرد کرمانشاه زیر فرمان سر تیپ کردند - تعداد خانوار هزار (کرزن ۱۸۹۲-جلد ۱-ص ۵۵۷).

**بودی**

- ۱- یکی از قبایل مدیها (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- شاید تورانی (سایکس ۱۹۲۱-جلد ۱-ص ۹۵-۹۹).

**بوسای**

- ۱- یکی از قبایل مدیها (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- شاید آریائی (سایکس ۱۹۲۱-جلد ۱-ص ۹۵-۹۹).

### بولی

یکی از قبایل بادیه‌نشین قشقائی (ترك) در فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

### بهادرخانی

یکی از قبایل بادیه‌نشین قشقائی (ترك) فارس و لرستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

### بهارلو

- ۱- از قبایل بادیه‌نشین خمه (عرب) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۸۹ - ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲-جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴) .
- ۲- اصلاً یکی از شعب شاملو (سوریه)-اکنون جدا و متشکل از ۲۵۰۰ خانوار ساکن فارس و آذربایجان. در فارس آنها را بعلت آمدن از سوریه عرب می‌دانند (هتوم-شیندلر ص ۴۸ بعد) .
- ۳- یکی از پنج قبیله خمه از نژاد ترك (سایکس ۱۹۲۱-جلد ۲ ص ۴۷۹).

### بهارمحمدان

اندازه‌های جمجمه (دوخیگف - ص ۱۳۳-۱۳۹).

### بیات

قبیله بادیه‌نشین که بزبان ترکی آذربایجانی بشکل جغتائی تکلم می‌کنند . قبیله قزلباش ترك . در جدول رشیدالدین در میان قبائل تانار ذکر شده‌اند . بعضی در آسیای صغیر و برخی در ایران مستقر شدند . در بخشی در شمال بروجرود و خرم‌آباد سکونت دارند . بعضی از آنها در فارس و خراسان هستند و بعضی بایل‌قاجار ملحق شده و قبیله شامبیاتلو را تشکیل داده‌اند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ بعد) .

### بین‌الحاج

یکی از قبایل خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر

است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۳۲۰-۳۲۲).

### پاتان

- ۱- یکی از عناصر عمده جمعیت افغانستان (بلیو ص ۱۳۰).
- ۲- جمعیت عمده مرزهای هندوستان و مغرب افغانستان پاتان نامیده می- شوند. لانکورث دیمز میگوید پاتان اصطلاحی است که افغانها به بیگانگان اطلاق میکنند (سایکس، ۱۹۲۱- جلد ۲ - ص ۲۱۶-۲۱۸)
- ۳- اچکزائی - پائی - و کاکا پاتان به نوع هند و ایرانی تعلق دارند (هدون ص ۸۶).

### پارتاسنی

- ۱- یکی از قبایل ماد (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- ممکن است آریان باشند (سایکس - ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵-۹۹)

### پارتی‌ها

- ۱ - ساکن نواحی کوهستانی شوش بودند: مردم ناحیه اورال والئای با شاخص سر ۸۰-۸۴ (هوسی ص ۱۳۶-۱۳۷). بررسی پنج جمجمه پارتی که در شوش حفاری شده نشان داد در میان آنها يك پارتی - سیاهپوست و يك ایرانی و يك نفر که نقص مصنوعی داشت و شاید رسمی بوده است که از توران آورده بودند وجود داشت (ص ۱۴۰-۱۴۳).
- ۲- بنظر میرسد که بعضی از مهاجمین مخلوطی از قبایل سفید وزرد (سیت‌ها و پارتی‌ها) بودند (ورل ص-۴۴).
- ۳ - پارتاوا - پارتیها اولین بار در زمان سناکریب و اسارهادون شناخته شدند. آسوریها در اول بین پارتیها و ایرانیها فرقی قائل نبودند (هرتسفلد ۱۹۳۵ - ص ۶-۱۰).

### پارسا

داریوش خود را پارسا یعنی ایرانی خالص میخواند. ممکن است نام قبیله

صحيح پاسارگاد باشد (لارس يادداشت به هرودوت I-۱۲۵).

### پارسی

۱- بنا بنوشته هتوم- شيندلر در ايران ۸۰۰۰ پارسی است (كرزن ۱۸۹۲ جلد۲ - ص ۴۹۲- ۴۹۴) سرشماری ۱۸۷۸ تعداد پارسیهای کرمان را ۱۳۴۱ نفر معين کرد (كرزن - جلد۲ - ص ۲۴۴) در يزد بين ۳۵۰۰ تا ۷۰۰۰ كبریا پارسی زندگی میکنند . در سال ۱۸۷۹ شيندلر ۱۲۴۰ نفر پارسی در شهر و ۵۲۴۰ نفر در ۲۲ ده اطراف شيریافت (جلد۲-ص ۲۴۰-۲۴۱).

۲ - كبرها منسوب به پارسیهای هند هستند ( دانيلو ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶-۲۸) .

۳ - در میان طبقات جامعه ايران اولاد ايرانيان باستان و شامل پارسیها هستند كه نماينده مادها میباشند (فین ص ۳۲-۳۳) .

۴- نوع قدیمی تاجيك شهر نشين در پارسیها كه در ۶۴۰ ميلادی بهندوستان مسافرت كردند حفظ شده است (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳).

۵- پارسیها كه از طبقه سر دراز (۷۷/۹) و قد متوسط (۱۶۵/۰) هستند از نوع آسوری يا هندو افغانی میباشند ( دتيكر ص ۵۰۷).

۶- يزد مركز عمده پارسیها و كبرها است (علی شاه ص ۲۰-۲۱).

### پارسیان (ايرانيان)

۱- ساكن كشوری هستند كه تا جنوب دریای اريتريه بسط دارد ( هرودوت IV-۳۷) از قبایل بسيار تشكيل یافته اند (I - ۱۲۵) . جعیمه آنها با مقایسه با جعیمه مصريها ترد و ضعيف است زیرا ايرانيها كلاهی بنام تيارا بسر میگذازند (III - ۱۲).

۲ - تقريباً همه قد و هيكل كوچك و صورت تيره با پريده رنگ دارند . با هيبت هستند . چشمان بز مانند و ابروی كماني و پیوسته و ريش انبوه و موی دراز دارند (مارسليوس XXXIII - ۶ و ۷۵ و ۸۰) .

۳- كبرها مانند ايرانيان امروز از نوع نسبتاً خشن هستند (پيترو دولواله ص ۱۰۵-۱۰۶).



۴ - نژاد ایران طبیعتاً خشن است . نژاد باستانی و ناقص شبیه مغولها بودند زیبایی که در میان ایرانیان عصر حاضر وجود دارد میراث کنیزان چرکسی و گرجی است (شاردن ص ۳۴).

۵ - يك كتاب نسخه خطی متعلق بزمان شاه سلطان حسین جمعیت ایران را ۲۰۰ میلیون نفر تخمین زده است . تخمین های دیگر عبارت است از شاردن ، ۴۰ میلیون - نینکرتن جمعیت قندهار را ۴ میلیون و مغرب ایران ۶ میلیون نفر ذکر میکند که احتمال می رود مقرون بحقیقت باشد (ملکم - جلد ۲ - ص ۵۱۸). جمعیت ایران بعد از حمله افغان تقلیل یافت . بعدها بر جمعیت مسلمان افزایش یافت و از یهودیها کاسته شد (جلد ۲ ص ۵۱۸ - ۵۲۱) ساکنین ایالات شمالی نژاد عالی هستند . قد آنها بلند نیست و صورت آنها از رنگ زیتونی گرفته تا رنگ سفید اروپای شمالی است (جلد ۲ - ص ۶۳۰).

۶ - زبانهای ایران غیر از فارسی عبارتست از ترکی - کردی - لری - عربی (شوبرل ص ۲۰).

۷ - تاجیکها ایرانیان حقیقی هستند. اقوام نزدیک بآنها عبارتند از افغانها کردها - بلوچها - هایکاها یا ارامنه و اوستها و قسمت عمده جمعیت نیمه بادیه نشین و از ترکیها و مغولها یا افغانها میباشد (پریچارد ص ۱۷۱).

۸ - وسترگارد در ۱۸۴۳ تدری جمجمه های ایرانی را تأیید کرد. دوخانیف مخالف این نظر است (ص ۶۴۰) .

۹ - ایرانیان آریائی از طبقه سردرازهای آسیا هستند ( رتزیوس - ص ۱۱۲).

۱۰ - ایرانیان را تحت عنوان شعبه آرامائی طبقه بندی میکنند . دارای موی مشکی و چشم سیاه و پوستی که بیش از پوست اروپائیان بافتاب حساسیت دارد و قد متوسط میباشد (امالیوس دهالوی ص ۳۶).

۱۱ - ایرانیان که از گروه آریان هستند دارای سریضی شکل و پیشانی عریض و بینی برجسته و چشمان افقی که اغلب آبی است و موی بور یا قهوه یا سیاه و ریش انبوه میباشد . ایرانیها خود را تاجیک میخوانند و فلات ایران را تا سند اشغال کرده اند. حتی در توران و قسمت غربی آسیای مرکزی وجود دارند و کلنی هایی در روسیه و سیبری تشکیل داده اند (پرتی ص ۷۰ و ۸۲-۸۳).

۱۲- یکی از دلایل دیرآمدن ایرانیان بسمت مغرب آنستکه در کتاب سفر آفرینش ذکرى از آنها نشده است (X: ۱-۳۱) (دوخانیفک ص ۴۳) کلمه تاجیک به همه کسانیکه در سواحل جیحون و اطراف آن خون ایرانی داشتند اطلاق می شد (ص ۷۷) سر تاجیک مانند سر ایرانیان دراز ولى استخوان پیشانی بزرگتر است و صورت آنها را بیضی تر نشان میدهد. اسکلت آنها پر حجم تر از آن ایرانیان است. از ۱۴۸۷۰ نفر ایرانی از نواحی مختلف که از سر کنسولگری روس در ۱۸۵۷ در تبریز تقاصای روا دید کردند بیش از ۷۵ درصد چشم مشکی وقد متوسط یعنی ۱۳۰۰ - ۱۵۰۰ داشتند. جمجمه در ناحیه پیشانی باریکتر و صورت بیضی شکل درازتر و چشم بزرگتر و خوش شکلتر و مژگان درازتر است. گوش و دهان و پاها کوچکتر است (ص ۱۰۳ - ۱۰۵). اندازه گیری ایرانیان ساکن نواحی مرکزی متوسط دوهوسه (۱۳۳-۱۳۹).

۱۳- تاجیکهای افغانستان نماینده ایرانیان باستانی ساکن کشور میباشند. همه فارسی زبانان افغانستان که هزاره یا افغان یاسید نیستند تاجیک خوانده می شوند. این نام به ساکنین ایرانی قدیم بدخشان نیز اطلاق میشود (بلیو- ص ۱۰۹-۱۱۰).

۱۴ - شاخص سر ۸۴/۶۱. در عراق عجم جمعیت مخلوط از ترکمن و آریانیهای ماد و پارس خود را عجمی مینامند (هوسی ص ۱۱۰). در دوره هخامنشی ایرانیان آریائی برشوش تسلط داشتند (ص ۱۳۹) ایرانیها دارای شاخص سر سایر آریانیها بودند که ۷۳ بود (ص ۱۳۶-۱۳۷).

۱۵ - در ۱۸۵۰ رالینسون جمعیت ایران را ۱۰ میلیون تخمین زد و در ۱۸۷۳ بعد از وبا و قحطی ۶ میلیون. طبق نظر هتوم - شیندلر جمعیت ایران در ۱۸۸۴-۷'۶۵۳'۶۰۰ نفر و در ۱۸۹۱-۸'۰۵۵'۵۰۰ نفر - در ۱۸۸۸ طبق نظر زولونارف ۶ میلیون بوده است (کرزن ۱۸۹۲ - جاد ۲ ص ۴۹۲ - ۴۹۴).

۱۶- اعراب ایرانیان ساکن شهرهای ایران را عجمی میخواندند. ایرانیها کم موتر از کردها و مزلقانیها هستند. موی آنها مجعد یا صاف و لب متوسط تا کلفت و دندان متوسط تا بزرگ است - قد کوتاه (۱۶۵/۳) شاخص سر ۷۸/۴ (۷۵/۷ - ۸۳/۵). حداکثر قطر پیشانی ۱۰۳ - عرض گونهها ۱۳۷ - عرض فکین ۱۰۱/۰. اکثریت ایرانیان از طبقه سر متوسط یا سر درازند. جمجمه های

ایرانی بخصوص کبرها سر دراز با گونه های کوچک بینی باریک و صورت دراز (دانیلو).

۱۷- پارسیها ایرانی هستند (اوجفالوی).

۱۸- اکثر ساکنین قسمت شرقی عراق ایران ایرانی هستند و ساکنین نواحی کوهستانی بخصوص خالصند (هتوم - شیندلر ص ۴۸).

۱۹- پارسیها مردم آریائی زبان و ایرانی هستند. در میان ایرانیان عصر حاضر نوعهای مختلف باهم مخلوط شده اند. از ایرانیان خالص سه نوع فرعی وجود دارد: سامی - ترکمن یا تانار - شوشی (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۲۰- قسمتی از جمعیت ایران از اولاد ایرانیان قدیم و پارسیها هستند. در تمام کشور فقط ده هزار زردشتی است (فین - ص ۳۲-۳۳).

۲۱- احتمال می رود در حدود ۲ میلیون ایرانی در روسیه و امپراطوری عثمانی و امپراطوری هندوستان باشد (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۱۳ - ۱۴) مادها و پارسیا شاید زنده گانی شبیه بادیه نشینان امروز داشتند (جلد ۱ ص ۱۷۰-۱۷۱). ایرانیها از شعب نژاد ایران هستند که از استپهای شمال خراسان وارد ایران شدند و فارس را اشغال کردند (جلد ۱ ص ۹۵-۹۹).

۲۲- طبق بندهش اعراب و ایرانیها سامیها و آریانها در بادی امر از نژاد مشترک در مغرب آسیا هستند (مدی ۱۹۱۹ ص ۷۳۳). فن لوشان میگوید تاجیکها از اولاد ایرانیان قدیمند. بلیو میگوید در افغانستان تاجیکها را پاراسیون میگویند که نشانه نسبت و رابطه آنها با ایرانیان قدیم است (ص ۷۴۷ - ۷۴۸).

۲۳- یکی از دو گروه نژادی ایران - نور دیکهای اصلی از استپهای ناحیه آسیای اروپا بایران آمدند و مادی و پارسی خوانده شدند ولی مهاجرت سامیها (اعراب) و همچنین حمله قبائل ترک نوع ایرانی را تغییر داده است. دو گروه ایرانی شناخته میشود:

الف - فارسیهای باریک سر دراز حوالی تخت جمشید که پوست سفید و موی زیاد و ریش بلوطی رنگ دارند. مردمان بوز چشم آبی بندرت دیده میشود. اینها بطور کلی از نوردیکهای اولیه هستند.

ب - لرها که بلندتر و تیره رنگتر و اغلب موی سیاه دارند و از نوع خیلی سر درازند با صورت بیضی و قیافه منظم و بنظر میرسد از شعبه های نژاد مدیترانه

یا نژادی خیلی شبیه بآن باشند (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳) و نژاد دهند و مدیترانه شامل ایرانیها میشود (ص ۸۶).

۲۴- پارسها مردمی بودند از قبایل مادی (سایکس ص ۷۳-۷۴).

۲۵- در میان اقوام ایرانی از همه مهمتر پارسیها هستند که به گروه جغرافیائی تقسیم میشوند: در مشرق خطی از استرآباد تا یزد تا کرمان تاجیکها هستند. در سمت مغرب عجمیها و بین اصفهان و خلیج فارس فارسیها (دیکر- ص ۵۰۰-۵۰۶).

۲۶- مردم ایران بوسیله تماس با بادیه نشینان آریائی زبان شمالی و بادیه نشینان تورانی زبان مغول مخلوط شده اند (ورل ص ۱۲۴-۱۲۶).

۲۷- ایرانیان غربی یا پارسیها در تمام آسیای مرکزی تاجیک و در غرب ایران تات شناخته میشوند (حسن ص ۷۹).

۲۸- دوسنین بین ۶۶۰-۶۸۰ قبایل ایرانی بسوریه انتقال یافتند و شیهای فعلی سوریه ممکن است از این قبایل باشند. در میان قبایل دروز عنصر ایرانی وجود دارد (هیتی ص ۲۲-۲۳).

۲۹- نوشیروانیها يك گروه ایرانی خالص در بلوچستانند. برای جمعیت ایرانی بلوچستان رجوع شود به قسمت تحت عنوان تاجیک (مکمون ص ۷).

۳۰- از رسوم و سنن نژادی مشترك در ایران اثری نیست. نوع مخصوص ایرانی وجود ندارد. اولاد ساکنین اصلی که نسبتاً کم تغییر کرده اند در گیلان و مازندران یافت میشوند. در نواحی دیگر با بادیه نشینان آریائی زبان شمالی از مشرق روسیه و مغولان تورانی زبان مغرب سیبری مخلوط شده اند (ویلسون ۱۹۳۲ ص ۲۸-۳۰) و اسکندر ازدواج بین مقدونیها و زنان ایرانی را تشویق میکرد (ص ۳۱۵-۳۱۶).

۳۱- پارسوا - پارسای ایرانی در نوشته های آسوری در ۸۳۶-۸۳۵ قبل از میلاد ظاهر میشوند. آسوریها در بادیه امر بین مادی و پارسی و بین ایرانی و پارتی فرق نمیگذاشتند (هرتسفلد ۱۹۳۵ ص ۶-۱۰).

۳۲- ۵۰ هزار نفر ایرانی در قفقاز بیشتر يك گروه سیاسی هستند تا يك واحد نژادی (باچماکف ص ۲۱ و ۲۳).

### پارسیوان

- ۱ - در افغانستان تاجیکها را اغلب پارسیوان میخوانند ( بلیو - ص ۱۰۹ - ۱۱۰ ).
- ۲ - ادعای بلیوکه در افغانستان تاجیکها را پارسیوان میخوانند نشانه رابطه آنها با ایرانیان باستان است (مدی ۱۹۱۹ - ص ۷۴۷ - ۷۴۸).

### پازوکی (پازگی)

قبیله بادیه نشین کرد در خوار و درامین متشکل از هزار خانوار . زمانی قبیله نیرومندی بودند در نزدیکی ارض روم . در نیمه دوم قرن شانزدهم از هم پاشیده و قسمتی از آنها بایران مهاجرت کردند بعضی کردی و بعضی ترکی حرف میزنند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ بعد).

### پاسارگاده

- ۱ - قبیله پارسی که کوروش بقیام علیه مادها واداشت (هرودوت I - ۱۲۵).
- ۲ - یونانیها آنها را پاسارگاده نیز خوانده اند . این نام بعداً بیکی از قبایل کارمانیا اطلاق میشد (لارنس یادداشت به هرودوت I - ۱۲۵).

### پامیری

پامیری ( ایرانیان ) : مو قهوه گاهی روشن همیشه انبوه و موجداریا مجعد . ریش قهوه یا روشن با پوست سرخ و سفید یا گندم کون . قد بلند تر از متوسط ۱/۶۶ - ۱/۷۰۷ - شاخص سر ۸۵ یا بیشتر . صورت دراز بیضی شکل . بینی باریک برجسته عقابی یا راست چشم راست متوسط رنگ گاهی آبی شامل کلچا و تاجیک و وازی و غیره . ایران و پامیرو نواحی مجاور شمال شرقی منچوریه (هدون ص ۲۷) . کلچاها خالصترین پامیریها هستند (ص ۱۰۳ - ۱۰۴) چوتنه و بندیه از نژاد پامیری هستند (ص ۱۰۳).

### پانتیالیان

از قبایل پارس که بکشاورزی اشتغال دارند (هرودوت I - ۱۲۵).

### پانیسجوریان

استرابو آنها را جزو قبایل ایران نام میبرد: ساکن ناحیه‌ای بنام پانیشووارا بودند (لارنس - یادداشت به هرودوت I - ۱۲۵).

### پبلیسی

از قبایل ده نشین قشقایی (ترك) فارس ولارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### پلر

يك طايفه خالص ترك در غور متعلق به خلیج (بلیو - ص ۱۰۰).

### پلوس

پلوس در شمال کونن - لون از حیث خصوصیات جسمانی شبیه تاجیکها هستند (دیگر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

### پورپیشه

قبیله بادیه نشین کرد اسفند آباد در اردلان که در زمستان بخاک ترکیه مهاجرت میکنند . ۳۰۰ خانوار ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

### تات

۱ - در شمال غربی ایران بومیان آن مناطق را که تحت سلطه ترکها هستند تات می نامند. پیتر و دولواله ۱۶۶۳ اولین اروپائی بود که از تاتها ذکر کرده است (دوخانیف ص ۷۷) . احتمال می رود که در زمان ساسانیان از آذربایجان آورده شدند و بیش از هر گروه دیگر ایرانی تحت نفوذ ترکها واقع شدند و مدت ۱۵ قرن میان آنها زندگی کرده بودند . قد متوسط و صورت گرد و چاق و چشم سیاه که کوچکتر از چشم ایرانیان است . گردن آنها کوتاه و کلفت و بدن فربه و متمایل بجاقی و دست و پا نسبتاً کوچک قیافه تاریک و مو تیره و نسبتاً انبوه اگر چه کمتر از ایرانیان و تاجیکها (ص - ۱۱۴).

- ۲ - شاخص سرانه‌های دامغان ۷/۷۸ (دانیلو-ستون ۵۳ - ۵۵).
- ۳ - ایرانیان غربی یا ایرانیان خالص در ایرانیا غرب تات خوانده میشوند که شاید کلمه تحریف شده از تاجیک باشد (حسن ص ۷۹).
- ۴ - ۷۴ هزار تات در قفقاز هستند . بیک زبان هندو و ایرانی تکلم میکنند (باچماکف- ص ۲۱).

## تاتار

- ۱- در کردستان تاتار وجود ندارد (ملکم - جلد ۲ - ص ۲۰۷-۲۱۰) .
- ۲- هزاره‌ها تاتار از شعب مغولند (بلیو-ص ۱۱۳-۱۱۴) .
- ۳- زلوتارف (۱۸۸۸) تخمین زد که در ایران یک میلیون ترک و تاتار وجود دارد (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۴۹۲-۴۹۴). ترکهای ایران شعبه‌ای از نژاد بزرگه ترکی یا ترکمن یا تاتار هستند (جلد ۲ - ص ۲۶۹) تاتار و ترکمن و ترک نام قابل تبدیل شعبه های یک فامیل است . دائرة المعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تاتارهای خراسان را صد هزار نفر ذکر میکند که متشکلند از افشارها و قاجارها (جلد ۱-ص ۱۷۹).
- ۴ - ساکنین آذربایجان قوی و بلند و دارای موی مشکی و چشم سیاه هستند و بلهجه آذربایجانی زبان ترکی تکلم میکنند اگر چه شبیه تاتارها نیستند آنها را تاتار آذربایجانی میگویند (دانیلو-ستون ۱۰-۱۹-۲۶-۲۸).
- ۵ - در جدولهای رشیدالدین بیاتها بنام قبیله تاتار ذکر کرده است (هتوم - شیندلر-ص ۴۸ ببعده).
- ۶ - تاتارهای آذربایجانی که از عناصر نژادی عمده ایران هستند اگر چه بزبان ترکی تکلم میکنند بطور قطع از هر حیث ایرانی هستند . دومین شعبه فرعی نوع ایرانی مخلوطی است از ایرانیان خالص بارگه‌ای از نژاد ترکمن یا تاتار ریپلی-ص ۴۴۲-۴۵۲).
- ۷ - مغولها یا تاتارها را چینی‌ها بسه طبقه یعنی سفید و سیاه و تاتار وحشی تقسیم کرده بودند . شکل صحیح این کلمه در قدیم «تانا» بوده است. کلمه تار تار بطور عموم مورد قبول واقع شده زیرا شبیه کلمه تار تاروس میباشند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲-ص ۷۱).

۸- بعضی از تاتارهابه گروه شرقی ترکی تعلق دارند (هدون ص ۳۱).

۹- منگلهای بلوچستان بدون شك از نژاد تاتارند (مكمون ص ۸).

### تاجيك (تازیك، تازی، تازیك)

۱ - تاجیکهای عصر حاضر یا ایرانیان حقیقی که ترکها آنها را کزلباش می نامند مردمی هستند که برای خوش سیمائی معروفند - قیافه منظم و صورت دراز بیضی و ابروان مشخص مشکی و چشمان سیاه غزالی دارند . تاجیکها در واقع مردم مشهوری هستند که در سراسر شرق پراکنده اند و نه تنها در شهرهای ایران بلکه در شهرهای ماوراءالنهر و کشورهای تحت تسلط ازبکهای تاتار سکونت دارند . بعضی ادعا دارند که تاجیکها تا مرزهای چین یا لافل تا تبت پخش شده اند (پریچارد ص ۱۷۱) .

۲ - ایرانیان که خود را تاجیک میخوانند فلات ایران را تا سند در تصرف دارند . حتی در توران و قسمت غربی آسیای مرکزی یافت میشوند . در روسیه و سیبری کلتی هائی تشکیل داده اند (پرتی- ص ۸۲-۸۳) .

۳ - نام تاجیک فقط درباره طبقه معینی از جمعیت مشرق و خراسان و سیستان و هرات در افغانستان بکار میرفت و در سواحل سیحون و آنسوی آن بهر کس که خون ایرانی داشت اطلاق میشد . اشتقاق کلمه تاجیک (دو خانیکف ص ۷۷ و ۷۸ و ۸۷) . خود تاجیکها عربستان و ناحیه بغداد را اولین مسکن اجداد خود میدانند . (نقل از وود ص ۲۵۹) . ولی تعداد آنها زیاده از آنستکه بتوان آنها را اولاد جنگجویان مهاجم عرب دانست . طبق نظر مونت استورات الفینستون تاجیکها يك ملت واحد نیستند بلکه در ناحیه وسیعی در آسیا در قسمتهای مجزا پراکنده شده اند . مردمان ده نشین و غیر متحرک ایران نیز تاجیک نامیده میشوند تا از مهاجمین تاتار تشخیص داده شوند و همچنین با مردم بادیه نشین که بنظر میرسد از نژاد ایرانی باشند اشتباه نشوند . حتی در ترکستان چین وجود دارند (ص ۹۳ - ۹۴) . تاجیکها بلند قد و دارای موی مشکی و چشم سیاه هستند . سر آنها بدرازی سر ایرانیان است ولی استخوان پیشانی آنها بزرگتر است و همین امر صورت آنها را بیضی شکل تر از صورت ایرانیان غربی میسازد . چشم و دهان و بینی منظم است .



بینی معمولاً راست و گاهی منحنی و برجسته‌تر از بینی مغولها است. مقدار موی آنها شبیه ایرانیان است. ریش انبوه، سینه و بازوها اغلب پوشیده از مو است. اسکلت تاجیک حجیم‌تر از اسکلت ایرانیان است. قد بین ۱۷۰ و ۱۶۰ که توسط وود در واخان ثبت شده است (ص ۱۰۳-۱۰۵) و تاجیکها و کبرها حداکثر صفات بدوی و اولیه را حفظ کرده‌اند (ص ۱۰۷-۱۰۸).

۴- اغلب پارسیوان خوانده میشوند. عنصر متعدد و پراکنده در افغانستان هستند و از حیث زبان و آداب و رسوم با ساکنین آن سرزمین فرق دارند. نماینده ساکنین ایران باستان هستند. تاجیک از کلمه فارسی قدیم که باعرب اطلاق میشد مشتق است. بتدریج این کلمه به نژاد مخلوط از عرب و ایرانی اطلاق شد. ممکن است تاجیک نام قدیمی روستائیان ایران باشد. امروز بهمه فارسی زبانان افغانستان که هزاره و افغان و سید نباشند اطلاق میشود (بلیو ص ۱۰۹ - ۱۱۰).

۵- زیرعنوان مغول و آریان ثبت شده‌اند. کبرهایک مخلوط نژادی از تاجیک و عجمی‌ها میباشند (هوسی ص ۱۰۳) شاخص سر تاجیک ۸۲/۳۱ (ص ۱۱۰) و تاجیکها در مرز شرقی ایران و در خراسان بین افغانستان و فارس زندگی میکنند. از لحاظ جسمانی شبیه عجمی‌ها هستند (ص ۱۱۸).

۶- عناصر ایرانی که تاجیک خوانده میشوند در سیستان وجود دارند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸) دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تاجیکهای خراسان را زیر ایرانیان ذکر کرده: تعداد ۴۰۰ هزار نفر (جلد ۱ - ص ۱۷۹).

۷- گروه اساسی خراسان تاجیک است که شاخص سر او با شاخص سر ایرانیان کاملاً فرق دارد زیرا آنها از نوع سر کوتاه هستند و از این حیث بارمنی‌ها و یهودیها و آسوریها و مغولها بیشتر شباهت دارند. از لحاظ کوتاهی سر بختیارها در درجه دوم واقع میشوند. شاخص سر تاجیکها در شهرهای مختلف از این قرار است: فرغانه ۸۵/۵ - زرافشان ۸۴/۰ - سمرقند ۸۳/۰ (دایلو).

۸- تاجیکها مخلوطی هستند از ایرانیان خالص با ترکمن و تاتار (ریبلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۹- استان هرات توسط تاجیکهای آریان اشغال شده است (سایکس ۱۹۲۱ جلد ۲-ص ۲۱۷).

۱۰- طبق نوشته بندهش تاز جد اول تازیها یا اعراب است (مدی ۱۹۱۹-ص ۷۳۳). در قسمتهای اول شاهنامه فردوسی اعراب را تازی و زبان آنها را زبان تازی میخواند (مدی ص ۷۳۷ و ۷۳۸) تاجیکها که امروز یکی از دو گروه نژادی عمده ایران را تشکیل میدهند از اولاد اعراب ایرانی شده یازدشتی شده زمان اسکندر هستند. فن لوشان آنها را از اولاد ایرانیان قدیم میدانند. دکتر بلو میگوید در افغانستان تاجیکها را هنوز پارسیوان میخوانند که نشانه رابطه آنها با ایرانیان باستان است. ذکر از آنها حتی در یک دعای زردشتی نشان میدهد که بعضی از اعراب با ایرانیان قدیم تماس نزدیکی داشتند. بنابراین جای تعجب نیست که خصوصیات جسمانی آنان نیز تاحدی تغییر کرده باشد (ص ۷۴۷-۷۴۸).

۱۱- در ایران دو گروه بزرگ نژادی وجود دارد یکی تاجیکهای نوع قدیم که در پارسیهاییکه در سال ۶۴۰ میلادی به هندوستان مهاجرت کردند نوع آنها باقیمانده دوم ایرانیان. تاجیکهای دشت مخلوط تر و سفیدتر از تاجیکهای کوهستانی یا گلچاها هستند. اینها را میتوان ساکنین اولیه محسوب داشت (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳) رجوع شود به پامیری (ص ۲۷) و تاجیکهای ساکن بین سیحون و جیحون در ترکستان مخلوط شده اند ولی نسبتاً خود را از تهاجم ازبکها حفظ کرده اند (ص ۱۰۳-۱۰۴).

۱۲- در مشرق خطی از استرآباد به یزد و کرمان تاجیکها زندگی می کنند و همچنین در مغرب افغانستان و شمال غربی بلوچستان و ترکستان و افغانستان و ترکستان شوروی تا پامیر وجود دارند. پلوسها و سارتهها و آذربایجانی های قفقاز شبیه تاجیکها هستند. تاجیکها از نوع سرکوتاه هستند (۸۴/۹) و قد آنها بلندتر از متوسط (۱۶۹/۰) است و اختلاط با ترکها را نشان میدهد (دنیسکر ص ۵۰۵-۵۰۷).

۱۳- چینی ها اعراب را تازی یا تاشی (که تعریفی است از کلمه فارسی تازی یا تاجیک) میشناختند.

ایرانیان غربی یا ایرانیان خالص در تمام آسیای مرکزی تاجیک و در ایران

غربی تات خوانده میشوند تاجیک کلمه فارسی وسطی تائیائی آرامائی است یعنی قبیله طائی (حسن ص ۷۹).

۱۴ - تاجیکها که در بلوچستان قسمت ایرانی جمعیت شناخته میشوند و از قبایل عمده محلی و طبقه کشاورز هستند از اینگونه هستند دهوارها یا دهقانها و دورزاده‌ها که تا مکران بسط دارند (مکمون ص ۷).

۱۵ - میانگین قد تاجیکهای کوهستانی ۱۶۵/۸۳ است. قد نشسته ۸۶/۴۴ شاخص نسبی قد نشسته ۵۲/۱۸ سر آنها متمایل به نوع خیلی سر کوتاه است. صورت باریک و از حیث بلندی متوسط. طول بینی ۵۸/۱۴ عرض ۳۴/۴۰ شاخص ۵۹/۴۴ در نیمرخ بینی راست و مقعر و محدب ۶۴/۵۰ درصد مقعر ۱۱/۴۷ درصد و محدب ۲۴/۰۳ درصد (کینزبرک ص ۵۶-۶۳).

### تاجتادشی

۱- نوع سر کوتاه که مانند قبیله بدوی در آناطولی زندگی میکنند (ریپلی- ص ۴۴۲-۴۵۳).

۲ - فن لوشان تاهتاجی‌ها را از نمایندگان هیتی‌های باستانی می‌داند (هیتی ص ۱۵).

### تاهوکی (تاهوکانی)

در بلوچستان ایران پیدا میشوند. نژاد مردانه و قوی هستند (مکمون - ص ۸).

### تراکي

طایفه حقیقی ترك درغور متعلق به خلیج (بلیو ص- ۱۰۰).

### ترکمن

۱ - ترکمنها از نژاد ترك هستند که در قرن یازدهم و دوازدهم به بخارا در شمال آسیا و ارمنستان و گرجستان جنوبی و شیروان و داغستان راه یافتند و در این نواحی بصورت بادیه نشینی زندگی میکنند و تراکمه و ترکمان و قزلباش

نامیده میشوند. نام آنها مرکب است از ترك و كمن تنها اختلاف بین تركمنها و ازبكها از لحاظ قبیله است و اینکه ازبكها ده نشین هستند. هر دو صورت پهن و چانه تیز و پوست روشن و ریش تنك و عضلات قوی و چشم كوچك مانند چینی‌ها دارند (ابری - مکی ص ۱۶).

۲ - زیر عنوان مقول ذكر شده‌اند (هوسی ص ۱۰۳). قبایل خالص تركمن درگیلان و مازندران سكنی دارند. از قسم در خطی بین اصفهان و آباده و خاك عراق عجم است كه ساكنین آن مخلوطی از تركمن و آریانیهای ماد و پارس هستند كه خود را عجمی می‌نامند. شاخص سر ۸۲/۰ (ص ۱۱۰ بیعد).

شاخص سر ارامنه جلفا ۸۴-۸۶ كه آنها را مانند تركمنهای خالص سر كوتاه می‌نامید (ص ۱۲۰). ارقام مربوط به جانكی‌ها عنصر شدید تركمن را نشان می‌دهد. شاخص سر ۸۳/۷ (ص ۱۲۲-۱۲۶).

۳ - زولوئارف عده تركمنها و جمشیدیهای ایران را ۳۲۰ هزار نفر تخمین می‌زنند (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲-۴۹۴) و تركهای ایران شاخه‌ای از نژاد بزرگ تركی یا تركمن یا تاتار می‌باشند (جلد ۲ - ص ۲۶۹) تركمنهای دره‌گرگان و اترك معروفترین قبایل ترك ایران هستند (جلد ۲ - ص ۲۷۰) تاتار و تركمن و ترك سه نام قابل تبدیل شاخه‌های مختلف يك فامیل نژادی است. (جلد ۱ - ص ۱۷۹).

۴ - مجموعه‌های گبر تا حدی شبیه مجموعه تركمن است (دانیلو-ستون ۱۳۹-۱۴۴). تركمنها از طبقه نیمه سر كوتاه هستند و شاخص سر آنها ۸۳/۰ است (ستون ۵۳-۵۵).

۵ - ارامنه از حیث جسمانی به تركمنها بیشتر منسوب هستند تا به مردم آریائی زبان. یکی از شعب نوع ایرانی-مخلوطی از ایرانی خالص با نژاد تركمن یا تاتار است. عجمی، تاجیک، تاتار آذربایجانی، موی خشن متمایل بسیاهی، صورت پهن و استخوان گونه برجسته‌تر از آن ایرانیان خالص، سر عریضتر بخصوص در میان مردم شمال شرق. آیا رگه از نژاد آلباین در آنها وجود دارد؟ (ریپلی ص ۴۴۲-۴۵۲).

۶ - تركها و تركمنهای ایران از نسل پارتها هستند (فین - ص ۳۲-۳۳).

- ۷ - در خراسان ترکمن هست (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲).
- ۸ - ایلات ترکمن هستند ولی مزاجت نوعهای مختلط مانند قاجار بوجود آورده است (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳). گروههای ترکمن بادیه‌نشین در پی مهاجرت ترکها از شمال ایران بسمت مغرب هجوم آوردند (ص ۹۷). ترکمنهای مشرق دریای خزر قسمتی از گروه غربی ترکها میباشند (ص ۳۱۰).
- ۹ - ترکمنها گروهی از ترکان ایرانی هستند که در ایران و خیوه و بخارا وقفاز و ماوراء قفقاز وجود دارند وعده آنها در حدود يك میلیون نفر است که شامل طوایف زیر میگردد: چوار - عیوت - گوکلان - اخال - مروکته - سارق - سالورو ارسای. همه مسلمانند. بعضی بنظر میرسد نوع نوردیک اولیه را حفظ کرده باشند ولی معمولاً مخلوط شده‌اند (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).
- ۱۰ - ترکمنهای خراسانی ترکی حرف میزنند (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۸ - ۶۹).

### ترکها

- ۱ - اخلاف قبائل ترك در خراسان پیدا میشود (ملکم - جلد ۲ - ص ۲۱۶).
- ۲ - زبان ترکی از حیث تعداد خیلی زیاد است. شامل چهل و يك فامیل یا شعبه و ۴۲۸ هزار نفر است. قبایل افشار و قاجار قویترین این قبایلند (شوبرل - ص ۲۰).
- ۳ - بعضی از قبایل نیمه بادیه نشین ایران ترك هستند (پریچارد - ص ۱۷۱).
- ۴ - گندوزلو یکی از قبایل ترك است جایی که گرمسیر و سرد سیر از نژاد ترکند (لایارد - ص ۷).
- ۵ - مجموعه‌های بختیاری و تهرانی از حیث عرض بوسیله اختلاط با ترك تغییر کرده است (دوخانیف ص ۱۰۹) آرامنه بوسیله سامیها و ترکها خیلی زیاد تغییر کرده‌اند (ص ۱۱۲). تاها بیش از سایر ایرانیان توسط گروههای ترك که مدت ۱۵ قرن بین آنها زندگی کرده‌اند تحت نفوذ واقع شده‌اند. (ص ۱۱۴).
- اندازه‌های مجموعه زیر نام تورانیان داده شده‌است (ص ۱۳۲).
- ۶ - ازبکها، ترکمنهای سیحون و آسیای صغیر و قبایل متحرك شمال ایران و عثمانیها همه ترك هستند (ابری - مکی ص ۱۶).

۷ - نویسندگان ایران باستان دشمنان خود را در سمت شمال ترك ميخواندند ( بلیو - ص ۱۰۹ - ۱۱۰) وقتی خلیجی ها وارد غور شدند شامل طوایف حقیقی ترك از قبیل هوتك و توخی و اندر و تراکی و نلر و پولر بودند (ص ۱۰۰).  
۸ - بعضی از ایلات ترك هستند ( هوسی ص ۱۱۹ ) . لایارد میگوید كندوزلوا افشار ترك و جانیکی ها ترك هستند (ص ۱۲۲). راجع به جانیکی ها احتمال قوی می رود كه يك قبیله ترك كشوری كه در اشغال لر ها بود گرفته و با آنها مخلوط شدند (ص ۱۲۲ - ۱۲۶) .

۹ - طبق گفته هتوم - شیندلر در سال ۱۸۸۴ در حدود ۱۴۴ هزار فامیل ترك در ایران وجود داشت . زولوتارف (۱۸۸۸) تركها و تاتارهای ایران را يك میلیون نفر تخمین میزند (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴). تركها كه یکی از چهار طبقه قبایل ایرانند از شعب نژاد تركی و تركمن و تاتار میباشند . اکثریت تركها اسكن یافته و ده نشین اند (جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۰) در میان قبایل ترك ایران كه عده آنها در شمال و شمال غرب از همه زیادتر است معروفترین آنها قبایل قاجار و افشار و قره گوزلو همدان و شاهسون های اردبیل و تركمنهای كركان و اترك و قشقاییهای فارس و لارستان هستند (جلد ۲ - ص ۲۷۰) . در كردستان عناصر ترك وجود دارد ( جلد ۱ - ص ۵۴۹) قبایل مهاجر فارس و لارستان قسمتی لر ترك هستند كه عمده ترین آنها قبایل قشقایی است (جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴) . تاتار و تركمن و ترك نامهای قابل تبدیل شعب مختلف يك فامیل هستند ( جلد ۱ - ص ۱۸۹) ساكنین كلات نادری ترك از قبایل جلایرو بنجت هستند. (جلد ۱ - ص ۱۳۹) .

۱۰ - بعد از ادوار ما قبل تاریخ آریانها با قبایل ترك مخلوط شدند (دانیلو - ستون ۱۰-۱۹ - ۲۶ - ۲۸) .

۱۱ - در شهرها بخصوص در تهران اختلاط خون ترك زیاد است . خلیج- های بادیه نشین ترك هستند . همه قبایل قزلباش تركند ( هتوم - شیندلر ص ۴۸ بیعد) .

۱۲ - تركها از نسل پارتها هستند ( فین - ص ۳۲ - ۳۳) .  
۱۳ - درخراسان ( سایكس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲) . آینه لو و بهارلو و باصری و نفر خمه از نسل ترك هستند ( جلد ۲ - ص ۴۷۹ ) . قبیله قاجار از

نژاد ترکند ( جلد ۲ - ص ۲۷۷ ) .

۱۴ - مردم ایران ترکها را تحت نفوذ شدید قرار دادند ( لوفر ۱۹۱۹ -

ص ۱۸۵ ) .

۱۵ - هجوم قبایل ترك نوع ایرانی را تغییر داده است (هدون ص-۱۰۲).  
آذربایجانیهای ایران و آذربایجانیهای قفقاز که کم و بیش با ترکها مخلوط  
شده اند زیر گروه ایران و مدیترانه قرار داده شده اند (ص ۸۶) تسلط ترکها بر ناحیه  
سیحون در اواسط قرن ششم میلادی منتج به مهاجرت قبایل ترك بسمت ایران و  
آسیای صغیر گردید . ترکان سلجوق در اواخر قرن یازدهم آن ناحیه را اشغال  
کردند و بدنبال آنها ترکان عثمانی آمدند . کلمه ترك در آسیای صغیر و اروپا  
لازمه اش از نژاد ترك بودن نیست زیرا کسانی را که بدین اسلام درآمدند نیز ترك  
می نامیدند ( ص ۹۷ ) .

ترکی : مونتاریك - انبوه روی صورت ، رنگه قیافه سفید متمایل به زرد کمی  
متمایل به قهوه ای، قد متوسط تا بلند ۱/۶۷۵ با نمایل بچاقی، سر کوتاه بلند (شاخص  
سر ۸۵-۸۷) صورت بیضی دراز، استخوان گونه پهن، بینی راست نسبتاً برجسته، چشمان  
مشگی غیر مغولی ، ولی اغلب حاشیه خارجی پلك چشم تا شده است ، لب کلفت ،  
موطن اصلی آسیای غربی (ص ۳۱) .

۱۶- بلوچیها در شمال غربی مخلوط با ترکها هستند ( دنیکر ص ۵۰۸) .

۱۷ - ترکها دارای شکل سر کوچک هستند قد متوسط و زوایای صورت

برجسته و قیافه نامنظم دارند ( ایوانوف ص ۱۵۳ ) .

۱۸- ترکمنها گروهی از ترکان ایرانند (بکستون ۱۹۲۹ ص ۶۲۳) .

۱۹ - دومین حرکت بزرگ بادیه نشینی در ایران حمله ترکها از مغولستان

در قرن هشتم بود . ترکها به آذربایجان راه یافتند ( ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۹

- ۷۰ ) در فارس و لرستان قبایل ترك یافت می شود ( ص ۳۳-۳۴) .

## تکالو

قبیله قزلباش ترك در ۱۵۳۱ از هم پاشید و به عنوان قبیله از تاریخ محو

شد (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ ببعد ) .

## تُکر

طایفه تُکر غور متعلق به خلیج (بلیو- ص ۱۰۰).

## توخی

طایفه تُکر غور متعلق به خلیج (بلیو ص ۱۰۰).

## تورانیان

۱ - اندازه‌های سر - شاخص سر ۷۹/۳ (دو خانیکف ص ۵۹ - ۶۳) سرائیریان بلندتر از سر تورانیان است (ص ۶۲). ایران مدت ۵۰۰ سال تحت سلطه یونانی و سامی و آرامائی و تورانی بود؛ ۶۰۰ سال تحت سلطه تورانیان. (دو خانیکف-ص ۷۴ - ۷۶). اندازه‌های جمجمه (ص ۱۳۲ - ۱۳۹).

۲ - نواحی کوهستانی بین لرها و فارسها مرکز اختلاط آریانها و تورانیان و سامی‌ها بود. عناصر تورانی در بعضی نقاط تفوق دارند. در نقاط دیگر از بین رفته است (هوسی - ص ۱۲۲). در شوش نژادی از اختلاط تورانی و ایرانی و سیاهپوست وجود دارد (ص ۱۳۶ - ۱۳۷) نقص شکل سرممکن است از اصل تورانی باشد (ص ۱۴۳).

۳ - فامیل زبان تورانی آسیای مرکزی شامل لهجه‌های ترکی و زبان مغولی و زبانهای فنلاندی و زبان طبقه حاکمه نژاد تاتار در چین می‌باشد (کندر ص ۳۰ - ۵۱).

۴ - هزاره‌ها متعلق بفامیل تورانیان هستند و قیافه مغولی و چشم کج و کمی‌ریش آنها مؤید آنست (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۹۸).

۵ - احتمال میرود که نژاد تورانی (سیبری باسینیتی) در ازمه ما قبل تاریخ در مغرب آسیا و قسمت مرکزی و جنوبی اروپا وجود نداشت (برینتون- ص ۵-۴).

۶ - دو قبیله ایرانیان قدیم که هرودوت ذکر کرده یعنی بودائی و مکی ممکن است از نژاد تورانی باشند (سایکس ۱۹۲۱-ص ۹۵-۹۹).

۷ - همیشه از راه ایران آریانها و تورانیان به بین‌النهرین آمدند (ورل ص ۲۰ - ۲۱) ایرانیهای آریائی زبان اختلاف عمده بین ایران و توران قائل



میشوند اگرچه خون تورانی در آنها زیاد است ( ص ۴۴ ) .

- ۸ - در بعضی نقاط ایران در ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مغولهای تورانی -  
زبان جای ایرانیان بومی را گرفته یا با آنها مخلوط شدند ( ویلسون ۱۹۳۲ -  
ص ۲۸-۳۰ ) .

### تهرانی

جمجمه بختیاری شبیه جمجمه تهرانی است که نمونه جمجمه ایرانی مخلوط  
باترك است ( دوخانیكوف ص ۱۰۹ ) اندازه‌های جمجمه ( ص ۱۳۳ - ۱۳۹ ) .

### تیلاکو

کردهای اردلان نزدیک هوانو - ۶۰۰ خانوار ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ -  
ص ۵۵۵ - ۵۵۷ ) .

### تیموری

- ۱ - دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تحت عنوان مغول ۲۵۰ هزار  
تیموری در خراسان صورت می‌دهد ( کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۱۷۹ ) . در  
نواحی مرکزی‌جام و باخزر و خواف اکثریت مردم از نژاد عرب هستند و تیموری  
نامیده می‌شوند و یکی از قبایل چهار ایملک تعلق دارند . نام آنها مشتق از تیمور  
است که آنها را از وطن اصلی خود بجای دیگر منتقل کرد . در سایر نقاط خراسان  
نیز مراکز تیموری وجود دارد . بلیو آنها را یکی از قبایل اصلی چهار ایملک  
می‌داند و جمشیدی و فیروزکوهی را از شعب آن می‌داند ( جلد ۱ ص ۱۹۸-۱۹۹ ) .  
۲ - در خراسان قبایل تیموری عرب نژاد وجود دارد ( سایکس ۱۹۲۱  
جلد ۲ - ص ۳۹۲ ) .

۳ - تیموربها که نزدیک مرزافغان زندگی می‌کنند به‌هشت قبیله عمده  
تقسیم می‌شوند ( ایوانو - ص ۱۵۳ ) .

### تیمونی

۱ - از قبایل اصلی چهارایملک گفته میشود از نژاد ایرانی هستند که اکنون

در ایران پیدا نمیشوند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۹۸).

۲ - تیمانی و چهار ایمک و سایر قبایل در قلب افغانستان زندگی میکنند.  
(سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۱۷).

## جات

بلوچها با جاتها و هندوها در مشرق مخلوط شده‌اند (دیکر - ص ۵۰۸).

## جائگی

۱- جائگی گرمسیر و سرد سیر از نژاد ترك هستند (لایارد - ص ۷۰).

۲- لایارد میگوید جائگیهایك قبیله بختیاری‌اند که بین ملامیر و رامهرمز زندگی میکنند (هوسی - ص ۱۲۲).

اندازه‌ها (ص ۱۲۲). مردان این قبیله که لایارد میگوید ترك هستند در نظر اول خصوصیات جسمانی لرها را نشان میدهند. همان قد بلند بدن عضلانی قوی مو و ریش مجعد و خیلی دراز و خیلی سیاه بینی دراز و صاف پوست رنگ روشن و این مطلب از این جهت عجیب است که در ناحیه گرم کوهستانی سکونت دارند. ارقام اندازه گیری حاکی از عنصر ترکمنی است. شاخص سر ۸۳/۷ اگر چه خیلی کمتر از شاخص سر بختیارها است ولی نسبتاً زیاد است شاخص پیشانی و چانه ۷۴/۵ نیز زیاد است. بنابر این این قبیله بطور قابل ملاحظه با سایر قبایل بختیاری از حیث سرکوتاهی و داشتن تعداد زیادتری خصوصیات آریائی فرق دارد. تعداد موخرمائی (مانند فارس) زیاد است. دیگران دارای مو و ریش سیاه و چشم آبی می‌باشند خصوصیتی که در میان لرها نیز دیده میشود (ص ۱۲۲ - ۱۲۶) بختیاری (جائگی) شاخص بینی ۶۰/۰ (ص ۱۳۳).

## جباره

۱- از قبایل بادیه نشین خمسه (عرب) فارس و لارستان (۱۸۹۰ کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

۲- از شعب فرعی شاخه عرب خمسه - در اصل از نجد یا عمان مهاجرت کردند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۹).

### جبر اچی

قبیله كرد اردلان در بلالور بامامون سه هزار خانوار (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

### جد رسی

قبیله مهاجر به كناره بلوچستان (سایكس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۹۵-۹۹) .

### جرف

قبیله عرب خوزستان كه تعداد افراد ذكور آنها بیش از ۵۰۰ نفر است.  
(كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۲۰ - ۳۲۲) .

### جرمانیان

۱- قبیله ایرانی كه بكشاورزی اشتغال دارند (هرودوت I-۱۲۵).  
۲ - معمولاً کرمانیان نامیده شده و نزدیک کرمان زندگی میکردند . در میان ایرانیان مردم مشخصی هستند (لارنس).

### جعفر بیگلر

«جعفریگی» از قبایل بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵  
(كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### جلالوند

قبیله كرد کرمانشاه تحت نظر سرتیپ کردند. بابوانجی يك هزار خانوار.  
(كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۷).

### جلایر

قبیله ترك ساكن كلات نادری (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۳۹).

### جلیلوئند

قبیله غیر متحرك كرد در مشرق کرمانشاه ۳۰۰ خانوار (كرزن ۱۸۹۲ -

جلد ۱ ص ۵۵۷).

### جمشیدی

زولوتارف ترکمنها و جمشیدیه‌ها و غیره ایران را ۳۲۰'۰۰۰ تخمین میزند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۴۹۲ - ۴۹۴). یکی از چهار قبیله اصلی چهار ایمک، از نژاد ایرانی هستند ولی قسمت عمده‌شان در زمان قدیم ایران را ترک کرده در افغانستان ساکن شدند. در ۱۸۵۷ عده‌ای عودت داده شده و نزدیک مشهد مستقر شدند. بلیو جمشیدیه‌ها را از شعب تیموری چهار ایمک میدانند (جلد ۱ - ص ۱۹۸).

### چاودر

طایفه‌ای از ترکمنها (بکشتون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

### چته

از هزاره‌ها سر کوتاه‌ترین ولی شاخص بینی آنها ۵۸ و بنابر این از نژاد پامیرند (هدون - ص ۱۰۳).

### چنگیانی

در مورد کولیها اصل زنگاریهای اروپائی یا مشابه آنها را در چنگیانی ترکیه میتوان یافت (سایکس - ص ۳۴۴).

### چوبانکره

قبیله غیر متحرک کرد در کرمانشاه (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۷).

### چهار ایمک

۱ - چهارایمک در مرزهای غربی نزدیک هرات در افغانستان هستند (بلیو ص ۱۳).

۲ - قبایل سرگردان در مرز افغانستان. چهارایمک در اصل از چهار قبیله جمشیدی و فیروزکوهی و تیموری و تیمونی تشکیل میشد. بعداً دو قبیله دیگر

یعنی هزاره و کیپیچک بآن اضافه شد. فیروز کوهی و تیمونی و کیپیچک اکنون در ایران یافت نمی‌شوند با این‌که گفته شده است دوقبیله اولی از نژاد ایرانی هستند. بلیو چهار ایمل اصلی را متشکل از تیموری و تیمونی و داهی و سوری میداند. جمشیدی و فیروز کوهی از شعب تیموری و هزاره مترادف داهی است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۹۸).

۳ - ساکنین فلب افغانستان (سایکس - جلد ۲ ص ۳۱۷).

#### چهار پنجه

قبیله غیر متحرک قشقائی (ترك) لارستان و فارس ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

#### حاجی مسیح خان

از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴)

#### حباشی

یا حبشی در مکران و لارستان. ممکن است با شوشیهای باستان منسوب باشند (هوسی - ص ۱۲۶)

#### حجمی

رجوع شود به حجمی.

#### حلولان

قبیله‌ای در لرستان ولی زیر عنوان قبایل کرد کرمانشاه ثبت شده‌اند. بادیه نشین در کوهستانهای جنوب شرقی کرمانشاه و قسمت علیای کوخه ۰۰۰ ۴ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

## حلیلان

رجوع شود به حولولان.

## حمودی

قبیله عرب درخوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۳).

## حمید

«حمید» قبیله عرب درخوزستان که تعداد افراد ذکور آنها متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۲).

## حیدر ائلو

قبیله بزرگ کرد آذربایجان درمرز نزدیک خوی (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵-۵۵۷).

## خلج

۱ - يك قبیله ترك که نام ترکی خود را حفظ کرده است. در نزدیکی تهران در مزلقان سکونت دارند. نویسنده آنها را مزلقانی خوانده است. اکثر آنها سر دراز هستند و احتمال میرود بطور قابل ملاحظه با ایران مخلوط شده باشند. از همه گروههای اندازه گیری شده زیادتس مو دارند موی آنها موجودار - اب متوسط دندان متوسط تا کوچک - قد ۱۶۴/۳ - شاخص سر ۷۶/۵ - حد اکثر قطریشائی ۱۰۶ - عرض گونه ها ۱۳۹ - عرض فکین ۱۰۳/۱ (دانیلو).

۲ - قبیله ترك قزلباش در جدولهای سلسله نسب رشیدالدین خلج یا صاحبتر خلج ثبت شده. شکلهای دیگر این نام عبارت است از کلیج و خلیج. خلیجهای ایران از همان نژاد خلیج و خلیجی و قلیجی یا قزلزائی افغانستان هستند و لی قبیله اخیس چندین قرن پیش برادران ایرانی خود را ترك کرد و نویسندگان شرقی حتی در اوایل قرن دهم ساکن افغانستان ذکر کرده اند. یکی از قبایل ترك از اولاد

اوقرخان دانسته‌اند. این قبیله در سال ۱۲۰۰ به قشون چنگیزخان ملحق شد و بعد-  
ها در آسیای صغیر استقرار یافت. بعدها قسمتی از آنها در ایران مستقر شدند  
و در سال ۱۴۰۴ آنها را در ناحیه فعلی که نزدیک ساره است می‌بایم قسمتی از  
قبیله در فارس و کرمان و آذربایجان سکونت دارند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ ببعد).

### خلجی

- ۱- افغان - اندازه های جمیحه (دوخانیکیف ص ۱۳۳ - ۱۳۹).
- ۲- «قلزائی» یکی از عناصر عمده افغانستان (بلیو - ص ۱۳).  
«خلیجی» یعنی شمشیر زن، وقتی وارد غور شدند شاید فقط از قبایل خالص  
ترك هتك و توخی و اندار و تراکی و تولی و پولر متشکل بودند (ص ۱۰۰).  
خودشان را غلجائی می‌گویند و دیگران آنها را قلزائی میخوانند تعداد آنها  
زیادودر ناحیه بین جلال‌آباد و کلات قلجی پراکنده‌اند (ص ۹۷).
- ۳- غلزائی یا قلزائی (بلیو آنها قلیج نوشته) یکی از دو قبیله بزرگ  
جنوب افغانستان است نژاد مختلط متشکل از صد هزار خانوار زمانی نیرومندترین  
قبیله قندهار بود. تصور می‌رود قلزائی‌ها با خلیج که ادیسی ذکر کرده یکی باشند  
ولی لانگورث دیمز در این مطلب تردید دارد (سایکس ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص  
۲۱۲-۲۱۸).

### خمسه

- ۱- قبایل عرب فارس و لارستان. عده آنها کمتر از قبایل ترك است و متجاوز  
از سه هزار چادر میشود. در همان ناحیه پراکنده هستند و نسب خود را از قبیله  
بنی شربان عربستان میدانند. طبق نظر راس (۱۸۷۵) قبایل خمسه متشکل است  
از: «باصری، نیار، بهارلو، آرایالو، ابولوردی، عمله‌شاهی، ومسنی (ترك)».   
در ۱۸۸۹: «بجری، نوفر، بهارلو، ایتلو». در ۱۸۹۰: «بصری، آینه‌لو، شیوائی  
صفری، جباره». (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).
- ۲- قبایل خمسه در ناحیه وسیعی در سمت مشرق ناحیه قشقائی چراگاه دارند.  
در زمستان بحوالی بندر عباس و لار و در تابستان بحوالی نیریز و ده بید  
نقل مکان میکنند. پنج قبیله عبارتند از عرب، آینه‌لو، بهارلو، باصری و نفر.

## فهرست قبایل و گروههای نژادی - ۷۶۱

اعراب که بیش از نیمی از افراد قبایل را تشکیل میدهند و به دو شعبه شیبانی و جباره تقسیم شده‌اند در اصل از نجد و عمان مهاجرت کرده‌اند و چهار قبیله دیگر از نژاد ترك هستند. زبان معمولی آنها عربی مخلوط با فارسی و ترکی و لری است، تعداد آنها ۷۰۰۰ نفر است (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۹).

### خنافره

یکی از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنها متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۳۲).

### خواجه‌وند

«خواجه‌وند و لك‌های دیگر» در دشتهای شمال تهران زندگی میکنند. بادیه نشین هستند. قبیله بومی ایران محسوب میشوند و بزبان فارسی مخلوط با ترکی تکلم میکنند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ بعد).

### خوانین

قبیله بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### خوزی

- ۱ - فارسی و عربی و خوزی در خوزستان بکار برده میشود. ظاهر خارجی ساکنین زرد و لاغر باریش کم و موی غیر انبوه (اصطخری - مقایسه شود با هوسی ص ۱۲۷).
- ۲ - تصور میرود خوزستان از اواجا مشتق شده باشد «بومیان» که در خطوط میخی حجاریها یافت می‌شود شاید ریشه اوخی Uxii استرابو و پلینی نیز همان باشد (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰).
- ۳ - یاقوت مینویسد خوزیها نژاد فرومایه و برنگ سیاه یا مسی هستند (سایکس ۱۹۰۲ - ۳۴۳).
- ۴ - موطن در ایلام - هوسی یا کوسی اوخیانهای Uxians یونانی هستند. این نام در کلمه خوزستان باقیمانده است (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۵۰-۵۳).



### دادتائی

یکی از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

### دارا بخانی

یکی از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارسی و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

### دانها

- ۱- یکی از قبایل بادیه نشین پارس (هرودوت I-۱۲۵).
- ۲- یاداهه در مشرق خزر و اینکه این نام اهمیت نژادی داشته باشد تردید است (لارنس).

### داهی

طبق نظر بلیو یکی از قبایل اصلی چهار ایماک مترادف با هزاره (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۹۸).

### درانی

یکی از دوقبیله بزرگ افغانستان ساکن ناحیه شرقی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۲۱۶-۲۱۸).

### دراویدیها

- ۱- نژاد دراویدی که در حجاریهای سوازا نشان داده شده اند ممکن است اسیر یا برده باشند (برینتون ص ۲)
- ۲ - قبیله براهوئی بطور قطع از نژاد دراویدی است . ممکن است نژاد دراویدی زمانی از هند تا شط العرب گسترده بوده است (سایکس ۱۹۰۲ ص ۳۴۲-۳۴۳)
- ۳- زبان براهوئی از نوع زبان دراویدیها است (هدون ص ۱۰۳).

## فهرست قبائل و گروههای نژادی - ۷۶۳

- ۴- شاخه‌های نژاد آریان با دراویدیها مخلوط شده (ورل-ص ۱۲۱-۱۲۲).  
۵- دراویدیها (براجوئی‌ها) که عمده آنها قنبرانی و منگال یا مونگال هستند در سراسر جنوب بلوچستان و کوهستان خاران پخش هستند. بلوچها با دراویدیها مخلوط شده‌اند (مکمون ص ۷).

### دورزاده

«دورزاده» يك قبیله ایرانی در بلوچستان (مکران) (مکمون ص-۷).

### دروپیکان

بنواحی شمالی بلوچستان مهاجرت کردند (سایکس ۱۹۲۱-جلد ۱-ص ۹۵-۹۹).

### دروپیکان

- ۱- از قبایل بادیه‌نشین پارس (هرودوت I-۱۲۵).  
۲- از نام دروپیکایی مشتقات زیادی وجود داشته و ممکن است اصطلاحی بوده برای «بیچاره» (لارنس).

### دروز

عناصر هند و ایرانی در میان دروزها متنوع و زیاد است. احتمال می‌رود دربادی امر درین‌النهرین باهم ازدواج کرده و بعدها درسوریا با ایرانیان مخلوط شده‌می‌باشند. از نظر نژادی دروزها مخلوطی از ایرانیها و عراقی‌ها و اعراب ایرانی شده باشند (هیتی ص ۲۲-۲۳) فن‌لوشان آنها را نماینده هیتی‌های عهد باستان می‌دانند (ص-۱۵).

### دروزیان

يك قبیله ایرانی که به کشاورزی اشتغال دارند (هرودوت I-۱۲۵).

### دره شوری

۱- «دره شولی» از قبایل بادیه‌نشین فشقائی (ترك) ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن

۱۸۹۲- جلد ۲- ص ۱۱۲-۱۱۴).

۲- یکی از قبایل عمده قشقایی (سایکس - جلد ۲- ص ۴۷۷-۴۷۸).

### دنارونی

۱- یکی از شعب فرعی بختیاریهای اصفهان (لایارد ص ۷).

۲- لایارد میگوید يك قبیله بختیاری هستند که در ۱۸۳۰ از ملایر باصفهان

آمده اند (هوسی ص ۱۲۲) .

### دهوار

۱- متعلق به نوع هندوایرانی (هدون- ص ۸۶).

۲- دهوارها یا دخانیها قسمتی از جمعیت ایرانی بلوچستان هستند (مکمون

ص ۷).

### ذوالقدر

قبیله قزلباش ترك - معدودی از آنها باقیمانده . در آذربایجان زندگی می-

کنند (هتوم- شیندلر- ص ۴۸ بعد).

### رحیمی

از قبایل بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس ولاستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲

جلد ۲- ص ۱۱۲-۱۱۴).

### رند

رند مکران که گفته میشود بلوچی خالص هستند تنها اعراب قبیله کترن

هستند (دنیگر ص ۵۰۷).

### ریگی

در بلوچستان قبایل بادیه نشین پراکنده زندگی میکنند که ریگی نامیده

میشوند و مهمترین آنها قبیله محمدانی است . از نژاد عرب هستند (مکمون ص ۷).

## ززا

قبیله کرد آذربایجانی در کوهستان شمال غربی اشنو سنی - هزار خانوار  
(کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۵۵-۵۵۷).

## زعفرانلو

کردهای زعفرانلو ساکنین عمده قوچان در خراسان (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۹۱) شاه عباس آنها را از ایالات شمال غرب خراسان انتقال داد (جلد ۱ - ص ۹۷ - ۹۸).

## زگرتو

در دوره آسوریها ملت کوچکی وجود داشت که سامیها آنها را زگرتو میخواندند در پارسوا و در ناحیه شمالی زاگرس زندگی میکردند (لارنس - یادداشت به هرودوت I - ۱۲۵).

## زند

۱ - قبیله کرد زبان زمانی تحت نظر کریم خان - اکنون کاملاً از بین رفته اند (شوبرل - ص ۲۰).  
۲ - زندها لر هستند. هنوز ۱۵۰ تا ۲۰۰ خانوار نزدیک قم و همدان و ملایر و بختیاری زندگی میکنند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ بعد).

## زنگنه

قبیله کرد کرمانشاه - شیعه - ۱۵۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

## زنگیون

از قبایل ده نشین قشقایی (ترك) فارس ولارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### سارته‌ها

- ۱ - قسمت عمده جمعیت ترکستان بین سیحون و جیحون متشکل از سارته‌های اسکان یافته که نژادی هستند مخلوط از ازبک قرغیز و تاجیک و عناصر دیگر (هدون ص ۱۰۳ - ۱۰۴).
- ۲ سارته‌های ترکستان روسیه از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه تاجیک‌ها هستند (دنیکور ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

### سارق

طایفه از ترکمن‌ها (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

### ساسانیان

سلسله ساسانی از پارس آمدند (ورل - ص ۱۲۵ - ۱۲۶).

### ساسپیریان

ساکن کشوری شمال مادیا (هرودوت IV - ۳۷).

### سائور

طایفه از ترکمن‌ها (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

### سامی‌ها

۱ - مجموعه بختیارها شبیه مجموعه‌هائیکه او تهرانی می‌نامد : هن دو در ارتفاع سر نفوذ سامی نشان می‌دهند (دوخائیکف - ص ۱۰۹) . اندازه‌های سر : شاخص سر ۷۸/۳ ( ۵۹ و ۶۳ ) . سامیهای هند شاخص سر ۷۳/۹ . اندازه‌ها ( ص ۷۰ ) . وقتی مجموعه سامی با مجموعه ایرانی مقایسه میشود بنظر میرسد از حیث ظرفیت مغز کمتر و از عرض و طول کوچکتر ولی در ارتفاع بلندتر است ( ص ۷۱ ) . ایران مدت ۲۰۰ سال تحت تسلط یونانی و سامی بود ؛ و ۵۰۰ سال تحت تسلط یونانی و سامی و آرامائی و تورانی . و تحت تسلط سامی ۴۰۰ سال ( ص ۷۴ - ۷۶ ) . در سمت مغرب شیراز و اصفهان نفوذ سامی قویتر است و این مطلب

در شکل سربخوبی آشکار میشود (ص ۱۰۷ - ۱۰۸). نسطوریاها و کلدانیان نزدیک ارومیه و سلماس و سرچشمه رود زاب سامی هستند (ص ۱۱۰) شکل جمجمه نسطوریاها سامی است بخصوص در میان اقوام دز و جل و باز و تخومه و طیار که همه آسوری هستند. چشم سامی فرو رفته است (ص ۱۱۱-۱۱۲). ارمنی‌ها با سامیها مخلوط شده‌اند (ص ۱۱۲). اندازه جمجمه‌های سامی (ص ۱۳۱-۱۳۹).

۲ - سامیهای ایران عبارتند از اعراب و سیدها و یهودیها (هوسی - ص ۱۰۳). نواحی کوهستانی بین فارسیها و لرهامحل اختلاط آریانیها و نوراتیان و سامیها است (ص ۱۲۲)

۳ - بعد از دوره ماقبل تاریخ آریانیهای ایران با نژادهای سامی مانند آسوریان و اعراب و یهودیها مخلوط شدند (دایلو - ستون ۱۰ - ۱۹ - ۲۲-۲۸).

۴ - بعضی از حبشیان آسیائی موی صاف داشته و سامی بودند (برینتون - ص ۳). در دوره‌های ماقبل تاریخ و دوره اولیه تاریخ نژادهای قفقازی و آریائی و سامی سه شعبه بزرگ نژاد سفید در مغرب آسیا محسوب میشدند (ص ۱۱-۱۷). سلسله جبال آمانوس در مغرب و ماسیوش در شمال و زاگرس در مشرق حدود تاثیر نژادی سامی است (ص ۳۲).

۵ - سامیها از سه شعب نوع نژادی ایرانی هستند. در سمت جنوب غربی در اثر تماس با اعراب جمعیت تیره رنگتر بوجود آمده است (ریلی ۴۴۲ - ۴۵۲).

۶ - در ایلام اول هجوم سومریها و سپس سامیها واقع شد (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۵۰ - ۵۳) و سامیها بردشت و آریانیها بر فلات ایران تسلط یافتند. تاریخ دنیای قدیم مبارزه بین نژادهای سامی جنوب و نژادهای آریائی شمال است که بالاخره به موفقیت کامل نژادهای شمالی تمام شد (جلد ۱ - ص ۹۵-۹۹). ۷ - بندهش معتقد است که اعراب و ایرانیها و سامیها و آریانیها در مغرب آسیا جلد مشترک دارند (مدی ۱۹۱۹ - ص ۷۳۳).

۸ - مهاجرتهای سامی (عرب) نوع ایرانی را تغییر داده است (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳).

۹ - ممکن است دلیل وجهتی برای بحث در باره فامیل سامی زبانها وجود

داشته باشد ولی چنین بحثی در باره نژاد سامی نمیتوان داشت. نژاد حقیقی سامی دارای موی سیاه براق و مجعد و انبوه، حجمه از نوع سردراز، بینی برجسته و تا حدی عقابی، لب کلفت، پوست سفید تیره، چشمان سیاه میباشد (سایکس ص ۱۰۷-۱۰۸).

۱۰ - علمای علم مردم شناسی جسمانی یقین دارند که بین النهرین (عراق) مرز شرقی نوع افراد سامی است و سامی هائی که بعنوان مردم تیره رنگ مدیترانه می شناسیم که از عربستان به بین النهرین حمله کردند در ازمنه اولیه ساکن ایران نبودند. بنابراین وقتی نویسنده فصل دهم سفر آفرینش ایلام را پس شم یعنی يك سامی میخواند این مطلب از جنبه جغرافیائی و فرهنگی درست است و نه از جنبه مردم شناسی (کامرون - ص ۱۵ - ۱۹).

#### سربندی

یکی از قبایل عمده بلوچی در سیستان. تیمور آنها را بهمدان منتقل کرد و نادر شاه آنها را مراجعت داد (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸).

#### سعیلی

زیر عنوان سامرا ذکر شده است (هوسی ص ۱۰۳).

#### سکا

سکاها آریانهائی هستند که در حدود ۱۳۰ قبل از میلاد از آسیای مرکزی بایران مهاجرت کرده پایتخت خود را کرکوک قرار دادند. نام آنها در سیستان فعلی باقی مانده است. از آراکسیا از راه تنگه بولان وارد هندوستان شده و برای مدت کوتاهی امپراطوری خود را تا دهلی و بمبئی بسط دادند (هرسفلد ۱۹۳۵ - ص ۶-۱۰).

#### سگرتیان

قبیله بادیه نشین پارس (هرودوت I - ۱۲۵) تنها کسانی بودند که بدربار هخامنشی خراج میدادند. کلمه آساگارتها فارسی باستان ممکن است محل سکونت

قبیله در کوهستان شمال زاگرس باشد ولی بعضی از آنها نزدیکتر به مرکز ایران زندگی میکردند (لارنس - یادداشت به هروودت I-۱۲۵).

### سلجوقیه‌ها

- ۱ - شعبه‌ای از ترکان غز که از آنها خود را مشخص نگاه میداشتند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۳ - ص ۲۸).
- ۲ - سلجوق‌ها در قرن یازدهم به ایران حمله کردند . (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۹ - ۷۰).

### سلیمان

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۲).

### سنجایی

قبیله کرد ساکن ماهیدشت مغرب کرمانشاه - علی‌اللهی ۱۵۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

### سودان

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۳۲۰-۳۲۲).

### سوری

طبق نظر بلیوکی از قبایل اصلی چهار ایماک (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۹۸).

### سوریه‌ای

- ۱ - بندونیا بومیانی هستند که با سوریه‌ای‌ها مخلوط شده‌اند (هوسی ص ۱۲۲).
- ۲ - شاملوها سوریه‌ای هستند (هتوم - شیندلر ص ۴۸ - بعد).



### سومریها

۱ - سومریها قبل از سامیها در بابل بودند ولی قبل از آنها نژاد ایلامی اولیه در آنجا زندگی می کرد که سفال ساخت آنها شبیه سفال بدوی شوش بود ( سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۶۱-۶۲ ).

۲ - از آنجائیکه سومریها از شمال شرقی بیابان آمدند و این مطلب از نوع اشکالی که برای نشان دادن کوه و دشت می کشیدند پیداست برای یافتن آثار ارتباط زبانی که ممکن است تاکنون باقی مانده باشد بدانسو باید جستجو کرد اصل و میثاء تمدن و فرهنگ کلدانیان رامرهون این قوم قبل از سامی باید دانست (سایکس ص - ۹۵).

۳ - اجداد سومریها ممکن است مخلوطی از قبایل سفید و زرد بوده باشند (ورل ص ۴۴).

۴ - سومریها از نژاد مغولند و احتمال می رود بقایای آنان امروز در قسمتی از ترکیه و افغانستان یافت شود (علیشاه ص ۱۵۳) .

۵ - ممکن است مردم سردراز ایران قدیم سومری یا مربوط بسومری بوده اند گفته شده است می توان هنوز اثر ورده صورت نوع سرمری را در میان مردم افغانستان و بلوچستان و حتی دره سند یافت ( کامرون ص ۱۵-۱۹ ).

### سونگورو

قبیله ده نشین کرد در شمال کرمانشاه . تعداد کولیهای و سونگورو ۲۵۰۰ خانوار است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۵۷).

### سیاهپوست

۱ - بنا بگفته کاتر فاژ و حامی نوع سیاهپوست در نقوش برجسته آسوری نماینده عنصر بدوی شوش است که شاید ساکنین آن مخلوطی از کوچیت ها و سیاهپوست ها بودند . بینی نسبتاً پهن - گونه برجسته - لب کلفت ( هوسی - ص ۱۲۲ ) . میانگین شاخص سر سیاهپوست ، ایرانی و پارسی تقریباً مساوی با شاخص سر شوشی است ( ۷۸۳۵ ) - سیاهپوستان قد کوتاه از نوع سر کوتاه با شاخص سر در حدود ۸۰ می باشند . در شوش يك نژاد مشخصی است که مخلوط است از

تورانی و ایرانی و سیاهپوست ( ص ۱۳۶-۱۳۷ ) شوش سابقاً جمعیت سیاهپوستی داشت که اجداد سیاهپوستان هند هستند ( ص ۱۴۳ ).

۲ - در بلوچستان در اثر ورود بردگان سیاه از مسقط و زنگبار اختلاط قابل ملاحظه افریقائی وجود دارد . بعضی صورت ها کاملاً از نوع سیاهپوست است . ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۵۸-۲۵۹ ).

۳ - شوشیا سیاهپوست دور که هستند . بعضی از قبایل بادیه نشین ترک در جنوب ایران با سیاهپوستان مخلوط شده و بعضی از صفات آنها را اخذ کرده اند . بینی پهن صاف و کوتاه پوست سیاه و قد کوتاه خود را سیاه میخوانند . قبایل ده نشین مرکز ایران با عناصر سیاهپوست جنوب مخلوط شده اند ( دانیل وستون ۱۹-۲۶-۲۸ ).

۴ - نمونه افراد سیاهپوست که بر ابنیه و آثار تاریخی شوش دیده میشود ممکن است تصویر بردگان و اسرا باشد و این امر وجود صفات نژاد سیاهپوست را در میان شوشی ها بیان می کند ( بریختون ص ۲ ) . حبشی های آسیائی از نژاد سیاهپوست نبودند . موی صاف داشتند بعضی از سامیها بودند ( ص ۳ ).

۵ - دیولافوا از وجود جمجمه افراد نژاد سیاهپوست در آثار پارتها صحبت می کند . ساتراپی داریوش یعنی بلوچستان شامل حبشی های آسیا باموی صاف بود ( سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۲ - ۳۴۳ ).

۶ - دیولافوا و دومرگان هر دو معتقدند که دشت شوش از زمان بسیار قدیم محل سکونت سیاهپوستان کوتاه قد بوده که شاید ساکنین اصلی آنها بودند در نقوش برجسته قدیم تصویر سیاهپوستان کوتاه قد دیده می شود . در بشاجرا و سرحد در بلوچستان افراد سیاه چهره دیده میشود . شاید ساکنین اول آن سیاهپوست بود و میان آناریکوها یا غیر آریائی های یونان باشند که در سراسر ساحل شمالی خلیج فارس تا هندوستان زندگی می کردند . ولی در نواحی کوهستانی شمال و مشرق ایلام اثر نژاد سیاهپوست وجود ندارد بنا بر این چنانکه استرابو و هرودوت گفته اند در شوش و ایلام دو نوع نژادی وجود داشته است ( سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۵۰-۵۳ ).

۷ - نژاد آسوری مخلوط با سیاهپوست در جنوب بلوچستان یافت می شود . در جنوب غربی بلوچها با سیاهپوستان مخلوط شده اند . مکرانی ها مخلوطی از نژاد

هند و افغانی و آسوری و سیاهپوستند (دیکرس ۵۰۵-۵۰۸).

۸- اگرچه غلامان سیاه افریقائی بتعداد زیاد بایران آورده نشدند بین کرمانشاه و کرمان هزارها فامیل هستند که جد آنها کاکاسیاه بوده. اینها در اول برده و بعداً مستخدمین معتمد رؤسای قبایل بودند. اثر خود را بر جمعیت خلیج باقی گذاشته اند اگرچه تعداد بردگان زن یا کنیز خیلی کم بود (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۳۳-۳۴).  
۹ - شواهد و مدارکی در دست است که نشان میدهد زمانی جمعیتی از نژاد سیاهپوست اولیه از هند در امتداد سواحل خلیج فارس وجود داشته است. تصویر اینگونه افراد در نقوش برجسته یکی از شاهان آسوری در قرن هفتم قبل از میلاد دیده میشود. نویسندگان یونان از حبشی ها در جنوب شرقی مملکت صحبت می کنند اولاد آنان در عصر حاضر پوست مسی موی صاف و جسمه مدور دارند ولی هرگز عنصر بزرگ یا عمده ای در جمعیت بشمار نیامدند (کامرون - ص ۱۵-۱۹).

### سیستانی

ساکنین عمده عصر حاضر در سیستان در بین قبایل دیگر وضعی شبیه بردگان دارند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸).

### شاملو

یکی از قبایل قزلباش ترك - اکنون قسمتی از شاهسونها. قسمتی قبیله جدا - گانه بنام بهارلو (هتوم - شیندلر ص ۴۸ ببعد).

### شاهدلو

از قبایل کرد خراسان که در بجنورد مستقر هستند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۹۱) شاه عباس آنها را از ایالات شمال غرب بکوهستانهای خراسان انتقال داد (جلد ۱ ص ۹۷-۹۸).

### شاهرگی

یکی از قبایل عمده بلوچی در سیستان ایران (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸).

### شاهسون

- ۱- شاهسون‌ها یکی از قبایل مهم و بزرگ ترك در اردبیل هستند (كرزن ۱۸۹۲ جلد ۲-ص ۲۷۰).
- ۲- از قبایل بادیه‌نشین ایران. در قرن هفتم شاه‌عباس اول این قبیله را برای شکستن قدرت قبایل قزلباش تشکیل داد. معنی آن یعنی دوستداران شاه. شامل قسمتی از شاملوها میشود. در ۱۸۹۶ اینانلوهاعمرده‌ترین شعبه شاهسون بودند (هتوم- شیندلر-ص ۴۸ ببعد).

### شرافه

- از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر است. (كرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۲).

### شریفات

- یا شریفت قبیله عرب در خوزستان که افراد ذکور آن از ۵۰۰ نفر متجاوز است (كرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ ص ۳۲۰-۳۲۲).

### شش بلوکی

- ۱- قبیله بادیه‌نشین قشقایی (ترك) انیس‌ولارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (كرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).
- ۲- یکی از طوایف عمده قشقایی (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۲ ص ۴۷۷- ۴۷۸).

### شكاك

- کرد آذربایجانی مسیحی ترك ونیمی ایرانی - سنی از فرقه شافعی تعداد ۱۵۰۰ خانوار (كرزن ۱۸۹۲ جلد ۱-ص ۵۵۵-۵۵۷).

### شمشیری

- قبیله بادیه‌نشین کرد نزدیک مرز قشلاق آنها در خاک ترکیه است. ۴۰۰

خانواری (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵-۵۵۷).

### شوشی

۱- قوام آریائی و سیاهپوست ایران - طبق نظر کاترفاز و حامی نوع سیاه پوست که در نقوش آسوری دیده میشود نماینده عناصر اولیه سوزیانا است که ساکنین آن شاید مخلوطی از کوچیت و سیاهپوست باشند . بینی نسبتاً صاف گونه برجسته ، لب کلفت. ممکن است باحبشی مکران و لارستان که هامیلتون اسمیت ثبت کرده ارتباط وجود داشته باشد . آیا اینها همان مردمی هستند که نوع اولیه بودای سیاهپوست هند را آوردند (هوسی ص ۱۲۶) شوشیهای جدید از نوعهای دیگر ایرانی مشخص هستند (ص ۱۲۷) . شوشیها کوتاهترین و عریضترین بینی را در ایران دارند . شاخص بینی ۸۰ در شوشی يك نژاد مشخصی که از اختلاف تورانی و ایرانی و سیاهپوست بوجود آمده که از آنها یکی از این سه خصوصیت آشکار میشود ( ۱۳۶-۱۳۷ ) . از میان ۱۱ فرد ۵ نفر خصوصیات ایرانی و ۵ نفر خصوصیات سیاهپوست دارند و خصوصیات و نفوذ تورانی فقط بوسیله يك فرد خیلی سر کوتاه نشان داده میشود . اندازهها (ص ۱۳۷-۱۳۸). شوشیها از خلیج فارس تا پای سلسله جبال زندگی میکنند و مرکز آنها دزفول است (ص ۱۴۳).

۲- سوزیها که سیاهپوستان دور که هستند در ناحیه شمال غربی شیراز زندگی میکنند. قد ۱۶۳٫۳ (دانیلو).

۳ - تصاویر افراد نژاد دراویدی بر آثار شوش شاید تصویر برآگان باشد و همین امراض و خصوصیات سیاهپوستی شوشیهای جدید را بیان می کند ( برینتون ص ۲).

۴ - سوزیها سومین نوع فرعی ایرانی هستند . اثر خون سیاهپوست در آنها مشهود است : بینی بازو پهن و لب کلفت - موی مشکی و چشم سیاه - اولین اثر جمعیت بومی تحت نفوذ هندوها (ریپلی-ص ۴۴۲-۴۵۲).

۵ - طبق نظر دیولافوا و مرگان دشت شوشی در زمان قدیم بوسیله سیاه پوستان اشغال شده بود . ممکن است اینها ساکنین اصلی دشت خوزستان بودند (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۱ ص ۵۰-۵۳).

۶- شوش ( سوزیانا ) شامل اثر مردمان تیره پوست است که از روی آثار

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۲۷۵

تاریخی نژاد قبل از درویدی یا شاید نژاد اولوتریکوس می‌باشد (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳). شوشی‌ها در گروه ایران و مدیترانه محسوب می‌شوند و دارای بینی خیلی پهن می‌باشند که ممکن است در اثر نفوذ نژاد بیگانه باشد (ص ۸۶).

### شیبانی

- ۱- از قبایل خمسه بادیه نشین (عرب) فارس و لارستان (کرزن ۱۸۹۰-۱۸۹۲- جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).
- ۲- شعبه‌ای از قبیلۀ عرب خمسه. در اصل از نجد و عمان مهاجرت کردند (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۲ ص ۴۷۹).

### شیخ اسمعیل

قبیلۀ بادیه نشین کرد در اردلان نزدیک اسفندآباد که زمستانها بھاك ترکیه می‌روند ۳۰۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۱ ص ۵۵۵-۵۵۷).

### شیوری

رجوع شود به اوردشیری.

### صفری

از قبایل بادیه نشین خمسه (عرب) فارس و لارستان ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

### صفی خانی

۱- باصفاخانی. قبیلۀ بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲- جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

۲- یکی از قبایل عمده قشقایی (سایکس ۱۹۲۱- جلد ۲ ص ۴۷۷-۴۷۸).

### صوری

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنها متجاوز از ۵۰۰ نفر

است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

### طائی

تاجیک شکل فارسی وسط کلمه آرامائی طائیم یا قبیلۀ عرب طائی میباشد . زمانی ایرانیان قبیلۀ عرب طائی را نمابنده همه دنیای عرب میدانستند و نام آنها بهمه اعراب اطلاق میشد (حسن ص ۷۹).

### طالش

۱ - در ناحیه بحر خزر زندگی میکنند و بیک لهجه فارسی صحبت میکنند (دانیلو ستون ۱۰ - ۱۹ - ۲۶-۲۸).

۲ - طالش نام بعضی از عجمیها در ساحل بحر خزر است (دیکر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

۳ - در قفقاز ۹۱ هزار طالش است و بزبان هندو ایرانی تکلم میکنند (باچما کف ص ۲۱) .

### عجمی

۱ - زیر عنوان مغول - آریائی آمده است. کبرها بطور کلی از تاجیک و عجمی متشکل هستند (هوسی ص - ۱۰۳) . از قم تا خطی بین اصفهان و آباده عراق عجم نامیده میشود که مسکن جمعیت ترکمن و آریائیهای مادی و پارسی است که خود را عجمی مینامند (ص - ۱۱۰ ببعد) شامل قسمت عمده جمعیت ایران است و این گروه از تهران تا دهبید و از لرستان تا خراسان بسط دارد و شامل تهران و اصفهان و قم و قمشه (شهرضا) میگردد. شاخص سر ۸۴/۶۱ و ۸۱/۵۴ (تهران). در قم (ص - ۱۱۵) تعدادی از ساکنین استخوان پیشانیان از جهت افقی فرو رفتگی داشت. خصوصیات جسمانی آنها ظریف است. موی آنها براق و ابوه مانند موی تورانیان است. موی سر را میزنند و صورت خود را بجز سبیل میتراشند. بینی کوچک و ظریف است. سر آنها درازتر از سر ارمنیها و استخوان گونه کوچکتر است (ص - ۱۲۰) شاخص بینی ۶۶/۷ (ص - ۱۳۳).

۲ - در واقع قبیلۀ عجمی وجود ندارد. عجم به عربی یعنی بیگانه و اعراب

همه افراد غیر عرب را عجم می‌خواندند - عجمی یعنی ایرانی یا جمعیت شهرنشین ایران. قد ۱۶۱/۵ (دانیلو).

۳ - «عجمی» مخلوطی از ایرانیان خالص یا نژاد ترکمن یا قاتار میباشد (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۴ - عجمی در گروه ایرانی و مدیترانه بشمار آورده شده است (هدون - ص ۸۶).

۵ - در مغرب خطی از استراباد بدیزد و کرمان بین تهران و اصفهان عجمی - ها سکنی دارند. عجمی‌های کناره دریای خزر طالش و مازندرانی خوانده میشوند. عجمی‌ها که از طبقه سر دراز هستند و قد متوسط دارند از نوع نژادی آسوری یا هند و افغانی میباشد (دنیکر - ص ۵۰۵ - ۵۰۸).

## عرب

۱ - بعضی قبایل عرب در کردستان (ملکم - جلد ۲ - ص ۲۰۷ - ۲۱۰) و در خراسان ساکنند (ص ۲۱۶). قبایل عرب ایران خصایص اصلی عربی خود را حفظ کرده‌اند (جلد ۲ ص ۶۱۷) اعراب در بلخ و بخارا نیز هستند ولسی تحت حکومت افغانها و قاتارها ضعیف شده‌اند (جلد ۲ - ص ۲۷۲).

۲ - زبان عربی (در ایران) - زبان قبایل نژاد عرب که تعداد آنها هشت فامیل و ۹۳۵۰۰ نفر است (شوبرل - ص ۲۰).

۳ - سر کوتاه آسیائی هستند. همچنین فك صاف دارند (رتزیوس - ص ۱۱۲).

۴ - اندازه سر اعراب شمال آفریقائی با مقایسه با یهودیها و سامی‌ها : شاخص سر ۷۶/۰ و ۷۵/۹ از پروئری (دوخیکیف ص ۷۰). همان اندازه‌ها از جیمه‌ها توسط دوخیکیف. شاخص سر ۷۱/۷ - ۸۳/۱ - ۷۲/۹ - ۸۰/۱ - ۷۲/۶ (ص ۷۱). تعداد تاجیکها زیاده‌تر از آنستکه بتوان آنها را اولاد جنگجویان عرب دانست (ص ۸۷ - ۸۸). اندازه‌های جیمه عرب آفریقائی شمالی (ص ۱۳۱).

۵ - اعراب تحت سامی‌ها بشمار آمده‌اند (هوسی - ص ۱۰۳). بعضی ایلات که بنظر میرسد از نژاد عرب باشند و اکنون با فارسها مخلوط شده‌اند عرب میباشند



(ص ۱۱۹).

- ۶ - بعضی خانواده‌های قم و کاشان خود را عرب میدانند ولی اکنون خیلی کم خون سامی دارند (هتوم - شیندلر ص- ۴۸).
- ۷ - بموجب نظر هتوم - شیندلر اعراب شامل ۵۲۰۲۰ خانواده در ایران هستند و طبق نظر زولوئارف تعداد اعراب در ایران ۳۰۰ هزار نفر است (کرزن ۱۷۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) اکثریت افراد عرب در ایران اسکان یافته‌اند (جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۱) . دشتهای ساحلی (خوزستان) جمعیت عرب دارد که تاحدی با ایرانیها مخلوط شده‌اند . جمعیت عرب ایران اول با حمله اعراب در سال ۶۴۱ میلادی آمدند و بعداً بوسیله مهاجرت از اطراف دجله و خلیج فارس و افرادی که توسط شاه اسمعیل از نجد آورده شدند افزایش یافت . مهمترین همه در این ناحیه اعراب کعب هستند که در اصل هفتاد و دو قبیله بودند . طبق نظر رابرتسون بیست و یک قبیله در آن ایالت هست که همه کعب نیستند و تعداد افراد ذکور آنها از ۵۰۰ بیلا است. تعداد قبایل کوچکتر زیاد است در مرزهای شرقی قبایل منطق حویزه و بنی‌لام هستند که در خاک ترکیه (عراق فعلی) قرار دارند . قبایل عرب و نیمه عرب خوزستان بین ۱۷۰ هزار و ۲۰۰ هزار نفر تخمین زده شده‌اند (جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲) . قبایل مهاجر فارس و لارستان لر ترک و عرب هستند . قبایل خسته عرب هستند و تعداد آنها از قبایل ترک کمتر است (جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴) بلوچها ادعا میکنند که از نژاد عرب میباشند (جلد ۲ - ص ۲۵۸ - ۲۵۹) . طبق نوشته دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تعداد اعراب خوزستان صد هزار نفر بود (جلد ۱ - ص ۱۷۹) . معدودی فامیل عرب در کلات نادری ساکنند (جلد ۱ - ص ۱۳۹) .
- ۸ - بعد از ازمنه ماقبل تاریخ آریانه‌های ایران با اعراب مخلوط شدند . اعراب همه کسانی که عرب نبودند عجمی نامیدند (دانیلو - ستون ۹-۱۰ - ۲۶-۲۸) . از لحاظ اندازه دست و پا اعراب شبیه ساکنین ایرانند (ستون ۱۳۵).
- ۹ - کردها به اعراب سوریه شباهت دارند . نوع نژادی سامی در ایران در امتداد خط تماس با اعراب پیدا میشود و در نتیجه مردم سیاه چهره‌تر بوجود آمده است (ریپلی ص - ۴۴۲ - ۴۵۲).
- ۱۰ - اعراب که در زمان حمله اعراب بایران آمدند یکی از چهار طبقه

ایران را تشکیل می‌دهند (فین ص ۳۲ - ۳۳).

۱۱ - تیموری‌ها از نژاد عربند. در خراسان هم عرب یافت می‌شود (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲) اعراب که نیمی از قبایل خمسه را تشکیل می‌دهند به شیانی و جباره تقسیم می‌شوند. از نجد و عمان مهاجرت کردند (سایکس - جلد ۲ - ص ۴۷۹).

۱۲ - طبق نظر مسعودی بعضی از اعراب نسب خود را از کحطان میدانند و بعضی رابطه خود را با ایران تأیید می‌کنند. بندهش پهلوی نظر دوم را تأیید می‌نماید. تازیها یا اعراب از اولاد تاز هستند یعنی عرب و ایرانی در مغرب آسیا از يك شاخه می‌باشند (مدی ۱۹۱۹ ص ۷۳۳). فردوسی از اعراب بنام تازی گفتگو می‌کند. عرب‌ها مل‌احان خوب بودند (ص ۷۳۷ و ۷۳۸). اسکندر پس از غلبه بر ایران اعراب را در ارتش خود راه داد (ص ۷۵۵) در اوایل عصر مسیحیت اعراب یمن کشور خود را ترک گفته و بسوی شمال رفتند (ص ۷۳۹) تازی‌ها که یکی از دو گروه‌های نژادی عمده ایرانند از اولاد اعراب زردشتی شده می‌باشند. فن‌لوشان آنها را اولاد ایرانیان قدیم می‌داند. بعضی از تازی‌ها با مذهب زردشتی ارتباط پیدا کردند و این مطلب شاهد تماس آنها با ایرانیان است (ص ۷۴۷ - ۷۴۸).

۱۳ - اعراب گروهی هستند که بدون اجازه بایران راه یافتند. حملات سامی‌ها (عرب) نوع نژادی ایران را تغییر داده است (هدون - ص ۱۰۲ - ۱۰۳).  
۱۴ - نژاد آسوری در جنوب ایران با عناصر عرب مخلوط شده است (دنیکر ص - ۵۰۰ - ۵۰۶). بلوچها نیز در جنوب با اعراب مخلوط شده‌اند. قبیله رند مکران که گفته می‌شود بلوچ خالص هستند از اعراب کترتان می‌باشند (ص - ۵۰۸).

۱۵ - اعراب که بصورت بادیه نشین زندگی می‌کنند خالصترین نوع در ایران هستند و شاید از اولاد اعراب محلی مستقر در ایران باشند. خصوصیات جسمانی آنها دیگر عرب نیست و با ایرانیان اشتباه می‌شوند (ایوانو - ص ۱۵۵).  
۱۶ - چینی‌ها اعراب را تازی یا تاشی (که همان تازی یا تاجیک فارسی باشد) می‌نامند بنابراین ایرانی‌ها اعراب را به چینی‌ها شناساندند. زمانی اعراب مسلمان طائی از طرف ایرانیان نماینده همه عرب‌ها محسوب می‌شدند و به همین جهت این نام به‌همه

اعراب اطلاق گردید (حسن ص - ۷۹).

۱۷ - در بین دروزها عناصر عرب ایرانی شده وجود دارد (هیتی ص - ۲۳-۲۲).

۱۸ - احتمال می‌رود که ریگی‌های بلوچستان از نژاد عرب باشند . کلیه بلوچستان جنوبی و سیستان از زمانهای خیلی قدیم توسط اعراب اشغال شده بود و تا قرن دوازدهم تا دره سند پراکنده شدند. مردمان از نژاد عرب با درآویدها و ایرانیها مخلوط شدند و بلوچ نامیده می‌شوند (مکمون ص-۷).

۱۹ - اولین چهار مهاجرت بزرگ بادیه نشینی از آن اعراب در قرن هفتم میلادی است. احتمال می‌رود که اشغال جنوب فارس و خوزستان توسط قبایل عرب مستقلا و بعد از حمله اصلی اعراب در قرن ششم صورت گرفته باشد . نفوذ اعراب و اشغال کوهستانهای جنوب غربی ایران بوسیله اعراب در قرن پانزدهم و بعد نسبتاً مسالمت آمیز بوده است ( ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۹-۷۰ ). بعضی از قبایل عمده لرستان و فارس از نژاد اعراب هستند . سلاطین سلسله صفوی (که از نژاد ایرانی بودند) گاهی با زنان عرب ازدواج می‌کردند (ص ۳۳ - ۳۴). فرهنگ و تمدن زردشتی با موفقیت در مقابل مهاجمین عرب در قرن هفتم مقاومت کرد زیرا سربازان عرب با زنان ایرانی ازدواج کردند و اولاد آنها دین مادر خود را اختیار می‌کردند (ص-۲۹-۳۰).

### عساکره

یکی از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنها ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

### عشقه باش

یکی از شعب فرعی قسمت سوم ایل قاجار در کنار شعبه رودخانه گرگان (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۲۷۷).

### علا بیگلر

یکی از قبایل قشقایی (ترك) در فارس ولارستان - ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲)

جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴).

### علاقوینی

یکی از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) در فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### علی‌اللهی

فن لوشان آنها را یکی از نمایندگان معاصر هیتی های باستانی بشمار می‌آورد (هیتی ص ۱۵).

### علیق‌لی‌خانی

رجوع شود به علاقوینی.

### عمارلو

امانلو نیز خوانده میشود. قبيله کرد که شاه عباس از ایالات شمال غربی بخراسان کوچ داد (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۹۷-۹۸).

### عمله ایلخانی

یکی از قبایل قشقائی (ترك) در فارس و لارستان (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

### عمله شاهی

یکی از قبایل بادیه نشین خمسه (عرب) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### عندار

طایفه ترك حقیقی در قر متعلق به قلیچ (بلیو ص ۱۰۰).

### غربتی

کولیهای فارس را گاهی غربتی می‌نامند (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۴).

### غرشمال

۱- در خراسان به کولیا غرشمال می‌گویند که تحریفی است از غیرشمار (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۴).

۲- غرشمال نام کولیهای خراسان (ایوانو - ص ۱۵۵).

### غز

سلجوقیان شعبه‌ای از ترکان غز بودند ولی خود را از آنها مشخص نگاه می‌داشتند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۸).

### غزایل

قبیله اسکان یافته ساکن کرمانشاه (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

### غلزائی

رجوع شود به خلجی.

### فارس

۱ - زیر نام آریانه‌های پارس صورت داده شده است (هوسی ص ۱۰۳) بینی عقابی دارند (ص ۱۱۵). بنظر میرسد که ایلات از نژاد عرب باشند ولی اکنون با فارسها مخلوط شده‌اند (ص ۱۱۹).

۲ - فارسهای اطراف تخت جمشید از نوع ایرانی خالص هستند. پوست سفید دارند باریک اندامند و موی سر وریش آنها انبوه و برنگ بلوطی است (ریپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۳ - یکی از دو نوع ایرانی. فارسهای اطراف تخت جمشید باریک و سر دراز و سفید پوستند و موی سر وریش آنها انبوه و برنگ بلوطی است. افراد مویور و آبی چشم در بین آنها بندرت یافت میشود اینها بطور عمده از نوردیک‌های اولیه

هستند (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳).

۴ - فارسها بین اصفهان و خلیج فارس سکونت دارند (دیکر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

### فارسیمدان

۱ - یکی از قبایل بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۲۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).  
۲ - یکی از قبایل عمده قشقایی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۷ - ۴۷۸)

### فیروزکوهی

یکی از چهار قبیله اصلی چهار ایملك گفته شده است از نژاد ایرانی هستند ولی دیگر در ایران پیدا نمیشوند. بلیو معتقد است که از شعب تیموری چهار ایملك (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۹۸).

### فیلی

۱ - قبایل متعدد فیلی قسمتی از فامیل لر زبان را تشکیل میدهند. در نواحی کوهستانی در ترکیه و ایران سکونت دارند (شو برل ص ۲۰).  
۲ - فیلی ها از عناصر لك و از شعب فرعی لر ها هستند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۶۹ - ۲۷۰) معنی کلمه فیلی یعنی یاغی. در سال ۱۸۳۶ رالینسون تعداد فیلی های لر را ۵۶ هزار خانوار تخمین زده است. در ۱۸۴۳ لایارد آنها را ۴۹ هزار نفر ذکر کرد و سرشماری ۱۸۸۱ تعداد آنها ۲۱۰ هزار نفر معین کرد. نام فیلی که سابقاً بهمه لر کوچک اطلاق میشد محدود شده است به پشت کوه و فیلی های اصلی شامل قسمت عمده جمعیت ناحیه پشت کوه میباشد (جلد ۲ - ص ۲۷۳ - ۲۷۵).

### فیوج

کولیهای ایران خود را فیوج می نامند که گفته میشود کلمه عربی است

(سایکس ۱۹۰۲-ص ۳۴۴).

### قاجار

۱- یکی از قویترین قبایل ترك زبان . در مازندران (۲۸۰۰۰) و تهران و مرو خراسان و ایران و گنجه سکونت دارند و تعداد آنها ۴۰۱۰۰۰ نفر است . شاه و اکثر رؤسا و افسران بزرگ باین طایفه تعلق دارند (شوبرل - ص ۲۰).

۲- یکی از بزرگترین و معروفترین قبایل ترك در شمال غربی ایران (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲- ص ۲۷۰) بلوچها از ایرانیان كه آنها را قاجار می نامند نفرت و انزجار دارند (جلد ۲ - ص ۲۵۸-۲۵۹) دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تعداد افشارها و قاجارها را در خراسان صد هزار نفر ذكر میكند . تحت عنوان تافارها طبقه بندی شده اند (جلد ۱ - ص ۱۷۹) قاجارها در ناحیه استرآباد مستقرند و نسب خود را از جافت پسر نوح میدانند . ۷۰۰ سال است كه نام قبیله قاجار در تاریخ ذكر شده است . یکی از رؤسای آن قبیله بعنوان نایب یکی از اولاد چنگیزخان از ری تا سیحون حكومت داشت . میگویند تیمورلنگ آنها را بسوریه تبعید كرد ولی بعداً اجازه مراجعت به آنها داد. بعدها بصفویها كمك کرده و آنها را به تخت سلطنت نشاندد و در عوض قاجارها جزو قزلباشها درآمدند. طبق يك روایت نادر شاه اسمعیل از قاجار بوده است (جلد ۱- ص ۳۹۲) .

۳- بعضی از بیاینها به قبیله قاجار ملحق شدند و شعبه فرعی شامبیاتلو را تشکیل دادند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸) .

۴- قاجارها از نژاد تركند . مدتها در ارمنستان ساكن بودند و بوسیله تیمورلنگ بایران آورده شدند . یکی از قبائل قزلباش بودند كه سلسله صفوی را حمایت كردند . شاه عباس ایل قاجار را به قسمت تقسیم كرد . يك قسمت در مرو و قسمت دوم در كرجستان استقرار داده شد و قسمت سوم كه بدو شعبه بوخاری باش و اشاقباش تقسیم شد در كنار رود كركان مستقر شدند (سایكس ۱۹۲۱ - جلد ۲- ص ۲۷۷) .

۵- ایلات تركمنها هستند ولی در اثر ازدواج با دیگران انواع مختلف بسیار مانند قاجارها تشکیل داده اند (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳) .

### قبایل خانانی

از قبایل بادیه‌نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵- (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

### قبایل ترك

۱- لهجه‌های تركی از فامیل زبان تورانی آسیای مرکزی است (كندر ص ۳۰-۵۱).

۲- قبایل ترك باندی با اقوام دیگر مخلوط شده‌اند که مشکل است آنها را در گروه مشخص جداگانه مردم شناسی قرار داد و بین شعب مختلف آنها اختلافات قابل ملاحظه دیده میشود. قبایل بادیه‌نشین ترك در جنوب ایران با عناصر سیاهپوست مخلوط شده و خود را «سیاه» مینامند. یکی دیگر از قبایل ترك که که نام تركی خلج را حفظ کرده در نزدیکی تهران در مزلقان سکونت دارند. اغلب از نوع سر دراز هستند و از بین رفتن سرکوتاهی دلیل اختلاط آنها با ایرانیان است. قبایل ده نشین مرکز ایران با عناصر ترك و مغولی شمال مخلوط شده‌اند (دانیلو- ستون ۱۰-۱۹ و ۲۶-۲۸).

۳- نژاد آسوری در ایران و ترکیه با عناصر تركی مخلوط شده‌اند. در تاجیکها اختلاف با ترك دیده میشود (دنیسک ص ۵۰۵-۵۰۶).

### قره‌پاپك

از كردان آذربایجان- ده نشینان سلدوز و براندوز - شیعه - تعداد ۳۰۰۰ فامیل (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱- ص ۵۵۵-۵۵۷).

### قره‌چای

از قبایل بادیه‌نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲- ص ۱۱۲-۱۱۴).

### قره‌چی

نامی که به کولیها در آذربایجان اطلاق میشود (سایکس ۱۹۰۲- ص ۳۴۴).



### قره گزلو

قبیله ترك همدان (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۷۰).

### قربش

بلوچها ادعا دارند كه عرب و از قبیله قربشند . طبق نظر بلیو قبیله كه باسامی مختلف كروش و كریش و كریش و كوریش نامیده میشوند و هنوز در كنار سند پخش هستند همان كروش راجپوت شاهی - كروش یا كورش میباشد (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۵۸-۲۵۹).

### قزلباش

۱- تاجیکهای عصر حاضر ( ایرانیان اصیل) را تركها قزلباش می خوانند (پریچارد- ص ۱۷۱).

۲- قزلباش «قرمز سر» (بلیو ص ۱۰۰).

۳- یکی از قبایل بادیه نشین ترك (ابری- ماکي- ص ۱۶).

۴- قاجارها جزو قبایل قزلباش یا هفت قبیله سرسرخ بودند، آنها را از این جهت باین نام می خوانند كه كلاه قرمز برمی گذاشتند (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۳۹۲).

۵- از سال ۱۵۰۰ تا قرن هفدهم ۳۲ قبیله قزلباش پستهای نظامی و دولتی را در دست داشتند . بعضی از آنها به شاهسونها پیوستند . مهمترین قبایل قزلباش كه همه تركند عبارتند از: استاجالو - شاملو - قاجار - افشار - ذوالقدر - اینالو - تكه لو - بیات - خلیج (هتوم- شیندلر - ص ۴۸ ببعد).

۶- قاجارها یکی از قبایل قزلباشند . (سایكس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۲۷۷).

### قرئی

از قبایل بادیه نشین قشقائی ( ترك) فارس ولاستان ۱۸۹۰ (كرزن ۱۸۹۲ -

- جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### قشقائی

۱- قبایل ترك در فارس ولاستان- بادیه نشین (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص

۲۷۰) و روایت بر اینست که از اولاد نژادی هستند که هلاکوخان از کشف بایران انتقال داد. نویسنده آنها را لرهای ترک خوانده زیرا از فامیل لر محسوب میشوند و از حیث آداب و رسوم با بختیارها و کوهگلوها فرق زیادی ندارند. قشلاق آنها در گرمسیر فارس است ولی تابستان را در کوهستان بسر میبرند. زمانی از لحاظ تعداد زیاد و نیرومند بودند ولی قحطی سال ۱۸۷۱-۲ از تعداد آنها کاست. هر سال عده ای از آنها اسکان می یابند و در حدود سال ۱۸۷۰ متجاوز از ۶۰ هزار خانوار بودند. در حدود ۵ هزار خانوار به بختیاری و ۵ هزار خانوار به خسه ملحق شدند و چهار هزار خانوار در دهات مختلف سکونت اختیار کردند. جمع کل آنها به ۲۵ هزار خانوار تقلیل یافت. طبق آخرین اطلاعات عده آنها بین ده هزار تا دوازده هزار چادر است. قبایل قشقائی تا ۱۸۷۵ عبارت بودند از: کشکولی - دره شولی - شش بلوکی - فارسیمدان - صفی خانی - ایگدر - علیقلیخانی - کله زن کروی - قره چای - دارا گای - رحیمی - کوری شولی - اوردشیری - جعفر یکی امامقلیخانی - دارابخانی - عمله ایلخانی - بهادر خانی - قبادخانی. قبایل قشقائی ۱۸۹۰: الف - بادیه نشین: کشکولی - دره شولی - شش بلوکی - فارسیمدان - صف - خانی - اکدیر - علاکوتی - کله زن - حاجی مسیح خان - ارکین - بولی - قزلی خوانین - نوکریاب.

ب - ده نشین: چهار پنجه - پلیسی - زنکین - علا بیگلو (جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).  
 ۲ - قشقائیه که از نژاد ترکمن هستند زبان ترکی را حفظ کرده اند. ایل در حدود ۱۳۰ هزار نفر است. در طی ییلاق و قشلاق خود از همه قبایل دیگر دورتر میروند بطوریکه قشلاق آنها در کله دار نزدیک خلیج فارس و ییلاق آنها در حدود ۲۰۰ میل شمالی بحوالی قمشه میرسد و در آنجا با بختیارها تماس پیدا میکنند. چندین ناحیه فارس کلا در دست قشقائیه بوده و بدینوسیله جمعیتی متجاوز از ۱۰۰ هزار ده نشین تحت تسلط آنها بود. قبایل عمده عبارتند از دره - شوری - کشکولی - فارسیمدان - شش بلوکی - صفی خانی - کله زن (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۷ - ۴۷۸).

قلجی

(غلزائی) رجوع شود به خلیجی.

### قنبرانی

نماینده در اویدیها (براهوئی) در بلوچستان (مکمون ص ۷).

### قیچک

یا کیچک از قبایل بعدی چهار ایمک ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۱۹۸).

### کااوی

کولیهای فارس را کااوی مینامند که تحریف شده کابلی است . غربتی نیز بکار برده میشود (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۴).

### کاجار

رجوع شود به قاجار.

### کاردوچی

همان کاردوچی کزنفون (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۴۹-۵۵۱).

### کاسپیان

اگر نامی برای مردم بومی قبل از ایرانیان این کشور لازم باشد صلاح در آنستکه آنها را کاسپیان خواند (هرتسفلد ۱۹۳۵ - ص ۲).

### کاییان

ادعای نسب از سلسله کای سیروس میکنند بساکنین فعلی سیستان ایران (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۲۲۸).

### کترتان

رند مکران از اعراب قبیله کترتان هستند (دبیکر ص ۵۰۸).

## کثیرال

قبیله عرب در خوزستان که تعداد افراد ذکور آن از ۵۰۰ متجاوز است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

## کرتن‌ها

طبق نظر استرابو در ساحل خزر در میان ایرانیان پیدا می‌شوند. از نظر جغرافیائی و زبانشناسی کرتن‌ها را میتوان کرد محسوب داشت (لارنس).

## کرد

۱ - نام کرد دزیونانی و لاتینی با کرد Gord یا کرد Cord شروع میشود (لارنس).

۲ - در کردستان هنوز نژاد خشن و اصلی سکونت دارند نواحی نزدیک دجله تحت نظر حکومت ترکیه و بقیه تحت اداره پادشاه ایرانند. دو رئیس قبیله کرد قبایل خود را در شمال مشهد و در کوهستان خراسان مستقر کرده‌اند ملکم (جلد ۲ ص ۲۳۱).

۳ - زبان کرد شامل ۹ فامیل و تعداد کردها ۷۹۰۰ نفر است (شویرل ص ۲۰).

۴ - از نژاد آریان هستند. با ایرانیان قرابت دارند ولی از آنان نیستند (پریچارد ص ۱۷۱).

۵ - اندازه‌های سر شاخص سر ۸۶/۳ (دوخانیف ص ۵۹ و ۶۳) بطور کلی چشم کردها سیاه و بزرگتر از چشم افغانها است. مریتر از چشم ایرانیان مغرب و تاجیکها و پشتوها است ولی شباهت با مردم اخیر جالب توجه است (ص ۱۰۷ - ۱۰۸)، عرض بین دو حدقه چشم نسطوریا شبیه کردها است (ص ۱۱۱ - ۱۱۲) اندازه‌های جمجمه (ص ۱۳۳ - ۱۳۹).

۶ - کرد وحشی لر از حیث خصوصیات جسمانی خیلی شبیه مادهای باستانی است (رالینسون - جلد ۲ - ص ۳۰۷).

۷ - طبق نظر هتوم - شیندلر تعداد کردها و لکها در ایران ۱۳۵۰۰۰ خانوار است. زولو تارف تعداد کردها را ۶۰۰۰۰۰ تخمین میزند (کرزن ۱۸۹۲ -

جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴). کردها لك هستند . اقلیتی از آنان اسكان یافته‌اند (جلد ۲ - ص ۲۶۹-۲۷۰). كردستان فقط يك اصطلاح مناسب جغرافیائی برای کلیه ناحیه‌ایست (در حدود ۵۰۰۰۰ میل مربع) که کردها در آن سکونت دارند . شامل اراضی واقع در ایران و ترکیه هردو میگردد . اصل و نسب کردها درست معلوم نیست . از لحاظ خصوصیات و نام و محل با کردوچی گزنفون مطابقت دارد (جلد ۱ - ص ۵۴۹ - ۵۵۱). تعداد جمعیت کرد تحت حکومت عثمانی بین يك تا يك میلیون ونیم تخمین زده شده است . علاوه بر کلتی‌های کرد در خراسان نفرت کرد زیر صورت داده شده است: ۲۵۰ هزار کرد مرزی و کرد آذربایجانی - ۱۲۰ هزار کرد در كردستان - ۲۳۰ هزار نفر در کرمانشاه که جمع کل آنها در خاك ایران ۶۰۰ هزار نفر میشود . كلنل استوارت ( ۱۸۹۰ ) کردهای آذربایجان را ۴۵۰ هزار نفر صورت داده است . کردها دارای مووچشم مشکی و قیافه تیره و عبوس و حرکات مغرورانه میباشد (جلد ۱ - ص ۵۵۳ - ۵۵۵ ) کردهای آذربایجانی عبارتند از : قبايل شكاک- هرکی- اورامر- قره پاپک- مکری- منکوری - مامش - ززا- وحیدرانلو. پایتخت محلی آنان ساوجبلاغ است قبايل کرد كردستان ایران عبارتند از : کلهر- نیلاکو - گلباغی - شیخ اسمعیل- پوربیشاه - مندای- مامون- جیراچی- گوشکی- گورگاهی- لك وشمشیری . کردهای کرمانشاه عبارتند از: کلهر سنجابی- گوران- کردنی- بورنجی- جالوند- زنکنه- هماوند- سونگورو- کولیاهی- ننه کولی- جلیلونند- مافی- چوبان کره - قزیل - حلولان - اخور - (جلد ۱ - ص ۵۵۵-۵۵۷). بنظر میرسد که لرها و کردها از يك گروه نژادی باشند ولی لرها این مطلب را توهین بخود دانسته و کردها را لك میخوانند (جلد ۲- ص ۲۷۳ - ۲۷۵). کردگلی شعبه‌ای از کردهای كردستان در سیستان ایران سکونت دارند (جلد ۱- ص ۲۲۸) بلوچیه تسلیم قبايل کوچکتر و جنگجوی کرد هستند (جلد ۲ - ص ۲۵۸ - ۲۵۹). در سرحد شمال بلوچستان تعدادی کرد وجود دارد. سنی هستند . ساکنین پشت کوه هستند (جلد ۲- ص ۲۶۲-۲۶۳). دایرة المعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تعداد کردهای خراسان را ۲۵۰ هزار نفر ذکر کرده است (جلد ۱ - ص ۱۷۹). در حدود سال ۱۶۰۰ شاه عباس آنها را کوچ داد . در قوچان اغلب کرد های زعفرانلو هستند. قبیله شاهدلو در بجنورد هنوز اکثریت جمعیت را تشکیل میدهند. (جلد ۱ ص ۱۹۱) قبايل مهاجرت داده شده که تعداد آنها ۱۵ هزار

خانوار است عبارتند از شاهدلو - زعفرانلو - کیوانلو - امانلو (عمارلو) (جلد ۱ ص ۹۸) چند فامیل کرد در کلات نادری وجود دارد (جلد ۱ - ص ۱۳۹).

۸ - زمانی کردها ساکن مازندران بودند. کردهای کردستان و کرمانشاه باید جزو ایرانیان بشمار آیند زیرا در زبان و شکل سر شباهت دارند. کردهای مرکز ایران از حیث حال تکبر آمیز و بینی عقابی و گونه برجسته با سایر قبایل فرق دارند. مرحله تحول بین بادیه نشینی و ده نشینی را نشان میدهند. کردها از پرموتربین گروهها هستند. موی آنها هجده لب متوسط تا کلفت دندان متوسط تا کوچک. قد میانگین ۱۶۴/۲ - ۱۹۸/۷ - شاخص سر ۷۷/۶۸ (۷۶/۷-۷۷/۶) حداکثر قطر پیشانی ۱۰۴ - عرض گونهها ۱۳۸ - عرض فکین ۱۰۱/۴ - میانگین شاخص سر ۷۸/۱. کردهای قفقاز سر متوسطند (دانیلو).

۹ - یازکی که يك قبيله بادیه نشین کرد است در خوار وورامین مشرق تهران سکونت دارند (هتوم - شیندلر ص ۴۸).

۱۰ - کردها بطور عمده ساکن ترکیه آسیا هستند ولی از حیث زبان و خصوصیات جسمانی ایرانی هستند. کردها و ارمنیها برای تفوق بر آسیای صغیر با هم رقابت دارند. تقریباً رویهمرفته دو میلیون کرد وجود دارد که دو سوم آن در ترکیه آسیا و بقیه در ایران و چند هزار در قفقاز هستند. احتمال میرود از اولاد کلدانیها باشند. با اعراب سوریه قرابت دارند. حملات مغول و ترک در آنها تأثیر نکرده است. تیره رنگ، با چشمان سیاه، سر و صورت دراز و باریک، بینی صاف یا مقعر، قد متوسط، عادات بادیه نشینی (ریپلی - ص ۴۴۲-۴۵۲).

۱۱ - در خراسان نیز کرد هست (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۳۹۲). شاه عباس چند هزار نفر کرد را از کردستان بشمال خراسان منتقل کرد. در دشت اترک ترکهای گرانلی را بیرون کردند و امروز ناحیه آبادی تشکیل داده اند (جلد ۲ - ص ۱۷۴).

۱۲ - کردها قومی هستند که از خارج بایران آمدند (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳) پس از ترکها به سراسر شمال ایران مهاجرت کردند (ص ۹۷).

۱۳ - کردهای خراسان بلندقدترند ولی قیافه آنها به خوش بوشی و زاویه صورت آنها به بلندی کردهای مغرب نیست از لحاظ نوع جسمانی به لرهای بیشتر شباهت دارند تا به کردهای غرب. در بین آنها افراد موبور خیلی نادر است موی

خود را با حنا رنگ میکنند . بلوچها با کردها خیلی فرق دارند ( ایوانو - ص ۱۵۲ ) .

۱۴ - بین خاک ترکیه و آذربایجان کردها رفت و آمد زیاد دارند ( ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۶۰ - ۷۰ ) قبایل کرد در لرستان و فارس و خراسان یافت میشوند ( ص ۳۳ - ۳۴ ) .

۱۵ - بعضی از افراد تروالی و هونزا را میتوان با کردها اشتباه کرد ( استاین ۱۹۳۶ - لوحه های I - III ) .

### کرمانیان

۱ - هرودوت آنها را جرمانیان خوانده است . در حوالی کرمان سکونت دارند. مردمی مشخص و بدوی تر از ایرانیان هستند (لارنس - یادداشت به هرودوت I-۱۲۵) .

۲ - بایران مهاجرت کردند و نام کرمان از آنها است (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۹۵ - ۹۹) .

### کرندی

قبیله کرد کرمانشاه نیعی بادیه نشین و نیعی ده نشین بین کردند و هارون آباد. علی اللهی ۳۰۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷) .

### کرونی

از قبایل بادیه نشین قشقایی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴) .

### کره پاپک

رجوع شود به قره پاپک.

### کره گوزلو

رجوع شود به قره گزلو.

### کشکولی

- ۱ - قبیله بادیه نشین قشقائی ( ترك ) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰  
کرزن ( ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۱۱۲-۱۱۴ ).
- ۲ - یکی از قبایل عمده قشقائی ( سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ ص ۴۷۲ - ۴۷۸ ).

### کلدانیان

- ۱ - آنهائیکه نزدیک ارومیه و سلیمان و سرچشمه رود زاب زندگی می - کنند بدون شك از نژاد سامی هستند ( دوخانیف - ص ۱۱۰ ) نسطوری و کلدانیها يك قوم واحدند . كلمه کلدانی نامی است که در قرن هجدهم از طرف ژوئیت‌ها به نسطوریهای کاتولیک شده بآنها داده شد ( ص ۱۱۱-۱۱۲ ).
- ۲ - هتوم - شیندلر تعداد نسطوریها و کلدانیان ایران را ۲۳۰۰۰ نفر ذکر کرده است ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد - ص ۴۹۲ - ۴۹۴ ) عناصر کلدانی در کردستان یافت می‌شود ( جلد ۱ - ص ۵۴۹ ).
- ۳ - احتمال می‌رود کردها از اولاد کلدانیها باشند ( ریپلی ص ۴۴۲-۴۵۲ ).

### کلموئک

- ۱ - شاخص سر ۸۳/۸ ( هوسی ص ۱۱۰ ).
- ۲ - ایوانوسکی قبایل مختلف کلموئک را اندازه گیری کرد و آنها را شاخص - ترین نمونه مغولی محسوب داشت عرض دو گوشه ۱۵۸/۰ ( دانیلو - ستون ۹۳ ) .
- ۳ - بربریهامغول خالص هستند. شخص را بیاد کلموکیا می‌اندازند ( ایوانو ص ۱۵۵ ).

### کلهر

- ۱ - قبیله کرد در سفر کردستان : ۳۰۰ خانوار ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵-۵۵۷ ) قبیله کرد کرمانشاه : پنجهزار خانوار قسمتی بادیه نشین و قسمتی ده نشین . بیلاق آنها کوهستان شمال غربی پشت کوه و قشلاق آنها دشتهای زه آب و قسر شیرین تا مرز ترکیه است . شیعه یا علی اللهی هستند رالینسون از قیافه



یهودی نمای آنان تصور کرد که ممکن است از اولاد اسرای سامری باشند که در شهر آسوری کلهور هلا (سر پل زهاب؟) قرارداد شده بودند (جلد ۱ ص ۵۵۷)

### کندزلی

قبیله عرب در خوزستان که تعداد افراد ذکور آن از ۵۰۰ متجاوز است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

### کوچیت

شوشیهای باستانی که شاید مخلوطی از کوچیت‌ها و سیاهپوستان بودند (هوسی ص ۱۲۶).

### کودراها

شاید کاردوچی گزنفون همان کودراهای کتیبه‌های میخی باشد (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۴۹ - ۵۵۹).

### کور شولی (گرد شولی ؟)

از قبایل بادیه‌نشین قشقایی (ترك) فارس ولارستان ۱۸۷۵ (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### کوزنگی

نام کولیا (ایوانو ص ۱۵۵).

### کوکیان

ساکنین کشور شمال پارسها و مدیها تا کنار دریای سیاه (هرودوت IV-۳۷).

### کولی

۱ - اردوهای کوچک آنها اغلب در ایران بخصوص در آذربایجان دیده میشود ترکها آنها را قره‌چی یعنی دام‌سیاه میخوانند (ملکم - جلد ۲ - ص ۵۹۶).

- ۲ - طبق نظر هتوم - شیندلر تعداد بلوچها و کولیها در ایران ۴۱۴۰ خانوار است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴).
- ۳ - کولیهای ایران از نظر اندازه سر شبیه ساکنین ایرانند (دانیلو - ستون ۱۳۵).
- ۴ - کولیها در هرناحیه ایران نام خاصی دارند . در کرمان لولی - در بلوچستان لوری - در فارس کولی که از کابلی گرفته شده و غربتی - در آذربایجان قرهچی - در خراسان غر شمال که از غیر شمار گرفته شده است . در ترکیه بآنها چنگیکانی میگویند که ریشه کلمه زنگکاری اروپا است از لحاظ قیافه و شکل با روستائیان ایران فرق دارند . خودشان خود را فیوجی میخوانند که گفته میشود عربی است (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۲).
- ۵ - جات (در عربی زات) خوانده میشوند. خالدین ولید آنها را در قرن هشتم از دره سند به باطلایهای دجله سوق داد . بعد به خاقین از مرز ترکیه و مرزهای سوریه تبعید شدند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۱۱).
- ۶ - در ترکستان بین سیحون و جیحون یافت میشوند (هدون ص ۱۰۴).
- ۷ - کولیها بنام غر شمال و جات و کزنگی و غیره بادیه نشین هستند و دارای خصوصیات جسمانی متنوع میباشد (ایوانو ص ۱۴۵).

### کولیایی

قبیله ده نشین کرد شمال کرمانشاه تعداد سونگورو و کولیایی ۲۵۰۰ خانوار است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ - ص ۵۵۷).

### کوهگلو

سرشماری ۱۸۸۱ تعداد کوهگلوهای ایران را ۴۱۰۰۰ نفر ذکر میکند. لرها هستند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۷۲ - ۲۷۵) قشائیها فرق زیادی با کوهگلوندانند (جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### کهنی

بعضی از اعراب خود را بالاتر از کهنیهای عین میدانند و ارتباط خود را

با ایران برخ می‌کشند (مدی ۱۹۱۹ - ص ۷۳۳).

### کیوانلو

قبیله‌کرد که در زمان شاه عباس از ایالات شمال غربی بخراسان کوچ داده شدند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۹۷ - ۹۸).

### گبر

- ۱ - نژاد خشن از اولاد ایرانیان قدیم (شاران - ص ۳۴).
- ۲ - گبرهای آزاد شده که محدود بیک محله شهر یزد هستند از چهار هزار فامیل کم‌ترند (ملکم جلد ۲ - ص ۵۱۸ - ۵۲۱).
- ۳ - اندازه‌های سر - شاخص سر ۷۰/۳ (دوخانیف ص ۵۹ و ۶۳)  
گبرها که تقریباً شبیه تاجیکها هستند دارای یک خصوصیت میباشند و آن اینکه بینی عقابی در میان آنها نادرتر است (ص ۱۰۳ - ۱۰۵) در بین گبرها و تاجیکها بیش از همه صفات و خصوصیات بدوی دیده میشود (ص ۱۰۷ - ۱۰۸). اندازه گیری پنج جمجمه گبر در سنت پترزبورگ (لنین گراد) زیر نام ایرانیان صورت داده شده است (ص ۱۳۳ - ۱۳۹).
- ۴ - غیر مسلمان - مهاجرت گبرها از جمعیت ایران کاست (پولاک - گزارش ۸۷۳) مقایسه شود با (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲).
- ۵ - گبرها (زرتشتیان) گروه مذهبی و نژاد مخلوط هستند که بطور کلی از تاجیکها و عجمها تشکیل یافته اند (هوسی ص ۱۰۷).
- ۶ - در یزد تعداد زیادی گبر یا پارسی وجود دارد ۳۵۰۰ - ۷۰۰۰ نفر (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۲۴۰ - ۲۴۱).
- ۷ - گبرها یا آتش پرستان منسوب به پارسیهای هند از گروه سر دراز هستند (دانیلو ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶ - ۲۸). زیر سردراز. شاخص سر ۷۰/۱ (ستون ۴۵) عرض سر و گونه‌ها نسبتاً زیاد. جمجمه‌های گبرها تا حدی شبیه جمجمه ترکمنها است ولی خصوصیات مغولی بهیچوجه مشاهده نمیشود. جمجمه‌های گبر تقریباً با جمجمه‌های مردم قدیم قفقاز یکسان است.
- ۸ - معدودی زرتشتی که در ایران آنها را گبر می‌گویند در نهران مستقر

شده اند (هتوم - شیندلر. ص ۴۸).

۹ - یزد مرکز عمده پارسیها و کبرها است (علیشاه ص ۱۰ - ۲۱).

### گرجی

شاخص سر ۸۶/۰ و ۸۴/۵ (دایلو - ستون ۵۳ - ۵۵).

### کلباخی

یکی از قبایل کرد که تعداد آنها متجاوز از ۵۰۰ خانوار است و نزدیک هوانو کردستان زندگی میکنند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

### کلچا

۱ - قبایل کلچای پامیر و شال هندو کش ازائی خوانده میشوند (اوجفالوی ص ۴۴).

۲ - فقط وقتی بارنفاعات هیمالیا در میان کلچاها داخل میشوند مو و چشم کم رنگتر مشهود است (درپلی ص ۴۴۲ - ۴۵۲).

۳ - تاجیکهای دشت از تاجیکهای کوهستان یا گلچاها سفید ترند (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳) کلچاها از نوع سر کوتاه هستند (ص ۲۷). کلچاها خالصترین مردمان پامیری هستند (ص ۱۰۳ - ۱۰۴).

۴ - تاجیکها در ترکستان روس تا آنسوی پامیر (کلچا) بسط دارند (دنیکر ص - ۵۰۵ - ۵۰۶).

### کله زن

یکی از قبایل بادیه نشین قشقائی (ترك) فارس و لارستان ۱۸۷۵ و ۱۸۹۰ (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

### کله زن اقری

یکی از قبایل عمده قشقائی (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۴۷۷ - ۴۷۸).

### گندوزلو

- ۱ - یکی از قبایل ترك افشار که در زمان صفویه یا زودتر جدا شدند (لایارد ص ۷) .
- ۲ - لایارد میگوید گندوزلوها که یکی از قبایل بختیاری هستند از ترکان افشارند (هوسی ص ۱۲۲) .

### گور

- ۱ - گورها تقریباً مانند ایرانیان امروز ( ۱۶۵۰ ) از نوع نسبتاً خشن هستند (پیتر دولاوله ص ۱۰۵ - ۱۰۶) .
- ۲ - گورها یا آتش پرستان از میمونها زشت تر نیستند ( پاتراجلوس مقایسه شود با دوخانیکیف ص ۴۸ ) همچنین مراجعه شود به کبرها .

### گوران

- ۱ - قبیله کرد در کرمانشاه که قسمتی بادیه نشین و قسمتی اسکان یافته . بین ناهید دشت وهارون نشین خان . علی الهی - ۵۰۰۰ خانوار ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷) .

### گورسای

- ۱ - قبیله کرد در کردستان نزدیک لیلای ۳۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵-۵۵۷) .

### گوشکی

- ۱ - قبیله کرد در کردستان نزدیک بلور : ۴۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷) .

### گوکلان

- ۱ - شاخص سر ۸۱/۴۵ - زیرمغولها نام برده شده است ( هوسی ص ۱۱۰ - بعد) .

۲- طایفه‌ای از قبایل ترکمن (بکستون ۱۹۲۹- ص ۶۲۳).

## گیلانی

۱- گیلانی و مازندرانی : اندازه‌های سر شاخص سر ۸۴/۲ (دوخانی‌کف ص ۵۹ و ۶۳).

۲- گیلانیها و مازندرانیهای ساحل از لحاظ زبان و خصوصیات جسمانی فرق زیادی ندارند . قد متوسط - مو و چشم کمی روشن تر از ساکنین فلات ایران - پوست رنگ پریده - حرکات کند و غیر چابک ( دانیلو - ستون ۱۰ - ۱۹ - ۲۶ - ۲۸).

## لر

۱- زبان لری شش فامیل دارد و متشکل از ۸۴۵۰۰ نفر است که شامل فیلی‌ها و بختیارها میشود ( شویرل ص ۲۰ ).

۲- کردها و لرهای وحشی از حیث خصوصیات جسمانی شبیه مادیهای باستانی هستند ( رالینسون - جلد ۲ ص ۳۰۷ ).

۳- زیر آریانه‌های ایران نام برده شده‌اند (هوسی- ص ۱۰۳). اندازه‌های پنج لر ( ص ۱۱۱) شاخص سر ۷۳/۵۷ ( ص ۱۱۰ ) بینی دراز و بزرگ ( ص ۱۱۵ ). جانکی‌ها شباهت ظاهری به لرها دارند : قد بلند - بدن قوی - ریش و مونرم و مجعد - خیلی بلند و خیلی سیاه - بینی دراز و صاف پوست کمرنگ . احتمال میرود قبایل ترک در اینجا ( بین ملامیر و رامهرمز ) با لرها مخلوط شده باشند بعضی از جانکی‌ها موی سیاه و چشم آبی دارند که از خصایص لرها است ( ص ۱۲۲ - ۱۲۶ ) شاخص بینی ۶۶/۷ ( ص ۱۳۳ ).

۴- زلوتارف از ۱۸۸۸ لرهای ایران را ۷۸۰۱۰۰۰ تخمین زده است . هتوم - شیندلر ( ۱۸۸۴ ) بختیارها و لرها را ۴۶۸۰۰ خاقوار تخمین می‌زند ( کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴ ) لرها یکی از عناصر عمده لك هستند . اقلیتی از آنها اسکان یافته‌اند (جلد ۲- ص ۲۶۹ - ۲۷۱) اصل و نسب لرها را نمیتوان بدروستی معین کرد بنظر میرسد که بهمان گروه نژادی کردها تعلق داشته باشند زبان آنها لهجه فارسی است ولی با کردی خیلی فرق ندارد . لرها کرد بودن را

توهین میدانند . اغلب نویسندگان لر ها را از بقایای نژاد آریان یا ایرانی میدانند. احتمال میرود از نژاد آریان باشند قرن‌ها است در کوهستان فعلی ساکنند . کلمه فیلی یعنی یاغی دوحالیکه ایرانیان عصر حاضر بشخص نفهم لر خطاب میکنند . طبق نظر رالینسون ( ۱۸۳۶ ) تعداد لرهای فیلی و اتباع آنها ۵۶ هزار خانوار است لایارد ( ۱۸۴۳ ) تعداد آنها را ۴۹ هزار خانوار ذکر میکند . رالینسون جمع کل بختیاری و اتباع آنها را ۲۸ هزار خانوار و لایارد ۳۷۷۰۰ خانوار ذکر کرده‌اند . طبق محاسبه ۱۸۸۱ فیلی و اتباع آنها ۲۱۰'۰۰۰ نفر بختیاری و اتباع آنها ۱۷۰'۰۰۰ نفر . کوهگلو و اتباع آنها ۴۱۰۰۰ نفر . جمع کل لر ها ۴۲۱'۰۰۰ نفر . نام فیلی محدود بقبایل پشت کوه است و بهمه ناحیه لر کوچک اطلاق نمیشود. (جلد ۲ - ص ۲۷۳-۲۷۵) قشقاییهای فارس و لارستان را گاهل لر میگویند بعلت آنکه رفتار و عادات آنها شبیه بختیارها و کوهگلوها است (جلد ۲ ص ۱۱۲-۱۱۴).

۵- مذهب و خصوصیات جسمانی لر ها حاکی از آنست که بخالصترین قبایل ایرانی تعلق دارند . قد ۱۶۸ از نوع زیر سر دراز . شاخص سر ۷۳/۶ (دائیلو).  
۶- قبیله لرزند نزدیک قم سکونت دارند (هتوم - شیندلر- ص ۴۸).  
۷- لری یا کوهستانی نوع خالص ایرانی هستند . از فارسها سیاه تر و بلند ترند اغلب موی سیاه و صورت بیضی شکل دارند و شبیه نژاد مدیترانه می باشد (ریپلی ص ۴۴۲-۴۵۲).

۸- یکی از دو نوع ایرانی - لر ها بلندتر از فارسها هستند و از طبقه سر درازند سیاه تر اغلب با موی سیاه صورت بیضی و قیافه منظم بنظر میرسد یکی از شعب نژاد مدیترانه یا مشابه آن تعلق داشته باشند (هدون ص ۱۰۲-۱۰۳).  
۹- کردهای خراسان بیشتر شبیه لر ها هستند تا کرد های غرب ( ایوانو ص ۱۵۲).

### نژادی

از لحاظ خصوصیات جسمانی شبیه اوت ها می باشند ( دوخانیکیف - ص ۱۱۳-۱۱۴).

۱- طبق نوشته هتوم - شیندلر تعداد کردها و لك ها ۱۳۵۰۰۰ خانوار است ( کرزن ۱۸۹۲ جلد ۲- ص ۴۹۲ - ۴۹۴). لكها يك طبقه بزرگ بی نام هستند که معمولاً بنام عناصر تشکیل دهنده آن شناخته میشوند که عمده ترین آنها کرد و لر و قبایل فیلی و بختیاری و ممسنی و شعب مختلف آنها است. همه آنها تاحدی عناصر اسکان یافته دارند (جلد ۲- ص ۲۶۹ - ۲۷۰) تعداد لكهای کرد در اردلان نزدیک لیلای هزار خانوار است (جلد ۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۷) لرها کردها را حقیر می شمارند و آنها را لك می خوانند (جلد ۲- ص ۲۷۳ - ۲۷۵).

۲- خواهجوند یا خجاولند و لكهای دیگر در دشتهای شمال شرقی تهران سکونت دارند. شامل ننه کلی و کله کوه در مشرق عراق ایران میباشند. از قبایل بومی محسوب میشوند ولی بزبان مخلوط از فارسی و ترکی تکلم می کنند. لكهای دیگر بلهجه شبیه کردی حرف می زنند (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ بعد).

## لوری

در بلوچستان به کولیهای لوری میگویند (سایکس ۱۹۰۲ ص ۳۴۴).

## لولی

نام کولیه در کرمان (سایکس ۱۹۰۲ - ص ۳۴۴).

## مادیها

- ۱- مادیها در قسمت شمال پارسیها زندگی می کنند (هرودوت IV - ۳۷).
- مادیها متشکلند از: بوسامی - پارتاچینی - استروچات - اریزات - بودینی و مکی (هرودوت I - ۱۰۱).
- ۲- قبایل ماد شامل مادیه نشین و ده نشین بودند (لارس - یادداشت بر هرودت I - ۱۰۱).
- ۳- تنها مردم ایران که در کتاب مقدس از آنها نام برده شده مادها هستند (دوخیانکف - ص ۴۲۷).
- ۴- در حجاریهایی هخامنشی تصویر زن مادی دیده نمیشود. شاید کردها و



لرهای وحشی تقریباً با مادیهای باستانی مطابقت داشته باشند ( رالینسون - جلد ۲ - ص ۳۰۷ ).

۵- مادها و مادیهای اولیه هر دو آریان بودند ( برینتون ص ۳۲ ).

۶- يك طبقه در ایران شامل اولاد پارسهای باستانی هستند از جمله پارسی-ها نماینده مادیها ( فین ص ۳۲-۳۳ ).

۷ - احتمال می‌رود که مادیها و پارسها زندگانی شبیه زندگی بادیه‌نشینان داشتند ( سایکس ۱۹۲۱- جلد ۱ ص - ۱۷۰- ۱۷۱ ). تصور می‌رود که مادیها از جنوب روسیه بایران مهاجرت کردند و بتدریج قسمت مغرب ایران را اشغال کردند. دومیگان میگویند مادیها در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد داخل ایران شدند ( جلد ۱- ص ۹۵-۹۹ ).

۸- از استپ‌های اروپا و آسیا (نوردیک‌های اولیه آمدند که در تاریخ بنام مادها و ایرانی‌ها شناخته شدند (هدون ص ۱۰۲ - ۱۰۳).

۹- مدانی شاید مادیها و مدا آسوریان باشند. در کوهستانهای کرد در مشرق دریاچه ارومیه در حدود ۸۴۰ قبل از میلاد مستقر شدند. پنجاه سال بعد در ماد پیدا شدند. مادها نامیده میشدند ( یونانی‌مد ). قوم آریائی بودند که با آریائیهای شمال هند و آریائیهای اروپا قرابت داشتند. و یکی از قبایل آنان پارسها بود. اصطلاح ماد در زمان قدیم شامل سکنه همه نواحی بود که بآنجا مهاجرت کرده بودند (سایکس ص ۷۳-۷۴).

۱۰- آسوریها در قرن نهم قبل از میلاد حضور امدادی - مادا و مدیهارا بین دریاچه ارومیه و دشت همدان ثبت کرده‌اند (هرتسفلد ۱۹۳۵- ص ۶- ۱۰).

## مارونیت

مارونیت‌های سوریه طبق نظر فن لوشان نماینده هیتی‌های باستانی هستند (هیتی - ص - ۱۵).

## مازندرانی

۱- اندازه سرمازندرانیها و گیلانیها : شاخص سر ۸۴/۲ ( دوخانیکیف - ص ۵۹ و ۶۳ ) مازندرانیها از نوع خالص ایرانی هستند. قد متوسط - مو مشکی -

## فهرست قبائل و سرودهای نژادی - ۸۰۳

ریش خیلی انبوه که اغلب تا زیر چشم روئیده - چشم درشت و سیاه با مژه بلند و ابروی انبوه ... اغلب بینی ها عقابی ونوک تیز و باریک ریشه است - دهان کوچک - دندان منظم و سفید (۱۱۶ - ۱۱۷).

۲- شاخص سر ۸۶/۳۱ زیر مغول ثبت شده (هوسی ص ۱۱۰ بیعد).

۳- مازندران ممکن است محل باقیمانده مهاجرت های ساحلی باستانی آسیا باشد. جمعیت آن با گیلان بین ۱۵۰ هزار تا ۲۵۰ هزار می باشد. فریز میگوید قوی و خوش فرم و خوشگل هستند و مازندرانها سیاه تر تیره ترند. گفته میشود که بومیان از اولاد مدیها هستند و بلهجه پارسی صحبت میکنند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۳۶۴).

۴- گیلانها و مازندرانهای ساحلی از حیث زبان و خصوصیات فرق زیادی باهم ندارند. قد متوسط - مو و چشم کمی روشنتر از ساکنین فلات ایران - پوست رنگ پریده - حرکات کند - در ناحیه کوهستانی مازندران دو نوع وجود دارد. یکی قوی و زمخت و پرمو و دیگری باریک و دارای صورت لاغر و بینی منحنی و چانه تیز و موی زیاد مشکی و چشم سیاه. زمانی یهودیها و ارمنیها و کردها و افغانها در اینجا زندگی می کردند (دانیلو - ستون ۱۰ - ۱۹ - ۲۶ و ۲۸) ۵- بعضی از عجمیها در کناره بحر خزر مازندران نامیده میشوند (دنیگر ص ۵۰۵ - ۵۰۶).

### مامون

قبیله کرد نزدیک بلاور در اردلان با جبراجی تعداد آنها ۳۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

### محمدانی

کثیرترین قبیله بادیه نشین ریگی در بلوچستان (مکمون - ص ۷).

### محمدیهای دهلی

اندازه های جمجمه (دوخانیکیف - ص ۱۳۳ - ۱۳۹).

## محیسن

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آنها بیش از ۵۰۰ نفر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

## مرافیان

یکی از قبایل پارس که کوروش آنها را به قیام بر علیه مادها و داشت (هرودوت I - ۱۲۵).

## مردیان

- ۱ - یکی از قبایل بادیه نشین پارس (هرودوت I - ۱۲۵).
- ۲ - مارد یا معنی اوباش. در اینکه این کلمه اهمیت نژادی داشته باشد جای تردید است. ماردی یا ماردی شمال ایران برای رفتار رضایتبخش خود از شاهان هخامنشی مستمری دریافت میداشتند (لارس).
- ۳ - هاپارتیب یا هاپیرتیب که در حجاریهای مال امیر دیده میشوند ممکن است اماردیه یا مردیه‌های یونانی باشند که هرودوت از قبایل بادیه نشین زیر فرمان کوروش از آنها نام میبرد (سایکس ۱۹۲۱ جلد ۱ ص ۵۰ - ۵۳).

## مروتک

طایفه ترکمن (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

## مزلقانی

رجوع شود به خلیج.

## مسپیان

از قبایل پارس که کوروش به قیام علیه مادها و داشت (هرودوت I - ۱۲۵).

## معافی

یا مافی از قبایل ده نشین کرد کرمانشاه (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).

## مغول

- ۱ - بعضی از نیمه باده نشینان از قوم مغولند (پریچارد ص ۱۷۱).
- ۲ - هزاره‌ها تاتار از نژاد مغول هستند (بلیو ص ۱۱۳).
- ۳ - در ایران مغولها عبارتند از ترکمنها و آذربایجانیها (هوسی - ص ۱۰۳) ترکمنها شامل مازندرانیها و کرکالنها میشوند. شاخص سر ۸۵/۴ (ص - ۱۱۰). بینی پهن کوتاه دارند (ص - ۱۱۵) زمانی مغولها در کوهستانهای نزدیک شوش سکونت داشتند (ص - ۱۳۶).
- ۴ - زبان مغولی جزو فامیل زبان تورانی آسیای مرکزی است (کندر - ص ۳۰ - ۳۱).
- ۵ - در خراسان علاوه بر مردم نژاد ایرانی مردمان از اولاد مغول که در زمان چنگیز و تیمور آمدند زندگی میکنند. دائرةالمعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ تعداد مغولهای خراسان یعنی تیموریها و هزاره‌ها را ۳۰۰ هزار نفر ذکر میکند (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۱۷۹).
- ۶ - بعد از ادوار ماقبل تاریخ آریانیهای ایران باقبایل مغول مخلوط شدند در ایالت خسه قبایل نیمه باده‌نشین دارای صفات مغولی زندگی میکنند. تاجیکهای خراسان از حیث سر کوتاهی شبیه مغولها هستند. در قبایل مستقر مرکز ایران عناصر ترکی و مغولی شمال نفوذ کرده است. ایوانوسکی از قبایل کلموک بعنوان نمونه بارز نوع مغولی اداره گیری کرده است. در مجموعه‌های کبر خصوصیات مغولی دیده نمیشد. این مجموعه‌ها با ۲۰۰ مجموعه مغولی که توسط ایوانوسکی اندازه گیری نشده مقایسه شده است (دانیلو).
- ۷ - تنها مغولهاییکه اکنون در حدود قدیم ایران زندگی میکنند هزاره‌ها و ایماک‌ها و چند قبیله دیگر است که در قرن چهاردهم بایران آمدند (برنتون - ص ۴ - ۵).
- ۸ - مغولها که معمولا آنها را تاتار میخوانند توسط نویسندگان چینی به سه طبقه تقسیم گردیده بودند که عبارت بود از سفید و سیاه و تاتار وحشی که درجه تمدن آنها هرچه دورتر بودند کمتر میشد. مغولهای اصلی چشمان بادامی دارند. ریش ندارند و قد آنها معمولا کوتاه است. اگر چه پیاده بد ریخت بنظر می‌آیند سوار کار درجه يك هستند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۷۰ - ۷۲). هزاره‌ها مغولند

(جلد ۲ ص ۲۱۷).

۹ - بربرها از حیث نوع جسمانی مغول خالص هستند ( ایوانوس (۱۵۵).

۱۰ - ایرانیان اصلی در ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد در بعضی نواحی با مغولهای تورانی زبان که از سیبری به غربی آمده بودند مخلوط شدند ( ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۲۸ ) . چهارمین تهاجم بایران حمله مغول زیر فرمان چنگیزخان در قرن سیزدهم صورت گرفت (ص ۶۹ - ۷۰) . اگرچه طبق نظر هاكسلی سومین مرکز فکامل بشمار میآید مردم مغول زمائی در ایران تفوق داشتند اکنون دیگر در ترکیب نژادی ایران اثر بارز ندارند.

### مغول و آریان

در ایران متشکلند از ارمنی ها، عجمی ها و تاجیکها و ایلات (هوسی ص ۱۰۳). شامل قسمت عمده جمعیت ایران یعنی مردم تهران، اصفهان و قم و قمشه میشود (ص ۱۱۵).

### مغول و سامی

نمونه آنها در ایران بختیارها هستند (هوسی ص ۱۰۳).

### مکرانی

مکرانیا مخلوطی از نژاد هند و افغان و آسوری و سیاهپوستند (دیکر- ص ۵۰۸).

### مکری

یامیکری - از کردهای آذربایجان - شرق و شمال شرقی ساوجبلاغ . سنی و ده نشین ۲۰۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۶)

### مگی

مکرانیا مخلوطی از نژاد هند و افغان و آسوری و سیاهپوستند ( دیکر

- (ص ۵۰۸).

#### ممسنی

یکسی از قبایل عمده لك و از شعب فرعی لرها (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ ص ۲۶۹ - ۲۷۰) از قبایل ترك خمه فارس و لارستان ۱۸۷۵ (جلد ۲ - ص ۱۱۲ - ۱۱۴).

#### مموش

مماش، كرد آذربایجانی در ناحیه لاهیجان - مغرب و جنوب غربی ساوجبلاغ - سنی و ده‌شین ۳۰۰ خانوار (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

#### مندامی

کردهای اردلان نزدیک حسن آباد - ۵۰۰ خانوار (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

#### منطقق

قبیله منطقق حویزه از قبایل عرب مرز غربی خوزستان است (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۳۲۰ - ۳۲۲).

#### منكوری

کردهای آذربایجانی جنوب ساوجبلاغ - سنی و ده‌شین - پنج هزار خانوار (كرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

#### منگال (مونگل)

در اویدیها (براهوئی) نژاد تاتار در بلوچستان (مکمون - ص ۷).

#### نائیریه

از قبایل عرب خوزستان که تعداد افراد ذکور آن متجاوز از ۵۰۰ نفر

## هایکان

رجوع شود به ارامنه.

## هپارتیپ

ایلام‌موطن این قبیله بود که شاید از اماردی یا ماردی یونانی باشند و هرودوت آنها را از قبایل بادیه‌نشین ایران محسوب داشته است (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۵۰-۵۳).

## هتاک

طایفه ترك خالص متعلق به قبیله خلجی (بلیو - ص ۱۰۰).

## هخامنشی

۱ - قبیله ایرانی شاهان پارس (هرودوت I ۱۲۵). دآرتاچائیس. هخامنشی ... بلندقدترین پارسیان بود (VII ~ ۱۱۷).

۲ - رؤسای قبایل پارسی در دربار هخامنشی مقام‌های بزرگ داشتند. هر دو شاخه خانواده سلطنتی یعنی کورش و داریوش از هخامنشیان بودند. شرح کلی ایرانیان ۴۰۰ قبل از میلاد رو به هم رفته باید شامل ایرانیان هخامنشی بشود (لارس - یادداشت به نوشته هرودوت - I - ۱۲۵).

۳ - حجاریهای شاهان هخامنشی نژاد آریائی باستانی را می‌نمایاند؛ شکل سر هند و اروپائی و پيشانی صاف و بلند و بینی در همان خط و گاهی عقابی و چانه گرد و و مو زیاد (رالینسون - جلد ۲ - ص ۳۰۷).

۴ - افراد هفت فامیل نجیب برای ایرانیان حکومت می‌کردند که فامیل هخامنشی یکی از آنان بود (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ - ص ۱۴۰).

۵ - سلسله هخامنشی اهل پارس بودند (ورل - ص ۱۲۵ - ۱۲۶).

۶ - از زمان هخامنشیان موانع طبیعی هرگز در ایران دارای اهمیت نبوده است (ویلسون ۱۹۳۲ - ص ۳۷۸).

## هرکی

کرد آذربایجانی در تابستان وارد ایران میشوند و در فصل زمستان به موصل

میروند. دوهزار خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ ص ۵۵۵ - ۵۵۷).

## هزاره

- ۱ - هزاره یکی از عناصر عمده جمعیت افغانستان است (بلیو ص ۱۳).  
کشور عرسارث که در کتاب مقدس ذکر شده با موطن هزاره‌های امروزه مطابقت دارد (ص ۱۵ - ۱۶). از کابل و غزنه تا هرات و از قندهار تا بلخ بسط دارد.  
با سایر مردم افغانستان فرق دارند. تا تار مغولی هستند. ممکن است در زمان چنگیز - خان آمده باشند (ص ۱۱۳ - ۱۱۴).
- ۲ - در دایرة المعارف بریتانیا قبل از ۱۸۹۲ بنام مغول ثبت شده‌اند. تعداد آنها در خراسان پنجاه هزار نفر است (کرزن ۱۸۹۲ جلد ۱ ص ۱۷۹) از حیث نژاد و مذهب از چهار ایمل هستند ولی یکی از چهار قبیله اصلی نمیباشند. بلیو میگوید هزار مترادف باداهی است. هزاره‌ها هرگز یک قوم ایرانی نبودند. بفامیل نژادی تورانی تعلق دارند و این مطالب از قیافه مغولی و چشمان کج و صورت کم ریش آنها پیداست. بعضی در حوالی مشهد استقرار یافته ولی عده زیادی در جنوب در محسن آباد در ناحیه باخزر سکونت اختیار کردند زبان آنها فارسی و مذهب آنها سنی است. (جلد ۲ ص ۱۹۸).
- ۳ - یکی از گروه‌های معدود مغول که اکنون در ناحیه ایران قدیم سکونت دارند. در قرن چهاردهم میلادی آمدند (برینتون ص ۴ - ۵).
- ۴ - هزاره‌ها در خراسان هستند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۳۹۲).  
هزاره‌های مغول در قلب افغانستان ساکنند. شیعه هستند (جلد ۲ - ص ۲۱۷).  
۵ - هزاره‌های بلند قد در پارویامیس باستانی شمال افغانستان هستند. شاخس سر ۸۵/۵ اینی (۸۰/۵ هدون - ص ۱۰۳) از نوع گروه سر کوتاه هستند (ص ۳۱ - ۳۲).
- ۶ - در ادبیات اروپائی بربرها را هزاره میگویند (ایوانو - ص ۱۵۵).

## همانند

قبیله ده نشین کرمانشاه: ۲۰۰ خانوار (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۱ - ص ۵۵۷).



## هندو

- ۱ - سردرازهای آسیائی (رتزیوسی - ص ۱۱۲).
- ۲ - اشتراك اصل آریانه‌های ایران و هندوها حقیقت قبول شده است (دوخائیکف ص ۳۵) اندازه‌های سر شاخص سر: ۷۴/۵ (ص ۵۹ و ۶۳). طول قد ۱۴۰۰-۱۵۰۰ معمولی تراز ۱۶۰۰-۱۷۰۰ است. اندازه‌های جمجمه هندو (ص ۱۳۳-۱۳۹).
- ۳ - شاخص سر ۷۲/۲۸ و ۷۴/۴۸ (هوسی - ص ۱۱۰).
- ۴ - در ۱۸۱۰ پائینگر در کرمان هندو نیافت ولی در ۱۸۹۲ در حدود ۴۰ تاجر هندو در سنگاپور و سند وجود داشتند. از حیث لباس و ظاهر نیمه ایرانی هستند (کرزن - ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۲۴۴) در دشتیاری مردمی هستند که ظاهراً از نژاد هندو میباشند (جلد ۲ - ص ۲۵۸ - ۲۵۹). در یزد عده‌ای هندو که زیاده کم میشوند وجود دارد (جلد ۲ - ص ۲۴۰ - ۲۴۱).
- ۵ - بنابگفته کاترفاژ و حامی جمجمه‌های هندو تاحدی شبیه جمجمه ساکنین قدیم قفقاز است (دانیلو - ستون ۱۴۵).
- ۶ - هندوها ایرانی هستند (ریپلی - ص ۴۴۲ - ۴۵۲).
- ۷ - تا سال ۱۳۵۰ قبل از میلاد بین عناصر ایرانی و هندو نژاد آریان تفاوتی وجود نداشت (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۱ ص ۹۵ - ۹۹).
- ۸ - در سمت مشرق بلوچها با جانها و هندوها مخلوط شده‌اند (دنیکر - ص ۵۰۸).

## هند و افغانی

- ۱ - موطن آنها در افغانستان (هدون - ص ۱۰۳): موی سیاه مجعد - صورت قهوه‌ای خیلی روشن - قد بین ۱/۶۱۰ تا ۱/۷۴۸ سردراز تا سر متوسط (شاخص سر بین ۷۱/۳ تا ۷۷/۵) - صورت دراز - قیافه منظم - بینی برجسته صاف یا محدب معمولاً باریک - چشم سیاه (ص ۲۲).
- ۲ - بلوچها از نژاد هند و افغانی هستند ولی خیلی مخلوط شده اند . مکرانیه‌ها مخلوطی از نژاد هند و افغانی و آسوری و سیاه پوست هستند (دنیکر ص ۵۰۸).

## هند و ایرانی

- ۱ - در میان اقوام سردراز سر متوسط آسیائی نژاد هند و ایرانی است که

## فهرست قبائل و گروه‌های نژادی - ۸۱۳

متشکل است از: بلوچی و اچکزائی و پائی و کاکردپاتان و تازن و دهموار و براهوئی:  
شاخص سر ۸۰ - ۸۲/۸ شاخص بینی ۶۷/۸ - ۷۴/۳ : قد ۱/۶۴۲ - ۱/۷۲۲ متر.  
نوع مخلوط یا میانه (هدون ص ۸۶).

۲ - عناصر هند و ایرانی در میان دروزها متنوع و زیاد است (هیتی ص ۲۲ - ۲۳).

۳ - طبقه حاکمه میثانی هند و آریائی بودند. اولین گروه آریان که مهاجرت کردند مهاجرت بین ۱۵۰ و ۱۴۵ قبل از میلاد صورت گرفت. گروه عمده در هند ناپدید شد (هرتسفلده ۱۹۳ - ص ۶۰-۱۰).

۴ - درازمنه قدیم اقوام نوردیک که بزبان هند و ایرانی تکلم کنند در ایران نبودند. اولین ورود این اقوام اوایل هزاره دوم قبل از میلاد است. این تاریخ از ذکر خدایان هندوایرانی در میان خدایان کاسیت‌ها معین شده است (کامرون - ص ۱۵ - ۱۹).

۵ نفوذ هندوایرانی از ایران و باکتریا بسمت مشرق بسط یافت (تالکرن - ص ۹۰).

### هندی

- ۱ - در قرن هفتم و هشتم سیستان از طرف مردم هند اشغال شد که با ایرانیان بومی و قبایل مهاجر نژاد سیت آنرا بین خود تقسیم کردند (بلیو (ص ۱۷ - ۱۸).
- ۲ - یکی از عناصر جمعیت ایران (فین ص ۳۲ - ۳۳).

### هیتی‌ها

فن‌لوشان اقوام زیر را نماینده عصر حاضر هیتی‌های باستانی میدانند: در-وزها - مارونیتها و نصیره - سوریه - ارامنه - تاهتاجی (تاچتاشی) و بکتاشی و علی‌اللهی و بسزیدی آسیای صغیر و ایران - با سر کوتاه و خیلی بلند و بینی باریک و دراز (هیتی - ص ۱۵).

### هیرکانی

مهاجمینی که ناحیه استراباد فعلی را اشغال کردند (سایکس ۱۹۲۱ - جلد

۱ ص ۹۵ - ۹۹).

### یزیدی

یزیدیه‌های عراق جزو گروه ایران و مدیترانه محسوب شده‌اند (هدون ص ۸۶).

### یموت

طایفه یموت ترکمن (بکستون ۱۹۲۹ - ص ۶۲۳).

### یوخار باش

از گروه‌های فرعی قبیله قاجار در ساحل شعبه علیای رود گرگان (سایکس ۱۹۲۱ - جلد ۲ - ص ۲۷۷).

### یهودیه‌ها

- ۱ - یهودیه‌ها روبکاهش می‌روند (ملکم - جلد ۲ - ص ۵۱۸ - ۵۲۱).
- ۲ - آسیائیه‌های از نوع سرکوتاه هستند (رتزیوس - ص ۱۱۲).
- ۳ - اندازه سر یهودیه‌های شمال افریقا شاخص سر ۷۵/۱ و ۷۷/۷ (دوخانیف - ص ۷۰) یهودیه‌های قبل از قرن دوازده. شاخص سر ۸۴/۷ و ۸۸/۸ (ص ۷۱).
- ۴ - طبق نظر بولاک گزارش ۱۸۷۳ علت تقلیل جمعیت ایران تا حدی مهاجرت یهودیه‌ها و عناصر غیر مسلمان دیگر است (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲).
- ۵ - زیر عنوان سامیه‌ها ثبت شده‌اند (هوسی ص ۱۰۳).
- ۶ - بنا به گفته هتوم - شیندلر (در ایران ۱۹ هزار نفر یهودی وجود دارد) (کرزن ۱۸۹۲ - جلد ۲ - ص ۴۹۲ - ۴۹۴) در ۱۸۱۰ پائینگر در کرمان یهودی نیافت اگرچه اکنون وجود دارد. در سرشماری ۱۸۷۸ در آنجا ۸۵ نفر یهودی بود (جلد ۲ ص ۲۴۴). در یزد دوهزار یهودی است که مجبورند وصله جلوی لباس خود بزنند و بدینوسیله شناخته می‌شوند (جلد ۲ - ص ۲۴۰ - ۲۴۱). در تهران چهار هزار یهودی وجود دارد (جالد ۱ - ص ۳۳۳).
- ۷ - بعد از ازمینه ماقبل تاریخ آریائیه‌های ایران بایهودیه‌ها مخلوط شدند. زمانی

مازندران ساکنین یهودی داشت تاجیکهای خراسان از نظر نوع سر کوتاهی شبیه یهودیها هستند (دانیلو - ستون ۱۰ - ۱۹ و ۲۶-۲۸) از لحاظ اندازه دست و پا یهودیها شبیه ساکنین ایرانند (ستون ۱۳۵).

۸ - یهودیها در تهران و کاشان و اصفهان استقرار یافته‌اند و تعداد آنها ۵۸۸۳ نفر است (هتوم - شیندلر - ص ۴۸ و ۱۱۷ - ۱۱۹).

۹ - قسمتی از جمعیت ایران (فین ص ۳۲ - ۳۳) .

۱۰ - در ایران ۳۶۰۰۰ نفر یهودی وجود دارد (سایکس ۱۹۲۱ - جلد

۱ - ص ۱۳ - ۱۴).

۱۱ - گروه ایران و مدیترانه شامل بعضی یهودیهایمیشود (هدون ص ۸۶).  
يك نوع خالص و قدیمی یهودی در شهرهای ترکستان بین سیحون و جیحون پیدامیشود (ص ۱۰۳ - ۱۰۴).

۱۲ - در اروپای مرکزی ۱۵ درصد یهودیها مو بورند فقط ۲۵ درصد مو مشکی هستند و بقیه از نوع فیما بین سر کوتاهی فقط در میان مو مشکی‌ها دیده میشود و علت آن اختلاط خون است. در قفقاز یهودیها خیلی کوتاه هستند (سایکس ص ۱۰۷ - ۱۰۸ و ۱۲۰ - ۱۲۱) حتی در ازمنه کتاب مقدس یهودیها اثر ادخالص نبودند (ص ۱۱۵ - ۱۱۶).

۱۳ - در میان شهرهای خراسان فقط در مشهد یهودی پیدا میشود (ایوانووس

۱۱۵).



# کتابنامه

The following bibliographical references have been used in the preparation of this Report. The reader is, however, referred to the bibliographies of Iran prepared by the New York Public Library and by Sir Arnold Wilson.

The majority of the books, pamphlets, and reprints, together with rare items such as Richardson's *Dictionary*, Schlimmer's *Terminologie*, the *Voyages* of Antony Sherley and Benjamin of Tudela, and *The Naft*, are in the author's reference library.

Assistance rendered by libraries both at home and in Europe has been acknowledged in the Preface.

The Russian titles have been checked by Mr. Eugene Prostov.

## Abbreviations

- AA American Anthropologist
- AcA Acta Archaeologia. Copenhagen
- AfA Archiv für Anthropologie. Braunschweig
- AJA American Journal of Archaeology
- AJPA American Journal of Physical Anthropology
- AJSL American Journal of Semitic Languages and Literatures
- ArA Art and Archaeology
- AR Asiatic Review
- BRSOI Bollettino della Reale Società Geografica Italiana
- EB Encyclopaedia Britannica
- ESA Eurasia Septentrionalis Antiqua. Helsinki
- FMNH Field Museum of Natural History
- GJ Geographical Journal. *See also* JRGS
- HB Human Biology
- IAE Institut Antropologii i Etnografii, S. S. S. R. Akademiia Nauk [Institute of Anthropology and Ethnography of the U. S. S. R. Academy of Sciences]. Leningrad
- JAI *See under* JRAI
- JAOS Journal of the American Oriental Society
- JASB Journal of the Anthropological Society of Bombay
- JASB Journal of the Asiatic Society of Bengal
- JBNHS Journal of the Bombay Natural History Society
- JCAS *See under* JRCAS
- JH Journal of Heredity
- JLS-Z Journal of the Linnean Society, Zoology
- JRAI Journal of the Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland
- JRAS Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland. London
- JRCAS Journal of the Royal Central Asian Society
- JRGS Journal of the Royal Geographical Society
- JRSA Journal of the Royal Society of Arts
- JSA *See under* JRSA
- NH Natural History
- OIP Oriental Institute Publications
- PAPS Proceedings of the American Philosophical Society
- PKAW Proceedings of Koninklijke Akademie van Wetenschappen. Amsterdam
- PRCAS *See under* JRCAS

- PRGS *See under* JRGS  
 RA *Revue Anthropologique*  
 SAOC *Studies in Ancient Oriental Civilization, Oriental Institute, University of Chicago*  
 SM *Scientific Monthly*  
 ZDMG *Zeitschrift der Deutsche Morgenlandische Gesellschaft. Leipzig*

---

ABBOTT, KEITH E.

1857. Notes taken on a journey eastwards from Shiraz to Fessa and Darab, thence westwards by Jehrums to Kazerun in 1850. JRGS, vol. 27, pp. 149-184.

ABERIGH-MACKAY, G. R.

1875. Notes on western Turkistan. London.

AINSWORTH, W., *see* THOMSON, W. TAYLOR

AMMIANUS MARCELLINUS

- ca. 360. History.

AMSCHLER, W.

1986. Die ältesten Funde des Hauspferdes. Unter erstmaliger Benützung der von Dr. Henry Field (Chicago, U.S.A.) in Kish ausgegrabenen Knochenmaterialien. Wiener Beiträge zur Kulturgeschichte und Linguistik, vol. 4, pp. 497-516. Vienna.

ANGELUS, PATER (Labrosse)

1684. *Gazophylacium linguae Persarum*. Amsterdam.

ARKIN, HERBERT, and COLTON, RAYMOND R.

1984. An outline of statistical methods. New York.

ARNE, T. J.

1984. Luristan and the West. ESA, vol. 9, pp. 277-284.  
 1985a. La steppe turkomane et ses antiquités. Hyllnings-skrift tillägnad Sven Hedin, pp. 28-48. Stockholm.  
 1985b. The Swedish Archaeological Expedition to Iran; 1982-1983. AcA, vol. 6, pp. 1 et seq.  
 1988a. En Sino-Iransk kopp. Särtryck ur Fornvännen, h. 2, pp. 107-118.  
 1988b. Spegel från Luristan. Särtryck ur Kulturhistoriska Studier, edited by Nils Aberg, pp. 86-90. Stockholm.

ASHLEY-MONTAGU, M. F.

1987. The determination of the naso-frontal suture and the nasion in the living. Radiology, vol. 28, pp. 473-476. New York.

BARBIER DE MEYNARD, C. A. C., *see* YAKUT IBN ABD ALLAH, AL-HAMAWI

BASCHMAKOFF, ALEXANDRE

1986. Etude paléo-ethnologique sur le peuple Iranien des "Scythes d'Herodote," dits "Scolotes." Bulletin de l'Association Guillaume Budé, No. 51, April. Paris.  
 1987. Cinquante siècles d'évolution ethnique autour de la Mer Noire. Etudes d'ethnographie, de sociologie et d'ethnologie, vol. 1. Paris.

BAUER, G.

1985. Luftzirkulation und Niederschlagsverhältnisse in Vorderasien. Gerlands Beiträge zur Geophysik, vol. 45, secs. 381-548. Strasbourg.

BAYE, JOSEPH, BARON DE

1902. Les Juifs des montagnes et les Juifs géorgiens. Paris.

BELL, M. S.

1884. Military report on south-west Persia. Simla?

- BELLEW, H. W.  
1880. The races of Afghanistan, being a brief account of the principal nations inhabiting that country. Calcutta.
- BENJAMIN, I. J.  
1858. Acht Jahre in Asien und Afrika. Hanover.
- BENJAMIN OF TUDELA  
1764. Beniamini Tudelensis itinerarium ex versione Benedicti Ariae Montani. Leipzig.
- BERGSMARK, DANIEL R.  
1935. Economic geography of Asia. New York.
- BIDDULPH, C. E.  
1891. Journey across the western portion of the great Persian Desert, via the Siah Kuh Mountains and the Darya-i-Namak. PRGS, vol. 13, pp. 645-657.
- BISHOP, ISABELLA L.  
1891. Journeys in Persia and Kurdistan. 2 vols. London.
- BLANCHARD, RAOUL  
1929. L'Iran. Géographie universelle, vol. 8, pp. 128-170. Paris.
- BLANFORD, W. T.  
1876. The zoology and geology of eastern Persia. Persian Boundary Commission. Eastern Persia, vol. 2. London.
- BLOCHET, E.  
1895. Liste géographique des villes de l'Iran. Recueil des travaux relatifs à la philologie et à l'archéologie égyptiennes et assyriennes, vol. 17, pp. 165-176. Paris.
- BODE, C. A. DE  
1845. Travels in Luristan and Arabistan. 2 vols. London.
- BOGDANOV, ANATOLIĬ PETROVICH  
1892. Quelle est la race la plus ancienne de la Russie Centrale? Moscow.
- BOUCHEMAN, ALBERT DE  
1934. Matériel de la vie bédouine. Documents d'Etudes Orientales. Vol. 3, pp. 108-116. Institut Français de Damas. Damascus.
- BOULTON, W. H.  
1933. Elam, Media, and Persia. London.
- BREASTED, J. H.  
1933. The Persepolis discoveries. ArA, vol. 34, pp. 87-92, 112.  
1935. Ancient times, a history of the early world. 2nd ed. New York.
- BRINTON, DANIEL G.  
1895. The protohistoric ethnography of Western Asia. PAPS, vol. 34, pp. 1-82.
- BRITISH GOVERNMENT. FOREIGN OFFICE. HISTORY SECTION.  
1920. Persian Gulf. Handbook No. 76. G. W. Prothero, ed. London.
- BROOKS, C. E. P.  
1926. Climate through the ages. New York.  
1930. Climate. New York.
- BROWNE, E. G.  
1909. A brief narrative of recent events in Persia. London.
- BUKINICH, D. D., *see* VAVILOV, N. I.
- BURCHARDT, HERMANN  
1902. Die Juden in Jemen. Ost und West.



**BUXTON, L. H. DUDLEY**

1925. *The peoples of Asia*. New York.  
1929. *Turkmen Republic*. EB, 14th ed., vol. 22, pp. 621-623.

— and RICE, D. TALBOT

1931. Report on the human remains found at Kish. JRAI, vol. 61, pp. 57-119.

— and THOMSON, ARTHUR, *see* THOMSON

**CAMERON, G. G.**

1936. *History of early Iran*. Chicago.

**CAPITO, C. E.**

1931. Some birds from the north-west corner of Fars, Persia. JBNHS, vol. 34, pp. 922-935.

**CHANTRE, ERNEST**

1883. Rapport sur une mission scientifique dans l'Asie occidentale. Archives des Missions Scientifiques et Littéraires, série 8, vol. 10, pp. 199-263. Portrs.  
1885-87. Recherches anthropologiques dans le Caucase. 4 vols. Paris.

**CHARDIN, SIR JOHN**

1686. *Travels in Persia*. Reprint of London edition of 1720; ed. by N. M. Penzer, London, 1927.  
1711. *Voyages de Mr. le Chevalier Chardin en Perse, et autres lieux de l'Orient*. Amsterdam.

**CHILDE, V. GORDON**

1933. Notes on some Indian and East Iranian pottery. *Ancient Egypt and the East*, Mar.-June, pp. 1-11.

**CHINA, W. E.**

1938. Hemiptera from Iraq, Iran, and Arabia. FMNH, Zool. Ser., vol. 20, No. 32, pp. 427-437.

**CHRISTENSEN, A.**

1917. Les types du premier homme et du premier roi. Archives d'Etudes Orientales, vol. 14, pt. 1. Stockholm.  
1934. *Ibid.*, pt. 2. Leyden.

**CLAPP, F. G.**

1938. Recent explorations in Eastern Iran. *The Iran Society*, vol. 2, pt. 2, pp. 18-29.

**COLTON, RAYMOND R., *see* ARKIN, HERBERT**

**CONDER, C. R.**

1889. The early races of Western Asia. JAI, vol. 19, pp. 30-51.

**CONFINO**

- Revue des Ecoles de l'Alliance Israélite, No. 3, p. 183.  
*Ibid.*, No. 5, p. 339.

**CONTENAU, GEORGES, and GHIRSHMAN, R.**

1935. Fouilles du Tépé-Giyan, pres de Néhavend 1931 et 1932. Musée du Louvre. Département des antiquités orientales. Série archéologique, vol. 3. Paris.

**COOK, ORATOR FULLER**

1925. Peru as a center of domestication. JH, vol. 16, pp. 33-46, 95-110.

**COON, CARLETON S.**

1931. Tribes of the Rif. *Harvard African Studies*, vol. 9. Cambridge.  
1939. *The races of Europe*. New York.

**COOPER, MERIAN C.**

1925. *Grass*. New York.

- COTTEVILLE-GIRAUDET, RÉMY  
1930. Les races de l'Afrique du nord et la population oranaise. RA, vol. 40, pp. 136-154. Paris.
- COX, SIR PERCY Z.  
1929. Physical geography of Persia. EB, 14th ed., vol. 17, pp. 548-562.
- CURZON, G. N.  
1892a. Persia and the Persian question. 2 vols. London.  
1892b. Memorandum on the society's new map of Persia. PRGS, vol. 14, pp. 69-78.
- DAMES, M. LONGWORTH  
1902. Note on Major Sykes's anthropological notes on Southern Persia. JRAI, vol. 32, pp. 350-352.
- DANILOV, N. P.  
1894. K. kharakteristike antropologicheskikh i fiziologicheskikh chert sovremennago naseleniia Persii [Anthropological and physiological characters of the present population of Persia]. Trudy Antropologicheskago Otdiela, vol. 17. Izvestiia Imp. Obshchestva Liubitelei Estestvoznaniia Antropologii i Etnografii, vol. 88, cols. 1-147. Moscow.
- DAULIER-DÉSLANDES, A.  
1673. The beauties of Persia. Memoir, Persia Society, 1926. Trans. by Sir A. T. Wilson. London.
- DAVENPORT, C. B.  
1927. Guide to physical anthropometry and anthroposcopy. Cold Spring Harbor, New York.
- DEBEVOISE, N. C.  
1938. A political history of Parthia. Chicago.
- DEMORGNY, G.  
1913. Les tribus du Fars. Revue du Monde Musulman, vol. 22, pp. 85-150. Paris.
- DENIKER, JOSEPH  
1926. Les races et les peuples de la terre. Paris.
- DIEULAFOY, MARCEL AUGUSTE  
1893. L'Acropole de Suse, d'après les fouilles exécutées en 1884-6, sous les auspices du Musée du Louvre. Paris.
- DIXON, ROLAND BURRAGE  
1923. The racial history of man. New York.
- DJAWACHISCHWILI, ALEXANDER  
1925. Die Rassenzusammensetzung der Kaukasusvölker. AFA, new ser., vol. 20, pp. 77-89.
- DOUVILLÉ, HENRI  
1904. Les explorations de M. de Morgan en Perse. Bulletin de la Société Géologique de France, ser. 4, vol. 4, pp. 539-553. Paris.
- DOWSON, V. H. W.  
1921-23. Dates and date cultivation of the 'Iraq. Pts. 1-3. Printed for the Agricultural Directorate of 'Iraq. Cambridge, England.
- DROWER (STEVENS), E. S.  
1937. The Mandaens of Iraq and Iran. Oxford.
- DUBEUX, LOUIS  
1841. La Perse. Paris.

DUHOUSSET, E.

1868. Etudes sur les populations de la Perse et pays limitrophes pendant trois années de séjour en Asie. Paris.

1887. Les races humaines de la Perse. Revue d'Ethnographie, vol. 6, pp. 400-418. Paris.

DU MANS, R.

1890. Etat de la Perse en 1660, par Le P. Raphaël Du Mans Supérieur de la Mission des Capucins d'Ispahan, publié avec notes et appendice—par Ch. Schefer. Paris. See also MACHAULT, JACQUES DE

DUNSTERVILLE, L. C.

1921. Six months in north-west Persia in 1918. The Persia Magazine, vol. 1, pp. 41-61.

DURAND, LADY E. R.

1902. An autumn tour in western Persia. London.

EBTEHAJ, G. H.

1936. Guide book on Iran. Tehran.

EDMONDS, C. J.

1918. Notes on Luristan. Baghdad.

1922. Luristan: Pish-i-Kuh and Bala Gariveh. GJ, vol. 59, pp. 335-356, 437-453.

1924. An autumn tour in Daylam (Ghilan). JCAS, vol. 11, pp. 340-357.

EICKSTEDT, EGON, FREIHERR VON

1934. Rassenkunde und Rassengeschichte der Menschheit. Stuttgart.

ELISIEEV, A. V.

1890. Einige Bemerkungen zur Ethnologie persiens. Die Russische anthropologische Gesellschaft bei der St. Petersburger Universität, vol. 3, pp. 55-57. Abstract by L. Stieda, AFA, vol. 26 (1900), pp. 216-217.

1890-91. Antropologicheskiiia zametki ob obitateliakh Maloi Azii [Anthropological notes on the inhabitants of Asia Minor]. Dnevnik Antropologicheskago Otdiela, Imp. Obschestva Liubitelei Estestvoznaniia, Antropologii i Etnografii. Moscow.

ELPHINSTONE, MOUNTSTUART

1815. An account of the kingdom of Caubul and its dependencies in Persia, Tartary and India. London.

ERCKERT, R. VON

1888-91. Kopfmessungen kaukasischer Völker. AFA, vol. 18, pp. 263-281, 297-335; vol. 19, pp. 55-84, 211-249, 331-356.

FEDCHENKO, A. P.

1888. Antropometricheskiiia zametki otnositel'no turkestanaskikh inorodtsev [Anthropometric notes on Turkestan natives]. Moscow.

FEILBERG, C. G.

1938. A Sumerian plough surviving in our time. Ethnos, Nos. 2-3, pp. 84-86.

FIELD, HENRY

1929a. The Field Museum-Oxford University Joint Expedition to Kish, Mesopotamia, 1923-29. FMNH, Anthr. Leaflet No. 28.

1929b. Early man in North Arabia. Amer. Mus. Nat. Hist., NH, vol. 29, pp. 33-44.

1931. Among the Beduins of North Arabia. Open Court, vol. 45, pp. 577-595. Chicago.

1932a. Human remains from Jemdet Nasr, Mesopotamia. JRAS, pt. 4, pp. 967-970.

1932b. The cradle of *Homo sapiens*. AJA, vol. 36, pp. 426-430.

- 1932c. Ancient wheat and barley from Kish, Mesopotamia. AA, new ser., vol. 84, pp. 308-309.
- 1932d. The ancient and modern inhabitants of Arabia. Open Court, vol. 46, pp. 847-872.
1933. The antiquity of man in Southwestern Asia. AA, new ser., vol. 35, pp. 51-62.
1934. Sulle caratteristiche geografiche dell'Arabia settentrionale. BRSGI, vol. 11, pp. 8-18.
- 1935a. The Field Museum Anthropological Expedition to the Near East, 1934. The Oriental Institute Archaeological Report on the Near East. AJSL, vol. 51, pp. 207-209.
- 1935b. Arabs of central Iraq, their history, ethnology, and physical characters. Introduction by Sir Arthur Keith. FMNH, Anthr. Mem., vol. 4.
- 1936a. Racial types from South Arabia. The New Orient, pp. 82-89. Chicago.
- 1936b. The Arabs of Iraq. AJPA, vol. 21, pp. 49-56.
- 1937a. Oryx and ibex as cult animals in Arabia. Man, vol. 37, No. 69. London.
- 1937b. The population of the Soviet Union. AJPA, vol. 23, pp. 79-81.
- 1937c. Jews of Sandur, Iraq. Asia, vol. 37, pp. 708-710.
- 1937d. See HOOPER, DAVID
- and PROSTOV, EUGENE
1936. Recent archaeological investigations in the Soviet Union. AA, new ser., vol. 38, pp. 260-290.
1937. Archaeology in the Soviet Union. AA, new ser., vol. 39, pp. 457-490.
1938. Archaeology in the U.S.S.R. AA, new ser., vol. 40, pp. 653-679.
- 1939a. Turkestan, U.S.S.R. AJSL, vol. 56, pp. 110-112.
- 1939b. Archaeological investigations in Central Asia, 1917-1937. Ars Islamica, vol. 5, pt. 2, pp. 233-271. Ann Arbor.
- FILMER, HENRY
1936. The pageant of Persia. New York.
- FINN, ALEXANDER
1914. Some reminiscences of a stay in Persia. Lectures delivered to the Persia Society, 1913-1914, pp. 23-42. London.
- FORKNER, C. E. and ZIA, LILY S.
1934. An outline of the development of the theories for the transmission of Leishmaniasis together with further evidence to support a theory of direct transmission of Kala-Azar through the agency of oral and nasal secretions. Trans. Ninth Congress Far East. Assoc. Trop. Med., Nanking, vol. 1, pp. 633-656.
- FRANKLIN, WILLIAM
1790. Observations made on a tour from Bengal to Persia, in the years 1786-7. London.
- FRANKFORT, HENRI
1932. Archaeology and the Sumerian problem. SAOC, No. 4, pp. 1-72.
- FRASER, LOVAT
1908. Some problems of the Persian Gulf. PRCAS, pp. 1-23.
- FRYER, JOHN
1698. A new account of East India and Persia. Being nine years' travels, 1672-1681. London.
- FULLERTON, ALICE
1938. To Persia for flowers. Oxford.
- FURON, R.
1937. La géologie du plateau iranien. Revue Générale des Sciences, vol. 48, pp. 36-43.

GABRIEL, ALFONS

1989. Aus den Einsamkeiten Irans: dritte Forschungsfahrt durch die Wüste Lut und Persisch-Bolochistan mit einer Reise durch Süd-Afghanistan. Stuttgart.

GARRÖD, DOROTHY A. E.

1987. The Near East as a gateway of prehistoric migration. In *Early Man*, pp. 38-40, ed. by George Grant MacCurdy. Philadelphia.

GENNÉP, ARNOLD VAN

1918. Notes d'ethnographie persane. *Revue d'Ethnographie et de Sociologie*, vol. 4, pp. 72-89. Paris.

GEOGRAPHICAL ASSOCIATION, *Gr. Brit.* COMMITTEE

1937. Classifications of the regions of the world. *Geography*, No. 118, vol. 22, pt. 4, pp. 253-282. London.

GIL'CHENKO, N.

1890. Materialy dlia antropologii Kavkaza: I. Osetiny [Materials on the anthropology of the Caucasus: I. Ossetes]. St. Petersburg.

GINZBURG, V. V.

1937. Gornye Tadzhiki: materialy po antropologii Tadzhikov Karategina i Darvaza [Mountain Tadzhiks: materials on the anthropology of Tadzhiks of Carategin and Darvaz]. *Trudy, IAE*, vol. 16, anthropological series 2.

GLIDDON, GEORGE R., *see* NOTT, JOSIAH CLARK

GOLDSMID, SIR F. J.

1878. Journey from Bandar Abbas to Mash-had by Sistan with some account of the last-named province. *JRGS*, vol. 43, pp. 65-83.

GORDON, P.

1833. Fragments of the journal of a tour through Persia, in 1820. London.

GRAY, F. A. G.

1938. Report on economic and commercial conditions in Iran during 1937. *Gt. Brit. Department of Overseas Trade*, No. 698. London.

GROUSSET, R.

1938. An outline of the history of Persia. *A survey of Persian art*, vol. 1, ch. 3, pp. 59-105. London.

GUEST, EVAN

1933. Notes on plants and plant products with their colloquial names in 'Iraq. *Bulletin No. 27*, Department of Agriculture, 'Iraq. Baghdad.

GUHA, B. S.

1931. The racial affinities of the peoples of India. *Census of India*, vol. 1, pt. 3. Simla.

GÜNTHER, ROBERT T.

1900. Contributions to the natural history of Lake Urmi, N. W. Persia, and its neighbourhood. *JLS-Z*, vol. 27, pp. 345-453. London.

HACKIN, JOSEPH

1934. In Persia and Afghanistan with the Citroën Trans-Asiatic expedition. *JRGS*, vol. 83, pp. 353-363.

HADDON, A. C.

1924. *The races of man and their distribution*. Cambridge, England.

HARRISON, J. V., and FALCON, N. L.

1932. The Bakhtiari country, south-western Persia. *JRGS*, vol. 80, pp. 193-210, and opp. p. 272.

1936a. Kuhgalu. *The Naft Magazine*, vol. 12, No. 12, pp. 2-10. Anglo-Iranian Oil Co. London.

1936b. Kuhgalu: south-west Iran. *JRGS*, vol. 88, pp. 20-36.

- HASAN, HADI  
1928. A history of Persian navigation. London.
- HEDIN, SVEN  
1892. Genom Khorasan och Turkestan. Stockholm.
- HERBERTSON, F. D. and A. J.  
1903. Asia. London.
- HERODOTUS  
ca. 445 B.C. The history of Herodotus of Halicarnassus. Trans. by G. Rawlinson revised and annotated by A. W. Lawrence; 1935. London.
- HERZFELD, E. E.  
1907. Eine Reise durch Luristan, Arabistan and Fars. Petermanns Mitteilungen, vol. 53, pp. 49-68, 73-90. Gotha.  
1908. Pasargadae; Untersuchungen zur persischen Archäologie. Klio. Beiträge zur alten Geschichte, vol. 8, pp. 1-68. Leipzig.  
1935. Archaeological history of Iran. London.
- and KEITH, SIR ARTHUR. See KEITH, SIR ARTHUR
- HITTI, PHILIP K.  
1928. The origins of the Druze people and religion, with extracts from their sacred writings. Columbia University Oriental Studies, vol. 28. New York.
- HOARE, J. N.  
1937. Something new in Iran. Church Missionary Society, London.
- HOGARTH, D. G.  
1902. Note on Major Sykes's "Anthropological notes on Southern Persia." JRAI, vol. 32, p. 349.
- HOOPER, DAVID and FIELD, HENRY  
1937. Useful plants and drugs of Iran and Iraq. FMNH, Bot. Ser., vol. 9, No. 3, pp. 73-241.
- HOOTON, EARNEST ALBERT  
1937a. Up from the ape. New York.  
1937b. Apes, men, and morons. New York.
- HOUSSAY, FREDERIC  
1887. Les peuples actuels de la Perse. Bulletin de la Société d'Anthropologie de Lyon, vol. 6, pp. 101-148. Lyons.
- HOUTUM-SCHINDLER, ALBERT  
1896. Eastern Persian Irak (with map). London.
- HRDLICKA, ALES  
1912. The natives of Kharga Oasis, Egypt. Smithsonian Miscellaneous Collections, vol. 59, No. 1, Washington, D.C.  
1920. Anthropometry. Philadelphia.
- HUNTINGTON, ELLSWORTH  
1905. The depression of Sistan in eastern Persia. American Geographical Society. Bulletin, vol. 37, pp. 271-281. New York.  
1907. The pulse of Asia; a journey in Central Asia illustrating the geographic basis of history. New York.  
1938. Season of birth. Its relation to human abilities. New York.
- IKBAL ALI SHAH, SIRDAR  
1930. Eastward to Persia. London.
- INOSTRANTSEV, KONSTANTIN ALEKSANDROVICH  
The emigration of the Parsis to India and the Musulman world in the middle of the VIII century [The Kavasji Dababhoy Dubash translation series. No. 1. Tr. L. Bogdanov]. pp. 38-70. K. R. Cama Oriental Institute, Bombay.



IRAN MISSION

1937. Board of Foreign Missions of the Presbyterian Church in the U.S.A. Centennial Series, pp. 1-59. New York.

IRELAND, PHILIP WILLARD

1937. 'Iraq. London.

ISTAKHRI, ABU ISHAK IBRAHIM IBN MUHAMMAD AL-

- ca. 900. Kitab u'l-Masalik wa'l-Mamalik.

IVANOV, W.

1926. Notes on the ethnology of Khurasan. JRGS, vol. 67, pp. 143-158.

IVANOVSKIĬ, A. A.

- 1891a. Turkmeny i Turki po kranimetriceskim izsledovaniiam. [Cranio-metric studies of Turkomans and Turks]. Dnevnik Antropologicheskago Otdiela, Imp. Obschestva Liubitelei Estestvoznaniia, Antropologii i Etnografii, No. 8. Moscow.

- 1891b. Cherepa iz mogil'nikov Osetii [Skulls from Ossetian mounds]. Dnevnik Antropologicheskago Otdiela Imp. Obschestva Liubitelei Estestvoznaniia, Antropologii i Etnografii, No. 5, Moscow.

1892. Mongoly-Torgouty [Mongols-Torguts]. Prilozhenie k Dnevniku Antropologicheskago Otdiela Imp. Obschestva Liubitelei Estestvoznaniia, Antropologii i Etnografii, vol. 71, Moscow.

JELISSEJEW, W. See ELISEEV, A. V.

JOYCE, T. A.

1912. Notes on the physical anthropology of Chinese Turkestan and the Pamirs. JAI, vol. 42, pp. 450-484.

1926. Notes on the physical anthropology of the Pamirs and Amu-Daria Basin. JRAI, vol. 56, pp. 105-133.

KALMYKOV, A.

1925. Iranians and Slavs in South Russia. JAOS, vol. 45, pp. 68-71. New Haven.

KAPPERS, C. U. ARIËNS

1930. Contributions to the anthropology of the Near-East. PKAW, I, II, vol. 38, pp. 792-808. Amsterdam.

1931. *Ibid.* III, IV, V, VI, vol. 34, pp. 106-130, 531-541, 1085-1098.

1932. The anthropology of the Near East. Amer. Univ., Social Science Series, No. 2, pp. 1-25. Beirut.

1934. The Central Asiatic barrier and the distribution and associated occurrence of cephalic index peaks in Asiatic-European races. PKAW, vol. 37, pp. 602-614.

— and PARR, LELAND W.

1934. An introduction to the anthropology of the Near East in ancient and recent times. Amsterdam.

KENYH, SIR ARTHUR

1935. Introduction to Arabs of central Iraq, history, ethnology and physical characters. FMNH, Anthr. Mem., vol. 4, pp. 11-77.

— and HERZFELD E.

1938. Persia as a prehistoric centre. A survey of Persian art, vol. 1, pp. 42-58. Oxford.

KENDREW, W. G.

1922. The climate of the continents. Oxford.

KENNEDY, WALTER P.

1937. Some additions to the fauna of Iraq. JBNHS, vol. 39, pp. 745-749.

KHANIKOFF, NICOLAS DE

1866. Mémoire sur l'ethnographie de la Perse. Mémoires de la Société de Géographie. Paris.

KING, LEONARD WILLIAM

1918. Legends of Babylon and Egypt in relation to Hebrew tradition. Schweich Lectures. London.

KRISOCHNER, HARALD and M.

1982. The anthropology of Mesopotamia and Persia. A.: Armenians, Khaldeans, Suriani (or Aissori), and Christian "Arabs" from Irak. B.: Jesidis and (Moslim) Arabs from Irak, with some remarks on Kurds and Jews. PKAW, vol. 85, pp. 205-207. Amsterdam. C.: The Anthropology of Persia. *Ibid.*, pp. 399-410. Amsterdam.

KROGMAN, WILTON M.

1937. Cranial types from Alishar Hüyük and their relations to other racial types, ancient and modern, of Europe and Western Asia in Hans Henning von der Osten, The Alishar Hüyük, seasons 1930-1932. OIP, vol. 30, part 3, pp. 213-293.

1939. Racial types represented at Tepe Hissar, Iran, from the mid-fourth to the mid-second millennium, B.C. (MS).

LAFONT, F. D., see RABINO (DI BORGOMALE), H. L.

LANGDON, STEPHEN

1924. Excavations at Kish. Vol. 1, Paris. See also WATELIN, LOUIS CHARLES

LASSEN, CHRISTIAN

1866-74. Indische Alterthumskunde. 6 vols. Leipzig.

LAUFER, BERTHOLD

1919. Sino-Iranica. FMNH, Anthr. Ser., vol. 15, No. 3, pp. 185-630.

1934. The Noria or Persian wheel. Oriental studies in honour of Dasturji Saheb Cursetji Erachji Pavry, pp. 238-250. Oxford.

1938. The American plant migration. Part 1: The potato. FMNH, Anthr. Ser., vol. 28, No. 1, pp. 1-132.

LAWRENCE, A. W.

1935. The history of Herodotus of Halicarnassus. Trans. by G. Rawlinson, revised and annotated by A. W. Lawrence. London.

LAYARD, SIR AUSTEN HENRY

1846. A description of the province of Khuzistan. JRGS, vol. 16, pp. 1-105.

1887. Early adventures in Persia, Susiana, and Babylonia. 2 vols. London.

LE BRUN, CORNELIUS

1759. Travels into Muscovy, Persia, and divers parts of the East-Indies. London.

LEBZELTER, VIKTOR

1931. Schädel aus Persien. Naturhistorisches Museum. Annalen, vol. 45, pp. 137-157. Vienna.

LERKH, P. A.

1856. Issledovanie ob iranskikh kurdakh i ikh predkakh sievernykh Khalderikh [A study of the Iranian Kurds and their ancestors, Northern Chaldeans, vols. 1-3]. St. Petersburg.

LE STRANGE, G.

1912. Description of the Province of Fars in Persia at the beginning of the fourteenth century A.D. From the MS. of Ibn Al-Balkhi in the British Museum. Royal Asiatic Society, Monographs, No. XIV. London.

LONG, G.

1833. On the site of Susa. JRGS, vol. 3, pp. 257-267.



- LOEBNER, D. L. R.  
 1909. Notes on Pusht-i-Kuh.  
 1980. A Bakhtiari prose text. JRAS, April, pp. 847-864.
- LOVETT, BERESFORD  
 1888. Itinerary notes of route surveys in northern Persia, in 1881 and 1882. PRGS, vol. 6, pp. 57-84.
- MACHAULT, JACQUES DE (Compiler)  
 1928-29. History of the Mission of the Fathers of the Society of Jesus, established in Persia by the Reverend Father Alexander de Rhodes. Trans. by Sir Arnold Wilson. Bull. School of Oriental Studies, vol. 8, pp. 675-706. London.
- MACMUNN, SIR GEORGE  
 1929. Baluchistan. EB, 14th ed., vol. 3, pp. 5-8. New York.
- MALCOLM, SIR JOHN  
 1815. History of Persia. London.
- MARTIN, RUDOLF  
 1928. Lehrbuch der Anthropologie. 3 vols. Jena.
- MASSE, HENRI  
 1927. Notes d'éthnographie persane. Revue d'Éthnographie et des Traditions Populaires, pp. 24-38. Paris.
- MASSON, PIERRE V.  
 Travels in Belouchistan and Afghanistan. Vol. 1.
- McINERNEY, A. J.  
 1987a. Deserts: their economic place in nature. The Mining Journal, February 20, pp. 135-136. London.  
 1987b. The new world in relation to arid regions. London.  
 1988. Through the great arid filter (Man's drift to Europe). London.
- MEIGS, JAMES AITKEN  
 1857. Catalogue of human crania in the collection of the Academy of Natural Sciences of Philadelphia.
- MENSE, CARL  
 1924. Handbuch der Tropenkrankheiten. 3rd ed. Leipzig.
- MERRILL, E. D.  
 1931. The phytogeography of cultivated plants in relation to assumed Pre-Columbian Eurasian-American contacts. AA, vol. 33, pp. 375-382.  
 1933. Crops and civilizations. Bulletin of Torrey Botanical Club, vol. 60, pp. 323-329.  
 1936. Plants and civilizations. SM, vol. 43, pp. 430-439.
- MEUNISSIER, A.  
 1926. Etudes sur l'origine des plantes cultivées. Revue de Botanique Appliquée et d'Agriculture Coloniale, vol. 6, Nos. 60, 61, pp. 1-16.
- MIGLIORINI, E.  
 1988. La Nuova Persia. Viaggi e Scritti Recenti. BRSGI, ser. VII, vol. 3, Nos. 5-6, pp. 427-457.
- MILES, G. C.  
 1988. The numismatic history of Rayy. American Numismatic Society, Numismatic Studies, No. 2. New York.
- MILES, S. B.  
 1919. The countries and tribes of the Persian Gulf. 2 vols. London.

MILLER, A. AUSTIN

1931. *Climatology*. London.

MINORSKY, V. F.

1934. Urmiya, a district and town in the Persian province of Adharbaidjan. *Encyclopaedia of Islam*, vol. 4, pp. 1032-38. London.

1936. Lur (in Persian *Lor* with *o* short), an Iranian people living in the mountains in S. W. Persia. *Encyclopaedia of Islam*, vol. 3, pp. 41-46. London.

MODI, JIVANJI JAMSHEDJI

1912. The Persian origin of the Kurds and Tajiks. *JASB*, vol. 9, No. 8, pp. 498-499.

1916. A note on the antiquity of man: An Iranian view of the creation of man. *JASB*, vol. 10, No. 7, pp. 577-592.

1919. The physical character of the Arabs: their relations with ancient Persians. *JASB*, vol. 11, No. 7, pp. 724-768.

1922. Leprosy, an old Iranian view of it: The legend suggesting cow-urine as its supposed preventative. *JASB*, vol. 12, No. 2, pp. 225-246.

MORANT, G. M.

1936. A contribution to the physical anthropology of the Swat and Hunza valleys based on records collected by Sir Aurel Stein. *JRAI*, vol. 66, pp. 19-42.

MORGAN, JACQUES DE

1892. Rapport de M. J. de Morgan sur sa mission en Perse et dans le Louristan. *Journal Asiatique*, ser. 8, vol. 19, pp. 189-200. Paris.

1905. *Mission scientifique en Perse*. Vol. 3, pt. 1: Géologie stratigraphique. Paris.

1907. Le plateau iranien pendant l'époque pléistocène. *Revue de l'Ecole d'Anthropologie de Paris*, vol. 17, pp. 213-216. Paris.

1923. Réflexions au sujet de l'histoire, de la protohistoire et de la préhistoire. *Revue d'Ethnographie et des Traditions Populaires*, pp. 321-354. Paris.

1925-27. *La préhistoire orientale*. 3 vols. Published posthumously by Louis Germain. Paris.

MORTIER, J.

1897. *The adventures of Hajji Baba of Ispahan*. Ed. by C. J. Wills, M.D. Introduction by Sir Frederic Goldsmid. London.

MOUNSEY, A. H.

1872. *A journey through the Caucasus and the interior of Persia*. London.

NAPIER, G. S. F.

1919. The road from Baghdad to Baku. *GJ*, vol. 53, pp. 1-19.

NASONOV, N. V.

1890. *Tablitsa izmiereniĭ Kurdov* [A table giving the measurements of Kurds]. *Dnevnik Antropologicheskago Otdiela, Imp. Obshchestva Liubitelei Estestvoznaniia, Antropologii i Etnografii*, vol. 68. *Trudy Antropologicheskago Otdiela*, vol. 12, col. 400-402. Moscow.

NEW YORK PUBLIC LIBRARY

1915. *List of works in the New York Public Library relating to Persia*. New York.

NIKITINE, BASILE

1934. *Essai d'une enquête ethnographique en Perse*. *L'Ethnographie*, new ser., Nos. 28-29, pp. 73-80. Paris.

NOTT, JOSIAH C., and GLIDDON, GEORGE R.

1854. *Types of mankind*. Philadelphia.

OLIVER, EDWARD E.

1890. *Across the border of Pathan and Biloch*. London.

- OMALIUS D'HALLOY, J. B. J.  
1845. *Des races humaines, ou éléments d'ethnographie*. Brussels. [5th ed. 1869.]
- PANTIUKHOV, I. I.  
1898a. *Antropologicheskii nabliudeniia na Kavkaze* [Anthropological observations in the Caucasus]. *Zapiski Kavkazskago Otdela, Imp. Russkogo Geograficheskogo Obshchestva*, vol. 15. Tiflis.  
1898b. *Kurdy i Karakalpaki. Etnograficheskii zamietki* [Kurds and Karakalpaks. Ethnographical Notes]. Pamphlet.
- PARR, LELAND W.  
1981. Blood studies on peoples of Western Asia and North Africa. *AJPA*, vol. 16, pp. 15-29.  
1984. See KAPPERS, C. U. ARIËNS
- PARRY, R. ST. P.  
1930. The navy in the Persian Gulf. *Journal Royal United Service Institution*, pp. 1-18.
- PARTINGTON, J. R.  
1935. *Origins and development of applied chemistry*. London.
- PATI, JAINATH  
1930. The Kaikeya, an Iranian tribe. *Journal Cama Oriental Institute*, No. 16, pp. 84-89. Bombay.
- PEARSON, KARL  
1930. *Tables for statisticians and biometricians*. London.
- PENNIMAN, T. K.  
1930. A note on the inhabitants of Kish before the Great Flood, in Watalin, Louis Charles, and Langdon, Stephen, *Excavations at Kish*, vol. 4, pp. 65-72, 1934. Paris.
- PERTY, MAXIMILIAN  
1859. *Grundzüge der Ethnographie*. Leipsig.
- PHILLOTT, D. C.  
1914. *Colloquial English-Persian dictionary in the Roman character*. Calcutta.
- PILL, S. V. P.  
1935. Bird life in Southern Iran. *The Naft Magazine*, vol. 11, No. 11, pp. 14-16. Anglo-Iranian Oil Co. London.
- PITTARD, EUGÈNE  
1939. *Silex taillés levalloisiens recueillis dans les alluvions des plateaux d'Anatolie*. *RA*, vol. 49, pp. 69-78.
- POISSON, G.  
1937. *Les relations préhistoriques entre l'Inde et le bassin de la Méditerranée*. *RA*, vol. 47, pp. 29-45. Paris.
- POPE, ARTHUR UPHAM (Editor)  
1933. *Persia*. *New Orient Society of America*, 2nd ser., No. 1. Open Court, vol. 47, No. 920. Chicago.  
1938. *A survey of Persian art from prehistoric times to the present*. Vol. 1. Oxford.
- PORTER, ROBERT KER  
1821-22. *Travels in Georgia, Persia, Armenia, ancient Babylonia, during the years 1817, 1818, 1819, and 1820*. 2 vols. London.

PRICE, MORGAN PHILIPS

1918. A journey through Azerbaijan and Persian Khurdistan. Lectures to the Persian Society, pp. 5-26. London.

1914. A journey through Turkish Armenia and Persian Khurdistan. Journal Manchester Geographical Society, vol. 30, pp. 45-67.

PRICHARD, JAMES COWLES

1848. The natural history of man. London.

PRUNER-BEY, F.

1865. Résultats de crâniométrie. Mémoires de la Société d'Anthropologie de Paris, ser. 1, vol. 2, pp. 447-452. Paris.

PUMPELLE, RAFAEL

1905. Explorations in Turkestan with an account of the basin of eastern Persia and Sistan. Carnegie Institution. Washington.

RABINO (DI BORGOMALE), H. L.

1907. Gazetteer of Kermanshah. Simla.

1916. Les Tribus du Louristan. Collection de la Revue du Monde Musulman. Paris.

— and LAFONT, F. D.

1914. (a) Culture de la canne à sucre en Mazandéran (Perse); (b) Culture de la Gourde à Ghalian et Guilan et en Mazandéran (Perse). Revue du Monde Musulman, vol. 28, pp. 1-5, 6-12. Paris.

RAWLINSON, GEORGE

1880. The five great monarchies of the ancient eastern world. 4th ed. 3 vols. New York.

RAWLINSON, H. C.

1840. Notes on a journey from Tabriz through Persian Kurdistan, to the ruins of Takhti-Soleiman, and from thence by Zenjan and Tarom, to Gilan, in October and November, 1838 with a memoir on the site of the Atropatenian Ecbatana. JRGS, vol. 10, pp. 1-158.

1857. Notes on the ancient geography of Mohamrah and the vicinity. JRGS, vol. 27, pp. 185-190.

READ, BERNARD E.

1929. Contributions to natural history from the cultural contacts of East and West. Peking Society of Natural History, Bulletin, vol. 4, pt. 1, pp. 57-76.

RETZIUS, ANDERS

1858. Coup d'oeil sur l'état actuel de l'ethnographie, basée sur la boîte osseuse crânienne. Müller's Archiv für Anatomie und Physiologie. Leipzig.

RICE, D. TALBOT, see BUXTON, L. H. DUDLEY

RICH, C. J.

1886. Narrative of a residence in Koordistan... and an account of a visit to Shirauz and Persepolis. 2 vols. London.

RICHARDSON, JOHN

1806. A dictionary, Persian, Arabic and English; with a dissertation on the languages, literature, and manners of eastern nations. 2 vols. London.

RIPLEY, WILLIAM Z.

1899a. The races of Europe. London.

1899b. A selected bibliography of the anthropology and ethnology of Europe. New York.

ROGERS, R. W.

1929. A history of ancient Persia. New York.

- ROSS, E. C.  
1888. Notes on the River Mand, or Kara-Aghatch (the Sitakos of the ancients) in southern Persia. PRGS, vol. 5, pp. 712-716.
- ROSS, SIR E. DENISON  
1921. The study of the Persian language. The Persia Magazine, vol. 1, pp. 67-76. London.  
1981. The Persians. Oxford.
- RYDER, C. H. D.  
1925. The demarcation of the Turco-Persian boundary in 1913-1914. JRGS, vol. 66, pp. 227-242. London.
- SACKVILLE-WEST, V.  
1928. Twelve days: An account of a journey across the Bakhtiari Mountains in South-western Persia. London.
- SADIQ, ISSA  
1981. Modern Persia and her educational system. Columbia University, New York.
- SANJANA, DARAB DASTUR PESHOTAN  
1888. Next-of-kin marriages in old Iran. London.
- SAWYER, H. A.  
1891. Report of a reconnaissance in the Bakhtiari country, south-west Persia. Simla.
- SAYCE, A. H.  
1925. The races of the Old Testament. London.
- SCHLEGEL, W.  
1835. On the origin of the Hindus. Trans. Roy. Soc. Litt., vol. 2, pt. 2. London.
- SCHLIMMER, J. L.  
1874. Terminologie medico-pharmaceutique et anthropologique française-persane. Tehran.
- SCHMIDT, KARL P.  
1930. Reptiles of Marshall Field North Arabian Desert Expeditions, 1927-1928. FMNH, Zool. Ser., vol. 17, pp. 223-230.
- SCOTT, P.  
1938. A wild goose chase to the Caspian Sea. The Naft Magazine, vol. 14, No. 10, pp. 7-14. Anglo-Iranian Oil Co. London.
- SELBY, W. B.  
1844. Account of the ascent of the Karun and Dizful Rivers and the Ab-i-Gargar Canal, to Shuster. JRGS, vol. 14, pp. 219-246.
- SELIGMAN, CHARLES GABRIEL  
1917. The physical characters of the Arabs. JRAI, vol. 47, pp. 214-237. London.
- SELTZER, CARL C.  
1936. The racial characteristics of Syrians and Armenians. Papers of the Peabody Museum of American Archaeology and Ethnology, Harvard University, vol. 13, No. 3. Cambridge.
- SERGI, G.  
1901. The Mediterranean race: a study of the origins of European peoples. English edition, 1915. New York.
- SHADMAN, S. F.  
1937. Education in Iran. AR, new ser., vol. 33, pp. 165-173.

SHANKLIN, W. M.

1934. The anthropology of Transjordan Arabs. *Psychiatrische en Neurologische Bladen*, Nos. 3-4, pp. 1-12. Amsterdam.

1935. The anthropology of the Rwala Bedouins. *JRAI*, vol. 65, pp. 375-390. London.

1936. Anthropology of the Akeydat and the Maualy Bedouin. *AJPA*, vol. 21, pp. 217-252. Philadelphia.

SHERLEY, ANTONY

1599. *Opmerkelyke Reystogten van den Heer Antony Sherley, gedaan in den Jare 1599 na Persien*. Ed. published by Pieter van der Aa, 1706. Leyden.

SHOBERL, FREDERICK

1828. *Persia*. Philadelphia.

SIMMONDS, S.

1935. Economic conditions in Iran (Persia), July, 1935. Department of Overseas Trade, No. 622. London.

SKRINE, C. P.

1931. The highlands of Persian Baluchistan. *GJ*, vol. 78, pp. 321-340.

SMITH, SIR G. ELLIOT

1923. *The ancient Egyptians*. London.

1929. *Human history*. New York.

SMITHSONIAN MISCELLANEOUS COLLECTION

1936. World weather records. Vol. 79. Washington.

SPEISER, E. A.

1933. Ethnic movements in the Near East in the second millennium B.C. American Schools of Oriental Research, Offprint Ser., No. 1. Baltimore.

SPIEGEL, FRIEDRICH VON

1863. *Eran, das Land zwischen Indus und Tigris*. Berlin.

SPRENGLING, MARTIN J.

1937. A new Pahlavi inscription. *AJSL*, vol. 53, pp. 126-144.

STAMP, L. DUDLEY

1929. *Asia*. London.

STARK, FREYA

1933. The Pusht-i-Kuh. *GJ*, vol. 82, pp. 247-259. London.

STEIN, SIR AUREL

1912. See JOYCE, T. A.

1935. An archaeological tour in the ancient Persis. *GJ*, vol. 86, pp. 489-497.

1936. See MORANT, G. M.

1937. Archaeological reconnaissances in north-western India and south-eastern Iran. London.

1938a. An archaeological journey in western Iran. *GJ*, vol. 92, pp. 313-342.

1938b. Early relations between India and Iran. *The Asiatic Review*, vol. 34, pp. 38-64. London.

1939. A preliminary report on the early culture in southeast Persia. A survey of Persian art, vol. 1, pp. 168-170. Oxford.

STEWART, C. E.

1886. The Herat Valley and the Persian border, from the Harirud to Sistan. *PRGS*, vol. 8, pp. 137-156.

STRANGE, G. LE

1912. Description of the province of Fars in Persia. *Asiatic Society Monograph*, No. 14. London.

STUBBS-WISNER, BRUTON

1938. Persian brick and the architecture. *ArA*, vol. 34, pp. 99-102.

SULLIVAN, L. R.

1932. Essentials of anthropometry. American Museum of Natural History. New York.

SYKES, ELLA C.

1910. Persia and its people. London.

SYKES, P. M.

1897. Recent journeys in Persia. *GJ*, vol. 10, pp. 568-597.

1902a. See HOGARTH, D. G.

1902b. Ten thousand miles in Persia. London.

1902c. Anthropological notes on southern Persia. *JAI*, vol. 32, pp. 339-352. London.

1906a. The gypsies of Persia. *JAI*, vol. 36, pp. 302-311.

1906b. The Parsis of Persia. *JSA*, vol. 54, pp. 754-767.

1921. A history of Persia. 2nd ed. 2 vols. London.

1934. A history of exploration. New York.

TALBOT RICE, D., see RICE, D. TALBOT

TALLGREN, A. M.

1937. The South Siberian cemetery of Oglakty from the Han period. *ESA*, vol. 11, pp. 69-90.

TATE, G. P.

1910-12. Seistan, a memoir on the history, topography, ruins and peoples of the country. 2 vols. Calcutta.

TAVERNIER, J. B.

1678. The six voyages of John Baptista Tavernier—through Turkey into Persia and the East Indies. Made into English by J. P. London.

TAYLOR, GRIFFITH

1930. Racial migration-zones and their significance. *HB*, vol. 2, No. 1, pp. 34-62.

1936. Environment and nation. Chicago.

THOMSON, ARTHUR and BUXTON, L. H. DUDLEY

1928. Man's nasal index in relation to certain climatic conditions. *JRAI*, vol. 53, pp. 92-122.

THOMSON, W. T. and AINSWORTH, W.

1838. An account of the ascent of Mount Demavend near Tehran in Sept., 1837. *JRGS*, vol. 8, pp. 109-114.

THUREAU-DANGIN, FRANÇOIS

1912. Une relation de la huitième campagne de Sargon (714 av. J.-C.). Paris.

TIMUR-MIRZA QAJAR

1890. Baz-Nama-i-Nasiri. Bombay.

TROTTER, MILDRED

1936. The hair of the Arabs of central Iraq. *AJPA*, vol. 21, pp. 423-428.

UJFALVY DE MEZŐ-KÖVESD, KÁROLY JENŐ

1896. Les Aryens au nord et au sud de l'Hindou-Kouch. Paris.

UVAROV, B. P.

1938. Orthoptera from Iraq and Iran. *FMNH*, Zool. Ser., vol. 20, No. 33, August 30, pp. 439-451.



VALLE, PIETRO DELLA

1650. *Voyages*. 2 vols. Paris, French trans., 1663. *Viaggi*, 1650, Rome.

VALLOIS, H. V.

1935. Notes sur les têtes osseuses in G. Contenau, *Fouilles du Tepe Giyan*. Musée du Louvre, Série Archéologique, vol. 3, pp. 119-134. Paris.

VAUGHAN, H. B.

1893. A journey through Persia. RGS, Supplementary Papers, vol. 3, pp. 89-115.

1896. Journeys in Persia (1890-91). GJ, vol. 7, pp. 24-41, 163-175.

VAVILOV, N. I.

1932a. Der jetzige Zustand des Problems der Entstehung der Kulturpflanzen. *Biologia Generalis*, vol. 8, pt. 1, pp. 351-368. Vienna.

1932b. The process of evolution in cultivated plants. Proc. Sixth Int. Cong. of Genetics, vol. 1, pp. 331-342. Washington.

— and BUKINICH, D. D.

1929. *Agricultural Afghanistan*. Leningrad. [In Russian.]

WARREN, M. ROGERS

1938. The early cultures of Dāmghān (Tepe Hissār). A survey of Persian art, vol. 1, pp. 151-162. Oxford.

WATELIN, LOUIS CHARLES, and LANGDON, STEPHEN HERBERT

1934. *Excavations at Kish, 1925-30*. Vol. 4. Paris.

WEISBACH, A.

1877. *Körpermessungen verschiedener Menschenrassen*. "Ergänzungsband." ZFE. Berlin.

WEISSENBERG, S.

1907. Beitrag zur Anthropologie der Juden. ZFE, vol. 39, pp. 961-964. Berlin.

1909. Die jemenitischen Juden. ZFE, vol. 41, pp. 309-327. Berlin.

1911. Die mesopotamischen Juden in anthropologischer Beziehung. AFA, vol. 10, pp. 233-239.

WELLS, H. L.

1883. Surveying tours in southern Persia. PRGS, vol. 5, pp. 138-163.

1886. From Teheran towards the Caspian. GJ, vol. 8, pp. 501-513.

WESTERGAARD, N. L.

1846. Extract from a letter... relative to the Gabrs in Persia, written to the Rev. Dr. Wilson in 1843. JRAS, vol. 8, pp. 349-354. London.

WILLIAMSON, J. W.

1930. In a Persian oil field. London.

WILSON, SIR ARNOLD T.

*Gazetteer of the Persian Gulf*. 6 vols. London.

1912. Luristan. Simla.

1923-25. See MACHAULT, JACQUES DE

1926. The Bakhtiariis. JCAS, vol. 13, pp. 205-255.

1929. National and racial characteristics of the Persian nation. AR, April, pp. 1-14.

1930a. A bibliography of Persia. Oxford.

1930b. Earthquakes in Persia. Bulletin of the School of Oriental Studies. Vol. 6, pt. 1, pp. 103-131. London.

1930c. The road to Isfahan. Reprint from AR, January and April. London.

1932. Persia. London.



WOOD, CASEY A.

1981. An introduction to the literature of vertebrate zoology. Oxford.

WOOD, JOHN A.

1872. A journey to the source of the River Oxus. New ed., ed. by his son (Alexander Wood). With an essay on the geography of the valley of the Oxus, by Colonel Henry Yule. London.

WORRELL, WILLIAM H.

1927. A study of races in the ancient Near East. New York.

WULSIN, FREDERICK R.

1982. Excavations at Tureng Tepe near Asterabad. Supplement to the Bulletin of the American Institute of Persian (now Iranian) Art and Archeology.

1988. The early cultures of Astarabad (Turang Tepe). A survey of Persian art, pp. 168-167. Oxford.

YAKUT IBN ABD ALLAH, AL-HAMAWI

1861. Dictionnaire géographique historique et littéraire de la Perse et des contrées adjacentes, extrait du Modjem el-Bouldan de Yaqout, et complété à l'aide de documents arabes et persans. Paris.

YATE, A. C.

1918. Travel memories. The Scottish Geographical Magazine, vol. 34, pp. 105-118.

YATE, C. E.

1900. Khurasan and Sistan. London.

ZABOROWSKI, M.

1901. Crânes anciens et modernes de la Russie méridionale et du Caucase. Bulletin et Mémoires de la Société d'Anthropologie de Paris, ser. 5, vol. 11, pp. 640-666.

# فهرست اعلام و مطالب

- آبادان آب و هوا، ۲۲۱، جمعیت، ۱۷۶ | ۱۷۷، ۲۰۶  
 آباده، ۲۴۹، ۲۵۲، ۶۳ فرد اندازه  
 آذربایجانها، ۷۳، ۱۶۲، عرض چانه  
 آذربایجانها، ۱۲۵، عرض استخوان  
 آذربایجانها، ۱۲۴، شاخصهای سر،  
 آذربایجانها، ۱۲۲، ۱۲۹، ۶۴۲  
 آذربایجانها، ۱۱۵ - ۱۱۶، لبها،  
 آذربایجانها، ۱۱۷، حداقل قطر پیشانی،  
 آذربایجانها، ۱۲۳، خصوصیات شکلشناسی  
 آذربایجانها، ۱۱۶ - ۱۱۷، ۱۲۰، عضلات،  
 آذربایجانها، ۱۲۰، قد، ۱۱۸ - ۱۲۰،  
 آذربایجانها، ۱۱۷، ۶۱۹، دندانها، کوچ  
 آذربایجانها، ۱۶۸، به قفقاز  
 آذربایجان تاتارها، ۱۱۲، ۱۳۵،  
 ۱۴  
 آذربایجان (شوروی)، اطلاعاتی درباره  
 اندازه گیری بدن انسان، ۱۸  
 ۶۳۳ به بعد  
 آزارات، نگاه کنید به اورارتو  
 آرامائی شعبه، ۵۲  
 آرامی، در ایران، ۵۶  
 آرخوری (تاتار)، اطلاعاتی در باره  
 اندازه گیری بدن انسان از  
 ۶۱۹ به بعد  
 آراکوسیان، ۱۵۶، ۱۸۲  
 آرائیخ (تاتار)، اطلاعاتی درباره اندازه  
 گیری بدن انسان از ۶۱۹ به بعد
- آبادان آب و هوا، ۲۲۱، جمعیت، ۱۷۶ |  
 آباده، ۲۴۹، ۲۵۲، ۶۳ فرد اندازه  
 گیری شده، شاخص سر، ۲۱۱؛  
 طبقه بندی (مردان)، ۴۳۵؛  
 مقایسه با روستائیان یزدخواست،  
 ۴۳۵  
 آباده شهرستان، ۳۰۲  
 آباده تشکی، ۲۶۶  
 آب گنجان، اطلاعاتی در باره اندازه  
 گیری بدن انسان، ۵۳۱، ۵۲۵ -  
 ۵۳۳، ۵۳۲  
 آب و هوا، تغییرات در ایران، ۱۹،  
 ۲۸، ۶۹۱ - ۶۹۳، در شمال  
 عربستان یا صحرای سوریه،  
 ۳۱۹، شکل بینی در رابطه با،  
 ۶۸۷ - ۶۸۸  
 آتش مقدس، ۲۹، ۱۰۷  
 آجرلو، ۲۶۴  
 آذربایجان، اطلاعاتی در باره اندازه  
 گیری بدن انسان، ۶۱۱، آریانم -  
 وائجو، ۱۵۶، امراض در،  
 ۱۹۵، طوایف و قبایل، ۴۹ -  
 ۵۰، ۹۳ - ۹۴، ۹۷، ۱۱۲  
 ۱۱۳، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۳

## ۸۳۸ - مردم شناسی ایران

- آرن ، ت.ج. ۵۰ ، ۳۰۵ ، ۳۱۵  
آریائی گروه ، ۵۲  
آریائی زبان اقوام بادیه نشین ۱۷۰ -  
۱۷۱ ، ۱۷۶  
آریالو ، ۱۰۳  
آریان اقوام ، در آسیای غربی ، ۱۳۹ ، ۵۰  
آریانها ، قبایل باستانی ، ۱۵۶-۱۵۷ ،  
در تخت جمشید ، خصوصیات  
جسمانی ، ۱۸۹ ، تماس با تورانیان  
۱۷۰-۱۷۱ ، در ایران ، ۷۳ ،  
۱۱۲ ، ۹۸ ، ۱۵۶ : مهاجرتها ،  
۱۵۷-۱۵۵ ، ۱۷۹ - ۱۸۱ :  
موطن اصلی ، ۱۵۳ - ۱۵۵ ،  
۱۸۰  
آریان و سیاه (آریائی و سیاهپوست) ،  
۷۳ ، ۷۹-۸۶  
آریان و مغول ، ۷۳ ، ۷۴-۷۶  
آریانها ، ۱۸۱  
آریانام خشاترام ، ۱۸۱  
آریانم وائجو ، ۱۵۳ ، ۱۵۵ ، ۱۵۶  
آزاد بخش ، ۲۱۵  
آزاد ماهی ، ۱۹۳  
آسیائی ، حبشی های ، ۱۲۹ ، ۱۴۲ ،  
۱۵۱ ، ۱۸۵  
آسیائی جمجمه در تپه حصار ، ۳۰۶ -  
۳۰۷  
آسیای صغیر ، انواع نژادی ، ۱۳۷ -  
۱۳۹  
آسور ، وعیلام ، ۲۹-۳۰ ، ۱۴۹-۱۵۰  
جمجمه از ، ۳۲۴ ، ۵۵ ، اندازه ها ،  
۵۵ ، ۶۲-۶۳  
آسوری و کلدانی ، ۱۱۴  
آسوری نوع نژادی ، ۱۶۸
- آسوریها ، گروه نژادی ، ۱۶۸  
آسوریها (اناطولی) ، عرض دو گونه ،  
۱۶۵۸ ، شاخص های سر ، ۶۴۵  
شکل سر ، ۶۵۰ ، اندازه های  
سر ، ۶۳۲ ، ۶۳۸ ، اندازه های  
بینی و شاخص ها ، ۶۷۷ ، ۶۷۹  
۶۸۲ ، قد ، ۶۱۸ ، قبایل ، ۵۹  
آسوریها (از قبیله جاور) ، اندازه ها و  
شاخص ها ، ۵۳۴-۵۳۶  
آسوریها (از قبیله مهبوانا) ، اندازه ها و  
شاخص ها ، ۵۳۳-۵۳۶  
آسوریها (عراق) ، اطلاعاتی در باره  
اندازه گیری بدن انسان ،  
۵۳۵-۵۳۶  
آسوریها (قفقاز) ، شاخص سر ، ۱۲۸ ،  
خصوصیات جسمانی ، ۴۱۶  
آشاقباش ، ۱۴۶  
آشوریها (باستان) ، در ارتباط با ایرانیان ،  
۱۸۲  
آشتورلو ، از قبیله بهارلو ۲۵۷ ، از  
درشوری ، ۲۶۲  
آشاجاری ، ۲۳۱  
آغا محمد خان قاجار ، ترتیب قبایل  
بوسیله ، ۱۳۳ ، ۱۹۹ ، ۲۰۱ ،  
۲۰۵ ، انتخاب طهران به عنوان  
پایتخت بوسیله ، ۱۹۶  
آقا ، ۳۰۰  
آقائی ، ۲۶۶  
آقا مدادی ، ۲۸۰  
آق ترکمن ، ۲۹۸  
«آکادی» ، ۸۷  
آل ابوعباد ، ۲۳۲  
آل بجی ، ۲۳۳  
آل بواذهر ، ۲۳۶  
آل بوبدر ، ۲۲۸

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۳۹

- |   |                                     |
|---|-------------------------------------|
| آل بو عبیدنی ، ۲۲۷                        | آل بو بوری ، ۲۲۷                    |
| آل بو عبید ، از بنی صالح ، ۲۳۶ ، از بنی   | آل بوبلید ، ۲۲۷                     |
| طرف ، ۲۳۷ ، از دریس یاعسا کره ، ۲۲۸       | آل بو بنیدر ، ۲۲۸                   |
| آل بو عفری ، ۲۳۷                          | آل بودالی ، ۲۲۸                     |
| آل بو عشیره ، ۲۲۸                         | آل بودوارج ، ۲۲۹                    |
| آل بو علوان ، ۲۲۹                         | آل بودهاله ، ۲۲۸                    |
| آل بو علی ، ۲۲۸                           | آل بوجبار ، ۲۲۸                     |
| آل بو عید ، ۲۳۴                           | آل بوجلّال ، ۲۳۷                    |
| آل بو عیسی ، ۲۳۵                          | آل بو جلده ، ۲۳۷                    |
| آل بو غنام ، از قبیلۀ خنافره ، ۲۲۸        | آل بو حاجی ، ۲۲۹                    |
| آل بو غنام ، از قبیلۀ محیسین ، ۲۳۵        | آل بو حردان ، از بنی طرف ، ۲۳۸ ، از |
| آل بو غنیمه ، ۲۳۶                         | چپ ، ۲۲۸                            |
| آل بو فرحان ، ۲۳۵                         | آل بو حریر ، ۲۳۷                    |
| آل بو فضل ، ۲۳۸                           | آل بو حسین ، ۲۲۷                    |
| آل بو فندی ، ۲۳۸                          | آل بو حمدادی ، ۲۲۸                  |
| آل بو قره ، ۲۳۶                           | آل بو حمدان ، ۲۳۲                   |
| آل بو کریم ، ۲۲۸                          | آل بو حمدی ، ۲۲۸                    |
| آل بو لطیف ، ۲۳۴                          | آل بو حمود ، ۲۲۸ ، ۲۲۹              |
| آل بو محمد ، ۵۰۷ ؛ قد ، ۶۲۲               | آل بو خالد ، ۲۲۹                    |
| آل بو محیسین ، ۲۲۹                        | آل بو خطیر ، ۲۳۵                    |
| آل بو مسید ، ۲۲۸                          | آل بو خزایر ، ۲۲۸                   |
| آل بو مصبی ، ۲۲۷                          | آل بو خنفر ، ۲۲۸                    |
| آل بو معاریف ، ۲۳۵                        | آل بو رومی ، ۲۲۷                    |
| آل بو مسعود ، ۲۲۸                         | آل بو زمبر ، ۲۲۸                    |
| آل بو معیری ، ۲۲۸                         | آل بو سوبیه ، ۲۲۸                   |
| آل بو مغینم ، ۲۳۷                         | آل بو سوت ، ۲۳۶                     |
| آل بو ناحی ، ۲۳۸                          | آل بو سوبیدی ، ۲۳۵                  |
| آل بو نصا ، ۲۲۸                           | آل بو شرهان ، ۲۲۸                   |
| آل بو نعیم ، ۲۲۸                          | آل بو شمال ، ۲۲۸                    |
| آل بو ویس ، از بنی لام ، ۲۳۴ ، از سلامت ، | آل بو شلاقه ، ۲۲۸                   |
| ۲۳۶                                       | آل بو صوف ، ۲۲۸                     |
| آل ثبتی ، ۲۳۶                             | آل بو طاهه ، ۲۲۸                    |
| آل حسین پاشا ، ۲۳۵                        | آل بو طریچی ، ۲۲۸                   |
| آل حمزه ، ۲۳۲                             | آل بو عبادی ، ۲۲۸                   |

## - مردم شناسی ایران

- آل حمید ، ۲۳۳  
 آل حیه ، ۲۳۲  
 آل دوخیمی ، ۲۳۳  
 آل دورید (دوریت) ، ۲۳۳ ، ۲۳۴  
 آل سعدون ، ۲۳۸  
 آل سووعد ، قداز ، ۶۲۲  
 آل سنوات (آل صناوت) ، ۲۳۳ ، ۲۳۴  
 آل صغر ، ۲۳۶  
 آل طرقي ، ۲۳۴  
 آل عبدالله ، ۲۳۴  
 آل عتب ، ۲۳۵  
 آل عیسویه (عیسویها) ، ۳۵۲  
 آل غره ، ۲۳۷  
 آل غوایش ، ۲۳۷  
 آل قوطاقنه ، ۲۳۵  
 آل هواس ، ۲۳۷  
 آلپ وابسته به جمجمه در تپه حصار ، ۳۰۷  
 آلپی نوع ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری جمجمه ، ۳۱۱ ، کناره ، ۴۷۱ ؛ در تپه حصار ، ۳۱۳ ؛ در یزدخواست ، ۴۳۸  
 آلپ نما نوع ، در میان گروه های ایرانی ، ۶۰۸-۶۰۷  
 آلپ نما نوع ، در بین ده نشینان یزد دواسه ۴۳۹  
 آلپی اولیه ، ۱۸۶ ، ۶۰۹  
 آلپی ، بشر ، ۱۶۲ ، ۱۸۷  
 آلپی نژاد ، در میان ناهای آذربایجان ، ۱۴۰  
 آتش درختان ، ۱۹  
 آلیانس اسرائیلی ، ۳  
 آمادا = مادها ، ۱۶۵  
 آمادائی = مادها ، ۱۸۲  
 آماری بررسی ، سیستم هاروارد ، ۳۴۷  
 سیستم کیت ، ۳۴۷  
 آموزشگاه امریکائی مطالعات هند و ایران ، ۳۳۵  
 آناو ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری جمجمه ، ۳۱۰  
 آواره ، ۲۳۲  
 آهن ، در تورنک تپه ، ۳۲۵  
 آهنگر ، از دره شوری ، ۲۶۲ ، از شش بلوکی ، ۲۶۳  
 آهو ، ۲۷  
 آیریکا ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان از ، ۶۴۷  
 آیماک ، نگاه کنید به چهار آیماک  
 آینه لو (عین لو- آئین لو) ، ۱۰۳ ، ۱۴۶  
 ۲۵۴ ؛ اصل ، ۲۵۵  
 ابازک ، شاخص سر ، ۶۴۶  
 ابتهاج ، غ. ح. ، ۳-۱۴ ، ۳۴-۱۹۷  
 ۳۰۱  
 ابراهیم خانی ، ۲۵۷  
 ابراهیم خانیها ، ۳۰۰  
 ابری - مکی ، ۶۷-۶۸  
 ابریشم ، ۱۷۵ ، ۱۹۳  
 ابوالغنی ، ۲۶۴  
 ابوالقاسم ملو ، ۲۵۷  
 ابوالوردی ، ۱۰۳ ، ۲۶۷  
 ابودا ، ۲۳۶  
 ابو حسینی ، ۲۵۵  
 ابولسلیمانلو ، ۲۶۲  
 ابولعد ، ۲۲۸  
 ابولکرلو ، ۲۶۲  
 اپتلو ، ۱۰۳  
 اترک دره ، کردها در ، ۱۴۷ ؛ ترکمن ها  
 ۹۱

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۴۸

- اتروسکائی (اتروریا)، ۸۷، اندازه‌های سر، ۵۴  
 اتکبسانلو، ۲۰۵  
 اتکی، ۶۴۳  
 اتلیت، محل‌های عصر حجر، ۶۹۶، ۶۹۷  
 اتینگهازن، ریچارد، ۷، ۴۵۶  
 ادموندز، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۵  
 ادویه منتقل از ایران به چین، ۱۶۰-۱۶۱  
 ادهب، ۲۳۴  
 ادیتانالور، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان، ۳۱۱  
 ادیقه، ۴۱۶  
 اذاجا، ۲۸۰  
 ارانوج، ۱۸۰  
 ارانیان شمال غرب، از بین نوع موبور، ۱۳۰-۱۳۱، اهالی بومی باختر و ماوراءالنهر و سغدیانا و فرغانه، ۱۳۰-۱۳۱  
 ارانیان فلات ایران = ارانبان، ۱۳۰  
 ارکوت، فن، ۱۲۸، ۴۲۰، ۶۳۳ به بعد  
 ارپلو، ۲۸۰  
 اراک (سلطان آباد سابق) شهرستان، ۳۰۲  
 ارکیان (اردکیان)، ۱۰۳، ۲۶۴  
 اراکوسیا، ۷۱، ۱۸۱  
 اراسکوا رودخانه، یهودیها در امتداد، ۴۱۸  
 اربابی، ۲۹۰  
 ارخلو، ۲۰۵  
 اردبیز، ۲۵۹، ۲۵۶  
 اردبیل شهرستان، ۳۰۲  
 اردبیل، ارامنه در، ۹۷، شاهسونها در، ۹۱  
 اردژونیکیدزه (ولادیمیر)، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان، ۷۰۸، ۶۱  
 اردستان، جمعیت، ۲۰۶  
 اردشیری، ۱۰۴، ۲۶۷  
 اردلان، ۹۴، ۱۸۲، نیز نگاه کنید به کردستان (ایران)  
 ارزن، ۲۰، ۱۹۲، ۲۰۱  
 ارزنگین، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان، ۶۱۹ به بعد  
 ارساری، ۱۷۳، شاخص سر، ۶۴۷، اندازه های سر، ۶۳۴، ۶۳۹، قد، ۶۲۰  
 ارسنجان، ۲۵۲  
 ارشلو، ۲۷۹  
 ارومیه (رضائیه)، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان روی آسوریهای نزدیک، ۵۳۳-۵۳۶، روی یهودیها در، ۴۰۶ به بعد، روی کردها در، ۶۶، یهودیها در، ۳۴۹  
 ارومیه دریاچه، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان در نزدیکی، ۶۱۸  
 اروجی، ۲۶۶  
 ارمنی نفوذ در لرستان، ۳۱۹  
 ارمنی نوع نژادی، ۱۳۵ - ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، موبور در بین، ۱۳۶  
 ارمنی نوع، در هراپا، ۳۱۸، درمان قدیم، ۳۲۰، در بین النهرین، ۳۱۹، نژاد از ترکستان، ۱۸۶، در حجاری آشوری، ۱۸۹

## ۸۴۲ - مردم شناسی ایران

- «ارمنی» گهواره ، ۸۵ شکل، ۸۶، ۱۳۶،  
۳۴۵، ۵۳۵، ۶۵۵  
ارمنی نژاد جمعیت در اناطولی، ۳۱۶  
ارمنی و اناطولی نوع ، از بین گروههای  
ایران، ۴۳۹، ۴۷۰، ۶۰۷  
ارمنی و گرجی تسلط بر ایران، ۵۶  
اندازه گیری بدن انسان ، اطلاعاتی  
در باره ارمنی ها ،  
عرض فکین ، ۶۶۲ ، عرض  
دو گونه ، ۶۵۸ ، شاخصهای سر،  
۱۲۸، ۷۶، ۶۴۵-۶۴۶ ، اندازه  
ها و شاخصهای صورت ، ۶۶۶ ،  
۶۶۹-۶۷۰ ، شاخص پیشانی و  
آهیانه، ۶۵۴ ، شکل سر، ۱۱۳-  
۱۱۴ ، ۱۳۶ ، ۶۵۰ ، ۶۵۴ ،  
اندازه های سر، ۶۴ ، ۶۳۲-  
۶۳۳ ، ۶۳۸ ، حداقل قطر پیشانی،  
۶۵۴ ، ۶۵۵ ، طول و عرض بینی،  
۶۷۷ ، ۶۷۹ ، شاخص بینی و  
رابطه آن با آب و هوا ، ۶۸۸ ،  
حداکثر بینی باریکی ، ۴۱۶ ،  
۶۸۳ ، ۶۸۴ ، قد نشسته ، ۶۲۴ ،  
قد، ۶۱۹ ، شاخص گونه و پیشانی،  
۶۵۸ ، شاخص گونه و فک، ۶۶۲  
ارمنی ها، شبیه آریان ، ۵۰ ، شبیه نوع  
نژادی ارمنی ، ۱۳۸ ، در  
آذربایجان ، ۹۷ ، در ایران،  
۴۷، ۷۳، ۸۹ ، ۱۴۳ ، در اصفهان  
(جلفا)، ۴۶، ۷۶، ۱۰۹، ۱۳۱،  
۲۴۴ ، در کرمان، ۱۰۴، ۲۷۸،  
درمازندران، ۱۱۳ ، در ولایات  
شمال و شمال غربی، ۱۹۹ ، در  
شیراز، ۲۵۴ ، در طهران، ۱۱۱،  
۱۳۱ ، نماینده جدیدی از
- هیئت ها، ۱۷۳ ، خصائص جسمانی  
۵۹، ۷۶، ۸۷، ۱۳۵ - ۱۳۶ ،  
ارتباط خصوصیات جسمانی با  
ترکمنها، ۱۳۵  
ارندی ، ۲۶۷  
اریزانتی ، ۱۵۷، ۴۲  
اروپائی شمالی نوع ، از بین یهودیهای  
اصفهان ، ۳۷۳  
ازبکها ، ۸۷، ۶۸ ، ۱۶۳ ، شاخص سر ،  
۱۲۸ ، در افغانستان ، ۱۴۹ ،  
قد، ۶۲۰  
ازدوخوس = یزدخواست، ۴۲۵  
ازدیت ها ، ۱۵۹  
اچکزائی پانی ، ۱۶۴  
اچیسون ، ۶۹۳  
احمد آقاخان سیهبد ، ۲۱۷  
احمدلو، از بهارلو، ۲۵۷ ، ازلك، ۲۰۵  
احمد نظری ، ۲۸۰  
احمدی ، ۲۶۹  
احمدیه ، ۲۳۲  
احمد هارون ، ۲۶۵  
احمدی ، جمعیت، ۲۷۴  
اخل ، ۱۷۳  
اخرملو، ۲۶۴  
اخلاصلو، ۲۵۷  
اختلاط خون ، در ایران، ۱۷۷  
اخمتا = همدان، ۳۷۴  
اخور، ۹۶  
اسبها ، ۲۱۷، ۲۱۰، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۳۶،  
۲۴۲، ۲۶۰  
استاجانلو، ۲۰۲  
استاجلو، ۱۳۲  
استامپ ، دادلی، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶  
استان مرز، ۲۱۱  
استخری ، ابواسحق ، ۴۳-۴۴

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۴۳

اسمیتن ، وینفرد ، نگاه کنید به توماس ،  
وینفرد اسمیتن

اسمیث ، مایرون ، ۳ ، ۳۳۸ ، ۳۲۶  
اشتهارد ، ۱۱۴

اشتهاردیها ، ۱۱۴ ؛ عرض فك ، ۱۲۵ ؛  
عرض استخوان گونه ، ۱۲۴ ؛  
شاخصهای سر ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ؛  
مواز ، ۱۱۶ ؛ لبها از ، ۱۱۷ ؛  
حداقل قطر پیشانی ، ۱۲۳ ؛  
ماهیچهها ، ۱۲۰ ؛ قد ، ۱۱۹ ؛  
دندان ، ۱۱۷

اشتین ، ارل (= استاین، اورل) ، ۱۷۵ ،  
۱۸۷ ، ۲۴۵ ، ۳۳۵ ، ۶۲۱  
بعد

اشکنازیم ، یهودیهای نوع ، ۳۵۶ ، ۴۱۹  
اشمیت ، اریک ، ۵ ، ۳۰۵ ، ۳۳۰ ، ۵۲۴  
۵۲۷

اصالیم ، ۲۰۲  
اصانلو ، از ترکهای مازندران ، ۲۰۱  
اصانلو ، از قبیله عمله ، ۲۶۴  
اصفهان ، شهرستان ، ۳۰۳  
اصفهان ، ۲۴۴ ؛ افغانها در ، ۱۷۷ ؛  
عجمرها در ، ۷۴

اصفهان ، آلیانس اسرائیلی در ، ۳۵۳ ؛  
اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان از ، ۳۴۹ به بعد ،  
۶۱۰ ، ۶۱۱ ، ۶۱۷ به بعد ؛ آرامنه  
در ، ۴۶-۴۷ ، ۲۴۴ ؛ شرح تاسیس  
محلّه یهودیها ، ۳۵۰ - ۳۵۱ ؛  
یهودیها در ، ۱۳۱ ، ۳۵۰-۳۵۴ ؛  
آزار یهودیها ، ۳۵۱ - ۳۵۲ ؛  
جمعیت ، ۱۳۴-۱۳۵ ، ۱۷۴ ،  
۲۴۴

استرآباد ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۶۶ ؛ قبایل بادیه  
نشین در ، ۱۴۴ ؛ اقوام و قبایل ،  
۱۱۰-۱۱۱ ، ۱۵۶ ، ۱۹۹

استرآباد ، مجموعه در حفاری ، ۳۱۵ ،  
۳۲۰ ؛ میزان ریزش باران ،  
۱۹۵ ؛ ساکنین دشت ، ۳۱۵-  
۳۱۶

استرالیا ئی نوع ، در مهنجودارو ، ۳۱۸ ؛  
مجمعه نشان دهنده خصوصیات  
شکل شناسی ، ۳۱۳ ؛ اطلاعاتی  
درباره اندازه گیری مجموعه ،  
۳۱۱

استرالیا ئی نما (شبه استرالیا ئی) مجموعه ،  
در تپه حصار ، ۳۷۰ ؛ اطلاعاتی  
درباره اندازه گیری مجموعه ،  
۳۱۱

استروچات (= استرکات) ، ۴۲ ، ۱۵۷  
اسپید باوم ، ه. ، ۶۱۸ به بعد.

اسدآباد ، ۳۱۷  
اسفندآقه ، بادیه نشینها در ، ۲۸۰  
اسکات ، دونالد ، ۴  
اسکندرلو ، ۲۰۵

اسکرین ، سی. پی. ، ۲۸۱ ، ۲۸۳ ، ۲۸۶ ،  
۲۸۸

اسلام ، در ایران ، ۳۵ ، ۸۹ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴  
اسلاملو ، ۲۶۲ ، ۲۶۸

اسلامی ، مجموعه در تپه حصار ، ۳۰۶  
اسمعیل جوادى ، ۴۵۶

اسمعیل خانى ، ۲۵۷  
اسمعیل زائیها ، ۲۸۸-۲۸۹

اسمیرنه ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۶۱۸ به بعد.

اسمیت ، الیوت ، ۱۸۶



## مردم شناسی ایران

کشاوری دنیای بدوی، ۶۹۳-  
 ۶۹۴، سکونت قبائل اولیه،  
 ۱۵۶، ۱۸۲، موطن نژاد دهند و  
 افغان، ۱۶۴، طوایف و قبایل،  
 ۶۹-۷۲، ۱۳۳، ۱۴۸-۱۴۹،  
 ۱۶۸  
 افغانها، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۱۰۶، ۱۳۱، ۱۳۵،  
 ۱۴۹، ۷۰۳-۷۰۴، ۷۰۵-  
 ۷۰۷، مرض فکین، ۶۶۳،  
 شاخص سر، ۵۳، ۶۵، ۷۴، ۶۴۸،  
 ۷۰۳، جمجمه، ۱۲۸، شاخص  
 صورت، ۷۰۴، شکل و اندازه  
 سر، ۶۰، ۱۲۶، اندازه های سر،  
 ۵۳، ۶۴، ۶۵، ۶۳۴، ۶۳۹، در  
 دریلوچستان، ۲۸۶، در ایران،  
 ۵۰، ۱۴۳، در اصفهان، ۱۷۷،  
 در کرمان، ۱۷۷، در کرمانشاه،  
 ۱۷۷، در خراسان، ۴۸، در  
 مازندران، ۱۱۳، ۲۰۰، در  
 سیستان، ۲۹۲، ۲۹۳، حمله به  
 ایران، ۳۲، حداقل قطر پیشانی،  
 ۶۵۴، شاخص بینی، ۷۰۳، اصل،  
 ۶۹، قد، ۶۲۱، ۷۰۳  
 اقاقی، ۲۷۴  
 اقده، ۳۰۱  
 اقرا (عقرا)، اطلاعاتی در باره اندازه  
 گیری بدن انسان به روی  
 یهودیها، ۴۰۸ به بعد، گردنه ها،  
 ۶۹۱، محل های عصر حجر، ۶۹۷  
 اقطا، ۲۷۹، چادر نشین های اقطا و افشار،  
 ۲۸۰  
 اکاد، منسوب به عیلام، ۱۵۱  
 اکباتانی = همدان، ۳۵۰

انچه قیاسی، ۲۶۴  
 افریدی، ۷۰۴  
 افریقا، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان، روی اقوام سامی،  
 ۵۴، روی، جمجمه عرب، ۵۴،  
 مصری های واحه خرگه، ۶۱۳،  
 ۶۲۵، ۶۳۰، ۶۷۱، ۶۷۴،  
 روی شاخص بینی مصریها در  
 رابطه آن با آب و هوا، ۶۸۸  
 افریقا چهارده فرسازه، اندازه های سر،  
 ۵۴  
 افریقا جمجمه، ۵۰، ۶۲  
 افریقائی نوع، در ایران، ۱۸۶، در  
 عراق (بین النهرین)، ۱۸۵،  
 از بین جمجمه های ایرانی در موز  
 تاریخ طبیعی وینه، ۳۱۳-۳۱۵  
 افریقائی، نوع جمجمه در لرستان، ۳۲۳  
 افیون اعتیاد به، ۴۳۱  
 افشار، چادر نشینها در، ۲۸۰  
 افشار اوشاخی، ۲۵۶  
 افشار دویرانی، ۲۰۳  
 افشار عمویی، ۲۸۰  
 افشار میرحبیبی، ۲۸۰  
 افشارها، ۹۱، اشعابان، ۵۱، ۷۷،  
 ۲۰۳، در آذربایجان، ۴۹،  
 ۱۳۲، ۲۰۳، در قزوین، ۲۰۳،  
 در درمان، ۲۷۹، در خمسه،  
 ۲۰۳، در خراسان، ۱۰۸، ۳۰۰،  
 در خوزستان، ۱۰۰  
 افغانستان، ۷۴، اطلاعاتی درباره اندازه  
 گیری بدن انسان از ۶۲۱ به بعد،  
 اندازه ها و تساوی اندازه گیری  
 بدن انسان، ۷۰۳-۷۰۵،  
 مقایسه ای با گروه های ایران،  
 ۷۰۵-۷۰۷، چون مرکز

## فهرست اعلام و مطالب - ۴۵

- اکریس ، ۲۲۸  
اکیدت بادیه نشینان ، عرض فکین، ۶۶۲؛  
عرض دو گونه ، ۶۵۷ ؛ شاخص  
سر، ۶۴۳؛ اندازه ها و شاخص های  
گوش، ۶۸۹؛ اندازه ها و شاخص  
های صورت ، ۶۶۶ ، ۶۶۹ ؛  
شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳؛  
اندازه های سر ، ۶۳۱، ۶۳۷ ؛  
حد اقل قطر پیشانی ۶۵۳  
۶۵۷؛ طول و عرض بینی، ۶۷۶؛  
۶۷۸؛ شاخص بینی ، ۶۸۲؛ قد  
نشسته ، ۶۲۴؛ قد ، ۶۱۷ ؛  
شاخص گونه و پیشانی ، ۶۵۷ ؛  
شاخص گونه و فك، ۶۶۲  
الاصفهانیه ، ۳۵۲  
الاغ ، ۲۲۶ ، ۲۲۷ ، ۲۳۶ ، ۲۳۲ ، ۲۶۱ ،  
۲۶۹ ، ۴۲۴ ، ۴۵۷  
البلدهوری ، ۱۷۳  
الروین (الرویان)، ۲۳۳ ، ۲۳۵  
البرزجال ، ۱۴-۱۵ ، ۱۹۱؛ آب و هوا  
در ، ۱۹۵ ؛ کوسفند دنبه دار،  
۱۹۳؛ گل و گیاه ، ۶۹۳؛ آثار  
عصر جدید حجر، ۶۹۸  
البواطوی ، ۲۲۷  
البوقبیش ، ۱۰۰ ، ۲۲۷ ، ۲۲۹  
ال بوگردان ، ۲۲۶  
القوام ، ۲۲۸  
الجابره ، ۲۲۷  
الخمیس ، ۲۳۲  
السیف ، ۶۴۵ نگاه کنید به جلیسه جیو  
الشواوی ، ۲۳۴  
العبد ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
جمعیه ، ۳۱۱  
الغینسنون ، مونستوارت، ۵۷  
الکثیر ، ۱۰۰ ، ۲۲۶ ، ۲۳۱-۲۳۲  
الکثیری ، شاخص سر، ۶۴۲  
الکساندر از رودز ، ۳۵۰  
الکیند ، ۶۸۳  
الکینز، اتل، ۶  
المساحنه ، ۲۳۲  
المطرو د ، ۲۲۸  
الیشر ( علیشر ) ، اطلاعاتی در باره  
اندازه گیری جمعیه ، ۳۱۰ ؛  
استخوانها ، ۳۳۵  
العمره ، ۲۲۸  
الغیا بلو ، ۲۶۳  
الوارلو ، ۲۰۵  
الوانی ، ۲۵۶  
اله بخش زائی ، ۲۸۸  
اله بیگلو ، نگاه کنید به علی بلول  
الیاس وزد ، ۲۶۶  
الیاسی ، ۲۸۰  
الیپ = عراق ایران ، ۱۸۲  
الیدی ، ۱۸۳  
الیمائیس ، ۱۴۹-۱۵۰  
الیهودیه ، محله یهودیها ، ۳۵۱-۳۵۲  
ایلام ، شهرستان ، ۳۰۲  
اماردی ( اماردیها ) ، نگاه کنید به  
ماردیها  
امامقلی خانی ، از قشقائی ، ۱۰۴ ؛ از  
ممسنی ، ۲۶۶  
امجدخان ، ۲۸۰  
امطایر الاناصری ، ۲۲۸  
امیانوس مارسلینوس ، ۴۳  
امراض ، نگاه کنید به علم امراض در  
ایران  
امیدرفاجی ، ۲۲۸  
امیر ، ۲۱۵  
امیرآباد ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری-

## - مردم شناسی ایران -

- بدن انسان درباره افراد، ۵۲۴  
۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳
- امیر حاجیلو، از آئینه‌لو، ۲۵۶، ۱  
بهارلو، ۲۵۷
- امیر سالاری، ۲۶۷
- امینلو، ۲۵۷
- امینه، ۲۵۷
- انجمن پادشاهی جغرافیائی، ۲۴۳؛  
کمیته دائمی اسامی جغرافیائی،  
۳۸
- انجیر، ۲۴، ۲۷۴
- اندازه گیری بدن انسان اطلاعاتی  
درباره
- آمارهای اساسی، ۳۳۹؛ امراض،  
۳۴۵؛ بررسی آماری، ۳۴۷-  
۳۴۸؛ بینی، ۳۴۴؛ ترس در میان  
قبائل، ۳۳۷؛ ثبت مشاهداتی در  
باره سن، ۳۴۳؛ چشمها، ۳۴۴؛  
حنا، ۳۴۵؛ خال کوبی، ۳۳۷؛  
۳۴۵؛ دندان، ۳۴۴-۳۴۵؛  
عکسها، ۳۴۶؛ مطالعاتی به روی  
گروههای ایران، ۳۴۶-۳۴۷؛  
مو، ۳۴۳؛ نقص مصنوعی جمجمه،  
۳۴۵؛ نمونه های خون، ۳۳۶؛  
۳۳۹، ۳۴۶؛ نمونه های مو  
۳۳۶، ۳۳۹، ۳۴۶
- اندازه گیری بدن انسان، تعیین، ۳۳۹؛  
روش و تکنیک اندازه گیری،  
۳۳۶-۳۴۶
- اندازه گیری بدن انسان، اندازه ها،  
۳۴۰-۳۴۲؛ انتخاب افراد،  
۳۳۸
- انزان، سوسونکا، ۱۵۰
- انطاکیه، اطلاعاتی درباره اندازه گیری-
- بدن انسان، ۶۳۲ به بعد.
- انغوزه، ۱۰۷
- انگور، ۲۴، ۲۵۲
- اواجا = خوزستان، ۱۵۰
- اوبرکاسل، اطلاعاتی در باره اندازه-  
گیری جمجمه از، ۳۱۱
- اور، اطلاعاتی در باره اندازه گیری  
جمجمه، ۳۱۰؛ مطالبی درباره  
اسکلتها، ۳۱۸
- اورارتو (آارات)، ۱۵۶، ۱۸۳
- اوستها (استیها)، ۵۰، ۱۳۵؛ شاخص  
سر، ۶۴۶؛ شکل سر، ۱۲۸؛  
۶۵۰؛ اندازه های سر، ۶۷؛  
شاخص بینی، ۶۸۳؛ خصوصیات  
جسمانی، ۶۱؛ قد، ۶۷، ۶۱۹
- اوستیا مالاسیا (ostia malasia)،  
۳۳۲
- اوشار، ۲۳۰
- اوشانین، ال.وی. ۱۸۷، ۶۲۰ به بعد.
- اورامر، ۹۴
- اوریات، ۲۶۴
- اوریل، (urial)، ۲۴۲
- اوریس، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان، ۶۲۲ به بعد
- اوکسیا، ۱۵۰
- اوکسیان، ۱۵۱
- اولاد، ۲۶۲
- اولاد اسعدخان، ۲۱۱
- اولاد امیرآقا، ۲۶۶
- اولاد رستمخان، ۲۵۵
- اولاد زین العابدین، ۲۵۵
- اولاد سبار، ۲۵۵
- اولاد شیخ علی، ۲۶۶
- اولاد علی محمود، ۲۱۱
- اولاد قباد، ۲۱۲
- اولاد محمد، ۲۵۵

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۴۷

دو گونه ، ۶۵۷ ، شاخص سر ،  
 ۶۴۴ ، شاخص پیشانی و آهیانه ،  
 ۶۵۳ ، اندازه های سر ، ۶۳۲ ،  
 ۶۳۷ ، حداقل قطر پیشانی ،  
 ۶۵۳ ، شکل بینی ۶۸۴ ، شاخص  
 بینی ، ۶۸۲ ، شاخص گونه و  
 پیشانی ، ۶۵۷  
 انگار ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان ، ۶۱۸ به بعد ،  
 محل های عصر حجر ، ۶۹۶ ،  
 ۶۹۷ ، دانشگاه ، ۷۰۸  
 انگلیس و ایران شوکت نفت ، ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ایارکو (ایارخوف) ، ۱۸۷ ، ۶۲۰ به  
 بعد  
 ایاسویچ ، ۱۸۷  
 ایالات متحده ، اطلاعاتی درباره اندازه  
 گیری بدن انسان ، ۶۲۲ به  
 بعد  
 ایاورسکی ، ۶۲۰ به بعد .  
 ایتاوند ، ۲۱۲ ، ۲۱۸  
 ایران اختلافات عمده در چهار گروه ،  
 ۵۵۹-۵۵۶  
 ایران فلات ، ۱۴ - ۱۵ ، منشأ بینی  
 محدب بلند در ، ۶۸۷-۶۸۸ ؛  
 نوع سرگرد در ، ۶۰۹ ؛ آب و  
 هوا ، ۱۹۵ ، ۶۹۱ - ۶۹۲ ؛  
 نوع سرورازدر ، ۶۰۸  
 ایران ، کشاورزی در ، ۲۰-۲۵ ، ۱۴۴ ،  
 ۶۹۴ ؛ تغییراتی در اسامی  
 جغرافیائی در ، ۱۰ ، ۳۰۲ ،  
 ۳۰۳ ؛ آب و هوا ، ۱۶ - ۱۹ ،  
 ۶۹۱ - ۶۹۳ ؛ در دوره های  
 یخ بندان ، ۱۶۱ ؛ ساکنین  
 قدیم ایران ، ۱۸۳ - ۱۸۷ ؛

اولاد میرزا علی ، ۲۶۶  
 اولاد میرعباس خان = میربهاروند ،  
 ۲۱۰  
 اولاد میرعلیخان = میرقلاوند ، ۲۱۴-  
 ۲۱۵  
 اولادی ، ۲۵۷  
 اولمستد ، ا. تی ، ۶  
 اوملیاش ، ۱۵۱  
 اوخچلو ، ۲۶۴  
 اوده ، ۲۲۷  
 اودین ها ، ۴۱۶  
 اوژفالوی ، شارل دو ، ۷۴ ، ۱۳۰  
 اومالیوس دهالوی ، ج. بی. ج. ۵۲  
 اهریک ، ۶۱۷ به بعد .  
 اهل سعدی ، ۲۵۶  
 اهل الشاخه ، ۲۳۸  
 اهل العراق ، ۲۳۷  
 اهل العریض ، ۲۳۵  
 اهل النقره ، ۲۳۸  
 اهل الهرمز ، ۲۲۳  
 اهواز شهرستان ، ۳۰۲  
 امانلو = عمارلو ، ۱۰۹  
 اناطولی ، اطلاعاتی درباره اندازه -  
 گیری جمجمه ، ۶۱۸ به بعد ،  
 ۷۰۸ ؛ باستانشناسی ، ۳۱۶ ؛  
 محل های عصر حجر ، ۶۹۶ ،  
 ۶۹۷  
 اناطولی گروه ، منسوب به قبائل گال  
 و سلت ، ۱۳۰  
 اندازه گیری آلات و ادوات ، ۳۳۹ -  
 ۳۴۰  
 اندر ، ۷۲  
 انترلوس پاتر (لابروس) ، ۴۴  
 انشان ، ۲۹  
 انصاریه (نصارا) ، ۱۳۸ ، عرض

## تاریخ مردم شناسی ایران

- قرهنگ در ، ۳۶؛ علائم خشکی  
سازی ، ۶۹۲؛ حیوانات در ،  
۲۵-۲۸ ، ۶۹۵؛ گل و گیاه ،  
۱۹-۲۰ ، ۶۹۳-۶۹۵ ؛  
جغرافیا و زمین شناسی ، ۱۲-  
۱۶ ، ۶۹۰-۶۹۱ ؛ تغییرات  
جدید در تقسیمات ، ۱۰-۱۱ ،  
۳۲ ، ۳۰۱-۳۰۳ ؛ تاریخ ،  
۲۸-۳۲ ، ۵۵-۵۶ ؛ جمعیت  
در ۱۹۳۴ ، ۳۳-۳۴ ؛ زبانها ،  
۱۷۹ ؛ نوع مدیترانه در ، ۳۱۹ ؛  
مهاجرتها به ، ۲۸-۳۰ ، ۳۲ ،  
۱۵۶ ، ۱۶۳ ، ۱۷۶-۱۷۷ ،  
۱۸۰-۱۸۱ ، ۶۹۰-۶۹۱ ؛  
نام مقرر شده بوسیله پادشاه ،  
۱۳ ؛ نوع سیاهپوست در ، ۷۹-  
۸۶ ، ۱۴۰ ، ۱۶۸ ؛ قبایل  
چادر نشین ، ۱۰ ، ۱۱ ، ۸۸-۹۰ ،  
۹۱-۹۲ ، ۱۳۴-۱۳۷ ، ۱۶۸-  
۱۶۹ ، ۱۷۳-۱۷۴ ، ۲۰۲ به  
بعد ؛ مناطق عصر حجر ، ۶۹۵-  
۶۹۶ ؛ جمعیت ، ۳۳-۳۵ ، ۴۴-  
۴۷ ، ۸۸-۹۱ ، ۹۳ ، ۱۴۳-  
۱۴۴ ؛ بهداشت عمومی ، ۳۶ ؛  
ارتباط با دره سند ، ۳۳۵ ؛  
ارتباط با ماوراءالنهر ، ۳۱۷ ؛  
مذاهب ، ۳۵-۳۶ ، ۸۹ ، ۱۴۳-  
۱۴۴ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ ، ۱۷۹-  
۱۸۰ ، ۳۰۰-۳۰۱ ؛ مطالب  
مربوط با ستخوان بندی ، ۳۰۵-  
۳۳۵ ؛ حمل و نقل و ارتباطات ،  
۳۲ ، ۳۶
- ایران ماقبل تاریخ ، ۶۹۵-۶۹۸  
ایرانی ، بشر ، ۶۰۶ ، ۶۹۶ ، ۷۰۹
- ایرانی ، ترکان ، ۱۷۳  
ایرانی ، عناصر ، درینسی علیا در عصر  
برنز ، ۱۸۷  
ایرانی ، نوع نژادی ، ۱۳۵-۱۳۶ ؛  
در آسیای صغیر ، ۱۳۹  
ایرانی و درآویدی ، ۶۹۹  
ایران و مدیترانه نوع ، ۱۶۲ ، ۵۰۶ ،  
۶۰۵ ، ۶۰۶  
ایرانیان ، ۵۳ ، ۶۰-۶۱ ، ۱۳۰-۱۳۱  
۱۸۲ ، ۱۸۹ ؛ ارتباط با چینیه ،  
۱۶۰-۱۶۱ ؛ در ایران ، ۱۳۹-  
۱۴۰ ؛ در خراسان ، ۱۰۸ ؛  
مهاجرتها ، ۲۸-۲۹ ، ۱۸۰-  
۱۸۲  
ایرانیان (اطلاعات گردآوری شده بوسیله  
مشاهده کنندگان اولیه) ؛  
اطلاعاتی در باره اندازه گیری  
جمعیت ، ۳۱۴ ؛ گروه آریائی ،  
۵۲ ؛ نوع نژاد ایرانی ، ۱۳۵ ؛  
مانند گروه ایران و مدیترانه ،  
۱۶۲ ؛ خصوصیات شکل شناسی ،  
۱۱۶-۱۱۷ ؛ تعداد افراد ،  
۸۸ ؛ مردم قفقاز ، ۱۸۸ ؛  
خصوصیات جسمانی ، ۴۳ ،  
۵۰ ، ۵۲ ، ۵۷ ؛ طبقه بندی  
نژادی ، ۱۳۰ ، ۱۶۷ ؛ ارتباط  
با عربها ، ۱۵۷  
اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان ،  
۶۵ ، ۷۴ ، ۸۱ ، ۱۱۹ ، ۱۲۰-  
۱۲۵ ؛ عرض استخوان گونه ،  
۱۲۴ ، ۶۵۷ ؛ شاخص سر ، ۱۲۱-  
۱۲۲ ، ۱۲۸ ، ۶۴۲ ؛ درازسرها ،  
۵۱ ؛ شاخص پیشانی و آهیانه ،  
۶۵۳ ؛ مو ، ۱۱۵ ؛ اندازه های

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۴۹

ایناتلو، ۱۳۲، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۵  
ایوانو (ایوانف)، ۱۶۸، ۱۷۰، ۶۸۴  
ایوانوسکی، ۱۲۴، ۱۲۷، ۴۰۵، ۶۴۶، ۶۸۳  
ایوبلو، ۲۶۲  
ایوموها، عرض فکین، ۶۶۳، عرض  
دو گونه، ۶۵۹، شاخص سر،  
۶۳۷، طول کل صورت، ۶۷۰،  
اندازه‌های سر، ۶۳۴، ۶۳۹،  
حداقل قطر پیشانی، ۶۵۴، قد،  
۶۲۰

بائر، فن، ۶۳، ۶۲  
بائیچ بادیه نشینان، ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۸۹،  
عرض فکین، ۶۶۱، عرض دو گونه،  
۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۰، طبقه بندی،  
۶۷۱، شاخصهای سر، ۶۴۱،  
گروهها، ۶۲۹، ۶۴۱، اندازه  
شاخصهای گوش، ۶۸۸، ۶۸۹،  
اندازه و شاخصهای صورت،  
۶۶۵، طبقه بندی، ۶۷۱-  
۶۷۲، نوع صورت، ۶۶۶-۶۶۷،  
شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳،  
اندازه‌های سر، ۶۲۸، ۶۳۱،  
۶۳۵، ۶۳۶، ۶۴۰، طبقه بندی،  
۶۲۸، ۶۲۹، ۶۵۲، حداقل قطر  
پیشانی، ۶۵۳، گروهها، ۶۵۲،  
اندازه‌ها و شاخص بینی، ۶۷۲،  
۶۷۶، ۶۷۸، ۶۸۰، ۶۸۱،  
گروهها، ۶۷۳، ۶۸۰، طول بینی،  
طبقه بندی، ۶۸۶، قد نشسته، ۶۲۴،  
۶۲۵، گروهها، ۶۲۵، قد،  
۶۱۷، گروهها، ۶۱۶، ۶۲۵،  
شاخص گونه و پیشانی، ۶۵۷،  
۶۵۹، شاخص گونه و فک،  
۶۶۰، ۶۶۱

سر، ۶۷، ۷۴، ۸۳، ۶۳۱، ۶۳۶،  
حداقل قطر پیشانی،  
۱۲۳، ۶۵۳، لبها، ۱۱۷،  
عضلات، ۱۲۰، ۱۲۶، فک  
صاف، ۵۱، قد، ۱۱۹-۱۲۰،  
۶۱۷، دندان، ۱۱۷، شاخص  
گونه و پیشانی، ۶۵۷  
ایرانیان، نگاه کنید به قبائل و طوایف،  
و تاجیکها  
ایرانیان، ۱۳، در ماوراء قفقاز، ۱۸۸  
ایرانیان (ج. دید)، فقدان عناصر  
نوردیک، ۳۲۰، شاخص بینی  
در ارتباط با آب و هوا، ۶۸۸  
ایرانیان (فارسی)، در نواحی شمالی و  
شمال غربی، ۱۹۸-۱۹۹  
ایرانیان (هخامنشی ها)، ۱۸۰-۱۸۱،  
نژاد، ۱۴۲، سکونت، ۳۹،  
دیر رسیدن در مغرب، ۵۳،  
مهاجرتها، ۱۵۴، خصوصیات  
بینی، ۶۸، زندگی در چادر،  
۱۴۴-۱۴۵، خصوصیات جسمانی  
۴۳-۴۴، ۶۸، ارتباط با  
یونانیان، ۳۰، ۱۷۸، قبایل،  
۳۹-۴۱

ایران شاهی، ۲۵۶  
ایران شهر، ۱۸۱  
ایران شهر (فهرج)، ۲۸۶  
ایروان، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان، ۶۱۹ به بعد.

ایروند، ۲۶۶  
ایستمن، الوان، ۶  
ایکدیر (ایگدار)، ۱۰۳، ۲۶۳، از  
ترکمنهای یاموت، ۲۹۸  
ایلات، ۴۴، ۷۳، ۷۶  
ایلاقی، ۲۸۰  
ایمانلو، ۲۶۲

- بابائی، ۲۶۷  
 باباصنم، ۴۱۳  
 بابای بن لطف کاشانی، ۳۵۱-۳۵۴  
 بابر دانهی، ۲۶۵  
 بابر سالار، ۲۶۵  
 بابل تمدن، منشعب از نژاد سفید، ۱۳۰  
 رابطه با عیلام، ۱۵۲  
 بابلی، ۱۱۳  
 باختریها، نگاه کنید به باکتریها  
 بادام، ۲۵۲، ۲۴  
 بادنجان، ۲۳  
 بادیه نشینها (بدویه)، ۵۹۷، ۷۰۳  
 بحثی درباره اندازه گیری بدن  
 انسان در قبایل مختلف، ۶۲۱  
 ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۴۰، ۶۴۸-۶۴۹  
 ۶۶۰، ۶۶۳-۶۶۴، ۶۷۱، ۶۷۲  
 ۶۸۴، ۶۸۷  
 باریز، ۲۸۱  
 بازوند (بزوند)، از لسانی، ۲۶۶، از  
 ترهان، ۲۱۵  
 باشماکوف، الکساندر، ۱۸۸، ۴۱۹  
 باصری (باصری)، ۱۰۳، ۱۴۶، ۲۵۱  
 ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۶۴  
 باطوم، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان از ۶۴۲ به بعد  
 ایرانیها در، ۱۸۸  
 بافت، ۲۷۹  
 باقری، ۲۶۶  
 باکتریها (باختریان)، ۱۵۶، ۱۸۲-  
 ۱۸۳  
 باکتریها، بومیهای سفید، ۱۳۱  
 باکش، ۲۶۵  
 باکو، ایرانیها در، ۱۸۸، یهودیها،  
 ۴۱۸  
 بالاقریه (بالاجره)، ۲۰۷، ۲۰۸، در  
 خوزستان، ۲۶۰، در لرستان،  
 ۲۱۱ به بعد، ۲۱۷، نماز، ۲۰۹  
 بالوند، ۲۱۱، ۲۱۲  
 باواری، ۲۱۲  
 باوردی، ۲۷۹  
 باوی، ۲۶۶  
 باویه، ۱۰۰، ۲۲۶-۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۷  
 بای، بارون دو، ۴۱۸  
 بایشانلو، ۲۰۲  
 باهو کلات، جمعیت، ۲۸۳  
 بتال پاجنیک، اطلاعاتی درباره اندازه  
 گیری بدن انسان به روی یهودیها،  
 ۴۱۹-۴۲۰  
 بتولیه، ۲۳۶  
 بجنورد، جمعیت، ۲۹۵  
 بجنورد شهرستان، ۳۰۳  
 بجنورد، کردهای شاهدو در، ۱۰۸،  
 ۲۹۸، ۲۹۹  
 بجولوند، ۲۱۱، ۲۱۵  
 بخاخ، ۲۳۵  
 بخارا، ۱۵۵، ۳۷۳، اطلاعاتی درباره  
 اندازه گیری بدن انسان، ۶۲۰  
 به بعد  
 بخت النصر، و یهودیها، ۳۵۱، ۳۵۲،  
 ۴۱۸  
 بختیاری ناحیه، قبایل در، ۱۳۳، ۲۵۵  
 ۲۶۱  
 بختیاری گرمسیر، ۲۳۸ به بعد؛ حیوانات  
 اهلی، ۲۴۲؛ حیوانات، ۲۴۱-  
 ۲۴۲؛ جنرافیا، ۲۳۹؛ زمین  
 شناسی، ۲۳۹-۲۴۱؛ موقعیت،  
 ۲۳۹  
 بختیاریها، ۵۰، ۷۳، ۷۶-۷۹، ۹۱، ۹۹  
 ۱۰۱؛ از بین مجموعه مصنوعی  
 ناقص، ۸۶؛ در قیاس با قشائیه،

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۵۱

دراویدیها، ۱۴۲، در بلوچستان،  
۱۷۴؛ درسرحد، ۱۰۶-۱۰۷،  
۲۸۹؛ در سیستان، ۲۹۲، ۲۹۳؛  
از سراوان، شاخص سر، ۱۶۴،  
۶۴۸، ۶۴۹؛ شاخص بینی، ۱۶۴-  
۱۶۵، ۶۸۴؛ قد، ۱۶۴، ۶۲۱؛  
نیز نگاه کنند به منقل دراهوئی

برایچا، ۲۳۶

برایدی، ازل، ۵

بربرها، افریقائی، ۶۸۴، ۷۰۱

بربرها، ۲۹۹

برتلون، ۶۴۳

«برج خاموشان» (دخمه)، ۲۹، ۵۱،

۱۰۷

برچارد، هرمان، ۴۰۵

برد اسپیر، اطلاعاتی درباره اندازه گیری

بدن انسان به روی کردها،

۵۳۲، ۵۳۴-۵۳۵

برد سیر، بادیه نشینها، ۲۸۰

بردگان، در بلوچستان، ۲۸۱، ۲۸۳

بردگی، و انحطاط جمعیت، ۴۵؛ در

ایران، ۱۷۷، ۲۸۱، ۲۸۳

برسته، جیمز، ۱۵۳

برف ناشی از انجماد، در یزد، ۲۹۴

برگن، ۲۲۶

برگنر، کارل، ۳، ۴۵۶

برمکی، ۲۶۵

برنج، ۱۹۲ به بعد، ۲۵۲، ۴۲۴؛ زراعت

در ایران، ۲۱، ۲۳، ۱۱۳

بروجرد، اطلاعاتی درباره اندازه گیری

بدن انسان، ۷۶

بروچلو، ۲۰۵

بروسه، اطلاعاتی درباره اندازه گیری

بدن انسان، از ۶۱۸ به بعد.

برویل، آبه، ۶۹۶

۲۶۱-۲۶۲؛ جمجمه، ۵۲؛ از

بین گروه سرکوتاه، ۵۰۸؛ در

خوزستان، ۲۲۶-۲۲۷، ۱۳۱؛

در رامهرمز، ۲۲۳؛ در شوشتر،

۲۲۲؛ ارقام، ۸۹، ۹۹، ۲۱۶

اصل، ۹۸؛ ۲۳۹؛ خصوصیات

جسمانی، ۸۶-۸۷، ۱۰۱؛

نسبت نژادی بالرها، ۲۱۶،

۲۳۹، ۵۰۸؛ مهاجمین، ۴۲۵

شبهات با بلوچها، ۵۸؛ شع

فرعی، ۲۴۲-۲۴۴؛ طوایف، ۵۱،

۷۶-۷۷ نیز نگاه کنید به جاکبها

اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان

به روی بختیارها، شاخصهای سر،

۵۴، ۶۶، ۱۲۲، ۶۴۲؛ شکل سر،

۱۱۳، ۲۳۹، ۲۴۳، ۲۴۴؛

اندازه های سر، ۵۴، ۶۶، ۶۳۱،

۶۳۵، ۶۳۶؛ حداقل قطر پیشانی،

۱۲۳؛ شکل بینی، ۶۷۷، ۶۸۴؛

اندازه ها و شاخصهای بینی،

۶۷۵، ۶۷۸، ۶۸۰؛ قد، ۱۱۹،

۶۱۷

بدوای کوه پنج، ۲۸۰

بدلونی، ۲۶۶

بدوئی، ۲۸۰

بدوئی حاجی خان، ۲۸۰

بدیرلو، ۲۰۳

براجیه، ۲۳۶

برادری خون، آئینی از ایرانیان باستان،

۴۰

براون، ۱۹۳، ۶۹۲، ۶۹۶

برانزائی، ۲۸۶

براهماتوری، ۷۰۵

براهوئی، ۵۰، ۱۶۴، ۱۶۸؛ از اصل



## - مردم شناسی ایران

- بره چهارلو، ۲۸۱  
برهمن اورپسا، اندازه ها و شاخصهای  
بینی، ۶۷۵  
برهمن تمیل، اندازه ها و شاخص بینی،  
۶۷۵  
بریسام، ۲۳۴  
برینتون، دانیل، ۱۲۹-۱۳۰  
بژ، ۱۰۷، ۲۱۷، ۲۲۶، ۲۶۰، ۲۶۹،  
۲۸۸، ۲۹۹  
بژ، نگاه کنید به بوسی  
بزرگ، روغن، ۱۹۳  
بزرگزاده، ۲۸۶، ۲۸۷  
بزرگ سرخ، ۲۸۰  
بزرگوهی، ۲۷، ۲۴۱  
بژلو، ۲۰۵  
بستان، ۲۱۳  
بشاجره، ۲۶۹، ۲۷۸، خون نژاد  
سیاهپوست، ۱۴۱، ۱۵۰،  
۲۷۸  
بصره اعراب، در ایران، ۲۵۷  
بصره، جمجمه ایرانیها از، ۳۱۳  
بغداد، اطلاعاتی در باره اندازه گیری  
بدن انسان، ۴۰۶ به بعد، ۶۱۳؛  
انبهار گمرک، ۴۹۳؛ لشرهای  
اندازه گیری شده، ۴۹۳؛  
شاخص بینی یهودیها و رابطه  
آن با آب و هوا، ۶۸۸؛ دانشکده  
پزشکی در، ۲  
بغدادی شاهسونها، ۱۹۷، ۲۰۰،  
۲۰۵  
بقلانیه، ۲۳۵  
بکاهدانی، ۲۶۷  
بکتاش، ۱۳۸، ۱۷۳؛ عرض دو گونه،  
۶۵۸؛ شاخص سر، ۶۴۵؛ اندازه و
- شاخصهای صورت، ۶۶۶، ۶۶۹  
شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳  
اندازه های سر، ۶۳۲، ۶۳۷  
حداقل قطر پیشانی، ۶۵۳  
اندازه و شاخصهای بینی، ۶۷۶  
۶۷۹، ۶۸۲، قد، ۶۱۸؛ شاخص  
گونه و پیشانی، ۶۵۸  
بکرذخرو، ۲۶۴  
بکستون، دادلی، ۲، ۱۷۳، ۳۱۸،  
۳۱۹، ۳۳۹، ۶۱۲ به بعد.  
بکمن، ج. و.، ۵، ۳۱۵  
بگی، ۲۹۶  
بلائفور، ۲۶، ۲۴۱  
بل، سرگرد، ۲۱۶  
بل حسینی، ۲۵۵  
بلخ، ۱۵۵، ۱۵۶  
بلوچستان (ایران)، ۲۸۱-۲۹۰، آب و  
هوا، ۲۸۲؛ نواحی سکونت،  
۲۸۸؛ نفوذ سیاهپوستان در،  
۲۸۶؛ قبائل و طوایف، ۱۰۵-  
۱۰۷، ۱۴۲، ۱۷۴، ۲۸۱  
۲۸۴-۲۹۰؛ مذهب در، ۲۸۳  
ظواهر، ۱۰۴-۱۰۵، ۱۶۹،  
۲۸۷  
بلوچستان، جمجمه از، ۳۱۸؛ قبائل  
اولیه، ۱۵۶؛ نژاد مدیترانه،  
۳۱۹؛ سیاهپوست در، ۳۲۰  
هفتمین سائرای ایران باستان،  
۱۴۲؛ نوع سومریها، ۱۸۵؛  
تاجیکها در، ۱۶۷؛ نژاد سیلان،  
۳۲۰  
بلوچ، عرض دو گونه، ۶۵۹؛ شاخص  
سر، ۶۴۸، ۶۴۹، طول کل  
صورت، ۶۷۰؛ اندازه های سر،  
۶۳۴، ۶۴۰، قد، ۶۲۱. نگاه  
کنید به بلوچیه

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۵۲

- بلوچیه ، ۵۰ ، ۱۰۵-۱۰۶ ، ۱۶۴ ،  
 ۱۶۷ ، ۱۷۴ ، ۲۸۹ ، ۲۹۲ ؛  
 شکل سر ، ۱۶۴-۱۶۵ ؛ اندازه های  
 سر ، ۶۴ ؛ در بلوچستان ، ۲۸۱  
 به بعد ؛ در بندرعباس ، ۲۷۳ ؛  
 در ایران ، ۸۹ ، ۹۰ ، ۱۰۵ ، ۱۷۷ ؛  
 در کرمان ، ۲۷۹ ، ۲۸۰ ؛ در  
 خراسان ، ۱۰۸ ، ۱۴۴ ، ۲۹۵ ؛  
 ۳۰۰ ؛ در سیستان ، ۲۹۲ ؛  
 شاخص بینی ، ۶۸۴ ، ۶۸۵ ؛  
 خصوصیات جسمانی ، ۱۶۹ ؛  
 مذهب ، ۲۹۳ ؛ شباهت به  
 بختیاریه ، ۵۸ ، نیز نگاه کنید  
 به بلوچ  
 بلوزائی ، ۲۸۸  
 بلوشه ، ۳۵۲  
 بلوط ، درخت ، ۱۹۲ ، ۲۴۵ ، ۲۷۴  
 بلومن باخ مجموعه ، کوتینگن ، ۶۲ -  
 ۶۴  
 بلوی ، ۳۰۰  
 بلیش ، النور ، ۶۰۹  
 بلیکانی ، ۶۷۹  
 بلیو ، ۶۹-۷۲ ، ۹۰۵ ، ۱۱۰ ، ۱۴۹ ،  
 ۱۵۹  
 بنادل ، ۲۳۴  
 بنت ، جمعیت ، ۲۸۳  
 بنجت ، ۱۱۰  
 بندر ، نگاه کنید به بندر معشور  
 بندرعباس شهرستان ، ۳۰۳  
 بندرعباس ، ۲۶۹ ، ۲۷۱ ؛ آب و هوا و  
 امراض ، ۲۷۰ ؛ جمعیت ،  
 ۲۷۲-۲۷۳
- بندر معشور ، ۲۲۳  
 بندر معشور ، قبایل ، ۲۳۱  
 بندر ناصری ، ۲۲۳ ، ۲۲۵  
 بندریه ، ۲۲۳ ، ۲۲۸ ، ۲۲۹  
 بندریه ، نگاه کنید به بندریه  
 بندریه ، ۲۲۳ ، ۲۳۱  
 بندونیها ، ۵۱ ، ۷۷  
 بندهش ، ۱۵۸  
 بندیا ( بندیجه ) ، ۱۶۴ ؛ عرض فکین ،  
 ۶۶۳ ؛ عرض دو گونه ، ۶۵۹ ؛  
 شاخص سر ، ۶۴۸ ؛ اندازه های  
 سر ، ۶۳۴ ، ۶۴۰ ؛ شاخص  
 بینی ، ۱۶۴  
 بنگال ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان ، ۶۲۲ به بعد.  
 بنگال ، برهمن ، ۶۷۵ ؛ اندازه و  
 شاخصهای بینی ، ۶۷۵  
 بنگال ، یاد ، اندازه و شاخصهای بینی ،  
 ۶۷۵  
 بنگال ، کیاستا ، اندازه و شاخصهای  
 بینی ، ۶۷۵  
 بنگش ، ۷۰۴  
 بن لك ، بادیه نشینها ، ۲۸۰  
 بنوسر ، ۲۶۶  
 بنی اسرائیل ، ۶۹ ، ۴۰۵  
 بنیامین ، ۳۵۲  
 بنیامین ، اهل تودله ، ۳۵۱  
 بنی تمیم ، ۲۲۳ ، ۲۲۴ ، ۲۳۱ ، ۲۳۶ -  
 ۲۳۷ ؛ از بنی هردن ، ۲۳۰  
 بنی چولان ، ۱۳۱  
 بنی خالد ، ۲۲۷  
 بنی خصرج ، ۲۳۳  
 بنی ربیعہ ، ۲۳۳

## ۸۵۴ - مردم شناسی ایران

۷۸ : از بین یهودیها، در اروپای  
مرکزی، ۱۶۶ : در آلمانه کتاب  
مقدس، ۱۶۶ : از بین کردها  
۱۶۸ - ۱۶۹ : از بین کردها،  
۱۵۰۸، ۴۹۶ در کنساره، ۴۵۹ :  
۴۷۰ : در ایران، ۱۱۵ : در  
کردستان، ۱۶۸ - ۱۶۹  
بوسائی، ۴۲، ۱۵۷  
بوستن موزه هنرهای زیبا، ۳۳۵  
بوسی، ۵۹  
بوشهر، اطلاعات گردآورده در باره  
اندازه گیری بدن انسان، ۶۱۰  
آب و هوا، ۲۴۸ - ۲۴۹ :  
یهودیها در، ۳۴۹، ۳۵۰ :  
جمعیت، ۲۵۴  
بوشهر، شهرستان، ۳۰۲  
بوران زائی، ۲۸۹  
بورئی، ۲۶۷  
بوریه (آل بوبری)، ۲۲۷  
بوطاهری، شاخص سر، ۶۴۲  
بوکینیچ، ۶۹۳  
بوسگدانف، ۶۱۷  
بوسگد، ۲۶۴  
بوسگوایا و لسنسکی، ن. و، ۷۰۷  
بولاغی، ۲۵۶  
بولدیها، ۲۸۴  
بولز، گوردن، ۵، ۶۱۴، ۷۰۳ - ۷۰۵  
بولوردی، ۲۶۲  
بولی (بواو)، ۱۰۴، ۲۶۳  
بولی حاجی طهماسب خانی، ۲۶۳  
بولی زیرک، ۲۶۳

بنی رشید، از کتب ۲۲۸، از آل خمیس،  
۲۳۲  
بنی سکاين، از بنی صالح، ۲۳۶ : از  
بنی نمیم، ۲۳۶  
بنی صالح، ۱۰۰، ۲۲۷، ۲۳۶  
بنی طرف، ۱۰۰، ۲۳۲، ۲۳۷  
بنی عبداللهی، ۲۵۶  
بنی عقبه، ۲۳۴  
بنی لام، ۱۰۰، ۲۲۴، ۲۳۲ - ۲۳۳،  
۲۳۵  
بنی ملك، نگاه كنید به بنی تمیم  
بنی نعهه، از بنی هرون، ۲۲۹ : از  
شرافه، ۲۳۶  
بنی هرون، ۲۲۹ - ۲۳۰  
بم، ۲۷۵ : جمعیت، ۲۷۹ با قبایل  
بادیه نشین در، ۲۷۹  
بم شهرستان، ۳۰۳  
بمبئی، جمجمه پارسى، ۳۳۴  
بمپور، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۰ :  
آب و هوا، ۲۸۲  
بواز، از ۶۱۹ به بعد.  
بوالی، ۲۱۹  
بوچکچی انکالی، ۲۷۹  
بوچکچی خروسعلی، ۲۷۹  
بوچکچی سرسیدعلی، ۲۷۹  
بوچکچی قره علی، ۲۷۹  
بوچکچی نوکی، ۲۷۹  
بودئی، ۴۲، ۱۵۷  
بورها، از بین ارامنه، ۱۳۶ : بین  
ارانیان، ۱۳۱ : از بین فارسیها،  
۱۳۹، ۱۶۱ : از بین جانیکیها،

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۵۵

- بولی هاشمخانی ، ۲۶۳  
 بونجی ، ۹۶  
 بویر احمدی ، ۲۴۴ ، ۲۵۳ ، ۲۵۴ ،  
 ۲۶۲ ، ۲۶۵ ، ۲۶۶  
 بهاءالدینی ، ۲۶۷  
 بهادولو ، ۲۰۲  
 بهارلو ، ۱۰۳ ، ۱۳۲ ، ۲۵۴ ، ۲۵۷  
 بهاروند ، ۲۱۰ ، ۲۱۲ ، ۲۱۴ ، ۲۱۸  
 ۲۲۶  
 بهبهان شهرستان ، ۳۰۲  
 بهبهانیها ، ۲۲۳ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰ ، ۲۵۴  
 بهتوئی ، ۲۰۴  
 بهداشت ، در بین اهالی مازندران ، ۱۱۳  
 ۲۰۰ ، امراض ، ۴۵ ، ۱۹۵  
 ۱۹۶ ، نیز نگاه کنید به بهداشت  
 عمومی  
 بهداشت عمومی ، در ایران ، ۳۶  
 بهرام آباد ، ۲۷۸ ، ۲۷۹  
 بهرام خان برانزائی ، ۲۸۶  
 بهلولی ، ۲۵۵ ، ۲۵۹ ، ۲۶۴ ، از  
 باصریها ، ۲۵۹ ، از اعراب  
 جباره ، ۲۵۵ ، از قشقائی ، ۲۶۴  
 بهمائی ، ۲۴۴  
 بهمن بیگلو ، ۲۶۴  
 بهیاری ، ۲۶۶  
 بیابان ، ۲۶۹ ، ۲۷۰ ، جمعیت ، ۲۷۳  
 بیات ، از آئین لو ، ۲۵۶ ، از قشقائی ،  
 ۲۶۴  
 بیات ها ، ۱۳۱ ، ۱۳۲  
 بیانا ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری  
 جمجمه ، ۳۱۰  
 بیت ابوالسعید ، ۲۳۷  
 بیت ائمانه ، ۲۲۸ ، ۲۲۹  
 بیت اخواین ، ۲۳۷  
 بیت اسد (نصار) ، ۲۳۴  
 بیت الفصیل ، ۲۲۸ ، ۲۲۹  
 بیت الحاج ، ۱۰۰  
 بیت العباس ، ۲۳۷  
 بیت ثبتهی ، ۲۳۸  
 بیت جده ، ۲۳۷  
 بیت چنان (چنانه) ، ۲۲۳ ، ۲۳۴  
 بیت حسین فیض ، ۲۳۶  
 بیت خواطر ، ۲۲۸  
 بیت رجب ، ۲۲۸  
 بیت رحمان ، ۲۲۷  
 بیت حاجی سلیم ، ۲۳۸  
 بیت جبیشیه ، ۲۳۶  
 بیت حرب ، ۲۳۷  
 بیت حمدی ، ۲۳۷  
 بیت حنظل ، ۲۲۷  
 بیت خشکوری ، ۲۲۶  
 بیت خلف ، ۲۲۹  
 بیت دغیر ، ۲۳۷  
 بیت دویبا ، ۲۲۸  
 بیت دیوان ، ۲۲۶  
 بیت رزیج ، ۲۲۶  
 بیت رما (المطروه) ، ۲۲۸  
 بیت زباو ، ۲۲۸  
 بیت زندی ، ۲۲۵  
 بیت زهاریه ، ۲۳۶  
 بیت زهرا ، ۲۲۷  
 بیت سنخو ، ۲۳۸

## ت هردم شناسی ایران

بیت سداه ، ۲۳۸	بیت علوان ، ۲۲۶
بیت سعد الکثیر ، ۲۲۶ ، ۲۳۱ ، ۲۳۲	بیت علویه ، ۲۳۷
بیت سعید ، ۲۳۷	بیت عمیر ، ۲۳۲
بیت سلطان ، ۲۳۸	بیت عواجه ، ۲۳۸
بیت سمک ، ۲۳۸	بیت عوامیر ، ۲۲۹
بیت سونهر ، ۲۲۷	بیت غنیم ، ۲۳۵
بیت سه ، ۲۳۴	بیت فرج الله ، ۲۳۲
بیت سیاح ، ۲۳۷	بیت هرهود ، ۲۲۸
بیت سید بدر ، ۲۳۷	بیت قضبان ، ۲۲۸ ، ۲۲۹
بیت سید علی طالقانی ، ۲۳۸	بیت کرم الله ، ۲۳۲
بیت سید مهدی ، ۲۳۸	بیت کریم ، ۲۳۱ ، ۲۳۲
بیت شاهینه ، ۲۳۸	بیت محارب ، ۲۳۸
بیت شایه ، ۲۳۴	بیت محاوی ، ۲۳۸
بیت شبیب ، ۲۳۸	بیت محیدی ، ۲۲۸
بیت شبیب السلیم ، ۲۳۴	بیت مزارعه ، ۲۳۷
بیت شخالی ، ۲۳۸	بیت مواجد ، ۲۲۹
بیت شریفه ، ۲۲۸	بیت مناشید ، ۲۳۷
بیت شمو خلیه ، ۲۳۶	بیت نصار ، از بنی لام ، ۲۳۴ ، از بنی طرف ، ۲۳۸
بیت شموس ، ۲۳۶	بیت نصیر ، ۲۲۷
بیت شیه ، ۲۳۰	بیت نواصر ، ۲۲۷
بیت شهاب ، ۲۳۶	بیت وشاش ، ۲۳۸
بیت شیخ احمد ، ۲۳۷	بیجار ، شهرستان ، ۳۰۲
بیت صفی ، ۲۳۸	بیجاوند ، ۲۱۲
بیت صندل ، ۲۳۸	بیچاره ، ۲۷۹
بیت صویر ، ۲۲۸	بید ، درخت ، ۱۹ ، ۲۲۰
بیت طرفه ، ۲۲۶	بیراوند ، در خوزستان ، ۲۲۶ ، در لرستان ، ۲۰۷ ، ۲۰۹ به بعد ، ۲۱۴ ، ۲۱۸
بیت عباس ، ۲۳۷	بیراهنه ، ۲۳۶
بیت عبوده ، ۲۲۹	بیرجند ، ۲۹۱
بیت عثمانی ، ۲۳۷	بیرجند ، شهرستان ، ۳۰۳
بیت عزیز ، ۲۲۸	
بیت عقار ، ۲۲۸	

## فهرست اعلام و مطالب -

- بیروت، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان ، ۶۱۰ ، ۶۶۵  
بیزنجان، بادیه نشینها ، ۲۸۱  
بیستون ، ۱۸۲  
بیشاپ ، ایزابلا ، ۸۷  
بیگزاده ، ۲۸۹  
بیماری شناسی « پالولوژی »  
در ایران :  
اکندرو پلاسیا، ۱۷۸  
اختلال غده ها، ۴۳۰  
طاسی فرق سر، ۵۲۶  
سیاه زخم ، ۲۹۵، ۲۴۸  
پریشانی حواس، ۴۳۰  
استسقا، ۲۴۸  
جوش بغداد ( سالک )، ۸۷، ۱۹۶، ۲۹۵  
بری بری ، ۲۴۸  
تیغ زدن، ۴۹۹  
جای زخم ، ۵۲۶ ، نگاه کنید به جوش بغداد  
دندان فساد، ۱۱۷، ۳۱۷، در بین ده نشینان  
کناره، ۴۶۲، در اسکت تپه جمشیدی  
۳۱۶-۳۱۷ ، در بین ده نشینان  
یزدخواست، ۴۳۰  
آب مروارید ، ۴۶۰، ۴۲۸، ۳۵۸  
لكچشم، ۳۵۷  
آبله مرغان، ۲۴۸  
وبا، ۱۹۵  
آماس ملتحمه، ۴۲۸، ۳۵۸  
جوش خرما، نگاه کنید به جوش بغداد  
کری، ۴۳۱  
جوش دهلی، نگاه کنید به جوش بغداد  
اسهال، ۱۹۵  
دیفتری، ۲۴۸  
اسهال خونی، ۱۹۶، ۲۴۸، ۲۷۰  
سوء هاضمه، ۲۴۸  
چشم امراض، ۱۹۶، ۳۵۸، ۴۶۰  
مسعفه شهیدیه، ۴۶۲  
تب: استخوان، ۲۴۸، مالاریا، ۲۷۰، ۲۹۵  
حصه، ۱۹۵، ۲۹۱، پشه، ۲۹۵  
مخملک ، ۲۴۸ ، زرد، ۲۴۸  
شکستگی، ۴۹۹  
گیان تیسم، ۱۷۸  
سوزاك، ۱۹۶  
گزیدگی سنگ ها، ۲۴۸  
فلج اطفال، ۳۶۱  
آنفلوآنزا، ۲۵۳  
بیماری عنبیه، ۳۵۸  
امراض کلیه، ۲۷۰  
جذام، ۲۶۸  
مالاریا، مقاومت یهودیها و بومیان عربستان  
در مقابل، ۱۶۷  
سر خاك، ۲۴۸  
نقص غده ها، ۳۵۴، ۳۶۱  
منگو لیزم، ۱۷۸  
لال بودن، ۴۳۱  
کوتوله شدن ، در اثر نقص غده ها ، ۳۵۴  
۳۶۱، ۳۷۴  
طاعون ، ۲۴۸  
سر خچه، ۲۴۸  
بیماری پوست سر، ۳۵۷، ۳۷۴  
آماس کیسه ای، ۳۶۱  
آبله، ۱۹۵، ۲۴۸، ۲۷۰، ۲۹۱، ۳۶۱  
۴۳۱، ۴۶۲، ۴۹۹، ۵۲۴، ۵۲۵  
۵۲۶  
سفلیس، ۱۹۶، ۳۶۱، ۴۳۱  
کزاز ، ۲۴۸  
تراخم، ۲۲۰، ۲۲۸  
امراض مناطق حاره، ۱۹۶

- سل، ۱۹۶  
تیفوس، ۲۹۱، ۲۴۸، ۱۹۵  
امراض مقاربتی، ۲۴۸، ۲۷۰، ۲۹۱، ۲۹۵  
بیمای، ۲۶۷  
بین‌النهرین مجموعه، فقدان مختصات  
مغولها و سیاهپوستها، ۳۲۰  
مدیترانه‌ها در، ۳۱۹، روابط با  
ایران، ۳۱۸  
بینی، در آریانه‌های تخت جمشید، ۱۱۸۹  
در کردها، ۱۱۳، درسامریها،  
۱۶۲، در شوشها، ۱۶۲  
بینی شاخص و رابطه آن با آب و هوا،  
۶۸۷-۶۸۸  
بینی نیمرخ، ۳۰۷، ۶۸۵-۶۸۷  
مهمترین خصوصیت جسمانی در  
جنوب غربی آسیا، ۴۱۰، ۴۱۲  
نوع ارمنی، هندو افغان، ۱۶۴  
گروههای ایران و عراق، ۶۸۶-  
۶۸۷، گروههای ایران، ۵۵۴-  
۵۵۵، در ارتباط با خصوصیات  
جسمانی، ۵۶۵-۶۰۱، در نوع  
سردر افلات ایران، ۶۰۸-۶۰۹  
در نوع سرگرد فلات ایران، ۶۰۹  
در یهودیهای اصفهان، ۳۵۸-  
۳۵۹، ۳۷۰، در دهن نشینان کناره،  
۴۶۱، ۴۷۱، در کردها، ۱۳۷  
درارهای پشت کوه، ۴۹۷-۴۹۸  
در انواع مدیترانه، ۴۳۹، ۵۰۶  
۶۰۲-۶۰۳، ۶۰۴-۶۰۶، در  
یهودیهای کوهستان، ۴۲۱، ۴۲۲  
در تاجیکهای کوهستانی، ۱۸۷  
در پامیر (ایرانی)، ۱۶۲-۱۶۳  
در مدیترانه‌های بدوی، ۶۰۳-۶۰۴  
در بادیه نشینان روله، ۶۸۷، در
- ترکها، ۱۶۳، در دهن نشینان یزد  
خواست، ۴۲۸-۴۲۹، ۴۳۹  
پابلیسی، ۱۰۴  
پابی، ۲۱۱، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۶  
پاتان وانچی، عرض فکین، ۶۶۳، عرض  
دو گونه، ۶۵۹، شاخص سر، ۶۴۸  
اندازه‌های سر، ۶۳۴، ۶۴۰  
پاتانها، سخنگویان پشتو، ۱۴۹، ۷۰۴  
شاخص سر، گروهها، ۶۲۹  
اندازه‌های سر، گروهها، ۶۳۰  
۶۵۲، حداقل قطر پیشانی،  
گروهها، ۶۵۱، عرض و طول بینی،  
گروهها، ۶۷۳  
پاتیشو و ارا، ۴۱  
پاتیشوریه، ۴۱  
پادروند، ۲۱۲، ۲۱۵  
پاراتاکین، ۱۵۰  
پاراتاسنی (پاراتاسنی)، ۴۲، ۱۵۷  
پاراتاوا = پارتها، ۱۸۲  
پارتی مجموعه، ۳۰۶  
پارتیهها مجموعه، اندازه‌های سر، ۸۵-۸۶  
پارتیهها، ۱۴۳، ۱۷۱، ۱۸۲، شاخص سر،  
۸۳، اولاد، ۱۴۳، ایران زیر  
غلبه، ۳۲  
پارتیهها قبرستان، مجموعه سیاهپوستان در  
۱۴۲  
پارس، ۱۷۱  
پارسا، ۲۹  
پارسوا (پاروسا)، ۲۹، ۱۸۲  
پارسواس، ۱۸۲  
پارسیوانها، ۷۰، ۱۶۱  
پاریز، قبایل در، ۲۸۰  
پاریسی، مؤسسه دیرین شناسی انسانی،  
۳۲۴

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۵۹

- پازوکی‌ها (پازکی‌ها) ۱۳۳، تاریخ قبیله ۱۳۳-۱۳۴
- پاسارگارد (پازارگارد) ۲۴۷، ۴۰
- پاسارگاده‌ها، قبایل، ۳۹
- پاسگیر، ۲۶۴، ۲۶۲
- پامیر قبایل، ۷۰۸
- پامیر، قبایل کالچای، ۱۳۱
- پامیری (ایرانی)، ۱۶۲-۱۶۳
- پانتیو کف، ۱۱۸-۱۲۰، ۱۲۴، ۶۲۰ به بعد
- پانچائو، ۱۷۵
- پانی-پاونی (پشته)، عرض فکین، ۶۶۳
- شاخص سر، ۶۴۸؛ طول کل صورت، ۶۷۰؛ اندازه‌های سر، ۶۳۴، ۶۴۰؛ قد، ۶۲۱
- پانی-کاکر پاتان‌ها، ۱۶۴
- پپاتی، ۲۶۵
- پدرسن، دورتی، ۱۱۵
- پرات، آید، ۶
- پرتی، ام، ۵۲۰
- پرچان، ۲۸۱
- پرستوف، یوجین، ۱۸۷، ۶، ۷۰۷
- پرشیا، معنی کلمه، ۱۳
- پرنده‌گان، در فارس، ۲۴۷؛ در ایران، ۲۶
- پروتر-بی، ۵۴
- پری، آریت، ۲۶۹
- پریچارد، ج. سی. ۴۴، ۵۰
- پریکانی، ۲۸۱
- پسک‌مدره، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان، ۶۵۹
- پشت کوه، ۹۸-۹۹، ۲۶۵، ۲۸۰؛ اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان، ۶۱۷ به بعد؛ مرزها، ۲۰۷؛ رمین، ۲۰۷
- پشت‌گذاری، ۲۸۰
- پشتو (پختو)، زبان، ۱۴۹، ۷۰۴
- پشتون (پختون)، ۱۴۹
- پشم، ۲۶۰
- پشه‌مالاریا (آنوفل)، ۴۳۰
- پلاسجی، ۱۳۹
- پلنگ، ۲۴۱، ۲۷
- پلنگی، ۲۷۹، ۲۵۶
- پلودن، س، ۲۱۱
- پلوس، ۱۶۸
- پمپلی، آر، ۳۱۸
- پنبه، ۲۴، ۲۰، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۵۲، ۲۰۰
- پنتیاله‌ها، ۳۹
- پنجابی‌ها، شاخص بینی و رابطه آن با آب و هوا، ۶۸۸
- پنڈریکت، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان، ۶۴۷، ۶۲۰
- پنسیلوانیا دانشگاه، ۳۰۶
- پنسیلوانیا دانشگاه، موزه، ۳۰۶، ۳۲۴، ۳۳۰
- پوارکف، ۶۲۱، ۶۴۸
- پوپ، آرتور اپهام، ۱۸۸، ۴۵۶
- پورپشاه، ۹۵
- پولار، ۷۲
- پهاری، ۷۰۶، ۷۰۵
- پهرین (بهرین)، ۲۶۶
- پهلوان، ۲۸۰
- پهلوی، رضاشاه، نگاه کنید به رضاخان (رضاشاه پهلوی)
- پیبادی موزه (هاروارد)، ۵، ۱۱۲، ۶، ۷۰۳، ۶۱۵، ۳۳۰، ۳۲۴، ۳۰۶
- ۷۰۸
- پیتارد، اوزن، ۶۱۹ به بعد
- پیراسلامی، ۲۵۵
- پیرحسن عبداللہ، ۲۶۵



۱۶۸، ایرانیان مغرب، ۵۷.  
 نیز نگاه کنید به تاجیکهای اتحاد  
 جماهیر شوروی  
 تاجیکهای کوهستانی، اندازه‌ها و شاخصها  
 ۱۸۸-۱۸۷  
 تاجیکها، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۸۷، عرض دو گونه  
 ۱۶۵۸، شاخصهای سر، ۱۲۸، ۱۲۹،  
 ۶۳۶، اندازه‌های سر، ۶۳۳،  
 ۶۳۸، اندازه‌ها و شاخص بینی،  
 ۶۷۷، ۶۷۹، ۶۸۳، قد، ۶۲۰  
 تاجتادشی (اجتاد و سکی-تاجدا و چی)،  
 ۱۳۱۸، نماینده جدید هیتی‌ها،  
 ۱۱۷۳، عرض فکین، ۶۶۲، عرض  
 دو گونه، ۶۵۸، شاخص سر،  
 ۶۴۵، اندازه‌ها و شاخص صورت،  
 ۶۶۶، ۶۶۹، شاخص پیشانی و  
 آهیانه، ۶۵۴، اندازه‌های سر  
 ۶۳۲، ۶۳۷، حداقل قطر پیشانی  
 ۶۵۴، قد، ۶۱۷، شاخص گونه  
 و پیشانی، ۶۵۸  
 تاتار، اصل نام، ۱۴۸  
 تارمچی، ۲۶۷  
 تارین، ۱۶۴  
 تازی، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۷۲  
 تالگرن، ۱۸۷، م.ا.  
 تامرادی، ۲۶۷  
 تامسن، آرثر، ۶۸۷  
 تامس، برترام، ۶۱۳، ۶۳۰، ۶۴۲  
 تاوارجانویچ، س، ۶۱۹ به بعد  
 تاهوگانی، ۱۷۴  
 تاهوکی، ۱۷۴  
 تبریز ترکهای، ۲۷۸  
 تبریز شهرستان، ۳۰۲  
 تبریز، نسطوریان ساکن، ۹۷، جمعیت،

پیر داده، ۲۱۱  
 پیردینی، ۲۶۵  
 پیرمرادلو، ۲۸۰  
 پیش‌گوه، ۹۸، ۲۰۷، ۲۱۷  
 نا احمدی، ۲۶۷  
 نات، سخن گفتن به لهجه ایرانی، ۱۸۸، نیز  
 نگاه کنید به طالش  
 تاتارها، ۱۴۷-۱۴۸، ۱۶۴، شاخص سر،  
 ۶۳۳، اندازه‌های سر، ۶۳۶،  
 ۶۳۵، ۶۳۸، در ایران، ۱۸۸، در  
 خراسان، ۱۰۷، مهاجرت،  
 ۱۳۵، شاخص بینی، ۶۸۳، شباهت  
 با یهودیهای گرجی، ۱۴۱۶، قد،  
 ۶۱۹، نیز نگاه کنید به تاتارهای  
 آذربایجان، تاتارهای کریمه  
 نات بیگلو، ۲۶۹  
 ناتوزائی، ۲۸۹  
 نات‌ها، سکنه اولیه در شمال غربی ایران،  
 ۵۶، از قفقاز، ۱۸۸، شاخص سر،  
 ۱۲۹، ۶۴۶، خصوصیات جسمانی،  
 ۶۰  
 نانی، ۲۵۶، ۲۵۹  
 تاجیکها، ۱۵۹، ۱۶۰-۱۶۱، ۱۶۳  
 شاخص سر، ۷۶، ۱۱۶۷، ریشه  
 کلمه، ۱۷۲، تقسیمات، ۱۶۷  
 در افغانستان، ۷۰-۷۱، در  
 بلوچستان، ۱۶۸، ۱۷۴، در  
 هرات، ۱۴۹، در ایران، ۷۴،  
 ۷۶، ۱۶۸، در خراسان، ۱۰۸،  
 ۱۱۳، ۳۰۰، در سیستان، ۱۰۴،  
 ۱۲۹۰، موقعیت در آسیا، ۵۰،  
 نام بعضی گروههای شرقی ایران،  
 ۵۴، اصل نام، ۵۶، ۷۰-۷۱،  
 خصوصیات جسمانی، ۵۷، قد،

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۶۱

ترك، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن  
انسان ، ۶۱۸ به بعد

ترك، ایرانیها در، ۱۸۸ ، یهودیها در ،  
۴۱۸

ترك زبان، ۱۴۰، ۱۷۹، ۱۴۶

ترك زبان ، قبایل در ایران، ۱۰۲، ۴۹،  
۱۳۵، ۱۰۳

ترك، عناصر، در میان تاجیکها، ۱۶۷، در

ایران ، ۱۲۶، ۱۶۷

ترك، قبایل ایران، ۱۱۴

ترك، قبایل در فارس، ۱۷۹، در ایران ،

۱۳۱-۱۳۳، ۱۴۶، در لرستان

۱۷۷

ترك، قبایل و طوایف، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۴۰،

۲۵۵، ۲۵۷-۲۵۸

ترك، كان سلجوقی، ۱۶۳، ۱۷۶

تركها، اختلاف با فارسها، ۱۹۸، تقسیمات

۱۶۴، در ایران، ۱۶۱، ۱۹۷ به بعد؛

۲۵۶ به بعد، در قزوین، ۱۹۷؛

درمازندران، ۲۰۰؛ در ایالات

شمال و شمال غربی، ۱۹۷، ۱۹۸؛

مهاجرت ، ۱۶۳؛ اصل، ۱۹۸؛

خصوصیات جسمانی، ۱۶۳، ۱۶۴

۱۷۹، ۱۹۸؛ جمعیت و اصل و

منشأ، ۱۹۷-۱۹۹؛ جمعتهای

مقایسه شده با جمعتهای کبرها ،

۱۲۷؛ قبایل، ۲۰۲-۲۰۳،

۲۸۰

اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن

انسان، عرض فکین ، ۶۶۲؛

عرض دو گونه، ۶۵۷-۶۵۸؛

شاخص سر، ۶۴۴-۶۴۵؛

اندازههای صورت، ۶۶۶، ۶۶۹؛

شاخص پیشانی و آهیانه ، ۶۵۳؛

۱۷۶

تپه بدهره، اسکلتی از ۳۱۷

تپه جمشیدی، جمجمه در، ۳۱۶

تپه حصار، نوع آلی در، ۳۱۳؛ جمجمه

آسیائی در، ۳۰۷؛ انواع جمجمه،

۳۱۱، ۳۱۲؛ اطلاعاتی درباره

اندازه گیری جمجمه، ۳۱۰، ۳۱۱؛

حرکت های فرهنگی ، ۳۱۳؛

جمجمه اسلامی در، ۳۰۷، ۳۰۹؛

جمجمه مدیترانه، ۳۱۲، ۳۱۳؛

منولی، ۳۱۳؛ جمجمه سیاهپوست

در، ۳۰۷؛ نژاد سیاهپوست در،

۳۱۳؛ نور دیک در، ۳۱۲؛ جمجمه

پارتی در، ۳۰۶؛ جمجمه مدیترانه

اولیه ، ۳۰۶ ، ۳۰۷؛ جمجمه

نور دیک اولیه، ۳۰۶، ۳۰۷؛ نور-

دیک اولیه در ، ۳۰۷؛ جمجمه

استرالیائی نمادر، ۳۰۷، ۳۰۹؛

جمجمه ساسانی در ، ۳۰۶؛ مطالب

مربوط به استخوان بندی ، ۳۰۵،

۳۰۶؛ دو نوع نژاد، ۳۱۱، ۳۱۲

تپه ژیان، جمجمه در، ۳۲۲؛ اطلاعاتی در

باره اندازه گیری جمجمه، ۳۲۲

تجامیر، ۲۱۳

تخت جمشید، خصوصیات آریا نها، ۱۸۹؛

جمجمه ، ۳۳۴؛ نوع ایرانیان

خالس، ۱۳۹

تراکمه، ۶۷

تربت حیدری، شهرستان، ۳۰۳

تربور، ازخمسه، ۲۵۶، ۲۵۹؛ ازقشقای،

۲۶۵

تربور چهار بانچه، ۲۵۵

ترك، ۲۵۱، ۲۹۲

ترك، اختلاط در طهران ، ۱۳۱

## ۸۶۴ - مردم شناسی ایران

اندازه‌های سر، ۶۲، ۶۵، ۶۳۲،

۶۳۷، ۶۳۸؛ حداقل قطر پیشانی،

۶۵۳؛ اندازه‌های بینی، ۶۷۶،

۶۷۹، ۶۸۲؛ قد نشسته، ۶۲۳؛

قد، ۶۱۸؛ شاخص گونه و پیشانی،

۶۵۷-۸۵۶؛ شاخص گونه و فک،

۶۶۲

ترکها، ۶۷، ۱۰۸، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۳۷،

۱۴۳، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۷۳، ۲۲۴،

۲۲۵، ۲۹۱، ۲۹۵؛ اختلاط

با بلوچی ها، ۱۶۸،

ترکان خراسان، ۲۰۰؛ در فارس

و بنادر خلیج، ۲۴۹، ۲۵۱؛ در

خراسان، ۱۱۰، ۱۴۴، ۲۹۵،

۲۹۹-۳۰۰؛ در سیستان، ۲۹۲؛

مهاجرت، ۱۷۷؛ خصوصیات

جسمانی، ۱۶۹؛ نسبت با تاتارهای

آذربایجان، ۱۳۵؛ قبایل و

طوایف در ایران، ۵۱، ۷۶، ۸۸،

۸۹، ۹۰، ۱۰۳، ۱۳۲، ۱۳۳،

۱۶۳، ۲۷۸، ۲۹۹-۳۰۰،

نیز نگاه کنید به افشار،

گرایلی، تبریز ترکهای

تورکستان (شوروی)، اطلاعاتی در باره

اندازه گیری بدن انسان، ۶۲۰؛

مطالعاتی درباره اندازه گیری بدن

انسان، ۷۰۷، ۷۰۸؛ مدیترانه‌ها،

در ۳۱۹؛ شش مجموعه در، ۳۱۸

ترکمن دشت، در عصر مفرغ، ۳۱۶؛ خصائص

جسمانی ساکنین، ۱۷۳

ترکمن عربهای، عرض دو گونه، ۶۵۷؛

شاخص سر، ۶۴۳؛ اندازه‌ها و

شاخص‌های صورت، ۶۶۶، ۶۶۹،

شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳،

اندازه‌های سر، ۶۳۱، ۶۳۷،

حداقل قطر پیشانی، ۶۵۳؛ قد

نشسته، ۶۲۴؛ قد، ۶۱۷؛ شاخص

گونه و پیشانی، ۶۵۷

ترکمن گروه‌های، عرض دو گونه، ۶۵۷،

شاخص سر، ۶۴۲؛ اندازه‌ها و

شاخص‌های صورت، ۶۶۵، ۶۶۸؛

شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳،

اندازه‌های سر، ۶۳۱، ۶۳۶،

حداقل قطر پیشانی، ۶۵۳؛ قد

نشسته، ۶۲۴؛ قد، ۶۱۷؛ شاخص

گونه و پیشانی، ۶۵۷

ترکمن‌ها، ۱۰۸، ۱۳۹، ۷۰۳؛ تاریخ و

رسوم، ۶۷-۶۷؛ در آسیای

صغیر، ۱۶۳؛ در استرآباد،

۱۹۹؛ در گیلان، ۱۷۴؛ در

ایران، ۹۰-۹۱، ۱۴۳، ۱۶۲،

۳۰۰؛ در خراسان، ۱۴۴،

۱۷۹، ۲۹۵؛ درمازندران، ۷۴،

۱۹۹، ۲۰۰-؛ درماوراءخزر،

۱۴۳؛ در ترکستان، ۱۶۳؛ نسبت

خصوصیات جسمانی با آرمینها،

۱۳۵؛ مجموعه‌های مقایسه شده

با مجموعه‌های گبرها، ۱۲۷؛

تنوعات فرعی در نوع خالص

ایرانی، ۱۴۰؛ قبایل و اهالی،

۱۴۳، ۷۴، ۱۴۶، ۱۷۳، ۲۵۹،

۲۹۶، ۲۹۸

اطلاعاتی در باره اندازه گیری

بدن انسان، عرض فکین، ۶۶۲،

عرض دو گونه، ۶۵۷؛ شاخص‌های

سر، ۱۲۹، ۶۴۲، ۶۴۷، ۶۴۹؛

اندازه‌های صورت، ۶۶۶، ۶۶۹؛

شاخص پیشانی و آهیانه، ۶۵۳؛

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۹۳

- شکل سز ، ۶۴۹ ؛ اندازه‌های  
سر ، ۷۴ ، ۶۳۱ ، ۶۳۷ ، ۶۴۰ ؛  
حداقل قطر پیشانی ، ۶۵۳ ؛ اندازه  
و شاخصهای بینی ، ۶۷۶ ، ۶۷۸ ،  
۶۸۱ ؛ قد نشسته ، ۶۲۴ ، ۶۱۷ ،  
۶۲۰ ؛ شاخص گونه و پیشانی ؛  
۶۵۷ ؛ شاخص گونه و فک ، ۶۶۲  
ترکی ، ۷۲  
ترهان ، ۲۱۵ ، ۲۱۹  
تریاک ، ۲۵۲  
تفلیس ، ۴۹۹ ؛ اطلاعاتی در باره اندازه  
گبری بدن انسان ، ۶۱۹ به بعد .  
ایرانی‌ها در ، ۱۸۸ ؛ یهودیهادر ،  
۴۱۸  
تکالو ، ۱۳۲ ؛ از بادیه نشینان افطار و  
افشار ، ۲۸۰  
تکریتی ، ۲۵۶  
تکه ، عرض فکین ، ۶۶۳ ؛ عرض دو گونه ،  
۶۵۹ ؛ شاخص سر ، ۶۴۷ ؛  
اندازه‌های سر ، ۶۳۴ ، ۶۳۹ ؛ قد ،  
۶۲۰ ؛ طول کل صورت ، ۶۷۰  
تل کافران ، ۲۲۳  
تله ، ۲۵۷  
تمیر خان چورا ، یهودیهادر ، ۴۱۸  
تمیل زبان ، به تناسب سر کوه‌ها های ایران ،  
۱۸۶  
تمیندانی‌ها ، اصل ، ۲۸۹  
تنباکو ( توتون ) ، ۲۰ ، ۲۷۱ ؛ استعمال  
دخانیات در بین ده نشینان کناره ،  
۴۵۷  
تنبا نلو ، ۲۶۲  
تنکابن ، ۲۰۱ ؛ برنج در باطلا قها ، ۱۹۴  
تنگستان ، جمعیت ، ۲۵۴  
تنگ نودیانی ، ۲۶۷  
توابه ، ۲۶۲  
توت جنگلی ، ۱۹  
توتکی ، ۲۶۶ ، ۲۶۹  
توخاریک ، زبان ، ۱۵۵  
توخی ، ۷۲  
توخی بلوچ ، ۲۸۸ ، ۲۹۲  
توسه ، درخت ، ۱۹  
تورانی ، نژاد ، ۱۲۹  
تورانی‌ها ، نقص مغز سر ، ۸۶ ؛ تماس با  
آریائی‌ها ، ۱۷۰ - ۱۷۱ ؛  
اندازه‌های سر ، ۶۵۰ ، ۵۴ ؛ در ایران  
۵۶ ، ۸۴ ؛ السنه ، ۸۶ ؛ قبایل ،  
۱۵۷ ؛ اقوام مغولی تورانی زبان ،  
۱۷۰  
تورنگ تپه ، جمجمه در ، ۳۳۴ ؛ اطلاعاتی در  
باره اندازه گیری جمجمه ، ۳۲۵ ،  
۳۲۶ ؛ شرح سطح‌ها ، ۳۲۵ ؛ آهن  
در ، ۳۲۵ ؛ مطالب مربوط به  
استخوان بندی ، ۳۰۵  
توروالی‌ها ، در نسبت با مردم ایران و عراق ،  
۱۸۷  
توساک ، ۲۶۶  
تولایی ، ۲۱۸  
تولابیکی ، ۲۶۹  
تولار ، ۷۲  
تولامکی ، ۲۶۶  
توللی ، ۲۶۴ ، ۲۶۹  
تولوزدانشگاه ، آزمایشگاه مردم شناسی ،  
جمجمه در ، ۳۲۳  
توماس ، وینفرد اسمیتن ( خانم هومر ) ، ۷ ،  
۴۰۶ ، ۵۳۲ ، ۵۳۶  
تیاری ، ۵۹  
تیرازمن ، ۲۶۶  
تیر تاج ، ۲۶۷  
تیر سگر ، ۲۸۰

## - مردم شناسی ایران -

نیغ زدن (خونگیری)، ۴۹۹	۱۸۱، خصوصیات جسمانی، ۱۷۸
تیکولی بالا، ۲۶۷	قد، ۷۸
تیکولی پائین، ۲۶۷	جانی خانی، عربها، ۲۵۵
تیلاکو، ۹۵	جاور قبيله، آسوری از، ۵۳۴-۵۳۶
تیمور، ۳۲، حرکت قبایل و طوایف بمدار	جاویدی (جوی)، ۲۶۵
قلبه، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۳۲، ۱۹۸	جاویدی دانگه، ۲۶۵
تیموریها، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۶۹، در قیاس با	جبار عربها، ۱۰۳، ۲۳۱، ۱۴۶، ۲۵۵
عربها، ۲۹۹، سیاه چهره، ۲۹۹	۲۷۳
در خراسان، ۱۰۸، ۱۴۴، ۲۹۶	جبر اچی، ۹۵
تعداد، ۲۹۹	جد، ۲۶۸
تیمونی (تیمانی)، ۱۱۰، در افغانستان، ۱۴۹	جده، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن
توامیر، از قبيله دریس یا عساکره، ۲۲۸	انسان، ۶۴۳
توامیر، از قبيله محی سین، ۲۳۵	جراحی رودخانه، قبایل کنار، ۱۰۰
تور، ۲۲۸	۲۲۴
جابری، ۲۵۵	جراله، ۲۲۶
جات، ۱۶۸، ۱۷۰، عرض فکین، ۶۶۳	جرف، ۱۰۰
مرض دو گونه، ۶۵۹، شاخص سر، ۶۴۸	جرمانی ها، ۴۰۳۹
اندازه های سر، ۶۳۴	جرگانی، ۲۶۴
۶۴۰، طغیان، ۱۴۶-۱۴۷	جره، ۲۵۶
جادر، ۲۳۴	جعفر بائی، ۲۹۸
جارچی، ۲۸۰	جعفر بیگلو، ۲۶۴
جاسک، ۲۹۰	جعفر بیگمی، ۱۰۴، نیز نگاه کنید به جیمه
جافه، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن	بیکلو
انسان، ۶۴۴	جعفری، ۲۳۰
جامه، ۲۲۷	جعینی، ۲۸۰
جامه بزرگی، از بهار لو، ۲۵۷، از قشقای، ۲۶۴	جعفور، ۲۹۹
جان باز لو، ۲۶۲	جلفا، ارمنه در، ۱۳۱
جان بیگی، ۳۰۰	جلال او، ۳۰۵
جان کولی عشاقی، ۲۸۰	جلالو، ۲۸۰
جانکی ها، ۷۷، ۵۱، سفید پوستی، ۷۸	جلالو ند، ۹۶
شاخص سر، ۷۸، اندازه های سر، ۷۸	جلایر، ۱۱۰
اندازه های بینی، ۷۸	جلو، ۵۹
	جلیسه جیو، ۵۰۸، نیز نگاه کنید به السیف
	جلیلو ند، از کردهای کرمانشاد، ۹۶

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۶۵

- جلیلوند، از ایلات قزوین، ۲۰۴  
 جمال بازاری، ۲۸۰  
 جمال بریز، بادیه نشینها در، ۲۸۰  
 جمال زائی، ۲۹۲  
 جمجمه، از اویتانالور، ۳۱۱؛ از الیشر،  
 ۳۱۱؛ از العبد، ۳۱۱؛ از آناو،  
 ۳۱۸؛ از بصره، ۳۱۳؛ از بیانا،  
 ۳۱۰؛ از بمبئی، ۳۳۴؛ از قفقاز،  
 ۱۲۸؛ از چنهو دارو، ۳۰۵  
 ۳۰۷-۳۳۵، ۲۳۶؛ از کمبه کایل  
 ۳۱۱؛ از همدان، ۳۱۳؛ از هراپا،  
 ۳۱۸؛ از حصارلک، ۳۱۰؛ از  
 هندوها در موزه های اروپا، ۶۴؛  
 از قبرستان قلعه گبری، ۱۲۶-  
 ۱۲۷؛ از کیش، ۳۱۰، ۳۱۱  
 ۳۱۸؛ از لرستان، ۳۱۶-۳۲۳؛  
 از مهنجودارو، ۳۱۱، ۳۱۸؛ از  
 نال، ۳۱۰، ۳۱۸؛ از اوبرکاسل،  
 ۳۱۱؛ از تخت جمشید، ۳۳۴؛ از  
 ری، ۳۳۰-۳۳۳؛ از سیالک،  
 ۳۲۴؛ از سیالکوت، ۳۱۰؛ از شاه  
 تپه، ۳۱۵-۳۱۶؛ از شوش، ۸۵-  
 ۸۶، ۳۲۴؛ از تپه بدهره، ۳۱۷؛  
 ۳۲۲-۳۲۳؛ از تپه حصار، ۳۰۶-  
 ۳۰۹؛ از تپه جمشیدی، ۳۱۶-  
 ۳۱۷؛ از تورنگ تپه، ۳۲۴-  
 ۳۳۰؛ از اور، ۳۱۰، ۳۱۸؛ در  
 موزه های امریکا، ۳۳۳-۳۳۴؛ در  
 مجموعه ها و موزه های اروپائی،  
 ۶۱-۶۴، ۱۲۶، ۱۲۷؛ در موزه  
 تاریخ طبیعی رینه، ۳۱۳-۳۱۴؛  
 آسوری، ۵۵، ۶۲؛ از بختیاری،  
 ۵۲؛ از مصریها، ۴۲-۴۳؛  
 از کبرها، ۶۳، ۱۲۶-  
 ۱۲۸؛ از ایرانیها، ۵۵؛ از  
 یهودیهای قرون وسطی، ۶۲؛ از  
 پارسیها، ۳۳۴؛ از پارتیها، ۸۵-  
 ۸۶؛ از ایرانیها، ۱۲۵-۱۲۶؛  
 از ایرانیها (هخامنشی)، ۴۲-  
 ۴۳، ۵۱؛ از سامیها، ۵۳، ۶۲  
 جمجمه مصنوعی، نگاه کنید به جمجمه  
 مصنوعی ناقص  
 جمجمه مصنوعی ناقص، ۱۳۶، ۸۶، ۷۷،  
 ۱۸۷-۱۸۸، ۳۴۵، ۵۳۳،  
 ۶۵۵  
 جمشیدیهها، ۹۰، ۱۱۰  
 جمشیر زائی، ۲۸۸  
 جمعه لو، ۲۰۳  
 جمعیت ایران، ۹۰-۹۱، ۱۶۱-۱۶۲،  
 ۱۶۷-۱۶۸؛ از بین انواع اصلی،  
 ۳۱۹-۳۲۰، ۶۰۸-۶۰۹،  
 ۷۰۳؛ اندازه ها و شاخصها، در  
 مقایسه با ملل همسایه، ۶۱۶ به بعد؛  
 وضع نژادی، ۶۹۸-۷۰۹، نیز  
 نگاه کنید به یهودیهای اصفهان،  
 روستائیان کناره، لرها، حسنقلی  
 خان، کارگران ری، روستائیان  
 یزدخواست  
 جمعیت در ایران، درباره آمارها، ۳۷-  
 ۳۸، ۴۴-۴۶  
 جناده، ۲۳۴  
 جنام، ۲۳۲  
 جنگلها، در ایران، ۱۹-۲۰، ۱۹۲، ۲۷۴،  
 جنگلیها، ۲۰۱  
 جو، کشت، ۲۰، ۲۱، ۱۹۲، ۲۰۴، ۲۱۰،  
 ۲۱۹، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹  
 ۲۳۶، ۲۵۲، ۲۶۹، ۲۷۱  
 جوار، ۲۱۲

## ۸۳۹ - مردم شناسی ایران

ایران، ۸۸-۹۲، ۹۴-۹۶، ۹۸-۱۰۰	جوا چشویلی (جوا شیشویلی)، ۶۱۷، ۴۱۶، ۶۴۵
۱۱۲، ۱۰۳ - ۱۱۳، ۱۱۴ - ۱۳۱، ۱۳۴	جوانمند، ۲۱۳
۱۶۱، ۱۴۷-۱۴۴، ۱۳۷، ۱۳۴	جوجه تیغی، ۲۴۲
۱۶۲، ۱۶۸-۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۹	جوجه وند، ۲۱۱
۲۰۰-۲۰۱ به بعد، چهار پایان	جوجین، ۲۵۹
متعلق به، ۲۵	جودا، تسخیر ویرا کندگی، یهودیها، ۴۱۸
چادرها، متعلق به لرها، ۲۰۹	جودگی، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۷
چارایمک، نکا، کنید به چهارایمک	جوده، ۲۲۹، ۲۳۵
چاری، ۲۱۲	جوزری، ۲۶۶
چاق، ۲۳۴	جوسون، ۲۶۵
چانگ چی ان، ۱۷۵	جولاجری، ۲۸۰-۲۸۱
چای، ۲۴	جویرین، (جوارین)، ۲۲۸، ۲۲۹
چایان، ۲۵۷	جویس، تی. ا.، ۶۷۰، ۶۸۴
چب السطاطه، ۲۳۲	جو یصف (دیالم)، ۲۲۸
چب انگبان، ۲۲۷-۲۳۱، ۲۳۵	جها ننگلو، ۲۰۱
چبر، ۲۸۴	جها نشاه لو، ۲۰۳
چپور کوسکی، ای، ۶۱۹	جها نگیر زائی، ۲۸۹
چرا به، ۲۸۰	جی، ۳۵۲، یهودیهادر، ۳۵۱، نیر نکا،
چراری، ۲۱۹	کنید به شهرستان
چراسی، ۲۳۰	جیرا نلو، ۲۶۲
چراکن - محمره، ۱۸۱	جیرفت، ۲۷۷، بادیه نشینها در، ۲۸۰
چرپا، ۲۹۸	جین، هوراس، ۳۰۶، ۳۲۴، ۳۳۰
چرکس، شاخص سر، ۶۴۶، در فارس، ۲۵۰	چاتوری (چتری) طبقه، ۶۱۲، شاخص سر،
چرم رنگ، ۲۱۱	گروهها، ۶۲۹، درازی سر و
چرموک (چوموک)، یهودیها در، ۴۰۶	اندازه، گروهها ۶۲۹ - ۶۳۰
چروم، ۲۳۱	حداقل قطری پشانی، گروهها،
چشم رنگ، ۳۴۴	۶۵۲، اندازه های بینی،
چطر، ۲۶۴	گروه بندیها، ۶۷۳
چغندر، کشت، ۲۳	چادر بافتن، ۲۶۰
چنغر، ترکمنها، ۲۹۸	چادر نشین قبایل، ۷۶، ۶۷، ۲۲۴، در
چکالوند تازی، ۲۱۱	بین ایرانیان باستان، ۳۹-۴۰
چگینی، از بالاقریه، ۲۱۱، از عربهای	در بین مادها، ۴۱-۴۲، عادات
جباره، ۲۵۵، از قشائسی،	ورسوم، ۱۳۴-۱۴۵، ۲۰۹، در
۲۶۴	

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۹۷

- چنگینی (لر)، ۲۰۴  
چلبی، ۲۱۱  
چمبا، ایالت، ۷۰۵  
چناران، جمعیت، ۲۹۵  
چنانه، ۲۳۳  
چنگی، ۲۶۷، ۲۶۳  
چنگیز خان، تأثیر زیادی در ایران از حمله  
۳۲، ۱۰۸، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۷۷،  
۲۹۹  
چنودارو، ۳۳۵؛ استخوان بندی ار،  
۳۰۵؛ مقایسه با نوع مدیترانه  
اولیه، ۳۰۷؛ صورت غیر متجانس،  
۳۳۵-۳۳۶؛ آثار سیاهپوستی،  
۳۳۶؛ مدیترانه اولیه، ۳۳۶  
چوب، ۵۹  
چوبانکره، ۹۶  
چوتاء، شکل سر، ۱۶۴؛ شاخص بینی، ۱۶۴  
نیز نگاه کنید به چوته لوك  
چوته لوك (چته لك)، عرض فکین، ۶۶۳،  
عرض دو گونه، ۶۵۹؛ شاخص سر  
۶۳۸؛ اندازه های سر، ۶۳۴،  
۶۴  
چودر، ۱۷۳  
چودی، شاخص سر، ۷۴  
چودیرها، عرض فکین، ۶۶۳؛ عرض دو  
گونه، ۶۵۹؛ شاخص سر، ۶۳۷،  
اندازه های صورت، ۶۷۰؛ اندازه-  
های سر، ۶۳۴، ۶۳۹؛ حداقل  
قطر پیشانی، ۶۵۴؛ قد، ۶۲۰  
چورام، ۲۶۶  
چوراهی، ۷۰۵  
چورن، موسی، ۳۵۱  
چوگی، ۲۶۸  
چولائی، ۳۰۰  
چهار آیمک، ۱۴۹، ۱۲۹، ۶۹؛ در خراسان  
۲۹۹، ۱۱۰، ۱۰۹  
چهاربانجه (چهارباغچه - چهارپنجه)  
۲۶۶، ۲۶۵، ۲۵۶  
چهارپنجه، ۱۰۴  
چهارده چریک، ۲۶۲، ۲۵۷  
چهارراهی، ۲۵۱، ۲۴۹  
چهارلنگ، ۲۴۳  
چیاتوری، محل مصر حجر، ۶۹۷  
چینی ها و ایرانیها، ۱۶۰؛ رابطه با  
ایرانیها، ۱۷۲؛ هیتهای اعزامی  
به مغرب، ۱۷۵  
حاتم خانی، ۲۱۲  
حاتم وند، ۲۱۲  
حاجی، ۲۱۲  
حاجی برانی، ۲۵۷  
حاجی جعفر بیك، ۲۵۹  
حاجی خافلو، ۲۵۷  
حاجی دوو، ۲۶۲  
حاجی محمدلو، ۲۶۲  
حاجی مسیح خان، ۱۰۳  
حاجی عطارلو، ۲۵۷  
هاجیلو، ۲۰۵  
حاجیهها، ۲۱۲  
حافظی، ۲۸۰  
حامی (هامی)، ۷۹، ۳۲۰  
حامی اقوام آفریقا، ۷۰۱، ۶۹۹-۷۰۲  
حامی انواع، از بین گروههای ایران  
۶۰۷، ۴۳۹  
حامی قبیله، در مغرب آسیا، ۱۲۹  
حبشی ها، در آسیا، ۷۹، ۱۴۲، ۱۵۲  
۱۸۵  
حبله رود، ۱۹۲  
حجاج، ۲۳۴



چراغی، شاخص سر، ۶۴۲  
حزبه، ۲۲۸، ۲۲۹

حز عبدالعالی، ۲۱۳

حسامی، ۲۶۸

حسن بیگلر، ۲۵۷

حسن زائی، ۲۸۸

حسن خانی، ۲۷۹

حسن قلی خان، نگاه کنید به ارها؛ حسن قلی  
خان قبیلہ

حسنلو، ۲۰۵

حسنوند، ۲۱۷، ۲۱۵، ۲۱۳

هادی، ۱۷۲

حسنی، ۲۶۷، ۲۵۶

حسین آباد، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان، ۵۲۵-۵۲۶، ۵۳۲

۵۳۳

حسین احمدی، ۲۵۹

بین خان، ۲۱۳

حسین خانلو، ۲۰۵

حسین، س. ۱۴۱۰

حسیوند، ۲۱۲

حصار لك، اطلاعاتی درباره اندازه گیری

مجموعه، ۳۱۰

حصیرها، از برگ خرما، ۴۲۴

حکمت، ع. ۱۱، ۳، ۱۰

حلف، ۲۳۷

حلوائی، ۲۸۰

حله، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن  
انسان از، ۶۱۷ به بعد

خیلان، نگاه کنید به حولان

حمام، ۲۱۲

حمایه ( حمید، حمائد )، ۱۰۰، ۲۲۶

۲۲۹

حمایه الطرفه، ۲۲۹

حمل و نقل و ارتباطات در ایران، ۳۲

۴۵، ۳۶

حمودی، ۲۳۶، ۱۰۰

حمیدالسلیم، ۲۳۶

حنا، استعمال، ۱۱۵، ۲۷۸، ۳۶۱، ۴۹۶

۵۲۵

حنائی، ۲۵۹، ۲۵۶

حنائی تپه، ۶۹۸، اطلاعاتی درباره اندازه

گیری بدن انسان از، ۳۱۰

حنفی، در ایران، ۳۵

حولولان، ۹۶

حویته، شاخص سر، ۶۴۲

حویزه، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲

۲۲۹، ۲۲۶

حیادیر، ۲۳۷، ۲۳۶

حیاش، ۲۲۸

حیدرآبادیهادر بلوچستان ایران، ۲۸۴

حیدرانلو، ۹۴

حیدرلو، ۲۵۷

حیدری، ۲۳۰

حیوانات اهلی، در گرمسیر بختیاری،

۲۴۲، در فارس، ۱۲۶۰، در

بلوچستان ایران، ۲۸۸، در

قزوین، ۲۰۴، در خراسان،

۲۹۹، در خوزستان، ۲۲۳، به بعد

در لارستان، ۲۶۹، در لرستان،

۲۱۷، ۲۱۰

حیوانات، در ایران، ۲۵-۲۴۱، ۲۸-

۶۹۵، ۲۴۲

حیوانات و جانوان، در ایران، ۲۵-۲۶

خارپوت، اطلاعاتی درباره اندازه گیری

بدن انسان، ۶۱۹، به بعد

خاردار، درختان، ۲۷۴

## فهرست اعلام و مطالب = ۸۶۹

- خارک جزیره، ۲۴۷-۲۴۸  
 خارک و جزیره، ۲۴۸  
 خارها، ۱۹۲  
 خاش، ۲۸۸، نگاه کنید به دشت  
 خاش شهرستان، ۳۰۳  
 خاش، نگاه کنید به دشت  
 خاص (خاص)، ۲۶۵  
 خالکوبی، در بین ده نشینان کنار، ۴۶۳؛  
 در بین لرهای پشت کوه، ۵۰۰  
 در بین کارگران ری، ۱۵۲۷؛ آسوری  
 قبیله جاور ۵۳۴، کردی از  
 کرمانشاه، ۵۳۲؛ اطلاعات ثبت  
 شده، ۳۴۵  
 خاوا، ۲۸۱  
 خان احمدی، ۲۵۵  
 خان علی خان، ۲۶۵  
 خانیگف، نیکلا . دو، ۴۴، ۵۲، ۵۳-۶۵،  
 ۷۴  
 خاویار ماهی، ۱۹۳  
 خبیس، ۲۷۵-۲۷۶، ۲۷۸؛ بادیه نشینها  
 در، ۲۷۹  
 ختک ها، ۷۰۴  
 خدلو، ۲۰۵  
 خدور، ۲۸۰  
 خراسان، ۲۹۴-۲۹۶؛ بورهادر، ۱۶۹؛  
 آب و هوا، ۲۹۵؛ امراض در،  
 ۲۹۵؛ اوضاع جغرافیائی، ۲۹۴  
 -۲۹۵؛ چارپایان اهلی، ۲۹۹؛  
 نیازمند به مطالعه اندازه گیری  
 بدن انسان، ۲۹۹؛ جمعیت ۲۹۶  
 خصایای اولیه در ساکنین،  
 ۵۸؛ درختان در، ۲۹۴؛ قبایل  
 وطوایف، ۴۸، ۴۹، ۷۴، ۷۶، ۱۰۸  
 - ۱۰۹، ۱۳۳، ۱۴۳، ۱۴۴  
 ۱۴۷، ۱۶۸-۱۷۰، ۱۷۷، ۲۹۵،  
 ۳۰۱  
 خراسانی، ۲۸۰  
 خرامیزه، ۲۲۹  
 خربزه، ۲۴، ۱۹۲  
 خرس خاکستری ایران، ۲۴۱، ۲۷  
 خرگه و احه، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان، ۶۱۳، ۶۲۵-۶۲۶  
 به مد.  
 خرم آباد، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان، ۶۶؛ قبایل نزدیک، ۱۳۳  
 خرم آباد، شهرستان، ۳۰۲  
 خره شهر، ۳۰۲  
 خزر اراضی، گاو میش آبی ۱۹۳  
 خزر ایالات، آب و هوا، ۱۹۵  
 خزر دریا، ۱۹۲؛ ماهی در ۱۹۳  
 خزر (دیکسون) نوع، اطلاعاتی در باره  
 اندازه گیری بدن انسان، ۳۱۱؛  
 بحثی در باره اصطلاح، ۳۱۲  
 خزر ساحل، ۱۵، ۱۹۲؛ مهاجرت در  
 امتداد، ۶۹۰، ۶۹۱  
 خزر (کاسپین) = در ادوار باستان ساکنین  
 فلات ایران، ۱۸۳، ۱۸۹  
 خزرها، ۴۱۸  
 خزعل، شاخص سر، ۶۴۳  
 خسروئی، ۲۵۶  
 خسرو لو، ۲۵۷  
 خصرج، ۲۳۳، ۲۳۴  
 خفاجائی، بادیه نشینها، ۲۷۹  
 خفرکی، ۲۶۶  
 خفروند، ۲۶۶  
 خلیج، ۱۱۴، ۱۳۱-۱۳۳؛ نیز نگاه  
 کننده مزلقانی  
 خلیج، از قشقایها، ۲۶۰، ۲۶۴

## مردم شناسی ایران

۲۱۹ - ۲۲۰ ، زمین شناسی ،  
 ۲۱۹ - ۲۲۰ ، غلات در ،  
 به بعد ، تاریخ ، ۱۵۰ - ۱۵۱ ،  
 حیوانات اهلی در ، ۲۶ ، ۲۲۳ ،  
 ۲۲۳ به بعد ، اقدامات بهداشتی  
 ۲۲۱ ، جمعیت ، ۲۲۴ ، مذهب  
 در ، ۲۲۵ ، قبایل و طوایف ، ۹۹  
 - ۲۳۸ ، ۲۲۵ - ۲۳۸  
 خوزی ها ، ۱۴۲ ، شرح ، ۴۳ - ۴۴  
 خوی شهرستان ، ۳۰۲  
 خیار ، ۲۳ ، ۱۹۲  
 خیرا ، ۲۶۵  
 خیراتلو ، ۲۶۲  
 خیر غلام ، ۲۱۲  
 خیمر فارسیوان ، ۲۹۲  
 دادا قائی ، ۱۰۴  
 دادخدا زائی ، ۲۸۹  
 دادخهی ، ۲۶۴  
 داراب خانی ، ۱۰۴  
 داردانلی ها ، اطلاعاتی در باره اندازه  
 گیری بدن انسان ، ۶۱۸ به بعد  
 داریوش اول ، ۳۰  
 داغ ، علامت ، ۳۳۵ ، ۴۹۹  
 داغستان ، اطلاعاتی در باره گیری بدن  
 انسان ، ۱۲۹ ، ۶۴۶ ، ایرانیها  
 در ، ۱۸۸ ، یهودیه در ، ۴۱۸  
 داکورث ، ۳۴۰  
 دالوند (دلوند) ، ۲۱۸ ، ۲۱۲  
 دامغان ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری  
 بدن انسان ، ۵۲۷ ، ۵۲۹ - ۵۳۳  
 استخوان بندی در تپه حصار  
 نزدیک ، ۳۰۶ ، دمیرچماقلو  
 ۲۶۴  
 دامغان ، جمعیت ، ۳۰۱

خلفی ، ۲۶۵  
 خلیجی ، نگاه کنید به خلیج  
 خلیجی (قلیجی) ، ۷۲ ، ۱۳۲ - ۱۳۳ ،  
 نیز نگاه کنید به خلیجی  
 خلیفه هارون ، ۲۶۵  
 خلیلوند ، ۲۶۶  
 خماسی ، ۵۳۲  
 خمسه ، از حسنوند ، ۲۱۵ ، ۲۱۳  
 خمسه ، امراض در ، ۱۹۵ - ۱۹۶ ، کوسفندان  
 دنبه دار در ، ۱۹۳ ، قبایل در ،  
 ۲۰۳ ، ۱۱۳  
 خمسه (پنج قبیله) ، ۱۰۳ - ۱۴۶ ، ۱۰۴  
 ۲۵۳ ، ۲۵۴ - ۲۵۹  
 خمسه طوالش ، ۲۰۱ ، نیز نگاه کنید به  
 طالش  
 خنسه عربها ، ۱۴۶ ، ۲۵۱ ، ۲۵۵ - ۲۵۶  
 خنافره ، ۱۰۰ ، ۲۲۳ ، ۲۲۷ - ۲۲۸  
 خواجوئی ، ۲۸۰  
 خواهجه داعی ، ۲۸۰  
 خواهجه وند ، (خجاوند) ، ۱۳۱ ، ۱۳۳  
 خواهجه وند (کردها) ، ۱۹۹ ، ۲۰۰ ، نیز  
 نگاه کنید به خجاوند  
 خواشی ها ، ۲۸۹ - ۲۹۰  
 خوانسار ، یهودیه در ، ۳۴۹  
 خوانین ، ۱۰۴  
 خوجه ، در بلوچستان ایران ، ۲۸۴  
 خوجه (کچکوهی) ، ۲۸۰  
 خودبدانی ، ۲۹۳  
 خورها ، ۴۱۶  
 خوز ، نگاه کنید به خوزی ها  
 خوزستان ، ۱۴ ، ۴۳ - ۴۴ ، ۱۴۲ ، ۲۱۹ -  
 ۲۲۵ ، عناصر مهاجر در ، ۱۷۷ ،  
 آب و هوا ، ۲۲۰ - ۲۲۱ ، لهجه ها  
 در ، ۲۲۵ ، گیاهان در ،

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۷۱

- دانه‌ها (دهانه‌ها) ، قبیله‌ای از ایرانیان  
باستان، ۳۹، ۴۰
- دانه‌های غذایی ( غلات ) ، ۲۰-۲۳ ،  
۲۰۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۵-  
۲۳۷، ۲۵۴، ۲۶۰، ۲۷۱، ۲۷۷  
۲۸۸
- دانیلو، ن. پ. ۱۱۲-۱۲۸، ۵۰۸، ۶۱۷  
به بعد
- داهی، ۱۱۰
- دباط، ۲۳۲
- دبه‌واز، ۳۱
- دراویدی نژاد، ۱۴۲، ۱۷۰
- دراویدی‌ها، ۶۹۹؛ در عربستان، ۷۰۲،  
در بلوچستان، ۱۷۴؛ در کرمان  
۲۸۱؛ در آثار تاریخی شوش،  
۱۲۹؛ نسبت با سرگروه‌های ایران  
۱۸۶
- دراویدی‌ها اصل، از براهوئی؛ ۱۴۲
- درانی، ۱۴۹
- درم‌چینی، ۲۸۰
- دروپیک‌ها، ۳۹، ۴۱
- دروخانم، ۲۲۵
- دروزها، ۱۷۲، ۶۵۰؛ شاخص سر، ۶۴۴  
شکل سر، ۲۲۹؛ اندازه‌های  
سر، ۶۳۲، ۶۳۵، ۶۳۷، ۶۴۰
- درویش، از بنی‌لام، ۲۳۴؛ از چکینی،  
۲۱۲
- درویشی، ۲۷۰
- دره مرادی، ۲۸۰
- دریاچه بختگان، نگاه کنید به دریاچه  
نیریز
- دریاچه تشک ( دریاچه شور )، ۲۴۷
- دریاچه مهارلو ( دریاچه شور )، ۲۴۷  
علائم خشکی اطراف، ۶۹۲؛ بازار
- عصر حجر، ۶۹۵-۶۹۶
- دریاچه نیریز ( دریاچه شور )، ۲۴۷
- دریس، از چپ، ۲۲۷، ۲۲۸؛ از محیسن  
۲۳۵
- دریس، ( عساکره )، ۲۲۷، ۲۲۸
- درازائی، ۲۸۸
- درازی، ۲۵۶
- دراگاهی، ۲۷۹
- درانگیانا، ۷۱
- درادشه، ۲۲۸
- دروسیانه‌ها، ۳۹
- دره شور، ۲۵۷
- دره شولی (دره شوری )، ۱۰۳، ۱۴۶  
۱۶۴، ۲۶۴؛ تیره‌های فرعی،  
۲۶۲
- دز، ۵۹
- دزجونی، ۲۶۲
- دزداب (زاهدان فعلی) ۲۸۸
- دزفول، ۲۲۱-۲۲۲؛ اطلاعاتی در باره  
اندازه‌گیری انسان، ۸۰-۸۴،  
۶۱۷، ۶۴۲، ۶۸۱؛ مرید، ۱۰۰
- دزفولی‌ها، شاخص سر، ۶۴۲؛ شاخص  
بینی، ۶۸۱
- دزنگی، ۲۹۹
- دشت، ۱۰۷؛ نیز نگاه کنید به دشت
- دشت ارژن، دریاچه، ۲۴۷
- دشت گویر، صحرا، ۲۹۵، ۲۰۱؛ موانع  
جغرافیائی و مهاجرت، ۶۹۰،  
۶۹۲-۶۹۳
- دشت لوت، ( صحرا )، ۲۷۴، ۲۹۵،  
موانع جغرافیائی و مهاجرت، ۶۹۰،  
۶۹۲-۶۹۳

## ۸۷۳ = مرتب شده شناسی ایران

دشت مرادی ، ۲۶۶	اندازه گیری بدن انسان ۵۲۵
دشتی ، ۲۶۶	۵۳۳ ، ۵۳۲ ،
هشتیاری ، قومی از نژاد هندو ، ۱۰۶	دولت شاه ، ۲۱۳ ، ۲۱۵
هشمن زیاری ، ۲۴۴ ، ۲۵۳ ، ۲۶۷ ، ۲۶۵	دولت وند ، ۲۰۵
دغزلو ، ۲۶۳	دومر ، ۲۸۰
دقاقله ( دغاغله ) ، ۲۲۶ ، ۲۲۹	دونجی ، ۲۹۸
دلفن ( دلمان ) ، ۲۰۱ ، ۲۰۸ ، ۲۰۹	دوندلو ، ۲۶۲
۲۱۱ ، ۲۱۲ به بعد . نیز	دوهوسه ، ۵۱ ، ۵۳ ، ۶۵ ، ۷۳ ، ۷۴
نگاه کنید به بالاوند	، ۶۱۶ ، ۷۶ ، ۷۷ ، ۳۱۹ ، ۶۱۶
دلفیه ، ۲۲۶	۶۴۲ ، ۶۱۷
دلیران ، ۲۱۱	دویران ، ۲۰۳
دمانی ، ۲۸۰ ، ۲۸۸	دویس خوری ، محل های - صر حجر
دماوند کوه ، ۱۵ ، ۱۹۱	۶۹۷
دمرگنی ، ۲۵۳	ده بزرگی ، ۲۶۸
دمشق ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری	ده بیدی ، ۲۶۷
بدن انسان ، ۶۴۴	ده خانی ، ۲۸۰
دنیکره ، ۱۶۷ - ۱۶۸ ، ۶۱۷ ، به بعد	ده طوطی ، ۲۶۶
دواریشه ، ۳۲۸	دهقانها ، ۱۷۴ ؛ نگاه کنید به دهواری
دوالیم ، ۲۳۵	ده کما ، ۲۸۰
دوبد ، ا . سی ، ۴۲۶	ده سابی ، ۲۶۷
دوبروجا ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری	دهلی مسلمان ، ۶۴
بدن انسان ، ۶۴۷	ده نانی ، ۲۶۶
دوبو ، ۳۷۴	دهواری ، ۱۶۴ ؛ عرض فکین . ۶۶۳
دوبوا آرئصر ، ۷ ، ۲۱۶	عرض دو گونه ، ۶۵۹ ؛ شاخص
دوچی ، ۲۹۸	سر ، ۶۴۸ ؛ طول کل صورت ،
دوراند ، ۲۱۶	۶۷۰ ؛ اندازه های سر ، ۶۳۴ ،
دورزاده ها ، ۱۷۴ ، ۲۸۵ نقشه .	۶۴۰ ؛ در بلوچستان ، ۱۷۴ ،
دوره سردها ، ۲۶۸	۲۸۹ - ۲۹۰ ؛ قد ۶۲۱
دوغمالو ، ۲۶۲	دیاربکر ، یهودیها از ، ۴۰۶
دوگر ، ۲۰۵	دیالم ، ۲۲۸
دوگری ، ۷۰۵	دیلم ، ۲۲۶ ، ۲۳۲
دوگلاس ، دکتر ، ۶	دیرکوند ، ۲۱۰ ، ۲۱۱ ، ۲۱۲ ، به بعد
دولت آباد ، ۲۹۱ ؛ اطلاعاتی در باره	دیزک ، ناحیه ۲۸۱ ، ۲۸۶ - ۲۸۷
	دیگوئی ، ۲۸۰

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۷۳

- دیمز ، لانگورت ، ۱۴۸ ، ۱۴۹  
دیناروند ، ۲۰۸  
دینارونی ، ۵۱ ، ۷۷ ، ۲۴۳  
دیندارلو ، ۲۵۶  
دیولافوا ، ۱۴۱ ، ۱۵۰ ، ۱۸۵  
ذائقعه ، ۲۰۳  
ذرايت ، ۲۳۴  
ذرت (بلال) ، ۲۱  
ذغال ، ۲۱۷  
ذغال چوب ، ۲۷۴  
ذغالی ، ۲۵۹  
ذمیل (ذومد) ، ۲۳۴  
ذوالقدر ، ۱۳۲  
ذومد (ذمیل) ، ۲۳۴  
ذهابی ، ۲۱۳  
رئیس ، ۲۷۳ ، ۲۷۹  
رئیس بیگلر ، ۲۵۷  
رائین ، بادیه نشینان در ، ۲۸۰  
رابینو ، ۲۰۹ ، ۲۱۰  
راجپوتانا ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۶۲۲ به بعد .  
راجپوت ها ، شاخص بینی ، و رابطه آن  
با آب وهوا ، ۶۸۸ ، شاخص و  
اندازه های بینی ، ۶۷۵  
رادوزائی ، ۲۸۸  
راده ، ژرژ ، ۱۲۹  
رحیمی ، ۱۰۴ ، ۲۶۳  
رازانی ، ۲۱۵  
راس ، دنیس ، ۹ ، ۲۸ - ۳۰  
راسا = راجس ، ۳۵۰  
راور ، بادیه نشینان در ، ۲۷۹  
رالینسون ، جرج ، ۳۷ ، ۶۸ ، ۱۵۳  
رالینسون ، هنری ، ۴۵ ، ۹۵ ، ۹۸ ،  
۱۰۵ ، ۲۱۱  
رامهرمز ، ۲۲۲ ، عربها در ، ۱۰۰ ،  
۲۲۴  
رایز ، اروین ، ۷  
رایس ، تالبوت ، ۳۱۸ ، ۳۱۹ ، ۶۱۷  
به بعد  
ریبچه ، ۲۲۸  
رتزیوس ، ۵۱  
رجیبه ، ۲۳۱  
رحمن شاه ، ۲۱۳  
رحیم خانی (سکوند) ، ۲۱۵ ، ۲۳۵  
رستم ، ۲۶۵  
رسول خانی ، ۲۵۷  
رشت ، اطلاعاتی در بساطه اندازه گیری  
بدن انسان ، ۶۶ ، جمعیت ،  
۱۷۶ ، ریش باراز در ، ۱۹۴  
رشت شهرستان ، ۳۰۲  
رشوند ، ۲۰۴  
رشیدالدین ، ۱۳۲ ، ۱۳۳  
رضائیه شهرستان ، ۳۰۲  
رضاخان (رضا شاه پهلوی) ، ۴ ، ۱۰ ،  
۱۳ ، ۳۲ ، نظارت حکومت  
مرکزی ، ۳۲ ، ۳۶ ، ۱۹۱ ،  
۲۱۹ ، ۳۰۱  
رضاوند ، ۲۱۲  
رضایح السفیج ، ۲۳۲  
رضایح السلطان ، ۲۳۲  
رفسنجان ، ۲۷۵ ، چادر نشینان ، ۲۷۹ ،  
۲۸۱  
رماوند ، ۲۱۵  
رنگ ، نگاه کنید به رنگ مو  
رنگ پوست ، ۱۸۴ ، ایرانیان مشاهده  
شده بوسیله دانیلو ، ۱۱۶ ، نین

## ۸۷۴ - مردم شناسی ایران

- نکاه کنید به رنگ پوست در زیر  
نامهای قبایل  
رنیف، الیزابت، ۵  
رواشید، ۲۳۳  
رواله بادیه نشینان، عرض فکین،  
۶۶۲، ۶۶۳، عرض دو گونه،  
۶۵۷، ۶۶۰، شاخص سر،  
۶۴۴، اندازه‌ها و شاخصهای  
گوش، ۶۸۹، اندازه‌ها و  
شاخصهای صورت، ۶۶۶، ۶۶۹،  
۶۷۰، ۶۷۲، شاخص پیشانی  
و آهیانه، ۶۵۳، شکل سر، ۶۴۹،  
اندازه‌های سر، ۶۳۲، ۶۳۷،  
۶۴۰، حداقل قطر پیشانی  
۶۵۳، ۶۵۴، اندازه‌ها و  
شاخصهای بینی، ۶۷۶، ۶۷۷،  
۶۷۸، ۶۸۲، ۶۸۴، نیمرخ  
بینی، ۶۸۷، قد نشسته، ۶۲۴،  
قد، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۲،  
شاخص گونه و پیشانی، ۶۵۷،  
۶۶۰، شاخص گونه و فک،  
۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴  
رواندیز، ۶۹۱، محل عصر حجر  
نزدیک، ۶۹۷  
روباه، ۲۶، ۲۴۲  
روحانائی، ۲۸۱  
روح روک، ۲۱۸، ۲۱۹  
رودبار، ۲۷۸، بادیه نشینان در، ۲۸۰  
رودباری‌ها، ۲۷۸  
رودبالی، ۲۶۷  
رودخانه فریدونی، ۲۸۰  
رودخانه‌های ایران، ۱۵، ۱۹۲،  
۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۹، ۲۴۶،  
۲۴۷، ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۸۳-
- ۲۸۵، ۲۹۰، ۲۹۴  
رودز، ۳۵۰  
روشن زائی، ۲۸۹  
روغن کرچک، ۱۹۳  
رومیانی، از قبیلۀ بالاقریه، ۲۱۸، ۲۱۹  
رومیانی، از قبیلۀ ترهان، ۲۱۵  
رهبر (رمبر) فاحیه، بادیه نشینان در،  
۲۸۰  
رهمرزائی، ۲۸۹  
ری، ۳۵۰، اطلاعاتی دربارهٔ جمجمه-  
های اخیر، ۳۳۴، جمجمه‌های  
ری، ۳۳۰، ۳۳۳، بیماریها  
در، ۳۳۲، ۳۳۳، استخوان  
Wormian، ۳۳۲، ۳۳۳،  
برج سلجوقی، ۳۳۰، مطالب  
مربوط به استخوان بندی، ۳۰۵،  
۳۳۰ - ۳۳۴  
ری کارگران، ۵۲۷، به بعد، اطلاعات  
اولیه، اندازه‌ها، شاخص‌ها و  
خصوصیات شکل شناسی، ۵۳۱-  
۵۳۴  
رید، برنارد، ۱۷۵  
ریزش باران، در ایران، ۱۷  
ریپلی، ویلیام، ۱۳۵ - ۱۴۱، ۴۰۷  
ریسکین، جی.، ۶۱۹، ۶۴۶  
ریسلی، ۶۱۳  
ریگی‌ها، ۱۷۴، ۲۸۸، ۲۸۹  
ریمسکی کورساکف، و. ن.، ۶، ۱۱۲  
زابل شهرستان، ۳۰۳  
زاگورسکی، ۱۸۸  
زال، ۵۷، ۱۱۵  
زبان گنجشک، درختان، ۱۹  
زبانهای مختلف، در ایران، ۱۷۹

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۷۵

- زبیدی ، ۲۳۲  
 زردآلو ، ۲۴  
 زردآدخانی‌ها ، ۳۰۰  
 زرتشت ، ۱۵۷ ، ۲۹  
 زرتشتی ، مذهب ، ۲۹ ، ۳۵ ، ۷۳ ،  
 ۱۷۸-۱۷۹ ، در بین عربها ،  
 ۱۶۰ ، در سیستان ، ۱۰۴  
 زردشتی ، از قبایل اقطار و افشار ، ۲۸۰  
 زردشتیها (پارسیها) ، ۱۶۸ ، ۱۷۹ ،  
 در ایران ، ۸۹ ، در طهران ،  
 ۱۳۱ ، اولاد ایرانیان باستان ،  
 ۱۴۳ ، آمار ، ۱۴۴ ، در یزد ،  
 ۱۰۷ ، ۱۷۵ ، ۲۹۳ ، ۲۹۴ ،  
 نماینده مادیها ، ۱۴۳  
 زرفشان ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان ، ۱۲۸  
 زرگزائی بلوچی ، ۲۹۲  
 زرگر ، ۲۵۷  
 زرنده بادیه نشینان ، ۲۷۹  
 زعفرانلو کردهای ، ۱۰۹ ، ۲۹۵ ،  
 ۲۹۸ ، ۲۹۹  
 زغل ، ۲۰۵  
 زلاغی ، ۲۷۹  
 زلاله ، ۲۸۰  
 زلزله ، ۲۷۲  
 زلفلو ، ۲۰۶  
 زلوتارف ، د. ا. ، ۸۹ - ۹۰  
 زمین شناسی ایران ، ۱۳ - ۱۴ ، ۲۰۷ ،  
 ۲۰۸ ، ۲۳۹ ، ۲۴۱  
 زنان ، وضع ، ۴۵  
 زنبور عسل ، ۱۹۳  
 زنجان شهرستان ، ۳۰۲  
 زنجبیل ، ۲۴  
 زنجنه ، نگاه کنید به زنکته  
 زندها ، ۵۰ ، ۱۳۱ ، ۱۳۳  
 زرکاری ، ۲۹۲  
 زرا ، ۹۴  
 زغیب ، ۲۳۲  
 زنگاری ، ۱۴۳  
 زنگن ، ۱۰۴  
 زنگنه ، در کرمانشاه ، ۹۶ ، در فارس ،  
 ۲۵۷ ، ۲۶۴ ، در خراسان ، ۳۰۰  
 زوپانیك ، نیکو ، ۶۲۴ به بعد .  
 زومیر ، ه. ، ۶۱۸  
 زویدت ، ۲۳۵  
 زهدان (دزدان سابق) ، ۲۸۸  
 زهدیت ، ۲۳۸  
 زهره ، نگاه کنید به هندیان رودخانه  
 زیارلو ، ۲۰۵  
 زیتون ، ۱۹۳  
 زیر زردی ، ۲۶۵  
 زیرونی ، ۲۱۵  
 زیکیروتو ، ۴۱  
 زیمرمن ، ۱۸۷  
 زیناوند (زینوند) ، ۲۱۲ ، ۲۱۶  
 زین الدین ، ۲۶۵  
 زین علی ، ۲۱۱  
 زین وند ، ۲۰۰  
 ژاواهو ، ۶۱۹ به بعد .  
 سادات باب ، ۲۴۴  
 سارته‌ها ، ۱۶۳ ، ۱۶۸ ، قد ، ۶۲۰  
 سارک ، ۱۷۳  
 سارگون ، از آشوریها ، ۱۸۲  
 ساروئی ، ۲۶۴ ، ۲۶۵  
 سارونی ، ۲۹۲  
 ساری شهرستان ، ۲۰۱ ، ۳۰۲



## ۸۷۶- مردم شناسی ایران

- ساسامن ، ویلیام ، ۳۳۵  
 ساسانی استخوان بندی ، ۳۰۶ ، ۳۲۴  
 ساسانی ، دکتر ، ۸  
 ساسانی ها ، ایران در دوره سلطنت ، ۲۸ ، ۱۰۴  
 ساسپریها ، ۳۹  
 ساساریت ها ، ۳۹ - ۴۱  
 سالار ، ۲۱۳  
 سالارخانی ، ۳۰۰  
 سالاری ، ۲۶۵  
 سالور ، ۱۷۳  
 سامانی ها ، ۱۸۲  
 سامری ، ۹۵ ، ۱۶۲ ، عرض دو گونه ، ۶۵۷ ، ۶۶۰ ، شاخص سر ، ۶۴۴ ، اندازه ها و شاخص صورت ، ۶۶۹ ، شاخص پیشانی و آهیانه ، ۶۵۳ ، اندازه های سر ، ۶۳۱ ، ۶۳۵ ، ۶۳۷ ، ۶۴۰ ، حداق ، قطر پیشانی ، ۶۵۳ ، ۶۵۵ ، اندازه های بینی ، ۶۷۶ ، ۶۷۷ ، ۶۷۸ ، قد ، ۶۱۸ ، ۶۲۱ ، شاخص گونه و پیشانی ، ۶۵۷ ، شاخص گونه و فك ، ۶۶۲  
 سامی نژاد ، در مغرب شبراز و اصفهان ، ۵۸ ، در مغرب آسیا ، ۱۳۰  
 سامی ، نوع فرعی ایرانی خالص ، ۱۴۰  
 سامی ها ، اندازه های سر ، ۵۴ ، ۵۵ ، ۶۲ ، ۶۵ ، در عیلام ، ۱۵۰ ، ۱۵۱ ، در ایران ، ۵۵ ، ۷۳ ، ۱۸۴ ، محل تأثیر نژاد ، ۱۳۰ ، خصوصیات جسمانی ، ۱۶۶ ، قد ، ۴۰۷  
 ساوجبلاغ ، اطلاعاتی درباره اندازه - گیری بدن انسان ، ۶۶ ، پایتخت
- کردهای آذربایجان ، ۹۴ :  
 نسطوریان ، ۹۷  
 ساوه شهرستان ، ۲۰۲  
 ساوه ، یهودیها در ، ۳۴۹ ، قبایل ترك ، ۱۳۱ ، ۱۳۳ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸  
 سایکس ، یرسی ، ۱۹ ، ۱۴۱ - ۱۴۲ ، ۱۴۴ ، ۱۴۹ ، ۲۷۸ ، ۲۸۳ ، ۴۵۷  
 سبائیانی ها ، ۲۲۵  
 سبز علی ، ۲۱۱  
 سبزوار بوداغ ، ۲۱۲  
 سبزوار شهرستان ، ۳۰۳  
 سپارویم یهودیهای ، نگاه کنید زیر - یهودیه  
 ستلو ، ۲۰۵  
 سده ، ۲۲۹  
 سر شاخصهای ، اهمیت طبقه بندی نژاد ، ۱۳۱ ، نیز نگاه کنید به زیر  
 نامهای قبایل و طوایف  
 سرانگیان ، ۱۰۴  
 سراوان ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان ، ۶۲۱ به بعد ، نیز نگاه کنید به براهوئی سراوان  
 سرباز ، ۲۸۶  
 سرباغی ، ۲۸۱  
 سربخلاکی ، ۲۶۸  
 سربزائنی ، ۲۸۰  
 سربندی ، ۱۰۵ ، ۲۹۲  
 سرجی ، جی ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۳۱۸  
 سرجوتی ، ۲۶۶  
 سرحد ، ۱۰۷ ، ۲۸۱ ، ۲۸۷ - ۲۸۸  
 آب و هوا ، ۲۸۱ ، ۲۸۲  
 نفوس سیاهپوست در ، ۱۵۰  
 موقعیت ، ۲۸۱ ، جمعیت ، ۲۸۸

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۷۷

- شرح‌های ، ۲۷۹، ۲۸۰  
 سرخس ، جمعیت، ۲۹۵  
 سرخس ، درخت، ۱۹۲  
 سرخه ، ۲۳۳  
 سرخی ، ۲۶۹  
 سرخی عرب‌خان ، ۲۸۰  
 سرداری ناصرقلی ، ۳  
 سردارزها ، درآسیا، ۵۱، ۶۵۰، درپنج  
 گروه ایرانی، نیمرخ‌بینی، ۵۷۵  
 درفلات ایران ، ۶۰۸-۶۰۹ ،  
 ۷۰۳  
 سردگی ، ۲۶۷  
 سردویه ، بادیه‌نشینان ، ۲۸۰  
 سرزنده ، ۲۸۰  
 سرکوهکی ، ۲۶۶  
 سرگردی ، ۲۸۰  
 سرگردها (سرکوتاهها) درایران، ۱۸۶،  
 ۷۰۳، ۶۰۹ ، درجنوب غربی  
 آسیا ، ۶۵۰  
 سرو ، درخت، ۲۰۸، ۲۷۴  
 سروگری ، ۲۵۹  
 سعید ، ۲۲۹  
 سعیدآباد ، ۲۷۷، ۲۷۹  
 سعیدو ، ۲۷۹  
 سفد = سفدیانا ، ۱۵۵  
 سفدیانا ، مهاجرت آریانه‌ها به، ۱۵۴ -  
 ۱۵۵ ، ۱۳۰  
 سفال‌سازی درفلات ایران : ظروف سیاه  
 و خاکستری درشاه‌تپه، ۳۱۶ ؛  
 مرکزپخش، ۳۱۶ ؛ سفال رنگی  
 درتپه بسده-ره، ۳۱۷ ؛ درتپه  
 جمشیدی ، ۳۱۶  
 سفیدخانی ، ۲۵۷  
 سفید ماهی ، ۱۹۳  
 سقر، اطلاعاتی درباره اندازه‌گیری بدن  
 انسان روی یهودیه‌ها، ۳۷۵ ،  
 ۳۸۷ ، ۳۸۸  
 سقور ، ۲۳۴  
 سکا ، درسیستان، ۷۱، مهاجرت، ۱۸۰ ،  
 ۱۸۱  
 سکنز ، ۲۵۷  
 سکنزلو ، ۲۵۷  
 سکستان ، نگاه کنید به سیستان  
 سگ ، ۴۲۴  
 سگ ماهی ، ۱۹۳  
 سگونند، ۲۰۸ به بعد، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۶  
 سگونند لرها ، ۲۱۵، ۲۳۵  
 سلامت ، ۲۳۶  
 سلتزر ، کارل، ۵۱۴، ۶۱۸ به بعد .  
 سلدوز ، ۲۰۶  
 سلندری ، ۲۸۰  
 سلسله ، ۲۰۸ به بعد ، ۲۱۵، ۲۱۷  
 سلطان آباد، اطلاعاتی درباره اندازه‌گیری  
 بدن انسان برکردها ، ۶۶  
 سلطان آباد (اراک‌کنونی) شهرستان، ۳۰۳  
 سلطان آباد ، سری‌ها (کارگران ری) ،  
 اطلاعاتی درباره اندازه‌گیری  
 بدن انسان ، ۵۲۷-۵۳۴  
 سلطان قلیخانی ، ۲۰۱  
 سلطانیه، ۱۹۸ ؛ اندازه‌گیری شده بوسیله  
 دوهوسه ، ۵۱-۵۲ ، ۷۷  
 سلوکیدهها ، سلطنت برایران ، ۳۲  
 سلیمان ، ازبهارلو ، ۲۵۷  
 سلیمان ، ازقبایل عرب ، ۱۰۰، ۲۳۷  
 سلیمانیه ، ۵۳۵، ۶۹۱ ؛ محل عصر حجر  
 نزدیک ، ۶۹۷  
 سمرقند ، ۱۸۰ ؛ اطلاعاتی درباره  
 اندازه‌گیری بدن انسان ، ۱۲۹

## ۸۷۸ - مردم شناسی ایران

- سمنان ، جمعیت ، ۳۰۱  
 سمنان شهرستان ، ۳۰۲  
 سمنان و دامغان ، جمعیت ، ۳۰۱  
 سمیت ، همپلتون ، ۸۰  
 سن ، تخمین ، ۳۴۳ ، اندازه‌های گوش  
 به نسبت با ، ۶۸۸  
 سنترالی ، ۱۶۴  
 سنجایی ، ۹۶ ، ۲۱۹  
 سنجرانی بلوچی ، اصل ، ۲۹۲  
 سنجرانی‌ها ، ۲۸۸  
 سنجر بلوچ ، ۲۸۰  
 سند دره ، بقایای اسکلت انسانی ، ۳۱۸-  
 ۳۱۹ ، ۳۳۵-۳۳۶ ، ارتباط  
 با ایران ، و بین‌النهرین ، ۳۳۵ ،  
 ۶۹۸ ، نوع سومری در ، ۱۸۵  
 سندر ، یهودیهای ، ۳۷۴  
 سنقر ، ۹۶  
 سنگچولی ، ۲۷۹  
 سنگ قرمز ، ۲۱۹  
 سنگور ، عرض فکین ، ۶۶۳ ، عرض  
 دو گونه ، ۶۵۹ ، شاخص سر ،  
 ۶۴۸ ، اندازه‌های سر ، ۶۳۴ ،  
 ۶۴۰  
 سنندج شهرستان ، ۳۰۲  
 سنه (سینا ، سنا) ، ۹۳ ، ۹۴  
 سنی‌ها ، درافغانستان ، ۱۴۸ ، در ایران ،  
 ۳۵ ، ۸۹ ، ۱۰۱ ، ۱۴۴ ، ۱۷۹  
 سوادکوه ، اطلاعاتی درباره اندازه‌گیری  
 بدن انسان ، ۶۶  
 سواری ، ۱۰۰  
 سوایی ، ۲۳۸  
 سوبارائیان ، ۱۸۳  
 سوئهمپتون ، بیمارستان نتلی ، ۶۲ ، ۶۴  
 سوخته ، ۲۷۹  
 سودان ، ۱۰۰ ، ۲۳۶  
 سورقی ، ۲۳۲  
 سورنابادی ، ۲۶۵  
 سورنه ، ۲۶۶  
 سوری ، ۱۱۰ ، ۲۱۹  
 سوریه ، تغییرات آب و هوا بیابانها در ،  
 ۳۱۹  
 سوریه ، مجموعه از ، ۳۲۴ ، قبایل ایرانی  
 منتقل به ، ۱۷۲ ، قبایل متقیم  
 ایران ، ۱۳۲  
 سوریه‌ای ، عرض فکین ، ۶۶۲ ، ۶۶۴ ،  
 عرض دو گونه ، ۶۵۷ ، شاخص  
 سر ، ۶۴۴ ، اندازه‌ها و شاخص  
 صورت ، ۶۶۶ ، ۶۶۹ ، شاخص  
 پیشانی و آهیانه ، ۶۵۳ ، شکل  
 سر و رابطه آن با قد ، ۶۵۰ ،  
 اندازه‌های سر ، ۶۳۲ ، ۶۳۷ ،  
 حداقل قطر پیشانی ، ۶۵۳ ،  
 اندازه‌ها و شاخص بینی ، ۶۷۶ ،  
 ۶۷۸ ، ۶۸۲ ، قدنشته ، ۶۲۴ ،  
 قد ، ۶۱۸ ، شاخص گونه و پیشانی ،  
 ۶۵۷ ، شاخص گونه و فک ، ۶۶۲  
 سوزیانا ، ۹۹ ، ۱۵۰ ، سیاهپوستان  
 در ، ۳۲۰ ، نژاد قبل از  
 دراویدی ، ۱۶۱ ، سیلان ،  
 ۳۲۰ ، نیز نگاه کنید به خوزستان  
 سوق البسیتین ، ۲۳۷  
 سوق الخفاجیه ، ۲۳۷  
 سوقلمچی ، ۲۶۸  
 سوکی ، ۲۷۹  
 سواوکلو ، ۲۶۸  
 سوه‌ای ، ۹۷  
 سومری انواع ، در مهنجودارو ، ۳۱۸ ،  
 درنل ، ۳۱۸ ، درافغانستان ،

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۷۹

- ۱۵۱ ، در آثار تاریخی شوش ،  
۱۲۹ ، شوشیها مانند ، ۸۱ -  
۸۳ ، ۸۴ - ۸۶  
سیاهپوستهای اولیه، جمعیت در ایران ،  
۱۸۵ - ۱۸۶  
سیاهپوستی خصوصیات ، در بلوچستان  
و شوش ، ۳۲۰ ، جمجمه از  
چنهودارو ، ۳۳۶  
سیاه جل ، ۲۸۰  
سیاه کوه ، ۴۲  
سیالک ، جمجمه از ، ۳۲۴  
سیالکوت، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۳۱۰  
سیب ، جمعیت ، ۲۸۷  
سیب زمینی ، ۲۳ ، ۱۹۲  
سیبری ، نژاد ، ۱۲۹  
سیت ، ۱۷۱  
سید ، عرض دو گونه ، ۶۵۹ ، شاخص  
سر ، ۶۴۸ ، اندازه های صورت ،  
۶۷۰ ، اندازه های سر ، ۶۳۴ ،  
۶۴۰ ، قد ، ۶۲۱  
سید بابا ، ۲۶۷  
سیدها ، ۷۳  
سیرجان ، ۲۷۵ ، بادیه نشینان در ،  
۲۷۹ ، ۲۸۰  
سیری ، ۲۱۵  
سیس ، ۵۰۱ ، ۱۶۵-۱۶۷  
سیستان ، ۱۰۴-۱۰۵ ، ۲۹۰-۲۹۱ ،  
اب و هوا ، ۲۱۹ ، امراض ،  
۲۹۱ ، گیاهان ، ۲۹۱ ، تاریخ ،  
۷۱-۷۲ ، ۱۸۱ ، جمعیت ،  
۲۹۲ ، قبایل و طوایف ، ۱۷۴ ،  
۲۹۲ - ۲۹۳  
سیستانی ها ، ۱۰۵ ، عرض دو گونه ،
- ۱۸۵  
سومری ها ، ۱۵۱ ، ۱۵۲-۱۵۳ ، ۱۷۱ ،  
۱۸۵ ، ۳۱۸ ، اصل ، ۱۶۷ ،  
۱۷۵  
سوید ، ۲۳۸  
سویدالسلطان ، ۲۳۸  
سهراب زائی ، ۲۸۹  
سهرابی ، ۲۸۰  
سهمدینی ، ۲۶۲ ، ۲۶۴ ، ۲۶۷  
سهنه ، ۱۸۲  
سیا ، ۲۸۰  
سیاهپوست اصل ، در سه نوع فرعی از  
ایرانی خالص ، ۱۴۰  
سیاهپوست انواع ، در بین گروه های  
ایران ، ۶۰۷-۶۰۸ ، در بین  
ده نشینان یزد خواست ، ۴۳۹ ،  
در نقوش هخامنشی شوش ، ۱۸۵ ؛  
در نقوش باستانی آشور ، ۷۹ ،  
۱۸۵ ، در بلوچستان ، ۱۰۶  
سیاهپوست جمجمه ، در تپه حصار ،  
۳۰۶-۳۰۷ ، ۳۰۹ ، در قبرستان  
پارتی ها ، ۱۴۲  
سیاهپوست خون ، در بلوچستان ، ۲۸۶ ؛  
در کرمان ، ۲۷۸  
سیاهپوست عناصر ، در کناره ، ۴۶۱ ،  
۴۷۱ ، در نژاد ایرانی ، ۱۶۷  
سیاهپوست نژاد در تپه حصار ، ۳۱۲ ،  
۳۱۳  
سیاهپوستها ، اختلاط با دیاوچها ، ۱۶۸ ؛  
در بلوچستان ، ۲۸۴ ، ۲۸۶ ،  
۲۹۰ ، در بندر عباس ، ۲۷۳ ؛  
در هندوستان ، ۸۰ ، ۸۶ ، در  
ایران ، ۷۹-۸۶  
سیاهپوستها ، در ایران ، ۱۱۴ ، ۱۵۰ -

## ۸۸ - مردم شناسی ایران

- ۶۵۹ ، شاخص سر ، ۶۴۸ ،  
اندازه‌های صورت ، ۶۷۰ ،  
اندازه‌های سر ، ۶۳۴ ، ۶۴۰ ،  
قد ، ۶۲۱ ،  
سی سختی ، ۲۶۷ ،  
سیلان ، انواع ، درمهنجودارو ، ۳۱۸ ،  
در بلوچستان ، ۳۱۹-۳۲۰ ،  
درشوش ، ۳۲۰ ،  
سیلانند ، ن ، ۰ ، ۶۸۴ ،  
ماهی ، ۱۹۳ ،  
سیموندز ، ۳۵-۳۶ ،  
سینا ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن  
انسان ، ۶۴۴ ،  
سیول ، س ، ۳۱۸ ،  
سیوندی ، ۲۸۰ ،  
شارون ، سر جان ، ۴۴۰ ، ۳۵۱ ،  
شافعی ، در ایران ، ۳۵ ،  
شاکبی ، ۲۶۲ ،  
شامبیاتلو ، بیاتها بشکل شعبه فرعی ، ۱۳۳ ،  
شامکانلو ، ۲۰۲ ،  
شاملو ، اصل از ، ۱۳۲ ،  
شانتز ، ارنست ، ۱۱۸-۱۲۰ ، ۱۳۵ ،  
۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۴۱۸ ، ۶۱۷ ،  
به بعد .  
شاه آباد ، شهرستان ، ۳۰۲ ،  
شاه تپه ، استخوانبندی ، ۳۱۵ ، هند و  
اروپائی ، ۳۱۶ ، طالب مربوطه  
به استخوانبندی ، ۳۰۵ ،  
شاه جهان احمدی ، ۲۶۶ ،  
شاه حسنی ، ۲۶۶ ،  
شاه سینی ، ۲۵۹ ،  
شاهدلوکردها ، ۱۰۹ ، ۲۹۱ ، افراد  
خوشهیکل ، ۲۹۸ ، درخراسان ،
- ۲۹۵ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹ ،  
شاهرگی ، ۱۰۵ ،  
شاهرگی فارسیوان ، ۲۹۲ ،  
شاهرود ، جمعیت ، ۳۰۱ ،  
شاهسونها ، ۱۳۱،۹۱-۱۳۲ ، ۱۹۹ ،  
۲۰۰ ، ۲۶۸ ،  
شاه قولانلو ، ۲۰۲ ،  
شاهوردی ، ۲۱۱ ،  
شاهوزائی ، ۲۸۹ ،  
شاه ولی بر ، ۲۸۱ ،  
شاه وند ، ۲۶۶ ،  
شاهون ، ۲۱۱ ،  
شبك ، ۲۹۲ ،  
شبه استرالیائی اولیه (دیکسون) ،  
اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
جمعیه ، ۳۱۱ ،  
شبهه استرالیائی نوع ، نگاه کنید  
به استرالیائی نوع  
شتر بان ، ۲۶۸ ،  
شترها ، ۲۲۶، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۶۱ ،  
شجریه ، ۲۳۰ ،  
شراب ، ۱۹۳ ،  
شرافه (شرفا) ، ۱۰۰ ، ۲۳۶ ،  
شرافت (شریفه) ، ۱۰۰ ، ۲۳۱ ، ۲۳۶ ،  
شرف ، ۲۱۲ ،  
شرقی مؤسسه ، نگاه کنید به دانشگاه  
شیکاگو  
شرلی ، آنتونی ، ۴۴ ،  
شش بلوکی ، ۱۰۳ ، ۱۴۶ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ،  
۲۶۳ ،  
شترانلو ، ۲۰۰ ، ۲۰۶ ،  
شطیط ، ۲۳۰ ،  
شعابدونی ، ۲۳۲ ،  
شعابینه ، ۲۲۷ ،

## فهرست اعلام و مطالب - ۱۵۰

- شوش ، ۱۵۰ ، ۲۲۵ ، ۳۵۰ ، ۳۵۳ ،  
 جهانب ، ۸۵ ، ۳۲۴ ، نژاد  
 سپاهپوست منقوش در آذربایجان  
 تاریخی ، ۱۲۸-۱۲۹ ، ۱۳۱  
 شوشتر ، ۱۹۹ ، ۲۲۲ ، ۲۲۳ ، ۳۵۳ ،  
 اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان ، ۶۶ ، مربها در ، ۹۹  
 شوشی ها ، ۷۹-۸۶ ، ۱۱۳ ، ۱۲۶ ، ۱۵۰-  
 ۱۵۱ ، ۱۶۲ ، شاخص سر ، ۸۳ ،  
 اندازه های سر ، ۸۳ ، حداقل  
 قطر پیشانی ، ۱۱۲۳ ، شکل بینی ،  
 ۱۶۲ اندازه ها و شاخص بینی ،  
 ۸۴ ، خصوصیات نژاد سپاهپوست ،  
 ۱۲۹ ، قد ، ۸۳ ، ۱۲۰  
 شوکت ، سی . ی . ، ۳۳۸  
 شول ترکی ، ۲۸۰  
 شویب ، ۲۲۹  
 شهاب ، ۲۳۳  
 شهراری ، شاخص سر ، ۶۴۲  
 شهرستان ( = جی ) ، ۳۵۱ ، ۳۵۲  
 شهرضا ، ۲۴۴ ، خصوصیات جسمانی  
 عجمی ها ، ۷۶ ، جمعیت ، ۲۴۴ ،  
 یلاق قشقائی در نزدیکی ، ۱۴۶  
 ۲۶۴  
 شهسوار شهرستان ، ۳۰۲  
 شهسواری ، ۲۸۰  
 شیاخنه ، ۲۲۸  
 شیب کوه ، ۲۷۳  
 شبانی ( = نیوانی ) ، ۱۰۳ ، ۱۴۶  
 ۲۵۵ ، ۲۵۶ ، ۲۷۳  
 شیر ، ۲۷ ، ۲۴۲  
 شیراز شهرستان ، ۳۰۲  
 شیراز ، ۱۷۶ ، ۲۵۲ ، اطلاعاتی  
 درباره اندازه گیری بدن انسان ،  
 شعبانی ، ۲۳۱  
 شکار سر ، در بین ایرانیان باستان ، ۴۰  
 شکار تو ، ۲۶۳  
 شکاروند ، ۲۱۲  
 شکاری ، ۲۵۷  
 شکاک ، ۹۴  
 شکل سر ، در رابطه با قد ، ۶۵۰  
 شلمیر ، ج . ال . ، ۸۸  
 شلهان ، ۲۳۴  
 شماخه یهودیها ، ۴۱۶  
 شمالی و شمال غربی ، ولایات ، ۱۹۱-  
 ۲۰۶ ، تقسیمات ، ۱۹۲ ،  
 کلدانیها در ، ۱۹۹ ، امراض در ،  
 ۱۹۵ ، ماهی در ، ۱۹۳ ، درختان در ،  
 ۱۹۲ ، یهودیها در ، ۱۹۹ ، استقرار  
 کردها ، ۱۹۹ ، مهاجرت به ،  
 ۱۹۷ ، ایرانیها یا فارسیها ، ۱۹۷ ،  
 جغرافیای طبیعی ، ۱۹۱-۱۹۲ ،  
 کشت نباتات ، ۱۹۲ ، گروههای  
 نژادی ، ۱۹۷-۲۰۰ ، رودخانه ها ،  
 ۱۹۱-۱۹۲ ، چارپایان در ،  
 ۱۹۳ ، ترکها در ، ۱۹۷-۱۹۸ ،  
 امراض مقاربتی در ، ۱۹۶  
 شنبویه ، ۲۸۱  
 شمس ، ۲۱۱  
 شمشاد ، درخت ، ۱۹ ، ۱۹۲  
 شمشیری ، ۹۵  
 شمیران ، ۱۹۶  
 شندرمین ، ۲۰۲  
 شنکین ، دلیو . م . ، ۶۱۸ ، به بعد .  
 شواردیه ، ۲۲۸  
 شوبرل ، فردریک ، ۴۹  
 شوبی شاه ، ۲۲۳  
 شوربخور تو ، ۲۶۳

- صدیقلو ، ۲۵۷  
صفاخانی ، نگاه کنید به صفی خانی  
صفاری (سفری) ، ۱۰۳ ، ۲۵۶  
صفد ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری  
بدن انسان از ، ۶۴۴  
صفوی دوره ، مهاجرت در ، ۲۰۵  
صفوی سلسله ، ۱۷۸، ۱۱۱، ۳۲ ، و  
قزلباشها ، ۱۴۶  
صفی خانلرها ، نگاه کنید به صفی خانی  
صفی خانی ، ۱۰۳ ، ۱۴۶ ، ۲۶۳  
صلالی ، ۲۸۰  
صلاح الدین ، کرد اصیل ، ۹۲، ۴۸، ۹۴  
صلاحی ، ۲۵۹  
صلایه ، ۲۲۸  
صلوبه ، ۴۳۳  
صله ورزی ، ۲۱۴  
صلیب ، نگاه کنید به صلوبه  
صناید ، ۲۳۴  
صورت گوسفند شکل (بره صورت-صورت  
دراز) ، در بین چهارگروه  
ایرانی ، ۴۳۷ ، ۴۶۸، ۵۰۵  
۵۴۷ در بین مردم جنوب غربی  
آسیا ، ۶۶۶-۶۶۷  
صوفیگری ، ۱۷۹  
صیاد ، ۲۹۳  
ضامنی ، ۲۶۶  
ضرابی ، ۲۸۰  
ضرغان ، ۲۳۸  
طائی ، قبیله عرب ، ۱۷۲  
طارم ، ۱۹۹  
طالش ، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲  
طالش دولاب ، ۲۰۲  
۳۷۵ ، ۳۸۶ ، ۳۸۷ ، ۴۰۶  
به بعد ، ۵۳۱-۵۳۳  
ازمنی ها ، ۲۵۴ ، امراض ،  
۲۴۸ ، وضع بهداشتی ، ۲۴۸  
یهودیه ها ، ۳۴۹ ، ۳۵۰  
اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۳۷۴ ، ۳۸۵  
۳۸۶ ، ۴۰۶ به بعد ؛ نه اد  
ایرانی ، ۲۵۴ ؛ جمعیت ، ۱۷۶  
شیرازائی ، ۲۸۹  
شیرخانزائی ها ، نگاه کنید به شیرخانزائی  
نهری  
شیرخانزائی نهری ، ۲۸۴  
شیرسپاری ، ۲۶۵  
شیرعلی ، ۲۳۱  
شیرمراد ، ۲۶۵  
شیری ، ۲۵۵ ، نیز نگاه کنید به اردشیری  
شیکاگو دانشگاه ، ۳۰۶ ، مؤسسه شرقی ،  
۳ ، ۳۳۵ ، ۴۵۶  
شیخ ، ۲۸۰  
شیخ ابیل ، ۲۶۸  
شیخ اسمعیل ، ۹۵  
شیخ شهر و ، ۲۶۵  
شیخ کوه سفیدی ، ۲۸۰  
شیخ لو ، ۲۰۵  
شیخ مائو ، ۲۳۱ ، ۲۶۷  
شیخ وند ، ۲۰۰  
شیخی ، ۲۷۸  
صحراهای فلات ایران ، ۱۴-۱۵، ۱۶  
۲۷۵، ۲۹۵ ، موانع جغرافیائی  
مهاجرت ، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳-  
نیز نگاه کنید به صحرای سوریه ،  
تغییرات آب و هوا در ، ۳۱۹

## فهرست اعلام و مطالب -

- طایری ، ۲۸۰  
طبابت عامیانه ، ۲۴۲  
طرابلس ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۶۴۴  
طرفان ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۶۸۴  
طلا بیت ، ۲۳۴  
طلب از لو ، ۲۶۲  
طواره ، شاخص سر ، ۶۴۴  
طوایر ، ۲۳۸  
طهران ، ۱۹۶ ، مجموعی ها در ، ۷۴ ،  
بیمارستان امریکائی ، ۳۳۲ ،  
ارامنه در ، ۱۳۱ ، تاریخ ، ۱۹۶ ،  
یهودیه ها در ، ۱۳۱ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ،  
موزه مردم شناسی و موزه ایران  
بستان ، ۱۱ ، نسب اجازه ،  
۳۳۷ ، اداره انکشت نگاری  
شهربانی ، ۱۳ ، جمعیت ، ۱۱۱ ،  
۱۷۶ ، ۱۹۶ ، خون ترك در ،  
۱۳۱ ، حصه ، ۱۹۵ ، زردشتیان ،  
۱۳۱ ، ۱۴۳  
طهران ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۶۱۷ ، ۶۶ ، به بعد  
قبایل در ، ۴۹ ، ۱۳۱ ، ۱۳۲  
طهرانی ها ، در درمان ، ۱۲۸۰ در طهران ،  
اندازه ها ، سر ، ۶۶  
طهران شهرستان ، ۳۰۲  
طهرانی ها (لرها) ، ۲۱۹ ، ۲۱۷  
طهماسب خانی ، ۲۱۲  
طیبی ، از قبیله ساه ، ۲۶۴  
طیبی ، قبیله ای در دو هکلو ، ۲۴۴  
ظهاریه (زهاریه) ، ۲۳۶ ، ۲۳۲ ، ۲۳۸
- عاشق ، ۲۶۷  
عاشقانو ، ۲۵۷  
عاطونی ، ۲۶۵  
عالیوند ، ۲۶۵  
عامره ، ۲۲۸ ، ۲۲۹  
عامله ، نگاه کنید به عمله  
عباد ، ۲۳۰  
عباس اول شاه ، تسلط بر ارمنستان  
بوسيله ، ۲۱۳ ، ۲۱۹ ، استقرار  
قبایل ، ۱۰۸ ، ۱۴۶ ، ۱۴۷ ، ۲۹۸ ،  
۲۹۹ ، اصفهان در زمان سلطنت ،  
۲۴۴ ، تشکیل قبیله شامسون ،  
۱۳۲ ، ۱۹۹ ، رفتار با یهودیه ها ،  
۳۵۱  
عباس دوم شاه ، ۳۵۱ ، ۳۵۲  
عباسی ها ، ۲۷۳  
عبدالخان ، ۲۲۳  
عبدالرحمان قلو ، ۲۶۴  
عبدالرضائی ، ۲۵۶  
عبدالملکی ، ۲۰۰  
عبداللّه وند ، ۲۶۶  
عبدالیوسفی ، از بصری ، ۸۵۹ ، از شیبانی ،  
۲۵۶  
عبدوجی ، ۲۷۹  
عبید ، ۲۳۷  
عتقیه ، ۲۲۸  
عثمانلو ، ۲۶۲  
عثوق ، ۲۳۴  
عجاجة ، ۲۲۷  
عجمی ها ، ۷۴ ، ۷۶ ، ۱۶۲ ، رض دو گونه ،  
۱۶۵۷ ، شاخص های سر ، ۷۴ ،  
۱۶۴۲ ، تقسیمات در ایران ، ۱۶۸ ،  
اندازه های سر ، ۶۳۱ ، ۶۳۶ ، معنی  
اصطلاحی ، ۱۱۴ ، حداقل قطر



## مردم شناسی ایران

پیشانی ، ۱۲۳ ، طول و عرض  
بینی ، ۶۷۸،۶۷۵،۸۱، شاخص  
بینی ، ۶۸۱،۸۱، قد ، ۶۱۷  
عدس ، ۱۹۲،۲۳

عدن ، یهودیها در ، ۴۰۵

عراق ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۶۱۲-۶۱۳، ۶۱۷  
به بعد ، ۰ ، اشتقاق کلمه ، ۱۵۸-  
۱۵۹ ، نوع نژادی ، ۳۲۰ ،  
تقسیمات اجتماعی ، ۲۲۴

عراق ایران ، ۱۵۹

عراق، سربازان (اندازه گیری شده بوسیله  
فیلد) ، عرض فکین ، ۶۶۱ ،  
عرض دو گونه ، ۶۵۷ ، شاخص  
سر ، ۶۴۳ ، گروهها ، ۶۲۹ ،  
۶۴۱ ، اندازه ها و شاخصهای  
گوش ، ۶۸۹ ، اندازه ها و  
شاخصهای صورت ، ۶۶۵،۶۶۸ ،  
گروهها ، ۶۷۱ ، شاخص پیشانی  
و آهیانه ، ۶۵۳ ، اندازه های سر ،  
۶۲۸ ، ۶۳۶،۶۳۱ ، گروهها ،  
۶۵۱ ، اندازه سر ، ۶۲۸،۶۲۹ ،  
کوته‌استرین طول تنه ، ۶۲۶ ،  
حداقل قطر پیشانی ، ۶۵۳ ،  
گروهها ، ۶۵۱ ، اندازه ها و  
شاخصهای بینی ، ۶۷۲،۶۷۶ ،  
۶۷۸ ، ۶۸۱ ، گروهها ، ۶۷۳ ،  
۶۸۰ ، شکل بینی ، گروهها ،  
۶۸۶ ، طول تنه ، ۶۲۴ ، ۶۲۵ ،  
گروهها ، ۶۲۵ ، قد ، ۶۱۷ ،  
گروهها ، ۶۱۶ ، شاخص گونه  
و پیشانی ، ۶۵۷ ، شاخص گونه  
و فک ، ۶۶۱

عراق عجم (سلطان آباد - اراك) ، ۱۵۹،

اطلاعاتی در باره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۵۲۵-۵۳۳ ، اختلاط  
نژادی در جمعیت ، ۷۴

عراقی ، خانوار ، ۲۶۳

عراقی ، سربازان (حله) ، عرض فکین ،  
۶۶۱ ، عرض دو گونه ، ۶۵۷ ،  
شاخص سر ، ۶۴۳ ، اندازه ها و  
شاخصهای صورت ، ۶۶۵،۶۶۸ ،  
شاخص پیشانی و آهیانه ، ۶۵۳ ،  
اندازه های سر ، ۶۳۱،۶۳۷ ،  
حداقل قطر پیشانی ، ۶۵۳ ،  
اندازه ها و شاخصهای بینی ، ۶۷۵ ،  
۶۷۸ ، ۶۸۱ ، قد ، ۶۱۷ ،  
شاخص گونه - پیشانی ، ۶۵۷ ،  
شاخص گونه و فک ، ۶۶۱

عراقی و مدیترانه نوع ، ۵۰۶، ۶۰۵ -  
۶۰۶

عرب چارپائلو ، ۲۶۳

عرب حاجی حسین ، ۲۸۰

عرب ذاکرو ، ۲۶۴

عربستان ، نگاه کنید به خوزستان

عربستان ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۶۱۷ ، به بعد ، موطن  
اقوام سامی ، ۶۶۹ ، یهودیها  
در ، ۴۰۵ ، مهاجرت از ، ۲۲۴ ،  
وضع نژادی ، ۷۰۱-۷۰۲

عربستان شمال ، هیئتهای اعزامی به ،  
نگاه کنید به موزه فیلد ، هیئتهای  
اعزامی به صحرای شمال عربستان

عرب کوچی ، ۲۵۵

عرب گاومیش ، ۲۰۸، ۲۴۲، ۲۶۷

عرب بلو ، ۲۶۲

عربها (اعراب) ، شکل سر ، ۱۵ ، در  
بلوچستان ، ۱۱۷۴، ۲۸۱ ، در فارس

۶۴۱ ، ۶۴۳ ، گروهها ، ۱۶۲۹  
اندازه‌های صورت ، ۱۶۶۹ ، ۱۶۶۶  
شاخص‌پیشانی و آهیانه ، ۱۶۵۳  
شکل سر ، ۶۴۷-۶۴۹ ، ۶۵۰  
اندازه‌های سر ، ۶۳۰-۶۳۱  
۶۳۶-۶۳۷ ، اندازه‌سر گروهها ،  
۶۲۹ ، حداقل قطر پیشانی ،  
۶۵۳ ، ۶۵۴ ، طول و عرض بینی ،  
۶۷۶ ، ۶۷۸ ، شاخص بینی ،  
۶۸۱ ، ۶۸۴ ، قد ، ۶۱۷-  
۶۱۸ ، ۶۲۰ ، ۶۲۲ ، شاخص  
گونه و پیشانی ، ۶۵۷ ، ۶۶۰  
شاخص گونه و فك ، ۶۶۲ ، ۶۶۴  
عربهای عراق (مرکزی) ، عرض فکین ،  
۶۶۱-۶۶۲ ، عرض دو گونه ،  
۶۵۶ ، شاخص سر ، ۶۴۳  
اندازه‌های صورت ، ۶۶۵-۶۶۶  
۶۶۸-۶۶۹ ، شاخص پیشانی  
و آهیانه ، ۶۵۳ ، اندازه‌های  
سر ، ۶۳۱ ، ۶۳۶-۶۳۷  
حداقل قطر پیشانی ، ۶۴۳ ، ۶۵۳  
اندازه‌ها و شاخص بینی ، ۶۷۵-  
۶۷۶ ، ۶۷۸ ، ۶۸۱ ، قدنشته ،  
۶۲۴ ، قد ، ۶۱۷ ، شاخص گونه  
و پیشانی ، ۶۵۷ ، شاخص گونه  
و فك ، ۶۶۱-۶۶۲

عرضه زائنی گوشت ، ۲۸۹  
عرفه ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان از یهودیها ، ۴۰۶

عروقلی ، ۲۶۲

عزنخعی ، ۲۷۹

عزیرالله ، ۲۳۶

عزیر بیگلر ، ۲۵۷

عزیرلی ، ۲۵۷

ولارستان ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۷۷  
۲۵۱ ، ۲۵۴ ، ۲۵۵ ، ۲۵۶  
۲۵۷ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳ ، درایران ،  
۴۹ ، ۵۰ ، ۷۳ ، ۸۸ ، ۹۰ ، ۱۴۰  
۱۴۳ ، ۱۵۹ ، ۱۶۱ ، ۲۵۵ ، در  
کلات نادری ، ۱۱۰ ، درکاشان ،  
۱۳۱ ، درخراسان ، ۴۸ ، ۱۰۸  
۱۰۹ ، ۱۴۴ ، ۲۹۶ ، ۳۰۰ ، در  
خوزستان ، ۹۹-۱۰۱ ، ۱۷۷  
۲۲۲ ، ۲۲۳ ، ۲۲۴ ، ۲۲۹  
۲۳۰ ، ۲۳۱ ، درلرستان ، ۱۷۷  
۲۰۸ ، درمکران ، ۱۶۸ ، ۲۸۴  
درمیناب ، ۲۷۳ ، درپشت کوه ،  
۲۱۹ ، درقم ، ۱۳۱ ، درسیستان ،  
۱۷۴ ، ۲۹۲ ، ۲۹۳ ، شناختن  
«تازی» ، ۱۷۲ ، مهاجرت  
به ایران ، ۱۷۷ ، اختلاط با  
بلوچیها ، ۱۶۸ ، ازقبایل خمرسه ،  
۱۰۳ ، ۱۴۶ ، ۲۵۱ ، ۲۵۵-  
۲۵۶ ، در جزیره قشم ،  
۲۷۲ ، رابطه نژادی با اقوام دیگر ،  
۷۰۱-۷۰۳ ، رابطه با ایرانیان  
باستان ، ۱۵۷-۱۵۸ ، نیز نگاه  
کنید به عربهای کیش ، عربهای  
ترکمن

عربها ، معروف به بهارلو ، ۱۳۲

عربهای ترکستان ، عرض فکین ، ۶۶۳

عرض دو گونه ، ۶۵۹ ، ۶۶۰

شاخص سر ، ۶۴۷ ، اندازه‌های

صورت ، ۶۷۰ ، اندازه‌های سر ،

۶۳۹ ، ۶۳۹ ، حداقل قطر پیشانی ،

۶۵۴ ، قد ، ۶۲۰ ،

عربهای جنوبی ، ۶۱۲-۶۱۳ ، عرض

دو گونه ، ۶۵۷ ، شاخص سر ،

## ۸۸۶ - مردم شناسی ایران

- عزیزی ، ۲۵۵  
 عساکره ، ۱۰۰  
 عسکر سیرجانی ، ۲۸۰  
 عسل ، ۱۹۳  
 عشق آباد ، ۳۱۸  
 عصر حجر جدید در ایران ، ۶۹۸  
 عصر حجر ، در ایران ، ۶۹۵-۶۹۸  
 عصر حجر مناطق ، در ایران ، ۶۹۵-۶۹۷  
 عطاء اللهی ، ۲۷۹  
 عظایوی ، ۲۳۴  
 عطب ، ۲۲۹  
 عطشناه ، ۲۳۷  
 عقبهی ، ۲۶۴  
 عکسبرداری ، روشهای کار ، ۳۴۶  
 علائونه ، ۲۳۴  
 علاکونی ، ۱۰۳  
 علفها ، در ایران ، ۲۴  
 علمارد شلو ، ۲۰۵  
 علمدار ، از بهارلو ، ۲۵۷ ، از شش بلوکی ، ۲۶۳  
 علوی ، شاخص سر ، ۶۴۴ ، ۶۴۵ ، اندازه های سر ، ۶۳۲ ، ۶۳۸  
 علی ، ۲۱۲  
 علی آباد ، ۲۹۱  
 « علی اللهی » نماینده جدیدی از  
 هیتی های سابق ، ۱۷۳  
 علی اللهی ها ، ۲۰۹  
 علی بلول ، ۲۳۷  
 علی بیگلر (الله بیگلر) ، ۱۰۴ ، ۲۶۴  
 علیخانی ، ۲۱۵ ، ۲۳۶  
 علیشه ، سردار اقبال ، ۱۷۳-۱۷۵  
 علی شاهقلی ، ۲۵۹  
 علی غزالو ، ۲۸۰  
 علیقی خانی ، ۱۰۳  
 علی قنبری ، ۲۵۹  
 علی قورتللو ، ۲۰۵  
 علی گردلو ، ۲۶۴  
 علی لرامیری ، ۲۶۵  
 علی حمیدی ، ۲۴۳  
 علی مردانو ، ۶۲۲  
 عیمردی ، ۲۵۹  
 علی میرزائی ، ۲۵۹  
 علی همتی ، ۲۶۵  
 عمادی ، ۲۵۶  
 عمادیه ، یهودیه های اندازه گیری شده ؛  
 ۴۰۶ ؛ گردآوری پالئولیتیک  
 در ،  
 عمار ، ۲۳۴  
 عمارلو ، ۲۰۱ ، ۲۰۲ ؛ در خراسان ،  
 ۲۹۸ ؛ نیز نگاه کنید به امانلو  
 عمانی ، شاخص سر ، ۶۴۲ ، ۶۴۳  
 عمرائی ، ۲۱۵  
 عمراتی ، ۲۱۹  
 عمرنان ، ۲۳۴  
 عملیات ، ۲۶۶  
 عمله ، ۲۱۰ ، ۲۱۴ ، ۲۲۵  
 عمله ، از بهارلو ، ۲۵۷ ؛ از دره شوی  
 ۲۶۲ ؛ از قشقائی ایلخانی ،  
 ۲۰۲ ، ۲۶۴ ، از شیبانی ، ۲۵۶  
 عمله شاهی ، ۱۰۳  
 عمله کریم خان نکا . کنید به عمله  
 عموتی ، ۲۶۵  
 عواینت ، ۲۳۶  
 عنائی ، ۲۸۰  
 عنافجه ، ۲۲۵-۲۲۶ ، ۲۲۹  
 عیدان ، از بنی تمیم ، ۲۳۶ ؛ از محبین ،  
 ۲۳۵  
 عیسویها ، ۳۵۲

غیائی ، ۲۸۰  
غیرشمار ، ۱۴۳

فارس ، ۲۹، ۱۳ ، محصول کشاورزی ،  
۲۵۲ ، قبایل عرب در ، ۱۷۶-  
۱۱۷۷ ، پرنندگان در ، ۲۴۷ ، آب و هوا  
در ، ۲۴۸ ، نواحی و شهرهای  
عمده ، ۲۴۹-۲۵۳ ، حیوانات  
اهلی در ، ۲۵۴ ، ۲۶۰ ، جنگلها ،  
۲۴۵ ، چراگاه ، ۲۴۵ ، قبایل  
وطوایف ، ۱۰۱-۱۰۳ ، ۱۳۲ ،  
۱۳۳ ، ۱۴۶ ، ۱۵۶ ، ۱۷۷ ،  
۲۵۲-۲۶۹ ، جغرافیای طبیعی ،  
۲۴۵-۲۴۷ ، جمعیت ، ۲۴۹-  
۲۵۴ ، دریاچه‌های آب شور ،  
۲۴۷ ، مرغابی در ، ۲۴۷

فارسی ، در کرمان ، ۲۷۹  
فارسیمدان ، ۱۰۳ ، ۱۴۶ ، ۲۶۰ ، ۲۶۱ ،  
۲۶۲ ، ۲۸۰

فارسیوان ، ۲۹۲  
فارسیهها ، ۷۳ ، ۱۹۷ ، ۲۵۶ ، از بین بورها ،  
۱۶۱ ، در ایالات شمال و شمال  
غربی ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، موقعیت ،  
۱۶۷ ، خصوصیات جسمانی ،  
۱۶۱ ، از بین نوع ایرانی خالص ،  
۱۳۹ - ۱۴۰

فتح‌الله جمت‌کریم ، ۲۱۲  
فتح‌اللهی ، ۲۱۲  
فتح‌علیشاه ، ۲۰۳ ، آزار یهودیان بوسیله ،  
۳۵۲  
فدچنگف ، ۱۱۹-۱۲۰ ، ۱۲۳ ، ۱۲۴ ،  
۶۱۷ ، ۱۲۵

فراشه ، ۲۲۷  
فراش ، ۲۱۱

عیسی بیگلر ، ۲۵۷  
عیشام ، ۲۳۶  
عیفان ، ۲۳۴  
عیلام ، ۱۶۷، ۹۹ ، تاریخ ، ۲۹-۳۰ ،  
۱۴۹-۱۵۲ ، قبایل ، ۱۵۱ ،  
۲۰۹ ، نیز نگاه کنید به خوزستان  
عیلامیها ، ۱۷۱ ، ۱۸۳  
عیناوند ، ۲۱۵  
عینکلو ، ۲۶۴

غار اچی ، ۴۹  
غجینی ، ۲۱۹  
غرائی (کرائی) ، از خنسه ، ۲۵۶ ،  
۲۵۹ ، از قشقائی ، ۲۶۴ ، از  
ممسنی ، ۲۶۵ ، در کرمان ،  
۲۸۰ ، از ترکها ، ۳۰۰

غرائی‌ها ، ۳۰۰  
غزاده علی ، ۲۶۴  
غربت ، ۲۶۸  
غربتی ، ۱۴۳  
غرشمال ، ۱۴۳ ، ۱۷۰  
غروی ، ۲۹۸  
غریبکلو ، ۲۰۵  
غز ، ترکان ، ۱۷۶ ، ۱۹۸  
غزاویه ، ۲۲۷  
غزالی ، ۲۳۶  
غزیوی ، ۲۳۶  
غلات در ایران ، ۲۰-۲۱ ، ۲۳ ، ۶۹۵ ،  
نیز نگاه کنید به نامهای غلات

غلباش ، ۲۵۷  
غلویی ، ۲۶۶  
غوری ، ۲۶۸  
غولا ، ۳۰۰  
غیاثوند ، ۲۰۴

- فراشی ، ۲۸۰  
 فراوند ، ۲۰۰  
 فرانکفورت ، ۶۹۸،۳۳۵،۳۱۶  
 فرانکلین ، ۴۲۶  
 فرایر ، جان ، ۴۲۵  
 فرایست ، ۲۳۷  
 فرغانه ، اطلاعاتی در باره اندازه‌گیری  
 بدن انسان ، ۱۲۸ ، ۶۲۰ به بعد  
 اهالی موبور و سفید ، ۱۳۰ -  
 ۱۳۱  
 فرهنگ در ایران ، ۳۶  
 فریزر ، ۲۶۹  
 فسا شهرستان ، ۳۰۲  
 فقیرزائی ، ۲۸۸  
 قلاحیه ، ۲۲۳  
 فلك الدين ، ۲۱۳ ، ۲۱۵  
 فلور ، پرفسور ، ۳۰۱  
 فنیقی‌ها ، ۱۳۶ ، اندازه‌های سر ، ۵۴  
 فورست ، ۳۱۵  
 فولاد ، ۲۱۳  
 فهرج (ایران شهر) ، ۲۸۶  
 فیروز کوهی ، ۱۱۰  
 فیلالدفی موزه هنر ، ۳۰۶  
 فیلد ، مارشال ، ۱  
 فیلد موزه و دانشگاه اکسفورد ، هیئت  
 اکتشافی وابسته در کیش، عراق ،  
 ۶۹۲ ، ۶۱۲ ، ۱  
 فیلدموزه هیئت اعزامی به شمال عربستان ،  
 کشفیات ، ۶۹۲ ، ۶۹۶  
 فیلی (فائیلی) لرها ، ۵۰، ۹۱، ۹۸، ۲۰۸ ،  
 ۲۱۳ ، ۲۱۹، ۲۱۶ ، ۲۶۴  
 فین ، الکساندر ، ۲۶ ، ۱۴۳  
 فیوج (لولی) ، ۱۴۲ ، ۲۸۰ ، ۲۸۱  
 قالد ، ۲۸۰  
 قائد رحمت ، ۲۱۸، ۲۱۴  
 قائدلو ، ۲۶۴  
 قاجار ، ۹۳، ۴۹ ، ۱۱۰-۱۱۱ ، ۱۶۲ ،  
 سلسله ، ۳۲، ۵۰، ۹۱، ۹۸، ۱۳۲ ،  
 در خراسان ، ۱۰۸ ، منشأ ،  
 ۱۴۶ ، شعبات فرعی ، ۱۳۳  
 قاجار = بلوچی‌ها نام ایران ، ۲۸۱  
 قاسملو ، ۲۰۵ ، ۲۸۰  
 قاطر ، ۲۵ ، ۲۱۰، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۲۶ ،  
 ۲۴۲ ، ۲۶۱  
 قایق ، ۲۲۷  
 قاین ، جمعیت ، ۲۹۲  
 قبادخانی ، ۱۰۴  
 قتالو ، ۲۰۵  
 قحطانیها (کحتانیها) ، ۱۵۸  
 قحطی در ایران ، ۴۵ ،  
 قد ، در رابطه با شکل سر ، ۶۵۰ ، بارنگ  
 پوست ، ۱۸۵  
 قدری ، ۲۸۰  
 قوا ، شاخص سر ، ۶۴۲  
 قراچی ، ۱۴۳  
 قربان‌نیاز ، ۲۹۸  
 قربوکش ، ۲۶۲  
 قرت ، ۲۵۶، ۲۶۴  
 قرخلو ، ۲۶۴  
 قرقیز ، ۱۶۳، ۱۶۹ ، شاخص بینی ، ۶۸۴  
 قرقیز تاتار ، ۸۷  
 قرقیز ، قزاق ، اندازه‌های سر ، ۶۳  
 قروشات ، ۲۳۸  
 قره برنگلو ، ۲۰۳  
 قره بهی ، ۲۶۴  
 قره بیات ، ۲۶۸  
 قره پاپک ، ۹۴

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۸۹

بدن انسان از ۶۱۸ به بعد .  
 قشقائی ، ۹۱، ۲۰۱، ۱۰۳، ۲۱۴، ۲۴۴ ،  
 ۲۵۳ ، ۲۵۴ ، ۲۵۹-۲۶۱  
 در قیاس با بختیارها ، ۲۶۰ ،  
 در قیاس بالرها ، ۲۶۱ ؛ لهجه ،  
 ۲۶۱ ؛ نظارت بر بلوک فارس ،  
 ۱۴۶، ۲۵۹، اردو گاهها ، ۲۶۱ ؛  
 زبان ، ۲۵۹ ؛ مهاجرت ، ۲۶۱ ؛  
 نژاد و آداب و رسوم ، ۱۴۵ ،  
 ۱۴۶ ، ۲۵۹-۲۶۱ ؛ ریشه نام ،  
 ۲۵۹ ؛ خصوصیات جسمانی ،  
 ۲۶۱ ؛ مذهب ، ۲۶۱ ؛ گروههای  
 اسکان یافته ، ۲۶۴ ، ۲۶۵ ؛ رنگ  
 پوست ، ۲۶۵ ؛ تیره های فرعی ،  
 ۱۰۳ ، ۱۴۶ ، ۲۶۲-۲۶۶  
 قشم جزیره ، ۲۷۲، ۲۷۳ ؛ جمعیت ، ۲۷۲  
 قصر قند ، ۲۸۳ ؛ مالاریا در ، ۲۸۲ ؛  
 جمعیت ، ۲۸۳  
 قصب ، ۲۳۵  
 قفقاز ، مجموعه ساکنین قدیم ، ۱۲۷ ؛  
 اطلاعاتی درباره اندازه گیری ،  
 ۱۲۷-۱۲۸ ، ۴۰۶ ، ۶۱۱، ۶۱۹  
 به بعد ، ۷۰۸-۷۰۹ ؛  
 باستانشناسی ، ۳۱۶ ؛ غلات در ،  
 ۲۹۵ ؛ گروه زبان هند و ایرانی ،  
 ۱۸۸ ؛ یهودیها در ، نگاه کنید  
 به یهودیها  
 قفقازی ، نژاد ، در مغرب آسیا درازمنه ما-  
 قبل و اوائل تاریخ ، ۱۳۰  
 عناصر زبانی در ایران ، ۱۸۶ ؛  
 مرکز تکاملی ، ۷۰۲-۷۰۳  
 قفها ، ۲۸۱  
 قلاب وند ، ۲۱۴  
 قلاوند ، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۲۶

قره چائی (قبیله قشقائی) ، ۱۰۳، ۲۶۳  
 قره جای (شعبه ای از ترکمنهای یاموت) ،  
 ۲۹۸  
 قره جای ها ، ۴۱۶  
 قره خاصلو ، ۲۵۷  
 قره خانلو ، از بهار لو ، ۲۵۷ ؛ از اکدیر ،  
 ۲۶۳  
 قره قاچلو ، ۲۶۴  
 قره قانلو ، ۲۶۲  
 قره قرقیز ، شاخص سنی ، ۶۸۴ ؛ قد ،  
 ۶۲۰  
 قره قل ، ۲۹۶  
 قره قوش ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان ، ۶۴۳  
 قره قوینلو ، از قبیله لك ، ۲۰۵  
 قره قوینلو ، ارقایل اقطار و افشار ، ۲۸۰  
 قره گوزلو ، در فارس ، ۲۶۸ در  
 همدان ، ۹۱  
 قره لو ، ۲۰۶  
 قره مشاملو ، ۲۶۲  
 قره یارلو ، ۲۶۳  
 قریش قبیله ، ۱۰۵  
 قزل اوزن ، رود ، ۱۹۲  
 قزلباش ها ، ۵۰، ۶۷، ۷۲، ۱۱۱ ؛ قزایل ،  
 ۱۳۲ ، ۱۴۶  
 قزلو ، ۲۶۴  
 قزلی ، ۱۰۴  
 قزوین ، ۲۰۴-۲۰۵ ؛ قزایل و طوایف ،  
 ۱۹۷ ، ۲۰۴-۲۰۶ ؛ تهیه  
 سراب ، ۱۹۳  
 قزوین ، جمعیت ، ۱۷۶  
 قزوین شهرستان ، ۳۰۲  
 قزیل ، ۹۶  
 قستمونی ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری

## ۸۹۶ - مردم شناسی ایران

- قلجی ، نیز نگاه کنید به قلزائی  
 قلدر ، ۲۶۲  
 قلزائی (قیلزائی) ، ۱۲۶ ، در افغانستان ،  
 ۱۳۹ . نیز نگاه کنید به قلجی  
 قلعه گبری ، قبرستان ، جمجمه از ، ۱۲۶  
 قلق جانلو ، ۲۰۶  
 قلندرانی ، عرض فکین ، ۶۶۳ ، عرض  
 دو گونه ، ۶۵۹ ، شاخص سر ،  
 ۶۴۸ ، اندازه های سر ، ۶۳۴ ، ۶۴۰  
 قلیوند ، ۲۱۵  
 قم ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن  
 انسان روی یک مرد ، ۵۳۵ ، ۵۲۶ ،  
 ۵۳۶ ، قبایل عرب ، ۱۳۱ ، خون  
 سیاه پوست ، ۵۲۶ ، خصوصیات  
 جسمانی در جمعی ، ۷۳ ، قبایل  
 نزدیک ، ۱۳۱  
 قم دریاچه ، ۱۹۲  
 قم شهرستان ، ۳۰۲  
 قمیشه ، نگاه کنید به شهرضا  
 قنبرائی ها ، ۱۷۴  
 قنبری ، ۲۵۵  
 قندری ، ۲۸۱  
 قندهار ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان ، ۶۵ ، قلزائیها در ،  
 ۱۴۹  
 قنوائی ، ۲۳۱ ، ۲۲۳  
 قو ، ۲۴۷  
 قوتلو ، ۲۶۴  
 قوجه بیگلو ، ۲۶۴  
 قوچان ، کردهای زعفرانلو در ، ۱۰۸ ،  
 ۲۹۸ ، جمعیت ، ۲۹۵  
 قورباغه ، ۲۷  
 قوش بازی ، ۲۶  
 قوغی ، ۲۵۹
- قونیه ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان ، ۶۱۸ به بعد .  
 کابل ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن  
 انسان ، ۶۵ ، مهاجرت آریانها ،  
 ۱۵۵ ، قبایل آریین در ، ۱۳۹  
 کابلی ، نام کولیهها ، ۱۳۳  
 کاپرز ، ۴۳۴ ، ۵۰۸ ، ۶۱۰ ، ۶۱۱ ، ۶۳۱  
 به بعد .  
 کاترفاژ ، ۷۴  
 کاتیوار ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان از ، ۶۲۲ به بعد .  
 کارپرتر ، رابرت ، ۴۲۶  
 کاردوچی ، ۹۲  
 کاردوچیا ، نگاه کنید به کردستان  
 کارمانبها (کارمانیان) ، ۱۵۶ ، ۴۰  
 کارونلو ، ۲۰۵  
 کاسه - کوسائیان ، ۱۸۳  
 کاسیت ، ۱۸۴  
 کاشان ، ۲۰۶  
 کاشان شهرستان ، ۳۰۲  
 کاشان ، اطلاعات گردآوری شده درباره  
 اندازه گیری بدن انسان ، ۶۱۰ ،  
 جمجمه هائسی از گورستان  
 نزدیک ، ۳۲۴ ، ساکنین ، ۱۳۱ ،  
 یهودیها در ، ۱۳۱ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ،  
 جمعیت ، ۱۷۶ ، ۲۰۶  
 کاشی ، نوعی آجر ، ۲۰۶  
 کاظم بسلو ، ۲۵۷  
 کاظم لو ، ۲۶۲  
 کافرستان ، قبایل آریین در ، ۱۴۹  
 کاکاخاندو ، ۲۵۷  
 کاکاوند ، در ولایات شمالی و شمال غربی ،  
 ۲۰۱ ، ۲۰۳ ، در دلفان ، ۲۱۲ ،  
 ۲۱۴ ، ۲۱۵ ، ۲۱۸

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۹۱

- کاکس ، سرپرسی، ۱۵ به بعد  
 کاکولوند ، ۲۱۳  
 کالج پادشاهی جراحی ، مجموعه ها نشر ، ۶۱-۶۳  
 کامپاندا = بیستون؛ ۱۸۲  
 کامرون ، جرج ، ۱۸۳-۱۸۷  
 کاندل ، آلفونس دو ، ۲۴  
 کاهو ، ۲۳ ، ۱۹۲  
 کپادوچی ، ۸۷  
 کپچاک ها ، ۱۱۰  
 کپورماهی ، ۱۹۳  
 کثرتان ، قبیله ای از اعراب ، ۱۶۸  
 کتلو ، ۲۸۰  
 کتور ، ۹۷  
 کتیرا ، ۲۰ ، ۲۱۷  
 کثیر ، نگاه کنید به آل کثیر  
 کچکوهی (خوجه) ، ۲۸۰  
 کدمن ، لرد ، ۶  
 کدو ، ۲۳ ، ۱۹۲  
 کسبا ، ۱۵۰  
 کشاورزی در فلات ایران در عصر قبل-  
 آریائی ، ۱۸۹ ، مراکز جهان ، ۶۹۳-۶۹۵  
 کشاورزی محصولات ایران ، ۲۰-۲۴  
 کشمش ، ۲۵۲  
 کرانی ، ۲۶۴  
 کرتیها ، ۴۱  
 کرجوئو ، ۲۶۲  
 کرخلو ، ۲۶۲  
 کردستان ، ۹۱ ، ۹۳ ؛ اطلاعاتی درباره  
 اندازه گیری بدن انسان ، ۴۰۶ ،  
 ۶۱۹-۶۲۰ به بعد ؛ موبورها  
 در ، ۱۶۹ ؛ گیاهان بومی در ،  
 ۶۹۵  
 کردستان (ایران) ، اطلاعاتی درباره  
 اندازه گیری بدن انسان ، ۶۶ ،  
 قبایل ، ۹۳-۹۶  
 کردستان (عراق) ، محله های عصر حجر ،  
 ۶۹۶  
 کردشولی ، ۲۶۴  
 کرد علیوند ، ۲۱۲ ، ۲۲۶  
 کردف ، ک ، ۴۱۸  
 کرد ، قبایل ، در ولایات شمالی و شمال  
 غربی ، ۱۹۹ ، ۲۰۰  
 کردستانی ها ، ۱۰۵  
 کرد و ترک ، ۲۰۰ ؛ اصل از ، ۲۰۰-۲۰۱  
 کردها ، ۵۰ ، ۶۸ ، ۱۳۵ ، موبور در بین ،  
 ۱۶۹ ؛ اسامی ، ۴۱ ؛ سوابق  
 تاریخی ، ۹۱-۹۳ ؛ در فارس ،  
 ۱۷۷ ؛ در ایران ، ۴۸ به بعد ،  
 ۸۸ ، ۹۰-۹۷ ، ۱۰۵ ، ۱۱۳ ؛  
 در بلوچستان ایران ، ۱۰۶ ،  
 ۲۸۷ ، ۲۸۹ ؛ در کرمان ، ۲۸۰ ؛  
 در کرمانشاه ، ۱۱۳ ، ۲۰۹ ؛ در  
 خراسان ، ۱۰۸-۱۰۹ ، ۱۱۰ ،  
 ۱۴۴ ، ۱۴۷ ، ۲۹۵ ، ۲۹۶ ،  
 ۲۹۸ ، ۲۹۹ ؛ در لرستان ، ۱۷۷ ،  
 ۲۰۸ ، ۲۱۹ ؛ در مازندران ، ۱۱۳ ،  
 ۲۰۱ ؛ مهاجرت به آذربایجان ،  
 ۱۷۷ ؛ مربوط به کردستان عراق ،  
 ۷۰۲ ؛ نژاد از ، ۱۳۷ ؛ خصوصیات  
 جسمانی ، ۵۸ ، ۹۴ ، ۱۳۷ ، ۱۶۸-  
 ۱۶۹ ؛ قبایل ، ۹۵-۹۶ ، ۱۳۲ ،  
 نیز نگاه کنید به ترکمن ، کردهای  
 اطلاعاتی در باره اندازه گیری  
 بدن کردها ؛ عرض فك ، ۱۲۵ ،  
 ۶۶۳ ؛ عرض گونه ، ۱۲۴ ، ۶۵۸-  
 ۶۵۹ ؛ شاخص های سر ، ۱۲۱ ،



## ۸۹۲ - مردم شناسی ایران

- ۱۲۲ ، ۱۲۹ ، ۱۳۷ ، ۶۴۲ ،  
۶۴۶ - ۶۴۷ ، چشمها ، ۵۸ ،  
اندازه‌ها و شاخصهای صورت ،  
۶۶۶ ، ۶۷۰ ، شاخص پیشانی و  
آهیانه ، ۶۵۴ ، مو ، ۱۱۶ ، شکل  
سر ، ۶۴۹ ، اندازه‌های سر ،  
۵۳ ، ۶۳۳ ، ۶۳۹ ، لبها ،  
۱۱۷ ، حداقل قطر پیشانی ، ۱۲۳ ،  
۶۵۴ ، عضلات ، ۱۲۰ ، اندازه‌ها  
و شاخصهای بینی ، ۶۷۷ ، ۶۷۹ -  
۶۸۰ ، ۶۸۳ - ۶۸۴ ، شکل بینی  
۱۳۷ ، قد نشسته (طول تنه) ،  
۶۲۵ ، قد ، ۱۱۸ - ۱۱۹ ، ۶۱۹ -  
۶۲۰ ، دندانها ، ۱۱۷ ، شاخص  
گونه و پیشانی ، ۶۵۸ - ۶۵۹ ،  
شاخص گونه و فك ، ۶۶۳ ،  
اندازه‌ها و شاخصهای سه مرد  
اندازه‌گیری شده در سلیمانیه و  
كر كوك ، ۵۳۲ - ۵۳۶  
كرزن ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۸۸ - ۱۱۲ ، ۲۰۹ ، ۲۹۵ ،  
۳۴۹ ، ۳۵۲ ، ۴۲۵ ، ۴۲۶ ،  
۲۷۴ ، ۳۴۹ ، ۳۵۲ ، ۴۲۵ ،  
كر كوك ، ۱۸۰ ، محلهای عصر حجر نزدیک ،  
۶۹۶ ، ۶۹۷  
كركى ، ۲۱۲  
كرگانه‌رو ، ۲۰۲  
كرمان ، اطلاعات گردآوری شده درباره  
اندازه‌گیری بدن انسان ، ۶۱۰ ،  
مرکز تجارتی مهم ، ۲۷۸ ، آب  
و هوا ، ۲۷۵ ، ۲۷۷ ، مجموعه  
گیراز ، ۶۳ ، جمعیت ، ۱۰۴ ،  
۱۷۵ ، ۲۷۸ ، گروههای مذهبی ،  
۲۷۸  
كرمان شهرستان ، ۳۰۳  
كرمان ، محصولات کشاورزی ، ۲۷۴ -  
۲۷۵ ، ۲۷۷ ، پیشرفت صحرا ،  
۲۷۴ ، نواحی ، ۲۷۵ - ۲۷۸ ،  
ناپودی جنگلها ، ۲۷۴ ، اوضاع  
جغرافیائی ، ۲۷۴ - ۲۷۵ ، اصل  
نام ، ۱۵۶ ، ۴۰ ، جمعیت ، ۲۷۸ ،  
وضع بارندگی ، ۲۷۵ ، قبایل و  
طوایف ، ۱۳۳ ، ۱۴۲ ، ۱۷۷ ،  
كرمانشاه ، اطلاعات گردآوری شده درباره  
انسان دربارۀ كردها ، ۵۳۲ -  
۵۳۳ ، قبایل و طوایف ، ۹۳ ،  
۹۵ ، ۱۷۷  
كرمانشاه شهرستان ، ۳۰۲  
كرم زائی گوشت ، ۲۸۱  
كرهشی ، ۲۶۲  
كرم‌علی ، ۲۱۵  
كرمی ، ۲۵۹  
كرندی ، ۹۶  
كرنی (كورونی) ، ۱۰۳ ، ۲۶۸  
كروش (كریش ، قریش) ، ۱۰۵ - ۱۰۶  
كروفوت ، ۶۱۸ ، به بعد  
كروگمن ، ویلتون ، ۳۰۵ ، ۳۰۶ ، ۳۱۲ ،  
۳۳۵ ، ۷۰۸  
كروشنر ، خانم ، ۳۱۹ ، ۴۳۳ ، ۶۱۰  
كروشنر (كریچنر) ، هرالد ، ۳۱۹ ، ۴۳۳ ،  
۶۱۰ ، ۶۴۲ ، ۶۴۷  
كریم ، ۲۵۵  
كریم خان زند ، ۱۳۳ ، ۴۲۵ ، حرکت  
قبایل بعد از سلطنت ، ۲۰۱ ،  
۲۰۵ ، ۲۳۰  
كریملو ، از بهار لو ، ۲۵۷ ، از دره شوریه ،

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۹۳

- ۲۶۲  
گریمه ، تاتارهای ساکن ، شاخص سر ،  
۱۲۹  
گریمه ، خزرها ، ۴۱۸  
گزگاللی ، ۲۹۸  
گزنگی ، ۱۷۰  
گشکولی ، ۱۰۳، ۱۳۶، ۲۶۲، ۲۶۴  
گشمیر ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان از گیاهان از ، ۶۹۴  
گشوند ، ۲۱۱  
گشیمو ، ۲۸۰  
کعب (جای یا چب) ، عربها ، ۹۹-۱۰۱ ،  
۲۲۳ ، ۲۲۴ ، ۲۳۰، ۲۳۵  
کفاشی (کناشی) ، ۲۸۰  
کگاوایی ، ۲۶۶  
کلات نادری ، ساکنین در ، ۱۱۰، ۲۹۶  
کلانی جثه (جیان تیسیم) ، ۱۷۸، از بین  
ایرانیان باستان ، ۴۲  
کلاوند ، ۲۰۵  
کلاه سیاه ، ۲۶۴، ۲۶۷  
کلاهلو ، ۲۶۳  
کلاین ، ۲۱۲  
کلدانیه (جدید) ، ۵۹؛ شاخص سر ، ۶۴۳؛  
اندازه های سر ، ۱۳۱، ۶۳۷؛ در  
ایران ، ۸۹، ۱۹۹  
کلدانیه (قدیم) ، ۱۳۷  
کلم ، ۲۳  
کلموگها ، ۱۶۹؛ عرض استخوان گونه ،  
۱۲۴ ؛ شاخص سر ، ۷۴  
کلوند ، ۲۰۰  
کلونی کوشکی ، ۲۱۵  
کلهر ، ۲۰۹، ۹۵  
کلهرهاله (شهر آسوری) ، ۹۵  
کله مرزی ، ۲۸۱  
کله کوه ها ، ۱۳۳  
کمانلو ، ۲۵۷  
کمبه کابل ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
جمجمه ، ۳۱۱؛ نوع ، ۳۱۲  
کمرزائی اسمعیل زائی ، ۲۸۸  
کمرزائی محمد زائی ، ۲۸۸  
کناره ، ۳۳۸، ۴۵۶؛ ساختمانها در ، ۴۵۷؛  
حیوانات اهلی ، ۴۵۷؛ زندگی  
در قریه و سنتها ، ۴۵۷ ؛ تهیه  
آب ، ۴۵۷  
کناره ، ده نشینان ( ۷۴ مرد  
اندازه گیری شده) ، ۴۵۶-۴۹۲  
سن ، ۴۵۸ ، ۴۸۴ ؛ در مقایسه با-  
گروه های ایران ، ۵۳۶-۵۳۷.  
۵۵۸-۵۶۳  
نوع آلپ ، در بین ، ۴۷۰  
نوع ارمنی و اناطولی ، در بین ،  
۴۷۰  
نوع اتلانتیک و مدیترانه ، در بین .  
۴۷۰  
کچلی نسبی ، در بین ، ۴۵۹  
ریش ، در بین ، ۴۵۹  
عرض ( قطر ) دوفک ، ۴۸۴ ؛ در  
مقایسه با گروه های ایران ،  
۵۳۶-۵۵۸، ۵۶۳ ؛ درمقایسه با  
گروه های جنوب غربی آسیا .  
۶۶۱ به بعد  
عرض ، ( قطر ) دو گونه . ۴۸۴ ؛ در  
مقایسه با گروه های ایران ،  
۵۳۶ ، ۵۵۸-۵۶۳ ؛ درمقایسه  
با گروه های جنوب غربی آسیا ،  
۶۵۶ ، ۶۵۷ به بعد ؛ گروه ها ،  
۴۶۸ ؛ درمقایسه با گروه های  
ایران ، ۵۴۴

## مردم شناسی ایران

کوری ، در بین ، ۴۶۰

بور ، در بین ، ۴۵۹ ، ۲۷۰

شاخص سر ، ۴۸۵ ، در مقایسه با

گروههای ایران ، ۵۵۸ ، ۵۳۷ -

۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای

جنوب غربی آسیا ، ۶۴۲ به بعد ؛

گروهها ، ۴۸۵ ، ۴۶۴ ، ۴۸۵ -

مقایسه با گروههای ایران ، ۵۴۰ -

۵۴۱ ، در مقایسه با گروههای

ایران و عراق ، ۶۴۱

چانه ، ۴۶۹

امراض ، در ، ۴۵۹ ، ۴۶۰ ، ۴۶۲

گوشها ، ۴۶۷ ، اندازه ها و شاخصها ،

۴۸۵ ، در مقایسه با گروههای

ایران ، ۴۳۶ ، ۵۵۸ - ۵۶۳ ، در

مقایسه با گروههای جنوب غربی

آسیا ، ۶۸۸ - ۶۸۹

چشمها ، ۴۵۹ - ۴۶۰ ، چینهای

خارجی ، ۴۶۰ ، گروهها ، ۴۶۰ ؛

در مقایسه با گروههای ایران ،

۵۵۳ - ۵۵۴ ، شکاف ، ۴۶۰

صورت ، اندازه و شاخصها ، ۴۸۴ -

۴۸۵ ، در مقایسه با گروههای

ایران ، ۵۳۶ - ۵۵۸ ، ۵۳۷ -

۵۶۳ ، با گروههای جنوب غربی

آسیا ، ۶۶۵ ، ۶۶۸ به بعد ؛

گروهها ، ۴۶۸ - ۴۶۹ ، ۴۸۱ -

۴۸۳ ، در مقایسه با گروههای

ایران ، ۵۴۴ - ۵۴۸ ، در مقایسه

با گروههای ایران و عراق ،

۶۷۱ - ۶۷۲

انواع صورت ، ۴۶۸ - ۴۶۹ ؛ در

مقایسه با گروههای ایران ،

۵۴۵ - ۵۴۶ ، صورت پهن ، ۵۴۷ ؛

پیشانی ، ۴۶۶

پیشانی و آهیانه ( پیشانی و فرق ) ،

۴۸۵ ، در مقایسه با گروههای

ایران ، ۵۳۶ - ۵۳۷ ، در مقایسه

با گروههای جنوب غربی آسیا ،

۶۵۳ به بعد

مو ، ۴۵۸ - ۴۵۹ ، گروهها ،

۴۵۹ ، در مقایسه با گروههای

ایران ، ۵۵۱ - ۵۵۲ ، عرض و

طول سر ، ۴۸۴ ، در مقایسه با

گروههای ایران ، ۵۳۶ - ۵۳۷

۵۵۸ - ۵۶۳ ، در مقایسه با

گروههای ایران و عراق ،

۶۲۸ ، در مقایسه با گروههای

جنوب غربی آسیا ، ۶۳۱ به بعد ؛

۶۳۶ به بعد ؛ گروهها ، ۴۶۷ ،

در مقایسه با گروههای ایران

۵۴۲ - ۵۴۳

شکل و اندازه سر ، ۴۶۴ - ۴۶۷ ،

گروهها ، ۴۶۵ ، ۴۶۷ ، ۴۸۶ ؛

در مقایسه با گروههای ایران ،

۵۴۱ - ۵۴۳ ، در مقایسه با

گروههای ایران و عراق ، ۶۲۸ -

۶۲۹

بهداشت عمومی ، ۴۶۲

حنا ، ۴۵۹

لبها ، ۴۶۱

قدنشسته ، در مقایسه با گروههای

ایران و عراق ، ۶۲۵

گونه ، ۴۶۹

نوع مدیترانه ، در بین ، ۴۷۰

حد اقل قطر پیشانی ، ۴۸۴ ؛ در

مقایسه با گروههای ایران ،

۵۳۶ ، ۵۵۸ - ۵۶۳ ، در مقایسه

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۹۵

- با گروههای جنوب غربی آسیا ،  
۶۵۳ به بعد ؛ گروهها ، ۴۶۷ ،  
در مقایسه با گروههای ایران ،  
۵۴۲ - ۵۴۳
- نژاد مغول در بین ، ۴۶۹ ، ۴۷۰  
خصوصیات شکل شناسی ، ۴۵۸ -  
۴۶۲ ، در مقایسه با گروههای  
ایران ، ۵۵۱-۵۵۶ ؛ مقایسه‌ای  
از گروههای سردراز ، صورت  
باریک ، افراد بینی باریک با  
سایر گروههای ایران ، ۵۹۲ -  
۵۹۳
- دهان ، ۴۶۱  
عضله ، ۴۶۲  
سبیل ، ۴۵۹  
طول و عرض بینی ، ۴۸۴ ، در  
مقایسه با گروههای ایران ،  
۵۳۶-۵۳۷ ، ۵۵۸-۵۶۳ ، در  
مقایسه با گروههای ایرن و عراق ،  
۶۷۲ ، در مقایسه با گروههای  
جنوب غربی آسیا ، ۶۷۵ به بعد ،  
۶۷۸ به بعد ؛ گروهها ، ۴۷۰ ،  
در مقایسه با گروههای ایران ،  
۵۴۹ ؛ در مقایسه با افراد عراق ،  
مصر و هند ، ۶۷۳-۶۷۵ شاخص  
بینی ، ۴۸۵ ؛ در مقایسه با گروههای  
ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ، ۵۵۸ -  
۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای  
ایران و عراق ، ۶۷۲ ؛ با  
گروههای جنوب غربی آسیا ،  
۶۸۱ ؛ گروهها ، ۴۸۶ ، در  
مقایسه با گروههای ایران ،  
۵۵۰ ، با گروههای ایران و  
عراق ، ۶۸۰
- نیمرخ بینی ، ۴۶۱ ؛ گروهها ،  
۴۶۱ ، در مقایسه با گروههای  
ایران ، ۵۵۴ - ۵۵۵ ؛ در مقایسه  
با گروههای ایران و عراق ، ۶۸۶ ،  
در مقایسه با افراد سردراز ،  
صورت باریک ، بینی باریک ،  
۵۹۲ - ۵۹۳
- بیخ بینی ، ۴۶۱  
سی نوک و پرهها ، ۴۶۱ ،  
گروهها ، در مقایسه با گروههای  
ایران ، ۵۵۴ - ۵۵۵ ؛ گردن ،  
۴۶۹
- سیاه پوست در بین ، ۴۶۱ ، ۴۷۱ ، ۶۰۷ -  
۶۰۸  
نوع نور دیک در بین ، ۴۷۰  
کلاه پهلوی ، ۴۵۷  
بررسی تصاویر ، ۴۷۰ - ۴۷۱  
پیش آمدگی آرواره  
نوع آلپ اولیه در بین ، ۴۶۶  
اطلاعات تخمینی ، در باره اندازهها ،  
شاخصها و خصوصیات شکل  
شناسی ، ۴۷۲-۴۹۲  
نمونه گروه فارس ، ۴۵۶  
قدنشته ، ۴۸۴ ؛ در مقایسه با  
گروههای ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ،  
۵۵۸ - ۵۶۳ ، در مقایسه با  
گروههای ایران و عراق ، ۶۲۶ ،  
در مقایسه با گروههای جنوب  
غربی آسیا ، ۶۲۴ ؛ گروهها ،  
۴۶۳ ، در مقایسه با گروههای  
ایران ، ۵۳۹ رنگ پوست ، ۴۵۸
- آبله ، ۴۶۲  
تجزیه آماری ، ۴۶۳ - ۴۷۰  
قد ، ۴۸۴ ، ۵۵۸ - ۵۶۳ ، در

## ۸۹۶- مردم شناسی ایران

- مقایسه با گروههای ایران و عراق ، ۶۲۵ ؛ در مقایسه با گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۱۷ به بعد ؛ گروهها ، ۴۶۳ ، ۴۸۶ ، در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۹ ، ۵۳۸ ؛ در مقایسه با گروههای ایران و عراق ، ۶۱۶
- خال کوبی در بین ، ۴۶۳
- دندانها ، ۴۶۱ - ۴۶۲ ؛ گروهها ، ۴۶۲ ؛ در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۵۵ - ۵۵۶
- شاخص گونه و پیشانی ، ۴۸۵ ؛ در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۷ ، ۵۳۶ - ۵۵۸ ؛ در مقایسه با گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۵۷ به بعد .
- شاخص گونه و فك ، ۴۸۵ ؛ در مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۷ ، ۵۵۸ - ۵۶۳ ؛ در مقایسه با گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۶۱ به بعد .
- کندازلی ، ۱۰۰
- کندر ، ۸۶
- کندرو ، دلیو . جی ، ۲۲
- کندی ، والتر ، ۲ ، ۳۵۴ ، ۵۲۴
- کنفینو ، ۳۵۲
- کنیا کمز ، ۲۹۸
- کوامیل ، ۲۲۸
- کوتاه قد ها ( کوتوله ها ) ، ۳۶۱ ، ۳۵۴ ، ۳۷۴
- کوتای ، یهودیها در ، ۴۱۸
- کوجوک ، ۲۹۸
- کوچامی ، ۲۸۰
- کوچ های قبایل ، ۱۰۲
- کوچیت ، ۷۹
- کودراها ، ۹۲
- کورا ، دره ، اطلاعاتی درباره اندازه - گیری بدن انسان در ، ۶۳۳ به بعد
- کورائی ، ۲۶۶
- کوروش ، قبیله ، ۲۶۸
- کوروش کبیر ، ۳۹ ، ۳۰
- کورونیکف ( کرونیکو ) ، ۱۸۷ ، ۶۲۰ به بعد .
- کوره شولی ، ۱۰۴
- کوسه لر ، ۲۰۵
- کوشاککی ( کوشکائی ) ، ۲۶۸ ، ۲۶۶
- کوک ، ۶۹۴
- کولچی ها ، ۳۹
- کولدژا ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن انسان ، ۱۲۸
- کولو ، ۲۶۸
- کولیاهی ( کلیای ) ، قبایل کرد در ، ۹۶
- کولی ها ، ۱۴۲ - ۱۴۳ ، ۱۴۶ - ۱۴۷ ، ۱۶۳ ؛ شکل سر ، ۱۲۶ ؛ در ایران ، ۴۹ ، ۸۹ ؛ در کرمان ، ۲۸۰ ، ۲۸۱ ؛ در خراسان ، ۱۷۰ ؛ در ترکستان ، قد ، ۶۲۰
- کوماچای ، ۲۸۰
- کومارف ، ۴۱۸
- کومیک ها ، ۴۱۶
- کون ، کارلتون ، ۷۰۸ ، ۶۴۹ ، ۶۱۵ ، ۴
- کوه تفتان ، ۲۸۲ ، ۲۸۷ ، ۲۸۸ ؛ قبیله در ، ۲۸۹
- کوه خواجه ، ۲۹۱
- کوهستان یهودیهای ، ۴۱۶ ، ۴۱۸ ؛ شاخص سر ، گروهها ، ۴۱۹ ، ۴۲۰ ؛ خیلی سر کوتاهی ، ۴۱۹ ؛ از ایران ، ۴۱۸ ؛ اندازه ها و

## فهرست اعلام و مطالب - ۸۹۷

۶۵۱ ، اندازه سر ، گروهها ،  
 ۶۲۹،۶۲۸ : کوتاهترین طول  
 دنه ، ۶۲۵-۶۲۶ ، حداقل قطر  
 پیشانی ، ۶۵۳ ، گروهها ، ۶۵۲ ؛  
 اندازهها و شاخصهای بینی ، ۶۷۲ ،  
 ۶۷۶ ، ۶۷۸ ، ۶۸۱ ، گروهها ،  
 ۶۷۳ ، ۶۸۰ ، ۶۸۱ ، نیمرخ بینی ،  
 گروهها ، ۶۸۶ ، قدنشسته ،  
 ۶۲۵ ، ۶۲۴ ، گروهها ، ۶۲۵ ،  
 قد ، ۶۱۷ ، گروهها ، ۶۱۶ ،  
 ۶۲۵ ، شاخص گونه و پیشانی  
 ۶۵۷ ، ۶۶۰ ، شاخص گونه و  
 فك ، ۶۶۱ ، ۶۶۴  
 کیش A قبرستان ، اطلاعاتی درباره  
 اندازه گیری جمجمه ، ۳۱۰  
 کیش کارگران ، عرض فکین ، ۱۶۶۱ عرض  
 دو گونه ، ۶۵۷ ، شاخص سر ، ۶۴۳ ؛  
 اندازه ها و شاخصهای صورت ،  
 ۶۶۵ ، ۶۶۸ ، شاخص پیشانی و  
 آهیانه ، ۶۵۳ ، اندازه های سر ،  
 ۶۳۱ ، ۶۳۶ ، حداقل قطر پیشانی ،  
 ۶۵۳ ، اندازه ها و شاخصهای بینی  
 ۶۷۵ ، ۶۷۸ ، ۶۸۱ ، قد ، ۶۱۷ ؛  
 شاخص گونه و پیشانی ، ۶۵۷ ؛  
 شاخص گونه و فك ، ۶۶۱  
 کیش ، نوع افریقا و اروپائی در ، ۱۸۵ ،  
 انواع نژادی در ، ۳۱۸ ؛ خصوصیات  
 اسکلتها ، ۳۱۸  
 کیش ، نوع جمجمه در لرستان ، ۳۲۳  
 کیوانلوها ، ۱۰۹ ، ۲۹۹  
 سا بریل ، ۲۸۱  
 ساردو (گوردو ، گوتو) ، ۹۲  
 سارو ، دروسی ، ۶۹۶ ، ۶۹۷

شاخصها ، ۴۱۹ ، ۴۲۰ ، ۴۲۱ ؛  
 نوع مغولی ، ۴۱۹ ؛ شاخص بینی ،  
 گروهها ، ۴۲۲ ؛ آمار ، ۴۱۸ ؛  
 خصوصیات جسمانی ، ۴۱۸ به-  
 بعد ؛ شاخص کل صورت  
 گروهها ، ۴۲۲  
 کوهستان یهودیهای ، نگاه کند به  
 یهودیهای قفقاز  
 کوهستانی ، ۲۶۸  
 کوه سرانی ، ۲۸۱  
 کوه شاه جهان ، ۲۹۴  
 کوه شهری ، ۲۸۱  
 کوهنگلو ، ۲۱۴ ، ۲۱۶ ، ۲۵۱ ، ۲۵۴ ، ۲۶۱ ؛  
 قبایل فرعی ، ۲۳۱ ، ۲۴۴ ، ۲۶۶  
 کوهن ، جوزف ، ۳۷۱ ، ۳۵۳ ، ۳  
 کوه نمک ، ۲۷۱  
 کوهواده ، ۲۶۴  
 کوهی ، ۲۶۳  
 کهن اعراب ، شاخص سر ، ۶۴۳  
 کیانی ها ، ۱۰۵  
 کیث ، آرثر ، ۱۸۸ ، ۱۸۹ ، ۳۱۸ ، ۳۳۹ ،  
 ۴۶۳ ، ۶۶۶ ، ۶۹۹-۷۰۲ ، ۷۰۷  
 کیش ، عربها ، شباهت به لرهای پشت کوه ،  
 ۵۰۷  
 کیش عربها ، عرض فکین ، ۶۶۱ ؛ عرض  
 دو گونه ، ۶۵۷ ، ۶۶۰ ؛ گروهها ،  
 ۶۵۶ ، ۶۷۱ ؛ شاخص سر ، ۶۴۳ ؛  
 گروهها ، ۶۲۹ ، ۶۴۱ ؛ اندازه ها  
 و شاخصهای گوش ، ۶۸۹ ؛ شکل  
 صورت ، ۶۶۷ ؛ اندازه ها و  
 شاخصهای صورت ، ۶۶۵ ، ۶۶۸ ؛  
 گروهها ، ۶۷۱ ؛ شاخص پیشانی  
 و آهیانه ، ۶۵۳ ؛ عرض و طول  
 سر ، ۶۲۸ ، ۶۳۱ ، ۶۳۶ ؛ گروهها ،



## فهرست اعلام و مطالب - ۸۹۹

- گرو نمآن ، کارل ، ۷  
گروی ، ۲۸۰  
گرهارد ، پیتز ، ۱۱۰۷  
گوز ، درخت ، ۲۹۱، ۲۸۳، ۱۹  
گستاوسن ، داوید ، ۴۴  
گشتیل ، ۲۳۰  
گل (گال) ، جیمز ، ۳۳۳، ۳۳۰، ۳۰۵، ۵  
گل ابریشم ، درخت ، ۲۷۴  
گلزن اقری ، ۲۶۳، ۱۴۶  
گلزن میچک ، ۲۶۳  
گلزن نمدی ، ۲۶۴، ۲۶۳  
گلزن ها (گلزن ها) ، ۲۶۳، ۱۰۳  
گل باکن ، ۲۶۶  
گلپاکو ، ۹۵  
گلچا (کالچا ، گلپاس) ، ۱۶۲، ۱۳۱ -  
۱۶۳ ، بورها ، ۱۳۷ ، شاخص  
بینی ، ۶۸۴ ، قد ، ۶۲۰  
گلپایگان شهرستان ، ۳۰۲  
گلپایگان ، یهودیان در ، ۳۴۹  
گلنداس ، ۲۱۹، ۲۱۸  
گل و گیاه ، ۱۹ - ۲۱۹، ۲۰ - ۲۲۰ ،  
۲۷۴ ، ۲۹۱، ۶۹۳ - ۶۹۵  
گمان ، ۲۳۳  
گمشاد زائی ، ۲۸۹  
گناباد ، شهرستان ، ۳۰۳  
گنپ ، وان ، ۳۴۵  
گنجی ، م ، ح ، ۳۰۲، ۳۰۱، ۱۰  
گندم ، ۲۱۹، ۲۰۸، ۲۰۴، ۲۰۱، ۱۹۲، ۲۱  
۲۱۹ ، ۲۲۵ به بعد ، ۲۵۲ ،  
۲۶۹ ، ۲۷۱  
گندوزلو ، ۷۷، ۵۱  
گوارد ژیلان خلد ، محل عصر حجر ،  
۶۹۷  
گوتیه (گوتبر) ، ۶۴۲، ۶۱۷، ۵۰۸
- گوتو (گوتی) ، ۱۸۳، ۹۲  
گوجا ، ۲۶۵  
گوجر ، ۲۶۵  
گود علی ، ۲۸۰  
گوران ، ۹۶، ۹۴  
گورجندی ، ۲۸۰  
گوردو ، ۹۲  
گورکن ، ۲۴۲  
گورکیچ ، ۲۸۸  
گورسای ، ۹۵  
گورگندی ، ۲۷۹  
گوسفند ، ۲۲۴، ۲۱۷، ۱۹۳، ۱۰۷، ۲۵  
۲۲۶ به بعد ، ۲۴۲ ، ۲۶۰ ،  
۴۵۷، ۴۲۴، ۲۹۹ ، ۲۸۸، ۲۶۹  
گوش ، اندازه ها در ارتباط باسن ، ۶۸۹  
گوشت ، ۲۸۸  
گوشکی ، ۹۵  
گوشهی ، ۲۶۴  
گوکبر ، ۲۰۵  
گوکلان ترکمنها ، ۱۷۳، ۷۳ ، ۷۶  
گوگچالو ، ۲۶۲  
گولاشی کردی ، ۲۸۰  
گولك ، ۲۱۴  
گوها ، ۶۲۲، ۳۱۸ به بعد .  
گه ، آب و هوا ، ۲۸۲ ، جمعیت ، ۲۸۳  
گهواره ، نگاه کنید به ارمیها  
گیاهان ایرانی ، مذکور در یادداشتهای  
چینی ها ، ۱۶۰  
گیساردزائی ، ۲۸۹  
گیرالیلی ، ۲۰۱  
گیلان ، ۱۱۱ ، آب و هوا در ، ۱۹۳-۱۹۵  
لهجه در ، ۱۹۹ ، سا نین اول  
ایران در ، ۱۷۶ ، ابریشم در  
۱۹۳ ، سوم ریها



## ۹۰ - مردم شناسی ایران

- ۱۷۵ : توتون در ، ۱۹۳ ،  
قبایل در ، ۷۴ ، ۲۰۱ - ۲۰۲
- گیلان دشت ، ۱۹۲  
گیلانیها ، ۱۱۳ ، ۱۹۸ ، اندازه‌های سر ، ۵۳  
گیلچنکو ، ۶۸۳  
گینزبرگ ، ۱۸۷ - ۱۸۸ ، ۶۱۴ ، ۷۰۷  
گیوه کش ، ۲۶۶
- لابروس ، نگاه کنید به انژلوس ، پاتر  
لاپوژ ، زرد ، ۱۶۲  
لار ، ۲۷۰  
لار ، ازقبیله رودبار کرمان ، ۲۸۱  
لار ، شهرستان ، ۳۰۲  
لارستان ، آب و هوا ، ۲۶۹ - ۲۷۰ ،  
محصول کشاورزی ، ۲۶۹ ،  
حیوانات اهلی در ، ۲۶۹ ،  
جمعیت ، ۲۷۲ ، قبایل و طوایف ،  
۷۹ ، ۱۰۳ - ۱۰۴ ، ۲۵۳ - ۲۵۴  
لارستان و بندرعباس ، ۲۶۹ - ۲۷۴  
لارنس ، ا . و . ، ۳۹ - ۴۳  
لازار ، یوسف ، ۳۰۲ ، ۳۳۸  
لازها ، شاخص سر ، ۶۴۶ ، شاخص بینی ،  
۶۸۳  
لاکارد ، درود دبلیو . ، ۳۰۵  
لاکوپری ، تی . دو . ، ۳۲۰  
لاله ، ۲۶۵  
لایارد ، ا . ه . ، ۵۱ ، ۵۵ ، ۶۳ ، ۷۷ ، ۱۰۰ ،  
۲۱۱  
لبنزنتو ، ویکتور ، ۳۱۳ ، ۳۰۵  
لبنانی ، شاخص سر ، ۶۴۴ ، اندازه‌های  
سر ، ۶۳۲ ، ۶۳۷  
لبو حاجی ، ۲۵۶  
لبو محمدی ، ۲۵۵  
لبوهوسی ، ۲۵۹
- لبوغنی ، ۲۵۵  
لژیگی گروه ، ۴۱۶ ، عرض دوگونه ،  
۴۱۷ ، شاخص سر ، ۴۱۷  
اندازه‌ها و گروه‌های سر ، ۴۱۷ ،  
شاخص و گروه‌های بینی ، ۴۱۷ ،  
خصوصیات جسمانی ، ۴۱۶ ،  
قد و گروه‌ها ، ۴۱۷  
لژیگی‌ها ، عرض دوگونه ، ۶۵۸ ، شاخص  
سر ، ۶۴۶ ، اندازه‌های سر ،  
۶۳۳ ، ۶۳۹ ، اندازه‌ها و  
شاخص‌های بینی ، ۶۷۷ ، ۶۷۹ ،  
۶۸۳ ، ارتباط با ارستها ، ۶۱۰ ،  
قد ، ۶۱۹  
لژیگی یهودیها ، نگاه کنید به یهودیهای  
قفقاز  
لر ، ازبهارلو ، ۲۵۷ ، از عرب‌های جبار ،  
۲۵۵ ، از قشقائی ، ۲۶۴  
لرامیر ، ۲۱۳  
لر بزرگ ، ۲۱۴  
لرستان ، ۲۰۶ - ۲۰۷ ، اطلاعاتی درباره  
اندازه‌گیری بدن انسان ، ۶۶ ،  
۳۲۳ ، عناصر ارمنی در ، ۳۱۹ -  
۳۲۰ ، آب و هوا ، ۲۰۷ - ۲۰۸ ،  
جمعیت از ، ۳۱۶ - ۳۲۳ ، عدم  
وابستگی به نژاد نوردیک ، ۳۲۰ ،  
اطلاعاتی درباره اندازه‌گیری  
جمعیت ، ۳۲۱ - ۳۲۲ ،  
وابستگی‌های نژادی ، ۳۱۹ ،  
نوع افریقائی در ، ۳۲۳ ، غلات ،  
۲۰۸ ، ۲۱۰ ، یهودیهادر ، ۲۰۸ ،  
نوع جمعیت کیش ، ۳۲۳ ،  
حیوانات اهلی در ، ۲۱۰ ، ۲۱۷ ،  
نوع مدیترانه‌در ، ۳۱۹ ، جمعیت ،

## فهرست اعلام و مطالب - ۹۰۱

۵۶۳ ، درمقایسه با گروههای

جنوب غربی آسیا، ۶۵۶-۶۵۹؛

طبقه‌بندی ، ۵۰۳ ، درمقایسه با

گروههای ایران ، ۵۴۴

موبور ، ۵۰۸

تیغ زدن ، ۴۹۹

علامت‌داغ ، ۴۹۹

ابرو برجسته ، ۵۰۲

شاخصهای سر ، ۵۲۳ ، در مقایسه

با گروههای ایران، ۵۳۷، ۵۵۸-

۵۶۳ ، درمقایسه با گروههای

جنوب غربی آسیا ، ۶۴۲ به بعد،

گروهها، ۵۰۱، ۵۲۳؛ درمقایسه

با گروههای ایران، ۵۴۰ -

۵۴۱ ، در مقایسه با گروههای

ایران و عراق ، ۶۴۱

چانه، ۴۹۹

فقدان نقص مصنوعی جمجمه ، ۵۰۱

امراض ، دربین ، ۴۹۹

گوشها ، ۵۰۲ ، استعمال کلاه

نمدی بر، ۵۰۳ ، اندازه‌ها و

شاخصها ، ۵۲۲ ؛ درمقایسه با

گروههای ایران ، ۵۳۷، ۵۵۰-

۵۵۱-۵۵۸، ۵۶۳ ؛ درمقایسه با

گروههای جنوب غربی آسیا ،

۶۸۸ - ۶۸۹

ابروان پیوسته ، ۴۹۷

چشمها ، ۴۹۶ - ۴۹۷ ؛ گروهها ،

۴۹۷ ؛ درمقایسه با گروههای

ایران ، ۵۵۳- ۵۵۴ ؛ شکاف

تم ، ۴۹۷

صورت ، ۴۹۹

صورت ، اندازه‌ها و شاخصها ،

۵۲۳ ؛ در مقایسه با گروههای

۲۱۷ ؛ تپه‌زیان در ، ۳۲۲ ؛

مردم و قبایل در ، ۹۷- ۱۰۰،

۱۷۷ ، ۲۰۸ - ۲۱۹

تر عبدالرضائی ، ۲۵۶

لرک ، ۲۸۱

لر کوچک ، ۲۱۴، ۲۱۳، ۹۸

لر گر ، ۲۶۸

لرها ، ۶۸، ۱۱۳، ۲۱۹؛ و قشائیه، ۱۰۲،

۲۶۱ ؛ شاخصهای سر ، ۷۳ ،

۱۲۱ ؛ تقسیمات و قبایل ، ۹۱،

۱۳۱، ۲۰۴، ۲۰۸ به بعد؛ عرض

و طول سر ، ۷۳ ؛ حداقل قطر

پیشانی ، ۱۲۳ ؛ اندازه‌ها و

شاخصهای بینی ، ۷۳، ۸۱؛ ارقام

و تقسیمات ، ۵۰، ۸۹، ۹۷-۹۸،

۱۹۹ به بعد، اصل از، ۹۷-۹۸،

۲۰۹، ۲۱۷، ۲۲۴ ؛ خصوصیات

جسمانی ، ۱۶۱ - ۱۶۲ ، نوع

ایرانی خالص دربین ، ۱۳۹ ؛

قد ، ۷۳، ۱۱۹ ؛ چادرها، ۲۰۹

حسنقلی خان ، قبیله از پشت کوه

(۵۲) مرد اندازه گیری شده در

بغداد، ارتباط با عراقیه، ۵۰۷

سن ، ۴۹۵ ، در مقایسه با گروههای

ایران، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۵۸-۵۶۲

نوع ارمنی دربین ، ۵۰۷ رینش

مو ، ۴۹۶

عرض فکین ، ۵۲۱ ؛ در مقایسه

با گروههای ایران، ۵۳۶، ۵۴۵،

۵۵۸ - ۵۶۳ ؛ در مقایسه با

گروههای جنوب غربی آسیا،

۶۶۱ به بعد .

عرض دوگونه ، ۵۲۱ ؛ در مقایسه

با گروههای ایران، ۵۳۶، ۵۵۸-

## = چرند شناسی ایران

- ایران ، ۵۶۳-۵۵۸، ۵۳۶ ، در  
مقایسه با گروههای جنوب غربی  
آسیا ، ۶۶۵-۶۶۸ ، گروهها ،  
۵۲۳، ۵۰۴ ، در مقایسه با  
گروههای ایران ، ۵۴۵-۵۴۷ ؛  
در مقایسه با گروههای ایران و  
عراق ، ۶۷۱
- انواع صورت ، ۵۰۵ - ۵۰۶ ؛ در  
مقایسه با گروههای ایران ، ۵۴۵-  
۵۴۶ ؛ صورت گوسفندی در بین ،  
۵۴۷
- پیشانی ، ۵۰۲  
شاخص پیشانی و آهیانه ، ۵۲۲ ؛  
در مقایسه با گروههای ایران ،  
۵۳۷ ، ۵۴۸ ؛ در مقایسه با  
گروههای جنوب غربی آسیا ،  
۶۵۳ - ۶۵۴
- مو ، ۴۹۵ - ۴۹۶ ؛ افراد غیر-  
عادی ، ۴۹۶ ؛ گروهها ، ۴۹۶ ؛  
در مقایسه با گروههای ایران  
۵۵۱ - ۵۵۲
- سر ، عرض و طول ، ۵۲۱ ؛ در  
مقایسه با گروههای ایران ،  
۵۳۶، ۵۴۰ ، ۵۵۸-۵۶۲ ؛ در  
مقایسه با گروههای ایران و عراق ،  
۶۲۸ ؛ با گروههای جنوب غربی  
آسیا ، ۶۳۱، ۶۳۶ ؛ گروهها ،  
۵۰۳ ؛ در مقایسه با گروههای  
ایران ، ۵۴۲-۵۴۳
- شکل و اندازه سر ، ۵۰۱ - ۵۰۲ ،  
۵۰۵ ؛ گروهها ، ۵۰۱ ؛ در  
مقایسه با گروههای ایران ، ۵۴۱-  
۵۴۲ ؛ در مقایسه با گروههای  
ایران و عراق ، ۶۲۸، ۶۲۹
- سلامتی ، ۴۹۹ - ۵۰۰  
حنا رنگ مو ، ۴۹۶  
تلفات اطفال ، ۴۹۳  
نوع ایرانی و مدیترانه در  
۵۰۶
- نوع عراقی و مدیترانه در بین ، ۵۰۶  
نوع گرد ، ۵۰۷  
لبها ، ۴۰۸  
طول تنه ، در مقایسه با گروههای  
ایران و عراق ، ۶۲۵-۶۲۶  
ناحیه گونه ، ۴۹۹
- نوع مدیترانه در بین ، ۵۰۶  
حداقل قطر پیشانی ، ۵۲۱ ؛ در  
مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۶ ،  
۵۵۸ - ۵۶۳ ، در مقایسه با  
گروههای جنوب غربی آسیا ،  
۶۵۳ به بعد . ؛ گروهها ، ۵۰۳ ؛  
در مقایسه با گروههای ایران ،  
۵۴۲ - ۵۴۳
- خصوصیات شکل شناسی ، گروهها  
۴۹۵-۵۰۰ ؛ در مقایسه با گروههای  
ایران ، ۵۵۱-۵۵۶ ؛ مقایسه ای  
از افراد سردراز ، صورت باریک ،  
بینی باریک با سایر گروهها ،  
۵۹۲ - ۵۹۳
- عضله بندی ، ۴۹۹  
سبیل در بین ، ۴۹۶  
بینی ، طول عرض ، ۵۲۱ ؛ در  
مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۶-  
۵۳۷ ، ۵۵۸-۵۶۳ ؛ در مقایسه  
با گروههای ایران و عراق ، ۶۷۲-  
۶۷۳ ؛ با گروههای جنوب غربی  
آسیا ، ۶۷۴-۶۷۵ ، ۶۷۷ ؛

## فهرست اعلام و مطالب -

- شناسی ، ۵۰۹ - ۵۲۳  
قدنشته ، ۵۰۰ ، ۵۲۱ ، ۵۲۲ ؛ در  
مقایسه با گروههای ایران ، ۵۳۶ ،  
۵۳۷ ، ۵۳۸ ، ۵۵۸ - ۵۶۳ ، در  
مقایسه با گروههای ایران و عراق ،  
۶۲۵ ؛ در مقایسه با گروههای  
جنوب غربی آسیا ، ۶۲۴ ؛ گروهها ،  
۵۰۰ ؛ در مقایسه با گروههای  
ایران ، ۵۳۹ ؛ در مقایسه با  
گروههای عراق ، مصر و هند ،  
۶۲۶

رنگ پوست ، ۴۹۵

آبله در بین ، ۴۹۹

نوع اروپائی جنوبی ، ۵۰۷

بررسی آماری ، ۵۰۰ - ۵۰۶

قد ، ۵۰۰ ، ۵۲۳ ؛ در مقایسه با  
گروههای ایران ، ۵۳۶ ، ۵۵۸ -  
۵۶۳ ؛ در مقایسه با گروههای  
ایران و عراق ، ۶۲۵ ؛ در مقایسه  
با گروههای جنوب غربی آسیا ،  
۶۱۷ به بعد ؛ گروهها ، ۵۰۰ ،  
۵۲۱ ، ۵۲۳ ؛ در مقایسه با  
گروههای ایران ، ۵۳۶ ، ۵۳۷ ،  
۵۳۸ ؛ در مقایسه با گروههای  
ایران و عراق ، ۶۱۶

خال کوبی ، ۵۰۰

دندانها ، ۴۹۸ ؛ گروهها در مقایسه

با گروههای ایران ، ۵۵۵ - ۵۵۶

آمار اساسی ، ۴۹۳ - ۴۹۵

شاخص گونه و پیشانی ، ۵۲۲ ؛

در مقایسه با گروههای ایران ،

۵۳۷ ، ۵۵۸ - ۵۶۳ ؛ در مقایسه با

گروههای جنوب غربی آسیا ،

۶۵۷ به بعد .

گروهها ، ۵۰۵ ؛ در مقایسه با  
گروههای ایران ، ۵۴۹ ؛ در  
مقایسه با گروههای از عراق ،  
مصر و هندوستان ، ۶۷۳ - ۶۷۵  
شاخص بینی ، ۵۲۳ ؛ در مقایسه  
با گروههای ایران ، ۵۳۷ ،  
۵۵۸ - ۵۶۳ ؛ در مقایسه با  
گروههای ایران و عراق ، ۶۷۲ ؛  
در مقایسه با گروههای جنوب  
غربی آسیا ، ۶۸۰ - ۶۸۱ ؛  
۵۲۳ ؛ در مقایسه با

گروههای ایران ، ۵۵۰ ؛ در

مقایسه با گروههای ایران و عراق ،

۶۸۰ - ۶۸۱

نیمرخ بینی ، ۴۹۷ ؛ گروهها ،

۴۹۸ ؛ در مقایسه با گروههای

ایران ، ۵۵۴ - ۵۵۵ ؛ در مقایسه

با گروههای ایران و عراق ،

۶۸۶ ؛ افراد سر دراز ، صورت

باریک ، بینی باریک ، ۵۹۲

نوک و پره های بینی ، ۴۹۷ ،

گروهها ، ۴۹۸ ؛ در مقایسه با

گروههای ایران ، ۴۹۸ ؛ در

مقایسه با گروههای ایران ،

۵۵۴ - ۵۵۵

فرو رفتگی بیج بینی ، ۴۹۷

گردن ، ۴۹۹

فرق سر ، ۵۰۲

بررسی تصاوین ، ۵۰۵ - ۵۰۶

نیروی جسمانی ، ۴۹۳

برجستگی فك ، ۴۹۸

انواع نژادی ، در بین ، ۵۰۶ - ۵۰۷

اطلاعاتی در باره : اندازه ها ،

شاخصها ، و خصوصیات شکل -

## ۹۰۱ - مردم شناسی ایران

- شاخص گونه وفك ، ۵۲۲ ، در مقایسه با گروههای ایران، ۵۲۷، ۵۴۸، ۵۵۸-۵۶۳ ، درمقایسه با گروههای جنوب غربی آسیا ، ۶۶۱
- لری ، ۵۰۸. نیز نگاه کنید به لرها
- لری ، عرض فکین، ۱۶۶۳، عرض دو گونه، ۱۶۵۹ شاخص سر، ۶۴۸، اندازه-های سر ، ۶۳۴، ۶۴۰
- لری کوه پنج ، ۲۸۰
- لشانی ، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۸۶، لشری ، بلوچ، ۲۸۶، لقویمت ، ۲۳۴
- لك ، از شاهسونهای بغدادی ، ۲۰۵ ، از خواجه ووند، ۲۰۱ ، از کردها، ۹۵ ، از قشقائی ، ۲۶۵
- لك قبایل ، منتقل به قزوین ، ۱۹۹
- لكو ، ۲۸۰
- لكها ، ۱۳۱، ۱۳۳، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۱
- لكی ها ، ۲۳۱
- لنگدن ، استفن . ، ۳۱۸
- لنینگراد ، مؤسسه مردم شناسی و نژاد شناسی ، ۷۰۸، ۶۲
- لو استرانج ، جی، ۲۴۵
- لوپیا ، ۱۹۲، ۲۳
- لوردانی ، ۲۵۵
- لوری (کولیا) ، ۱۴۲
- لوریمر ، دورانند ، ۲۱۶، ۲۴۳
- لوشان (لوشن) ، فن، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۹، ۱۷۳، ۶۱۸ به بعد .
- لوفر، برتولد ، ۲، ۲۳، ۲۴، ۱۶۰
- لولویی ، ۱۸۳
- لولی (کولیا) ، ۱۴۲، ۲۸۰
- لوفد ، مؤسسه تشریح ، ۳۱۵۵، لیراوی ، ۲۶۵
- لیس ، ن.م.، ۶۱۷، ۶۴۳
- لیسیا ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری بدن انسان ، ۶۴۵، تاجقاوسکی در ، ۱۳۸
- لیمو ترش ، ۲۴
- مائییه ، ۲۳۴
- ماتسیوسکی ، ۶۲۱ به بعد .
- مادائی = مدی ، ۱۸۲، ۱۶۵
- مادها = مدیها ، ۱۸۲، ۱۶۵
- مادقدیم ، عنصرارمنی در ، ۳۲۰
- مادها ، اصطلاحات کلاسیک ، ۱۶۵
- مادهها ، نژاد، ۱۱۱، قدیمترین اثر در اسناد تاریخی ، ۱۶۵ ، ۱۸۲ ، سکونت در ایران، ۲۹، در کتاب مقدس، ۱۵۳، محل، ۳۹، مهاجرت، ۱۵۶، زندگی چادر نشینی در ، ۱۴۵ ، نماینده پارسیها، ۱۴۳ ، خصوصیات جسمانی، ۱۶۸، قبایل، ۳۲ ، ۱۵۶-۱۵۷
- مارتین ، پال ، ۴
- مارتین ، رودلف ، ۶۲۴
- مارتین ، ریچارد، ۳، ۴، ۷، ۱۱، ۳۳۸، ۳۴۶ ، ۳۴۶
- ماردیاناها (امردیان) ، ۳۹، ۴۰، ۱۵۲
- مارشال ، جان، ۳۱۸
- مارگیان ، ۱۵۶
- مارگیانا = مرو ، ۱۵۵
- مارمولك ، ۲۷
- مارونیت ها ، ۱۷۳
- مازندران ، ۱۱۱-۱۱۲ ، محصولات کشاورزی ، ۲۰۰-۲۰۱ ، اطلاعاتی در باره اندازه گیری

## فهرست اعلام و مطا

- بدن انسان ، ۷۴، ۶۶، ۵۳ ، وبا  
 در ، ۱۹۵ ، آب و هوا ، ۱۹۳ -  
 ۱۹۴ ؛ پنبه در ، ۱۹۴ ؛ لهجه ،  
 ۱۹۹ ؛ حیوانات اهلی در ،  
 ۱۹۳ ، ۲۰۰-۲۰۱ ؛ ساکنین  
 اولیه ایران در ، ۱۷۶ ؛ آبیاری ،  
 ۱۹۲ ؛ کشت برنج در ، ۱۹۲ ؛  
 ابریشم در ، ۱۹۳ ؛ قبایل و  
 طوایف در ، ۴۹ ، ۷۴ ، ۱۷۵ ،  
 ۲۰۰ - ۲۰۱  
 مازندرانی ها ، اندازه های سر ، ۷۴، ۵۳ ؛  
 اصل از ، ۱۹۹ ؛ خصوصیات  
 جسمانی ، ۶۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۳ ،  
 ۱۹۹  
 ماسپی ها ، ۳۹  
 ماسلوسکی ، ۶۱۷ به بعد  
 ماسه ، هانری ، ۳۳  
 ماکداول ، دکترپ ، ۳۳۲  
 مال اسعد ، ۲۱۱  
 مالدارها ، ۳۰۰  
 مامش ، ۹۴  
 مامون ، ۹۵  
 ماوراءالنهر ، اهالی بومی ، ۱۳۰  
 ماوراء قفقاز ، اطلاعاتی درباره اندازه -  
 گیری بدن انسان ، ۶۱۹ به بعد ؛  
 باستانشناسی ، ۳۱۶ ؛ ایرانیه  
 در ، ۱۸۸  
 ماهی سیم ، ۱۹۳  
 ماهی کپور ، ۱۹۳  
 ماهیگیران ، ۲۹۰ ، ۲۹۳  
 مایلز ، جرج ، ۳۳۸ ، ۲  
 مباکی ، ۲۱۹  
 متارده ، ۲۲۸  
 متاش ، ۲۱۱  
 متقن ، ۲۶۵  
 مچانلو ، ۲۶۲  
 مچی ، ۱ ، ۶۱۷ به بعد  
 محراب ، ۶۴۲  
 محراب ، ۲۱۱  
 محسن ، ۲۳۲  
 محلجل ، ۲۲۶  
 محمدانی ، ۱۷۴  
 محمدتقی خان ، ۲۴۳  
 محمدحسینی ، ۲۹۲  
 محمدخانی ، ۲۵۷  
 محمدرضاخانی ، ۲۷۹  
 محمد ریزه ، ۲۱۳  
 محمدزائی ، ۲۸۸  
 محمد زائی گوشت ، ۲۸۹  
 محمد زمانلو ، ۲۶۴  
 محمدغلامی ، ۲۷۹  
 محمد غولزائی ، ۲۸۹  
 محمد لو ، ۲۰۵  
 محمدناصری ، ۲۸۰  
 محمدی ، ۲۶۶  
 محمدره (خرمشهر) ، ۲۲۳ ؛ مسیحیان در ،  
 ۲۲۵ ؛ شیخ ، ۲۲۹ ، ۲۳۰ ؛ قبایل ،  
 ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۲۳۵  
 محمودی ، ۲۴۴  
 محیسین (محاسن ، محایسن) ، ۱۰۰ ،  
 ۲۲۳ ، ۲۲۴ ، ۲۲۷ ، ۲۳۵  
 مدانلو ، ۲۰۱  
 مدحیلو ، ۲۰۵  
 مدشالی ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
 بدن انسان درباره یهودیه از ،  
 ۴۱۹  
 مدوئی ، ۲۶۵  
 مدی ، ج.ج. ، ۱۵۷-۱۵۹

## ۹- مردم شناسی ایران

- مدیترانه انواع، در بین گروههای ایران،  
 ۶۰۵-۶۰۶ ، در بین یهودیهای  
 اصفهان، ۳۷۳، در بین روستائیان  
 کناره ، ۴۷۰ ، در بین لرهای  
 پشت کوه، ۵۰۶، در بین روستائیان  
 یزد خواست ، ۴۳۹  
 مدیترانه اولیه مجموعه در تپه حصار ،  
 ۳۰۸ - ۳۰۶  
 مدیترانه بدوی ، ۶۰۳-۶۰۴ ، در قیاس  
 با مجموعه چنودارو ، ۳۳۵  
 نظر کروگمن ، ۳۰۶ ، ۳۰۷ ،  
 نوع سردراز بینی راست ، ۵۹۷  
 مدیترانه ، مجموعه، در تپه حصار، ۳۰۶-  
 ۳۰۷  
 مدیترانه ، نژاد ، ۱۶۲ ، شاخه شرقی ،  
 ۱۳۶ ، ۱۴۱  
 مدیترانه ، نوع ، تنوعات، ۶۰۱-۶۰۴  
 مدیترانه، نوع مجموعه و اطلاعاتی درباره  
 اندازه گیری مجموعه ، ۳۰۷ -  
 ۳۱۲  
 مدیترانه ، نوع (دیکسون) ، اطلاعاتی  
 درباره اندازه گیری مجموعه، ۳۱۰  
 مدیترانه و اتلانتيك نوع ، از بین  
 گروههای ایران، ۶۰۴-۶۰۵،  
 در کناره ، ۴۷۰، در یزد خواست،  
 ۴۳۹  
 مدیترانه ها ، در مهنجودارو ، ۳۱۸ -  
 ۳۱۹ ، در تپه حصار ، ۳۱۲ -  
 ۳۱۳ ، خصوصیات مجموعه ،  
 ۳۰۷، پراکندگی درازمیه قدیم،  
 ۳۱۸ - ۳۱۹ ، در بلوچستان ،  
 ۳۱۹ ، در هندوستان ، ۳۱۹،  
 در لرستان، ۳۱۹، ۳۲۳، در بین-  
 النهرین ، ۳۱۹ ، در ایران ،
- ۳۱۹ ، در ترکستان ، ۳۱۹  
 پراکندگی وسیع، ۳۱۹، نیز نگاه  
 کنید به مدیترانه های اولیه  
 مدیترانه های اولیه ، ۱۵۲ ، شاخص  
 در بین روستائیان یزد خواست ،  
 ۴۳۴ ، محل اقامت اصلی، ۳۱۹  
 مذاهب ، در ایران ، ۲۷۸، ۱۷۹، ۳۵ ،  
 ۲۸۳ ، ۲۹۵، ۳۰۰، ۳۰۱  
 مرآتسه ، ۲۲۹  
 مرادخانی ، ۳۰۰  
 مرادزائی ، ۲۸۹  
 مراد علیوند ، ۲۲۶  
 مرادوند ، ۲۶۶  
 مرادی ، ۲۸۱  
 مرافی ها ، ۳۹  
 مراغه شهرستان ، ۳۰۲  
 مراونه ، ۲۳۳، ۲۳۵  
 مردیا ، ۱۵۰  
 مرغ ، ۴۲۴  
 مرغابی ، ۲۴۷  
 مرغان آبی در فارس ، ۲۴۷  
 مرغان وحشی ، شکارچی، ۲۹۳  
 مرغان ، چ. دو ، ۱۵۰، ۳۱۵  
 مرگ و ماری ، ۲۶۴  
 مرمه ، ۲۳۸  
 مرو ، ۲۹۹، ۱۵۵ ، مهاجرت آریا نهابه،  
 ۱۵۵ ، استقرار قاجارها در ،  
 ۱۴۶  
 مروکها ، ۱۷۳  
 مری ، والاس ، ۳۳۷، ۲  
 مزارزائی سیب ، ۲۸۹  
 مؤلقان ، ۱۱۴  
 مؤلقانی ها ، ۱۱۴ ، عرض فك ، ۱۲۵  
 عرض استخوان گونه ، ۱۲۴ ،

## فهرست اعلام و مطالب - ۹۰۷

دو گونه ، گروهها ، ۶۷۱، ۶۵۶ ؛  
شاخص سر ، گروهها ، ۶۲۹ ؛  
طول صورت ، گروهها ، ۶۷۱ ؛  
اندازه سر ، گروهها ، ۶۳۰ ؛  
اندازه های بینی ، گروهها ، ۶۷۳ ؛  
قد نشسته ، گروهها ، ۶۲۷-۶۲۵ ؛  
قد ، گروهها ، ۶۲۷-۶۲۵

مصطفی وند ، ۲۱۱

مصنوعی ، نگاه کنید به مجموعه مصنوعی  
ناقص

مظور ( موطن ) ، از کعب ، ۲۳۰ ، از  
محیسین ، ۲۲۳ ، ۲۳۵

معافی ( مافی ) ، ۲۰۴، ۹۶ ، ۲۰۵

معاویه ، ۲۲۷

معزا ، شاخص سر ، ۶۴۴

معشور ، نگاه کنید به بندر معشور

معصومی پنج ، ۲۸۰

مغانلو ، ۲۶۴

مغالبه ( مقالیه ) ، ۲۲۹، ۲۳۵

مغرب آسیا ، گروههای ماقبل تاریخ ، ۱۲۹-

مغول ، اثر نژاد ، در میان مردم کنار

۴۷۰ ، ۴۷۱

مغول و سامی ، ۷۶، ۷۳-۷۹

مغولها ، شاخص سر ، ۷۴ ؛ در افغانستان ،

۱۴۹ ؛ در ایران ، ۷۳، ۷۴ ،

۱۲۹، ۱۴۸، ۱۷۷ ؛ در خراسان ،

۱۰۸، ۱۶۹ ؛ حملات ، ۳۲ ،

۱۴۷-۱۴۸، ۲۵۹ ؛ خصوصیات

جسمانی ، ۱۴۸

مغولی مجموعه در تپه حصار ، ۳۰۷ ،

۳۰۹

مغولی عناصر در جمعیت ایران ، ۱۲۶

مغولی مرکز تکاملی ، ۱۷۸

شاخص سر ، ۱۲۱ ، مو ، ۱۱۶ ؛

لبها ، ۱۱۷ ؛ حداقل قطر پیشانی ،

۱۲۳ ؛ ماهیچه ها ، ۱۲۰ ؛ قد ،

۱۱۹ ؛ دندان ، ۱۱۷

مزنگ ، ۲۸۰

مزیدی ، ۲۵۵

مسافری ، ۲۷۹

مستافی ، ۲۸۰

مسخ ، ۲۳۶

مسقط ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۶۱۸ به بعد .

مسکو دانشگاه ، موزه مردم شناسی ، ۱۲۷

مسل ، ۲۰۲

مسلمان بهار ، ۶۴

مسیح خانی ، ۲۰۴

مسیحی ها ، در ایران ، ۱۴۴، ۳۵، ۱۷۹ ،

۲۲۳ ، ۲۲۵

مسیری ، ۲۶۶

مشائی ، ۶۴۲

مشکونی ، ۲۸۰

مشهد ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری

بدن انسان ، ۴۰۶ به بعد ؛ مسیحیان

در ، ۳۰۱ ؛ یهودیها در ، ۱۶۹ ،

۳۴۹ ؛ یهودیهای اندازه گیری

شده در ، ۴۰۶ ؛ زائران به ،

۲۹۵ ؛ جمعیت ، ۱۷۴، ۲۹۵

مشهد ، شهرستان ، ۳۰۳

مشهد ، قبایل ، ۱۰۹-۱۱۰

مشهد لو ، ۲۵۷

مصریها ، ۱۳۶ ؛ مجموعه ، ۴۲-۴۳ ؛

شاخص بینی و رابطه آن با

آب و هوا ، ۶۸۸

مصریهای واحه خرگه ، اطلاعاتی درباره

اندازه گیری بدن انسان ، عرض



## ۹۰۸ - مردم شناسی ایران

مغولی نوح ، ۱۲۴	ممصالح ، ۲۶۲
مغولی نوعهائی در بین گروههای ایران ، ۶۰۸	ملیله وند ، ۲۶۵
مغولیهها در مهنخو دارو ، ۳۱۸ ، در تپه حصار ، ۳۱۳ ، در عراق ، ۳۲۰	منابیح ، ۲۳۷
مقاسیس ، ۲۳۶	مناصیر ، ۲۳۶
مقاطف ، ۲۳۱، ۲۲۸	مندا ، ۱۶۵
مقاطعات (مقطعات) ، ۲۵۹، ۲۵۶	مندامی ، ۹۵
مقبولی ، ۲۸۰	منتفق ، ۱۰۱، ۱۰۰
مقدم ، ۲۲۹، ۲۲۸	منصور ، ۲۳۲
مقدونیها ، ۱۷۸	منقل (منگل) براهوئی ، عرض فکین ، ۶۶۳ ، عرض دو گونه ، ۱۶۵۹
مکاراری گذر ، ۲۷۹	شاخص سر ، ۶۴۸ ، اندازه های سر ، ۶۳۴ ، ۶۴۰
مکاسبه ، ۲۲۸	منگوری ، ۹۴
مکائی ، ۲۹۳	منگودرز ، ۲۶۶
مکان علی ، ۱۱۱	منگوه میر ، ۲۱۲
مکران (ایران) ، ۲۸۱-۲۸۴ ، قبایل و طوایف ، ۷۹ ، ۱۶۸ ، ۱۷۴ ، ۲۸۴ ، ۲۸۶ . نیز نگاه کنید به گدروسیا	منگری ، ۲۱۲
مکرانی ها ، ۱۶۸ ، عرض فکین ، ۶۶۳ ، عرض دو گونه ، ۶۵۹ ، شاخص سر ، ۶۴۸ ، اندازه های سر ، ۶۳۴ ، ۶۴۰	منگلهها ، ۱۷۴
مکری ، ۹۴	منوجان ، ۲۸۱
مکهن ، سرجرج ، ۱۷۴	موالی ، ۲۳۱
مکون (ماکن) ، دونالد ، ۳۳۸، ۳۵۶	موالی بادیه نشینان ، عرض فکین ، ۶۶۲ ، عرض دو گونه ، ۶۵۷ ، شاخص سر ، ۶۴۳ ، اندازه ها و شاخصهای گوش ، ۶۸۹ ، اندازه ها و شاخصهای صورت ، ۶۶۶، ۶۶۹ ، شاخص پیشانی و آهیانه ، ۶۵۳ ، اندازه های سر ، ۶۳۱ ، ۶۳۷
مکی ، ارنست ، ۳۳۵	حسداقل قطر پیشانی ، ۶۵۳
مگی (ماگی) ، ۱۵۷، ۴۲	۶۵۴ ، اندازه ها و شاخصهای بینی ، ۶۷۶ ، ۶۷۸ ، ۶۸۲ ، قد نشسته ، ۶۲۴ ، قد ، ۶۱۸ ، شاخص کوه و پیشانی ، ۶۵۷ ، شاخص گونه و فک ، ۶۶۲ ، ۶۶۴
ملاقباد ، ۲۶۶	موامنه ، ۲۲۶
ملا محمد ، ۲۹۶	مورائی ، ۲۹۲
ملایر ، شهرستان ، ۳۰۲	
ملکم ، جان ، ۲۳، ۴۴، ۴۵-۴۹	
ممسنی ، ۲۵۳، ۲۵۱، ۲۱۶، ۱۰۳، ۹۱ ، ۲۶۲ ، ۲۶۶-۲۶۷	

## فهرست اعلام و مطالب - ۹۰۹

- مورانت ، جی.ام.، ۱۸۷  
 مو ، رنگ ، ۱۱۵. نیز نگاه کنید به حنا  
 مورو = مرو ، ۱۵۵  
 موریه ، ج.، ۲۰۹  
 موزۀ بریتانیا ، ۶۲  
 موزۀ تاریخ طبیعی پاریس ، ۶۲، ۵۴  
 موسی چورن ، ۳۵۱  
 موسی عربی ، ۲۶۵  
 موسی لو ، ۲۰۵  
 موسیقی زن ها ، ۲۶۷  
 موصل ، یهودیها در ، ۴۰۶  
 موگنیر ، بی، ۶۴۳  
 مولهک ، ۲۶۶  
 مؤمن ، ۲۱۵  
 مومیاوند ، ۲۱۲، ۲۱۸  
 مو ، نمونه ها، روش بدست آوردن، ۳۳۹  
 مهاباد ، شهرستان، ۳۰۲  
 مهاجرت ، به ایران، ۲۸-۲۹، ۳۲، ۱۵۶،  
 ۶۹۱-۶۹۰، ۱۸۰، ۱۶۳  
 مهارلو ، نگاه کنید به دریاچه رضائیه  
 مهربلو ، ۲۰۵  
 مهرنگون ، ۲۶۵  
 مهنجودارو، استرالیائی، ۳۱۸؛ اطلاعاتی  
 درباره اندازه گیری بدن انسان،  
 ۳۱۰-۳۱۱ ؛ مدیترانه ها در،  
 ۳۱۸؛ مغولی ها ، ۳۱۸؛ اسکلت  
 انسان، ۳۱۸؛ نوع سومری در ،  
 ۳۱۸؛ ساکنین اولیه سیلان، ۳۱۸  
 مهبوانا ، قبیله، آسوری، ۵۳۳  
 میاح ، ۲۲۶  
 میتانی ، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۳  
 می تانیها ، ۱۵۶  
 میجان ، ۲۸۰  
 میخصیبه ، ۲۳۵  
 میر ، ۳۰۰  
 میراحمدی ، ۲۵۹  
 میرازیه ، ۲۳۵  
 میر بلوزائی ، ۲۸۹  
 میر بهاروند ، ۲۱۰، ۲۱۲  
 میرجات ، عرض فکین ، ۶۶۳ ؛ عرض  
 دو گونه ، ۶۵۹ ؛ شاخص سر ،  
 ۶۴۸ ؛ اندازه های سر ، ۶۳۴،  
 ۶۴۰  
 میرزائۀ ، ۲۳۲  
 میررکی ، ۲۷۹  
 میرزائی ، ۲۸۰  
 میرزا محمدعلی خان ، ۲  
 میرزاوند ، ۲۱۲، ۲۱۹  
 میر سلیمی ، ۲۵۹  
 میرشکار ، ۲۸۰  
 میرصلاحی ، ۲۸۰  
 میرعباس خان ، ۲۱۰  
 میرعباسخانی (= میر بهاروند)، ۲۱۰-  
 ۲۱۱  
 میرعلی خان ، ۲۱۰  
 میرعلیخانی (میرقلعه وند = میرقلاوند)  
 ۲۱ ، ۲۱۴، ۲۱۵  
 میرعلیوند ، ۲۱۲  
 میرغولزائی ، ۲۸۹  
 میرقلاوند ، ۲۱۴  
 میرکی ، ۲۵۶، ۲۵۹  
 میرو ، ۲۸۱  
 میرهای منگوه ، نگاه کنید به میرقلاوند  
 میری ، ۲۵۹  
 میشماست ، ۲۵۳، ۲۶۶؛ چهارایمک، ۲۹۹  
 میگز ، ج.ا.، ۳۳۴  
 میلر ، آستین ، ۲۲، ۱۸  
 میناب شهرستان ، ۲۷۱، ۲۷۳-۲۷۴

## ۹۱۰ - مردم شناسی ایران

- میناب ، ناحیه ، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۳  
مینگر لیان ها ، شاخص سر، ۶۴۶  
مینورسکی ، ۷  
میوه دار ، درختان ، ۲۹۳ ، نگاه کنید  
زبرسب ، و غیره ...  
میوه ها ، در ایران ، ۲۳-۱۹۲، ۲۴
- نابیس ، ۲۳۲، ۲۲۶  
نابین ، جمعیت ، ۳۰۱  
ناتو خائیت ها ، شکل سر، ۱۲۷  
ناتوزائی ، ۲۸۹  
نادرشاه ، ۳۲ ، انتقال قبایل در زمان  
سلطنت ، ۱۹۹۰، ۱۰۵ ، ۲۰۱ ،  
۲۰۵ ، ۲۱۸  
نادرلو ، ۲۶۲  
نارهی ، ۲۶۲  
ناسوقف ، ن.و.، ۱۲۰، ۱۲۲، ۶۴۷  
ناصری ، نگاه کنید به بندر ناصری  
نال (نل) ، اطلاعاتی درباره اندازه  
گیری حجمه ، ۳۱۰، ۳۱۸  
نامدار خانی ، ۲۰۴  
ناناکلی ، ۱۳۳، ۹۶  
نبلوس ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۶۴۴  
نپار ، نگاه کنید به نفر  
ندائی ، ۲۷۹  
نرائی ، ۲۶۶  
نرماشیر ، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، قبایل در،  
۲۷۹  
نژادی انواع ، در چهارگروه ایرانی ،  
۴۳۹ ، ۴۴۰، ۵۰۵ ، ۵۰۶ ،  
۵۰۷ ، ۵۰۸ ، ۶۰۴-۶۰۹  
نژادی طبقه بندی، ملاک سلامت ، ۳۷۲  
نچفتان ، ۲۱۰
- نجم الدین وند ، ۲۶۶  
نخلستان (خرما) ، ۲۳، ۲۲۰، ۲۲۷ ،  
۲۴۶ ، ۲۷۱، ۲۶۹ ، ۲۷۲ ،  
۲۷۳ ، ۲۷۵ ، ۲۷۸ ، ۲۸۶  
نخود ، ۱۹۲، ۲۳  
نخولی ، ۲۹۶  
نسطوریها ، ۸۹، ۵۹ ، در آذربایجان ،  
۹۶-۹۷ ، خصوصیات جسمانی،  
۵۹ ، ۹۷  
نصار ، ۲۳۴، ۲۲۹  
نصاره ، ۱۰۰  
نصایری ، ۲۳۴  
نصرت آباد ، جمعیت ، ۲۹۱  
نصیری (سوریه) ، نماینده جدیدی از  
سیی ها ، ۱۷۳  
نطنز ، جمعیت ، ۲۰۶  
نظارت ، ۲۳۰  
نظربینگلو ، ۲۵۷  
نعلبند و آهنگر ، بین قشائ و خمسه ،  
۲۶۸  
نعمت الهی ، ۲۷۹  
نعیسیه ، ۱۰۰  
نفت خانه ، ریزش باران در ، ۲۲۰  
نفر ، ۱۰۳، ۱۴۶، ۲۵۵، ۲۵۹  
نقد علی ، ۲۵۵  
نقد علی اوشاغی ، ۲۵۶  
نقش رستم ، ۲۹  
نگاهد ارلو ، ۲۶۴  
نلسون ، ویلیام راکهیل ، موسه (کانساس  
سیتی) ، ۳۲۴  
نمبودبری ، اندازه ها و شاخص بینی  
۶۷۵  
نمزادی ، ۲۸۰  
نمک ، ۲۵، ۲۶۹

## فهرست اعلام و مطالب - ۹۱۱

- لوئی ، ۲۶۶  
نوحیره ، ۲۳۸  
نود زائی ، ۲۸۱  
نوراشاین ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان ، ۶۳۳ به بعد.  
نوردیک ، اختلاط در ایران ، ۱۸۶  
نوردیک ، تکلم به زبان هند و ایرانی ، ۱۸۴  
نوردیک ، خصوصیات جمجمه و صورت ،  
۳۰۸  
نوردیک ، عناصر در کنار ، ۴۷۰ ، در  
ایران ، ۶۰۸  
نوردیک ، نژاد در نزد خواست ، ۴۳۸  
نوردیک ، نوع جمجمه ، ۳۱۲-۳۱۳  
نوردیک اولیه ، جمجمه در تپه حصار ،  
۳۰۶ ، ۳۰۷ ، اطلاعاتی درباره  
اندازه گیری جمجمه ، ۳۱۱  
نوردیک نما ، نوع ، در بین گروه های  
ایران ، ۶۰۴-۶۰۵ ، در بین  
ده نشینان یزدخواست ، ۴۳۹  
نوردیک های اولیه ، در ایران ، ۱۶۲ ،  
۶۰۹  
نورعلی ، ۲۱۲  
نوری بلوچی ، ۲۹۲  
نوشادی ، ۲۸۰  
نوشیروانیها ، ۲۸۷، ۱۷۴، ۱۰۶  
نوکر باب ، ۱۰۴  
ننجر ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری  
بدن انسان روی سه مرد ، ۵۲۶  
نه ، ۲۹۱  
نی ، نیزار در سیستان ، ۲۹۱ ، ساکنین ،  
۲۹۲  
نیر ، اندازه ها و شاخص بینی ، ۶۷۵  
نیریز ، ۲۵۲  
نیکیتین ، نازیل ، ۲۰۱، ۳۳
- نیل ، ۲۴  
نیلگز ، ۲۰۶  
نیوهن ، م.تی. ، ۳۲۵، ۳۰۵  
وائسی ، ۲۵۷  
واخی ، ۱۶۲  
وانچ ، عرض دو گونه ، ۶۵۹ ، شاخص  
س. ، ۶۴۷ ، اندازه های س. ،  
۶۳۳، ۶۳۹ ، قد ، ۶۲۰ ، طول کل  
صورت ، ۶۷۰  
واگنسپیل ، ف. ، ۱۸۱ به بعد .  
وال قائد ، ۲۶۵  
والو ، ه.و. ، ۵، ۵، ۳۰۵، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۱۹ ،  
۳۲۰ ، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴  
واله ، پیترو دلا ، ۵۶، ۴۴  
وایس کاره ، ۲۱۲  
وایر ، ایدیت ، ۵  
وایز باخ ، ا. ، ۳۵۵  
ورامین ، قبایل نزدیک ، ۱۳۴  
ورل ، ویلیام ، ۱۷۰، ۱۷۱  
ولسین ، فردریک ، ۵، ۵، ۳۰۵، ۳۲۴ ، ۳۲۵  
ولی شاهی ، ۲۵۶، ۲۵۹  
ولی عاشقی ، ۲۸۰  
وود ، ج.ا. ، ۵۸، ۵۶  
ویلسون ، ارنولد ، ۶، ۲۷-۲۷۵، ۲۸-  
۱۷۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۱ ،  
۲۱۲ ، ۲۱۳، ۲۱۶، ۲۲۵ ،  
۲۳۸ ، ۲۴۴  
وسترگارد ، ن.ل. ، ۵۱  
وسترن رزرو دانشگاه ، آزمایشگاه  
کالبد شناسی و مردم شناسی  
حسمان. ، ۳۳۵  
وشت ، ۲۸۷  
وندا ، ۲۶۴  
ویسنبرگ ، س. ، ۴۰۵، ۴۱۸ ، ۶۰۹ ،

## ۹۱۹- مردم شناسی ایران

۶۱۷ به بعد .

ویشنوسکی ، ب. ۱۸۷۰، ۶۲۰، ۶۴۷

وینه موزه تاریخ طبیعی ، استخوانبندی  
در ، ۳۱۳

هاپار تپ ، ۱۵۱-۱۵۲

هات باوچی ، ۲۷۳، ۲۸۴

هادی زائی ، ۲۸۸

هاروارد ، دانشگاه ، موسسه تفحصات  
جغرافیائی در ، ۷، نگاه کنید به -

بیادی موزه .

هاشم زائی ، اصل از ، ۲۸۹

هاکسلی ، م. ه. ، ۶۱۸ به بعد

هال ، ه. ر. ، ۱۵۱، ۳۲۰

هامون جزموریان ، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۴

هانتر ، دزل ، ۶، ۲۲۰

هانتینگتون ، الزورث ، ۱۹، ۶۹۲

هایکانها = ارمنیها ، ۵۰

هخامنشیان ، قبرستان پارتی ، مجموعه

سباهیوست ، ۱۴۲

هخامنشی ها ، ۳۹، ۱۴۴، ۲۱۹؛ سلسله ،

۲۹ ، ۳۰، ۴۰

هدون (هادون) ، ۱۶۱-۱۶۴ ، ۶۲۱

به بعد .

هدین ، سون ، ۳۱۵، ۶۹۳

هراپا ، مجموعه نوع ارمنی از ، ۳۱۸

هرات ، ۷۲، ۱۴۹، ۱۵۵

هراتی ، ۲۹۲-۲۹۳

هرتسفلد ، ارنست ، ۱۸۰، ۱۸۳-۱۸۸

۱۸۹ ، ۳۵۳، ۴۵۶

هردلیشکا (هردلیچکا) ، ۱۱۵ ، ۳۴۰ ،

۳۴۵ ، ۶۱۹، ۶۳۲ ، ۶۳۸ ،

۶۴۵ ، ۶۵۸، ۶۶۹، ۶۷۷، ۶۸۳

هردوت ، ۳۹، ۴۱، ۴۳-۴۴ ، ۱۰۴، ۵۱ ،

۱۲۹ ، ۱۴۲، ۲۸۱

هرکی ، ۹۴

هرمان ، پ. ، ۳۳۹

هرمز ، جزیره ، ۲۶۹

هریجان ، ۲۶۷

هریسن ، ج. و. ، ۲۴۳

هزارسی ، ۲۶۵

هزاره ، ۹۳، ۱۲۹، ۲۹۹ ، شاخص سر

از ، ۱۶۴، ۶۴۸ ، درافغانستان ،

۶۹-۷۰ ، ۱۴۹ ، درخراسان .

۱۰۸، ۱۴۴ ، شاخص بینی از ،

۱۶۴ ، مشاغل ، ۲۹۹ ، قد ،

۶۲۱ . نیز نگاه کنید به بربریا

هسلوک ، م. م. ، ۶۱۸ به بعد .

هفت لنگ ، ۲۱۴، ۲۴۳

هگمتانه ، نگاه کنید به همدان

هلاله (هالالت) ، ۲۲۳، ۲۳۵

هلالیل ، ۲۲۸

هماوند ، ۹۶

همدان ، ۳۵۰ ، اطلاعاتی در با

اندازه گیری بدن انسان ، ۶۴۷؛

مجموعه از ، ۳۱۳ ، اطلاعاتی

درباره تاریخ بنای ، ۳۵۳ ؛

یهودیان در ، ۳۴۹، ۳۵۳، ۳۷۴ ؛

جمعیت ، ۳۵، ۱۷۶

همدان شهرستان ، ۳۰۲

همدان ، قبایل ، ۹۱، ۱۳۳

هند و آریائی ، ۱۸۰؛ مهاجرت ، ۱۸۰

۱۸۱ ، ۱۸۳

هند و اروپائیها ، بازمانده هائی در شاه

تپه ، ۳۱۵ - ۳۱۶

هند و افغان ، حوزه اقوام از ، درارتباط

با گروههای ایران ، ۷۰۴-۷۰۵

## فهرست اعلام و مطالب - ۹۱۳

- هند و افغان ، نژاد ، ۱۶۳ ، ۱۶۸  
هند و ایرانی ، گروه زبانی در قفقاز ، ۱۸۸  
هند و ایرانی ، نوع ، ۱۶۴  
هندوستان ، اطلاعاتی درباره اندازه -  
گیری بدن انسان ، ۵۴ ، ۶۴ ،  
۶۱۳ ، ۶۲۲ به بعد ، در اویدی  
از ، ۱۴۲ ، ۱۷۰ ، ۱۸۶ ، ۱۹۹ ؛  
شکل سردر ، ۴۵۰ ، نوع مدیترانه  
در ، ۳۱۹ ؛ سیاهپوستان در  
۸۰ ، ۸۶ ، ۱۴۰ - ۱۴۱ ، اقوام ،  
۶۹۹ ، نیز نگاه کنید به  
هندوستان جنوبی  
هند و سیتها از تاکسیلا ، در آسیای  
مرکزی ، ۱۸۷  
هندوها ، ۱۳۶ ؛ شاخص ر ، ۷۴ ؛ جمجمه  
شبیه به جمجمه گبرها ، ۱۲۸ ،  
شکل سر ، ۵۱ ؛ اندازه های سر ،  
۵۳ ، ۶۴ ، ۶۵ ؛ در ایران ، ۱۰۴  
۱۰۷ ، ۲۷۸ ؛ اختلاط بابلوچیها ،  
۱۶۸  
هندوها (حیدرآبادیها) ، درمیناب ،  
۲۷۳ - ۲۷۴  
هندی ، بشر ، ۶۹۶  
هندی ، شعبه اعراب جانی خانی ، ۲۵۵  
هندیان ، ۲۲۳  
هندیان ، رود ، قبایل در امتداد ، ۱۰۰  
هندیها (مشرق) ، در ایران ، ۱۴۳  
هنگام ، جزیره ، ۲۶۹ ، ۲۷۲  
هنوگانلو ، ۲۶۴  
هواشناسی ، اطلاعات ، ۲۲۰ ، ۲۲۱  
هواشیم ، ۲۲۷ ، ۲۳۶  
هوپر ، داوید ، ۳  
هوت ، ۲۷۹  
هوتک ، ۷۲  
هوتم - شیندلر ، ۸۸ ، ۲۷ - ۱۳۱ ، ۹۰ -  
۱۳۴  
هوتن ، دکتر ، ۲ ، ۴ ، ۵ ، ۳۸ ، ۳۲۵ ، ۳۳۹  
۵۶۵ ، ۶۸۶  
هورنی بروک ، ویلیام ، ۲ ، ۲۶۰ ، ۳۳۷  
هوروم ، معبد ، ۳۵۱  
هوری ، ۱۸۳  
هوز ، نگاه کنید به خوزیها  
هوزی ، نگاه کنید به خوزی  
هوسی (هوسه) ، از ۷۳ به بعد ، ۱۱۹ -  
۱۲۰ ، ۱۲۳ ، ۱۴۰ ، ۳۱۹ ،  
۳۲۰ ، ۵۰۸  
هوسینگ ، ۳۲۰  
هولاکو خان ، ۳۲ ، ۱۰۲  
هونزا ، در ارتباط با قبایل ایران و عراق ،  
۱۸۷  
هویشم ، ۲۳۶  
هیشت ، ۲۳۰  
هیستی ، فیلیپ ، ۱۷۲ - ۱۸۷  
هیستی ها ، ۸۷ ، ۱۳۹ ، ۱۸۰ ، ۱۸۳ ،  
نماننده هیتی های سابق ، ۱۷۳  
هیرکایها ، ۱۵۶  
یاریجانلو ، ۲۰۵  
یاتبور ، ۱۵۱  
یاته ، ا.سی ، ۴۲۳  
یادکوری ، ۲۶۲  
یاراحمد ، ۲۱۱  
یاراحمدزائی ، ۲۸۹  
یاراحمدی ، در سیالخور ، ۲۱۵  
یاراحمدی ، شعبه اعراب جانی خانی ،  
۲۵۵  
یارامیشلو ، ۲۰۵

## ۹۹۴ - مردم شناسی ایران

- پارقالی ، ۲۸۰  
 یاغی زائی ، ۲۹۲  
 یاگودی ، ۲۸۰  
 یامه ، ۲۶۴  
 یاموتبال ، ۱۵۱  
 یانگی ، دکتر ، ۶  
 یزد ، ۱۰۷ ، ۲۹۳-۲۹۴ ، اطلاعاتی  
 درباره اندازه گیری بدن انسان ،  
 ۶۶ ، آب و هوا در ۲۹۳ ، جمجمه  
 کبر در ۶۳ ، اهمیت اقتصادی ،  
 ۲۹۴ ، ساکنین ، ۱۷۵ ، ۴۶ ،  
 خصائص جسمانی ، ۵۸ ، یهودیها  
 در ، ۲۹۴ ، زردشتی ها در ،  
 ۱۷۵ ، ۲۹۳ ، استفاده از برف  
 برای سرد کردن ، ۲۹۴  
 یزد ، شهرستان ، ۳۰۳  
 یزدانوند ، ۲۶۶  
 یزدخواست ، ۴۲۳ ، ۳۳۸-۴۲۶ ،  
 اعراب در نزدیکی ، ۲۲۵ ،  
 کاروانسرا در ، ۴۴۱ ، ۴۵۶ ،  
 کتیبه در ، ۴۵۶ ،  
 غار در ، ۴۴۰ ، کشت غله ، ۴۴۱ ،  
 لباس پوشیدن ، ۴۲۴ ، حیوانات  
 اهلی در ، ۴۲۴ ، زندگی  
 خانوادگی ، ۴۲۴ ، شهر قدیمی  
 ۴۲۴ - ۴۲۵ ، کتیبه دروازه ،  
 ۴۲۴ ، نام اصلی ، ۴۲۶ ، قشقائی  
 در نزدیکی ، ۲۶۱ ، پل-نکی  
 در ، ۴۴۱ ، تهیه آب ، ۴۴۰ ،  
 یزدخواست ، رودخانه ، فرسوده کردن ،  
 ۴۲۵ ، اندازه پیشین ، ۴۲۵  
 یزدخواست ده نشینان (۴۸ مردان اندازه-  
 گیری شده) ، ۴۲۷ - ۴۵۶ ،  
 سن ، ۴۲۶ ، ۴۴۲ ، در قیاس با
- گروههای ایران ، ۵۵۸ ، ۵۳۶-۵۶۰  
 ۵۶۰  
 آبله ، در بین ، ۴۳۱  
 آبله ، علامت ، ۴۳۰  
 آلپ نما ، انواع ، در بین ، ۴۳۹  
 آپی ، انواع ، در بین ، ۴۳۹ ، ۶۰۷-۶۰۸  
 ۶۰۸  
 آماری تجزیه ، ۴۳۱-۴۳۸  
 اتلانتیک و مدیترانه ، انواع ، از بین  
 ۴۳۹ ، ۶۰۴  
 ارمنی انواع ، در بین ، ۴۳۹  
 اطلاعات اولیه درباره اندازه ها ، شاخصها  
 و خصائص جسمانی ، ۴۴۲-۴۴۴  
 افراد حذف شده از سری آماری ، ۴۲۶  
 امراض ، در بین ، ۴۳۰-۴۳۱  
 اناطولی ، انواع ، از بین ، ۴۳۹  
 بینی ، شاخص ، ۴۴۱ ، در قیاس با گروههای  
 ایران ، ۵۵۸ ، ۵۳۷-۵۶۰ ،  
 با گروههای ایران و عراق ، ۶۷۲ ،  
 با گروههای جنوب غربی آسیا ،  
 ۶۸۱ ، طبقه بندی ، ۴۴۱ ، در  
 قیاس با گروههای ایران ، ۵۵۰ ،  
 با گروههای ایران و عراق ، ۶۸۰ ،  
 بینی ، طول و عرض ، ۴۴۱ ، در قیاس با  
 گروههای ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ،  
 ۵۵۸-۵۶۰ ، با گروههای ایران  
 و عراق ، ۶۷۲ ، با گروههای جنوب  
 غربی آسیا ، ۶۷۵ ، ۶۷۸ ، طبقه-  
 بندی ، ۴۳۸ ، در قیاس با گروههای  
 ایران ، ۵۴۸-۵۴۹ ، در قیاس  
 با گروههای عراق ، مصر و هند ،  
 ۶۷۳ - ۶۷۴  
 بینی ، نوک و پره ، ۴۲۸-۴۲۹ ، طبقه -  
 بندی ، در قیاس با گروههای

## فهرست اعلام و مطالب - ۹۱۵

قیاس با گروههای ایران، ۵۴۰ -

۵۴۱ ، با گروههای ایران و

عراق ، ۶۴۲ ، نوع مدیترانه

اولیه ، ۴۳۲-۴۳۳ ، در قیاس

بامردان آباده ، ۴۳۳، ۴۳۴

سر ، شکل و اندازه ، ۴۳۲-۴۳۵ ، طبقه-

بندیها ، ۴۴۱، ۴۳۵، ۴۴۳ ، در

قیاس با گروههای ایران، ۵۴۱ -

۵۴۲ ، با گروههای ایران و

عراق ، ۶۲۸ - ۶۳۰

سر ، عرض و طول ، ۴۴۱ ، در قیاس با

گروههای ایران ، ۵۳۶، ۵۴۰،

۵۵۸-۵۶۰، با گروههای ایران،

و عراق، ۶۲۸ ، با مردم جنوب

غربی آسیا ، ۶۳۱ ، ۶۳۶ ،

طبقه بندی ، ۴۳۵ ، در قیاس با

گروههای ایران ، ۵۴۲-۵۴۳

سلامتی ، ۴۳۰

سیاهپوست ، انواع ، در بین ، ۴۲۷ ،

سینه فراخ ، ۴۳۰

شکل شناسی خصوصیات ، طبقه بندیها.

۴۲۷-۴۳۰ ، در قیاس با -

گروههای ایران، ۵۵۱-۵۵۶؛

مقایسه سردرازها ، صورت

باریکها ، بینی باریکها با

گروههای دیگر ایران ، ۵۹۲ -

۵۹۳

صورت ، انواع، ۴۳۷، ۴۳۸ ، در قیاس

با گروههای ایران ، ۵۴۵ ،

صورت گوسفندی ، ۵۴۷

صورت ، شاخصها و اندازهها ،

۴۴۱ ، در قیاس با گروههای

ایران ، ۵۳۶، ۵۵۸، ۵۶۰ ،

ایران ، ۵۵۴ - ۵۵۵

بینی ، نیمرخ ، ۴۲۸ ، طبقه بندی ،

۴۲۹ ، در قیاس با گروههای

ایران، ۵۵۴-۵۵۵، با گروههای

ایران و عراق، ۶۸۶؛ سردرازها.

صورت باریکها ، بینی باریکها،

۵۹۲

پوست ، رنگ ، ۴۲۷

پهلوی ، کلاه ، در بین ، ۴۳۶

پیشانی و آهیانه شاخص ، ۴۴۲ ، در

قیاس با گروههای ایران، ۵۳۶،

با مردم جنوب غربی آسیا، ۶۵۳

تب در بین ، ۴۳۰

تصویری ، بررسی ، ۴۳۸ - ۴۳۹

چشمها ، ۴۲۸ ، طبقه بندی ، ۴۲۸ ، در

قیاس با گروههای ایران، ۵۵۲ -

۵۵۳

حامی ، انواع ، در بین، ۴۳۹

حداقل قطر پیشانی ، ۴۴۲ ، در قیاس با

گروههای ایران، ۵۳۶، ۵۵۸ -

۵۶۰ ، در قیاس با گروههای

جنوب غربی آسیا ، ۶۵۳؛ طبقه-

بندی، ۴۳۵؛ در قیاس با گروههای

ایران ، ۵۴۲ - ۵۴۳

حنا ، عدم استعمال ، در بین ، ۴۳۱

خال کوبی نشانه ، ۴۳۱

دندانها ، ۴۳۰؛ طبقه بندی، ۴۲۹ ، در

قیاس با گروههای ایران، ۵۵۵ -

۵۵۶

دهان ، ۴۲۹

سر ، شاخص، ۴۴۱؛ در قیاس با گروههای

ایران ، ۵۳۶، ۵۵۸، ۵۶۰ ،

بامردم جنوب غربی آسیا، ۶۴۲؛

طبقه بندی ، ۴۳۲ ، ۴۴۱ ، در



## ۴ - مردم شناسی ایران

بامردم جنوب غربی آسیا، ۶۵۶،  
۶۵۷، طبقه بندی، ۴۳۶، در  
قیاس با گروههای ایران، ۵۴۴  
گونه و پیشانی، ۴۴۳، در قیاس با -  
گروههای ایران، ۵۳۷، ۵۵۸ -  
۵۶۰، با گروههای جنوب غربی

آسیا، ۶۵۷

گونه وفک، شاخص، ۴۴۳، در قیاس با -  
گروههای ایران، ۵۳۷،  
۵۵۸ - ۵۶۰، با گروههای جنوب  
غربی آسیا، ۶۶۱

لبها، ۴۲۹

مدیترانه، انواع، در بین، ۴۳۹  
مدیترانه اولیه، میانگین، ۴۳۳ - ۴۳۴  
مو، ۴۲۷، طبقه بندی، ۴۲۷، در  
قیاس با گروههای ایران، ۵۵۱

ناتوانی جسمانی، در بین، ۴۳۱  
نورس یک نما انواع، در بین، ۴۳۹  
یزیدی، در آسیای صغیر، ۱۷۳، قفقاز،  
شاخص سر، ۶۴۲، فضلات

باربران، ۴۹۹، عراق، ۱۶۲

یعقوب اشاندرو، ۲۶۲

یعقوبی، ۲۸۰

یمن، اطلاعاتی درباره اندازه گیری بدن  
انسان، ۶۴۳، یهودیه - در،  
۴۰۵، اطلاعاتی درباره اندازه -  
گیری بدن انسان، ۴۰۶ به بعد.

یمنی ها، شاخص سر، ۶۴۳، قد، ۶۱۸  
یموت (یاموت) ترکمنها، ۲۹۶، ۱۷۳،  
۲۹۸

یندرانلو، ۲۶۲

ینگه چک، ۲۰۵

یوخاری باش، ۱۴۶

یوسفوند، ۲۱۵

بامردم جنوب غربی آسیا، ۶۶۵ -  
۶۶۸، طبقه بندی، ۴۳۶ - ۴۳۷،  
۴۴۱، در قیاس با گروههای  
ایران، ۵۴۵ - ۵۴۸، با  
گروههای ایران و عراق، ۶۷۱

عضلات، ۴۳۰

فک قطر، ۴۴۲، در قیاس با گروههای  
ایران، ۵۳۶، ۵۴۳، ۵۵۸ -  
۵۵۹، با مردم جنوب غربی  
آسیا، ۶۶۱

قد، ۴۴۱، در قیاس با گروههای ایران،  
۵۳۶، ۵۵۸ - ۵۶۰، با

گروههای ایران و عراق، ۶۲۵،  
با گروههای جنوب غربی آسیا،

۶۱۷، طبقه بندی، ۴۳۱ -  
۴۴۱، ۴۳۲، در قیاس با -

گروههای ایران، ۵۳۸، ۵۳۹،  
با گروههای ایران و عراق، ۶۱۶

دندشته، ۴۴۲، در قیاس با گروههای  
ایران، ۵۳۶، ۵۵۷ - ۵۶۰،

با گروههای ایران و عراق،  
۶۲۵، با گروههای جنوب غربی

آسیا، ۶۲۴، طبقه بندی،  
۴۳۱، در قیاس با گروههای

ایران، ۵۳۹  
دندشته (طول تنه)، در مقایسه با گروههای

ایران و عراق، ۶۲۵  
نوشها، ۴۳۶، اندازه ها و شاخصها،

۴۴۱، در قیاس با گروههای  
ایران، ۵۳۶، ۵۵۸ - ۵۶۰، با

مردم جنوب غربی آسیا، ۶۸۹  
نونه، برجستگی، ۴۳۰

نونه، قطر، ۴۴۲، در قیاس با گروههای  
ایران، ۵۳۶، ۵۵۷ - ۵۵۹،

## فهرست اعلام و مطالب - ۹۱۷

یهودیه‌ها ، نوع اشکنازیم ، ۳۵۶ ،

۶۴۴ ، تورها از بین ،

۱۶۶ ، ۳۵۵-۳۵۶ ، امراض در

بین ، ۱۶۷ ، پراکندگی ، ۴۰۵ ،

ازدواج درسین جوانی ، ۴۰۷ ،

خواججه‌ها در بین ، ۳۵۰ ، آتش -

پرستان در بین ، ۳۵۱ ، در عدن ،

۴۰۵ ، در آسیا ، شکل سر ، ۵۱ ،

در بوشهر ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، در همدان ،

۳۷۴ ، ۳۴۹ ، در ایران ، ۷۳ ،

۱۴۳ ، ۸۹ ، ۱۴۴ ، ۱۹۹ ، ۳۴۹ -

۳۵۰ ، در اصفهان ، ۱۳۱ ، ۳۴۹ ،

۳۵۱-۳۵۴ ، در کاشان ، ۱۳۱ ،

۳۴۹ ، ۳۵۰ ، در کرمان ، ۱۰۴ ،

در خوانسار ، ۳۴۹ ، در خراسان ،

۱۶۹ ، ۳۰۰-۳۰۱ ، در خوزستان ،

۲۲۳ ، ۲۲۵ ، در لرستان ، ۲۰۸ ،

درمازندران ، ۱۱۳ ، در مشهد

۱۶۹ ، ۳۴۹ ، در ساوه ، ۳۴۹ ، در

شیراز ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، در طهران

۱۱۱ ، ۱۳۱ ، ۳۴۹ ، ۳۵۰ ، در

ترکستان ، ۱۶۳ ، در ارومیه ،

۳۴۹ ، در یمن ، ۴۰۵ ، در یزد ،

۱۰۷ ، ۲۹۴ ، اندازه گیری شده

بوسیله ویسنبرگ ، ۴۰۵ ، به بعد ،

نوع سفاردیم ، ۳۵۶ ، ۶۴۴ ، قد

کوتاه ، ۴۰۶-۴۰۷

یهودیهای اصفهان (۹۹ مردان اندازه

گیری شده در محله یهودیه‌ها) ، سن ،

۳۵۴ ، ۳۵۵ ، ۳۷۶ ، در مقایسه با -

گروههای ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ،

۵۳۸-۵۵۸ ، ۵۶۳ ، گروهها ،

۳۵۵

آزارهای ، ۳۵۰ ، ۳۷۴ ،

یول ، ۵ ، ۱۷۲

یونانیها ، در ایران ، ۵۶ ، رابطه با

ایرانیان ، ۳۰-۳۱ ، ۱۴۵ ، ۱۷۸

یونجه ، ۲۴ ، ۱۹۲

یونسی ، ۲۸۰

یهودی ، خواججه‌های ، ۳۵۰

یهودی ، مذهب در ایران ، ۳۵

یهودیه ، نگاه کنید به آل یهودیه

یهودیها ، اطلاعاتی درباره اندازه گیری

بدن انسان ، از افریقا ، ۵۴ ، از

عمادیه ، ۴۰۶ ، از اقرا ، ۴۰۸

به بعد ، از بغداد ، ۴۰۶ به بعد ،

از چرموک (چوموک) ، ۴۰۶ ، از

دمشق ، ۶۴۴ ، از دیاربکر ،

۴۰۶ ، از عراق ، ۶۱۷ به بعد ،

زکردستان ، ۴۰۶ به بعد ،

زمشهد ، ۴۰۶ به بعد ، از موصل ،

۴۰۶ ، فلسطین ، ۶۴۴ ، رواندین ،

۴۰۸ به بعد ، از سدر ، ۴۰۸

به بعد ، از شیراز ، ۴۰۶ به بعد ،

از جنوب ایران ، ۶۴۲ ، از

سلیمانیه ، ۴۰۸ به بعد ، از عرفه ،

۴۰۶ به بعد ، از ارومیه ، ۴۰۶

به بعد ، از یمن ، ۴۰۶ به بعد ،

از زاخو ، ۴۰۸ به بعد ، جمجمه

قرون وسطی ، ۵۴-۵۵ ، یهودیه‌های

جنوب غربی آسیا ، شاخص سر ،

۴۰۷ ، ۴۱۰ ، گروهها ، ۴۱۱ ،

طول سر ، ۴۱۰ ، گروهها ، ۴۰۹ ،

شاخص بینی ، ۴۱۰ ، گروهها ،

۴۱۴ ، قد ، ۴۰۶-۴۰۷ ، گروهها ،

۴۰۸ ، شاخص کل صورت ، ۴۱۰ ،

۴۱۵ ، گروهها ، ۴۱۳ ، یهودی

روس ، ۶۸۳

## ۹۱۸ - مردم شناسی ایران

- اطلاعات تخمینی : اندازه ها و شاخصها و  
خصوصیات شکل شناسی، ۳۸۰ -  
۴۰۴
- افرادی که از سری آماری حذف شده اند ،  
۳۷۴، ۳۷۵ - ۳۷۵ ، از همدان ،  
۳۷۴ ، از سقز ، ۳۷۵ ، از شیراز ،  
۳۷۵
- امراض ، ۳۶۱، ۳۵۸
- انواع صورت ، ۳۶۹ ، در مقایسه با -  
گروه های ایران ، ۵۴۵ - ۵۴۶ ،  
صورت پهن ، ۵۴۷
- انواع نژادی ، ۳۷۱ - ۳۷۳
- انواع یهودیها ، ۳۷۱ - ۳۷۲، ۶۰۷ -  
۶۰۸ ، اندازه ها و شاخصها ،  
۳۷۶ - ۳۷۸ ، در مقایسه با سری  
کلی ، ۳۷۲
- برجستگی گونه ها ، ۳۶۸
- بهداشت ، ۳۶۱
- پره بینی ، ۳۷۰
- پره ها و نوک بینی ، ۳۵۸ ، گروه ها ،  
۳۵۹ ، در مقایسه با گروه های  
ایران ، ۵۵۴ - ۵۵۵
- پوست قهوه ای رنگ ، ۳۵۵
- پیشانی و آهیانه ، شاخص ، ۳۷۷، ۳۷۸ ،  
در مقایسه با گروه های ایران ،  
۵۳۷، ۵۴۸ ، در مقایسه با -  
گروه های جنوب غربی آسیا ،  
۶۵۳ - ۶۵۴
- تجزیه آماری ، ۳۶۲ - ۳۷۱
- چشمها ، ۳۵۷ ، گروه بندیها ، ۳۵۷ -  
۳۵۸ ، در مقایسه با گروه های  
ایران ، ۵۵۳ - ۵۵۴
- حنا ، به کار بردن ، ۳۶۱
- خصوصیات شکل شناسی ، گروه ها ،  
۳۵۶ - ۳۶۱ ، در مقایسه با -  
با گروه های ایران ، ۵۵۱ -  
۵۵۶ ، مقایسه ای از سردر ازاها ،  
باریک صورتها ، افراد بینی باریک  
با گروه های ایران ، ۵۹۲
- خصوصیات غیر یهود ، ۳۷۳
- خصوصیات مغولی ، ۳۷۳
- خصوصیات نوعی ، ۳۷۳ - ۳۷۴
- دندانها ، ۳۵۹ ، گروه ها ، ۳۶۰ ، در  
مقایسه با گروه های ایران ،  
۵۵۵ - ۵۵۶
- دهان ، ۳۵۹
- رنگ پوست ، ۳۵۵
- روایات تاریخی ، ۳۵۰
- ریش ، ۳۵۷
- سدیل ، ۳۵۷
- سوء تغذیه ، ۳۶۰
- شاخص بینی ، ۳۷۷، ۳۷۸ ، در مقایسه با  
یهودیهای گرجی و لزگی ، ۴۲۳ ،  
در مقایسه با گروه های ایران ،  
۵۳۷، ۵۵۸ - ۵۶۳ ، در مقایسه  
با گروه های ایران و عراق ، ۶۷۲ ،  
در مقایسه با گروه های جنوب  
غربی آسیا ، ۶۸۱ - ۶۸۴ ،  
گروه ها ، ۳۷۹ ، در مقایسه با -  
گروه های ایران ، ۵۵۰ ، در  
مقایسه با گروه های ایران و عراق ،  
۶۸۰ ، در مقایسه با یهودیهای  
جنوب غربی آسیا ، ۴۱۴
- شاخص گونه و فك ، ۳۷۷، ۳۷۸ ، در  
مقایسه با گروه های ایران ، ۵۳۷ ،  
۵۵۸ - ۵۶۳ ، در مقایسه با -  
گروه های جنوب غربی آسیا ، ۶۶۱
- شاخص گونه و پیشانی ، ۳۷۷ ، ۳۷۸ ،

## فهرست اعلام و مطالب - ۹۱۹

طول سر ، ۳۷۶-۳۷۸ ، درمقایسه با-  
یهودیهای گرجی و لنگی، ۴۲۳؛  
درمقایسه با گروههای ایران ،  
۵۳۶ - ۵۳۷ ، ۵۴۰ ، ۵۵۸ -  
۵۶۳ ، در مقایسه با گروههای  
ایران و عراق، ۶۲۸؛ با گروههای  
جنوب غربی آسیا، ۶۳۱-۶۳۴؛  
گروهها ، درمقایسه با یهودیهای  
جنوب غربی آسیا ، ۴۰۷، ۴۰۹

عدم خال کوبی ، ۳۶۱

عرض سر ، ۳۷۶-۳۷۸ ، درمقایسه با -  
یهودیهای گرجی و لنگی، ۴۲۳؛  
در مقایسه با گروههای ایران ،  
۵۳۶ ، ۵۴۰ ، ۵۵۸-۵۶۳ ؛ در  
مقایسه با گروههای ایران و عراق،  
۶۲۸ ؛ در مقایسه با گروههای  
جنوب غربی آسیا ، ۶۳۶-۶۴۰؛  
گروهها، ۳۶۶-۳۶۷ ؛ درمقایسه  
با گروههای ایران ، ۵۴۲ -  
۵۴۳

عرض و طول بینی ، ۳۷۶-۳۷۸ ؛ در  
مقایسه با گروههای ایران، ۵۳۶-  
۵۳۷، ۵۵۸-۵۶۳ ، در مقایسه  
با گروههای ایران و عراق، ۶۷۲،  
درمقایسه با گروههای جنوب  
غربی آسیا ، ۶۷۴، ۶۷۷-۶۷۸،  
گروهها، ۳۷۰ ، درمقایسه با-  
گروههای ایران ، ۵۴۹ ، در  
مقایسه با سری عراق، مصر و هند،  
۶۷۳ - ۶۷۵

عضلات ، ۳۶۰

علامت مشخصه لباسها ، ۳۵۱

غارث قبائل مخالف ، ۳۵۲

قد ، ۳۷۶-۳۷۸ ؛ درمقایسه با گروههای

درمقایسه با گروههای ایران ،  
۵۳۷، ۵۵۸-۵۶۳ ؛ در مقایسه  
با گروههای جنوب غربی آسیا ،  
۶۵۷ - ۶۵۹

شاخصهای سر ، ۳۷۷، ۳۷۸ ، درمقایسه  
با یهودیهای گرجی و لنگی ،  
۴۲۳ ؛ در مقایسه با گروههای  
ایران ، ۵۳۷، ۵۵۸-۵۶۳ ؛  
درمقایسه با گروههای جنوب غربی  
آسیا، ۶۴۲؛ طبقه بندی، ۳۶۵،  
۳۷۹ ؛ در مقایسه با گروههای  
ایران ، ۵۴۰ ، ۵۴۱ ؛ درمقایسه  
با گروههای ایران و عراق، ۶۴۱؛  
در مقایسه با یهودیهای جنوب  
غربی آسیا ، ۵۱۱

شکل و اندازه سر، ۳۶۶-۳۶۹؛ گروهها،  
۳۶۷، ۳۶۹ ، ۳۷۹ ؛ درمقایسه  
با گروههای ایران ، ۵۴۱ -  
۵۴۲ ؛ درمقایسه با گروههای  
ایران و عراق ، ۶۲۸، ۶۲۹

شواهدی ز اختلاط نوع ، ۳۷۳-۳۷۵  
صورت ، اندازه ها و شاخصها ، ۳۶۷ -  
۳۷۱، ۳۷۶-۳۷۸ ؛ درمقایسه  
با گروههای ایران ، ۵۳۶ -  
۵۳۷، ۵۵۸-۵۶۳ ؛ درمقایسه  
با گروههای جنوب غربی آسیا ،  
۶۵۶-۶۷۰ ؛ طبقه بندی، ۳۶۸،  
۳۶۹ ، ۳۷۹ ؛ درمقایسه با -  
گروههای ایران ، ۵۴۵-۵۴۸؛  
در مقایسه با گروههای ایران و  
عراق ، ۶۷۱ ؛ در مقایسه با -  
یهودیهای جنوب غربی آسیا، ۴۱۳

صورت ، شکل، ۳۶۸-۳۶۹

طول اعضای متناسب ، ۳۶۲

## ۹۲۰ - مردم شناسی ایران

گردن ، ۳۷۱  
گوشه‌ها ، ۳۷۰-۳۷۱ ، اندازه‌ها و شاخص‌ها ،  
۳۷۶ - ۳۷۸ ، درمقایسه با -  
گروه‌های ایران ، ۵۵۸ ، ۵۳۷ -  
۵۶۳ ، درمقایسه با گروه‌های  
جنوب غربی آسیا ، ۶۸۸-۶۸۹

گوشه چشم ، ۳۵۸

لبها ، ۳۵۹

متوفیات اطفال ، ۳۶۱

مقایسه با افغانها ، ۷۰۵-۷۰۶

مو ، ۳۵۶ ، گروه‌ها ، ۳۵۶-۳۵۷ ، در  
مقایسه با گروه‌های ایران ، ۵۵۱-  
۵۵۲

موارد بیماری شناسی ، ۳۶۱

موی بدن ، ۳۵۷

نقص جمجمه ، ۳۶۲

نمونه‌های خون ، ۳۵۴

نوع اروپای شمالی ، ۳۷۳

نوع مدیترانه ، ۳۷۳ ، حداقل قطر

پیشانی ، ۳۷۶ ، ۳۷۸ ، درمقایسه  
با گروه‌های ایران ، ۵۳۶ ،  
۵۵۸-۵۶۳ ؛ با گروه‌های جنوب  
غربی آسیا ، ۶۵۳ - ۶۵۴ ،  
گروه‌ها ، ۳۶۹ ، درمقایسه با -  
گروه‌های ایران ، ۵۴۲-۵۴۳

نیمرخ بینی ، ۳۵۸ ، ۳۷۰ ، گروه‌ها ، ۳۵۹ ؛

درمقایسه با گروه‌های ایران ،

۵۵۴ - ۵۵۵ ؛ درمقایسه با -

گروه‌های ایران و عراق ، ۶۸۶ ؛

از افراد سردراز ، صورت باریک ،

بینی باریک ، ۵۹۵-۵۹۶

یهودیهای قفقاز ، ۴۱۶ ، ۴۲۲ ، ۴۲۳ ؛

اطلاعاتی در باره اندازه گیری

بدن انسان ، ۴۱۹ ، ۴۲۲-۴۲۳ ،

۶۱۹

بیت ، سرهنگ ، ۳۱۵

گرچی ولز کی ، ۴۲۳ ، درمقایسه

با گروه‌های ایران ، ۵۳۶ ، ۵۵۸ -

۵۶۳ ، درمقایسه با گروه‌های ایران و

عراق ، ۶۲۵ ، درمقایسه با -

گروه‌های جنوب غربی آسیا ،

۶۱۷-۶۲۱ ، گروه‌ها ، ۳۶۲ ،

۳۷۹ ، درمقایسه با گروه‌های

ایران ، ۵۳۷ ، ۵۳۸ ، درمقایسه

با گروه‌های ایران و عراق ، ۶۱۶ ؛

درمقایسه با یهودیهای جنوب

غربی آسیا ، ۴۰۸

قد در حال نشسته ، ۳۷۴ - ۳۷۸ ، در

درمقایسه با گروه‌های ایران ،

۵۳۶ - ۵۳۷ ، ۵۵۸-۵۶۳ ، در

مقایسه با گروه‌های ایران و عراق ،

۶۲۵ - ۶۲۶ ، درمقایسه با -

گروه‌های جنوب غربی آسیا ،

۶۲۴ ، گروه‌ها ، ۳۶۳ ، درمقایسه

با گروه‌های ایران ، ۵۳۹

قطر استخوان گونه ، ۳۷۶ - ۳۷۸ ، در

مقایسه با یهودیهای گرچی ولز کی ،

۴۲۳ ، درمقایسه با گروه‌های

ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ، ۵۵۸ -

۵۶۳ ، درمقایسه با گروه‌های

جنوب غربی آسیا ، ۶۵۶-۶۵۹ ؛

گروه‌ها ، ۳۶۸ ، درقیاس با -

گروه‌های ایران ، ۵۴۴

قطر فکین ، ۳۷۶-۳۷۸ ؛ درمقایسه با .

گروه‌های ایران ، ۵۳۶-۵۳۷ ،

۵۵۸ - ۵۶۳ ؛ درمقایسه با -

گروه‌های جنوب غربی آسیا ،

۶۶۱

کم موئی ، ۳۵۷

کوتاهترین تنه ، درمقایسه با گروه‌های

ایران و عراق ، ۶۲۵

کوتوله ، ۳۷۴



شماره ۳۴۴۳ (سن ۴۵)



شماره ۳۳۲۹ (سن ۳۰)

انواع مدیترانه خالص



شماره ۳۴۳۰ (س ۴۰)



شماره ۳۴۵۴ (س ۲۵)

انواع اتلانتيك ومديقرا نه



شماره ۳۳۰۷ (س ۲۰) نوع مدیترانه فرق سر بلند



شماره ۳۳۱۱ (س ۳۵) نوع ارمنی یا آناطولی

سردرازهای بینی محدب





شماره ۳۳۷۵ (س ۲۰)



شماره ۳۴۲۵ (س ۶۰)

سردرازهای بینی محدب



شماره ۳۳۶۲ (س ۳۵) مربع صورت



شماره ۳۴۳۶ (س ۲۵) بيضى صورت

سرگردها



شماره ۳۳۱۳ (سن ۲۰) نوع لاغر



شماره ۳۲۹۱ (سن ۳۰) نوع اولیه

انواع مدیترانه - چشم مختلط



شماره ۳۲۸۲ (سن ۳۰)



شماره ۳۲۹۴ (سن ۳۷)

انواع چشم مختلط

مردم‌شناسی ایران ، تصویر ۸

موره تاریخ طبیعی میلد



شماره ۳۴۱۰ (سن ۲۳)



شماره ۳۴۵۱ (سن ۲۵)

انواع آلبی

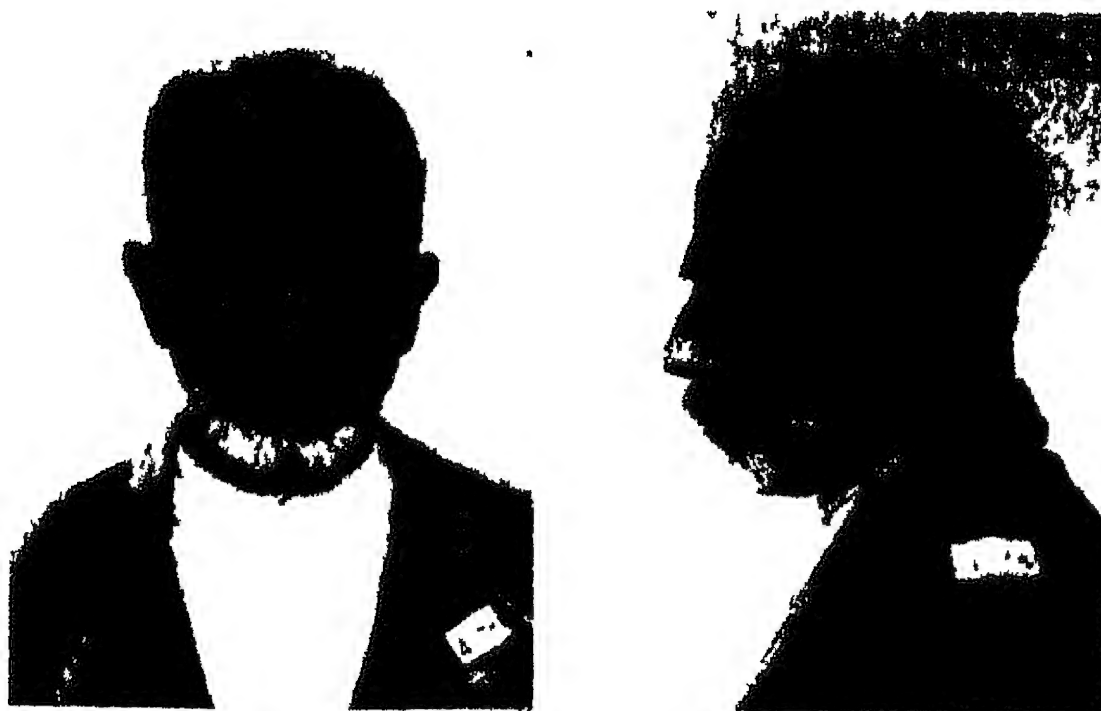


شماره ۳۴۴۷ (س ۳۳) نوع حامى

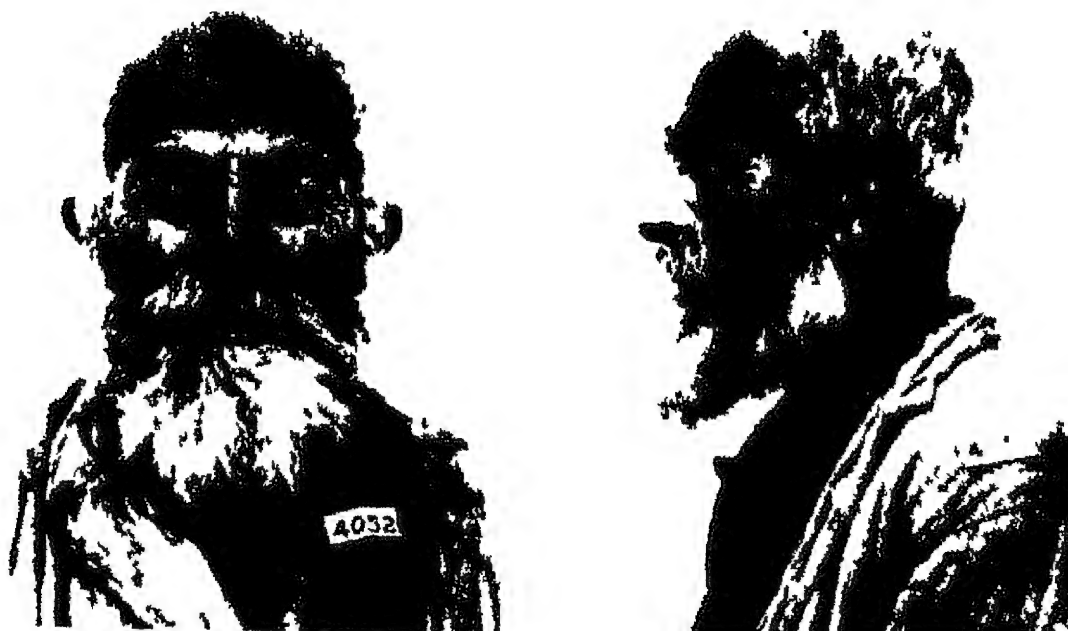


شماره ۳۳۶۳ (س ۴۰) نوع ارمى

انواع مخصوص



شماره ۳۴۹۹ (س ۵۰) نوع اروپای شمالی



شماره ۳۴۷۶ (س ۵۵) نوع یهودی

انواع مخصوص

موره تاریخ طبیعی فیلد

مردم‌شناسی ایران ، تصویر ۱۱



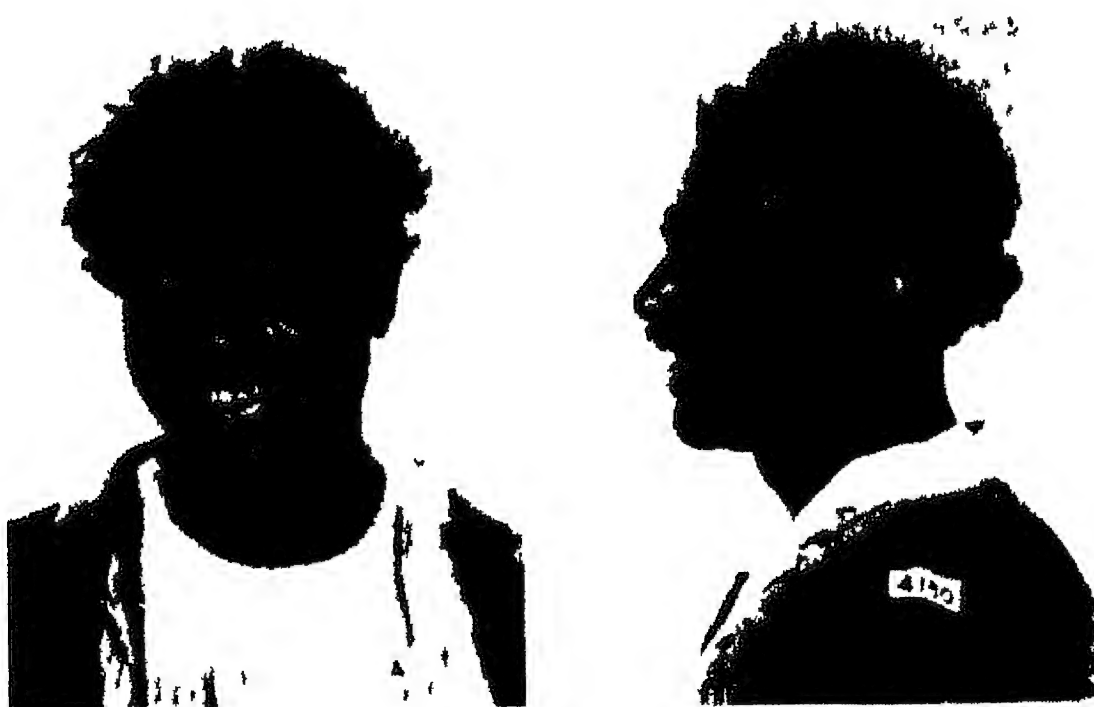
شماره ۳۴۴۰ (س ۳۴)



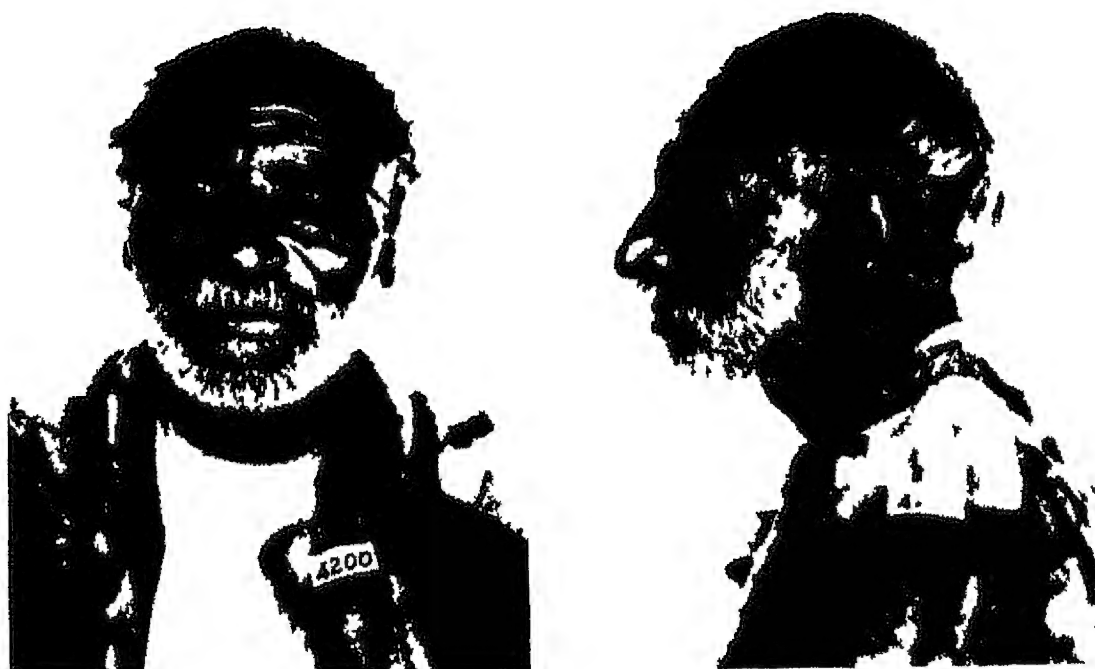
شماره ۳۳۸۳ (س ۲۱)

انواع مغولی





شماره ۳۳۴۸ (س ۴۵)

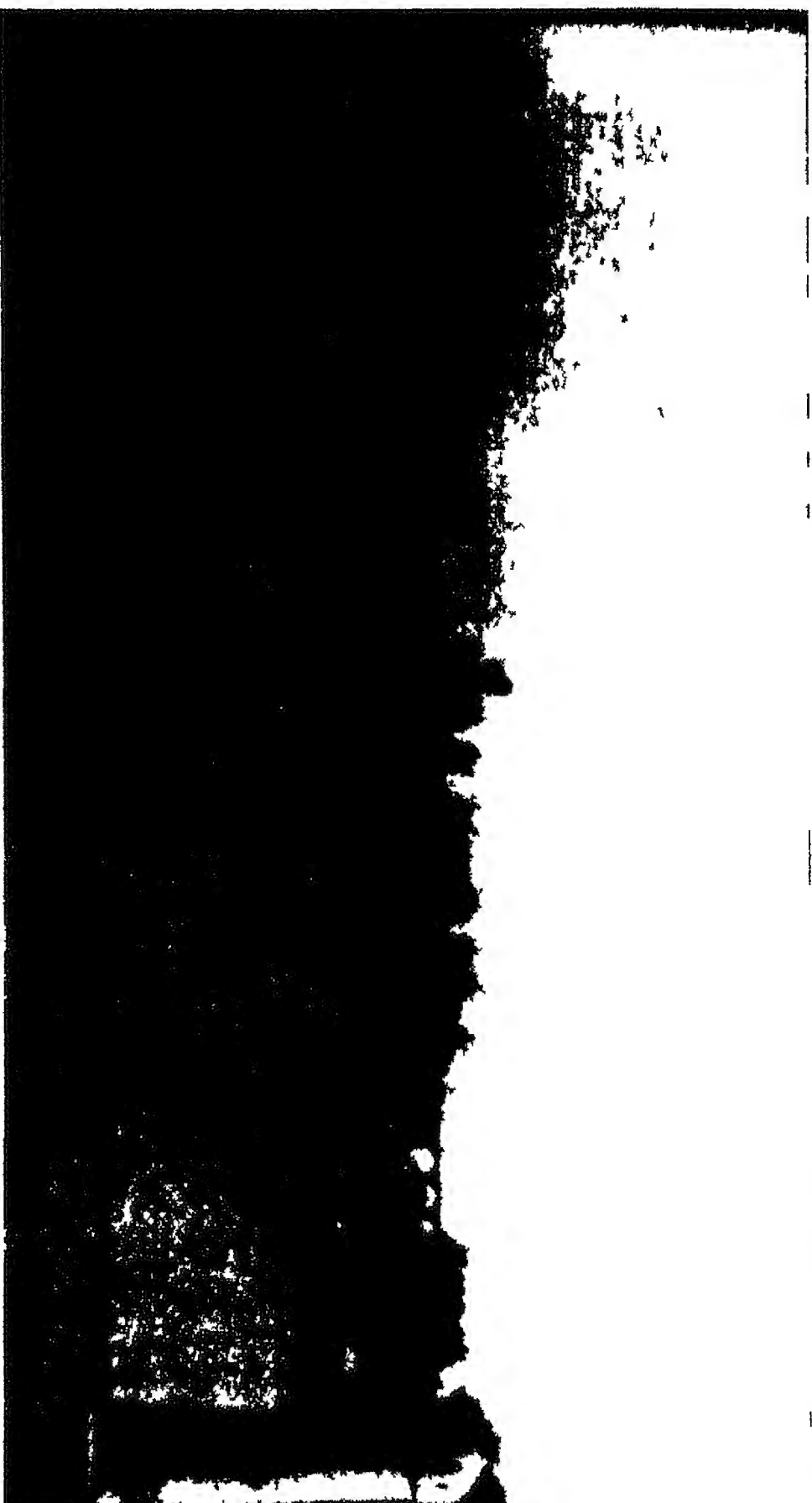


شماره ۳۳۶۸ (س ۵۰)

انواع سباه‌پوست

موزه تاریخ طبیعی میلد

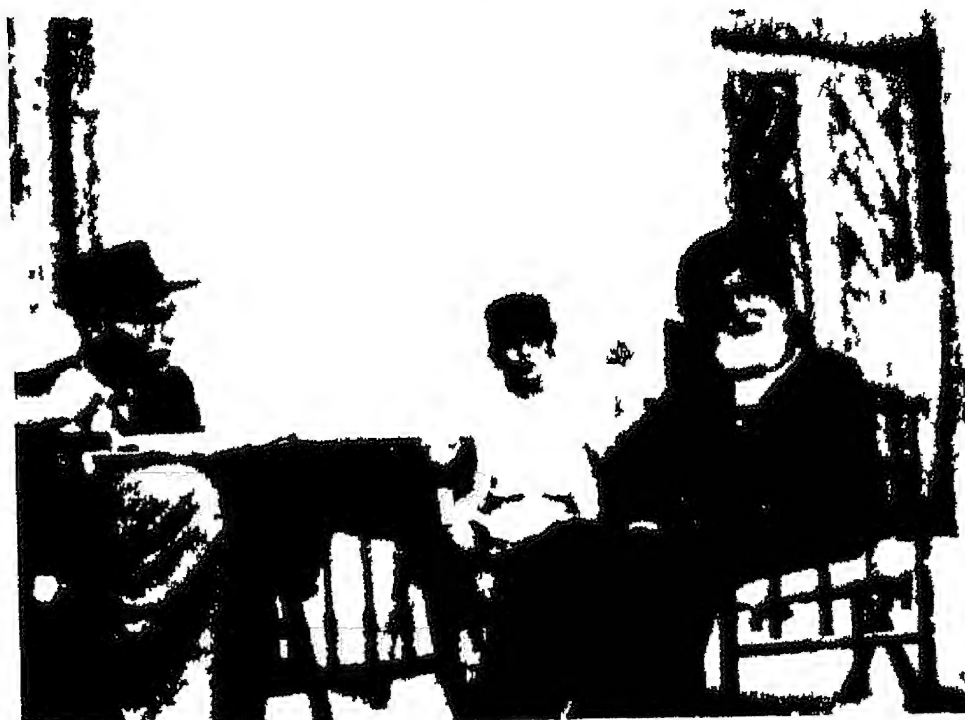
مردم‌شناسی ایران ، تصویر ۱۳



میدان چوگان‌بازی اصفهان



شکل ۱ اعضاء آلیاس اسرائیلی



شکل ۲ میرزا محمد علی خان ، طبیب ۹۵ ساله

اصفهان

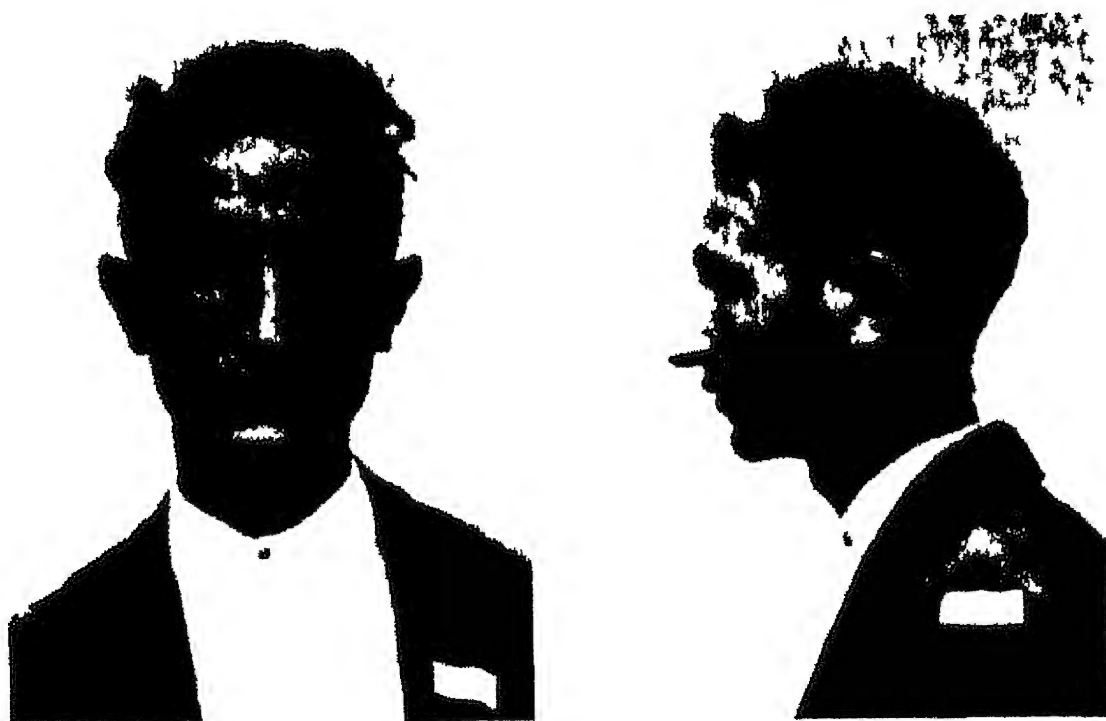


شماره ۳۵۱۴ (س ۲۱)



شماره ۳۵۱۳ (س ۲۲)

يهوديه‌هاى اصفهان



شماره ۳۵۱۶ (س ۲۳)



شماره ۳۵۰۵ (س ۲۶)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۱۸ (س ۲۷)



شماره ۳۵۲۳ (س ۲۸)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۲۲ (سن ۳۰)



شماره ۳۵۲۰ (سن ۳۰)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۰۴ (سن ۳۳)



شماره ۳۴۹۷ (سن ۳۲)

یهودیهای اصفهان





شماره ۳۵۰۸ (سن ۳۳)



شماره ۳۵۱۲ (سن ۳۴)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۰۰ (سن ۳۵)



شماره ۳۴۹۰ (سن ۳۶)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۴۸۱ (س ۳۷)



شماره ۳۴۷۵ (س ۳۸)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۰۹ (س ۳۶)



شماره ۳۵۰۶ (س ۳۸)

يهوديه‌هاى اصفهان



شماره ۳۵۰۷ (س ۴۰)



شماره ۳۵۱۱ (س ۴۰)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۱۹ (س ۴۰)



شماره ۳۵۰۲ (س ۴۲)

يهوديه‌هاى اصفهان



شماره ۳۴۹۲ (س ۴۵)



شماره ۳۴۸۹ (س ۴۵)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۵۲۱ (س ۴۵)



شماره ۳۵۱۷ (س ۴۶)

یهودیهای اصفهان





شماره ۳۴۹۵ (س ۴۹)



شماره ۳۴۷۸ (س ۵۰)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۴۹۹ (س ۵۰)



شماره ۳۴۹۶ (س ۵۰)

يهوديه‌هاى اصفهان



شماره ۳۴۸۷ (سن ۵۲)



شماره ۳۴۸۵ (سن ۵۲)

یهودیهای اصفهان

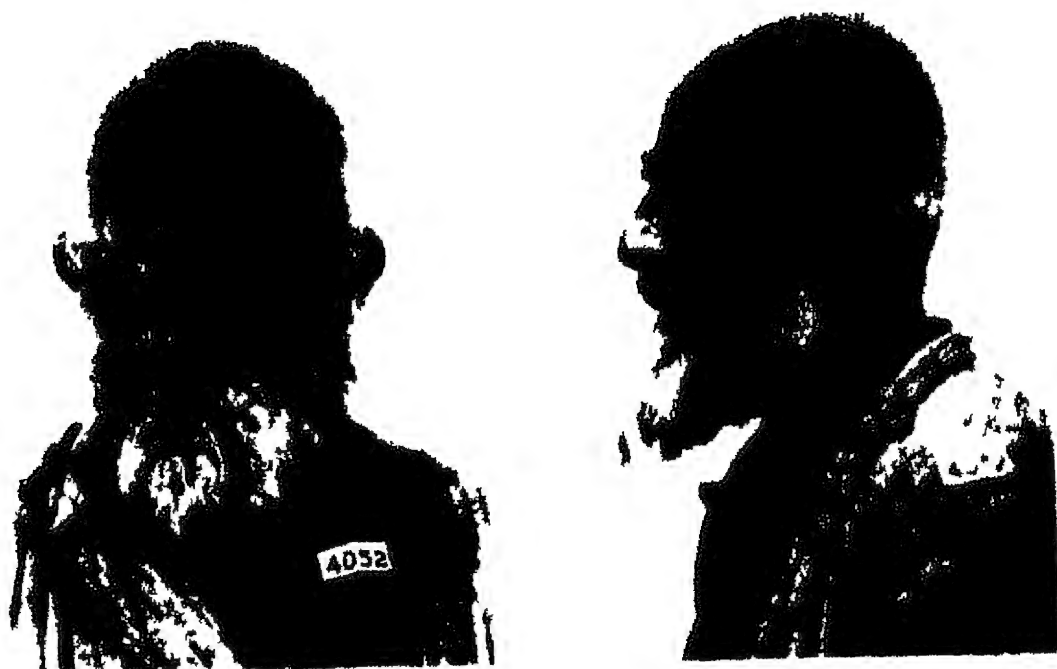


شماره ۳۴۸۸ (س ۵۳)



شماره ۳۴۹۱ (س ۵۵)

يهوديه‌اى اصفهان



شماره ۳۴۷۶ (س ۵۵)



شماره ۳۵۰۱ (س ۶۰)

یهودیهای اصفهان

موره تاریخ طبیعی فلد

مردم‌شناسی ایران ، تصویر ۳۳



شماره ۳۴۸۰ (س ۶۰)



شماره ۳۴۷۹ (س ۶۰)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۴۸۳ (س ۶۵)



شماره ۳۵۰۳ (س ۶۵)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۴۸۴ (س ۶۸)



شماره ۳۴۷۷ (س ۶۰)



شماره ۳۴۸۲ (س ۵۱)





شماره ۳۴۹۴ (سن ۶۵)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۴۹۴ (سن ۶۵)

یهودیهای اصفهان



شماره ۳۴۹۸ (س ۷۲)

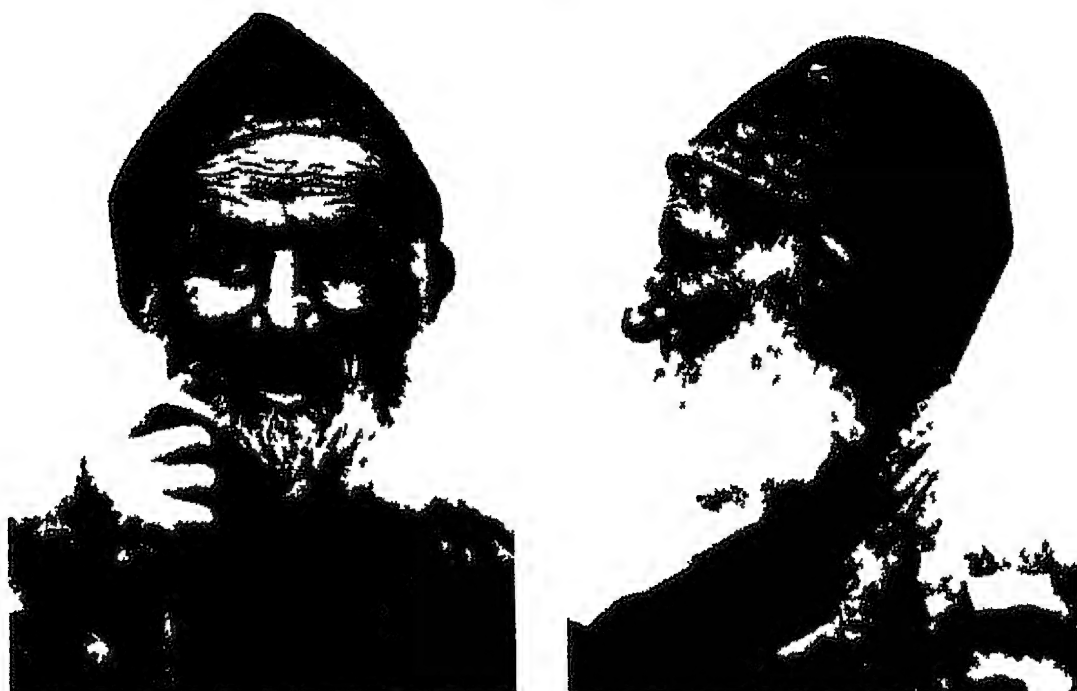


شماره ۳۵۱۵ (س ۷۳)

یهودیهای اصفهان

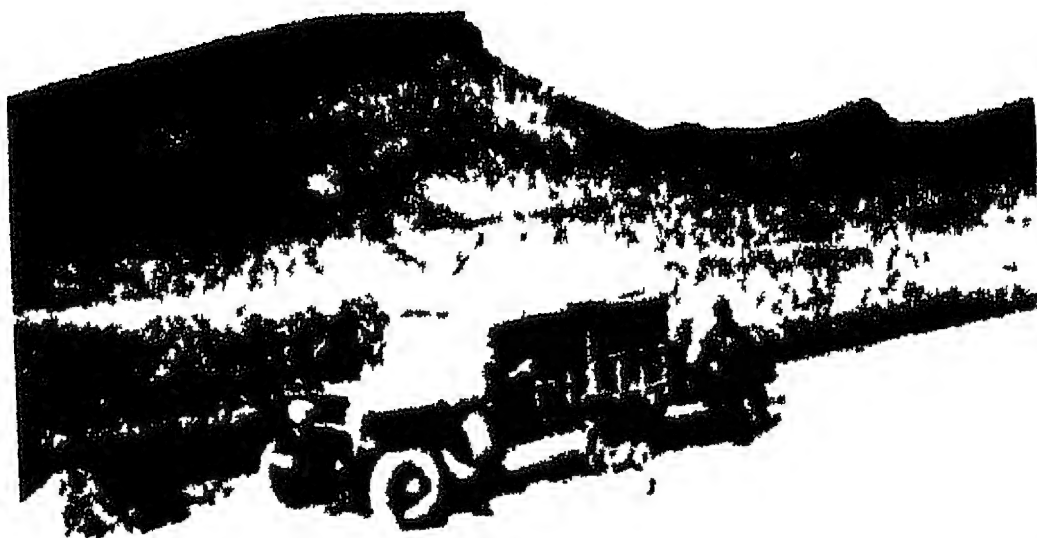


شماره ۳۴۹۳ (س ۸۰)



شماره ۳۴۸۶ (س ۸۰)

یهودیهای اصفهان



شکل ۱ در حادۀ اصلی از اصفهان رو به جنوب



شکل ۲ دهکدۀ سولکسان جنوب اصفهان

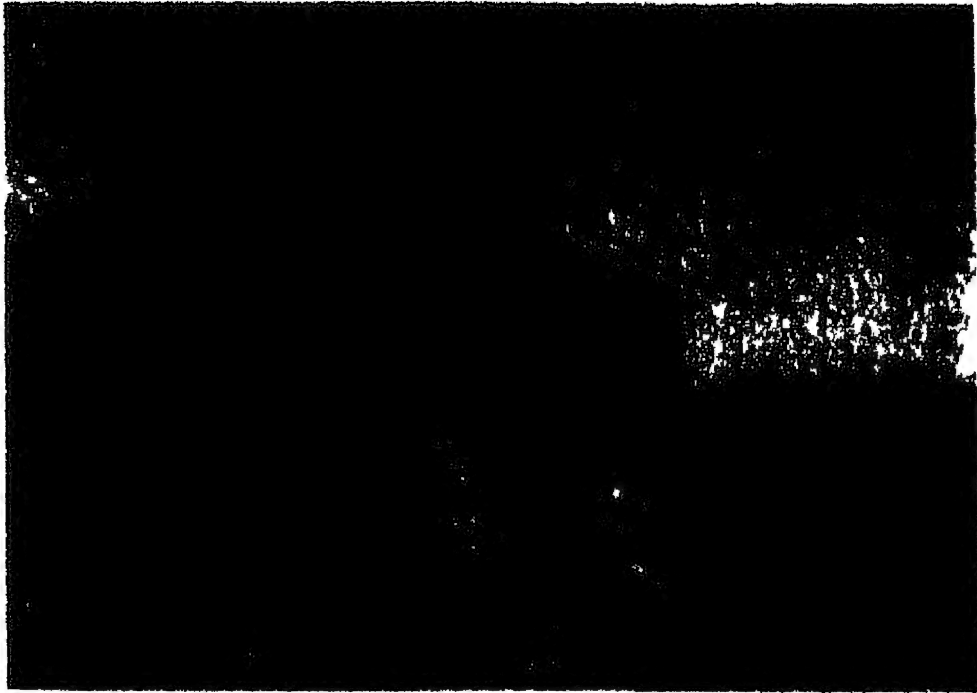
اصفهان به شرار



شکل ۲ مسجلی در شهر صا



شکل ۱ سای مرس به شاحای برکوهی در دهکده مهاباد  
اصفهان به شیراز



شکل ۱ شهرکمه ناکارواسرائی حدید در حلو تصویر



شکل ۲ قلاع شمالی

دهکده یزد خواست



شکل ۱ انتهای شرقی بصورت دماغه کشتی



شکل ۲ دهکده‌ای جدید در سراسی سرفی

دهکده یزدخواست





امامزاده سیدعلی  
یزدخواست

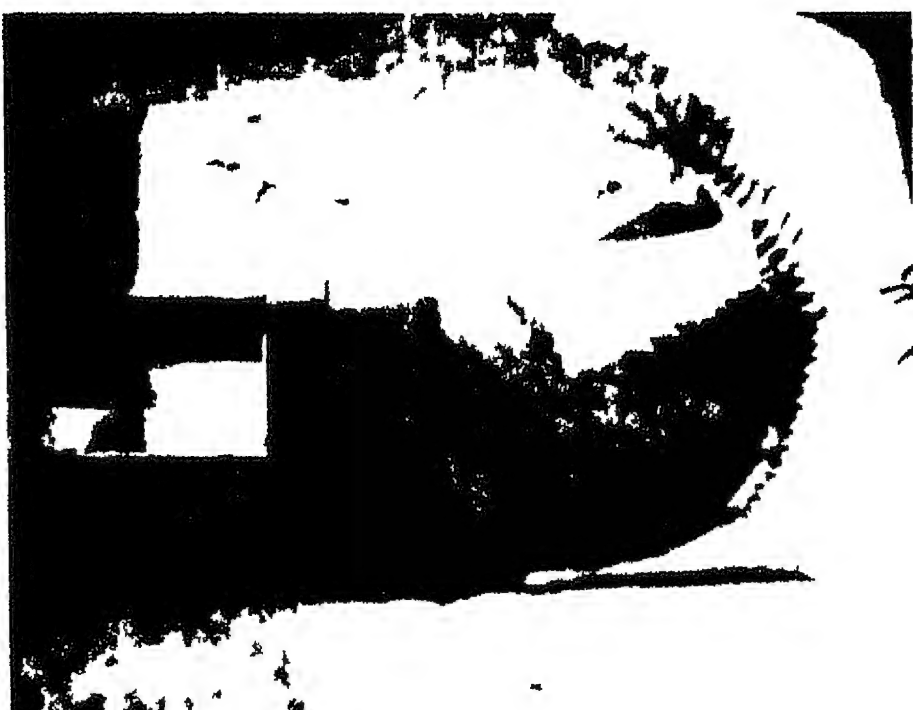
موزه تاریخ صبی هند



شکل ۲ دروازه اصلی و پل متحرک شهر کهنه

یزدخواست

مردم شناسی ایران ، تصویر ۴۵



شکل ۱ محل امامزاده سیدعلی

موره تاراج طوسی مله



شکل ۲ کینه دیوار سمب چپ

کلر و اسر ای صغوی، یزد خواست

مردم شناسی ایران ، تصویر ۴۶



شکل ۱ کینه دیوار سمب راست



شماره ۳۴۲۷ (س ۲۳)

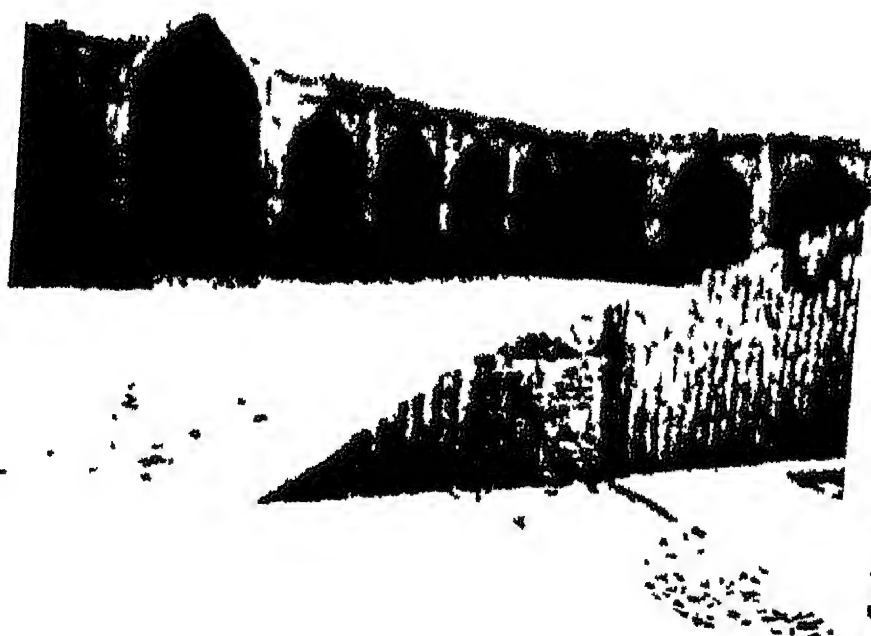
روستائیان یزدخواست

موره تاریخ طبیعی فیلد

مردم شناسی ایران ، تصویر ۲۸



شکل ۱ نمای کلی



مردم شناسی ایران تصویر ۲۹



شماره ۳۴۱۰ (س ۲۳)



شماره ۳۴۲۷ (س ۲۳)

روستائيان يزده خواست

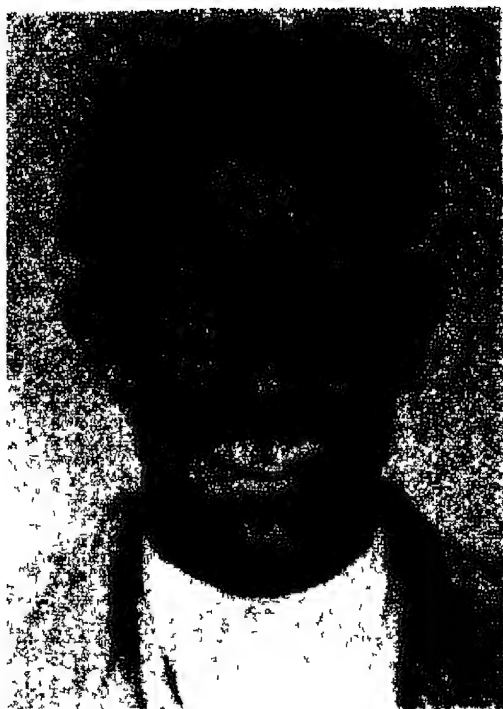


شماره ۳۴۵۴ (سن ۲۵)



شماره ۳۴۵۱ (سن ۲۵)

روستائیان یزدخواست



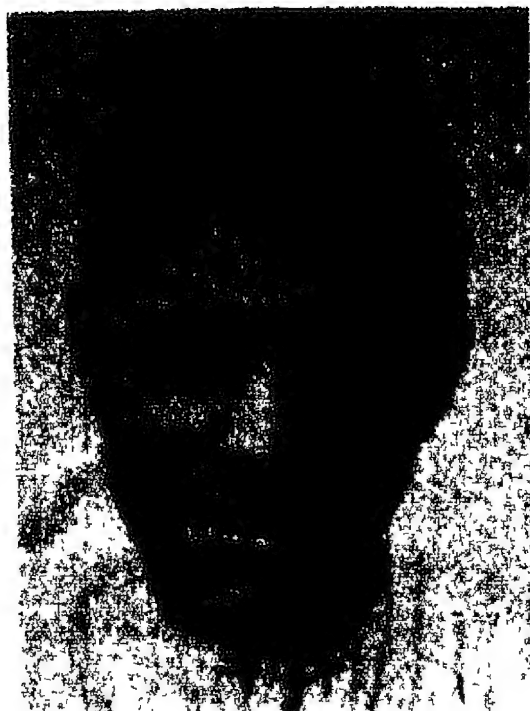
، شماره ۳۴۴۸ (سن ۲۵)



شماره ۳۴۴۴ (سن ۲۵)

روستائیان یزدخواست





شماره ۳۴۳۶ (سن ۲۵)



شماره ۳۴۱۱ (سن ۲۷)

روستائیان یزدخواست



شماره ۳۴۲۲ (سن ۲۷)



شماره ۳۴۵۳ (سن ۲۷)

روستائیان یزدخواست



شماره ۳۴۱۹ (سن ۳۰)



شماره ۳۴۲۱ (سن ۳۰)

روستائیان یزدخواست



شماره ۳۴۵۵ (سن ۳۰)



شماره ۳۴۴۹ (سن ۳۰)

روستائیان یزدخواست



شماره ۳۴۳۴ (س ۳۲)



شماره ۳۴۲۴ (س ۳۳)

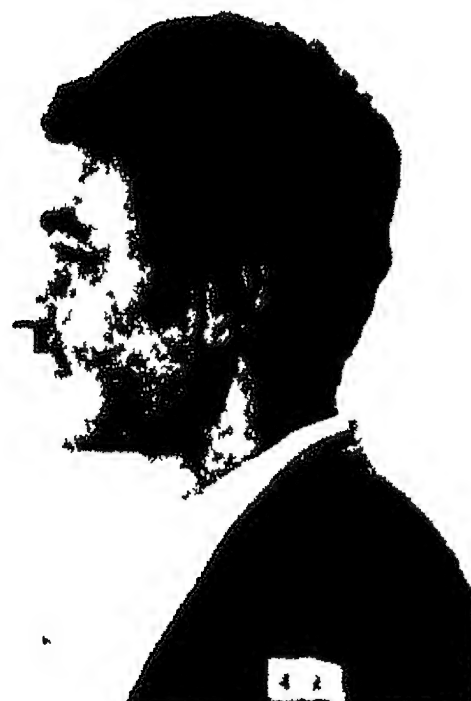
روستائیان یزدخواست

موره تاریخ طبیعی فیلد

مردم‌شناسی ایران ، تصویر ۵۷



شماره ۳۴۴۷ (س ۳۳)



شماره ۳۴۴۰ (س ۳۴)

روستائیان یزدخواست



شماره ۳۴۳۲ (س ۳۵)



شماره ۳۴۰۹ (س ۳۷)

روستائبان یزدخواست



شماره ۳۴۵۲ (س ۴۰)



شماره ۳۴۳۰ (س ۴۰)

روستائیان یزدخواست



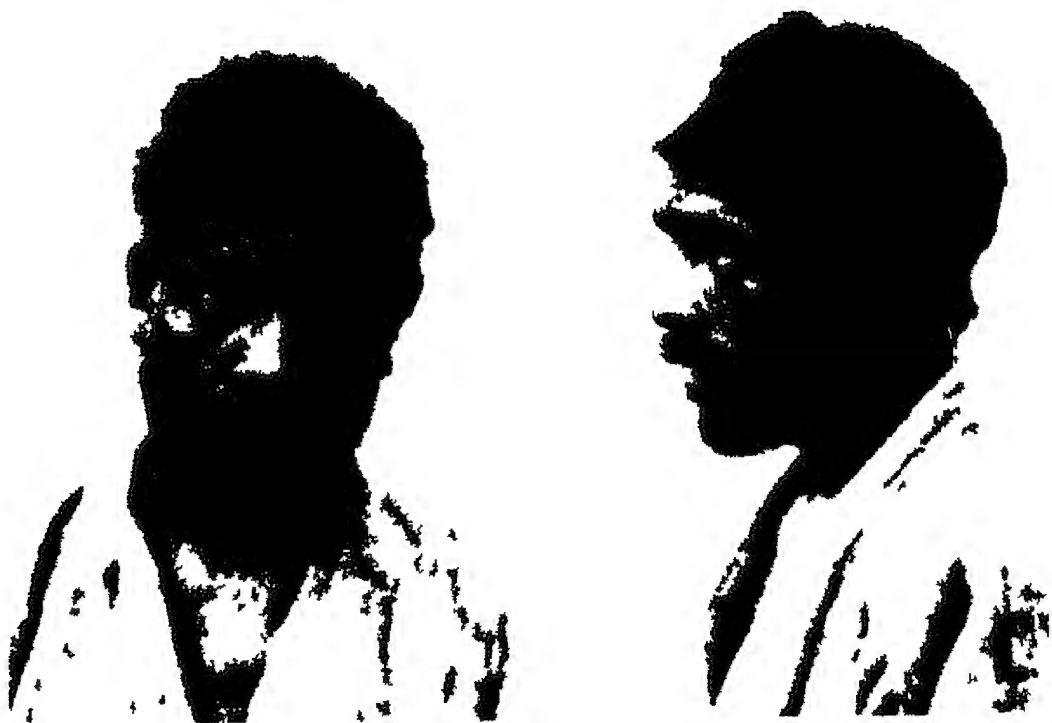


شماره ۳۴۲۸ (س ۴۰)



شماره ۳۴۲۳ (س ۴۰)

روستائبان یزدخواست



شماره ۳۴۱۲ (س ۴۰)



شماره ۳۴۳۷ (س ۴۲)

روستائىان يزدخواست



شماره ۳۴۴۳ (س ۴۵)



شماره ۳۴۱۳ (س ۴۵)

روستائیان پردخواست



شماره ۳۴۳۹ (س ۵۰)



شماره ۳۴۳۳ (س ۵۲)

روستائیان یزدخواست

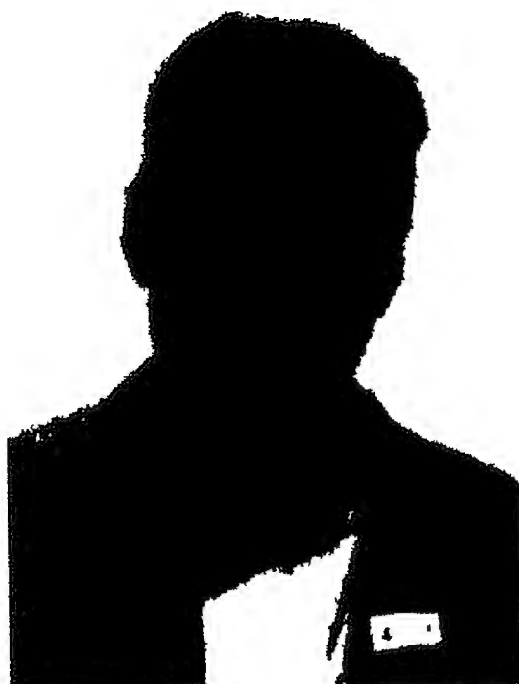


شماره ۳۴۲۵ (سن ۶۰)



شماره ۳۴۲۰ (سن ۶۰)

روستائیان یزدخواست



شماره ۳۴۱۸ (سن ۶۰)



شماره ۳۴۱۴ (سن ۷۰)

روستائیان یزدخواست

موزه تاریخ طبی هلد

مردم‌شناسی ایران ، تصویر ۱۶۴



دهکده کتاره در نزدیکی تهران

مردم شناسی ایران ، تصویر ۶۷



سکل ۲ حناک اصلی

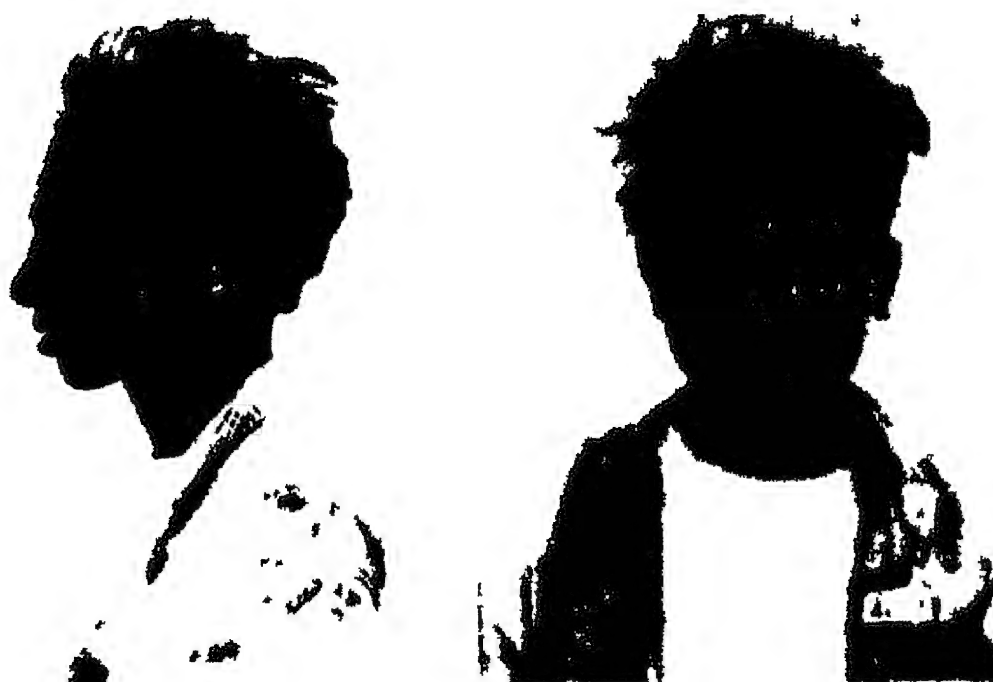
موزه تاریخ طبی ملک



سکل ۱ حطاب

دهکده کهناره





شماره ۳۳۸۶ (س ۱۸)



شماره ۳۳۷۹ (س ۲۰)

روستائیان کناره



شماره ۳۳۸۲ (س ۲۰)



شماره ۳۳۷۵ (س ۲۰)

روستائیان کناره

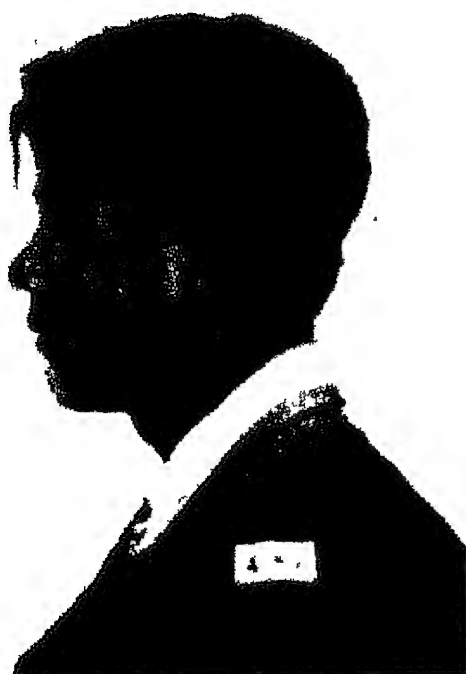


شماره ۳۳۸۳ (سن ۲۱)



شماره ۳۳۷۷ (سن ۲۲)

روستائیان کناره



شماره ۳۳۵۷ (سن ۲۲)



شماره ۳۳۷۳ (سن ۲۲)

روستائیان کناره

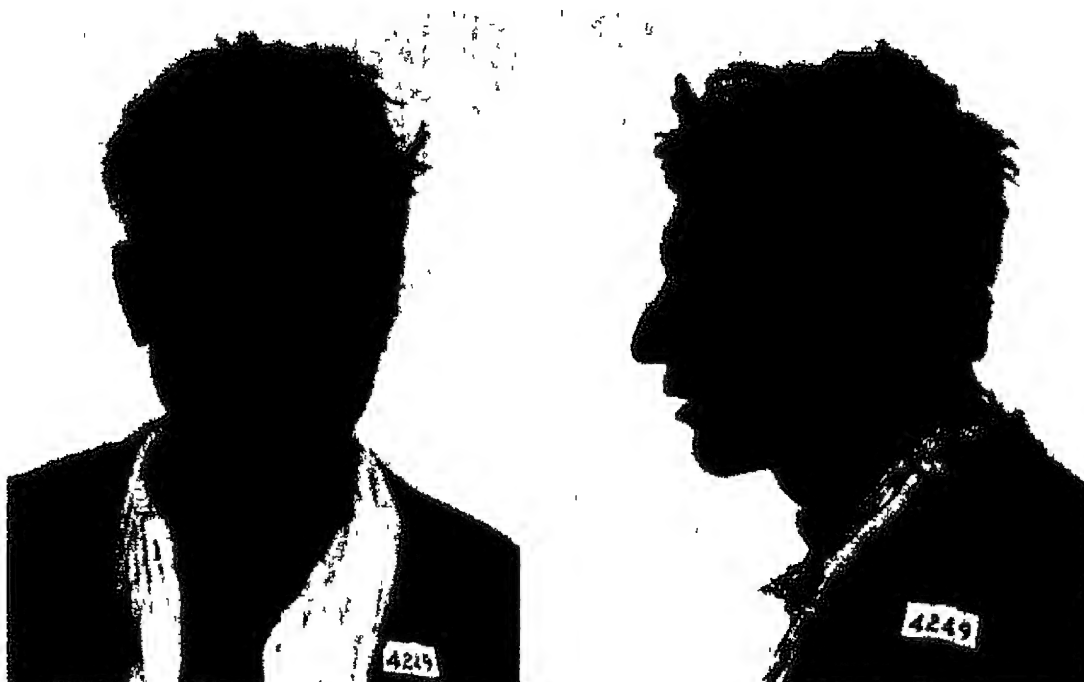


شماره ۳۳۷۶ (سن ۲۲)



شماره ۳۴۰۴ (سن ۲۴)

روستایان کناره

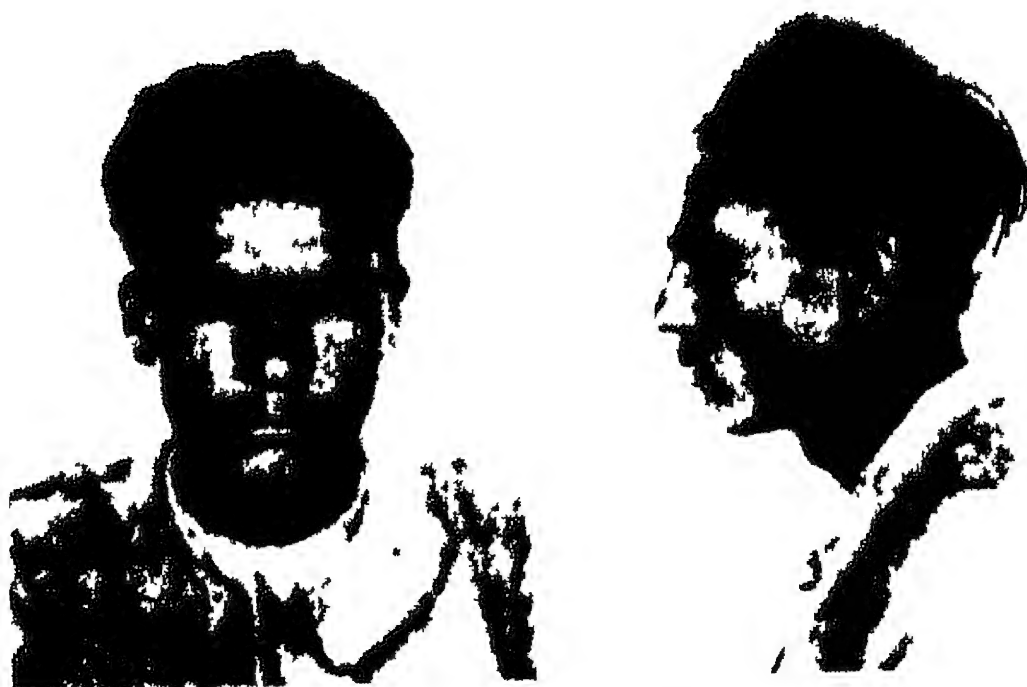


شماره ۳۳۸۰ (سن ۲۵)



شماره ۳۳۷۴ (سن ۲۵)

روستائیان کناره



شماره ۳۳۵۵ (س ۲۵)



شماره ۳۳۵۴ (س ۲۸)

روستائیان کناره



شماره ۳۳۳۴ (س ۳۰)



شماره ۳۳۳۹ (س ۳۰)

روستائیان کناره





شماره ۳۳۴۲ (س ۳۰)



شماره ۳۴۰۵ (س ۳۰)

روستائیان کناره



شماره ۳۳۵۳ (س ۳۰)



شماره ۳۳۸۶ (س ۳۰)

روستائيان كناره



شماره ۳۳۹۹ (س ۳۰)



شماره ۳۳۸۵ (س ۳۵)

روستائیان کناره



شماره ۳۳۴۵ (س ۳۵)



شماره ۳۳۵۶ (س ۳۵)

روستائيان كناره



4193

شماره ۳۳۵۱ (س ۳۵)



شماره ۳۳۶۲ (س ۳۵)

روستائیان کناره



شماره ۳۳۶۱ (س ۳۵)

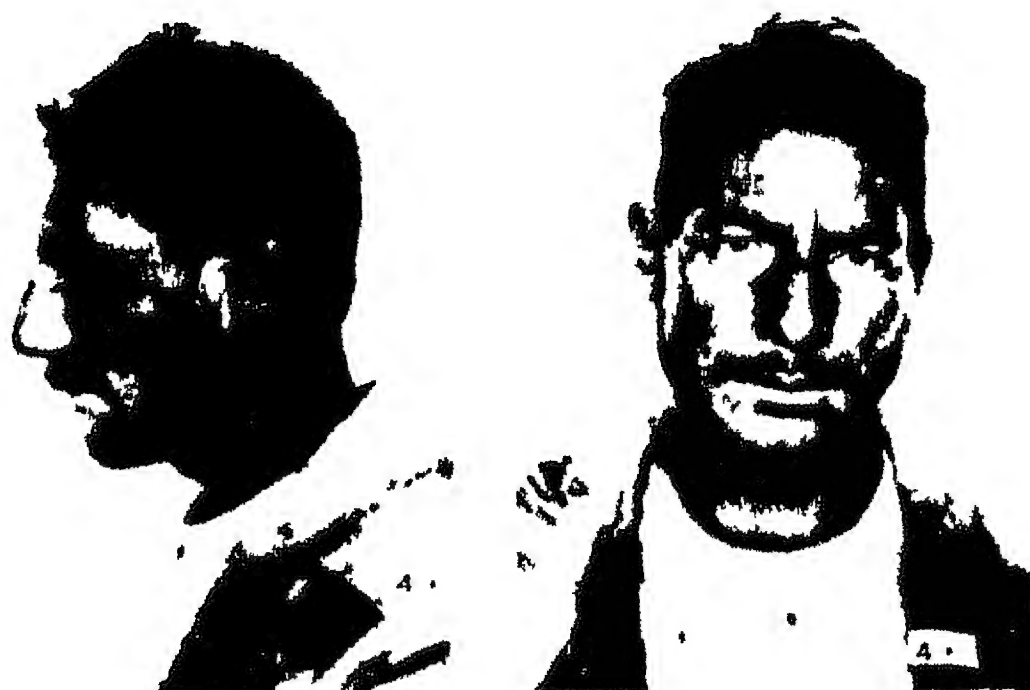


شماره ۳۳۵۹ (س ۳۵)

روستائیان کناره

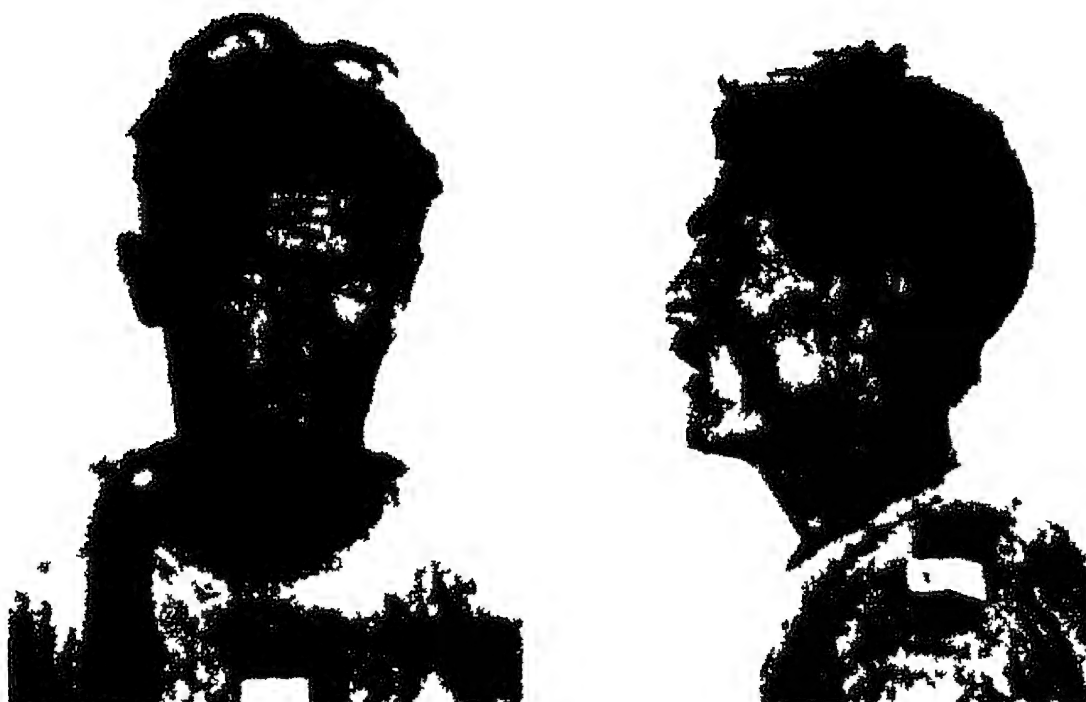


شماره ۳۳۳۷ (س ۳۵)

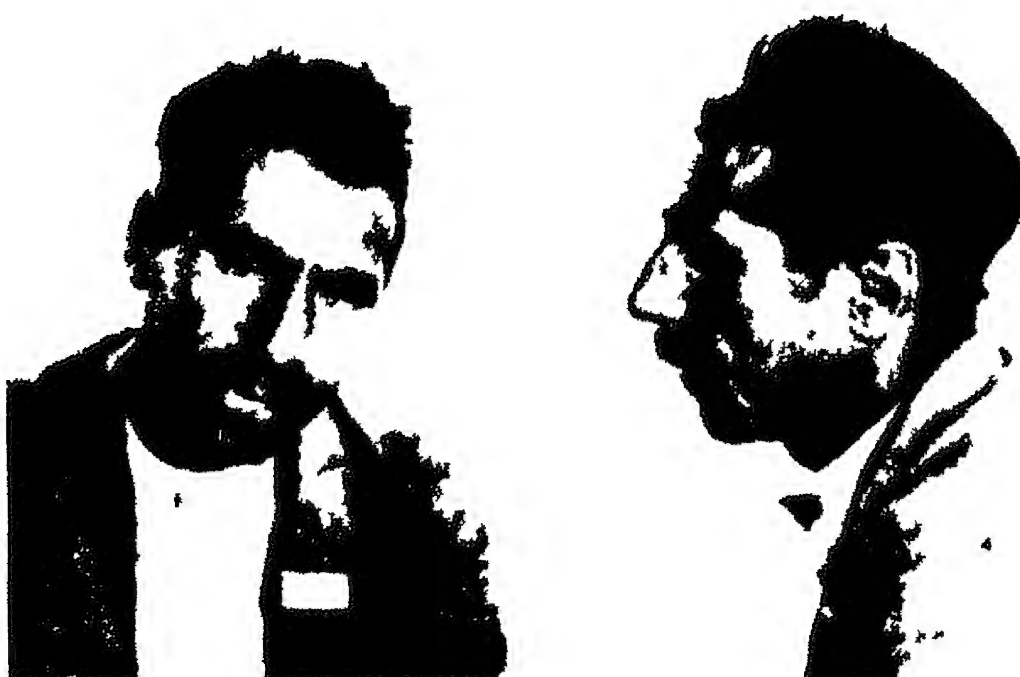


شماره ۳۳۳۵ (س ۳۵)

روستائیان کناره



شماره ۳۳۴۰ (س ۳۶)



شماره ۳۳۷۲ (س ۳۶)

روستائیان کناره



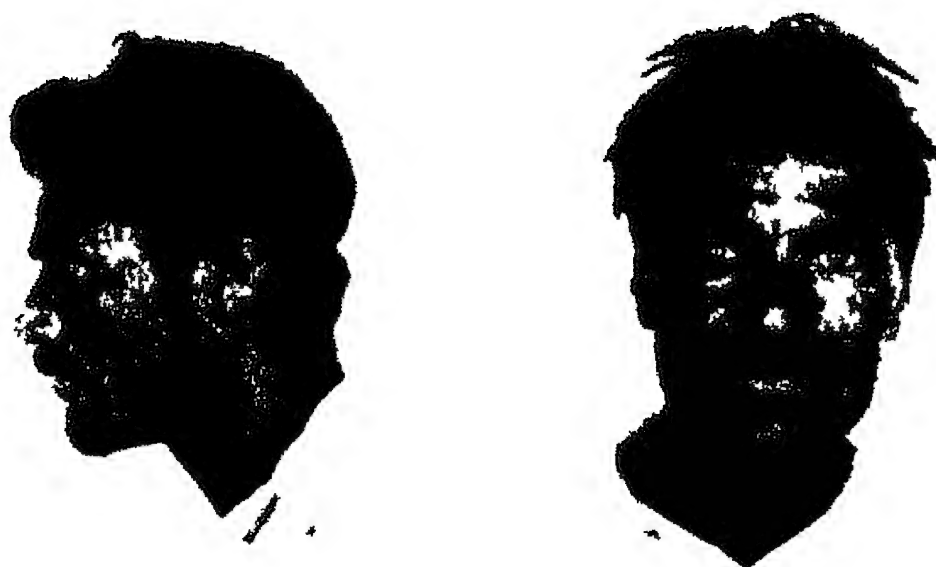


شماره ۳۳۳۸ (س ۴۰)



شماره ۳۳۴۱ (س ۴۰)

روستائیان کناره

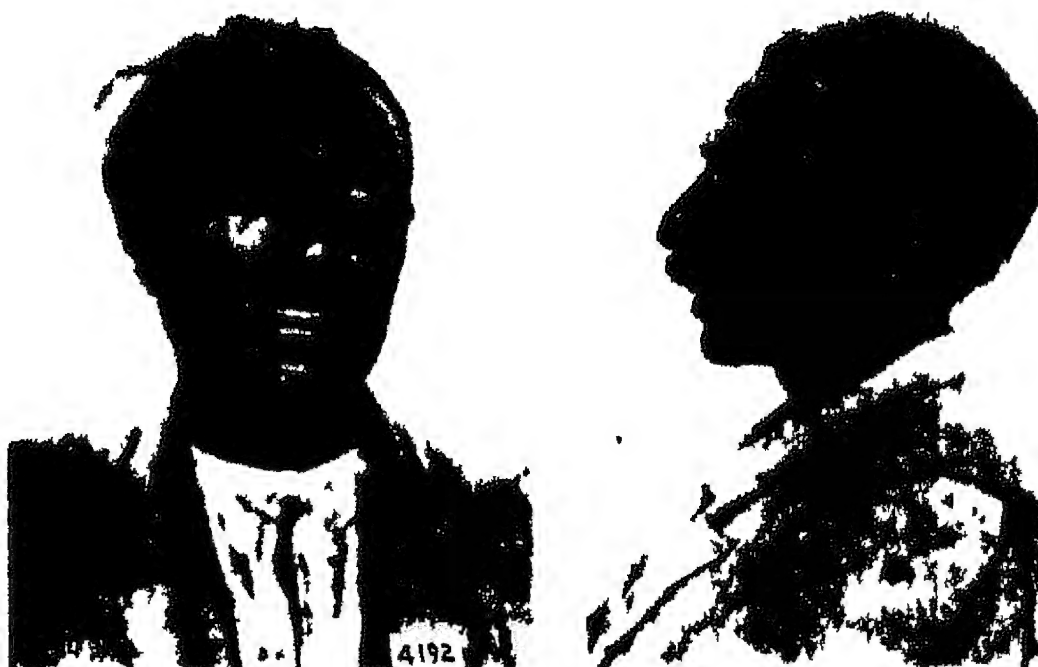


شماره ۳۳۴۳ (س ۴۰)

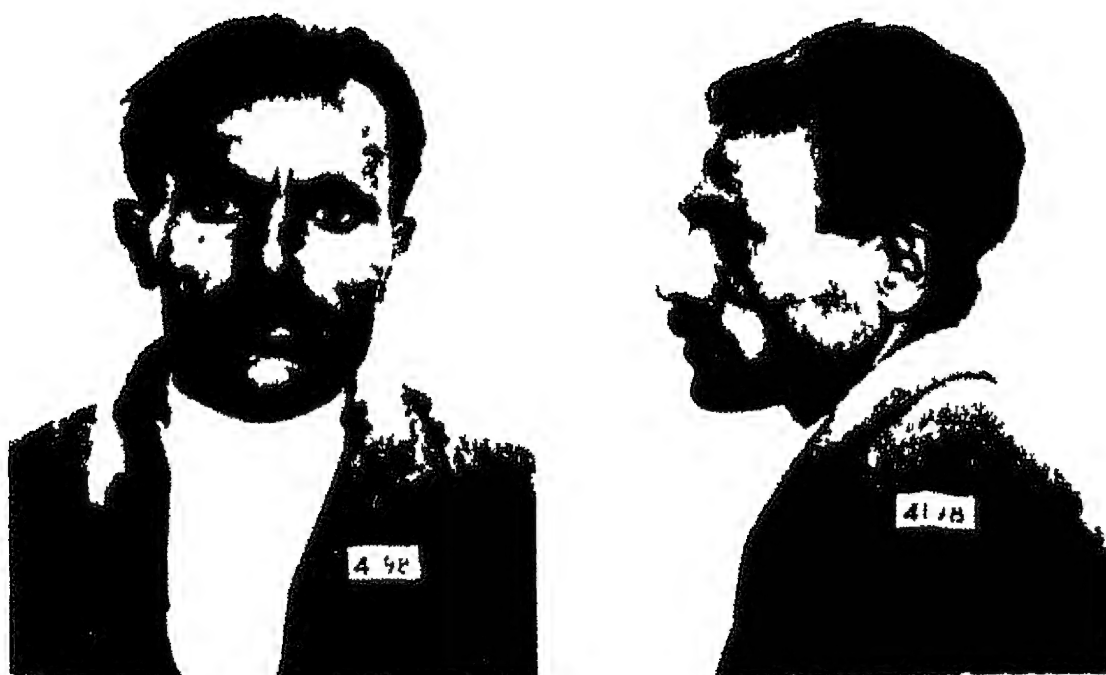


شماره ۳۳۴۶ (س ۴۰)

روستائیان کناره



شماره ۳۳۶۰ (س ۴۰)



شماره ۳۳۶۶ (س ۴۰)

روستائیان کماره



شماره ۳۳۶۹ (س ۳۸)



شماره ۳۳۷۱ (س ۴۰)

روستائیان کناره

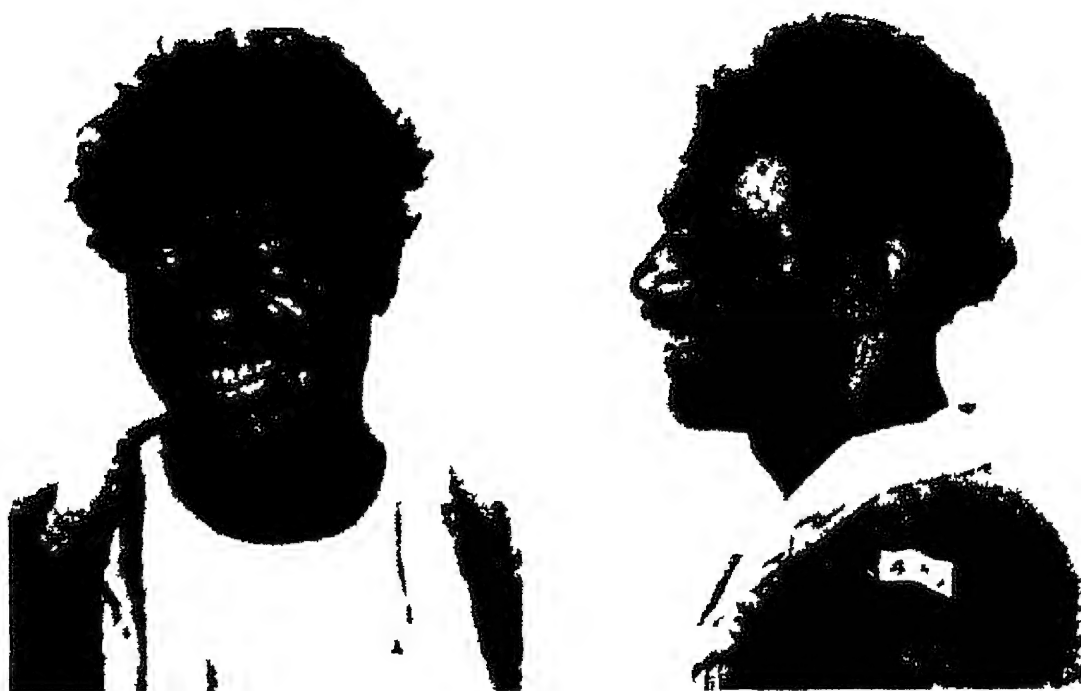


شماره ۳۳۴۹ (س ۴۰)



شماره ۳۳۶۳ (س ۴۰)

روستایان کناره

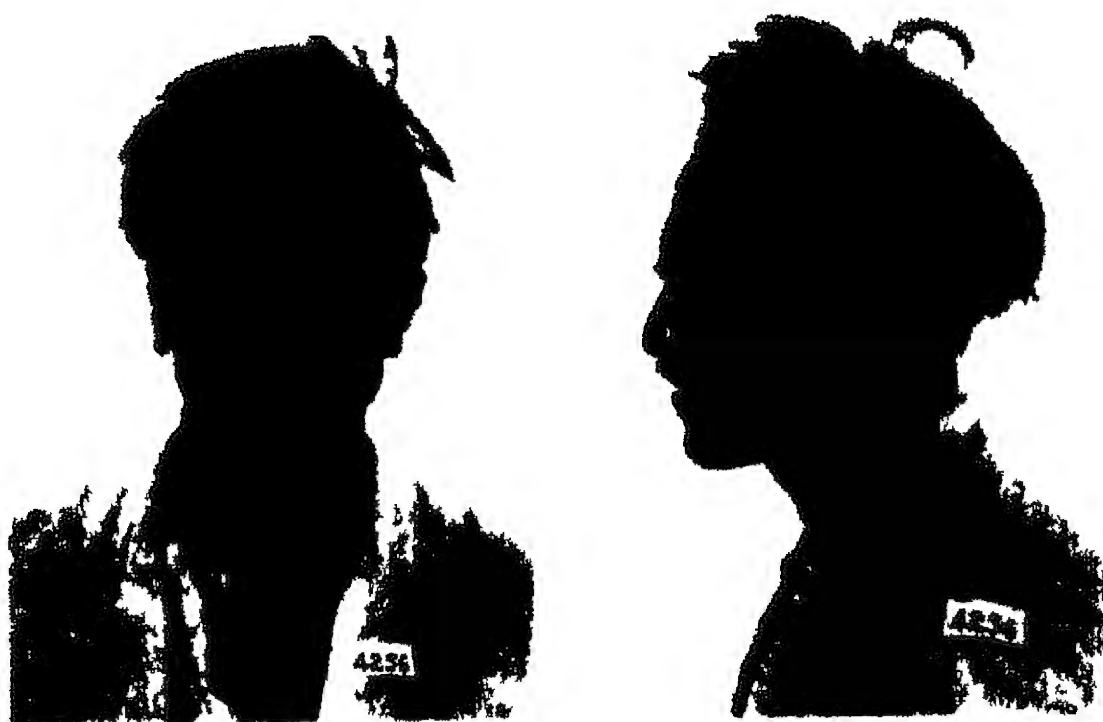


شماره ۳۳۴۸ (س ۴۵)

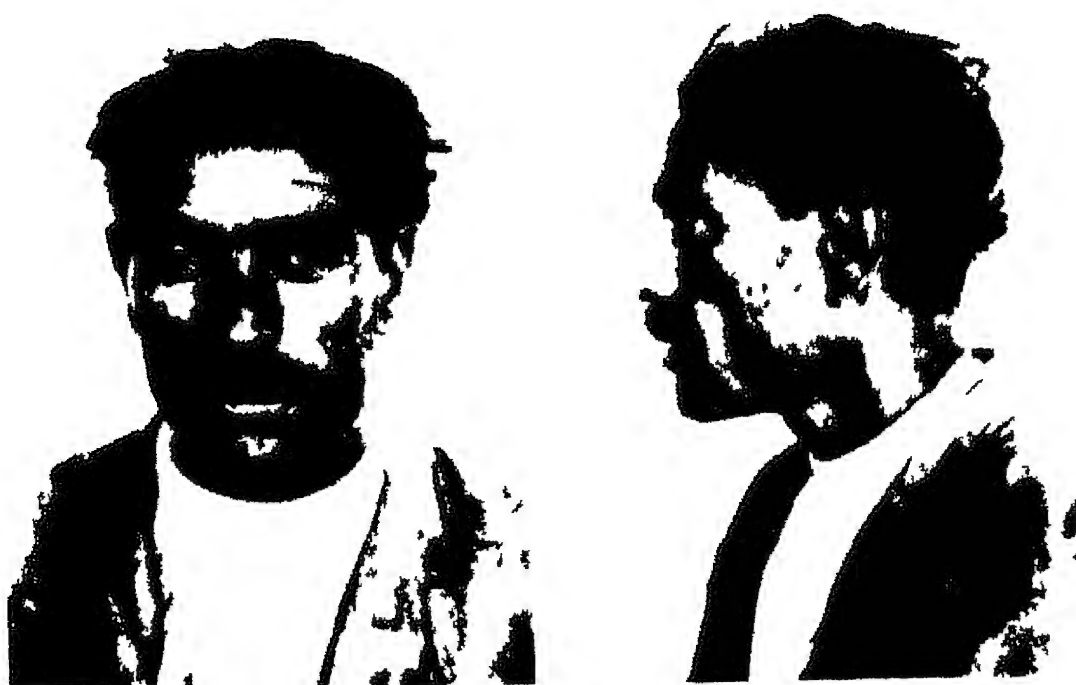


شماره ۳۳۷۰ (س ۴۵)

روستائيان كناره



شماره ۳۳۸۷ (س ۴۰)



شماره ۳۳۶۴ (س ۴۰)

روستائیان کناره



شماره ۳۳۶۷ (س ۴۵)



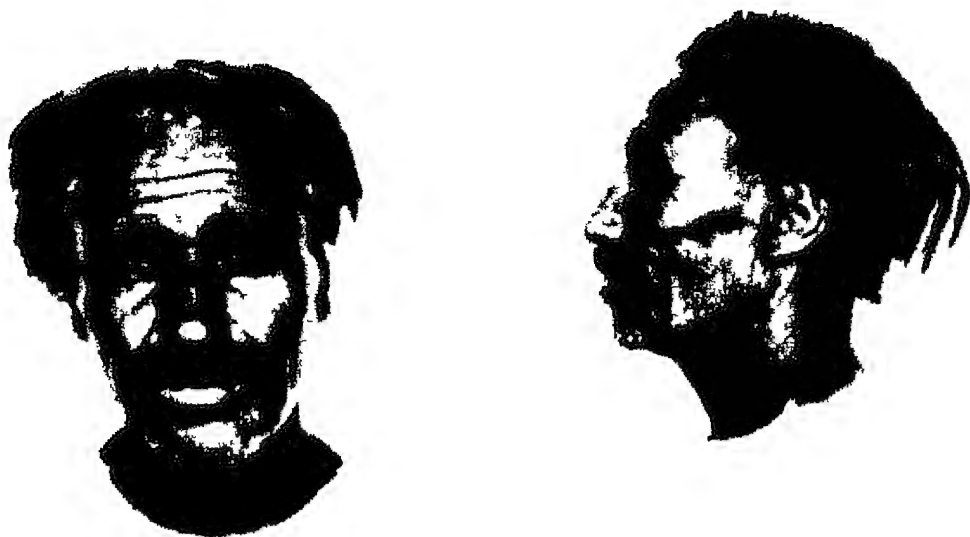
شماره ۳۳۳۶ (س ۴۵)

روستائیان کناره





شماره ۳۳۵۲ (سن ۵۰)



شماره ۳۳۴۴ (سن ۵۰)

روستائیان کناره



شماره ۳۳۴۷ (سن ۵۰)



شماره ۳۳۶۸ (سن ۵۰)

روستائیان کناره

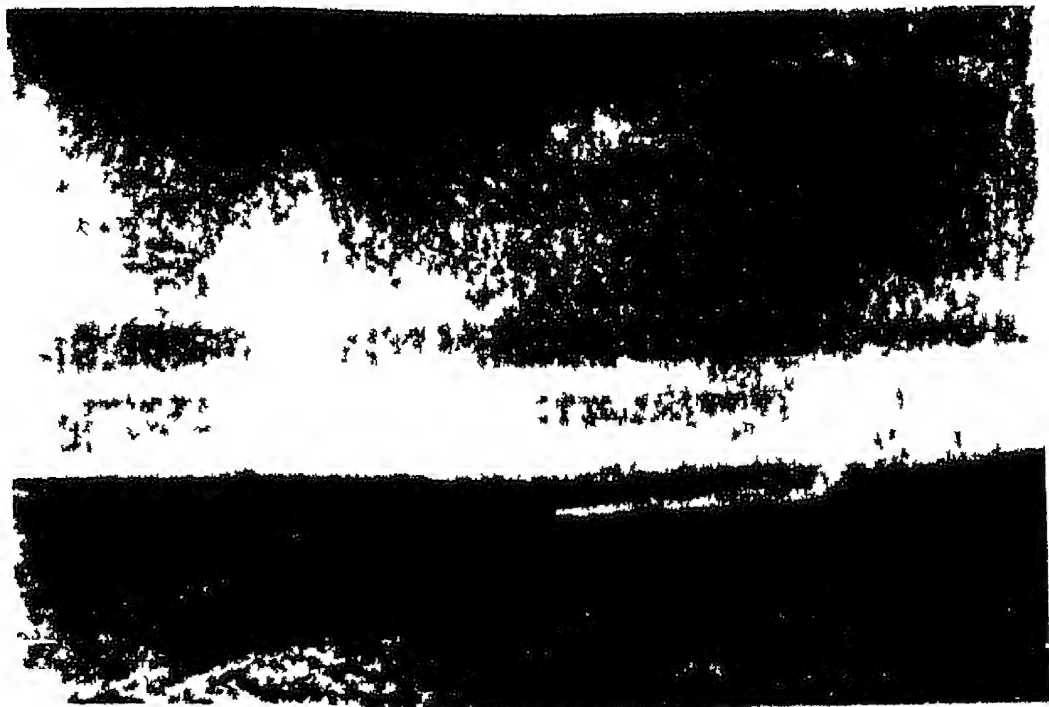


شماره ۳۳۵۸ (س ۵۵)



شماره ۳۳۵۰ (س ۶۰)

روستائیان کباره



شکل ۱ روانه شمال عربی دریاچه مهارلو



شکل ۲ پل شمال نامرو

درجاده شیراز به مهارلو



شکل ۱ . قشرنمک



شکل ۲ . پل فسا پناهگاه کوهستانی در نزدیکی کرانه غربی

دریاچه مهارلو

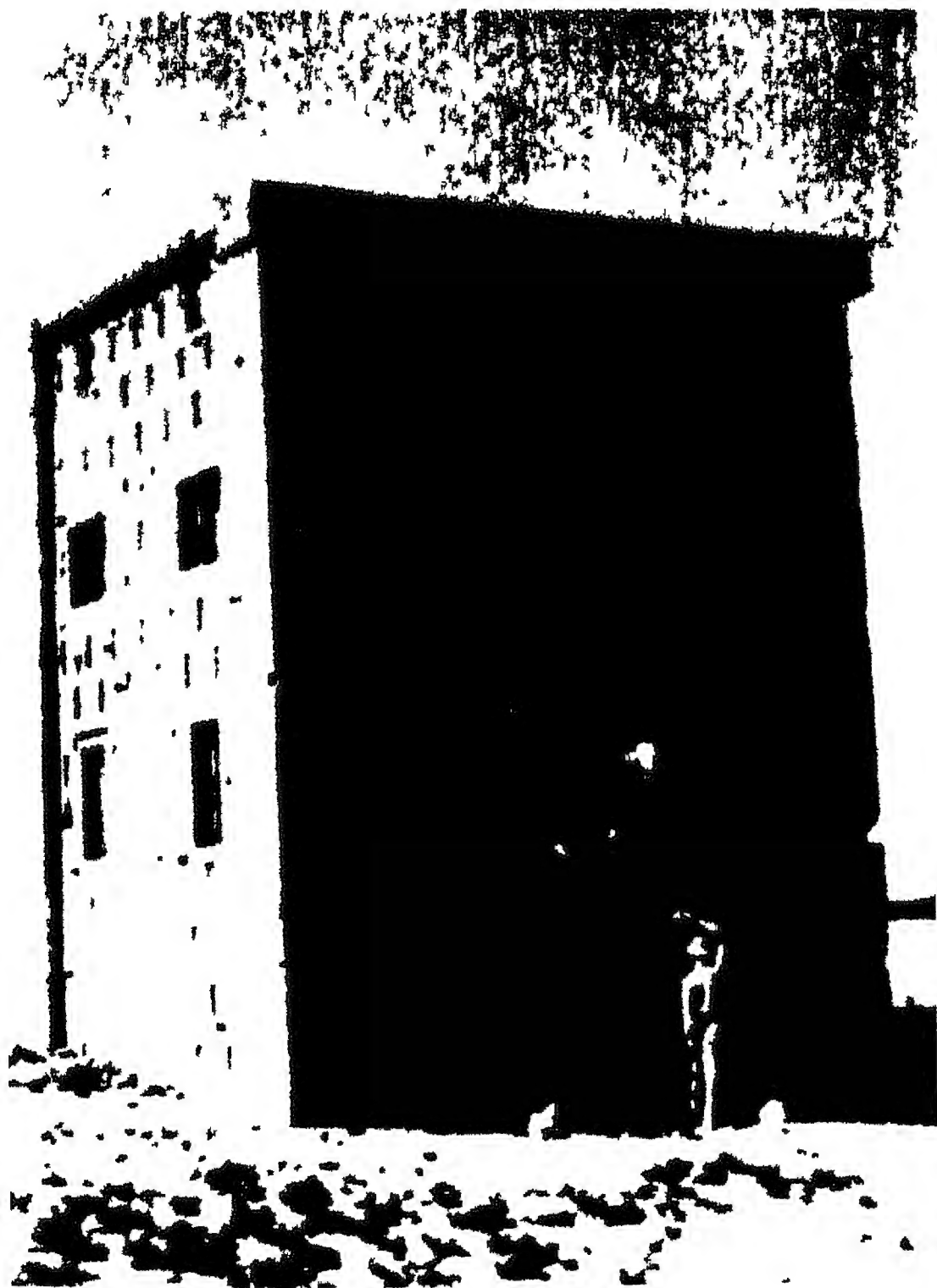


شکل ۱ . آرامگاه



شکل ۲ . نقش شاهپور و والرین

نقش رستم



محل آرامگاه ررشت

نقش رستم



شکل ۱ سای دوآتشکده نقش رسم



شکل ۲ آرامگاه کوروش ، یاسارگاد

بنای تاریخی





شکل ۱ دورمای عربی آرامگاه کوروش



حطوطی بر ستون محاور آرامگاه کوروش

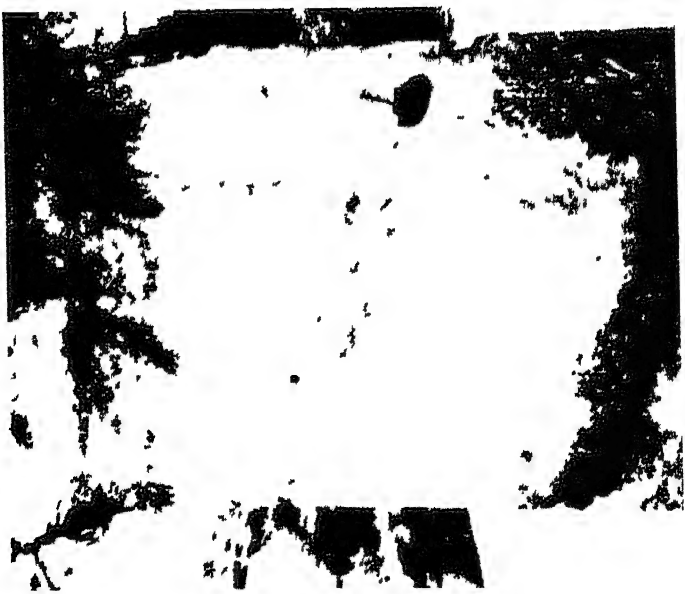
موره تاریخ طوسی ولد



شکل ۲ نقش اسنان تمام قد



مردم شناسی ایران ، تصویر ۱۰۱



شکل ۱ تصویری از اشکال اسنان و حیوان

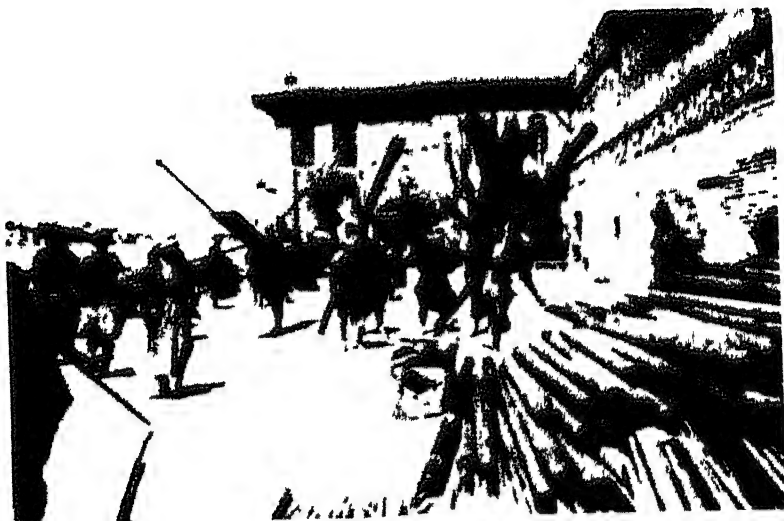
پاسارگاد



شکل ۱ سنگ قبرهای مممش



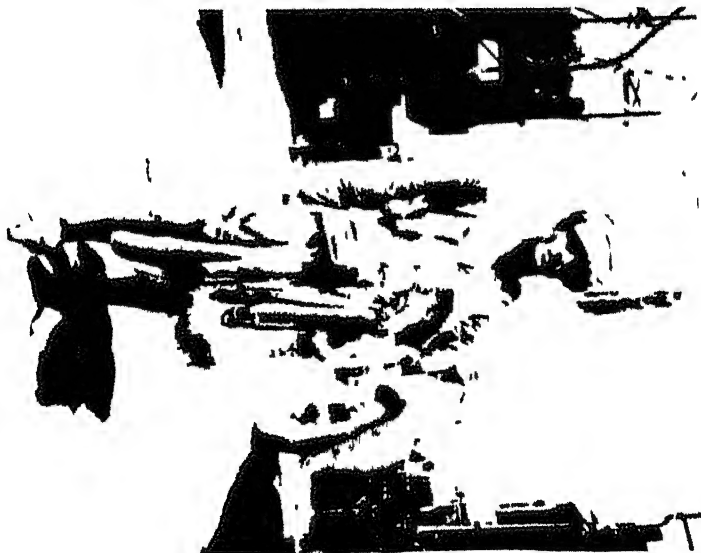
شکل ۲ کتسه‌ای بر پایه ستون آرامگاه کوروش



لرهای پشت کوه ، نارایندار گمرکحاه



لرهای پشت‌کوه در کار بازری  
شندان





شماره ۳۲۹۹ (س ۲۰)

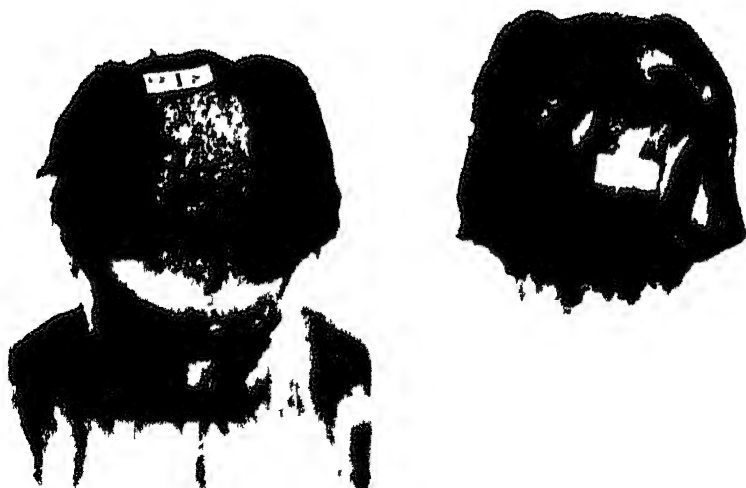


شماره ۳۲۸۹ (س ۲۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۷ (س ۲)



شماره ۳۳۷ (س ۲۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۸۴ (س ۲۰)



شماره ۳۳۱۰ (س ۲۰)

لرهای پشت کوه





شماره ۳۳۱۲ (س ۲۰)



شماره ۳۳۱۳ (س ۲۰)

نرهای پشت کوه



شماره ۳۳۱۷ (سن ۲۰)



شماره ۳۳۲۲ (سن ۲۱)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۰۱ (س ۲۴)



شماره ۳۲۹۶ (س ۲۱)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۲۰ (س ۲۳)



شماره ۳۳۰۶ (س ۲۴)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۲۳ (س ۲۴)



شماره ۳۳۳۰ (س ۲۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۲۷ (س ۲۵)



شماره ۳۳۲۵ (س ۲۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۲۴ (س ۲۵)



شماره ۳۳۱۵ (س ۲۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۰۹ (س ۲۵)



شماره ۳۳۰۵ (س ۲۵)

لرهای پشت کوه





شماره ۳۳۰۸ (سن ۲۵)



شماره ۳۲۸۳ (سن ۲۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۸۷ (سن ۲۵)



شماره ۳۲۹۷ (سن ۲۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۸۶ (س ۱۲۶)



شماره ۳۲۹۸ (س ۲۸)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۱۴ (س ۲۸)



شماره ۳۳۲۶ (س ۲۸)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۸۱ (سن ۳۰)



شماره ۳۲۸۲ (سن ۳۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۸۵ (سن ۳۰)



شماره ۳۲۸۸ (سن ۳۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۹۲ (س ۳۰)



شماره ۳۲۹ (س ۳۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۹۱ (س ۳۰)



شماره ۳۳۰۰ (س ۳۰)

لرهای پشت کوه





شماره ۳۳۰۴ (سن ۳۰)



شماره ۳۳۱۹ (سن ۳۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۲۱ (سن ۳۰)



شماره ۳۳۲۹ (سن ۳۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۱۶ (س ۳۵)



شماره ۳۳۱۱ (س ۳۵)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۹۵ (س ۳۵)



شماره ۳۲۹۴ (س ۳۷)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۰۳ (س ۳۷)



شماره ۳۳۲۸ (س ۴۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۳۰۲ (س ۵۰)



شماره ۳۳۱۸ (س ۵۰)

لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۹۳ (س ۷۰)

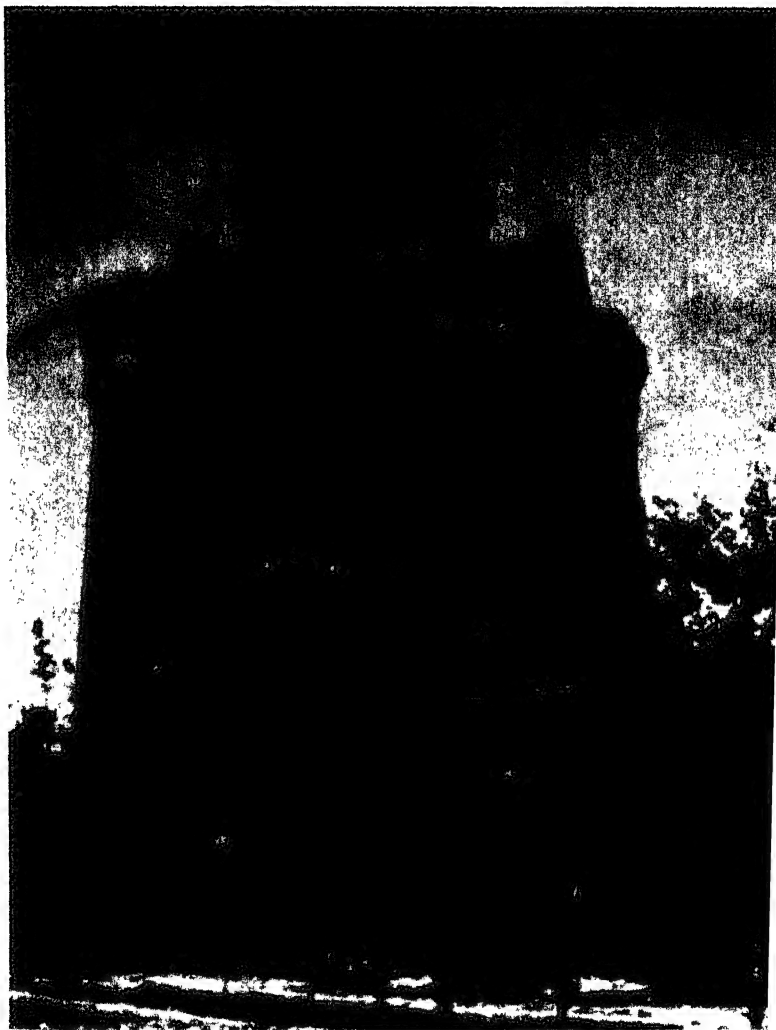
لرهای پشت کوه



شماره ۳۲۹۳ (س ۷۰)

لرهای پشت کوه



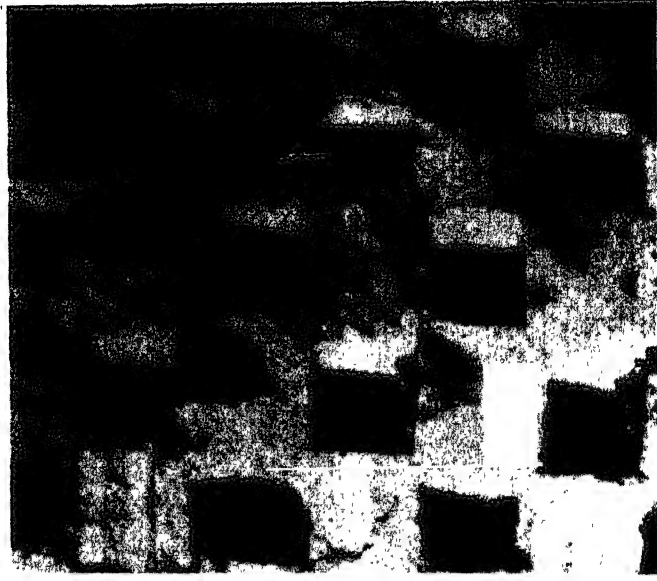


برج کبوتر با گچ‌بری تزئینی

شهرضا



شکل ۲. ردیف لانه‌های منتهی به سقف گنبد



شکل ۱. آجرها، لانه پرندگان

برج کبوتر، اصفهان



شماره ۳۴۶۵ (س ۱۸)



شماره ۳۴۷۳ (س ۱۸)

کارگران ری اهل حسن آباد ری

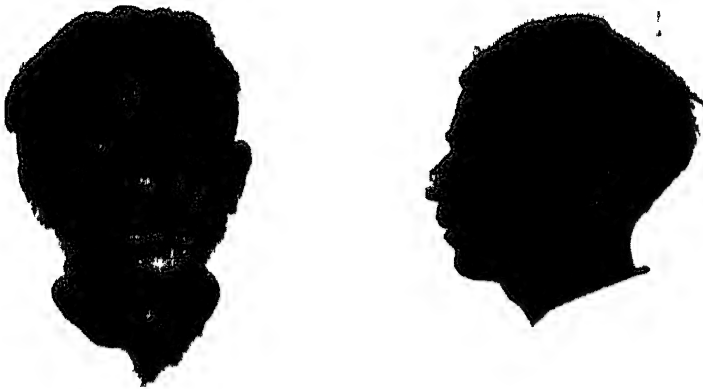


سماره ۳۴۵۷ (س ۲۵)



سماره ۳۴۵۹ (س ۲۲)

کارگران ری اهل دامغان



شماره ۳۴۶۲ (س ۲۵) اهل دامغان



شماره ۳۴۶۳ (س ۲۰) اهل دولت‌آباد



شماره ۳۴۶۱ (س ۲۵) اهل دامغان



شماره ۳۴۶۸ (س ۲۸) اهل قم



شماره ۳۴۶۶ (سن ۳۰) اهل حسین آباد



شماره ۳۴۵۸ (سن ۳۰) اهل دامغان

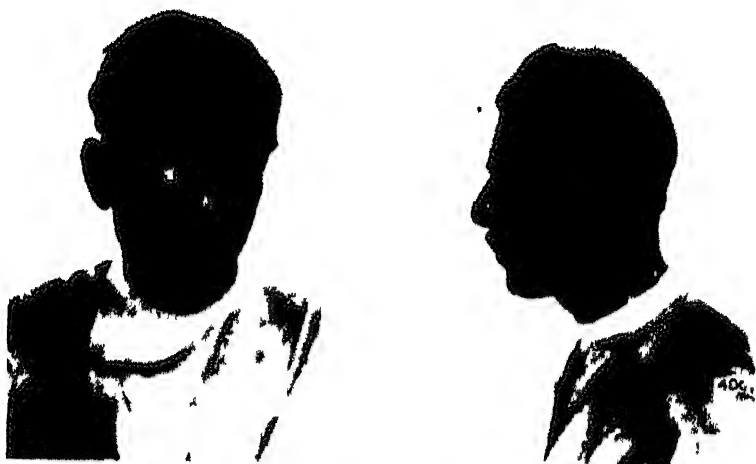


شماره ۳۴۷۲ (سن ۳۵) اهل شیراز



شماره ۳۴۶۷ (سن ۳۵) اهل حسین آباد





شماره ۳۴۶۰ (س ۳۵) اهل دامغان



شماره ۳۴۶۴ (س ۴۲) اهل ناحیه آب‌گنجان ، اصفهان



شکل ۱ جریان رودخانه‌ای در ۵۶ کیلومتری حسین‌آباد



شکل ۲ کوه‌سان ماوراء مساحت کشت شده

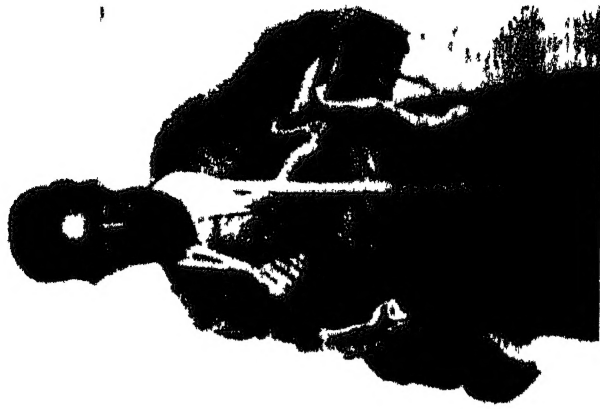
کویر جنوب تهران



مارگسر، در یکی از ناعهای ری



شکل ۲ مردی با کلاه پهلوی و سرریس



شکل ۱ مارگر



درویش ایرانی، ری

